المجلد، ۹۲

بحار الأنوار

الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار

علامه مجلسی

العربية

فارسی

بسم الله الرحمن الرحیم

بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام با ترجمه فارسی

کاتب:

محمدباقر بن محمدتقی علامه مجلسی

نشرت فی الطباعهٔ:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

رقمی الناشر:

مرکز القائمیهٔ باصفهان للتحریات الکمبیوتریهٔ

الفهرس

بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار المجلد ۹۲ : کتاب ذکر و دعا – ۳

اشاره

سرشناسه: مجلسی محمد باقربن محمدتقی ۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ق.

عنوان و نام پدیدآور: بحارالانوار: الجامعه لدرر أخبار الائمه الأطهار تالیف محمدباقر المجلسی.

مشخصات نشر: بیروت داراحیاء التراث العربی [۱۴۴۰].

مشخصات ظاهری: ج - نمونه.

یادداشت: عربی.

یادداشت: فهرست نویسی بر اساس جلد بیست و چهارم، ۱۴۰۳ق. [۱۳۶۰].

یادداشت: جلد۲۴،۵۲،۶۵،۶۶،۶۷،۸۷،۹۲،۹۱،۹۴،۱۰۳،۱۰۸(چاپ سوم: ۱۴۰۳ق.=۱۹۸۳م.=[۱۳۶۱]).

یادداشت: کتابنامه.

مندرجات: ج .۲۴. کتاب الامامه. ج.۵۲. تاریخ الحجه. ج۶۵،۶۶،۶۷. الایمان و الکفر. ج.۸۷. کتاب الصلاه . ج. ۹۱،۹۲ .الذکر و الدعا. ج. ۹۴. کتاب السوم. ج.۱۰۳.فهرست المصادر. ج.۱۰۸.الفهرست.-

موضوع: احادیث شیعه — قرن ۱۱ق

رده بندی کنگره: BP۱۳۵/م۳ب۳۱۳۰۰ ی ح

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۸۰۹۴۶

ص: ۱

**[ترجمه]

سرشناسه : مجلسی، محمد باقربن محمدتقی، ۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ق.

عنوان قراردادی : بحار الانوار .فارسی .برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : ترجمه بحارالانوار/ مترجم گروه مترجمان؛ [برای] نهاد کتابخانه های عمومی کشور.

مشخصات نشر : تهران: نهاد کتابخانه های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر، ۱۳۹۲ -

مشخصات ظاهری : ج.

شابک : دوره : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۶-۵ ؛ ج.۱ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۷-۲ ؛ ج.۲ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۸-۹ ؛ ج.۳ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۹-۶ ؛ ج.۴ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰۷۰-۲ : ؛ ج.۵ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۱-۹ : ؛ ج.۶ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۲-۶ : ؛ ج.۷ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۳-۳ : ؛ ج.۸ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۴-۰ ؛ ج.۱۰ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۶-۴ : ؛ ج.۱۱ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۳-۲ : ؛ ج.۱۲ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۶-۵ : ؛ ج.۱۳ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۵-۶ : ؛ ج.۱۴ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۶-۳ : ؛ ج.۱۵ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۷-۰ : ؛ ج.۱۶:۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۸-۷ ؛ ج.۱۷:۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۹-۴ ؛ ج.۱۸: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۰-۰ ؛ ج.۱۹:۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۱-۷ ؛ ج.۲۰:۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۲-۴ ؛ ج.۲۱: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۳-۱ ؛ ج.۲۲:۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۴-۸ ؛ ج.۲۳:۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۵-۵

مندرجات : ج.۱. کتاب عقل و علم و جهل.- ج.۲. کتاب توحید.- ج.۳. کتاب عدل و معاد.- ج.۴. کتاب احتجاج و مناظره.- ج. ۵. تاریخ پیامبران.- ج.۶. تاریخ حضرت محمد صلی الله علیه وآله.- ج.۷. کتاب امامت.- ج.۸. تاریخ امیرالمومنین.- ج.۹. تاریخ حضرت زهرا و امامان والامقام حسن و حسین و سجاد و باقر علیهم السلام.- ج.۱۰. تاریخ امامان والامقام حضرات صادق، کاظم، رضا، جواد، هادی و عسکری علیهم السلام.- ج.۱۱. تاریخ امام مهدی علیه السلام.- ج.۱۲. کتاب آسمان و جهان - ۱.- ج.۱۳. آسمان و جهان - ۲.- ج.۱۴. کتاب ایمان و کفر.- ج.۱۵. کتاب معاشرت، آداب و سنت ها و معاصی و کبائر.- ج.۱۶. کتاب مواعظ و حکم.- ج.۱۷. کتاب قرآن، ذکر، دعا و زیارت.- ج.۱۸. کتاب ادعیه.- ج.۱۹. کتاب طهارت و نماز و روزه.- ج.۲۰. کتاب خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، عقود و معاملات و قضاوت

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

یادداشت : ج.۲ - ۸ و ۱۰ - ۱۶ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیپا).

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۱ق.

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور، مجری پژوهش

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور. موسسه انتشارات کتاب نشر

رده بندی کنگره : BP۱۳۵/م۳ب ۳۰۴۲۱۶۷ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۴۸۹۸۵

ص: ۱

**[ترجمه]

تتمه أبواب أحراز النبی و الأئمه علیهم السلام

باب ۵۳ الدعاء عند شروع عمل فی الساعات و الأیام المنحوسه و ما یدفع الفال و الطیره

الأخبار

«۱»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] الْفَحَّامُ عَنِ الْمَنْصُورِیِّ عَنْ سَهْلِ بْنِ یَعْقُوبَ بْنِ إِسْحَاقَ الْمُلَقَّبِ بِأَبِی نُوَاسٍ الْمُؤَدِّبِ فِی الْمَسْجِدِ الْمُعَلَّقِ فِی صُفَّهِ سُبَیْقٍ بِسُرَّ مَنْ رَأَی قَالَ الْمَنْصُورِیُّ: وَ کَانَ یُلَقَّبُ بِأَبِی نُوَاسٍ لِأَنَّهُ کَانَ یَتَخَالَعُ وَ یَتَطَیَّبُ مَعِی وَ یُظْهِرُ التَّشَیُّعَ عَلَی الطَّیِّبَهِ فَیَأْمَنُ عَلَی نَفْسِهِ فَلَمَّا سَمِعَ الْإِمَامُ علیه السلام لَقَّبَنِی بِأَبِی نُوَاسٍ قَالَ یَا أَبَا السَّرِیِّ أَنْتَ أَبُو نُوَاسٍ الْحَقُّ وَ مَنْ تَقَدَّمَکَ أَبُو نُوَاسٍ الْبَاطِلُ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ ذَاتَ یَوْمٍ یَا سَیِّدِی قَدْ وَقَعَ لِی اخْتِیَارَاتُ الْأَیَّامِ عَنْ سَیِّدِنَا الصَّادِقِ علیه السلام مِمَّا حَدَّثَنِی بِهِ الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُطَهَّرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَیْمَانَ الدَّیْلَمِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَیِّدِنَا الصَّادِقِ علیه السلام فِی کُلِّ شَهْرٍ فَأَعْرِضُهُ عَلَیْکَ فَقَالَ لِی افْعَلْ فَلَمَّا عَرَضْتُهُ عَلَیْهِ وَ صَحَّحْتُهُ قُلْتُ لَهُ یَا سَیِّدِی فِی أَکْثَرِ هَذِهِ الْأَیَّامِ قَوَاطِعُ عَنِ الْمَقَاصِدِ لِمَا ذُکِرَ فِیهَا مِنَ التَّحَیُّرِ وَ الْمَخَاوِفِ فَتَدُلُّنِی عَلَی الِاحْتِرَازِ مِنَ الْمَخَاوِفِ فِیهَا فَإِنَّمَا تَدْعُونِی الضَّرُورَهُ إِلَی التَّوَجُّهِ فِی الْحَوَائِجِ فِیهَا فَقَالَ لِی یَا سَهْلُ إِنَّ لِشِیعَتِنَا بِوَلَایَتِنَا لَعِصْمَهً لَوْ سَلَکُوا بِهَا فِی لُجَّهِ الْبِحَارِ الْغَامِرَهِ وَ سَبَاسِبِ الْبِیدِ الْغَائِرَهِ(۱) بَیْنَ السِّبَاعِ وَ الذِّئَابِ وَ أَعَادِی الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ لَأَمِنُوا مِنْ مَخَاوِفِهِمْ

۱- ۱. السباسب جمع سبسب و هو المفازه، أو الأرض المستویه البعیده و البید جمع البیداء.

بِوَلَايَتِهِمْ لَنَا فَثِقْ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَخْلِصْ فِي الْوَلَاءِ لِأَئِمَّتِكَ الطَّاهِرِينَ وَ تَوَجَّهْ حَيْثُ شِئْتَ وَ اقْصِدْ مَا شِئْتَ إِذَا أَصْبَحْتَ وَ قُلْتَ ثَلَاثاً أَصْبَحْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمَامِكَ وَ جِوَارِكَ الْمَنِيعِ الَّذِي لَا يُطَاوَلُ وَ لَا يُحَاوَلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ طَارِقٍ وَ غَاشِمٍ مِنْ سَائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَ مَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَ النَّاطِقِ فِي جُنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِبَاسٍ سَابِغَةٍ هُوَ وَلَاءُ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُحْتَجِزاً مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي أَذِيَّةً بِجِدَارٍ حَصِينِ الْإِخْلَاصِ فِي الِاعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ وَ التَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ جَمِيعاً مُوْقِناً أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَ مَعَهُمْ وَ فِيهِمْ وَ بِهِمْ أُوَالِي مَنْ وَالَوْا وَ أُجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا فَأَعِذْنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا أَتَّقِيهِ يَا عَظِيمُ حَجَزْتُ الْأَعَادِيَ عَنِّي بِبَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِنَّا جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لا يُبْصِرُونَ وَ قُلْتَهَا عَشِيّاً ثَلَاثاً حَصَلْتَ فِي حِصْنٍ مِنْ مَخَاوِفِكَ وَ أَمْنٍ مِنْ مَحْذُورِكَ فَإِذَا أَرَدْتَ التَّوَجُّهَ فِي يَوْمٍ قَدْ حَذِرْتَ فِيهِ فَقَدِّمْ أَمَامَ تَوَجُّهِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ سُورَةَ الْقَدْرِ وَ آخِرَ آيَةٍ فِي سُورَةِ آلِ عِمْرَانَ وَ قُلِ اللَّهُمَّ بِكَ يَصُولُ الصَّائِلُ وَ بِقُدْرَتِكَ يَطُولُ الطَّائِلُ وَ لَا حَوْلَ لِكُلِّ ذِي حَوْلٍ إِلَّا بِكَ وَ لَا قُوَّةَ يَمْتَارُهَا ذُو قُوَّةٍ إِلَّا مِنْكَ بِصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ خِيَرَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ عِتْرَتِهِ وَ سُلَالَتِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ صَلِّ عَلَيْهِمْ وَ اكْفِنِي شَرَّ هَذَا الْيَوْمِ وَ ضَرَرَهُ وَ ارْزُقْنِي خَيْرَهُ وَ يُمْنَهُ وَ اقْضِ لِي فِي مُتَصَرَّفَاتِي بِحُسْنِ الْعَاقِبَةِ وَ بُلُوغِ الْمَحَبَّةِ

وَ الظَّفَرِ بِالْأُمْنِيَّةِ وَ كِفَايَةِ الطَّاغِيَةِ الْغَوِيَّةِ وَ كُلِّ ذِي قُدْرَةٍ لِي عَلَى أَذِيَّةٍ حَتَّى أَكُونَ فِي جُنَّةٍ وَ عِصْمَةٍ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَ نَقِمَةٍ وَ أَبْدِلْنِي مِنَ الْمَخَاوِفِ أَمْناً وَ مِنَ الْعَوَائِقِ فِيهِ يُسْراً وَ حَتَّى لَا يَصُدَّنِي صَادٌّ عَنِ الْمُرَادِ وَ لَا يَحُلَّ بِي طَارِقٌ مِنْ أَذَى الْعِبَادِ إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ وَ الْأُمُورُ إِلَيْكَ تَصِيرُ يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْ ءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ(۱).

**[ترجمه]أمالي: سهل بن یعقوب بن اسحاق به ابونواس ملقب بود. منصوریّ گفت: او به ابی نواس لقب گرفت؛ زیرا با من شوخی و مزاح می کرد و حتی مذهب تشیع خود را به شوخی آشکار می‌گرداند تا جان خود را حفظ کند، وقتی امام علیه السلام شنید مرا به ابی نواس لقب داد و فرمود: ای ابا سری، تو ابو نواس حقیقی هستی و هر ابو نواسی غیر تو باطل است. نقل کرد: روزی از ایشان پرسیدم: مولای من، میمنت و نحوست روزهای هر ماهی از مولایمان حضرت صادق علیه السلام به دست من رسید که آن را حسن بن عبدالله بن مطهر از محمد بن سلیمان دیلمی از پدرش از مولایمان حضرت صادق علیه السلام نقل کرد ، آیا آن را بر شما عرضه کنم؟ فرمودند: بگو.

زمانی که آن را بر وی خواندم و تصحیح کردم، عرض کردم: ای مولای من! در بسیاری از این روزها، به دلیل سرگردانی و ترس‌هایی که وجود دارد موانعی پیدا می‌شود که مرا از رسیدن به مقاصدم بازمی‌دارد و این موانع سبب می‌شود تا در این روزها تلاش کنم خود را از این ترس‌ها دور بدارم، و از طرف دیگر ضرورت ها مرا بر آن می‌دارد تا به سمت برآوردن حاجات خود روی آورم. ایشان به من فرمودند: ای سهل، شیعه ما به واسطه ولایت ما، چنان محفوظ و مصون است که اگر با آن در گرداب دریاهای ژرف و وسط بیابان‌های دور و میان درندگان و گرگ‌ها و دشمنانی از جن و انس رها شود، از تمامی این بیم و هراس‌ها ایمن است. پس به خداوند عزّ و جلّ اعتماد کن و ولایت خود از امامان پاک‌نهاد را خالص گردان، آنگاه به هر کجا که می‌خواهی برو، و هر کاری که خواستی انجام ده و صبحگاهان سه بار بگو:

«خدایا، صبح را در حالی آغاز نموده ام که به رشته پیمان استوار تو چنگ زده ام و به پناهگاه خلل ناپذیرت- که دست تجاوز بدان نرسد و راه نفوذ به آن بسته است- پناه آورده ام تا از گزند هر حادثه و بیدادگری، از تمامی آفریدگانت، از آدمیان و غیر آنان، چه آن ها که خموش اند و چه آن ها که گویا هستند، محفوظ بمانم و به واسطه تن پوش پر برکت و ایمنی بخشی که همانا دوستی خاندان پیامبر تو صلوات اللّه علیهم أجمعین است، از هر امر ترسناکی در امان باشم؛ چنان که از هر آن کس که قصد آزارم کند، به دیوار امن اخلاص پناهنده شوم؛ اخلاص در اعتراف به حقّ آنان و چنگ زدن به رشته دوستی شان و با یقین به این که حق از آن آن ها، در نزد آن ها، از طرف آن ها، در میان آن ها و به وسیله آن هاست. دوست دارم هر که را آنان دوست دارند و دشمن ام با هر که آنان با او در ستیزند و دوری می جویم از هر که آنان از وی دوری جویند. پس خدایا، به حقّ ایشان مرا از گزند آن چه از آن بیمناک ام ایمن بدار ای بزرگ؛ به قدرت خالق آسمانها و زمین، بین خودم و دشمنان مانع قرار دادم؛ «وَ جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْديهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لايُبْصِرُونَ: {و فرا روی آنها سدّی و پشت سرشان سدّی نهاده و پرده ای بر آنان فروگسترده ایم، درنتیجه نمی توانند ببینند}.

و شامگاهان آن را سه بار می گویی، پس در پناه و ایمنی از بیم‌ها و نگرانی هایت قرار می گیری، و هر گاه خواستی در روزی که از آن بیم

داری، به جایی روی، قبل از رفتن سوره‌های حمد، معوذتین، آیه الکرسی، قدر، و آیه آخر سوره آل عمران را بخوان و بگو:

خدایا، به مدد تو، مهاجم، حمله می‌کند و به قدرت تو بخشنده ارزانی می‌دارد و هیچ دگرگونی برای دگرگون‌کننده‌ای نیست جز به تو، و هیچ قدرتی جز نیروی تو نیست، به برگزیده مخلوقات و بهترینان بندگانت، پیامبرت محمد و خاندان و فرزندانش علیه و علیه السلام، بر آنان درود فرست و مرا از شر و خسران این روز کفایت کن، و خیر و برکت آن را روزی‌ام گردان و عاقبت کارهایم را ختم به خیر و محبت قرار ده و مرا به آرزوهایم کامیاب گردان، و از شر طاغوت گمراه و هر قدرتی که قصد آزار مرا دارد، کفایت کن، تا از شر هر بلاـ و گرفتاری، محفوظ و ایمن باشم، مرا از بیم‌هایم در امان دار و مشکلاتم را آسان گردان، تا هیچ بازدارنده‌ای مانع از مقصودم نشود و آزاری از بندگانت به من وارد نشود، به راستی که تو بر هر چیز توانایی، و بازگشت امور به سوی توست، ای کسی که مانندی نداری و شنوا و بیناست. - . امالی الطوسی۱:۲۸۳، مراجعه کن به شرح حدیث در جلد ۲۷:۵۹. -

**[ترجمه]

«۲»

مکا، [مکارم الأخلاق] فِی الْفَالِ وَ الطِّیَرَهِ فِی الْحَدِیثِ: أَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله کَانَ یُحِبُّ الْفَالَ

ص: ۲

۱- ۱. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۲۸۳ و قد مر الحدیث مشروحا فی ج ۵۹ ص ۲۷ فراجع.

الْحَسَنَ وَ يَكْرَهُ الطِّيَرَةَ وَ كَانَ علیه السلام يَأْمُرُ مَنْ رَأَى شَيْئاً يَكْرَهُهُ وَ يَتَطَيَّرُ مِنْهُ أَنْ يَقُولَ اللَّهُمَّ لَا يُؤْتِي الْخَيْرَ إِلَّا أَنْتَ وَ لَا يَدْفَعُ السَّيِّئَاتِ إِلَّا أَنْتَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ (۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: در فال نیک و بـد زدن: در روایت است که پیامبر صـلی الله علیه و آله، فال نیک زدن را می‌پسـندیند و از فال بـد، اکراه داشـتند و به کسـی که دیـدن برخی چیزها را به فال بـد می‌گرفت، می‌فرمودنـد تا بگویـد: «خداوند، خیر تنها از سوی توست، و تویی که بدی‌ها را دور می‌کنی، و هیچ دگرگونی و قدرتی جز به تو تحقق نمی‌یابد». - . مکارم الاخلاق: ۴۰۳ -

**[ترجمه]

«۳»

مكا، [مكارم الأخلاق]: مَا يُقَالُ إِذَا اضْطُرَّ الْإِنْسَانُ إِلَى التَّوَجُّهِ فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ الَّتِي نُهِيَ عَنِ السَّعْيِ فِيهَا فِي دُبُرِ كُلِّ فَرِيضَةٍ وَ هُوَ مِنْ أَدْعِيَةِ الْفَرَجِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَحُلُّ بِهَا كُلَّ عُقْدَةٍ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَجْلُو بِهَا كُلَّ ظُلْمَةٍ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَفْتَحُ بِهَا كُلَّ بَابٍ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَسْتَعِينُ بِهَا عَلَى كُلِّ شِدَّةٍ وَ مُصِيبَةٍ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَعْتَصِمُ بِهَا مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ أُحَاذِرُهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَسْتَوْجِبُ بِهَا الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الرِّضَا مِنَ اللَّهِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَفَرَّقَ أَعْدَاءُ اللَّهِ وَ غَلَبَتْ حُجَّةُ اللَّهِ وَ بَقِيَ وَجْهُ اللَّهِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ رَبَّ الْأَرْوَاحِ الْفَانِيَةِ وَ رَبَّ الْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ وَ رَبَّ الشُّعُورِ الْمُتَمَعِّطَةِ وَ الْجُلُودِ الْمُمَزَّقَةِ وَ رَبِّ الْعِظَامِ النَّخِرَةِ وَ رَبِّ السَّاعَةِ الْقَائِمَةِ أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَ افْعَلْ بِي ذَلِكَ بِخَفِيِّ لُطْفِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ آمِينَ آمِينَ (۲).

۱- ۱. مكارم الأخلاق ص ۴۰۳.

۲- ۲. مكارم الأخلاق ص ۵۵۸.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: هنگامی که انسان مجبور می‌شود، به کار و فعالیت در روزهایی روی بیاورد که از آن نهی شده است، این دعا را بعد از هر نماز واجب بخواند که از دعاهای گشایش است:

هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدا تحقق نمی‌پذیرد، و با آن هر گره‌ای را باز می‌کنم، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدا تحقق نمی‌پذیرد و با آن هر تاریکی را جلا می‌بخشم، هیچ دگرگونی و قدرتی جز خدا نیست و با آن هر دری را باز می‌کنم، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدا تحقق نمی‌یابد و با آن بر هر سختی و مصیبتی استعانت می‌طلبم، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدا تحقق نمی‌پذیرد و با آن خود را از هر امر ناخوشایندی که می‌هراسم در امان می‌دارم، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدا نیست و با آن خود را مستحق بخشش، عافیت و رضایت خداوند می‌گردانم، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدا تحقق نمی‌یابد، دشمنان خداوند پراکنده گشتند و حجت خداوند پیروز گشت و روی خداوند باقی ماند، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدا نیست، خداوندا ای پروردگار جان‌های از بین رونده، و ای پروردگار پیکرهای فرسوده، و ای پروردگار موهای ژولیده و پوست‌های پاره گشته، و ای پروردگار استخوان‌های پوسیده، و ای پروردگار لحظه‌ای که برپامی... شود، پروردگارا از تو می‌خواهم بر محمد و آل محمد و خاندان پاک او، درود و رحمت فرستی و در حق من چنین کنی .... با لطف پنهان خود، ای صاحب شکوه و بزرگی، اجابت فرما اجابت فرما. - . مکارم الاخلاق: ۵۵۸ -

**[ترجمه]

باب ۵۴ ما یجوز من النشره و التمیمه و الرقیه و العوذه و ما لا یجوز و آداب حمل العوذات و استعمالها

اشاره

باب ۵۴ ما یجوز من النشره و التمیمه و الرقیه(۱) و العوذه و ما لا یجوز و آداب حمل العوذات و استعمالها

**[ترجمه]باب ۵۴ ما یجوز من النشره و التمیمه و الرقیه و العوذه و ما لا یجوز و آداب حمل العوذات و استعمالها

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه] علیهم السلام إِبْرَاهِیمُ بْنُ مَأْمُونٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَی عَنْ شُعَیْبٍ الْعَقَرْقُوفِیِّ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَا بَأْسَ بِالرُّقَی مِنَ الْعَیْنِ وَ الْحُمَّی وَ الضِّرْسِ وَ کُلِّ ذَاتِ هَامَّهٍ لَهَا حُمَهٌ(۲) إِذَا عَلِمَ الرَّجُلُ مَا یَقُولُ لَا یُدْخِلْ فِی رُقْیَتِهِ وَ عُوذَتِهِ شَیْئاً لَا یَعْرِفُهُ (۳).

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: استفاده از تعویذ برای جلوگیری از چشم زخم و تب و دندان و یا هر خزنده نیش... داری، اشکال ندارد، اگر انسان بداند چه می‌گوید، و چیزی که بدان آگاه نیست را وارد تعویذ خود نمی‌کند. - . طب الائمه: ۴۸ -

**[ترجمه]

«۲»

طب، [طب الأئمه] علیهم السلام مُحَمَّدُ بْنُ زَیْدِ بْنِ سُلَیْمٍ الْکُوفِیُّ عَنِ النَّضْرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رُقْیَهِ الْعَقْرَبِ وَ الْحَیَّهِ وَ النُّشْرَهِ وَ رُقْیَهِ الْمَجْنُونِ وَ الْمَسْحُورِ الَّذِی یُعَذَّبُ قَالَ یَا ابْنَ سِنَانٍ لَا بَأْسَ بِالرُّقْیَهِ وَ الْعُوذَهِ وَ النُّشْرِ إِذَا کَانَتْ مِنَ الْقُرْآنِ وَ مَنْ لَمْ

يَشْفِهِ الْقُرْآنُ فَلَا شَفَاهُ اللَّهُ وَ هَلْ شَيْ ءٌ أَبْلَغُ فِي هَذِهِ الْأَشْيَاءِ مِنَ الْقُرْآنِ أَ لَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ (۴) أَ لَيْسَ يَقُولُ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ (۵) سَلُونَا نُعَلِّمْكُمْ وَ نُوقِفْكُمْ عَلَى قَوَارِعِ الْقُرْآنِ لِكُلِّ دَاءٍ(۶).

ص: ۴

۱- ۱. يقال: رقاه يرقيه رقيا و رقيه: عوذه و نفث في عوذته، و ربما عدى بعلى فقيل رقى عليه، تضمينا له لمعنى قرأ و نفث، و الرقيه بالضم كاللقمه: العوذه و الجمع رقى بالضم كهدى، و التميمه: عوذه تعلق على الصبيان مخافه العين، و منه قوله عليه السلام: من علق تميمه فلا أتم اللّه له، و يقال التميمه فى الحديث الخرزه.

۲- ۲. الهامه ما له سم كالحيه، و الحمه كثبه: الابره يضرب بها الزنبور و الحيه و نحو ذلك أو يلدغ بها.

۳- ۳. طبّ الأئمّه: ۴۸.

۴- ۴. أسرى: ۸۲.

۵- ۵. الحشر: ۲۱.

۶- ۶. طبّ الأئمّه ص ۴۸.

**[ترجمه]طب الائمه: در روایتی از عبدالله بن سنان است که از امام صادق علیه السلام پیرامون، عقرب و مار و رقیه دیوانه و افسون شده‌ای که در عذاب است، پرسیدم، فرمودند: ای ابن سنان چنانچه تعویذ و دعا و افسون برگرفته از قرآن باشند، اشکالی ندارد، و کسی که قرآن او را شفا ندهد او را شفایی نیست. آیا در این چیزها، چیزی رساتر از قرآن هست؟، مگر خداوند نمی‌فرماید: (وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنينَ: و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می کنیم). - . اسری: ۸۲ -

و مگر نه اینکه خداوند که یادش بلند و ستایشش بزرگ باد، فرمود: «لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ الله: اگر این قرآن را بر کوهی فرو می فرستادیم، یقیناً آن [کوه] را از بیم خدا فروتن [و] از هم پاشیده می دیدی» - . حشر: ۲۱ -

از ما بپرسید تا شما را بیاموزیم و به تعویذهای قرآن بر هر دردی با خبر سازیم. - . طب الائمه: ۴۸ -

**[ترجمه]

«۳»

طب، [طب الأئمه] علیهم السلام أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ الْبَاقِرِ علیه السلام أَ يَتَعَوَّذُ بِشَيْ ءٍ مِنْ هَذِهِ الرُّقَى قَالَ لَا إِلَّا مِنَ الْقُرْآنِ فَإِنَّ عَلِيّاً علیه السلام كَانَ يَقُولُ إِنَّ كَثِيراً مِنَ الرُّقَى وَ التَّمَائِمِ مِنَ الْإِشْرَاكِ (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: احمد بن محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام پرسید، آیا با این تعویذ می‌شود از چیزی در امان بود؟ فرمودند: خیر، مگر اینکه برگرفته از قرآن باشد و امام علی علیه السلام می‌فرمودند: بسیاری از تعویذ ها و طلسم‌ها شرک است. - . طب الائمه: ۴۸ -

**[ترجمه]

«۴»

طب، [طب الأئمه] علیهم السلام جَعْفَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ السَّعْدِيِّ عَنِ النَّضْرِ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْقَاسِمِ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ علیه السلام: إِنَّ كَثِيراً مِنَ التَّمَائِمِ شِرْكٌ (۲).

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السلام فرمود: بسیاری از طلسم‌ها شرک است - . طب الائمه: ۴۹ [۲] - .

**[ترجمه]

«۵»

طب، [طب الأئمه] علیهم السلام إِسْحَاقُ بْنُ يُوسُفَ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زُرَارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ علیه السلام عَنِ الْمَرِيضِ هَلْ يُعَلَّقُ عَلَيْهِ تَعْوِيذٌ أَوْ شَيْ ءٌ مِنَ الْقُرْآنِ فَقَالَ نَعَمْ لَا بَأْسَ بِهِ إِنَّ قَوَارِعَ الْقُرْآنِ تَنْفَعُ فَاسْتَعْمِلُوهَا(۳).

**[ترجمه]طب الائمه: زراره بن اعین از امام باقر علیه السلام پرسید: آیا می‌توان تعویذ یا آیاتی از قرآن را بر بیماری، آویزان کرد؟ فرمودند: آری، اشکال ندارد، به راستی که تعویذهای قرآن سودرسان است، پس آنها را به کار بندید. - . طب الائمه: ۴۸ -

**[ترجمه]

«۶»

طب، [طب الأئمه] عليهم السلام إِسْحَاقُ بْنُ يُوسُفَ عَنْ فَضَالَهَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ علیه السلام: فِی الرَّجُلِ يَكُونُ بِهِ الْعِلَّهُ فَيُكْتَبُ لَهُ الْقُرْآنُ فَيُعَلَّقُ عَلَيْهِ أَوْ يُكْتَبُ لَهُ فَيَغْسِلُهُ وَ يَشْرَبُهُ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ كُلِّهِ (۴).

**[ترجمه]طب الائمه: از امام صادق علیه السلام در مورد مرد بیماری سؤال شد که برای بهبودی‌اش آیاتی از قرآن نوشته شود و بر او قرار داده شود و یا اینکه آنها را با آبی بشویند و آنگاه آن آب را بنوشد، امام علیه السلام فرمودند: اشکالی ندارد. - . طب الائمه: ۴۹ -

**[ترجمه]

«۷»

طب، [طب الأئمه] عليهم السلام عَلَّانُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ عَنْبَسَهَ بْنِ مُصْعَبٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَا بَأْسَ بِالتَّعْوِيذِ أَنْ يَكُونَ لِلصَّبِيِّ وَ الْمَرْأَهِ(۵).

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: اشکالی ندارد تعویذ برای اطفال یا زنان استفاده شود. - . طب الائمه: ۴۹ -

**[ترجمه]

«۸»

طب، [طب الأئمه] عليهم السلام عُمَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ التَّمِيمِيُّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ شُعَيْبٍ الْعَقَرْقُوفِيِّ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليهما السلام فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ نُعَلِّقُ شَيْئاً مِنَ الْقُرْآنِ وَ الرُّقَى عَلَى صِبْيَانِنَا وَ نِسَائِنَا فَقَالَ نَعَمْ إِذَا كَانَ فِی أَدِيمٍ تَلْبَسُهُ الْحَائِضُ وَ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِی أَدِيمٍ لَمْ تَلْبَسْهُ الْمَرْأَهُ(۶).

**[ترجمه]طب الائمه: حلبی روایت کرد از امام جعفر بن محمد علیهما السلام پرسیدم: ای فرزند رسول خدا، آیا می‌توان آیاتی از قرآن و تعویذ را بر زنان و فرزندان خود آویزان کنیم؟ فرمودند: آری، چنانچه بر چرم باشد زن حائض می‌تواند آن را بپوشد و اگر در چرم نباشد، نمی‌تواند آن را بپوشد. - . طب الائمه: ۴۹ -

**[ترجمه]

«۹»

طب، [طب الأئمه] عليهم السلام شُعَيْبُ بْنُ زُرَيْقٍ عَنْ فَضَالَهَ وَ الْقَاسِمِ مَعاً عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ وَ هُوَ ابْنُ سَالِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الْمَرِيضِ هَلْ يُعَلَّقُ عَلَيْهِ شَيْ ءٌ مِنَ الْقُرْآنِ أَوِ التَّعْوِيذِ قَالَ لَا بَأْسَ قُلْتُ رُبَّمَا أَصَابَتْنَا الْجَنَابَهُ قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيْسَ بِنَجَسٍ وَ لَكِنَّ الْمَرْأَهَ لَا تَلْبَسُهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِی أَدِيمٍ وَ أَمَّا الرَّجُلُ وَ الصَّبِيُّ فَلَا بَأْسَ (۷).

ص: ۵

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۴۸.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۴۸.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۴۸.

۴- ۴. طبّ الأئمّه ص ۴۹.

۵- ۵. طبّ الأئمّه ص ۴۹.

۶- ۶. طبّ الأئمّه ص ۴۹.

۷- ۷. طبّ الأئمّه ص ۴۹.

**[ترجمه]طب الائمه: ابن سالم از امام صادق علیه السـلام پرسید: آیا می‌توان آیاتی از قرآن یا تعویذ را برای بهبودی بیمار بر او آویزان کرد؟ فرمودنـد: عیبی ندارد، عرض کردم: اگر جنب باشـیم چه کنیم؟ فرمودند: مؤمن نجس نیست، ولی چنانچه در چرم نباشد زنان نمی‌توانند آن را بپوشند، و برای مردان و کودکان اشکالی ندارد. - . طب الائمه: ۴۹ -

**[ترجمه]

«۱۰»

ل، [الخصال] ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ هَاشِمٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله قَالَ: لَا رُقَى إِلَّا فِي ثَلَاثَةٍ فِي حُمَةٍ أَوْ عَيْنٍ أَوْ دَمٍ لَا يَرْقَأُ(۱).

**[ترجمه]الخصال: پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله فرمودنـد: تعویذ تنها برای سه چیز به کار می‌رود: تب، چشم زخم و یا خونی که بند نیاید. - . خصال ۱: ۷۶ -

**[ترجمه]

«۱۱»

ل، [الخصال] الْعِجْلِيُّ عَنِ ابْنِ زَكَرِيَّا عَنِ ابْنِ حَبِيبٍ عَنِ ابْنِ بُهْلُولٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُصْعَبٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: يُكْرَهُ النَّفْخُ فِي الرُّقَى وَ الطَّعَامِ وَ مَوْضِعِ السُّجُودِ(۲).

**[ترجمه]الخصال: امام صادق علیه السلام فرمودند: دمیدن در تعویذ و غذا و سجده‌گاه کراهت دارد. - . خصال ۱: ۷۶ -

**[ترجمه]

«۱۲»

ب، [قرب الإسناد] ابْنُ طَرِيفٍ عَنِ ابْنِ عُلْوَانَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام قَالَ: أَصَابَ رَجُلٌ لِرَجُلٍ بِالْعَيْنِ فَذُكِرَ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الْتَمِسُوا لَهُ مَنْ يَرْقِيهِ (۳).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام باقر علیه السـلام فرمودند: شخصـی، فرد دیگر را چشم کرده بود، پس آن را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی بیاورید تا او را تعویذ کند. - . قرب الاسناد: ۷۰ -

**[ترجمه]

«۱۳»

ب، [قرب الإسناد] عَلِيٌّ عَنْ أَخِيهِ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرِيضِ يُكْوَى أَوْ يَسْتَرْقِي قَالَ لَا بَأْسَ إِذَا اسْتَرْقَى بِمَا يَعْرِفُهُ (۴).

**[ترجمه]قرب الاسناد: علی از برادرش علیه السلام، پرسید: از او در مورد بیمار پرسیدم که آیا داغ شود یا برای او دعایی گرفته شود؟ فرمودند: اشکال ندارد، چنانچه تعویذ کند به آنچه بدان آگاه است. - . قرب الاسناد: ۱۲۸ -

**[ترجمه]

باب ۵۵ العوذات الجامعه لجميع الأمراض و الأوجاع

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه عليهم السلام] مُحَمَّدُ بْنُ كَثِيرٍ الدِّمَشْقِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ: أَخَذْتُ هَذِهِ الْعُوذَةَ مِنَ الرِّضَا وَ ذَكَرَ أَنَّهَا جَامِعَةٌ مَانِعَةٌ وَ هِيَ حِرْزٌ وَ أَمَانٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ خَوْفٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ اخْسَؤُا فِيها وَ لاتُكَلِّمُونِ أَعُوذُ بِالرَّحْمنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا أَوْ غَيْرَ تَقِيٍّ أَخَذْتُ بِسَمْعِ اللَّهِ وَ بَصَرِهِ عَلَى أَسْمَاعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ وَ بِقُوَّهِ اللَّهِ عَلَى قُوَّتِكُمْ لَا سُلْطَانَ لَكُمْ عَلَى فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَ لَا عَلَى ذُرِّيَّتِهِ وَ لَا

ص: ۶

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۷۶.

۲- ۲. الخصال ج ۱ ص ۷۶.

۳- ۳. قرب الإسناد ص ۷۰.

۴- ۴. قرب الإسناد ص ۱۲۸.

عَلَى مَالِهِ وَ لَا عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ سَتَرْتُ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ بِسَتْرِ النُّبُوَّةِ الَّتِي اسْتَتَرُوا بِهَا مِنْ سَطَوَاتِ الْفَرَاعِنَةِ جَبْرَئِيلُ عَنْ أَيْمَانِكُمْ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِكُمْ وَ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه و آله وَ أَهْلُ بَيْتِهِ أَمَامَكُمْ وَ اللَّهُ تَعَالَى مُظِلٌّ عَلَيْكُمْ يَمْنَعُهُ اللَّهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ وَ مَالَهُ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ مِنْكُمْ وَ مِنَ الشَّيَاطِينِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يَبْلُغُ حِلْمُهُ أَنَاتَكَ وَ لَا يَبْلُغُهُ مَجْهُودُ نَفْسِهِ فَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ أَنْتَ نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ حَرَسَكَ اللَّهُ وَ ذُرِّيَّتَكَ يَا فُلَانُ بِمَا حَرَسَ اللَّهُ بِهِ أَوْلِيَاءَهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ تَكْتُبُ آيَةَ الْكُرْسِيِّ إِلَى قَوْلِهِ وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ثُمَّ تَكْتُبُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ دل سام فی رأس السهباطا لسلسبيلايها(۱).

**[ترجمه]طب الائمه: حسین بن علی بن یقطین نقل کرد: من این تعویذ را از امام رضا علیه السلام گرفتم و ایشان فرمودند که در بردارنده... برکات و مانع ضررهاست و ایمنی از هر درد و بیمی است.

به نام خداوند بخشاینده مهربان، به نام خداوند بروید در آن گم شوید و بامن سخن مگویید و با من صحبت نکنید، به خداوند بخشایشگر پناه می‌برم چه پرهیزگار باشی و یا بی تقوا، با شنیدن خدا و دیدن او بر گوش ها و چشم های شما و با نیروی او بر نیروی شما غلبه کردم، شما هیچ قدرتی بر فلان فرزند فلان و بر فرزندان و مال و خاندان او ندارید، میان شما و او را پوشاندم با پوشش پیامبری که به واسطه آن از قدرت فرعون‌ها، پنهان گشتند، جبرئیل در سمت راست و میکاییل در سمت چپ شماست و محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش در برابر شما قرار دارند و خداوند بلندمرتبه بر شما چیره است. خداوند، او، فرزندان، دارایی و خانواده‌اش را از شر شما و شیطان‌ها محفوظ می‌دارد، هرچه خدا بخواهد، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمی‌پذیرد، معبودا، بردباری او و تلاشش به صبر تو نمی‌رسد، به تو توکل نمودم و تو بهترین سرپرست و یاری کننده‌ای. ای فلان، خداوند تو و فرزندانت را حفظ کند به آنچه اولیای خود را بدان نگاه داشت. و درود خداوند بر محمد و خاندان او. سپس آیه الکرسی را تا هو العلیّ العظیم را می نویسی سپس چنین می نویسی: هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بزرگ و بلندمرتبه تحقق نمی‌یابد و هیچ پناهی از خدا جز به سوی او نیست و خدا ما را کافی است و بهترین کارگزار است دلّ سام فی رأس السهباطا لسلسبیلانیها. - . طب الائمه: ۴۰، (فی رأسی للسماطا» این عبارت از کتاب مهج الدعوات نقل شد، مراجعه کن ج ۹۴: ۳۴۵. -

**[ترجمه]

«۲»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا أَصَابَهُ كَسَلٌ أَوْ صُدَاعٌ بَسَطَ يَدَيْهِ فَقَرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ ثُمَّ يَمْسَحُ بِهِمَا وَجْهَهُ فَيَذْهَبُ عَنْهُ مَا كَانَ يَجِدُ(۲).

مکا، [مكارم الأخلاق] عَنِ الرِّضَا علیه السلام: مِثْلَهُ وَ زَادَ فِيهِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ(۳).

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه دچار کسالت یا سردردی می‌شدند، دستان خود را می‌گشودند و سوره‌های حمد، قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را می‌خواندند سپس دستان خود را به صورت می‌کشیدند، پس هر دردی که بر ایشان بود، از بین می‌رفت. - . طب الائمه: ۳۹ -

مکارم الاخلاق: مثل این حدیث از امام رضا علیه السلام روایت شد، ایشان سوره قل هو الله احد را نیز بدان افزودند. - .مکارم الاخلاق: ۴۲۱ -

**[ترجمه]

«۳»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْبُرْسِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْأَرْمَنِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ سَلَمَهَ بْنِ مُحْرِزٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ علیه السلام یَقُولُ: کُلُّ مَنْ لَمْ یُبْرِئْهُ سُورَهُ الْحَمْدِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ لَمْ یُبْرِئْهُ شَیْ ءٌ وَ کُلُّ عِلَّهٍ تُبْرِئُهَا هاتین السورتین (۴) [هَاتَانِ السُّورَتَانِ].

**[ترجمه]طب الائمه: امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کس، سوره حمد و قل هو الله احد او را شفا ندهد، چیز دیگری به او بهبودی نمی دهد، و این دو سوره شفای هر دردی هستند. - . طب الائمه:۳۹ -

**[ترجمه]

«۴»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِیمَ السَّرَّاجُ عَنْ فَضَالَهَ وَ الْقَاسِمُ جَمِیعاً عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الثُّمَالِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ: إِذَا اشْتَکَی أَحَدُکُمْ شَیْئاً فَلْیَقُلْ

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۴۰، و فیه:« فی رأسی للسماطا» و قد مر مثله نقلا من کتاب مهج الدعوات راجع ج ۹۴ ص ۳۴۵.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۳۹.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۲۱.

۴- ۴. طبّ الأئمّه ص ۳۹.

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَعُوذُ بِعِزَّهِ اللَّهِ وَ قُدْرَتِهِ عَلَى مَا يَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ(۱).

**[ترجمه]طب الائمه: امام باقر علیه السلام فرمودند: هر گاه دردی بر یکی از شما عارض شد، بگوید: به نام خدا و با استعانت از خدا و درود خدا بر رسول خدا و خاندان او از شر آنچه در من است به عزت خداوند و قدرت او بر هر آنچه بخواهد، پناه می‌برم. - . طب الائمه: ۳۹ و ۴۰ -

**[ترجمه]

«۵»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] مُحَمَّدُ بْنُ حَامِدٍ عَنْ خَلَفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ خَالِدٍ الْعَبْسِيِّ قَالَ: عَلَّمَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى علیه السلام هَذِهِ الْعُوذَهَ وَ قَالَ عَلِّمْهَا إِخْوَانَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّهَا لِكُلِّ أَلَمٍ وَ هِيَ أُعِيذُ نَفْسِي بِرَبِّ الْأَرْضِ وَ رَبِّ السَّمَاءِ أُعِيذُ نَفْسِي بِالَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ أُعِيذُ نَفْسِي بِالَّذِي اسْمُهُ بَرَكَهٌ وَ شِفَاءٌ(۲).

**[ترجمه]طب الائمه: خالد عبسی نقل کرد: علی بن موسی علیه السلام این تعویذ را به من آموختند و فرمودند: آن را به برادران مؤمن خویش بیاموز که دوای هر دردی است.و دعا این است: «خود را در پناه پروردگار زمین و پروردگار آسمان می‌آورم، خود را در پناه کسی می‌برم که هیچ دردی با نام او ضرری نمی‌رساند، خود را در پناه کسی قرار می‌دهم که نامش برکت و شفاست». - . طب الائمه: ۴۱ -

**[ترجمه]

«۶»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ سَعْدٍ الْمُزَنِيِّ قَالَ: أَمْلَى عَلَيْنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ علیه السلام الْعُوذَهَ الَّتِي تُسَمَّى الْجَامِعَهَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْ ءٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُطَهَّرِ الْمُقَدَّسِ السَّلَامِ الْمُؤْمِنِ الْمُهَيْمِنِ الْمُبَارَكِ الَّذِي مَنْ سَأَلَكَ بِهِ أَعْطَيْتَهُ وَ مَنْ دَعَاكَ بِهِ أَجَبْتَهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعَافِيَنِي مِمَّا أَجِدُ فِي سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ فِي يَدِي وَ رِجْلِي وَ فِي شَعْرِي وَ بَشَرِي وَ فِي بَطْنِي إِنَّكَ لَطِيفٌ لِمَا تَشَاءُ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ(۳).

**[ترجمه]طب الائمه: سعد مزنیّ نقل کرد: امام صادق علیه السلام تعویذی بر ما املا کردند که جامع نامیده می‌شود، و متن آن چنین است:

به نام خداوند بخشنده مهربان، به نام خداوندی که با وجود نام او هیچ چیز در آسمان و زمین ضرر نمی‌رساند، خدایا از تو خواهانم به اسم پاک، پاکیزه، پاک‌کننده، مقدس، ایمن، ایمنی‌بخش، چیره و مبارک تو، که هر کس بدان از تو درخواست کرد عطا کردی، و هر کس تو را بدان خواند اجابت کردی، بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا از هر آنچه در گوش، چشم، دست و پا، مو، پوست و شکم خود دارم، عافیت بخشی، به راستی که تو بر هر آنچه می‌خواهی آگاهی و به هر چیز توانایی. - . طب الائمه: ۷۴ -

**[ترجمه]

«۷»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] إِسْحَاقُ بْنُ حَسَّانَ الْعَارِفُ (۴) عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ ذَرِيحٍ الْمُحَارِبِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ

عَلَى أَبِى عَبْدِ اللَّهِ وَ هُوَ يُعَوِّذُ ابْناً لَهُ صَغِيراً وَ هُوَ يَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ أَعْزِمُ عَلَيْكَ يَا وَجَعُ وَ يَا رِيحُ كَائِناً مَا كَانَتْ بِالْعَزِيمَهِ الَّتِى عَزَمَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ عَلِىُّ بْنُ أَبِى طَالِبٍ عليه السلام عَلَى جِنِّ وَادِى الصَّبْرَهِ فَأَجَابُوا وَ أَطَاعُوا لَمَّا أَجَبْتِ وَ أَطَعْتِ وَ خَرَجْتِ عَنِ ابْنِ فُلَانِ بْنِ فُلَانَهَ السَّاعَهَ السَّاعَهَ حَتَّى قَالَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ (۵).

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۳۹ و ۴۰.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۴۱.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۷۴.

۴- ۴. العلّاف خ، و فى المصدر المطبوع« العلّاف العارف».

۵- ۵. طبّ الأئمّه ص ۹۱.

**[ترجمه]طب الائمه: ذریح محاربی نقل کرد، خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، دیدم فرزند کوچک خود را تعویذ می کنند و می... خوانند: بسم الله،تو را سوگند دهم ای باد و ای درد، هر چه باشی بدان سوگندی که قسم داد بدان علی بن ابی طالب فرستاده رسول خدا صلی الله علیه و آله بر جنیان وادی صبره و آنان فرمان بردند و اجابت دستور کردند که تو نیز اجابتم کنی و فرمانم ببری و هم اکنون همین ساعت از بدن پسر فلانی پسر فلان زن، بیرون روی» و آن را سه بار تکرار کردند. - . طب الائمه: ۹۱ -

**[ترجمه]

«۸»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَیْنِ الدَّامَغَانِیُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ أَبِی الْبِلَادِ یَرْفَعُهُ إِلَی مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ الْکَاظِمِ علیهما السلام قَالَ: شَکَا إِلَیْهِ عَامِلُ الْمَدِینَهِ تَوَاتُرَ الْوَجَعِ عَلَی ابْنِهِ قَالَ تُکْتَبُ لَهُ هَذِهِ الْعُوذَهُ فِی رَقٍّ وَ تُصَیَّرُ فِی قَصَبَهِ فِضَّهٍ وَ تُعَلَّقُ عَلَی الصَّبِیِّ یَدْفَعُ اللَّهُ عَنْهُ بِهَا کُلَّ عِلَّهٍ بِسْمِ اللَّهِ أَعُوذُ بِوَجْهِکَ الْعَظِیمِ وَ عِزَّتِکَ الَّتِی لَا تُرَامُ وَ قُدْرَتِکَ الَّتِی لَا یَمْتَنِعُ مِنْهَا شَیْ ءٌ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ فِی اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ وَ مِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ کُلِّهَا وَ مِنْ شَرِّ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ مِنْ کُلِّ سُقْمٍ أَوْ وَجَعٍ أَوْ هَمٍّ أَوْ مَرَضٍ أَوْ بَلَاءٍ أَوْ بَلِیَّهٍ أَوْ مِمَّا عَلِمَ اللَّهُ أَنَّهُ خَلَقَنِی لَهُ وَ لَمْ أَعْلَمْهُ مِنْ نَفْسِی وَ أَعِذْنِی یَا رَبِّ مِنْ شَرِّ ذَلِکَ کُلِّهِ فِی لَیْلِی حَتَّی أُصْبِحَ وَ فِی نَهَارِی حَتَّی أُمْسِیَ وَ بِکَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ الَّتِی لَا یُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ وَ مِنْ شَرِّ ما یَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَ ما یَعْرُجُ فِیها وَ ما یَلِجُ فِی الْأَرْضِ وَ ما یَخْرُجُ مِنْها وَ سَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ أَسْأَلُکَ یَا رَبِّ بِمَا سَأَلَکَ بِهِ مُحَمَّدٌ

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ حَسْبِیَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ اخْتِمْ عَلَیَّ ذَلِکَ مِنْکَ یَا بَرُّ یَا رَحِیمُ بِاسْمِکَ اللَّهُمَّ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ادْفَعْ عَنِّی سُوءَ مَا أَجِدُ بِقُدْرَتِکَ (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: نقل است، کارگزار مدینه، از دردهایی که پی در پی بر فرزندش وارد می‌شد، به نزد امام موسی بن جعفر علیهما السلام شکایت برد. امام علیه السلام فرمودند: این دعا را بر پوستی بنویس و در قطعه‌ای از نقره قرار ده، و بر فرزند خود آویزان کن که خداوند به واسطه آن بیماری‌ها را از او دور می‌گرداند: و دعا این است:

به نام خداوند، پناه می‌برم به روی با عظمت، عزت دست نایافتنی‌ات، و قدرتت که بر همه چیز احاطه دارد، و از شر هر آنچه شبانه روز از آن بیم دارم، و از گزند تمامی دردها، و از شر دنیا و آخرت و از تمام بیماری‌ها، دردها، غم‌ها، مریضی‌ها، بلاها، مصیبت‌ها و از هرچه که خدا علم داشت مرا برای آن آفرید و من آن را ندانستم، پروردگارا، از امشب تا صبح و از صبح تا غروب مرا از شر تمامی این‌ها، پناه ده. پناه می... برم به کلمات کامل خداوند که هیچ بنده نیکوکار و بدکاری از حدود آن تجاوز نمی‌کند و از شر آنچه از آسمان فرو می‌آید و به سوی آن بالا- می‌رود و هر آنچه در زمین فرو می‌رود و از آن خارج می‌گردد، و درود بر فرستاده‌شدگان و ستایش از آن خدایی است که پروردگار جهانیان است.

پروردگارا تو را می‌خوانم به آنچه محمد درود خدا بر او و خاندانش، تو را بدان خواند، خداوند مرا کفایت می‌کند، خدایی جز او نیست، تنها بر او توکل کردم و اوست پروردگار عرض با عظمت، و از جانب خود ای نیکوکردار و ای مهربان، آن را بر من پایان بخش، به نامت ای خدای یگانه و یکتای بی‌نیاز، درود خدا بر محمد و خاندان او، به قدرت خود بدی‌هایی که می‌یابم از من دور کن. - . طب الائمه: ۹۲ -

**[ترجمه]

«۹»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] حَکِیمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ یَقْطِینٍ عَنْ یُونُسَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِیدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام: أَنَّهُ اشْتَکَی بَعْضُ وُلْدِهِ فَدَنَا مِنْهُ فَقَبَّلَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ یَا بُنَیَّ کَیْفَ تَجِدُکَ قَالَ أَجِدُنِی وَجِعاً قَالَ قُلْ إِذَا صَلَّیْتَ الظُّهْرَ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فَإِنَّهُ لَا یَقُولُهَا مَکْرُوبٌ إِلَّا قَالَ الرَّبُّ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی لَبَّیْکَ عَبْدِی مَا حَاجَتُکَ.

وَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: دُعَاءُ الْمَکْرُوبِ فِی اللَّیْلِ یَا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ بِاللَّیْلِ وَ النَّهَارِ وَ مُذْهِبَ الدَّاءِ بِاللَّیْلِ وَ النَّهَارِ أَنْزِلْ عَلَیَّ مِنْ شِفَائِکَ شِفَاءً لِکُلِّ مَا بِی مِنَ الدَّاءِ(۲).

ص: ۹

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۹۲.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۱۲۱.

**[ترجمه]طب الائمه: روایت است زمانی که یکی از فرزنـدان محمد بن علی علیهما السـلام از درد می‌نالید، ایشان به او نزدیک شدند و او را بوسـیدند، سـپس فرمودند: ای فرزندم، حالت چطور است؟ جواب داد: درد دارم. امام علیه السلام فرمودند: بعد از نماز ظهر ده بار بگو: یا الله یا الله، به درستی که هر گرفتاری چنین کند، خداوند بلندمرتبه می‌فرماید: اجابت کردم ای بنده من، حاجتت چیست؟

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس اندوهی دارد، در شب چنین دعا کند: ای شفادهنده در روز و شب و ای از بین برنده دردها در روز و شب، بر من شفایی نازل کن که تمامی دردهای مرا بهبود بخشد. - . طب الائمه: ۱۲۱ -

**[ترجمه]

«۱۰»

طب، [طب الأئمه علیهم السـلام] الْقَاسِمُ بْنُ بَهْرَامَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَـی عَنْ أَبِی إِسْحَاقَ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ الْحَسَنِ الْخُرَاسَانِیِّ وَ کَانَ مِنَ الْأَخْیَارِ قَالَ: حَضَـرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ علیه السلام مَعَ جَمَاعَهٍ مِنْ إِخْوَانِی مِنَ الْحُجَّاجِ أَیَّامَ أَبِی الدَّوَانِیقِ فَسُئِلَ عَنْ دُعَاءِ الْمَکْرُوبِ فَقَالَ دُعَاءُ الْمَکْرُوبِ إِذَا صَلَّی صَلَاهَ اللَّیْلِ یَضَعُ یَدَهُ عَلَی مَوْضِعِ سُجُودِهِ وَ لْیَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِیٌّ إِمَامُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ عَلَی جَمِیعِ عِبَادِهِ اشْفِنِی یَا شَافِی لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُکَ شِفَاءً لَا یُغَادِرُ سُقْماً مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ قَالَ الْخُرَاسَانِیُّ لَا أَدْرِی أَنَّهُ قَالَ یَقُولُهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَوْ سَبْعَ مَرَّاتٍ.

وَ عَنْهُ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: دُعَاءُ الْمَکْرُوبِ الْمَلْهُوفِ وَ مَنْ قَدْ أَعْیَتْهُ الْحِیلَهُ وَ أَصَابَتْهُ بَلِیَّهٌ لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ یَقُولُهَا لَیْلَهَ الْجُمُعَهِ إِذَا فَرَغَ مِنَ الصَّلَاهِ الْمَکْتُوبَهِ مِنَ الْعِشَاءِ الْآخِرَهِ وَ قَالَ أَخَـذْتُهُ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدٍ الْبَاقِرِ علیه السـلام قَالَ أَخَـذْتُهُ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَـیْنِ ذِی الثَّفِنَاتِ قَالَ أَخَذَهُ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ قَالَ أَخَذَهُ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام أَخَذَهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَخَذَهُ عَنْ جَبْرَئِیلَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ أَخَذَهُ جَبْرَئِیلُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: حسـین بن حسن خراسانی که از نیکان بود، روایت کرد، در روزگار أبی الـدوانیق با گروهی از حاجیان به خـدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، از ایشان در مورد دعای شخص گرفتار سؤال شد، فرمودند: هر کس گرفتاری دارد، بعد از نماز شب، دست خود را به سجده گاه قرار دهد و بگوید: به نام خدا، به نام خدا، محمد رسول خدا و علی امام خدا در زمین او و بر تمامی بندگانش است، شفایم ده ای شفادهنده، هیچ بهبودی جز شفای تو نیست، شفایی که هیچ درد و بیماری را به جای نمی گذارد .

خراسانی گفت: نمی‌دانم، ایشان فرمودند آن را سه بار بخواند یا هفت بار.

امام علیه السـلام فرمودند: هر کس گرفتاری و مشـکلی دارد و راه چاره‌ای ندارد و به مصیبت‌ها گرفتار است، این دعا را بخواند: (لا اله الّا انت سبحانک إنّی کنت من الظالمین، خـدایی جز تو نیست، پاک و منزهی تو و قطعا من از سـتمکارانم) این دعا را در شب جمعه بعد از نماز عشاء بخواند، و فرمودند این دعا را از امام باقر علیه السـلام و ایشان از علی بن حسین صاحب پینه ها (صاحب پینه های بسیار به سبب عبادت فراوان) و وی از امام حسین علیه السلام و ایشان از امام علی علیه السلام و امام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و ایشان به نقل از جبرئیل درود خدا بر همه آنان، آورد و جبرئیل از خداوند عزّ و جلّ آن را نقل کرد. - . طب الائمه: ۱۲۲ -

**[ترجمه]

«۱۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السـلام] عَلِیُّ بْنُ مِهْرَانَ بْنِ الْوَلِیـدِ الْعَسْـکَرِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَـالِمٍ عَنِ الْأَرْقَطِ وَ هُوَ ابْنُ أُخْتِ أَبِی عَبْـدِ اللَّهِ الصَّادِقِ علیه السـلام قَالَ: مَرِضْتُ مَرَضاً شَدِیداً وَ أَرْسَـلْتُ أُمِّی إِلَی خَالِی فَجَاءَ وَ أُمِّی خَارِجَهٌ فِی بَابِ الْبَیْتِ وَ هِیَ أُمُّ سَـلَمَهَ بِنْتُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَ هِیَ تَقُولُ وَا

شَبَابَاهْ فَرَآهَا خَالِي فَقَالَ ضُمِّي عَلَيْكِ ثِيَابَكِ ثُمَّ ارْقَيْ فَوْقَ الْبَيْتِ ثُمَّ اكْشِفِي قِنَاعَكِ حَتَّى تُبْرِزِي شَعْرَكِ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ قُولِي رَبِّ أَنْتَ أَعْطَيْتَنِيهِ وَ أَنْتَ وَهَبْتَهُ لِي اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ هِبَتَكَ الْيَوْمَ جَدِيدَةً إِنَّكَ قَادِرٌ مُقْتَدِرٌ ثُمَّ اسْجُدِي فَإِنَّكِ لَا تَرْفَعِينَ رَأْسَكِ حَتَّى يَبْرَأَ ابْنُكِ فَسَمِعَتْ ذَلِكَ وَ فَعَلَتْهُ قَالَ فَقُمْتُ مِنْ سَاعَتِي فَخَرَجْتُ مَعَ خَالِي إِلَى الْمَسْجِدِ(۲).

**[ترجمه]طب الائمه: أرقط، فرزند خواهر امام صادق علیه السلام نقل کرد: روزی به بیماری سختی مبتلا شدم، مادرم به سراغ دایی‌ام فرستاد، و دایی‌ام آمد و مادرم أم سلمه دختر محمد بن علی، در خارج از خانه بود، و می گفت: ای وای بر جوانم، دایی‌ام که ایشان را دید، فرمودند: لباست را بپوش، سپس برو روی پشت بام و روسری‌ات را بردار و موهایت را رو به آسمان رها کن و سپس بگو: «پروردگارا تو او را به من عطا کردی و بخشیدی، خداوندا، پس امروز یک بار دیگر آن را به من ارزانی دار، به راستی که تو توانا و توانگری». سپس به سجده برو و همین که سر از سجده برداری فرزندت شفا خواهد یافت، او نیز همین کار را کرد، و من فوراً از جا برخاستم و به همراه دایی‌ام به مسجد رفتم. - . طب الائمه: ۱۲۲ -

**[ترجمه]

«۱۲»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَكْرٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: وَ أَوْصَى أَصْحَابَهُ وَ أَوْلِيَاءَهُ مَنْ كَانَ بِهِ عِلَّةٌ فَلْيَأْخُذْ قُلَّةً جَدِيدَةً وَ لْيَجْعَلْ

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۱۲۲.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۱۲۲.

فِيهَا الْمَاءَ وَ ليستقى [لْيَسْتَقِ] الْمَاءَ بِنَفْسِهِ وَ لْيَقْرَأْ عَلَى الْمَاءِ سُورَةَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ عَلَى التَّرْتِيلِ ثَلَاثِينَ مَرَّةً ثُمَّ لْيَشْرَبْ مِنْ ذَلِكَ الْمَاءِ وَ لْيَتَوَضَّأْ وَ لْيَمْسَحْ بِهِ وَ كُلَّمَا نَقَصَ زَادَ فِيهِ فَإِنَّهُ لَا يَظْهَرُ ذَلِكَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا يُعَافِيهِ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ ذَلِكَ الدَّاءِ(۱).

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السلام به یاران و دوستان خود سفارش می‌کردند: هر کسی بیماری دارد، سبویی جدید برگیرد و مقداری آب در آن بریزد و خودش آب را بکشد و سوره انا انزلناه را سی بار بر آن بخواند، سپس از آب بنوشد و از آن وضو بگیرد و مسح بکشد، و هرگاه کم شد بر آن بیافزاید، و این کار را سه روز انجام دهد، که خداوند بلندمرتبه او را از آن درد بهبودی خواهد بخشید. - . طب الائمه: ۱۲۳ -

**[ترجمه]

«۱۳»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَبْدُ الْوَهَّابِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُقْرِی عَنْ أَبِی زَكَرِيَّا يَحْيَى بْنِ أَبِی زَكَرِيَّا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ التَّفْلِيسِيِّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِی قُرَّةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: هَذِهِ عُوذَةٌ لِمَنِ ابْتُلِیَ بِبَلَاءٍ مِنْ هَذِهِ الْبَلَايَا الْفَادِحَهِ(۲) مِثْلِ الْآكِلَهِ وَ غَيْرِهَا تَضَعُ يَدَكَ عَلَى رَأْسِ صَاحِبِ الْبَلَاءِ ثُمَّ تَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ اللَّهِ وَ مُوسَى كَلِيمُ اللَّهِ نُوحٌ نَجِيُّ اللَّهِ عِيسَى رُوحُ اللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ فَادِحٍ وَ أَمْرٍ فَاجِعٍ وَ كُلِّ رِيحٍ وَ أَرْوَاحٍ وَ أَوْجَاعٍ قُسِمَ مِنَ اللَّهِ وَ عَزَائِمَ مِنْهُ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَهَ لَا يَقْرَبُهُ الْآكِلَهُ وَ غَيْرُهُ وَ أُعِيذُهُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ الَّتِی سَأَلَ بِهَا آدَمُ علیه السلام رَبَّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ أَلَا إِنَّهَا حِرْزٌ أَيَّتُهَا الْأَوْجَاعُ وَ الْأَرْوَاحُ لِصَاحِبِهِ بِإِذْنِ اللَّهِ بِعَوْنِ اللَّهِ بِقُدْرَهِ اللَّهِ أَلا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِينَ ثُمَّ تَقْرَأُ أُمَّ الْكِتَابِ وَ آيَهَ الْكُرْسِيِّ وَ عَشْرَ آيَاتٍ مِنْ سُورَهِ يس وَ تَسْأَلُهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الشِّفَاءَ فَإِنَّهُ يَبْرَأُ مِنْ كُلِّ دَاءٍ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى (۳).

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: این دعا برای کسی است که به بیماری‌های طاقت‌فرسا مثل خوره یا غیره مبتلا شود، در این هنگام، دست خود را بر سر فرد بیمار قرار ده و این دعا را بخوان:

«به نام خدا و با استعانت از خدا، از خدا و به سوی خدا، هرچه خدا بخواهد و هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدا تحقق نمی‌یابد، ابراهیم دوست خدا، موسی هم‌سخن خدا، نوح نجات یافته خدا، عیسی روح خدا و محمد رسول خداست، درود خدا بر تمامی آنان، از هر بلای طاقت‌فرسا و هر چیز دردآور و تمامی بادها و جان‌ها و دردها، سوگند خدا و افسون او بر فلان و فرزند فلان که خوره و دیگر بیماری‌ها به او نزدیک نشود و او را پناه می‌دهم به کلمات خداوند که آدم علیه السلام به واسطه آنان، پروردگار خویش را خواند سپس به سوی او بازگشت، به راستی که او توبه‌پذیر مهربان است، ای دردها و ای جان‌ها، این حرزی است برای صاحب آن، به اذن خداوند و یاری او و به قدرت خداوند که آفرینش و امر از آن اوست، خجسته است خدا پروردگار جهانیان».

سپس سوره فاتحه، آیه الکرسی، ده آیه از سوره یس را می‌خوانی و از خداوند به حق محمد و خاندان او می‌خواهی که او را شفا دهد، به راستی که این دعا، هر دردی را به اذن خداوند بلندمرتبه شفا خواهد داد. - . طب الائمه: ۱۲۴ -

**[ترجمه]

«۱۴»

شی، [تفسیر العیاشی] عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله وَ قَدْ فَقَدَ رَجُلًا فَقَالَ مَا أَبْطَأَ بِكَ عَنَّا فَقَالَ السُّقْمُ وَ الْعِيَالُ

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۱۲۳ و صدر السند فيه هكذا: محمّد بن يوسف المؤذن مؤذن مسجد سرمن رأى قال: حدّثنا محمّد بن عبد اللّه بن زيد إلخ.

۲- ۲. الفادح: الثقيل الذى يبهظ حامله، و الاكله: داء فى العضو يأتكل منه يقال له بالفارسيه خوره.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۱۲۴.

فَقَالَ أَ لَا أَعَلِّمُکَ بِکَلِمَاتٍ تَدْعُو بِهِنَّ یُذْهِبِ اللَّهُ عَنْکَ السُّقْمَ وَ یَنْفِی عَنْکَ الْفَقْرَ تَقُولُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ کَبِّرْهُ تَکْبِیراً(۱).

جا، [المجالس للمفید] الْمَرَاغِیُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْبَرْقِیِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عِیسَی عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِیهِ علیهما السلام: مِثْلَهُ وَ فِیهِ: فَقَالَ السُّقْمُ وَ الْفَقْرُ وَ لَیسَ فِیهِ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ (۲).

**[ترجمه]تفسیر العیاشی: امام جعفر بن محمد علیهما السلام به نقل از پدر بزرگوارشان آوردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله، به مردی که او را نمی‌دیدند، فرمودند: چه چیز سبب شد تا کمتر به دیدار ما آیی؟ جواب داد: بیماری و خانواده، پیامبر فرمودند: آیا می‌خواهی کلماتی به تو بیاموزم تا به آنان دعا کنی و خداوند بیماری‌ات را شفا دهد و فقر را از تو دور سازد؟ می گویی: «هیچ دگرگونی و قدرتی جز خدا تحقق نمی‌یابد، توکل کردم بر آن زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد، ستایش خدایی که هیچ فرزندی نگرفت و در فرمانروایی‌اش شریکی ندارد و هیچ سرپرستی ندارد، و او را به بزرگی یاد کن». - . تفسیر العیاشی ۲: ۳۲۰، اسراء/ ۱۱۱ -

مجالس المفید: امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارشان علیه السلام مثل این حدیث را روایت کردند، با این تفاوت که در این حدیث، بیماری و فقر آمده است و العلی العظیم را در دعا ندارد. - . امالی المفید: ۱۴۲ -

**[ترجمه]

«۱۵»

مکا، [مکارم الأخلاق]: التَّهْلِیلُ مِنَ الْقُرْآنِ یُسْتَشْفَی بِهِ مِنْ سَائِرِ الْأَمْرَاضِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ وَ إِلهُکُمْ إِلهٌ واحِدٌ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحِیمُ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَهٌ وَ لا نَوْمٌ إِلَی قَوْلِهِ وَ هُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ (۳) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ الم اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ هُوَ الَّذِی یُصَوِّرُکُمْ فِی الْأَرْحامِ کَیْفَ یَشاءُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ إِلَی قَوْلِهِ سَرِیعُ الْحِسابِ (۴) وَ إِذا حُیِّیتُمْ بِتَحِیَّهٍ فَحَیُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها أَوْ رُدُّوها إِنَّ اللَّهَ کانَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ حَسِیباً اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ لَیَجْمَعَنَّکُمْ إِلی یَوْمِ الْقِیامَهِ لا رَیْبَ فِیهِ وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِیثاً(۵) ذلِکُمُ اللَّهُ رَبُّکُمْ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ خالِقُ کُلِّ شَیْ ءٍ فَاعْبُدُوهُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ وَکِیلٌ اتَّبِعْ ما أُوحِیَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِکِینَ (۶) قُلْ یا أَیُّهَا النَّاسُ إِنِّی رَسُولُ اللَّهِ إِلَیْکُمْ جَمِیعاً الَّذِی لَهُ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ

۱- ۱. تفسیر العیّاشیّ ج ۲ ص ۳۲۰ فی آیه الاسراء: ۱۱۱.

۲- ۲. أمالی المفید ص ۱۴۲.

۳- ۳. البقره: ۱۵۸ و ۲۵۶.

۴- ۴. آل عمران: ۱ و ۴ و ۱۶ و ۱۷.

۵- ۵. النساء: ۸۸ و ۸۹.

۶- ۶. الأنعام: ۱۰۲ و ۱۰۶.

لا إِلهَ إِلَّا هُوَ يُحيِی وَ يُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ النَّبِیِّ الْأُمِّیِّ الَّذِی يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ كَلِماتِهِ وَ اتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱) وَ ما أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلهاً واحِداً لا إِلهَ إِلَّا هُوَ سُبْحانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۲) حَتَّى إِذا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا الَّذِی آمَنَتْ بِهِ بَنُوا إِسْرائِيلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۳) فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّما أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (۴) قُلْ هُوَ رَبِّی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ مَتابِ (۵) يُنَزِّلُ الْمَلائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلى مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ (۶) وَ إِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَ أَخْفى اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنى إِنَّكَ بِالْوادِ الْمُقَدَّسِ طُوىً وَ أَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِما يُوحى إِنَّنِی أَنَا اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِی وَ أَقِمِ

الصَّلاةَ لِذِكْرِی إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكادُ أُخْفِيها لِتُجْزى كُلُّ نَفْسٍ بِما تَسْعى إِنَّما إِلهُكُمُ اللَّهُ الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَیْ ءٍ عِلْماً(۷) وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِی إِلَيْهِ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنادى فِی الظُّلُماتِ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّی كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (۸) فَتَعالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ (۹)

۱- ۱. الأعراف: ۱۵۸.

۲- ۲. براءه: ۳۱ و ۱۲۹.

۳- ۳. يونس: ۹۰.

۴- ۴. هود: ۱۴.

۵- ۵. الرعد: ۲۹.

۶- ۶. النحل: ۲.

۷- ۷. طه: ۶ و ۷ و ۱۲- ۱۵، ۹۸.

۸- ۸. الأنبياء: ۲۵ و ۸۷.

۹- ۹. المؤمنون: ۱۱۷.

وَ يَعْلَمُ ما تُخْفُونَ وَ ما تُعْلِنُونَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۱) وَ هُوَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولى وَ الْآخِرَةِ وَ لَهُ الْحُكْمُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲) يا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (۳) إِنَّا كَذلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ إِنَّهُمْ كانُوا إِذا قِيلَ لَهُمْ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ وَ يَقُولُونَ أَ إِنَّا لَتارِكُوا آلِهَتِنا لِشاعِرٍ مَجْنُونٍ بَلْ جاءَ بِالْحَقِّ وَ صَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ (۴) غافِرِ الذَّنْبِ وَ قابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقابِ ذِي الطَّوْلِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ذلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ هُوَ الْحَيُّ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ (۵) رَبِّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَيْنَهُما إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَ يُمِيتُ رَبُّكُمْ وَ رَبُّ آبائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (۶) فَأَنَّى لَهُمْ إِذا جاءَتْهُمْ ذِكْراهُمْ فَاعْلَمْ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَ مَثْواكُمْ (۷) لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ إِلَى آخِرِ السُّورَةِ(۸) فَإِنَّما عَلى رَسُولِنَا الْبَلاغُ الْمُبِينُ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۹) رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا(۱۰).

۱- ۱. النمل: ۲۵ و ۲۶.

۲- ۲. القصص: ۷۱.

۳- ۳. فاطر: ۳.

۴- ۴. الصافّات: ۳۳- ۳۷.

۵- ۵. المؤمن: ۳ و ۶۳ و ۶۵.

۶- ۶. الدخان: ۶ و ۷.

۷- ۷. القتال: ۲۰ و ۲۱.

۸- ۸. الحشر: ۲۱.

۹- ۹. التغابن: ۱۲ و ۱۳.

۱۰- ۱۰. مکارم الأخلاق: ۴۲۱- ۴۲۴، و الآیه فی المزّمّل: ۹.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: آیات قرآنیه دالّ بر یگانگی خداوند، نیز برای شفای بیماری‌ها خوانده می‌شود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ و إِلهُکُمْ إِلهٌ واحِدٌ لاإِلهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحیم، اللّه لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ تا هُو الْعَلِیُّ الْعَظیمُ: به نـام خداونـد بخشـنده مهربان و معبود شـما، معبود یگانه ای است که جز او هیـچ معبودی نیست، [و اوست] بخشایشـگر مهربان اوست معبود یگانه ای است که جز او هیچ معبودی نیست خواب سبک و گرانی او را فرا نگیرد....اوست والایِ بزرگ. - . بقره/۲۵۶ ، ۱۵۸ -

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ الم اللَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ الْحَیّ الْقَیُّومُ هُوَ الَّذی یُصَوِّرُکُمْ فِی الْأَرْحامِ کَیْفَ یَشاءُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلّا هُوَ....سَرِیعُ الْحِسابِ: خـداست که هیچ معبودِ [بحقی] جز او نیست و زنده [پاینده] است اوست کسـی که شـما را آنگونه که می خواهد در رحم ها صورتگری می کند. هیچ معبودی جزآن توانای حکیم نیست. خدا گواهی داد که خدایی جز او نیست .... زود شمار است. - . آل عمران/ ۱، ۴، ۱۶، ۱۷ -

وَ إِذا حُیِّیتُمْ بِتَحِیَّهٍ فَحَیُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها أَوْ رُدُّوها إِنَّ اللَّهَ کانَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ حَسیبا اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ لَیَجْمَعَنَّکُمْ إِلی یَوْمِ الْقِیامَهِ لا رَیْبَ فیهِ وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدیثاً و چون به شـما درود گفته شـد، شـما به [صورتی] بهتر از آن درود گوییـد، یا همان را [در پاسـخ] برگردانیـد، که خـدا همـواره بـه هر چیزی حسابرس است، خداونـد کسـی است که هیـچ معبـودی جز او نیست. به یقین، در روز رسـتاخیز- که هیـچ شکـی در آن نیست- شما را گرد خواهد آورد، و راستگوتر از خدا در سخن کیست؟ - . انعام/ ۱۰۲، ۱۰۶ -

ذلِکُمُ اللَّهُ رَبُّکُمْ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ خالِقُ کُلِّ شَیْ ءٍ فَاعْبُدُوهُ وَ هُوعَلی کُلِّ شَیْ ءٍ وَکیلٌ اتَّبِعْ ما أُوحِیَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ لا إِله إِلَّا هُو وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِکینَ: این است خـدا، پروردگـار شـما: هیـچ معبودی جز او نیست، آفریننـده هر چیزی است. پس او را بپرستیـد، و او بر هر چیزی نگهبان است از آنچه از پروردگارت به تو وحی شده پیروی کن. هیچ معبودی جز او نیست، و از مشرکان روی بگردان. - . انعام/ ۱۰۲، ۱۰۶ -

قُلْ یا أَیُّهَا النَّاسُ إِنِّی رَسُولُ اللَّهِ إِلَیْکُمْ جَمیعاً الَّذی لَهُ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ لاإِلهَ إِلَّا هُوَ یُحْیی وَ یُمیتُ فَآمِنُوا بِاللَّه وَ رَسُولِهِ النَّبِیِّ الْأُمِّیِّ الَّذی یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ کَلِماتِهِ وَ اتَّبِعُوهُ لَعَلَّکُمْ تَهْتَدُون: بگو: ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شـما هسـتم، همان [خدایی] که فرمانروایی آسمان ها و زمین از آنِ اوست. هیچ معبودی جز او نیست که زنده می کند و می میراند. پس به خدا و فرسـتاده او- که پیامبر درس نخوانده ای است که به خدا و کلمات او ایمان دارد- بگروید و او را پیروی کنید، امید که هدایت شوید. - . اعراف/۱۵۸ -

و ما أُمِرُوا إِلَّا لِیَعْبُدُوا إِلهاً واحِداً لا إِلهِ الاّ هُوَ سُبْحانَهُ عَمَّا یُشْرِکُون فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیم: با آنکه مأمور نبودنـد جز اینکه خـدایی یگانه را بپرسـتند که هیچ معبودی جز او نیست. منزّه است او از آنچه شـریک می گردانند. پس اگر روی برتافتند، بگو: خدا مرا بس است. هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است. - . توبه/ ۳۱ ، ۱۲۹ -

حَتَّی إِذا أَدْرَکَهُ الْغَرَقُ قالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لا إِله إِلاَّ الَّذی آمَنَتْ بِهِ بَنُوا إِسْرائیلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمینَ: تـا وقتی که در شُرُفِ غرق شـدن قرار گرفت، گفت: ایمان آوردم که هیچ معبودی جز آنکه فرزندان اسرائیل به او گرویده اند، نیست، و من از تسلیم شدگانم. - . یونس/۹۰ -

فَإِلَّمْ یَسْتَجیبُوا لَکُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّما أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَ أَنْ لا إِله إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُون: پس اگر شـما را اجابت نکردنـد، بدانید که آنچه نازل شده است به علم خداست، و اینکه معبودی جز او نیست. پس آیا شما گردن می نهید. - . هود/ ۱۴ -

قُلْ هُوَ رَبِّی لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ إِلَیْهِ مَتابِ: بگو اوست پروردگـار من. معبودی به جز او نیست. بر او توکـل کرده ام و بازگشت من به سوی اوست. - . رعد/ ۲۹ -

یُنَزِّلُ الْمَلائِکَهَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلی مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ أَنَا فَاتَّقُون: فرشـتگان را با روح،به فرمان خود، بر هر کس از بندگانش که بخواهد نازل می کند، که بیم دهید که معبودی جز من نیست. پس، از من پروا کنید. - . نحل/۲ -

وَ إِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَ أَخْفى اللَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنى إِنَّکَ بِالْوادِ الْمُقَدَّسِ طُوى وَ أَنَا اخْتَرْتُکَ فَاسْتَمِعْ لِما يُوحى انَّنى أَنَا اللَّهُ لا إِلهَ إِلاّ أَنَا فَاعْبُدْنى وَ أَقِمِ الصَّلاةَ لِذِكْرى إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكادُ أُخْفيها لِتُجْزى كُلُّ نَفْسٍ بِما تَسْعى إِنَّما إِلهُكُمُ اللَّهُ الَّذى لا إِلهَ إِلاّ هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْ ءٍ عِلْماً: و اگر سخن به آواز گويى، او نهان و نهان تر را مى داند خدايى كه جز او معبودى نيست [و] نامهاى نيكو به اواختصاص دارد. تو در وادى مقدس «طُوى» هستى. منم، من، خدايى كه جز من خدايى نيست، پس مرا پرستش كن و به ياد من نماز برپادار. در حقيقت، قيامت فرارسنده است. مى خواهم آن را پوشيده دارم، تاهر كسى به [موجب] آنچه مى كوشد جزا يابد. معبود شما تنها آن خدايى است كه جز او معبودى نيست، و دانش او همه چيز را در برگرفت هاست. - . طه/ ۶، ۷، ۱۵-۱۲، ۹۸ -

وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحى إِلَيْهِ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاّ أَنَا فَاعْبُدُونِ وَ ذَاالنُّونِ إِذ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنادى فِى الظُّلُماتِ أَنْ لا إِلهَ إِلاّ أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّى كُنْتُ مِنَ الظَّالِمين: و پيش از تو هيچ پيامبرى نفرستاديم مگر اينكه به او وحى كرديم كه: «خدايى جز من نيست، پس مرا بپرستيد. و «ذوالنون» را [ياد كن] آنگاه كه خشمگين رفت و پنداشت كه ما هرگز بر او قدرتى نداريم، تا در [دل] تاريكى ها ندا در داد كه: «معبودى جز تو نيست، منزّهى تو، راستى كه من از ستمكاران بودم. - . انبياء/ ۲۵، ۸۷ -

فَتَعالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَريم: پس والاست خدا،فرمانرواى بر حق، خدايى جز او نيست. [اوست] پروردگار عرش گرانمايه. - . مؤمنون/ ۱۱۷ -

وَ يَعْلَمُ ما تُخْفُونَ وَ ما تُعْلِنُون اللَّهُ لا إِلهَ إِلاّ هُوَ رَبّ الْعَرْشِ الْعَظيم: و آنچه را پنهان مى داريد و آنچه را آشكار مى نماييد مى داند، خداى يكتا كه هيچ خدايى جز او نيست، پروردگار عرشِ بزرگ است. - . نمل/ ۲۵، ۲۶ -

وَ هُوَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلاّ هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِى الْأُولى وَ الْآخِرَهِ وَ لَهُ الْحُكْمُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُون: و اوست خدا جز او معبودى نيست. در اين [سراىِ] نخستين و در آخرت، ستايش از آن اوست، و فرمان، او راست و به سوى او بازگردانيده مى شويد. - . قصص/ ۷۱ -

يا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ: ايمردم، نعمتِ خدا را بر خود ياد كنيد. آيا غير از خدا آفريدگارى است كه شما را از آسمان و زمين روزى دهد؟ خدايى جز او نيست. پس چگونه [از حق] انحراف مى يابيد؟ - . فاطر/ ۳ -

إِنَّا كَذلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمين إِنَّهُمْ كانُوا إِذا قيلَ لَهُمْ لا إِلهَ إِلاّ اللَّهُ يَسْتَكْبِرُون وَ يَقُولُونَ أَإِنَّا لَتارِكُوا آلِهَتِنا لِشاعِرٍ مَجْنُونٍ بَلْ جاءَ بِالْحَقِّ وَ صَدَّقَ الْمُرْسَلين: [آرى،] ما با مجرمان چنين رفتار مى كنيم چرا كه آنان بودند كه وقتى به ايشان گفته مى شد: «خدايى جز خداى يگانه نيست»، تكبرم ى ورزيدند و مى گفتند: آيا ما براى شاعرى ديوانه دست از خدايانمان برداريم؟! ولى نه! [او] حقيقت را آورده و فرستادگان را تصديق كرده است. - . صافات/ ۳۷-۳۳ -

غافِرِ الذَّنْبِ وَ قابِلِ التَّوْبِ شَديد الْعِقابِ ذِى الطَّوْلِ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ إِلَيْهِ الْمَصير ذلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خالِقُ كُلِّ شَيْ ءٍ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ هو الْحَىُّ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصين لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ: گناه بخش و توبه پذير سخت كيفر فراخ نعمت است. خدايى جز او نيست. بازگشت به سوى اوست. اين است خدا، پروردگار شما آفريننده هر چيزى است: خدايى جز او نيست. پس چگونه باز گردانيده مى شويد؟ اوست زنده اى كه خدايى جز او نيست. پس او را در حالى كه دين را براى وى بى آلايش گردانيده ايد بخوانيد. سپاس ويژه خدا پروردگار جهانيان است. - . مؤمن/ ۳، ۶۳، ۶۵ -

رَبِّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَيْنَهُما إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنينَ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ يُحْيِى وَ يُميتُ رَبُّكُمْ وَ رَبُّ آبائِكُمُ الْأَوَّلينَ: پروردگار آسمانها و زمين و آنچه ميان آن دو است، اگر يقين دارى، خدايى جز او نيست او زندگى مى بخشد و مى ميراند پروردگار شما و پروردگار پدران شماست. - . دخان/ ۷، ۶ -

فَأَنَّی لَهُمْ إِذا جاءَتْهُمْ ذِکْراهُمْ فَاعْلَمْ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِکَ وَ لِلْمُؤْمِنینَ و الْمُؤْمِناتِ وَ اللَّهُ یَعْلَمُ مُتَقَلَّبَکَمْ وَ مَثْواکُم: پس اگر بر آنان در رسد، دیگر کجا جای اندرزشان است پس بدان که هیچ معبودی جز خدانیست و برای گناه خویش آمرزش جوی و برای مردان و زنان با ایمان و خداست که فرجام و مآلِ شما را می داند. - . قتال/ ۲۱، ۲۰ -

لَو أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلی جَبَلٍ لَرَأَیْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْیَهِ اللَّهِ وَ تِلْکَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُون تا آخر سوره: اگر این قرآن را بر کوهی فرو می فرستادیم، یقیناً آن را از بیم خدا فروتن از هم پاشیده می دیدی. و این مَثَلها را برای مردم می زنیم، باشد که آنان بیندیشند. - . حشر/ ۲۱ -

فَإِنَّما عَلی رَسُولِنَا الْبَلاغُ الْمُبین اللَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ وَ عَلَی اللَّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُؤْمِنُونَ: بر پیامبر ما فقط پیام رسانیِ آشکار است خدا جز او معبودی نیست، و مؤمنان باید تنها بر خدا اعتماد کنند. - . تغابن/۱۲،۱۳ -

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لا إِله إِلاَّ هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَکیلا: [اوست] پروردگار خاور و باختر، خدایی جز او نیست، پس او را کار ساز خویش اختیار کن. - . مکارم الاخلاق: ۴۲۴-۴۲۱ و مزمل/ ۹ -

**[ترجمه]

«۱۶»

مکا، [مکارم الأخلاق] لِلشِّفَاءِ مِنْ کُلِّ دَاءٍ رُوِیَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ: عَلَّمَنِی جَبْرَئِیلُ دَوَاءً لَا یَحْتَاجُ مَعَهُ إِلَی دَوَاءٍ فَقِیلَ یَا رَسُولَ اللَّهِ مَا ذَلِکَ الدَّوَاءُ قَالَ یُؤْخَذُ مَاءُ الْمَطَرِ قَبْلَ أَنْ یَنْزِلَ إِلَی الْأَرْضِ ثُمَّ یَجْعَلُ فِی إِنَاءٍ نَظِیفٍ وَ یَقْرَأُ عَلَیْهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ إِلَی آخِرِهَا سَبْعِینَ مَرَّةً ثُمَّ یَشْرَبُ مِنْهُ قَدَحاً بِالْغَدَاهِ وَ قَدَحاً بِالْعَشِیِّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ أَجْمَعِینَ وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ لَیَنْزِعَنَّ اللَّهُ ذَلِکَ الدَّاءَ مِنْ بَدَنِهِ وَ عِظَامِهِ وَ مخخه [مِخَخَتِهِ] وَ عُرُوقِهِ (۱)

وَ مِثْلُهُ یُؤْخَذُ سَبْعُ حَبَّاتِ شُونِیزٍ(۲)

وَ سَبْعُ حَبَّاتِ عَدَسٍ وَ شَیْ ءٌ مِنْ طِینِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ علیه السلام وَ سَبْعُ قَطَرَاتِ عَسَلٍ وَ یُجْعَلُ فِی مَاءٍ أَوْ دُهْنٍ وَ یَقْرَأُ عَلَیْهِ فَاتِحَهَ الْکِتَابِ وَ الْمُعَوِّذَتَیْنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ آیَهَ الْکُرْسِیِ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَهٌ وَ لا نَوْمٌ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِی یَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ یَعْلَمُ ما بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ وَ لا یُحِیطُونَ بِشَیْ ءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِما شاءَ وَسِعَ کُرْسِیُّهُ السَّماواتِ إلخ وَ أَوَّلَ الْحَدِیدِ إِلَی قَوْلِهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ وَ آخِرَ الْحَشْرِ.

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: قَالَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَهٌ لِلْمُؤْمِنِینَ (۳) وَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ یَخْرُجُ مِنْ بُطُونِها شَرابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوانُهُ فِیهِ شِفاءٌ لِلنَّاسِ (۴) وَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله الْحَبَّهُ السَّوْدَاءُ شِفَاءٌ مِنْ کُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ وَ نَحْنُ نَقُولُ بِظَهْرِ الْکُوفَهِ قَبْرٌ لَا یَلُوذُ بِهِ ذُو عَاهَهٍ إِلَّا شَفَاهُ اللَّهُ تَعَالَی (۵).

دُعَاءُ الْمَرِیضِ لِنَفْسِهِ:

یُسْتَحَبُّ لِلْمَرِیضِ أَنْ یَقُولَهُ وَ یُکَرِّرَهُ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ هُوَ حَیٌ

۱- ۱. مکارم الأخلاق: ۴۴۴ و زاد فیه: و قل هو اللّه أحد و المعوذتین سبعین مره.

۲- ۲. الشونیز: الحبه السوداء.

۳- ۳. أسری: ۸۴.

۴- ۴. النحل: ۷۱.

۵- ۵. مکارم الأخلاق ص ۴۴۴.

لَا یَمُوتُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعِبَادِ وَ الْبِلَادِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْداً کَثِیراً طَیِّباً مُبَارَکاً فِیهِ عَلَی کُلِّ حَالٍ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ کَبِیراً کِبْرِیَاءُ رَبِّنَا وَ جَلَالُهُ وَ قُدْرَتُهُ بِکُلِّ مَکَانٍ اللَّهُمَّ إِنْ کُنْتَ أَمْرَضْتَنِی لِقَبْضِ رُوحِی فِی مَرَضِی هَذَا فَاجْعَلْ رُوحِی فِی أَرْوَاحِ مَنْ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنْکَ الْحُسْنَی وَ بَاعِدْنِی مِنَ النَّارِ کَمَا بَاعَدْتَ أَوْلِیَاءَکَ الَّذِینَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنْکَ الْحُسْنَی (۱).

دُعَاءٌ یُدْعَی بِهِ لِلْمَرِیضِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: تَضَعُ یَدَکَ عَلَی رَأْسِ الْمَرِیضِ ثُمَّ تَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَی اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِبْرَاهِیمُ خَلِیلُ اللَّهِ مُوسَی نَجِیُّ اللَّهِ عِیسَی رُوحُ اللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنَ الْأَرْوَاحِ وَ الْأَوْجَاعِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَزَائِمُ مِنَ اللَّهِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَهَ لَا یَقْرَبُهُ إِلَّا کُلُّ مُسْلِمٍ وَ أُعِیذُهُ بِکَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ کُلِّهَا الَّتِی سَأَلَ بِهَا آدَمُ فَتابَ عَلَیْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ إِلَّا انْزَجَرْتِ أَیَّتُهَا الْأَرْوَاحُ وَ الْأَوْجَاعُ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَلا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبارَکَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِینَ ثُمَّ تَقْرَأُ آیَهَ الْکُرْسِیِّ وَ أُمَّ الْکِتَابِ وَ الْمُعَوِّذَتَیْنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ عَشْرَ آیَاتٍ مِنْ یس ثُمَّ تَقُولُ اللَّهُمَّ اشْفِهِ بِشِفَائِکَ وَ دَاوِهِ بِدَوَائِکَ وَ عَافِهِ مِنْ بَلَائِکَ وَ تَسْأَلُهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ (۲).

دُعَاءٌ إِذَا مَرِضَ وَلَدُهُ الْحُسَیْنُ بْنُ نُعَیْمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: اشْتَکَی بَعْضُ وُلْدِهِ فَقَالَ لَهُ یَا بُنَیَّ قُلِ اللَّهُمَّ اشْفِنِی بِشِفَائِکَ وَ دَاوِنِی بِدَوَائِکَ وَ عَافِنِی مِنْ بَلَائِکَ فَإِنِّی عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدَیْکَ (۳).

دُعَاءٌ لِغَیْرِهِ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله: عَلَّمَهُ بَعْضَ أَصْحَابِهِ مِنْ وَجَعٍ قَالَ اجْعَلْ یَدَکَ الْیُمْنَی عَلَیْهِ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ أَعُوذُ بِعِزَّهِ اللَّهِ وَ قُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ(۴).

ص: ۱۶

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۴۷.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۴۸.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۵۰.

۴- ۴. مکارم الأخلاق ص ۴۵۰.

وَ عَنْهُ صلى الله علیه و آله قَالَ: مَنْ عَادَ مَرِيضاً فَلْيَقُلْ اللَّهُمَّ اشْفِ عَبْدَکَ يَنْكِی لَکَ عَدُوّاً وَ يَمْشِی لَکَ إِلَی الصَّلَاهِ(۱).

وَ رُوِیَ أَنَّهُ صلى الله علیه و آله كَانَ يَقُولُ: إِذَا دَخَلَ عَلَی مَرِيضٍ امْسَحِ الْبَأْسَ (۲) رَبَّ النَّاسِ بِيَدِکَ الشِّفَاءُ لَا كَاشِفَ لِلْبَلَاءِ إِلَّا أَنْتَ (۳).

مِثْلُهُ: أَذْهِبِ الْبَأْسَ رَبَّ النَّاسِ وَ اشْفِ أَنْتَ الشَّافِی لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُکَ شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سُقْماً اللَّهُمَّ أَصْلِحِ الْقَلْبَ وَ الْجِسْمَ وَ اكْشِفِ السُّقْمَ وَ أَجِبِ الدَّعْوَهَ(۴).

وَ قَالَ النَّبِیُّ صلى الله علیه و آله: مَنْ دَخَلَ عَلَی مَرِيضٍ لَمْ يَحْضُرْ أَجَلُهُ فَقَالَ أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيَکَ عُوفِیَ (۵)

وَ دَخَلَ صلى الله علیه و آله عَلَی بَعْضِ أَصْحَابِهِ وَ هُوَ مُشْتَكٍ فَعَلَّمَهُ رُقْيَهً عَلَّمَهَا إِيَّاهُ جَبْرَئِيلُ علیه السلام بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيکَ بِسْمِ اللَّهِ أَشْفِيکَ مِنْ كُلِّ إِرْبٍ (۶) يُؤْذِيکَ وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثاتِ فِی الْعُقَدِ وَ مِنْ شَرِّ حاسِدٍ إِذا حَسَدَ(۷).

وَ مِثْلُهُ: تَضَعُ يَدَکَ عَلَی فَمِکَ وَ تَقُولُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بِسْمِ اللَّهِ بِجَلَالِ اللَّهِ بِعَظَمَهِ اللَّهِ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ الْحُسْنَی ثُمَّ تَضَعُ يَدَکَ عَلَی مَوْضِعِ الْوَجَعِ وَ تَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ ثُمَّ تَقُولُ سَبْعَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ امْسَحْ مَا بِی وَ تَقُولُ عِنْدَ الشِّفَاءِ إِذَا شَفَی اللَّهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی خَلَقَنِی فَهَدَانِی وَ أَطْعَمَنِی وَ سَقَانِی وَ صَحَّحَ جِسْمِی وَ شَفَانِی لَهُ الْحَمْدُ وَ لَهُ الشُّكْرُ(۸).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: شفای تمامی بیماری‌ها: از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است، جبرئیل دارویی به من آموخت که از داروهای دیگر بی‌نیاز می کند، پرسیده شد: ای رسول خدا، آن چه دارویی است؟ فرمودند: مقداری از آب باران قبل از آنکه بر زمین بریزد، برمی گیری و در ظرفی پاکیزه می‌ریزی و سوره حمد را هفتاد مرتبه می‌خوانی، سپس کاسه ای از آن را در صبح و کاسه ای از آن را در شب می‌نوشی. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: سوگند به کسی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، خداوند آن درد را از بدن، استخوان‌ها، مغز و رگ‌های او خواهد برد. - . مکارم الاخلاق: ۴۴۴، خواندن هفتاد بار قل هو الله احد و معوذتین نیز آمده است. -

و در حدیثی شبیه آن آمده است: هفت سیاه‌دانه و هفت دانه عدس و مقداری تربت قبر حسین علیه السلام و هفت قطره عسل، در آب یا روغن ریخته شود، و سوره فاتحه، و معوذتین، قل هو الله احد، آیه الکرسی [اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَیّ الْقَیُّومُ لاتَأْخُذُهُ سِنَهٌ وَ لا نَوْمٌ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذی یَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلاَّ بِإِذْنِهِ یَعْلَمُ ما بَیْنَ أَیْدیهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ وَ لایُحیطُونَ بِشَیْ ءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلاّ بِما شاءَ وَسِعَ کُرْسِیُّهُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ....:خداست که معبودی جز او نیست زنده و برپادارنده است نه خوابی سبک او را فرو می گیرد و نه خوابی گران آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آنِ اوست. کیست آنکس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه در پیشروی آنان و آنچه در پشت سرشان است می داند. و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد، احاطه نمی یابند. کرسیِ او آسمانها و زمین را در برگرفته، و نگهداری آنها بر او دشوار نیست، و اوست والایِ بزرگ.] و آیه اول سوره حدید تا (و ترجع الامور) و آیه آخر سوره حشر بر آن خوانده شود.

امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند بزرگ و بلندمرتبه فرمود: «وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَهٌ لِلْمُؤْمِنینَ: و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می کنیم».و خداوند عزّ و جلّ فرمود: «یَخْرُجُ مِنْ بُطُونِها شَرابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوانُهُ فیهِ شِفاءٌ لِلنَّاس: [آنگاه] از درون [شکم] آن، شهدی که به رنگ های گوناگون است بیرون می آید. در آن، برای مردم درمانی است.» - . النحل. ۷۱ -

و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سیاه دانه شفای هر دردی است غیر از مرگ. و ما می گوییم: در کوفه قبری است که هر صاحب بلایی به او پناه برد، خداوند او را شفا می‌دهد. - . مکارم الاخلاق: ۴۴۴ -

دعای بیمار برای خویش:

مستحب است شخص بیمار، این ذکر را تکرار کند: خدایی جز خدای یگانه نیست، زنده می کند و می‌میراند و او زنده‌ای است که هرگز نمی...

میرد، پاک و منزه است پروردگار بندگان و سرزمین‌ها و ستایش فراوان، پاکیزه و پربرکت از آن خداست در تمامی حالات. و خداوند بزرگ است به بزرگمنشی پروردگار ما و شکوه او و قدرتش در تمام مکان‌ها. خدایا اگر بیمارم نمودی تا جانم را بستانی، پس روح مرا با کسانی قرار ده که مورد نیکی و احسان تو قرار گرفتند، و از آتش جهنم دور کن، همانطور که دوستان خود را که پیشاپیش مورد احسان تو قرار گرفتند، دور نگاه داشتی. - . مکارم الاخلاق: ۴۴۷ -

دعایی که برای بیمار خوانده می‌شود: امام صادق علیه السلام فرمودند: دستت را بر سر شخص بیمار قرار می‌دهی و می گویی: به نام خدا و با استعانت از خدا، از خدا و به سوی خدا، هرچه خدا بخواهد و هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدا تحقق نمی‌یابد، ابراهیم دوست خدا، موسی هم‌سخن خدا، نوح نجات یافته خدا، عیسی روح خدا و محمد رسول خداست، درود خدا بر تمامی آنان، از جان‌ها و دردها، به نام خدا و با استعانت از خدا و افسون او و بر فلان فرزند فلانه که هیچ مسلمانی به آن نزدیک نشود و او را پناه می‌دهم به کلمات خداوند که آدم علیه السلام به واسطه آنان، پروردگار خویش را خواند سپس به سوی او بازگشت، به راستی که او توبه‌پذیر مهربان اذست، که دور شوید ای روح ها و درد ها به اذن خداوند عز و جل که آفرینش و امر از آن اوست خجسته باد خدایی که پروردگار جهانیان است.

سپس آیه الکرسی و ام الکتاب و معوذتین و قل هو الله احد و ده آیه از سوره یس را می خوانی و می گویی: خداوندا به شفای خود او را شفا ده و به دوای خود او را درمان کن و از بلای خویش عافیت بخش. و آن را به حق محمد و خاندان محمد صلوات الله علیه و علیهم اجمعین از او درخواست می کنی. - . مکارم الاخلاق: ۴۴۸ -

دعا برای بیماری فرزند:

امام صادق علیه السلام به یکی از فرزندان خویش که از درد می‌نالید، فرمودند: ای فرزندم، بگو: خدایا مرا به شفای خود بهبودی بخش، و با دوای خود، مداوا کن و از بلای خود عافیت بخش، به راستی که من بنده تو و فرزند بندگان تو هستم. - . مکارم الاخلاق: ۴۵۰ -

دعای رفع بیماری دیگران: پیامبر صلی الله علیه و آله به یکی از یاران خویش که درد داشتند، فرمودند: دست راست خود را بر موضع درد قرار ده و بخوان: «به نام خدا، پناه می‌برم به عزت و قدرت خداوند از شر هر آنچه که می‌یابم». - . مکارم الاخلاق: ۴۵۰ -

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فرمودند: هر کس بیمار شد، بگوید: خدایا بنده‌ات را شفا بخش تا دشمنت را شکست دهد و برای رضای تو به سوی نماز گام بردارد. - . مکارم الاخلاق: ۴۵۰ -

در روایت است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زمانی به عیادت مریضی می‌رفتند، می‌فرمودند: ای پروردگار انسان‌ها، این درد را بزدای که شفا به دست توست، و تویی برطرف‌کننده بلا. - . مکارم الاخلاق: ۴۵۰ -

و مثل همین حدیث: ای پروردگار آدمیان، این درد را ببر و بهبودی بخش که تویی شفادهنده و شفایی جز شفای تو نسیت، شفایی که هیچ بیماری بر جای نگذارد، خدایا قلب و جسم مرا سالم بگردان و بیماری‌ام را برطرف کن و دعایم را مستجاب گردان. - . مکارم الاخلاق: ۴۵۰ -

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، هر کس به عیادت مریضی رود که مرگش هنوز فرا نرسیده است، بگوید: «از خداوند بزرگ و پروردگار عرش با عظمت می‌خواهم تو را شفا دهد» عافیت می‌یابد. - . مکارم الاخلاق: ۴۵۰ -

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نزد یکی از یاران خود رفتند در حالی که از درد ناله می‌کرد، سپس به او تعویذی آموختند که از جبرئیل علیه السلام فرا گرفته بودند: «به نام خداوند تو را تعویذ می کنم به نام خداوند تو را شفا می‌دهم و از هر عضوی از بدنت که به تو آزار می‌رساند و از شر افسونگرانی که در گره‌ها می‌دمند و از گزند حسودان آنگاه که حسادت می‌ورزند». - . مکارم الاخلاق: ۴۵۱ -

و مثل این حدیث: دست خود را بر دهان می‌گذاری و سه بار می‌گوی: «به نام خدا، به شکوه خدا، به عظمت خدا. به کلمات کامل خداوند، و به اسمهای گرامی خداوند» سپس دست خود را بر موضع درد گذاشته و می‌گویی: «به نام خدا، به نام خدا، به نام خدا» سپس هفت بار می... گویی: «خدایا دردهای مرا بزدای» و هنگامی که خداوند شفا بخشید، بگو: «سپاس خدایی که مرا آفرید، سپس هدایت نمود و خوراک داد و مرا نوشانید و بدنم را سالم گرداند و شفا بخشید، ستایش و سپاس مخصوص اوست». - . مکارم الاخلاق: ۴۵۱ -

**[ترجمه]

«۱۷»

مِنْ خَطِّ الشَّهِيدِ قُدِّسَ سِرُّهُ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله يُعَلِّمُنَا مِنَ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا أَنْ نَقُولَ بِاسْمِ الْكَبِيرِ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ عِرْقٍ نَعَّارٍ وَ مِنْ حَرِّ النَّارِ(۹).

ص: ۱۷

۱- ۱. مکارم الأخلاق ۴۵۰.

۲- ۲. امح البأس خ ل، و فی المصدر المطبوع: أذهب البأس.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۵۰.

۴- ۴. مکارم الأخلاق ص ۴۵۰.

۵- ۵. مکارم الأخلاق ص ۴۵۰.

۶- ۶. کذا، و الارب: العضو و الصحیح« من کل داء یؤذیک».

۷- ۷. مکارم الأخلاق ص ۴۵۱.

۸- ۸. مکارم الأخلاق ص ۴۵۱.

۹- ۹. عرق نعار: أی فوار بالدم له صوت، و تری الحدیث فی مکارم الأخلاق مسندا عن زراره عن أحدهما علیهما السلام ص ۴۵۰.

**[ترجمه]به خط شـهید قدّس سره یافتم ابن عباس نقل کرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ما آموختند تا در برابر تمامی دردها این ذکر را بگوییم: «به اسم خداوند بزرگ، به خداوند با عظمت پناه می‌برم از شر فوران خون و گرمای آتش». - . این حدیث به نقل از زراره از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در کتاب مکارم الاخلاق : ۴۵۰ آمده است. -

**[ترجمه]

«۱۸»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، دُعَاءُ الْعَلِیلِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّی أَدْعُوکَ دُعَاءَ الْعَلِیلِ الذَّلِیلِ الْفَقِیرِ دُعَاءَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَ قَلَّتْ حِیلَتُهُ وَ ضَعُفَ عَمَلُهُ وَ أَلَحَّ الْبَلَاءُ عَلَیْهِ دُعَاءَ مَکْرُوبٍ إِنْ لَمْ تُدْرِکْهُ هَلَکَ وَ إِنْ لَمْ تُسْعِدْهُ فَلَا حِیلَةَ لَهُ فَلَا تُحِطْ بِهِ مَکْرَکَ وَ لَا تُبَیِّتْ عَلَیَّ غَضَبَکَ وَ لَا تَضْطَرَّنِی إِلَی الْیَأْسِ مِنْ رَوْحِکَ وَ الْقُنُوطِ مِنْ رَحْمَتِکَ وَ هَذَا أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ أَخُو نَبِیِّکَ وَ وَصِیُّ نَبِیِّکَ أَتَوَجَّهُ بِهِ إِلَیْکَ فَإِنَّکَ جَعَلْتَهُ مَفْزَعاً لِخَلْقِکَ وَ اسْتَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا سَبَقَ وَ مَا هُوَ کَائِنٌ فَاکْشِفْ بِهِ ضُرِّی وَ خَلِّصْنِی مِنْ هَذِهِ الْبَلِیَّةِ إِلَی مَا عَوَّدْتَنِی مِنْ رَحْمَتِکَ یَا هُوَ یَا هُوَ یَا هُوَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْکَ وَ کَانَ علیه السلام یَقُولُ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ أَدَباً وَ لَا تَجْعَلْهُ غَضَباً.

وَ مِنْ دُعَاءِ الْعَلِیلِ: اللَّهُمَّ اجْعَلِ الْمَوْتَ خَیْرَ غَائِبٍ نَنْتَظِرُهُ وَ الْقَبْرَ خَیْرَ مَنْزِلٍ نَعْمُرُهُ وَ اجْعَلْ مَا بَعْدَهُ خَیْراً لَنَا مِنْهُ اللَّهُمَّ أَصْلِحْنَا قَبْلَ الْمَوْتِ وَ ارْحَمْنَا عِنْدَ الْمَوْتِ وَ اغْفِرْ لَنَا بَعْدَ الْمَوْتِ.

وَ عَنْ مَرْوَانَ الْقَنْدِیِّ قَالَ: کَتَبْتُ إِلَی أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام أَشْکُو إِلَیْهِ وَجَعاً بِی فَکَتَبَ قُلْ یَا مَنْ لَا یُضَامُ وَ لَا یُرَامُ یَا مَنْ بِهِ تُوَاصَلُ الْأَرْحَامُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَافِنِی مِنْ وَجَعِی هَذَا.

وَ کَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ عِنْدَ الْعِلَّةِ اللَّهُمَّ إِنَّکَ عَیَّرْتَ أَقْوَاماً فَقُلْتَ قُلِ ادْعُوا الَّذِینَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلا یَمْلِکُونَ کَشْفَ الضُّرِّ عَنْکُمْ وَ لا تَحْوِیلًا فَیَا مَنْ لَا یَمْلِکُ أَنْ یَکْشِفَ ضُرِّی وَ لَا تَحْوِیلَهُ أَحَدٌ غَیْرُهُ اکْشِفْ ضُرِّی وَ حَوِّلْهُ إِلَی مَنْ یَدْعُو مَعَکَ إِلَهاً آخَرَ لَا إِلَهَ غَیْرُکَ.

عده الداعی، روی ابن أبی نجران و ابن فضال عن بعض أصحابنا عن أبی عبد الله علیهم السلام: مثله.

**[ترجمه]دعوات الراونـدی: دعای بیمار به نقل از امام صادق علیه السـلام: خداوندا تو را می‌خوانم همچون بیمار افتاده و نیازمند و کسـی که نیازش فراوان گشت و چاره‌اش انـدک، عملش به سـستی گرایید و بلاها او را احاطه کردند، و چون گرفتاری که اگر نجاتش نبخشی، هلاک می گردد و اگر یـاری نکنی، چاره‌ای نـدارد، پس نیرنگ خود را بر او قرار مـده و مرا آماج حملات ناگهانی خشم خود مگردان و از رحمت و آسـایش ناامیـد مفرمـا، و این امیر مؤمنـان و برادر و جانشـین پیـامبر تـوست که به واسـطه او به تـو روی می کنم به راسـتی که تو او را پناهگـاه بندگانت قرار دادی و علم گذشته و حال را در اختیار او سپردی پس به واسطه او مشکلم را بگشای و به رحمت خود مرا از این مصیبت رهایی بخش، ای او، ای او، ای او، امیدها جز از تو، نامید گشت.

امام صادق علیه السلام می‌فرمودند: «خداوندا آن را سبب ادب شدن من قرار ده، و آن را خشم خود بر من قرار مده.»

دعای بیمار: خداوند مرگ را برای ما بهترین کسـی که در انتظارش هستیم قرار ده و قبر را برترین خانه‌ای که ساختیم، بگردان، و پس از آن را نیز برای من نیک گردان، خداوندا ما را قبل از مرگ، اصلاح کن و هنگام مرگ رحم کن و بعد از مرگ، بیامرز.

مروان قندی نقل کرد به امام موسی علیه السلام نامه‌ای نوشتم و در آن از دردی که داشتم به ایشان شکایت کردم، پس در جوابم نوشتند، بگو: «ای کسـی که مورد ظلم قرار نمی‌گیری و دور از دسترسـی، ای کسـی که به واسـطه تو پیونـد خویشان برقرار شود بر محمـد و آل محمد درود فرست و مرا از این درد، بهبودی بخش».

امام صادق علیه السلام به هنگام درد می‌فرمودند: خدایا تو در سرزنش گروه‌هایی چنین فرمودی: «قُلِ ادْعُوا الَّذِینَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلایَمْلِکُونَ کَشْفَ الضُّرِّ عَنْکُمْ وَ لا تَحْوِیلاً: بگو: کسانی را که به جای او [معبود خود] پنداشتید، بخوانید. [آنها] نه اختیاری دارند که از شما دفع زیان کنند و نه [آنکه بلایی را از شما] بگردانند» پس ای کسی که جز او نمی‌تواند سختی ام را برطرف گرداند و یا آن را تغییر دهد، پس آن را بزدای و به سوی آنان که به همراه تو، خدایی دیگر را نیز می‌خوانند، روانه گردان، هیچ خدایی جز تو نیست.

عده الداعی: شبیه این حدیث از حضرت صادق علیه السلام نقل است.

**[ترجمه]

«۱۹»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، وَ رُوِیَ عَنْهُمْ علیهم السلام: أَنَّ مَنْ کَانَ بِهِ عِلَّةٌ فَلْیَمْسَحْ مَوْضِعَ السُّجُودِ سَبْعاً بَعْدَ الْفَرَائِضِ وَ لْیَمْسَحْهُ عَلَى الْعِلَّةِ وَ لْیَقُلْ یَا مَنْ کَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَ سَتَرَ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

ص: ۱۸

وَ افْعَلْ بِی کَذَا وَ کَذَا وَ ارْزُقْنِی وَ عَافِنِی مِنْ کَذَا وَ کَذَا.

مَرِضَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَا عَلِیُّ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ تَعْجِیلَ عَافِیَتِکَ أَوْ صَبْراً عَلَی بَلِیَّتِکَ أَوْ خُرُوجاً إِلَی رَحْمَتِکَ.

عده الداعی، عن أبی جعفر علیه السلام: مثله.

**[ترجمه]دعوات الراوندی: از ائمه معصومین علیهم السلام روایت است، هر کس دردی دارد، بعد از هر نماز واجب، هفت بار سجده گاه را مسح کند و دست خود بر موضع درد بمالد و بگوید: «ای کسی که زمین را بر آب قرار داد و هوا را به آسمان پوشاند و بهترین اسمها را بر خود برگزیدی، بر محمد و آل محمد درود فرست و در حق من چنین و چنان کن و روزی‌ام بخش و از فلان دردها، عافیت بخش.

امیر مؤمنان علیه السلام بیمار گشتند، رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایشان فرمودند: ای علی، بگو: «خدایا من از تو عافیت زودرس یا صبر بر این بلا و یا خروج به سوی رحمتت را می‌خواهم».

عده الداعی: از امام صادق علیه السلام مثل این حدیث روایت شده است.

**[ترجمه]

«۲۰»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: مَنْ قَالَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ کَبِّرْهُ تَکْبِیراً أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ السُّقْمَ وَ الْفَقْرَ.

lt;meta info=". دعوات الراوندی: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس بگوید: «لا حولَ وَ لا قُوَّةَ إلّا بالله تَوکَّلتُ عَلَی الحَیِّ الَّذی لا یَموتُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً و لَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فِی الْمُلْکِ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ کَبِّرْهُ تَکْبیراً: هیچ نیرو و قدرتی به جز خدا نیست توکل نمودم به زنده ای که نمی میرد و ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهانداری شریکی دارد و نه خوار بوده که [نیاز به] دوستی داشته باشد. و او را بسیار بزرگ شمار.» خداوند بیماری‌ها و فقر را از او دور می گرداند .

**[ترجمه]

«۲۱»

عُدَّةُ الدَّاعِی،: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ تَبَارَکَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخالِقِینَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ یُدْعَی بِهَذَا أَرْبَعِینَ مَرَّةً عَقِیبَ صَلَاةِ الصُّبْحِ وَ یُمْسَحُ بِهِ عَلَی الْعِلَّةِ کَائِناً مَا کَانَتْ خُصُوصاً الْفُطْرَ(۱)

یَبْرَأُ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَی وَ قَدْ صُنِعَ ذَلِکَ فَانْتُفِعَ بِهِ.

وَ رَوَی دَاوُدُ بْنُ زُرْبِیٍّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: تَضَعُ یَدَکَ عَلَی الْمَوْضِعِ الَّذِی فِیهِ الْوَجَعُ وَ تَقُولُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّی حَقّاً لَا أُشْرِکُ بِهِ شَیْئاً اللَّهُمَّ أَنْتَ لَهَا وَ لِکُلِّ عَظِیمَةٍ فَفَرِّجْهَا عَنِّی (۲).

وَ الْمُفَضَّلُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: لِلْأَوْجَاعِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ کَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لِلَّهِ فِی عِرْقٍ سَاکِنٍ وَ غَیْرِ سَاکِنٍ عَلَی عَبْدٍ شَاکِرٍ وَ غَیْرِ شَاکِرٍ وَ

تَأْخُذُ لِحْيَتَکَ بِيَدِکَ الْيُمْنَى بَعْدَ الصَّلَاهِ الْمَفْرُوضَهِ وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنِّى کُرْبَتِى وَ عَجِّلْ عَافِيَتِى وَ اکْشِفْ ضُرِّى ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ احْرِصْ أَنْ يَکُونَ ذَلِکَ مَعَ دُمُوعٍ وَ بُکَاءٍ(۳).

وَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ رَجُلٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَشَکَوْتُ إِلَيْهِ وَجَعاً بِى فَقَالَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ ثُمَّ امْسَحْ يَدَکَ عَلَيْهِ ثُمَّ قُلْ أَعُوذُ بِعِزَّهِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِقُدْرَهِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِرَحْمَهِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِعَظَمَهِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِى تَقُولُهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ قَالَ فَفَعَلْتُ فَأَذْهَبَ اللَّهُ الْوَجَعَ عَنِّى (۴).

۱- ۱. الفطر: الشق.

۲- ۲. تراها فی الکافی ج ۱ ص ۵۶۶- ۵۶۵.

۳- ۳. تراها فی الکافی ج ۱ ص ۵۶۶- ۵۶۵.

۴- ۴. تراها فی الکافی ج ۱ ص ۵۶۶- ۵۶۵.

**[ترجمه]عـده الـداعی: «به نـام خداونـد بخشـنده مهربـان، سپاس خـدایی که پروردگـار جهانیـان است، خـدا ما را کفایت می‌کنـد و بهترین کارگزار است، بلنـدمرتبه است، خـدا بهترین آفریننـدگان، و هیـچ نیرو و قدرتی جز خداوند بلندمرتبه و بزرگ نیست». این دعا را چهل بار در تعقیب نماز صبح بخواند و بر موضع درد بکشد، که به اذن خداوند، هر دردی که باشد، مخصوصاً شکاف، بهبودی می‌یابد، پس چنین کرد و از آن فایده برد.

داود بن زربی از امـام صـادق علیه السـلام نقـل کرد: دست خـود را بر موضـع درد قرار می‌دهی و سه بـار می‌گـویی: «خداونـد خداونـد حقیقتا پروردگـار من است. ذره‌ای به او شـرک نمی‌ورزم، خداونـدا تـو درخواست شونـده در هر امر بزرگی پس آن را از من بزدای ». - . در کتـاب الکافی ۱: ۵۶۶ و ۵۶۵ نیز آمده است. -

مفضّل از امام صادق علیه السـلام این دعا را برای رفع دردها نقل کرد: «به نام خدا و با استعانت از خداوند، چه نعمت‌های فراوانی که در رگی سـاکن و غیر سـاکن بر بنـده‌های شـکرگزار و ناسـپاس خود قرار دادی» سـپس بعـد از نمازهای واجب محاسن خود را با دست راست خود می گیری و سه بـار می گویی: «خـدایا گره‌ام را بگشـای، و در عافیتم تعجیل کن و بـدحالی‌ام را برطرف نما» و سـعی کن تا دعا را با سوز و گریه بخوانی. - . در کتاب الکافی ۱: ۵۶۶ و ۵۶۵ نیز آمده است. -

شخصـی بر امام صادق علیه السلام وارد شد و از دردهای خود به ایشان شکایت نمود، امام فرمودند: بگو: «بسم الله» دستت را بر آن موضع قرار ده، سـپس هفت مرتبه بخوان «پنا می‌برم به عزت خداونـد، پناه می‌برم به قدرت خدا [پناه می‌برم به رحمت خدا] پناه می‌برم به شـکوه خدا، پناه می‌برم به عظمت خـدا، پناه می‌برم به جمع خـدا، پناه می‌برم به رسول خـدا، پناه می‌برم به نام‌های خداوند، از هر آنچه بیم دارم و از آن بر خود می‌هراسم». آن شخص گفت، چنین کردم و [خداوند] آن درد را از من بیرون برد. - . در کتاب الکافی ۱: ۵۶۶ – ۵۶۵ نیز آمده است. -

**[ترجمه]

باب ۵۶ عوذه الحمی و أنواعها

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأـئمه علیهم السـلام] مُحَمَّدُ بْنُ کَثِیرٍ الدِّمَشْقِیُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ یَقْطِینٍ قَـالَ حَـدَّثَنَا الرِّضَـا عَلِیُّ بْنُ مُوسَـی بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَاقِرِ علیهم السـلام قَالَ: هَذِهِ عُوذَهٌ لِشِـیعَتِنَا لِلسِّلِّ یَا اللَّهُ یَا رَبَّ الْأَرْبَابِ وَ یَا سَیِّدَ السَّادَاتِ وَ یَا إِلَهَ الْآلِهَهِ وَ یَا مَلِکَ الْمُلُوکِ وَ یَا جَبَّارَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ اشْـفِنِی وَ عَافِنِی مِنْ دَائِی هَـذَا فَإِنِّی عَبْـدُکَ وَ ابْنُ عَبْـدِکَ أَتَقَلَّبُ فِی قَبْضَـتِکَ وَ نَاصِـیَتِی بِیَـدِکَ تَقُولُهَا ثَلَاثاً فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یَکْفِیکَ بِحَوْلِهِ وَ قُوَّتِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: علی بن موسـی الرضا علیهما السـلام فرمودنـد: این تعویذی است که شـیعیان ما را از سل دور نگه می‌دارد «ای خدا، ای پروردگار پرورندگان، ای سـرور سـروران، ای خدای خدایان، ای پادشاه پادشاهان، ای چیره بر آسـمان‌ها و زمین، مرا از این درد شفا و عافیت بخش، به راستی که من بنـده تو و فرزنـد بنده تو هسـتم و در اختیار توام و زمام امورم به دست توست» این دعا را سه بار می‌خوانی، به درستی که خداوند عزّ و جلّ به قدرت خویش، تو را از آن کفایت می‌کند انشاء الله تعالی. - . طب الائمه: ۳۷ -

**[ترجمه]

«۲»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] الْبَرْقِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ بَکْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمَّارٍ الدُّهْنِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَمْرٍو ذِی قَرٍّ وَ ثَعْلَبَهَ الْجَمَالِیِّ قَالا سَمِعْنَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام یَقُولُ: حُمَّ رَسُولُ اللَّهِ حُمَّی شَدِیدَهً فَأَتَاهُ جَبْرَئِیلُ علیه السلام فَعَوَّذَهُ وَ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِیکَ بِسْمِ اللَّهِ أَشْفِیکَ مِنْ کُلِّ دَاءٍ یُؤْذِیکَ بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ شَافِیکَ بِسْمِ اللَّهِ خُذْهَا فَلْتَهْنِیکَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ فَلا أُقْسِمُ بِمَواقِعِ النُّجُومِ وَ إِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِیمٌ لَتَبْرَأَنَّ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَأُطْلِقَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله مِنْ عِقَالِهِ فَقَالَ یَا جَبْرَئِیلُ هَذِهِ عُوذَهٌ بَلِیغَهٌ قَالَ هِیَ مِنْ خِزَانَهٍ فِی السَّمَاءِ السَّابِعَهِ(۲).

**[ترجمه]طب الائمه: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: رسول خدا به تب سختی دچار شد، پس جبرئیل علیه السلام به نزد ایشان آمد و با خواندن این دعا او را تعویذ کرد: «به نام خداوند تو را تعویذ می کنم، به نام خداوند تو را شفا می‌دهم، از هر دردی که تو را می‌آزارد، به نام خدا و خداوند شفادهنده است، به نام خدا آن را بگیر که تو را گوارا خواهد بود، به نام خداوند بخشنده مهربان و سوگند به جایگاه های ستارگان، اگر بدانید، آن سوگندی سخت بزرگ است و به اذن خداوند عزّ و جلّ شفا خواهی یافت» پیامبر صلی الله علیه و آله از بند گشوده شدند و فرمودند: ای جبرئیل آیا این تعویذی است که بر تو ابلاغ شد؟ فرمود: این از خزانه‌ای است در آسمان هفتم. - . طب الائمه: ۳۸ -

**[ترجمه]

«۳»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] أَحْمَدُ بْنُ سَلَمَهَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ حَرِیزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ السِّجِسْتَانِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ حَمْزَهَ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْفُضَیْلِ بْنِ یَسَارٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِذَا مَرِضَ الرَّجُلُ فَأَرَدْتَ أَنْ تُعَوِّذَهُ فَقُلْ اخْرُجْ عَلَیْکِ یَا عِرْقُ أَوْ یَا عَیْنَ الْجِنِّ أَوْ یَا عَیْنَ الْإِنْسِ أَوْ یَا وَجَعُ بِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ اخْرُجْ بِاللَّهِ الَّذِی کَلَّمَ مُوسَی تَکْلِیماً وَ اتَّخَذَ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلًا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَ رَبِّ عِیسَی ابْنِ مَرْیَمَ رُوحِ اللَّهِ وَ کَلِمَتِهِ وَ رَبِ

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۳۷.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۳۸.

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْهُدَاهِ وَ طَفِيتَ كَمَا طَفِيَتْ نَارُ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ علیه السلام (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: امام باقر علیه السلام فرمودند: برای تعویذ بیمار بخوان: «خارج شو ای رگ یا ای چشم جن یا ای چشم انسان یا ای دردی که در فلان فرزند فلان قرار داری، خارج شو به خدایی که با موسی سخن گفت و ابراهیم صلوات الله علیه را دوست خود قرار داد و به پروردگار عیسی بن مریم روح خدا و کلمه او و پروردگار محمد و خاندان هدایتگر او و فرو نشینی همانطور که آتش بر ابراهیم خاموش گشت. - . طب الائمه: ۳۹ -

**[ترجمه]

«۴»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَبْدُ اللَّهِ عَنْ أَبِی زَكَرِيَّا يَحْيَى بْنِ أَبِی بَكْرٍ عَنِ الْحَضْرَمِيِّ: أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ علیه السلام كُتِبَ لَهُ هَذَا وَ كَانَ ابْنُهُ يُحَمُّ حُمَّى الرِّبْعِ فَأَمَرَهُ أَنْ يُكْتَبَ عَلَى يَدِهِ الْيُمْنَى بِسْمِ اللَّهِ جَبْرَائِيلُ وَ عَلَى يَدِهِ الْيُسْرَى بِسْمِ اللَّهِ مِيكَائِيلُ وَ عَلَى رِجْلِهِ الْيُمْنَى بِسْمِ اللَّهِ إِسْرَافِيلُ وَ عَلَى رِجْلِهِ الْيُسْرَى بِسْمِ اللَّهِ لا يَرَوْنَ فِيها شَمْساً وَ لا زَمْهَرِيراً وَ بَيْنَ كَتِفَيْهِ بِسْمِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ قَالَ وَ مَنْ شَكَّ لَمْ يَنْفَعْهُ (۲).

**[ترجمه]طب الائمه: حضرمی نقل کرد: فرزندم به تبی گرفتار شد که هر چهار روز یکبار عارض می شد، در این هنگام امام موسی علیه السلام در نامه‌ای به من نوشتند که بر دست راست او بنویسم «بسم الله جبرائیل» و بر دست چپ او بنویسم «بسم الله میکائیل» و بر پای راست او بنویسم «بسم الله اسرافیل» و بر پای چپ او بنویسم: «بسم الله لا یرون فیها شمسا و لا زمهریرا: به نام خدا، در آن نه خورشیدی می‌بینند و نه باد سردی» و در میانه شانه‌های او بنویسم «بسم الله العزیز الجبار: به نام خداوند شکست‌ناپذیر چیره» و فرمودند: هر کس در آن شک کند، نفعی نخواهد برد. - . طب الائمه: ۵۱ -

**[ترجمه]

«۵»

ختص، [الإختصاص] الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْوَشَّاءُ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: قَالَ لِی مَا لِی أَرَاكَ مُصْفَرّاً فَقُلْتُ هَذِهِ الْحُمَّى الرِّبْعُ قَدْ أَلَحَّتْ عَلَيَّ قَالَ فَدَعَا بِدَوَاهٍ وَ قِرْطَاسٍ ثُمَّ كَتَبَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أَبْجَدْ هَوَّزْ حُطِّی عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانَهَ ثُمَّ دَعَا بِخَيْطٍ فَأُتِيَ بِخَيْطٍ مَبْلُولٍ فَقَالَ ائْتِنِی بِخَيْطٍ لَمْ يَمَسَّهُ الْمَاءُ فَأُتِيَ بِخَيْطٍ يَابِسٍ فَشَدَّ وَسَطَهُ وَ عَقَدَ عَلَى الْجَانِبِ الْأَيْمَنِ أَرْبَعَهً وَ عَقَدَ عَلَى الْأَيْسَرِ

ثَلَاثَ عُقَدٍ وَ قَرَأَ عَلَى كُلِّ عَقْدٍ الْحَمْدَ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ آيَهَ الْكُرْسِيِّ ثُمَّ دَفَعَهُ إِلَيَّ وَ قَالَ شُدَّهُ عَلَى عَضُدِكَ الْأَيْمَنِ وَ لَا تَشُدَّهُ عَلَى الْأَيْسَرِ(۳).

**[ترجمه]الاختصاص: حسن بن علی وشاء نقل کرد، امام رضا علیه السلام به من فرمودند: تو را می‌بینم در حالی که رنگ به رخسار نداری، عرض کردم: به تبی مبتلا شدم که چهار روز یکبار بر من عارض می شود و بسیار مرا به خود پیچیده است. پس فرمودند: کاغذ و مرکبی بیاورید و این دعا را نوشتند: «به نام خداوند بخشنده مهربان، أبجد هوّز حطّی از فلان فرزند فلانه» سپس خواستند نخی برایشان بیاورند، پس نخ مرطوبی آوردند، فرمودند: نخی بیاورید که آب به آن نرسیده باشد، پس نخ خشکی آوردند، وسط آن دعا را بستند و در جانب راست، چهار گره و در سمت چپ آن سه گره زدند و بر هر گرهی یک حمد، قل اعوذ بربّ الناس، قل اعوذ برب الفلق و آیه الکرسی خواندند، سپس آن را به من دادند و فرمودند: آن را بر بازوی راستت ببند و از بستن آن بر بازوی چپ خودداری کن. - . الاختصاص: ۱۸ -

**[ترجمه]

«۶»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] الْخَضِرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْخَزَازِينِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ أَحَدِهِمَا علیهما السلام: مَا قُرِئَتِ الْحَمْدُ سَبْعِينَ مَرَّةً إِلَّا سَكَنَ وَ إِنْ شِئْتُمْ فَجَرِّبُوهُ وَ لَا تَشُكُّوا(۴).

**[ترجمه]طب الائمه: از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام روایت است: هیچ - دردی - نیست که هفتاد بار سوره حمد بر آن خوانده شود مگر این که آرام شود؛ اگر خواستید، امتحان کنید و در آن شک نکنید. - . طب الائمه: ۵۳ -

**[ترجمه]

«۷»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْبُرْسِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ علیه السلام: أَنَّهُ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ مَوَالِيهِ وَ قَدْ وُعِكَ وَ قَالَ مَا لِي أَرَاكَ مُتَغَيِّرَ اللَّوْنِ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وُعِكْتُ (۵)

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۳۹.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۵۱.

۳- ۳. الاختصاص: ۱۸.

۴- ۴. طبّ الأئمّه ص ۵۳.

۵- ۵. الوعک: المرض يشتد حماه.

وَعَكاً شَدِيداً مُنْذُ شَهْرٍ ثُمَّ لَمْ تَنْقَلِعِ الْحُمَّى عَنِّی وَ قَدْ عَالَجْتُ نَفْسِی بِکُلِّ مَا وَصَفَهُ لِی الْمُتَرَفِّعُونَ فَلَمْ أَنْتَفِعْ بِشَیْ ءٍ مِنْ ذَلِکَ فَقَالَ لَهُ الصَّادِقُ علیه السلام حُلَّ أَزْرَارَ قَمِیصِکَ وَ أَدْخِلْ رَأْسَکَ فِی قَمِیصِکَ وَ أَذِّنْ وَ أَقِمْ وَ اقْرَأْ سُورَهَ الْحَمْدِ سَبْعَ مَرَّاتٍ قَالَ فَفَعَلْتُ ذَلِکَ فَکَأَنَّمَا نَشِطْتُ مِنْ عِقَالٍ (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: شخصی از دوستان امام صادق علیه السلام بر ایشان وارد شد، در حالی که تب داشت و امام فرمودند، چرا رنگ به رخسار نداری؟ عرض کردم، یک ماه است که به تب شدیدی مبتلایم و از بین نرفت. و به هر آنچه برای من نسخه کردند، به درمان خود پرداختم ولی سودی نداشت. امام صادق علیه السلام فرمودند: دکمه‌های پیراهنت را باز کن و سر خود را در پیراهنت فرو ببر و اذان و اقامه بگو و سوره حمد را هفت بار خوان، و آن شخص نقل کرد وقتی این کار را انجام دادم گویی از بندی رستم. - . طب الائمه: ۵۲ -

**[ترجمه]

«۸»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] الْعِیصُ بْنُ الْمُبَارَکِ الْأَسَدِیُّ عَنْ عَبْدِ الْعَزِیزِ عَنْ یُونُسَ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّیِّ قَالَ: مَرِضْتُ بِالْمَدِینَهِ مَرَضاً شَدِیداً فَبَلَغَ ذَلِکَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَکَتَبَ إِلَیَّ بَلَغَنِی عِلَّتُکَ فَاشْتَرِ صَاعاً مِنْ بُرٍّ وَ اسْتَلْقِ عَلَی قَفَاکَ وَ انْثُرْهُ عَلَی صَدْرِکَ کَیْفَ مَا انْتَثَرَ وَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی إِذَا سَأَلَکَ بِهِ الْمُضْطَرُّ کَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ مَکَّنْتَ لَهُ فِی الْأَرْضِ وَ جَعَلْتَهُ خَلِیفَتَکَ عَلَی خَلْقِکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعَافِیَنِی مِنْ عِلَّتِی هَذِهِ ثُمَّ اسْتَوِ جَالِساً وَ اجْمَعِ الْبُرَّ مِنْ حَوْلِکَ وَ قُلْ مِثْلَ ذَلِکَ وَ اقْسِمْهُ أَرْبَعَهَ أَقْسَامٍ مُدّاً مُدّاً لِکُلِّ مِسْکِینٍ وَ قُلْ مِثْلَ ذَلِکَ قَالَ دَاوُدُ فَفَعَلْتُ مَا أَمَرَنِی بِهِ فَکَأَنَّمَا نَشِطْتُ مِنْ عِقَالٍ وَ قَدْ فَعَلَهُ غَیْرُ وَاحِدٍ فَانْتَفَعَ بِهِ (۲).

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، قَالَ دَاوُدُ بْنُ زُرْبِیٍّ: مَرِضْتُ بِالْمَدِینَهِ مَرَضاً شَدِیداً وَ ذَکَرَ مِثْلَهُ (۳).

**[ترجمه]طب الائمه: داود رقّی نقل کرد، در مدینه که بودم به مریضی سختی گرفتار شدم، وقتی خبر آن به امام صادق علیه السلام رسید، برای من نوشتند: خبر بیماری ات به من رسید پیمانه ای از گندم خریداری کن و به پشت دراز بکش و آنها را بر روی سینه‌ات بپاش به هر شکل که پراکنده شدند، و این دعا را بخوان: «خداوندا تو را به آن اسمی می‌خوانم که هرگاه درمانده‌ای تو را بدان خواند، گرفتاری‌اش را برطرف نمودی، و او را در زمین توانمند گرداندی و خلیفه خویش بر بندگانت قرار دادی، از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان او درود فرستی و مرا از بیماری بهبودی بخشی.» سپس بنشین و گندم‌های اطراف خود را جمع کن و همین دعا را بخوان، سپس آن را [چهار قسمت] تقسیم کن، و برای هر مسکینی یک مدّ قرار ده و دوباره این دعا را بخوان. داود نقل کرد، طبق دستور امام علیه السلام، عمل کردم، گویی از بند رستم. و دیگران نیز آن را به کار بستند و بهره جستند. - . طب الائمه: ۵۳ -

دعوات الراوندی: داود بن زربی نقل کرد، روزی در مدینه به بیماری سختی مبتلا شدم و مثل روایت بالا را نقل کرد. - . طب الائمه: ۵۳ -

**[ترجمه]

«۹»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَبْدُ اللَّهِ بْنُ خَالِدِ بْنِ نَجِیحٍ عَنْ مَسْعُودِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِی أَحْمَدَ عَنِ ابْنِ أَبِی نَجْرَانَ عَنْ یُونُسَ بْنِ یَعْقُوبَ قَالَ: حَضَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ هُوَ یُعَلِّمُ رَجُلًا مِنْ أَوْلِیَائِهِ رُقْیَهَ الْحُمَّی فَکَتَبْتُهَا مِنَ الرَّجُلِ قَالَ یُقْرَأُ فَاتِحَهُ الْکِتَابِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَ آیَهُ الْکُرْسِیِّ ثُمَّ یُکْتَبُ عَلَی جَنْبَیِ الْمَحْمُومِ بِالسَّبَّابَهِ اللَّهُمَّ ارْحَم جِلْدَهُ الرَّقِیقَ وَ عَظْمَهُ الدَّقِیقَ مِنْ سَوْرَهِ الْحَرِیقِ یَا أُمَّ مِلْدَمٍ (۴) إِنْ کُنْتِ آمَنْتِ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ فَلَا تَأْکُلِی اللَّحْمَ وَ لَا تَشْرَبِی الدَّمَ وَ لَا تَهْتِکِی الْجِسْمَ وَ لَا تَصْدَعِی الرَّأْسَ وَ انْتَقِلِی عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانَهَ إِلَی مَنْ یَجْعَلُ

مَعَ اللَّهِ إِلَهاً آخَرَ لَا إِلَهَ

ص: ٢٢

١- ١. طبّ الأئمّه ص ٥٢.

٢- ٢. طبّ الأئمّه ص ٥٣.

٣- ٣. و تراه فى الكافى ج ٢ ص ۵۶۴.

۴- ۴. ام ملدم كنيه الحمى، و يقال: الدمت عليه الحمى: دامت.

إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ عُلُوّاً كَبِيراً(۱).

**[ترجمه]طب الائمه: يونس بن يعقوب نقل كرد: خدمت امام صادق عليه السلام رسيدم و ديدم به يكى از دوستان خويش، تعويذى براى تب مى‌آموزنـد من نيز آن را نوشـتم، فرمودنـد: سوره فـاتحه الكتاب، قل هو الله احـد، انا انزلناه، آيه الكرسـى خوانـده مى‌شود، سـپس در دو طرف شخصـى كه تب دارد، با انگشت اشاره مى‌نويسـى: خدايا بر پوست لطيف و اسـتخوان باريك و شدت سوزش رحم كن، اى تب، اگر به خدا و روز قيامت ايمان دارى، گوشت و خون او را نخور و بـدن او را معيوب نكن و او را به سـردرد مبتلا نكن و از فلان فرزنـد فلانه به سوى كسـى برو كه در كنار خداوند يكتا، خدايى ديگر نيز قرار مى‌دهد، خدايى جز خداى يكتا نيست، خداوند از آنچه شـرك مى‌ورزند، برترى جست. - . طب الائمه: ۵۴ -

**[ترجمه]

«۱۰»

طب، [طب الأئمه عليهم السلام] أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ عَادَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ وَ هُوَ شَاكٍ فَقَالَ لَهُ أُعِيذُكَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ رَبِّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ نَعَّارٍ وَ مِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ فَكَانَ فِي أَجَلِهِ تَخْفِيفٌ وَ تَأْخِيرٌ إِلَّا خَفَّفَ اللَّهُ عَنْهُ (۲).

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق عليه السلام به نقل از پدران بزرگوارشان فرمودند: انسان مؤمنى كه به عيادت برادر مؤمن خود كه بيمار است برود و اين دعا را بخواند: «پناه مى‌دهم تو را به خداوند بزرگ، پروردگار با كرامت عرش از شر خونى كه بند نيايد و گرماى آتش» خداوند اجل او را به تأخير مى‌اندازد. - . طب الائمه: ۱۲۰ -

**[ترجمه]

«۱۱»

مكا، [مكارم الأخلاق] لِلْحُمَّى وَ الصُّدَاعِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: يَكْتُبُ لِلْحُمَّى وَ الصُّدَاعِ يَشُدُّهُ وَ يَعْقِدُ عَلَيْهِ سَبْعَ عُقَدٍ وَ يَقْرَأُ عَلَى كُلِّ عُقْدَهٍ فَاتِحَهَ الْكِتَابِ وَ يَشُدُّهُ عَلَى رَأْسِ الْمَحْمُومِ وَ يُعَلَّقُ عَلَى عَضُدِهِ الْأَيْمَنِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ تَمَامَ السُّورَهِ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بِتَمَامِهَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيم رَبَّ النَّاسِ أَذْهِبِ الْبَأْسَ وَ اشْفِهِ يَا شَافِي فَإِنَّهُ لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سُقْماً بيده [بِيَدِكَ] الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَهٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ قُلْنا يا نارُ كُونِي بَرْداً وَ سَلاماً عَلى إِبْراهِيمَ كَذَلِكَ صَاحِبُ كِتَابِي هَذَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ وَ لَهُ ما سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اسْكُنْ أَيُّهَا الصُّدَاعُ وَ الْأَلَمُ بِعِزَّهِ اللَّهِ اسْكُنْ بِقُدْرَهِ اللَّهِ اسْكُنْ بِجَلَالِ اللَّهِ اسْكُنْ بِعَظَمَهِ اللَّهِ اسْكُنْ بِلَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً إِلَى قَوْلِهِ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ (۳) وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً.

لِلْحُمَّى وَ غَيْرِهِ: وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ وَ قَدِ اشْتَكَى وَعِكاً حُلَ

ص: ۲۳

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۵۴.

۲– ۲. طبّ الأئمّه ص ۱۲۰.

۳– ۳. الأنبياء: ۷۸.

أَزْرَارَ قَمِيصِكَ وَ أَدْخِلْ رَأْسَكَ فِي جَيْبِكَ وَ أَذِّنْ وَ أَقِمْ وَ اقْرَأِ الْحَمْدَ سَبْعَ مَرَّاتٍ قَالَ فَفَعَلْتُ فَكَأَنَّمَا أُنْشِطْتُ مِنْ عِقَالٍ.

لِلْحُمَّى أَيْضاً عَنْهُ عليه السلام قَالَ: تُدْخِلُ رَأْسَكَ فِي جَيْبِكَ فَتُؤَذِّنُ وَ تُقِيمُ وَ تَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ وَ تَقْرَأُ قُلْ هُوَ اللَّهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ تَقُولُ أُعِيذُ نَفْسِي بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ قُدْرَةِ اللَّهِ وَ عَظَمَةِ اللَّهِ وَ سُلْطَانِ اللَّهِ وَ بِجَمَالِ اللَّهِ وَ بِجَمْعِ اللَّهِ وَ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ بِعِتْرَتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ بِوُلَاةِ أَمْرِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اللَّهُمَّ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ وَ دَاوِنِي بِدَوَائِكَ وَ عَافِنِي مِنْ بَلَائِكَ.

وَ فِي رِوَايَةٍ قَالَ: تُدْخِلُ رَأْسَكَ فِي جَيْبِكَ وَ تُؤَذِّنُ وَ تُقِيمُ وَ تَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ تَقْرَأُ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ آخِرَ الْحَشْرِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ تَقُولُ أُعِيذُ نَفْسِي كَمَا سَبَقَ (۱).

عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: شَكَا رَجُلٌ إِلَيْهِ حُمَّى قَدْ تَطَاوَلَتْ فَقَالَ اكْتُبْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ فِي إِنَاءٍ ثُمَّ دُفْهُ بِجُرْعَةٍ مِنْ مَاءٍ وَ اشْرَبْهُ.

مِثْلُهُ عَنْ بَعْضِ الصَّادِقِينَ قَالَ: يُؤْخَذُ مِنْ تُرْبَةِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ تُدَافُ بِالْمَاءِ وَ تُكْتَبُ فِي جَامِ زُجَاجٍ بِقَلَمِ حَدِيدٍ وَ تُسْقَى مَنْ بِهِ أَلَمٌ حَادِثٌ سَلامٌ قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ طه ما أَنْزَلْنا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقى إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّماواتِ الْآيَةَ(۲) يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ قُلْنا يا نارُ كُونِي بَرْداً وَ سَلاماً عَلى إِبْراهِيمَ ارْدُدْ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ الْحَرَّ وَ الْبَرْدَ وَ الْمَلِيلَةَ(۳)

وَ جَمِيعَ الْآلَامِ وَ الْأَسْقَامِ وَ الْأَعْرَاضِ وَ الْأَمْرَاضِ وَ الْأَوْجَاعِ وَ الصُّدَاعِ طسم طس بِأَسْمَاءِ اللَّهِ حم عسق كَذلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَ إِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ

۱- ۱. مكارم الأخلاق ص ۴۲۵.

۲- ۲. فاطر: ۳۹.

۳- ۳. المليله: الحر الكامن فى العظم، يقال به مله و مليله: أى حمى باطنه.

وَ صَلَوَاتُهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ يَا مَنْ تَزُولُ الْجِبَالُ وَ لَا يَزُولُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَزِلْ كُلَّ مَا بِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِنْ مَرَضٍ وَ سُقْمٍ وَ أَلَمٍ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَحْدَهُ وَ صَلَوَاتُهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ.

مِثْلُهُ: يُكْتَبُ عَلَى الْقِرْطَاسِ وَ يُعَلَّقُ عَلَيْهِ وَ بِالْحَقِّ أَنْزَلْناهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَلَ إِلَى قَوْلِهِ نَذِيراً(۱) وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَى قَوْلِهِ لِلْمُؤْمِنِينَ (۲) وَ ما مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ إِلَى قَوْلِهِ عَلى عَقِبَيْهِ (۳) وَ آمَنُوا بِما نُزِّلَ عَلى مُحَمَّدٍ إِلَى قَوْلِهِ بالَهُمْ (۴) ما كانَ مُحَمَّدٌ إِلَى قَوْلِهِ عَلِيماً(۵) مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ إِلَى قَوْلِهِ فِي الْإِنْجِيلِ (۶) وَ مُبَشِّراً الْآيَةَ(۷) وَ لَوْ أَنَّ قُرْآناً سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتى بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعاً الْمُلْكُ لِلَّهِ الْواحِدِ الْقَهَّارِ ثُمَّ يَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ الْمَكْتُوبِ عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ (۸).

لِلْحُمَّى الرَّابِعَةِ: يُكْتَبُ وَ يُعَلَّقُ عَلَى الْعَضُدِ الْأَيْمَنِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ وَ لَوْ أَنَّ قُرْآناً سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتى بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ

۱- ۱. و بالحق أنزلناه و بالحق نزل و ما أرسلناك الا مبشرا و نذيرا: أسرى: ۱۰۵.

۲- ۲. و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمؤمنين: اسرى: ۸۲.

۳- ۳. و ما محمّد إلا رسول قد خلت من قبله الرسل أ فإن مات أو قتل انقلبتم على أعقابكم و من ينقلب على عقبيه: آل عمران: ۱۴۴.

۴- ۴. و آمنوا بما نزل على محمّد و هو الحق من ربهم كفر عنهم سيئاتهم و أصلح بالهم: القتال: ۲.

۵- ۵. ما كان محمّد أبا أحد من رجالكم و لكن رسول اللّه و خاتم النبيين و كان اللّه بكل شى ء عليما: الأحزاب: ۴۰.

۶- ۶. محمّد رسول اللّه و الذين آمنوا معه أشداء على الكفّار رحماء بينهم تراهم ركعا سجدا يبتغون فضلا من اللّه و رضوانا سيماهم فى وجوههم من أثر السجود ذلك مثلهم فى التوراه و مثلهم فى الإنجيل: الفتح: ۲۹.

۷- ۷. و مبشرا برسول يأتى من بعدى اسمه أحمد فلما جاءهم بالبينات قالوا هذا سحر مبين: الصف: ۶.

۸- ۸. مكارم الأخلاق ص ۴۲۶.

جَمِيعاً يَا شَافِي يَا كَافِي يَا مُعَافِي وَ بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَلَ وَ ما أَرْسَلْناكَ إِلَّا مُبَشِّراً وَ نَذِيراً بِاسْمِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ بِبِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ لَا غَالِبَ إِلَّا اللَّهُ أُخْرَى يُكْتَبُ عَلَى كَتِفِهِ ب بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أَ لَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ إِلَى آخِرِهِ لَا بَأْسَ بِرَبِّ النَّاسِ أَذْهِبِ الْبَأْسَ اشْفِ ابْتِلَائِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ قالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَ اشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْباً بِاسْمِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ (١)

لِلْحُمَّى النَّافِضِ (٢) بِسْمِ اللَّهِ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيانِ بَيْنَهُما بَرْزَخٌ لا يَبْغِيانِ وَ جَعَلَ بَيْنَهُما بَرْزَخاً وَ حِجْراً مَحْجُوراً يا نارُ كُونِي بَرْداً(٣) الْآيَةَ فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغالِبُونَ وَ لَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنا إِلَى قَوْلِهِ الْغالِبُونَ (۴).

لِلرِّبْعِ عَنِ الْحَسَنِ الزَّكِيِّ عليه السلام قَالَ اكْتُبْ عَلَى وَرَقَةٍ يا نارُ كُونِي بَرْداً وَ سَلاماً عَلى إِبْراهِيمَ وَ عَلِّقْهُ عَلَى الْمَحْمُومِ إِذَا أَخَذَتْهُ الْحُمَّى يَكْتُبُ عَلَى قِرْطَاسٍ هَذِهِ الْآيَةَ وَ يَشُدُّ عَلَى عَضُدِهِ قُلْ آللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ وَ يَكْتُبُ بطلط بطلطلط وَ يَقُولُ عَقَدْتُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ حُمَّى فُلَانٍ وَ يَشُدُّ عَلَى سَاقِهِ الْيُسْرَى (۵): مِثْلُهُ أَ لَمْ تَرَ إِلى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ الْآيَةَ(۶).

**[ترجمه]مكارم الاخلاق: در تب و سردرد: امام صادق عليه السلام فرمودند: دعايى كه براى تب و سردرد نوشته مى‌شود، با نخى بسته شده و هفت گره بر آن زده مى‌شود و بر هر گره سوره فاتحه الكتاب و بر سر شخصى كه تب دارد، بسته مى‌شود و بر بازوى راست او آويزان مى‌شود

.

«به نام خداوند بخشنده مهربان ستايش خدايى كه پروردگار جهانيان است تا آخر سوره و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ بربّ الناس و سوره قل هو الله احد، به نام خداوند بخشنده مهربان، اى پروردگار آدميان، اين تب را ببر، و او را شفا بخش، اى شفادهنده، زيرا هيچ بهبودى جز به عافيت تو نيست، شفايى كه هيچ بيمارى بر جاى نگذارد، خير تنها به دست اوست، به راستى كه تو بر هر چيز توانايى، و از قرآن آنچه مايه شفا و رحمت براى مؤمنان است، نازل مى‌كنيم. به نام خداوند بخشنده مهربان، گفتيم اى آتش بر ابراهيم سرد و سلامت باش و اين چنين نوشته مرا در جوار خود قرار ده به رحمتت اى مهربان ترين مهربانان».

«به نام خداوند بخشنده مهربان، و هرچه در روز و شب آرام گرفت، از آن اوست و اوست شنوا و دانا، اى سردرد و اى درد به عزت خداوند، آرام گير، به قدرت خداوند، آرام گير، به شكوه خداوند آرام گير، به بزرگى خداوند آرام گير، به اينكه هيچ نيرو و قدرتى جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمى‌پذيرد، آرام گير، و خداوند آنها را كفايت خواهد كرد و اوست شنواى دانا، و ذوالنون آنگاه كه خشمگين رفت... نجات مى دهيم مؤمنان را. - . انبياء/ ٧٨ -

و هيچ نيرو و قدرتى جز به خداى بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمى‌پذيرد و خداوند ما را كفايت مى‌كند و بهترين كارگزار است و درود خدا بر محمد و خاندان او».

براى تب و غير آن: امام صادق عليه السلام به يكى از ياران خويش كه تب داشت، فرمودند: دكمه‌هاى پيراهنت را باز كن و سر خود را در گريبان فرو كن، اذان و اقامه را بگو و هفت مرتبه سوره حمد را بخوان، آن شخص گفت وقتى اين كار را كردم گويى از بندى رستم.

و براى رفع تب در حديثى ديگر از امام صادق عليه السلام آمده است كه فرمودند: سر خود را در گريبان فرو مى‌كنى و پس از گفتن اذان و اقامه، سوره‌هاى فاتحه الكتاب، قل هو الله احد، قل اعوذ برب الفلق، قل اعوذ بربّ الناس و سه بار سوره قل هو الله احد را مى‌خوانى و مى... گويى: خود را در پناه عزت خداوند، قدرت خدا، عظمت خداوند، سلطنت خداوند، جمال خدا، جمع خدا و به رسول خدا و خاندان او درود خداوند بر او و آنان، و به واليان امر خدا مى‌آورم از شر هر آنچه مى‌ترسم و بيم دارم، و گواهى مى‌دهم كه خداوند بر هر كارى تواناست و هيچ نيرو و قدرتى جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمى‌پذيرد و درود خدا بر محمد و خاندان او، خداوندا به شفاى خود مرا بهبودى بخش و به دواى خود مرا درمان كن و از بلاى خود عافيت بخش.

و در روایتی دیگر فرمودند: سر خود را در گریبان فرو می‌بری، و بعد از گفتن اذان و اقامه، سوره‌های فاتحه الکتاب و قل اعوذ بربّ الفلق و قل اعوذ بربّ النـاس را می‌خوانی و سوره قل هو الله احـد را – سه بار – می‌خوانی و آیه آخر سوره حشـر را سه بار می‌خوانی و می گویی: خود را پناه می‌دهم تا آخر دعا که ذکر شد. – . مکارم الاخلاق: ۴۲۵ –

امـام صـادق علیه السـلام به شخصـی که به تبی طولانی مـدت دچار شـده بود، فرمودنـد: آیه الکرسـی را در یک ظرف بنویس و سـپس آن را مقداری آب بیامیز و بنوش.

مثل این حدیث از امام باقر علیه السـلام یا امام صادق علیه السـلام نقل شد که فرمودند: مقداری از تربت حسـین علیه السـلام را با مقداری آب بیامیز و در جامی بلورین با قلمی آهنین نوشـته می‌شود و سـپس آن را به کسـی که به دردی مبتلا است، نوشانده می‌شود، «از جانب پروردگار مهربـان به آنان سـلام گفته می شود کفایت می کنـد خـدا مرا و او بهترین کار گزار است طه قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به رنـج افتی، همانا خـد ا آسـمانها را نگاه می دارد – . فاطر/ ۳۹ – خـدا می خواهـد تا بارتان را سَبُک گرداند، اکنون خدا بر شـما تخفیف داد. گفتیم: ای آتش، برای ابراهیم سـرد و بی آسیب شو. از فلان فرزند فلان، گرما و سرما و تب‌های پنهانی و تمامی رنج ها و بیماری‌ها و ناخوشی‌ها و درد ها و سر درد را بر گردان.

طسم طس به نـام‌های خـدا، حم عسق اینچنین خداونـد شـکست‌ناپـذیر حکیم به تو و کسانی که قبل از تو بودنـد، وحی می کنـد و هیـچ نیرو و قـدرتی جز به خداونـد بلنـدمرتبه و بزرگ تحقق نمی‌پذیرد، و سـتایش از آن خدایی است که پروردگار جهانیان است و درود او بر سـرورمان محمـد و خانـدان پـاک او، ای کسـی که فـانی نمی‌شوی در حـالی که کوه‌ها از بین می‌رونـد، بر محمـد و خانـدان او درود فرست و هر درد و بیمـاری و ناخوشـی که بر فلاـن فرزنـد فلاـن است، برطرف کن، به راستی که تو بر هر کاری توانایی، خداونـد به تنهایی برای ما کافی است و درود او بر پیامبرش محمد و تمامی خاندانش.

مثل این حدیث: بر کاغذی نوشـته می‌شود و به او آویزان می گردد: و آن [قرآن] را به حق فرود آوردیم و به حق فرود آمد، و تو را جز بشارت دهنده و بیم رسان نفرستادیم – . اسری/ ۱۰۵ – .

و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می کنیم – . اسری/۸۲ – و

محمد، جز فرستاده ای که پیش از او پیامبرانی گذشتند، نیست. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، از عقیده خود برمی گردید؟ و هر کس از عقیده خود بازگردد – . آل عمران/ ۱۴۴ – و به آنچه بر محمّـد نازل آمـده گرویده اند– که آن خود حقّ و از جانب پروردگارشان است– بدیهایشان را زدود و حالشان را بهبود بخشید، – . قتال/ ۲ – محمّد

پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است. و خدا همواره بر هر چیزی داناست – . احزاب/ ۴۰ – ،

محمّـد پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سـختگیر و با همدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سـجود می بینی. فضل و خشـنودی خدا را خواستارند. علامتِ آنان بر اثر سجود در چهره هایشان است. این صفت ایشان است در تورات، و مَثَلِ آنها در انجیل. – . فتح/ ۲۹ – و

به فرسـتاده ای که پس از من می آیـد و نام او «احمـد» است بشارتگرم.» پس وقتی برای آنان دلایل روشن آورد، گفتنـد: این سـحری آشـکار است – . صـف/۶ – و اگر قرآنی بود که کوه هـا بـدان روان می شـد، یـا زمین بـدان قطعه قطعه می گردیـد، یا مردگان بـدان به سـخن در می آمدند، نه چنین است، بلکه همه امور بستگی به خدا دارد، فرمانروایی از آن خدایی است که یگانه چیره است، سپس می گوید: به نام خدا که بر پایه عرش نگاشته شد. – . مکارم الاخلاق: ۴۲۶ –

برای تبی که چهار روز یکبار عارض شود، این دعا نوشـته می‌شود و بر بازوی راست آویخته می گردد: «به نام خداونـد بخشـنده مهربان و اگر

رقرآنی بود که کوه ها بـدان روان می شـد، یا زمین بـدان قطعه قطعه می گردیـد، یا مردگان بـدان به سـخن در می آمدند نه چنین است، بلکه همه امور بسـتگی به خدا دارد، ای شفادهنده ای کفایت کننده، ای عافیت‌بخش، او را به حق نازل کردیم و به حق نازل شد و ما او را بشارت... دهنـده و بیم‌دهنده فرسـتادیم به اسم فلان فرزند فلان و به نام خدا و به خداوند و از خدا و به سوی خدا و هیچ غلبه‌کننده‌ای جز خداوند وجود ندارد.

دعایی دیگر: بر شانه شخصـی بیمار نوشـته می‌شود: «به نام خداوند بخشـنده مهربان آیا سـینه‌ات را وسعت نبخشیدیم تا آخر سوره، هیچ سختی برای پروردگـار آدمیـان وجود نـدارد، این درد را ببر و بیمـاری‌ام را شـفا بخش، زیرا هیـچ بهبودی جز شـفای تو نیست، گفت: پروردگـارا من استخوانم سست گردید و موی سر ما ز پیری سپید گشت، به اسم فلان فرزند فلان. - . مکارم الاخلاق: ۴۲۷ -

برای تب و لرز: به نام خدا دو دریا را به گونه ای روان کرد که با هم برخورد کنند میان آن دو، مانع و حریمی استوار قرار داد. ای آتش، برای ابراهیم سرد و بی آسیب باش. - . انبیاء/ ۶۹ - آری،

حزب خـداست که رسـتگارانند. و قطعاً فرمـان مـا دربـاره بنـدگان فرسـتاده مـا از پیش چنین رفته است. آنـان بر دشـمنان خودشان حتماً پیروز خواهند شد و سپاه ما هر آینه غالب آیندگانند». - . صافات/ ۱۷۳-۱۷۱ -

در تبی که چهار روز یکبار عارض شود: از امام حسـین علیه السلام روایت است: بر کاغذی بنویس: ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش» و آن را بر بیماری که تب دارد، آویزان کن.

و چنانچه به تب مبتلا شـد، این آیه را بر کاغـذی بنویسـید و آیه «بگو:آیا خـدا به شـما اجازه داد یا بر خـدا دروغ می بندید». را بر بازوی خود ببندد.

و بنویسـد «بطلط بطلطلط» و بگویـد «عقدت علی اسم الله حمی فلان: تب فلان را بر اسم خداوند گره زدم» و آن را بر پای چپ بیمار ببندد. - . مکارم الاخلاق: ۴۲۷ -

مثل این حدیث: آیا ندیده ای که پروردگارت چگونه سایه را گسترده است؟ و اگر می خواست، آن را ساکن قرار می داد، آنگاه خورشـید را بر آن دلیل گردانیدیم - . فرقان/ ۴۵ مراجعه کن مکارم الاخلاق:۴۲۸ - .

**[ترجمه]

«۱۲»

مکا، [مکارم الأخلاق] عَنْهُمْ علیهم السلام: یَکْتُبُ فِی رَقٍّ وَ یُعَلِّقُهُ عَلَی الْمَحْمُومِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ

ص: ۲۶

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۲۷.

۲- ۲. الحمی النافض: الحمی الرعده، مذکر یقال أخذته حمی بنافض، و حمی نافض بالإضافه- و حمی نافض- بالوصف-، و الأول أحسن.

۳- ۳. یا نار کونی بردا و سلاما علی إبراهیم: الأنبیاء: ۶۹.

۴- ۴. و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین انهم لهم المنصورون و ان جندنا لهم الغالبون: الصافّات: ۱۷۱- ۱۷۳.

۵- ۵. مکارم الأخلاق ص ۴۲۷.

۶- ۶. أ لم تر الى ربك كيف مد الظل و لو شاء لجعله ساكنا ثمّ جعلنا الشمس عليه دليلا الفرقان: ۴۵ راجع مكارم الأخلاق ۴۲۸.

بِعِزَّتِکَ وَ قُدْرَتِکَ وَ سُلْطَانِکَ وَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ لَا تُسَلِّطَ عَلَی فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ شَیْئاً مِمَّا خَلَقْتَ بِسُوءٍ وَ ارْحَمْ جِلْدَهُ الرَّقِیقَ وَ عَظْمَهُ الدَّقِیقَ مِنْ فَوْرَهِ الْحَرِیقِ اخرج [اخْرُجِی] یَا أُمَّ مِلْدَم یَا آکِلَهَ اللَّحْم وَ شَارِبَهَ الدَّم حَرُّهَا وَ بَرْدُهَا مِنْ جَهَنَّم إِنْ کُنْتِ آمَنْتِ بِاللَّهِ الْأَعْظَم أَنْ لَا تَأْکُلِی لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَهَ لَحْماً وَ لَا تَمَصِّی لَهُ دَماً وَ لَا تَنْهَکِی لَهُ عَظْماً وَ لَا تَثُورِی عَلَیْهِ غَمّاً وَ لَا تُهَیِّجِی عَلَیْهِ صُدَاعاً وَ انْتَقِلِی عَنْ شَعْرِهِ وَ بَشَرِهِ وَ لَحْمِهِ وَ دَمِهِ إِلَی مَنْ زَعَمَ أَنَ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا یُشْرِکُونَ وَ یُکْتَبُ اسْمُ ذِمِّیٍّ أَوْ عَدُوٍّ لِلَّهِ (۱)

رُقْیَهً لِلْحُمَّیَاتِ خُصُوصاً لِحُمَّی یَوْم یُکْتَبُ عَلَی الْقِرْطَاسِ وَ یُشَدُّ بِخَیْطٍ وَ تُعْقَدُ عَلَیْهِ مِنَ الْجَانِبِ الْأَیْمَنِ أَرْبَعُ عُقَدٍ وَ مِنْ أَیْسَرِ الْخَیْطِ ثَلَاثُ عُقَدٍ وَ تُعَلَّقُ مِنْ رَقَبَهِ الْمَحْمُوم أُعِیذُ بِمَا اسْتَعَاذَ بِهِ مُوسَی وَ إِبْرَاهِیمَ وَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ الْحُمَّی وَ النَّافِضِ وَ الْغِبِّ وَ الْعَتِیقِ وَ الرِّبْعِ وَ الصُّدَاعِ اللَّهُمَّ کَمَا لَمْ تَلِدْ بِنْتُ عِمْرَانَ غَیْرَ عِیسَی فَلَا تَذَرْ عَلَی هَذِهِ الْإِنْسَانِ مِنْ هَذِهِ الْأَوْرَام وَ الْأَوْجَاعِ شَیْئاً إِلَّا نَزَعْتَهُ عَنْهُ فَلا أُقْسِمُ بِما تُبْصِرُونَ وَ ما لا تُبْصِرُونَ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ کَرِیم أَقْسَمْتُ عَلَیْکَ لَمَّا تَرَکْتَهُ وَ لَا تَأْخُذِیهِ وَ تَقْرَأُ الْإِخْلَاصَ وَ الْمُعَوِّذَتَیْنِ ثُمَّ قُلِ اللَّهُمَّ اشْفِ فُلَانَ بْنَ فُلَانَهَ مِنْ حُمَّی یَوْم وَ یَوْمَیْنِ وَ ثَلَاثَهَ أَیَّام وَ حُمَّی رِبْعٍ فَإِنَّکَ تَفْعَلُ مَا تُرِیدُ وَ تَحْکُمُ مَا تَشَاءُ وَ أَنْتَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ بِسْمِ اللَّهِ کَتَبْتُ وَ بِسْمِ اللَّهِ خَتَمْتُ وَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیم وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیم (۲)

أُخْرَی تَتَّخِذُ خَیْطاً مِنَ الْغَزْلِ الْقُطْنِ سَبْعَ طَاقَاتٍ وَ تَقْرَأُ عَلَیْهِ فَاتِحَهَ الْکِتَابِ وَ الْإِخْلَاصَ وَ الْمُعَوِّذَتَیْنِ وَ تَعْقِدُ عَلَیْهِ سَبْعَ عُقَدٍ وَ تَشُدُّ فِی عُنُقِهِ وَ قِیلَ یَقْرَأُ کُلَّ هَذِهِ عَلَی کُلِّ عُقَدٍ.

أُخْرَی وَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: مَا مِنْ رَجُلٍ یُحَمُّ فَیَغْتَسِلُ ثَلَاثَهَ أَیَّام مُتَتَابِعَهٍ یَقُولُ عِنْدَ کُلِّ غُسْلٍ بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنَّمَا اغْتَسَلْتُ الْتِمَاسَ شِفَائِکَ وَ تَصْدِیقَ نَبِیِّکَ إِلَّا کَشَفَ عَنْهُ.

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۶۰.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۶۰.

أُخْرَى عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله يُعَلِّمُنَا مِنَ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا وَ الْحُمَّى وَ الصُّدَاعِ بِسْمِ اللَّهِ الْكَبِيرِ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ نَعَّارٍ وَ مِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ وَ إِذَا رَفَعْتَ يَدَكَ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ أَعُوذُ بِاللَّهِ وَ قُدْرَتِهِ عَلَى مَا يَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ.

حِرْزُ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله لِفَاطِمَةَ عليها السلام خَاصَّةً لَهَا وَ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ مُقِرٍّ لِلْحَقِّ وَ لَهُ ما سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ يَا أُمَّ مِلْدَمٍ إِنْ كُنْتِ آمَنْتِ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ الْكَرِيمِ فَلَا تَهْشِمِي الْعَظْمَ وَ لَا تَأْكُلِي اللَّحْمَ وَ لَا تَشْرَبِي الدَّمَ اخْرُجِي مِنْ حَامِلِ كِتَابِي هَذَا إِلَى مَنْ لا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ رَسُولِهِ الْكَرِيمِ وَ آلِهِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عليهم السلام (۱).

لِلرِّبْعِ عَنِ الْوَشَّاءِ قَالَ: دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى الرِّضَا عليه السلام فَقَالَ لَهُ مَا لِي أَرَاكَ مُصْفَارّاً قَالَ هَذِهِ الرِّبْعُ قَدْ أَلَحَّتْ عَلَيَّ فَدَعَا بِدَوَاةٍ وَ كَتَبَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ أَبْجَدْ هَوَّزْ حُطِّي عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانَهَ بِإِذْنِ اللَّهِ ثُمَّ تَخَتَّمَ فِي أَسْفَلِ الْكِتَابِ سَبْعَ مَرَّاتٍ خَاتَمَ سُلَيْمَانَ (۲)

ثُمَّ طَوَاهُ ثُمَّ قَالَ يَا مُغِيثُ (۳) ائْتِنِي بِسِلْكٍ لَمْ يُصِبْهُ الْمَاءُ وَ لَا الْبُزَاقُ فَأَتَاهُ بِهِ فَعَقَدَ عَلَيْهِ ثُمَّ أَدْنَاهُ مِنْ فِيهِ فَعَقَدَ مِنْ جَانِبٍ أَرْبَعَ عُقَدٍ يَقْرَأُ عَلَى كُلِّ عُقَدٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ عَلَى الْجَانِبِ الْآخَرِ ثَلَاثَ عُقَدٍ يَقْرَأُ عَلَيْهَا مِثْلَ ذَلِكَ وَ نَاوَلَهُ إِيَّاهُ وَ قَالَ ارْبِطْ عَلَى عَضُدِكَ الْأَيْمَنِ وَ اقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ اخْتِمْ وَ لَا تُجَامِعْ عَلَيْهِ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: ثُمَّ أَدْرَجَ الْكِتَابَ وَ دَعَا بِخَيْطٍ فَأُتِيَ بِخَيْطٍ مَبْلُولٍ فَقَالَ ائْتُونِي بِخَيْطٍ يَابِسٍ فَعَقَدَ وَسَطَهُ وَ عَقَدَ عَلَى الْأَيْمَنِ أَرْبَعَ عُقَدٍ وَ عَلَى الْأَيْسَرِ ثَلَاثَ عُقَدٍ وَ قَرَأَ

۱- ۱. مكارم الأخلاق ص ۴۶۱.

۲- ۲. قيل: و صوره خاتم سليمان أن ترسم مثلثين متواردين بحيث يحصل من ذلك كوكبه لها سته زوايا هكذا* و قيل يرسم ثلاث مثلثات متواردات.

۳- ۳. في المصدر: يا معتب.

عَلَى كُلِّ عُقْدَهٍ أُمَّ الْكِتَابِ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ آيَهَ الْكُرْسِيِّ عَلَى التَّنْزِيلِ ثُمَّ قَالَ هَاكَ شُدَّهُ عَلَى عَضُدِكَ الْأَيْمَنِ وَ لَا تُجَامِعْ عَلَيْهِ.

أُخْرَى ذَكَرَ أَبُو زَكَرِيَّا الْحَضْرَمِيُّ: أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام كَتَبَ لَهُ هَذَا الْكِتَابَ وَ كَانَ يُحَمُّ حُمَّى الرِّبْعِ أَمَرَ أَنْ يُكْتَبَ عَلَى يَدِهِ الْيُمْنَى بِسْمِ اللَّهِ جَبْرَئِيلُ وَ عَلَى يَدِهِ الْيُسْرَى بِسْمِ اللَّهِ مِيكَائِيلُ وَ عَلَى رِجْلِهِ الْيُمْنَى بِسْمِ اللَّهِ إِسْرَافِيلُ وَ عَلَى رِجْلِهِ الْيُسْرَى بِسْمِ اللَّهِ لا يَرَوْنَ فِيها شَمْساً وَ لا زَمْهَرِيراً وَ بَيْنَ كَتِفَيْهِ بِسْمِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ(۱).

دعوات الراوندی، عن یحیی بن بکر الحضرمی عن أبی الحسن موسی علیه السلام: مثله.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: از امام معصومین علیم السلام روایت است، این دعا بر پوستی نوشته شود و بر شخصی که تب دارد، آویزان گردد: خداوندا از تو می‌خواهم به عزت و قدرت و سلطهات و هر آنچه علمت به آن احاطه دارد بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و بر فلان فرزند فلان، چیزی از مخلوقات نحس خود را، چیره نگردانی، بر پوست نازک و استخوان باریک او، از سوزش آتش رحم کن، ای تب، ای آنچه گوشت و خون را می‌خوری، سرما و گرمای آن از جهنم، خارج شو اگر به خداوند بزرگ ایمان داری، از گوشت فلان فرزند فلان نخور و خون او را نیاشام و استخوانش را لاغر مکن و اندوهی به سمت او روانه مساز و سردردی متوجه او نکن و از مو و پوست و گوشت و خون او به سمت کسی برو که می‌پندارد جز خدای یکتا، خدایی دیگر وجود دارد، خدایی جز خدای یگانه نیست، پاک است و از آنچه به او شرک می‌ورزند، برتر است» اسم کسی از اهل کتاب یا دشمن خدا نوشته شود. - . مکارم الاخلاق: ۴۶۰ -

تعویذی برای تب‌ها مخصوصاً تب روزانه، بر کاغذی نوشته می‌شود، و با نخی بسته می‌شود و در چهار گره در سمت راست آن زده می‌شود و در سمت چپ آن نیز سه گره می‌خورد، آنگاه از گردن شخصی بیمار و تب‌دار آویزان می‌شود «پناه می آورم به آنچه موسی و ابراهیم و محمد درود خداوند بر آنان از تب، تب و لرز و تب یک روز در میان و تب کهنه و تبی که چهار روز یکبار عارض شود و سردرد پناه جستند، خداوندا همانگونه که دختر عمران جز عیسی، فرزندی نیاورد، پس تمام ورم‌ها و دردها را از این انسان بردار و چیزی از آنها بر جای نگذار، قسم نمی خورم به آنچه می بینید و آنچه نمی بینید که آن سخن فرشته بزرگواری است. تو را قسم دادم که او را ترک کنی و دیگر قصد او را نکنی» سپس سوره اخلاص و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ بربّ الناس را می‌خوانی، و می گویی «خدایا فلان فرزند فلانه را از تب یک روزه، دو روزه، سه روزه و چهار روزه شفا بخش، به راستی که تو هرچه را اراده کنی، انجام می‌دهی و هرچه بخواهی، حکم می کنی و بر هر چیز توانایی. به نام خداوند نوشتم و به نام خداوند پایان بخشیدم و بر او توکل نمودم و اوست پروردگار عرش با عظمت و هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمی‌پذیرد. - . مکارم الاخلاق: ۴۶۰ -

دعایی دیگر که در آن نخی از پنبه را هفت رشته می کنی و سوره‌های فاتحه الکتاب، اخلاص، قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را بر آن می‌خوانی و هفت گره می‌زنی و در گردن او آویزان می کنی و گفته شد: و این سوره‌ها بر هر گرهی خوانده شود.

«دعایی دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس تب کند و سه روز پی‌درپی غسل کند و در هر بار غسل بگوید: «به نام خدا، خدایا غسل کردم تا شفای تو و تایید پیامبرت را دریابم» تب از او برطرف می گردد.

دعایی دیگر از ابن عباس: پیامبر صلی الله علیه و آله برای در امان بودن از دردها، تب و سردرد این دعا را به ما آموختند «به نام خداوند بزرگ، پناه می‌برم به خداوند باعظمت از گزند خونی که بند نیاید و گرمای آتش» و زمانی که دستت را بلند کردی بگو «به نام خدا و با استعانت از خدا، محمد رسول خداست. به خدا و قدرت او بر هر آنچه بخواهد پناه می‌برم از گزند هر آنچه می‌یابم.» حرز ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله برای فاطمه علیها السلام و هر مؤمنی که به حق اقرار دارد «از اوست هر آنچه در زمین و آسمان آرام گرفت، و اوست شنوای دانا، ای تب اگر به خداوند بزرگ و بزرگوار ایمان داری، استخوانم را مشکن. و گوشتم را نخور و خونم را نیاشام و از کسی که این نوشته را بر او قرار دادم خارج شو و به سمت کسی برو که به خداوند بزرگ و فرستاده گرامی‌اش و خاندانش محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم

السلام، باور ندارد. - . مکارم الاخلاق: ۴۶۱ -

در تبی که چهار روز یکبار عارض شود: شخصی بر امام رضا علیه السلام وارد شد، امام فرمودند: چرا رنگ به رخسار نداری؟ عرض کرد، این تب مرا بسیار به خود پیچیده است، پس قلمی خواست و چنین نوشت: «به نام خداوند بخشنده مهربان، به نام خداوند و با استعانت از خدا، أبجد هوّز حطّی از فلان فرزند فلانه به اذن خداوند، سپس در پایان آن هفت بار با نگین انگشتری سلیمان مهر زدند و آن را پیچیدند و فرمودند: ای مغیث، نخی برایم بیاور که آب و یا آب دهان به آن نرسیده باشد، پس آورد، آن را گره زدند و به دهان او نزدیک کردند، و در یک طرف آن چهار گره زدند و بر هر گرهی سوره‌های فاتحه الکتاب، قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ بربّ الناس و قل هو الله احد و آیه الکرسی را می‌خواندند و در طرف دیگر آن سه گره زدند و به همین ترتیب سوره‌ها را بر آن خواندند و سپس به او دادند و فرمودند: آن را بر بازوی راستت ببند و آیه الکرسی را بخوان.

روایتی دیگر: سپس نوشته‌ای نگاشتند و نخی درخواست کردند. نخی آورده شد مرطوب، فرمودند: نخ خشکی بیاورید، سپس وسط آن را گره زدند و در جانب راست آن چهار گره و در سمت چپ آن سه گره زدند و بر هر گره سوره‌های ام الکتاب، قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق، قل هو الله احد و آیه الکرسی را خواند سپس فرمودند: بگیر! آن را بر بازوی راست خود ببند و در حالی که آن را به دست داری آمیزش مکن .

روایتی دیگر: ابو زکریا الحضرمی نقل کرد، به تبی مبتلا شد که چهار روز یکبار بر من عارض می شد ، امام موسی کاظم علیه السلام امر کردند تا به دست راستش، «بسم الله جبرئیل» و بر دست چپ خود «بسم الله میکائیل» و بر پای راست خود «بسم الله اسرافیل» و بر پای چپ خود «بسم الله لا یرون فیها شمسا و لا زمهریرا: به نام خدا در آنجا نه آفتابی بینند و نه سرمایی.» و در میان شانه‌هایش: «بسم الله العزیز الجبار: به اسم خداوند شکست‌ناپذیر و چیره» بنویسند. - . مکارم الاخلاق: ۴۶۱ -

دعوات الراوندی: مثل این حدیث از امام موسی کاظم علیه السلام نقل شد.

**[ترجمه]

«۱۳»

مکا، [مکارم الأخلاق] لِلْحُمَّی فِی رِوَایَهٍ: یُكْتَبُ عَلَی كَتِفِهِ الْأَیْمَنِ بِسْمِ اللَّهِ جَبْرَئِیلُ وَ عَلَی كَتِفِهِ الْأَیْسَرِ بِسْمِ اللَّهِ مِیكَائِیلُ وَ عَلَی كَتِفِهِ الْأَیْمَنِ بِسْمِ اللَّهِ إِسْرَافِیلُ وَ عَلَی كَتِفِهِ الْأَیْسَرِ بِسْمِ اللَّهِ لا یَرَوْنَ فِیها شَمْساً وَ لا زَمْهَرِیراً.

لِلْغِبِّ یَأْخُذُ ثَلَاثَهَ أَوْرَاقٍ مِنْ شَجَرٍ وَ یَكْتُبُ عَلَی اسْمِ الْمَحْمُومِ عَلَی وَرَقٍ طیسوما وَ عَلَی وَرَقٍ آخَرَ اوحوما وَ عَلَی وَرَقٍ ثَالِثٍ ابراسوما وَ یُلْقَی فِی الْمَاءِ بِثَلَاثِ دَفَعَاتٍ.

وَ بِرِوَایَهٍ أُخْرَی: یُكْتَبُ عَلَی وَرَقَاتِ الْفِرْصَادِ عَلَی ثَلَاثٍ حموما أوحوما ابرحوما وَ یُلْقَی فِی الْمَاءِ.

وَ فِی رِوَایَهٍ: حوما طیسوما ابرسوما.

رُقْیَهٌ لِلْحُمَّی یُكْتَبُ وَ یُشَدُّ عَلَی عَضُدِهِ الْأَیْمَنِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ إِلَی آخِرِهِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ كُلِّهَا الَّتِی لَا یُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ ذَرَأَ وَ بَرَأَ وَ مِنْ شَرِّ الْهَامَّهِ وَ السَّامَّهِ وَ الْعَامَّهَ وَ اللَّامَّهِ(۲)

وَ مِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ وَ مِنْ شَرِّ فُسَّاقِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۶۲ و مر مثله ص ۲۱.

۲- ۲. الهـامه مـا له سم، یقتـل أولاـ کـالحیه و الجمع هوام و قـد یطلق الهوام علی مـا لا یقتل من الحشـرات کما فی قوله(ص)« أ یؤذیک هوام رأسـک» أی قمله، و السـامه: کـل ذات سم من الحیوانـات المؤذیه، و العامّه خلاف الخاصّه اطلق علی کل شـر عام کالطاعون و الوباء و القحط، لانها تعم بالشر، و اللامّه: کل ما یلم الإنسان و یصیبه بسوء کالعین اللامّه.

وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَ شِرْكِهِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّي عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ رَبَّنا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنا وَ إِلَيْكَ أَنَبْنا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ يا نارُ كُونِي بَرْداً وَ سَلاماً عَلى إِبْراهِيمَ وَ أَرادُوا بِهِ كَيْداً فَجَعَلْناهُمُ الْأَخْسَرِينَ بَرْداً وَ سَلَاماً عَلَى فُلَانِ بْنِ فُلَانَه رَبَّنا لا تُؤاخِذْنا إِنْ نَسِينا أَوْ أَخْطَأْنا إِلَى آخِرِ السُّورَةِ(۱)

حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لا يَمُوتُ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَ كَفى بِهِ بِذُنُوبِ عِبادِهِ خَبِيراً بَصِيراً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ صَدَقَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ أُولئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَ مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ (۲).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: در روایت است برای رفع تب، بر شانه راست بیمار نوشته شود «بسم الله جبرائیل» و بر شانه چپ او نوشته شود «بسم الله میکائیل» و بر شانه راست او نوشته شود «بسم الله اسرافیل» و بر شانه چپ او نوشته شود « بسم الله لا یرون فیها شمسا و لا زمهریرا: به نام خدا در آنجا نه آفتابی بینند و نه سرمایی».

برای تبی که یک روز در میان عارض شود: بر روی سه برگ از برگ‌های درختان، اسم هر بیمار را می‌نویسی و بر روی یکی از آنها «طیسوما» و بر برگی دیگر «أوحوما» و بر برگ سوم «ابراسوما» می‌نویسی و در سه مرتبه آنها را به داخل آب می‌اندازی.

در روایتی دیگر: بر برگ‌های درخت توت نوشته شود «حموماً اوحوما ابرحوما» و در آب انداخته شود.

و در روایتی دیگر: «حوما طیسوما ابرسوما».

تعویذی برای تب: این دعا را نوشته شود و بر بازوی راست بیمار بسته شود «به نام خداوند بخشنده مهربان، ستایش خدایی که پروردگار جهانیان است تا آخر آن، به نام خدا و با استعانت از خدا پناه می‌برم به کلمات کامل خداوند که هیچ نیکوکار یا بزهکاری نمی‌تواند از آنها تخطّی کند و از گزند هر آنچه آفرید و پدید آورد و خلق کرد، و از شر حیوانات زهردار و گزنده و چشم زخم و هرچه که از آن شر برخیزد، از جن و انس و شیطان و یارانش از گزند هر صاحب شری و هر موجودی که اختیارش به دست توست، به راستی که پروردگار من بر راه راست است، پروردگارا به تو توکل نمودیم و به سوی تو بازگشتیم و بازگشت به سوی توست.

ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش و خواستند به او نیرنگی بزنند و آنان را زیانکارترین قرار دادیم سرد و سلامت بر فلان فرزند فلان. پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر، پروردگارا، هیچ بار گرانی بر ما مگذار همچنان که بر کسانی که پیش از ما بودند نهادی. پروردگارا، و آنچه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن و از ما در گذر و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور سرور ما تویی پس ما را بر گروه کافران پیروز کن. - . بقره/ ۲۸۶ - خدا

برای من کافی است خدایی جز او نیست او را کار گزار خود برگیر. و بر آن زنده ای که نمی میرد توکل کن. و سپاس او را تسبیح کن و همین بس که او به گناهانِ بندگانش آگاهست خدایی جز خدای یگانه نیست یکتاست و شریکی ندارد وعده اش راست است و بنده اش را یاری نمود و به تنهایی گروه ها را شکست داد هرچه خدا خواست هیچ نیرویی به جز خدا نیست. خدا مقرّر کرد حتماً من و فرستادگانم چیره خواهیم گردید. آری، خدا نیرومند شکست ناپذیر است [اینانند حزب خدا] آری، حزب خداست که رستگارانند و هر کس به خدا تمسک جوید، قطعاً به راه راست هدایت شده است و درود خدا بر محمد خاندان پاک مطهرش. - . مکارم الاخلاق: ۴۶۳ -

**[ترجمه]

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِیزِ الْبَغَوِیِّ عَنْ أَبِی بَکْرِ بْنِ أَبِی شَیْبَهَ عَنْ أَبِی الْأَحْوَصِ عَنْ أَبِی إِسْحَاقَ عَنِ الْحَارِثِ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ: کَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا دَخَلَ عَلَی مَرِیضٍ قَالَ أَذْهِبِ الْبَأْسَ رَبَّ النَّاسِ وَ اشْفِ أَنْتَ الشَّافِی لَا شَافِیَ إِلَّا أَنْتَ (۳).

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ الْبَغَوِیِّ عَنْ بِشْرِ بْنِ هِلَالٍ الصَّوَّافِ عَنْ عَبْدِ الْوَارِثِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِیزِ بْنِ صُهَیْبٍ عَنْ أَبِی نَضْرٍ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ: أَنَّ جَبْرَئِیلَ علیه السلام أَتَی النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ یَا مُحَمَّدُ اشْتَکَیْتَ قَالَ نَعَمْ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِیکَ مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ یُؤْذِیکَ مِنْ شَرِّ کُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَیْنٍ حَاسِدٍ وَ اللَّهُ یَشْفِیکَ بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِیکَ (۴).

۱- ۱. البقره: ۲۸۶.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۶۳.

۳- ۳. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۲۵۲.

۴- ۴. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۲۵۲.

**[ترجمه]أمالي: امام على عليه السلام فرمودند: رسول خدا صلى الله عليه و آله هر گاه به عيادت مريض مى‌رفتند، مى‌فرمودند: «اى پروردگار آدميان، اين سختى را رفع كن و شفا فرما تويى كه بهبودى بخشى و شفادهنده‌اى جز تو نيست». - . امالى طوسى ٢: ٢۵٢ -

جبرائيل عليه السلام نزد پيامبر صلى الله عليه و آله آمد و فرمود: اى محمد آيا درد دارى؟ فرمودند: آرى، پس جبرئيل خواند: «به نام خدا دعا مى كنم تو را از شر هر آنچه به تو آزار مى‌رساند از شر هر شخص يا چشم حسودى و خداوند تو را شفا مى‌دهد به نام خداوند تو را دعا مى كنم - . امالى طوسى ٢: ٢۵٢ - ».

**[ترجمه]

«۱۵»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ أَبِي سَلَمَةَ قَالَ: مَرِضَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَعَادَهُ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله وَ قَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءً النَّبِيُّونَ وَ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ أَبْشِرْ يَا عَلِيُّ فَإِنَّ الْحُمَّى حَظُّكَ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الثَّوَابِ أَ تُحِبُّ أَنْ يَكْشِفَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَا بِكَ قَالَ بَلَى قَالَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْ جِلْدِيَ الرَّقِيقَ وَ عَظْمِيَ الدَّقِيقَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ فَوْرَةِ الْحَرِيقِ يَا أُمَّ مِلْدَمٍ فَإِنْ كُنْتِ آمَنْتِ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا تَأْكُلِي اللَّحْمَ وَ لَا تَشْرَبِي الدَّمَ وَ انْتَقِلِي إِلَى مَنْ يَزْعُمُ أَنَّ مَعَ اللَّهِ إِلَهاً آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ شَهِدْتُ بِهِ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام فَقُلْتُهَا وَ عُوفِيتُ.

وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله يَتَعَوَّذُ مِنَ الْحُمَّى وَ الْأَوْجَاعِ وَ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ عِرْقٍ نَعَّارٍ وَ مِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ.

وَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ طَرِيفٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الْقَائِمِ إِذَا قَامَ بِمَ يَقْضِي بَيْنَ النَّاسِ وَ أَرَدْتُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ لِحُمَّى الرِّبْعِ فَأَغْفَلْتُ ذِكْرَ الْحُمَّى فَجَاءَ الْجَوَابُ سَأَلْتَ عَنِ الْإِمَامِ إِذَا قَامَ قَضَى بَيْنَ النَّاسِ بِعِلْمِهِ كَقَضَاءِ دَاوُدَ لَا يَسْأَلُ الْبَيِّنَةَ وَ كُنْتَ أَرَدْتَ أَنْ تَسْأَلَ لِحُمَّى الرِّبْعِ فَأُنْسِيتَ فَاكْتُبْ فِي وَرَقَةٍ وَ عَلِّقْهُ عَلَى الْمَحْمُومِ يا نارُ كُونِي بَرْداً وَ سَلاماً عَلى إِبْراهِيمَ قَالَ فَكَتَبْتُ ذَلِكَ وَ عَلَّقْتُ عَلَى مَحْمُومٍ لَنَا فَأَفَاقَ وَ بَرَأَ وَ لِلْحُمَّى يَكْتُبُ عَلَى كَاغَذٍ وَ يَشُدُّ عَلَى الْعَضُدِ بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ وَ مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ إِلَى أُمِّ مِلْدَمٍ الَّتِي تَمَصُّ الدَّمَ وَ تَنْهَشُ الْعَظْمَ وَ تُرِقُّ الْجِلْدَ وَ تَأْكُلُ اللَّحْمَ أَنْ كُونِي عَلَى صَاحِبِ كِتَابِي هَذَا بَرْداً وَ سَلَاماً كَمَا كَانَتِ النَّارُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ أَرادُوا بِهِ كَيْداً فَجَعَلْناهُمُ الْأَخْسَرِينَ وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنادى فِي الظُّلُماتِ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ.

وَ لِلْحُمَّى أَيْضاً: يَكْتُبُ عَلَى ثَلَاثِ سُكَّرَاتٍ بِيضٍ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَ خُلِقَ الْإِنْسانُ ضَعِيفاً الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ ذلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ.

**[ترجمه]دعوات الراوندی: وقتی امیر مؤمنان علیه السلام بیمار شدند پیامبر صلی الله علیه و آله به عیادت ایشان رفتند و فرمودند: ای علی بیشترین کسانی که مورد بلا و مصیبت واقع می‌شوند پیامبرانند و سپس کسانی که از آنها تبعیت می کنند، بشارت باد تو را ای علی این تب، تو را از عذاب خداوند در امان می‌دارد، و از پاداش الهی بهره‌مند می گرداند، آیا می‌خواهی خداوند این درد را از تو ببرد؟ فرمودند: آری، پیامبر فرمودند: بگو: پروردگارا بر پوست نازک و استخوان باریک من رحم کن، به تو پناه می‌برم از شدت آتش، ای تب، اگر به خدا و روز قیامت ایمان داری، از این گوشت نخور و از این خون نیاشام و از این جا به جسم کسی وارد شو که می‌پندارد خدایی با خدای یگانه هست، خدایی جز خدای یکتا نیست، یگانه است و شریکی ندارد، به آن گواهی دادم، و محمد بنده و رسول اوست».امام علی علیه السلام فرمودند: من این دعا را خواندم و بهبودی یافتم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله برای تعویذ از تب‌ها و دردها می‌فرمودند: «خدایا به تو پناه می‌برم از شر خونی که بند نیاید و از گرمای آتش».

حسن بن طریف نقل کرد: در نامه‌ای از ابی محمد عسکریّ علیه السلام پرسیدم: زمانی که قائم ظهور کند چگونه در میان مردم حکم می کند؟ و خواستم در مورد تب بپرسم ولی فراموش کردم، امام علیه السلام جواب دادند: از امام پرسیدی و او هرگاه قیام کند مثل حضرت داود با علم خود در میان مردم حکم می کند و درخواست دلیل و برهان نمی‌کند، و می‌خواستی از تبی که چهار روز یکبار عارض می شود، بپرسی ولی فراموش کردی پس روی برگی این دعا را بنویس و بر فرد بیمار آویزان کن: «ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش». ابن طریف نقل کرد این دعا را نوشتم و بر بیمار آویزان کردم پس بهبودی یافت .

دعایی جهت رفع تب: این دعا بر روی کاغذی نوشته می‌شود و بر بازو بسته می‌شود: «بیزاری خداوند شکست‌ناپذیر حکم و محمد فرستاده پروردگار جهانیان از تبی که خون را می‌مکد و استخوان را باریک و پوست را نازک می کند و گوشت را می‌خورد پس بر کسی که این نوشته بر اوست، سرد و سلامت شو، همانگونه که آتش بر ابراهیم سرد و سلامت شد، خدا می خواهد تا بارتان را سَبُک گرداند و انسان، ناتوان آفریده شده است، اکنون خدا بر شما تخفیف داد این تخفیف و رحمتی از پروردگار شماست. و درود خداوند بر محمد و خاندان او.

دعایی دیگر برای تب: بر سه نبات سفید نوشته می‌شود: «خداوند اراده می کند که از شما بکاهد و انسان ضعیف خلق شد، و اکنون خداوند از شما کاست و این کاهش و رحمت است از جانب پروردگارتان.

**[ترجمه]

«۱۶»

مکا، [مکارم الأخلاق]: لِلْمَحْمُومِ یَکْتُبُ عَلَی ثَلَاثِ أَقْطَاعٍ بِخَطٍّ دَقِیقٍ لَا یُمْکِنُ قِرَاءَتُهُ وَ یَأْکُلُهَا الْمَحْمُومُ کُلَّ یَوْمٍ نُسْخَهٌ مِنْهَا عَلَی الرِّیقِ بَعْدَ أَنْ جُعِلَتْ مَجْمُوعَهً مُدَوَّرَهً کَالْبُنْدُقَهِ بِسْمِ اللَّهِ ذِی الْعِزِّ وَ الْکِبْرِیَاءِ وَ النُّورِ وَ هَذِهِ النُّسْخَهُ مُجَرَّبَهٌ.

کَانَ الْإِمَامُ الْحَسَنُ السَّمَرْقَنْدِیُّ یَعْتَدُّ بِهَا وَ یُدَاوِمُ مُکَاتَبَتَهَا حَقَّهُ وَ کَأَنَّهُ وَجَدَ لَهُ إِسْنَاداً.

أُخْرَی: یَکْتُبُ عَلَی ثَلَاثِ سُکَّرَاتٍ وَ یَأْکُلُهَا الْمَحْمُومُ بِثَلَاثِ غَدَوَاتٍ کُلَّ یَوْمٍ قِطْعَهً عَلَی الرِّیقِ الْأُولَی عَقَدْتُ بِإِذْنِ اللَّهِ الثَّانِی شَدَدْتُ بِإِذْنِ اللَّهِ الثَّالِثُ سَکَّنْتُ بِإِذْنِ اللَّهِ.

أُخْرَی: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ وَ رَبَطْنا عَلی قُلُوبِهِمْ إِلَی قَوْلِهِ شَطَطاً(۱) إِذْ قالَ مُوسی لِأَهْلِهِ إِلَی قَوْلِهِ الْحَکِیمُ (۲) مَعَ سَبْعٍ مِنَ الْعُقُودِ السُّلَیْمَانِیَّهِ(۳).

أُخْرَی: یَکْتُبُ عَلَی الْقَدَمِ الْأَیْمَنِ بِسْمِ اللَّهِ یَا حُمَّی الْمَاضِیَهُ الْمُسْتَمْضِیَهُ بِالَّذِی فِی السَّمَاءِ عَرْشُهُ وَ بِالَّذِی کَلَّمَ مُوسَی تَکْلِیماً وَ اتَّخَذَ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلًا وَ

بَعَثَ مُحَمَّداً بِالْحَقِّ نَبِيّاً لَمَّا خَرَجْتِ مِنَ الْعَظْمِ إِلَى اللَّحْمِ وَ مِنَ اللَّحْمِ إِلَى الْجِلْدِ وَ مِنَ الْجِلْدِ إِلَى الْأَرْضِ فَتَسْكُنُ فِيهَا وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً(۴).

أُخْرَى: يَكْتُبُ وَ يَشُدُّ وَ يَعْقِدُهُ سَبْعَ عُقَدٍ وَ يَقْرَأُ عَلَى كُلِّ عُقْدَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ يَشُدُّ عَلَى رَأْسِ الْمَحْمُومِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ وَ بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَلَ وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ يا نارُ كُونِي بَرْداً وَ سَلاماً عَلى إِبْراهِيمَ وَ أَرادُوا بِهِ كَيْداً فَجَعَلْناهُمُ الْأَخْسَرِينَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ

ص: ۳۲

۱- ۱. و ربطنا علی قلوبهم اذ قاموا فقالوا ربّنا ربّ السموات و الأرض لن ندعو من دونه الها لقد قلنا إذا شططا: الکهف: ۱۳.

۲- ۲. اذ قال موسی لاهله انی آنست نارا سآتیکم منها بخبر أو آتیکم بشهاب قبس لعلکم تصطلون فلما جاءها نودی أن بورک من فی النار و من حولها و سبحان اللّه ربّ العالمین یا موسی انه أنا اللّه العزیز الحکیم، النمل: ۷- ۹.

۳- ۳. کأنّه یرید الخاتم کما مرّ ص ۲۸.

۴- ۴. مکارم الأخلاق ص ۴۵۸.

يَا رَحْمَانُ يَا رَحْمَانُ اسْكَنْ بِقُدْرَهِ الْجَبَّارِ الْعَظِيمِ بِقُدْرَهِ الْمَنَّانِ الْكَرِيمِ وَ يَكْتُبُ الْمُعَوِّذَتَيْنِ.

أُخْرَى عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: حُمَّ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَأَتَاهُ جَبْرَئِيلُ عليه السلام فَقَالَ بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ أَشْفِيكَ بِسْمِ اللَّهِ مِنْ كُلِّ دَاءٍ يَعْنِيكَ بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ شَافِيكَ بِسْمِ اللَّهِ خُذْهَا فَلْتَهْنِيكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ فَلا أُقْسِمُ بِمَواقِعِ النُّجُومِ لَتَبْرَأَنَّ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يُشَدُّ التَّعْوِيذُ فِي عُنُقِ الْمَحْمُومِ.

عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ: اشْتَكَتْ جَارِيَةٌ لِي وَ كَانَ لَهَا قَدْرٌ فَأَتَانِي آتٍ فِي الْمَنَامِ فَقَالَ لِي قُلْ لَهَا تَقُولُ يَا رَبَّاهْ يَا سَيِّدَاهْ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ اكْشِفْ عَنِّي مَا أَجِدُ فَإِنَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ نَجَا مِنَ النَّارِ بِهَذِهِ الدَّعْوَهِ.

لِلْحُمَّى (١)

عَنِ الرِّضَا عليه السلام: يَكْتُبُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ قُلْنا يا نارُ كُونِي بَرْداً وَ سَلاماً عَلى إِبْراهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ يُطْفِي حَرَّ النَّارِ.

عَنْ دَاوُدَ بْنِ زُرْبِيٍّ قَالَ: وُعِكْتُ بِالْمَدِينَهِ وَعْكاً شَدِيداً فَبَلَغَ ذَلِكَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَكَتَبَ إِلَيَّ قَدْ بَلَغَنِي عِلَّتُكَ فَاشْتَرِ صَاعاً مِنْ بُرٍّ ثُمَّ اسْتَلْقِ عَلَى قَفَاكَ وَ انْثُرْهُ عَلَى صَدْرِكَ كَيْفَ مَا انْتَثَرَ وَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا سَأَلَكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ كَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ مَكَّنْتَ لَهُ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْتَهُ خَلِيفَتَكَ عَلَى خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي وَ اسْتَوِ جَالِساً وَ اجْمَعِ الْبُرَّ مِنْ حَوْلِكَ وَ قُلْ مِثْلَ ذَلِكَ وَ اقْسِمْهُ مُدّاً مُدّاً لِكُلِّ مِسْكِينٍ وَ قُلْ مِثْلَ ذَلِكَ قَالَ دَاوُدُ فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَكَأَنَّمَا نَشِطْتُ مِنْ عِقَالٍ وَ قَدْ فَعَلَ غَيْرُ وَاحِدٍ فَانْتَفَعَ بِهِ (٢).

دُعَاءٌ آخَرُ قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: حُمَّ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَأَتَاهُ جَبْرَئِيلُ عليه السلام يُعَوِّذُهُ وَ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ وَ بِسْمِ اللَّهِ أَشْفِيكَ وَ بِسْمِ اللَّهِ مِنْ كُلِّ دَاءٍ يَعْنِيكَ بِسْمِ اللَّهِ

ص: ٣٣

١- ١. مكارم الأخلاق ص ۴۵۹.

٢- ٢. المصدر: ۴۴۶.

وَ اللَّهُ شَافِيکَ بِسْمِ اللَّهِ خُذْهَا فَلْتَهْنِيکَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ فَلا أُقْسِمُ بِمَواقِعِ النُّجُومِ لَتَبْرَأَنَّ بِإِذْنِ اللَّهِ (۱).

مِنْ مَسْمُوعَاتِ السَّيِّدِ الْإِمَامِ نَاصِحِ الدِّينِ أَبِی الْبَرَکَاتِ الْمَشْهَدِیِّ رَحْمَهُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: طِينُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ فَإِذَا أَكَلْتَهُ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقاً وَاسِعاً وَ عِلْماً نَافِعاً وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِنَّکَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ.

وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: مَنْ أَصَابَتْهُ عِلَّهٌ فَبَدَأَ بِطِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام شَفَاهُ اللَّهُ مِنْ تِلْکَ الْعِلَّهِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ عِلَّهَ السَّامِ.

دُعَاءٌ آخَرُ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: ضَعْ رَاحَتَيْکَ عَلَى فَمِکَ وَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ ثَلَاثاً بِجَلَالِ اللَّهِ ثَلَاثاً بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ ثَلَاثاً ثُمَّ تَمْسَحُ عَلَى رَأْسِ الَّذِی يَشْتَكِی وَ وَجْهِهِ يَصْنَعُ ذَلِکَ أَشْفَقُ أَهْلِهِ عَلَيْهِ (۲).

دُعَاءٌ آخَرُ عَنْ زُرَارَهَ عَنْ أَحَدِهِمَا علیهما السلام قَالَ: إِذَا دَخَلْتَ عَلَى مَرِيضٍ فَقُلْ أُعِيذُکَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ مِنْ كُلِّ عِرْقٍ نَعَّارٍ وَ مِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ سَبْعَ مَرَّاتٍ (۳).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: برای کسی که تب دارد باید بر سه قطعه با خطی ریز و ناخوانا نوشته شود و بیمار روزانه یک نسخه از آن را ناشتا بخورد. پس از آنکه آنها را به صورت مجموعه‌ای گرد مثل فندق آورد: «به نام خداوند صاحب عزت و بزرگ‌منش و نور» و این نسخه تجربه شده است، امام حسن سمرقندی در نوشتن این نسخه مداومت داشت، گویا برای آن سندی یافته بود.

دعایی دیگر: بر سه نبات نوشته می‌شود و شخصی که تب دارد در طی سه روز، صبحگاهان قطعه ای از آن در ناشتا بخورد و روی قطعه اول نوشته شود «گره زدم به خواست خدا» و دوم «محکم کردم به خواست خدا» و سوم «به اذن خدا آرام کردم».

دعای دیگر: به نام خداوند بخشنده مهربان و دلهایشان را استوار گردانیدیم آنگاه که برخاستند و گفتند: پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین است. جز او هرگز معبودی را نخواهیم خواند، که در اینصورت قطعا ناصواب گفته ای. - . کهف/۱۳ - هنگامی

که موسی به خانواده خود گفت: من آتشی به نظرم رسید، به زودی برای شما خبری از آن خواهم آورد، یا شعله آتشی برای شما می آورم، باشد که خود را گرم کنید، چون نزد آن آمد، آوا رسید خجسته آنکه در کنار این آتش و آنکه پیرامون آن است، و منزّه است خدا، پروردگار جهانیان. ای موسی، این منم خدای عزیزحکیم. - . نمل/ ۹-۷ - همراه

با هفت گره سلیمان. - . گویی منظورش انگشتری می باشد. -

دعایی دیگر: بر پای راست نوشته می‌شود «به نام خدا ای تب گذرا و سر آمده به آن کس که عرشش در آسمان است و با موسی سخن گفت و ابراهیم را دوست خود بر گرفت و محمد را به حق به پیامبری برانگیخت، آن هنگام که از استخوان به گوشت و گوشت به پوست و از پوست به زمین خارج شدی و در آن آرام گرفتی، هیچ نیرو و قدرتی جز خداوند بلندمرتبه و بزرگ وجود ندارد و درود و سلام فراوان خداوند بر محمد و خاندان او. - . مکارم الاخلاق: ۴۵۸ -

دعایی دیگر: نوشته شود، بسته شود و هفت گره به آن زده شود و بر هر گره سوره فاتحه الکتاب خوانده شود، سپس بر سر کسی که تب دارد بسته می‌شود و دعا این است «به نام خداوند بخشنده مهربان آن را به حق نازل کردیم و از قرآن آنچه مایه شفا و رحمت مؤمنان است نازل می‌کنیم، ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش و خواستند به او نیرنگی بزنند و آنان را زیانکارترین قرار دادیم. ای خدا ای خدا ای بخشایشگر ای بخشایشگر، به قدرت خداوند قهار و بزرگ [به قدرت] خداوند بخشنده کریم آرام گیر» و سوره‌های قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ بربّ الناس را بنویسد.

دعایی دیگر: امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به تبی مبتلا شدند. جبرئیل علیه السلام خدمت ایشان رسید و این دعا را خواند «به نام خداوند تو را دعا می کنم ای محمد فرزند عبدالله! به نام خداوند تو را شفا می‌دهم، به نام خداوند از شر هر دردی که تو را می‌آزارد به نام خداوند و خداست که تو را شفا می‌دهد، به نام خداوند آن را بگیر تا گوارای تو گردد، به نام خداوند بخشنده مهربان قسم نمی خورم به جایگاه ستارگان، به خواست خداوند بهبودی خواهی یافت» و سپس این تعویذ را بر گردن شخصی که تب دارد، بسته می‌شود.

امام رضا علیه السلام فرمودند: کنیزی که دارای شأن و منزلتی بود از دردی که داشت نزد من شکایت کرد، پس در خواب شخصی دیدم گفت به آن زن بگو این دعا را بخواند «ای پروردگار ای سرور بر محمد و خاندان او درود فرست و دردهای مرا برطرف نما» به درستی که فلان فرزند فلان با این دعا از آتش رهایی یافت.

دعایی از حضرت رضا علیه السلام برای رفع تب:

داود بن زربی نقل کرد، زمانی که در مدینه بودم به تبی سخت مبتلا گشتم، هنگامی که این خبر به امام صادق علیه السلام رسید در نامه‌ای به من چنین نگاشتند: خبر بیماری تو به من رسید، یک پیمانه چهار منی از گندم خریداری کن سپس به پشت دراز بکش و آنها را بر روی سینه بپاش، هر طور که پراکنده شدند، سپس بگو: «خدایا از تو می‌خواهم به نام تو که زمانی انسان درمانده تو را خواند سختی‌های او را برطرف می‌نمایی، او را در زمین توانمند می گردانی و جانشین خود بر زمین قرار می‌دهی. بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از بیماری‌ام، عافیت بخش». سپس بنشین و گندم‌های پیرامون خود را جمع کن و همین دعا را بخوان و آن را به قسمت‌های یک منی تقسیم کن و میان بیچارگان قسمت کن و همین دعا را بخوان.

داود نقل کرد: من این کار را انجام دادم و گویی که از بندی رستم و چندین نفر دیگر نیز آن را انجام دادند و از آن بهره جستند. - . مکارم الاخلاق: ۴۴۶ -

دعایی دیگر: امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به تبی گرفتار شدند، جبرئیل علیه السلام نزد ایشان آمد و او را تعویذ کرد و گفت: «به نام خداوند تو را دعا می کنم و به نام خداوند تو را شفا می‌دهم، به نام خداوند از هر دردی که تو را می‌آزارد به نام خداوند و خواست که شفادهنده است، به نام خداوند آن را بگیر پس باید تو را گوارا باشد، به نام خداوند بخشنده مهربان قسم نمی خورم به جایگاه های ستارگان به خواست خداوند حتماً شفا خواهی گرفت. - . مکارم الاخلاق: ۴۴۹ -

امام صادق علیه السلام فرمودند: تربت قبر حسین علیه السلام شفای هر دردی است. زمانی که از آن خوردی بگو: به نام خدا و با استعانت از خدا، خداوندا آن را روزی فراوان و علم سودمند، شفای دردها قرار ده. به راستی که تو بر هر چیز توانایی.

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس به بیماری مبتلا شد و اولین داروی خود را تربت حسین علیه السلام قرار دهد، خداوند او را از آن بیماری عافیت می‌بخشد مگر مرگ را.

دعایی دیگر: امام باقر علیه السلام فرمودند: دستت را بر دهان می گذاری و می گویی: «سه بار به نام خدا، سه بار به شکوه خدا، سه بار به کلمات کامل خدا» سپس بر سر و صورت شخص بیمار می کشی و این کار را کسی انجام دهد که بسیار بر او مهربان است. - . مکارم الاخلاق: ۴۴۹ -

دعایی دیگر: زراره به نقل از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام، آورده هرگاه به عیادت مریضی رفتی، بگو هفت مرتبه: پناه می‌دهم تو را به خداوند بزرگ و پروردگار عرش باعظمت از شر خونی که بند نیاید و گرمای آتش. - . مکارم الاخلاق: ۴۵۰ -

**[ترجمه]

طا، [الأمان]: فِيمَا جَرَّبْنَاهُ لِزَوَالِ الْحُمَّى فَوَجَدْنَاهُ كَمَا رَوَيْنَاهُ يَكْتُبُ فِي كَاغَذٍ يَوْمَ الْأَحَدِ وَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ كُلَّ طِلَسْمٍ مِنْهَا مُنْفَرِداً فِي رُقْعَةٍ وَ يَغْسِلُ فِي شَرَابٍ أَوْ مَاءٍ الْأَوَّلَ يَوْمَ الْأَحَدِ وَ الثَّانِيَ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ وَ الثَّالِثَ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ وَ يَشْرَبُ كُلَّ يَوْمٍ وَاحِداً إِذَا غَسَلَ لَا يَبْقَى فِي الْوَرَقَةِ مِنْ مِدَادِهِ شَيْ ءٌ فَإِنْ زَالَتِ الْحُمَّى فِي هَذِهِ الثَّلَاثَةِ الْأَيَّامِ وَ إِلَّا تُكْتَبُ كَذَلِكَ فِي ثَلَاثِ وَرَقَاتٍ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ وَ يُغْسَلُ الْأَوَّلُ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ وَ يُشْرَبُ مَاؤُهُ وَ الثَّانِي يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ الثَّالِثُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ يُشْرَبُ مَاؤُهُ وَ قَدْ زَالَتِ الْحُمَّى بِاللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ وَ هَذِهِ صُورَةُ الثَّلَاثِ طِلَسْمَاتٍ.

ص: ۳۴

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۴۹.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۴۹.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۵۰.

**[ترجمه]امان الاخطار: و از جمله کارهایی که برای رفع تب تجربه نمودیم و آن را همان‌طور که روایت کردیم، یافتیم، این است که بر روی کاغذی روز یکشنبه و چهارشنبه نوشته نوشته می‌شود و هر طلسمی جداگانه بر قطعه کاغذی نوشته شود، سپس اولی را در روز یکشنبه در آب می... شوییم و دومی را در روز دوشنبه و سومی را در روز سه‌شنبه و هر روز یکی از آن آب‌ها را می‌نوشد، و اگر شسته شود روی کاغذ اثری از نوشته باقی نمی ماند، اگر تب در این سه روز برطرف نشد، در روز چهارشنبه در سه کاغذ نوشته می‌شود، و اولی را در روز چهارشنبه در آب شسته و از آن آب نوشانده می‌شود، و دومی و سومی را به ترتیب در روزهای پنج شنبه و جمعه شسته و از آب آن میل می‌شود، که به خداوند جلّ جلاله، تب از بین خواهد رفت، و تصویر آن سه طلسم این است:

**[ترجمه]

«۱۹»

کا، [الکافی] مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِیزِ بْنِ الْمُهْتَدِی عَنْ یُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ زُرْبِیٍّ قَالَ: مَرِضْتُ بِالْمَدِینَهِ مَرَضاً شَدِیداً فَبَلَغَ ذَلِکَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَکَتَبَ إِلَیَّ قَدْ بَلَغَنِی عِلَّتُکَ فَاشْتَرِ صَاعاً مِنْ بُرٍّ ثُمَّ اسْتَلْقِ عَلَی قَفَاکَ وَ انْثُرْهُ عَلَی صَدْرِکَ کَیْفَ مَا انْتَثَرَ وَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی إِذَا سَأَلَکَ بِهِ الْمُضْطَرُّ کَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ مَکَّنْتَ لَهُ فِی الْأَرْضِ وَ جَعَلْتَهُ خَلِیفَتَکَ عَلَی خَلْقِکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ وَ أَنْ تُعَافِیَنِی مِنْ عِلَّتِی ثُمَّ اسْتَوِ جَالِساً وَ اجْمَعِ الْبُرَّ مِنْ حَوْلِکَ وَ قُلْ مِثْلَ ذَلِکَ وَ اقْسِمْهُ مُدّاً مُدّاً لِکُلِّ مِسْکِینٍ وَ قُلْ مِثْلَ ذَلِکَ قَالَ دَاوُدُ فَفَعَلْتُ ذَلِکَ فَکَأَنَّمَا نَشِطْتُ مِنْ عِقَالٍ وَ قَدْ فَعَلَهُ غَیْرُ وَاحِدٍ فَانْتَفَعَ بِهِ (۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: . داود بن زربی نقل کرد، زمانی که در مدینه بودم به تبی سخت مبتلا گشتم، هنگامی که این خبر به امام صادق علیه السلام رسید در نامه‌ای به من چنین نگاشتند: خبر بیماری تو به من رسید، یک پیمانه چهار منی از گندم خریداری کن سپس به پشت دراز بکش و آنها را بر روی سینه بپاش، هر طور که پراکنده شدند، سپس بگو: «خدایا از تو می‌خواهم به نام تو که زمانی انسان درمانده تو را خواند سختی‌های او را برطرف می‌نمایی و او را در زمین توانمند می گردانی و جانشین خود بر زمین قرار می‌دهی. بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از بیماری‌ام، عافیت بخش». سپس بنشین و گندم‌های پیرامون خود را جمع کن و همین دعا را بخوان و آن را به قسمت‌های یک منی تقسیم کن و میان بیچارگان قسمت کن و همین دعا را بخوان. داود نقل کرد: من این کار را انجام دادم و گویی که از بندی رستم و چندین نفر دیگر نیز آن را انجام دادند و از آن بهره جستند. - . الکافی ۸: ۸۸ و ۲: ۵۶۴ -

**[ترجمه]

«۲۰»

کا، [الکافی] الْحُسَیْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ بَکْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِیِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: حُمَّ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَأَتَاهُ جَبْرَئِیلُ علیه السلام فَعَوَّذَهُ فَقَالَ بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِیکَ یَا مُحَمَّدُ بِسْمِ اللَّهِ أَشْفِیکَ بِسْمِ اللَّهِ مِنْ کُلِّ دَاءٍ یَعْنِیکَ بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ شَافِیکَ بِسْمِ اللَّهِ خُذْهَا فَلْیَهْنِیکَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ فَلا أُقْسِمُ بِمَواقِعِ النُّجُومِ لَتَبْرَأَنَّ بِإِذْنِ اللَّهِ قَالَ بَکْرٌ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رُقْیَهِ الْحُمَّی فَحَدَّثَنِی بِهَذَا(۲).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به تبی گرفتار شدند، جبرئیل علیه السلام نزد ایشان آمد و او را تعویذ کرد و گفت: «به نام خداوند تو را دعا می کنم و به نام خداوند تو را شفا می‌دهم، به نام خداوند از هر دردی که تو را می... آزارد به نام خداوند و خواست که شفادهنده است، به نام خداوند آن را بگیر پس باید تو را گوارا باشد، به نام خداوند بخشنده مهربان قسم نمی خورم به جایگاه های ستارگان به خواست خداوند حتماً شفا خواهی گرفت» بکر گفت: من از او درباره تعویذ تب پرسیدم که این حدیث

را برایم نقل کرد. -. الکافی ۸: ۱۰۹ -

**[ترجمه]

«۲۱»

ق، [الکتاب العتیق الغرویّ]: عُوذَةٌ لِلْحُمَّی مُبَارَکَةٌ یُکْتَبُ فِی وَرَقٍ وَ یُعَلَّقُهُ الرَّجُلُ فِی عَضُدِهِ الْأَیْسَرِ وَ الِامْرَأَةُ فِی عَضُدِهَا الْأَیْمَنِ وَ یَشُدُّ الْکِتَابَ بِغَزْلِ الْأُمِّ وَ ابْنَتِهَا وَ هُوَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَی اللَّهِ وَ لَا غَالِبَ إِلَّا اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ بِاللَّهِ وَ التُّکْلَانُ عَلَی اللَّهِ وَ الشِّفَاءُ بِیَدِ اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِیزِ الْحَکِیمِ لِصَاحِبِ کِتَابِی هَذَا وَ شَعْرِهِ وَ بَشَرِهِ وَ جَسَدِهِ وَ بَدَنِهِ وَ لَحْمِهِ وَ دَمِهِ وَ عَظْمِهِ إِلَی أُمِّ مِلْدَمٍ الَّتِی تُذِیبُ اللَّحْمَ وَ تَمَصُّ الدَّمَ وَ تُوهِنُ الْعَظْمَ حَرُّهَا مِنْ جَهَنَّمَ وَ بَرْدُهَا مِنَ الزَّمْهَرِیرِ یَا أُمَّ مِلْدَمٍ إِنْ کُنْتِ مُؤْمِنَةً بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ فَلَا تَقْرَبِی مَنْ عُلِّقَ عَلَیْهِ کِتَابِی

ص: ۳۵

۱- ۱. الکافی ج ۸ ص ۸۸، ج ۲ ص ۵۶۴.

۲- ۲. الکافی ج ۸ ص ۱۰۹.

هَـذَا وَ لَـا تَمَصِّی لَهُ دَمـاً وَ لَـا تُوهِنِی لَهُ عَظْمـاً وَ لَـا تُـذِیبِی لَهُ لَحْماً وَ اطْفَئِی بِعِزَّهِ اللَّهِ الَّذِی جَعَلَ النَّارَ بَرْداً وَ سَـلاماً عَلی إِبْراهِیمَ وَ أَرادُوا بِهِ کَیْـداً فَجَعَلْنـاهُمُ الْأَخْسَـرِینَ آدَمُ صَـفْوَهُ اللَّهِ إِبْرَاهِیمُ خَلِیلُ اللَّهِ مُوسَـی کَلِیمُ اللَّهِ عِیسَـی رُوحُ اللَّهِ مُحَمَّدٌ حَبِیبُ اللَّهِ یَا عَـدُوَّهَ آدَمَ وَ حَوَّاءَ قَـدْ حَالَ جَبْرَئِیلُ عَزَمْتُ عَلَیْکِ یَا أُمَّ مِلْدَم بِعِزَّهِ اللَّهِ وَ قُدْرَهِ اللَّه وَ بِعَظَمَهِ اللَّهِ وَ بِجَلَالِ اللَّهِ وَ سُلْطَانِ اللَّهِ وَ بِکِبْرِیَاءِ اللَّهِ وَ بِمَا جَرَی بِهِ الْقَلَمُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَبْـدِ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله أَوْ کَالَّذِی مَرَّ عَلی قَرْیَهٍ وَ هِیَ خاوِیَهٌ عَلی عُرُوشِـها قالَ أَنَّی یُحْیِی هذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِها فَأَماتَهُ اللَّهُ مِائَهَ عامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قالَ کَمْ لَبِثْتَ قـالَ لَبِثْتُ یَوْمـاً أَوْ بَعْضَ یَوْمٍ إِلَیْکِ عَنِّی جَرَی الْقِرْطَاسُ وَ الْقَلَمُ وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِـفاءٌ وَ رَحْمَهٌ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ لا یَزِیـدُ الظَّالِمِینَ إِلَّا خَساراً خَتَمْتُ هَذَا الْکِتَابَ عَلَی اسْمِ اللَّهِ الْمُقَدَّسِ الْمُطَهَّرِ الطَّاهِرِ وَ خَاتَمِ سُـلَیْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ خَاتَمِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله وَ فَاتِحَهِ الْکِتَابِ إِلَی آخِرِهَا أَوْ کَالَّذِی مَرَّ عَلی قَرْیَهٍ.

**[ترجمه]العتیق الغروی: تعویذی برای تب که بسیار پر برکت است، بر روی کاغذی نوشته می‌شود و مرد به بازوی چپ و زن آن را به بازوی راست می‌آویزد و این نوشته را به ریسمان - بافته - مادر و دخترش می‌بندد و دعا این است:

«به نام خداوند بخشنده مهربان، از خدا به سوی خدا و هیچ غلبه‌کننده‌ای جز خدا وجود ندارد، طلب یاری از خداست و توکل بر اوست، شفا به دست خـداست، هیـچ نیرو و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمی‌پذیرد، بیزاری خداوند شـکست‌ناپذیر حکیم برای صاحب این نوشـته و موی و پوست و بدن و پیکر و گوشت و خون و اسـتخوانش از تبی که گوشت را آب می‌کند و خون را می‌مکد و اسـتخوان را سست می‌کند، تبی که گرمای آن از جهنم است و سرمای آن از سرمایی سخت است.

ای تب! اگر به خـدا و روز قیامت ایمان داری پس به کسـی که این نوشـته بر او آویزان است، نزدیک مشو، از خون او میاشام و اسـتخوانش را سست مکن و گوشت او را آب نکن، و به عزت خداوند، خاموش شو، خدایی که آتش را بر ابراهیم سـرد و سـلامت گردانید و خواستند به او نیرنگی بزنند و آنان را زیانکارترین قرار دادیم. آدم برگزیده خدا، ابراهیم دوست خدا، موسی هم سخن خدا، عیسی روح خدا، محمد محبوب خداست ای دشمن آدم و حوا، جبرئیل مانع شد.

تو را قسم می دهم ای تب! به عزت خداونـد و قـدرت خـدا و عظمت خدا و شـکوه خدا و قدرت خدا، بزرگمنشـی خدا، و به آنچه قلم در نزد خـدا بر آن جاری می‌شود، بر محمـد فرزنـد عبدالله صـلی الله علیه و آله یا چون آنکس که به شـهری که بامهایش یکسـر فرو ریخته بود، عبور کرد، گفت: چگونه خداونـد، این را پس از مرگش زنـده می کنـد؟ پس خداونـد، او را صـد سال میراند. آنگاه او را برانگیخت، گفت: چقدر درنگ کردی؟ گفت: یکروز یا پاره ای از روز را درنگ کردم .

من کاغـذ و قلم را برای نابودی تو به کار گرفتم و از قرآن آنچه شـفا و رحمت مؤمنان است نازل می‌کنیم و برای سـتمکاران جز زیان نخواهد بود، مهر زدم این نوشـته را با اسم خداونـد منزله پاک پاکیزه و انگشتری سلیمان بن داوود و انگشتری محمـد بن عبدالله صـلی الله علیه و آله و سوره فاتحه الکتاب تا آخر آن یا یاچون آنکس که به شهری که بامهایش یکسر فرو ریخته بود، عبور کرد.

**[ترجمه]

مهج، [مهج الدعوات]: دَخَلَ النَّبِیُّ صـلی الله علیه و آله عَلَی فَاطِمَهَ الزَّهْرَاءِ علیها السـلام فَوَجَدَ الْحَسَنَ علیه السـلام مَوْعُوکاً فَشَقَّ ذَلِکَ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَنَزَلَ جَبْرَئِیـلُ علیه السـلام فَقَالَ یَا مُحَمَّدُ أَ لَا أُعَلِّمُکَ مَعَاذَهً تَـدْعُو بِهَا فَیَنْجَلِیَ بِهَا عَنْهُ مَا یَجِـدُهُ قَالَ بَلَی قَالَ قُلِ اللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ ذُو السُّلْطَانِ الْقَـدِیمِ وَ الْمَنِّ الْعَظِیمِ وَ الْوَجْهِ الْکَرِیمِ لَـا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ وَلِیُّ الْکَلِمَاتِ التَّامَّاتِ وَ الـدَّعَوَاتِ الْمُسْـتَجَابَاتِ حُلَّ مَا أَصْبَحَ بِفُلَانٍ فَدَعَا النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله ثُمَّ وَضَعَ یَدَهُ عَلَی جَبْهَتِهِ فَإِذَا هُوَ بِعَوْنِ اللَّهِ قَدْ أَفَاقَ (1).

**[ترجمه]مهج الدعوات: پیامبر صـلی الله علیه و آله بر فاطمه علیهما السـلام وارد شد، پس حسن و حسین علیهما السلام را دیدند در حالی که تب داشـتند، پیامبر صلی الله علیه و آله از این وضع بسیار ناراحت شدند. در این لحظه جبرئیل علیه السلام نازل شد و فرمود: ای محمد آیا می...

خواهی به تو تعویذی بیاموزم تا بدان دعا کنی و این مشکل برطرف شود؟ فرمودند: آری، جبرئیل عرض کرد، بگو: «معبودا، خدایی جز تو که بلندمرتبه و بزرگی وجود ندارد، تو که صاحب قدرت دیرینه‌ای و بخشش عظیم و روی گرامی هستی، خدایی جز تو که بلندمرتبه و بزرگی وجود ندارد، سرپرست کلمه‌های کامل و دعاهای مستجاب، آنچه بر فلانی عارض گشته است، را حل بنمای» پس پیامبر صلی الله علیه و آله دعا فرمودند سپس دستشان را بر پیشانی‌اش گذاشتند که به یاری خداوند بهبودی یافت. - . مهج الدعوات -

**[ترجمه]

«۲۲»

مهج، [مهج الدعوات] عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الصَّمَدِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ الْفَقِيهِ أَبِی الْحَسَنِ عَنِ السَّيِّدِ أَبِی الْبَرَكَاتِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْحَسَنِيِّ الْجَوْزِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَابَوَيْهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فُرَاتِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ بِشْرَوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِدْرِيسَ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ رُشَيْدٍ وَ الْوَلِيدِ بْنِ شُجَاعِ بْنِ مَرْوَانَ

ص: ۳۶

۱- ۱. مهج الدعوات ص.

عَنْ عَاصِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: خَرَجْتُ مِنْ مَنْزِلِي يَوْماً بَعْدَ وَفَاهِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله بِعَشَرَهِ أَيَّام فَلَقِيَنِى عَلِيُّ بْنُ أَبِى طَالِبٍ عليه السلام ابْنُ عَمِّ الرَّسُولِ صلى الله عليه و آله فَقَالَ لِى يَا سَلْمَانُ جَفَوْتَنَا بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَقُلْتُ حَبِيبِى أَبَا الْحَسَنِ مِثْلُكُمْ لَا يُجْفَى غَيْرَ أَنَّ حُزْنِى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله طَالَ فَهُوَ الَّذِى مَنَعَنِى مِنْ زِيَارَتِكُمْ فَقَالَ عليه السلام يَا سَلْمَانُ ائْتِ مَنْزِلَ فَاطِمَهَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَإِنَّهَا إِلَيْكَ مُشْتَاقَهٌ تُرِيدُ أَنْ تُتْحِفَكَ بِتُحْفَهٍ قَدْ أُتْحِفَتْ بِهَا مِنَ الْجَنَّهِ قُلْتُ لِعَلِيٍّ عليه السلام قَدْ أُتْحِفَتْ فَاطِمَهُ عليها السلام بِشَيْ ءٍ مِنَ الْجَنَّهِ بَعْدَ وَفَاهِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله قَالَ نَعَمْ بِالْأَمْسِ قَالَ سَلْمَانُ فَهَرْوَلْتُ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَهَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله فَإِذَا هِيَ جَالِسَهٌ وَ عَلَيْهَا قِطْعَهُ عَبَاءٍ إِذَا خَمَّرَتْ رَأْسَهَا انْجَلَى سَاقُهَا وَ إِذَا غَطَّتْ سَاقَهَا انْكَشَفَتْ رَأْسُهَا فَلَمَّا نَظَرَتْ إِلَيَّ اعْتَجَرَتْ ثُمَّ قَالَتْ يَا سَلْمَانُ جَفَوْتَنِي بَعْدَ وَفَاهِ أَبِى صلى الله عليه و آله قُلْتُ حَبِيبَتِى لَمْ أَجْفُكُمْ قَالَتْ فَمَهْ اجْلِسْ وَ اعْقِلْ مَا أَقُولُ لَكَ إِنِّى كُنْتُ جَالِسَهً بِالْأَمْسِ فِى هَذَا الْمَجْلِسِ وَ بَابُ الدَّارُ مُغْلَقٌ وَ أَنَا أَتَفَكَّرُ فِى انْقِطَاعِ الْوَحْيِ عَنَّا وَ انْصِرَافِ الْمَلَائِكَهِ عَنْ مَنْزِلِنَا فَإِذَا انْفَتَحَ الْبَابُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَفْتَحَهُ أَحَدٌ فَدَخَلَ عَلَيَّ ثَلَاثُ جَوَارٍ لَمْ يَرَ الرَّاءُونَ بِحُسْنِهِنَّ وَ لَا كَهَيْئَتِهِنَّ وَ لَا نَضَارَهِ وُجُوهِهِنَّ وَ لَا أَزْكَى مِنْ رِيحِهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْتُهُنَّ قُمْتُ إِلَيْهِنَّ مُتَنَكِّرَهً لَهُنَّ فَقُلْتُ لَهُنَّ بِأَبِى أَنْتُنَّ مِنْ أَهْلِ مَكَّهَ أَمْ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَهِ فَقُلْنَ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ لَسْنَا مِنْ أَهْلِ مَكَّهَ وَ لَا مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَهِ وَ لَا مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ جَمِيعاً غَيْرَ أَنَّنَا جَوَارٍ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ مِنْ دَارِ السَّلَامِ أَرْسَلَنَا رَبُّ الْعِزَّهِ إِلَيْكِ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ إِنَّا إِلَيْكِ مُشْتَاقَاتٌ فَقُلْتُ لِلَّتِى أَظُنُّ أَنَّهَا أَكْبَرُ سِنّاً مَا اسْمُكِ قَالَتِ اسْمِى مَقْدُودَهُ قُلْتُ وَ لِمَ سُمِّيتِ مَقْدُودَهَ قَالَتْ خُلِقْتُ لِلْمِقْدَادِ بْنِ الْأَسْوَدِ الْكِنْدِيِّ صَاحِبِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَقُلْتُ لِلثَّانِيَهِ مَا اسْمُكِ قَالَتْ ذَرَّهُ قُلْتُ وَ لِمَ سُمِّيتِ ذَرَّهَ وَ أَنْتِ فِى عَيْنِى نَبِيلَهٌ قَالَتْ خُلِقْتُ لِأَبِى ذَرٍّ الْغِفَارِيِّ صَاحِبِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَقُلْتُ لِلثَّالِثَهِ مَا اسْمُكِ قَالَتْ سَلْمَى قُلْتُ وَ لِمَ سُمِّيتِ سَلْمَى قَالَتْ أَنَا لِسَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ مَوْلَى أَبِيكِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله.

قَالَتْ فَاطِمَةُ ثُمَّ أَخْرَجْنَ لِی رُطَباً أَزْرَقَ کَأَمْثَالِ الْخُشْکَنَانَجِ الْکِبَارِ(۱)

أَبْیَضَ مِنَ الثَّلْجِ وَ أَزْکَی رِیحاً مِنَ الْمِسْکِ الْأَذْفَرِ(۲) فَقَالَتْ لِی یَا سَلْمَانُ أَفْطِرْ عَشِیَّتَکَ عَلَیْهِ فَإِذَا کَانَ غَداً فَجِئْنِی بِنَوَاهُ أَوْ قَالَتْ عَجَمِهِ قَالَ سَلْمَانُ فَأَخَذْتُ الرُّطَبَ فَمَا مَرَرْتُ بِجَمْعٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِلَّا قَالُوا یَا سَلْمَانُ أَ مَعَکَ مِسْکٌ قُلْتُ نَعَمْ فَلَمَّا کَانَ وَقْتُ الْإِفْطَارِ أَفْطَرْتُ عَلَیْهِ فَلَمْ أَجِدْ لَهُ عَجَماً وَ لَا نَوًی.

فَمَضَیْتُ إِلَی بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِی الْیَوْمِ الثَّانِی فَقُلْتُ لَهَا علیها السلام إِنِّی أَفْطَرْتُ عَلَی مَا أَتْحَفْتِینِی بِهِ فَمَا وَجَدْتُ لَهُ عَجَماً وَ لَا نَوًی قَالَتْ یَا سَلْمَانُ وَ لَنْ یَکُونَ لَهُ عَجَمٌ وَ لَا نَوًی وَ إِنَّمَا هُوَ نَخْلٌ غَرَسَهُ اللَّهُ فِی دَارِ السَّلَامِ بِکَلَامٍ عَلَّمَنِیهِ أَبِی مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله کُنْتُ أَقُولُهُ غُدْوَةً وَ عَشِیَّةً قَالَ سَلْمَانُ قُلْتُ عَلِّمِینِی الْکَلَامَ یَا سَیِّدَتِی فَقَالَتْ إِنْ سَرَّکَ أَنْ لَا یَمَسَّکَ أَذَی الْحُمَّی مَا عِشْتَ فِی دَارِ الدُّنْیَا فَوَاظِبْ عَلَیْهِ ثُمَّ قَالَ سَلْمَانُ عَلَّمَتْنِی هَذَا الْحِرْزَ فَقَالَتْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ بِسْمِ اللَّهِ النُّورِ بِسْمِ اللَّهِ نُورِ النُّورِ بِسْمِ اللَّهِ نُورٌ عَلَی نُورٍ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ وَ أَنْزَلَ النُّورَ عَلَی الطُّورِ فِی کِتَابٍ مَسْطُورٍ فِی رَقٍّ مَنْشُورٍ بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ عَلَی نَبِیٍّ مَحْبُورٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هُوَ بِالْعِزِّ مَذْکُورٌ وَ بِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَ عَلَی السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ مَشْکُورٌ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ قَالَ سَلْمَانُ فَتَعَلَّمْتُهُنَّ فَوَ اللَّهِ وَ لَقَدْ عَلَّمْتُهُنَّ أَکْثَرَ مِنْ أَلْفِ نَفْسٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِینَهِ وَ مَکَّهَ مِمَّنْ بِهِمْ عِلَلُ الْحُمَّی فَکُلٌّ بَرَأَ مِنْ مَرَضِهِ بِإِذْنِ اللَّهِ

۱- ۱. خشک نانج معرب خشکنانه و هو الخبز السکری الذی یختبز مع الفستق و اللوز.

۲- ۲. قد سقط هاهنا من الأصل نحو سطر من المتن و قد مر الحدیث بروایه الطبریّ و کان لفظه هکذا: و قد أهدوا الی هدیه من الجنه و قد خبأت لک منها فأخرجت الی طبقا من رطب أبیض ما یکون من الثلج و أزکی رائحه من المسک فدفعت الی خمس رطبات و قالت لی: کل هذا یا سلمان عند افطارک إلخ.

تَعَالَی (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: سلمان فارسی نقل کرد: ده روز بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و اله هنگامی که از خانه خارج شدم، علی بن ابی طالب علیه السلام پسرعموی رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که به من فرمودند: ای سلمان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله از ما دوری جستی که عرض کردم: از چون تویی نمی‌توان دوری جست بلکه این انـدوه فقـدان رسول خدا صـلی الله علیه و آله است که طولانی گشت و مرا از دیدار شـما بازداشت، امام علیه السـلام فرمودند: ای سـلمان به خانه فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شو، زیرا او به دیدار شـما مشـتاق است، و می‌خواهد ارمغانی از ارمغان‌های بهشت را به شما ارزانی کند، به علی علیه السلام عرض کردم: آیا بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله، از جانب بهشت ارمغانی بر حضرت زهرا سلام الله علیها وارد شد؟ فرمودند: آری، دیروز .

سلمان نقل کرد: شـتابان به سوی خانه فاطمه سـلام الله علیها دختر محمد صـلی الله علیه و آله روانه شدم و ایشان را یافتم که نشسته‌اند و تکه‌ای از عبا بر روی ایشان است که وقتی بر سـرشان کشـیدند ساق پایشان پیدا شد و تا بر ساق پایشان کشیدند، سرشان پیدا گشت، و هنگامی که به من نگاه کردند مقنعه خود را پوشـیدند. سـپس فرمودند: ای سـلمان، بعد از وفات پدرم صـلی الله علیه و آله از من دوری جستی؟ عرض کردم: ای مورد محبت من! من دوری نجستم، فرمودند: خاموش باش بنشین و بر آنچه به تو می گویم، اندیشه کن.

من دیروز همین جا نشسته بودم و در خانه بسـته بود، و به گسسـتن وحی و روی برگردان فرشـتگان از خانه‌مان فکر می‌کردم، ناگاه در باز شد بـدون اینکه کسـی آن را بـاز کنـد، پس سه کنیز در زیبـایی، خوش‌بویی که تـاکنون ندیـده بودم وارد شدنـد و من که آنهـا را نمی‌شـناختم به سمتشان رفتم و گفتم: پدرم به فدایتان باد، شـما اهل مکه‌اید یا مدینه؟ جواب دادند: ای دختر محمد! ما نه اهل مکه‌ایم و نه مدینه و اصـلاً اهل زمین نیستیم، ما حوریانی هستیم از دارالسلام، پروردگار عزت ما را به سوی تو فرستاد ای دختر محمد، ما مشتاق توییم.

پس به یکی از آنها که سـنّش بیشتر به نظر می‌رسـید، گفتم: اسـمت چیست؟ گفت: مقـدوده، گفتم: چرا به این نام نامیـده شـدی؟ گفت: برای مقـداد بن اسود الکنـدی صـحابه رسول خـدا صـلی الله علیه و آله خلق شـدم، به دومی گفتم: نامت چیست؟ گفت ذرّه، گفتم: چرا به این اسـم نامیده شدی، در حالی که چشم من بسـیار نجیب هستی، گفت: من برای ابوذر غفاری صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله آفریده شدم و به سومی آنها گفتم: اسم تو چیست؟ گفت: سـلمی، گفتم: چرا به این اسم نامیده شدی؟ گفت من برای سـلمان فارسی دوست پدرت رسول خدا صلی الله علیه و آله آفریده شدم.

فاطمه نقل کرد سپس رطب‌هایی آبی رنگ همچون خشک نانه - . نانی قندی که با پسته و بادام پخته می شود. -

و سـفیدتر از برف و خوش‌بوتر از مشک بودند، سپس به من فرمودند: ای سلمان، شب را با این خرما افطار کن و فردا هسته‌های آن را برای من بیاور، سلمان نقل کرد خرما را گرفتم و زمانی که از کنار اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله می گذشتم می‌پرسیدند، ای سلمان آیا مشک به همراه داری؟ جواب می‌دادم: آری، و در وقت افطار، با آن افطار کردم، در حالی که در آن‌ها هیچ هسته و تخمی نیافتم.

روز بعد، خدمت دختر رسول خدا صـلی الله علیه و آله رسـیدم، عرض کردم: من به آنچه شـما هدیه فرمودید، افطار کردم ولی هسـته و تخمی نیافتم، فرمودنـد: ای سـلمان، آنها هرگز هسـته و تخمی ندارند، زیرا ثمر نخل‌هایی هسـتند که خداوند آنها را در دارالسـلام کاشت به واسطه... کلامـی که پـدرم محمـد صـلی الله علیه و آله آن را به من آمـوخت تـا صـبح و شـام بگـویم، سـلمان گفت: ای سـرور من، آن کلام را به من بیاموزیـد، حضـرت فرمودنـد: اگر دوست داری تا وقتی زنـده‌ای به هیـچ تبی مبتلا نشوی به آن ذکر مواظبت کن، سـپس سـلمان آن حرز را از حضرت زهرا سلام الله علیها نقل کرد:

به نام خداونـد بخشـنده مهربان، به نام خداوند نور، به نام خداوند روشـنایی نور، به نام خداوند نور روی نور، به نام خداوندی که تدبیرکننده... امور است، به نام خداوندی که نور را از نور آفرید، سـپاس خدایی را که نور را از نور آفرید و نور را بر طور نازل کرد، در کتابی نوشـته شده،

در صفحه ای گسترده و به اندازه‌ای مشخص شده، بر پیامبری دانا، ستایش خدایی راست که به عزت یاد شد و به فخر مشهور است. و در خوشی و ناخوشی از او سپاسگزاری می‌شود و درود خدا بر سرور ما محمد و خاندان پاکش. - . مهج الدعوات: ۹-۶ -

سلمان گفت: به خدا سوگند من این حرز را به بیش از هزار نفر از مردم مدینه و مکه آنان که بیماری دارند آموختم و همه آنها از بیماری‌شان بهبودی یافتند به خواست خداوند متعال. - . مراجعه کن: جلد ۹۴: ۲۲۷ — ۲۲۶ -

**[ترجمه]

أقول

قد مضی خبر آخر فی هذا المعنی فی باب أحراز مولاتنا فاطمه الزهراء صلوات الله علیها(۲).

**[ترجمه]روایتی دیگر در این موضوع در باب حرزهای مولایمان حضرت زهرا صلوات الله علیها آمده است. - . مراجعه کن ج ۹۴: ۲۲۷- ۲۲۶ -

**[ترجمه]

باب ۵۷ العوذه و الدعاء للحوامل من الإنس و الدواب و عوذه الطفل ساعه یولد و عوذه النفساء

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] الْوَلِیدُ بْنُ نَقِیَّهَ مُؤَذِّنُ مَسْجِدِ الْکُوفَهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ الْعَسْکَرِیُّ عَنْ آبَائِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ: مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا یَعْبَثَ الشَّیْطَانُ بِأَهْلِهِ مَا دَامَتِ الْمَرْأَهُ فِی نِفَاسِهَا فَلْیَکْتُبْ هَذِهِ الْعُوذَهَ بِمِسْکٍ وَ زَعْفَرَانٍ بِمَاءِ الْمَطَرِ الصَّافِی وَ لْیَعْصِرْهُ بِثَوْبٍ جَدِیدٍ لَمْ یُلْبَسْ وَ أَلْبَسَ مِنْهُ أَهْلَهُ وَ وَلَدَهُ وَ لْیَرُشَّ الْمَوْضِعَ وَ الْبَیْتَ الَّذِی فِیهِ النُّفَسَاءُ فَإِنَّهُ لَا یُصِیبُ أَهْلَهُ مَا دَامَتْ فِی نِفَاسِهَا وَ لَا یُصِیبُ وَلَدَهُ خَبْطٌ وَ لَا جُنُونٌ وَ لَا فَزَعٌ وَ لَا نَظْرَهٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَی آلِ رَسُولِ اللَّهِ وَ الصَّلَاهُ عَلَیْهِمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اخْرُجْ بِإِذْنِ اللَّهِ اخْرُجْ بِإِذْنِ اللَّهِ مِنْهَا خَرَجْتُمْ وَ فِیها نُعِیدُکُمْ وَ مِنْها نُخْرِجُکُمْ تارَهً أُخْری فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ أَدْفَعُکُمْ بِرَسُولِ اللَّهِ (۳).

**[ترجمه]طب الائمه: امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کس می‌خواهد زمانی که زن در حالت وضع حمل است آزاری و اذیتی از ناحیه.. شیطان به خانواده او نرسد باید این دعا را با مشک و زعفران و آب خالص باران بنویسد، و با لباس جدیدی که پوشیده نشد، آن را صاف کند و همسر و فرزندانش را از آن بپوشاند و بر آن مکان و خانه ای که زن زائو در آن است بپاشد، به راستی تا زمانی که همسرش در دوران بعد از زایمان است آسیبی نبیند و فرزند او نیز از کوری و دیوانگی و ترس و چشم بد مصون خواهد ماند انشاء الله تعالی، و دعا این است:

به نام خداوند بخشنده مهربان، به نام خدا، به نام خدا، به نام خدا، سلام بر رسول خدا و سلام بر خاندان رسول خدا و درود و رحمت و برکات خداوند بر آنها باد، به نام خدا و با استعانت از خدا، به اذن خداوند خارج شو، به اذن خداوند خارج شو، از آن بیرون آمدید و شما را به آن باز می گردانیم و یک بار دیگر شما را از آن خارج می‌سازیم و اگر پشت کردند بگو خداوند مرا کفایت می کند خدایی جز او نیست بر او توکل نمودم و اوست پروردگار عرش با عظمت. به نام خدا و با استعانت از خدا، و به رسول خدا شما را دور می‌کنم. - . طب الائمه: ۹۷ -

**[ترجمه]

«۲»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] الْخَضِرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْخَرَاذِينِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ

ص: ۳۹

۱- ۱. مهج الدعوات: ۶- ۹.

۲- ۲. راجع ج ۹۴ ص ۲۲۶- ۲۲۷.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۹۷.

أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام وَ رَوَاهُ أَیْضاً عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنِ ابْنِ بُکَیْرٍ عَنْ زُرَارَهَ بْنِ أَعْیَنَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: تُکْتَبُ لِلْفَرَسِ الْعَتِیقَهِ الْکَرِیمَهِ عِنْدَ وَضْعِهَا هَذِهِ الْعُوذَهَ فِی رَقِّ غَزَالٍ وَ یُعَلَّقُ فِی حَقْوَیْهَا اللَّهُمَّ یَا فَارِجَ الْهَمِّ وَ کَاشِفَ الْغَمِّ رَحْمَانَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ رَحِیمَهُمَا ارْحَمْ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ صَاحِبَ الْفَرَسِ رَحْمَهً تُغْنِیهِ عَنْ رَحْمَهِ مَنْ سِوَاکَ وَ فَرِّجْ هَمَّهُ وَ غَمَّهُ وَ نَفِّسْ کُرْبَتَهُ وَ سَلِّمْ فَرَسَهُ وَ یَسِّرْ عَلَیْهَا وِلَادَتَهَا خَرَجَ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ وَ یَحْیَی بْنُ زَکَرِیَّا عَلَی نَبِیِّنَا وَ آلِهِ وَ عَلَیْهِمَا السَّلَامُ إِلَی الْبَرِّیَّهِ فَسَمِعَا صَوْتَ وَحْشِیَّهٍ فَقَالَ الْمَسِیحُ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ علیهما السلام یَا عَجَباً مَا هَذَا الصَّوْتُ قَالَ یَحْیَی هَذَا صَوْتُ وَحْشِیَّهٍ تَلِدُ فَقَالَ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ علیهما السلام انْزِلْ سَرْحاً سَرْحاً بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَی (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: امام باقر علیه السلام فرمودند: هنگام زاییدن اسبی که نژاد اصیلی دارد، این دعا را بر پوست آهویی بنویس و بر تهیگاه او آویزان گردان:

«خداوندا ای زداینده غم‌ها و ای برطرف‌کننده غصه‌ها، ای بخشایشگر و مهربان در دنیا و آخرت، بر فلان فرزند فلان صاحب این اسب، رحمتی کن تا از مرحمت دیگران بی‌نیاز گردد و غم و غصه و گره کار او را بگشای و اسب او را سالم بدار و زاییدن آن را آسان گردان».

روزی عیسی بن مریم و یحیی بن زکریا سلام خدا بر پیامبر ما و خاندان وی و به آن دو، به صحرایی رفتند، و صدای حیوان وحشی را شنیدند، حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام فرمودند: شگفتا این چه صدایی است؟ حضرت یحیی فرمودند: این صدای حیوان وحشی است که در حال زاییدن است، پس حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام فرمودند: به اذن خداوند روان روان بیرون آی. - . طب الائمه: ۹۸ -

**[ترجمه]

«۳»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] أَبُو یَزِیدَ الْقَنَّادُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: تُکْتَبُ هَذِهِ الْعُوذَهُ فِی قِرْطَاسٍ أَوْ رَقٍّ لِلْحَوَامِلِ مِنَ الْإِنْسِ وَ الدَّوَابِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً یُرِیدُ اللَّهُ بِکُمُ الْیُسْرَ وَ لا یُرِیدُ بِکُمُ الْعُسْرَ وَ لِتُکْمِلُوا الْعِدَّهَ وَ لِتُکَبِّرُوا اللَّهَ عَلی ما هَداکُمْ وَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ وَ إِذا سَأَلَکَ عِبادِی عَنِّی فَإِنِّی قَرِیبٌ أُجِیبُ دَعْوَهَ الدَّاعِ إِذا دَعانِ فَلْیَسْتَجِیبُوا لِی وَ لْیُؤْمِنُوا بِی لَعَلَّهُمْ یَرْشُدُونَ وَ یُهَیِّئْ لَکُمْ مِنْ أَمْرِکُمْ مِرْفَقاً وَ یُهَیِّئْ لَکُمْ مِنْ أَمْرِکُمْ رَشَداً وَ عَلَی اللَّهِ قَصْدُ السَّبِیلِ وَ مِنْها جائِرٌ وَ لَوْ شاءَ لَهَداکُمْ أَجْمَعِینَ ثُمَّ السَّبِیلَ یَسَّرَهُ أَ وَ لَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ کانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْ ءٍ حَیٍّ أَ فَلا یُؤْمِنُونَ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَکاناً قَصِیًّا فَأَجاءَهَا الْمَخاضُ إِلی جِذْعِ النَّخْلَهِ قالَتْ یا لَیْتَنِی مِتُّ قَبْلَ هذا وَ کُنْتُ نَسْیاً مَنْسِیًّا فَناداها مِنْ تَحْتِها أَلَّا تَحْزَنِی قَدْ جَعَلَ رَبُّکِ تَحْتَکِ سَرِیًّا وَ هُزِّی إِلَیْکِ بِجِذْعِ النَّخْلَهِ تُساقِطْ عَلَیْکِ رُطَباً جَنِیًّا فَکُلِی وَ اشْرَبِی وَ قَرِّی عَیْناً فَإِمَّا تَرَیِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَداً فَقُولِی إِنِّی نَذَرْتُ

ص: ۴۰

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۹۸.

لِلرَّحْمنِ صَوْماً فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَها تَحْمِلُهُ قالُوا يا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئاً فَرِيًّا يا أُخْتَ هارُونَ ما كانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَ ما كانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا فَأَشارَتْ إِلَيْهِ قالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا قالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتانِيَ الْكِتابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا وَ جَعَلَنِي مُبارَكاً أَيْنَ ما كُنْتُ وَ أَوْصانِي بِالصَّلاةِ وَ الزَّكاةِ ما دُمْتُ حَيًّا وَ بَرًّا بِوالِدَتِي وَ لَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّاراً شَقِيًّا وَ السَّلامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أَمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ذلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهاتِكُمْ لا تَعْلَمُونَ شَيْئاً وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ أَ لَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّراتٍ فِي جَوِّ السَّماءِ ما يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذلِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ كَذَلِكَ أَيُّهَا الْمَوْلُودُ اخْرُجْ سَوِيّاً بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ثُمَّ تُعَلَّقُ عَلَيْهَا فَإِذَا وُضِعَتْ نُزِعَ مِنْهَا وَ احْفَظِ الْآيَةَ أَنْ تَتْرُكَ مِنْهَا بَعْضَهَا أَوْ تَقِفَ عَلَى مَوْضِعٍ مِنْهَا حَتَّى تُتِمَّهَا وَ هُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهاتِكُمْ لا تَعْلَمُونَ شَيْئاً فَإِنْ وَقَفْتَ هَاهُنَا خَرَجَ الْمَوْلُودُ أَخْرَسَ وَ إِنْ لَمْ تَقْرَأْ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ لَمْ يَخْرُجِ الْوَلَدُ سَوِيّاً(۱).

**[ترجمه]طب الائمه: به امام رضا علیه السلام فرمودند: این تعویذ را برای زنان باردار و حیوانات آبستن در کاغذ یا پوستی می‌نویسی: «به نام خداوند بخشنده مهربان، به نام خدا، به نام خدا، به راستی که با هر سختی آسانی است و به راستی که با هر سختی آسانی است، خداوند خدا برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد تا شماره را تکمیل کنید و خدا را به پاس آنکه رهنمونی تان کرده است به بزرگی بستایید، و باشد که شکر گزاری کنید. و هر گاه بندگان من، از تو درباره من بپرسند، من نزدیکم، و دعای دعاکننده را- به هنگامی که مرا بخواند- اجابت می کنم، پس باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند. برای شما در کارتان گشایشی فراهم سازد و سامانی در کار شما قرار دهد و نمودن راه راست بر عهده خداست، و برخی از آن کژ است، و اگر می خواست مسلماً همه شما را هدایت می کرد سپس راه را بر او آسان گردانید.

آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند، و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا باز هم ایمان نمی آورند. و با او به مکان دور افتاده ای پناه جست. تا درد زایمان، او را به سوی تنه درخت خرمایی کشانید. گفت: ای کاش، پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شده بودم. پس، از زیر او وی را ندا داد که: غم مدار، پروردگارت زیر تو چشمه آبی پدید آورده است و تنه درخت خرما را به طرف خود بتکان، تا بر تو خرمای تازه می ریزد. و بخور و بنوش و دیده روشن دار. پس اگر کسی از آدمیان را دیدی، بگو: من برای رحمان روزه نذر کرده ام، و امروز مطلقاً با انسانی سخن نخواهم گفت. پس در حالی که او را در آغوش گرفته بود به نزد قومش آورد. گفتند: ایمریم، به راستی کار بسیار ناپسندی مرتکب شده ای. ای خواهر هارون، پدرت مرد بدی نبود و مادرت بدکاره نبود. به او اشاره کرد. گفتند: چگونه با کسی که در گهواره کودک است سخن بگوییم. گفت: منم بنده خدا، به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته، و تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرده است و مرا نسبت به مادرم نیکوکار کرده و زورگو و نافرمانم نگردانیده است و درود بر من، روزی که زاده شدم و روزی که می میرم و روزی که زنده برانگیخته می شوم، این است عیسی فرزند مریم.

و خدا شما را از شکم مادرانتان در حالی که چیزی نمی دانستید، بیرون آورد، و برای شما گوش و چشم ها و دل ها قرار داد، باشد که سپاسگزاری کنید. آیا به سوی پرندگانی که در فضای آسمان، رام شده اند ننگریسته اند؟ جز خدا کسی آنها را نگاه نمی دارد. راستی در این برای مردمی که ایمان می آورند نشانه هایی است. و اینچنین ای نوزاد به اذن خداوند، درست اندام خارج شو.

سپس بر او آویزان کن و هرگاه وضع حمل کرد برداشته شود، و آیه را حفظ کن تا بخشی از آن را رها نکنی یا در جایی از آن باز ایستی تا آن را تمام کنی و آیه این است: «خدا شما را از شکم مادرانتان در حالی که چیزی نمی دانستید، بیرون آورد.» و اگر در اینجا بایستی نوزاد گنگ به دنیا می آید و اگر نخواندی«اوست آنکس که شما را پدید آورده و برای شما گوش و دیدگان و دلها آفریده است. چه کم سپاسگزارید» نوزاد درست اندام به دنیا نیاید .

**[ترجمه]

باب ۵۸ عوذه الحيوانات من العين و غيرها

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه عليهم السلام] أَحْمَدُ بْنُ الْحَارِثِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام: فِي عُوذَةِ الْحَيَوَانِ وَ قَالَ هِيَ مَحْفُوظَةٌ عِنْدَهُمْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ خَرَجَ عَيْنُ السَّوْءِ مِنْ بَيْنِ لَحْمِهِ وَ جِلْدِهِ وَ عَظْمِهِ وَ عَصَبِهِ وَ عُرُوقِهِ فَلَقِيَهَا جَبْرَئِيلُ وَ مِيكَائِيلُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فَقَالا أَيْنَ تَذْهَبِينَ أَيَّتُهَا اللَّعِينَةُ(۲)

ص: ۴۱

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۹۸- ۹۹.

۲- ۲. فى المصدر: أيتها العينه و كذا فيما يأتى.

قالَتْ أَذْهَبُ إِلَى الْجَمَلِ فَأَطْرَحُهُ مِنْ قِطَارِهِ وَ الدَّابَّةَ مِنْ مِقْوَدِهَا وَ الْحِمَارَ مِنْ آكَامِهِ وَ الصَّبِيَّ مِنْ حَجْرِ أُمِّهِ وَ أُلْقِي الرَّجُلَ الشَّابَّ الْمُمْتَلِئَ مِنْ قَدَمَيْهِ فَقَالا لَهَا اذْهَبِي أَيَّتُهَا اللَّعِينَةُ إِلَى الْبَرِّيَّةِ فَثَمَّ حَيَّةٌ لَهَا عَيْنَانِ عَيْنٌ مِنْ مَاءٍ وَ عَيْنٌ مِنْ نَارٍ وَ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى عَيْنِ السَّوْءِ وَ عَبَسٍ عَابِسٍ وَ حَجَرٍ يَابِسٍ وَ نَفْسٍ نَافِسٍ وَ نَارٍ قَابِسٍ رَدَدْتُ بِعَوْنِ اللَّهِ عَيْنَ السَّوْءِ إِلَى أَهْلِهِ وَ فِي جَنْبَيْهِ وَ كَشْحَيْهِ وَ فِي أَحَبِّ خُلَّانِهِ إِلَيْهِ بِعَزِيمَهِ اللَّهِ وَ قَوْلُهُ أَ وَ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ كانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ كُلَّ شَيْ ءٍ حَيٍّ أَ فَلا يُؤْمِنُونَ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خاسِئاً وَ هُوَ حَسِيرٌ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: امام موسی بن جعفر به نقل از پدران بزرگوارشان علیهم السلام، حرزی برای حیوانات نقل کردند، فرمودند، این در میان ایشان محفوظ است: «به نام خداوند بخشنده مهربان، به نام خدا و با استعانت از خدا، چشم بد از گوشت و پوست و استخوان و عصب و رگ‌های او خارج شد، پس جبرئیل و مکائیل درود خدا بر آن دو، او را دیدند و گفتند: کجا می‌روی ای ملعون - . در منبع: ای چشم بد و همچنین در ادامه. - ! جواب داد: به سوی شتر می‌روم تا او را از رسته اش و چهارپا را از ریسمان و الاغ را از پشته ها و طفل را از دامن مادرش دور کنم و پای مرد جوان، را بلغزانم. پس به او گفتند: ای ملعون به سوی صحرا برو و در آنجا ماری است که دو چشم دارد، یک چشم او از آب است و چشم دیگر او از آتش، و اینچنین خداوند بر چشم بد و گرفتگی ترش رو و سنگ سخت و دَم بد، آتش شعله ور، مُهر می‌نهد، به یاری خداوند چشم بد را به اهل آن و در دو طرف او و پهلوهای او و بهترین دوستان او بازگرداندم؛ با اراده خداوند و فرمایش او «آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند، و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا ایمان نمی آورند. باز دوباره بنگر تانگاهت زبون و درمانده به سویت بازگردد. و درود خداوند بر مولایمان محمد پیامبر خدا و خاندان پاک او. - . طب الائمه: ۱۳۴ – ۱۳۳ -

**[ترجمه]

«۲»

طا، [الأمان]: فِيمَا نَذْكُرُهُ إِذَا حَصَلَتِ الْمَلْعُونَةُ فِي عَيْنِ دَابَّةٍ يَقْرَؤُهَا وَ يُمِرُّ يَدَهُ عَلَى عَيْنِهَا وَ وَجْهِهَا أَوْ يَكْتُبُهَا وَ يُمِرُّ الْكِتَابَةَ عَلَيْهَا بِإِخْلَاصِ نِيَّةٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الشَّافِي بِسْمِ اللَّهِ الْكَافِي بِسْمِ اللَّهِ الْمُعَافِي بِسْمِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْ ءٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَ نُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ ارْدُدِ الْعَيْنَ الْحَابِسَ وَ حَجَرَ يَابِسٍ وَ مَاءَ فَارِسٍ وَ شِهَابَ ثَاقِبٍ مِنَ الْعَيْنِ إِلَى الْعَيْنِ فَقَالَ جَبْرَئِيلُ وَ مِيكَائِيلُ علیهما السلام إِلَى أَيْنَ تَذْهَبُ يَا عَيْنَ السَّوْءِ قَالَتْ أَذْهَبُ إِلَى الثَّوْرِ فِي نِيرِهِ وَ الْجَمَلِ فِي قِطَارِهِ وَ الدَّابَّةِ فِي رِبَاطِهَا فَقَالا علیهما السلام لَهَا عَزَمْنَا عَلَيْكِ بِتِسْعَةٍ وَ تِسْعِينَ اسْماً أَنْ تُلْقِيَ الثَّوْرَ فِي نِيرِهِ (۲)

وَ الْجَمَلَ فِي قِطَارِهِ وَ الدَّابَّةَ فِي رِبَاطِهَا كَذَلِكَ يُطْفِئُ اللَّهُ الْوَجَعَ مِنَ الْعَيْنِ بِلَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بِسْمِ اللَّهِ سَلَامٌ مِنَ اللَّهِ الَّذِي لا إِلهَ إِلَّا هُوَ ... السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ.

**[ترجمه]أمان الاخطار: دعا به هنگامی که حیوانی در معرض چشم زخم قرار گیرد و چشم او آسیب ببیند، این دعا را باید خواند و دست خود را بر چشم و روی او کشاند یا آنکه این دعا را بنویسد و آن را با نیت پاک به گرد او بچرخاند، «به نام خداوند بخشاینده مهربان؛ به نام خدای شفا بخش؛ به نام خدای بی نیازکننده؛ به نام خدای عافیت ده؛ به نام خدایی که با هم راه بودن اسم او چیزی، نه در زمین و نه در آسمان، زیان نمی رساند و او شنوا و داناست. {فرو می فرستیم از قرآن آن چه را که درمان و رحمت برای مؤمنان است.} چشم بسته شده و سنگ خشک و آب یخ بسته و تیر شهاب، از چشمی تا به چشم دیگر، را برگردان و چشم را به چشم برگردان. پس جبرئیل و میکائیل علیهما السّلام گفتند: به کجا می روی ای بد چشم؟ گفت: به یوغ گاو نر و به شتر قطار شده و در بیخ گوش اسب می روم. به او گفتند: تو را به نود و نه اسم اعظم بستیم که نتوانی به یوغ گاو نر و قطار شتر و بیخ گوش اسب بروی. خداوند چنین درد را از چشم دور می گرداند، بدون آن که جز نیروی خداوند والامرتبه بزرگ، از کس دیگری جنبش و حرکتی باشد. به نام خدا؛ درود و سلام از پروردگاری که جز او خدایی نیست؛

سلام امان دهنده نگهبان گران مایه توانمند بزرگ منش. خدا منزّه است از آن چه که شرک می ورزند.

**[ترجمه]

«۳»

ق، [الکتاب العتیق الغرویّ]: عُوذَةٌ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لِلْعَيْنِ قَالَ حِينَ أَصَابَتِ الْعَيْنُ فَحْلًا مِنْ إِبِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ [مِنْ] عَبْسٍ عَابِسٍ وَ شِهَابٍ

ص: ۴۲

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۱۳۳- ۱۳۴.

۲- ۲. النیر: الخشبه المعترضه فی عنقی الثورین بأداتها و یسمی بالفارسیه« یوغ».

قَابِسٍ وَ حَجَرٍ يَابِسٍ رَدَدْتُ عَيْنَ الْعَائِنِ عَلَيْهِ مِنْ رَأْسِهِ إِلَى قَدَمَيْهِ آخِذٍ عَيْنَاهُ قَابِضٍ بِكَلَاهُ وَ عَلَى جَارِهِ وَ أَقَارِبِهِ جِلْدُهُ دَقِيقٌ وَ دَمُهُ رَقِيقٌ وَ بَابُ الْمَكْرُوهِ بِهِ تَلِيقٌ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرى مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خاسِئاً وَ هُوَ حَسِيرٌ.

**[ترجمه]العتيق الغروى: تعويذ از امير مؤمنان عليه السلام زمانى كه شترى از ايشان به چشم زخم گرفتار شد: «به نام خداوند بخشنده مهربان، به نام خداوند بزرگ، گرفتگى ترشرو و شهاب آتشخواه و سنگ سخت و چشم بد را به او برگرداندم از سر تا پا، چشمانش را مى گيرد و بر كليه هايش چنگ مى اندازد و بر همسايه و نزديكانش، پوستش نازك و خونش رقيق و ناگوارى‌ها سزاوار اوست، باز بنگر، آيا خلل مى بينى باز دوباره بنگر تا نگاهت زبون و درمانده به سويت باز گردد.

**[ترجمه]

«۴»

ق، [الكتاب العتيق الغروىّ]: عُوذَةٌ لِلدَّوَابِّ عَنِ الصَّادِقِينَ عليهم السلام بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أُعِيذُ مَنْ (۱)

عُلِّقَ عَلَيْهِ كِتَابِي هَذَا مِنَ الْخَيْلِ وَ الدَّوَابِّ كُمْتِهَا وَ شُقْرِهَا وَ بُلْقِهَا وَ دُهْمِهَا أَغَرِّهَا وَ أَحْوَاهَا وَ سَمَيْدَعِهَا وَ زُرْزُورِهَا وَ أَعْشَابِهَا وَ مُحَجَّلِهَا(۲)

وَ أَصْفَرِهَا وَ مَا

اخْتُلِفَ مِنْ أَلْوَانِهَا أَعُوذُ وَ أَمْتَنِعُ وَ أَزْجُرُ وَ أَعْقِدُ وَ أَحْبِسُ عَنْ مَنْ عُلِّقَ عَلَيْهِ كِتَابِي هَذَا مِنَ الْخَيْلِ وَ الْبَهَائِمِ وَ الْحَيَوَانِ مِنَ الْكِلَامِ وَ الصِّدَامِ وَ مَضْغِ اللِّجَامِ وَ قَرْضِ الْأَسْنَانِ وَ الْأَرْسَانِ وَ الْعَثْرَةِ وَ النَّظْرَةِ وَ السَّكْرَةِ وَ الْحِصَارَةِ وَ الْعِدَايَةِ(۳)

وَ وَجَعِ الْكَبِدِ

۱- ۱. ما علق خ ل، و كذا فيما يأتى.

۲- ۲. الكمت بالضم جمع كميت باعتبار معناه فانه تصغير أكمت من غير قياس يستوى فيه المذكر و المؤنث يقال: مهر كميت و مهره كميت، و الكميت من الخيل: الأحمر الذى خالط حمرته قنوء اى سواد غير خالص، و قيل: بين الأسود و الأحمر، و الشقر جمع أشقر و هو من الخيل: الأحمر الذى حمرتها صافيه مع حمره العرف و الذنب، و هذا هو الفرق بين الكميت و الاشقر، قال أبو عبيده: يفرق بينهما بالعرف و الذنب فان كانا أحمرين فهو الاشقر و ان كانا أسودين فهو الكميت. و البلق جمع الأبلق: و هو الذى فيه سواد و بياض، و الدهم جمع الادهم و هو الشديد الورقه: سواد فى غبره- حتى يذهب البياض، و الاغر: ما كان بجبهته بياض قدر درهم و الاحوى الأسود الذى يضرب سواده الى الخضره، و قيل: الأحمر يضرب الى السواد و السميدع، الموطأ الاكتاف الذلول، و الزرزور: المركب الضيق و الاعشاب كانه جمع عشب أو عشبه: القصير الدميم أو الكبير المسن أو الذى يضرب لونه الى لون العشب و المحجل: ما كان فى قوائمه الاربع بياض و ان كان فى الرجلين فهو محجل الرجلين.

۳- ۳. الكلام- بالكسر- جمع كلم و هو الجرح، و الصدام بالكسر و العامّه تضمه و هو القياس: داء فى رءوس الدوابّ قاله الجوهرىّ، و العثره بالفتح: الاضطراب و الوثوب و النظره أن تبصر الخيل الطائف من الجن، فيشخص عينه الى جانبه، و السكره: التحير و سكون. النظر، أو امتلاء المركوب من الغيظ و الغضب، و الحصاره أن ينقطع الخيل و يقف وقفه بعد ما ارسل ارسالا كانه حبس نفسه، و العدايه أن يعدو الفرس متواثبا مالكا لزمامه لا يمكن حبسها.

وَ الرِّیَهِ وَ الطِّحَالِ وَ الْأَنْشَارِ(۱) وَ الْعَسَلِ وَ الْکَبْوَهِ(۲)

وَ الْفَزْعَهِ وَ الْعَرِیرَهِ وَ الْحَرْدِ وَ الْحَرْبِ وَ الْجَلْدِ وَ الْقَصْرِ وَ الْحُمْرَهِ(۳) وَ الْهَدْمِ فِی الظَّهْرِ وَ الرَّوَابِدِ وَ النُّفَّاخِ وَ الْعِلَاقِ وَ الذُّبَابِ (۴)

وَ الزَّنَابِیرِ وَ الِارْتِعَاشِ وَ الِارْتِهَاسِ وَ الظُّلْمَهِ وَ الْمَعْلِ (۵)

وَ الْوَرَمِ وَ الْجُدَرِیِّ وَ الطَّبُّوعِ وَ مِنَ الْجَمْحِ وَ الرَّمْحِ (۶)

وَ مِنَ الْفَالِجِ وَ الْقُولَنْجِ وَ الْحِدَاجِ وَ وِحَامِ الْعَیْنِ

۱- ۱. الانشار جمع نشر و هو الجرب و فی بعض النسخ[و الانثیان] فیکون عطفا علی الکبد، أی و وجع الانثیان، لا علی الوجع.

۲- ۲. و العسل أن یضطرب الفرس فی عدوه و یهز رأسه فی مضائه، و الکبوه: أن ینکب لوجهه.

۳- ۳. العریره: نوع جرب و الحرد أن یسترخی عصب ید الحافر من عقال و نحوه أو یکون خلقه حتّی کأنّه ینفضها إذا مشی. و الحرب الهلاک و ان کان بالمعجمه فهو معروف و الجلد: السقوط علی الأرض، و فی الإبل و نحوه أن لا یکون لها نتاج و لا لبن، و القصر محرکه- داء یصیب البعیر و غیره فی عنقه فلیتوی. و الحمره: ورم من جنس الطواعین و هو الورم الحار.

۴- ۴. الروابد جمع رابد: الحابس للدابّه عن المشی. و النفاخ کرمان نفخه الورم من داء یحدث یأخذ حیث أخذ. و العلاق أن تشرب الدابّه ماء فعلقت بحلقومها العلقه و الذباب معروف و یطلق أیضا: علی الجنون، و الشؤم، و الشر الدائم، و نکته سوداء فی جوف حدقه الفرس و سیأتی له معنی آخر.

۵- ۵. الارتهاس: اصطکاک رجلی الدابّه، و الظلمه لعلها أن یظلم بعض الدوابّ بعضها بالنطح یقال وجدنا أرضا تتظالم معزاها، و المعل: استلال الخصیتین.

۶- ۶. الجدری بثور حمر بیض الرءوس تنتشر فی البدن و تتنفط و تنقیح سریعا یقال له بالفارسیه: آبله، و الطبوع- کتنور- دویبه ذات سم من جنس القردان تتعلق بالبعیر و نحوه و هی کالقمل للإنسان، و الجمح: أن یرکب الدابّه رأسه لا یثنیه شی ء و أن یعتز راکبه و یجری غالبا اياه، و الرمح أن یرفس برجله.

وَ الدَّمْعَهِ(۱)

عِنْدَ الْجِهَی وَ مِنَ التَّعْسِیرِ وَ التَّخْیِیلِ وَ مِنْ مَعْطِ(۲)

شَعْرِ النَّاصِیَهِ وَ مِنَ الِامْتِنَاعِ مِنَ الْعَلَفِ وَ مِنَ الْبَرَصِ وَ بَلْعِ الرِّیشِ وَ مِنَ الذَّرَبِ وَ مِنْ قَصْدِ الِارْتِیَاعِ (۳)

وَ مِنَ النَّکْبَهِ وَ النَّمْلَهِ(۴) وَ مِنَ الِامْتِنَاعِ مِنَ الْأُبْنَهِ(۵) وَ الْعَلَفِ وَ السَّرْجِ وَ اللِّجَامِ حَصَّنْتُ جَمِیعَ مَا عُلِّقَ عَلَیْهِ کِتَابِی هَذَا بِاللَّهِ الْعَظِیمِ مِنْ شَرِّ کُلِّ سَبُعٍ وَ ضَبُعٍ وَ أَسَدٍ وَ أَسْوَدَ وَ مِنَ السُّرَّاقِ وَ الطُّرَّاقِ إِلَّا طَارِقٌ یَطْرُقُ بِخَیْرٍ قُلْ مَنْ یَکْلَؤُکُمْ بِاللَّیْلِ وَ النَّهارِ مِنَ الرَّحْمنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِکْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ تَحَصَّنْتُ بِذِی الْعِزَّهِ وَ الْجَبَرُوتِ وَ تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ نُورِ النُّورِ وَ مُقَدِّرِ النُّورِ نُورِ الْأَنْوَارِ ذَلِکَ اللَّهُ الْمَلِکُ الْقَهَّارُ فَسَیَکْفِیکَهُمُ اللَّهُ

ص: ۴۵

۱- ۱. الحداج: أن ینظر الفرس الی شخص أو شی ء أو یسمع صوتا فأقام اذنیه نحوه مع عینیه. و الوحام شده الحر.

۲- ۲. التعسیر: أن یحتبس ما فی بطن الدابّه و لا یخرج، و التخییل أن یتخیل إلیها الجن أو الأشیاء المخوفه، أو هو التخبیل بمعنی الجنون، و تخبیل الید: فلجها و فی القاموس: اختبلت الدابّه: لم تثبت فی موطئها. و معط الشعر: أن یتساقط من داء أو جرب و نحو ذلک.

۳- ۳. الذرب- بالکسر- شی ء یکون فی عنق الإنسان أو الدابّه مثل الحصاه و قیل: داء یکون فی الکبد. و الارتیاع بالعین المهمله الفزع و التفزع، و قد یکون بمعنی الارتیاح و بالغین المعجمه: الروغان و هو الذهاب هکذا و هکذا.

۴- ۴. النمله: شق فی حافر الدابّه من الاشعر الی طرف السنبک، و قروح فی الجنب و بثره تخرج بالجسد بالتهاب و احتراق و یرم مکانها یسیرا و یدب الی موضع آخر کالنمله و یسمیها الاطباء الذباب، و تقول المجوس: ان ولد الرجل إذا کان من أخته و خطّ علی النمله شفی صاحبها کقوله:« کرام و انا لا نخط علی النمل».

۵- ۵. الابن: الیابس من الطعام و العلف، و نبت یخرج فی رءوس الآکام له أصل و لا یطول و کانه شعر یؤکل.

وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ.

**[ترجمه]العتیق الغروی: حرزی برای چهارپایـان به نقل از امام باقر و امام صادق علیهما السـلام: «به نام خداونـد بخشـنده مهربان، پناه می‌دهم هر آنکس که این نوشـته به او آویزان گشت از اسب‌ها و چهارپایانی، اسبی سـرخ‌رنگ که دم و یال او سیاه است و اسب سرخ رنگی که دم و یال او نیز به سـرخی می‌زند، اسب سـیاه و سـفید و اسب سیاه، و اسبانی که در پیشانی‌شان سفیدی است، و یا رنگ سیاه آنها به سبزی می‌زند و آنهایی که رامند و یا خوش سوار نیسـتند، و آنهایی که عمرشان بسـیار گشت و آن دسـته‌ای که در پاهایشان سفیدی است، و آنهایی که رنگ زرد دارند، و یا دیگر رنگ‌های گونه گون، پناه می‌دهم، جلوگیری می کنم، باز می‌دارم، می بندم و حبس می کنم هر حیوانی که این نوشته من بر او آویزان گشت از اسبان و چهارپایان و حیوانات از شـر زخم‌ها، سـردرد، ناآرامی و چموشـی، دیدن گروهی از جنیان، سرگشـتگی او، بند آمـدن نفسـش بعـد از دویـدن و دویدن‌هایی با چموشـی که نشود او را مهار کرد، و بیماری‌های کبد، ریه و طحال و گری و اینکه اثناء دویدن ناآرام شود، و سـر خود را تکان دهـد و یا به رو به زمین افتد و ترس و گری و خشک شدن اعصاب دست های او بواسـطه زانوبند و هلاکت و افتادن بر زمین و پیچیـدگی گردن و غـدّه و شکسـتن پشت و بازدارنـده از راه رفتن و آماس شـکم و گلوگیر شـدن آب در گلو و ذباب -. بر دیوانگی، نحسـی و نقطه سـیاهی میـان حـدقه اطلاـق می شود. - و زنبورها و لرزه و شاخ زدن به یکـدیگر و اخته شـدن و غـده و آبله و کنه و سرکشـی و لگد زدن و فلج و قولنج و حداج - . اسب به شـخص یا چیزی نگاه کند یا صدایی بشنود پس گوش ها و چشم هایش را متوجه آن بکند. - و

حرارت چشم و اشک به هنگـام آفتـاب و از یبوست و جن زدگی و ریزش مو و خودداری از علف و از پیسـی و خوردن اثاثیه و غـده های در گردن و ترسیدن و سختی و زخم پا و خودداری از گیاه خشک و علف و زین و لگام.

تمام آنچه را که این نوشته به آنها آویزان گشت، به خداوند بزرگ مصون داشتم از شر درندگان و حیوانات وحشی و شیر و مار سیاه و دزد و آنکه در شب وارد شود، مگر کسـی که خیر آورد، بگو چه کسی بگو: چه کسی شما را شب و روز از رحمان حفظ می کند؟ بلکه آنان از یاد پروردگارشان روی گردانند، بگو خداوند یکتا و یگانه چیره.

در پنـاه صـاحب عزت و قـدرت حفـظ نمودم و بر آن زنـده‌ای که هرگز نمی‌میرد، توکل کردم، او که روشـنایی نور، و تقـدیر کننـده نور، نور نورهاست، خداوند پادشاه چیره، و خداوند آنها را کفایت خواهد کرد و اوست شنوای دانا.

**[ترجمه]

«۵»

ق، [الکتـاب العتیق الغرویّ]: عُوذَهُ الْفَرَسِ وَ الْفَارِسِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ أَعُوذُ وَ أُعِیـذُ دَابَّهَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ الْمَعْرُوفِ بِکَـذَا وَ کَـذَا وَ سَائِرَ دَوَابِّهِ مِنَ الْخَیْلِ مِنْ دُهْمِهَا وَ شُـقْرِهَا وَ کُمْتِهَا وَ أَغَرِّهَا وَ مُحَجَّلِهَا وَ حُصُنِهَا وَ حُجُورِهَا مِنَ الْمَشَشِ وَ الرَّهَشِ وَ الرَّعَشِ وَ الدِّعْصِ وَ الرَّهْصَهِ وَ الرَّصَّهِ(۱) وَ خَفَقَانِ الْفُؤَادِ وَ غُدَّهِ الصِّفَاقِ وَ الرِّجْسِ (۲) وَ بَلْعِ الرِّیشِ وَ بَلْعِ الْحَشِیشِ وَ الْجِدَارِ وَ الْخِذْلَانِ (۳)

وَ وَجَعِ الْجَوْفِ وَ الرَّبْوِ فِی الْمَرِیسِ وَ مِنَ الطَّرْفَهِ(۴)

وَ الصَّدْمَهِ وَ الْعِثَارِ وَ الْحُمْرَهِ فِی الْآمَاقِ وَ مِنَ الْحَمَرِ وَ الْبُهْرِ وَ

عِرْقٍ (۵)

الِانْتِشَارِ وَ وَجَعِ الْأَعْضَاءِ وَ اسْتِرْخَاءِ الْقَوَائِمِ وَ سَائِرِ الْأَعْلَالِ فِی الْبَهَائِمِ دَفَعْتُ عُیُونَ السَّوْءِ عَنْهَا فِی سَائِرِ جُسُومِهَا وَ بَشَرِهَا وَ لَحْمِهَا وَ دَمِهَا وَ ظَاهِرِهَا

۱- ۱. المشش: شی ء یشخص فی وظیف الدابّه حتّی یشتد دون اشتداد العظم، و بیاض یعتری الإبل فی عیونها. و الرهش و الارتهاش و الرهس و الارتهاس اصطکاک رجلی الدابّه فتعقر رواهشها، کما مر، و الرعش و الارتعاش کالرعس و الارتعاس الاضطراب و الاهتزاز فی السیر، و یطلق علی المشی الضعیف من الاعیاء و غیره و لعله ما یقال له: بالفارسیه« کوفت». و الدعص: الرکض و الرفس بالرجل. کالدعس، و الرهصه: و قره تصیب باطن حافر الفرس، و الرصه بالمهمله: التصاق الفخذین، و هو یورث الدبر، و الرضه بالمعجمه: التکسر.

۲- ۲. الصفاق: جلد البطن کله، أو هو الجلد الاسفل الذی تحت الجلد الذی علیه الشعر. و الرجس بالفتح: أن تهدر البعیر کالرعد.

۳- ۳. الخذلان: فی الدابّه التخلف عن القطیع منفردا لا یأنس بصواحبها.

۴- ۴. الربو: انتفاخ الفرس من عدو او فزع. و الطرفه: نقطه حمراء من الدم تحدث فی العین من ضربه و غیرها.

۵- ۵. الحمر داء فی الفرس تتغیر رائحه فمه و یکون من اکل الشعیر الفاسد یوجب السنق و التخمه، و قیل: السنق للحیوان و التخمه للإنسان. و البهر: تتابع النفس و انقطاعه من الاعیاء، و انما یعتری الفرس و نحوه عند السعی و العدو الشدید، و انتشار العرق و العصب انتفاخه من کثره العدو أو داء آخر.

وَ بَاطِنِهَا بِالْإِحَاطَهِ الْكَبْرَى وَ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ الْحُسْنَى وَ بِكَلِمَاتِهِ الْعُظْمَى مِنَ الِامْتِنَاعِ مِنَ الْأَكْلِ وَ الشُّرْبِ وَ التَّغَصُّصِ وَ الِالْتِوَاءِ وَ الضَّرَبَانِ وَ مِنْ جُرْحٍ بِالْحَدِيدِ وَ وَجْرٍ بِالشَّوْكِ أَوْ حَرَقٍ بِالنَّارِ أَوْ مِخْلَبٍ وَ مِنْ وَقْعِ نِصَالِ السِّهَامِ وَ أَسِنَّهِ الرِّمَاحِ وَ مِنَ الْغَوَامِزِ(۱)

وَ اللَّوَادِغِ وَ ضَرْبَهٍ مُوهِنَهٍ أَوْ دَفْعَهٍ مُحَطِّمَهٍ أُعِيذُهُ وَ رَاكِبَهُ بِمَا اسْتَعَاذَ بِهِ جَبْرَائِيلُ عليه السلام وَ عَوَّذَ بِهِ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله الْبُرَاقَ وَ مَا عَوَّذَ بِهِ فَرَسَهُ السَّحَابَ وَ مَا عَوَّذَ عَلِيٌّ عليه السلام فَرَسَهُ لزاق وَ بِمَا عَوَّذَ بِهِ شَمْعُونُ الصَّفَا فَرَسَهُ الطماح وَ بِمَا عَوَّذَ بِهِ مُوسَى الْكَلِيمُ فَرَسَهُ الَّذِی عَبَرَ فِی أَمْرِهِ الْبَحْرِ عَوَّذْتُ هَذِهِ الدَّابَّهَ وَ صَاحِبَهَا وَ مَوْضِعَهَا وَ مَرْعَاهَا وَ سَائِرَ مَا لَهُ مِنَ الْكُرَاعِ وَ الْمَرَاتِعِ مِنْ سَائِرِ السِّبَاعِ وَ الْهَوَامِّ وَ مِنْ كُلِّ أَذِيَّهٍ وَ بَلِيَّهٍ وَ مِنَ الشُّهُورِ وَ الدُّهُورِ وَ الرَّدَّهِ وَ الْغَرَقِ وَ الْحَرَقِ وَ الْوَبَاءِ وَ مَدَارِكِ الشَّقَا بِالْعَقْدِ الْعَظِيمِ وَ الْأَسْمَاءِ الْأَوَّلِيَّهِ الْعِلْيَهِ مِنْ أَعْيُنِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ أَجْمَعِينَ بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ بِسْمِ اللَّهِ عَالِمِ السِّرِّ وَ أَخْفَى بِسْمِ اللَّهِ الْأَعْلَى وَ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ الْكُبْرَى فِی سُرَادِقِ عِلْمِ اللَّهِ وَ فِی حُجُبِ مَلَكُوتِ اللَّهِ الَّتِی يَحْيَا بِهَا الْأَمْوَاتُ وَ بِهَا رُفِعَتِ السَّمَاوَاتُ وَ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ الَّتِی أَضَاءَتْ بِهَا الشَّمْسُ وَ ارْتَفَعَ بِهَا الْعَرْشُ مِنْ سَائِرِ مَا ذَكَرْتُ وَ مَا لَمْ أَذْكُرْ وَ مَا عَلِمْتُ وَ مَا لَمْ أَعْلَمْ وَ رَفَعْتُ عَنْهَا سَائِرَ الْأَعْيُنِ النَّاظِرَهِ وَ الْعَادِيَهِ وَ الْخَوَاطِرِ الْخَاطِرَهِ وَ الصُّدُورِ الْوَاغِرَهِ بِلَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ هُوَ حَسْبِی وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ.

۱- ۱. الغوامز جمع غامز، و هو ما يغمز فی رجل الحافر و نحوه بحيث يميل من رجلها، و ذلک لوجع أو لداء أو رهصه، و اللوادغ جمع اللادغ، من العقرب و الحيه و الزنبور و نحوها من اللداغ.

**[ترجمه]العتیق الغروی: تعویـذ اسب و سوار آن: به نام خداوند بخشـنده مهربان. پناه می‌دهم و حفظ می‌دارم، اسب فلان فرزند فلان معروف به فلان و فلان و دیگر اسب‌های سیاه رنگ و سرخ رنگ و سرخی که دم و یالش سیاهرنگ است و اسب‌هایی که بر پیشانی و پاهاشان سفیدی است و اسب نرینه و مادیان از مشش - . تندی که در خردگاه دست و پای ستور برآید و سخت گردد کمتر از سختی استخوان. - و

بهم خوردن پاها و لرزه و لگد زدن و کوفتگی پا و چسبیدن ران ها و تپش قلب و غدّه پوست شکم و غریدن و خوردن اثاثیه و گیاه خشک و دیوار و جا ماندن از گله و درد شکم و نفخ حاصل از دویدن یا ترس و نقطه خون در چشم و آسیب و لغزش و سرخی گوشه چشم و بوی بد دهان و نفس نفس زدن و نفخ و درد اعضا و سستی پاها و دیگر دردهای چهارپایان.

با احاطه کامل و با نام‌های برتر خداونـد و کلمات باعظمت او، چشم بـد را از سراسر بدن او از پوست و گوشت و خون و ظاهر و باطن او دور کردم و از و او را از نخوردن و نیاشامیدن و گلوگیر شدن و پیچش و تپش و زخمی شدن با آهن و ترسیدن با خار یا سوختن با آتش یا چنگال و از افتادن پیکان تیرها و سرنیزه ها و از خمیدن پا و گزنده ها و ضربه سست یا ضربه ای محکم.

این اسب و سوار آن را پناه می‌دهم به آنچه جبرئیل علیه السلام به آن پناه جست و به آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله، یراق و اسب خود به نام سحاب و علی علیه السلام اسب خود به نام ازلت را بدان پناه دادند و به آنچه شمعون صفا اسب خود، طماح و موسی کلیم، اسبی را که با آن از دریا گذشت، در پناه آن قرار دادند.

این اسب و سوار آن و مکـان و چراگـاه و هرآنچه به او تعلق دارد از گروه چهارپایـان و مراتع را پناه می‌دهم به آن پیمان عظیم و اسم‌های برتر نخستین از شـر درندگان و حیوانات موذی و آزارها و مصـیبت‌ها و از ماه‌ها و روزگاران و زشتی و غرق شدن و سوختن و وباء و مراتب سختی و از شر چشم بد تمامی جنیان و انسان‌ها.

به نام خداونـد پروردگار جهانیان، به نام خداونـد دانای نهان و پنهان، به نام خداونـد بلنـدمرتبه، و به نام‌های بزرگ خداونـد در سرسـرای علم خـدا، و در پرده ملکوت خـدا که مرده‌ها را در آن زنـده می‌کنـد، و بدان آسـمان‌ها برافراشته شد، و به نام‌های خدا که بدان خورشـید را پرتو بخشـید و عرش را بلند گرداند از شر آنچه نام بردم و آنچه به زبان نیاوردم و آنچه دانستم و ندانستم و چشم‌های نگرنده و فکرهایی که خطور می‌کنـد و سـینه‌هـای کینه توز به اینکه هیـچ نیرو و قـدرت جز خداونـد بلنـدمرتبه و بزرگ تحقق نمی‌پـذیرد و او مرا کفایت می‌کنـد و بهترین کارگزار است .

**[ترجمه]

باب ۵۹ الدعاء لعموم الأوجاع و الریاح و خصوص وجع الرأس و الشقیقه و ضربان العروق

الأخبار

«۱»

مکا، [مکارم الأخلاق]: رُقْیَهٌ لِجَمِیعِ الْآلَامِ وَ قِیلَ لِلضِّرْسِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِی أَتْقَنَ کُلَّ شَیْ ءٍ إِنَّهُ خَبِیرٌ بِما تَفْعَلُونَ اسْکُنْ أَیُّهَا الْوَجَعُ سَکَّنْتُکَ بِالَّذِی سَکَنَ لَهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِی الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ عَزَمْتُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْوَجَعُ بِاللَّهِ الَّذِی اتَّخَذَ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلًا وَ کَلَّمَ مُوسَی تَکْلِیماً وَ خَلَقَ عِیسَی مِنْ رُوحِ الْقُدُسِ وَ بَعَثَ مُحَمَّداً بِالْحَقِّ نَبِیّاً لَمَّا ذَهَبْتِ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانَهَ إِلَی مُدَّهِ حَیَاتِهِ وَ لَا تَعُودُ إِلَیْهِ (۱).

حِرْزُ الْقَلَنْسُوَهِ: کَانَ بِالْمَلِکِ النَّجَاشِیِّ صُدَاعٌ فَکَتَبَ إِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فِی ذَلِکَ فَبَعَثَ إِلَیْهِ هَذَا الْحِرْزَ فَخَاطَهُ فِی قَلَنْسُوَتِهِ فَسَکَنَ ذَلِکَ

عَنْهُ وَ هُوَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الْحَقِّ الْمُبِينِ شَهِدَ اللَّهُ الْآيَةَ(۲)

لِلَّهِ نُورٌ وَ حِكْمَةٌ وَ عِزَّةٌ وَ قُوَّةٌ وَ بُرْهَانٌ وَ سُلْطَانٌ وَ قُدْرَةٌ وَ رَحْمَةٌ يَا مَنْ لَا يَنَامُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُوسَى كَلِيمُ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عِيسَى رُوحُ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ صَفِيُّهُ وَ صَفْوَتُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اسْكُنْ سَكَّنْتُكَ بِمَا سَكَنَ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ بِمَنْ يَسْكُنُ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ فَسَخَّرْنا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخاءً حَيْثُ أَصابَ وَ الشَّياطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَ غَوَّاصٍ أَلا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ(۳).

ص: ۴۸

۱- ۱. مكارم الأخلاق ص ۴۶۳.

۲- ۲. شهد اللّه أنّه لا إله إلّا هو و الملائكه و أولو العلم قائما بالقسط لا إله إلّا هو العزيز الحكيم: آل عمران: ۱۹.

۳- ۳. مكارم الأخلاق ص ۴۶۴.

أُخْرَى لِلصُّدَاعِ: يُكْتَبُ فِي رَقٍّ وَ يُشَدُّ عَلَى الرَّأْسِ بِخَيْطٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ الم اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ إِلَى قَوْلِهِ أُمُّ الْكِتابِ (۱) وَ اخْرُجْ مِنْها مَذْؤُماً مَدْحُوراً.

لِلصُّدَاعِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: يُكْتَبُ فِي كِتَابٍ وَ يُعَلَّقُ عَلَى صَاحِبِ الصُّدَاعِ مِنَ الشَّقِّ الَّذِي يَشْتَكِي اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَسْتَ بِإِلَهٍ اسْتَحْدَثْنَاهُ وَ لَا بِرَبٍّ يَبِيدُ ذِكْرُهُ وَ لَا مَعَكَ شُرَكَاءُ يَقْضُونَ مَعَكَ وَ لَا كَانَ قَبْلَكَ إِلَهٌ نَدْعُوهُ وَ نَتَعَوَّذُ بِهِ وَ نَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ وَ نَدَعُكَ وَ لَا أَعَانَكَ عَلَى خَلْقِنَا مِنْ أَحَدٍ فَنَشُكُّ فِيكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ عَافِ فُلَانَ بْنَ فُلَانَةَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ.

وَ فِي رِوَايَةٍ: أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي قَامَ بِهِ عَرْشُكَ عَلَى الْمَاءِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَشْفِيَ فُلَانَ بْنَ فُلَانَةَ مِنَ الصُّدَاعِ وَ الشَّقِيقَةِ فَضَرَبْنَا عَلَى آذانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَداً وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ خَلَقْتَ آدَمَ عليه السلام وَ أَتْمَمْتَ خَلْقَهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَشْفِيَ فُلَانَ بْنَ فُلَانَهَ(۲).

لِلشَّقِيقَةِ: يُكْتَبُ هَذِهِ الْكَلِمَاتُ فِي رَقٍّ أَوْ قِرْطَاسٍ فَإِنْ كَانَ رَجُلًا شُدَّ عَلَى رَأْسِهِ وَ إِنْ كَانَتِ امْرَأَةً جَعَلَتْهُ مَعَ عِقَاصِهَا(۳) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيم بِسْمِ اللَّهِ مِنَ الْأَرْضِ إِلَى السَّمَاءِ كَانَ هَبَطَ جَبْرَئِيلُ فَاسْتَقْبَلَهُ الْأَجْدَعُ فَقَالَ أَيْنَ تُرِيدُ قَالَ أَذْهَبُ إِلَى إِنْسَانٍ آكُلُ شَحْمَ عَيْنَيْهِ وَ أَشْرَبُ مِنْ دَمِهِ فَقَالَ بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا تَذْهَبُ إِلَى الْإِنْسَانِ وَ لَا تَأْكُلُ شَحْمَةَ عَيْنَيْهِ وَ لَا تَشْرَبْ مِنْ دَمِهِ أَنَا الرَّاقِي وَ اللَّهُ الشَّافِي وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ (۴).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: دعایی در جهت رفع تمامی دردها و بنا به نقلی برای دندان «به نام خداوند و با استعانت از خدا، و درود خدا بر محمد و خاندان پاکش، مخلوق خدایی که همه چیز را به نیکی آفرید و بر هر آنچه انجام می‌دهید، آگاه است، ای درد آرام گیر به کسی که آسمان‌ها و زمین و هرچه در میان آنهاست، به او آرام گرفتند و اوست بلندمرتبه و بزرگ. ای درد تو را اراده کردم، خدایی که ابراهیم را خلیل خود ساخت و با موسی سخن گفت، و عیسی را از روح القدس آفرید، و محمد را به حق به پیامبری برانگیخت به اینکه از فلان فرزند فلانه تا وقتی که زنده است، رخت بربندی و به سوی او باز نگردی. - . مکارم الاخلاق: ۴۶۳ -

حرز کلاه:

نجاشی به سردردی مبتلا شد، پس به پیامبر صلی الله علیه و آله نامه‌ای نوشت و پیامبر نیز این حرز را در کلاهی دوخت و به سوی او فرستاد، و در دم او آرام گرفت:

به نام خداوند بخشایشگر مهربان، به نام خداوند آن حق آشکار، خدا که همواره به عدل، قیام دارد، گواهی می دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان و دانشوران جز او، که توانا و حکیم است، هیچ معبودی نیست - .آل عمران/۱۹ - نور و حکمت و عزت و قدرت و برهان و نیرو وپادشاهی و رحمت از آن خدا است، ای کسی که خواب ندارد، خدایی جز خدای یگانه نیست، ابراهیم خلیل خداست، خدایی جز خدای یگانه نیست موسی هم‌سخن خداست، خدایی جز خدای یگانه نیست عیسی روح خدا و کلمه اوست، خدایی جز خدای یگانه نیست محمد رسول خدا و برگزیده و خالصاوست و درود خدا بر او و خاندان او، فرو بنشین آرام کردم تو را به چیزی که هر آنچه در آسمان‌ها و زمین و میان آنهاست، به او آرام گرفت، و به آن کسی که آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آنهاست به او آرام گرفتند و اوست شنوای دانا پس مسخر کردیم برای او باد را به امر او جاری می‌شود که هر جا تصمیمی گرفت، به فرمان او نرم، روان می شد و شیطان‌ها را هر سازنده و فرورونده ای، آگاه باش که همه چیز به سوی خدا بازمی‌گردد. - . مکارم الاخلاق: ۴۶۴ -

دعایی دیگر برای سردرد: این دعا بر پوستی نوشته شود و با نخی بر سر بسته می‌شود: «به نام خداوند بخشایشگر مهربان الم خدایی جزء آن زنده پایدار وجود ندارد – تا این قسمت آیه –ام الکتاب، از آن خارج شو در حالی که نکوهیده و رانده شده ای». - . آل عمران/ ۷ – ۱ و در مصدر آمده تا اولو الالباب. -

دعایی دیگر برای سردرد: امام باقر علیه السلام فرمودند: این دعا را نوشته و بر کسی که از درد می‌نالد، آویخته می‌شود: «معبودا تو خدایی نیستی که او را خلق کرده باشیم و نه پروردگاری که یادش از بین رود، و شریکانی نداری تا به همراه تو حکم کنند و پیش از تو خدایی نبود تا او را بخوانیم و به او پناه بریم، و اکنون به درگاه تو ناله می‌کنیم و تو را می‌خوانیم و کسی تو را در آفرینش ما یاری نکرد تا در مورد تو به تردید افتیم، خدایی جز تو نیست یگانه‌ای و شریکی نداری، فلان فرزند فلانه را عافیت بخش و بر محمد و خاندان پاکش درود فرست».

روایتی دیگر «از تو می‌خواهم به اسمی که عرش خود را بدان بر آب گستردی، بر محمد و خاندان او درود فرست و درد سر و شقیقه فلان فرزند فلانه را عافیت بخش پس در آن غار، سالیانی چند بر گوشهایشان پرده زدیم. از تو می خواهم به اسمی که بدان آدم علیه السلام را آفریدی و آفرینش او کامل نمودی بر محمد و خاندان او درود فرستی و فلان فرزند فلانه را شفا دهی». - . مکارم الاخلاق: ۴۶۴ -

دعایی برای رفع درد نیمه سر: این دعا را بر پوست یا کاغذی نوشته می‌شود و اگر شخص بیمار مرد باشد به سر خود می‌بندد و اگر زن باشد آن را بر موی بافته و پیچانده خود، قرار می‌دهد: «به نام خداوند بخشنده مهربان، به نام خداوند از زمین تا آسمان، جبرئیل فرود آمده بود پس آن بینی بریده به استقبال او آمد، جبرئیل از او پرسید: به کجا می‌روی؟ جواب داد: به سوی انسان می‌رود تا پیه چشمش را بخورم و از خونش بیاشامم. پس گفت: به خدایی که جز او خدایی نیست به سوی انسان نرو از پیه چشم او نخور و از خون او میاشام، من حفاظت می کنم و خداوند است که شفا می‌دهد و درود خدا بر محمد و خاندان او». - . مکارم الاخلاق: ۴۶۷ -

**[ترجمه]

«۲»

مکا، [مکارم الأخلاق] عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: تَضَعُ یَدَکَ عَلَی الْمَوْضِعِ الَّذِی فِیهِ

ص: ۴۹

۱- ۱. آل عمران ۱- ۷، و فی المصدر: الی قوله:« أُولُوا الْأَلْبابِ».

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۶۴.

۳- ۳. العقاص: جمع عقیصه، خصله تأخذها المرأه من شعرها فتلویها ثمّ تعقدها مثل الرمانه.

۴- ۴. مکارم الأخلاق ص ۴۶۷.

الْوَجَعُ وَ تَقُولُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي حَقّاً لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً اللَّهُمَّ أَنْتَ لَهَا وَ لِكُلِّ عَظِيمَةٍ فَفَرِّجْهَا عَنِّي.

دُعَاءٌ آخَرُ عَنْهُ عليه السلام قَالَ: تَضَعُ يَدَكَ عَلَى مَوْضِعِ الْوَجَعِ وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ الَّذِي نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ وَ هُوَ عِنْدَكَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ أَنْ تَشْفِيَنِي بِشِفَائِكَ وَ تُدَاوِيَنِي بِدَوَائِكَ وَ تُعَافِيَنِي مِنْ بَلَائِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ (۱).

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: تَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي عِرْقٍ سَاكِنٍ وَ غَيْرِ سَاكِنٍ عَلَى عَبْدٍ شَاكِرٍ وَ غَيْرِ شَاكِرٍ ثُمَّ تَأْخُذُ لِحْيَتَكَ بِيَدِكَ الْيُمْنَى بَعْدَ صَلَاةٍ مَفْرُوضَةٍ وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ فَرِّجْ كَرْبِي وَ عَجِّلْ عَافِيَتِي وَ اكْشِفْ ضُرِّي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ احْرِصْ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ مَعَ دُمُوعٍ وَ بُكَاءٍ(۲).

دُعَاءٌ آخَرُ وَ عَنْ بَعْضِهِمْ قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَجَعاً بِي فَقَالَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ ثُمَّ امْسَحْ يَدَكَ عَلَيْهِ وَ قُلْ أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي تَقُولُهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ قَالَ فَفَعَلْتُ فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَنِّي (۳).

دُعَاءٌ آخَرُ عَنْهُ عليه السلام قَالَ: تَضَعُ يَدَكَ عَلَى مَوْضِعِ الْوَجَعِ وَ تَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا أَجِدُ وَ يُمْسَحُ الْوَجَعُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ (۴).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السلام فرمودند: دست خود را بر موضع درد قرار می‌دهی و سه بار می گویی: «خدا خدا خدا به حق پروردگار من است و ذره‌ای به او شرک نمی‌ورزم، خدایا تو برطرف‌کننده این درد و هر مصیبت بزرگی که به من فرود آید پس آن را از من بزدای».

دعایی دیگر از امام صادق علیه السلام که فرمودند: دست خود را بر موضع درد قرار می‌دهی و سه بار می گویی: «خدایا از تو می‌خواهم به حق قرآن با عظمتی که روح الامین آن را فرود آورد در حالی که نزد تو در اصل کتاب والای حکیم است به شفای خود مرا بهبود بخشی و به دوای خود مرا درمان کنی و از مصیبت خود عافیت بخشی» «و درود خدا بر محمد و خاندانش» - . مکارم الاخلاق: ۴۴۷ -

امام صادق علیه السلام فرمودند: [می گویی] «به نام خدا و با استعانت از خدا چه بسیار نعمت‌هایی که از جانب خداوند عزّ و جلّ در رگی ساکن و غیر ساکن بر بندگان شکرگزار و ناسپاس تعلق گرفت» سپس بعد از هر نماز واجب، محاسن خود را به دست راست می گیری و سه بار می گویی «خدایا مشکلم را بگشای و در عافیتم، تعجیل فرما و سختی‌ام را برطرف کن» و تلاش کن تا دعا را با اشک و گریه همراه سازی. - . مکارم الاخلاق: ۴۴۷ -

دعایی دیگر: شخصی نقل کرد، از درد خود نزد امام صادق علیه السلام شکایت کردم، پس فرمودند، بگو: «بسم الله» سپس دستت را بر موضع درد بکش، و هفت بار بگو «پناه می‌برم به عزت خداوند، پناه می‌برم به شکوه خداوند، پناه می‌برم به عظمت خدا و پناه می‌برم به جمع خدا و پناه می‌برم به رسول خدا و پناه می‌برم به نام‌های خداوند از شر آنچه می‌هراسم و بر خود از آن بیم دارم» آن شخص نقل کرد، این دعا را خواندم و خداوند درد مرا برطرف نمود. - . در کتاب کافی ۲: ۵۶۶ نیز آمده است. -

دعایی دیگر از امام صادق علیه السلام، فرمودند: دست خود را بر موضع درد قرار می‌دهی و می گویی: «به نام خدا و با استعانت از خدا، محمد صلی الله علیه و آله رسول خداست، هیچ نیرو و قدرتی جز خداوند وجود ندارد، خداوندا درد مرا بزدای» سپس سه بار بر موضع درد دست می کشی. - . مکارم الاخلاق: ۴۴۸ -

**[ترجمه]

«۳»

کا، [الکافی] مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِیلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ ذَرِیحٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یُعَوِّذُ بَعْضَ وُلْدِهِ وَ یَقُولُ عَزَمْتُ عَلَیْکِ (۵) یَا رِیحُ وَ یَا وَجَعُ کَائِناً مَا کُنْتِ بِالْعَزِیمَهِ الَّتِی عَزَمَ بِهَا عَلِیُّ بْنُ

ص: ۵۰

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۴۷.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۴۷.

۳- ۳. و تراه فی الکافی ج ۲ ص ۵۶۶.

۴- ۴. مکارم الأخلاق ص ۴۴۸.

۵- ۵. أی أقسمت علیک.

أَبِی طَالِبٍ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام رَسُولُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَلَی جِنِّ وَادِی الصَّبْرَهِ فَأَجَابُوا وَ أَطَاعُوا لَمَّا أَجَبْتِ وَ أَطَعْتِ وَ خَرَجْتِ عَنِ ابْنِی فُلَانٍ ابْنِ ابْنَتِی فُلَانَهَ السَّاعَهَ السَّاعَهَ(۱).

**[ترجمه]الکافی: ذریح نقل کرد، شنیدم امام صادق علیه السلام وقتی فرزند خود را تعویذ می کردند، این دعا را می‌خواندند: «سوگند می دهم تو را ای باد و ای درد هرجا که هستی، به آن سوگندی که علی بن ابی‌طالب امیر مؤمنان علیه السلام، جنیان وادی صبره را به رسول خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله قسم داد، و آنان نیز اجابت کردند و اطاعت نمودند تو را قسم می‌دهم تا بپذیری و اطلاعت نمایی و همین لحظه، همین لحظه از فلان فرزند فلانه خارج شوی. - . کافی ۸: ۸۵ احادیث مربوط به جنیان وادی الصبره: الارشاد: ۱۶۰. -

**[ترجمه]

«۴»

کا، [الکافی] مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَی عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ الْمُغِیرَهِ عَنِ السَّکُونِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنِ اشْتَکَی الْوَاهِنَهَ أَوْ کَانَ بِهِ صُدَاعٌ أَوْ غَمَزَهُ بَوْلُهُ فَلْیَضَعْ یَدَهُ عَلَی ذَلِکَ الْمَوْضِعِ وَ لْیَقُلِ اسْکُنْ سَکَّنْتُکَ بِالَّذِی سَکَنَ لَهُ مَا فِی اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ (۲).

**[ترجمه]الکافی: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس از ضعف و سستی یا سردرد و یا فشار ادرار رنج می‌برد، دست خود را بر موضع درد قرار دهد و بگوید: «آرام گیر به آن کسی که شب و روز و هر آنچه در میان گرفتند به او آرام گرفت و اوست شنوای دانا». - . الکافی ۸: ۱۹ -

**[ترجمه]

«۵»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی أَحْمَدُ بْنُ عُبْدُونٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الزُّبَیْرِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ رِزْقٍ عَنْ مُعَاوِیَهَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ: کُنْتُ عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ فَصَدَعَ ابْنٌ لِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ مَرْوَ وَ هُوَ عِنْدَهُ جَالِسٌ قَالَ فَشَکَا ذَلِکَ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ أَدْنِهِ مِنِّی قَالَ فَمَسَحَ عَلَی رَأْسِهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ یُمْسِکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا إِنْ أَمْسَکَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ کانَ حَلِیماً غَفُوراً(۳).

**[ترجمه]أمالی: معاویه بن وهب نقل کرد: خدمت حضرت امام صادق علیه السلام بودم، و شخصی از اهالی مرو که نزد امام نشسته بود از سردرد فرزندش به نزد امام علیه السلام شکایت برد، امام فرمودند: او را به نزدیک من آر، سپس دستی بر سر او کشیدند و گفتند: «إِنَّ اللَّهَ یُمْسِکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا إِنْ أَمْسَکَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ کانَ حَلِیماً غَفُوراً: همانا خدا آسمان ها و زمین را نگاه می دارد تا نیفتند، و اگر بیفتند بعد از او هیچ کس آنها را نگاه نمی دارد اوست بردبار آمرزنده». - . امالی طوسی ۲: ۲۸۴ -

**[ترجمه]

«۶»

ب، [قرب الإسناد] ابْنُ طَرِیفٍ عَنِ ابْنِ عُلْوَانَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِیهِ علیهما السلام: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله اشْتَکَی الصُّدَاعَ فَنَزَلَ عَلَیْهِ جَبْرَئِیلُ علیه السلام فَرَقَاهُ فَقَالَ بِسْمِ اللَّهِ یَشْفِیکَ بِسْمِ اللَّهِ یَکْفِیکَ مِنْ کُلِّ دَاءٍ یُؤْذِیکَ خُذْهَا فَلْیَهْنِیکَ (۴).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام صادق از پدرشان علیهما السلام روایت کردند: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به سردردی دچار شدند پس جبرئیل علیه السلام بر ایشان نازل گشتند و او را تعویذ نمودند و این دعا را خواندند: «به نام خداوند که تو را شفا می‌دهد به نام خداوند تو را کفایت می کند از هر دردی که تو را می‌آزارد آن را بگیر پس برای تو آسان می گردد.» - . قرب الاسناد: ۶۲ -

**[ترجمه]

«۷»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَبْدُ اللَّهِ بْنُ بِسْطَامَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الْعَسْکَرِیِّ علیه السلام قَالَ: حَضَرْتُهُ یَوْماً وَ قَدْ شَکَا إِلَیْهِ بَعْضُ إِخْوَانِنَا فَقَالَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ أَهْلِی یُصِیبُهُمْ کَثِیراً هَذَا الْوَجَعُ الْمَلْعُونُ قَالَ وَ مَا هُوَ قَالَ وَجَعُ الرَّأْسِ قَالَ خُذْ قَدَحاً مِنْ مَاءٍ وَ اقْرَأْ عَلَیْهِ أَ وَ لَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ کانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْ ءٍ حَیٍّ أَ فَلا یُؤْمِنُونَ ثُمَ

ص: ۵۱

۱- ۱. الکافی ج ۸ ص ۸۵ و لجن وادی الصبره ذکر فی الأحادیث راجع الإرشاد: ۱۶۰.

۲- ۲. الکافی ج ۸ ص ۱۹۰.

۳- ۳. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۲۸۴.

۴- ۴. قرب الإسناد ص ۶۲.

اشْرَبْهُ فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: اسحاق بن ابراهیم نقل کرد روزی خدمت امام هادی علیه السلام بودم، که یکی از برادرانمان خدمت امام علیه السلام آمد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، خانواده من بسیار به این درد ملعون دچار می‌شوند، فرمودند: کدام درد؟ گفت: درد سر، فرمودند: کاسه‌ای از آب بردار و این آیه را بر آن بخوان: «أَ وَ لَمْ یَرَ الَّذینَ کَفَرُوا أَنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ کانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْ ءٍ حَیٍّ أَفَلایُؤْمِنُون: آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند،و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا ایمان نمی آورند» سپس آن را بنوشان، انشاء الله از آن درد ضرری نمی‌بینند. - . طب الائمه: ۱۹ -

**[ترجمه]

«۸»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْبُرْسِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْأَرْمَنِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ النَّسَائِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: هَذِهِ عُوذَةٌ نَزَلَ بِهَا جَبْرَئِيلُ علیه السلام عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله وَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله مُصْدَعٌ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ عَوِّذْ صُدَاعَكَ بِهَذِهِ الْعُوذَهِ يُخَفِّفِ اللَّهُ عَنْكَ وَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ عَوَّذَ بِهَذِهِ الْعُوذَهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ عَلَى أَيِّ وَجَعٍ يُصِيبُهُ شَفَاهُ اللَّهُ بِإِذْنِهِ تَمْسَحُ بِيَدِكَ عَلَى الْمَوْضِعِ الَّذِی تَشْتَكِی وَ تَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ رَبِّنَا الَّذِی فِی السَّمَاءِ تَقَدَّسَ ذِكْرُهُ رَبِّنَا الَّذِی فِی السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَمْرُهُ نَافِذٌ مَاضٍ كَمَا أَنَّ أَمْرَهُ فِی السَّمَاءِ اجْعَلْ رَحْمَتَكَ فِی الْأَرْضِ وَ اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ خَطَايَانَا يَا رَبَّ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَنْزِلْ شِفَاءً مِنْ شِفَائِكَ وَ رَحْمَهً مِنْ رَحْمَتِكَ عَلَى فُلَانِ بْنِ فُلَانَهَ وَ تُسَمِّی اسْمَهُ.

أَيْضاً رُقْيَهٌ لِلصُّدَاعِ: يَا مُصَغِّرَ الْكُبَرَاءِ وَ يَا مُكَبِّرَ الصُّغَرَاءِ وَ يَا مُذْهِبَ الرِّجْسِ عَنْ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مُطَهِّرَهُمْ تَطْهِيراً صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ امْسَحْ مَا بِی مِنْ صُدَاعٍ أَوْ شَقِيقَهٍ(۲).

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق از پدران بزگوارشان نقل کردند، امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: این تعویذی است که جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که سردرد داشتند، نازل فرمود و گفت: ای محمد سردردت را با این دعا تعویذ کن و خداوند از آن درد می... کاهد، و گفت: ای محمد هر کس این دعا را هفت بار بر هر دردی بخواند، خداوند به اذن خود او را از شفا خواهد داد، دست خود را بر موضع درد می‌کشی و می گویی: «به نام خدا پروردگارمان که یادش در آسمان مقدس است و امر او در آسمان و زمین، نافذ و قاطع است. همانگونه که امرش در آسمان است، و رحمتت را بر زمین قرار ده و گناهان و اشتباهات ما را ببخشای ای پروردگار پاکان و پاگیزگان، نازل فرما نازل فرما شفایی از شفای خود و رحمتی از رحمتت بر فلان فرزند فلانه» و اسم او را می‌آوری.

همچنین دعایی برای سردرد: ای کوچک گرداننده امور بزرگ و ای بزرگ گرداننده چیزهای کوچک و ای آنکه پلیدی را از محمد و خاندان او بردی و آنها را پاک گردانیدی بر محمد و خاندان وی درود فرست و دردی که در سر من و یا نیمه آن وجود دارد، برطرف نمای. - . طب الائمه: ۲۰ -

**[ترجمه]

«۹»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ السَّرَّاجُ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ حَبِيبٍ السِّجِسْتَانِيِّ وَ كَانَ أَقْدَمَ مِنْ حَرِيزٍ السِّجِسْتَانِيِّ إِلَّا أَنَّ حَرِيزاً كَانَ أَسْبَغَ عِلْماً مِنْ حَبِيبٍ هَذَا قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى الْبَاقِرِ علیه السلام شَقِيقَهً تَعْتَرِينِی فِی كُلِّ أُسْبُوعٍ مَرَّهً أَوْ مَرَّتَيْنِ فَقَالَ ضَعْ

يَدَکَ عَلَی الشِّقِّ الَّذِی یَعْتَرِیکَ وَ قُلْ یَا ظَاهِراً مَوْجُوداً وَ یَا بَاطِناً غَیْرَ مَفْقُودٍ ارْدُدْ عَلَی عَبْدِکَ الضَّعِیفِ أَیَادِیَکَ الْجَمِیلَهَ عِنْدَهُ وَ أَذْهِبْ عَنْهُ مَا بِهِ مِنْ أَذًی إِنَّکَ رَحِیمٌ وَدُودٌ قَدِیرٌ تَقُولُهَا ثَلَاثاً تُعَافَی إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی (۳).

ق، [الکتاب العتیق الغرویّ] مُرْسَلًا: مِثْلَهُ وَ فِیهِ إِنَّکَ عَلِیمٌ قَدِیرٌ.

**[ترجمه]طب الائمه: حبیب سجستانی که از حریز سجستانی قدیمی تر است ولی حریز علمش از او بیشتر است، نقل کرد به نزد امام باقر علیه السلام رفتم و از سردردی که هفته‌ای یک بار و گاهی دو بار بر من عارض می‌شد، شکایت نمودم فرمودند: دست خود را بر موضع درد می... نهی و سه بار می گویی: «ای آشکاری که وجود داری و ای نهانی که از بین نمی‌روی، دست‌های زیبای خود را بر این بنده ضعیف خود، بازگردان و دردهای او را بزدای به راستی که تو مهربان عطوف و توانایی» و این دعا را سه بار می‌خوانی، انشاء الله عافیت می‌یابی. - . طب الائمه: ۲۰ -

العتیق الغروی: عین این حدیث ذکر شده است با این تفاوت که در آن آورده است: به راستی که تو دانا و توانایی.

**[ترجمه]

«۱۰»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] السَّیَّارِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیهم السلام: یُعَوِّذُ رَجُلًا مِنْ

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۱۹.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۲۰.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۲۰.

أَوْلِيَائِهِ ذَكَرَ أَنَّهُ أَصَابَتْهُ شَقِيقَةٌ فَذَكَرَ نَحْوَ الْعُوذَهِ الْمُتَقَدِّمَهِ.

أَيْضاً لَهُ: يُكْتَبُ فِي قِرْطَاسٍ وَ يُعَلَّقُ عَلَى الْجَانِبِ الَّذِي يَشْتَكِي بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أَشْهَدُ أَنَّكَ لَسْتَ بِإِلَهٍ اسْتَحْدَثْنَاكَ وَ لَا بِرَبٍّ يَبِيدُ ذِكْرُكَ وَ لَا مَلِيكٍ يَشْرَكُكَ قَوْمٌ يُفْضُونَ مَعَكَ وَ لَا كَانَ قَبْلَكَ مِنْ إِلَهٍ نَلْجَأُ إِلَيْهِ أَوْ نَتَعَوَّذُ بِهِ وَ نَدْعُوهُ وَ نَدَعُكَ وَ لَا أَعَانَكَ عَلَى خَلْقِنَا مِنْ أَحَدٍ فَيَشَأَلُ فِيكَ سُبْحَانَكَ وَ بِحَمْدِكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اشْفِهِ بِشِفَائِكَ عَاجِلًا(۱).

**[ترجمه]طب الائمه: يسارى نقل كرد: محمد بن على بن حسين عليهم السلام شخصى از دوستان خويش را كه به سردرد مبتلا بود و به همان دعاى پيشين، تعويذ كرد.

همچنين روايت كرد: اين را در كاغذى نوشته و آن را بر همان قسمتى كه درد دارد آويخته مى‌شود «به نام خداوند بخشنده مهربان، گواهى مى‌دهم كه تو خدايى نيستى كه تو را ايجاد كرده باشيم و نه پروردگارى كه يادت از بين رود، و نه پادشاهى كه گروهى با تو شريک گردند و به همراه تو حكم دهند، و پيش از تو خدايى نبود كه به او پناه بريم و به او پناه بجوييم و او را بخوانيم و تو را رها كنيم، و كسى بر آفرينش ما تو را يارى نكرد تا از تو درخواست كند، پاک و منزهى و تو را مى‌ستاييم بر محمد و خاندان وى درود فرست و با شفاى زودهنگام خود او را شفا عنايت فرما. - . طب الائمه: ۲۱، مثل اين دعا در صفحه ۴۹ آمد. -

**[ترجمه]

«۱۱»

طب، [طب الأئمه عليهم السلام]: لِلرِّيحِ فِي الْجَسَدِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ الْقُدُّوسِ الْمُبَارَكِ الَّذِي مَنْ سَأَلَكَ بِهِ أَعْطَيْتَهُ وَ مَنْ دَعَاكَ بِهِ أَجَبْتَهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْ تُعَافِيَنِي مِمَّا أَجِدُ فِي رَأْسِي وَ فِي سَمْعِي وَ فِي بَصَرِي وَ فِي بَطْنِي وَ فِي ظَهْرِي وَ فِي يَدِي وَ فِي رِجْلِي وَ فِي جَسَدِي وَ فِي جَمِيعِ أَعْضَائِي وَ جَوَارِحِي إِنَّكَ لَطِيفٌ لِمَا تَشَاءُ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ(۲).

**[ترجمه]طب الائمه: براى دفع باد در بدن: «به نام خداوند بخشنده مهربان، معبودا از تو مى‌خواهم به اسم پاک، پاک كننده منزه مبارک خود كه هر كس بدان از تو درخواست كرد، عطايش كردى و هر كس به واسطه آن تو را خواند، او را اجابت نمودى بر محمد و خاندان وى درود فرست فرست و مرا از آنچه در سر و گوش و چشم و شكم و پشت و دست و پا و بدن تمام اعضا و جوارح خود مى‌يابم، عافيت بخش به راستى كه تو بر هر آنچه مى‌خواهى آگاهى و بر هر چيز توانايى. - . طب الائمه: ۱۷ -

**[ترجمه]

«۱۲»

طب، [طب الأئمه عليهم السلام] الْخَزَازِينِيُّ الرَّازِيُّ عَنْ فَضَالَهَ عَنْ أَبَانٍ عَنِ الثُّمَالِيِّ عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: مَنْ أَصَابَهُ أَلَمٌ فِي جَسَدِهِ فَلْيُعَوِّذْ نَفْسَهُ وَ لْيَقُلْ أَعُوذُ بِعِزَّهِ اللَّهِ وَ قُدْرَتِهِ عَلَى الْأَشْيَاءِ أُعِيذُ نَفْسِي بِجَبَّارِ السَّمَاءِ أُعِيذُ نَفْسِي بِمَنْ لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ أُعِيذُ نَفْسِي بِالَّذِي اسْمُهُ بَرَكَهٌ وَ شِفَاءٌ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِكَ لَمْ يَضُرَّهُ أَلَمٌ وَ لَا دَاءٌ(۳).

**[ترجمه]طب الائمه: امام باقر عليه السلام فرمودند: امير مؤمنان عليه السلام فرمودند: هر كس دردى در بدن خود احساس كند با اين دعا خود را تعويذ كند «پناه مى‌برم به عزت خداوند و سلطه او بر همه چيز پناه مى‌دهم خود را به آنكه بر آسمان چيره است پناه مى‌دهم خود را بر آنكه با نام او هيچ دردى، ضرر نمى‌رساند، پناه مى‌دهم خود را به كسى كه نامش بركت و شفا است» و هر كس اين دعا را بخواند هيچ درد و بيمارى به او ضرر نمى‌رساند. - . طب الائمه: ۱۷ -

**[ترجمه]

«۱۳»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَلِیُّ بْنُ إِبْرَاهِیمَ الْوَاسِطِیُّ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَیْمَانَ الْأَوْدِیِّ عَنْ أَبِی الْجَارُودِ عَنْ أَبِی إِسْحَاقَ عَنِ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ قَالَ: شَکَوْتُ إِلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام أَلَماً وَ وَجَعاً فِی جَسَدِی فَقَالَ إِذَا اشْتَکَی أَحَدُکُمْ فَلْیَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ وَ آلِهِ أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ قُدْرَتِهِ عَلَی مَا یَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ صَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ الْأَذَی إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی (۴).

**[ترجمه]طب الائمه: حارث اعور نقل کرد از دردی که در بدن خود احساس کردم به نزد امیر مؤمنان علیه السلام شکایت بردم، ایشان فرمودند: هر گاه به دردی مبتلا شدید این دعا را بخوانید: «به اسم خداوند و با استعانت از خدا و درود خدا بر محمد و خاندان وی، از شر درد خود پناه می‌برم به عزت خداوند و قدرتش بر هر آنچه اراده کند» هر کس این دعا را بخواند، خداوند دردهای او را می‌زداید انشاء الله تعالی.
- . طب الائمه: ۱۷ -

**[ترجمه]

«۱۴»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] سَهْلُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ نُعْمَانَ عَنِ ابْنِ مُسْکَانَ عَنْ

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۲۱ و قد مر مثله ص ۴۹.
۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۱۷.
۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۱۷.
۴- ۴. طبّ الأئمّه ص ۱۷.

عَبْدِ الرَّحِيمِ الْقَصِيرِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ: مَنِ اشْتَکَی رَأْسَهُ فَلْیَمْسَحْهُ بِیَدِهِ وَ لْیَقُلْ أَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذِی سَکَنَ لَهُ مَا فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَإِنَّهُ یُرْفَعُ عَنْهُ الْوَجَعُ (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کس به سردرد دچار شد دست خود را بر سرش بکشد و هفت بار بگوید: «پناه می‌برم بـه خـدایی که آنچه در خشـکی و دریـا و میـان آسـمان و زمین است به او آرام گرفت، و اوست شـنوای دانـا» به راسـتی که درد از او برطرف خواهد شد. - . طب الائمه: ۱۸ -

**[ترجمه]

«۱۵»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] جَرِیرُ بْنُ أَیُّوبَ الْجُرْجَانِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی نَصْرٍ عَنْ ثَعْلَبَهَ عَنْ عُمَرَ بْنِ یَزِیدَ الصَّیْقَلِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام قَالَ: شَکَوْتُ إِلَیْهِ وَجَعَ رَأْسِی وَ مَا أَجِدُ مِنْهُ لَیْلًا وَ نَهَاراً فَقَالَ ضَعْ یَدَکَ عَلَیْهِ وَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی لَا یَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَیْ ءٌ فِی الْأَرْضِ وَ لَا فِی السَّمَاءِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَجِیرُ بِکَ بِمَا اسْتَجَارَ بِهِ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله لِنَفْسِهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَإِنَّهُ یَسْکُنُ ذَلِکَ عَنْهُ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَی وَ حُسْنِ تَوْفِیقِهِ (۲).

**[ترجمه]طب الائمه: عمر بن یزید نقل کرد: از دردی که در سر داشتم و به واسطه آن شب و روز نداشتم به جعفر بن محمد علیهما السلام شکایت بردم، فرمودند: دستت را بر موضع درد قرار ده و هفت بار بگو «به نام خدایی که با نام او هیچ چیز در آسمان و زمین ضرر نمی‌رساند و اوست شنوای دانا، خدایا من پناه می‌جویم از تو به آنچه محمد صلی الله علیه و آله خود را به آن پناه جست» به اذن خداوند تعالی و توفیق او درد آرام خواهد گرفت. - . طب الائمه: ۱۸ -

**[ترجمه]

«۱۶»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] أَبُو الصَّلْتِ الْهَرَوِیُّ عَنِ الرِّضَا عَنْ أَبِیهِ علیهما السلام قَالَ قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام: عَلِّمْ شِیعَتَنَا لِوَجَعِ الرَّأْسِ یا طاهی یا ذر یا طمنه یا طناب فَإِنَّهَا أَسَامٍ عِظَامٌ لَهَا مَکَانٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ یَصْرِفُ اللَّهُ عَنْهُمْ ذَلِکَ (۳).

**[ترجمه]طب الائمه: امام باقر علیه السـلام فرمودنـد: به شـیعیان ما بیاموز برای رفع سـردرد خود بگوینـد: «یا طاهی یا ذر یا طمنه یا طنات » به راستی که این‌ها نام‌های بزرگواری‌انـد که در نزد خداونـد جایگاه والایی دارنـد و خداوند بدین واسطه، درد را از آنها خواهد زدود. - . طب الائمه: ۱۹ -

**[ترجمه]

«۱۷»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَلِیُّ بْنُ عُرْوَهَ الْأَهْوَازِیُّ عَنِ الدَّیْلَمِیِّ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّیِّ عَنْ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ علیهما السلام قَالَ: قُلْتُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَا أَزَالُ أَجِدُ فِی رَأْسِی شَکَاهً وَ رُبَّمَا أَسْهَرَتْنِی وَ شَغَلَتْنِی عَنِ الصَّلَاهِ بِاللَّیْلِ قَالَ یَا دَاوُدُ إِذَا أَحْسَسْتَ بِشَیْ ءٍ مِنْ ذَلِکَ فَامْسَحْ یَدَکَ عَلَیْهِ وَ قُلْ أَعُوذُ بِاللَّهِ وَ أُعِیذُ نَفْسِی مِنْ جَمِیعِ مَا اعْتَرَانِی بِاسْمِ اللَّهِ الْعَظِیمِ وَ کَلِمَاتِهِ التَّامَّاتِ الَّتِی لَا یُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ أُعِیذُ نَفْسِی بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ الْأَخْیَارِ اللَّهُمَّ بِحَقِّهِمْ عَلَیْکَ إِلَّا أَجَرْتَنِی مِنْ شَکَاتِی هَذِهِ فَإِنَّهَا لَا تَضُرُّکَ بَعْدُ(۴).

**[ترجمه]طب الائمه: داود الرقیّ به امام موسی بن جعفر علیه السلام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، مدتی است دردی در سر خود احساس می‌کنم و چه بسا شب‌هایی که خواب را از من می‌رباید و مرا از نماز شب باز می‌دارد، امام فرمودند: هرگاه چنین دردی احساس کردی، دست خود را موضع درد بکش و بگو: «پناه می‌برم به خدا و پناه می‌دهم خود و هر آنچه بر من عارض شود به نام خدا و کلمات کامل او که هیچ نیکوکار و بدکاری از آن تخطّی نمی‌کند، خود را در پناه خداوند عزّ و جلّ و رسول خدا درود خدا بر او و خاندان پاک و برگزیده‌اش قرار می‌دهم، خداوندا تو را به حقی که آنها بر تو دارند، مرا از این درد رهایی بخش» بعد از خواندن این دعا آن درد به تو آسیبی نخواهد رساند.
- . طب الائمه: ۱۸ -

**[ترجمه]

«۱۸»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَا اشْتَكَى أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ شَكَاةً قَطُّ فَقَالَ بِإِخْلَاصِ نِيَّةٍ وَ مَسَحَ مَوْضِعَ الْعِلَّهِ وَ يَقُولُ وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَساراً إِلَّا عُوفِيَ مِنْ تِلْكَ الْعِلَّهِ أَيَّهَ عِلَّهٍ كَانَتْ

ص: ۵۴

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۱۸.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۱۸.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۱۹.

۴- ۴. طبّ الأئمّه ص ۱۸.

وَ مِصْدَاقُ ذَلِکَ فِی الْآیَهِ حَیْثُ یَقُولُ شِفاءٌ وَ رَحْمَهٌ لِلْمُؤْمِنِینَ (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر انسان مؤمنی از دردی رنج برد آنگاه با اخلاص دست خود را بر موضع درد بکشد و بگوید: «وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَهٌ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ لایَزِیدُ الظّالِمِینَ إِلاّ خَساراً: و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می کنیم، و ستمگران را جز زیان نمی افزاید.» از آن درد هرچه که باشد، عافیت می‌یابد، و مصداق این امر در آیه نیز ذکر شده است: «شفا و رحمتی است برای مؤمنان». - . طب الائمه: ۲۸ -

**[ترجمه]

«۱۹»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَلِیُّ بْنُ إِسْحَاقَ الْبَصْرِیُّ عَنْ زَکَرِیَّا بْنِ آدَمَ الْمُقْرِی وَ کَانَ یَخْدُمُ الرِّضَا علیه السلام بِخُرَاسَانَ قَالَ: قَالَ الرِّضَا علیه السلام یَوْماً یَا زَکَرِیَّا قُلْتُ لَبَّیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ قُلْ عَلَی جَمِیعِ الْعِلَلِ یَا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ وَ مُذْهِبَ الدَّاءِ أَنْزِلْ عَلَی وَجَعِیَ الشِّفَاءَ فَإِنَّکَ تُعَافَی بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَی (۲).

**[ترجمه]طب الائمه: زکریا بن آدم، خادم حضرت رضا علیه السلام در خراسان نقل کرد: روزی امام رضا علیه السلام به من فرمودند: ای زکریا عرض کردم: بله ای فرزند رسول خدا، فرمودند: برای رفع تمام بیماری‌ها این دعا را بخوان: «ای نازل کننده شفا و از بین برنده دردها، بر درد من نیز شفا را فرود آر.» که به اذن خداوند بهبودی خواهی یافت. - . طب الائمه: ۳۷ -

**[ترجمه]

«۲۰»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] أَحْمَدُ بْنُ صَالِحٍ النَّیْشَابُورِیُّ عَنْ جَمِیلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ ذَرِیحٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یُعَوِّذُ رَجُلًا مِنْ أَوْلِیَائِهِ مِنَ الرِّیحِ قَالَ عَزَمْتُ عَلَیْکِ یَا وَجَعُ بِالْعَزِیمَهِ الَّتِی عَزَمَ بِهَا عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ رَسُولُ رَسُولِ اللَّهِ عَلَی جِنِّ وَادِی الصَّبْرَهِ فَأَطَاعُوا وَ أَجَابُوا لَمَّا أَطَعْتِ وَ أَجَبْتِ وَ خَرَجْتِ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ السَّاعَهَ السَّاعَهَ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَی بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِقُدْرَهِ اللَّهِ بِسُلْطَانِ اللَّهِ بِجَلَالِ اللَّهِ بِکِبْرِیَاءِ اللَّهِ بِعَظَمَهِ اللَّهِ بِوَجْهِ اللَّهِ بِجَمَالِ اللَّهِ بِبَهَاءِ اللَّهِ بِنُورِ اللَّهِ فَإِنَّهُ لَا یَلْبَثُ أَنْ یَخْرُجَ (۳).

**[ترجمه]طب الائمه: ذریح نقل کرد: شنیدم امام صادق علیه السلام، یکی از دوستان خویش را با این دعا از باد در امان می‌داشت: «ای درد، به سوگندی که علی بن ابیطالب جنیان وادی الصبره را به رسول خدا سوگند دارد و آنها پذیرفتند و اجابت کردند، تو را قسم می‌دهم که اطاعت کنی و بپذیری و همین لحظه همین لحظه از فلان فرزند فلان به اذن خداوند متعال و به امر خداوند عزّ و جلّ و به قدرت خدا و به پادشاهی خدا و به شکوه خدا و به بزرگمنشی خدا و به عظمت خدا و به روی خدا و به جمال خدا و به نور خدا و به روشنایی خدا خارج گردی.» طولی نمی‌کشد تا درد خارج شود. - . طب الائمه: ۴۰ -

**[ترجمه]

«۲۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] حَاتِمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الصَّائِغِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ زَیْدٍ الشَّحَّامِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: خُذْ لِکُلِّ وَجَعٍ وَ حَرَارَهٍ مِنْ قِبَلِ الرَّأْسِ تَکْتُبُ مُرَبَّعَهً فِی وَسَطِهَا حَرُّ النَّارِ عَلَی هَذِهِ الصُّورَهِ بِسْمِ اللَّهِ صَوْلَهِ الرَّحْمَنِ تُطْفِئُ حَرَّ النَّارِ ثُمَّ تَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ وَ

صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ تَكْتُبُ الْأَذَانَ وَ الْإِقَامَةَ فِي رُقْعَةٍ وَ تُعَلِّقُهَا عَلَيْهِ فَإِنَّ الْحَرَارَةَ وَ الْوَجَعَ يَسْكُنَانِ مِنْ سَاعَتِهِمَا بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ جَيِّدٌ مُجَرَّبٌ (۴).

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: برای رفع هر دردی یا حرارتی در سر، مربعی بکش و در وسط آن بنویس « حرّ النار – گرمای آتش –».

سپس می گویی «به نام خدا و درود خدا بر محمد پیامبر و خاندان وی» سپس اذان و اقامه در کاغذی نوشته می‌شود و بر او آویخته می گردد، طولی نمی کشد، که حرارت و درد به اذن خداوند عزّ و جلّ آرام می گیرند. بسیار خوب است و تجربه شده است. – . طب الائمه: ۷۲ –

**[ترجمه]

«۲۲»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى الطَّبَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۲۸.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۳۷.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۴۰.

۴- ۴. طبّ الأئمّه ص ۷۲.

خَالِدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ السِّنَانِيِّ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: شَكَا رَجُلٌ مِنْ إِخْوَانِنَا إِلَى أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام شَكَاةَ أَهْلِهِ مِنَ النَّظْرَةِ وَ الْعَيْنِ وَ الْبَطْنِ وَ السُّرَّةِ وَ وَجَعِ الرَّأْسِ وَ الشَّقِيقَةِ وَ قَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَا تَزَالُ سَاهِرَةً تَصِيحُ اللَّيْلَ أَجْمَعَ وَ أَنَا فِی جَهْدٍ مِنْ بُكَائِهَا وَ صُرَاخِهَا فَمُنَّ عَلَيْنَا وَ عَلَيْهَا بِعُوذَةٍ فَقَالَ الصَّادِقُ علیه السلام إِذَا صَلَّيْتَ الْفَرِيضَةَ فَابْسُطْ يَدَيْكَ جَمِيعاً إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ قُلْ بِخُشُوعٍ وَ اسْتِكَانَةٍ أَعُوذُ بِجَلَالِكَ وَ جَمَالِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ بَهَائِكَ وَ سُلْطَانِكَ مِمَّا أَجِدُ يَا غَوْثِی يَا اللَّهُ يَا غَوْثِی يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا غَوْثِی يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا غَوْثِی يَا فَاطِمَةُ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ أَغِثْنِی ثُمَّ امْسَحْ بِيَدِكَ الْيُمْنَى عَلَى هَامَتِكَ وَ تَقُولُ يَا مَنْ سَكَنَ لَهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِی الْأَرْضِ سَكِّنْ مَا بِی بِقُوَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَكِّنْ مَا بِی (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: مفضل بن عمر نقل کرد، شخصی از برادرانمان نزد امام صادق علیه السلام آمد و شکایت همسرش از نگاه و چشم و شکم و ناف و درد سر و شقیقه به خدمت حضرت آورد و گفت: ای فرزند رسول خدا، شب‌ها تا به صبح بیدار است و تمام شب را از درد فریاد می‌زند و ما از گریه و فریاد او خسته شدیم، پس با دعایی بر ما و او منت نهید، امام صادق علیه السلام فرمودند: هر گاه نماز واجب را خواندی دستانت را رو به آسمان بگشای و با خشوع و خواری بگو «پناه می‌برم به جلال و جمال و قدرت و نور و پادشاهی‌ات از دردی که دارم ای فریادرس من ای خدا ای فریادرس من ای رسول خدا ای فریاد رس من ای امیر مؤمنان ای فریاد رس من ای فاطمه دختر رسول خدا به فریاد من برس به فریاد من برس» سپس با دست راست بر سر خود بکش و بگو «ای کسی که آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آنهاست به تو آرام گرفتند، به قدرت و نیروی خود درد مرا آرام کن بر محمد و خاندان وی درود فرست و درد مرا آرام کن». - . طب الائمه: ۷۳ -

**[ترجمه]

«۲۳»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] فِی الصُّدَاعِ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِی يَعْقُوبَ الزَّيَّاتِ عَنْ مُعَاوِيَةَ عَنْ عَمَّارٍ الدُّهْنِيِّ قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ذَلِكَ فَقَالَ إِذَا أَنْتَ فَرَغْتَ مِنَ الْفَرِيضَهِ فَضَعْ سَبَّابَتَكَ الْيُمْنَى عَلَى عَيْنَيْكَ وَ قُلْ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ أَنْتَ تُمِرُّهَا عَلَى حَاجِبِكَ الْأَيْمَنِ يَا حَنَّانُ اشْفِنِی يَا حَنَّانُ اشْفِنِی ثُمَّ أَمِرَّهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ عَلَى حَاجِبِكَ الْأَيْسَرِ وَ قُلْ يَا مَنَّانُ اشْفِنِی ثُمَّ ضَعْ رَاحَتَكَ الْيُمْنَى عَلَى هَامَتِكَ وَ قُلْ يَا مَنْ سَكَنَ لَهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِی الْأَرْضِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَكِّنْ مَا بِی ثُمَّ انْهَضْ إِلَى التَّطَوُّعِ (۲).

**[ترجمه]طب الائمه: برای رفع سردرد: عمار دهنّی نقل کرد از سردرد خود به امام صادق علیه السلام شکایت کردم، ایشان فرمودند: بعد از هر نماز واجب، دست راست خود را بر چشمانت می‌نهی و هفت بار در حالیکه انگشت خود را تا ابروی راست خود می گردانی، بگو: «ای مهربان مرا شفا ده ای مهربان مرا شفا ده» بعد از آن هفت بار بر ابروی چپ خود می گردانی و بگو «ای نیکی کننده مرا شفا بخش» سپس دست راست خود را بر سر قرار ده و بگو «ای کسی که آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آنهاست به تو آرام گرفتند بر محمد و خاندان وی درود فرست و درد مرا آرام گردان» سپس برای انجام کارهای نیک برخیز. - . طب الائمه: ۷۴ -

**[ترجمه]

«۲۴»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] الْحُسَيْنُ بْنُ مُخْتَارٍ الْحَنْظَلِيُّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِی هَاشِمٍ عَنْ أَبِی الْجَارُودِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ علیهما السلام أَنَّهُ قَالَ: هَذِهِ عُوذَةٌ مِنْ كُلِّ وَجَعٍ تَضَعُ يَدَكَ عَلَى فِيكَ مَرَّةً وَ تَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بِجَلَالِ اللَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ تَضَعُ يَدَكَ عَلَى مَوْضِعِ الْوَجَعِ ثُمَّ تَقُولُ أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ قُدْرَتِهِ عَلَى مَا يَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا تَحْتَ يَدِی ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَإِنَّهَا تَسْكُنُ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى (۳).

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۷۳.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۷۴.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۹۲.

**[ترجمه]طب الائمه: ابو جعفر محمد بن علی علیهما السلام فرمودند: این تعویذی برای رفع دردها است، دست خود را بر دهان می گذاری و سه بار می گویی «به نام خداوند بخشنده مهربان» و سه بار «به شکوه خدا» سه بار «به کلمات کامل خدا» سپس دست خود را بر موضع درد قرار می‌دهی و سه مرتبه می گویی: «پناه می‌برم به عزت خداونـد قـدرت او بر هر آنچه بخواهد، از شـر آنچه در زیر دست من است» به اذن خداوند تعالی آرام خواهد گرفت. - . طب الائمه: ۹۲ -

**[ترجمه]

«۲۵»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْجَارُودِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ دَاوُدَ بْنِ رَزِینٍ قَالَ: شَكَوْتُ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ قُلْتُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ضَرَبَ عَلَیَّ الْبَارِحَهَ عِرْقٌ فَمَا هَدَأَتْ إِلَی أَنْ أَصْبَحْتُ فَأَتَیْتُكَ مُسْتَجِیراً فَقَالَ ضَعْ یَدَكَ عَلَی الْمَوْضِعِ الَّذِی ضَرَبَ عَلَیْكَ وَ قُلْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّی حَقّاً فَإِنَّهُ یَسْكُنُ فِی سَاعَتِهِ.

وَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: خُذْ عَنِّی یَا مُفَضَّلُ عُوذَهَ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا مِنَ الْعُرُوقِ الضَّارِبَهِ وَ غَیْرِهَا قُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ كَمْ مِنْ نِعْمَهٍ لِلَّهِ فِی عِرْقٍ سَاكِنٍ وَ غَیْرِ سَاكِنٍ عَلَی عَبْدٍ شَاكِرٍ وَ غَیْرِ شَاكِرٍ وَ تَأْخُذُ لِحْیَتَكَ بِیَدِكَ الْیُمْنَی بَعْدَ الصَّلَاهِ الْمَكْتُوبَهِ وَ قُلِ اللَّهُمَّ فَرِّجْ كُرْبَتِی وَ عَجِّلْ عَافِیَتِی وَ اكْشِفْ ضُرِّی ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ اجْهَدْ أَنْ یَكُونَ ذَلِكَ مَعَ دُمُوعٍ وَ بُكَاءٍ(۱).

وَ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: كَانَ زَیْنُ الْعَابِدِینَ علیه السلام یُعَوِّذُ أَهْلَهُ بِهَذِهِ الْعُوذَهِ وَ یُعَلِّمُهَا خَاصَّتَهُ تَضَعُ یَدَكَ عَلَی فِیكَ وَ تَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِصُنْعِ اللَّهِ الَّذِی أَتْقَنَ كُلَّ شَیْ ءٍ إِنَّهُ خَبِیرٌ بِما تَفْعَلُونَ ثُمَّ تَقُولُ اسْكُنْ أَیُّهَا الْوَجَعُ سَأَلْتُكَ بِاللَّهِ رَبِّی وَ رَبِّكَ وَ رَبِّ كُلِّ شَیْ ءٍ الَّذِی سَكَنَ لَهُ مَا فِی اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ سَبْعَ مَرَّاتٍ (۲).

**[ترجمه]طب الائمه: داود بن رزین نقل کرد، نزد امام صادق علیه السلام رفتم و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا شب گذشته رگی از من تپش داشت پس تا صبح آرام نگرفتم و اکنون به شما پناه آورده‌ام، فرمودند: دستت را بر جای تپش آن قرار ده و سه مرتبه بگو: «خدا خدا خدا به حق پروردگار من است» طولی نمی کشد که بهبودی خواهد یافت.

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل کرد که فرمودند: ای مفضّل تعویذ تمامی دردها از رگ های تپنده و غیره را از من بگیر، بگو: «به نام خدا و با استعانت از خداوند، چه نعمت‌هایی از خدا در رگ ساکن و غیر ساکن بر بندگان شکر گزار و ناسپاس تعلق گرفت» و بعد از هر نماز واجب، محاسن خود را به سمت راست می گیری و سه بار می گویی: «خدایا مشکلم را بگشای و عافیتم را تعجیل فرما و سختی‌ام را برطرف نمای» و تلاش کن تا دعا همراه با اشک و گریه باشد. - . طب الائمه: ۱۱۶ -

امام صادق علیه السلام فرمودند: حضرت زین العابدین علیه السلام با این دعا خانواده خود را حفظ می کردند و به دوستان ویژه خود نیز آن را آموختند، دستت را بر دهان می گذاری و می گویی: «به نام خدا به نام خدا و به مخلوق خداوند که همه چیز را نیکو آفرید و او به آنچه انجام می‌دهند، آگاه است» سپس هفت بار می گویی: «ای درد آرام گیر، از تو می‌خواهم به خدا که پروردگار من و تو و تمامی اشیاء است او که آنچه در شب و روز است برای او آرام گرفت و اوست شنوای دانا»

**[ترجمه]

«۲۶»

قب، [المناقب لابن شهرآشوب] مُعَاوِیَهُ بْنُ وَهْبٍ: صُدِّعَ ابْنٌ لِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ مَرْوَ فَشَكَا ذَلِكَ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ ادْنُ مِنِّی قَالَ

فَمَسَحَ عَلَى رَأْسِهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا إِنْ أَمْسَكَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ فَبَرَأَ بِإِذْنِ اللَّهِ (۳).

**[ترجمه]مناقب آل ابی طالب: شخصی از اهل مرو، از سردرد فرزندش به نزد امام صادق علیه السلام شکایت آورد، ایشان فرمودند: به من نزدیک شو آنگاه بر سر اوست کشیدند و فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا إِنْ أَمْسَكَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كانَ حَليماً غَفُوراً: همانا خدا آسمانها و زمین را نگاه می دارد تا نیفتند، و اگر بیفتند بعد از او هیچکس آنها را نگاه نمی دارد اوست بردبار آمرزنده.» و به اذن خداوند شفا گرفت. - . مناقب آل ابی طالب ۴: ۲۳۲ -

**[ترجمه]

«۲۷»

مکا، [مکارم الأخلاق] لِلصُّدَاعِ وَ الشَّقِيقَهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: اقْرَأْ وَ لَوْ أَنَ

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۱۱۶.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۱۱۷.

۳- ۳. مناقب آل أبی طالب ج ۴ ص ۲۳۲.

قُرْآناً سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبالُ إِلَى قَوْلِهِ جَمِيعاً(۱) تَكادُ السَّماواتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ إِلَى قَوْلِهِ هَدًّا(۲) وَ جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا الْآيَهَ(۳)

وَ يا أَرْضُ ابْلَعِي ماءَكِ وَ يا سَماءُ أَقْلِعِي الْآيَهَ(۴)

مِثْلَهُ فَمَنْ كانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً إِلَى قَوْلِهِ نُسُكٍ (۵) يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّما يَنْكُثُ عَلى نَفْسِهِ اسْكُنْ سَكَّنْتُكَ يَا وَجَعَ الرَّأْسِ بِالَّذِی سَكَنَ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

مِثْلَهُ: اشْتَكَى إِلَى الصَّادِقِ عليه السلام رَجُلٌ مِنَ الصُّدَاعِ فَقَالَ ضَعْ يَدَكَ عَلَى الْمَوْضِعِ الَّذِی يُصَدِّعُكَ وَ اقْرَأْ آيَهَ الْكُرْسِيِّ وَ فَاتِحَهَ الْكِتَابِ وَ قُلْ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَجَلُّ وَ أَكْبَرُ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عِرْقٍ نَعَّارٍ(۶) وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ حَرِّ النَّارِ.

لِلصُّدَاعِ رَوَى عُمَرُ بْنُ حَنْظَلَهَ قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام صُدَاعاً يُصِيبُنِي قَالَ إِذَا أَصَابَكَ فَضَعْ يَدَكَ عَلَى هَامَتِكَ فَقُلْ لَوْ كانَ مَعَهُ آلِهَهٌ كَما يَقُولُونَ إِذاً لَابْتَغَوْا إِلى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا وَ إِذا قِيلَ لَهُمْ تَعالَوْا إِلى ما أَنْزَلَ اللَّهُ وَ إِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُوداً(۷).

۱- ۱. و لو أن قرآنا سیرت به الجبال أو قطعت به الأرض أو كلم به الموتى بل للّه الامر جميعا، أ فلم يا يئس الذين آمنوا أن لو يشاء اللّه لهدى الناس جميعا: الرعد: ۳۱.

۲- ۲. تكاد السموات يتفطرن منه و تنشق الأرض و تخر الجبال هدا: مريم: ۹۰.

۳- ۳. و جعلنا من بين ايديهم سدا و من خلفهم سدا فأغشيناهم فهم لا يبصرون: يس: ۸.

۴- ۴. و قيل يا أرض ابلعى ماءك و يا سماء أقلعى و غيض الماء و قضى الامر و استوت على الجودى و قيل بعدا للقوم الظالمين: هود: ۴۴.

۵- ۵. فمن كان منكم مريضا أو به أذى من راسه ففديه من صيام أو صدقه أو نسك: البقره: ۱۹۶.

۶- ۶. يقال نعر العرق: فار منه الدم، أو هو الفوران مع الصوت و النعره.

۷- ۷. مكارم الأخلاق ص ۴۲۸.

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ،: مِثْلَهُ إِلَى قَوْلِهِ سَبِيلًا وَ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَحْدَهُ رَأَيْتَ الَّذِينَ كَفَرُوا يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُوداً.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: جهت رفع درد سر و درد نیمه آن: امام صادق علیه السلام فرمودند: بخوان از «وَ لَوْ أَنَّ قُرْآناً سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتى بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعاً أَفَلَمْ يَيْأَسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشاءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعا: و اگر قرآنی بود که کوه ها بدان روان می شد، یا زمین بدان قطعه قطعه می گردید، یا مردگان بدان به سخن در می آمدند نه چنین است، بلکه همه امور بستگی به خدا دارد. آیا کسانی که ایمان آورده اند، ندانسته اند که اگر خدا می خواست قطعاً تمام مردم را به راه می آورد» - . رعد/ ۳۱ - و «تَكادُ السَّماواتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَ تَخِرُّ الْجِبالُ هَدًّا: چیزی نمانده است که آسمانها از این بشکافند و زمین چاک خورَد و کوه ها به شدت فرو ریزند» - . مریم/۹۰ -

و«وَ جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لا يُبْصِرُونَ: و فرا روی آنها سدّی و پشت سرشان سدّی نهاده و پرده ای بر آنان فروگسترده ایم، در نتیجه نمی توانند ببینند» - . یس/ ۸ - و « وَ قِيلَ يا أَرْضُ ابْلَعِي ماءَكِ وَ يا سَماءُ أَقْلِعِي وَ غِيضَ الْماءُ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَ قِيلَ بُعْداً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ: و گفته شد: ایزمین! آب خود را فرو بر، و ای آسمان، خودداری کن. و آب فروکاست و فرمان گزارده شده و بر جودی قرار گرفت. و گفته شد: مرگ بر قوم ستمکار» - . هود/ ۴۴ - .

شبیه این حدیث: آیه فَمَنْ كانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ بِهِ أَذىً مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ: و هر کس از شما بیمار باشد یا در سر ناراحتیی داشته باشد به کفّاره روزه ای بدارد، یا صدقه ای دهد، یا قربانی بکند» - . بقره/ ۱۹۶ -

«فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّما يَنْكُثُ عَلى نَفْسِهِ: پس هر که پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان می شکند» آرام گیر ای درد سر به کسی که آنچه در شب و روز است برای او آرام گرفت و اوست شنوای دانا.

شبیه این حدیث: شخصی از سردرد خود نزد حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد: امام فرمودند: دست خود را بر موضع درد قرار ده و بخوان: آیه الکرسی و فاتحه الکتاب و بگو: «خدا بزرگ است خدا بزرگ است، خدایی جز خدای یکتا نیست، خداوند بزرگتر و باشکوه‌تر از آن چیزی است که من می‌ترسم و بیم دارم و پناه می‌برم به خدا از خونی که بند نیاید و پناه می برم به خدا از گرمای آتش .

برای رفع سردرد: عمر بن حنظله نقل کرد از سردردی که داشتم به خدمت امام باقر علیه السلام شکایت بردم، ایشان فرمودند: هرگاه مبتلا شدی، دستت را بر سر قرار داده و بگو: «لَوْ كانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَما يَقُولُونَ إِذاً لَابْتَغَوْا إِلى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا: اگر با او خدایانی بود، در آن صورت حتماً در صدد جستن راهی به سوی صاحب عرش، بر می آمدند». - . مکارم الاخلاق/ ۴۲۸ -

دعوات الراوندی: مثل حدیث پیشین، تا: «سبيلا و إذا ذُكرَ اللهُ وَحدهُ رَأيتَ الّذينَ كَفروا يَصُدُّون عنكَ صُدوداً: راهی و زمانی که خدا را به یکتایی یاد شود کافران را می بینی که از تو روی بر می تابند».

**[ترجمه]

«۲۸»

مکا، [مكارم الأخلاق] لِلشَّقِيقَةِ عَنِ الرِّضَا علیه السلام: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا وَ هَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ رَبَّنا إِنَّكَ جامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لا يُخْلِفُ الْمِيعادَ وَ يُكْتَبُ اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَسْتَ بِإِلَهٍ اسْتَحْدَثْنَاهُ إِلَى آخِرِ مَا سَنَذْكُرُهُ فِي الْفَصْلِ الرَّابِعِ بَعْدُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى (۱).

لِلصُّدَاعِ وَ غَيْرِهِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: مَنْ كَانَ بِهِ صُدَاعٌ أَوْ غَيْرُهُ فَلْيَضَعْ يَدَهُ عَلَى ذَلِكَ الْمَوْضِعِ وَ لْيَقُلِ اسْكُنْ سَكَّنْتُكَ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا

فِی اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ: کَانَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله إِذَا کَسِلَ أَوْ أَصَابَهُ عَیْنٌ أَوْ صُدَاعٌ بَسَطَ یَدَهُ فَقَرَأَ فَاتِحَهَ الْکِتَابِ وَ الْمُعَوِّذَتَیْنِ ثُمَّ یَمْسَحُ یَدَهُ عَلَی وَجْهِهِ فَیَذْهَبُ عَنْهُ مَا کَانَ یَجِدُهُ.

عُمَرُ بْنُ إِبْرَاهِیمَ قَالَ: شَکَوْتُ إِلَی الرِّضَا علیه السلام مِرَّهً کُنْتُ أَجِدُهَا یَأْخُذُنِی مِنْهَا شَبِیهُ الْجُنُونِ وَ صُدَاعٌ غَالِبٌ قَالَ عَلَیْکَ بِهَذِهِ الْبَقْلَهِ الَّتِی یَلْتَفُّ وَرَقُهَا وَ ضَعْهَا عَلَی رَأْسِکَ وَ مُرْهُمْ فَلْیَضَعُوهَا عَلَی رُءُوسِ صِبْیَانِهِمْ فَإِنَّهَا نَافِعَهٌ بِإِذْنِ اللَّهِ فَفَعَلْتُ فَسَکَنَ عَنِّی الْوَجَعُ وَ الْبَقْلَهُ اللَّبْلَابُ (۲).

عَنْهُ علیه السلام: فِی الصُّدَاعِ قَالَ فَلْیَخْتَضِبْ بِالْحِنَّاءِ(۳).

مُعَاوِیَهُ بْنُ عَمَّارٍ قَالَ: شَکَوْتُ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام رِیحَ الشَّقِیقَهِ قَالَ فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ الْفَرِیضَهِ فَضَعْ سَبَّابَتَکَ الْیُمْنَی بَیْنَ عَیْنَیْکَ وَ قُلْ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ أَنْتَ تُمِرُّهَا عَلَی حَاجِبِکَ الْأَیْمَنِ یَا حَنَّانُ اشْفِنِی ثُمَّ تُمِرُّهَا عَلَی یَسَارِکَ وَ تَقُولُ یَا مَنَّانُ

۱- ۱. قوله إلی آخر ما سنذکره فی الفصل الرابع بعد، من کلام الطبرسیّ فی المکارم و قد مر تحت الرقم ۱ ص ۴۹.

۲- ۲. اللبلاب: نبت یلوی علی الشجر و ورقه کورق اللوبیا. و یقال له: عشقه و کشوث و حبل المساکین، و البقله البارده.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۲۹ و هذا مقتحم فی هذا الکتاب فانه لیس بدعاء.

اشْـفِنِی ثُمَّ ضَعْ رَاحَتَـکَ الْیُمْنَی عَلَی هَامَتِـکَ وَ قُلْ یَا مَنْ سَـکَنَ لَهُ مَا فِی اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ وَ سَکِّنْ مَا بِی (۱).

دعوات الراوندی، عن معاویه: مثله.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: برای رفع درد نیمه سر: امام رضا علیه السلام فرمودند: بِسمِ الله الرَّحمنِ الرَّحیم رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنا وَ هَبْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً إِنَّکَ أَنْتَ الْوَهَّاب رَبَّنا إِنَّکَ جامِعُ النَّاسِ لِیَوْمٍ لارَیْبَ فیهِ إِنَّ اللَّهَ لایُخْلِفُ الْمیعادَ: به نام خداوند بخشنده مهربان پروردگارا، به یقین، تو در روزی که هیچ تردیدی در آن نیست، گردآورنده مردمانی. قطعاً خداوند در وعده خلاف نمی کند. پروردگارا، پس از آنکه ما را هـدایت کردی، دلهایمان را دسـتخوش انحراف مگردان، و از جانب خود، رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشـگری» و نوشـته شود: معبودا تو خدایی نیستی که او را ایجاد کرده باشیم تا آخر دعا که در فصل چهارم ذکر خواهیم کرد انشاء الله تعالی. - . این سخن طبرسی است که در مکارم الاخلاق آورده است. -

برای رفع سـردرد و غیر آن: امـام صادق علیه السـلام فرمودنـد هر کس به سـردرد یا غیر آن مبتلا شـد، دست خود را بر آن موضع قرار دهـد و بگوید: «آرام گیر، به آنکه آرام گرفت برای او هرآنچه در شب و روز است و اوست شنوای دانا».

امام صادق علیه السـلام فرمودنـد: پیامبر صـلی الله علیه و آله هرگاه کسالتی داشـتند یا به چشم زخم و سـردردی مبتلا می‌شدنـد، دست خود را می‌گشودند و سوره‌های فاتحه الکتاب و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را می‌خواندند سـپس دست خود را بر صورتش می‌کشیدند و هر دردی که داشتند از بین می‌رفت .

عمر بن ابراهیم نقل کرد: خدمت حضرت رضا علیه السلام از صفرا شکایت کردم که حالتی شبیه دیوانگی و سردرد بر من غالب می‌شد، ایشان فرمودنـد: گیـاه بقله که برگ‌هـای آن می‌پیچـد را بر سـر خـود قرار ده و مرهمی که بر سـر کودکـان خود قرار می‌دهنـد، به راسـتی که به اذن خداوند سودمند خواهد بود، و من چنان کردم و دردم آرام گرفت. این گیاه همان پیچک است.

امام رضا علیه السلام برای رفع سردرد فرمودند، باید حنا بر سر گذشته شود. - . مکارم الاخلاق: **۴۲۹**، در این کتاب ذکر شد و دعا نیست. -

معاویه بن عمار نقل کرد: به نزد امام صادق علیه السـلام از باد نیمه سـر، شـکایت کردم، ایشان فرمودنـد: بعـد از هر نماز واجب، انگشت اشاره راست خود را میان چشـمانت قرار می‌دهی و هفت مرتبه در حالی که آن را تا ابروی راست خود می‌گردانی می‌گویی: «ای مهربان مرا شفا ده» سپس آن را به سـمت چپ خـود می‌گردانی و می‌گـویی «ای بخشـنده شـفا ده» سـپس دست راست خود را بر سـر می‌گـذاری و می‌گویی «ای کسـی کـه آنچـه در شـب و روز و آسـمان و زمین است برای او آرام گرفت بر محمـد و خانـدان وی درود فرست و درد مرا آرام گردان». - . مکارم الاخلاق: ۴۳۰ -

دعوات الراوندی: مثل این حدیث از معاویه آورده شده است.

**[ترجمه]

«۲۹»

مکـا، [مکارم الأخلاق]: رُقْیَةٌ لِلشَّقِیقَهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا إِلَی أَنْتَ الْوَهَّابُ (۲) فَإِنْ بَرَأَ وَ إِلَّا أَخَذْتَ حِمَّصَةً بَیْضَاءَ وَ نصف [نِصْفاً] وَ دَقَقْتَهَا دَقّاً نَاعِماً وَ قَرَأْتَ عَلَیْهَا قُلْ هُوَ اللَّهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ سَقَیْتَهَا الْمَرِیضَ (۳).

شَکَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ مَرْوَ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الصُّدَاعَ قَالَ ادْنُ مِنِّی فَمَسَحَ رَأْسَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ یُمْسِکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا إِنْ أَمْسَکَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ کانَ حَلِیماً غَفُوراً(۴).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: تعویـذی برای رفع درد نیمه سـر: بسم الله الرحمن الرحیم رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنا وَ هَبْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً إِنَّکَ أَنْتَ الْوَهَّاب رَبَّنـا إِنَّکَ جامِعُ النَّاسِ لِیَوْمٍ لارَیْب فیهِ إِنَّ اللَّهَ لایُخْلِفُ الْمیعادَ: به نام خداونـد بخشـنده مهربان پروردگارا، پس از آنکه ما را هدایت کردی، دلهایمان را دستخوش انحراف مگردان، و از جانب خود، رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری» اگر بهبودی نیافت، یک نخود سفید و نیمی از آن را برمی داری و به خوبی آرد می کنی، آنگاه سه بار قل هو الله احد را بر آن می‌خوانی و به بیمار می‌نوشانی. - . مکارم الاخلاق: ۴۳۰ -

شخصـی از اهل مرو از سـردرد خود به خـدمت امام صادق علیه السـلام شـکایت کرد، ایشان فرمودند: نزدیک من آی، سـپس دستی بر سـر او کشیدند و این آیه را خواندنـد: «إِنَّ اللَّهَ یُمْسِکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا إِنْ أَمْسَکَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ کانَ حَلیماً غَفُوراً: همانا خـدا آسـمانها و زمین را نگاه می دارد تا نیفتند، و اگر بیفتند بعد از او هیچکس آنها را نگاه نمی دارد اوست بردبار آمرزنده». - . مکارم الاخلاق: ۴۲۹ -

**[ترجمه]

«۳۰»

مکا، [مکارم الأخلاق]: رُقْیَةٌ لِجَمِیعِ الْآلَامِ وَ قِیلَ لِلضِّرْسِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِی أَتْقَنَ کُلَّ شَیْ ءٍ إِنَّهُ خَبِیرٌ بِما تَفْعَلُونَ اسْکُنْ أَیُّهَا الْوَجَعُ سَکَّنْتُکَ (۵).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: تعویـذی برای دردها و بنابر قولی برای دنـدان: «به نام خـدا و با اسـتعانت از خـدا و درود خـدا بر محمـد و خاندان پاکش، ساخته خـدا که همه چیز را نیکو آفریـد به راستی که به آنچه انجام می‌دهیـد، آگاه است ای درد آرام گیر تو را آرام کردم. - . مکارم الاخلاق: ۴۶۳ -

**[ترجمه]

«۳۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] لِوَجَعِ الْأُذُنِ حَوَّاشُ بْنُ زُهَیْرٍ الْأَزْدِیُّ (۶)

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ الْعَمِّیِّ عَنْ یُونُسَ بْنِ ظَبْیَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: شَکَوْتُ إِلَیْهِ وَجَعاً فِی أُذُنِی فَقَالَ ضَعْ یَدَکَ عَلَیْهِ وَ قُلْ أَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذِی سَکَنَ لَهُ مَا فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَإِنَّهُ یَبْرَأُ بِإِذْنِ اللَّهِ

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۳۰.

۲- ۲. ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمه انک انت الوهاب: آل عمران: ۸.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۳۰.

۴- ۴. مکارم الأخلاق ص ۴۲۹، و فی نسخه الأصل و هکذا طبعه الکمبانیّ تکرر حدیث معاویه بن عمّار هاهنا فأسقطناه.

۵- ۵. مكارم الأخلاق ص ۴۶۳.

۶- ۶. فى المصدر: خراش بن زهير.

تَعَالَى (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: رفع درد گوش: یونس بن ظبیان نقل کرد؛ از درد گوش به امام صادق علیه السلام شکایت کردم، فرمودند: دست خود را بر موضع درد قرار ده و هفت بار بگو «پناه می‌برم به خداوندی که آنچه در خشکی و دریا و آسمان‌ها و زمین است به او آرام گرفت و اوست شنوای دانا» که به اذن خداوند بهبودی خواهد یافت. - . طب الائمه: ۲۲ -

**[ترجمه]

«۳۲»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] أَسْلَمُ بْنُ عَمْرٍو النَّصِيبِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي زَيْنَبَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: أَنَّهُ عَوَّذَ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ مِنْ وَجَعِ الْأُذُنِ فَذَكَرَ مِثْلَ هَذَا(۲).

**[ترجمه]طب الائمه: مثل این حدیث از امام صادق علیه السلام در تعویذ یکی از اصحابشان از درد گوش، نقل شده است. - . طب الائمه: ۲۲ -

**[ترجمه]

«۳۳»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] رُوِيَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ عَنْ عَمِّهِ سَدِيرٍ قَالَ: أَخَذْتُ حَصَاةً فَحَكَكْتُ بِهَا أُذُنِي فَغَاصَتْ فِيهَا فَجَهَدْتُ كُلَّ جَهْدٍ أَنْ أُخْرِجَهَا مِنْ أُذُنِي فَلَمْ أَقْدِرْ عَلَيْهِ أَنَا وَ لَا الْمُعَالِجُونَ فَحَجَجْتُ وَ لَقِيتُ الْبَاقِرَ علیه السلام فَشَكَوْتُ إِلَيْهِ مَا لَقِيتُ مِنْ أَلَمِهَا فَقَالَ لِلصَّادِقِ علیه السلام يَا جَعْفَرُ خُذْ بِيَدِهِ فَأَخْرِجْهُ إِلَى الضَّوْءِ فَانْظُرْ فَنَظَرَ فِيهِ فَقَالَ لَا أَرَى شَيْئاً فَقَالَ ادْنُ مِنِّي فَدَنَوْتُ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ أَخْرِجْهَا كَمَا أَدْخَلْتَهَا بِلَا مَئُونَةٍ وَ لَا مَشَقَّةٍ وَ قَالَ قُلْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ كَمَا قُلْتُ فَقُلْتُهَا فَقَالَ لِي أَدْخِلْ إِصْبَعَكَ فَأَدْخَلْتُهَا فَأَخْرَجْتُهَا بِالْإِصْبَعِ الَّتِي أَدْخَلْتُهَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۳).

**[ترجمه]طب الائمه: سدیر نقل کرد: روزی با دانه شنی، گوش خود را خوارانـدم که ناگهان در آن فرو رفت، بسیار تلاش کردم تا آن را خارج کنم اما اثری نبخشید و از طبیبان نیز کاری بر نیامد، پس به دیدار امام باقر علیه السلام رفتم و از درد آن به نزد ایشان شکایت کردم، ایشان در گوش من نگاه کردند و فرمودند: چیزی نمی‌بینم، سپس فرمودند: به نزدیک من بیا، من نیز به نزدیک ایشان رفتم سپس این دعا را خواندند: خدا همانگونه که آن را فرو بردی بدون هیچ رنج و سختی، خارج فرما و به من فرمودند: آن را سه بار مثل من، بگو. من نیز آن را خواندم سپس به من فرمودند: انگشتت را در گوشت فرو کن من نیز انگشتم را فرو بردم و آن سنگریزه را خارج نموده و ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است. - . طب الائمه: ۲۲ -

**[ترجمه]

«۳۴»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] حَنَانُ بْنُ جَابِرٍ الْفِلَسْطِينِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْمُنَخَّلِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام: أَنَّ رَجُلًا شَكَا صَمَماً فَقَالَ امْسَحْ يَدَكَ عَلَيْهِ وَ اقْرَأْ عَلَيْهِ لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ إِلَى آخِرِ السُّورَةِ(۴).

**[ترجمه]طب الائمه: شخصی نزد حضرت باقر علیه السلام از سنگینی گوشش شکایت کرد، ایشان فرمودند: دستت را بر آن بکش و بخوان: «لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلی جَبَلٍ لَرَأَیْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْیَهِ اللَّه: اگر این قرآن را بر کوهی فرو می فرستادیم، یقیناً آن را از بیم خدا فروتن از هم پاشیده می دیدی.» تا آخر سوره. - . طب الائمه: ۲۳ -

**[ترجمه]

«۳۵»

مکا، [مکارم الأخلاق]: لِوَجَعِ الْأُذُنِ یُقْرَأُ عَلَی دُهْنِ الْیَاسَمِینِ أَوِ الْبَنَفْسَجِ سَبْعَ مَرَّاتٍ قَوْلُهُ تَعَالَی کَأَنْ لَمْ یَسْمَعْها کَأَنَّ فِی أُذُنَیْهِ وَقْراً إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤادَ کُلُّ أُولئِکَ کانَ عَنْهُ مَسْؤُلًا وَ یُصَبُّ فِی الْأُذُنِ (۵).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: برای رفع درد گوش: این آیه قرآن، هفت بار بر روغن یاسمن و یا بنفشه خوانده شود و سپس در داخل گوش ریخته شود، و آیه این است: «کَأَنْ لَمْ یَسْمَعْها کَأَنَّ فی أُذُنَیْه وَقْرا إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤادَ کُلُّ أُولئِکَ کانَ عَنْهُ مَسْؤُلا: چنانکه گویی آن را نشنیده گویی در گوش هایش سنگینی است. زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد». و در گوش ریخته می شود. - . مکارم الاخلاق: ۴۳۱ -

**[ترجمه]

«۳۶»

ختص، [الإختصاص] الْفَزَارِیُّ عَنْ أَبِی عِیسَی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ الْأَنْصَارِیِّ عَنْ مَعْمَرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِی رَافِعٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ: مَنْ طَنَّتْ (۶) أُذُنُهُ فَلْیُصَلِّ عَلَیَّ وَ لْیَقُلْ مَنْ

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۲۲، و المها: الحصی الابیض.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۲۲، و المها: الحصی الابیض.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۲۲، و المها: الحصی الابیض.

۴- ۴. طبّ الأئمّه ص ۲۳.

۵- ۵. مکارم الأخلاق ص ۴۳۱.

۶- ۶. أی صوتت.

ذَكَرَنِی بِخَیْرٍ ذَکَرَهُ اللَّهُ بِخَیْرٍ(۱).

**[ترجمه]الاختصاص: عبیـد الله بن ابی رافع از پـدرانش نقل کرد، شـنیدم رسول خـدا صـلی الله علیه و آله، فرمودند: هر کس گوشـش، صدا دهد، بر من صلوات فرستد و بگوید: «هر کس مرا به نیکی یاد کند، خداوند به نیکی از او یاد کند». - . الاختصاص: ۱۶۰ -

**[ترجمه]

«۳۷»

مِنْ خَطِّ الشَّهِیدِ رَحِمَهُ اللَّهُ: قِیلَ أَصَابَ أَسْمَاءَ بِنْتَ أَبِی بَکْرٍ وَرَمٌ فِی رَأْسِهَا وَ وَجْهِهَا فَأَتَی رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَوَضَعَ یَدَهُ عَلَی وَجْهِهَا وَ رَأْسِهَا مِنْ فَوْقِ الثِّیَابِ فَقَالَ بِسْمِ اللَّهِ أَذْهِبْ عَنْهَا سُوءَهُ وَ فُحْشَهُ بِدَعْوَهِ نَبِیِّکَ الطَّیِّبِ الْمُبَارَکِ الْمَکِینِ عِنْدَکَ بِسْمِ اللَّهِ صَنَعَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ أَمَرَهَا أَنْ تَفْعَلَ ذَلِکَ فَقَالَتْ ثَلَاثَهَ أَیَّامٍ فَذَهَبَ الْوَرَمُ وَ کَانَ کَثِیراً یَقُولُهَا عِنْدَ الصَّلَوَاتِ الْمَکْتُوبَهِ ثَلَاثاً.

**[ترجمه]به خط شهید رحمه الله یافتم، نقل است، اسماء دختر ابوبکر، ورمی در سر و صورتشان ظاهر گشت، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدنـد و از روی لباس دست خویش را به صورت و سـر ایشان قرار دادنـد و خواندنـد «به نام خـدا، به دعای پیامبر پاک و مبارک و دارای منزلت در نزد خود، بدی و زشتی آن را رفع کن، به نام خدا» سه بار، این کار را کردند و به اسماء نیز فرمودند تا چنین کند، و نقل کرد که سه روز بعد این ورم به کلی از بین رفت، آن حضرت این دعا را هنگام نمازهای واجب سه بار می‌خواندند .

**[ترجمه]

«۳۸»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، قَالَ بَعْضُ أَصْحَابِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: شَکَوْتُ إِلَیْهِ ثِقْلًا فِی أُذُنِی فَقَالَ علیه السلام عَلَیْکَ بِتَسْبِیحِ فَاطِمَهَ علیها السلام.

وَ قَالُوا علیهم السلام: مَنْ قَالَ إِذَا عَطَسَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ عَلَی کُلِّ حَالٍ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ یَشْتَکِ شَیْئاً مِنْ أَضْرَاسِهِ وَ لَا مِنْ أُذُنَیْهِ.

وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَهْمِ قَالَ: کُنْتُ عِنْدَ الْمَأْمُونِ فِی بِلَادِ الرُّومِ فَأَقَامَ عَلَی حِصْنٍ لِیَفْتَحَهُ فَجَعَلَ الْحَرْبَ بَیْنَهُمْ فَلَحِقَ الْمَأْمُونَ صُدَاعٌ فَأَمَرَ بِالْکَفِّ عَنِ الْحَرْبِ فَاطَّلَعَ الْبِطْرِیقُ فَقَالَ مَا بَالُکُمْ کَفَفْتُمْ عَنِ الْحَرْبِ فَقَالُوا نَالَ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ صُدَاعٌ فَرَمَی قَلَنْسُوَهً فَقَالَ قُولُوا لَهُ یَلْبَسْهَا فَإِنَّ الصُّدَاعَ یَسْکُنُ فَلَبِسَهَا فَسَکَنَ فَأَمَرَ الْمَأْمُونُ بِفَتْقِهَا فَوَجَدَ فِیهَا قِطْعَهَ رَقٍّ فِیهَا مَکْتُوبٌ سُبْحَانَ یَا مَنْ لَا یَنْسَی مَنْ نَسِیَهُ وَ لَا یَنْسَی مَنْ ذَکَرَهُ کَمْ مِنْ نِعْمَهٍ لِلَّهِ عَلَی عَبْدٍ شَاکِرٍ وَ غَیْرِ شَاکِرٍ فِی عِرْقٍ سَاکِنٍ وَ غَیْرِ سَاکِنٍ حم عسق.

وَ رُوِیَ: أَنَّ النَّجَاشِیَّ کَانَ وَرِثَ عَنْ آبَائِهِ قَلَنْسُوَهً مِنْ أَرْبَعِمِائَهِ سَنَهٍ مَا وُضِعَتْ عَلَی وَجَعٍ إِلَّا سَکَنَ فَفُتِّشَتْ فَإِذَا فِیهَا هَذَا الدُّعَاءُ بِسْمِ اللَّهِ الْمَلِکِ الْحَقِّ الْمُبِینِ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلائِکَهُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ إِنَّ الدِّینَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلامُ اللَّهُ نُورٌ وَ حِکْمَهٌ وَ حَوْلٌ وَ قُوَّهٌ وَ قُدْرَهٌ وَ سُلْطَانٌ وَ بُرْهَانٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ آدَمُ صَفِیُّ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِبْرَاهِیمُ خَلِیلُ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُوسَی کَلِیمُ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ الْعَرَبِیُّ رَسُولُ اللَّهِ وَ حَبِیبُهُ وَ خِیَرَتُهُ مِنْ خَلْقِهِ

۱- ۱. الاختصاص ص ۱۶۰.

اسْكُنْ يَا جَمِيعَ الْأَوْجَاعِ وَ الْأَسْقَامِ وَ الْأَمْرَاضِ وَ جَمِيعَ الْعِلَلِ وَ جَمِيعَ الْحُمَّيَاتِ سَكَّنْتُكَ بِالَّذِی سَكَنَ لَهُ مَا فِی اللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ (۱).

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ أَصَابَهُ مَرَضٌ أَوْ شِدَّةٌ فَلَمْ يَقْرَأْ فِی مَرَضِهِ أَوْ شِدَّتِهِ بِقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثُمَّ مَاتَ فِی مَرَضِهِ أَوْ فِی تِلْكَ الشِّدَّةِ الَّتِی نَزَلَتْ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ.

قَالَ الزَّمَخْشَرِیُّ فِی الْبَابِ السَّابِعِ وَ السَّبْعِينَ فِی الْأَمْرَاضِ وَ الْعِلَلِ مِنْ كِتَابِ رَبِيعِ الْأَبْرَارِ: أَنَّهُ صُدِّعَ الْمَأْمُونُ بِطَرَسُوسَ فَلَمْ يَنْفَعْهُ عِلَاجٌ فَوَجَّهَ إِلَيْهِ قَيْصَرُ قَلَنْسُوَةً وَ كَتَبَ بَلَغَنِی صُدَاعُكَ فَضَعْ هَذِهِ عَلَى رَأْسِكَ يَسْكُنْ فَخَافَ أَنْ تَكُونَ مَسْمُومَةً فَوُضِعَتْ عَلَى رَأْسِ حَامِلِهَا فَلَمْ تَضُرَّهُ ثُمَّ وَضَعَ عَلَى رَأْسِ مُصَدَّعٍ فَسَكَنَ فَوَضَعَهَا عَلَى رَأْسِهِ فَسَكَنَ فَتَعَجَّبَ مِنْ ذَلِكَ فَفُتِقَتْ فَإِذَا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لِلَّهِ فِی عِرْقٍ سَاكِنٍ حم عسق لاـ يُصَدَّعُونَ عَنْها وَ لا يُنْزِفُونَ مِنْ كَلَامِ الرَّحْمَنِ خَمَدَتِ النِّيرَانُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ جَالَ نَفْعُ الدَّوَاءِ فِيكَ كَمَا يَجُولُ مَاءُ الرَّبِيعِ فِی الْغُصْنِ.

**[ترجمه]دعوات الراوندی: شخصی از یاران امام صادق علیه السلام از سنگینی گوششان در نزد ایشان شکایت کردند، امام علیه السلام فرمودند: بر تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام ملزم باش.

و از امامان معصومین علیهم السلام نقل است: هر کس به هنگام عطسه زدن بگوید: ستایش خدایی که پروردگار جهانیان است در تمامی حالات، و درود خدا بر محمد و خاندان محمد، هیچگاه به دردی در ناحیه دندان‌ها و گوش‌هایش مبتلا نمی‌شود.

محمد بن فهم نقل کرد: در سرزمین روم، نزد مأمون بودم که تصمیم به فتح قلعه‌ای گرفت، پس جنگ میان آنها درگرفت، ناگهان مأمون به سردردی مبتلا شد و فرمان آتش بس داد، بطریق را آگاه کردم، پرسید: چرا دست از جنگ کشیدید؟ گفتند: امیر مؤمنان به سردرد دچار شد، او کلاهی انداخت و گفت: بگویید آن را بپوشد تا سردردش آرام گیرد، مأمون نیز آن را پوشید و بهبودی یافت سپس دستور داد تا آن را بشکافند، پس در آن قطعه پوستی یافتن یافتند که بر آن نوشته شده بود: «پاک است ای کسی که فراموش نمی‌کند آنکه او را از یاد برد، و فراموش نمی‌کند آنکه به یاد اوست، چه نعمت‌هایی که از جانب خدا بر بندگان شکرگزار و ناسپاس در رگی ساکن و غیر ساکن تعلق گرفت حم عسق».

روایت است، نجاشی کلاهی را از پدران خود به ارث برده بود که به چهارصد سال قدمت داشت، و هرگاه آن را بر موضعی که درد داشت می‌گذاشتند، آرام می‌گرفت، پس در آن کنکاشی کردند و این دعا را یافتند: «به نام خداوند، آن پادشاه حق و آشکار، خدا که همواره به عدل، قیام دارد،گواهی می دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان و دانشوران جز او، که توانا و حکیم است، هیچ معبودی نیست. به راستی که دین در نزد خدا اسلام است. خداوند نور و حکمت و قدرت، توانمندی و توانایی و پادشاهی و برهان است. خدایی جز خدای یگانه نیست، آدم برگزیده خداست. خدایی جز خدای یگانه نیست، ابراهیم دوست خداست، خدایی جز خدای یگانه نیست، موسی هم سخن خداست، خدایی جز خدای یگانه نیست، محمد عربی رسول خدا و محبوب و برگزیده بندگان اوست، آرام بگیرید ای تمامی دردها، بیماری... ها، مرض‌ها و تمامی ناخوشی‌ها و تب‌ها، آرام کردم تو را به آن کسی که آنچه در شب و روز است، برای او آرام گرفت و اوست شنوای دانا و درود خدا بر محمد بهترین بندگانش و خاندان وی». - . مثل این روایت در مکارم الاخلاق: ۴۸ آمد. -

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس بیمار شود یا به سختی افتد و در آن حالت سوره قل هو الله احد را نخواند و به آن بیماری یا سختی از دنیا رود، از اهل آتش است.

زمخشری در کتاب ربیع الابرار، باب هفتاد و هفتم در بیماری‌ها و امراض می‌گوید: مامون در طرسوس دچار سردرد شد و درمان آن سودی نداشت، پس قیصر کلاهی به سوی او فرستاد و چنین نوشت: خبر سردرد تو به من رسید، آن کلاه را بر سر بگذار تا آرام گیرد، مأمون از ترس

اینکه آغشته به سم باشد، آن را بر سر آورنده کلاه قرار داد، و دید که به او ضرری نرسانید، سپس آن را بر سر شخص دیگری که درد داشت قرار داد پس آن را آرام کرد، آنگاه بر سر خویش قرار داد و بهبودی یافت، شگفت‌زده شد و آن را شکافت و این دعا را یافت: «به نام خداوند بخشنده مهربان، نعمت‌های فراوان خداوند در رگی ساکن حم عسق نهازآندردسرگیرندونهبی خردگردند، از سخن خداوند آتش‌ها خاموش گشتند و هیچ نیرو و قدرتی جز به خدا نیست، منفعت دارد در تو روان گردد آن گونه که آب بهار در شاخه‌ها جریان می‌یابد.

**[ترجمه]

«۳۹»

مهج، [مهج الدعوات] عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الصَّمَدِ عَنْ جَمَاعَةٍ مِنَ الْمَدَنِيِّينَ عَنِ الثَّقَفِيِّ عَنْ يُوسُفَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ عُمَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ السِّنَانِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فُضَيْلِ بْنِ غَزْوَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جُوَيْبِرٍ عَنِ الضَّحَّاكِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام جَالِساً فَدَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مُتَغَيِّرُ اللَّوْنِ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي رَجُلٌ مِسْقَامٌ كَثِيرُ الْأَوْجَاعِ فَعَلِّمْنِي دُعَاءً أَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى ذَلِكَ فَقَالَ أُعَلِّمُكَ دُعَاءً عَلَّمَهُ جَبْرَئِيلُ علیه السلام لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِي مَرَضِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ علیهما السلام وَ هُوَ هَذَا الدُّعَاءُ إِلَهِي كُلَّمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ نِعْمَةً(۲)

قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا شُكْرِي وَ كُلَّمَا ابْتَلَيْتَنِي بِبَلِيَّةٍ قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا صَبْرِي فَيَا مَنْ قَلَّ شُكْرِي عِنْدَ نِعَمِهِ فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَ يَا مَنْ قَلَّ صَبْرِي عِنْدَ بَلَائِهِ فَلَمْ يَخْذُلْنِي وَ يَا مَنْ رَآنِي عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي وَ يَا مَنْ

۱- ۱. مر نظیره عن مکارم الأخلاق ص ۴۸.

۲- ۲. بنعمه خ.

رَآنِی عَلَی الْخَطَایَا فَلَمْ یُعَاقِبْنِی عَلَیْهَا صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِی ذَنْبِی وَ اشْفِنِی مِنْ مَرَضِی إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ فَرَأَیْتُ الرَّجُلَ بَعْدَ سَنَهٍ حَسَنَ اللَّوْنِ مُشْرَبَ الْحُمْرَهِ قَالَ وَ مَا دَعَوْتُ اللَّهَ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ أَنَا سَقِیمٌ إِلَّا شُفِیتُ وَ لَا مَرِیضٌ إِلَّا بَرِئْتُ وَ مَا دَخَلْتُ عَلَی سُلْطَانٍ أَخَافُهُ (۱)

إِلَّا رَدَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنِّی (۲).

**[ترجمه]مهج الدعوات: ابن عباس رضی الله عنه نقل کرد: نزد علی بن ابیطالب علیه السلام نشسته بودم که مردی با رنگی پریده داخل شد و گفت: ای امیر مؤمنان من مردی که بسیار دردمندم، پس دعایی به من بیاموز تا بدان یاری گیرم، ایشان فرمودند: به دعایی می‌آموزم که جبرئیل علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله آموخت. هنگامی که حسن و حسین علیهما السلام بیمار شده بودند و دعا این است: «خدایا هرگاه نعمتی به من بخشیدی، سپاسگزاری من در برابر آن کم بود، و هرگاه مرا به مصیبتی دچار کردی، صبر من بر آن، اندک شد، ای کسی که سپاسگزاری‌ام از نعمت‌هایش کم است، ولی مرا محروم نگردانید، و ای کسی که شکیبایی من در برابر مصیبت‌هایش، اندک گشت ولی مرا تنها نگذاشت، ای کسی که مرا در حین ارتکاب معصیت دید و رسوا نساخت و مرا به هنگام انجام گناه دید و بر آن عذاب نکرد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، گناهم را بیامرز و بیماری‌ام را شفا ده به راستی که تو بر هر کاری توانایی.

ابن عباس نقل کرد: آن مرد را بعد از یک سال دیدم در حالی که رنگش نیکو و متمایل به سرخی بود و گفت: هنگامی که با این دعا خدا را خواندم، از هر بیماری که داشتم شفا یافتم و هر ناخوشی که در من بود، برطرف گشت و از ظلم هر صاحب قدرتی که بیم داشتم، بعد از خواندن این دعا، خداوند خطر آن را از من برمی‌گرداند. - . مهج الدعوات: ۹ -

**[ترجمه]

«۴۰»

مهج، [مهج الدعوات] سَعْدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْفَرَّاءُ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْجَوَادِ بِالْمَشْهَدِ الْمَوْسُوم بِمَوْلَانَا جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام بِالْجَامِعِینَ یَوْمَ الْجُمُعَهِ الثَّانِی وَ الْعِشْرِینَ مِنْ جُمَادَی الْآخِرَهِ قَالَ حَدَّثَنِی سَعِیدُ بْنُ أَبِی الْفَتْحِ بْنِ الْحَسَنِ الْقُمِّیُّ النَّازِلُ بِوَاسِطٍ قَالَ: حَدَثَ بِی مَرَضٌ أَعْیَا الْأَطِبَّاءَ فَأَخَذَنِی وَالِدِی إِلَی الْمَارِسْتَانِ (۳)

فَجَمَعَ الْأَطِبَّاءَ وَ السَّاعُورَ(۴) فَافْتَکَرُوا فَقَالُوا هَذَا مَرَضٌ لَا یُزِیلُهُ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَی فَعُدْتُ وَ أَنَا مُنْکَسِرُ الْقَلْبِ ضَیِّقُ الصَّدْرِ فَأَخَذْتُ کِتَاباً مِنْ کُتُبِ وَالِدِی فَوَجَدْتُ عَلَی ظَهْرِهِ مَکْتُوباً عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام یَرْفَعُهُ عَنْ آبَائِهِ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ مَنْ کَانَ بِهِ مَرَضٌ فَقَالَ عَقِیبَ الْفَجْرِ أَرْبَعِینَ مَرَّهً بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ فَتَبارَکَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخالِقِینَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ وَ مَسَحَ بِیَدِهِ عَلَیْهَا أَزَالَهُ اللَّهُ تَعَالَی عَنْهُ وَ شَفَاهُ فَصَابَرْتُ الْوَقْتَ إِلَی الْفَجْرِ فَلَمَّا

۱- ۱. خفت جوره خ.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۹.

۳- ۳. المار بالفارسیه: الصحه و البرء، و الاستان بمعنی الدار و المحل فالمارستان: دار الشفاء و المستشفی، و یقال للمریض و المعلول: بی مار کما یقال بیمارستان لذلک.

۴- ۴. فی المصدر: الساعون، و هو تصحیف، و الساعور: مقدم النصاری فی معرفه الطبّ و کأنّه أراد رأس الاطباء فی المارستان، و یظهر من تلک الکلمه و سیره المسیحیین فی العالم أن مار فی مارستان أیضا لغه سریانیه مأخوذه من:« ماریا» اسم مریم علیها السلام، یعنی أنها دار مریم.

طَلَعَ الْفَجْرُ صَلَّيْتُ الْفَرِيضَةَ وَ جَلَسْتُ فِي مَوْضِعِي وَ أَرَدِّدُهَا أَرْبَعِينَ مَرَّةً وَ أَمْسَحُ بِيَدِي عَلَى الْمَرَضِ فَأَزَالَهُ اللَّهُ تَعَالَى فَجَلَسْتُ فِي مَوْضِعِي وَ أَنَا خَائِفٌ أَنْ يُعَاوِدَ فَلَمْ أَزَلْ كَذَلِكَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ أَخْبَرْتُ وَالِدِي بِذَلِكَ فَشَكَرَ اللَّهَ تَعَالَى وَ حَكَى ذَلِكَ لِبَعْضِ الْأَطِبَّاءِ وَ كَانَ ذِمِّيّاً دَخَلَ عَلَيَّ فَنَظَرَ إِلَى الْمَرَضِ وَ قَدْ زَالَ فَحَكَيْتُ لَهُ الْحِكَايَةَ فَقَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ وَ حَسُنَ إِسْلَامُهُ (١).

**[ترجمه]مهج الدعوات: سعید بن ابی الفتح ساکن واسط نقل کرد: به بیماری دچار شدم که طبیبان از درمان آن عاجز شدند پدرم مرا به درمانگاه برد، در آنجا تمامی پزشکان و برجسته ترین آنها جمع شدند و به این نتیجه رسیدند که این درد جز با شفای خداوند تعالی، درمان نمی‌پذیرد، پس با دلی شکسته و سینه‌ای تنگ بازگشتم و کتابی از کتاب‌های پدرم را برداشتم که در پشت آن نوشته شده بود: حضرت صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کردند: هر کسی بیماری دارد کمی قبل از طلوع فجر چهل مرتبه بخواند:

«به نام خداوند بخشنده مهربان، ستایش خدایی که پروردگار جهانیان است، خداوند ما را کافی است و اوست بهترین کارگزار، پرخیر و پاینده است خدایی که بهترین آفریدگاران است و هیچ دگرگونی و نیرویی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمی‌پذیرد».

و دست خود را بر موضع درد بکشد، خداوند تعالی آن را برطرف خواهد کرد و او را شفا خواهد داد. من نیز تا سپیده‌دم صبر کردم و به هنگام طلوع آن، نماز صبح را خواندم و همانجا نشستم و آن دعا را چهل بار خواندم و دستم را بر بیماری‌ام کشیدم و خداوند تعالی آن را برطرف نمود، سرجایم نشستم و می‌ترسیدم که بازگردد و سه روز در همین حالت بودم و آن را به اطلاع پدرم رساندم. او نیز خدا را شکر کرد و آن را برای برخی از پزشکان نقل کرد، و یکی از اهل کتابنزد من آمد و دید که بیماری‌ام از بین رفته است و من حکایت آن را برای او بازگفتم، گفت: گواهی می‌دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد رسول خداست و به نیکی اسلام آورد. - . مهج الدعوات: ۹۸ -

**[ترجمه]

«۴۱»

ب، [قرب الإسناد] هَارُونُ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: اشْتَكَى بَعْضُ وُلْدِ أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَمَرَّ بِهِ فَقَالَ لَهُ قُلْ عَشْرَ مَرَّاتٍ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ فَإِنَّهُ لَمْ يَقُلْهَا أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قَطُّ إِلَّا قَالَ لَهُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَبَّيْكَ عَبْدِي سَلْ حَاجَتَكَ (٢).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام صادق علیه السلام فرمودند: یکی از فرزندان پدرم رضی الله عنه از دردی می‌نالید پدرم به کنار او آمدند و فرمودند: ده بار بگو «ای خدا ای خدا ای خدا» هر کسی از مؤمنان آن را بگوید، خداوند به او می‌فرماید: اجابت کردم ای بنده‌ی من، حاجتت را بخواه. - . قرب الاسناد: ۱ -

**[ترجمه]

«۴۲»

ما، [الأمالي للشيخ الطوسي] الْفَحَّامُ عَنِ الْمَنْصُورِيِّ عَنْ عَمِّ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: مَنْ نَالَتْهُ عِلَّةٌ فَلْيَقْرَأْ فِي جَيْبِهِ الْحَمْدَ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَإِنْ ذَهَبَتِ الْعِلَّةُ وَ إِلَّا فَلْيَقْرَأْهَا سَبْعِينَ مَرَّةً وَ أَنَا الضَّامِنُ لَهُ الْعَافِيَةَ(٣).

**[ترجمه]أمالی: امام هادی علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارشان علیهم السلام فرمودند: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس به ناخوشی گرفتار آید، سوره حمد را هفت بار در گریبان خود بخواند، و اگر بهبودی نیافت، آن را هفتاد مرتبه بخواند، و من عافیت را برای او تضمین می‌کند. - . أمالی طوسی ۱: ۲۹۰ -

**[ترجمه]

«۴۳»

ب، [قرب الإسناد] هَارُونُ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: لِيَقُلْ أَحَدُكُمْ إِذَا هُوَ اشْتَكَى اللَّهُمَّ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ وَ دَاوِنِي بِدَوَائِكَ وَ عَافِنِي مِنْ بَلَائِكَ فَإِنَّهُ لَعَلَّهُ أَنْ يَقُولَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَرَى الْعَافِيَةَ(۴).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه به دردی مبتلا شدید، بگویید: «خدایا از شفای خود مرا بهبودی ببخش و با داروی خود مرا درمان کن و از بلای خود عافیت بخش» شاید نیاز باشد آن را سه بار بخواند تا عافیت یابد. - . قرب الاسناد: ۳ -

**[ترجمه]

«۴۴»

ب، [قرب الإسناد] ابْنُ سَعْدٍ عَنِ الْأَزْدِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: حُمَّ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَأَتَاهُ جَبْرَئِيلُ فَعَوَّذَهُ فَقَالَ بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ يَا مُحَمَّدُ وَ بِسْمِ اللَّهِ أَشْفِيكَ وَ بِسْمِ اللَّهِ مِنْ كُلِّ دَاءٍ يَعْنِيكَ وَ بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ شَافِيكَ وَ بِسْمِ اللَّهِ خُذْهَا فَلْتَهْنِيكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيم فَلا أُقْسِمُ بِمَواقِعِ النُّجُومِ لَتَبْرَأَنَّ بِإِذْنِ اللَّهِ قَالَ بَكْرُ بْنُ مُحَمَّدٍ فَسَأَلْتُهُ عَنْ رُقْيَةِ الْحُمَّى فَحَدَّثَنِي بِهَا وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رُقْيَةِ الْوَرَمِ وَ الْجِرَاحِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام تَأْخُذُ سِكِّيناً ثُمَّ تُمِرُّهَا عَلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي تَشْكُو

ص: ۶۵

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۹۸.

۲- ۲. قرب الإسناد ص ۱.

۳- ۳. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۲۹۰.

۴- ۴. قرب الإسناد ص ۳.

مِنْ جُرْحٍ أَوْ غَيْرِهِ فَتَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ مِنَ الْحَدِّ وَ الْحَدِيدِ وَ مِنْ أَثَرِ الْعُودِ وَ الْحَجَرِ الْمَلْبُودِ وَ مِنَ الْعِرْقِ الْفَاتِرِ وَ مِنَ الْوَرَمِ الْآجِرِ وَ مِنَ الطَّعَامِ وَ عَقْرِهِ وَ مِنَ الشَّرَابِ وَ بَرْدِهِ أَمْضِ إِلَيْكَ بِإِذْنِ اللَّهِ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فِي الْإِنْسِ وَ الْأَنْعَامِ بِسْمِ اللَّهِ فَتَحْتُ وَ بِسْمِ اللَّهِ خَتَمْتُ ثُمَّ أَوْتِدِ السِّكِّينَ فِي الْأَرْضِ (۱).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به تبی دچار شدند، جبرئیل به نزد ایشان آمد و او را تعویذ نمود و خواند: به نام خدا تو را افسون می کنم ای محمد، به نام خدا تو را شفا می‌دهم و به نام خدا از هر دردی که در توست، به نام خدا و خداوند تو را شفا می‌دهد و به نام خدا آن را بگیر که گوارایت باد، به نام خداوند بخشنده مهربان و سوگند نمی‌خورم به جایگاه های ستارگان که به اذن خداوند شفا خواهی گرفت.

بکر بن محمد نقل کرد، از امام صادق علیه السلام در مورد دعای تب پرسیدم، پس آن روایت را برایم نقل کردند و از تعویذ ورم و زخم پرسیدم که فرمودند: چاقویی را بردار و آن را در کنار موضع درد یا زخم قرار ده و بخوان «به نام خدا تو را تعویذ می کنم از لبه شمشیر و آهن، و از خون مردگی و سنگ چسبنده و از رگ ضعیف ورم‌های بدشکل و از غذا و گیر کردن آن در گلو و از مایعات و سردی آن، به اذن خداوند به سوی تو می‌آیم تا سرآمد مشخص در انسان‌ها و چهارپایان به نام خدا آغاز نمودم و به نام خدا به پایان رساندم.» سپس چاقو را در زمین فرو کن. - . قرب الاسناد: ۲۹ -

**[ترجمه]

«۴۵»

ثو، [ثواب الأعمال] ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ ابْنِ مِهْرَانَ عَنِ ابْنِ الْبَطَائِنِيِّ عَنْ صَنْدَلٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: مَنْ أَصَابَهُ مَرَضٌ أَوْ شِدَّةٌ فَلَمْ يَقْرَأْ فِي مَرَضِهِ أَوْ شِدَّتِهِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثُمَّ مَاتَ فِي مَرَضِهِ أَوْ فِي تِلْكَ الشِّدَّةِ الَّتِي نَزَلَتْ بِهِ فَهُوَ فِي النَّارِ(۲).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: هارون بن خارجه نقل کرد: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: هر کس به بیماری و یا ناخوشی مبتلا شود و در آن حالت سوره قل هو الله احد را نخواند و در اثر آن بمیرد، از اهل آتش است. - . ثواب الاعمال: ۱۱۵ -

**[ترجمه]

أقول

قد مضى بتغيير ما في كتاب القرآن (۳)

و قد أوردنا بعض الأخبار في باب أدعيه الصباح و المساء.

**[ترجمه]همین خبر با تغییری مختصر در کتاب القرآن گذشت. - ۳. مراجعه کن ج۹۲ :۳۴۵ -

بعضی از روایت‌ها را در باب دعاهای صبح و شب آوردیم.

**[ترجمه]

«۴۶»

يـج، [الخرائـج و الجرائـح] رَوَى الْحَسَنُ بْنُ ظَرِيفٍ أَنَّهُ قَالَ: اخْتَلَجَ فِي صَدْرِي مَسْأَلَتَانِ وَ أَرَدْتُ الْكِتَابَ بِهِمَا إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ علیه السلام فَكَتَبْتُ أَسْأَلُهُ عَنِ الْقَائِمِ علیه السلام بِمَ يَقْضِي وَ أَيْنَ

۱- ۱. قرب الإسناد ص ۲۹، و الحـد: ظبه السـيف و نحوه، و الحديد وصف منه، و يطلق على الفلز المعروف، و اثر العود ما يبقى بعد الضـرب به من انعقـاد الـدم و اسـوداده تحت الجلـد و الحجر الملبـود، لم نعرف معنـاه، و لعـلّ الصـحيح: الحجز الملبود، و الحجز محركه: الزنـخ لمرض فى المعى، و الملبود: الملصق الملزق. و العرق- ان كـان بالكسـر- فهو من البـدن: أوردته التى يجرى فيهـا الـدم فيكون الفـاتر بمعنى الضـعيف، و لا يكون الا لمرض؛ و ان كان بالفتـح و هو ما جرى من أصول الشـعر من ماء الجلد فالفاتر بمعنى البارد الساكن حرارته، و لا يكون الا عند الموت، و الورم انتفـاخ العضو، و الا-جر- محركه- عـدم اسـتواء العضو بحيث يخرج عن هيئته، و أصـله فى العظم، و عقر الطعـام احتباسه فى الحلقوم فهو بمعنى الغصص، و برد الشراب بالتحريك ما يوجب التخمه فى المعده و فساد الطعام، و قد قيل: اصل كل داء البرده كما قيل: أن الماء يمد الداء.

۲- ۲. ثواب الأعمال ص ۱۱۵.

۳- ۳. راجع ج ۹۲ ص ۳۴۵.

مَجْلِسُهُ وَ أَرَدْتُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنْ رُقْيِهِ الْحُمَّى الرِّبْعِ فَأَغْفَلْتُ ذِكْرَ الْحُمَّى فَجَاءَ الْجَوَابُ سَأَلْتَ عَنِ الْقَائِمِ إِذَا قَامَ يَقْضِي بَيْنَ النَّاسِ بِعِلْمِهِ كَقَضَاءِ دَاوُدَ وَ لَا يَسْأَلُ الْبَيِّنَةَ وَ كُنْتَ أَرَدْتَ أَنْ تَسْأَلَ عَنِ الْحُمَّى الرِّبْعِ فَأُنْسِيتَ فَاكْتُبْ وَرَقَةً وَ عَلِّقْهَا عَلَى الْمَحْمُومِ يا نارُ كُونِي بَرْداً وَ سَلاماً عَلى إِبْراهِيمَ فَكَتَبْتُ وَ عَلَّقْتُ عَلَى الْمَحْمُومِ فَبَرَأَ(۱).

**[ترجمه]مختار الخرائج: حسن بن ظریف نقل کرد: دو سؤال در سینه داشتم که تصمیم گرفتم در نامه‌ای به امام هادی علیه السلام، از او بپرسم، پس نامه‌ای نوشتم و در مورد قائم علیه السلام سؤال نمودم که به چه وسیله حکم می کند؟ و کجا می‌نشیند؟ و می‌خواستم در مورد تعویذ تبی که چهار روز یکبار عارض می شود، نیز از ایشان بپرسم که فراموش کردم، امام در جواب فرمودند: از قائم پرسیدی، او هرگاه قیام کند با علم خود در میان مردم حکم می‌کند مثل قضاوت حضرت داود علیه السلام و دلیل و برهان نمی‌خواهد. و فراموش کردی که از تبی که هر چهار روز یکبار عارض می شود، بپرسی، پس این آیه را بر کاغذی بنویس و بر کسی که تب دارد بیاویز: «ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش» من نیز آن را نوشتم بر شخصی که تب داشت آویختم پس بهبود یافت. - . آن را در مختار الخرائج نیافتیم در مناقب ۴: ۴۳۱ و کافی ۱: ۵۰۹ آمده است. -

**[ترجمه]

«۴۷»

طا، [الأمان]: عُوذَةٌ جَرَّبْنَاهَا لِسَائِرِ الْأَمْرَاضِ فَتَزُولُ بِقُدْرَهِ اللَّهِ تَعَالَى جَلَّ جَلَالُهُ الَّذِی لَا یُخَیِّبُ لَدَیْهِ الْمَأْمُولُ إِذَا عُرِضَ مَرَضٌ فَاجْعَلْ یَدَکَ الْیُمْنَی عَلَیْهِ وَ قُلِ اسْکُنْ أَیُّهَا الْوَجَعُ وَ ارْتَحِلْ السَّاعَهَ مِنْ هَذَا الْعَبْدِ الضَّعِیفِ سَکَّنْتُکَ وَ رَحَّلْتُکَ بِالَّذِی سَکَنَ لَهُ مَا فِی اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ فَإِنْ لَمْ یَسْکُنْ فِی أَوَّلِ مَرَّهٍ فَقُلْ ذَلِکَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَوْ حَتَّی یَسْکُنَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی.

**[ترجمه]امان الاخطار: تعویذی که برای برخی بیماری‌ها به کار بستیم پس به قدرت خداوند جلّ جلاله برطرف گردید، او که هیچ امیدواری از درگاه او ناامید نمی‌شود، هرگاه به بیماری مبتلا شدی دست راست خود را بر آن قرار ده و بگو: «آرام گیر ای درد، و همین لحظه از این بنده ضعیف رخت بربند، تو را آرام کردم و کوچاندم به سمت آن کسی که آنچه در شب و روز است به خاطر او آرام گرفت و اوست شنوای دانا» پس اگر اول بار، آرام نگرفت، سه بار بخوان تا آرام بگیرد انشاء الله تعالی.

**[ترجمه]

«۴۸»

طا، [الأمان]: فِیمَا نَذْکُرُهُ لِزَوَالِ الْأَسْقَامِ وَ جَرَّبْنَاهُ فَبَلَغْنَا بِهِ نِهَایَاتِ الْمَرَامِ یُکْتَبُ فِی رُقْعَهٍ یَا مَنِ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَ ذِکْرُهُ شِفَاءٌ یَا مَنْ یَجْعَلُ الشِّفَاءَ فِیمَا یَشَاءُ مِنَ الْأَشْیَاءِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ شِفَائِی مِنْ هَذَا الدَّاءِ فِی اسْمِکَ هَذَا یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا رَبِّ یَا رَبِّ یَا رَبِّ یَا رَبِّ یَا رَبِّ یَا رَبِّ یَا رَبِّ یَا رَبِّ یَا رَبِّ یَا رَبِّ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ.

**[ترجمه]امان الاخطار: دعایی در برطرف شدن بیماری‌ها و آن را تجربه کردیم و بسیار مطلوب یافتیم، در کاغذی نوشته شود «ای کسی که نامش دوا و یادش شفاست، ای کسی که درمان را در هر آنچه بخواهد، قرار می‌دهد بر محمد و خاندان محمد درود فرست و شفای من از این درد را در این اسم خود قرار ده ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار ای مهربان‌ترین مهربانان ای مهربان‌ترین مهربانان ای مهربان‌ترین مهربانان ای مهربان‌ترین مهربانانای مهربان‌ترین مهربانانای مهربان‌ترین مهربانانای مهربان‌ترین مهربانانای مهربان‌ترین

مهربانانای مهربان‌ترین مهربانانای مهربان‌ترین مهربانان.

**[ترجمه]

«۴۹»

مُحَاسَبَهُ النَّفْسِ، لِلسَّیِّدِ عَلِیِّ بْنِ طَاوُسٍ قُدِّسَ سِرُّهُ نَقْلًا مِنْ کِتَابِ الْمَشِیخَهِ لِلْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ قَالَ: اشْتَکَی بَعْضُ أَصْحَابِ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَالَ لَهُ قُلْ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ عَشْرَ مَرَّاتٍ مُتَتَابِعَاتٍ فَإِنَّهُ لَمْ یَقُلْهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا قَالَ رَبُّهُ لَبَّیْکَ عَبْدِی سَلْ حَاجَتَکَ.

و قد مضی بعض الأخبار فی ذلک فی أبواب الأذکار.

ص: ۶۷

۱- ۱. لم نجده فی مختار الخرائج، و تراه فی المناقب ج ۴ ص ۴۳۱، الکافی ج ۱ ص ۵۰۹.

**[ترجمه]محاسبه النفس: از سید بن طاووس قدس سره به نقل از کتاب المشیخه حسن بن محبوب: امام باقر علیه السلام به یکی از یاران خود که از دردی شکایت داشت، فرمودند: ده مرتبه پی در پی بگو: ای خدا ای خدا زیرا هرگاه مؤمنی چنین بگوید، پروردگارش می‌فرماید اجابت کردم ای بنده من حاجت خود را بخواه.

روایت‌های در این باب، در بخش اذکار ذکر شد .

**[ترجمه]

«۵۰»

عُدَّهُ الدَّاعِی، رُوِیَ: أَنَّ الْوَلَدَ إِذَا مَرِضَ تَرْقَی أُمُّهُ السَّطْحَ وَ تَکْشِفُ عَنْ قِنَاعِهَا حَتَّی تُبْرِزَ شَعْرَهَا نَحْوَ السَّمَاءِ وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَعْطَیْتَنِیهِ وَ أَنْتَ وَهَبْتَهُ لِی اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ هِبَتَکَ الْیَوْمَ جَدِیدَهً إِنَّکَ قَادِرٌ مُقْتَدِرٌ ثُمَّ تَسْجُدُ فَإِنَّهَا لَا تَرْفَعُ رَأْسَهَا إِلَّا وَ قَدْ بَرَأَ ابْنُهَا.

**[ترجمه]عده الداعی: روایت است، هرگاه فرزندی مریض شود، مادرش به پشت بام رود و روسری خود را بردارد و موهای خود را به سمت آسمان بگشاید و بگوید: «خدایا تو او را به من بخشیدی و تو او را به من عطا کردی، خدای پس امروز یک بار دیگر او را به من ببخش به راستی که تو بر هر کاری توانا و قادری» سپس به سجده رود و همین که سر از سجده بردارد، فرزندش شفا خواهد یافت.

**[ترجمه]

«۵۱»

ختص، [الإختصاص] عَنْ عَبْدِ اللَّهِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِیِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ الْفَضْلِ الْکُوفِیِّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَزْدَقِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ عَمْرَوَیْهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ الْأَنْصَارِیِّ عَنْ مَعْمَرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِی رَافِعٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ: مَنْ طَنَّتْ أُذُنُهُ فَلْیُصَلِّ عَلَیَّ وَ لْیَقُلْ مَنْ ذَکَرَنِی بِخَیْرٍ ذَکَرَهُ اللَّهُ بِخَیْرٍ(۱).

**[ترجمه]الاختصاص: عبید الله بن ابی رافع از پدرانش نقل کرد: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس گوشش صدا دهد بر من صلوات فرستد و بگوید: هر کس مرا به نیکی یاد کند خدا او را به نیکی یاد کند. - . الاختصاص: ۶۰ و سند در صفحه ۱۴۲ شماره ۳۶ آمده است. -

**[ترجمه]

باب ۶۰ الدعاء لوجع الظهر

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] الْخَضِرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْخَرَازِینِیِّ عَنْ فَضَالَهَ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الثُّمَالِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدٍ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ: شَکَا رَجُلٌ مِنْ هَمْدَانَ إِلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَجَعَ الظَّهْرِ وَ أَنَّهُ یَسْهَرُ اللَّیْلَ فَقَالَ ضَعْ یَدَکَ عَلَی الْمَوْضِعِ الَّذِی تَشْتَکِی مِنْهُ وَ اقْرَأْ ثَلَاثاً وَ ما کانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ کِتاباً مُؤَجَّلًا وَ مَنْ یُرِدْ ثَوابَ الدُّنْیا نُؤْتِهِ مِنْها وَ مَنْ یُرِدْ ثَوابَ الْآخِرَهِ نُؤْتِهِ مِنْها وَ سَنَجْزِی الشَّاکِرِینَ وَ اقْرَأْ سَبْعَ مَرَّاتٍ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ إِلَی آخِرِهَا فَإِنَّکَ تُعَافَی مِنَ الْعِلَلِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی (۲).

**[ترجمه]طب الائمه: امام محمد باقر علیه السـلام فرمودند: شخصی از اهالی همدان، از درد پشت به نزد امیر مؤمنان علیه السلام شکایت کرد به طوری که شب را تا به صبح بیـدار است، امام فرمودند: دسـتت را بر موضع درد قرار ده و سه بار بخوان: «وَ ما کانَ لِنَفْسٍ أَن تَمُوتَ إِلاَّ بِإِذْنِ اللَّهِ کِتاباً مُؤَجَّلاً وَ مَنْ یُرِدْ ثَوابَ الـدُّنْیا نُؤْتِهِ مِنْها وَ مَنْ یُرِدْ ثَوابَ الْآخِرَهِ نُؤْتِهِ مِنْها وَ سَـنَجْزِی الشَّاکِرِینَ: و هیـچ نفسـی جز به فرمان خدا نمیرد. به عنوان سـرنوشتی معین. و هر که پاداش این دنیا را بخواهد به او از آن می دهیم و هر که پاداش آن سرای را بخواهد از آن به او می دهیم، و به زودی سپاسـگزاران را پـاداش خواهیم داد» و هفت بـار سوره انـا انزلناه فی لیله القـدر را نیز بخوان، انشاء الله تعالی، شـفا خواهی یافت. - . طب الائمه: ۳۰ -

**[ترجمه]

«۲»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ مِنْ وُلْدِ الْمُعَلَّی بْنِ خُنَیْسٍ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ أَبِی یَعْقُوبَ

ص: ۶۸

۱- ۱. الاختصاص ص ۱۶۰، و السند فی ص ۱۴۲، و قد مر تحت الرقم ۳۶ بنصه.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۳۰.

الزَّيَّاتِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُخْتَارٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كُنَّا مَعَهُ فِي سَفَرٍ وَ مَعَهُ إِسْمَاعِيلُ بْنُ الصَّادِقِ عليه السلام فَشَكَا إِلَيْهِ وَجَعَ بَطْنِهِ وَ ظَهْرِهِ فَأَنْزَلَهُ ثُمَّ أَلْقَاهُ عَلَى قَفَاهُ وَ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ بِصُنْعِ اللَّهِ الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْ ءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِما تَفْعَلُونَ اسْكُنْ يَا رِيحُ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: ابى عبدالله به همراه امام صادق علیه السلام در سفر بوديم و فرزندشان اسماعيل بن صادق علیه السلام نيز با ايشان بود، كه به نزد ايشان از درد شكم و پشت شكايت كرد، امام ايشان را از مركب پايين آوردند و او را به پشت خواباندند و خواندند: «به نام خدا و با استعانت از خدا به ساخته خدا كه هر چيز را به نيكى آفريد به راستى كه او به آنچه انجام مى‌دهيد آگاه است، اى باد آرام گير به آن كسى كه آنچه در شب و روز است به او آرام گرفت، و اوست شنواى دانا». - . طب الائمه: ۷۹ — ۷۸ -

**[ترجمه]

«۳»

مكا، [مكارم الأخلاق]: لِوَجَعِ الظَّهْرِ شَهِدَ اللَّهُ إِلَى قَوْلِهِ سَرِيعُ الْحِسابِ (۲).

**[ترجمه]مكارم الاخلاق: براى رفع درد پشت خوانده شود: آيه شهد اللهتا سريع الحساب. - . مكارم الاخلاق: ۴۳۵، آل عمران/۱۷ — ۱۶ -

**[ترجمه]

باب ۶۱ الدعاء لوجع الفخذين

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْكَاتِبُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الزَّعْفَرَانِيِّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى رَفَعَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ: إِذَا اشْتَكَى أَحَدُكُمْ وَجَعَ الْفَخِذَيْنِ فَلْيَجْلِسْ فِي تَوْرٍ كَبِيرٍ أَوْ طَشْتٍ فِي الْمَاءِ الْمُسَخَّنِ وَ لْيَضَعْ يَدَهُ عَلَيْهِ وَ لْيَقْرَأْ أَ وَ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ كانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ كُلَّ شَيْ ءٍ حَيٍّ أَ فَلا يُؤْمِنُونَ (۳).

**[ترجمه]طب الائمه: امير مؤمنان علیه السلام فرمودند: هرگاه شخصى از شما دردى در ران‌ها احساس كرد در ظرفى بزرگ يا تشتى از آب گرم بنشيند و دست خود را بر آن قرار دهد و بخواند: «أَ وَ لَمْ يَرَ الَّذينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّماوات وَ الْأَرْضَ كانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ كُلَّ شَيْ ءٍ حَيٍّ أَفَلايُؤْمِنُون: آيا كسانى كه كفر ورزيدند ندانستند كه آسمانها و زمين هر دو به هم پيوسته بودند،و ما آن دو را از هم جدا ساختيم، و هر چيز زنده اى را از آب پديد آورديم؟ آيا ايمان نمى آورند». - . طب الائمه: ۳۱ -

**[ترجمه]

باب ۶۲ الدعاء لوجع الرحم

الأخبار

«۱»

مکا، [مکارم الأخلاق]: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ الَّذِی بِإِذْنِهِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ فَإِنَّ مَرْیَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ لَمْ یَضُـرَّهَا وَجَعُ الْأَرْحَامِ كَذَلِكَ یَشْفِی اللَّهُ فُلَانَهَ بِنْتَ فُلَانَهَ مِنْ وَجَعِ

ص: ۶۹

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۷۸- ۷۹.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۳۵، و الآیه فی آل عمران: ۱۶- ۱۷.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۳۱.

الْأَرْحَامِ وَ مِنْ وَجَعِ عِرْقِ الْأَرْحَامِ اسْلَمْ اسْلَمْ بِسْمِ اللَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ بِسْمِ اللَّهِ الْمُسْتَغَاثِ بِاللَّهِ عَلَى مَا هُوَ كَائِنٌ وَ عَلَى مَا قَدْ كَانَ وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً ب بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَماءُ بَيْنَهُمْ تَراهُمْ رُكَّعاً سُجَّداً إِلَى آخِرِ السُّورَهِ(۱) أَجِيبُوا داعِيَ اللَّهِ عَزَمْتُ عَلَى سَامِعِهِ الْكَلَامِ إِلَّا أَجَابَتْ هَذَا الْخَاتَمَ بِعَزَائِمِ اللَّهِ السَّدَادِ الَّتِي تُزْهِقُ الْأَرْوَاحَ وَ الْأَجْسَادَ وَ لَا يَبْقَى رُوحٌ وَ لَا فُؤَادٌ أَجِبْ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي قَالَ لِلسَّماوَاتِ وَ الْأَرْضِ ائْتِيا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قالَتا أَتَيْنا طائِعِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ اقْرَأْهَا أَنْتَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ نَفْسِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ (۲).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: به نام خدا و با استعانت از خدا، او که به خواستش آسمان‌ها و زمین بر پا گشت، به درستی که مریم دختر عمران، درد رحم او را آزار نداد، و اینچنین خداوند فلانه فرزند فلانه را از درد رحم و از درد رگ رحم شفا می‌دهد، سالم شو سالم شو به اسم خداوند زنده پایدار به نام خداوند فریادرس، در پناه خدا از آنچه اکنون هست و در گذشته بود و گواهی می‌دهم خداوند بر هر چیزی تواناست و علم او همه چیز را فرا گرفته است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَماءُ بَيْنَهُمْ تَراهُمْ رُكَّعاً سُجَّداً تا آخر سوره، به نام خداوند بخشنده مهربان محمّد پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر با همدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می بینی. - . فتح: ۲۹ -

اجابت کنید [آنکه خدا را می‌خواند] سوگند دادمشنونده این کلام را که این مهر را اجابت کندبه سوگندهای محکم خدا که ارواح و پیکرها را از بین می‌برد و هیچ روح و قلبی باقی نمی‌ماند، اجابت کن به نام خدایی که به آسمان‌ها و زمین فرمود: خواه یا ناخواه بیایید. آن دو گفتند: فرمان پذیر آمدیم. بر محمد و خاندان پاکش درود فرست» و آن را بین خودت بخوان، انشاء الله تعالی. - . مکارم الاخلاق: ۴۳۵، و در آن تصاویر حروف نیست. -

**[ترجمه]

باب ۶۳ الدعاء لورم المفاصل و أوجاعها

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] الْحَسَنُ بْنُ صَالِحٍ الْمَحْمُودِيُّ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قَالَ لِي يَا جَابِرُ قُلْتُ لَبَّيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ اقْرَأْ عَلَى كُلِّ وَرَمٍ آخِرَ سُورَهِ الْحَشْرِ لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلى جَبَلٍ إِلَى آخِرِ السُّورَهِ وَ اتْفُلْ (۳)

عَلَيْهَا ثَلَاثاً فَإِنَّهُ يَسْكُنُ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى تَأْخُذُ سِكِّيناً وَ تُمِرُّهَا عَلَى الْوَرَمِ وَ تَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ مِنَ الْجِدِّ وَ الْحَدِيدِ وَ مِنْ أَثَرِ الْعُودِ وَ مِنَ الْحَجَرِ الْمَلْبُودِ وَ مِنَ الْعِرْقِ الْعَاقِرِ وَ مِنَ الْوَرَمِ الآخر [الْأَحَرِّ] وَ مِنَ

۱- ۱. الفتح: ۲۹.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۳۵، و لیس فیه الحروف المصوره.

۳- ۳. فی المصدر: و اتل علیها.

الطَّعَامِ وَ عَقْدِهِ وَ مِنَ الشَّرَابِ وَ بَرْدِهِ امْضِ بِإِذْنِ اللَّهِ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فِي الْإِنْسِ وَ الْأَنْعَامِ بِسْمِ اللَّهِ فَتَحْتُ وَ بِسْمِ اللَّهِ خَتَمْتُ ثُمَّ أَوْتِدِ السِّكِّينَ فِي الْأَرْضِ (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: جابر نقل کرد: امام باقر علیه السلام به من فرمودند: ای جابر، عرض کردم: بله ای رسول خدا، فرمودند: بر هر ورمی آیات آخر سوره حشر «لَو أنزلنا هذا القُرآنَ عَلى جَبَلٍ» تا آخر سوره را بخوان و سه بار بر آن آب دهان بیانداز که به خواست خداوند بهبود خواهد یافت.

چاقویی برمی‌داری و آن را در کنار ورم قرار می‌دهی و می گویی: « به نام خدا تو را تعویذ می کنم از لبه شمشیر و آهن، و از خون مردگی و سنگ چسبنده و از رگ ضعیف و ورم‌های بدشکل و از غذا و گیر کردن آن در گلو و از مایعات و سردی آن، به اذن خداوند به سوی تو می‌آیم تا سرآمد مشخص در انسان‌ها و چهارپایان به نام خدا آغاز نمودم و به نام خدا به پایان رساندم» سپس چاقو را در زمین فرو کن. - . طب الائمه: ۳۴ -

**[ترجمه]

«۲»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْبُرْسِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْأَرْمَنِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي زَيْنَبَ قَالَ: بَيْنَا أَنَا عِنْدَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام إِذْ أَتَاهُ سِنَانُ بْنُ سَلَمَةَ مُصْفَرَّ الْوَجْهِ فَقَالَ لَهُ مَا لَكَ فَوَصَفَ لَهُ مَا يُقَاسِيهِ مِنْ شِدَّةِ الضَّرَبَانِ فِي الْمَفَاصِلِ فَقَالَ لَهُ وَيْحَكَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ دَعْوَةِ نَبِيِّكَ الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ الْمَكِينِ عِنْدَكَ صلی الله علیه و آله وَ بِحَقِّهِ وَ بِحَقِّ ابْنَتِهِ فَاطِمَةَ الْمُبَارَكَةِ وَ بِحَقِّ وَصِيِّهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ حَقِّ سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِلَّا أَذْهَبْتَ عَنِّي شَرَّ مَا أَجِدُهُ بِحَقِّهِمْ بِحَقِّهِمْ بِحَقِّهِمْ بِحَقِّكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ فَوَ اللَّهِ مَا قَامَ مِنْ مَجْلِسِهِ حَتَّى سَكَنَ مَا بِهِ (۲).

**[ترجمه]طب الائمه: ابن ابی زینب نقل کرد: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که سنان بن سلمه با رنگی پریده بر ایشان وارد شد، امام به او فرمودند: تو را چه شده است؟ او از تپش در زانوهای خود و سختی آن حکایت کرد، امام فرمودند: وای بر تو، بخوان: «خدایا از تو می... خواهم، به نام‌هایت و برکاتت و دعوت پیامبر طاهر و مبارک و دارای منزلت در نزد خود درود خدا بر او و خاندانش، به حق او و به حق دخترش فاطمه مبارک، و به حق جانشینش امیر مؤمنان و به حق دو سرور جوانان اهل بهشت، درد مرا برطرف نمای و به حق آنان به حق آنان به حق آنان، به حق خودت ای خدای جهانیان». سوگند به خدا، همین که از جایش برخاست، از دردها شفا یافت. - . طب الائمه: ۷۰ – ۶۹ -

**[ترجمه]

«۳»

مکا، [مكارم الأخلاق]: مَنْ لَحِقَهُ عِلَّةٌ فِي سَاقِهِ أَوْ تَعَبٌ أَوْ نَصَبٌ فَلْيَكْتُبْ عَلَيْهِ وَ لَقَدْ خَلَقْنَا السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَيْنَهُما فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ ما مَسَّنا مِنْ لُغُوبٍ (۳).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: هر کس در ساق پای خود، بیماری، خستگی یا کوفتگی بیابد، بر آن بنویسد: «و لَقَدْ خَلَقْنَا السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَيْنَهُما فی سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ ما مَسَّنا مِنْ لُغُوبٍ: و در حقیقت، آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است در شش هنگام آفریدیم و احساس ماندگی نکردیم». - . مکارم الاخلاق: ۴۴۱ -

**[ترجمه]

«۴»

عُدَّةُ الدَّاعِی، أَبُو حَمْزَةَ قَالَ: عَرَضَ لِی وَجَعٌ فِی رُکْبَتِی فَشَکَوْتُ ذَلِکَ إِلَی أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَالَ إِذَا أَنْتَ صَلَّیْتَ فَقُلْ یَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَی وَ یَا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ وَ یَا أَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ ارْحَمْ ضَعْفِی وَ قِلَّهَ حِیلَتِی وَ أَعْفِنِی مِنْ وَجَعِی قَالَ فَقُلْتُهُ فَعُوفِیتُ.

ص: ۷۱

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۳۴، و قد مر مثله ص ۶۶ مشروحا.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۶۹- ۷۰.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۴۱.

**[ترجمه]عـده الـداعی: ابو حمزه نقل کرد: به دردی در زانوهایم مبتلا شدم و از آن نزد امام باقر علیه السلام شکایت بردم، فرمودند: بعد از نماز بخوان: «ای بخشنده‌ترین کسی عطا کرد و ای بهترین کسی که از او درخواست شد و ای مهربان‌ترین کسی که از او طلب مهربانی شد، بر ناتوانی و بیچارگی من رحم کن و مرا از دردم عافیت بخش» نقل کرد: آن را خواندم پس شفا یافتم .

**[ترجمه]

باب ۶۴ الدعاء للعرق الشائع فی بلده لار المعروف بالفارسیه پیبوکو رشته لار أیضا

الأخبار

«۱»

مکا، [مکارم الأخلاق]: لِلْعِرْقِ الْمَدِینِیِّ وَ یُقَالُ لَهُ بِالْفَارِسِیَّهِ رشته (۱)

یُؤْخَذُ خَیْطٌ مِنْ صُوفِ جَمَلٍ وَ یُنْتَفُ مِنْهُ مِنْ غَیْرِ أَنْ یُجَزَّ عَنْهُ بِجَلَمٍ (۲) أَوْ سِکِّینٍ أَوْ مِقْرَاضٍ وَ یَعْقِدُ عَلَیْهِ سَبْعَ عُقَدٍ وَ یُقْرَأُ عَلَی کُلِّ عُقْدَهٍ فَاتِحَهُ الْکِتَابِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ یُدْعَی عَلَیْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ هَذَا الدُّعَاءُ بِسْمِ اللَّهِ الْأَبَدِ الْأَبَدِ الْمُحْصِی الْعَدَدَ الْقَرِیبِ لِمَا بَعُدَ الطَّاهِرِ عَنِ الْوَلَدِ الْعَالِی عَنْ أَنْ یُولَدَ الْمُنْجِزِ لِمَا وَعَدَ الْعَزِیزِ بِلَا عَدَدٍ الْقَوِیِّ بِلَا مَدَدٍ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً أَحَدٌ یَا خَالِقَ الْخَلِیقَهِ یَا عَالِمَ السِّرِّ وَ الْخَفِیَّهِ یَا مَنِ السَّمَاوَاتُ بِقُدْرَتِهِ مُرْخَاهٌ یَا مَنِ الْأَرْضُ بِعِزَّتِهِ مَدْحُوَّهٌ یَا مَنِ الْجِبَالُ بِإِرَادَتِهِ مُرْسَاهٌ یَا مَنْ نَجَا بِهِ صَاحِبُ الْفَرْقِ مِنْ کُلِّ آفَهٍ وَ بَلِیَّهٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ خَیْرِ خَلْقِکَ وَ اشْفِ اللَّهُمَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانَهَ بِشِفَائِکَ وَ دَاوِهِ بِدَوَائِکَ وَ عَافِهِ مِنْ بَلَائِکَ إِنَّکَ قَادِرٌ عَلَی مَا تَشَاءُ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ آلِهِ (۳).

ص: ۷۲

۱- ۱. قال فی البرهان: أنه مرض یعلو الاجسام کاوتار الحبل، و الاکثر الابتلاء به فی مدینه لار.

۲- ۲. الجلم: ما به یجز الشعر و الصوف، و هو شی ء یشبه المقراض.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۷۱.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: برای دفع عرق مدینیّ که به فارسی به آن رشته می‌گویند. - . در برهان گفت: بیماری که مثل تارهای ریسمان بر بدن ظاهر می‌شود و بیشتر در شهر لار به آن مبتلا شوند. -

نخی از پشم شتر گرفته می‌شود و مقداری از آن البته بدون چاقو، مقراض و یا هر وسیله‌ای شبیه آنها، جدا می‌شود، و به آن هفت گره زده شود و بر هر گره، سه بار سوره فاتحه الکتاب خوانده شود و سپس سه بار این دعا بر آن خوانده شود: «به نام خداوند همیشگی همیشگی، شمارنده اعـداد، نزدیک به آنچه دور است، عاری از فرزنـد و بالاتر از آنکه صاحب فرزند شود، وفاکننده به آنچه وعده می‌دهد، شـکست ناپذیر بدون آنکه توشه ای بر گیرد، توانا بـدون یاری گرفتن، نزاییـد و زاییـده نشـد و هیچ همتایی ندارد، ای آفریننده مخلوقات، ای دانای نهان و پنهان، ای کسـی که آسمان‌ها به قدرت او برافراشته شدند و ای کسی که زمین به عزت او گسترده شد، ای کسی که کوه‌ها به خواست او استوار گشتند، ای کسی که به واسـطه او صاحب فرقه‌ها از هر آفت و بلایی رهایی یافت، درود خـدا بر محمد بهترین مخلوقات، خدایا فلان فرزند فلانه را با شفـای خود، شـفا ده و بـا داروی خود درمـان کن و از بلاـی خود عـافیت بخش، به راسـتی که تو بر هر چه خواهی توانـایی، و تو مهربـان‌ترین مهربانانی و درود خدا بر محمد پیامبر و خاندان او. - . مکارم الاخلاق: ۴۷۱ -

**[ترجمه]

باب ۶۵ الدعاء لعرق النساء

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السـلام] مُعَلَّى بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْوَاسِـطِيُّ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحْرِزِ بْنِ سُـلَيْمَانَ الْأَزْرَقِ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي إِسْـحَاقَ عَنِ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السـلام: أَنَّهُ عَلَّمَ رَجُلًا مِنْ أَصْـحَابِهِ وَ شَـكَا إِلَيْهِ عِرْقَ النَّسَا فَقَالَ إِذَا أَحْسَـسْتَ بِهِ فَضَعْ يَدَكَ عَلَيْهِ وَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِـاللَّهِ أَعُوذُ بِسْمِ اللَّهِ الْكَبِيرِ وَ أَعُوذُ بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَـرِّ كُـلِّ عِرْقٍ نَعَّارٍ وَ مِنْ شَـرِّ حَرِّ النَّارِ فَإِنَّكَ تُعَافَى بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى قَالَ الرَّجُلُ فَمَا قُلْتُ ذَلِكَ إِلَّا ثَلَاثاً حَتَّى أَذْهَبَ اللَّهُ مَا بِي وَ عُوفِيتُ مِنْهُ (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: امیر مؤمنان علیه السلام به یکی از یارانش—که از عرق النسا به نزد ایشان شکایت کرد—فرمودند: هرگاه آن را احساس کردی، دست خود را به آن قرار ده و بگو: «به نام خداونـد بخشـنده مهربان به نام خدا و با اسـتعانت از خدا، پناه می‌برم به نام خداوند بزرگ و به نام خداوند باعظمت از شرّ هر خون که بند نیاید و از شـر گرمای آتش» که به اذن خداوند تعالی عافیت می‌یابی، آن شـخص گفت: سه بار این کار را کردم و خداوند درد مرا برطرف نمود و عافیت بخشید. - . طب الائمه: ۳۷ -

**[ترجمه]

«۲»

مکـا، [مکـارم الأخلاـق]: لِلْعِرْقِ الْمَـدِينِيِّ يُكْتَبُ عَلَيْهِ وَقْتَ الْحِكَّهِ قَبْـلَ أَنْ يَخْرُجَ وَ يَسْـئَلُونَكَ عَنِ الْجِبـالِ إِلَى قَوْلِهِ أَمْتاً(۲) وَ يُطْلَى بِـالصَّبِرِ(۳) وَ يُكْتَبُ أَيْضاً هَذِهِ الْآيَهُ أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلى قَرْيَهٍ وَ هِيَ خاوِيَهٌ عَلى عُرُوشِها قالَ أَنَّى يُحْيِي هذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِها فَأَماتَهُ اللَّهُ مِائَهَ عامٍ (۴).

ص: ۷۳

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۳۷.

۲- ۲. و يسألونک عن الجبال فقل ينسفها ربى نسفا، فيذرها قاعا صفصفا لا ترى فيها عوجا و لا أمتا: طه: ۱۰۵- ۱۰۷.

۳- ۳. الصبر: ككتف: عصاره شجر مر، و الواحده صبره، و لا تسكن باؤه الا لضروره.

۴- ۴. مكارم الأخلاق ص ۴۴۲.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: برای رفع عرق مـدینی: به هنگام خارش و قبل از آنکه خارج شود، بر آن نوشته شود «و یَسْئَلُونَکَ عَنِ الْجِبالِ فَقُلْ یَنْسِفُها رَبِّی نَسْفاً فَیَذَرُها قاعاً صَفْصَفاً لا تَری فیها عِوَجاً وَ لا أَمْتاً: و از تو درباره کوه ها می پرسند، بگو: «پروردگارم آنها را ریز ریز خواهد ساخت، پس آنها را پهن و هموار خواهد کرد نه در آن کژی می بینی و نه ناهمواری.» - . طه: ۱۰۵-۱۰۷ - و با صبر - . صبر : عصاره درختی تلخ است. -

آغشته شود.

این آیه نیز نوشته شود: «أَو کَالَّذی مَرَّ عَلی قَرْیَهٍ وَ هِیَ خاوِیَهٌ عَلی عُرُوشِها قالَ أَنَّی یُحْیِی هذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِها فَأَماتَهُ اللَّهُ مِائَهَ عامٍ: یا چون آنکس که به شهری که بامهایش یکسر فرو ریخته بود، عبور کرد گفت: چگونه خداوند، این را پس از مرگشان زنده می کند؟». پس خداوند، او را صد سال میراند». - . مکارم الاخلاق: ۴۴۲ -

**[ترجمه]

باب ۶۶ دعاء رگ باد افکندن

الأخبار

«۱»

مکا، [مکارم الأخلاق]: یَقْرَأُ أَ وَ لَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ کانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ یُفَرْقِعُ إِصْبَعاً مِنْ أَصَابِعِهِ بِاسْمِ صَاحِبِ الْوَجَعِ (۱).

<meta info="[مکارم الاخلاق]: بخوانـد: «أَ وَ لَمْ یَرَ الَّذینَ کَفَرُوا أَنَّ السَّماوات وَ الْأَرْضَ کانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما: آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند، و ما آن دو را از هم جدا ساختیم.» و یکی از انگشتانش را به اسم بیمار بشکند. - . مکارم الاخلاق: ۴۴۲، عنوان («رگ باد افکندن» در آن نیست، و ظاهراً متن صحیح است.) -

**[ترجمه]

باب ۶۷ الدعاء للفالج و الخدر

الأخبار

«۱»

کش، [رجال الکشی] مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ ابْنِ أُورَمَهَ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِیسَی عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ جَابِرٍ قَالَ: أَصَابَتْنِی لَقْوَهٌ(۲) فِی وَجْهِی فَلَمَّا قَدِمْنَا الْمَدِینَهَ دَخَلْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ مَا الَّذِی أَرَاهُ بِوَجْهِکَ قَالَ فَقُلْتُ فَاسِدَهُ الرِّیح قَالَ فَقَالَ لِیَ ائْتِ قَبْرَ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَصَلِّ عِنْدَهُ رَکْعَتَیْنِ ثُمَّ ضَعْ یَدَکَ عَلَی وَجْهِکَ ثُمَّ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ بِهَذَا اخْرُجْ أَقْسَمْتُ عَلَیْکِ مِنْ عَیْنِ إِنْسٍ أَوْ عَیْنِ جِنٍّ أَوْ وَجَعٍ اخْرُجْ أَقْسَمْتُ عَلَیْکِ بِالَّذِی اتَّخَذَ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلًا وَ کَلَّمَ مُوسَی تَکْلِیماً وَ خَلَقَ عِیسَی مِنْ رُوحِ الْقُدُسِ لَمَّا هَدَأْتِ وَ طَفِئْتِ کَمَا طَفِئَتْ نَارُ إِبْرَاهِیمَ اطْفِئِی بِإِذْنِ اللَّهِ قَالَ فَمَا عَاوَدْتُ إِلَّا مَرَّتَیْنِ حَتَّی رَجَعَ وَجْهِی فَمَا عَادَ إِلَی السَّاعَهِ(۳).

**[ترجمه]رجال الکشی: جابر نقل کرد: در چهره‌ام کجی پیدا شد، وقتی به مدینه آمدیم، خدمت امام صادق علیه السالم رسیدم، ایشان

فرمودند: صورتت را چه شده است؟ عرض کردم: بادی بد خیم است. فرمودند: به نزد قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برو و دو رکعت نماز بگزار، سپس دستت را بر صورتت قرار ده و بگو «به نام خدا و با استعانت از خدا، به این خارج شو. تورا قسم می‌دهم از شر چشم انسان یا چشم جن یا هر دردی، خارج شو تو را قسم می‌دهم به آنکه ابراهیم را خلیل خود برگرفت و با موسی سخن گفت و عیسی را از روح القدس آفرید، تو را قسم می‌دهم که آرام گیری و خاموش شوی همانطور که آتش بر ابراهیم خاموش گشت، به اذن خداوند خاموش شو.» و نقل کرد، همین که دو بار چنین کردم، صورتم به حالت اولیه برگشت و تا کنون به آن بیماری مبتلا نشده است. - . رجال الکشی: ۱۷۴ -

**[ترجمه]

«۲»

مکا، [مکارم الأخلاق]: شَكَا إِلَى أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام رَجُلٌ فَقَالَ إِنَّ لِیَ ابْنَةً یَأْخُذُهَا فِی

ص: ۷۴

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۴۲، و لیس فیه عنوان« رگ باد افکندن» و الظاهر أن المتن هو الصحیح.
۲- ۲. اللقوه بالفتح: داء یصیب الوجه یعوج منه الشدق الی أحد جانبی العنق فیخرج البلغم و البصاق من جانب واحد، و لا یحسن التقاء الشفتین و لا تنطبق احدی العینین.
۳- ۳. رجال الکشّیّ ص ۱۷۴.

عَضُدِهَا خَدَرٌ(۱)

أَحْيَاناً حَتَّى تَسْقُطَ فَقَالَ انْظُرْ إِلَى ابْنَتِكَ فَغَذِّهَا أَيَّامَ الْحَيْضِ بِالشِّبِتِّ الْمَطْبُوخِ (۲) وَ الْعَسَلِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ قَالَ وَ تَقْرَأُ عَلَى الْفَالِجِ وَ الْقُولَنْجِ وَ الْخَامِّ وَ الْإِبْرِدَهِ(۳) وَ الرِّيحِ مِنْ كُلِّ وَجَعٍ أُمَّ الْقُرْآنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ ثُمَّ تَكْتُبُ بَعْدَ ذَلِكَ أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ عِزَّتِهِ الَّتِي لَا تُرَامُ وَ قُدْرَتِهِ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْ ءٌ مِنْ شَرِّ هَذَا الْوَجَعِ وَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ مِنْهُ يَكْتُبُ هَذَا فِي كَتِفٍ أَوْ لَوْحٍ وَ يَغْسِلُهُ بِمَاءِ السَّمَاءِ وَ يَشْرَبُهُ عَلَى الرِّيقِ عِنْدَ مَنَامِهِ يَبْرَأُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى (۴).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: مردی به نزد امام باقر علیه السلام شکایت برد: دختری دارم که گاهی بازویش بی‌حس می‌شود. تا اینکه بر زمین می‌افتد، امام فرمودند: به دخترت بنگرو در هنگامی که حائض است، به مدت سه روز به او شوید پخته و عسل بخوران.

و فرمودند: برای رفع فلجی و قولنج و خامّ - . خامّ: به گوشت و شیری گویند که بویش تغییر کرده باشد. و شاید بیماری باشد شبیه بد هضمی که سبب فاسد شدن عذا در شکم می شود به طوری که مدفوع نیز بد بو می شود و کرم های کوچک نیز را به وجود می آورد. - و سردی مزاج و باد هر دردی خوانده شود: ام القرآن، قل هو الله احد، قل اعوذ برب الناس، قل اعوذ برب الفلق، سپس این دعا نوشته شود: «پناه می‌برم به روی باعظمت خدا و عزتش که [قابل دسترسی نیست و قدرتش که] که هیچ چیز از سیطره آن بیرون نیست از شر این درد و از شر آنچه در آن است و از شر آنچه از آن می‌یابم، این دعا را بر شانه یا لوحی نوشته شود و با آب باران شسته شود و هنگام خواب، ناشتا به او نوشانده شود، انشاء الله تعالی شفا خواهد یافت. - . مکارم الاخلاق: ۴۴۰ و در طب الائمه: ۶۵ با ذکر سند آمده است. -

**[ترجمه]

باب ۶۸ الدعاء للحصاه و الفالج أیضا

الأخبار

«۱»

مکا، [مکارم الأخلاق] عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: تَقُولُ حِينَ تُصَلِّي صَلَاةَ اللَّيْلِ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ دُعَاءَ الذَّلِيلِ الْفَقِيرِ الْعَلِيلِ أَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَ قَلَّتْ حِيلَتُهُ وَ ضَعُفَ عَمَلُهُ وَ أَلَحَّ عَلَيْهِ الْبَلَاءُ دُعَاءَ مَكْرُوبٍ إِنْ لَمْ تُدْرِكْهُ هَالِكٍ إِنْ لَمْ تَسْتَنْقِذْهُ فَلَا حِيلَةَ لَهُ فَلَا يُحِيطَنَّ بِي مَكْرُكَ وَ لَا يُبَيِّتُ عَلَيَّ غَضَبُكَ وَ لَا تَضْطَرَّنِي إِلَى الْيَأْسِ مِنْ رَوْحِكَ وَ الْقُنُوطِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ طُولِ التَّصَبُّرِ عَلَى الْبَلَاءِ اللَّهُمَ

۱- ۱. تشنج للعصب فلا یستطیع الحرکه.

۲- ۲. الشبت- بکسرتین: نبت و یقال له: شود أیضا.

۳- ۳. الخام: المتغیر المنتن من اللبن و اللحم، و لعله داء شبه التخمه یورث فساد الطعام فی الجوف بحیث ینتن المدفوع أیضا، و یورث الدیدان الصغار، و یؤید ذلک أن الحدیث عنون فی کتاب طبّ الأئمّه مسندا تحت عنوان« للخام و الابرده و القولنج» ثم ذکر بعد الحدیث ما یقتل الدود أیضا، و أمّا الابرده- بالکسر- برد الجوف کما ذکره فی اللسان و البرده بالتحریک: التخمه کما مر.

۴- ۴. مکارم الأخلاق ص ۴۴۰، و رواه فی طبّ الأئمّه ص ۶۵ مسندا.

إِنَّهُ لَا طَاقَةَ لِي بِبَلَائِكَ وَ لَا غِنَى بِي عَنْ رَحْمَتِكَ وَ هَذَا ابْنُ حَبِيبِكَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهِ فَإِنَّكَ جَعَلْتَهُ مَفْزَعاً لِلْخَائِفِ وَ اسْتَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا سَبَقَ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ فَاكْشِفْ لِي ضُرِّي وَ خَلِّصْنِي مِنْ هَذِهِ الْبَلِيَّةِ وَ أَعِدْنِي مَا عَوَّدْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَ عَافِيَتِكَ يَا هُوَ يَا هُوَ يَا هُوَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ (۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که نماز شب را می‌خوانی در حالت سجده بگو: «خدایا تو را همچون انسانی خوار، فقیر و بیمار می‌خوانم، تو را می‌خوانم همچون کسی که نیازش افزون گشت و چاره‌اش اندک و کارش سست شد و بلاها بر او فشار آوردند، تو را می‌خوانم همچون کسی که اگر او را درنیابی، در گرفتاری‌ها فرو می‌رود و اگر او را نجات نبخشی هلاک می گردد، هیچ چاره‌ای ندارد، مکر خود را بر جان من چیره نگردان و خشمت را بر من وارد مکن و مرا به یأس از آسایش و ناامیدی از رحمتت و صبر فراوان بر مصیبتت ناچار مکن. زیرا توان تحمل بلای تو را ندارم و نمی‌توانم از رحمت تو بینیاز گردم و این فرزند محبوب توست که در درگاه تو او را پیشاپیش خود قرار دادم زیرا تو او را پناهگاه هراسناکان قرار دادی و علم گذشته و حال را به او سپردی پس گره‌ام را بگشای و مرا از این مصیبت رهایی بخش و آنچه از رحمت و عافیتت که به من دادی به سویم بازگردان ای او ای او ای او، امیدها جز از تو به ناامیدی گرایید». - . مکارم الاخلاق: ۴۵۲ -

**[ترجمه]

باب ۶۹ الدعاء للزحير و اللوی

اشاره

باب ۶۹ الدعاء للزحير و اللوی (۲)

**[ترجمه]باب ۶۹ الدعاء للزحير و اللوی

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] حُمَيْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمَدَنِيُّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ مُحَمَّدٍ صَاحِبِ أَبِي الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سِنْدِيٍّ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیهما السلام: أَنَّهُ قَالَ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ وَ هُوَ يَشْكُو اللَّوَى خُذْ مَاءً وَ ارْقَهْ بِهَذِهِ الرُّقْيَةِ وَ لَا تَصُبَّ عَلَيْهِ دُهْناً وَ قُلْ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ ثَلَاثاً أَ وَ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ كانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَ فَلا يُؤْمِنُونَ ثُمَّ اشْرَبْهُ وَ أَمِرَّ يَدَكَ عَلَى بَطْنِكَ فَإِنَّكَ تُعَافَى بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ (۳).

**[ترجمه]طب الائمه: حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به یکی از اصحاب خویش که از درد معده می‌نالید، فرمودند: مقداری آب بردار و با این دعا آن را تعویذ کن و بر آن روغن نریز و بگو: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لايُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ: خدا برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد» سه بار «أَ وَ لَمْ يَرَ الَّذينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّماوات وَ الْأَرْضَ كانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ كُلَّ شَيْ ءٍ حَيٍّ أَفَلايُؤْمِنُون: آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند،و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا ایمان نمی آورند» سپس آن را بنوش و دستت را بر شکمت قرار ده که به اذن خداوند عزّ و جلّ عافیت خواهی یافت. - . طب الائمه: ۶۹ -

**[ترجمه]

«۲»

مکا، [مکارم الأخلاق] للزحیر عُثْمَانُ بْنُ عِیسَی قَالَ: شَکَا رَجُلٌ إِلَی أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام أَنَّ بِی زَحِیراً لَا یَسْکُنُ فَقَالَ إِذَا فَرَغْتَ مِنْ صَلَاهِ اللَّیْلِ فَقُلِ اللَّهُمَّ مَا کَانَ (۴) مِنْ خَیْرٍ فَمِنْکَ لَا حَمْدَ لِی فِیهِ وَ مَا عَمِلْتُ مِنْ سُوءٍ فَقَدْ حَذَّرْتَنِیهِ وَ لَا عُذْرَ لِی فِیهِ

ص: ۷۶

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۵۲، و قد مر مثله.

۲- ۲. الزحیر: استطلاق البطن بشده، و تقطیع فیه یمشی دما، و اللوی بالفتح مقصورا: وجع المعده بشده یوجب الالتواء لصاحبه، و کانهما سنخ واحد، و اصلهما قرح المعده أو قرح الاثنی عشر.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۶۹.

۴- ۴. ما عملت من خیر فهو منک خ ل.

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَتَّکِلَ عَلَی مَا لَا حَمْدَ لِی فِیهِ أَوْ آمَنَ (۱)

مَا لَا عُذْرَ لِی فِیهِ (۲).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: در رفع پیچش، شخصی به نزد امام موسی علیه السلام از پیچش شکم شکایت کرد که آرام نمی گیرد، امام فرمودند: هرگاه از نماز فارغ شدی، بگو: «هر چیزی از جانب توست، و من سزاوار سپاسگزاری نیستم و هر عمل زشتی که مرتکب شدم، تو مرا از آن باز داشتی و من در آن هیچ بهانه‌ای ندارم. خدایا، به تو پناه می‌برم از اینکه تکیه کنم به هر آنچه سزاوار سپاسگزاری نیستم و یا ایمن گردم از آنچه عذری در آن ندارم. - . مکارم الاخلاق: ۴۶۹ -

**[ترجمه]

«۳»

مکا، [مکارم الأخلاق]: لِلَّوَی یُقْرَأُ عَلَی الدُّهْنِ وَ ینضح [یُنْضَحُ] عَلَی بَطْنِهِ وَ یُتَدَهَّنُ بِهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم فَفَتَحْنا أَبْوابَ السَّماءِ بِماءٍ مُنْهَمِرٍ وَ فَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُیُوناً فَالْتَقَی الْماءُ عَلی أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ وَ حَمَلْناهُ عَلی ذاتِ أَلْواحٍ وَ دُسُرٍ فَفَتَحْنَا عَلَیْهِمْ أَبْوَابَ کُلِّ شَیْ ءٍ بِاسْمِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ أَ وَ لَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ کانَتا رَتْقاً الْآیَهَ(۳).

لِلَّوَی عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: یُکْتَبُ لِلَّوَی بِسْمِ اللَّهِ الْمُتَعَلِّمُونَ الَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ وَ الَّذِینَ یَعْلَمُونَ قَاعِدُونَ فَوْقَ عِلِّیِّینَ یَأْکُلُونَ نُوراً طَرِیّاً یَسْأَلُونَ صَاحِبَهُمْ مِنَ النُّورِ الْعِلْوِیِّ کَذَلِکَ یَشْفِی فُلَانَ بْنَ فُلَانَهَ أَ وَ لَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ کانَتا رَتْقاً الْآیَهَ یُرْقَی سَبْعَ مَرَّاتٍ عَلَی مَاءٍ ثُمَّ یُصَبُّ عَلَیْهِ دُهْنٌ فَإِذَا الْتَزَقَ الدُّهْنُ دَلَکْتَهُ وَ سَقَیْتَهُ صَاحِبَ اللَّوَی إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی.

وَ مِثْلُهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: یَقْرَأُ عَلَیْهِ إِذَا السَّماءُ انْشَقَّتْ إِلَی قَوْلِهِ وَ أَلْقَتْ ما فِیها وَ تَخَلَّتْ مَرَّهً وَاحِدَهً إِذْ قالَتِ امْرَأَتُ عِمْرانَ الْآیَهَ(۴) وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَهٌ لِلْمُؤْمِنِینَ (۵).

وَ مِثْلُهُ عَنْهُمْ علیهم السلام: یُرْقَی عَلَی مَاءٍ بِلَا دُهْنٍ ثُمَّ یُسْقَی صَاحِبُ اللَّوَی ثُمَّ تُمِرُّ بِیَدِکَ عَلَی بَطْنِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ تَقُولُ یُرِیدُ اللَّهُ بِکُمُ الْیُسْرَ وَ لا یُرِیدُ بِکُمُ الْعُسْرَ ثُمَّ السَّبِیلَ یَسَّرَهُ أَنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ کانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما فَأَجاءَهَا الْمَخاضُ إِلی جِذْعِ النَّخْلَهِ وَ اللَّهُ أَخْرَجَکُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهاتِکُمْ لا تَعْلَمُونَ شَیْئاً کَذَلِکَ أَخْرَجَ اللَّوَی بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ (۶).

۱- ۱. فی المصدر:« أو أقع فیما».

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۶۹.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۳۹، و الآیه فی سوره الأنبیاء: ۳۱.

۴- ۴. آل عمران: ۳۵.

۵- ۵. مکارم الأخلاق ص ۴۳۹.

۶- ۶. مکارم الأخلاق ص ۴۳۹.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: رفع درد معده، این دعا بر روغن خوانده می‌شود و شکم خود را به این آغشته می کند: «به نام خداوند بخشنده مهربان، درهای آسمان را با آبی ریزان باز کردیم و چشمه‌های زمین را شکافتیم و آب به میزان مشخص جاری گشت و ما آن را بر تخته ها و میخ هایی قرار دادیم، پس درهای هر چیز را به روی آنان گشودیم به نام فلان فرزند فلان «أَ وَ لَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ کانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْ ءٍ حَیٍّ أَفَلایُؤْمِنُون: آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند،و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا ایمان نمی آورند». - . مکارم الاخلاق: ۴۳۹، انبیاء: ۳۱ -

دعای رفع درد معده، امام علیه السلام فرمودند: برای رفع درد معده، نوشته شود: «به نام خدا آنان که آموختند و نمی‌دانند و کسانی که می... دانند و بر بالای علیین نشسته‌اند، غذایشان نوری با طراوت است، و از دوستشان از نور برتر درخواست می کنند، اینچنین فلان فرزند فلانه شفا می گیرد «أَ وَ لَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ کانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما: آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند،و ما آن دو را از هم جدا ساختیم. » هفت بار بر آب این دعا خوانده می شود، سپس روغنی بر آن ریخته می‌شود تی که چسبنده شد آن را مالش می دهی و به کسی که درد معده دارد می نوشانی.

مثل این حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: بر آن خوانده شود «إِذَا السَّماءُ انْشَقَّتْ.......وَ أَلْقَتْ ما فیها وَ تَخَلَّت: آنگاه که آسمان از هم بشکافت.......و آنچه را که در آن است بیرون افکند و تُهی شود.» یک بار «و إذ قالت إمرأه عمران .....» - . آل عمران/۳۵ -

و ننزّل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین. - . مکارم الاخلاق: ۴۳۹ -

مثل این حدیث به روایت از ائمه معصومین علیهم السلام: این دعا را بر آب بدون روغن، خوانده شود سپس به کسی که درد معده دارد نوشانده شود، سپس دستت را سه بار بر شکمش می‌کشی و می گویی: « یُرِیدُ اللَّهُ بِکُمُ الْیُسْرَ وَ لایُرِیدُ بِکُمُ الْعُسْرَ ثُمَّ السَّبیلَ یَسَّرَهُ إَنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ کانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما فَأَجاءَهَا الْمَخاضُ إِلی جِذْعِ النَّخْلَه وَ اللَّهُ أَخْرَجَکُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهاتِکُمْ لاتَعْلَمُونَ شَیْئا: خدا برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد سپس راه را بر او آسان گرداند. آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند، و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، تا درد زایمان، او را به سوی تنه درخت خرمایی کشانید و خدا شما را از شکم مادرانتان در حالی که چیزی نمی دانستید بیرون آورد. و بدین ترتیب آن درد، به اذن خداوند عزّ و جلّ خارج می گردد. - . مکارم الاخلاق: ۴۳۹ -

**[ترجمه]

باب ۷۰ الدعاء لقراقر البطن

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] سَلَمَهُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِیُّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِیسَی قَالَ: شَکَا رَجُلٌ إِلَی أَبِی الْحَسَنِ الْأَوَّلِ علیه السلام فَقَالَ إِنَّ بِی قَرْقَرَهً لَا تَسْکُنُ أَصْلًا وَ إِنِّی لَأَسْتَحْیِی أَنْ أُکَلِّمَ النَّاسَ فَیَسْمَعُ مِنْ صَوْتِ تِلْکَ الْقَرْقَرَهِ فَادْعُ لِی بِالشِّفَاءِ مِنْهَا فَقَالَ إِذَا فَرَغْتَ مِنْ صَلَاهِ اللَّیْلِ فَقُلِ اللَّهُمَّ مَا عَمِلْتُ مِنْ خَیْرٍ فَهُوَ مِنْکَ لَا حَمْدَ لِی فِیهِ وَ مَا عَمِلْتُ مِنْ سُوءٍ فَقَدْ حَذَّرْتَنِیهِ فَلَا عُذْرَ لِی فِیهِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَتَّکِلَ عَلَی مَا لَا حَمْدَ لِی فِیهِ وَ آمَنَ مَا لَا عُذْرَ لِی فِیهِ (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: شخصی نزد امام کاظم علیه السلام چنین شکایت برد: قرقره شکم من اصلاً آرام نمی گیرد و به سبب آن شرم دارم که با مردم صحبت کنم زیرا صدای آن را می‌شوند، پس برایم دعا کنید تا شفا یابم، حضرت فرمودند: بعد از نماز عشاء بگو: «خدایا هر کار نیکی

کردم، به فضل تو بود و من سزاوار سپاس نیستم و هر آنچه از بدی‌ها مرتکب شدم تو مرا از آن باز داشتی و من هیچ بهانه‌ای ندارم، معبودا پناه می‌برم به تو از اینکه بر چیزی تکیه کنم که سزاوار سپاسگزاری از آن نیستم و از آنچه هیچ عذری در آن ندارم، ایمن باشم». - . طب الائمه: ۱۰۱ -

**[ترجمه]

باب ۷۱ الدعاء للجذام و البرص و البهق و الداء الخبیث

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَبْدُ الْعَزِیزِ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ یُونُسَ قَالَ: أَصَابَنِی بَیَاضٌ بَیْنَ عَیْنَیَّ فَدَخَلْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَشَکَوْتُ ذَلِکَ إِلَیْهِ فَقَالَ تَطَهَّرْ وَ صَلِّ رَکْعَتَیْنِ وَ قُلْ یَا اللَّهُ یَا رَحْمَانُ یَا رَحِیمُ یَا سَمِیعَ الدَّعَوَاتِ یَا مُعْطِیَ الْخَیْرَاتِ أَعْطِنِی خَیْرَ الدُّنْیَا وَ خَیْرَ الْآخِرَهِ وَ قِنِی شَرَّ الدُّنْیَا وَ شَرَّ الْآخِرَهِ وَ أَذْهِبْ عَنِّی مَا أَجِدُ فَقَدْ غَاظَنِی الْأَمْرُ وَ أَحْزَنَنِی قَالَ یُونُسُ فَفَعَلْتُ مَا أَمَرَنِی بِهِ فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَنِّی ذَلِکَ وَ لَهُ الْحَمْدُ(۲).

وَ عَنْهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَ آلِهِ أَنَّهُ قَالَ: ضَعْ یَدَکَ عَلَیْهِ وَ قُلْ یَا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ وَ مُذْهِبَ الدَّاءِ أَنْزِلْ عَلَی مَا بِی مِنْ دَاءٍ شِفَاءً(۳).

ص: ۷۸

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۱۰۱.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۱۰۲.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۱۰۲.

**[ترجمه]طب الائمه: یونس نقل کرد، لکه سفیدی میان دو چشمانم ظاهر گشت، نزد امام صادق علیه السلام رفتم و از این بیماری به ایشان شکایت بردم، فرمودند: طهارت کن و دو رکعت نماز بگزار و بگو «ای خدا، ای بخشنده ای مهربان، ای شنونده دعاها، ای عطاکننده خیرها، نیکی‌های دنیا و آخرت را به من عطا کن و مرا از شر دنیا و آخرت حفظ کن و آنچه بدان مبتلا شدم، از من دور کن که سبب اندوه و غصه من شده است.» و نقل کرد آنچه به من امر نمودند، انجام دادم و خداوند آن بیماری را از من برد و سپاس مخصوص اوست. - . طب الائمه: ۱۰۲ -

و نیز از امام صلوات الله علیه و آله روایت است فرمودند: دستت را بر آن موضع قرار ده و بگو: «ای نازل کننده شفا و از بنی برنده درد، شفای خود را بر دردهای من نازل کن». - . طب الائمه: ۱۰۳ -

**[ترجمه]

«۲»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] إِبْرَاهِیمُ بْنُ سِرْحَانَ الْمُتَطَبِّبُ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ حَكَمِ بْنِ مِسْكِینٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِسْمَاعِیلَ وَ بَشِیرِ بْنِ عَمَّارٍ قَالا: أَتَیْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ قَدْ خَرَجَ بِیُونُسَ مِنَ الدُّعَاءِ الْخَبِیثِ قَالَ فَجَلَسْنَا بَیْنَ یَدَیْهِ فَقُلْنَا أَصْلَحَكَ اللَّهُ أُصِبْنَا مُصِیبَهً لَمْ نُصَبْ بِمِثْلِهَا أَبَداً قَالَ وَ مَا ذَاكَ فَأَخْبَرْنَاهُ بِالْقِصَّهِ فَقَالَ لِیُونُسَ قُمْ وَ تَطَهَّرْ وَ صَلِّ رَكْعَتَیْنِ ثُمَّ احْمَدِ اللَّهَ وَ أَثْنِ عَلَیْهِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ ثُمَّ قُلْ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا رَحْمَانُ یَا رَحْمَانُ یَا رَحْمَانُ یَا رَحِیمُ یَا رَحِیمُ یَا رَحِیمُ یَا وَاحِدُ یَا وَاحِدُ یَا وَاحِدُ یَا أَحَدُ یَا أَحَدُ یَا أَحَدُ یَا صَمَدُ یَا صَمَدُ یَا صَمَدُ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ یَا أَقْدَرَ الْقَادِرِینَ یَا أَقْدَرَ الْقَادِرِینَ یَا أَقْدَرَ الْقَادِرِینَ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ یَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ یَا مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ یَا مُعْطِیَ الْخَیْرَاتِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِی خَیْرَ الدُّنْیَا وَ خَیْرَ الْآخِرَهِ وَ اصْرِفْ عَنِّی شَرَّ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ أَذْهِبْ مَا بِی فَقَدْ غَاظَنِی الْأَمْرُ وَ أَحْزَنَنِی قَالَ فَفَعَلْتُ مَا أَمَرَنِی بِهِ الصَّادِقُ علیه السلام فَوَ اللَّهِ مَا خَرَجْنَا مِنَ الْمَدِینَهِ حَتَّی تَنَاثَرَ عَنِّی مِثْلُ النُّخَالَهِ(۱).

**[ترجمه]طب الائمه: اسحاق بن اسماعیل و بشیر بن عمار نقل کردند نزد امام صادق علیه السلام رفتیم در حالی که یونس به بیماری بد خیمی دچار گشته بود، در مقابل ایشان نشستیم و عرض کردیم: خداوند تو را حفظ کند به مصیبتی دچار شدیم که هیچگاه مثل آن را نچشیده بودیم، فرمودند: چه مصیبتی؟ جریان را برای ایشان نقل کردیم، سپس به یونس فرمودند: برخیز، طهارت بجوی، دو رکعت نماز بگزار سپس خدا را سپاس و ثنای خداوند را به جای آر و بر محمد و خاندان وی درود فرست و سپس بگو: «ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشنده ای بخشنده ای بخشنده ای مهربان ای مهربان ای یگانه ای یگانه ای یگانه ای یکتا ای یکتا ای یکتا ای بی‌نیاز ای بی‌نیاز ای بی‌نیاز ای مهربان‌ترین مهربانان ای مهربان‌ترین مهربانان ای مهربان‌ترین مهربانان ای تواناترین توانمندان ای تواناترین توانمندان ای تواناترین توانمندان ای پروردگار جهانیان ای پروردگار جهانیان ای شنونده دعاها ای نازل‌کننده‌ی برکات ای عطاکننده خیرها، بر محمد و خاندان وی درود فرست و خیر دنیا و آخرت را بر من ببخشای و شر دنیا و آخرت را از من دور گردان و بیماری‌ام را برطرف نمای که سبب اندوه و غصه مرا فراهم کرده است.» نقل کرد، همانطور که حضرت صادق علیه السلام به من امر نمودند، انجام دادم، سوگند به خدا همین که از مدینه خارج شدم همچون سبوس از من پراکنده شد. - . طب الائمه: ۱۰۳ -

**[ترجمه]

«۳»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَنْ سَلَمَهَ بْنِ عَمْرٍو الْهَمْدَانِیِّ قَالَ: دَخَلْتُ الْمَدِینَهَ فَأَتَیْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقُلْتُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ اعْتَلَلْتُ

عَلَى أَهْلِ بَيْتِى بِالْحَجِّ وَ أَتَيْتُكَ مُسْتَجِيراً مُسْتَتِرّاً مِنْ أَهْلِ بَيْتِى مِنْ عِلَّةٍ أَصَابَتْنِى وَ هِىَ الدَّاءُ الْخَبِيثَةُ قَالَ أَقِمْ فِى جِوَارِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ فِى حَرَمِهِ وَ أَمْنِهِ وَ اكْتُبْ سُورَةَ الْأَنْعَامِ بِالْعَسَلِ وَ اشْرَبْهُ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ عَنْكَ (۲).

**[ترجمه]طب الائمه: سلامه بن عمرو الهمدانی نقل کرد: وارد مدینه شدم و به خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، عرض کردم: ای فرزند خدا به بهانه حج به زیارت شما آمدم و به شما پناه آوردم از بیماری بدخیمی که به آن مبتلا شدم، حضرت فرمودند: در جوار رسول خدا صلی الله علیه و آله و در حریم امن او بایست و سوره انعام را با عسل بنویس و بنوش و آن بیماری از تو برطرف خواهد شد. - . طب الائمه: ۱۰۵ -

**[ترجمه]

«۴»

قب، [المناقب لابن شهرآشوب] إِسْحَاقُ وَ إِسْمَاعِيلُ وَ يُونُسُ بَنُو عَمَّارٍ: أَنَّهُ اسْتَحَالَ وَجْهُ يُونُسَ إِلَى الْبَيَاضِ فَنَظَرَ الصَّادِقُ عليه السلام إِلَى جَبْهَتِهِ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ حَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ وَ آلِهِ ثُمَّ قَالَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا سَمِيعَ الدَّعَوَاتِ يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الطَّيِّبِينَ وَ اصْرِفْ عَنِّى شَرَّ الدُّنْيَا وَ شَرَّ الْآخِرَهِ

ص: ۷۹

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۱۰۳.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۱۰۵.

وَ أَذْهِبْ عَنِّی شَرَّ الدُّنْیا وَ شَرَّ الْآخِرَهِ وَ أَذْهِبْ عَنِّی مَا بِی فَقَدْ غَاظَنِی ذَلِکَ وَ أَحْزَنَنِی قَالَ فَوَ اللَّهِ مَا خَرَجْنَا مِنَ الْمَدِینَهِ حَتَّی تَنَاثَرَ عَنْ وَجْهِهِ مِثْلُ النُّخَالَهِ وَ ذَهَبَ قَالَ الْحَکَمُ بْنُ مِسْکِینٍ وَ رَأَیْتُ الْبَیَاضَ بِوَجْهِهِ ثُمَّ انْصَرَفَ وَ لَیسَ فِی وَجْهِهِ شَیْ ءٌ(۱).

**[ترجمه]مناقب آل ابی طالب: صورت یونس به پیسی مبتلا شده بود و امام صادق علیه السلام به پیشانی او نگاهی افکندند، پس دو رکعت نماز گزارد و حمد و ثنای خدا را به جای آورد و بر پیامبر و خاندان او درود فرستاد و سپس گفت: «ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشنده ای بخشنده ای بخشنده ای مهربان ای مهربان ای مهربان‌ترین مهربانان ای شنونده دعاها ای عطاکننده خیرها، بر محمد و خاندان پاک و مطهر وی درود فرست و شر دنیا و آخرت را از من روی بگردان و بدی دنیا و آخرت را ازمن بزدای و بیماری‌ام را برطرف نمای که سبب اندوه و غصه مرا فراهم کرده است.» و نقل کرد: سوگند به خدا به محض اینکه از مدینه خارج شدیم آن سفیدی مثل سبوس از من دور گشت و حکم بن مسکین نقل کرد: سفیدی را در چهره‌اش دیدم که از بین رفت و الان در چهره‌اش چیزی نیست. - . مناقب آل ابی طالب ۴: ۲۳۲ -

**[ترجمه]

«۵»

مکا، [مکارم الأخلاق]: لِلْبَرَصِ وَ الْجُذَام یُقْرَأُ عَلَیْهِ وَ یُکْتَبُ وَ یُعَلَّقُ عَلَیْهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ یَمْحُوا اللَّهُ ما یَشاءُ وَ یُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْکِتابِ الْحَمْدُ لِلَّهِ فاطِرِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ جاعِلِ الْمَلائِکَهِ رُسُلًا أُولِی أَجْنِحَهٍ مَثْنی وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ بِاسْمِ فُلَانِ بْنِ فُلَانَهَ(۲).

شَکَا رَجُلٌ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام الْبَرَصَ فَأَمَرَهُ أَنْ یَأْخُذَ طِینَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ علیه السلام بِمَاءِ السَّمَاءِ فَفَعَلَ ذَلِکَ فَبَرَأَ(۳).

وَ رُوِیَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: کَانَ قَدْ ظَهَرَ لِی شَیْ ءٌ مِنَ الْبَیَاضِ فَأَمَرَنِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنْ أَکْتُبَ یس بِالْعَسَلِ فِی جَامٍ وَ أَغْسِلَهُ وَ أَشْرَبَهُ فَفَعَلْتُ فَذَهَبَ عَنِّی (۴).

لِلْبَهَقِ یُکْتَبُ عَلَی مَوْضِعِ الْبَهَقِ وَ إِنْ مِنْ شَیْ ءٍ إِلَّا عِنْدَنا خَزائِنُهُ وَ ما نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ هَلْ یَسْمَعُونَکُمْ إِذْ تَدْعُونَ أَوْ یَنْفَعُونَکُمْ أَوْ یَضُرُّونَ (۵).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: دعای رفع پیسی و خوره: بر او خوانده شود و سپس نوشته شود و بر او آویخته گردد « بسم الله الرحمن الرحیم یَمْحُو اللَّهُ ما یَشاءُ وَ یُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْکِتابِ الْحَمْدُ لِلَّهِ فاطِرِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ جاعِلِ الْمَلائِکَهِ رُسُلًا أُولی أَجْنِحَهٍ مَثْنی وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ: به نام خداوند بخشنده مهربان خدا آنچه را بخواهد محو یا اثبات می کند، و اصل کتاب نزد اوست، سپاس خدای را که پدید آورنده آسمان و زمین است، فرشتگان را که دارای بال های دوگانه و سه گانه و چهارگانه اند پیام آورنده قرارداده است،به نام فلان فرزند فلانه». - . مکارم الاخلاق: ۴۴۱ -

شخصی از بیماری پیسی نزد امام صادق علیه السلام شکایت برد، امام به او فرمان دادند تا مقداری از گل قبر حسین علیه السلام را و آب باران مخلوط نماید، آن شخص چنین کرد و شفا یافت. - . مکارم الاخلاق: ۴۴۱ -

یکی از یاران ما، نقل کرد: مدتی بود به پیسی دچار شده بودم، امام صادق علیه السلام به من فرمان دادند تا سوره‌یس را با عسل در جامی بنویسم و آن را بشویم و بنوشم، چنین کردم و آن بیماری رفع شد. - . مکارم الاخلاق: ۴۴۱ -

برای رفع سفیدک: بر لکه های سفید نوشته شود: «إِنْ مِنْ شَیْ ءٍ إِلاّ عِنْدَنا خَزائِنُهُ وَ ما نُنَزِّلُهُ إِلاّ بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ هَلْ یَسْمَعُونَکُمْ إِذْ تَدْعُونَ أَوْ یَنْفَعُونَکُمْ أَوْ یَضُرُّونَ: و هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه های آن نزد ماست، و ما آن را جز به اندازه ای معین فرو نمی فرستیم آیا وقتی دعا می کنید، از شمامی شنوند یا به شما سود یا زیان می رسانند». - . مکارم الاخلاق: ۴۴۱ -

**[ترجمه]

«۶»

عُدَّهُ الدَّاعِی، عَنْ یُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام جُعِلْتُ فِدَاکَ هَذَا الَّذِی قَدْ ظَهَرَ بِوَجْهِی یَزْعُمُ النَّاسُ أَنَّ اللَّهَ لَمْ یَبْتَلِ بِهِ عَبْداً لَهُ فِیهِ حَاجَهٌ فَقَالَ لِی لَا قَدْ کَانَ مُؤْمِنُ آلِ یس مُکَنَّعَ الْأَصَابِعِ فَکَانَ یَقُولُ هَکَذَا وَ یَمُدُّ یَدَهُ یا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِینَ قَالَ ثُمَّ قَالَ لِی إِذَا کَانَ الثُّلُثُ الْأَخِیرُ مِنَ اللَّیْلِ فِی أَوَّلِهِ فَتَوَضَّأْ وَ قُمْ إِلَی صَلَاتِکَ الَّتِی تُصَلِّیهَا فَإِذَا کُنْتَ فِی السَّجْدَهِ الْأَخِیرَهِ مِنَ الرَّکْعَتَیْنِ الْأُولَیَیْنِ فَقُلْ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ یَا عَلِیُّ یَا عَظِیمُ یَا رَحْمَانُ یَا رَحِیمُ یَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ یَا مُعْطِیَ الْخَیْرَاتِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِی مِنْ خَیْرِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ اصْرِفْ عَنِّی مِنْ شَرِّ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ أَذْهِبْ عَنِّی هَذَا الْوَجَعَ فَإِنَّهُ قَدْ

ص: ۸۰

۱- ۱. مناقب آل أبی طالب ج ۴ ص ۲۳۲. و کأنّ أصل الخبر ما رواه فی طبّ الأئمّه.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۴۱.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۴۱.

۴- ۴. مکارم الأخلاق ص ۴۴۱.

۵- ۵. المصدر نفسه، و البهق- محرکه- بیاض فی الجسد لا من برص، لا یزید و لا ینقص.

أَغَاظَنِي وَ أَحْزَنَنِي وَ أَلِحَّ فِي الدُّعَاءِ قَالَ فَمَا وَصَلْتُ إِلَى الْكُوفَهِ حَتَّى أَذْهَبَ اللَّهُ بِهِ عَنِّي كُلَّهُ (۱).

**[ترجمه]عـدّه الـداعی: یونس بن عمّار نقل کرد: به امام صادق علیه السـلام عرض کردم، جانم به فـدای شـما، این چیزی است که بر چهره‌ام آشـکار گشـته است و مردم می‌پندارنـد خداونـد بنـده‌ای که به او نیاز دارد، به این بیماری مبتلا نمی‌کنـد، امام فرمودند: خیر، مؤمن آل یاسـین انگشـتانش در هم کشـیده و خشک بود، و در حالی که چنین می‌گفتند، دستشان را دراز کردند «ای قوم از فرستاده‌شدگان پیروی کنید» سپس به من فرمودنـد: در یـک سوم آخر شب وضو بگیر و نمازت را بخوان و در سـجده‌های پایانی دو رکعت اول، بگو: «ای بلنـدمرتبه و ای بزرگ ای بخشاینـده ای مهربان، ای شـنونده دعاها و ای عطاکننده خیرها بر محمد و خاندان محمد درود فرست و از خیر دنیا و آخرت آنچه، سزاوار آنی به من عطا کن و از شـر دنیا و آخرت آنچه تو می‌پسـندی از من دور گردان و این بیماری را از من برطرف نما. زیرا اسـباب اندوه و غصـه مرا فراهـم کرده است.» و در دعـا پافشـاری کن، نقـل کرد: همین که به کـوفه رسـیدم خداونـد آن بیمـاری را از من برطرف سـاخت. - . عـده الداعی -

**[ترجمه]

باب ۷۲ الدعاء للکلف و البرسون

اشاره

باب ۷۲ الدعاء للکلف و البرسون (۲)

**[ترجمه]باب هفتاد و دوم : دعایی برای کلف و برسون - . کلف: سـیاهی که در چهره ظاهر می شود و آن را تغییر می دهـد و برسون: گویا همان سالک است که در اسب ها شناخته می شود و اثر آن شبیه داغ کردن است. -

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

مکـا، [مکارم الأخلاق]: تَخُطُّ عَلَيْهِ خَطّاً مُدَوَّراً ثُمَّ تَكْتُبُ فِي وَسَطِهِ بوتا بوتا برتاتا ادَّعَى أَصْوَاتاً وَ هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْ ءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِما تَفْعَلُونَ.

أَيْضاً يُكْتَبُ عَلَيْهِ بُكْرَةً عَلَى الرِّيقِ هريقه مريقه حَتَّى تُحِبَّ الطَّرِيقَهَ.

أَيْضاً يُكْتَبُ بُكْرَةً قهريد قهرانيد كسرهن كسروهن سالار خشك باد بِحَقِّ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ (۳).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: یک دایره بر سوی او می‌کشـی و وسط آن می‌نویسـی بوتا بوتا برتاتا صـداهایی را می‌خوانم و آن چون گـذر ابرها می‌گذرد ساخته خدا که هر چیز را نیکو آفرید و به راستی او به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. همچنین ناشـتا بر آن نوشـته شود؛ هریقه مریقه تا اینکه راه و روش را دوست بداری.

همچنین: ناشـتا نوشـته شود: قهرید قهرانید کسرهن کسروهن سالار خشک باد بحق الملک القدوس: قهرید قهرانید شکست آنها، شکستند آنها را سالار خشک باد به حق پادشاه منزه. - . مکارم الاخلاق: ۴۷۲ -

**[ترجمه]

باب ۷۳ الدعاء للبواسير

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] الْخَرَازِینِیُّ الرَّازِیُّ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی السَّابِرِیِّ وَ لَیْسَ هُوَ صَفْوَانَ الْجَمَّالَ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ شُعَیْبٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَی عَنْ أَبِی عَبْدِ الرَّحْمَنِ السُّلَمِیِّ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام قَالَ: مَنْ عَوَّذَ الْبَوَاسِیرَ بِهَذِهِ الْعُوذَهِ كُفِیَ شَرَّهَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَی وَ هُوَ یَا جَوَادُ یَا مَاجِدُ یَا رَحِیمُ یَا قَرِیبُ یَا مُجِیبُ یَا بَارِئُ یَا رَاحِمُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ارْدُدْ عَلَیَّ نِعْمَتَكَ وَ اكْفِنِی أَمْرَ وَجَعِی

ص: ۸۱

۱- ۱. عدّه الداعی ص.

۲- ۲. الكلف- محركه- سواد یظهر فی الوجه فیغیره، و البرسون كأنّه ما یعرف عند الفرس به« سالك» یشبه أثر الكی، و فی المصدر المطبوع: للكلف و البرص.

۳- ۳. مكارم الأخلاق ص ۴۷۲.

فَإِنَّهُ يُعَافَى مِنْهُ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند هر کس با این دعا از شر بواسیر به خداوند پناه برد، به اذن خدا او را کفایت می کند: «ای بخشنده ای شریف، ای مهربان، ای نزدیک، ای اجابت کننده ای آفریدگار ای رحم کننده بر محمد و خاندان محمد درود فرست و نعمتت را به من بازگردان و دردم را کفایت فرمای» که به اذن خداوند عزّ و جلّ از آن شفا خواهد یافت. - . طب الائمه: ۳۲ -

**[ترجمه]

«۲»

مکا، [مکارم الأخلاق] رُوِیَ عَنِ الرِّضَا علیه السلام: أَنَّهُ شَکَا إِلَیْهِ رَجُلٌ الْبَوَاسِیرَ فَقَالَ اکْتُبْ یس بِالْعَسَلِ وَ اشْرَبْهُ (۲).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: روایت شد شخصی نزد امام رضا علیه السلام از بیماری بواسیر شکایت نمود، و امام فرمودند: سوره یس را با عسل بنویس و سپس آن را بنوش. - . مکارم الاخلاق: ۴۴۰، حدیث از امام صادق علیه السلام آمده است. -

**[ترجمه]

باب ۷۴ الدعاء للبثر و الدمامیل و الجرب و القوباء و القروح و الرقی للورم و الجرح

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَلِیُّ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ الْعَلَوِیِّ عَنِ الرِّضَا عَنْ أَبِیهِ عَنِ الصَّادِقِ علیهم السلام قَالَ: إِذَا أَحْسَسْتَ بِالْبَثْرِ فَضَعْ عَلَیْهِ السَّبَّابَهَ وَ دَوِّرْ مَا حَوْلَهُ وَ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَإِذَا کَانَ فِی السَّابِعَهِ فَضَمِّدْهُ وَ شَدِّدْهُ بِالسَّبَّابَهِ(۳).

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر گاه آبله ای احساس کردی، انگشت اشاره خود را بر آن قرار بده و دور آن بگردان و هفت بار بگو: «خدای جز خداوند بردبار و بزرگوار وجود ندارد» و بار هفتم آن را پانسمان کن و با همان انگشت اشاره ببند. - . طب الائمه: ۳۸ -

**[ترجمه]

«۲»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِیزٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: هَذِهِ الدَّمَامِیلُ وَ الْقُرُوحُ أَکْثَرُهَا مِنْ هَذَا الدَّمِ الْمُحْتَرِقِ الَّذِی لَا یُخْرِجُهُ صَاحِبُهُ فِی أَیَّامِهِ (۴)

فَمَنْ غَلَبَ عَلَیْهِ شَیْ ءٌ مِنْ ذَلِکَ فَلْیَقُلْ إِذَا أَوَی إِلَی فِرَاشِهِ أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْعَظِیمِ وَ کَلِمَاتِهِ التَّامَّاتِ الَّتِی لَا یُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ کُلِّ ذِی شَرٍّ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ لَمْ یُؤْذِهِ شَیْ ءٌ مِنَ الْأَرْوَاحِ وَ عُوفِیَ مِنْهَا بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ (۵).

آخَرُ: یَکْتُبُ عَلَی کَاغَذٍ فَیَبْلَعُهُ صَاحِبُ الدَّمَامِیلِ لَا آلَاءَ إِلَّا آلَاؤُکَ یَا اللَّهُ مُحِیطٌ

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۳۲.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۴۰، و الحدیث عن الصادق علیه السلام.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۳۸ و التضمید: شد الضماد و لف الخرقه علیه.

۴- ۴. فی ابانه خ ل.

۵- ۵. طبّ الأئمّه ص ۱۰۸.

عِلْمُکَ بِهِ کهلسون.

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: بیشتر این دمل‌ها و زخم‌ها از آن خون سوزان است که شخص آن را در زمان خود خارج نمی کند. هر کس به آن مبتلا شد زمانی که به بستر رفت بگوید: «پناه می‌برم به روی باعظمت خدا و کلمات کامل او که هیچ نیکوکار و بدکاری توان تخطی از آنها را ندارد از گزند هر صاحب شرّی» و هرگاه چنین گوید از جانب ارواح مورد آزار و اذیت قرار نمی گیرد و به اذن خداوند عزّ و جلّ شفا خواهد یافت. - . طب الائمه:۱۰۸ -

دعایی دیگر: این دعا بر روی کاغذی نوشته می‌شود و کسی که دمل دارد آن را بخورد «هیچ نعمتی نیست جز نعمت‌های تو ای خدا، علم تو به آن احاطه دارد کهلسون» .

**[ترجمه]

«۳»

مکا، [مکارم الأخلاق]: لِلْجَرَبِ وَ الدُّمَّلِ وَ الْقُوبَاءِ(۱) یُقْرَأُ عَلَیْهِ وَ یُکْتَبُ وَ یُعَلَّقُ عَلَیْهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ وَ مَثَلُ کَلِمَهٍ خَبِیثَهٍ کَشَجَرَهٍ خَبِیثَهٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ ما لَها مِنْ قَرارٍ(۲) الْآیَهَ مِنْها خَلَقْناکُمْ وَ فِیها نُعِیدُکُمْ وَ مِنْها نُخْرِجُکُمْ تارَهً أُخْری اللَّهُ أَکْبَرُ وَ أَنْتَ لَا تَکْبُرُ اللَّهُ یَبْقَی وَ أَنْتَ لَا تَبْقَی وَ اللَّهُ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ(۳).

رُقْیَهُ الْوَرَمِ وَ الْجُرْحِ عَنْ بَعْضِ الصَّادِقِینَ قَالَ: تَأْخُذُ سِکِّیناً وَ تُمِرُّهَا عَلَی الْمَوْضِعِ الَّذِی تَشْکُو مِنَ الْجِرَاحِ أَوْ غَیْرِهِ تَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِیکَ مِنَ الْحَدِّ وَ الْحَدِیدِ وَ مِنْ أَثَرِ الْعُودِ وَ مِنَ الْحَجَرِ الْمَلْبُودِ وَ مِنَ الْعِرْقِ الْعَاثِرِ وَ مِنَ الْوَرَمِ الْآخَرِّ وَ مِنَ الطَّعَامِ وَ حَرِّهِ وَ مِنَ الشَّرَابِ وَ بَرْدِهِ بِسْمِ اللَّهِ فَتَحْتُ وَ بِسْمِ اللَّهِ خَتَمْتُ ثُمَّ أَوْتِدِ السِّکِّینَ فِی الْأَرْضِ (۴).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: برای رفع گری، دمل و بریون - . بیماری که در اثر آن بدن پوسته پوسته می شود و آن را حزاز هم می نامند و با آب دهان معالجه می گردد. - این آیه بر او خوانده و نوشته شود و سپس بر او آویخته گردد: «به نام خداوند بخشنده مهربان مَثَلُ کَلِمَهٍ خَبِیثَهٍ کَشَجَرَهٍ خَبِیثَهٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ ما لَها مِنْ قَرارٍ: و مَثَلِ سخنی ناپاک چون درختی ناپاک است که از روی زمین کنده شده و قراری ندارد.» - .ابراهیم/ ۲۶ -

و آیه «مِنْها خَلَقْناکُمْ وَ فیها نُعیدُکُمْ وَ مِنْها نُخْرِجُکُمْ تارَهً أُخْری: از این شما را آفریدیم، در آن شما را باز می گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می آوریم». - . مکارم الاخلاق: ۴۷۱ -

تعویذی برای ورم و زخم: از امام صادق یا امام باقر علیهما السلام روایت است: چاقویی برمی‌گیری و آن را بر اطراف زخم می‌گذرانی و می‌گویی: «به نام خدا تو را تعویذ می کنم از لبه شمشیر و آهن، و از خون مردگی و سنگ چسبنده و از رگ ضعیف ورم‌های بدشکل و از غذا و گیر کردن آن در گلو و از مایعات و سردی آن، به اذن خداوند به سوی تو می‌آیم تا سرآمد مشخص در انسان‌ها و چهارپایان به نام خدا آغاز نمودم و به نام خدا به پایان رساندم». سپس آن چاقو را در زمین فرو کن. - . مکارم الاخلاق: ۴۷۱ -

**[ترجمه]

باب ۷۵ الدعاء لوجع الفرج

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه عليهم السلام] أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْكَاتِبُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الزَّعْفَرَانِيِّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ قَالَ: حَجَجْتُ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عليه السلام بِالْمَدِينَهِ وَ إِذَا بِالْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَشْكُو إِلَيْهِ وَجَعَ الْفَرْجِ فَقَالَ لَهُ الصَّادِقُ عليه السلام إِنَّكَ كَشَفْتَ عَوْرَتَكَ فِي مَوْضِعٍ مِنَ الْمَوَاضِعِ فَأَعْقَبَكَ اللَّهُ هَذَا الْوَجَعَ وَ لَكِنْ عَوِّذْهُ بِالْعُوذَهِ الَّتِي عَوَّذَ بِهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَيَا وَاثِلَهَ ثُمَّ لَمْ تَعُدْ قَالَ لَهُ الْمُعَلَّى يَا ابْنَ

۱- ۱. داء يظهر فى الجسد فيتقشر منه الجلد و يتسع، و يقال لها: الحزاز أيضا و يعالج بالريق، و هى مؤنثه لا تنصرف.

۲- ۲. إبراهيم: ۲۶، و الآيه تامّه و ليس فى المصدر بعدها لفظ« الآيه».

۳- ۳. مكارم الأخلاق ص ۴۴۰.

۴- ۴. مكارم الأخلاق ص ۴۷۱ و قد مر ص ۶۵ مثله مشروحا.

رَسُولِ اللَّهِ وَ مَا الْعُوذَهُ قَالَ قُلْ بَعْدَ أَنْ تَضَعَ يَدَکَ الْيُسْرَى عَلَيْهِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ بَلی مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لاـ هُمْ يَحْزَنُونَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْلَمْتُ وَجْهِی إِلَيْکَ وَ فَوَّضْتُ أَمْرِی إِلَيْکَ لَا مَلْجَأَ وَ لَا مَنْجَی إِلَّا إِلَيْکَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَإِنَّکَ تُعَافَی إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: از حريز نقل است، بعد از آنکه حج را بر جای آوردم به خدمت امام صادق علیه السلام در مدينه رفتم. در اين هنگام معلی بن خنيس رضی الله عنه نزد امام از درد مزج شکايت می‌نمود. امام صادق علیه السلام فرمودند: تو عورتت را در جايی آشکار ساختی پس خداوند اين درد را از پی آن قرار داد، ولی با اين تعويذی که امير مؤمنان برای ابا واثله به کار گرفت، استفاده کن، زيرا درد او بازنگشت، معلی عرض کرد: ای پسر رسول خدا، آن تعويذ چيست؟ دست چپ خود را بر آن قرار ده و سه بار بگو: «به نام خدا و با استعانت از خدا، بَلی مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ لاـ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لاـ هُمْ يَحْزَنُونَ: آری، هر کس که خود را با تمام وجود، به خدا تسليم کند و نيکوکار باشد، پس مزد وی پيش پروردگار اوست، و بيمی بر آنان نيست، و غمگين نخواهند شد. خدايا من رويم را تسليم تو گردانيدم و کارم را به تو سپردم، هيچ پناهگاه و راه نجاتی جز به سوی تو وجود ندارد». انشاء الله تعالی شفا خواهی يافت. - . طب الائمه: ۳۱ -

**[ترجمه]

باب ۷۶ الدعاء لوجع الرجلين و الركبه

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] حَنَانُ بْنُ جَابِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الصَّيْرَفِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ الْأَشْقَرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِی الْمِقْدَامِ عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِيِّ عَنْ مُحَمَّدٍ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ: کُنْتُ عِنْدَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام إِذْ أَتَاهُ رَجُلٌ مِنْ بَنِی أُمَيَّهَ مِنْ شِيعَتِنَا فَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا قَدَرْتُ أَنْ أَمْشِيَ إِلَيْکَ مِنْ وَجَعِ رِجْلِی قَالَ فَأَيْنَ أَنْتَ مِنْ عُوذَهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ مَا ذَاکَ قَالَ إِنَّا فَتَحْنا لَکَ فَتْحاً مُبِيناً لِيَغْفِرَ لَکَ اللَّهُ إِلَی قَوْلِهِ وَ کانَ اللَّهُ عَزِيزاً حَکِيماً قَالَ فَفَعَلْتُ مَا أَمَرَنِی بِهِ فَمَا أَحْسَسْتُ بَعْدَ ذَلِکَ بِشَيْ ءٍ مِنْهَا بِعَوْنِ اللَّهِ تَعَالَی (۲).

**[ترجمه]طب الائمه: امام باقر علیه السلام فرمودند: نزد امام حسين بن علی عليهما السلام بودم که مردی از بنی اميه که از شيعيان ما بود، وارد شد و عرض کرد: ای پسر رسول خدا به خاطر درد پايم توانايی آمدن به خدمت شما را نداشتم، امام علیه السلام فرمودند: چرا تعويذ حسن بن علی را استفاده نمی‌کنی؟ عرض کرد: ای فرزند رسول خدا کدام تعويذ؟ فرمودند: «إِنَّا فَتَحْنا لَکَ فَتْحاً مُبِيناً لِيَغْفِرَ لَکَ اللَّه ....و کانَ اللَّهُ عَزِيزاً حَکِيماً: ما تو را پيروزی بخشيديم پيروزی درخشان. تا بيامرزد خدا برای تو.......خدا عزيز حکيم است.» و نقل کرد: آن چه امام به من امر فرمودند به جای آوردم و بعد از آن به ياری خداوند، آن درد را احساس نکردم. - . طب الائمه: ۳۳ -

**[ترجمه]

«۲»

مکا، [مکارم الأخلاق] دُعَاءٌ لِوَجَعِ الرُّکْبَهِ عَنْ أَبِی حَمْزَهَ قَالَ: عَرَضَ لِی وَجَعٌ فِی رُکْبَتِی فَشَکَوْتُ ذَلِکَ إِلَی أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَالَ إِذَا أَنْتَ صَلَّيْتَ فَقُلْ يَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَی يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا أَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ ارْحَمْ ضَعْفِی وَ قِلَّهَ حِيلَتِی وَ أَعْفِنِی مِنْ وَجَعِی قَالَ فَفَعَلْتُ فَعُوفِيتُ (۳).

دعوات الراوندی، عنه علیه السلام: مثله.

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۳۱.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۳۳.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۵۲، و تراه فی الکافی ج ۲ ص ۵۶۸.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: دعای رفع درد زانو: ابی حمزه نقل کرد، از درد زانو به خدمت امام باقر علیه السلام شکایت بردم، ایشان فرمودند: بعد از نماز بگو: «ای بخشنده‌ترین عطاکننده‌ها و ای بهترین درخواست شوندگان و ای مهربان‌ترین کسی که از او طلب مهربانی شد، بر ضعف و کمی چاره‌ام رحم کن و مرا از دردم عافیت بخش»نقل کرد: چنین کردم و بهبودی یافتم. - . مکارم الاخلاق: ۴۵۲ و در کافی ۲: ۵۶۸ -

دعوات الراوندی: مثل این حدیث از امام باقر علیه السلام ذکر شده است .

**[ترجمه]

باب ۷۷ الدعاء لوجع الساقین

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] خِدَاشُ بْنُ سَبْرَهَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ عَنْ صَفْوَانَ بَیَّاعِ السَّابِرِیِّ عَنْ سَالِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: شَکَوْتُ إِلَی الصَّادِقِ علیه السلام وَجَعَ السَّاقَیْنِ وَ أَنَّهُ قَدْ أَقْعَدَنِی عَنْ أُمُورِی وَ أَسْبَابِی فَقَالَ عَوِّذْهُمَا قُلْتُ بِمَا ذَا یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ بِهَذِهِ الْآیَهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَإِنَّکَ تُعَافَی بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَی وَ اتْلُ ما أُوحِیَ إِلَیْکَ مِنْ کِتابِ رَبِّکَ لا مُبَدِّلَ لِکَلِماتِهِ وَ لَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَداً قَالَ فَعَوَّذْتُهَا سَبْعاً کَمَا أَمَرَنِی فَرُفِعَ الْوَجَعُ عَنِّی رَفْعاً حَتَّی لَمْ أَحُسَّ بَعْدَ ذَلِکَ بِشَیْ ءٍ مِنْهُ (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: سالم بن محمد نقل کرد از درد ساق پایم به خدمت امام صادق علیه السلام شکایت بردم که این درد مرا از کارها و تمامی امورم باز داشته است، امام علیه السلام فرمودند: آنها را تعویذ کن، عرض کردم: به چه چیز ای فرزند رسول خدا؟ فرمودند: با هفت بار خواندن این آیه که به اذن خداوند تعالی شفا خواهی یافت «وَ اتْلُ ما أُوحِیَ إِلَیْکَ مِنْ کِتابِ رَبِّکَ لا مُبَدِّلَ لِکَلِماتِهِ وَ لَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَداً: و آنچه را که از کتاب پروردگارت به تو وحی شده است بخوان. کلمات او را تغییر دهنده ای نیست، و جز او هرگز پناهی نخواهی یافت» نقل کرد: همانگونه که به من امر فرموده بودند هفت بار تعویذ کردم و درد چنان از من رفع شد که دیگر آن را احساس نکردم. - . طب الائمه: ۳۲ -

**[ترجمه]

باب ۷۸ الدعاء لوجع العراقیب و باطن القدم

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَبْدُ اللَّهِ بْنُ بِسْطَامَ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَوْدِیِّ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیهما السلام: أَنَّ رَجُلًا اشْتَکَی إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام فَقَالَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّی أَجِدُ وَجَعاً فِی عَرَاقِیبِی قَدْ مَنَعَنِی مِنَ النُّهُوضِ إِلَی الْغُرَفِ (۲)

قَالَ فَمَا یَمْنَعُکَ مِنَ الْعُوذَهِ قَالَ لَسْتُ أَعْلَمُهَا قَالَ فَإِذَا أَحْسَسْتَ بِهَا فَضَعْ یَدَکَ عَلَیْهَا وَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ثُمَّ اقْرَأْ عَلَیْهِ وَ ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَ الْأَرْضُ جَمِیعاً قَبْضَتُهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ وَ السَّماواتُ مَطْوِیَّاتٌ بِیَمِینِهِ سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا یُشْرِکُونَ فَفَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِکَ فَشَفَاهُ اللَّهُ تَعَالَی (۳).

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۳۲.

۲- ۲. فی المصدر:« الی الصلاه».

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۳۳.

**[ترجمه]طب الائمه: از علی بن حسین علیهما السلام نقل است، مردی نزد ابی عبدالله حسین بن علی علیهما السلام چنین شکایت برد: ای فرزند رسول خدا، من دردی در پاشنه های پای خود احساس می‌کنم که مرا از به پا خاستن به نماز بازداشته است، امام فرمودند: چرا آن را تعویذ نمی‌کنی؟ عرض کرد: آن را نمی‌دانم، فرمودند: هر گاه آن را احساس کردی، دستت را بر آن قرار ده و بگو «به نام خدا و با استعانت از خدا و سلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله» سپس بر آن بخوان: «وَ ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَ الْأَرْضُ جَمیعاً قَبْضَتُهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ وَ السَّماواتُ مَطْوِیَّاتٌ بِیَمینِهِ سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا یُشْرِکُون: و خدا را آنچنانکه باید به بزرگی نشناخته اند، و حال آنکه روز قیامت زمین یکسره در قبضه اوست و آسمانها درپیچیده به دست اوست او منزّه است و برتر است از آنچه شریک می گردانند.» و آن مرد چنین کرد و شفا یافت. - . طب الائمه: ۳۳ -

**[ترجمه]

باب ۷۹ الدعاء لوجع العین و ما یناسبه

الأخبار

«۱»

ل، [الخصال الْأَرْبَعُمِائَهِ] قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: إِذَا اشْتَکَی أَحَدُکُمْ عَیْنَهُ فَلْیَقْرَأْ آیَهَ الْکُرْسِیِّ وَ لْیُضْمِرْ فِی نَفْسِهِ أَنَّهَا تَبْرَأُ فَإِنَّهُ یُعَافَی إِنْ شَاءَ اللَّهُ (۱).

**[ترجمه]الخصال: چهارصد، امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هر گاه یکی از شما به درد چشم مبتلا شد، آیه الکرسی را بخواند و در دل چنان باور داشته باشد که آن بهبودی خواهد یافت، که انشاء الله عافیت می‌یابد. - . الخصال ۲: ۱۵۸ -

**[ترجمه]

«۲»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی الْمُفِیدُ عَنِ ابْنِ قُولَوَیْهِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ مُحَمَّدٍ الْجُعْفِیِّ عَنْ أَبِیهِ قَالَ: کُنْتُ کَثِیراً مَا أَشْتَکِی عَیْنِی فَشَکَوْتُ ذَلِکَ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ أَ لَا أُعَلِّمُکَ دُعَاءً لِدُنْیَاکَ وَ آخِرَتِکَ وَ تُکْفَی بِهِ وَجَعَ عَیْنَیْکَ فَقُلْتُ بَلَی فَقَالَ تَقُولُ فِی دُبُرِ الْفَجْرِ وَ دُبُرِ الْمَغْرِبِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِی بَصَرِی وَ الْبَصِیرَهَ فِی دِینِی وَ الْیَقِینَ فِی قَلْبِی وَ الْإِخْلَاصَ فِی عَمَلِی وَ السَّلَامَهَ فِی نَفْسِی وَ السَّعَهَ فِی رِزْقِی وَ الشُّکْرَ لَکَ مَا أَبْقَیْتَنِی (۲).

**[ترجمه]أمالی: جعفیّ از پدرش نقل کرد، دیر زمانی بود که درد چشم داشتم و از آن به نزد امام صادق علیه السلام شکایت بردم، فرمودند: آیا می‌خواهی دعایی به تو بیاموزم که هم خیر دنیا و آخرت تو را تأمین کند و هم درد چشمت را برطرف نماید؟ عرض کردم: آری. فرمودند: بعد از سپیده‌دم و غروب آفتاب بگو: «خدایا، به حق محمد و خاندان محمد از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و نور دیدگان و بصیرت دینی و یقین قلبی و اخلاص عمل و سلامت جان و گشایش روزی و سپاسگزاری از خود را تا وقتی زنده‌ام به من عطا نمایی». - . امالی طوسی ۱:۱۹۹ و در کافی ۲:۵۵۰ آن را مشاهده می کنی. -

**[ترجمه]

«۳»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ أَبِی أَیُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ عَلِیٌّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام: لَمَّا دَعَانِی رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَوْمَ خَیْبَرَ قِیلَ لَهُ یَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهُ أَرْمَدُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ائْتُونِی بِهِ فَأَتَیْتُهُ فَقُلْتُ یَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّی أَرْمَدُ لَا أُبْصِرُ شَیْئاً قَالَ فَقَالَ ادْنُ مِنِّی یَا عَلِیُّ فَدَنَوْتُ مِنْهُ فَمَسَحَ یَدَهُ عَلَی عَیْنَیَّ فَقَالَ بِسْمِ

اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ اللَّهُمَّ اکْفِهِ الْحَرَّ وَ الْبَرْدَ وَ قِهِ الْأَذَی وَ الْبَلَاءَ قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام فَبَرَأْتُ وَ الَّذِی أَکْرَمَهُ بِالنُّبُوَّهِ وَ خَصَّهُ بِالرِّسَالَهِ وَ اصْطَفَاهُ عَلَی الْعِبَادِ مَا وَجَدْتُ بَعْدَ ذَلِکَ حَرّاً وَ لَا بَرْداً وَ لَا أَذًی فِی عَیْنَیَّ.

قَالَ: وَ کَانَ عَلِیٌّ علیه السلام رُبَّمَا خَرَجَ فِی الْیَوْمِ الشَّاتِی الشَّدِیدِ الْبَرْدِ وَ عَلَیْهِ قَمِیصٌ

ص: ۸۶

۱- ۱. الخصال ج ۲ ص ۱۵۸.

۲- ۲. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۱۹۹، و تراه فی الکافی ج ۲ ص ۵۵۰.

شَفٌ (۱)

فَيُقَالُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَ مَا تُصِيبُ الْبَرْدَ فَقَالَ مَا أَصَابَنِي حَرٌّ وَ لَا بَرْدٌ مُنْذُ عَوَّذَنِي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ رُبَّمَا خَرَجَ إِلَيْنَا فِي الْيَوْمِ الْحَارِّ الشَّدِيدِ الْحَرِّ فِي جُبَّةٍ مَحْشُوَّةٍ فَيُقَالُ لَهُ أَ مَا تُصِيبُكَ مَا يُصِيبُ النَّاسَ مِنْ شِدَّةِ هَذَا الْحَرِّ حَتَّى تَلْبَسَ الْمَحْشُوَّةَ فَيَقُولُ لَهُمْ مِثْلَ ذَلِكَ (۲).

ق، كتاب العتيق الغروى: مِثْلَهُ وَ فِيهِ وَ الصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله.

**[ترجمه]طب الائمه: حضرت صادق عليه السلام از پدران بزرگوارشان نقل كردند حضرت على بن ابى طالب عليه السلام فرمودند: در روز خيبر زمانى كه سول خدا صلى الله عليه و آله مرا فراخواند به ايشان عرض شد، اى رسول خدا چشم او بيمار است رسول خدا فرمودند: او را نزد من آوريد پس به خدمت ايشان رسيدم و عرض كردم : اى رسول خدا چشم من بيمار است و چيزى را نمى بينم، فرمودند: اى على به من نزديك شو، من نيز به ايشان نزديك شدم پس دست خويش را بر چشم من كشيدند و فرمودند «به نام خدا و با استعانت از خدا و سلام بر رسول خدا خداوندا او را از سرما و گرما و آزار و سختى حفظ كن و كفايت فرما » حضرت على عليه السلام فرمودند: سوگند به آنكه او را به پيامبرى گرامى داشت و به رسالت مخصوص گردانيد و بر بندگان برگزيد، شفا يافتم و پس از آن نه گرما و سرمايى ديدم و نه چشمم مشكلى پيدا كرد.

نقل كرد: حضرت على عليه السلام در روزهاى بسيار سرد زمستان خارج مى شدند در حالى كه پيراهن نازكى بر تن داشتند. به ايشان عرض مى شد، اى امير مؤمنان آيا سرما نمى خورى؟ فرمودند از آن هنگام كه رسول خدا مرا تعويذ نمود به سرما و گرمايى مبتلا نمى شوم و چه بسا در روزهاى بسيار گرم با لباسى ضخيم خارج مى شدند و به ايشان عرضه مى شد آيا بدانچه مردم به آن گرفتارند از شدت اين گرما، مبتلا نمى شويد كه اين لباس ضخيم را پوشيده ايد؟ و ايشان همان جواب را به آنها دادند.

العتيق الغروى: مثل اين حديث آمده است و در آن درود بر رسول خدا نيز آمده است.

**[ترجمه]

«۴»

طب، [طب الأئمه عليهم السلام] مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الزَّعْفَرَانِيُّ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ عِيسَى بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ: جِئْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَوْماً مِنَ الْأَيَّامِ فَرَأَيْتُ بِهِ مِنَ الرَّمَدِ شَيْئاً فَاغْتَمَمْتُ بِهِ ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَيْهِ مِنَ الْغَدِ وَ لَمْ يَكُنْ بِهِ رَمَدٌ فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ عَالَجْتُهَا بِشَيْ ءٍ وَ هُوَ عُوذَةٌ عِنْدِي عَوَّذْتُهُمَا بِهَا قَالَ فَأَخْبَرَنِي بِهَا وَ هَذِهِ نُسْخَتُهَا أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ أَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللَّهِ أَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ أَعُوذُ بِجَمَالِ اللَّهِ أَعُوذُ بِكَرَمِ اللَّهِ أَعُوذُ بِبَهَاءِ اللَّهِ أَعُوذُ بِغُفْرَانِ اللَّهِ أَعُوذُ بِحِلْمِ اللَّهِ أَعُوذُ بِذِكْرِ اللَّهِ أَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ أَعُوذُ بِآلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ عَلَى مَا أَجِدُ مِنْ حِكَّةِ عَيْنَيَّ وَ مَا أَخَافُ مِنْهَا وَ مَا أَحْذَرُ اللَّهُمَّ رَبَّ الطَّيِّبِينَ أَذْهِبْ ذَلِكَ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ قُدْرَتِكَ (۳).

**[ترجمه]طب الائمه: عيسى بن سليمان نقل كرد روزى از روزها به خدمت امام صادق عليه السلام رسيدم و ديدم چشمشان بيمار است پس اندوهگين شدم و فرداى آن روز نزد ايشان رفتم و ديگر چشمشان بيمار نبود پس راجع به آن سؤال كردم فرمودند آن را به چيزى معالجه كردم. دعايى در نزد من است كه چشمانم را به آن تعويذ نمودم. پس گفت مرا بدان آگاه سازيد و اين نسخه آن است: «پناه مى برم به عزت خدا پناه مى برم به قدرت خدا پناه مى برم به عظمت خدا پناه مى برم به شكوه خدا پناه مى برم به جمال خدا پناه مى برم به بزرگوارى خدا پناه مى برم به زيبايى خدا پناه مى برم به آمرزش خدا پناه مى برم به شكيبايى خدا پناه مى برم به ياد خدا پناه مى برم به رسول خدا پناه مى برم به خاندان رسول خدا صلى الله عليه و آله از خارشى كه در چشم خويش دارم و از هر آنچه كه از آن بيم دارم و مى‌هراسم خدايا اى پروردگار پاكان به نيرو و توان خود آن را از من بزداى». - . طب الائمه:۲۱ -

**[ترجمه]

«۵»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِی الْمِقْدَامِ عَنْ جَابِرٍ عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ: کَانَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله إِذَا رَمِدَ هُوَ أَوْ أَحَدٌ مِنْ أَهْلِهِ أَوْ مِنْ أَصْحَابِهِ دَعَا بِهَذِهِ الدَّعَوَاتِ اللَّهُمَّ مَتِّعْنِی بِسَمْعِی وَ بَصَرِی وَ اجْعَلْهُمَا الْوَارِثَیْنِ مِنِّی وَ انْصُرْنِی عَلَی مَنْ ظَلَمَنِی وَ أَرِنِی فِیهِ ثَارِی (۴).

**[ترجمه]طب الائمه: امام باقر علیه السلام فرمودند: هرگاه چشم پیامبر صلی الله علیه و آله یا یکی از خانواده و یارانشان بیمار می گشت این دعاها را می خواندند «خدایا مرا از گوش و چشمم بهره مند گردان و آن دو را وارثان من قرار ده و مرا یاری فرما بر کسانی که به من ظلم کردند و انتقامم را به من بنمایان». - . طب الائمه:۸۵ -

**[ترجمه]

«۶»

سر، [السرائر] مِنْ جَامِعِ الْبَزَنْطِیِّ عَنْ یُونُسَ بْنِ ظَبْیَانَ قَالَ: دَخَلْنَا عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ هُوَ رَمِدٌ شَدِیدَ الرَّمَدِ فَاغْتَمَمْنَا لِذَلِکَ ثُمَّ أَصْبَحْنَا مِنَ الْغَدِ فَدَخَلْنَا

ص: ۸۷

۱- ۱. الشف من الثیاب: الثوب الرقیق یظهر ما تحته.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۲۱.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۸۵.

۴- ۴. طبّ الأئمّه ص ۸۳.

عَلَیْهِ فَإِذَا لَا رَمَدَ بِعَیْنِهِ وَ لَا بِهِ قَلَبَهٌ(۱)

فَقُلْنَا جُعِلْنَا فِدَاکَ هَلْ عَالَجْتَ عَیْنَیْکَ بِشَیْ ءٍ فَقَالَ نَعَمْ بِمَا هُوَ مِنَ الْعِلَاجِ فَقُلْنَا مَا هُوَ فَقَالَ عُوذَهٌ فَکَتَبْنَاهَا وَ هِیَ أَعُوذُ بِعِزَّهِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِقُوَّهِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِقُدْرَهِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِنُورِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِعَظَمَهِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَمَالِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِبَهَاءِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ قُلْنَا وَ مَا جَمْعُ اللَّهِ قَالَ بِکُلِّ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِعَفْوِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِغُفْرَانِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِالْأَئِمَّهِ وَ سَمَّی وَاحِداً وَاحِداً ثُمَّ قَالَ عَلَی مَا نَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ اللَّهُمَّ رَبَّ الْمُطِیعِینَ (۲).

**[ترجمه]مستطرفات السرائر: یونس بن ظبیان نقل کرد خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم در حالی که چشمشان بسیار بیمار بود و ما بدین سبب اندوهناک گشتیم فردای آن روز نزد ایشان رفتیم و دیگر هیچ اثری از بیماری در چشمشان و عیبی در آن نبود عرض کردیم فدایت شویم آیا چشمانتان را به چیزی درمان کردید؟ فرمودند آری به چیزی که جزیی از درمان است، گفتیم: آن چیست؟ فرمودند: تعویذی است و آن را نوشتیم و این است: «پناه می برم به عزت خدا پناه می برم به قدرت خدا پناه می برم به عظمت خدا پناه می برم به نور خدا پناه می برم به جلال خدا پناه می برم به جمال خدا پناه می برم به بزرگواری خدا پناه می برم به زیبایی خدا پناه می برم به جمع خدا» عرض کردیم: جمع خدا چیست؟ فرمودند: به تمامی خدا و پناه می برم به عفو خدا پناه می برم به آمرزش خدا پناه می برم به رسول خدا پناه می برم به امامان - و یکی یکی آنها را نام برد سپس فرمودند - از آنچه می خواهیم از شر آنچه می یابم ای خدا ای پروردگار مطیعان». - . مستطرفات السرائر:۴۶۹ -

**[ترجمه]

«۷»

قب، [المناقب] لابن شهرآشوب: سَمِعَ ضَرِیرٌ دُعَاءَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ یَا رَبَّ الْأَرْوَاحِ الْفَانِیَهِ وَ رَبَّ الْأَجْسَادِ الْبَالِیَهِ أَسْأَلُکَ بِطَاعَهِ الْأَرْوَاحِ الرَّاجِعَهِ إِلَی أَجْسَادِهَا وَ بِطَاعَهِ الْأَجْسَادِ الْمُلْتَئِمَهِ إِلَی أَعْضَائِهَا وَ بِانْشِقَاقِ الْقُبُورِ عَنْ أَهْلِهَا وَ بِدَعْوَتِکَ الصَّادِقَهِ فِیهِمْ وَ أَخْذِکَ بِالْحَقِّ بَیْنَهُمْ إِذَا بَرَزَ الْخَلَائِقُ یَنْتَظِرُونَ قَضَاءَکَ وَ یَرَوْنَ سُلْطَانَکَ وَ یَخَافُونَ بَطْشَکَ وَ یَرْجُونَ رَحْمَتَکَ یَوْمَ لا یُغْنِی مَوْلًی عَنْ مَوْلًی شَیْئاً وَ لا هُمْ یُنْصَرُونَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ أَسْأَلُکَ یَا رَحْمَانُ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِی بَصَرِی وَ الْیَقِینَ فِی قَلْبِی وَ ذِکْرَکَ بِاللَّیْلِ وَ النَّهَارِ عَلَی لِسَانِی أَبَداً مَا أَبْقَیْتَنِی إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ قَالَ فَسَمِعَهَا الْأَعْمَی وَ حَفِظَهَا وَ رَجَعَ إِلَی بَیْتِهِ الَّذِی یَأْوِیهِ فَتَطَهَّرَ لِلصَّلَاهِ وَ صَلَّی ثُمَّ دَعَا بِهَا فَلَمَّا بَلَغَ إِلَی قَوْلِهِ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِی بَصَرِی ارْتَدَّ الْأَعْمَی بَصِیراً بِإِذْنِ اللَّهِ (۳).

**[ترجمه]مناقب آل ابی طالب: شخص نابینایی این دعای امیر مؤمنان علیه السلام را شنید:« خداوندا از تو می خواهم ای پروردگار روح های از بین رونده و ای پروردگار بدن های فرسوده از تو می خواهم به اطاعت جان هایی که به پیکرهای خویش باز می گردند و به اطاعت بدن هایی که به اعضای خود ملحق می شوند و به شکافتن قبرها از صاحبانشان و به دعوت صادقانه تو در میان آنان و به حقی که در بین آنها چنگ می زنی آن هنگام که مخلوقات سر برآورند و در انتظار حکم تو اند و پادشاهی ات را می بینند و از قدرت تو می هراسند و به رحمت تو امیدوارند، روزی که هیچ دوستی از دوستی دیگر بی نیاز نیست و یاری نمی شوند؛ مگر آنکس که خدا به او رحم کرد و به راستی که او شکست ناپذیر حکیم است،ای بخشاینده از تو می خواهم که نور را در چشمانم و یقین را در قلبم و و یاد خود در روز و شب را بر زبانم قرار دهی، همیشه و تا زمانی که مرا به پا داشتی به راستی که تو بر هرچیزی توانایی.» نقل کرد: شخص نابینا آن را شنید و حفظ کرد و به خانه ای که او را پناه می داد بازگشت پس برای نماز طهارت نمود و نماز را به جای آورد و سپس آن دعا را خواند و تا به این فراز رسید « که نور را در چشمم قرار دهی.» آن شخص کور به اذن خدا بینا گشت. - . مناقب آل ابی طالب ۲۸۷:۲ و در مکارم الاخلاق ص۴۵۱ آن را می یابی و خواهد آمد. -

**[ترجمه]

«۸»

مکا، [مکارم الأخلاق] لِوَجَعِ الْعَيْنِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ: إِذَا اشْتَكَى أَحَدُكُمْ عَيْنَهُ فَلْيَقْرَأْ عَلَيْهَا آيَهَ الْكُرْسِيِّ وَ فِي قَلْبِهِ أَنَّهُ يَبْرَأُ وَ يُعَافَى فَإِنَّهُ يُعَافَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ قِيلَ مَنْ كَانَ يَقُولُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً يَسْلَمُ عَيْنُهُ مِنَ الْآفَاتِ.

نَظَرَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله إِلَى سَلْمَانَ وَ هُوَ أَرْمَدُ قَالَ لَا تَأْكُلِ التَّمْرَ وَ لَا تَنَمْ عَلَى جَانِبِكَ الْأَيْسَرِ.

ص: ۸۸

۱- ۱. القلبه بالضم: الحمره، و بالفتح: الداء و العیب.

۲- ۲. مستطرفات السرائر: ۴۶۹.

۳- ۳. مناقب آل أبی طالب ج ۲ ص ۲۸۷، و تراه فی مکارم الأخلاق ص ۴۵۱ کما سیأتی.

وَ مِثْلُهُ: يُقْرَأَ عَلَى الْمَاءِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ يُغْسَلُ بِهِ الْوَجْهُ فَكَشَفْنا عَنْكَ غِطاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ وَ لَوْ نَشاءُ لَطَمَسْنا عَلى أَعْيُنِهِمْ إِلَى قَوْلِهِ يُبْصِرُونَ (١).

وَ مِثْلُهُ: وَ إِنْ يَكادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ إِلَى آخِرِ السُّورَةِ(٢).

لِلشَّبْكُورِ عَنْ أَبِي يُوسُفَ الْمُعَصَّبِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام أَشْكُو إِلَيْكَ مَا أَجِدُ فِي بَصَرِي وَ قَدْ صِرْتُ شَبْكُوراً فَإِنْ رَأَيْتَ أَنْ تُعَلِّمَنِي شَيْئاً قَالَ اكْتُبْ هَذِهِ الْآيَةَ اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ (٣) الْآيَةَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فِي جَامٍ ثُمَّ اغْسِلْهُ وَ صَيِّرْهُ فِي قَارُورَةٍ وَ اكْتَحِلْ بِهِ قَالَ وَ مَا اكْتَحَلْتُ إِلَّا أَقَلَّ مِنْ مِائَةِ مِيلٍ حَتَّى رَجَعَ بَصَرِي أَصَحَّ مَا كَانَ أَوْ قَالَ مَا كُنْتُ (۴)

لِوَجَعِ الْعَيْنِ تَأْخُذُ قُطْناً وَ تَبُلُّهُ وَ تَضَعُهُ عَلَى الْعَيْنِ وَ تَقُولُ عَيْنُ الشَّمْسِ فِي لُجَّةِ الْبَحْرِ يا نارُ كُونِي بَرْداً وَ سَلاماً عَلى إِبْراهِيمَ (۵).

أُخْرَى سُلَيْمَانُ بْنُ عِيسَى قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَرَأَيْتُ بِهِ الرَّمَدَ شَيْئاً فَاحِشاً فَاغْتَمَمْتُ وَ خَرَجْتُ ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَيْهِ مِنَ الْغَدِ فَإِذَا لَا قَلَبَةَ بِعَيْنِهِ (۶) فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِكَ الْأَمْسَ وَ بِكَ مِنَ الرَّمَدِ مَا غَمَّنِي وَ دَخَلْتُ عَلَيْكَ الْيَوْمَ فَلَمْ أَرَ شَيْئاً أَ عَالَجْتَهُ بِشَيْ‌ءٍ قَالَ عَوَّذْتُهَا بِعُوذَةٍ عِنْدِي قُلْتُ أَخْبِرْنِي بِهَا فَكَتَبَ أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ أَعُوذُ بِقُوَّةِ اللَّهِ أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ أَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللَّهِ أَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ أَعُوذُ بِبَهَاءِ اللَّهِ أَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ أَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله عَلَى مَا أَحْذَرُ وَ أَخَافُ عَلَى عَيْنِي وَ أَجِدُهُ مِنْ وَجَعِ عَيْنِي اللَّهُمَّ رَبَّ الطَّيِّبِينَ أَذْهِبْ ذَلِكَ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ (٧) فَكَشَفْنا عَنْكَ غِطاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقالَ إِنِّي سَقِيمٌ

ص: ۸۹

١- ١. يس: ۶۶، و لو نشاء لطمسنا على أعينهم فاستبقوا الصراط فأنى يبصرون.

٢- ٢. و هى: و ما هو الا ذكر للعالمين، راجع مكارم الأخلاق ص ۴۳۰.

٣- ٣. النور: ۳۵.

۴- ۴. مكارم الأخلاق ص ۴۳۱.

۵- ۵. مكارم الأخلاق ص ۴۶۵.

۶- ۶. فى الأصل: لابليه، و هو تصحيف.

٧- ٧. الظاهر تمام العوذه هاهنا، كما عرفت من السرائر و طبّ الأئمّه، فما بعده عوذه اخرى.

وَ صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّباتِ ... فَتَبارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِينَ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا كَبِيرُ يَا جَلِيلُ يَا جَمِيلُ يَا مَنِيعُ يَا فَرْدُ يَا وَتْرُ يَا رَبِّ لا تَذَرْنِي فَرْداً وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوارِثِينَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ يَا حَيُّ يَا حَلِيمُ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ يَا جَمِيلُ يَا فَرْدُ يَا وَتْرُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ لَا تَدَعَنِي فِي قَبْرِي فَرْداً وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوارِثِينَ وَ أَنْ كُنْتُ إِلَّا وَاجِدَ الصَّلَاةِ فِي قَبْرِهِ مِمَّا رَزَقْتَنِي فِي حَاجَةٍ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۱).

دُعَاءٌ لِوَجَعِ الْعَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: كَثِيراً مَا أَشْتَكِي عَيْنِي فَشَكَوْتُ ذَلِكَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ أَ لَا أُعَلِّمُكَ دُعَاءً لِدُنْيَاكَ وَ آخِرَتِكَ وَ بَلَاغاً لِوَجَعِ عَيْنِكَ قُلْتُ بَلَى قَالَ تَقُولُ فِي دُبُرِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَ السَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَ السَّعَةَ فِي رِزْقِي وَ الشُّكْرَ لَكَ أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِي وَ فِي رِوَايَةٍ تَقُولُ ذَلِكَ سَبْعَ مَرَّاتٍ إِذَا صَلَّيْتَ الْفَجْرَ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مُقَامِكَ (۲).

**[ترجمه]مكارم الاخلاق: برای درد چشم: امیر مؤمنان فرمودند: هرگاه شخصی از شما به درد چشم مبتلا شد، آیه الکرسی را بر آن بخواند و در دل او چنین باشد که شفا می گیرد و عافیت می یابد، به راستی که عافیت می یابد، انشالله.

نقل است: هر کس در هر روز بگوید: «فجعلناه سمیعا بصیرا: او را شنوا و بینا قرار دادیم.» چشم او از آفات سالم خواهد ماند.

پیامبر صلی الله علیه و آله به سلمان نگاهی انداختند در حالی که چشمشان بیمار بود و فرمودند: خرما نخور و بر پهلوی چپ نخواب.

و مثل این حدیث: سه بار بر آب خوانده می شود و صورت با آن شسته شود« پرده ات را از تو کنار زدیم و چشم تو امروز آهن است و اگر بخواهیم، هر آینه فروغ از دیدگانشان می گیریم تا در راه بر هم پیشی جویند ولی از کجا می توانند ببینند». - . یس/ ۶۶ -

و مثل آن: وَ إِنْ يَكادُ الَّذينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ: و آنانکه کافر شدند، چون قرآن را شنیدند چیزی نمانده بود که تو را چشم بزنند، و می گفتند: او واقعاً دیوانه ای است.» تا آخر سوره. - . مراجعه کن مکارم الاخلاق:۴۳۰ -

برای شب کور: ابی یوسف معصّب نقل کرد: به امام موسی کاظم علیه السلام عرض کردم: از آنچه در چشمم می یابم به تو شکایت می کنم و شب کور شدم و پس اگر صلاح می بینید چیزی به من بیاموزید فرمودند: این آیه «اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاةٍ فِيها مِصْباحٌ الْمِصْباحُ فِي زُجاجَةٍ الزُّجاجَةُ كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ يَكادُ زَيْتُها يُضِي ءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْ ءٍ عَلِيمٌ: خدا نور آسمانها و زمین است. مَثَلِ نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی، و آن چراغ در شیشه ای است. آن شیشه گویی اختری درخشان است که از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی است و نه غربی، افروخته می شود. نزدیک است که روغنش- هر چند بدان آتشی نرسیده باشد- روشنی بخشد. روشنی بر روی روشنی است. خدا هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می کند، و این مثل ها را خدا برای مردم می زند و خدا به هر چیزی داناست.» - . نور/۳۵ -

را سه بار در جامی بنویس سپس آن را بشوی و در شیشه ای قرار ده و بدان سرمه بکش. نقل کرد کمتر از صد میل کشیدم که بینایی ام بازگشت، بهتر از آنچه که بود و یا گفت: بهتر از آنچه که بودم. - . مکارم الاخلاق:۴۳۱ -

برای درد چشم: پنبه ای برمی گیری و آن را نمناک می سازی و بر چشم قرار می دهی و می گویی:« چشم خورشید در موج آب است، ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش».

دعایی دیگر: سلیمان عیسی نقل کرد: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و دیدم چشمشان به طرز فاحشی دچار بیماری شده است،پس اندوهناک شدم و بیرون آمدم و فردای آن روز خدمت ایشان رسیدم و هیچ اثری از آن بیماری نیافتم، عرض کردم: فدایت گردم من دیروز از خدمت شما خارج شدم و چشم شما چنان دچار بیماری بود که مرا غمگین ساخت و امروز که نزد شما آمدم اثری از آن نیافتم آیا آن را به

چیزی درمان کردید؟ فرمودند: آن را به دعایی که در نزد من بود تعویذ کردم. عرض کردم مرا از آن آگاه سازید، پس نوشتند:« پناه می برم به عزت خدا، پناه می برم به قدرت خدا، پناه می برم به عظمت خدا، پناه می برم به شکوه خدا، پناه می برم به زیبایی خدا، پناه می برم به جمع خدا، پناه می برم به رسول خدا،پناه می برم به خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله از هر آنچه که از آن بیم دارم و می هراسم و از دردی که در چشم خویش دارم و خدایا ای پروردگار پاکان به نیرو و توان خود آن را از من بزدای. - . ظاهرا این شکل کامل تعویذ است همانطور که در السرائر و طب الائمه یافتی. و بعد از آن تعویذی نیست. -

پرده ات را از تو کنار زدیم پس چشم تو امروز آهن است. پس نگاهی به ستارگان انداخت و گفت من بیمارم و شما را صورت بخشید و به نیکی تصویرگری نمود و از نیکی ها شما را روزی داد، پس خجسته باد خداوند پروردگار جهانیان ای بلند مرتبه ای با عظمت ای بزرگ ای با شکوه ای زیبا ای دست نایافتنی ای یگانه ای یکتا ای پروردگار من مرا تنها مگذار و تو بهترین وارثانی».

«به نام خداوند بخشنده مهربان ای زنده ای بردبار، ای بلند مرتبه ای با عظمت،ای با شکوه ای زیبا،ای یگانه ای یکتا از تو می خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و از تو می خواهم مرا تنها در قبرم رها مکنی و تو بهترین وارثانی و نماز را در قبرش می یابی و در وقت نیاز مرا روزی دادی اجابت کن ای پروردگار جهانیان. - . مکارم الاخلاق:۴۶۵ به آن مراجعه کن و در خط پایانی آن ابهام و اختلاف است. -

دعای درد چشم: محمد بن جعفی از پدرش نقل کرد: بسیاری از اوقات از چشم خود در ناله ام پس از آن به نزد امام صادق علیه السلام شکایت کردم پس فرمودند: آیا نیاموزم به تو دعایی برای دنیا و آخرتت و آنچه که برای درد چشمت مفید باشد؟ عرض کردم: آری. فرمودند: در تعقیب نماز صبح و مغرب می خوانی:«خدایا، به حق محمد و خاندان محمد از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و نور دیدگان و بصیرت دینی و یقین قلبی و اخلاص عمل و سلامت جان و گشایش روزی و سپاسگزاری از خود را تا وقتی زنده‌ام به من عطا نمایی.

و در روایتی: آن را هفت بار بعد از نماز صبح و قبل از آنکه از جا برخیزی می خوانی. - . مکارم الاخلاق: ۴۵۱ -

**[ترجمه]

«۹»

کا، [الکافی] الْحُسَیْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُوسَی بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: إِنَّمَا شِفَاءُ الْعَیْنِ قِرَاءَةُ الْحَمْدِ وَ الْمُعَوِّذَتَیْنِ وَ آیَهِ الْکُرْسِیِّ وَ الْبُخُورُ بِالْقُسْطِ وَ الْمُرِّ وَ اللُّبَانِ (۳).

**[ترجمه]الکافی: امام رضا علیه السلام فرمودند: شفای درد چشم در خواندن سوره حمد، قل اعوذ برب الناس، قل اعوذ برب الفلق و آیه الکرسی و بخور دادن با قُسط - . قسط: از داروهای گیاهی دریایی است که برای درمان به کار می رود گفته می شود عودی هندی و عربی است که ادرار آور و نافع کبد است و شکم را روان می کند. -

و مرّ - . مرّ: صمغ درختی مغربی است. -

و کندر می‌باشد.

**[ترجمه]

«۱۰»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَرَّ أَعْمَى عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله

۱- ۱. مكارم الأخلاق ص ۴۶۵ راجعه ففى السطر الأخير انغلاق و اختلاف.

۲- ۲. مكارم الأخلاق ص ۴۵۱.

۳- ۳. الكافي ج ۶ ص ۵۰۳، و القسط- بالضم- عود من عقاقير البحر يتداوى به، و يقال أنه عود هندى و عربى مدر نافع للكبد جدا و المغص، و المر: صمغ شجره تكون ببلاد المغرب و اللبان: الكندر.

فَقَالَ لَهُ أَ تَشْتَهِي أَنْ يَرُدَّ اللَّهُ عَلَيْكَ بَصَرَكَ قَالَ نَعَمْ فَقَالَ صلى الله عليه و آله تَوَضَّأْ وَ أَسْبِغِ الْوُضُوءَ ثُمَّ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَ أَدْعُوكَ وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَ رَبِّي لِيَرُدَّ بِكَ عَلَيَّ بَصَرِي قَالَ فَمَا قَامَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله مِنْ مَحَلِّهِ حَتَّى رَجَعَ الْأَعْمَى وَ قَدْ رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بَصَرَهُ.

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ قَرَأَ فِي الْمُصْحَفِ نَظَراً مُتِّعَ بِبَصَرِهِ.

**[ترجمه]دعوات الراوندی: امام باقر علیه السلام فرمودند: شخص نابینایی از کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله گذشتند، حضرت فرمودند: آیا مایلی خداوند بینایی‌ات را به تو بازگرداند؟ عرض کرد: آری، حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: وضوی نیکویی بساز و دو رکعت نماز بگزار و سپس بخوان «خدایا من از تو می‌خواهم و تو را می‌خوانم و به سوی تو گرایش دارم و به سوی تو روی می‌کنم به پیامبرت محمد پیغام‌آور رحمت، ای محمد من به واسطه تو به خدا روی کردم که پروردگار تو و پروردگار من است تا بینایی‌ام را به من بازگردانی» نقل کرد: هنوز پیامبر از جای خود برنخاسته بودند که نابینا بازگشت و خداوند بینایی‌اش را به او بازگرداند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که قرآن بخواند و به آن نظر کند، دیدگان خود را از آن بهره‌مند ساخته است .

**[ترجمه]

باب ۸۰ الدعاء للرعاف

الأخبار

«۱»

مکا، [مکارم الأخلاق]: تَقْرَأُ وَ تَكْتُبُ وَ تَأْخُذُ بِأَنْفِ الْمَرْعُوفِ يَا مَنْ حَمَلَ الْفِيلَ مِنْ بَيْتِهِ الْحَرَامِ أَسْكِنْ دَمَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ أَوْ يُصَبُّ عَلَى رَأْسِهِ وَ جَبْهَتِهِ مَاءُ الْجَمَدِ فَإِنَّهُ يَسْكُنُ بِإِذْنِ اللَّهِ (۱)

لِلرُّعَافِ مِنْها خَلَقْناكُمْ وَ فِيها نُعِيدُكُمْ وَ مِنْها نُخْرِجُكُمْ تارَةً أُخْرى يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لا عِوَجَ إِلَى قَوْلِهِ هَمْساً(۲) يا أَرْضُ ابْلَعِي ماءَكِ وَ يا سَماءُ أَقْلِعِي وَ غِيضَ الْماءُ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَ قِيلَ بُعْداً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً الْآيَةَ(۳) وَ جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا الْآيَةَ(۴)

وَ مِثْلُهُ يُكْتَبُ عَلَى جَبْهَةِ الْمَرْعُوفِ بِدَمِهِ وَ قِيلَ يا أَرْضُ ابْلَعِي ماءَكِ إِلَى

ص: ۹۱

۱- ۱. مكارم الأخلاق ص ۴۶۶، مع اختلاف يسير.

۲- ۲. يومئذ يتبعون الداعی لا عوج له و خشعت الأصوات للرحمن فلا تسمع إلا همسا: طه: ۱۰۹.

۳- ۳. الطلاق: ۳، و الآيه غير موجوده فی المصدر.

۴- ۴. يس: ۸، و جعلنا من بين ايديهم سدا و من خلفهم سدا فأغشيناهم فهم لا يبصرون راجع مكارم الأخلاق ص ۴۳۲.

آخِرِهَا فَإِنَّهُ يَسْكَنُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ (۱).

**[ترجمه]مکـارم الاخلاـق: این دعا را می‌خوانی و می‌نویسی و بینی کسی که خون از آن جاری است را می گیری: «ای کسی که فیل را از بیت الحرام برگردانـدی، خون فلان فرزنـد فلان را آرام گردان» و یا آب سرد بر سر و پیشانی او ریخته می‌شود و به راستی که به اذن خداوند آرام می گیرد. - . مکارم الاخلاق: ۴۴۶ با اندکی اختلاف. -

برای خون دماغ: «مِنْها خَلَقْناكُمْ وَ فيها نُعيدُكُمْ وَ مِنْها نُخْرِجُكُمْ تارَةً أُخْرى يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدّاعِيَ لاعِوَجَ لَهُ وَ خَشَعَتِ الْأَصْواتُ لِلرَّحْمنِ فَلاتَسْمَعُ إِلاّ هَمْساً - . طه/ ۱۰۹ -

وَ قيلَ يا أَرْضُ ابْلَعي ماءَكِ وَ يا سَماءُ أَقْلِعي وَ غيضَ الْماءُ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَ قيلَ بُعْداً لِلْقَوْمِ الظّالِمينَ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجا - . طلاق/ ۳ - . و جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْديهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لايُبْصِرُونَ » - . يس/ ۸، مراجعه کن مکارم الاخلاق: ۴۳۲ - از

ایـن شـما را آفریـدیم، در آن شـما را بـاز می گردانیم و بـار دیگر شـما را از آن بیرون می آوریم در آن روز، داعی را که هیـچ انحرافی در او نیست پیروی می کنند، و صداها در مقابل رحمان خاشع می گردد، و جز صدایی آهسته نمی شنوی. ایزمین! آب خود را فرو بر، و ای آسمان، خودداری کن. و آب فروکاست و فرمان گزارده شده و بر جودی قرار گرفت. و گفته شد: مرگ بر قوم ستمکار و فرا روی آنها سدّی و پشت سرشان سدّی نهاده و پرده ای بر آنان فروگسترده ایم، در نتیجه نمی توانند ببینند .

و مثل این حدیث: با خون کسی که خون دماغ می شود،بر پیشانی اش نوشته می‌شود « قيلَ يا أَرْضُ ابْلَعي ماءَكِ وَ يا سَماءُ أَقْلِعي وَ غيضَ الْماءُ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَ قيلَ بُعْداً لِلْقَوْمِ الظّالِمينَ: ایزمین! آب خود را فرو بر، و ای آسـمان، خودداری کن. و آب فروکاست و فرمان گزارده شده و بر جودی قرار گرفت. و گفته شد: مرگ بر قوم ستمکار ». که انشاء الله آرام خواهد گرفت. - . مکارم الاخلاق: ۴۳۳ -

**[ترجمه]

«۲»

نُقِلَ مِنْ خَطِّ الشَّهِيدِ قُدِّسَ سِرُّهُ: يُكْتَبُ لِلْعَلَقِ الْحَمْدُ وَ آيَةُ الْكُرْسِيِّ وَ أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيارِهِمْ إِلَى قَوْلِهِ مُوتُوا(۲) اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُخْرِجَ هَذَا الْعَلَقَ عَنْ حَامِلِهَا وَ تَصْرِفَ عَذَابَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

**[ترجمه]از خط شـهید قـدس سره نقل است بر آویز نوشـته شود حمد و آیه الکرسی و آیه أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذينَ خَرَجُوا مِنْ دِيارِهِمْ وَ هُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا: آیا از کسانی که از بیم مرگ از خانه های خود خارج شدنـد، و هزاران تن بودند، خبرنیافتی؟پس خداوند به آنان گفت: تن به مرگ بسپارید.خداوندا از تو می خواهم به حق محمـد و خانـدان محمد که بر محمد و خاندان او درود فرستی و و این آویز را از حامل آن خارج سازی و عذاب خود را باز گردانی ای مهربان ترین مهربانان .

**[ترجمه]

باب ۸۱ الدعاء لوجع الفم و الأضراس

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] حَرِیزُ بْنُ أَیُّوبَ الْجُرْجَانِیُّ عَنْ أَبِی سُمَیْنَهَ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: شَکَا إِلَیْهِ وَلِیٌّ مِنْ أَوْلِیَائِهِ وَجَعاً فِی فَمِهِ فَقَالَ إِذَا أَصَابَکَ ذَلِکَ فَضَعْ یَدَکَ عَلَیْهِ وَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی لَا یَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ أَعُوذُ بِکَلِمَاتِ اللَّهِ الَّتِی لَا یَضُرُّ مَعَهَا شَیْ ءٌ قُدُّوساً قُدُّوساً قُدُّوساً بِاسْمِکَ یَا رَبَّ الطَّاهِرِ الْمُقَدَّسِ الْمُبَارَکِ الَّذِی مَنْ سَأَلَکَ بِهِ أَعْطَیْتَهُ وَ مَنْ دَعَاکَ بِهِ أَجَبْتَهُ أَسْأَلُکَ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ وَ أَنْ تُعَافِیَنِی مِمَّا أَجِدُ فِی فَمِی وَ فِی رَأْسِی وَ فِی سَمْعِی وَ فِی بَصَرِی وَ فِی بَطْنِی وَ فِی ظَهْرِی وَ فِی یَدِی وَ فِی رِجْلِی وَ فِی جَمِیعِ جَوَارِحِی کُلِّهَا فَإِنَّهُ یُخَفِّفُ عَنْکَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی (۳).

**[ترجمه]طب الائمه: ابی بصیر به نقل از امام صادق علیه السلام روایت کرد، شخصی از دوستان ایشان از درد دهان نزد ایشان شکایت بردند، امام علیه السلام فرمودند: هر گاه به این درد مبتلا شدی، دستت را بر آن قرار ده و بگو: «به نام خداوند بخشنده مهربان به نام خدایی که هیچ دردی با وجود اسم او آسیبی نمی‌رساند و به کلمات خدا که با آن هیچ چیز سبب ضرر نمی‌شود پاک است پاک است پاک است، به نام تو ای پروردگار من ای پاک و منزه مبارک که هر کس از تو بدان درخواست کرد به او عطا نمودی و هر کس تو را بدان خواند، اجابت کرد، از تو می‌خواهم ای خدا ای خدا ای خدا که بر محمد و پیامبر و خاندان وی درود فرستی و مرا از درد دهان و سر و گوش و چشم و شکم و پشت و دست و پا و تمامی اعضای بدنم، عافیت بخشی» انشاء الله کاسته خواهد شد. - . طب الائمه: ۲۳ -

**[ترجمه]

«۲»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] الْحُسَیْنُ بْنُ أَحْمَدَ الْخَوَاتِیمِیُّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ یَقْطِینٍ عَنْ حَنَانٍ الصَّیْقَلِ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ: شَکَوْتُ إِلَیْهِ وَجَعَ أَضْرَاسِی وَ أَنَّهُ یُسْهِرُنِی اللَّیْلَ قَالَ فَقَالَ لِی یَا أَبَا بَصِیرٍ إِذَا أَحْسَسْتَ بِذَلِکَ فَضَعْ یَدَکَ

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۳۳.

۲- ۲. البقره: ۲۴۳.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۲۳.

عَلَيْهِ وَ اقْرَأْ سُورَةَ الْحَمْدِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثُمَّ اقْرَأْ وَ تَرَى الْجِبالَ تَحْسَبُها جامِدَةً وَ هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْ ءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِما تَفْعَلُونَ فَإِنَّهُ يَسْكُنُ ثُمَّ لَا يَعُودُ(۱).

**[ترجمه]طب الائمه: ابو بصیر نقل کرد، خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم و از درد دندان به نزد او شکایت بردم که به خاطر آن شب‌ها تا صبح بیدارم، امام به من فرمودند: ای ابابصیر، هرگاه دچار این درد شدی دستت را بر موضع درد قرار ده و سوره‌های حمد و قل هو الله احد را بخوان سپس بخوان «وَ تَرَى الْجِبالَ تَحْسَبُها جامِدَةً وَ هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْ ءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِما تَفْعَلُونَ: و کوه ها را می بینی می پنداری که آنها بی حرکتند و حال آنکه آنها ابر آسا در حرکتند. صُنع خدایی است که هر چیزی را در کمال استواری پدید آورده است. در حقیقت، او به آنچه انجام می دهید آگاه است» و آن درد آرام می‌گیرد و باز نمی‌گردد. - . طب الائمه: ۲۴ -

**[ترجمه]

«۳»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] حَمْدَانُ بْنُ أَعْيَنَ الرَّازِيُّ عَنْ أَبِي طَالِبٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: أَنَّهُ أَمَرَ رَجُلًا بِذَلِكَ وَ زَادَ فِيهِ قَالَ اقْرَأْ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مَرَّةً وَاحِدَةً فَإِنَّهُ يَسْكُنُ وَ لَا يَعُودُ(۲).

وَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَنِ اشْتَكَى مِنْ ضِرْسِهِ فَلْيَأْخُذْ مِنْ مَوْضِعِ سُجُودِهِ وَ لْيَمْسَحْهُ عَلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي يَشْتَكِي وَ يَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ وَ الشَّافِي اللَّهُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السلام نیز شخصی را به این کار امر نمودند و البته اضافه کردند: یک بار سوره انا انزلناه فی لیله القدر را نیز بخوان، و آن درد آرام می‌گیرد و باز نمی‌گردد. - . طب الائمه: ۲۴ -

امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هر کس درد دندان دارد از جای سجده خود مقداری خاک برگیرد و آن را بر موضع درد بمالد و بگوید: «به نام خدا و خداست شفادهنده و هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمی‌پذیرد».

**[ترجمه]

«۴»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] إِبْرَاهِيمُ بْنُ خَالِدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ هَذِهِ الرُّقْيَةَ رُقْيَةُ الضِّرْسِ وَ هِيَ نَافِعَةٌ لَا تُخَالِفُ أَبَداً أَصْلًا بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى تَعْمِدُ إِلَى ثَلَاثِ أَوْرَاقٍ مِنْ وَرَقِ زَيْتُونٍ فَتَكْتُبُ عَلَى وَجْهِ الْوَرَقَةِ بِسْمِ اللَّهِ لَا مَلِكَ أَعْظَمُ مِنَ اللَّهِ مَلِكَ وَ أَنْتَ لَهُ الْخَلِيفَةُ يَاهِيّاً شَرَاهِيّاً أَخْرِجِ الدَّاءَ وَ أَنْزِلِ الشِّفَاءَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً(۳)

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَاهِيّاً شَرَاهِيّاً اسْمَانِ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ تَعَالَى بِالْعِبْرَانِيَّةِ وَ تَكْتُبُ عَلَى ظَهْرِ الْوَرَقَةِ ذَلِكَ وَ تَشُدُّ بِغَزْلِ جَارِيَةٍ لَمْ تَحِضْ فِي خِرْقَةٍ نَظِيفَةٍ وَ تَعْقِدُ عَلَيْهِ سَبْعَ عُقَدٍ وَ تُسَمِّي عَلَى كُلِّ عُقْدَةٍ بِاسْمِ نَبِيٍّ وَ أَسَامِي آدَمَ نُوحٍ إِبْرَاهِيمَ مُوسَى عِيسَى شُعَيْبٍ وَ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ تُعَلِّقُهُ عَلَيْهِ يَبْرَأُ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى (۴).

رُقْيَةُ جَبْرَئِيلَ علیه السلام لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیهما السلام الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ لِدَابَّةٍ تَكُونُ فِي الْفَمِ تَأْكُلُ الْعَظْمَ وَ تَتْرُكُ اللَّحْمَ أَنَا أَرْقِي وَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الشَّافِي الْكَافِي لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ وَ إِذْ قَتَلْتُمْ نَفْساً فَادَّارَأْتُمْ فِيها وَ اللَّهُ مُخْرِجٌ ما كُنْتُمْ

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۲۴.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۲۴.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۲۵.

۴- ۴. طبّ الأئمّه ص ۲۵.

تَكْتُمُونَ فَقُلْنا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِها تَضَعُ إِصْبَعَكَ عَلَى الضِّرْسِ ثُمَّ تَرْقِيهِ مِنْ جَانِبِهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ بِهَذَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى (۱).

عُوذَةٌ مُجَرَّبَةٌ لِلضِّرْسِ تَقْرَأُ الْحَمْدَ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مَعَ كُلِّ سُورَةٍ تَقْرَأُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ وَ بَعْدَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ وَ لَهُ ما سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ قُلْنا يا نارُ كُونِي بَرْداً وَ سَلاماً عَلى إِبْراهِيمَ وَ أَرادُوا بِهِ كَيْداً فَجَعَلْناهُمُ الْأَخْسَرِينَ نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَ مَنْ حَوْلَها وَ سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ ثُمَّ تَقُولُ بَعْدَ ذَلِكَ اللَّهُمَّ يَا كَافِي مِنْ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ لَا يَكْفِي مِنْكَ شَيْ ءٌ اكْفِ عَبْدَكَ وَ ابْنَ أَمَتِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَخَافُ وَ يَحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ الْوَجَعِ الَّذِي يَشْكُوهُ إِلَيْكَ (۲).

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: این تعویذ دندان است و بسیار سودمند است و به اذن خداوند تعالی هیچگاه اثر خود را از دست نمی‌دهد، سه برگ درخت زیتون را بر می گیری و بر روی برگ می‌نویسی: «به نام خدا هیچ پادشاهی بزرگ‌تر از خدا وجود ندارد و تو جانشین او هستی یاهیاً شراهیاً درد را خارج نما و شفا را نازل کن و درود و سلام فراوان خداوند بر محمد و خاندان محمد». - . طب الائمه: ۲۵ -

امام صادق علیه السلام فرمودند: یاهیا و شراهیا دو اسم از نام‌های خداوند به زبان عبری است. آن را بر پشت برگ می‌نویسی و با ریسمانی از لباسی پاکیزه کنیزی که حائض نباشد،می‌بندی و هفت گره بر آن می‌زنی و در هر گره اسماء پیامبر و آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، شعیب را نام می‌بری و بر محمد و خاندان محمد علیه و علیهم السلام درود می‌فرستی و بر او آویزان می کنی، به اذن خداوند تعالی شفا خواهد یافت. - . طب الائمه: ۲۵ -

تعویذ جبرئیل علیه السلام برای حسین بن علی علیهما السلام: «شگفتا از موجودی که در دهان است استخوان را می‌خورد و گوشت را رها می کند، من تعویذ می کنم و خداوند شفادهنده است و کفایت می کند، خدایی جز خدای یگانه نیست و ستایش از آن خدایی که پروردگار جهانیان است و چون شخصی را کشتید، و درباره او با یکدیگر به ستیزه برخاستید، و حال آنکه خدا، آنچه را کتمان می کردید،آشکارگردانید.» انگشتت را بر دندان قرار می‌دهی سپس آن را هفت بار به این دعا تعویذ می کنی انشاء الله تعالی. - . طب الائمه: ۲۵ -

تعویذ تجربه شده برای دندان: حمد و قل اعوذ برب الناس، قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد را می‌خوانی و با هر سوره می گویی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ» و بعد از خواندن قل هو الله احد، می گویی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ وَ لَهُما سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ قُلْنا يا نارُ كُونِي بَرْداً وَ سَلاماً عَلى إِبْراهِيمَ وَ أَرادُوا بِهِ كَيْداً فَجَعَلْناهُمُ الْأَخْسَرِينَ نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَ مَنْ حَوْلَهاوَ سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ»و آنچه در شب و روز آرام دارد، از آنِ اوست و او شنوای داناست گفتیم: ای آتش، برای ابراهیم سرد و بی آسیب باش و خواستند به او نیرنگی بزنند و آنان را زیانکارترین قراردادیم خجسته آنکه در کنار این آتش و آنکه پیرامون آن است، و منزّه است خدا، پروردگارجهانیان.» سپس می گویی: خدایا ای کفایت‌کننده از هر چیز و هیچ چیز نمی‌تواند تو را کفایت کند، بنده خود و فرزند کنیز خود را از شر هر آنچه می‌ترسد و بیم دارد و از شر دردی که از آن به تو شکایت می‌آورد، کفایت نمای. - . طب الائمه: ۲۵ -

**[ترجمه]

«۵»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عُمَرُ بْنُ عُثْمَانَ الْخَزَّازُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عِيسَى عَنْ عَمِّهِ قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیهما السلام رِيحَ الْبَخَرِ(۳) فَقَالَ قُلْ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ يَا مَالِكَ الْمُلْكِ يَا

مَلِكَ الْمُلُوكِ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ مِنْ هَذَا الدَّاءِ وَ اصْرِفْهُ عَنِّي فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ أَتَقَلَّبُ فِي قَبْضَتِكَ فَانْصَرَفْتُ مِنْ عِنْدِهِ فَوَ اللَّهِ الَّذِي

أَکْرَمَهُمْ بِالْإِمَامَهِ مَا دَعَوْتُ بِهِ إِلَّا مَرَّهً وَاحِدَهً فِی سُجُودِی فَلَمْ أُحِسَّ بِهِ بَعْدَ ذَلِکَ (۴).

**[ترجمه]طب الائمه: علی بن عیسی از عموی خود نقل کرد که از بوی بد دهان، به نزد امام موسی بن جعفر علیه السلام شکایت بردم، ایشان فرمودند: در حال سجود بخوان «ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشایشگر ای پروردگار پروردگان ای سرور بزرگان ای خدای خدایان ای مالک هستی و ای پادشاه پادشاهان، با شفای خود این درد مرا درمان کن و آن را از من دور کن و من بنده تو و فرزند بنده تو هستم و دائماً در قبضه اختیار تو هستم» و از نزد او بازگشتم، سوگند به خدایی که آنها را به امامت گرامی داشت، یک بار آن را در سجده خواندم که آن درد برطرف شد و دیگر به سراغ من نیامد. - . طب الائمه: ۱۱۸ -

**[ترجمه]

«۶»

مکا، [مکارم الأخلاق] لِوَجَعِ الضِّرْسِ عَنِ السَّکُونِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: مَنِ اشْتَکَی ضِرْسَهُ فَلْیَأْخُذْ مِنْ مَوْضِعِ سُجُودِهِ ثُمَّ یَمْسَحُ بِهِ عَلَی الْمَوْضِعِ الَّذِی یَشْتَکِی وَ یَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ وَ الْکَافِی اللَّهُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ (۵).

وَ مِثْلُهُ وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: فِی رُقْیَهِ الضِّرْسِ یَأْخُذُ سِکِّیناً أَوْ خُوصَهً(۶)

فَیَمْسَحُ

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۲۵.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۲۵.

۳- ۳. البخر: نتن الفم، یقال: بخر فمه کعلم بخرا بالتحریک أنتن فمه، فهو أبخر.

۴- ۴. طبّ الأئمّه ص ۱۱۸.

۵- ۵. مکارم الأخلاق ۴۶۶.

۶- ۶. الخوص: ورق النخل، و الواحده خوصه.

بِهِ عَلَى الْجَانِبِ الَّذِی یَشْتَکِی وَ یَقُولُ سَبْعَ مَرَّاتٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ إِبْرَاهِیمُ خَلِیلُ اللَّهِ اسْکُنْ بِالَّذِی سَکَنَ لَهُ مَا فِی اللَّیْلِ وَ النَّهارِ بِإِذْنِهِ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ(۱).

وَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: مَنِ اشْتَکَی ضِرْسَهُ فَلْیَضَعْ إِصْبَعَهُ عَلَیْهِ وَ لْیَقْرَأْ عَلَیْهِ هَذِهِ الْآیَهَ سَبْعَ مَرَّاتٍ هُوَ الَّذِی أَنْشَأَکُمْ وَ جَعَلَ لَکُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَهَ قَلِیلًا ما تَشْکُرُونَ (۲).

لِوَجَعِ الْأَسْنَانِ رَقَی بِهَا جَبْرَئِیلُ الْحُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ علیهما السلام یَضَعُ عُودَهً أَوْ حَدِیدَهً عَلَی الضِّرْسِ وَ یَرْقِیهِ مِنْ جَانِبِهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ الْعَجَبُ کُلُّ الْعَجَبِ دُودَهٌ تَکُونُ فِی الْفَمِ تَأْکُلُ الْعَظْمَ وَ تُنْزِلُ الدَّمَ أَنَا الرَّاقِی وَ اللَّهُ الشَّافِی وَ الْکَافِی لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ وَ إِذْ قَتَلْتُمْ نَفْساً فَادَّارَأْتُمْ فِیها إِلَی قَوْلِهِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ سَبْعَ مَرَّاتٍ یَفْعَلُ مَا قَدَّمْنَاهُ (۳).

لِلضِّرْسِ الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ بِی ضَرَبَانُ الضِّرْسِ فَشَکَوْتُ ذَلِکَ إِلَیْهِ فَقَالَ ادْنُ مِنِّی فَدَنَوْتُ مِنْهُ فَقَالَ بِسَبَّابَتِهِ فَأَدْخَلَهَا فَوَضَعَهَا عَلَی الضِّرْسِ الَّذِی یَضْرِبُ ثُمَّ قَرَأَ شَیْئاً خَفِیّاً فَسَکَنَ عَلَی الْمَکَانِ فَقَالَ لِی قَدْ سَکَنَ یَا مُفَضَّلُ قُلْتُ نَعَمْ فَتَبَسَّمَ فَقُلْتُ أُحِبُّ أَنْ تُعَلِّمَنِی هَذِهِ الرُّقْیَهِ قَالَ إِنَّ فَاطِمَهَ أَتَتْ أَبَاهَا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِمَا تَشْکُو مَا تَلْقَی مِنْ وَجَعِ الضِّرْسِ أَوِ السِّنِّ فَأَدْخَلَ صلی الله علیه و آله سَبَّابَتَهُ الْیُمْنَی فَوَضَعَهَا عَلَی سِنِّهَا الَّتِی تَضْرِبُ وَ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ أَسْأَلُکَ بِعِزَّتِکَ وَ جَلَالِکَ وَ قُدْرَتِکَ عَلَی کُلِّ

شَیْ ءٍ إِنَّ مَرْیَمَ لَمْ تَلِدْ غَیْرَ عِیسَی رُوحِکَ وَ کَلِمَتِکَ أَنْ تَکْشِفَ مَا تَلْقَی فَاطِمَهُ بِنْتُ خَدِیجَهَ مِنَ الضُّرِّ کُلِّهِ فَسَکَنَ مَا بِهَا کَمَا سَکَنَ مَا بِکَ وَ مَا زِدْتُ عَلَیْهِ شَیْئاً بَعْدَ هَذَا(۴).

وَ مِثْلُهُ عَنْ عَطَاءٍ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: شَکَوْتُ إِلَیْهِ مَا أَلْقَی مِنْ ضِرْسِی وَ أَسْنَانِی وَ ضَرَبَانِهَا فَقَالَ تَقْرَأُ عَلَیْهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اسْکُنْ بِقُدْرَهِ اللَّهِ الَّذِی

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۶۶.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۶۶.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۶۶.

۴- ۴. مکارم الأخلاق ص ۴۶۷.

خَلَقَکَ فَإِنَّهُ قَادِرٌ مُقْتَدِرٌ عَلَيْکَ وَ عَلَى الْجِبَالِ أَثْبَتَهَا وَ أَثْبَتَکَ فَقِرَّ حَتَّى يَأْتِيَ فِيکَ أَمْرُهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ (۱) لِلضِّرْسِ اقْرَأْ فَاتِحَهَ الْكِتَابِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قُلْ يَا ضِرْسُ أَ بِالْحَارِّ تَسْكُنِينَ أَمْ بِالْبَارِدِ تَسْكُنِينَ أَمْ بِاسْمِ اللَّهِ تَسْكُنِينَ اسْكُنْ سَكَّنْتُكَ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ قالَ مَنْ يُحْيِ الْعِظامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ إِلَى قَوْلِهِ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ (۲) فَاخْرُجْ مِنْها فَإِنَّكَ رَجِيمٌ وَ لَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْها الْآيَهَ(۳) فَخَرَجَ مِنْها خائِفاً يَتَرَقَّبُ (۴) لِوَجَعِ الضِّرْسِ يَكْتُبُ عَلَى الْخُبْزِ الرَّقِيقِ وَ يَضَعُ عَلَى السِّنِّ الَّذِي فِيهِ الْوَجَعُ بِسْمِ اللَّهِ لِكُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ وَ سَوْفَ تَعْلَمُونَ أَتى أَمْرُ اللَّهِ فَلا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحانَهُ وَ تَعالى عَمَّا يُشْرِكُونَ فَقُلْنا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِها إِلَى قَوْلِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۵) قالَ مَنْ يُحْيِ الْعِظامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ إِلَى قَوْلِهِ عَلِيمٌ (۶) لعقده يَأْخُذُ مِسْمَاراً وَ يَقْرَأُ عَلَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَاتِحَهَ الْكِتَابِ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ ثُمَّ يَقْرَأُ مَنْ يُحْيِ الْعِظامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ الْآيَهَ ثُمَّ يَقُولُ يَا ضِرْسَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ أَكَلْتِ الْحَارَّ وَ الْبَارِدَ أَ فَبِالْحَارِّ تَسْكُنِينَ أَمْ بِالْبَارِدِ تَسْكُنِينَ ثُمَّ يَقْرَأُ وَ لَهُ ما سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهارِ(۷) الْآيَهَ شَدَّدْتُ دَاءَ هَذَا الضِّرْسِ مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ ثُمَّ يَضْرِبُهُ فِي حَائِطٍ وَ يَقُولُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ (۸).

ص: ۹۶

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۶۷.

۲- ۲. يس: ۷۸ و ۷۹: قل يحييها الذى أنشأها أول مره و هو بكل خلق عليم.

۳- ۳. و لنجر جنهم منها أذله و هم صاغرون: النمل: ۳۷.

۴- ۴. مکارم الأخلاق ص ۴۳۱.

۵- ۵. البقره: ۶۸، فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحيى اللّه الموتى و يريكم آياته لعلكم تعقلون.

۶- ۶. يس: ۷۸ و ۷۹، و قد مر نصها آنفا، راجع مکارم الأخلاق ۴۳۱.

۷- ۷. الأنعام: ۱۳.

۸- ۸. مکارم الأخلاق ص ۴۳۲.

أَيْضاً لِوَجَعِ الضِّرْسِ يَأْخُذُ بَقْلَةً وَ يَكْتُبُ عَلَيْهَا الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ ناراً فَإِذا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ ثُمَّ يَضَعُهَا عَلَى ضِرْسِهِ الْوَجِعِ ثُمَّ يَمْشِي وَ يَرْمِي بِالْبَقْلَةِ خَلْفَهُ وَ لَا يَلْتَفِتُ إِلَى خَلْفِهِ فَإِنَّهُ يَسْكُنُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ (۱).

أَيْضاً يَكُونُ الرَّاقِي دَاخِلَ الْبَابِ وَ الْعَلِيلُ مِنْ خَارِجٍ وَ يَقْرَأُ وَ هُوَ عَلَى الْوُضُوءِ لِلَّهِ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ إِلَى آخِرِهِ (۲)

وَ يَقُولُ كَمْ سَنَةً تُرِيدُ وَ أَيَّ بَقْلَةٍ لَا تَأْكُلُهُ فَإِنَّهُ يَسْكُنُ الْوَجَعُ (۳).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: برای درد دندان: امام صادق علیه السلام فرمودند: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هر کس درد دندان دارد، کمی از خاک سجده‌گاه خود را بردارد و بر موضع درد بمالد و بگوید: «به نام خدا و کفایت کننده فقط خداست و هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدا محقق نمی‌شود». - . مکارم الاخلاق: ۴۶۶ -

و مثل این حدیث: امام صادق علیه السلام برای رقیه دندان، چاقو یا برگ درخت خرما گرفته می‌شود و آن را بر موضع درد می‌کشاند و هفت بار می‌گوید: «به نام خداوند بخشنده مهربان به نام خدا و با استعانت از خدا، محمد رسول خدا و ابراهیم دوست خداست، آرام بگیر به آن کسی که آنچه در شب و روز است به اذن او آرام گرفت و او بر هر چیزی تواناست. - . مکارم الاخلاق: ۴۶۶ -

از ابن عباس نقل است: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس از درد دندان شکایت کند انگشت خود را بر آن بنهد و این آیه را هفت بار بر آن بخواند«قُلْ هُوَ الَّذِی أَنْشَأَکُمْ وَ جَعَلَ لَکُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِیلًا ما تَشْکُرُون: بگو: «اوست آنکس که شما را پدید آورده و برای شما گوش و دیدگان و دلها آفریده است. چه کم سپاسگزارید». - . مکارم الاخلاق:۴۶۶ -

وقتی که جبرئیل حسین بن علی علیهما السلام برای رفع درد دندان بدان تعویذ کرد: چوب یا آهنی بر دندان قرار می‌دهد و از گوشه آن هفت بار آن را تعویذ می کند «به نام خداوند بخشایشگر مهربان، شگفت بسیار از کرمی که در دهان است استخوان را می‌خورد و خون را جاری می‌سازد، من تعویذ می کنم و خداوند است که شفا می‌دهد و کفایت می‌کند، خدایی جز خدای یکتا نیست و ستایش از آن خدایی است که پروردگار جهانیان است و چون شخصی را کشتید، و درباره او با یکدیگر به ستیزه برخاستید، و حال آنکه خدا، آنچه را کتمان می کردید، آشکار گردانید پس فرمودیم: پاره ای از آن به آن بزنید. اینگونه خدا مردگان را زنده می کند،و آیات خود را به شما می نمایاند، باشد که بیندیشید» هفت مرتبه آنچه را آوردیم، انجام دهد. - . مکارم الاخلاق: ۴۶۶ -

برای دندان: مفضل بن عمر نقل کرد بر حضرت صادق علیه السلام وارد شدم در حالی که درد دندان داشتم و به نزد ایشان شکایت بردم، امام فرمودند: به نزدیک من آی، و من به نزدیک ایشان رفتم و ایشان انگشت اشاره خود را در دهان من فرو بردند و به دندانی که درد داشت قرار دادند. سپس چیزی را آهسته خواندند که درد آرام گرفت، سپس به من فرمودند: آیا درد آرام گرفت ای مفضل؟ عرض کردم: آری، پس لبخندی زدند و من عرض کردم: دوست دارم این تعویذ را بیاموزم، فرمودند: فاطمه به نزد پدر بزرگوارشان علیهما السلام رفتند و از درد دندان خود به نزد ایشان شکایت بردند، حضرت صلی الله علیه و آله انگشت اشاره راست خود را بر دندانی که درد داشت قرار دادند و خواندند «به نام خدا و با استعانت از خدا، از تو می‌خواهم به عزتت و شکوه و قدرتت بر همه چیز، به راستی که مریم تنها عیسی را به دنیا آورد که روح و کلمه توست، این دردی که فاطمه دختر خدیجه دارد، به کلی از بین ببرم آنگاه درد آرام گرفت، همانطور که درد تو برطرف شد و من چیزی بر آن نیافزودم. - . مکارم الاخلاق: ۴۶۷ -

و مثل این حدیث: عطا نقل کرد از درد دندان به امام صادق علیه السلام شکایت بردم، ایشان فرمودند: هفت بار بر آن می‌خوانی: «به نام خدا و با استعانت از خدا آرام بگیر به قدرت خدایی که تو را آفرید و به راستی که او توانا و توانمند بر تو و کوه‌هاست، آنها را ثابت گرداند و تو را نیز ثابت می‌گرداند و آرام گیر تا امر او بر تو وارد آید و درود خدا بر محمد و خاندان وی». - . مکارم الاخلاق: ۴۶۷ -

برای دنـدان: هر کـدام از سوره‌های فاتحه الکتاب و قل هو الله احـد را سه بار می‌خوانی سـپس بگو: «ای دندان آیا به گرما آرام می‌گیری یا به سرما؟ و یا به اسم خداوند آرام خواهی گرفت، آرام باش، آرام کردم تو را به کسـی که آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای او آرام گرفت و اوست شـنوای دانـا و گفت: چه کسـی این اسـتخوانها را که چنین پوسـیده است زنـدگی می بخشـد، بگو: همـان کسـی که نخستین بـار آن را پدیدآورد و اوست که به هر آفرینشی داناست. - . یس/ ۷۹ و ۷۸ -

و از آن خارج شو که تو رانده شده‌ای و از آن به خواری و زبونی بیرونشان می کنیم - . نمل/ ۳۷ - ترسان

و نگران از آنجا بیرون رفت». - . مکارم الاخلاق: ۴۳۱ -

برای درد دنـدان: ایـن دعـا بر نـان نـازکی نوشـته می‌شـود و بر دنـدانی کـه درد دارد، قرار می‌دهـد: لِکُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ وَ سَوْفَ تَعْلَمُون أَمْرُاللَّهِ فَلاتَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا یُشْرِکُون فَقُلْنا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِها کَذلِکَ یُحْیِ اللَّهُ الْمَوْتی وَ یُرِیکُمْ آیاتِهِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُون قالَ مَنْ یُحْیِ الْعِظامَ وَ هِیَ رَمِیم قُلْ یُحْیِیهَا الَّذی أَنْشَأَها أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِکُلِّ خَلْقٍ عَلیمٌ: به نـام خـدا برای هر خبری هنگام است، و به زودی خواهیـد دانست. امر خـدا در رسید، پس در آن شتاب مکنید. او منزّه و فراتر است از آنچه شریک می سازند. پس فرمودیم: پاره ای از آن به آن بزنید. اینگونه خدا مردگان را زنده می کند،و آیات خود را به شما می نمایاند، باشد که بیندیشید. - . بقره/ ۶۸ - گفت:

چه کسـی این اسـتخوانها را که چنین پوسـیده است زنـدگی می بخشـد بگو: «همان کسـی که نخستین بار آن را پدید آورد و اوست که به هر آفرینشی داناست. - . یس/ ۷۹ و ۷۸ مراجعه کن مکارم الاخلاق: ۴۳۱ -

برای بسـتن آن: میخی برمی‌دارد و سه بـار سوره‌هـای فـاتحه الکتـاب و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق بر آن می خوانـد سـپس می... خوانـد: « مَنْ یُحْیِ الْعِظامَ وَ هِیَ رَمِیم: چه کسـی این اسـتخوانها را که چنین پوسـیده است زندگی می بخشد» سـپس می‌گوید: «ای دندان فلان فرزند فلان، خوردی سرما و گرما را آیا به گرما آرام می‌گیری یا به سرما سپس می‌خواند: «و از آن اوست آنچه در شب و روز آرام گرفت» - . انعام/ ۱۳ -

«درد این دنـدان را از فلان فرزنـد فلان محکم کردم به نام عظیم خـدا» سـپس آن را به دیوار می‌زنـد و می‌گویـد: خـدا خـدا خـدا. - . مکارم الاخلاق: ۴۳۲ -

و نیز برای درد دنـدان: گیـاه پیچـک را برمی‌گیرد و بر آن می‌نویسـد: «الَّذی جَعَلَ لَکُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نـاراً فَإِذا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُون: همو که برایتان در درخت سبزفام اخگر نهاد که از آن آتشـمی افروزی» سپس آن را بر دندان که درد می‌کند قرار می‌دهد سپس راه می‌رود و پیچک را در پشت سر خود می‌اندازد و به آن توجه نمی‌کند، که انشاء الله آرام می‌گیرد. - . مکارم الاخلاق: ۴۳۲ -

و نیز کسـی که تعویـذ می کنـد در داخـل و بیمـار خـارج است، و با وضو این آیه را می‌خوانـد: «لِلَّهِ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمِید: آنچه در آسمانها و زمین است از آنِ خداست، در حقیقت، خدا همان بی نیاز ستوده است.» تا آخر آیه. - . لقمان/ ۲۵ -

و می‌گوید: «چند دندان می‌خواهی و کدام پیچک آن را نمیخورد» و درد آرام می‌گیرد. - . مکارم الاخلاق: ۴۳۲ -

**[ترجمه]

«۵»

مِنْ خَطِّ الشَّهِیدِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنِ اشْتَکَی ضِرْسَهُ فَلْیَضَعْ إِصْبَعَهُ عَلَیْهِ وَ لْیَقْرَأْ هَذِهِ الْآیَةَ وَ هُوَ الَّذِی

أَنْشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا ما تَشْكُرُونَ.

وَ عَنْ نُوحِ بْنِ أَبِي ذَكْوَانَ قَالَ: اشْتَكَى رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَجَعَ الضِّرْسِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله قُلِ اسْكُنِي أَيَّتُهَا الرِّيحُ اسْكُنِي بِاللَّهِ الَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

**[ترجمه]به خط شهيد رحمه الله: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمودند: هر كس درد دندان دارد انگشت خود را بر آن بنهد و اين آيه را بخواند: «قُلْ هُوَ الَّذِى أَنْشَأَكُمْ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلاً ما تَشْكُرُون: بگو: اوست آنكس كه شما را پديد آورده و براى شما گوش و ديدگان و دلها آفريده است. چه كم سپاسگزاريد».

نوح بن أبى ذكوان نقل كرد، شخصى در نزد رسول خدا صلى الله عليه و آله از درد دندان شكايت نمود، رسول خدا صلى الله عليه و آله به او فرمودند: بگو: «اى باد آرام گير، آرام گير به خدايى كه آنچه در آسمان‌ها و زمين است براى او آرام گرفت و اوست شنواى دانا» .

**[ترجمه]

باب ۸۲ الدعاء للثالول

اشاره

باب ۸۲ الدعاء للثالول (۴)

**[ترجمه]باب ۸۲ الدعاء للثالول

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

ن، [عيون أخبار الرضا عليه السلام] ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الْحِمْيَرِيِّ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ بِي ثَآلِيلَ كَثِيرَةً وَ قَدِ اغْتَمَمْتُ بِأَمْرِهَا فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُعَلِّمَنِي شَيْئاً أَنْتَفِعُ بِهِ فَقَالَ عليه السلام خُذْ لِكُلِّ ثُؤْلُولٍ سَبْعَ شَعِيرَاتٍ

ص: ۹۷

۱- ۱. مكارم الأخلاق ص ۴۳۲.

۲- ۲. لقمان ۲۵: و تمامها: ان اللّه هو الغنى الحميد.

۳- ۳. مكارم الأخلاق ص ۴۳۲.

۴- ۴. الثالول و الثؤلول: خراج يكون بجسد الإنسان ناتئ صلب مستدير يشبه حلمه الثدى و الجمع ثآليل.

وَ اقْرَأْ عَلَى كُلِّ شَعِيرَةٍ سَبْعَ مَرَّاتٍ إِذا وَقَعَتِ الْواقِعَهُ إِلَى قَوْلِهِ فَكانَتْ هَباءً مُنْبَثًّا وَ قَوْلَهُ عَزَّ وَ جَلَ وَ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْجِبالِ فَقُلْ يَنْسِفُها رَبِّى نَسْفاً فَيَذَرُها قاعاً صَفْصَفاً لا تَرى فِيها عِوَجاً وَ لا أَمْتاً ثُمَّ تَأْخُذُ الشَّعِيرَ شَعِيرَةً شَعِيرَةً فَامْسَحْ بِهَا كُلَّ ثُؤْلُولٍ ثُمَّ صَيِّرْهَا فِي خِرْقَةٍ جَدِيدَهٍ وَ ارْبِطْ عَلَى الْخِرْقَهِ حَجَراً وَ أَلْقِهَا فِي كَنِيفٍ قَالَ فَفَعَلْتُ فَنَظَرْتُ إِلَيْهَا يَوْمَ السَّابِعِ فَإِذَا هِيَ مِثْلُ رَاحَتِي وَ يَنْبَغِي أَنْ تَفْعَلَ ذَلِكَ فِي مُحَاقِ الشَّهْرِ(۱).

طب، [طب الأئمه عليهم السلام] سعدويه بن عبد الله عن على بن النعمان: مثله دعوات الراوندى، عن على بن النعمان: مثله (۲).

**[ترجمه]عيون الاخبار: على بن نعمان به حضرت رضا عليه السلام: جانم به فداى شما، ميخچه هاى زيادى دارم، و به سبب آن اندوهگينم، از شما مى‌خواهم چيزى به من بياموزيد تا بدان بهره گيرم، حضرت عليه السلام فرمودند: براى هر ميخچه، هفت دانه جو برگير و بر هر كدام از آنها هفت بار اذا وقعت الواقعه: آن واقعه چون وقوع يابد. را تا «فكانت هباء منبثا:و غبارى پراكنده گردند.» و آيه «و يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْجِبالِ فَقُلْ يَنْسِفُها رَبِّى نَسْفاً فَيَذَرُها قاعاً صَفْصَفاً لا تَرى فيها عِوَجاً وَ لا أَمْتاً: و از تو درباره كوه ها مى پرسند، بگو: «پروردگارم آنها را ريز ريز خواهد ساخت، پس آنها را پهن و هموار خواهد كرد نه در آن كژى مى بينى و نه ناهموارى » بخوان، سپس آنها را يكى يكى بردار و بر هر ميخچه بكش سپس آنها را در پارچه جديدى قرار ده و سنگى بر آن ببند و آن را درچاهى بيانداز. نقل كرد: اين كار را انجام دادم و در روز هفتم ديدم كه مثل كفم دستم شده است و بهتر است كه آن را در آخر ماه انجام دهى. - . عيون الاخبار ۲: ۵۰ و آيه دوم: طه:/ ۱۰۶ -

طب الائمه: مثل اين حديث را به نقل از على بن نعمان آورده است.

دعوات الراوندى: مثل اين حديث را به نقل از على بن نعمان آورده است.

**[ترجمه]

«۲»

طب، [طب الأئمه عليهم السلام] صَالِحُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَنْبَرِيُّ عَنِ النَّضْرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عود [عَوْنِ] بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: تُمِرُّ يَدَكَ عَلَى مَوْضِعِ الثَّآلِيلِ ثُمَّ تَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ امْحُ عَنِّي مَا أَجِدُ تُمِرُّ يَدَكَ الْيُمْنَى وَ تَرْقِي عَلَيْهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ (۳).

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق عليه السلام فرمودند: دست خود را بر جاى ميخچه ها مى‌كشانى و مى گويى: «به نام خداوند بخشايشگر مهربان به نام خدا و با استعانت از خدا محمد رسول خداست صلى الله عليه و آله و هيچ دگرگونى و قدرتى جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمى‌پذيرد، خدايا اين درد مرا برطرف نماى.» دست راستت را بر آن مى‌كشانى و سه بار آن را تعويذ مى كنى. - . طب الائمه: ۶۱ و ۶۰ -

**[ترجمه]

«۳»

مكا، [مكارم الأخلاق]: لِلثُّؤْلُولِ يَأْخُذُ صَاحِبُهُ قِطْعَهَ مِلْحٍ وَ يَمْسَحُهَا بِالثُّؤْلُولِ وَ يَقْرَأُ عَلَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَهِ اللَّهِ إِلَى آخِرِ السُّورَه(۴) وَ يَطْرَحُهَا فِي تَنُّورٍ وَ يَنْصَرِفُ سَرِيعاً يَذْهَبُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى (۵)

أُخْرَى يَقْرَأُ عَلَى ثَلَاثِ شَعِيرَاتٍ وَ مَثَلُ كَلِمَهٍ خَبِيثَهٍ كَشَجَرَهٍ خَبِيثَهٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ ما لَها مِنْ قَرارٍ وَ يُدِيرُهَا عَلَى الثُّؤْلُولِ ثُمَّ يَدْفِنُهَا فِي مَوْضِعٍ نَدِيٍ

۱- ۱. عیون الأخبار ج ۲ ص ۵۰، و الآیه الأخیره فی سوره طه: ۱۰۶.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۱۰۹، و دعوات الراوندیّ مخطوط، و رواه الطبرسیّ فی المکارم ص ۴۴۲.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۶۰ و ۶۱.

۴- ۴. الحشر: ۲۱.

۵- ۵. مکارم الأخلاق ص ۴۴۱.

فِی مُحَاقِ الشَّهْرِ فَإِذَا عَفِنَتِ الشَّعِیرَاتُ تَمَایَلَ الثُّؤْلُولُ (۱).

أَیْضاً لِلثُّؤْلُولِ عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: تَنْظُرُ إِلَی أَوَّلِ کَوْکَبٍ یَطْلُعُ بِالْعَشِیِّ فَلَا تُحِدَّ نَظَرَکَ إِلَیْهِ وَ تَنَاوَلْ مِنَ التُّرَابِ وَ ادْلُکْهُ بِهَا وَ أَنْتَ تَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ رَأَیْتَنِی وَ لَمْ أَرَکَ سُوءَ عَوْدٍ بَصَرِکَ اللَّهُ یُخْفِی أَثَرَکَ ارْفَعْ ثَآلِیلِی مَعَکَ (۲)-.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: کسی که میخچه دارد، قطعه نمکی بردارد و آن را بر میخچه ها بکشاند و سه بار بخواند وْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلی جَبَلٍ لَرَأَیْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْیَهِ اللَّه: اگر این قرآن را بر کوهی فرو می فرستادیم، یقیناً آن را از بیم خدا فروتن از هم پاشیده می دیدی.» تا آخر سوره - . حشر/ ۲۱ -

و آن را در تنور بیاندازد و سریع برگردد، انشاء الله تعالی برطرف خواهد شد. - . مکارم الاخلاق: ۴۴۲ -

روایتی دیگر: بر سه جو این آیات خوانده می شود« مَثَلُ کَلِمَهٍ خَبیثَهٍ کَشَجَرَهٍ خَبیثَهٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ ما لَها مِنْ قَرارٍ: و مَثَل سخنی ناپاک چون درختی ناپاک است که از روی زمین کنده شده و قراری ندارد » و آن را بر میخچه هابگرداند و سپس آن را در آخر ماه و در جایی نمناک به خاک بسپارد، هرگاه جوها بگندند،میخچه ها نیز سست می شوند.

و نیز برای میخچه: امام رضا علیه السلام فرمودند: بر [اولین] ستاره‌ای که در شب طلوع می‌کند نگاه می‌کنی و به آن خیره نمی‌شوی و کمی از خاک برمی‌داری و آن را مالش می دهی و می‌گویی: «به نام خدا و با استعانت از خدا، تو مرا دیدی و من تو را ندیدم، دیدن تو اثر بد دارد و خداوند اثر تو را پنهان نگاه می‌دارد میخچه های مرا با خود ببر. - . مکارم الاخلاق: ۴۷۲ -

**[ترجمه]

باب ۸۳ الدعاء للسلع و الأورام و الخنازیر

اشاره

باب ۸۳ الدعاء للسلع (۳)و الأورام و الخنازیر

**[ترجمه]باب ۸۳ الدعاء للسلع و الأورام و الخنازیر

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] مُحَمَّدُ بْنُ عَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُلَیْمٍ الثَّقَفِیِّ عَنْ عَمَّارِ بْنِ عِیسَی الْکِلَابِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: شَکَا إِلَیْهِ رَجُلٌ مِنَ الشِّیعَهِ سِلْعَهً ظَهَرَتْ بِهِ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام صُمْ ثَلَاثَهَ أَیَّام ثُمَّ اغْتَسِلْ فِی الْیَوْمِ الرَّابِعِ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ وَ ابْرُزْ لِرَبِّکَ وَ لْیَکُنْ مَعَکَ خِرْقَهٌ نَظِیفَهٌ فَصَلِّ أَرْبَعَ رَکَعَاتٍ وَ اقْرَأْ فِیهَا مَا تَیَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ وَ اخْضَعْ بِجُهْدِکَ فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْ صَلَاتِکَ فَأَلْقِ ثِیَابَکَ وَ ابْرُزْ بِالْخِرْقَهِ وَ الْزَقْ خَدَّکَ الْأَیْمَنَ عَلَی الْأَرْضِ ثُمَّ قُلْ بِابْتِهَالٍ وَ تَضَرُّعٍ وَ خُشُوعٍ یَا وَاحِدُ یَا أَحَدُ یَا کَرِیمُ یَا حَنَّانُ یَا قَرِیبُ یَا مُجِیبُ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اکْشِفْ مَا بِی مِنْ مَرَضٍ وَ أَلْبِسْنِی

الْعَافِیَهَ الشَّافِیَهَ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِتَمَامِ النِّعْمَهِ وَ أَذْهِبْ مَا بِی فَقَدْ آذَانِی وَ غَمَّنِی فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لَا یَنْفَعُکَ

حَتَّى لَا يُخَالِجَ فِی قَلْبِکَ خِلَافُهُ وَ تَعْلَمُ أَنَّهُ

ص: ۹۹

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۴۲.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۷۲.

۳- ۳. السلع جمع سلعه: الضواه و هی شیء کالغده فی البدن، و قیل: خراج فی العنق أو غده فیها، أو زیاده فی البدن کالغده تمور بین الجلد و اللحم إذا ضغطت، و تکون من قدر حمصه الی بطیخه.

يَنْفَعُکَ قَالَ فَفَعَلَ الرَّجُلُ مَا أَمَرَهُ بِهِ جَعْفَرٌ الصَّادِقُ علیه السلام فَعُوفِیَ مِنْهَا(۱).

**[ترجمه]طب الائمه: شخصی از شیعیان از غده ایبه نزد امام صادق علیه السلام شکایت برد، حضرت علیه السلام به او فرمودند: سه روز روزه بگیر و در روز چهارم هنگام ظهر، غسل کن و در مقابل پروردگارت قرار گیر و لباس پاکیزه بپوش، چهار رکعت نماز بگزار و به هر میزان که می‌توانی از آیات قرآن در آن بخوان و خضوع داشته باش و بعد از اتمام نماز لباست را درآر و تنها خرقه را بر تن بگذار و جانب راست صورت خود را بر زمین بچسبان و با ناله و خشوع بگو «ای یگانه ای یکتا ای بزرگوار ای مهربان ای نزدیک ای اجابت‌کننده ای مهربان‌ترین مهربانان بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بیماری مرا برطرف نمای و لباس عافیت در دنیا و آخرت بر تن من بپوشان و نعمت کامل خود را بر من ارزانی دار و درد مرا از بین ببر که بسیار مرا آزار داده است و اندوهگین نموده است». امام صادق علیه السلام به او فرمودند: بدان این کار زمانی برای تو فایده دارد که خلاف آن در قلب تو خطور نکند و می‌دانی که برای تو مفید است. نقل کرد: آن مرد به فرمایش حضرت صادق علیه السلام عمل کرد و شفا یافت. - . طب الائمه: ۱۰۹ -

**[ترجمه]

«۲»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ الْوَلِیدِ عَنِ ابْنِ عَمِّهِ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ الْوَلِیدِ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنِ الْحَکَمِ بْنِ سُلَیْمَانَ عَنْ مُیَسِّرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ هَذِهِ الْآیَهَ لِکُلِّ وَرَمٍ فِی الْجَسَدِ یَخَافُ الرَّجُلُ أَنْ یَئُولَ إِلَی شَیْ ءٍ فَإِذَا قَرَأْتَهَا فَاقْرَأْهَا وَ أَنْتَ طَاهِرٌ قَدْ أَعْدَدْتَ وُضُوءَکَ لِصَلَاهِ الْفَرِیضَهِ فَعَوِّذْ بِهَا وَرَمَکَ قَبْلَ الصَّلَاهِ وَ دُبُرَهَا وَ هِیَ لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلی جَبَلٍ لَرَأَیْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْیَهِ اللَّهِ إِلَی آخِرِ السُّورَهِ(۲) فَإِنَّکَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِکَ عَلَی مَا حُدَّ لَکَ سَکَنَ الْوَرَمُ (۳).

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: این آیه برای رفع هر گونه ورمیدر بدن است، انسان می ترسد که به چیزی منجر شود، پس هر گاه خواستی آن را بخوانی با وضویی که خود را برای نماز واجب آماده کرده‌ای آن را بخوان و قبل و بعد از نماز ورم را بدان تعویذ کن و این است: لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلی جَبَلٍ لَرَأَیْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْیَهِ اللَّهِ: اگر این قرآن را بر کوهی فرو می فرستادیم، یقیناً آن را از بیم خدا فروتن از هم پاشیده می دیدی.»تا آخر سوره - . حشر/ ۲۱ -

و اگر طبق آنچه برای تو مشخص شد، انجام دهی، آن ورم از بین خواهد رفت. - . طب الائمه: ۱۱۰ -

**[ترجمه]

«۳»

مکا(۴)، [مکارم الأخلاق] دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: خَرَجَ بِجَارِیَهٍ لَنَا خَنَازِیرُ فِی عُنُقِهَا فَأَتَی آتٍ وَ قَالَ یَا عَلِیُّ قُلْ لَهَا فَلْتَقُلْ یَا رَءُوفُ یَا رَحِیمُ یَا رَبِّ یَا سَیِّدِی تُکَرِّرُهُ قَالَ فَقَالَتْ فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهَا.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق دعوات الراوندی: امام رضا علیه السلام فرمودند: در گردن کنیزی از ما خنزیرهایی ظاهر شد. شخصی آمد و گفت: ای علی، به او بگو که چنین بخواند «ای مهربان ای عطوف ای پروردگار من، ای سرور من» آن را تکرار کن، نقل کرد: کنیز آن را خواند و خداوند عزّ و جلّ بیماری او را برطرف ساخت. - . مکارم الاخلاق: ۴۵۱ -

**[ترجمه]

«۴»

مکا، [مکارم الأخلاق]: دُعَاءٌ آخَرُ يَقْرَأُ عَلَيْهِ ثَلَاثَهَ أَيَّام بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ هُوَ يَأْمُرُکَ أَنْ لَا تَكْبُرَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قُلِ ابْتَدِئْ بِاللِّصِّ قَبْلَ أَنْ يَبْتَدِأَ بِکَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ يَتْفُلُ كُلَّ مَرَّهٍ فَإِنَّهُ يَجِفُ (۵).

ص: ۱۰۰

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۱۰۹.

۲- ۲. الحشر: ۲۱.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۱۱۰.

۴- ۴. مکارم الأخلاق ص ۴۵۱.

۵- ۵. مکارم الأخلاق ص ۴۶۹.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: دعایی دیگر: در سه روز این دعا سه بار بر آن خوانده شود: «به نام خدا و با استعانت از خدا، خدا بزرگ‌تر است خدا بزرگ‌تر است و او به تو امر می‌کند که تکبر نورزی»، سپس سه بار بگو: «از دزد شروع کن قبل از آنکه با تو آغاز شود» و هر بار آب دهانت را بیرون انداز که به راستی خشک می‌شود. - . مکارم الاخلاق: ۴۶۹ -

**[ترجمه]

باب ۸۴ الدعاء للجدری

الأخبار

«۱»

مکا، [مکارم الأخلاق]: يُكْتَبُ وَ يُعَلَّقُ عَلَى عَضُدِهِ فَإِنَّهُ لَا يَخْرُجُ وَ إِنْ كَانَ قَدْ خَرَجَ فَلَا يَخْرُجُ أَكْثَرَ مِمَّا قَدْ خَرَجَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ سى سى و بالقرعه السر السر ناوس ارنوس اس وَ مِثْلُهُ يُكْتَبُ هَذَا الشَّكْلُ الْأَرْبَعَةُ فِي الْأَرْبَعِهِ لِلْجُدَرِيِّ وَ يُعَلَّقُ عَلَيْهِ (۱)

۱۶ ۳ ۲ ۱۳ ۵ ۱۰ ۱۱ ۸ ۹ ۶ ۷ ۱۲ ۴ ۱۵ ۱۴ ۱.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: این دعا نگاشته می‌شود و بر بازوی بیمار بسته می‌شود که خارج نمی‌شود و اگر بیرون شده بود، بیش از آنچه که خارج شده است، خارج نمی گردد، انشاء الله تعالی.

و مثل آن این شکل چهار در چهار برای رفع بیماری آبله کشیده می‌شود و بر او آویخته می گردد. - . مکارم الاخلاق: ۴۷۲ -

**[ترجمه]

باب ۸۵ الدعاء لوجع الصدر

الأخبار

«۱»

مکا، [مکارم الأخلاق]: وَ إِذْ قَتَلْتُمْ نَفْساً فَادَّارَأْتُمْ فِيها إِلَى قَوْلِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۲).

رُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَنَّهُ شَكَا إِلَيْهِ رَجُلٌ وَجَعَ صَدْرِهِ فَقَالَ اسْتَشْفِ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ فِيهِ شِفاءٌ لِما فِي الصُّدُورِ(۳).

ص: ۱۰۱

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۷۲.

۲- ۲. البقره: ۷۲- ۷۳.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۳۴.

**[ترجمه]مكارم الاخلاق: «وَ إِذْ قَتَلْتُمْ نَفْساً فَادّارَأْتُمْ فيها وَ اللّهُ مُخْرِجٌ ما كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ فَقُلْنا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِها كَذلِكَ يُحْيِ اللّهُ الْمَوْتى وَ يُريكُمْ آياتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ: و چون شخصى را كشتيد، و درباره او با يكديگر به ستيزه برخاستيد، و حال آنكه خدا، آنچه را كتمان مى كرديد،آشكارگردانيد. پس فرموديم: پاره اى از آن به آن بزنيد. اينگونه خدا مردگان را زنده مى كند،و آيات خود را به شما مى نمایاند، باشد كه بينديشيد » - . بقره/ ۷۳ — ۷۲ - از امام صادق عليه السلام روايت است، شخصى از درد سينه به نزد ايشان شكايت برد، امام فرمودند: از قرآن طلب شفا كن؛ زيرا خداوند عزّ و جلّ مى‌فرمايد: و در آنچه شفايى است براى سينه‌ها. - . مكارم الاخلاق: ۴۳۴ -

**[ترجمه]

باب ۸۶ الدعاء لوجع القلب

الأخبار

«۱»

مكا، [مكارم الأخلاق]: رُقْيَةٌ لِوَجَعِ الْقَلْبِ تُقْرَأُ هَذِهِ الْآيَاتُ عَلَى الْمَاءِ وَ يَشْرَبُهُ لَئِنْ أَنْجَيْتَنا مِنْ هـذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشّاكِرِينَ سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَ يُوَلُّونَ الدُّبُرَ إِلَى قَوْلِهِ أَدْهى وَ أَمَرُّ(۱) إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ إِلَى قَوْلِهِ غَفُوراً(۲) أَيْضاً تُقْرَأُ هَذِهِ الْآيَاتُ عَلَى الْمَاءِ وَ يَشْرَبُهُ وَ يُرَدِّدُ عَلَى الْقَلْبِ وَ يُكْتَبُ أَيْضاً وَ يُعَلَّقُ عَلَى عُنُقِهِ بِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا إِلَى قَوْلِهِ لا يُخْلِفُ الْمِيعادَ(۳) الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ إِلَى قَوْلِهِ وَ حُسْنُ مَآبٍ (۴)- لَئِنْ أَنْجَيْتَنا مِنْ هذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشّاكِرِينَ (۵).

**[ترجمه]مكارم الاخلاق: تعويذ جهت رفع درد قلب: اين آيات را بر آب خوانده مى‌شود و سپس آن را مى‌آشامد: «لَئِنْ أَنْجَيْتَنا مِنْ هـذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشّاكِرِين سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَ يُوَلُّونَ الدُّبُرَ. بَلِ السّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَ السّاعَةُ أَدْهى وَ أَمَرُّ: - . فاطر/۳۹ - اگر ما را از اين برهانى، قطعاً از سپاسگزاران خواهيم شد، زودا كه اين جمع درهم شكسته شود و پشت كنند بلكه موعدشان قيامت است و قيامت سخت تر و تلخ تراست» «إِنَّ اللّهَ يُمْسِكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا إِنْ أَمْسَكَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كانَ حَليماً غَفُوراً: همانا خدا آسمانها و زمين را نگاه مى دارد تا نيفتند، و اگر بيفتند بعد از او هيچكس آنها را نگاه نمى دارد اوست بردبار آمرزنده.» - ۲. قمر/ ۴۶-۴۵ -

و نيز اين آيات بر آب خوانده مى‌شود و سپس آن را مى‌آشامد و بر قلب تكرار مى كند و همچنين نوشته مى‌شود و بر گردن بيمار آويخته مى گردد « بسم الله الرحمن الرَّحيم رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا وَ هَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهّاب رَبَّنا إِنَّكَ جامِعُ النّاسِ لِيَوْمٍ لارَيْبَ فيهِ إِنَّ اللّهَ لايُخْلِفُ الْميعادَ: به نام خداوند بخشنده مهربان پروردگارا، به يقين، تو در روزى كه هيچ ترديدى در آن نيست، گردآورنده مردمانى. قطعاً خداوند در وعده خلاف نمى كند. پروردگارا، پس از آنكه ما را هدايت كردى، دلهايمان را دستخوش انحراف مگردان، و از جانب خود، رحمتى بر ما ارزانى دار كه تو خود بخشايشگرى». - . آل عمران/۶ و ۷ - الَّذينَ

آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللّهِ أَلا بِذِكْرِ اللّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ طُوبى لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ: همان كسانى كه ايمان آورده اند و دلهايشان به ياد خدا آرام مى گيرد. آگاه باش كه با ياد خدا دلها آرامش مى يابد. كسانى كه ايمان آورده و كارهاى شايسته كرده اند، خوشا به حالشان، و خوش سرانجامى دارند. - . رعد/۲۸ - لَئِنْ

أَنْجَيْتَنا مِنْ هذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشّاكِرين: اگر ما را از اين برهانى، قطعاً از سپاسگزاران خواهيم شد. - . مكارم الاخلاق: ۴۳۳ -

**[ترجمه]

باب ۸۷ الدعاء للسعال و السل

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَيُّوبَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنِ الْحُسَیْنِ علیهم السلام قَالَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: مَنِ اشْتَکَی حَلْقَهُ وَ کَثُرَ سُعَالُهُ وَ اشْتَدَّ یُبْسُهُ فَلْیُعَوِّذْ بِهَذِهِ الْکَلِمَاتِ وَ کَانَ یُسَمِّیهَا الْجَامِعَهَ لِکُلِّ شَیْ ءٍ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَجَائِی وَ أَنْتَ ثِقَتِی وَ عِمَادِی وَ غِیَاثِی وَ رِفْعَتِی وَ جَمَالِی وَ أَنْتَ مَفْزَعُ الْمُفْزَعِینَ لَیْسَ لِلْهَارِبِینَ مَهْرَبٌ إِلَّا إِلَیْکَ وَ لَا لِلْعَالَمِینَ مُعَوَّلٌ إِلَّا عَلَیْکَ وَ لَا

ص: ۱۰۲

۱- ۱. القمر: ۴۵- ۴۶.

۲- ۲. فاطر: ۳۹.

۳- ۳. آل عمران ۶ و ۷.

۴- ۴. الرعد: ۲۸.

۵- ۵. مکارم الأخلاق ص ۴۳۳.

لِلرَّاغِبِینَ مَرْغَبٌ إِلَّا لَدَیْکَ وَ لَا لِلْمَظْلُومِینَ نَاصِرٌ إِلَّا أَنْتَ وَ لَا لِذِی الْحَوَائِجِ مَقْصَدٌ إِلَّا إِلَیْکَ وَ لَا لِلطَّالِبِینَ عَطَاءٌ إِلَّا مِنْ لَدُنْکَ وَ لَا لِلتَّائِبِینَ مَتَابٌ إِلَّا إِلَیْکَ وَ لَیْسَ الرِّزْقُ وَ الْخَیْرُ وَ الْفُتُوحُ إِلَّا بِیَدِکَ حَزَنَتْنِی الْأُمُورُ الْفَادِحَهُ وَ أَعْیَتْنِی الْمَسَالِکُ الضَّیِّقَهُ وَ أَحْوَشَتْنِی الْأَوْجَاعُ الْمُوجِعَهُ وَ لَمْ أَجِدْ فَتْحَ بَابِ الْفَرَجِ إِلَّا بِیَدِکَ فَأَقَمْتُ تِلْقَاءَ وَجْهِکَ وَ اسْتَفْتَحْتُ عَلَیْکَ بِالدُّعَاءِ إِغْلَاقَهُ فَافْتَحْ یَا رَبِّ لِلْمُسْتَفْتِحِ وَ اسْتَجِبْ لِلدَّاعِی وَ فَرِّجِ الْکَرْبَ وَ اکْشِفِ الضُّرَّ وَ سُدَّ الْفَقْرَ وَ أَجْلِ الْحُزْنَ وَ انْفِ الْهَمَّ وَ اسْتَنْقِذْنِی مِنَ الْهَلَکَهِ فَإِنِّی قَدْ أَشْفَیْتُ عَلَیْهَا وَ لَا أَجِدُ لِخَلَاصِی مِنْهَا غَیْرَکَ یَا اللَّهُ یَا مَنْ یُجِیبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ وَ یَکْشِفُ السُّوءَ ارْحَمْنِی وَ اکْشِفْ مَا بِی مِنْ غَمٍّ وَ کَرْبٍ وَ وَجَعٍ وَ دَاءٍ رَبِّ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ لَمْ أَرْجُ فَرَجِی مِنْ عِنْدِ غَیْرِکَ فَارْحَمْنِی یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ هَذَا مَکَانُ الْبَائِسِ الْفَقِیرِ هَذَا مَکَانُ الْمُسْتَغِیثِ هَذَا مَکَانُ الْمُسْتَجِیرِ هَذَا مَکَانُ الْمَکْرُوبِ الضَّرِیرِ هَذَا مَکَانُ الْمَلْهُوفِ الْمُسْتَعِیذِ هَذَا مَکَانُ الْعَبْدِ الْمُشْفِقِ الْهَالِکِ الْغَرِقِ الْخَائِفِ الْوَجِلِ هَذَا مَکَانُ مَنِ انْتَبَهَ مِنْ رَقْدَتِهِ وَ اسْتَیْقَظَ مِنْ غَفْلَتِهِ وَ أَفْرَقَ مِنْ عِلَّتِهِ وَ شِدَّهِ وَجَعِهِ وَ خَافَ مِنْ خَطِیئَتِهِ وَ اعْتَرَفَ بِذَنْبِهِ وَ أَخْبَتَ إِلَی رَبِّهِ وَ بَکَی مِنْ حَذَرِهِ وَ اسْتَغْفَرَ وَ اسْتَعْبَرَ وَ اسْتَقَالَ وَ اسْتَعْفَی وَ اللَّهِ إِلَی رَبِّهِ وَ رَهِبَ مِنْ سَطْوَتِهِ وَ أَرْسَلَ مِنْ عَبْرَتِهِ وَ رَجَا وَ بَکَی وَ دَعَا وَ نَادَی رَبِّ إِنِّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ فَتَلَافَنِی قَدْ تَرَی مَکَانِی وَ تَسْمَعُ کَلَامِی وَ تَعْلَمُ سَرَائِرِی وَ عَلَانِیَتِی وَ تَعْلَمُ حَاجَتِی وَ تُحِیطُ بِمَا عِنْدِی وَ لَا یَخْفَی عَلَیْکَ شَیْ ءٌ مِنْ أَمْرِی مِنْ عَلَانِیَتِی وَ سِرِّی وَ مَا أُبْدِی وَ مَا یُکِنُّهُ صَدْرِی فَأَسْأَلُکَ بِأَنَّکَ تَلِی التَّدْبِیرَ وَ تَقْبَلُ الْمَعَاذِیرَ وَ تُمْضِی الْمَقَادِیرَ سُؤَالَ مَنْ أَسَاءَ وَ اعْتَرَفَ وَ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَ اقْتَرَفَ وَ نَدِمَ عَلَی مَا سَلَفَ وَ أَنَابَ إِلَی رَبِّهِ وَ أَسِفَ وَ لَاذَ بِفِنَائِهِ وَ عَکَفَ وَ أَنَاخَ رَجَاهُ وَ عَطَفَ وَ تَبَتَّلَ إِلَی مُقِیلِ عَثْرَتِهِ وَ قَابِلِ تَوْبَتِهِ وَ غَافِرِ حُوبَتِهِ وَ رَاحِمِ عَبْرَتِهِ وَ کَاشِفِ کُرْبَتِهِ وَ شَافِی عِلَّتِهِ أَنْ تَرْحَمَ تَجَاوُزِی بِکَ وَ تَضَرُّعِی إِلَیْکَ وَ تَغْفِرَ لِی جَمِیعَ مَا أَخْطَأَتْهُ کُتَّابُکَ وَ أَحْصَاهُ کِتَابُکَ وَ مَا مَضَی مِنْ عِلْمِکَ مِنْ ذُنُوبِی وَ خَطَایَایَ وَ جَرَائِرِی فِی خَلَوَاتِی وَ فَجَرَاتِی

وَ سَيِّئَاتِي وَ هَفَوَاتِي وَ هَنَاتِي وَ جَمِيعِ مَا تَشْهَدُ بِهِ حَفَظَتُكَ وَ كَتَبَتُهُ مَلَائِكَتُكَ فِي الصِّغَرِ وَ بَعْدَ الْبُلُوغِ وَ الشَّيْبِ وَ الشَّبَابِ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ الْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ وَ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكَارِ وَ الضُّحَى وَ الْأَسْحَارِ فِي الْحَضَرِ وَ السَّفَرِ فِي الْخَلَاءِ وَ الْمَلَاءِ وَ أَنْ تُجَاوِزَ عَنْ سَيِّئَاتِي فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَنْ تَكْشِفَ عَنِّي الْعِلَلَ الْغَاشِيَةَ فِي جِسْمِي وَ فِي شَعْرِي وَ بَشَرِي وَ عُرُوقِي وَ عَصَبِي وَ جَوَارِحِي فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يَكْشِفُهَا غَيْرُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هر کس به گلودرد دچار گردد و سرفه بسیار نماید و خشکی او زیاد شود پس با این کلمات تعویذ کند و ایشان آن را جمع کننده همه چیز می‌نامیدند:

خدایا تو امید و اعتماد و تکیه‌گاه و فریادرس و بلندی و زیبایی من هستی، و تویی پناه هراسناکان و گریختگان جز به سوی تو راه فراری ندارند و جهانیان جز به تو تکیه‌گاهی ندارند و راغبین تنها به سوی تو می‌گرایند و تو تنها یاور مظلومان و مقصد نیازمندانی، عطای خوساتاران تنها در نزد تو و بازگشت توبه‌کنندگان تنها به سوی توست و رزق و خیر و گشایش تنها به دست توست.

مسائل بزرگ مرا اندوهگین نمود و تنگراه‌ها مرا ناتوان ساخت و دردهای دردآور مرا به وحشت انداخت و من گشایش را تنها در دستان تو می‌بینم و در برابر روی تو برخاستم و با خواندن تو گشایش امور بسته را درخواست کردم، ای پروردگار من برای کسی که گشایش می‌طلبد، گشایش حاصل کن و دعا کننده را اجابت فرما، گره‌ام را بگشا مشکلم را برطرف نمای و نیازم را برطرف ساز. حزن را خارج ساز و اندوه را دور کن، مرا از هلاکت نجات ده، و من برای آن طلب شفا کردم و هیچ راه رهایی از آن جز تو نمی‌یابم، ای خدا ای کسی که درمانده را زمانی که او را می‌خواند، اجابت می‌کنی و مشکلش را برطرف می‌نمایی، بر من رحم کن و غم و گرفتاری و درد و بیماری مرا از میان بردار، پروردگارا اگر چنین نکنی من جز تو به کسی امید گشایش ندارم، بر من رحم کن ای مهربان‌ترین مهربانان.

این جایگاه بینوای نیازمند است، این جایگاه فریادخواه توست، این جایگاه کسی است که پناه می‌طلبد، این جایگاه گرفتار رنجدیده است، این جایگاه اندوهناک و کسی است که پناه می‌جوید، این جایگاه بنده هراسان هلاک‌شونده غریق ترسان بیمناک است، این جایگاه کسی است که از غفلت خود آگاه شده و از خواب خود برخاست و از بیماری و فراوانی دردشترسید و از اشتباه خود هراس داشت و به گناهش اعتراف کرد و نسبت به پروردگارش خاشع گشت و از ترس او به گریه افتاد و طلب آمرزش کرد و اشکش جاری گشتو از پروردگارش طلب گذشت و عفو نمود، از قدرت او هراسان گشت و اشکهایش را جاری ساخت و امیدوار شد و گریه کرد و دعا نمود و صدا زد: پروردگارا، من به مشکل افتادم آن را جبران کن.

تو جایگاه مرا می‌بینی و سخن مرا می‌شنوی و از پیدا و پنهان من آگاهی، نیازم را می‌دانی و به آنچه نزد من است، احاطه داری و هیچ چیز از نهان و آشکار من و آنچه ابراز می‌دارم و یا در سینه پنهان می‌کنم، بر تو مخفی نیست، از تو می‌خواهم،از تو که عهده دار تدبیری، و عذرها را می پذیری و اندازه ها را جاری می کنی، همچون کسی که بدی کرد و اعتراف نمود و به خویش ظلم کرد و مرتکب گناه شد و بر آنچه گذشت، پشیمان شد و به سوی پرروردگارش بازگشت و اندوهناک شد، به درگاه او پناه آورد و معتکف گشت و امیدش را سکنی داد و متمایل گشتو روی آورد به سوی کسی که لغزشش را پوشاند و توبه‌اش را پذیرفت و گناهش را بخشید و بر اشکش رحم کرد، گره‌اش را گشود و بیماری‌اش را شفا داد، از تو می‌خواهم رحم کنی بر روی آوردن من به سوی خود و ناله‌ام به درگاهت و بیامرزی هرآنچه را که فرشتگانت نوشتند و کتابت به شماره درآورد و علمت بر آن قطعی گشت، از گناهان، اشتباه‌ها و زشتی‌های من در خلوت‌ها و عیان‌ها و بدی... هایم و لغزش‌ها و مصیبتم و تمامی آنچه که نگهبانان تو بر آن گواهی می‌دهند و فرشتگان تو نگاشتند، در دوران خردسالی و بعد از بلوغ و جوانی و پیری و در شب و روز و صبح و عصر و بامدادان و شامگاهان و ظهرها و سحرگاهان، در حضور یا سفر، در پنهان و عیان و مرا از بهشتیان قرار دهی، از بدی‌هایم بگذری، وعده صدقی که به آن وعده داده می‌شوند.

خدایا تو را به حق محمد و خاندان وی بیماری‌هایی که جسم و مو و پوست و رگ‌ها و اعصاب و اندام‌های مرادر بر گرفته اند، برطرف نما؛

زیرا جز تو آن‌ها را از بین نخواهد برد، ای مهربان‌ترین مهربانان و ای اجابت‌کننده دعای درماندگان. - . طب الائمه: ۲۷ – ۲۵ -

**[ترجمه]

باب ۸۸ الدعاء للطحال

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مِهْرَانَ الْكَرْخِيُّ عَنْ أَيُّوبَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ مِنْ خُرَاسَانَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیهما السلام فَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ حَجَجْتُ وَ نَوَيْتُ عِنْدَ خُرُوجِی أَنْ أَقْصِدَكَ فَإِنَّ بِی وَجَعَ الطِّحَالِ وَ أَنْ تَدْعُوَ لِی بِالْفَرَجِ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیهما السلام قَدْ كَفَاكَ اللَّهُ ذَلِكَ وَ لَهُ الْحَمْدُ فَإِذَا أَحْسَسْتَ بِهِ فَاكْتُبْ هَذِهِ الْآيَةَ بِزَعْفَرَانٍ بِمَاءِ زَمْزَمَ وَ اشْرَبْهُ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَدْفَعُ عَنْكَ ذَلِكَ الْوَجَعَ قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمنَ أَيًّا ما تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنى وَ لا تَجْهَرْ بِصَلاتِكَ وَ لا تُخافِتْ بِها وَ ابْتَغِ بَيْنَ ذلِكَ سَبِيلًا وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِی الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيراً تَكْتُبُ عَلَى رَقِّ ظَبْيٍ وَ عَلِّقْهَا عَلَى الْعَضُدِ الْأَيْسَرِ سَبْعَةَ أَيَّامٍ فَإِنَّهُ يَسْكُنُ وَ هِيَ هَذِهِ التَّرْجَمَةُ لاس س س ح ح دم كرم ل له و محيی حح لله صره و حجه سر ححجت عشره به هك بان عنها محتاح حل هوبوا امنوا مسعوف ثم (۲).

ص: ۱۰۴

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۲۵- ۲۷.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۲۹- ۳۰.

**[ترجمه]طب الائمه: امام باقر علیه السلام روایت کردند: شخصی از خراسان به نزد علی بن حسین علیهما السلام آمد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، حج را به جای آوردم و هنگام خروج از مدینه تصمیم گرفتم به خدمت شما برسم، من دردی در طحال خود احساس می کنم، از شما می‌خواهم برای برطرف شدن آن دعا فرمایید، علی بن حسین علیهما السلام به او فرمودند به خدا آن را برای تو کفایت می کند و حمد و سپاس از آن اوست هر گاه درد را احساس نمودی این آیه را با زعفران و آب زمزم بنویس و سپس آن را میل کن، به راستی که خداوند آن درد را از تو برمی‌دارد «قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمنَ أَيًّا ما تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنى وَ لا تَجْهَرْ بِصَلاتِكَ وَ لا تُخافِتْ بِها وَ ابْتَغِ بَيْنَ ذلِكَ سَبِيلاً. وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيراً: بگو: خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید، برای اونامهای نیکوتراست. و نمازت را به آواز بلند مخوان و بسیار آهسته اش مکن، و میان این راهی جوی. و بگو: ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهانداری شریکی دارد و نه خوار بوده که دوستی داشته باشد. و او را بسیار بزرگ شمار.» بر پوست آهو بنویس و به مدت هفت روز بر بازوی چپ خود آویزان گردان، به راستی که آرام خواهد گرفت و این است: « س س [س] ح ح دم کرم ل [له] و محیی حح لله صره و حجه سر ححجت عشره به هک بان عنها محتاح حل هو بوا امنوا مسعوف ثم. - . طب الائمه: ۳۰ — ۲۹ -

**[ترجمه]

«۲»

مکا، [مكارم الأخلاق]: رُقْيَةُ الطِّحَالِ فَاقْرَأْ عَلَى كَفِّهِ إِذا جاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ تَقْرَأُ إِنَّ الَّذِينَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا(۱) إِلَى آخِرِ الْآيَةِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ امْسَحْ بِهِمَا رَأْسَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ أُخْرَى يُكْتَبُ وَ يُعَلَّقُ عَلَى هَذَا الْمَوْضِعِ إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّماواتِ الْآيَةَ(۲) إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمانَ وَ إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ (۳).

**[ترجمه]مكارم الاخلاق: تعویذی برای طحال: بر کف دست او سه بار بخوان: «إِذا جاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ: چون یاریِ خدا و پیروزی فرا رَسَد» و سپس این آیه را سه بار بخوان: «إِنَّ الَّذِينَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا فَلاخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُون: محقّقاً کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند، بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد» تا آخر آیه سپس هفت بار این دو آیه را بر سر او بکش. - . سجده (فصلت)/ ۳۰ -

دعایی دیگر: این آیه نوشته شود و بر موضع درد آویزان گردد «إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا إِنْ أَمْسَكَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كانَ حَلِيماً غَفُوراً: همانا خدا آسمانها و زمین را نگاه می دارد تا نیفتند، و اگر بیفتند بعد از او هیچکس آنها را نگاه نمی دارد اوست بردبار آمرزنده.». - . فاطر/ ۳۹، متن آن بارها آمده است. - و

آن از سلیمان است و اوست به نام خداوند بخشنده مهربان. - . مكارم الاخلاق: ۴۳۸ -

**[ترجمه]

باب ۸۹ الدعاء لوجع المثانه و احتباس البول و عسره و لمن بال فی النوم

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْبُرْسِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْأَرْمَنِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ

إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِی زَیْنَبَ قَالَ: شَکَا رَجُلٌ مِنْ إِخْوَانِنَا إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَجَعَ الْمَثَانَهِ قَالَ فَقَالَ لَهُ عَوِّذْهُ بِهَذِهِ الْآیَاتِ إِذَا نِمْتَ ثَلَاثاً وَ إِذَا انْتَبَهْتَ مَرَّهً وَاحِدَهً فَإِنَّکَ لَا تُحِسُّ بِهِ بَعْدَ ذَلِکَ أَ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ أَ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما لَکُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِیٍّ وَ لا نَصِیرٍ قَالَ الرَّجُلُ فَفَعَلْتُ ذَلِکَ فَمَا أَحْسَسْتُ بَعْدَ ذَلِکَ بِهَا(۴).

**[ترجمه]طب الائمه: ابی زینب نقل کرد: شخصی از برادران ما نزد امام صادق علیه السلام از درد مثانه شکایت برد، امام به او فرمودند: آن را تعویذ کن با خواندن این آیات سه بار هنگام خواب و یک بار زمانی که بیدار شدی، و بعد از آن درد را احساس نمی‌کنی، « أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیء قَدیر أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما لَکُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِیٍّ وَ لا نَصیر: آیا ندانستی که خدا به هر چیز تواناست مگر ندانستی که فرمانروایی آسمانها و زمین از آنِ خداست و شما جز خدا سرور و یاوری ندارید».آن مرد نقل کرد: چنین کردم و آن درد را دیگر احساس نکردم. - . طب الائمه: ۳۰ -

**[ترجمه]

«۲»

مکا، [مکارم الأخلاق]: لِاحْتِبَاسِ الْبَوْلِ یَغْسِلُ رِجْلَیْهِ وَ یَکْتُبُ عَلَی سَاقِهِ الْیُسْرَی فَفَتَحْنا أَبْوابَ السَّماءِ بِماءٍ مُنْهَمِرٍ إِلَی قَوْلِهِ لِمَنْ کانَ کُفِرَ(۵).

۱- ۱. تمامها: تتنزل علیهم الملائکه ألا تخافوا و لا تحزنوا و أبشروا بالجنه التی کنتم توعدون: السجده(فصلت): ۳۰.

۲- ۲. فاطر: ۳۹، و قد مر نصها مرارا.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۳۸.

۴- ۴. طبّ الأئمّه ص ۳۰.

۵- ۵. القمر: ۱۱- ۱۵.

عَنْ حُمْرَانَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ علیه السلام جُعِلْتُ فِدَاكَ قِبَلِي رَجُلٌ مِنْ مَوَالِيكَ بِهِ حَصْرُ الْبَوْلِ وَ هُوَ يَسْأَلُكَ الدُّعَاءَ لَهُ أَنْ يُلْبِسَهُ اللَّهُ الْعَافِيَةَ وَ اسْمُهُ نَفِيسٌ الْخَادِمُ فَأَجَابَ كَشَفَ اللَّهُ ضُرَّكَ وَ دَفَعَ عَنْكَ مَكَارِهَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَلِحَّ عَلَيْهِ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ يُشْفَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى (1).

دُعَاءٌ لِعُسْرِ الْبَوْلِ رَبُّنَا اللَّهُ الَّذِي فِي السَّمَاءِ تَقَدَّسَ اللَّهُمَّ اسْمُكَ فِي السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ اللَّهُمَّ كَمَا رَحْمَتُكَ فِي السَّمَاءِ اجْعَلْ رَحْمَتَكَ فِي الْأَرْضِ اغْفِرْ لَنَا حُوبَنَا وَ خَطَايَانَا أَنْتَ رَبُّ الْمُطَيِّبِينَ أَنْزِلْ رَحْمَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَ شِفَاءً مِنْ شِفَائِكَ عَلَى هَذَا الْوَجَعِ فَلْيَبْرَأْ(2).

**[ترجمه]مكـارم الاخلاق: جهت نگه داشتن ادرار، پاهايش را بشويد و بر ساق چپ خود بنويسد «فَفَتَحْنا أَبْوابَ السَّماءِ بِماءٍ مُنْهَمِرٍ وَ فَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُوناً فَالْتَقَى الْماءُ عَلى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ وَ حَمَلْناهُ عَلى ذاتِ أَلْواحٍ وَ دُسُرٍ تَجْرِي بِأَعْيُنِنا جَزاءً لِمَنْ كانَ كُفِرَ: پس درهای آسمان را به آبی ريزان گشوديم. و از زمين چشمه ها جوشانيديم تا آب برای امری كه مقدّر شده بود به هم پيوستند.زير نظر ما روان بود. پاداش كسی بود كه مورد انكار واقع شده بود». - . قمر/ ۱۵ – ۱۱ -

حمران نقل كرد در نامه‌ای به امام هادی علیه السلام نگاشتم به فدايت گردم، شخصی از دوستان شما به نزد من آمد و مشكل نگه داشتن ادرار داشت. و می خواست تا شما برای او دعا بفرماييد باشد كه خداوند او را لباس عافيت بپوشاند و اسم او نفيس خادم است، امام جواب دادند: خداوند مشكل تو را بگشايد و ناگواری‌های دنيا و آخرت را از تو دور گرداند و بر او به قرآن اصرار كن؛ زيرا شفادهنده است انشاء الله تعالی. - . مكارم الاخلاق: ۴۳۵ -

دعای سختی ادرار:«پروردگار ما خدايی است كه در آسمان پاک گشت. خداوندا اسم تو در آسمان و زمين است. خداوندا همانطور كه رحمتت در آسمان است رحمت خود را در زمين قرار ده گناه و اشتباهات مرا بيامرز تو پروردگار پاكان هستی رحمتی از رحمت خويش و شفايی از شفای خود را بر اين درد قرار ده.» پس بايد بهبودی يابد. - . مكارم الاخلاق: ۴۵۲ -

**[ترجمه]

«۳»

مكا، [مكارم الأخلاق]: لِمَنْ بَالَ فِي النَّوْمِ رُوِيَ عَنْهُمْ علیهم السلام يُؤْخَذُ جزءين [جُزْءَانِ] مِنْ سُعْدٍ وَ جُزْءٌ مِنْ زَعْفَرَانٍ وَ يُدَقُّ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا عَلَى حِدَةٍ وَ يُنْخَلُ السُّعْدُ بِحَرِيرَةٍ صَفِيقَةٍ وَ يُخْلَطَانِ جَمِيعاً وَ يُعْجَنَانِ بِعَسَلٍ مَنْزُوعِ الرَّغْوَةِ ثُمَّ يُبَنْدَقُ وَ يُكْتَبُ فِي جَامٍ حَدِيدٍ بِزَعْفَرَانٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا إِلَى قَوْلِهِ حَلِيماً غَفُوراً يَمْلَأُ الْجَامَ مِنْ هَذِهِ الْآيَةِ مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى ثُمَّ يَغْسِلُهُ بِمَاءٍ بَارِدٍ وَ يَصُبُّ فِي قِنِّينَةٍ نَظِيفَةٍ(3)

وَ يُؤْخَذُ رَقٌّ فَيَكْتُبُ فِيهِ بِمِدَادٍ هَذِهِ الْآيَةَ وَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ كَمَا أُنْزِلَتْ وَ آخِرَ الْحَشْرِ وَ آخِرَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ثُمَّ يَكْتُبُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ الْآيَةَ(4)

وَ يَكْتُبُ يَا مَنْ هُوَ هَكَذَا وَ لَا هَكَذَا غَيْرُهُ أَمْسِكْ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ مَا يَجِدُ مِنْ غَلَبَةِ الْبَوْلِ وَ يُعَلِّقُ التَّعْوِيذُ عَلَى رُكْبَتِهَا إِنْ كَانَتْ أُنْثَى وَ إِنْ كَانَ غُلَاماً عَلَى مَوْضِعِ الْعَانَةِ عَلَى إِحْلِيلِهِ وَ يُؤْخَذُ بُنْدُقَةٌ مِنْ تِلْكَ الْبَنَادِقِ وَ يَسْقِيهِ إِيَّاهَا حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ بِشَيْ ءٍ مِنْ ذَلِكَ الْمَاءِ الْمُعَوَّذِ وَ لْيُقِلَّ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ فَإِذَا

ص: ۱۰۶

۱- ۱. مكارم الأخلاق ص ۴۳۵.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۵۲.

۳- ۳. القنينه- بکسر القاف و تشدید النون المکسوره- اناء من زجاج.

۴- ۴. فاطر: ۳۹.

ذَهَبَ مَا يَجِدُ مِنْ غَلَبَهِ الْبَوْلِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَلْيُحَلَّ التَّعْوِيذُ عَنْهُ لِئَلَّا يَعْتَرِيَهُ الْحَصْرُ(۱) لِمَنْ بَالَ فِي النَّوْمِ يُكْتَبُ عَلَى الرَّقِّ وَ يُعَلَّقُ عَلَيْهِ هف هف هد هد هف هف هات هات أناله كف كف كف هف هفف هفف هفف مهم مسعر لم قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ الْغَالِبُ مِنْ حَيْثُ يَسْتَحْسِرُ الْعَدُوُّ إِبْلِيسُ شيخ [شَيْخاً] لِبَنِي آدَمَ كَمَا الَّذِي سَجَدَ لِآدَمَ الْمَلَائِكَهُ بِإِذْنِ اللَّهِ إِنَّهُ كَرِيمَهٌ بِنْتُ كَرِيمَهٍ وَ وَلَدُ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ ...... سددت شددت بسوره بسوره صفه صفه خَتَمْتُ بِخَاتَمِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲)

أُخْرَى لَهُ وَ لِمَنْ فَزِعَ فِي النَّوْمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الْعَرَبِيِّ الْهَاشِمِيِّ الْمَدَنِيِّ الْأَبْطَحِيِّ التِّهَامِيِّ صلى الله عليه و آله إِلَى مَنْ حَضَرَ الدَّارَ مِنَ الْعُمَّارِ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ لَنَا وَ لَكُمْ فِي الْحَقِّ سَعَهً فَإِنْ يَكُنْ فَاجِراً مُقْتَحِماً أَوْ دَاعِيَ حَقٍّ مُبْطِلًا أَوْ مَنْ يُؤْذِي الْوِلْدَانَ وَ يُفْزِعُ الصِّبْيَانَ وَ يُبَوِّلُهُمْ فِي الْفِرَاشِ فَلْيَمْضُوا إِلَى أَصْحَابِ الْأَصْنَامِ وَ إِلَى عَبَدَهِ الْأَوْثَانِ وَ لْيَخْلُوا عَنْ أَصْحَابِ الْقُرْآنِ فِي جِوَارِ الرَّحْمَنِ وَ مَخَازِي الشَّيْطَانِ وَ عَنْ إِيمَانِهِمُ الْقُرْآنَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ صلى الله عليه و آله (۳).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: دعای برای کسی که شب ادراری دارد:.دو جز از سعد و یک جز از زعفران را جداگانه می کوبیده می شوند و سعد را از یک حریر ضخیم صافی غربال می کنیم و با یکدیگر مخلوط می کنیم و آن را با عسلی که کف آن گرفته شده باشد می آمیزیم و سپس به شکل فندق در آورده می شود و در جامی آهنین با زعفران می نویسد.« بسم الله الرحمن الرحیم «إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا إِنْ أَمْسَكَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كانَ حَليماً غَفُوراً: به نام خداوند بخشنده مهربان همانا خدا آسمانها و زمین را نگاه می دارد تا نیفتند، و اگر بیفتند بعد از او هیچکس آنها را نگاه نمی دارد اوست بردبار آمرزنده.» این آیه را چندین بار بر جام می‌نویسد سپس آن را با آب سرد می‌شوید و در بطری شیشه‌ای پاکیزه‌ای می‌ریزد و کاغذی برمی‌دارد و این آیه و فاتحه الکتاب و سه بار قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس، قل اعوذ برب الفلق و آیه الکرسی را همانگونه که نازل گشت و آیه آخر سوره حشر و آخر سوره بنی‌اسرائیل را می‌نویسد و سپس می‌نگارد «بسم الله الرحمن الرحیم إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا إِنْ أَمْسَكَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كانَ حَليماً غَفُوراً: همانا خدا آسمانها و زمین را نگاه می دارد تا نیفتند، و اگر بیفتند بعد از او هیچکس آنها را نگاه نمی دارد اوست بردبار آمرزنده » -
۱. فاطر: ۳۹ -

و می‌نویسد: «ای کسی که اینچنین است و غیر او اینچنین نیست، غلبه بول را از فلان فرزند فلانه بردار» و اگر زن بود این تعویذ را بر زانوی او و اگر مرد بود بر مجاری ادراری او آویزان کن و فندقی از آن فندق ها برداشته شود و هرگاه به بستر می‌رود از این آب که تعویذ داده شده به او خورانده شود و باید نوشیدن آب را کم کند و زمانی که شب ادراری او برطرف گردید انشاء الله، آن تعویذ را از او بگشاید تا دچار باز ایستادن ادرار نشود. - . مکارم الاخلاق: ۴۳۶ -

برای کسی که شب ادراری دارد: بر پوستی چنین نوشته می‌شود و بر او آویزان می‌گردد: هف هف هد هد هف هف هات هات اناله کف کف کف هف هفف هفف هفف مهم مسعر لم بگو خدا یکتاست غالب است آنجا که دشمن در می ماند، ابلیس پیری است برای فرزندان آدم همچون چیزی که فرشتگان را به اذن خدا به سجده آدم درآورد به راستی که او بزرگوار و فرزند بزرگوار و فرزند فلان بن فلان است ه ه ه ه ه محکم کردم بستم به سوره سوره صفه صفه به انگشتری سلیمان بن داود برای خدا پروردگار [جهانیان] مهر زدم. - ۳. مکارم الاخلاق: ۴۶۹ -

دعایی دیگر: برای کسی که در خواب می‌ترسد، به نام خداوند بخشنده مهربان از محمد رسول خدا پیامبر اُمّی عربی هاشمی مدنی ابطحی تهامی صلی الله علیه و آله به سوی هر عماری که در خانه وارد شد، برای ما و شما گشایشی در حق است، اگر فاسقی جسور است یا کسی است که از روی باطل به سوی حق می‌خواند، و یا کودکان را می‌آزارد و اطفال را می‌ترساند وسبب می‌شود تا در بستر خود ادرار کنند، پس باید به سمت بت‌پرستان و بندگان بت‌ها بروند، و از اصحاب قرآن در جوار خدای بخشایشگر دست بردارند و درود خدا بر محمد و خاندان وی. - . مکارم الاخلاق: ۴۶۹ -

**[ترجمه]

باب ۹۰ الدعاء لوجع البطن و القولنج و رياح البطن و أوجاعها

الأخبار

«۱»

مكا، [مكارم الأخلاق] لِلرِّيَاحِ فِي الْبَطْنِ يُونُسُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَجِدُ وَجَعاً فِي بَطْنِي فَقَالَ وَحِّدِ اللَّهَ فَقُلْتُ كَيْفَ أَقُولُ قَالَ تَقُولُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَبِّي يَا رَحْمَانُ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ وَ يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ اشْفِنِي وَ عَافِنِي مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ أَنْقَلِبُ فِي قَبْضَتِكَ (۴)

۱- ۱. مكارم الأخلاق ص ۴۳۶.

۲- ۲. مكارم الأخلاق ص ۴۶۹.

۳- ۳. مكارم الأخلاق ص ۴۶۹.

۴- ۴. مكارم الأخلاق ص ۴۶۸.

لِلْمَغْصِ وَ النَّفْخِ فِی الْبَطْنِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی اتَّخَذَ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلًا وَ کَلَّمَ مُوسَی تَکْلِیماً وَ بَعَثَ مُحَمَّداً بِالْحَقِّ نَبِیّاً ثُمَّ قُلْ یَا رِیحُ اخْرُجِی بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَی ثَلَاثَ مَرَّاتٍ (۱).

لِعِلَّهِ الْبَطْنِ عَنِ الْکَاظِمِ علیه السلام: یَکْتُبُ أُمَّ الْقُرْآنِ وَ الْمُعَوِّذَتَیْنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثُمَّ یَکْتُبُ أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْعَظِیمِ وَ عِزَّتِهِ الَّتِی لَا تُرَامُ وَ قُدْرَتِهِ الَّتِی لَا یَمْتَنِعُ مِنْهُ مِنْ شَرِّ هَذَا الْوَجَعِ وَ مِنْ شَرِّ مَا فِیهِ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ مِنْهُ (۲)

لِوَجَعِ الْبَطْنِ وَ غَیْرِهِ مِنَ الْآلَامِ یَضَعُ یَدَهُ عَلَیْهِ وَ یَقُولُ سَبْعَ مَرَّاتٍ أَعُوذُ بِعِزَّهِ اللَّهِ وَ جَلَالِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَ یَضَعُ یَدَهُ الْیُمْنَی عَلَی الْأَلَمِ وَ یَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ ثَلَاثاً(۳)

لِوَجَعِ الْبَطْنِ یَکْتُبُ سُورَهَ الْإِخْلَاصِ وَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ قُلْ یُحْیِیهَا الَّذِی أَنْشَأَها أَوَّلَ مَرَّهٍ وَ هُوَ بِکُلِّ خَلْقٍ عَلِیمٌ وَ لَوْ أَنَّ قُرْآناً سُیِّرَتْ بِهِ الْجِبالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ کُلِّمَ بِهِ الْمَوْتی بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِیعاً وَ یُعَلِّقُ عَلَیْهِ وَ هَذِهِ الْآیَاتُ تُقْرَأُ عَلَیْهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ ما أَصابَ مِنْ مُصِیبَهٍ فِی الْأَرْضِ وَ لا فِی أَنْفُسِکُمْ إِلَّا فِی کِتابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَها إِنَّ ذلِکَ عَلَی اللَّهِ یَسِیرٌ هذانِ خَصْمانِ اخْتَصَمُوا فِی رَبِّهِمْ فَالَّذِینَ کَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِیابٌ مِنْ نارٍ یُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُؤُسِهِمُ الْحَمِیمُ یُصْهَرُ بِهِ ما فِی بُطُونِهِمْ وَ الْجُلُودُ فَتَعالَی اللَّهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْکَرِیمِ لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ هُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ(۴) أُخْرَی بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَیْهِ إِلَی آخِرِ الْآیَهِ(۵)

وَ یُقْرَأُ فَاتِحَهُ الْکِتَابِ سَبْعَ مَرَّاتٍ جَیِّدٌ مُجَرَّبٌ أُخْرَی لَئِنْ أَنْجَیْتَنا مِنْ هذِهِ لَنَکُونَنَّ مِنَ الشَّاکِرِینَ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُفٌ

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۶۸.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۶۸.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۶۸.

۴- ۴. مکارم الأخلاق ص ۴۳۴.

۵- ۵. الأنبیاء: ۸۷.

رَحِيمٌ وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ (۱).

لِلْقُولَنْجِ إِبْرَاهِيمُ بْنُ يَحْيَى عَنْهُمْ عليهم السلام قَالَ: يَكْتُبُ لِلْقُولَنْجِ أُمَّ الْقُرْآنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ يَكْتُبُ أَسْفَلَ ذَلِكَ أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِعِزَّتِهِ الَّتِي لَا يُرَامُ وَ بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْ ءٌ مِنْ شَرِّ هَذَا الْوَجَعِ وَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ مِنْهُ يَكْتُبُ هَذَا الْكِتَابَ فِي لَوْحٍ أَوْ كَتِفٍ وَ يَغْسِلُ بِمَاءِ السَّمَاءِ وَ يَشْرَبُ عَلَى الرِّيقِ عِنْدَ النَّوْمِ فَإِنَّهُ نَافِعٌ مُبَارَكٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ (۲).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: رفع باد شکم: یونس بن یعقول نقل کرد: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت گردم من دردی در شکم خود احساس می کنم، پس فرمودند: خداوند را به یگانگی یاد کن. عرض کردم: چگونه بگویم: فرمودند: می گویی: «ای خدا ای خدا ای پرودرگار من ای بخشایشگر ای پروردگار پرورندگان و ای مولای سروران مرا از هر درد و بیماری شفا ده و عافیت بخش به راستی که من بنده تو و فرزند بنده تو هستم و دائماً در قبضه اختیار توام. - . مکارم الاخلاق: ۴۶۸ -

برای دل پیچه ونفخ شکم: به نام خدایی که ابراهیم را دوست خود برگرفت و با موسی سخن گفت و محمد را به حق به پیامبری برانگیخت. سپس سه بار بگو «ای باد خارج شو به اذن خداوند بلندمرتبه». - . مکارم الاخلاق: ۴۶۸ -

برای بیماری شکم: امام کاظم علیه السلام فرمودند: ام القرآن، قل اعوذ برب الناس قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد بنویسد و سپس بنگارد: «پناه می‌برم به روی باعظمت خدا و عزتش که دست نایافتنی است و قدرتش که هیچ از آن در برابر آن یارای ممانعت ندارد، از شر این درد و از شر هر آنچه در آن است و از گزند هر چه که بیم دارم». - . مکارم الاخلاق: ۴۶۸ -

برای درد شکم و دیگر دردها: دست خود را بر آن می گذارد و هفت بار می گوید: «پناه می‌برم به عزت و شکوه خدا از شر دردی که دارم» و دست راست خود را بر موضع درد قرار می‌دهد و سه بار می گوید: «بسم الله». - . مکارم الاخلاق: ۴۶۸ -

رفع درد شکم: سوره اخلاص و این آیات را می‌نویسد: «بسم الله ارحمن الرحیم قُلْ يُحْيِيهَا الَّذى أَنْشَأَها أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَليمٌ وَ لَوْ أَنَّ قُرْآناً سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتى بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَميعاً أَفَلَمْ يَيْأَسِ الَّذينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشاءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَميعا: به نام خداوند بخشنده مهربان بگو: همان کسی که نخستین بار آن را پدیدآورد و اوست که به هر آفرینشی داناست. و اگر قرآنی بود که کوه ها بدان روان می شد، یا زمین بدان قطعه قطعه می گردید، یا مردگان بدان به سخن در می آمدند نه چنین است، بلکه همه امور بستگی به خدا دارد.» و بر او آویزان گردد و این آیات بر او خوانده شود: «بسم الله الرحمن الرحیم ماأَصابَ مِنْ مُصيبَةٍ فِى الْأَرْضِ وَ لا في أَنْفُسِكُمْ إِلاَّ في كِتابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَها إِنَّ ذلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسيرٌ هذانِ خَصْمانِ اخْتَصَمُوا فى رَبِّهِمْ فَالَّذينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيابٌ مِنْ نارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُؤُسِهِمُ الْحَميمُ، فَتَعالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَريم لا إله إلا الله وَحده لا شَريكَ له، له المُلكُ و له الحَمدُ يُحيى و يُميت وَ يُميتُ و يُحيى وَ هو حَيٌّ لا يَموتُ بيده الخير وَ هو على كُلِّ شَيء قَديرٌ: به نام خداوند بخشنده مهربان هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفس‌های شما نرسد، مگر آنکه پیش از آنکه آن را پدید آوریم، در کتابی است. این بر خدا آسان است این دو دشمنان یکدیگرند که درباره پروردگارشان باهم ستیزه می کنند، و کسانی که کفر ورزیدند، جامه هایی از آتش برایشان بریده شده است، از بالای سرشان آب جوشان ریخته می شود. پس والاست خدا، فرمانروای برحق، خدایی جز او نیست. [اوست] پروردگار عرش گرانمایه. خدایی جز خدای یگانه نیست فرمانروایی و سپاس از آن اوست زنده می کند و می میراند و می میراند و زنده می کند و او زنده ای است که نمی میرد و خیر تنها به دست اوست و او بر هر چیز تواناست.» - . مکارم الاخلاق: ۴۳۴ -

دعایی دیگر: بسم الله الرّحمن الرّحیم وَ ذَاالنُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنادى فِى الظُّلُماتِ أَنْ لا إِلهَ إِلاَّ أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّى كُنْتُ مِنَ الظَّالِمين: و ذوالنون را آنگاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم، تا در تاریکی ها ندا در داد که معبودی جز تو نیست، منزّهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم. تا آخر آیه - . انبیاء/ ۸۷ - و هفت بار سوره فاتحه الکتاب را بخواند، بسیار خوب است و

تجربه شده است.

دعایی دیگر: «لَئِنْ أَنْجَيْتَنا مِنْ هذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشّاكِرين. إن الله بالناس لرؤوف رحيم. وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ: اگر ما را از این [ورطه] برهانی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم شد. به راستی که خداوند برای مردم مهربان رحم کننده است و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می کنیم. - . مکارم الاخلاق: ۴۳۴ -

برای رفع قولنج: از ائمه معصومین علیهم السلام روایت است: برای رفع قولنج، سوره‌های امر الکتاب، قل هو الله احد، قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق نوشته شود و پایین آن بنویسد: پناه می‌برم به روی عظیم خدا و به عزت دست نایافتنی او و به قدرتش که هیچ چیز را یارای ممانعت از آن را ندارد از شر این درد و هر آنچه در آن است و از شر آنچه از آن می‌یابم. این دعا بر لوح یا شانه نوشته شود و با آب باران شسته و هنگام خواب نوشیده شود که انشاء الله مفید خواهد بود. - . مکارم الاخلاق: ۴۳۸ -

**[ترجمه]

«۲»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] لِوَجَعِ الْبَطْنِ وَ الْقُولَنْجِ الْحُسَيْنُ بْنُ بِسْطَامَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَلَفٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ علیهم السلام قَالَ: شَكَا رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لِي أَخاً يَشْتَكِي بَطْنَهُ فَقَالَ مُرْ أَخَاكَ أَنْ يَشْرَبَ شَرْبَةَ عَسَلٍ بِمَاءٍ حَارٍّ فَانْصَرَفَ إِلَيْهِ مِنَ الْغَدِ وَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ أَسْقَيْتُهُ وَ مَا انْتَفَعَ بِهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله صَدَقَ اللَّهُ وَ كَذَبَ بَطْنُ أَخِيكَ اذْهَبْ فَأَسْقِ أَخَاكَ شَرْبَةَ عَسَلٍ وَ عَوِّذْهُ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَلَمَّا أَدْبَرَ الرَّجُلُ قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله يَا عَلِيُّ إِنَّ أَخَا هَذَا الرَّجُلِ مُنَافِقٌ فَمِنْ هَاهُنَا لَا تَنْفَعُهُ الشَّرْبَةُ(۳) وَ شَكَا رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَجَعَ الْبَطْنِ فَأَمَرَهُ أَنْ يَشْرَبَ مَاءً حَارّاً وَ يَقُولَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ أَتَقَلَّبُ فِي قَبْضَتِكَ (۴).

**[ترجمه]طب الائمه: برای رفع درد شکم و قولنج: شخصی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و چنین شکایت کرد: ای رسول خدا، من برادری دارم که به درد شکم گرفتار است، به برادرت امر کن تا شربتی از عسل با آب گرم بخورد، فردای آن روز بازگشت و عرض کرد: ای رسول خدا، چنین کردم و سودی نبخشید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خدا راست گفت و شکم برادر تو دروغ گفت، برو و به برادرت شربتی از عسل بنوشان و او را با هفت بار خواندن سوره فاتحه الکتاب تعویذ کن. وقتی آن مرد رفت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای علی، برادر این مرد منافق است، از این روست که شربت در او فایده نمی‌رساند. - . طب الائمه: ۲۷ -

شخصی نزد امیر مؤمنان علیه السلام از درد شکم شکایت برد، امام به او امر نمودند تا آب گرم بنوشد و بگوید: «ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشایشگر ای مهربان ای پروردگار پروردگان ای خدای خدایان ای مولای سروران با شفای خود مرا از هر درد و بیماری شفا ده و من بنده... تو و فرزند بنده تو هستم و در قبضه اختیار توام». - . طب الائمه: ۲۸ -

**[ترجمه]

«۳»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْخَوَاتِيمِيُّ عَنِ ابْنِ يَقْطِينٍ عَنْ حَسَّانَ الصَّيْقَلِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: شَكَا رَجُلٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ علیه السلام وَجَعَ السُّرَّةِ فَقَالَ لَهُ اذْهَبْ فَضَعْ يَدَكَ عَلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي تَشْتَكِي وَ قُلْ وَ إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لا يَأْتِيهِ الْباطِلُ

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۳۴.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۳۸.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۲۷.

۴- ۴. طبّ الأئمّه ۲۸.

مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ثَلَاثاً فَإِنَّكَ تُعَافَى بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَا اشْتَكَى أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ شَكَاةً قَطُّ فَقَالَ بِإِخْلَاصِ نِيَّةٍ وَ مَسَحَ مَوْضِعَ الْعِلَّةِ وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَساراً إِلَّا عُوفِيَ مِنْ تِلْكَ الْعِلَّةِ أَيَّةَ عِلَّةٍ كَانَتْ وَ مِصْدَاقُ ذَلِكَ فِي الْآيَةِ حَيْثُ يَقُولُ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: شخصی نزد امام صادق علیه السلام آمد و از درد ناف شکایت کرد و امام به او فرمودند: برو و دستت را بر موضع درد قرار ده و سه بار بگو: وَ إِنَّهُ لَكِتابٌ عَزِيزٌ لايَأْتِيهِ الْباطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ: و به راستی که آن کتابی ارجمند است از پیشروی آن و ازپشت سرش باطل به سویش نمی آید وحی ای است از حکیمی ستوده» که به اذن خداوند تعالی عافیت می‌یابی.

امام صادق علیه السالم فرمودند: هرگاه یکی از مؤمنان به دردی دچار آید، دست خود را بر موضع درد قرار دهد و با اخلاص بگوید: «وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لايَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلاَّ خَساراً: و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می کنیم، و ستمگران را جز زیان نمی افزاید.» که از هر بیماری و دردی باشد، عافیت می‌یابد زیرا دلیل صدق آن در قرآن آمده است که می... گوید (شفاء و رحمه للمؤمنین: شفا و رحمتی برای مؤمنان است.) - . طب الائمه: ۲۸ -

**[ترجمه]

«۴»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] مُوسَى بْنُ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: شَكَا إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَوْلِيَائِهِ الْقُولَنْجَ فَقَالَ اكْتُبْ لَهُ أُمَّ الْقُرْآنِ وَ سُورَةَ الْإِخْلَاصِ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ ثُمَّ تَكْتُبُ أَسْفَلَ ذَلِكَ أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِعِزَّتِهِ الَّتِي لَا تُرَامُ وَ بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْ ءٌ مِنْ شَرِّ هَذَا الْوَجَعِ وَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ ثُمَّ تَشْرَبُهُ عَلَى الرِّيقِ بِمَاءِ الْمَطَرِ يَبْرَأُ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى (۲).

**[ترجمه]طب الائمه: شخصی نزد امام صادق علیه السلام از قولنج شکایت کرد، امام فرمودند: برای رفع آن سوره‌های ام الکتاب، اخلاص، قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را بنویس و زیر آن چنین بنگار «پناه می‌برم به روی عظیم خدا و به عزت دست نایافتنی او و به قدرتش که هیچ چیز را یارای ممانعت از آن را ندارد از شر این درد و هر آنچه در آن است و از شر آنچه از آن می‌یابم.» سپس ناشتاآن را با آب باران به او بخوران که به اذن خداوند متعال شفا خواهد یافت. - . طب الائمه: ۳۸ -

**[ترجمه]

«۵»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] هَارُونُ بْنُ شُعَيْبٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زَيْنَبَ عَنِ الْجُعْفِيِّ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیهم السلام قَالَ: شَكَا إِلَيْهِ رَجُلٌ الْخَامَ وَ الْإِبْرِدَةَ وَ رِيحَ الْقُولَنْجِ فَقَالَ أَمَّا الْقُولَنْجُ فَاكْتُبْ لَهُ أُمَّ الْقُرْآنِ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ اكْتُبْ أَسْفَلَ مِنْ ذَلِكَ أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِقُوَّتِهِ الَّتِي لَا تُرَامُ وَ بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْ ءٌ مِنْ شَرِّ هَذَا الْوَجَعِ وَ شَرِّ مَا فِيهِ وَ شَرِّ مَا أَحْذَرُ مِنْهُ تَكْتُبُ هَذَا فِي كَتِفٍ أَوْ لَوْحٍ أَوْ جَامٍ بِمِسْكٍ وَ زَعْفَرَانٍ ثُمَّ تَغْسِلُهُ بِمَاءِ السَّمَاءِ وَ تَشْرَبُهُ عَلَى الرِّيقِ أَوْ عِنْدَ مَنَامِكَ (۳).

**[ترجمه]طب الائمه: شخصی نزد علی بن ابی طالب علیه السلام از بد هضمی و سرد مزاجی و قولنج شکایت برد، امام فرمودند: برای رفع قولنج سوره‌های ام القرآن، قل اعوذ بربّ الفلق، قل اعوذ بربّ الناس، قل هو الله احد را بنویس و در پایین آن چنین بنگار: «پناه می‌برم به روی عظیم خدا و به عزّت دست نایافتنی او و به قدرتش که هیچ چیز را یارای ممانعت از آن را ندارد از شر این درد و هر آنچه در آن است و از

شر آنچه از آن بیم دارم.» و بر لوح یا شانه یا جامی با مشک و زعفران می‌نویسی سپس با آب باران می‌شویی و هنگام خواب، از آن می... خوری. - . طب الائمه: ۶۵ -

**[ترجمه]

«۶»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ جَمِيلَهَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام أَشْكُو إِلَيْهِ عِلَّهً فِي بَطْنِي وَ أَسْأَلُهُ الدُّعَاءَ فَكَتَبَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ تَكْتُبُ أُمَّ الْقُرْآنِ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثُمَّ تَكْتُبُ أَسْفَلَ

ص: ۱۱۰

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۲۸.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۳۸، و فیه: الضراری، قال: حدّثنا موسی بن عمر بن یزید إلخ.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۶۵.

مِنْ ذَلِکَ أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْعَظِیمِ وَ عِزَّتِهِ الَّتِی لَا تُرَامُ وَ قُدْرَتِهِ الَّتِی لَا یَمْتَنِعُ مِنْهَا شَیْ ءٌ مِنْ شَرِّ هَذَا الْوَجَعِ وَ شَرِّ مَا فِیهِ وَ مِمَّا أَحْذَرُ یَکْتُبُ ذَلِکَ فِی لَوْحٍ أَوْ کَتِفٍ ثُمَّ تَغْسِلُهُ بِمَاءِ السَّمَاءِ ثُمَّ تَشْرَبُهُ عَلَی الرِّیقِ وَ عِنْدَ مَنَامِکَ وَ یَکْتُبُ أَسْفَلَ مِنْ ذَلِکَ جَعَلَهُ شِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ(۱).

**[ترجمه]طب الائمه: حسن بن خالد نقل کرد: در نامه‌ای به امام کاظم علیه السلام از درد شکمم شکایت نمودم و از او دعایی خواستم، پس نوشتند: به نام خداوند بخشایشگر مهربان، سوره‌های ام القران، قل اعوذ برب الناس، قل اعوذ بربّ الفلق، قل هو الله احد را می‌نویسی و پایین آن چنین می‌نگاری: «پناه می‌برم به روی عظیم خدا و به عزت دست نایافتنی او و به قدرتش که هیچ چیز را یارای ممانعت از آن را ندارد از شر این درد و هر آنچه در آن است و از شر آنچه از آن بیم دارم.» در لوح یا شانه نوشته شود سپس با آب باران می‌شویی و هنگام خواب از آن می‌نوشی و پایین آن نوشته شود: «و آن را شفای هر دردی قرار داد». - . طب الائمه: ۱۰۰ -

**[ترجمه]

باب ۹۱ الدعاء لوجع الخاصره

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] حَرِیزُ بْنُ أَیُّوبَ عَنْ أَبِی سُمَیْنَهَ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ أَبِی حَمْزَهَ عَنْ حُمْرَانَ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ الْبَاقِرَ علیه السلام فَقَالَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّی أَجِدُ فِی خَاصِرَتِی وَجَعاً شَدِیداً وَ قَدْ عَالَجْتُهُ بِعِلَاجٍ کَثِیرٍ فَلَیْسَ یَبْرَأُ قَالَ أَیْنَ أَنْتَ مِنْ عُوذَهِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام قَالَ وَ مَا ذَاکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ إِذَا فَرَغْتَ مِنْ صَلَاتِکَ فَضَعْ یَدَکَ عَلَی مَوْضِعِ السُّجُودِ ثُمَّ امْسَحْهُ وَ اقْرَأْ أَ فَحَسِبْتُمْ أَنَّما خَلَقْناکُمْ عَبَثاً وَ أَنَّکُمْ إِلَیْنا لا تُرْجَعُونَ فَتَعالَی اللَّهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْکَرِیمِ وَ مَنْ یَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ لا بُرْهانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّما حِسابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لا یُفْلِحُ الْکافِرُونَ وَ قُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ أَنْتَ خَیْرُ الرَّاحِمِینَ قَالَ الرَّجُلُ فَفَعَلْتُ ذَلِکَ فَذَهَبَ عَنِّی بِعَوْنِ اللَّهِ تَعَالَی (۲).

**[ترجمه]طب الائمه: شخصی از امام محمد باقر علیه السلام پرسید: ای فرزند رسول خدا من در لگن خود درد شدیدی احساس می کنم و بسیار آن را مداوا نمودم؛ امّا افاقه نکرد، فرمودند: چرا تعویذ امیر مؤمنان علیه السلام را استفاده نمی کنی؟ آن شخص پرسید: ای فرزند رسول خدا و آن کدام است؟ فرمودند: بعد از نماز دست خود را بر سجده گاه قرار ده و آن را مسح کن و بخوان «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّماخَلَقْناکُمْ عَبَثاً وَ أَنَّکُمْ إِلَیْنا لاتُرْجَعُون. فَتَعالَی اللَّهُ الْمَلِکُ الْحَق لا اله الا هو ربّ العرش الکریم. وَ مَنْ یَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ لا بُرْهانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّما حِسابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لایُفْلِحُ الْکافِرُونَ وَ قُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ أَنْتَ خَیْرُ الرَّاحِمین: آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانیده نمی شوید. پس بلندمرتبه است خدا، فرمانروای برحق خدایی جز او نیست و اوست پروردگار عرش کریمانه و هر کس با خدا معبود دیگری بخواند، که برای آن برهانی نخواهد داشت،حسابش فقط با پروردگارش می باشد، در حقیقت، کافران رستگار نمی شوند و بگو: پروردگارا، ببخشای و رحمت کن تو بهترین بخشایندگانی.» آن مرد گفت: چنین کردم و آن درد به یاری خداوند از من رفع شد. - . طب الائمه: ۲۹ -

**[ترجمه]

«۲»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، مکا، [مکارم الأخلاق] قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: یَنْبَغِی لِأَحَدِکُمْ إِذَا أَحَسَّ بِوَجَعِ الْخَاصِرَهِ أَنْ یَمْسَحَ یَدَهُ عَلَیْهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ لْیَقُلْ کُلَّ مَرَّهٍ أَعُوذُ بِعِزَّهِ اللَّهِ وَ قُدْرَتِهِ عَلَی مَا یَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ فِی خَاصِرَتِی (۳).

**[ترجمه]دعوات الراوندی، مکارم الاخلاق: هرگاه یکی از شما به درد لگن مبتلا شد، بهتر است سه بار دست خود را بر آن بکشد و هر بار

بگوید: «پناه می‌برم به عزت خدا و قدرت او بر هر آنچه بخواهد، از شر آنچه احساس می کنم [در لگنم] - . مکارم الاخلاق: ۴۶۸ -

**[ترجمه]

«۳»

مکا، [مکارم الأخلاق] وَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: تُمِرُّ یَدَکَ عَلَی مَوْضِعِ الْوَجَعِ وَ تَقُولُ:

ص: ۱۱۱

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۱۰۰.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۲۹.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۶۸.

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ امْسَحْ عَنِّی مَا أَجِدُ فِی خَاصِرَتِی ثُمَّ تُمِرُّ یَدَکَ عَلَی مَوْضِعِ الْوَجَعِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ (۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السلام فرمودند: دست خود را بر موضع درد می گردانی و می گویی: «به نام خدا و با استعانت از خدا، محمد رسول خدا صلی الله عیه و آله است و هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمی‌پذیرد، خدایا آنچه در لگن خود احساس می کنم برطرف نمایی» سپس دست خود را سه بار بر موضع درد بگردان. - . مکارم الاخلاق: ۴۶۸ -

**[ترجمه]

باب ۹۲ الدعاء و العوذه لما یعرض الصبیان من الریاح

الأخبار

«۱»

عُدَّةُ الدَّاعِی،: کَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ إِلَی أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام یَسْأَلُهُ عُوذَةً لِلرِّیَاحِ الَّذِی تَعْرِضُ لِلصِّبْیَانِ فَکَتَبَ إِلَیْهِ بِخَطِّهِ اللَّهُ أَکْبَرُ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله اللَّهُ أَکْبَرُ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا رَبَّ لِی إِلَّا اللَّهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ لا شَرِیکَ لَهُ سُبْحَانَ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ کَانَ وَ مَا لَمْ یَشَأْ لَمْ یَکُنْ اللَّهُمَّ ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ رَبَّ عِیسَی وَ مُوسَی وَ إِبْرَاهِیمَ الَّذِی وَفَّی إِلَهَ إِبْرَاهِیمَ وَ إِسْمَاعِیلَ وَ إِسْحَاقَ وَ یَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَکَ مَعَ مَا عَدَّدْتَ مِنْ آیَاتِکَ وَ بِعَظَمَتِکَ وَ بِمَا سَأَلَکَ بِهِ النَّبِیُّونَ وَ بِأَنَّکَ رَبُّ النَّاسِ کُنْتَ قَبْلَ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ أَنْتَ بَعْدَ کُلِّ شَیْ ءٍ أَسْأَلُکَ بِکَلِمَاتِکَ الَّتِی تُمْسِکُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَی الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِکَ وَ بِکَلِمَاتِکَ الَّتِی تُحْیِی بِهَا الْمَوْتَی أَنْ تُجِیرَ عَبْدَکَ فُلَاناً مِنْ شَرِّ ما یَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَ ما یَعْرُجُ فِیها وَ مَا یَخْرُجُ مِنَ الْأَرْضِ وَ مَا یَلِجُ فِیهَا وَ السَّلَامُ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ.

عَنْهُ علیه السلام أَیْضاً بِخَطِّهِ: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ إِلَی اللَّهِ وَ کَمَا شَاءَ اللَّهُ وَ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ جَبَرُوتِ اللَّهِ وَ قُدْرَةِ اللَّهِ وَ مَلَکُوتِ اللَّهِ هَذَا الْکِتَابَ اجْعَلْهُ یَا اللَّهُ شِفَاءً لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ ابْنِ عَبْدِکَ وَ ابْنِ أَمَتِکَ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ.

ص: ۱۱۲

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۶۸.

**[ترجمه]عـده الداعی: محمد به هارون در نامه‌ای از امام باقر علیه السـلام تعویذی برای بچه‌هایی خواست که به بادها دچار می‌شوند، امام به خط خود برای او نوشـتند: خـدا بزرگ است، گواهی می‌دهم محمـد صـلی الله علیه و آله رسول خـداست، خدا بزرگ است خدایی جز خدای یکتا نیست و هیچ پروردگاری جز خدای یکتا نیست، پادشاهی و ستایش از آن اوست و هیچ شریکی ندارد، پاک و منزه است خدا، هرچه خدا خواست، پدیـد آمد و آنچه نخواست به وجود نیامد، خدایا ای صاحب شکوه و بزرگی، ای پروردگار عیسـی و موسـی و ابراهیم که به خدای ابراهیم و اسـماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط وفا کرد. خـدایی جز تو نیست، پاک و منزهی همراه با آنچه از آیات تو به شـماره آوردم و به عظمت تو و به آنچه پیـامبران از تو مسألت نمودنـد و به اینکه پروردگـار آدمیـانی قبل از هر چیز بودی و بعـد از هر چیز نیز هستی، از تو می... خواهم به کلمات که آسـمان را از افتادن بر زمین باز داشت مگر به اذن تو و به کلماتی که اموات را زنده می کنی، بندهات فلانی را از آنچه از آسـمان نـازل می‌شود و آنچه به آسـمان صـعود می کنـد و آنچه از زمین خـارج می‌شود و یـا در آن فرو می‌رود، پنـاه ده و سـلام بر رسولان و ستایش از آن خدایی است که پروردگار جهانیان است.

و دعایی دیگر به خط امام علیه السلام: «به نام خدا و با استعانت از خدا و به سوی خدا و آنطور که خدا خواست و به عزت خدا و جبروت خدا و قدرت خدا و ملکوت خدا، ای خدا این کتاب را شـفای فلان فرزند فلان فرزند بنده تو و فرزند کنیز تو بنده خدا قرار ده، درود خدا بر رسول خدا» .

**[ترجمه]

باب ۹۳ الدعاء لحل المربوط

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السـلام] أَحْمَدُ بْنُ بَدْرٍ عَنْ إِسْحَاقَ الصَّحَّافِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیه السـلام قَالَ: يَا صَحَّافُ قُلْتُ لَبَّيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ إِنَّكَ مَأْخُوذٌ عَنْ أَهْلِكَ قُلْتُ بَلَى يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مُنْذُ ثَلَاثِ سِنِينَ قَدْ عَالَجْتُ بِكُلِّ دَوَاءٍ فَوَ اللَّهِ مَا نَفَعَنِي قَالَ يَا صَحَّافُ أَ فَلَا أَعْلَمْتَنِي قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ اللَّهِ مَا خَفِيَ عَلَيَّ أَنَّ كُلَّ شَيْ ءٍ عِنْدَكُمْ فَرَجُهُ وَ لَكِنْ أَسْتَحْيِيكَ قَالَ وَيْحَكَ وَ مَا مَنَعَكَ الْحَيَاءُ فِي رَجُلٍ مَسْحُورٍ مَأْخُوذٍ أَمَا إِنِّي أَرَدْتُ أَنْ أُفَاتِحَكَ بِذَلِكَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أَذْرَأْتُكُمْ أَيُّهَا السَّحَرَةُ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ بِاللَّهِ الَّذِي قَالَ لِإِبْلِيسَ اخْرُجْ مِنْها مَذْؤُماً مَدْحُوراً اخْرُجْ مِنْهَا فَما يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيها فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ أَبْطَلْتُ عَمَلَكُمْ وَ رَدَدْتُ عَلَيْكُمْ وَ نَقَضْتُهُ بِإِذْنِ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى الْأَعْظَمِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ الْقَدِيمِ رَجَعَ سِحْرُكُمْ كَمَا لا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ كَمَا بَطَلَ كَيْدُ السَّحَرَةِ حِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمُوسَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَلْقِ عَصاكَ فَإِذا هِيَ تَلْقَفُ ما يَأْفِكُونَ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ بِإِذْنِ اللَّهِ أُبْطِلُ سَحَرَةَ فِرْعَوْنَ.

أَبْطَلْتُ عَمَلَكُمْ أَيُّهَا السَّحَرَةُ وَ نَقَضْتُهُ عَلَيْكُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ وَ لا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْساهُمْ أَنْفُسَهُمْ وَ بِالَّذِي قَالَ وَ لَوْ نَزَّلْنا عَلَيْكَ كِتاباً فِي قِرْطاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هذا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ وَ قالُوا لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَ لَوْ أَنْزَلْنا مَلَكاً لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لا يُنْظَرُونَ وَ لَوْ جَعَلْناهُ مَلَكاً لَجَعَلْناهُ رَجُلًا وَ لَلَبَسْنا عَلَيْهِمْ ما يَلْبِسُونَ وَ بِإِذْنِ اللَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ فَأَكَلا مِنْها فَبَدَتْ لَهُما سَوْآتُهُما فَأَنْتُمْ تَتَحَيَّرُونَ وَ لَا تَتَوَجَّهُونَ بِشَيْ ءٍ مِمَّا كُنْتُمْ فِيهِ وَ لَا تَرْجِعُونَ إِلَى شَيْ ءٍ مِنْهُ أَبَداً قَدْ بَطَلَ بِحَمْدِ اللَّهِ عَمَلُكُمْ وَ خَابَ سَعْيُكُمْ وَ وَهَنَ كَيْدُكُمْ مَعَ مَنْ كَانَ ذَلِكَ مِنَ الشَّيَاطِينِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطانِ كانَ ضَعِيفاً غَلَبْتُكُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ هَزَمْتُ كَثْرَتَكُمْ بِجُنُودِ

اللَّهِ وَ كَسَرَتْ قُوَّتَكَمْ بِسُلْطَانِ اللَّهِ وَ سَلَّطَتْ عَلَيْكَمْ عَزَائِمَ اللَّهِ عَمِيَ بَصَرُكُمْ وَ ضَعُفَتْ قُوَّتُكَمْ وَ انْقَطَعَتْ أَسْبَابُكَمْ وَ تَبَرَّأَ الشَّيْطَانُ مِنْكَمْ بِإِذْنِ اللَّهِ الَّذِى أَنْزَلَ كَمَثَلِ الشَّيْطانِ إِذْ قالَ لِلْإِنْسانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قالَ إِنِّى بَرِى ءٌ مِنْكَ إِنِّى أَخافُ اللَّهَ رَبَّ الْعالَمِينَ فَكانَ عاقِبَتَهُما أَنَّهُما فِى النَّارِ خالِدَيْنِ فِيها وَ ذلِكَ جَزاءُ الظَّالِمِينَ وَ أَنْزَلَ إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتُّبِعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَ رَأَوُا الْعَذابَ وَ تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبابُ وَ قالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَما تَبَرَّؤُا مِنَّا كَذلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمالَهُمْ حَسَراتٍ عَلَيْهِمْ وَ ما هُمْ بِخارِجِينَ مِنَ النَّارِ بِإِذْنِ اللَّهِ الَّذِى لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْآيَةَ(۱) إِنَّ إِلهَكُمْ لَواحِدٌ رَبُّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى شِهابٌ ثاقِبٌ (۲) إِنَّ فِى خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّيْلِ وَ النَّهارِ لَآياتٍ لِأُولِى الْأَلْبابِ وَ ما أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّماءِ مِنْ ماءٍ الْآيَةَ(۳) إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِى خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ فِى سِتَّةِ أَيَّامٍ الْآيَةَ(۴) هُوَ اللَّهُ الَّذِى لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَهِ إِلَى آخِرِ السُّورَهِ(۵) مَنْ أَرَادَ فُلَانَ بْنَ فُلَانَهَ بِسُوءٍ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ أَوْ غَيْرِهِمْ بَعْدَ هَذِهِ الْعُوذَهِ جَعَلَهُ اللَّهُ مِمَّنْ وَصَفَهُمْ فَقَالَ أُولئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلالَهَ(۶) ثَلَاثَ آيَاتٍ جَعَلَهُ

۱- ۱. يعنى آيه الكرسىّ: البقره: ۲۵۵.

۲- ۲. تمامها: و ما بينهما و ربّ المشارق إنا زيّنّا السماء الدنيا بزينه الكواكب و حفظا من كل شيطان مارد لا يسمعون الى الملاء الأعلى و يقذفون من كل جانب دحورا و لهم عذاب واصب الا من خطف الخطفه فأتبعه شهاب ثاقب، الصافّات: ۳- ۱۰.

۳- ۳. تمامها: فأحيا به الأرض بعد موتها و بث فيها من كل دابه و تصريف الرياح و السحاب المسخر بين السماء و الأرض لآيات لقوم يعقلون: البقره: ۱۶۴.

۴- ۴. تمامها: ثم استوى على العرش يغشى الليل النهار يطلبه حثيثا و الشمس و القمر و النجوم مسخرات بأمره ألا له الخلق و الامر تبارك اللّه ربّ العالمين، الأعراف: ۵۴.

۵- ۵. يعنى سوره الحشر: ۲۱- ۲۴.

۶- ۶. البقره: ۱۶- ۱۸.

اللَّهُ مِمَّنْ قَالَ وَ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِی يَنْعِقُ بِما لا يَسْمَعُ إِلَّا دُعاءً وَ نِداءً صُمٌّ بُكْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لا يَعْقِلُونَ جَعَلَهُ اللَّهُ مِمَّنْ قَالَ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّما خَرَّ الْآيَهَ(۱)

جَعَلَهُ اللَّهُ مِمَّنْ قَالَ مَثَلُ ما يُنْفِقُونَ فِی هذِهِ الْحَياهِ الدُّنْيا الْآيَهَ(۲) جَعَلَهُ اللَّهُ مِمَّنْ قَالَ كَمَثَلِ صَفْوانٍ عَلَيْهِ تُرابٌ الْآيَهَ(۳)

جَعَلَهُ اللَّهُ مِمَّنْ قَالَ وَ مَثَلُ كَلِمَهٍ خَبِيثَهٍ كَشَجَرَهٍ أَرْبَعَ آيَاتٍ (۴) جَعَلَهُ اللَّهُ مِمَّنْ قَالَ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمالُهُمْ إِلَی قَوْلِهِ فَما لَهُ مِنْ نُورٍ(۵) اللَّهُمَّ فَأَسْأَلُكَ بِصِدْقِكَ وَ عِلْمِكَ وَ حُسْنِ أَمْثَالِكَ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ مَنْ أَرَادَ فُلَاناً بِسُوءٍ أَنْ تَرُدَّ كَيْدَهُ فِی نَحْرِهِ وَ تَجْعَلَ خَدَّهُ الْأَسْفَلَ وَ تُرْكِسَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِی حَفِيرَهٍ إِنَّكَ عَلَی كُلِّ شَیْ ءٍ قَدِيرٌ وَ ذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَ ما كَانَ ذلِكَ عَلَی اللَّهِ بِعَزِيزٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ السَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ ثُمَّ تَقْرَأُ عَلَی طِينِ الْقَبْرِ وَ تَخْتِمُ وَ تُعَلِّقُهُ عَلَی الْمَأْخُوذِ وَ تَقْرَأُ هُوَ اللَّهُ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَی الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَ كَفی بِاللَّهِ شَهِيداً وَ بَطَلَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ فَغُلِبُوا هُنالِكَ وَ انْقَلَبُوا صاغِرِينَ (۶).

**[ترجمه]طب الائمه: اسحاق الصحّاف نقل کرد: موسی بن جعفر علیه السلام به من فرمودند: ای صحاف، عرض کردم: بلی ای فرزند رسول خدا، فرمودند: آیا در مورد خانواده ات جادو شده ای؟ جواب دادم: آری ای فرزند رسول خدا، از سه سال پیش با هر دوایی به مداوا برخاستم ولی سوگند به خدا که سودی نبخشید، فرمودند: ای صحّاف، آیا مرا عالم نمی‌دانی، عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، سوگند به خدا، بر من پنهان نیست که گشایش هر چیز در نزد شماست، ولی از شما حیا می کردم، فرمودند: وای بر تو، چرا حیا تو را باز می داشت در حالی که جادو و افسون شده ای؟ آگاه باش که من خواستم بدین طریق مشکل تو را حل کنم، بگو:« به نام خداوند بخشنده مهربان شما را دور کردم ای جادوگران از فلان فرزند فلانه. به آن خدایی که به ابلیس گفت: « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيم اخْرُجْ مِنْها مَذْؤُماً مَدْحُورا اخرُج فَما يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيها فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ: به نام خداوند بخشنده مهربان نکوهیده و رانده، از آن بیرون شو، از آن فرو شو، تو را نرسد که در آن تکبر نمایی. پس بیرون شو که تو از خوارشدگانی» عمل شما را باطل کردم و به خودتان بازگرداندم و آن را شکستم به اذن خداوند بلند و بلندمرتبه بزرگ پاک شکست‌ناپذیر دانای قدیم، سحر شما برگشت همانطور که مکر زشت به اهلش بازمی گردد و همانگونه که مکر جادوگران باطل گشت، آنگاه که خداوند به حضرت موسی صلوات الله علیه فرمودند: أَلْقِ عَصاكَ فَإِذا هِیَ تَلْقَفُ ما يَأْفِكُونَ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ. که: عصایت را بینداز پس ناگهان آنچه را به دروغ ساخته بودند فرو بلعید پس حقیقت آشکار گردید و کارهایی که می کردند باطل شد» به اذن خدا سحر جادوگران فرعون، باطل گشت.

ای جادوگران، عمل شما را باطل گردانیدم و آن را به شما بازگردانیدم به اذن خدایی که چنین نازل کرد: «وَ لاتَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْساهُمْ أَنْفُسَهُم: و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او آنان را دچار خود فراموشی کرد» و به او که فرمود: «وَ لَوْ نَزَّلْنا عَلَيْكَ كِتاباً فی قِرْطاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هذا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ وَ قالُوا لَوْ لاأُنْزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَ لَوْ أَنْزَلْنا مَلَكاً لَقُضِیَ الْأَمْرُ ثُمَّ لايُنْظَرُونَ لَلَبَسْنا عَلَيْهِمْ ما يَلْبِسُونَ: و اگر مکتوبی، نوشته بر کاغذ، بر تو نازل می کردیم و آنان، آن را با دست های خود لمس می کردند قطعا کافران می گفتند: این جز سحر آشکار نیست.و گفتند: چرا فرشته ای بر او نازل نشده است؟ و اگر فرشته ای فرود می آوردیم، قطعاً کار تمام شده بود سپس مهلت نمی یافتند و امر را همچنان بر آنان مشتبه می ساختیم» و به اذن خدایی که نازل کرد: «فَأَكَلا مِنْها فَبَدَتْ لَهُماسَوْآتُهُما: از آن خوردند و برهنگی آنان بر ایشان نمایان شد» و شما حیران می‌مانید و از آنچه که در آن بودید روی نمی کنید و هرگز به چیزی از آن بازنمی گردید.

سپاس خدا را که عمل شما باطل گشت و تلاش‌تان بی‌نتیجه ماند و مکرتان ضعیف گشت، با هر کدام از شیطان‌ها که بود، قطعاً مکر شیطان ضعیف است، به خواست خداوند بر شما پیروز گشتم و با سربازان الهی، تعداد فراوان شما را شکست دادم و با پادشاهی خدا نیروی شما را شکستم و به اراده خداوند بر شما مسلط گشتم، چشمتان کور باد و نیروی‌تان به سستی گراید و وسیله‌هاتان از میان برود و شیطان از شما بیزاری جست به اذن خدایی که چنین نازل کرد: «كَمَثَلِ الشَّيْطانِ إِذْ قالَ لِلْإِنْسانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قالَ إِنِّی بَرِی ءٌ مِنْكَ إِنِّی أَخافُ اللَّهَ رَبَّ الْعالَمِينَ فَكانَ عاقِبَتَهُما أَنَّهُما فِی النَّارِ خالِدَيْنِ فِيها وَ ذلِكَ جَزاءُ الظَّالِمين: چون حکایت شیطان که به انسان گفت: کافر شو. و چون کافر شد،

گفت: من از تو بیزارم، زیرا من از خدا، پروردگار جهانیان، می ترسم. و فرجام هر دوشان آن است که هر دو در آتش، جاوید می مانند و سزای ستمگران این است.إِذْ تَبَرَّأَ الَّذینَ اتُّبِعُوا مِنَ الَّذینَ اتَّبَعُوا وَ رَأَوُا الْعَذابَ وَ تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبابُ: آنگاه که پیشوایان از پیروان بیزاری جویند و عذاب را مشاهده کنند، و میانشان پیوندها بریده گردد».

باذن الله الذی لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوم: به اذن خدایی که خدایی جز او که زنده و پایدار وجود ندارد تا آخر آیه. - . آیه الکرسی: البقره/ ۲۵۵ - إِنَّ

إِلهَکُمْ لَواحِدٌ رَبُّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَیْنَهُما وَ رَبُّ الْمَشارِقِ إِنَّا زَیَّنَّا السَّماءَ الدُّنْیا بِزینَةٍ الْکَواکِبِ وَ حِفْظاً مِنْ کُلِّ شَیْطانٍ مارِد لایَسَّمَّعُونَ إِلَی الْمَلَإِ الْأَعْلی وَ یُقْذَفُونَ مِنْ کُلِّ جانِبٍ دُحُوراً وَ لَهُمْ عَذابٌ واصِبٌ إِلاَّ مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهابٌ ثاقِب: که قطعاً معبود شما یگانه است. پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، و پروردگار خاورها ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم و از هر شیطان سرکشی نگاه داشتیم، نمی توانندبه انبوه عالَم بالا گوش فرا دهند، و از هر سوی پرتاب می شوند با شدّت به دور رانده می شوند، و برایشان عذابی دایم است مگر کسی که یکباره استراق سمع کند، که شهابی شکافنده از پی او می تازد. - .الصافات/ ۱۰ — ۳ - إِنَّ فی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ لَآیاتٍ لِأُولِی الْأَلْبابِ. وَ ماأَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّماءِ مِنْ ماءٍ فَأَحْیا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَ بَثَّ فیها مِنْ کُلِّ دابَّةٍ وَ تَصْریفِ الرِّیاحِ وَ السَّحابِ الْمُسَخَّرِ بَیْنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ: مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، برای خردمندان نشانه هایی است. و آبی که خدا از آسمان فروفرستاده، و با آن، زمین را پس از مردنش زنده گردانیده، و در آن هر گونه جنبنده ای پراکنده کرده، و گردانیدن بادها، و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است، برای گروهی که می اندیشند، واقعاً نشانه هایی وجود دارد. - . البقره/ ۱۶۴ - إِنَّ رَبَّکُمُ اللَّهُ الَّذی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ فی سِتَّةِ أَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوی عَلَی الْعَرْشِ یُغْشِی اللَّیْلَ النَّهارَ یَطْلُبُهُ حَثیثاً وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِأَمْرِهِ أَلا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبارَکَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمینَ:در حقیقت، پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش استیلا یافت. روز را به شب که شتابان آن را می طلبد می پوشاند، و خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده اند. آگاه باش که خلق و امر از آنِ اوست. فرخندهخداییاستپروردگارجهانیان. - . الاعراف/۵۴ - هُوَ اللَّهُ الَّذی لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَه .....اوست خدایی که غیر از او معبودی نیست، داننده غیب و آشکار است، اوست رحمتگر مهربان.......... - . الحشر/۲۴-۲۱ -

هر کس از جنیان و آدمیان نسبت به فلان فرزند فلانه، بعد از این تعویذ خواست بدی داشته باشد، خداوند او را از آنهایی قرار دهد که در موردشان فرمود: «أُولئِکَ الَّذینَ اشْتَرَوُا الضَّلالَة..: همین کسانند که گمراهی را به هدایت خریدند..... - . البقره/ ۱۸-۱۶ - »

و خداوند او را از کسانی قرار دهد که فرمود«وَ مَثَلُ الَّذینَ کَفَرُوا کَمَثَلِ الَّذی یَنْعِقُ بِما لایَسْمَعُ إِلاَّ دُعاءً وَ نِداءً صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لایَعْقِلُونَ: و مَثَل کافران چون مَثَل کسی است که حیوانی را که جز صدا و ندایی نمی شنود بانگ می زند. کرند، لالند، کورند. در نمی یابند.» و خداوند او را از کسانی قرار دهد که فرمود: «وَ مَنْ یُشْرِکْ بِاللَّهِ فَکَأَنَّما خَرَّ مِنَ السَّماءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّیْرُ أَوْ تَهْوی بِهِ الرِّیحُ فی مَکانٍ سَحیق: و هر کس به خدا شرک ورزد چنان است که گویی از آسمان فروافتاده و مرغان او را ربوده اند یا باد او را به جایی دور افکنده است. - . الحج/۳۱ - »

و خداوند قرار دهد او را از کسانی که فرمود: «مَثَلُ ما یُنْفِقُونَ فی هذِهِ الْحَیاةِ الدُّنْیا کَمَثَلِ ریحٍ فیها صِرٌّ أَصابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَکَتْهُ وَ ما ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ لکِنْ أَنْفُسَهُمْ یَظْلِمُون: مَثَل آنچه در زندگی این دنیا خرج می کنند، همچون مثلِ بادی است که در آن، سرمای سختی است، که به کشتزار قومی که بر خود ستم نموده اند بوزد و آن را تباه سازد و خدا به آنان ستم نکرده، بلکه آنان خود بر خویشتن ستم کرده اند - . آل عمران/۱۱۷ - » و خداوند او را از کسانی قرار دهد که فرمود: «کَمَثَلِ صَفْوانٍ عَلَیْهِ تُرابٌ فَأَصابَهُ وابِلٌ فَتَرَکَهُ صَلْداً لایَقْدِرُونَ عَلی شَیْ ءٍ مِمَّا کَسَبُوا وَ اللَّهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرینَ: پس مَثَلِ او همچون مَثَلِ سنگ خارایی است که بر روی آن، خاکی است، و رگباری به آن رسیده و آن را سخت و صاف بر جای نهاده است. آنان نیز از آنچه به دست آورده اند، بهره ای نمی برند و خداوند، گروه کافران را هدایت نمی کند» - . البقره/ ۲۶۴ - و

خداوند او را از کسانی قرار دهد که فرمود: «وَ مَثَلُ کَلِمَهٍ خَبِیثَهٍ کَشَجَرَهٍ....ومَثَلِ سخنی ناپاک چون درختی است.... - . ابراهیم/ ۲۹-۲۶ - »

چهار آیه و خداوند او را کسانی قرار دهد که فرمود: «مَثَلُ الَّذینَ کَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمالُهُمْ....:مَثَل کسانی که به پروردگار خود کافر شدند، کردارهایشان....» تا «.فما له من نور: برای او نوری نیست». - . النور/۴۰-۳۹ -

«خدایا از تو می‌خواهم به صداقت و علم تو و امثال نیک تو و به حق محمد و خاندان او، هر کس نسبت به فلانی اراده سویی دارد، مکر او را به خودش بازگردان او را به عمق حفره خود و با سر به گودالی درانداز، به راستی که تو بر هر چیزی توانایی و این بر تو آسان است، و برای خدا سخت نیست، خدایی جز خدای یگانه نیست، محمد رسول خداست، درود و سلامت و رحمت و برکت خدا بر او و خاندانش» سپس بر خاک قبر می‌خوانی و مهر می‌زنی و آن را بر کسی که جادو شده می‌آویزی و می‌خوانی «هُوَ الَّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ. وَ کَفی بِاللَّهِ شَهیدا. فَغُلِبُوا هُنالِکَ وَ انْقَلَبُوا صاغِرِینَ: او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند. گواه بودن خدا بس است. و در آنجا مغلوب و خوار گردیدند» و خدا برای گواهی کافی است و آنچه کردند، باطل گشت، پس در آنجا مغلوب شدند و خوار شدند. - . طب الائمه/ ۴۷-۴۵ -

**[ترجمه]

«۲»

عُوذَهُ الدَّاعِی،: لِحَلِّ الْمَرْبُوطِ یُکْتَبُ فِی رُقْعَهٍ وَ یُعَلَّقُ عَلَیْهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ إِنَّا فَتَحْنا لَکَ فَتْحاً مُبِیناً لِیَغْفِرَ لَکَ اللَّهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِکَ وَ ما تَأَخَّرَ وَ یُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَیْکَ وَ یَهْدِیَکَ صِراطاً مُسْتَقِیماً ثُمَّ یُکْتَبُ سُورَهُ النَّصْرِ ثُمَّ یُکْتَبُ وَ مِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً لِتَسْکُنُوا إِلَیْها وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّهً وَ رَحْمَهً إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ ادْخُلُوا عَلَیْهِمُ الْبابَ فَإِذا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّکُمْ غالِبُونَ فَفَتَحْنا أَبْوابَ السَّماءِ بِماءٍ مُنْهَمِرٍ وَ فَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُیُوناً فَالْتَقَی الْماءُ عَلی أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ قالَ رَبِّ اشْرَحْ لِی صَدْرِی وَ یَسِّرْ لِی أَمْرِی وَ احْلُلْ

۱- ۱. الحجّ: ۳۱.

۲- ۲. آل عمران: ۱۱۷.

۳- ۳. البقره: ۲۶۴.

۴- ۴. إبراهیم: ۲۶- ۲۹.

۵- ۵. النور: ۳۹- ۴۰.

۶- ۶. طبّ الأئمّه ص ۴۵- ۴۷.

عُقْدَةً مِنْ لِسانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي وَ تَرَكْنا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْناهُمْ جَمْعاً كَذَلِكَ حَلَلْتُ فُلَانَ بْنَ فُلَانَةَ بِنْتِ فُلَانَةَ لَقَدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ ما عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

**[ترجمه]عدّه الداعی: برای باطل کردن سحر: این آیات بر کاغذی نوشته می‌شود و بر او آویزان می گردد «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ إِنَّا فَتَحْنا لَكَ فَتْحاً مُبِينا لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ ما تَأَخَّرَ وَ يُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيَكَ صِراطاً مُسْتَقِيما: به نام خداوند بخشایشگر مهربان ما تو را پیروزی بخشیدیم پیروزی درخشانی تا خداوند از گناه گذشته و آینده تو درگذرد و نعمت خود را بر تو تمام گرداند و تو را به راهی راست هدایت کند. سپس سوره نصر نوشته شود و این آیات «وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْواجاً لِتَسْكُنُوا إِلَيْها وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذلِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُون. ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبابَ فَإِذا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غالِبُون. فَفَتَحْنا أَبْوابَ السَّماءِ بِماءٍ مُنْهَمِرٍ فَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُوناً فَالْتَقَى الْماءُ عَلى أَمْرٍ قَدْ قُدِر قالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِيَ وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي وَ تَرَكْنا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْناهُمْ جَمْعاً: و از نشانه های او اینکه از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این برای مردمی که می اندیشند قطعاً نشانه هایی است از آن دروازه برایشان وارد شوید که اگر از آن، در آمدید قطعاً پیروز خواهید شد پس درهای آسمان را به آبی ریزان گشودیم و از زمین چشمه ها جوشانیدیم تا آب برای امری که مقدّر شده بود به هم پیوستند گفت: پروردگارا، سینه ام را گشاده گردان و کارم را برای من آسان ساز، و از زبانم گره بگشا سخنم رابفهمند، و در آن روز آنان را رها می کنیم تا موج آسا بعضی با برخی در آمیزند و در صور دمیده شود، همه آنها را گرد خواهیم آورد» و اینچنین فلان فرزند فلان را از سحر رها ساختم لَقَدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ ما عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيم قطعاً، فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ: برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به شما حریص، و نسبت به مؤمنان، دلسوز مهربان است. پس اگر روی برتافتند، بگو: خدا مرا بس است. هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است .

**[ترجمه]

باب ۹۴ الدعاء لعسر الولاده

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] الْخَوَاتِيمِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبَانِ بْنِ أَبِي عَيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ الْهِلَالِيِّ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ: إِنِّي لَأَعْرِفُ آيَتَيْنِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ الْمُنْزَلِ يُكْتَبَانِ لِلْمَرْأَةِ إِذَا عَسُرَ عَلَيْهَا وَلَدُهَا يُكْتَبَانِ فِي رَقِّ ظَبْيٍ وَ يُعَلِّقُهُ فِي حَقْوَيْهَا بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً سَبْعَ مَرَّاتٍ يا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْ ءٌ عَظِيمٌ يَوْمَ تَرَوْنَها تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذاتِ حَمْلٍ حَمْلَها وَ تَرَى النَّاسَ سُكارى وَ ما هُمْ بِسُكارى وَ لكِنَّ عَذابَ اللَّهِ شَدِيدٌ مَرَّةً وَاحِدَةً يُكْتَبُ عَلَى وَرَقَةٍ وَ تُرْبَطُ بِخَيْطٍ مِنْ كَتَّانٍ غَيْرِ مَفْتُولٍ وَ يُشَدُّ عَلَى فَخِذِهَا الْأَيْسَرِ فَإِذَا وَلَدَتْهُ قَطَعْتَهُ مِنْ سَاعَتِكَ وَ لَا تَتَوَانَى عَنْهُ وَ يُكْتَبُ حي وَلَدَتْ مَرْيَمَ وَ مَرْيَمُ وَلَدَتْ حي يَا حي اهْبِطْ إِلَى الْأَرْضِ السَّاعَةَ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: من دو آیه از کتاب خدا را می‌شناسم که اگر زاییدن زنی سخت گردد برای رفع آن نوشته می‌شود و بدین صورت که بر پوست آهویی نوشته می‌شود و بر پهلوهای او آویزان می گردد « بسم الله و بالله إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً: به نام خدا و با استعانت از خدا به راستی که با هر سختی آسانی است، به راستی که با هر سختی آسانی است – هفت مرتبه – فيا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْ ءٌ عَظِيم يَوْمَ تَرَوْنَها تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذاتِ حَمْلٍ حَمْلَها وَ تَرَى النَّاسَ

سُکاری وَ ما هُمْ بِسُـکاری وَ لکِنَّ عَـذابَ اللَّهِ شَدید: ای مردم، از پروردگار خود پروا کنید، چرا که زلزله رسـتاخیز امری هولناک است. روزی که آن را ببینیـد، هر شـیر دهنـده ای آن را که شـیر می دهـد فرو می گذارد، و هر آبسـتنی بار خود را فرو می نهد، و مردم را مست می بینی و حال آنکه مست نیسـتند، ولی عذاب خدا شدید است.» یک بار بر کاغذی نوشـته می‌شود و آن را به بخشی غیرتابیده از کتان متصل می کنی و بر ران چپ او بسته می‌شود و هنگامی که فارغ شد به سرعت از او جدا گردد و اهمال نگردد.

و نوشـته شود: «زنـده ای که مریم به دنیا آورد و مریم به دنیا آورد زنده است، ای زنده همین الآن بر زمین فرود آی به اذن خداوند متعال». - . طب الائمه: ۳۶ -

**[ترجمه]

«۲»

طب، [طب الأـئمه علیهم السـلام] صَالِحُ بْنُ إِبْرَاهِیمَ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْجَهْمِ عَنِ الْمُنَخَّلِ عَنْ جَابِرِ بْنِ یَزِیـدَ الْجُعْفِیِّ: أَنَّ رَجُلًا أَتَی أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ الْبَاقِرَ علیه السـلام فَقَالَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَغِثْنِی فَقَالَ وَ مَا ذَاکَ قَالَ امْرَأَتِی قَدْ أَشْرَفَتْ عَلَی الْمَوْتِ مِنْ شِدَّهِ الطَّلْقِ قَالَ اذْهَبْ وَ اقْرَأْ عَلَیْهَا فَأَجاءَهَا الْمَخاضُ إِلی جِذْعِ النَّخْلَهِ قالَتْ یا لَیْتَنِی

ص: ۱۱۶

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۳۶.

مِتُّ قَبْلَ هـذا وَ كُنْتُ نَسْـياً مَنْسِـيًّا فَناداها مِنْ تَحْتِها أَلَّا تَحْزَنِی قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَـرِيًّا وَ هُزِّی إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَهِ تُساقِطْ عَلَيْكِ رُطَباً جَنِيًّا ثُمَّ ارْفَعْ صَوْتَکَ بِهَذِهِ الْآيَهِ وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهاتِكُمْ لا تَعْلَمُونَ شَـيْئاً وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَهَ لَعَلَّكُمْ تَشْـكُرُونَ كَذَلِکَ اخْرُجْ أَيُّهَا الطَّلْقُ اخْرُجْ بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِنَّهَا تَبْرَأُ مِنْ سَاعَتِهَا بِعَوْنِ اللَّهِ تَعَالَى (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: مردی نزد امام باقر علیه السـلام آمـد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا به فریادم رس، فرمودند: چه شده است؟ عرض کرد: همسـرم از شدّت درد زايمان رو به موت است، فرمودند: برو و این آیات را بخوان: « فَأَجاءَهَا الْمَخاضُ إِلى جِذْعِ النَّخْلَهِ قالَتْ يا لَيْتَنی مِتُّ قَبْلَ هذا وَ كُنْتُ نَسْياً مَنْسِيًّا. وَ هُزِّی إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَهِ تُساقِطْ عَلَيْكِ رُطَباً جَنِيًّا: تا درد زایمان، او را به سوی تنه درخت خرمایی کشانید. گفت: ای کاش، پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شـده بودم. و تنه درخت خرما را به طرف خود بتکان، تا بر تو خرمای تازه می ریزد.» سـپس این آیه را با صدای بلند بخوان «وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهاتِكُمْ لاتَعْلَمُونَ شَـيْئاً وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُون: و خدا شما را از شـكم مادرانتان در حالی که چیزی نمی دانستیـد بیرون آورد، و برای شـما گوش و چشم ها و دل ها قرار داد، باشد که سپاسـگزاری کنید. و اینچنین خارج شو، ای درد به اذن خداوند خارج شو» به یاری خداوند متعال به زودی راحت خواهد شد. - . طب الائمه: ۶۹ -

**[ترجمه]

«۳»

طب، [طب الأئمه عليهم السلام] عَبْدُ الْوَهَّابِ بْنُ مَهْدِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ هَمَّام عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ عليه السـلام أَنَّهُ قَـالَ: إِذَا عَسُـرَ عَلَى الْمَرْأَهِ وِلَادَتُهَـا تُكْتَبُ لَهَـا هَـذِهِ الْآيَاتُ فِی إِنَاءٍ نَظِيفٍ بِمِسْكٍ وَ زَعْفَرَانٍ ثُمَّ يُغْسَلُ بِمَاءِ الْبِئْرِ وَ يُسْـقَى مِنْهُ الْمَرْأَهُ وَ يُنْضَحُ (۲)

بَطْنُهَا وَ فَرْجُهَا فَإِنَّهَا تَلِـدُ مِنْ سَاعَتِهَا يُكْتَبُ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَها لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِـيَّهً أَوْ ضُـحاها كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ ما يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا ساعَهً مِنْ نَهارٍ بَلاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفاسِـقُونَ لَقَدْ كانَ فِی قَصَصِـهِمْ عِبْرَهٌ لِأُولِی الْأَلْبابِ ما كانَ حَدِيثاً يُفْتَرى وَ لكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِی بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِـيلَ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ هُدىً وَ رَحْمَهً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۳).

**[ترجمه]طب الائمه: امام باقر علیه السـلام فرمودند: هر گاه زاییدن زنی سخت گردد، این آیات را در ظرفی پاکیزه با مشک و زعفران نوشته شود سـپس با آب چاه شسته شود و آن زن از آن بنوشد و بر شکم و فرج او پاشیده شود که فوراً زایمان خواهد، نوشته شود «كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَها لَمْ يَلْبَثُوا إِلاَّ عَشِـيَّهً أَوْ ضُـحاها كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ ما يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلاَّ ساعَه مِنْ نَهارٍ بَلاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلاَّ الْقَوْمُ الْفاسِـقُونَ لَقَدْ كانَ فی قَصَصِـهِمْ عِبْرَهٌ لِأُولِی الْأَلْباب ما كانَ حَـدِيثاً يُفْتَرى وَ لكِنْ تَصْـدِيقَ الَّذی بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِـيلَ كُلِّ شَـیْ ءٍ وَ هُدىً وَ رَحْمَهً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ: روزی که آن را می بیننـد، گویی که آنـان جز شبی یـا روزی درنـگ نکرده انـد گویی که آنـان جز سـاعتی از روز را نمانـده انـد ابلاـغی است. پس آیا جز مردم نافرمان هلاکت خواهنـدیافت؟ به راستی در سـر گذشت آنان، برای خردمنـدان عبرتی است سـخنی نیست که به دروغ ساخته شـده باشـد، بلکه تصـدیق آنچه است که پیش از آن بوده و روشـنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمـان می آورنـد رهنمود و رحمتی است». - . طب الائمه: ۹۵ -

**[ترجمه]

«۴»

طب، [طب الأئمه عليهم السـلام] عِيسَـى بْنُ دَاوُدَ عَنْ مُوسَـى بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ حَدَّثَنَا الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ عَنْ أَبِی الظَّبْيَانِ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: تَكْتُبُ هَـذِهِ الْآيَاتِ فِی قِرْطَاسٍ الْحَامِلُ إِذَا دَخَلَتْ فِی شَـهْرِهَا الَّتِی تَلِدُ فِيهِ فَإِنَّهُ لَا يُصِـيبُهَا طَلْقٌ وَ لَا عُسْرُ وِلَادَهٍ وَ لْيُلَفَّ عَلَى الْقِرْطَاسِ سَـحَاهٌ(۴) لَفّاً

خَفِيفاً وَ لَا يَرْبِطْهَا وَ لْيَكْتُبْ أَ وَ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ كانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ كُلَّ شَيْ ءٍ حَيٍّ أَ فَلا يُؤْمِنُونَ وَ آيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهارَ فَإِذا هُمْ مُظْلِمُونَ وَ الشَّمْسُ تَجْرِى

ص: ۱۱۷

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۶۹.

۲- ۲. النضح: الرش بالماء.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۹۵.

۴- ۴. السحاء: نبت شائک یرعاه النحل فیطیب عسله علیه و سحاء القرطاس: ما سحی منه، أی أخذ.

لِمُسْتَقَرٍّ لَها ذلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ وَ الْقَمَرَ قَدَّرْناهُ مَنازِلَ حَتَّى عادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَها أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَ لَا اللَّيْلُ سابِقُ النَّهارِ وَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ وَ آيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ وَ خَلَقْنا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ ما يَرْكَبُونَ وَ إِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلا صَرِيخَ لَهُمْ وَ لا هُمْ يُنْقَذُونَ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَ مَتاعاً إِلى حِينٍ وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذا هُمْ مِنَ الْأَجْداثِ إِلى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ وَ تُكْتَبُ عَلَى ظَهْرِ الْقِرْطَاسِ هَذِهِ الْآيَاتُ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ ما يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا ساعَةً مِنْ نَهارٍ بَلاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفاسِقُونَ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَها لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحاها وَ يُعَلَّقُ الْقِرْطَاسُ فِي وَسَطِهَا فَحِينَ يَقَعُ وَلَدُهَا يُقْطَعُ عَنْهَا وَ لَا يُتْرَكُ عَلَيْهَا سَاعَةً وَاحِدَةً(۱).

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه زن آبستن پا به ماهی گذاشت که زمان زاییدن اوست، این آیات در کاغذی نوشته شود تا به درد و سختی زایمان دچار نشود و گیاه سحاه - . سحاء: گیاهی خاردار که شتر از آن می چرد و سحاء کاغذ، آن چیزی است که از آن گرفته شود. - را کمی بر کاغذ بپیچانند و آن را نبندد و بنویسد ««أَ وَ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ كانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ كُلَّ شَيْ ءٍ حَيٍّ أَفَلا يُؤْمِنُون: و آيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهارَ فَإِذا هُمْ مُظْلِمُونَ وَ الشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَها ذلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ وَ الْقَمَرَ قَدَّرْناهُ مَنازِلَ حَتَّى عادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ لاَ الشَّمْسُ يَنْبَغِی لَها أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَ لاَ اللَّيْلُ سابِقُ النَّهارِ وَ كُلٌّ فی فَلَكٍ يَسْبَحُونَ وَ آيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنا ذُرِّيَّتَهُمْ فِی الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ وَ خَلَقْنا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ ما يَرْكَبُون وَ إِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلا صَرِيخَ لَهُمْ وَ لاهُمْ يُنْقَذُونَ إِلاَّ رَحْمَةً مِنَّا وَ مَتاعاً إِلى حِينٍ وَ نُفِخَ فِی الصُّورِ فَإِذا هُمْ مِنَ الْأَجْداثِ إِلى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ: آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند،و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا ایمان نمی آورند و نشانه ای برای آنها شب است که روز را از آن بر می کنیم و بناگاه آنان در تاریکی فرو می روند و خورشید به قرارگاه ویژه خود روان است. تقدیر آن عزیز دانا این است و برای ماه منزلهایی معین کرده ایم، تا چون شاخکِ خشکِ خوشه خرما برگردد نه خورشید را سِزَد که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی جوید، و هر کدام در سپهری شناورند و نشانه ای برای آنان اینکه: ما نیاکانشان را در کشتیِ انباشته، سوار کردیم و مانند آن برای ایشان مرکوب ها خلق کردیم و اگر بخواهیم غرقشان می کنیم و هیچ فریاد رسی نمی یابند و رویِ نجات نمی بینند مگر رحمتی از جانب ما و تا چندی برخوردار سازیم و در صور دمیده خواهد شد، پس بناگاه از گورهای خود شتابان به سویِ پروردگار خویش می آیند».

و بر پشت کاغذ این آیات نوشته شود: « كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ ما يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلاَّ ساعَه مِنْ نَهارٍ بَلاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلاَّ الْقَوْمُ الْفاسِقُونَ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَها لَمْ يَلْبَثُوا إِلاَّ عَشِيَّةً أَوْ ضُحاها: گویی که آنان جز ساعتی از روز را نمانده اند ابلاغی است. پس آیا جز مردم نافرمان هلاکت خواهندیافت؟ روزی که آن را می بینند، گویی که آنان جز شبی یا روزی درنگ نکرده اند » و این کاغذ در میانه او آویزان گردد و زمانی که فرزند خود را به دنیا آورد از او جدا گردد و حتی یک لحظه بر او قرار داده نشود. - . طب الائمه: ۹۵ -

**[ترجمه]

«۵»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] سَعْدُ بْنُ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ الزَّاهِرِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام وَ كَانَ مُؤْمِناً مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يُوَالِي آلَ مُحَمَّدٍ فَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ جَارِيَتِي قَدْ دَخَلَتْ فِي شَهْرِهَا وَ لَيْسَ لِي وَلَدٌ فَادْعُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي ابْناً فَقَالَ اللَّهُمَّ ارْزُقْهُ ابْناً ذَكَراً سَوِيّاً ثُمَّ قَالَ إِذَا دَخَلَتْ فِي شَهْرِهَا فَاكْتُبْ لَهَا إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَ عَوِّذْهَا بِهَذِهِ الْعُوذَةِ وَ مَا فِي بَطْنِهَا بِمِسْكٍ وَ زَعْفَرَانٍ وَ اغْسِلْهَا وَ اسْقِهَا مَاءَهَا وَ انْضِحْ فَرْجَهَا وَ الْعُوذَةُ هَذِهِ أُعِيذُ مَوْلُودِي بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ وَ أَنَّا لَمَسْنَا السَّماءَ فَوَجَدْناها مُلِئَتْ حَرَساً شَدِيداً وَ شُهُباً وَ أَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْها مَقاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهاباً رَصَداً ثُمَّ يَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ أَنَا وَ أَنْتَ وَ الْبَيْتُ وَ مَنْ فِيهِ وَ الدَّارُ وَ مَنْ فِيهَا نَحْنُ كُلُّنَا فِي حِرْزِ اللَّهِ وَ عِصْمَةِ اللَّهِ وَ جِيرَانِ اللَّهِ وَ جِوَارِ اللَّهِ آمِنِينَ مَحْفُوظِينَ ثُمَّ تَقْرَأُ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ تَبْدَأُ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ قَبْلَهُمَا ثُمَّ سُورَةَ الْإِخْلَاصِ ثُمَّ تَقْرَأُ أَ فَحَسِبْتُمْ أَنَّما خَلَقْناكُمْ عَبَثاً وَ أَنَّكُمْ إِلَيْنا لا تُرْجَعُونَ فَتَعالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ وَ مَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۹۵.

لا بُرْهانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّما حِسابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لا يُفْلِحُ الْكافِرُونَ وَ قُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ إِلَى آخِرِ السُّورَهِ(۱) ثُمَّ تَقُولُ مَدْحُورٌ مَنْ يُشَاقُّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ يَا بَيْتُ وَ مَنْ فِيكَ بِالْأَسْمَاءِ السَّبْعَهِ وَ الْأَمْلَاكِ السَّبْعَهِ الَّذِينَ يَخْتَلِفُون بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ مَحْجُوباً عَنْ هَذِهِ الْمَرْأَهِ وَ مَا فِي بَطْنِهَا كُلُّ عَرَضٍ وَ اخْتِلَاسٍ أَوْ لَمْسٍ أَوْ لُمْعَهٍ أَوْ طَيْفِ مَسٍّ مِنْ إِنْسٍ أَوْ جَانٍّ وَ إِنْ قَالَ عِنْدَ فَرَاغِهِ مِنْ هَذَا الْقَوْلِ وَ مِنَ الْعُوذَهِ كُلِّهَا أَعْنِي بِهَذَا الْقَوْلِ وَ هَذِهِ الْعُوذَهِ فُلَاناً وَ أَهْلَهُ وَ وَلَدَهُ وَ دَارَهُ وَ

مَنْزِلَهُ فَلْيُسَمِّ نَفْسَهُ وَ لْيُسَمِّ دَارَهُ وَ مَنْزِلَهُ وَ أَهْلَهُ وَ وَلَدَهُ وَ لْيَلْفَظْ بِهِ وَ لْيَقُلْ أَهْلَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَ وَلَدَهُ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ فَإِنَّهُ أَحْكَمُ لَهُ وَ أَجْوَدُ وَ أَنَا الضَّامِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ وَ وَلَدِهِ أَنْ لَا يُصِيبَهُمْ آفَهٌ وَ لَا خَبَلٌ وَ لَا جُنُونٌ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى (۲).

**[ترجمه]طب الائمه: مردی از بنی امیه نزد امام باقر علیه السلام آمد و او مؤمنی از آل فرعون بود که از دوستداران خاندان محمد محسوب می‌شد. پس عرض کرد: ای فرزند رسول خدا کنیز من، پا به ماه است و من فرزندی ندارم پس از خدا بخواهید، پسری به من عطا نماید، امام دعا کردند: خدایا پسری خوش اندام روزی او گردان سپس فرمودند: زمانی که وارد ماه زایمان شد، انا انزلناه را برای او بنویس—و او و آنچه در شکم دارد با این، تعویذ کن — با مشک و زعفران برای او بنویس و آن را بشوی و از آن آب او بخوران و بر فرج او بپاش و تعویذ این است:

پناه می‌دهم نوزاد خود را به نام خدا به نام خدا وَ أَنَّا لَمَسْنَا السَّماءَ فَوَجَدْناها مُلِئَتْ حَرَساً شَديداً وَ شُهُباً. وَ أَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْها مَقاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهاباً رَصَداً: و ما بر آسمان دست یافتیم و آن را پر از نگهبانان توانا و تیرهای شهاب یافتیم و در برای شنیدن، به کمین می نشستیم، اکنون هر که بخواهد به گوش باشد، تیر شهابی در کمین خود می یابد» سپس بگوید «به نام خدا، به نام خدا پناه می‌برم به خداوند شنوای دانا از شیطان رانده شده، من و تو و خانه و هر کس که در آن است و خانه و هر کس که در آن است، همه ما در پناه و حفظ خدا و همسایگان و همسایگی خدا در امان و محفوظ هستیم» سپس قل اعوذ بربّ الناس، قل اعوذ بربّ الفلق و قبل از آن، سوره فاتحه الکتاب را می‌خوانی و سپس سوره اخلاص و این آیات را تلاوت می‌کنی: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّماخَلَقْناكُمْ عَبَثاً وَ أَنَّكُمْ إِلَيْنا لاتُرْجَعُون. فَتَعالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَق لا اله الا هو ربّ العرش الکریم. وَ مَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ لا بُرْهانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّما حِسابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لايُفْلِحُ الْكافِرُونَ وَ قُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمين لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآن.....: آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانیده نمی شوید. پس بلندمرتبه است خدا، فرمانروای برحق خدایی جز او نیست و اوست پروردگار عرش کریمانه و هر کس با خدا معبود دیگری بخواند، که برای آن برهانی نخواهد داشت،حسابش فقط با پروردگارش می باشد، در حقیقت، کافران رستگار نمی شوند و بگو: پروردگارا، ببخشای و رحمت کن تو بهترین بخشایندگانی. اگر آن قرآن را فرو فرستادیم.....». - . حشر/ ۲۴ — ۲۱ -

سپس می‌گویی: «هر کس با خدا و رسول خدا سرسختی کند رانده است، تو را قسم دادم، ای خانه و هر کس که در آن است به اسم‌های هفتگانه و ملک‌های هفتگانه کسانی که میان زمین و آسمان در رفت و آمدند تا هر تعرض یا ربودن یا لمس یا درخشش یا پرتوی تماسی از جنیان و آدمیان را از این زن دور بدارید».

و اگر هنگام پایان یافتن این تعویذ یعنی «منظورم از این سخن و این تعویذ فلان و خانواده و فرزند و خانه و منزل اوست.» خود و خانه و منزل و خانواده و فرزندان را نامگذاری کند و آن را به زبان بیاورد و بگوید خانواده فلان فرزند فلان و فرزندش فلان فرزند فلان، برای او بسیار بهتر و محکم‌تر است و من جان و خانواده و فرزندان او را تضمین می‌کنم که هیچ آسیب و جنون و دیوانگی به اذن خداوند متعال به آنها نرسد. - . طب الائمه: ۹۶ -

**[ترجمه]

سر، [السرائر] الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ شِهَابٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا عَسُرَ عَلَی الْمَرْأَهِ وَلَدُهَا فَاكْتُبْ لَهَا فِی رَقٍّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم كَأَنَّهُمْ یَوْمَ یَرَوْنَ ما یُوعَدُونَ لَمْ یَلْبَثُوا إِلَّا ساعَةً مِنْ نَهارٍ كَأَنَّهُمْ یَوْمَ یَرَوْنَها لَمْ یَلْبَثُوا إِلَّا عَشِیَّةً أَوْ ضُحاها إِذْ قالَتِ امْرَأَتُ عِمْرانَ رَبِّ إِنِّی نَذَرْتُ لَكَ ما فِی بَطْنِی مُحَرَّراً ثُمَّ ارْبِطْهُ بِخَیْطٍ وَ شُدَّهُ عَلَی فَخِذِهَا الْأَیْمَنِ فَإِذَا وَضَعَتْ فَانْزَعْهُ (۳).

**[ترجمه]مستطرفات السرائر: امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که امر زاییدن زنی سخت گردد، در کاغذی برای او بنویس: «بِسْمِ اللَّه الرَّحْمنِ الرَّحِیم كَأَنَّهُمْ یَوْمَ یَرَوْنَ ما یُوعَدُونَ لَمْ یَلْبَثُوا إِلاَّ ساعَه مِنْ نَهارٍ كَأَنَّهُمْ یَوْمَ یَرَوْنَها لَمْ یَلْبَثُوا إِلاَّ عَشِیَّةً أَوْ ضُحاها إِذْ قالَتِ امْرَأَتُ عِمْرانَ رَبِّ إِنِّی نَذَرْتُ لَكَ ما فی بَطْنی مُحَرَّرا: به نام خداوند بخشایشگر مهربان گویی كه آنان جز ساعتی از روز را نمانده اند ، روزی كه آن را می بینند، گویی كه آنان جز شبی یا روزی درنگ نكرده اند ، چون زنِ عمران گفت: پروردگارا، آنچه در شكم خود دارم نذر تو كردم تا آزاد شده باشد» سپس نخی به آن متصل كند و به ران راست آن زن ببندد و بعد از به دنیا آمدن نوزاد، آن را بردارد. - ۱. مستطرفات السرائر -

**[ترجمه]

«۷»

مكا، [مكارم الأخلاق]: لِعُسْرِ الْوِلَادَهِ یُكْتَبُ وَ یُعَلَّقُ عَلَی سَاقِهَا الْیُسْرَی بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ كَأَنَّهُمْ یَوْمَ یَرَوْنَها الْآیَهَ(۴) إِذَا السَّماءُ انْشَقَّتْ وَ أَذِنَتْ لِرَبِّها وَ حُقَّتْ وَ إِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ وَ أَلْقَتْ ما فِیها وَ تَخَلَّتْ وَ لَبِثُوا فِی كَهْفِهِمْ ثَلاثَ مِائَهٍ سِنِینَ وَ ازْدَادُوا تِسْعاً اخْرُجْ بِإِذْنِ اللَّهِ مِنَ الْبَطْنِ الطَّیِّبَهِ إِلَی الْأَرْضِ الطَّیِّبَهِ مِنْها خَلَقْناكُمْ وَ فِیها نُعِیدُكُمْ وَ مِنْها نُخْرِجُكُمْ تارَهً أُخْری بِإِذْنِ اللَّهِ وَ قُدْرَتِهِ وَ اسْمِهِ الَّذِی لَا یَضُرُّ مَعَ

۱- ۱. الحشر: ۲۱- ۲۴.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۹۶.

۳- ۳. مستطرفات السرائر:

۴- ۴. النازعات: ۴۶، و قد مر نصها.

اسْمِهِ دَاءٌ فِی الْأَرْضِ وَ لَا فِی السَّمَاءِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ الْعَزِیزُ الْوَهَّابُ کَأَنَّهُمْ یَوْمَ یَرَوْنَ ما یُوعَدُونَ لَمْ یَلْبَثُوا إِلَّا ساعَهً مِنْ نَهارٍ بَلاغٌ فَهَلْ یُهْلَکُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفاسِقُونَ أَ وَ لَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ کانَتا رَتْقاً إِلَی قَوْلِهِ أَ فَلا یُؤْمِنُونَ (۱) إِنَّما أَمْرُهُ إِذا أَرادَ شَیْئاً أَنْ یَقُولَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ فَسُبْحانَ الَّذِی بِیَدِهِ مَلَکُوتُ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ وَ إِذا جاءَ نَصْرُ اللَّهِ السُّورَهَ وَ أُولاتُ الْأَحْمالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ یَضَعْنَ حَمْلَهُنَ (۲).

مِثْلُهُ: یُکْتَبُ فِی رَقٍّ وَ یُعَلَّقُ عَلَی فَخِذِهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً وَ مَرَّهً وَاحِدَهً یا أَیُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّکُمْ إِنَّ زَلْزَلَهَ السَّاعَهِ شَیْ ءٌ عَظِیمٌ إِلَی قَوْلِهِ کُلُّ ذاتِ حَمْلٍ حَمْلَها.

وَ مِثْلُهُ: یُکْتَبُ فِی جَنْبِهَا بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اخْرُجْ بِإِذْنِ اللَّهِ مِنْها خَلَقْناکُمْ وَ فِیها نُعِیدُکُمْ وَ مِنْها نُخْرِجُکُمْ تارَهً أُخْری وَ یُصَلِّی عَلَی النَّبِیِّ وَ آلِهِ.

وَ مِثْلُهُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً یُرِیدُ اللَّهُ بِکُمُ الْیُسْرَ وَ لا یُرِیدُ بِکُمُ الْعُسْرَ یُهَیِّئْ لَکُمْ مِنْ أَمْرِکُمْ مِرْفَقاً وَ یُهَیِّئْ لَکُمْ مِنْ أَمْرِکُمْ رَشَداً وَ عَلَی اللَّهِ قَصْدُ السَّبِیلِ وَ مِنْها جائِرٌ(۳) أَ وَ لَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ کانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما الْآیَهَ.

وَ رُوِیَ: یُکْتَبُ لَهَا إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ وَ یُسْقَی مَاؤُهَا وَ یُنْضَحُ عَلَی فَرْجِهَا.

وَ رُوِیَ: أَنَّهُ یُقْرَأُ عِنْدَهَا إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ(۴).

وَ مِثْلُهُ: یُکْتَبُ عَلَی قِرْطَاسٍ أَ وَ لَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ کانَتا رَتْقاً إِلَی قَوْلِهِ أَ فَلا یُؤْمِنُونَ وَ آیَهٌ لَهُمُ اللَّیْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهارَ فَإِذا هُمْ مُظْلِمُونَ وَ نُفِخَ فِی الصُّورِ فَإِذا هُمْ مِنَ الْأَجْداثِ إِلی رَبِّهِمْ یَنْسِلُونَ کَأَنَّهُمْ یَوْمَ یَرَوْنَ ما یُوعَدُونَ لَمْ یَلْبَثُوا إِلَّا ساعَهً مِنْ نَهارٍ وَ یُعَلَّقُ عَلَی وَسَطِهَا فَإِذَا وَضَعَتْ یُقْطَعُ وَ لَا یُتْرَکُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

ص: ۱۲۰

۱- ۱. الأنبیاء: ۳۱.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۳۷.

۳- ۳. زاد فی المصدر بعده« ثُمَّ السَّبِیلَ یَسَّرَهُ» أَ وَ لَمْ یَرَ الَّذِینَ الآیه.

۴- ۴. مکارم الأخلاق ص ۴۳۸، و فی نسخه الکمبانیّ تقدیم و تأخیر، راجعه.

دُعَاءٌ لِعُسْرِ الْوِلَادَهِ مَنْ عَسُرَتْ عَلَيْهَا الْوِلَادَهُ يُقْرَأُ هَذِهِ الْأَدْعِيَهُ فِی كُوزٍ مَلِیءٍ مَاءً ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ تَشْرَبُ الْمَرْأَهُ وَ يُصَبُّ بَيْنَ كَتِفَيْهَا وَ ثَدْيَيْهَا فَتَضَعُ الْوَلَدَ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَها لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحاها كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ ما يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا ساعَةً مِنْ نَهارٍ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ (۱).

لِعُسْرِ الْوِلَادَهِ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: يُكْتَبُ لِلْمَرْأَهِ إِذَا عَسُرَ عَلَيْهَا وِلَادَتُهَا فِی رَقٍّ أَوْ قِرْطَاسٍ اللَّهُمَّ فَارِجَ الْهَمِّ وَ كَاشِفَ الْغَمِّ وَ رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ رَحِيمَهُمَا ارْحَم فُلَانَهَ بِنْتَ فُلَانَهَ رَحْمَهً تُغْنِيهَا بِهَا عَنْ رَحْمَهِ جَمِيعِ خَلْقِكَ تُفَرِّجُ بِهَا كُرْبَتَهَا وَ تَكْشِفُ بِهَا غَمَّهَا وَ تُيَسِّرُ وِلَادَتَهَا وَ قُضِیَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ وَ قِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ (۲).

وَ مِثْلُهُ: مَنْ عَسُرَتْ عَلَيْهَا الْوِلَادَهُ مِنْ إِنْسَانٍ أَوْ دَابَّهٍ يُقْرَأُ عَلَيْهَا يَا خَالِقَ النَّفْسِ مِنَ النَّفْسِ وَ مُخْلِصَ النَّفْسِ مِنَ النَّفْسِ أَخْلِصْهُ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ (۳).

وَ مِثْلُهُ: يُكْتَبُ عَلَى خِرْقَتَيْنِ لَا يَمَسُّهُمَا مَاءٌ وَ تُوضَعُ تَحْتَ رِجْلَيْهَا فَإِنَّهَا تَلِدُ فِی مَكَانِهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى (۴).

وَ فِی رِوَايَهٍ: يَكْتُبُ هَذَا الشَّكْلَ وَ يُعَلِّقُهَا عَلَى فَخِذِهَا الْأَيْمَنِ وَ يَكْتُبُ عَلَى كَاغَذٍ وَ يَشُدُّ عَلَى فَخِذِهَا الْأَيْسَرِ مِنْها خَلَقْناكُمْ وَ فِيها نُعِيدُكُمْ وَ مِنْها نُخْرِجُكُمْ تارَةً أُخْرى يَا خَالِقَ النَّفْسِ مِنَ النَّفْسِ وَ مُخْلِصَ النَّفْسِ مِنَ النَّفْسِ فَرِّجْ عَنَّا فَأَلْقَتْهُ سَوِيّاً بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ (۵).

ص: ۱۲۱

۱- ۱. مكارم الأخلاق ص ۴۵۲.

۲- ۲. مكارم الأخلاق ص ۴۷۰.

۳- ۳. مكارم الأخلاق ص ۴۷۰.

۴- ۴. في المصدر:« فانها تلقيه سويا باذن اللّه عزّ و جلّ».

۵- ۵. مكارم الأخلاق ص ۴۷۱.

وَ مِثْلُهُ: يُكْتَبُ هَـٰذِهِ الصُّورَهُ عَلَى ظَهْرِ قَفِيزٍ وَ جَلَسَتْ فَوْقَهُ الْمَرْأَهُ الَّتِی تُطْلَقُ وَلَدَتْ بِسُرْعَهٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ مِنْ حَقِّ كِتَابَتِهَا أَنْ يُبْدَأَ بِالاثْنَيْنِ مِنَ السَّطْرِ الْفَوْقَانِيِّ ثُمَّ بِثَلَاثَهٍ ثُمَّ بِأَرْبَعَهٍ ثُمَّ بِثَلَاثَهٍ ثُمَّ بِالاثْنَيْنِ ثُمَّ بِأَرْبَعَهٍ لِيَتِمَّ خَاصِيَّتُهُ (۱).

**[ترجمه]مكارم الاخلاق: برای رفع سخت زاييدن: اين آيات نوشته شود و بر ساق پای چپ او آويزان گردد «بسم الله بالله محمد رسول الله كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَها - ۲. نازعات/ ۴۶ - ...إِذَا

السَّماءُ انْشَقَّتْ وَ أَذِنَتْ لِرَبِّها وَ حُقَّتْ وَ أَلْقَتْ ما فيها وَ تَخَلَّت لَبِثُوا فی كَهْفِهِمْ ثَلاثَمِائَهٍ سِنينَ وَ ازْدَادُوا تِسْعاً و مِنْها خَلَقْناكُمْ وَ فيها نُعيدُكُمْ وَ مِنْها نُخْرِجُكُم تارَهًأُخرى كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ ما يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلاَّ ساعَه مِنْ نَهارٍ بَلاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلاَّ الْقَوْمُ الْفاسِقُونَ أَ وَ لَمْ يَرَ الَّذينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّماوات وِ الْأَرْضَ كانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ كُلَّ شَيْ ءٍ حَيٍّ أَفَلايُؤْمِنُون إِنَّما أَمْرُهُ إِذا أَرادَ شَيْئاً أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ إِذا جاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ أُولاتُ الْأَحْمالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنّ : به نام خدا و با استعانت از خدا، محمد رسول خداست گويی روزی كه آن را می بينند آنگاه كه آسمان از هم بشكافد، و پروردگارش را فرمان بَرَد و سزد و آنچه را كه در آن است بيرون افكند و تُهی شود و سيصد سال در غارشان درنگ كردند و نُه سال افزودند. به اذن خدا از شكمی پاک به زمينی پاک خارج شو از اين شما را آفريده ايم، در آن شما را بازمی گردانيم و بار ديگر شما را از آن بيرون می آوريم، به اذن خدا و قدرت او و نام او كه با وجود آن هيچ دردی در آسمان و زمين آسيب نمی‌رساند و اوست شنوای دانا و شكست‌ناپذير بخشنده. گويی كه آنان جز ساعتی از روز را نمانده اند ابلاغی است. پس آيا جز مردم نافرمان هلاكت خواهندیافت؟ آيا كسانی كه كفر ورزيدند ندانستند كه آسمانها و زمين هر دو به هم پيوسته بودند، و ما آن دو را از هم جدا ساختيم، و هر چيز زنده ای را از آب پديد آورديم؟ آيا ايمان نمی آورند. چون به چيزی اراده فرمايد، كارش اين بس كه می گويد: باش. پس موجود می شود چون يارِی خدا و پيروزی فرا رَسَد و زنان آبستن مدّتشان اين است كه وضع حمل كنند». - . مكارم الاخلاق: ۴۳۷ -

مثل اين حديث: اين آيات بر پوستی نوشته شود و بر ران او آويزان گردد هفت بار «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً: به راستی كه همراه با هر سختی آسانی است، به راستی كه با هر سختی آسانی هست» و يک بار «يا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَهَ السَّاعَهِ شَيْ ءٌ عَظيمٌ:ای مردم، از پروردگار خود پرواكنيد، چرا كه زلزله رستاخيز امری هولناک است» تا «كُلُّ ذاتِ حَمْلٍ حَمْلَها: و هر آبستنی بار خود را فرو می نهد».

و مثل اين دعا: بر پهلوی او نوشته شود: «به نام خدا و با استعانت از خدا، به اذن خدا خارج شو از آن شما را آفريد» و به آن بازمی‌گردانيم و يک بار ديگر از آن شما را خارج می‌كنيم» و بر پيامبر و خاندان وی درود فرستد.

و مثل آن: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيم إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً يُريدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لايُريدُ بِكُمُ الْعُسْر وَ يُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرفَقاً يُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ رشداً وَ عَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبيلِ[وَ مِنْها جائِرٌ]: به نام خداوند بخشنده مهربان به راستی كه با هر سختی آسانی است به راستی كه با هر سختی آسانی است خدا برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد، برای شما در كارتان گشايشی فراهم سازد برای شما در كارتان گشايشی فراهم سازد. و نمودن راه راست بر عهده خداست،[و برخی از آن كژ است].

«أَ وَ لَمْ يَرَ الَّذينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّماوات وِ الْأَرْضَ كانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ كُلَّ شَيْ ءٍ حَيٍّ أَفَلا يُؤْمِنُون: آيا كسانی كه كفر ورزيدند ندانستند كه آسمانها و زمين هر دو به هم پيوسته بودند،و ما آن دو را از هم جدا ساختيم، و هر چيز زنده ای را از آب پديد آورديم؟ آيا ايمان نمی آورند.

و روايت است: سوره انا انزلناه فی ليله القدر برای او نوشته شود، و از آب آن نوشانده شود و بر فرج او بپاشد. و روايت است: سوره انا انزلناه فی ليله القدر در نزد او خوانده شود. - . مكارم الاخلاق: ۴۳۸، در نسخه‌ی كمپانی اين حديث به اين ترتيب نيست، به آن مراجعه كن. -

و مثل آن: بر كاغذی نوشته شود « أَ وَ لَمْ يَرَ الَّذينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّماوات وِ الْأَرْضَ كانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ كُلَّ شَيْ ءٍ حَيٍّ أَفَلا يُؤْمِنُون و آيَهٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهارَ فَإِذا هُمْ مُظْلِمُونَ وَ نُفِخَ فِی الصُّورِ فَإِذا هُمْ مِنَ الْأَجْداثِ إِلی رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ ما يُوعَدُونَ لَمْ

يَلْبَثُوا إِلاَّ ساعَه مِنْ نَهارٍ: آيا کسانی که کفر ورزيدند ندانستند که آسمانها و زمين هر دو به هم پيوسته بودند،و ما آن دو را از هم جدا ساختيم، و هر چيز زنده ای را از آب پديد آورديم؟ آيا ايمان نمی آورند.

و نشانه ای برای آنها شب است که روز را از آن بر می کنيم و بناگاه آنان در تاريکی فرو می روند و در صور دميده خواهد شد، پس بناگاه از گورهای خود شتابان به سویِ پروردگار خويش می آيند گويی که آنان جز ساعتی از روز را نمانده اند.» و بر ميانه او آويزان گردد و هرگاه فرزندش به دنيا آمد، باز گردد و از او جدا شود انشاء الله.

دعای برای رفع سخت زاييدن: برای کسی که به دنيا آوردن نوزاد بر او سخت آيد، بر کوزه‌ای پر از آب اين دعاها را سه بار بخواند و زن آن را بنوشد و ميان شانه‌ها و پستان‌هايش بريزد که به اذن خدا نوزاد خود را به دنيا می‌آورد «به نام خدايی که به جز او که بردبار و بزرگوار است خدايی وجود ندارد پاک و منزه است خدا که پروردگار آسمان‌ها و عرش باعظمت است، سپاس از آن خدايی است که پروردگار جهانيان است. كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَها لَمْ يَلْبَثُوا إِلاَّ عَشِيَّهً أَوْ ضُحاها كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ ما يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلاَّ ساعَه مِنْ نَهارٍ: روزی که آن را می بينند، گويی که آنان جز شبی يا روزی درنگ نکرده اند گويی که آنان جز ساعتی از روز را نمانده اند [و درود خدا بر محمد و خاندانش]. - . مکارم الاخلاق: ۴۵۲ -

دعای جهت رفع سخت زاييدن: امام صادق عليه السلام فرمودند: برای زنی که زايمانش سخت گرديده است بر کاغذی نوشته می‌شود: «خدايا ای گشاينده مشکلات و ای برطرف‌کننده غم‌ها و ای بخشاينده دنيا و آخرت و مهربان در اين دو سرای بر فلانه دختر فلانه چنان رحم کن که او را از رحمت ديگران بی‌نياز سازی و مشکلش را برطرف کنی و غم او را بزدايی و زايمانش را آسان گردانی و ميان آنها به حق حکم کرد و آنها مورد ظلم قرار نمی‌گيرند و گفته شد سپاس مخصوص خدايی که پروردگار جهانيان است. - . مکارم الاخلاق: ۴۷۰ -

مثل اين دعا: اين دعا بر انسان يا حيوانی که زايمانش سخت گردد، خوانده شود: «ای آفريننده نفس از نفس و رهاکننده نفس از نفس به نيرو و قدرت خود او را رها ساز». - . مکارم الاخلاق: ۴۷۰ -

و مثل اين دعا: بر دو خرقه که آب به آنها نرسيده باشد آن دعا را نوشته و زير پاهای او قرار می‌دهی که به سرعت وضع حمل می‌کند، انشاء الله تعالی. - . در منبع آمده: نوزاد را به خوبی به دنيا می‌آورد به اذن خدای عزّ و جلّ. -

روايت است که اين شکل رسم شود و بر ران راست زن آويزان گردد و بر کاغذی کشيده شود و به ران چپ او بسته شود «مِنْها خَلَقْناكُمْ وَ فيها نُعيدُكُمْ وَ مِنْها نُخْرِجُكُمْ تارَهً أُخْرى: از اين شما را آفريده ايم، در آن شما را باز می گردانيم و بار ديگر شما را از آن بيرون می آوريم ای آفريننده جان از جان، ای رها سازنده جان از جان بر ما گشايش حاصل کن.» که با اذن خداوند عزّ و جلّ نوزاد خود را به خوبی به دنيا خواهد آورد. - . مکارم الاخلاق: ۴۷۱ -

و مثل اين دعا: اين تصوير بر پشت کشيده می‌شود و زنی که در حال زاييدن است، بر روی آن بنشيند که به سرعت فارغ شود انشاء الله و نوشتن آن بايد اينگونه باشد که با دو از سطر اول شروع شود و سپس سه، سپس چهار، سپس سه سپس دو، سپس چهار، تا خاصيت خود را داشته باشد. - . مکارم الاخلاق: ۴۷۱ -

**[ترجمه]

باب ۹۵ دعاء الآبق و الضاله و الدابه النافره و المستصعبه

الأخبار

«۱»

سن، [المحاسن] مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ عُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ الْفَرَّاءِ عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: تَدْعُو لِلضَّالَّةِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِلَهُ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ إِلَهُ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَ عَدْلٌ فِيهِمَا وَ أَنْتَ الْهَادِي مِنَ الضَّالَّةِ وَ تَرُدُّ الضَّالَّةَ رُدَّ عَلَيَّ ضَالَّتِي فَإِنَّهَا مِنْ رِزْقِكَ وَ عَطِيَّتِكَ اللَّهُمَّ لَا تَفْتِنْ بِهَا مُؤْمِناً وَ لَا تُغْنِ بِهَا كَافِراً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ (۲).

**[ترجمه]المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمودند: برای چیزی که گم شده این دعا را می‌خوانی: «معبودا تو خدای آسمانیان و زمینیان هستی و در این دو به دادگری مشغولی، و تویی که گم گشته را راه می‌نمایی و او را بازمی‌گردانی، پس گم شده‌ام را بازگردان، زیرا آن از عطا و بخشش توست، خدایا نه مؤمنی را به واسطه آن مبتلا کن و نه کافری را به آن بی‌نیاز گردان. خدایا بر محمد بنده و فرستاده خود و خاندانش درود فرست. - . المحاسن: ۳۶۳ -

**[ترجمه]

«۲»

سن، [المحاسن] مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فَضَلَّ بَعِيرِي فَقَالَ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ قُلْ كَمَا أَقُولُ اللَّهُمَّ رَادَّ الضَّالَّةِ هَادِياً مِنَ الضَّلَالَةِ رُدَّ عَلَيَّ ضَالَّتِي فَإِنَّهَا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ عَطَائِهِ قَالَ ثُمَّ إِنَّ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام أَمَرَ غُلَامَهُ فَشَدَّ عَلَى بَعِيرٍ مِنْ إِبِلِهِ فَحَمَلَهُ ثُمَّ قَالَ يَا بَا عُبَيْدَةَ تَعَالَ فَارْكَبْ فَرَكِبْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فَلَمَّا سِرْنَا إِذَا سَوَادٌ عَلَى الطَّرِيقِ فَقَالَ يَا بَا عُبَيْدَةَ هَذَا بَعِيرُكَ فَإِذَا هُوَ بَعِيرِي (۳).

**[ترجمه]المحاسن: ابی عبیده الحزّا نقل کرد، با امام باقر علیه السلام بود که شترم گم شد. امام فرمودند: دو رکعت نماز بگزار سپس بگو آنچه من می‌گویم: خدایا ای بازگرداننده گم‌شده در حالی که او را از گمراهی به راه هدایت می‌کنی، گم شده‌ام را بازگردان و آن از فضل خدا و بخشش اوست. و نقل کرد: سپس امام باقر علیه السلام به غلام خویش امر نمودند تا شتری از شترانش را بگیرد پس بر آن سوار گشتند و سپس فرمودند: ای ابا عبیده، بیا سوار شو، من نیز همراه ایشان سوار شدم و هنگامی که به راه افتادیم، سیاهی در راه دیدیم، امام فرمودند: ای ابا عبیده آن شتر توست، و دیدم که شتر من است. - . المحاسن: ۳۶۳ -

**[ترجمه]

«۳»

سن، [المحاسن] مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الثُّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَنْ نَفَرَتْ لَهُ دَابَّةٌ فَقَالَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ يَا عِبَادَ اللَّهِ الصَّالِحِينَ أَمْسِكُوا عَلَيَّ رَحِمَكُمُ اللَّهُ بأن فی ع و ح و ماه (۴) ی ح ح قَالَ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ

۱- ۱. مكارم الأخلاق ص ۴۷۱.

۲- ۲. المحاسن ص ۳۶۳.

۳- ۳. المحاسن ص ۳۶۳.

۴- ۴. یاه خ ل، كما فی المصدر.

عليه السلام إِنَّ الْبَرَّ مُوَکَّلٌ بِهِ م (۱) فی حرج وَ الْبَحْرُ مُوَکَّلٌ بِهِ ه ح ح قَالَ عُمَرُ فَقُلْتُ أَنَا ذَلِکَ فِی بِغَالٍ ضَلَّتْ فَجَمَعَهَا اللَّهُ لِی (۲).

**[ترجمه]المحاسن: امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کس حیوانش را گم کند این کلمات را بگوید: « ای بندگان صالح خدا مرا بگیرید (بر من چنگ زنید) خداوند شما را رحمت کند، بان فی ع و ح و ماه ی ح ح سپس امام باقر علیه السلام فرمودند: خشکی به او سپرده شده است «م فی حرج» و دریا به او سپرده شده است «ه ح ح» عمر نقل کرد: من این کلمات را برای قاطرهایی که گم شده بود خواندم، پس خداوند آنها را برایم جمع کرد. -. المحاسن: ۳۶۳ -

**[ترجمه]

«۴»

مکا، [مکارم الأخلاق] رُوِیَ عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: إِذَا ذَهَبَ لَکَ ضَالَّهٌ أَوْ مَتَاعٌ فَقُلْ وَ عِنْدَهُ مَفاتِحُ الْغَیْبِ إِلَی قَوْلِهِ فِی کِتابٍ مُبِینٍ ثُمَّ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنَّکَ تَهْدِی مِنَ الضَّالَّهِ وَ تُنَجِّی مِنَ الْعَمَی وَ تَرُدُّ الضَّالَّهَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اغْفِرْ لِی وَ رُدَّ ضَالَّتِی وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلِّمْ (۳).

صَلَاهٌ لِرَدِّ الضَّالَّهِ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: تُصَلِّی رَکْعَتَیْنِ تَقْرَأُ فِیهِمَا یس وَ تَقُولُ بَعْدَ فَرَاغِکَ مِنْهُمَا رَافِعاً یَدَکَ إِلَی السَّمَاءِ اللَّهُمَّ رَادَّ الضَّالَّهِ وَ الْهَادِیَ مِنَ الضَّلَالَهِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ احْفَظْ عَلَیَّ ضَالَّتِی وَ ارْدُدْهَا إِلَیَّ سَالِمَهً یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ فَإِنَّهَا مِنْ فَضْلِکَ وَ عَطَائِکَ یَا عِبَادَ اللَّهِ فِی الْأَرْضِ وَ یَا سَیَّارَهَ اللَّهِ فِی الْأَرْضِ رُدُّوا عَلَیَّ ضَالَّتِی فَإِنَّهَا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ عَطَائِهِ (۴).

وَ مِثْلُهُ أَیْضاً عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: اللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَکَ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَا بَیْنَهُمَا فَاجْعَلِ الْأَرْضَ عَلَی کَذَا أَضْیَقَ مِنْ جِلْدِ جَمَلٍ حَتَّی تُمْکِنَنِی مِنْهُ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ(۵).

وَ فِی رِوَایَهٍ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: ادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ لِلْآبِقِ وَ اکْتُبْهُ فِی وَرَقَهٍ اللَّهُمَّ إِنَّ السَّمَاءَ لَکَ وَ الْأَرْضَ لَکَ وَ مَا بَیْنَهُمَا لَکَ فَاجْعَلْ مَا بَیْنَهُمَا أَضْیَقَ عَلَی فُلَانٍ مِنْ جِلْدِ جَمَلٍ حَتَّی تَرُدَّهُ عَلَیَّ وَ تُظْفِرَنِی بِهِ وَ لْیَکُنْ حَوْلَ الْکِتَابِ آیَهُ الْکُرْسِیِّ مَکْتُوبَهً مُدَوَّرَهً ثُمَّ ادْفِنْهُ وَ ضَعْ فَوْقَهُ شَیْئاً ثَقِیلًا فِی مَوْضِعِهِ الَّذِی کَانَ یَأْوِی إِلَیْهِ فِیهِ بِاللَّیْلِ (۶).

۱- ۱. لا یوجد فی المصدر لفظ« م».

۲- ۲. المحاسن ص ۳۶۳.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۴۴، و الآیه فی سوره الأنعام: ۵۹.

۴- ۴. مکارم الأخلاق ص ۴۵۷.

۵- ۵. مکارم الأخلاق ص ۴۵۷.

۶- ۶. مکارم الأخلاق ص ۴۵۸.

أَيْضاً لِلْآبِقِ: يُكْتَبُ أَوْ يُقْرَأُ اللَّهُمَّ أَنْتَ جَبَّارٌ فِي السَّمَاءِ وَ جَبَّارٌ فِي الْأَرْضِ وَ مَلِكٌ فِي السَّمَاءِ وَ مَلِكٌ فِي الْأَرْضِ وَ إِلَهٌ فِي السَّمَاءِ وَ إِلَهٌ فِي الْأَرْضِ تَرُدُّ الضَّالَّةَ وَ تَهْدِي مِنَ الضَّلَالَةِ رُدَّ عَلَى فُلَانٍ ضَالَّتَهُ وَ احْفَظْهُ (۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امام رضا علیه السلام فرمودند: هرگاه چیزی یا کالایی را گم کردی، بخوان: «وَ عِنْدَهُ مَفاتِحُ الْغَيْبِ لايَعْلَمُها إِلاَّ هُوَ وَ يَعْلَمُ ما فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ ما تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلاَّ يَعْلَمُها وَ لا حَبَّةٍ فِى ظُلُماتِ الْأَرْضِ وَ لا رَطْبٍ وَ لا يابِسٍ إِلاَّ فى كِتابٍ مُبِينٍ: و کلیدهای غیب، تنها نزد اوست. جز او آن را نمی داند، و آنچه در خشکی و دریاست می داند، و هیچ برگی فرو نمی افتد مگر آن را می داند، و هیچ دانه ای در تاریکی های زمین، و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن است» سپس می گویی: «خدایا به راستی تویی که در برابر گمراهی راه می‌نمایی و از کوری نجات می‌دهی و گم گشته را باز می‌گردانی بر محمد و خاندان محمد درود فرست، مرا بیامرز و گم‌گشته‌ام را بازگردان و بر محمد و آل درود و سلام بفرست» - . مکارم الاخلاق: ۴۴۴ و آیه سوره انعام: ۵۹ -

نماز به جهت بازگشت گمشده: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: دو رکعت نماز می گذاری و سوره یس را در رکعات آن قرائت می کنی و بعد از فراغت از نماز دستانت را به سوی آسمان بلند می کنی و می گویی: «خدایا ای بازگرداننده گم شده و ای کسی که در برابر گمراهی راه می‌نمایی بر محمد و خاندان او درود فرست و گمشده‌ام را محفوظ بدار و آن را سالم به من بازگردان. ای مهربان‌ترین مهربانان، زیرا آن از فضل و بخشش توست ای بندگان خدا در زمین وای رونده خدا در زمین، گمگشته‌ام را به من بازگردانید؛ زیرا آن از فضل و بخشش خداست». - . مکارم الاخلاق: ۴۵۷ -

و مثل آن از امیر مؤمنان علیه السلام «معبودا، خدایی جز تو نیست، آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست از توست زمین را بر فلان تنگ‌تر از پوست شتر گردان تا به آن دست یابم به راستی که تو بر هر چیز توانایی». - . مکارم الاخلاق: ۴۵۷ -

روایت است امام صادق علیه السلام فرمودند: برای گریخته، این دعا را بخوان و آن را در کاغذی بنویس «خدایا آسمان از آن توست، و زمین برای توست و آنچه میان آنهاست از توست، پس میان آن دو را بر فلانی تنگ‌تر از پوست شتر قرار ده تا آن را به من بازگردانی و مرا به آن کامیاب سازی»و باید اطراف این نوشته، آیه الکرسی را به صورت دایره بنویسی، سپس آن را به خاک بسپار و روی آن چیز سنگینی بگذارد در جایی که شب به آنجا بازگردد. - . مکارم الاخلاق: ۴۵۸ -

و نیز برای گریخته: نوشته و یا خوانده شود: معبودا تو قاهر آسمان و زمینی، و پادشاه آسمان و زمینی و خدای آسمان و زمینی، گم شده را بازمی گردانی و از گمراهی به راه می کشانی، گم‌شده فلانی را به او بازگردان و آن را حفظ کن. - . مکارم الاخلاق: ۴۵۸ -

**[ترجمه]

«۵»

طا، [الأمان] مِنْ كِتَابِ مُنْيَةِ الدَّاعِي بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: يَا عَلِيُّ مَنِ اسْتَصْعَبَتْ عَلَيْهِ دَابَّتُهُ فَلْيَقْرَأْ فِي أُذُنِهِ الْيُسْرَى وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ.

**[ترجمه]صراط المستقیم: به نقل از کتاب منیه الداعی، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای علی هر کس حیوانش رم کند، در گوش چپ او بخواند «وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُون: هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است، و به سوی او بازگردانیده می شوند» .

**[ترجمه]

باب ۹۶ الدعاء لدفع السحر و العين

الآيات

يوسف: وَ قالَ يا بَنِيَّ لا تَدْخُلُوا مِنْ بابٍ واحِدٍ وَ ادْخُلُوا مِنْ أَبْوابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَ ما أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْ ءٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ عَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ وَ لَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ ما كانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْ ءٍ إِلَّا حاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضاها وَ إِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِما عَلَّمْناهُ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يَعْلَمُونَ (۲).

lt;meta info="- «وَ قالَ يا بَنِيَّ لا تَدْخُلُوا مِنْ بابٍ واحِدٍ وَ ادْخُلُوا مِنْ أَبْوابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَ ما أُغْنى عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْ ءٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلاَّ لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ عَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُون وَ لَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ ما كانَ يُغْنى عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْ ءٍ إِلاَّ حاجَةً فى نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضاهاوَ إِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِما عَلَّمْناهُ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لايَعْلَمُون»

{و گفت: ای پسران من، از یک دروازه در نیایید، بلکه از دروازه های مختلف وارد شوید، و من چیزی از خدا را از شما دور نمی توانم داشت. فرمان جز برای خدا نیست. بر او توکل کردم، و توکلکنندگان باید بر او توکل کنند و چون همانگونه که پدرانشان به آنان فرمان داده بود وارد شدند، چیزی را در برابر خدا از آنان برطرف نمی کرد جز اینکه یعقوب نیازی را که در دلش بود، برآورد. و بی گمان، او از آنچه بدو آموخته بودیم دارای دانشی بود، ولی بیشتر مردم نمی دانند}. - . یوسف/ ۶۸ — ۶۷ -

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْعَلَاءِ الْقَزْوِينِيُّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مِيثَمٍ عَنْ عَبَايَةَ الْأَسَدِيِّ: أَنَّهُ سَمِعَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَأْمُرُ بَعْضَ أَصْحَابِهِ وَ قَدْ شَكَا إِلَيْهِ السِّحْرَ فَقَالَ اكْتُبْ فِي رَقِّ ظَبْيٍ وَ عَلِّقْهُ عَلَيْكَ فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّكَ وَ لَا يَجُوزُ كَيْدُهُ فِيكَ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ بِسْمِ اللَّهِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ قالَ مُوسى ما جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ فَغُلِبُوا هُنالِكَ وَ انْقَلَبُوا صاغِرِينَ (۳).

ص: ۱۲۴

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۵۸.

۲- ۲. یوسف: ۶۷- ۶۸.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۳۵.

**[ترجمه]طب الائمه: عبایه اسدی نقل کرد از امیر مؤمنان صلوات الله علیه شنیدم، به یکی از یارانش که از جادو به نزد ایشان شکایت کرد، فرمودند: در پوست آهویی بنویس و بر خود آویزان کن، زیرا به تو آسیب نمی‌رساند و مکر او در تو اثر نمی‌کند «به نام خدا و با استعانت از خدا به نام خدا و هرچه خدا خواست، به نام خدا، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند تحقق نمی‌پذیرد موسی گفت: «آنچه را شمابه میان آوردید سحر است. به زودی خدا آن را باطل خواهد کرد. آری، خدا کار مفسدان را تأیید نمی کند پس حقیقت آشکار گردید و کارهایی که می کردند باطل شد و در آنجا مغلوب و خوار گردیدند». - . طب الائمه: ۳۵ -

**[ترجمه]

«۲»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَی الرَّبَعِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ عَنِ ابْنِ ظَرِیفٍ عَنِ ابْنِ نُبَاتَهَ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: قَالَ الْأَصْبَغُ أَخَذْتُ هَذِهِ الْعُوذَهَ مِنْهُ فَقَالَ لِی یَا أَصْبَغُ هَذِهِ عُوذَهُ السِّحْرِ وَ الْخَوْفِ مِنَ السُّلْطَانِ تَقُولُهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ سَنَشُدُّ عَضُدَکَ بِأَخِیکَ وَ نَجْعَلُ لَکُما سُلْطاناً فَلا یَصِلُونَ إِلَیْکُما بِآیاتِنا أَنْتُما وَ مَنِ اتَّبَعَکُمَا الْغالِبُونَ وَ تَقُولُهُ فِی وَجْهِ السَّاحِرِ(۱) إِذَا فَرَغْتَ مِنْ صَلَاهِ اللَّیْلِ قَبْلَ أَنْ تَبْدَأَ بِصَلَاهِ النَّهَارِ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَإِنَّهُ لَا یَضُرُّکَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی (۲).

**[ترجمه]طب الائمه: اصبغ نقل کرد: این تعویذ را از امیر مؤمنان علیه السلام گرفتم و ایشان به من فرمودند: ای اصبغ این تعویذ برای جلوگیری از جادو و ترس از حاکم است، هفت مرتبه می گویی: «به نام خدا و با استعانت از خدا، فرمود: به زودی بازویت را به برادرت نیرومند خواهیم کرد و برای شما هر دو، تسلّطی قرار خواهیم داد که با آیات ما، به شما دست نخواهند یافت شما و هر که شما را پیروی کند چیره خواهید بود.» و آن در برابر - . در منبع آمده: در برابر آب. -

جادوگر می‌خوانی و بعد از نماز شب تا قبل از نماز روز آن را هفت مرتبه می‌خوانی که انشاءالله تعالی آسیبی به تو نمی‌رساند. - . طب الائمه: ۳۵ -

**[ترجمه]

«۳»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْبُرْسِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْأَرْمَنِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ: إِنَّ جَبْرَئِیلَ علیه السلام أَتَی النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله وَ قَالَ لَهُ یَا مُحَمَّدُ قَالَ لَبَّیْکَ یَا جَبْرَئِیلُ قَالَ إِنَّ فُلَاناً الْیَهُودِیَّ سَحَرَکَ وَ جَعَلَ السِّحْرَ فِی بِئْرِ بَنِی فُلَانٍ فَابْعَثْ إِلَیْهِ یَعْنِی إِلَی الْبِئْرِ أَوْثَقَ النَّاسِ عِنْدَکَ وَ أَعْظَمَهُمْ فِی عَیْنِکَ وَ هُوَ عَدِیلُ نَفْسِکَ حَتَّی یَأْتِیَکَ بِالسِّحْرِ قَالَ فَبَعَثَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام وَ قَالَ انْطَلِقْ إِلَی بِئْرِ [أَرْوَانَ] أزوان (۳)

فَإِنَّ فِیهَا سِحْراً سَحَرَنِی بِهِ لَبِیدُ بْنُ أَعْصَمَ الْیَهُودِیُّ فَأْتِنِی بِهِ قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام فَانْطَلَقْتُ فِی حَاجَهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَهَبَطْتُ فَإِذَا مَاءُ الْبِئْرِ قَدْ صَارَ کَأَنَّهُ مَاءُ الْحِنَّاءِ(۴)

مِنَ السِّحْرِ فَطَلَبْتُهُ مُسْتَعْجِلًا حَتَّی انْتَهَیْتُ إِلَی أَسْفَلِ الْقَلِیبِ فَلَمْ أَظْفَرْ بِهِ قَالَ الَّذِینَ مَعِی مَا فِیهِ شَیْ ءٌ فَاصْعَدْ فَقُلْتُ لَا وَ اللَّهِ مَا کَذَبْتُ وَ مَا کُذِبْتُ وَ مَا نَفْسِی بِهِ مِثْلُ أَنْفُسِکُمْ (۵) یَعْنِی رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ثُمَّ طَلَبْتُ طَلَباً بِلُطْفٍ فَاسْتَخْرَجْتُ

۱- ۱. فی المصدر: فی وجه الماء.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۳۵.

۳- ۳. فی المصـدر: بئر ذروان، و فی مجمع البیـان ج ۱۰ ص ۵۶۸ دروان بـالمهمله و قـال الفیروزآبـادی: و بئر ذروان بالمـدینه أو هو ذو أروان بسکون الراء و قیل بتحریکه أصح.

۴- ۴. فی المصدر: ماء الحیاض.

۵- ۵. و ما یقینی به مثل یقینکم ظ.

حُقّاً فَأَتَيْتُ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ افْتَحْهُ فَفَتَحْتُهُ فَإِذَا فِی الْحُقِّ قِطْعَهُ کَرَبِ النَّخْلِ (۱) فِی جَوْفِهِ وَتَرٌ عَلَيْهَا إِحْدَى وَ عِشْرُونَ عُقْدَهً وَ كَانَ جَبْرَئِيلُ علیه السلام أَنْزَلَ يَوْمَئِذٍ الْمُعَوِّذَتَيْنِ عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ النَّبِيُّ يَا عَلِيُّ اقْرَأْهَا عَلَى الْوَتَرِ فَجَعَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام كُلَّمَا قَرَأَ آيَهً انْحَلَّتْ عُقْدَهً حَتَّى فَرَغَ مِنْهَا وَ كَشَفَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْ نَبِيِّهِ مَا سَحَرَ بِهِ وَ عَافَاهُ.

وَ رُوِيَ: أَنَّ جَبْرَئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ علیهما السلام أَتَيَا إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَجَلَسَ أَحَدُهُمَا عَنْ يَمِينِهِ وَ الْآخَرُ عَنْ شِمَالِهِ فَقَالَ جَبْرَئِيلُ لِمِيكَائِيلَ مَا وَجَعُ الرَّجُلِ فَقَالَ مِيكَائِيلُ هُوَ مَطْبُوبٌ (۲)

فَقَالَ جَبْرَئِيلُ علیه السلام وَ مَنْ طَبَّهُ قَالَ لَبِيدُ بْنُ أَعْصَمَ الْيَهُودِيُّ ثُمَّ ذَكَرَ الْحَدِيثَ إِلَى آخِرِهِ (۳).

**[ترجمه]طب الائمه: از امام صادق علیه السلام روایت است، امیر مؤمنان صلوات الله علیه فرمودند: جبرئیل علیه السلام به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای محمد، و ایشان جواب دادند: اجابت می‌کنم تو را ای جبرئیل، جبرئیل عرض کرد: آن شخص یهودی تو را جادو کرد و سحر خود را در چاه بنی فلان قرار داد، پس مطمئن‌ترین اشخاص نزد تو و بزرگ‌ترین آنها در چشمت را که هم‌پایه توست، به سمت چاه بفرست تا آن را برای تو بیاورد، نقل کرد: پیامبر صلی الله علیه و آله، علی بن ابی طالب علیه السلام را فرستادند و فرمودند: به سمت چاه أزوان برو و در آن افسونی است که لبید بن اعصم یهودی مرا بدان جادو کرد و آن را برایم بیاور.

علی علیه السلام فرمودند: برای امر رسول خدا صلی الله علیه و آله به راه افتادم و در چاه پایین رفتم و آب آن را یافتم که به خاطر آن سحر همچون آب حنا گشته بود، پس به جستجوی آن پرداختم و تا پایین‌ترین نقطه چاه رفتم و آن را نیافتم، کسانی که با من بودند گفتند: چیزی در آن نیست، بالا بیا، گفتم: به خدا سوگند، دروغ نگفتم و دروغ نگفتم و من مثل شما نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله نیستم. پس به دقت به جستجوی آن پرداختم و ظرف کوچکی یافتم. و آن را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آوردم، فرمودند: آن را باز کن پس باز کردم و در آن قطعه‌ای از بیخ شاخه خرما بود و در درون آن زه کمانی قرار داشت که بیست و یک گره داشت و جبرئیل علیه السلام آن روز سوره‌های قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را بر پیامبر نازل کرده بود و پیامبر فرمودند: ای علی آنها را بر زه بخوان و امیر مؤمنان با هر آیه‌ای که می‌خواندند گره‌ای را می گشودند تا اینکه گره‌ها تمام شد، و خداوند عزّ و جلّ آنچه را که پیامبرش بدان جادو شده بود، از بین برد و او را عافیت بخشید.

روایت است، جبرئیل و مکائیل علیهما السلام به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و یکی از آنها در سمت راست و دیگری در طرف چپ پیامبر نشستند، جبرئیل به میکائیل گفت: درد این شخص چیست؟ میکائیل گفت: او جادو شده است. جبرئیل علیه السلام گفت: چه کسی او را جادو کرده است؟ گفت: لبید بی اعصم یهودی سپس حدیث را تا آخر ذکر کردند. - . طب الائمه: ۱۱۳ -

**[ترجمه]

«۴»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] إِبْرَاهِيمُ الْبَيْطَارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ وَ يُقَالُ لَهُ يُونُسُ الْمُصَلِّی لِكَثْرَهِ صَلَاتِهِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ زُرَارَهَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ الصَّلَاهُ وَ السَّلَامُ: إِنَّ السَّحَرَهَ لَمْ يُسَلَّطُوا عَلَى شَيْ ءٍ إِلَّا عَلَى الْعَيْنِ.

وَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ علیه السلام: أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْمُعَوِّذَتَيْنِ أَ هُمَا مِنَ الْقُرْآنِ فَقَالَ الصَّادِقُ علیه السلام نَعَمْ هُمَا مِنَ الْقُرْآنِ فَقَالَ الرَّجُلُ إِنَّهُمَا لَيْسَتَا مِنَ الْقُرْآنِ فِي قِرَاءَهِ ابْنِ مَسْعُودٍ وَ لَا فِي مُصْحَفِهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَخْطَأَ ابْنُ مَسْعُودٍ أَوْ قَالَ كَذَبَ ابْنُ مَسْعُودٍ هُمَا مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ الرَّجُلُ فَأَقْرَأُ بِهِمَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فِي الْمَكْتُوبَهِ قَالَ نَعَمْ وَ هَلْ تَرَى مَا مَعْنَى الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ فِي أَيِّ شَيْ ءٍ نَزَلَتَا إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله سَحَرَهُ لَبِيدُ بْنُ أَعْصَمَ الْيَهُودِيُّ فَقَالَ أَبُو بَصِيرٍ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ مَا كَادَ أَوْ عَسَى أَنْ يَبْلُغَ مِنْ سِحْرِهِ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ بَلَى كَانَ

النَّبِيُّ صلى الله علیه و آله يَرَى أَنَّهُ يُجَامِعُ وَ لَيْسَ يُجَامِعُ وَ كَانَ يُرِيدُ الْبَابَ وَ لَا يُبْصِرُهُ

ص: ۱۲۶

۱- ۱. الحق- بالضم- وعاء صغير من خشب و قد يصنع من العاج، و كرب النخل- بالتحريک- اصول السعف الغلاظ العراض.

۲- ۲. رجل مطبوب: أی مسحور، و انما كنوا بالطب عن السحر تفاؤلا بالبراءه.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۱۱۳.

حَتَّى يَلْمَسَهُ بِيَدِهِ وَ السِّحْرُ حَقٌّ وَ مَا يُسَلَّطُ السِّحْرُ إِلَّا عَلَى الْعَيْنِ وَ الْفَرْجِ فَأَتَاهُ جَبْرَئِيلُ علیه السلام فَأَخْبَرَهُ بِذَلِكَ فَدَعَا عَلِيّاً علیه السلام وَ بَعَثَهُ لِيَسْتَخْرِجَ ذَلِكَ مِنْ بِئْرِ [أَرْوَانَ] أزوان وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطُولِهِ إِلَى آخِرِهِ (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: امام باقر علیه الصلوه و السلام فرمودند: جادوگران بر چیزی تسلط نیافتند جز بر چشم.

روایت است از امام صادق علیه السلام سؤال شد آیا سوره‌های قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق جزء قرآن هستند؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: بله از قرآن هستند، آن شخص گفت: این دوسوره در قرائت ابن مسعود و مصحف او نیستند، امام صادق علیه السلام فرمودند: ابن مسعود اشتباه کرد و یا فرمودند: ابن مسعود دروغ گفت. آن دو جزء قرآن هستند، آن شخص گفت: فرزند رسول خدا می‌توانم آن دو را در نماز واجب بخوانم؟ فرمودند: آری، و آیا می‌دانی معنی این دوسوره چیست و چرا نازل شدند؟ لبید بن اعصم یهودی رسول خدا صلی الله علیه و آله را جادو کرد، ابوبصیر به امام صادق علیه السلام گفت: آیا از سحر خویش آگاهی یافتند؟ امام فرمودند: آری پیامبر صلی الله علیه و آله دید در حالجماع کردن است در حالی که اینگونه نبود. وقتی که به طرف در می‌رفت آن را نمی‌دید و با دست آن را لمس می‌کرد، سحر حق است و جادو تنها بر چشم و فرج تسلط می‌یابد. پس جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و او را آگاه ساخت. او نیز علی علیه السلام را فراخواند و او را فرستاد تا آن سحر را از چاه ازوان استخراج نماید و حدیث را تا آخر آن را نقل کردند. - . طب الائمه: ۱۱۴ -

**[ترجمه]

«۵»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] سَهْلُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَهْلٍ عَنْ عَبْدِ رَبِّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ ابْنِ أُورَمَةَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ النُّشْرَةِ لِلْمَسْحُورِ فَقَالَ مَا كَانَ أَبِي علیه السلام يَرَى بِهَا بَأْساً(۲).

وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: هَذِهِ الْعُوذَةُ الَّتِي أَمْلَاهَا عَلَيْنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَذْكُرُ أَنَّهَا وِرَاثَةٌ وَ أَنَّهَا تُبْطِلُ السِّحْرَ تُكْتَبُ عَلَى وَرَقٍ وَ يُعَلَّقُ عَلَى الْمَسْحُورِ قالَ مُوسى ما جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ وَ يُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِماتِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ أَ أَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقاً أَمِ السَّماءُ بَناها رَفَعَ سَمْكَها فَسَوَّاها الْآيَاتِ (۳) فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ فَغُلِبُوا هُنالِكَ وَ انْقَلَبُوا صاغِرِينَ وَ أُلْقِيَ السَّحَرَةُ ساجِدِينَ قالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعالَمِينَ رَبِّ مُوسى وَ هارُونَ (۴).

**[ترجمه]طب الائمه: حلبی نقل کرد: از امام صادق علیه السلام در مورد افسون جادوگرپرسیدم فرمودند: پدرم علیه السلام در آن اشکالی نمی‌دیدند. - . طب الائمه: ۱۱۴ -

محمد بن مسلم نقل کرد، این تعویذی که امام صادق علیه لاسلام آن را بر ما املا کردند، ذکر کردند که بار آنان به ارث رسیده است و سحر را باطل می‌کند، آن را بر کاغذی می‌نویسی و بر شخص جادو شده آویزان می‌شود «قال مُوسى ماجِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لايُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدينَ. وَ يُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِماتِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُون أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقاً أَمِ السَّماءُ بَناها رَفَعَ سَمْكَها فَسَوَّاها فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ ما كانُوا يَعْمَلُون فَغُلِبُوا هُنالِكَ وَ انْقَلَبُوا صاغِرينَ وَ أُلْقِيَ السَّحَرَةُ ساجِدينَ قالوا آمنّا بربّ العالمین ربّ موسی و هارون: موسی گفت: «آنچه را شمابه میان آوردید سحر است. به زودی خدا آن را باطل خواهد کرد. آری، خدا کار مفسدان را تأیید نمی کند. و خدا با کلمات خود، حقّ را ثابت می گرداند، هر چند بزهکاران را خوش نیاید آیا آفرینش شما دشوارتر است یا آسمانی که آن را بر پا کرده است سقفش را برافراشت و آن را درست کرد پس حقیقت آشکار گردید و کارهایی که می کردند باطل شد و در آنجا مغلوب و خوار گردیدند و ساحران به سجده در افتادند گفتند ایمان آوردیم به پروردگار جهانیان پروردگار موسی و هارون». - . طب الائمه: ۱۱۵ -

**[ترجمه]

«۶»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] مُحَمَّدُ بْنُ سُلَیْمَانَ بْنَ مِهْرَانَ عَنْ زِیَادِ بْنِ هَارُونَ الْعَبْدِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَجَلِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ أَعْجَبَهُ شَیْ ءٌ مِنْ أَخِیهِ الْمُؤْمِنِ فَلْیُکَبِّرْ عَلَیْهِ فَإِنَّ الْعَیْنَ حَقٌّ (۵).

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس چیزی از برادر مؤمنش بر او خوش‌آمد الله اکبر بگوید؛ زیرا چشم زخم حق است. - . طب الائمه: ۱۲۱ -

**[ترجمه]

«۷»

مُحَمَّدُ بْنُ مَیْمُونٍ الْمَکِّیُّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: لَوْ نَبَشَ لَکُمْ مِنَ الْقُبُورِ لَرَأَیْتُمْ أَنَّ أَکْثَرَ مَوْتَاکُمْ بِالْعَیْنِ لِأَنَّ الْعَیْنَ حَقٌّ إِلَّا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ الْعَیْنُ حَقٌّ فَمَنْ أَعْجَبَهُ مِنْ أَخِیهِ شَیْ ءٌ فَلْیَذْکُرِ اللَّهَ فِی ذَلِکَ فَإِنَّهُ إِذَا ذَکَرَ اللَّهَ لَمْ یَضُرَّهُ (۶).

ص: ۱۲۷

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۱۱۴.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۱۱۴.

۳- ۳. النازعات: ۲۷- ۳۲.

۴- ۴. طبّ الأئمّه ص ۱۱۵.

۵- ۵. طبّ الأئمّه ص ۱۲۱.

۶- ۶. طبّ الأئمّه ص ۱۲۱.

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر قبرها برای شما نبش می‌شود مشاهده می کردید که بیشتر مرگ‌ومیرها به خاطر چشم زخم است؛ زیرا چشم حق است. آگاه باشید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: چشم زخم حق است، هر کس چیزی از برادرش او را به اعجاب واداشت خداوند را در آن لحظه یاد کند؛ زیرا اگر یاد خدا باشد، آسیبی نمی‌رساند. - . طب الائمه: ۱۲۱ -

**[ترجمه]

«۸»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام]: فِی الْعَیْنِ یَقْرَأُ أَوْ یَکْتُبُ وَ یُعَلِّقُ عَلَیْهِ سُورَهَ الْحَمْدِ وَ الْمُعَوِّذَتَیْنِ [وَ] قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ آیَهَ الْکُرْسِیِّ وَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ وَ أَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ حَسْبِیَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ مَا شَاءَ اللَّهُ کَانَ وَ مَا لَمْ یَشَأْ لَمْ یَکُنْ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحاطَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عِلْماً وَ أَحْصی کُلَّ شَیْ ءٍ عَدَداً اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ نَفْسِی وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّهٍ أَنْتَ آخِذٌ بِناصِیَتِها إِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ عِیسَی عَبْسٌ عَابِسٌ وَ حَجَرٌ یَابِسٌ وَ مَاءٌ فَارِسٌ وَ شِهَابٌ قَابِسٌ مِنْ نَفْسٍ نَافِسٍ وَ عَیْنِ الْعَائِنِ رَدَدْتُ عَیْنَ الْعَائِنِ عَلَیْهِ وَ عَلَی أَحَبِّ النَّاسِ إِلَیْهِ فِی کَبِدِهِ وَ کُلْیَتِهِ دَم رَقِیقٍ وَ شَحْمٍ وَسِیقٍ وَ عَظْمٍ دَقِیقٍ فِی مَالِهِ یَلِیقُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ وَ کَتَبْنا عَلَیْهِمْ فِیها أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَ الْعَیْنَ بِالْعَیْنِ وَ الْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَ الْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَ السِّنَّ بِالسِّنِّ وَ الْجُرُوحَ قِصاصٌ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: در چشم زخم خوانده شود یا نوشته شود و بر او آویزان گردد: سوره حمد، قل اعوذ برب الفلق، قل اعوذ بربّ الناس، قل هو الله احد و آیه الکرسی و خدایا تو پروردگار منی بر تو توکل نمودم و تو پروردگار عرش باعظمتی. خداوند برای من کافی است و بهترین کارگزار است، هرچه خداست پدید آمد و آنچه خدا نخواست، پدید نیامد، گواهی می‌دهم که خدا بر هر چیز تواناست و به راستی که علم خدا بر هر چیز را در میان گرفته است، و همه چیز را به شماره درآورده است، خدایا من به تو پناه می‌برم از شر خودم و از گزند هر موجودی که اختیارش به دست توست، به راستی که پروردگارم به راه راست است و اگر پشت کردند، بگو خداوند مرا کافی است، خدایی جز او نیست بر او توکل نمودم و اوست پروردگار عرش باعظمت.

به نام خدا و پروردگار عیسی، درهم کشیدن ترشرو و سنگ سخت و آب یخزده و شهاب آتش خواه، از دم بد چشم و چشم زخم شخص بدچشم، چشم زخم آن شخص را بر خودش برگرداندم و بر محبوب‌ترین افراد در جگر و کلیه‌اش، خونی رقیق و پیه‌ای آب شده و استخوانی باریک، در آنچه بدان سزاوار است، به نام خداوند بخشنده مهربان و بر آنان نوشتیم در آن، که جان در برابر جان، چشم در برابر چشم، بینی در برابر بینی، گوش در برابر گوش، دندان در برابر دندان و زخم‌ها قصاص دارند، و درود خدا بر سرور و پیامبران محمد و خاندان پاکش. - . طب الائمه: ۱۴۰ -

**[ترجمه]

«۹»

مکا، [مکارم الأخلاق] لِلْعَیْنِ مُعَمَّرُ بْنُ خَلَّادٍ قَالَ: کُنْتُ مَعَ الرِّضَا علیه السلام بِخُرَاسَانَ عَلَی نَفَقَاتِهِ فَأَمَرَنِی أَنْ أَتَّخِذَ لَهُ غَالِیَهً فَلَمَّا اتَّخَذْتُهَا فَأَعْجَبَ بِهَا فَنَظَرَ إِلَیْهَا فَقَالَ لِی یَا مُعَمَّرُ إِنَّ الْعَیْنَ حَقٌّ فَاکْتُبْ فِی رُقْعَهٍ الْحَمْدَ لِلَّهِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ الْمُعَوِّذَتَیْنِ وَ آیَهَ الْکُرْسِیِّ وَ اجْعَلْهَا فِی غِلَافِ الْقَارُورَهِ(۲).

وَ مِثْلُهُ وَ رُوِیَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: الْعَیْنُ حَقٌّ وَ لَیسَ تَأْمَنُهَا مِنْکَ عَلَی نَفْسِکَ وَ لَا مِنْکَ عَلَی غَیْرِکَ فَإِذَا خِفْتَ شَیْئاً مِنْ ذَلِکَ فَقُلْ ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ ثَلَاثاً وَ قَالَ إِذَا تَهَیَّأَ أَحَدُکُمْ تَهْیِئَهً تُعْجِبُهُ فَلْیَقْرَأْ حِینَ یَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ الْمُعَوِّذَتَیْنِ فَإِنَّهُ لَا یَضُرُّهُ بِإِذْنِ اللَّهِ

.(۳)

وَ عَنْهُ علیه السلام قَالَ: مَنْ أَعْجَبَهُ مِنْ أَخِيهِ شَیْ ءٌ فَلْيُبَارِكْ عَلَيْهِ فَإِنَّ الْعَيْنَ حَقٌّ.

ص: ۱۲۸

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۱۴۰.

۲- ۲. مكارم الأخلاق ص ۴۴۳.

۳- ۳. مكارم الأخلاق ص ۴۴۳.

وَ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله: إِنَّ الْعَيْنَ لَيُدْخِلُ الرَّجُلَ الْقَبْرَ وَ الْجَمَلَ الْقِدْرَ وَ قَالَ صلى الله عليه و آله لَا رُقْيَهَ إِلَّا مِنْ حُمَهٍ وَ الْعَيْنِ (۱).

فِي السِّحْرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى قَالَ: سَأَلْتُ الرِّضَا عليه السلام عَنِ السِّحْرِ قَالَ هُوَ حَقٌّ وَ هُمْ يُضِرُّونَ بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا أَصَابَکَ ذَلِکَ فَارْفَعْ يَدَکَ بِحِذَاءِ وَجْهِکَ وَ اقْرَأْ عَلَيْهَا بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ إِلَّا ذَهَبَتْ وَ انْقَرَضَتْ قَالَ وَ سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ الْعَيْنِ فَقَالَ هُوَ حَقٌّ فَإِذَا أَصَابَکَ ذَلِکَ فَارْفَعْ كَفَّيْکَ بِحِذَاءِ وَجْهِکَ وَ اقْرَأِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ امْسَحْهُمَا عَلَى نَوَاصِيکَ فَإِنَّهُ نَافِعٌ بِإِذْنِ اللَّهِ (۲).

رُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْمُعَوِّذَتَيْنِ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله سَحَرَهُ لَبِيدُ بْنُ أَعْصَمَ الْيَهُودِيُّ فَأَتَاهُ جَبْرَئِيلُ بِالْمُعَوِّذَتَيْنِ فَدَعَا عَلِيّاً عليه السلام فَعَقَدَ لَهُ خَيْطاً فِيهِ اثْنَتَا عَشْرَهَ عُقْدَهً ثُمَّ قَالَ انْطَلِقْ إِلَى بِئْرِ ذَرْوَانَ فَانْزِلْ إِلَى الْقَلِيبِ فَاقْرَأْ آيَهً وَ حُلَّ عُقْدَهً فَنَزَلَ عَلِيٌّ وَ اسْتَخْرَجَ مِنَ الْقَلِيبِ فَتَحَالَلَ ذَلِکَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله (۳).

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: إِنَّ لَبِيدَ بْنَ أَعْصَمَ سَحَرَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله ثُمَّ دَسَّ ذَلِکَ فِي بِئْرٍ لِبَنِي زُرَيْقٍ فَمَرِضَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَبَيْنَا هُوَ نَائِمٌ إِذْ أَتَاهُ مَلَكَانِ فَقَعَدَ أَحَدُهُمَا عِنْدَ رَأْسِهِ وَ الْآخَرُ عِنْدَ رِجْلَيْهِ فَأَخْبَرَاهُ بِذَلِکَ وَ إِنَّهُ فِي بِئْرِ ذَرْوَانَ فِي جُفِّ طَلْعَهٍ تَحْتَ رَاعُوفَهٍ وَ الْجُفُّ قِشْرُ الطَّلْعِ وَ الرَّاعُوفَهُ حَجَرٌ فِي أَسْفَلِ الْبِئْرِ يَقُومُ عَلَيْهِ الْمَاتِحُ (۴)

فَانْتَبَهَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ بَعَثَ عَلِيّاً وَ الزُّبَيْرَ وَ عَمَّاراً فَنَزَحُوا

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۴۳.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۷۵.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۷۵.

۴- ۴. الظاهر الصحيح« المائح» بدل الماتح، فان الماتح هو الذى يقوم فى اعلى البئر و ينزع الدلو و يستخرجها، و سئل الأصمعى عن المتح و الميح، فقال:« الفوق للفوق و التحت للتحت، أى أن المتح أن يستقى و هو على رأس البئر، و الميح أن يملأ الدلو و هو فى قعرها، و من أمثالهم:« هو أعرف به من المائح باست الماتح».

مَاءَ تِلْكَ الْبِئْرِ ثُمَّ رَفَعُوا الصَّخْرَهَ وَ أَخْرَجُوا الْجُفَّ فَإِذَا فِيهِ مُشَاطَهُ رَأْسِهِ وَ أَسْنَانٌ مِنْ مَشْطِهِ وَ إِذَا هُوَ مُعَقَّدٌ فِيهِ إِحْدَى عَشْرَهَ عُقْدَهً مَغْرُوزَهً بِالْإِبْرَهِ فَنَزَلَتْ هَاتَانِ السُّورَتَانِ فَجَعَلَ كُلَّمَا يَقْرَأُ آيَهً انْحَلَّتْ عُقْدَهٌ وَ وَجَدَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله خِفَّهً فَقَامَ كَأَنَّمَا أُنْشِطَ مِنْ عِقَالٍ وَ جَعَلَ جَبْرَئِيلُ عليه السلام يَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْ ءٍ يُؤْذِيكَ مِنْ حَاسِدٍ وَ عَيْنٍ وَ اللَّهُ يَشْفِيكَ (۱).

أُخْرَى لِلسِّحْرِ: يُكْتَبُ فِي رَقٍّ وَ يُعَلَّقُ عَلَيْهِ قالَ مُوسى ما جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِلَى قَوْلِهِ الْمُفْسِدِينَ (۲) وَ أَوْحَيْنا إِلى مُوسى إِلَى قَوْلِهِ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ فَغُلِبُوا هُنالِكَ وَ انْقَلَبُوا صاغِرِينَ.

أُخْرَى يَتَكَلَّمُ بِهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ إِلَى قَوْلِهِ وَ مَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغالِبُونَ (۳).

عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله سَأَلَتْهُ امْرَأَهٌ أَنَّ لِي زَوْجاً وَ بِهِ غِلْظَهٌ وَ إِنِّي صَنَعْتُ شَيْئاً لِأُعَطِّفَهُ عَلَيَّ فَقَالَ صلى الله عليه و آله أُفٍّ لَكِ كَدَرْتِ التِّجَارَهَ وَ كَدَرْتِ الْعَيْنَ (۴) وَ لَعَنَتْكِ الْمَلَائِكَهُ الْأَخْيَارُ وَ مَلَائِكَهُ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ فَصَامَتْ

۱- ۱. راجع مكارم الأخلاق ص ۴۷۶، و قد ذكر القصه فى تفسيره مجمع البيان ذيل سورتى المعوذتين، و أنكر صحه الحديث من حيث عدم تأثير السحر فى الأنبياء و الأئمّه عليهم السلام و له فى ذلك كلام راجعه. و هكذا المؤلّف العلامه قال فى ج ۱۸ ص ۷۰ من هذه الطبعه الحديثه: المشهور بين الإماميّه عدم تأثير السحر فى الأنبياء و الأئمه عليهم السلام و أولو بعض الأخبار الوارده فى ذلك و طرحوا بعضها ثمّ نقل كلام العلامه الطبرسىّ عن المجمع بطوله، و قد عنون المؤلّف العلامه فى مجلد السماء و العالم« باب تأثير السحر و العين و حقيقتهما»(ص ۵۶۷- ۵۷۸ من طبعه الكمبانىّ، ج ۶۲ من هذه الطبعه الحدثيه) و نقل هذه الروايات مع غيرها، و له فيها كلام طويل الذيل راجعه ان شئت.

۲- ۲. يونس: ۸۱ و زاد فى المصدر الى قوله« المجرمون».

۳- ۳. مكارم الأخلاق: ۴۷۶، و الآيه فى القصص: ۳۵.

۴- ۴. فى الفقيه: كدرت البحار و كدرت الطين.

نَهَارَهَا وَ قَامَتْ لَيْلَهَا وَ حَلَقَتْ رَأْسَهَا وَ لَبِسَتِ الْمُسُوحَ (۱) فَبَلَغَ ذَلِکَ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ إِنَّ ذَلِکَ لَا یُقْبَلُ مِنْهَا(۲)

فَقِیلَ (۳) یَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ لَا یُقْتَلُ سَاحِرُ الْکُفَّارِ فَقَالَ لِأَنَّ الشِّرْکَ أَعْظَمُ مِنَ الْکُفْرِ وَ السِّحْرُ وَ الشِّرْکُ مَقْرُونَانِ (۴).

رُقْیَهُ الْعَیْنِ عَنْ زُرَارَهَ قَالَ: یَنْفُثُ فِی الْمَنْخِرِ الْیُمْنَی أَرْبَعاً وَ الْیُسْرَی ثَلَاثاً ثُمَّ یَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ لَا بَأْسَ أَذْهِبِ الْبَأْسَ رَبَّ النَّاسِ وَ اشْفِ أَنْتَ الشَّافِی وَ لَا یَکْشِفُ الْبَأْسَ إِلَّا أَنْتَ.

عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: لَوْ کَانَ شَیْ ءٌ یَسْبِقُ الْقَدْرَ سَبَقَتْهُ الْعَیْنُ لِمَنْ یُصِیبُهُ الْعَیْنُ یَقْرَأُ فَاتِحَهَ الْکِتَابِ وَ یَکْتُبُ بِسْمِ اللَّهِ أُعِیذُ فُلَانَ بْنَ فُلَانَهَ بِکَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ ذَرَأَ وَ بَرَأَ وَ مِنْ عَیْنٍ نَاظِرَهٍ وَ أُذُنٍ سَامِعَهٍ وَ لِسَانٍ نَاطِقٍ إِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ وَ مِنْ شَرِّ الشَّیْطَانِ وَ عَمَلِ الشَّیْطَانِ وَ خَیْلِهِ وَ رَجِلِهِ وَ قالَ یا بَنِیَّ لا تَدْخُلُوا مِنْ بابٍ واحِدٍ وَ ادْخُلُوا مِنْ أَبْوابٍ مُتَفَرِّقَهٍ.

عُوذَهُ الْعَیْنِ اللَّهُمَّ رَبَّ مَطَرٍ حَابِسٍ وَ حَجَرٍ یَابِسٍ وَ لَیْلٍ دَامِسٍ وَ رَطْبٍ وَ یَابِسٍ رُدَّ عَیْنَ الْعَیْنِ عَلَیْهِ فِی کَبِدِهِ وَ نَحْرِهِ وَ مَالِهِ فَ ارْجِعِ الْبَصَرَ کَرَّتَیْنِ یَنْقَلِبْ إِلَیْکَ الْبَصَرُ خاسِئاً وَ هُوَ حَسِیرٌ(۵).

ص: ۱۳۱

۱- ۱. المسوح؛ جمع المسح بالکسر: الکساء من الشعر و ما یلبس من نسیج الشعر علی البدن تقشفا، و هو من شعار الصوفیه.

۲- ۲. مکارم الأخلاق: ۴۷۶، و رواه الصدوق فی الفقیه ج ۳ ص ۲۸۲ قال: روی إسماعیل بن مسلم عن جعفر بن محمّد عن أبیه، عن آبائه عن رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله.

۳- ۳. کذا فی الأصل و المصدر، و الظاهر أن صدر الحدیث سقط عن النسخ، فانه روی الصدوق فی الفقیه ج ۳ ص ۳۷۱ عن السکونی، عن جعفر بن محمّد، عن أبیه عن آبائه علیهم السلام قال: قال رسول اللّه: ساحر المسلمین یقتل، و ساحر الکفّار لا یقتل، فقیل یا رسول اللّه لم لا یقتل ساحر الکفّار؟ قال: الخ.

۴- ۴. مکارم الأخلاق: ۴۷۷.

۵- ۵. مکارم الأخلاق: ۴۷۷.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: برای چشم زخم: معبر بن خلاد نقل کرد: در خراسان خدمت حضرت رضا علیه السلام در خریدهاشان بودم پس به من امر کردند تا عطری برای ایشان ببرم، وقتی آن را بردم، پسندیدند و به آن نگاه کردند و به من گفتند: ای معمر، چشم زخم حق است. در رقعه‌ای بنویس: الحمد لله، قل هو الله احد، قل اعوذ برب الناس، قل اعوذ برب الفلق و آیه الکرسی و آن را در ظرف شیشه ای قرار بده.

و مثل آن: از امام صادق علیه السلام روایت است: فرمودند: چشم زخم حق است و از آن بر خود ایمن مباش و دیگران نیز از تو در امان نیستند، پس هر گاه از آن ترسیدی سه بار بگو: هرچه خواست، هیچ قدرتی جز خدای بلندمرتبه و بزرگ نیست و فرمودند: هرگاه یکی از شما به ظاهری درآمدید که بسیار کسی را خوش می‌آید، هنگامی که از خانه خارج می‌شود باید قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را بخواند که به اذن خدا به او آسیبی نرساند. - . مکارم الاخلاق: ۴۴۳ -

از امام صادق علیه السلام روایت است: هر کس چیزی از برادر خود، بر او خوش آمد، پس باید برای برکت آن دعا کند؛ زیرا چشم زخم حق است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: به راستی که چشم زخم، شخصی را به قبر وارد می‌کند و شتر را به دیگ، و ایشان صلی الله علیه و آله فرمودند: تمام حرزها برای چشم زخم و تب است. - . مکارم الاخلاق: ۴۴۳ -

در جادو: محمد بن عیسی نقل کرد از حضرت رضا علیه السلام درباره سحر پرسیدم، فرمودند: آن حق است و آنان به اذن خداوند ضرر می... رساند. هرگاه به سحر گرفتار شدی دستانت را تا برابر صورتت بالا بیاور و بر آن بخوان «به نام عظیم خدا و پروردگار عرش باعظمت تو را قسم می‌دهم تا بروی و نابود شوی».

نقل کرد: شخصی از امام علیه السلام در مورد چشم زخم پرسید، فرمودند: آن حق است و هرگاه گرفتار شدی دستانت را در برابر صورتت قرار ده و الحمد لله و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را بخوان و دستانت را بر موی پیشانی‌ات بکش که به اذن خداوند مفید خواهد بود. - . مکارم الاخلاق: ۴۷۵ -

روایت است از امام صادق علیه السلام در مورد سوره‌های قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق پرسیده شد، امام فرمودند: به درستی که لبید بن أعصم یهودی رسول خدا صلی الله علیه و آله را سحر کرد پس جبرئیل این دو سوره را نازل فرمود و پیامبر علی علیه السلام را فرا خواند و برای او نخی گره زده شده بود با دوازده گره، سپس فرمودند: به سوی چاه ذروان حرکت کن و در چاه پایین برو و با خواندن هر آیه گره‌ای را باز کن، علی در چاه پایین رفت و آن را خارج ساخت و آن سحر از رسول خدا صلی الله علیه و آله برطرف شد. - . مکارم الاخلاق: ۴۷۵ -

ابن عباس نقل کرد: لبید بن اعصم رسول خدا صلی الله علیه و آله را سحر کرد و سپس آن را در چاهی از بنی زریق انداخت، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله بیمار گشت و هنگامی که در خواب بودند دو فرشته آمدند، یکی از آنان کنار سر مبارک ایشان و دیگری از در کنار پای مبارک ایشان نشستند و او را از این امر آگاه ساختند و اینکه در چاه ذروان در غلاف شکوفه خرما و زیر یک سنگ است، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله از خواب بیدار شدند و علی و زبیر و عمار را فرستادند و آنها آب چاه را خالی کردند سپس سنگ برداشتند و غلاف را خارج کردند و در آن شانه سرش و دو دندانه آن را یافتند که یازده گره بر آن زده شده بود و با سوزن دوخته شده بود، پس آن دو سوره نازل شدند و هر آیه‌ای که از آنها خوانده می‌شد، گره‌ای باز می‌گشت و رسول خدا صلی الله علیه و آله احساسسبکی می کردند، پس برخاستند گویی از ریسمانی رهانیده شد و جبرئیل علیه السلام شروع کرد به خواند این دعا «به نام خدا تو را تعویذ می کنم از هر چیزی که تو را آزار می‌دهد از حسد و چشم زخم و خدا تو را شفا می‌دهد.» - . مراجعه کن، مکارم الاخلاق: ۴۷۶، و این داستان را در تفسیر خود مجمع البیان و در ذیل سوره های معوذتین ذکر کردو صحت آن را انکار نمود از این جهت که سحر در پیامبران و امامان علیهم السلام تاثیری ندارد

و در این رابطه سخنی دارد و به آن مراجعه کن. و همینطور مولف علامه در جلد ۷۰:۱۸ از چاپ جدید بر این امر اذعان دارد آنچه در میان امامیه شهرت دارد عدم تاثیر سحر در پیامبران و امامان علیهم السلام است و در این راستا پاره ای از احادیث را ترجیح دادند و برخی دیگر را رد کردند سپس کلام علامه طبرسی را از مجمع نقل کرد. مولف علامه در جلد السما و العالم باب «تاثیر سحر و چشم زخم و حقیقت آن دو» را آورده است. و این روایات و غیر آن را نقل کرد و در این راستا سخنی طولانی دارد پس به آن مراجعه کن. -

دعایی دیگر برای سحر: بر پوستی نوشته می‌شود و به او آویزان می گردد « قال مُوسی ما جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لايُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدينَ.» - . یونس/۸۱ - و [و اوحینا الی موسی] تا « فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ ما كانُوا يَعْمَلُون فَغُلِبُوا هُنالِكَ وَ انْقَلَبُوا صاغِرينَ »: موسی گفت: «آنچه را شمابه میان آوردید سحر است. به زودی خدا آن را باطل خواهد کرد. آری، خدا کار مفسدان را تأیید نمی کند. پس حقیقت آشکار گردید و کارهایی که می کردند باطل شد و در آنجا مغلوب و خوار گردیدند

دعایی دیگر: هفت بار بر زبان آورده شود «سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخيكَ وَ نَجْعَلُ لَكُما سُلْطاناً فَلايَصِلُونَ إِلَيْكُما بِآياتِنا أَنْتُما وَ مَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغالِبُون: به زودی بازویت را به برادرت نیرومند خواهیم کرد و برای شما هر دو، تسلّطی قرار خواهیم داد که با آیات ما، به شما دست نخواهند یافت شما و هر که شما را پیروی کند چیره خواهید بود ». - . مکارم الاخلاق: ۴۷۶ و سوره قصص/۳۵ -

امام صادق علیه السلام فرمودند: زنی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید شوهری دارم که اخلاق تندی دارد و من کاری کردم تا او بر من مهربان گردد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: وای بر تو، تجارت را مکدر کردی و چشم را تیره ساختی! فرشتگان برگزیده و فرشتگان آسمان و زمین تو را نفرین کردند و آن زن روزها را روزه می‌گرفت و شب‌ها را به نماز به پا خاست و موهای سرش را تیغ زد و خرقه پشمینه پوشید، خبر آن به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید پس فرمودند: این کارها از او پذیرفته نمی‌شود. - . مکارم الاخلاق: ۴۷۶، و صدوق در الفقیه ۳: ۲۸۲ آن را روایت کرد: اسماعیل بن مسلم از جعفر بن محمد از پدرش از پدرانش از رسول خدا (ص). -

گفته شد - . در نسخه اصل و منبع نیز چنین است، ظاهراً ابتدای حدیث از نسخه‌ها افتاده است، صدوق در الفقیه ۳: ۳۷۱ روایت کرد، رسول خدا فرمودند: ساحر مسلمانان کشته می‌شود و ساحر کافران کشته نمی‌شود، گفته شد، ای رسول خدا چرا ساحر کفار کشته نمی‌شود؟ فرمودند: الخ. - :

ای رسول خدا چرا جادوگر کافران کشته نمی شود؟ فرمودند: زیرا شرک بزرگ‌تر از کفر است و سحر و شرک نزدیک به یکدیگرند.

تعویذ چشم زخم: زراره نقل کرد: چهار بار در سوراخ بینی راست دمیده می‌شود و سه بار در سوراخ بینی چپ سپس می گوید «به نام خدا هیچ قدرتی نیست ای پروردگار آدمیان این سختی را از میان بردار و شفا ده تویی شفادهنده و تنها تویی که سختی را از بین می‌بری.»

امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر چیزی از قدر پیشی بگیرد، چشم زخم از آن پیشی می گیرد.

برای کسی که دچار چشم زخم شده: سوره فاتحه الکتاب را می‌خواند و می‌نویسد «به نام خدا فلان فرزند فلانه را به کلمات کامل خدا پناه می‌دهم از شر آنچه آفرید و خلق کرد و پدید آورد، و از چشمان نگرنده و گوش‌های شنونده و زبان گویا، به راستی که پروردگارم به راه مستقیم است، و از شر شیطان و عمل شیطان و لشکریان سواره و پیاده او، و فرمود: ای فرزندان من از یک در وارد نشوید بلکه از درهای مختلف داخل شوید.

تعویذ برای چشم زخم: خدایا ای پروردگار باران بازدارنده و سنگ سخت و شب تاریک و تر و خشک، چشم زخم او را بر خودش، عزیزانش، جسمش و مالش برگردان باز دوباره بنگر تا نگاهت زبون و درمانده به سویت باز گردد. - . مکارم الاخلاق: ۴۷۷ -

**[ترجمه]

«۱۰»

جع، [جامع الأخبار] قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّ الْعَیْنَ لَتُدْخِلُ الرَّجُلَ الْقَبْرَ وَ تُدْخِلُ الْجَمَلَ الْقِدْرَ.

وَ جَاءَ فِی الْخَبَرِ: أَنَّ أَسْمَاءَ بِنْتَ عُمَیْسٍ قَالَتْ یَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنَّ بَنِی جَعْفَرٍ یُصِیبُهُمُ الْعَیْنُ أَ فَأَسْتَرْقِی لَهُمْ قَالَ نَعَمْ فَلَوْ کَانَ شَیْ ءٌ یَسْبِقُ الْقَدَرَ لَسَبَقَتِ الْعَیْنُ (۱).

وَ قِیلَ: إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ کَانَ إِذَا أَرَادَ أَنْ یُصِیبَ صَاحِبَهُ بِالْعَیْنِ تَجُوعُ ثَلَاثَهَ أَیَّامٍ ثُمَّ کَانَ یَصِفُهُ فَیَصْرَعُهُ بِذَلِکَ وَ ذَلِکَ بِأَنْ یَقُولَ لِلَّذِی یُرِیدُ أَنْ یُصِیبَهُ بِالْعَیْنِ لَا أَرَی کَالْیَوْمِ إِبِلًا أَوْ شَاءً(۲) أَوْ مَا أَرَادَ أَیَّ مَا أَرَی کَإِبِلٍ أَرَاهَا الْیَوْمَ فَقَالُوا لِلنَّبِیِّ صلی الله علیه و آله کَمَا کَانُوا یَقُولُونَ لَمَّا یُرِیدُونَ أَنْ یُصِیبُوهُ بِالْعَیْنِ عَنِ الْفَرَّاءِ وَ الزَّجَّاجِ (۳).

قَالَ الْحَسَنُ: دَوَاءُ إِصَابَهِ الْعَیْنِ أَنْ یَقْرَأَ الْإِنْسَانُ هَذِهِ الْآیَهَ وَ إِنْ یَکادُ الَّذِینَ کَفَرُوا لَیُزْلِقُونَکَ بِأَبْصارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّکْرَ وَ یَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَ ما هُوَ إِلَّا ذِکْرٌ لِلْعالَمِینَ (۴).

**[ترجمه]جامع الاخبار: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: چشم زخم، شخص را به قبر وارد می‌کند و شتر را به دیگ و روایت است اسماء بنت عمیس عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله، فرزندان جعفر به چشم زخم گرفتار شدند، آیا برای آنها تعویذی بگیرم؟ فرمودند: آری، اگر چیزی بر قدر پیشی بگیرد چشم بد از آن سبقت می جوید. - . جامع الاخبار: ۱۸۲ -

گفته شد:مردی از آنان هرگاه بخواهد دوست خود را به چشم زخم مبتلا سازد، سه روز گرسنگی بکشد سپس او را وصف کند،پس او را بر زمین می افکند و بدین ترتیب به کسی که می خواهد او را به چشم زخم مبتلا کند بگوید هیچ شتر یا گوسفندی یا هر چه که خواست، مثل امروز نمی بیند یعنی مثل شتری که امروز دید، ندید و به پیامبر صلّی الله علیه و آله گفتند همانطور که وقتی می خواستند او را به چشم زخم مبتلا سازند چنین می گفتند. به نقل از فراء و زجاج.

حسن نقل کرد: دوای چشم زخم این است که انسان این آیه را بخواند « وَ إِنْ یَکادُ الَّذِینَ کَفَرُوا لَیُزْلِقُونَکَ بِأَبْصارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّکْرَ وَ یَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ: و آنانکه کافر شدند، چون قرآن را شنیدند چیزی نمانده بود که تو را چشم بزنند، و می گفتند: او واقعاً دیوانه ای است.». - . جامع الاخبار: ۱۸۴ -

**[ترجمه]

«۱۱»

طا، [الأمان] مِنْ کِتَابِ غُنْیَهِ الدَّاعِی تَأْلِیفِ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: یَا عَلِیُّ مَنْ خَافَ شَیْطَاناً أَوْ سَاحِراً فَلْیَقْرَأْ إِنَّ رَبَّکُمُ اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ إِلَی قَوْلِهِ تَعَالَی تَبارَکَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِینَ (۵).

**[ترجمه]امان الاخطار: به نقل از کتاب غنیه الداعی تألیف علی بن محمد بن عبد الصمد رسول خدا صلی الله علی و آله فرمودند: ای علی، هر کس از شیطانی یا جادوگری بیم دارد، بخواند: « إِنَّ رَبَّکُمُ اللَّهُ الَّذی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ فی سِتَّهِ أَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوی عَلَی الْعَرْشِ یُغْشِی اللَّیْلَ النَّهارَ یَطْلُبُهُ حَثِیثاً وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِأَمْرِهِ أَلا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبارَکَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمینَ: در حقیقت، پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش استیلا یافت. روز را به شب که شتابان آن را می طلبد می پوشاند، و خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده اند. آگاه باش که خلق و امر از آنِ اوست. فرخنده خدایی است پروردگار جهانیان». - . اعراف/ ۵۴ -

**[ترجمه]

«۱۲»

جُنَّهُ الْأَمَانِ، لِلْكَفْعَمِيِّ قَالَ ذَكَرَ عَبْدُ الْكَرِيمِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُظَفَّرِ السَّمْعَانِيُّ فِی کِتَابِهِ: أَنَّ جَبْرَئِیلَ نَزَلَ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَرَآهُ مُغْتَمّاً فَسَأَلَهُ عَنْ غَمِّهِ فَقَالَ لَهُ إِنَّ الْحَسَنَیْنِ أَصَابَتْهُمَا عَیْنٌ فَقَالَ لَهُ یَا مُحَمَّدُ الْعَیْنُ حَقٌّ فَعَوِّذْهُمَا بِهَذِهِ الْعُوذَهِ

ص: ۱۳۲

۱- ۱. جامع الأخبار: ۱۸۳.

۲- ۲. الشاء جمع الشاه.

۳- ۳. و ذکره العلامه الطبرسیّ فی المجمع ج ۱۰ ص ۳۴۱ فی تفسیر آخر آیه من سوره القلم، و قد قالوا: ان العین کان فی بنی أسد، و للبحث مجال واسع تکلم فیه المؤلّف العلامه فی مجلد السماء و العالم باب تأثیر السحر و العین، راجعه.

۴- ۴. جامع الأخبار: ۱۸۴.

۵- ۵. الأعراف: ۵۴.

اللَّهُمَّ يَا ذَا السُّلْطَانِ الْعَظِيمِ وَ الْمَنِّ الْقَدِيمِ وَ الْوَجْهِ الْكَرِيمِ ذَا الْكَلِمَاتِ التَّامَّاتِ وَ الدَّعَوَاتِ الْمُسْتَجَابَاتِ عَافِ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ مِنْ أَنْفُسِ (۱) الْجِنِّ وَ أَعْيُنِ الْإِنْسِ.

وَ مِنْهُ قَالَ فِی خَطِّ الْوَزِیرِ مُؤَیَّدِ الدِّینِ بْنِ الْعَلْقَمِیِّ: رُقْیَهُ الْمَعْیُونِ بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِیمِ الشَّأْنِ الْقَوِیِّ السُّلْطَانِ الشَّدِیدِ الْأَرْکَانِ حَبْسٌ حَابِسٌ وَ حَجَرٌ یَابِسٌ وَ شِهَابٌ قَابِسٌ وَ لَیْلٌ دَامِسٌ وَ مَاءٌ قَارِسٌ فِی عَیْنِ الْعَائِنِ وَ فِی أَحَبِّ خَلْقِ اللَّهِ إِلَیْهِ وَ فِی کَبِدِهِ وَ کُلْیَتَیْهِ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَری مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ کَرَّتَیْنِ یَنْقَلِبْ إِلَیْکَ الْبَصَرُ خاسِئاً وَ هُوَ حَسِیرٌ.

**[ترجمه]جنه الامان از کفعمی: عبد الکریم بن محمد السمعانی در کتابش آورد، جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل گشت و او را اندوهناک دید، پس از سبب آن سؤال کرد، حضرت فرمودند: حسن و حسین را چشم کردند، پس جبرئیل گفت: ای محمد، چشم زخم حق است پس برای آنها این تعویذ را به کار گیر: «خدایا ای صاحب قدرت عظیم و بخشش دیرینه و روی گرامی و ای صاحب کلمات کامل و دعاهای مستجاب، حسن و حسین را از چشم بد جنیان و آدمیان عافیت بخش».

و نیز آورده است: به خط وزیر موید الدین علقمی، تعویذی برای کسی که به چشم زخم مبتلا شد «به نام خداوند والامقام، پادشاه قدرتمند، و دارای ستون‌های محکم، حبس حبس کننده و سنگ خشک وشهاب آتش خواه و شب تاریک در چشم کسی که چشم بد دارد و در محبوب‌ترین مخلوقات خدا در نزد او، و در جگر و کلیه‌هایش، باز بنگر، آیا خلل می بینی؟ باز دوباره بنگر تانگاهت زبون و درمانده به سویت باز گردد.»

**[ترجمه]

وَ فِی زُبْدَهِ الْبَیَانِ: أَنَّ جَبْرَئِیلَ علیه السلام رَقَی النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله وَ عَلَّمَهُ هَذِهِ الرُّقْیَهِ لِلْعَیْنِ بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِیکَ مِنْ کُلِّ عَیْنٍ حَاسِدٍ اللَّهُ یَشْفِیکَ.

وَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: إِذَا تَهَیَّأَ أَحَدُکُمْ بِهَیْئَهٍ تُعْجِبُهُ فَلْیَقْرَأْ حِینَ یَخْرُجُ مِنْ بَیْتِهِ الْمُعَوِّذَتَیْنِ فَإِنَّهُ لَا یَضُرُّهُ شَیْ ءٌ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَی.

**[ترجمه]زبده البیان: جبرئیل علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله را تعویذ نمود و دعای چشم زخم را به آموخت «به نام خدا تو را پناه می‌دهم از شر چشم حسودان خداوند شفادهنده تو خواهد بود».

از امام صادق علیه السلام روایت است: هرگاه یکی از شما به هیئتی درآمد که تحسین خود را برانگیخت، هنگامی که از خانه خارج می‌شود، سوره‌های قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را بخواند و در این صورت به اذن خداوند متعالی آسیبی متوجه او نمی‌شود.

**[ترجمه]

«۱۳»

الْجَوَامِعُ لِلطَّبْرِسِیِّ، عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله: مَنْ رَأَی شَیْئاً یُعْجِبُهُ فَقَالَ اللَّهُ اللَّهُ ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ لَمْ یَضُرَّهُ شَیْ ءٌ.

وَ عَنِ الْحَسَنِ: أَنَّ دَوَاءَ الْإِصَابَهِ بِالْعَیْنِ أَنْ یُقْرَأَ وَ إِنْ یَکادُ الَّذِینَ کَفَرُوا السُّورَهَ(۲).

۱- ۱. الانفس جمع النفس، و المراد هاهنا: العین التی تصیب الإنسان، یقال: أصابت فلانا نفس: أی عین، و قال ابن الاعرابی: النفوس کصبور:

الذی یصیب الناس بالعین، أقول: و منه الحدیث:« و نفس نافس» کما مرّ فی العوذات.

۲- ۲. و ذکره فی المجمع أیضا راجع ج ۱۰ ص ۳۴۱.

**[ترجمه]الجوامع طبرسی: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هرگاه کسی چیزی ببیند که تحسین او را برانگیزد، بگوید: «خدا خدا هرچه خدا خواست، هیچ قدرتی به جز خدا نیست» هیچ ضرری متوجه آن نمی‌شود.

حسن نقل کرد: دوای چشم زخم خواندن این آیه است: « وَ إِنْ یَکادُ الَّذِینَ کَفَرُوا لَیُزْلِقُونَکَ بِأَبْصارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّکْرَ وَ یَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ: و آنانکه کافر شدند، چون قرآن را شنیدند چیزی نمانده بود که تو را چشم بزنند، و می گفتند: او واقعاً دیوانه ای است». - . در مجمع نیز آن را ذکر کرده است: مراجعه کن جلد ۱۰: ۳۴۱. -

**[ترجمه]

باب ۹۷ معنی جهد البلاء و الاستعاذه منه و من ضلع الدین و غلبه الرجال و بوار الأیم و طلب تمام النعمه و معناه و فضل قول یا ذا الجلال و الإکرام

الأخبار

«۱»

ل، [الخصال] أَبِی عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ النَّوْفَلِیِّ عَنِ السَّکُونِیِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: جَهْدُ الْبَلَاءِ أَنْ یُقَدَّمَ الرَّجُلُ فَیُضْرَبَ عُنُقُهُ صَبْراً وَ الْأَسِیرُ مَا دَامَ فِی وَثَاقِ الْعَدُوِّ وَ الرَّجُلُ یَجِدُ عَلَی بَطْنِ امْرَأَتِهِ رَجُلًا(۱).

مع، [معانی الأخبار] أبی عن سعد عن ابن هاشم عن النوفلی: مثله (۲).

**[ترجمه]الخصال: امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام نقل کردند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مصیبت جانکاه آن است که زمانی بر شخصی وارد شود، او از شدت صبر بر آن جان دهد، اسیری که در بند دشمن است، و مردی که مردی دیگر را بر شکم همسرش بیابد. - . الخصال: ۶۷ -

معانی الاخبار: مثل این حدیث آورده شده است: - . معانی الاخبار: ۳۴۰ -

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصال الْأَرْبَعُمِائَةِ] قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: سَلُوا اللَّهَ الْعَافِیَةَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ فَإِنَّ جَهْدَ الْبَلَاءِ ذَهَابُ الدِّینِ (۳).

وَ قَالَ علیه السلام: اسْتَعِیذُوا بِاللَّهِ مِنْ ضَلَعِ الدَّیْنِ وَ غَلَبَهِ الرِّجَالِ (۴).

**[ترجمه]الخصال: چهارصد امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: از خداوند بخواهید، عافیت از بلاهای جانکاه را به شما عطا فرماید؛ زیرا این مصیبت‌ها دین را از بین می‌برند. - . الخصال ۲: ۱۵۵ -

حضرت علیه السلام فرمودند: به خدا پناه ببرید از شر سنگینی قرض و غلبه مردان. - . الخصال ۲: ۱۶۲ -

**[ترجمه]

«۳»

مع، [معانی الأخبار] ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنِ السَّعْدَآبَادِيِّ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِّيِّ قَالَ: سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام الْكَاهِلِيُّ وَ

ص: ۱۳۴

۱- ۲. الخصال ج ۱ ص ۶۷.

۲- ۳. معانی الأخبار: ۳۴۰.

۳- ۴. الخصال ج ۲ ص ۱۵۵.

۴- ۵. الخصال ج ۲ ص ۱۶۲.

أَنَا عِنْدَهُ أَ كَانَ عَلِيٌّ علیه السلام يَتَعَوَّذُ مِنْ بَوَارِ الْأَيِّمِ فَقَالَ نَعَمْ وَ لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ إِنَّمَا كَانَ يَتَعَوَّذُ مِنَ الْعَاهَاتِ وَ الْعَامَّةُ يَقُولُونَ بَوَارِ الْأَيِّمِ وَ لَيْسَ كَمَا يَقُولُونَ (۱).

**[ترجمه]معانی الاخبار: عبدالملک قمی نقل کرد، من نزد امام صادق علیه السلام بودم که کاهلی از امام علیه السلام پرسیدند: آیا علی علیه السلام از ماندن زن بیوه در خانهپناه می‌جستند؟ فرمودند آری و نه آنطور که تو می‌گویی، بلکه ایشان ازفسادها پناه می‌جستند و عوام می... گویند ماندن زن بیوه در خانه و آنطور که می‌گویند، نیست. - . معانی الاخبار: ۳۴۳ -

**[ترجمه]

«۴»

مع، [معانی الأخبار] مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ تَمِيمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُهَاجِرٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْجَرِيرِيِّ عَنْ أَبِي الْوَرْدِ بْنِ يَمَامَةَ عَنِ اللَّجْلَاجِ عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ قَالَ: كُنْتُ مَعَ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَمَرَّ رَجُلٌ يَدْعُو وَ هُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَمَامَ النِّعْمَةِ فَقَالَ ابْنَ آدَمَ وَ هَلْ تَدْرِي مَا تَمَامُ النِّعْمَةِ الْخَلَاصُ مِنَ النَّارِ وَ دُخُولُ الْجَنَّةِ وَ مَرَّ علیه السلام بِرَجُلٍ وَ هُوَ يَدْعُو وَ يَقُولُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ فَقَالَ لَهُ قَدِ اسْتُجِيبَ لَكَ فَسَلْ (۲).

**[ترجمه]معانی الاخبار: معاذ بن جبل نقل کرد، من به همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودم و مردی گذشت و چنین دعا می‌کرد «خدایا من از تو نعمت کامل را می‌خواهم» حضرت فرمودند: ای فرزند آدم! آیا می‌دانی نعمت کامل چیست؟ رهایی از آتش و وارد شدن به بهشت و حضرت علیه السلام از کنار مردی گذشتند که دعا می‌کرد «یا ذاالجلال و الاکرام: ای صاحب شکوه و بزرگی) پس فرمودند: دعایت مستجاب شد پس حاجتت را بخواه. - . معانی الاخبار: ۲۲۹ -

**[ترجمه]

«۵»

ن، [عيون أخبار الرضا علیه السلام] بِالْأَسَانِيدِ الثَّلَاثَةِ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمُ الْحَاجَةَ فَلْيُبَكِّرْ فِي طَلَبِهَا يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ لْيَقْرَأْ إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ آخِرَ سُورَةِ آلِ عِمْرَانَ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ أُمَّ الْكِتَابِ فَإِنَّ فِيهَا قَضَاءَ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ(۳).

**[ترجمه]عيون أخبار الرضا: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هرگاه یکی از شما را کاری پیش آید ابتدای روز پنجشنبه را برای انجام آن اختصاص دهد و زمانی که از خانه خارج می‌شود، آیه آخر سوره آل عمران، آیه الکرسی، انا انزلناه فی لیله القدر، ام الکتاب را بخواند که حاجات دنیا و آخرت او روا گردد. - . عيون أخبار الرضا ۲: ۴۰ -

**[ترجمه]

«۶»

ل، [الخصال الْأَرْبَعُمِائَةِ] عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: مِثْلَهُ وَ فِيهِ بَعْدَ يَوْمِ الْخَمِيسِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ لْيَقْرَأْ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ الْآيَاتِ مِنْ آلِ عِمْرَانَ (۴).

**[ترجمه]الخصال: چهارصد، مثل این حدیث از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شد و در آن ذکر شده است، بعد از روز پنج شنبه: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خدایا بامداد روز پنج شنبه را برای امت من سرشار از خیر و برکت قرار ده و هنگام خروج از خانه، آیاتی از سوره آل عمران بخواند. - . الخصال ۲: ۱۶۲ -

**[ترجمه]

«۷»

مع، [معانی الأخبار] أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ حَکَمٍ الْحَنَّاطِ عَنِ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: النَّعِیمُ فِی الدُّنْیَا الْأَمْنُ وَ صِحَّهُ الْجِسْمِ وَ تَمَامُ النِّعْمَهِ فِی الْآخِرَهِ دُخُولُ الْجَنَّهِ وَ مَا تَمَّتِ النِّعْمَهُ عَلَی عَبْدٍ قَطُّ لَمْ یَدْخُلِ الْجَنَّهَ(۵).

ص: ۱۳۵

۱- ۱. معانی الأخبار: ۳۴۳.

۲- ۲. معانی الأخبار: ۲۲۹.

۳- ۳. عیون أخبار الرضا ج ۲ ص ۴۰.

۴- ۴. الخصال ج ۲ ص ۱۶۲.

۵- ۵. معانی الأخبار ص ۴۰۸.

**[ترجمه]معانی الاخبار: امام صادق علیه السلام فرمودند: نعمت‌های این دنیا: امنیت و سلامتی است و اوج نعمت‌ها در آخرت وارد شدن به بهشت است و بنده‌ای که به بهشت نمی‌رود هرگز نعمت‌ها بر او تمام نگشت. - . معانی الاخبار: ۴۰۸ -

**[ترجمه]

باب ۹۸ الدعاء لدفع وساوس الشیطان

الأخبار

«۱»

ل، [الخصال الْأَرْبَعُمِائَةِ] قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: إِذَا وَسْوَسَ الشَّیْطَانُ إِلَی أَحَدِکُمْ فَلْیَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ وَ لْیَقُلْ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ مُخْلِصاً لَهُ الدِّینَ (۱).

**[ترجمه]الخصال: چهارصد: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هرگاه کسی از شما به وسوسه شیطان دچار شد به خدا پناه برد و بگوید: به خدا و رسول او ایمان آوردم و دین را برای او خالص گردانیدم. - . الخصال ۲: ۱۶۳ -

**[ترجمه]

«۲»

لی، [الأمالی] للصدوق ابْنُ شَاذَوَیْهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ یَزِیدَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ عِکْرِمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: لَمَّا أَنْ بَعَثَ اللَّهُ عِیسَی علیه السلام تُعْرَضُ لَهُ الشَّیْطَانُ فَوَسْوَسَهُ فَقَالَ عِیسَی علیه السلام سُبْحَانَ اللَّهِ مِلْ ءَ سَمَاوَاتِهِ وَ أَرْضِهِ وَ مِدَادَ کَلِمَاتِهِ وَ زِنَةَ عَرْشِهِ وَ رِضَا نَفْسِهِ قَالَ فَلَمَّا سَمِعَ إِبْلِیسُ ذَلِکَ ذَهَبَ عَلَی وَجْهِهِ لَا یَمْلِکُ مِنْ نَفْسِهِ شَیْئاً حَتَّی وَقَعَ فِی اللُّجَّةِ الْخَضْرَاءِ(۲).

**[ترجمه]أمالی: ابن عباس نقل کرد: زمانی که خدا و حضرت عیسی علیه السلام را به پیامبری برانگیخت،شیطان بر او عارض شد و او را وسوسه کرد، حضرت عیسی علیه السلام خواند: «پاک و منزه است خدا به آکندگی آسمان‌ها و زمین او و گستردگی کلماتش و سنگینی عرشش و رضایت خودش» نقل کرد: وقتی ابلیس آن را شنید، چنان فرار کرد و نتوانست خود را کنترل کند تا در مردابی سبز رنگ افتاد. - . أمالی الصدوق: ۱۲۲ -

**[ترجمه]

أقول

تمامه فی باب أحوال عیسی علیه السلام (۳).

**[ترجمه]صورت کامل این حدیث در باب احوال عیسی علیه السلام است. - . مراجعه کن ج ۱۴: ۲۷۰ -

**[ترجمه]

«۳»

مکا، [مکارم الأخلاق]: لِوَسْوَسِهِ الْقَلْبِ يَقُولُ فَإِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجِيمِ وَ يَقْرَأُ الْمُعَوِّذَتَيْنِ.

وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: إِذَا وَسْوَسَ الشَّيْطَانُ لِأَحَدِكُمْ فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ وَ لْيَقُلْ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ (۴)

لِضِيقِ الْقَلْبِ يَقْرَأُ سَبْعَهَ عَشَرَ يَوْماً أَ لَمْ نَشْرَحْ إِلَى آخِرِهِ كُلَّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ مَرَّهً بِالْغَدَاهِ وَ مَرَّهً بِالْعِشَاءِ(۵).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: رفع وسوسه‌های قلب: «هرگاه قرآن می‌خوانی از شر شیطان رانده شده به خداوند پناه ببر» و سوره‌های قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را بخواند .

امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هرگاه شخصی از شما به وسوسه‌های شیطانی دچار شد، به خدا پناه برد و با زبان و قلب خود بگوید: «به خدا و رسول او ایمان آوردم و دین خود را برای او خالص گردانیدم». - . مکارم الاخلاق: ۴۳۳ -

برای تنگی قلب: روزی دوبار: یک بار صبح و یک بار شب، سوره «ألم نشرح» را در طی هفده روز بخواند. - . مکارم الاخلاق: ۴۳۳ -

**[ترجمه]

«۴»

نُقِلَ مِنْ خَطِّ الشَّهِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله: أَنَّ الشَّيْطَانَ اثْنَانِ

۱- ۱. الخصال ج ۲ ص ۱۶۳.

۲- ۲. أمالي الصدوق: ۱۲۲.

۳- ۳. راجع ج ۱۴ ص ۲۷۰.

۴- ۴. مكارم الأخلاق ص ۴۳۳.

۵- ۵. مكارم الأخلاق ص ۴۳۴.

شَيْطَانُ الْجِنِّ وَ يَبْعُدُ بِلَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ شَيْطَانُ الْإِنْسِ وَ يَبْعُدُ بِالصَّلَاهِ عَلَى النَّبِيِّ وَ آلِهِ.

وَ مِنْهُ عَنْ أَبِي زُمَيْلٍ قَالَ: سَأَلْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ عَمَّا يَجِدُ الْإِنْسَانُ فِي صَدْرِهِ مِنَ الشَّكِّ فَقَالَ مَا نَجَا مِنْ ذَلِكَ أَحَدٌ وَ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ إِذَا وَجَدْتَ ذَلِكَ فَقُلْ هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْ ءٍ عَلِيمٌ.

وَ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ أَبِي الْعَاصِ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ حَالَ الشَّيْطَانُ بَيْنَ صَلَاتِي وَ قِرَاءَتِي قَالَ ذَلِكَ شَيْطَانٌ يُقَالُ لَهُ خَيْزَبُ فَإِذَا أَحْسَسْتَ بِهِ فَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْهُ وَ اتْفُلْ عَنْ يَسَارِكَ ثَلَاثاً.

**[ترجمه]به نقل از خط شهید رحمه الله: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: شیاطین دو دسته‌اند: شیطان جن که با لا حول و لا قوه إلا بالله: هیچ دگرگونی و قدرتی جز خدا نیست، دور می‌شوند و دیگری شیطان آدمیان که با صلوات بر پیامبر و خاندان او دفع می‌گردد.

ابی زمیل نقل کرد از ابن عباس در مورد شک‌هایی که انسان در سینه خود احساس می‌کند پرسیدم، جواب داد، کسی از آن نجات نیافت و خداوند نازل کرده است: «فإن کنت فی شک: اگر در شک بودی» - . طب الائمه: ۲۷ -

هرگاه چنین احساسی داشتی بگو: «هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن و هو بکل شیءٍ علیم: اوست اول و آخر و ظاهر و باطن و او به هر چیزی داناست».

عثمان بن ابی العاص گفت: ای رسول خدا، شیطان میان نمازم و قرائتم حائل می‌شود، پیامبر اکرم فرمودند: این شیطانی است که به او خیزب می‌گویند، هرگاه آن را احساس کردی از خداوند به او پناه ببر و سه بار در سمت چپ خویش آب دهان بیانداز .

**[ترجمه]

باب ۹۹ الدعاء لوساوس الصدر و بلابله و لرفع الوحشه.

الأخبار

«۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] أَبُو الْقَاسِمِ التَّفْلِيسِيُّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ السِّجِسْتَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي أَجِدُ بَلَابِلَ فِي صَدْرِي وَ وَسَاوِسَ فِي فُؤَادِي حَتَّى لَرُبَّمَا قَطَعَ صَلَاتِي وَ شَوَّشَ عَلَيَّ قِرَاءَتِي قَالَ وَ أَيْنَ أَنْتَ مِنْ عُوذَهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ عَلِّمْنِي قَالَ إِذَا أَحْسَسْتَ بِشَيْ ءٍ مِنْ ذَلِكَ فَضَعْ يَدَكَ عَلَيْهِ وَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ مَنَنْتَ عَلَيَّ بِالْإِيمَانِ وَ أَوْدَعْتَنِي الْقُرْآنَ وَ رَزَقْتَنِي صِيَامَ شَهْرِ رَمَضَانَ فَامْنُنْ عَلَيَّ بِالرَّحْمَهِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الرَّأْفَهِ وَ الْغُفْرَانِ وَ تَمَامِ مَا أَوْلَيْتَنِي مِنَ النِّعَمِ وَ الْإِحْسَانِ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا دَائِمُ يَا رَحْمَانُ سُبْحَانَكَ وَ لَيْسَ لِي أَحَدٌ سِوَاكَ سُبْحَانَكَ أَعُوذُ بِكَ بَعْدَ هَذِهِ الْكَرَامَاتِ مِنَ الْهَوَانِ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُجْلِيَ عَنْ قَلْبِي الْأَحْزَانَ تَقُولُهَا ثَلَاثاً فَإِنَّكَ تُعَافَى مِنْهَا بِعَوْنِ اللَّهِ تَعَالَى ثُمَّ تُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ (۱).

۱- ۱. طبّ الأئمّه: ۲۷.

**[ترجمه]طب الائمه: حریز بن عبدالله نقل کرد از امام صادق علیه السلام پرسیدم ای فرزند رسول خدا، من آشوب‌هایی را در سینه و وسوسه‌هایی را در دل خود احساس می‌کنم و چه بسا که سبب قطع نمازم شود یا قرائتم را بر من آشفته گرداند، فرمودند: چرا تعویذ امیر مؤمنان علیه السلام را به کار نمی‌گیری؟ عرض کردم: ای فرزند رسول خدا آن را به من بیاموزید، فرمودند: هرگاه چنین احساسی داشتی، دستت را بر سینه‌ات قرار ده و بگو «به نام خدا و با استعانت از خدا، خدا به واسطه ایمان بر من منت نهادی و قرآن را نزد من ودیعه نهادی، و روزه ماه رمضان را روزی‌ام نمودی پس رحمت، رضایت، مهربانی و آمرزش را نیز به من ارزانی دار و نعمت‌ها و نیکی‌هایت را در حق من، کامل گردان، ای مهربان و ایبخشنده و ای پاینده و بخشایشگر، پاک و منزهی و من کسی جز تو ندارم و پاک و منزهی بعد از این کرامت‌ها از خواری به تو پناه می‌برم و از تو می‌خواهم اندوه‌ها را از قلبم بزدایی» آن را سه مرتبه می‌خوانی که به یاری خداوند متعال عافیت خواهی یافت. سپس بر پیامبر درود می‌فرستی و السلام علیهم و رحمه الله. - . طب الائمه: ۲۷ -

**[ترجمه]

بیان

قوله علیه السلام فضع یدک علیه أی علی الفؤاد کما یظهر من الخبر الآتی أیضا و لما کان الصدر محلا للفؤاد فینبغی وضع الید علی الصدر.

**[ترجمه]منظور از فرمایش حضرت علیه السلام از «دستت را بر دل بگذار» بر اساس روایت بعدی این است که دستت را بر سینه قرار ده که جایگاه دل است.

**[ترجمه]

«۲»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَلِیُّ بْنُ مَاهَانَ عَنْ سَرَّاجٍ مَوْلَی الرِّضَا علیه السلام عَنْ جَعْفَرِ بْنِ دَیْلَمٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِیدِ عَنِ الْحَلَبِیِّ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ علیه السلام إِنِّی إِذَا خَلَوْتُ بِنَفْسِی تَدَاخَلَنِی وَحْشَةٌ وَ هَمٌّ وَ إِذَا خَالَطْتُ النَّاسَ لَا أُحِسُّ بِشَیْ ءٍ مِنْ ذَلِکَ فَقَالَ ضَعْ یَدَکَ عَلَی فُؤَادِکَ وَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ ثُمَّ امْسَحْ یَدَکَ عَلَی فُؤَادِکَ وَ قُلْ أَعُوذُ بِعِزَّهِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِقُدْرَهِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِعَظَمَهِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ عَلَی نَفْسِی تَقُولُ ذَلِکَ سَبْعَ مَرَّاتٍ قَالَ فَفَعَلْتُ ذَلِکَ فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَنِّی الْوَحْشَهَ وَ أَبْدَلَنِی الْأُنْسَ وَ الْأَمْنَ (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: زمانی که تنهایم احساس ترس و اندوه می‌کنم و چنانچه با مردم معاشرت کنم دیگر این احساس را ندارم، فرمودند: دستت را بر قلبت قرار ده و بگو «به نام خدا به نام خدا به نام خدا» سپس دستت را بر قلبت بکش و بگو «پناه می‌برم به عزت خدا، پناه می‌برم به قدرت خدا، پناه می‌برم به شکوه خدا، پناه می‌برم به عظمت خدا، پناه می‌برم به جمع خدا، پناه می‌برم به رسول خدا پناه می‌برم به نام‌های خدا از شر آنچه می‌ترسم و بر خود از آن بیم دارم» آن را هفت مرتبه می‌گویی، نقل کرد: چنین کردم، خداوند ترس را از من زدود و الفت و آسایش را جایگزین آن نمود. - . طب الائمه: ۱۱۷ -

**[ترجمه]

«۳»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] الْحُسَیْنُ بْنُ بِسْطَامَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَلَفٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: شَکَا رَجُلٌ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام کَثْرَهَ التَّمَنِّی وَ الْوَسْوَسَهِ فَقَالَ أَمِرَّ یَدَکَ عَلَی صَدْرِکَ ثُمَّ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ امْسَحْ عَنِّی مَا أَحْذَرُ ثُمَّ أَمِرَّ یَدَکَ عَلَی بَطْنِکَ وَ قُلْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَی یَمْسَحُ عَنْکَ وَ یَصْرِفُ قَالَ الرَّجُلُ فَکُنْتُ کَثِیراً مَا أَقْطَعُ صَلَاتِی مِمَّا یُفْسِدُ عَلَیَّ التَّمَنِّیَ وَ الْوَسْوَسَهَ فَفَعَلْتُ مَا أَمَرَنِی بِهِ سَیِّدِی وَ مَوْلَایَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَصَرَفَ اللَّهُ عَنِّی وَ عُوفِیتُ مِنْهُ فَلَمْ أُحِسَّ بِهِ بَعْدَ ذَلِکَ (۲).

**[ترجمه]طب الائمه: شخصی نزد امام صادق علیه السلام از بسیاری وسوسه‌ها و آرزوها شکایت نمود، فرمودند: دستت را بر سینه بگردان و بگو: «به نام خدا و با استعانت از خدا، محمد رسول خداست، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمی‌پذیرد، خدایا هر آنچه که از آن بیم دارم از از بین ببر.» سپس دستت را بر شکمت بگردان و آن را سه مرتبه بگو، به راستی که خداوند آن را از تو می‌زداید و برطرف می‌نماید، آن مرد گفت: بسیاری از اوقات نماز خود را می‌شکستم به جهت وسوسه‌ها و آرزوهایی که نمازم را باطل می... کردند. پس آن دعا را طبق آنچه مولا و سرورم به من امر نمودند، خواندم و خداوند آن را از من دور ساخت و از آن عافیت یافتم و دیگر آن را احساس نکردم. - . طب الائمه: ۱۱۷ -

**[ترجمه]

باب ۱۰۰ ما یتعلق بأدعیه السیف

الأخبار

«۱»

ق، [الکتاب العتیق الغروی]: رُقْعَهُ السَّیْفِ وَجَدْتُ فِی قَائِمِ سَیْفِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام وَ کَانَتْ أَیْضاً فِی قَائِمِ سَیْفِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ هِیَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ بِاللَّهِ بِاللَّهِ بِاللَّهِ أَسْأَلُکَ یَا مَلِکَ الْمُلُوکِ الْأَوَّلَ الْقَدِیمَ الْأَبَدِیَّ الَّذِی

ص: ۱۳۸

۱- ۱. طبّ الأئمّه: ۱۱۷.

۲- ۲. طبّ الأئمّه: ۱۱۷.

لَا یَزُولُ وَ لَا یَحُولُ أَنْتَ اللَّهُ الْعَظِیمُ الْکَافِی کُلَّ شَیْ ءٍ الْمُحِیطُ بِکَلِّ شَیْ ءٍ اللَّهُمَّ اکْفِنِی بِاسْمِکَ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِی لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً أَحَدٌ احْجُبْ عَنِّی شُرُورَهُمْ وَ شُرُورَ الْأَعْدَاءِ کُلِّهِمْ وَ سُیُوفِهِمْ وَ بَأْسَهُمْ وَ اللَّهُ مِنْ وَرائِهِمْ مُحِیطٌ اللَّهُمَّ احْجُبْ عَنِّی شَرَّ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ بِحِجَابِکَ الَّذِی احْتَجَبْتَ بِهِ فَلَمْ یَنْظُرْ إِلَیْهِ أَحَدٌ مِنْ شَرِّ فَسَقَهِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ سِلَاحِهِمْ وَ مِنَ الْحَدِیدِ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ مَا نَتَخَوَّفُ وَ نَحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ شِدَّهٍ وَ بَلِیَّهٍ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ بِهِ أَعْلَمُ وَ عَلَیْهِ أَقْدَرُ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً کَثِیراً.

**[ترجمه]العتیق الغروی: رقعه شمشیر که در قبضه شمشیر امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه الصلوه و السلام یافتم و در قبضه شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز وجود داشت و آن: «به نام خداوند بخشایشگر مهربان، با استعانت از خدا، با استعانت از خدا از تو می‌خواهم ای دیرینه و همیشگی، ای کسی که از بین نمی‌رود و تغییر نمی‌پذیرد. تو آن خدای بزرگی که همه چیز را کفایت می کنی و به همه چیز احاطه داری. خدایا به نام بزرگ و باشکوه یگانه یکتا بی نیازی که نزاییـد و زاییـده نشـد و هیچ همتایی ندارد، مرا کفایت کن، شر آنان و تمامی دشمنان و شمشیرها و قدرتشان را از من دور بدار، و خداوند از پشت سر بر آنها احاطه دارد، خدایا میان من و کسانی که بدی مرا می‌خوانند، حجاب خود را قرار ده که کسی بر آن نگاهی نمی اندازد از قبیل جنیان و آدمیان فاسق و سلاح آنان و آهن و هر شری که از آن می‌ترسیم و بیم داریم و از شر تمامی سختی‌ها و بلاها و از شر آنچه تو بـدان آگاهی و بر آن توانایی، به راستی تو به هر چیزی توانایی و درود و سلام فراوان خدا بر پیامبرش محمد و خاندان او .

**[ترجمه]

باب ۱۰۱ ما یدفع الحرق و الهدم

الأخبار

«۱»

کشف، [کشف الغمه] مِنْ کِتَابِ عَبْدِ الْعَزِیزِ الْجَنَابِذِیِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا رَأَیْتُمُ الْحَرِیقَ فَکَبِّرُوا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَی یُطْفِیهِ (۱).

**[ترجمه]کشف الغمه: رسول خـدا صلی الله علیه و آله فرمودنـد: زمانی که آتش‌سوزی دیدیـد الله اکبر بگویید، به راستی که خداوند آن را خاموش می گرداند. - . کشف الغمه: ۳۸۳ -

**[ترجمه]

باب ۱۰۲ الدعاء لمن یخاف السرق أو الهدم أو الحرق

الأخبار

«۱»

مکا، [مکارم الأخلاق]: فِیمَنْ یَخَافُ السَّارِقَ یَقْرَأُ عَلَی الْحَلَقِ وَ الْقُفْلِ قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمنَ إِلَی آخِرِ السُّورَهِ(۲).

۱- ۱. کشف الغمّه ج ۲ ص ۳۸۳.
۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۰۳. و الآیه فی الاسراء ۱۱۰- ۱۱۱.

**[ترجمه]مكارم الاخلاق: برای آنكس كه ترس از دزد دارد: بر حلقه ها و قفل بخوانـد: «بگو بخوانیـد خـدایا بخوانیـد بخشایشگر را» تا آخر سوره. - . مكارم الاخلاق: ۴۰۳، اسراء/۱۱۱ — ۱۱۰ -

**[ترجمه]

باب ۱۰۳ الدعاء لدفع السموم و الموذیات و السباع و معنی السامه و الهامه و العامه و اللامه

الأخبار

«۱»

لی، [الأمـالی] للصـدوق ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنِ السَّعْدَآبَادِیِّ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ أَبِی جَمِیلَهَ عَنْ أَبِی طَرِیفٍ عَنِ ابْنِ نُبَاتَهَ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ: إِنَّ الْیَهُودَ أَتَتِ امْرَأَهً مِنْهُمْ یُقَالُ لَهَا عَبْدَهُ فَقَالُوا یَا عَبْدَهُ قَدْ عَلِمْتِ أَنَّ مُحَمَّداً قَدْ هَدَّ رُكْنَ بَنِی إِسْرَائِیلَ وَ هَدَمَ الْیَهُودِیَّهَ وَ قَدْ غَالَی الْمَلَأُ مِنْ بَنِی إِسْرَائِیلَ بِهَذَا السَّمِّ لَهُ (۱)

وَ هُمْ جَاعِلُونَ لَكِ جُعْلًا عَلَی أَنْ تسمیه [تُسَمِّمَهُ] فِی هَذِهِ الشَّاهِ فَعَمَدَتْ عَبْدَهُ إِلَی الشَّاهِ فَشَوَتْهَا ثُمَّ جَمَعَتِ الرُّؤَسَاءَ فِی بَیْتِهَا وَ أَتَتْ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَتْ یَا مُحَمَّدُ قَدْ عَلِمْتَ مَا تُوجِبُ لِی مِنْ حَقِّ الْجِوَارِ وَ قَدْ حَضَرَنِی رُؤَسَاءُ الْیَهُودِ فَزَیِّنِّی بِأَصْحَابِكَ.

فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ مَعَهُ عَلِیٌّ علیه السلام وَ أَبُو دُجَانَهَ وَ أَبُو أَیُّوبَ وَ سَهْلُ بْنُ حُنَیْفٍ وَ جَمَاعَهٌ مِنَ الْمُهَاجِرِینَ فَلَمَّا دَخَلُوا وَ أَخْرَجَتِ الشَّاهَ سَدَّتِ الْیَهُودُ آنَافَهَا بِالصُّوفِ وَ قَامُوا عَلَی أَرْجُلِهِمْ وَ تَوَكَّئُوا عَلَی عِصِیِّهِمْ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله اقْعُدُوا فَقَالُوا إِنَّا إِذَا زَارَنَا نَبِیٌّ لَمْ یَقْعُدْ مِنَّا أَحَدٌ وَ كَرِهْنَا أَنْ یَصِلَ إِلَیْهِ مِنْ أَنْفَاسِنَا مَا یَتَأَذَّی بِهِ وَ كَذَبَتِ الْیَهُودُ عَلَیْهَا لَعْنَهُ اللَّهِ إِنَّمَا فَعَلَتْ ذَلِكَ مَخَافَهَ سَوْرَهِ السَّمِّ وَ دُخَانِهِ فَلَمَّا وُضِعَتِ الشَّاهُ بَیْنَ یَدَیْهِ تَكَلَّمَ كَتِفُهَا فَقَالَتْ مَهْ یَا مُحَمَّدُ لَا تَأْكُلْنِی فَإِنِّی مَسْمُومَهٌ فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَبْدَهَ فَقَالَ مَا حَمَلَكِ عَلَی مَا صَنَعْتِ فَقَالَتْ قُلْتُ إِنْ كَانَ نَبِیّاً لَمْ یَضُرَّهُ وَ إِنْ كَانَ كَاذِباً أَوْ سَاحِراً أَرَحْتُ قَوْمِی مِنْهُ فَهَبَطَ جَبْرَئِیلُ علیه السلام فَقَالَ السَّلَامُ یُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ یَقُولُ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی یُسَمِّیهِ بِهِ كُلُّ مُؤْمِنٍ وَ بِهِ عِزُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ بِنُورِهِ الَّذِی أَضَاءَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ بِقُدْرَتِهِ الَّتِی

۱- ۱. غالاه بالثمن مغالاه: اشتراه بثمن غال.

خَضَعَ لَهَا كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ انْتَكَسَ كُلُّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ مِنْ شَرِّ السَّمِّ وَ السِّحْرِ وَ اللَّمَمِ بِسْمِ الْعَلِيِّ الْمَلِكِ الْفَرْدِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَساراً.

فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله ذَلِكَ وَ أَمَرَ أَصْحَابَهُ فَتَكَلَّمُوا بِهِ ثُمَّ قَالَ كُلُوا ثُمَّ أَمَرَهُمْ أَنْ يَحْتَجِمُوا(۱).

**[ترجمه]أمالی: امام علی علیه السلام فرمودند: یهود به نزد زنی از قوم خود به نام عبده رفتند و گفتند: ای عبده، دانسته‌ای که محمد ستون بنی اسرائیل را در هم شکست و یهود را ویران ساخت و بنی اسرائیل هزینه زیادی بابت سمی برای او پرداختند و آنها تو را برگزیدند تا این گوسفند را با این سم آلوده کنی و عبده نیز آن گوسفند را به سم آغشته نمود، سپس بزرگان در خانه او گرد هم آمدند و عبده نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای محمد، دانستم در همسایگی، چه چیز بر من واجب است، بزرگان یهود نزد من آمده‌اند، پس خانه مرا با یارانت زینت ببخش.

رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاستند و علی علیه السلام و ابو دجانه و ابو ایوب و سهل بن حنیف و گروهی از مهاجران او را همراهی کردند، زمانی که داخل شدند و گوسفند آورده شد، یهودیان بینی‌های خود را با پشم گرفته بودند و روی پا ایستادند و بر عصاهاشان تکیه زدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنها فرمود: بنشینید، گفتند: زمانی که پیامبری به دیدار ما بیاید کسی از ما نمی‌نشیند و خوش نداریم از نفس‌های ما چیزی به او برسد که اذیت شود، یهود دروغ گفتند لعنت خدا بر آنها، بلکه آن کار را به خاطر ترس از برجستن سم و دود آن انجام دادند.

زمانی که گوسفند در مقابل پیامبر اکرم نهاده شد، شانه آن به زبان آمد و چنین گفت: دست نگه دار ای محمد، از من نخور؛ زیرا من آلوده به سم هستم، رسول خدا صلی الله علیه و آله عبده را صدا زد و فرمود: چه چیز سبب شد تا چنین کنی؟ عبده گفت: من گفتم اگر او پیامبر باشد به او آسیبی نرساند و اگر دروغ‌گو یا جادوگر باشد قوم خود را از دست او راحت کنم، جبرئیل علیه السلام نازل شد و فرمود: خداوند رحمت، تو را سلام رساند، و می‌گوید: بگو: «به نام خدایی که هر مؤمنی او را بدان نام می‌خواند و هر مؤمنی بدان عزیز گشت و به نور او که آسمان‌ها و زمین بدان نورانی گشت و به قدرتش که تا هر سختی در برابر آن تسلیم شد، و هر شیطان سرکشی شکست خورد، از شر سم و جادو و دیوانگی به نام آن بلندمرتبه پادشاه بی‌نظیری که خدایی جز او نیست و از قرآن آنچه برای مؤمنان شفا و رحمت است را نازل می‌کنیم و بر ظالمان جز خسارت نیافزاید».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را خواند و بر اصحاب خود امر نمودند تا آن را بخوانند سپس فرمودند: بخورید سپس به آنها دستور داد تا حجامت کنند. - . امالی صدوق: ۱۳۵ و در مناقب ج ۱: ۹۱ -

**[ترجمه]

«۲»

مع، [معانی الأخبار] أَبِی عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ السَّامَّةِ وَ الْهَامَّةِ وَ الْعَامَّةِ وَ اللَّامَّةِ فَقَالَ السَّامَّةُ الْقَرَابَةُ وَ الْهَامَّةُ هَوَامُّ الْأَرْضِ وَ اللَّامَّةُ لَمَمُ الشَّيَاطِينِ وَ الْعَامَّةُ عَامَّةُ النَّاسِ (۲).

**[ترجمه]معانی الاخبار: از امام صادق علیه السلام درباره این فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیده شد: «پناه می‌برم به تو از شر سامه و هامه و عامه و لامه» امام فرمودند: سمی‌ها، خویشاوندان‌اند و هامه، خزندگانو لامه، دیوانگی های شیطانی و عامه، عموم مردم هستند. - . معانی الاخبار: ۱۷۳ -

**[ترجمه]

«۳»

ل، [الخصال الْأَرْبَعُمِائَةِ] قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: مَنْ خَافَ مِنْكُمُ الْأَسَدَ عَلَى نَفْسِهِ وَ غَنَمِهِ فَلْيَخُطَّ عَلَيْهَا خَطَّةً وَ لْيَقُلِ اللَّهُمَّ رَبَّ دَانِيَالَ وَ الْجُبِّ رَبَّ كُلِّ أَسَدٍ مُسْتَأْسِدٍ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ غَنَمِي وَ مَنْ خَافَ مِنْكُمُ الْعَقْرَبَ فَلْيَقْرَأْ هَذِهِ الْآيَاتِ سَلامٌ عَلى نُوحٍ فِي الْعالَمِينَ إِنَّا كَذلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّهُ مِنْ عِبادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (۳).

**[ترجمه]الخصال: چهارصد، امير مؤمنان علیه السلام فرمودند: هر كس از شما از حمله شير بر جان و گوسفندانش می‌ترسد، پس بر آن خطی بكشد و بگويد: «خدايا ای پروردگار دانيال و چاه، پروردگار هر شير بی باكی من و گوسفندانم را حفظ كن».

و هر كس از عقرب بيم دارد، اين آيات را بخواند «سَلامٌ عَلى نُوحٍ فِي الْعالَمِينَ إِنَّا كَذلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّهُ مِنْ عِبادِنَا الْمُؤْمِنِين: درود بر نوح در ميان جهانيان. ما نيكوكاران را چنين پاداش می دهيم در حقيقت، او از بندگان با ايمان ما بود». - . الخصال ۲: ۱۶۰ -

**[ترجمه]

«۴»

ص، [قصص الأنبياء علیهم السلام] الصَّدُوقُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ مُصْعَبٍ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا أَرَادَ حَاجَةً أَبْعَدَ فِي الْمَشْيِ فَأَتَى يَوْماً وَادِياً لِحَاجَةٍ فَنَزَعَ خُفَّهُ وَ قَضَى حَاجَتَهُ ثُمَّ تَوَضَّأَ وَ أَرَادَ لُبْسَ خُفِّهِ فَجَاءَ طَائِرٌ أَخْضَرُ فَحَمَلَ الْخُفَّ فَارْتَفَعَ بِهِ ثُمَّ طَرَحَهُ فَخَرَجَ مِنْهُ أَسْوَدُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله هَذِهِ كَرَامَةٌ أَكْرَمَنِيَ اللَّهُ بِهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَنْ يَمْشِي عَلى بَطْنِهِ وَ مِنْ شَرِّ مَنْ يَمْشِي عَلى رِجْلَيْنِ وَ مِنْ

ص: ۱۴۱

۱- ۱. أمالي الصدوق: ۱۳۵، و تراه في المناقب ج ۱ ص ۹۱ في ط و ص ۸۱ في ط.

۲- ۲. معاني الأخبار: ۱۷۳، و قد مر معنى السامه و الهامه و العامّه لغه.

۳- ۳. الخصال ج ۲ ص ۱۶۰.

شَرِّ مَنْ يَمْشِي عَلى أَرْبَعٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ.

**[ترجمه]قصص الانبياء: ابن عباس نقل کرد: رسول خدا صلى الله عليه و آله برای قضای حاجت به نقاط دوری می‌رفتند. روزی به یک وادی برای قضای حاجت وارد شدندو کفش خود را درآوردند و بعد از قضای حاجت، وضو گرفتند و هنگامی که خواستند آن را بپوشند پرنده سبز رنگی آمد و کفش را برداشت و آن را بالا برد و سپس انداخت. چیز سیاهرنگی از آن خارج شد، پس رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمودند: این کرامتی است که خداوند مرا بدان بزرگ داشت. خدایا پناه می‌برم به تو از شر موجوداتی که بر شکم می‌خزند و از موجوداتی که بر دو پا راه می‌روند و از شر موجوداتی که بر چهار دست و پا راه می‌روند، و از گزند هر صاحب شرّی و از شرّ هر موجودی که اختیارش به دست توست، پروردگارم به راه مستقیم است.

**[ترجمه]

«۵»

یج، [الخرائج و الجرائح] رُوِيَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهِلِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا رَأَيْتَ السَّبُعَ مَا تَقُولُ لَهُ قُلْتُ لَا أَدْرِي قَالَ إِذَا لَقِيتَهُ فَاقْرَأْ فِي وَجْهِهِ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ قُلْ عَزَمْتُ عَلَيْكَ بِعَزِيمَةِ اللَّهِ وَ عَزِيمَةِ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَزِيمَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ عَزِيمَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ إِلَّا تَنَحَّيْتَ عَنْ طَرِيقِنَا وَ لَمْ تُؤْذِنَا فَإِنَّا لَا نُؤْذِيكَ قَالَ فَنَظَرْتُ إِلَيْهِ وَ قَدْ طَأْطَأَ رَأْسَهُ وَ أَدْخَلَ ذَنَبَهُ بَيْنَ رِجْلَيْهِ وَ رَكِبَ الطَّرِيقَ رَاجِعاً مِنْ حَيْثُ جَاءَ(۱).

طا، [الأمان] من كتاب الدلائل للنعمانی عنه عليه السلام: مثله.

**[ترجمه]الخرائج و الجرائح: عبد الدین یحیی کاهلی نقل کرد امام صادق عليه السلام به من فرمودند: اگر درنده‌ای ببینی چه می گویی؟ عرض کردم: نمی‌دانم، فرمودند: هر گاه آن را دیدی در مقابل او، آیه الکرسی را بخوان و بگو «تو را به خدا، رسول خدا و سلیمان بن داود و امیر مؤمنان و امامان بعد از او قسم می‌دهم که از سر راه ما کنار بکشی و ما را آزار نرسانی زیرا ما به تو آزاری نمی‌رسانیم.» نقل کرد: به آن نگاه کردم، سرش را به زیر انداخت و دمش را میان دو پایش قرار داد و از همان راهی که آمد بازگشت. - . الخرائج و الجرائح: ۲۳۱ و المناقب ۳: ۳۵۰، کشف الغمه۲: ۴۱۷ -

امان الاخطار: مثل این حدیث را کتاب الدلائل تألیف نعمانیّ و از امام صادق عليه السلام ذکر شده است.

**[ترجمه]

«۶»

سن، [المحاسن] مُوسَى بْنُ الْقَاسِمِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: مَنْ نَزَلَ مَنْزِلًا يَتَخَوَّفُ عَلَيْهِ السَّبُعَ فَقَالَ أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مِنْ شَرِّ كُلِّ سَبُعٍ أَمِنَ مِنْ شَرِّ ذَلِكَ السَّبُعِ حَتَّى يَرْحَلَ مِنْ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ بِإِذْنِ اللَّهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ (۲).

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمودند: هر کس جایی منزل کند و از درندگان بر آن بیم داشته باشد، بگوید «گواهی می‌دهم خدایی جز خدای یکتا نیست یکتاست و شریکی ندارد، فرمانروایی از اوست و سپاس مخصوص اوست و خیر تنها به دست اوست، و او بر هر چیزی تواناست از شر هر حیوان درنده‌ای» تا وقتی که در آن منزل است، از شر درندگان ایمن خواهد بود به اذن خدا، إنشاءالله. - . المحاسن: ۳۶۷ -

**[ترجمه]

«۷»

سن، [المحاسن] ابْنُ فَضَّالٍ عَنْ أَبِی جَمِیلَهَ عَنْ ثُوَیْرِ بْنِ أَبِی فَاخِتَهَ عَنْ أَبِیهِ قَالَ: کَانَ جَعْدَهُ بْنُ أَبِی هُبَیْرَهَ یَبْعَثُنِی إِلَی سُورا فَذَکَرْتُ ذَلِکَ لِأَبِی الْحَسَنِ علیه السلام فَقَالَ سَأُعَلِّمُکَ مَا إِذَا قُلْتَهُ لَمْ یَضُرَّکَ الْأَسَدُ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ دَانِیَالَ وَ الْجُبِّ مِنْ شَرِّ هَذَا الْأَسَدِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قَالَ فَخَرَجْتُ فَإِذَا هُوَ بَاسِطٌ ذِرَاعَیْهِ عِنْدَ الْجِسْرِ فَلَمْ یَعْرِضْ لِی وَ مَرَّتْ بَقَرَاتٌ فَعَرَضَ لَهُنَّ وَ ضَرَبَ بَقَرَهً وَ قَدْ سَمِعْتُ أَنَا مَنْ یَقُولُ اللَّهُمَّ رَبَّ دَانِیَالَ وَ الْجُبِّ اصْرِفْهُ عَنِّی (۳).

ص: ۱۴۲

۱- ۱. الخرائج و الجرائح ص ۲۳۱، و تراه فی المناقب ج ۳ ص ۳۵۰، و نقله فی کشف الغمّه ج ۲ ص ۴۱۷، و للحدیث ذیل راجعه.

۲- ۲. المحاسن: ۳۶۷.

۳- ۳. المحاسن: ۳۶۸، و سوری کطوبی: موضع بالعراق و هو من بلد السریانیین و موضع من اعمال بغداد، و قد یمد، قاله الفیروزآبادی.

**[ترجمه]محاسن: ثویر بن أبی فاخته از پدرش نقل کرد: جعده بن أبی هبیره مرا به سورا فرستاد و من آن را به امام موسی کاظم علیه السلام ذکر کردم، پس فرمودند چیزی به تو خواهم آموخت که هرگاه آن را بخوانی، شیر به تو آسیبی نمی‌رساند، بگو «پناه می‌برم به پروردگار دانیال و چاه از شرّ این شیر» سه بار، نقل کرد: بیرون رفتم، ناگهان شیری دیدم که در کنار پل، دستان خود را گشوده است و متعرض من نشد و چند گاو رد شدند و پس بر آنها نمایان شد و یکی از گاوها را حمله کرد و شنیده‌ام هرکس بگوید: خدایا ای پروردگار دانیال و چاه، آن را از من دور کن. - . المحاسن: ۳۶۸، سوری مکانی در عراق و از سرزمین سریانی‌هاست و مکانی در اطراف بغداد است، به نقل از فیروزآبادی. -

**[ترجمه]

«۸»

سن، [المحاسن] بَكْرُ بْنُ صَالِحٍ عَنِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: قَالَ لِأَبِي الْحَسَنِ علیه السلام رَجُلٌ إِنِّي صَاحِبُ صَيْدِ سَبُعٍ وَ أَبِيتُ بِاللَّيْلِ فِي الْخَرَابَاتِ وَ الْمَكَانِ الْوَحْشِ فَقَالَ إِذَا دَخَلْتَ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ أَدْخِلْ رِجْلَكَ الْيُمْنَى وَ إِذَا خَرَجْتَ فَأَخْرِجْ رِجْلَكَ الْيُسْرَى وَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ فَإِنَّكَ لَا تَرَى مَكْرُوهاً إِنْ شَاءَ اللَّهُ (۱).

**[ترجمه]محاسن: مردی به امام موسی علیه السلام عرض کرد: من شکارچی درندگان هستم و شب‌ها را در خرابه‌ها و جاهای خلوت بیتوته می‌کنم، امام فرمودند: هرگاه داخل شدی، بگو: «بسم الله» و پای راستت را داخل کن و هنگام خروج پای چپت را بیرون بگذار و بگو «بسم الله» انشاء الله هیچ ناگواری نخواهی دید. - . المحاسن: ۳۷۰ -

**[ترجمه]

«۹»

ضا، [فقه الرضا علیه السلام]: فَإِذَا رَأَيْتَ الْأَسَدَ فَكَبِّرْ فِي وَجْهِهِ ثَلَاثَ تَكْبِيرَاتٍ وَ قُلِ اللَّهُ أَعَزُّ وَ أَكْبَرُ وَ أَجَلُّ مِنْ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ فَإِذَا نَبَحَكَ الْكَلْبُ فَاقْرَأْ يا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ (۲) إِلَى آخِرِهَا وَ إِذَا نَزَلْتَ مَنْزِلًا تَخَافُ فِيهِ السَّبُعَ فَقُلْ أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ كُلُّهُ وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ سَبُعٍ وَ إِنْ خِفْتَ عَقْرَباً فَقُلْ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ بِشَرِّهِ وَ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَ بَرَأَ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّي عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ.

**[ترجمه]فقه الرضا: هرگاه شیری دیدی، در برابر او سه بار الله اکبر بگو، و بخوان «خداوند عزیزتر بزرگتر و باشکوه‌تر از هر چیزی است و پناه می‌برم به خدا از آنچه می‌ترسم و بیم دارم» و هرگاه به تو پارس کرد، بخوان «ای گروه جنیان و آدمیان» - . رحمن/۳۳ - تا

آخر آیه و هرگاه منزلی برگزیدی که از درندگان به آن بیم داشتی بگو: «گواهی می‌دهم خدایی جز خدا نیست، یکتاست و شریکی ندارد، فرمانروایی و سپاس تنها از آن اوست، زنده می‌کند و می‌میراند و او زنده‌ای است که نمی‌میرد و تمایم خیر به دست اوست و او بر هر چیز تواناست. پناه می‌برم به خدا از شر تمامی درندگان» و اگر بیم از عقرب داری بگو «پناه می‌برم به کلمات کامل خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری از آنها تخطی نمی‌کند، از شرّ هر صاحب شری و از شرّ آنچه آفرید و خلق کرد و از شرّ تمامی موجوداتی که اختیارشان به دست اوست، پروردگارم به راه راست است.

**[ترجمه]

«۱۰»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَلِیُّ بْنُ عُرْوَهَ الْأَهْوَازِیُّ عَنِ الدَّیْلَمِیِّ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّیِّ عَنْ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَنْ کَانَ فِی سَفَرٍ وَ خَافَ اللُّصُوصَ وَ السَّبُعَ فَلْیَکْتُبْ عَلَی عُرْفِ دَابَّتِهِ لا تَخافُ دَرَکاً وَ لا تَخْشی فَإِنَّهُ یَأْمَنُ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ دَاوُدُ الرَّقِّیُّ فَحَجَجْتُ فَلَمَّا کُنَّا بِالْبَادِیَهِ جَاءَ قَوْمٌ مِنَ الْأَعْرَابِ فَقَطَعُوا عَلَی الْقَافِلَهِ وَ أَنَا فِیهِمْ فَکَتَبْتُ عَلَی عُرْفِ جَمَلِی لا تَخافُ دَرَکاً وَ لا تَخْشی فَوَ الَّذِی بَعَثَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله بِالنُّبُوَّهِ وَ خَصَّهُ بِالرِّسَالَهِ وَ شَرَّفَ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ بِالْإِمَامَهِ مَا نَازَعَنِی أَحَدٌ مِنْهُمْ أَعْمَاهُمُ اللَّهُ عَنِّی (۳).

**[ترجمه]طب الائمه: امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: هر کس در سفر است و از دزدان و درندگان بیم دارد، بر یال مرکب خود بنویسد «از دریافتن بیم نداری و نمی ترسی» که به اذن خداوند عزّ و جلّ ایمن خواهد بود، داود رقّی نقل کرد، حج را به جای آوردم و در صحرا، گروهی از اعراب آمدند و راه بر قافله بستند من بر یال شترم نوشتم «از دریافتن بیم نداری و نمی ترسی.» سوگند به کسی که محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برانگیخت و او را مخصوص رسالت گردانید، و امیر مؤمنان را به امامت شریف گردانید هیچکدام از آنها با من به نزاع نپرداختند و خداوند چشم آنها را از من دور گرداند. - . طب الائمه: ۳۷ — ۳۶

-

**[ترجمه]

«۱۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَنْ أَبِی حَمْزَهَ الثُّمَالِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: عَوِّذْ نَفْسَکَ

ص: ۱۴۳

۱- ۱. المحاسن ص ۳۷۰.

۲- ۲. الرحمن: ۳۳.

۳- ۳. طبّ الأئمّه: ۳۶- ۳۷.

مِنَ الْهَوَامِّ بِهَـذِهِ الْكَلِمَـاتِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِـاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صـلى الله عليه و آله أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ أَعُوذُ بِقُـدْرَةِ اللَّهِ عَلَى مَا يَشَاءُ مِنْ شَرِّ كُلِّ هَامَّةٍ تَدِبُّ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: امام باقر عليه السـلام فرمودند: با اين كلمات خودت را از شر خزندگان تعويذ كن: «به نام خداوند بخشايشگر مهربان به نام خدا و با استعانت از خدا، محمد صلى الله عليه و آله رسول خداست، پناه مى‌برم به عزت خدا، پناه مى‌برم به قدرت خدا بر هر آنچه بخواهد از شر تمامى خزندگان كه در شب و روز مى‌خزند، به راستى كه پروردگارم به راه راست است. - . طب الائمه: ۱۱۹ -

**[ترجمه]

«۱۲»

طب، [طب الأئمه عليهم السـلام] مُحَمَّدُ بْنُ الْأَسْوَدِ الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَـى عَنْ فَضَالَهَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْحُسَـيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَحْيَى قَالَ: لَدَغَتْنِي قَمْلَهُ النَّسْرِ(۲) وَ دَخَلَتْ فِي جِلْدِي فَأَصَابَنِي وَجَعٌ شَدِيدٌ فَشَـكَوْتُ ذَلِكَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السـلام فَقَالَ ضَعْ يَدَكَ عَلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي يُوجِعُكَ فَامْسَـحْهُ ثُمَّ ضَعْ يَدَكَ عَلَى مَوْضِعِ سُـجُودِكَ إِذَا فَرَغْتَ مِنْ صَـلَاهِ الْفَجْرِ وَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صـلى الله عليه و آله ثُمَّ تَرْفَعُ يَدَكَ فَتَضَعُهَا عَلَى مَوْضِعِ الدَّاءِ وَ تَقُولُ اشْفِ يَا شَافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سُقْماً تَقُولُ ذَلِكَ سَبْعَ مَرَّاتٍ (۳).

**[ترجمه]طب الائمه: حسين بن يحيى نقل كرد، قمله النسر - . جانوركى است كه از خردى به سختى ديده مى شود و نيش آن كشنده است. -

مرا گزيـد و در پوسـتم داخل شد، درد زيادى كشـيدم و از آن نزد امام صادق عليه السـلام شـكايت بردم، پس فرمودند: دسـتت را به جايى كه درد مى‌كند، قرار ده و بر آن بكش و بعد از نماز صبح، دستت را بر مكان سجده قرار مى‌دهى و مى‌گويى: «شفا فرما اى شفادهنده هيچ شفايى جز شفاى تو وجود ندارد، شفايى كه هيچ بيمارى بر جاى نگذارد» و آن را هفت مرتبه مى‌گويى. - . طب الائمه: ۱۲۰ -

**[ترجمه]

«۱۳»

طب، [طب الأئمه عليهم السـلام]: لِلنَّمْلِ تَـدُقُّ الْكَرَاوِيَا وَ تُلْقِي فِي جُحْرِ النَّمْلِ وَ تَكْتُبُ فِي شَـيْ ءٍ وَ تُعَلِّقُ فِي زَوَايَا الـدَّارِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ بِالنَّبِيِّينَ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ فَأَسْأَلُكُمْ بِحَقِّ اللَّهِ وَ بِحَقِّ نَبِيِّكُمْ وَ نَبِيِّنَا وَ مَا أُنْزِلَ عَلَيْهِمَا إِلَّا تَحَوَّلْتُمْ عَنْ مَسْكَنِنَا(۴).

**[ترجمه]طب الائـمه: براى مورچه: زيره سـياه را مى‌كوبى و در سوراخ مورچه مى‌انـدازى و اين دعـا را بر چيزى مى‌نويسـى و در گوشه‌هـاى خـانه، آويزان مى‌كنى «به نام خداونـد بخشـنده مهربان اگر به خـدا و روز قيامت و به پيامبران و آنچه بر آنها نازل گشت، ايمان داريـد، به حق خدا و به حق پيامبرتان و پيامبرمان و آنچه بر آن دو نازل شد مى‌خواهم تا از خانه ما، تغيير مكان دهيد». - . طب الائمه: ۱۴۰ -

**[ترجمه]

«۱۴»

أَقُولُ أَوْرَدْنَـا فِي بَابِ جَوَامِعِ مُعْجِزَاتِ الرَّسُولِ صـلى الله عليه و آله عَنْ تَفْسِـيرِ الْإِمَـامِ عليه السـلام: أَنَّ النَّبِيَّ صـلى الله عليه و آله وَضَعَ يَـدَهُ عَلَى الذِّرَاعِ الْمَسْمُومَهِ وَ نَفَثَ فِيهِ وَ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ الشَّافِي بِسْمِ اللَّهِ الْكَافِي بِسْمِ اللَّهِ الْمُعَافِي بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْ ءٌ وَ لَا دَاءٌ فِي الْأَرْضِ وَ لا

فِي السَّماءِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ثُمَّ قَالَ كُلُوا عَلَى اسْمِ اللَّهِ فَأَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ أَكَلُوا حَتَّى شَبِعُوا وَ لَمْ يَضُرَّهُمْ شَيْئاً(5).

**[ترجمه]می گویم: در باب مجموعه معجزه‌های رسول صلی الله علیه و آله از تفسیر امام علیه السلام آوردیم، پیامبر صلی الله علیه و آله دست خود را بر آن دست مسموم نهادند و در آن دمیدند و گفتند: «به نام خداوند شفادهنده، به نام خداوند عافیت بخش، به نام خدایی که هیچ چیز با وجود اسم او آسیبی نمی‌رساند و نه بیماری در زمین و آسمان ضرری می‌رساند و اوست شنوای دانا» سپس فرمودند: با نام خدا بخورید. پس رسول خدا صلی الله علیه و اله و دیگران از آن خوردند تا سیر شدند و آسیبی ندیدند. - . مراجعه کن جلد ۱۷: ۳۲۹ و ۳۱۹ -

**[ترجمه]

«۱۵»

مکا، [مکارم الأخلاق] عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ فَأَنَا ضَامِنٌ أَنْ

ص: ۱۴۴

۱- ۱. طبّ الأئمّه: ۱۱۹.

۲- ۲. دویبه لا تکاد تری لصغرها غیر أن لسعها یقتل.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۱۲۰.

۴- ۴. طبّ الأئمّه ص ۱۴۰.

۵- ۵. راجع ج ۱۷ ص ۳۱۹ و ۳۲۹.

لَا يُصِيبَهُ عَقْرَبٌ وَ لَا هَامَّةٌ حَتَّى يُصْبِحَ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَ مِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱).

كَانَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام إِذَا نَظَرَ إِلَى هَذِهِ الْكَوْكَبِ الَّذِي يُقَالُ لَهَا السُّهَا فِي بَنَاتِ نَعْشٍ قَالَ اللَّهُمَّ رَبَّ هُودِ بْنِ آسِيَةَ آمِنِّي شَرَّ كُلِّ عَقْرَبٍ وَ حَيَّةٍ قَالَ وَ كَانَ يَقُولُ مَنْ تَعَوَّذَ بِهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حِينَ يَنْظُرُ إِلَيْهَا بِاللَّيْلِ لَمْ يُصِبْهُ عَقْرَبٌ وَ لَا حَيَّةٌ(۲).

آخَرُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: قَالَ لَهُ إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ إِنِّي خِفْتُ الْعَقَارِبَ فَقَالَ لَهُ انْظُرْ إِلَى بَنَاتِ نَعْشٍ الْكَوَاكِبِ الثَّلَاثَةِ الْأَوْسَطِ مِنْهَا بِجَنْبِهِ كَوْكَبٌ صَغِيرٌ قَرِيبٌ مِنْهُ تُسَمِّيهِ الْعَرَبُ السُّهَا وَ نُسَمِّيهِ نَحْنُ أَسْلَمَ تُحِدُّ النَّظَرَ إِلَيْهِ كُلَّ لَيْلَةٍ وَ قُلْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ رَبَّ أَسْلَمَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ سَلِّمْنَا مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ قَالَ إِسْحَاقُ فَمَا تَرَكْتُهُ فِي دَهْرِي إِلَّا مَرَّةً فَضَرَبَنِي الْعَقْرَبُ (۳).

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ: مِثْلَهُ وَ فِيهِ أَحِدَّ النَّظَرَ إِلَيْهِ ثَلَاثاً وَ لَيْسَ فِيهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کس این کلمات را به زبان آورد من برای او ضمانت می‌کنم که هیچ عقرب و خزنده‌ای به او آسیب نرساند تا اینکه صبح کند «پناه می‌برم به کلمات کامل خدا که هیچ نیکوکار و فاسقی از آنها تخطی نکرد از شرّ آنچه آفرید و از شر آنچه پدید آورد و از شر تمامی حیواناتی که اختیارشان به دست اوست به راستی که پروردگارم به راه راست است». - . مکارم الاخلاق: ۳۳۶ -

امام رضا علیه السلام هرگاه به ستاره‌ای در بنات النعش که به آن سهی می گویند، نظر می‌افکندند، می‌فرمودند: «خدایا ای پروردگار هود بن أسیه مرا از شر هر عقرب و ماری ایمن بدار» و می فرمودند: هر کس به این ستاره در شب نگاه کند و سه بار آن دعا را بخواند، هیچ عقرب و ماری به او آسیب نرساند.

دعایی دیگر از امام صادق علیه السلام: اسحاق بن عمار به امام عرض کرد: من از عقرب‌ها بیمناکم، امام به او فرمودند: به سر ستاره بنات النعش نگاه کن، ستاره کوچکی در کناره ستاره میانی قرار دارد که عرب آن را سهی می‌نامد و ما آن را أسلم می گوییم، هر شب به آن خیره شو و سه بار بگو «خدایا ای پروردگار أسلم بر محمد و خاندان محمد درود فرست و فرج آنها را نزدیک بگردان و ما را از شر هر صاحب شری محفوظ وسالم نگه دار.» اسحاق نقل کرد: من یک بار در طول عمرم این کار را ترک کردم که عقرب مرا گزید. - . مکارم الاخلاق: ۳۳۶ -

دعوات الراوندی: مثل این حدیث آمده است و اینکه سه بار به آن خیره شو و با این تفاوت که از شر هر صاحب شری در آنجا نیامده است.

**[ترجمه]

«۱۶»

مکا، [مکارم الأخلاق] عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ خَافَ الْأَسَدَ عَلَى نَفْسِهِ أَوْ عَلَى غَنَمِهِ فَلْيَخُطَّ عَلَيْهَا بِخَطٍّ وَ لْيَقُلِ اللَّهُمَّ رَبَّ دَانِيَالَ وَ الْجُبِّ وَ رَبَّ كُلِّ أَسَدٍ مُسْتَأْسِدٍ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ عَلَيَّ غَنَمِي (۴).

عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله: أَنَّهُ قَالَ لِعَلِيٍّ يَا عَلِيُّ إِذَا رَأَيْتَ أَسَداً أَوِ اشْتَدَّ بِكَ أَمْرٌ فَكَبِّرْ ثَلَاثاً وَ قُلِ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ أَجَلُّ وَ أَعَزُّ وَ أَعْظَمُ مِنْ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ أَكْبَرُ وَ أَعَزُّ مِنْ خَلْقِهِ وَ أَقْدَرُ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ تُكْفَ سُوءَهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى فِيمَنْ يَخَافُ الْكِلَابَ وَ السِّبَاعَ فَلْيَقُلْ قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لا يَرْجُونَ

۱- ۱. مكارم الأخلاق ص ۳۳۶.

۲- ۲. مكارم الأخلاق ص ۳۳۶.

۳- ۳. مكارم الأخلاق ص ۳۳۶.

۴- ۴. مكارم الأخلاق ص ۴۰۲ و فيه« تكف شره».

أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِیَ قَوْماً بِما كانُوا يَكْسِبُونَ وَ إِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ حِجاباً مَسْتُوراً وَ جَعَلْنا عَلی قُلُوبِهِمْ أَكِنَّهً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِی آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَهٍ لا يُؤْمِنُوا بِها حَتَّی إِذا جاؤُكَ يُجادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هذا إِلَّا أَساطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱).

لِلْعَقَارِبِ وَ الْحَيَّاتِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: يُقْرَأُ عِنْدَ الْمَسَاءِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَخَذْتُ الْعَقَارِبَ وَ الْحَيَّاتِ كُلَّهَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَی بِأَفْوَاهِهَا وَ أَذْنَابِهَا وَ أَسْمَاعِهَا وَ أَبْصَارِهَا وَ قُوَاهَا عَنِّی وَ عَمَّنْ أَحْبَبْتُ إِلَی ضَحْوَهِ النَّهَارِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی (۲).

أُخْرَی عَنْهُ علیه السلام أَيْضاً: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَی اللَّهِ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَی اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بالِغُ أَمْرِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی فِی كَنَفِكَ وَ فِی جِوَارِكَ وَ اجْعَلْنِی فِی حِفْظِكَ وَ اجْعَلْنِی فِی أَمْنِكَ (۳).

أُخْرَی عَنْهُ علیه السلام أَيْضاً قَالَ: أَتَی رَسُولَ اللَّهِ قَوْمٌ يَشْكُونَ الْعَقَارِبَ وَ مَا يَلْقَوْنَ مِنْهَا فَقَالَ قُولُوا إِذَا أَصْبَحْتُمْ وَ أَمْسَيْتُمْ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ كُلِّهَا الَّتِی لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ الَّذِی لَا يُخْفَرُ جَارُهُ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَ مِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَ مِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ وَ شَرِكِهِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّهٍ هُوَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام مَنْ قَالَ هَذِهِ الْكَلِمَاتُ حِينَ يُمْسِی فَأَنَا ضَامِنٌ أَنْ لَا يُصِيبَهُ عَقْرَبٌ وَ لَا هَامَّهٌ حَتَّی يُصْبِحَ (۴).

رُقْيَهُ الْحَيَّاتِ رُقْيَهُ سُلَيْمَانَ النَّبِیِّ صَلَّی اللَّهُ عَلَی نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عَلَيْهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ خَاتَمِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ اح اح و ملائكه هبوا سبوا ماروادار وَ إِذَا قوی فوادی مَرْيَمَ هندبا بِسْمِ اللَّهِ خَاتَمٌ وَ بِاللَّهِ الْخَاتَمُ تَقْرَأُ ثَلَاثاً فَإِنَّهَا تَقِفُ وَ تُخْرِجُ لِسَانَهَا فَخُذْهَا عِنْدَ ذَلِكَ (۵).

۱- ۱. مكارم الأخلاق ص ۴۰۲.

۲- ۲. مكارم الأخلاق ص ۴۰۲.

۳- ۳. مكارم الأخلاق ص ۴۷۳.

۴- ۴. مكارم الأخلاق ص ۴۷۳.

۵- ۵. مكارم الأخلاق ص ۴۷۳.

وَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ لَا تَدْخُلَ الْحَيَّهُ مَنْزِلَکَ تَکْتُبُ أَرْبَعَ رِقَاعٍ وَ تَدْفَنُ فِی زَوَایَا بَیْتِکَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ هجه وَ مهجه وَ یهود محنا وَ اطرد(۱).

رُقْیَهٌ لِلْعَقْرَبِ یُکْتَبُ بُکْرَهَ یَوْمِ الْخَامِسِ مِنْ إِسْفَنْدَارَ مـذماه وَ یَکُونُ عَلَی وُضُوءٍ وَ لَا یَتَکَلَّمُ حَتَّی یَفْرُغَ مِنَ الْکِتَابَهِ وَ یَحْفَظُهُ وَ لَا تَلْدَغُهُ عَقْرَبٌ بِسْمِ اللَّهِ سجه سجه قرنیه برنیه ملحه بحرقعیا برقعیا تعطا قطعه تُرْوَی هَذِهِ الرُّقْیَهُ لِلْحَیَّهِ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ تَکْتُبُهُ وَ تَضَعُهُ فِی شَقِّ حَائِطِ الْبَیْتِ فَإِنَّهُ یَسْقُطُ وَ یَنْشَقُّ بِنِصْفَیْنِ.

وَ قَالَ إِبْرَاهِیمُ النَّخَعِیُّ: لَسَعَتْنِی حَیَّهٌ عَلَی عُنُقِی فَرَقَانِی الْأَسْوَدُ بْنُ یَزِیدَ فَبَرَأْتُ (۲).

رُقْیَهٌ لِلْبَرَاغِیثِ یَقُولُ أَیُّهَا الْأَسْوَدُ الْوَثَّابُ الَّذِی لَا یُبَالِی غَلَقاً وَ لَا بَاباً عَزَمْتُ عَلَیْکَ بِأُمِّ الْکِتَابِ أَنْ لَا تُؤْذِیَنِی وَ لَا أَصْحَابِی إِلَی أَنْ یَنْقَضِیَ اللَّیْلُ وَ یَجِیءَ الصُّبْحُ بِمَا جَاءَ بِهِ وَ الَّذِی تَعْرِفُهُ إِلَی أَنْ یَئُوبَ الصُّبْحُ بِمَا آبَ (۳).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السـلام فرمودند: هر کس از شـیر بر خود و گوسـفندانش بیم داشته باشد پس خطی بر آن بکشد و بگوید: «خدایا ای پروردگار دانیال و چاه و پروردگار هر شیر بی باکی، من و گوسفندانم را محفوظ بدار.» - . مکارم الاخلاق: ۴۰۲ -

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی فرمودند: ای علی هرگاه شیری دیدی و کار بسیار بر تو دشوار گشت، سه بار الله اکبر بگو و بخوان «خدا بزرگتر است و باشکوه‌تر و عزیزتر و بزرگتر از هر چیزی است، بزرگتر و شـکست‌ناپـذیرتر از مخلوقـاتش و توانـاتر، پناه می‌برم به خـدا از شـر آنچه بیم دارم و می‌هراسم.» انشاء الله تعالی از شرّ آن در امان می‌مانی. - . مکارم الاخلاق: ۴۰۲ -

کسـی که از سـگان و درنـدگان می‌ترسـد بخوانـد «قُـلْ لِلَّذینَ آمَنُوا یَغْفِرُوا لِلَّذینَ لایَرْجُونَ أَیَّامَ اللَّهِ لِیَجْزِیَ قَوْماً بِما کانُوا یَکْسِبُون وَ إِذ اقَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنـا بَیْنَکَ وَ بَیْنَ الَّذینَ لایُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ حِجاباً مَسْتُوراً وَ جَعَلْنـا عَلی قُلُوبِهِمْ أَکِنَّهً أَنْ یَفْقَهُوهُ وَ فی آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِنْ یَرَوْا کُلَّ آیَهٍ لایُؤْمِنُوا بِهـا حَتَّی إِذا جـاؤُکَ یُجادِلُونَـکَ یَقُولُ الَّذینَ کَفَرُوا إِنْ هـذا إِلَّاأَسـاطیرُ الْأَوَّلین: به کسانی که ایمان آورده انـد بگو تا از کسانی که به روزهای خدا امید ندارند در گذرند، تا گروهی را به آنچه مرتکب می شده اند به مجازات رساند و ما بر دلهایشان پرده ها افکنده ایم تا آن را نفهمنـد، و در گوشـهایشان سـنگینی. و اگر هر معجزه ای را ببیننـد به آن ایمان نمی آورنـد. تا آنجا که وقتی نزد تو می آیند و با تو جدال می کنند، کسانی که کفر ورزیدند، می گویند: این چیزی جز افسانه های پیشینیان نیست». - . مکارم الاخلاق: ۴۰۲ -

برای عقرب‌ها و مارها: امام صادق علیه السـلام فرمودنـد: هنگام شب خوانـده شود: «به نام خـدا و با اسـتعانت از خـدا و درود خـدا بر محمـد و خاندان وی به اذن خداوند تبارک و تعالی تمامی عقرب‌ها، مارها، دهان‌ها و دم‌ها و گوش‌ها و چشم‌ها و نیروی آنها را از خود و از دوستانم تا روشنایی روز دور کردم انشاء الله تعالی». - . مکارم الاخلاق: ۴۰۲ -

دعای دیگر از امام صادق علیه السلام: «به نام خدا و با استعانت از خدا، توکل کردم بر خدا، هر کس بر خدا توکل کند، او برایش کافی است، خداونـد امر او را رسیدگی می‌کند، خدایا مرا در جوار و کنار خودت قرار ده و مرا در حفظ و امان خویش قرار ده». - . مکارم الاخلاق: ۴۷۳ -

دعـایی دیگر از امـام صـادق فرمودنـد: قومی نزد رسول خـدا آمدنـد و از عقرب‌هـا و آنچه از آنها می دیدنـد، شـکایت داشـتند، پس حضـرت فرمودنـد: صـبحگاهان و شامگاهان بگویید: «پناه می‌برم به کلمات کامل خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری از آنها تخطی نمی‌کند او که پناهنده خود را از شـر آنچه آفرید و خلق کرد، و از شر شیطان و شریکانش و از شر تمام موجوداتی که اختیارشان به دست اوست محفوظ می‌دارد، به راستی که پروردگارم به راه راست است» هفت مرتبه.

امـام باقر علیه السـلام فرمودنـد: هر کس این کلمات را شامگاه به زبان آورد، من تضـمین می‌کنم که هیـچ عقرب و یا خزنـده‌ای تا صـبح به او آسیبی نرساند. - . مکارم الاخلاق: ۴۷۳ -

تعویذ مارها: رقیه سلمان پیامبر صلی الله علی نبینا محمد و آله و علیه «بسم الله الرحمن الرحیم خاتم سلیمان بن داود اح اح و ملائکه هبوا سبوا ماروا دار و اذا قوی فوادی مریم هند با بسم الله خاتم و بالله خاتم» آن را سه بار می‌خوانی، پس او می‌ایستد و زبانش را خارج می‌سازد، در این هنگام او را بگیر. - . مکارم الاخلاق: ۴۷۳ -

اگر خواستی مارها به خانه تو وارد نشود، چهار رقعه بنویس و در گوشه‌های خانه‌ات آنها را خاک کن «بسم الله الرحمن الرحیم هجه مهجه و یهود محنا و اطرد». - . مکارم الاخلاق: ۴۷۴ -

تعویذی برای عقرب: در اول روز پنجم اسفند ماه آن را بنویسد، با وضو باشد و با کسی صحبت نکند تا نوشتنش تمام شود و آن را حفظ کند و دیگر عقربی او را نمی‌گزد: «بسم الله سجّه سجّه قرنیّه برنیّه ملحه بحرقعیا تعطا قطعه».

این تعویذ برای مار نیز روایت می‌شود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آن را می‌نویسی و در شکاف دیوار خانه قرار می‌دهی، که می‌افتد و دو نصف می‌شود.

ابراهیم نخعی نقل کرد: ماری گردن ما را نیش زد، و اسود بن یزید مرا تعویذ کرد، پس بهبودی یافتم. - . مکارم الاخلاق: ۴۷۴ -

تعویذی برای پشه: می‌گوید: ای سیاه جهنده‌ای که به قفل و در توجه نداری، تو را به ام الکتاب قسم می‌دهم که من و همراهانم را نیازاری تا اینکه شب سر آید و تا اینکه صبح بیاورد آنچه را که آورد و سوگند به کسی که می شناسی تا زمانی که صبح بازگردد به آنچه بازگشت». - . مکارم الاخلاق: ۴۷۳ -

**[ترجمه]

«۱۷»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ، قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله لَسَعَتْهُ الْعَقْرَبُ وَ هُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فَقَالَ لَعَنَ اللَّهُ الْعَقْرَبَ لَوْ تَرَكَ أَحَداً لَتَرَكَ هَذَا الْمُصَلِّي يَعْنِي نَفْسَهُ صلی الله علیه و آله ثُمَّ دَعَا بِمَاءٍ وَ قَرَأَ عَلَيْهِ الْحَمْدَ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ ثُمَّ جَرَعَ مِنْهُ جُرَعاً ثُمَّ دَعَا بِمِلْحٍ وَ دَافَهُ فِي الْمَاءِ وَ جَعَلَ يَدْلُكُ صلی الله علیه و آله ذَلِكَ الْمَوْضِعَ حَتَّى سَكَنَ وَ لَمَّا رَكِبَ نُوحٌ علیه السلام فِي السَّفِينَةِ أَبَى أَنْ يَحْمِلَ الْعَقْرَبَ مَعَهُ فَقَالَ عَاهَدْتُكَ أَنْ لَا أَلْسَعَ أَحَداً يَقُولُ سَلامٌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلى نُوحٍ فِي الْعالَمِينَ.

ص: ۱۴۷

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۷۴.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۷۴.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۷۳.

**[ترجمه]دعوات الراوندی: امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله در حال نماز بودند عقربی ایشان را گزید، پس فرمودند: خدا عقرب را لعنت کند، اگر کسی را واگذارد این مصلی را رها می کند یعنی خودشان صلی الله علیه و آله سپس بر آب دعایی خواندند و حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را بر آن تلاوت کردند و جرعه‌ای از آن نوشیدند سپس مقداری نمک خواستند و آن را با آب آمیختند و آن موضع را مالش دادند تا آرام گرفت.

زمانی که نوح علیه السلام بر کشتی سوار گشت، ابا ورزید از اینکه عقرب نیز وارد شود، پس عقرب گفت: قول می‌دهم نیش زنم که کسی که بگوید: «سلام بر محمد و خاندان محمد و بر نوح در جهانیان» .

**[ترجمه]

باب ۱۰۴ الدعاء لدفع الجن و المخاوف و أم الصبیان و الصرع و الخبل و الجنون

الأخبار

«۱»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی الْفَحَّامُ عَنِ الْمَنْصُورِیِّ عَنْ عَمِّ أَبِیهِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الثَّالِثِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: دَخَلَ أَشْجَعُ السُّلَمِیُّ عَلَی الصَّادِقِ علیه السلام وَ قَالَ یَا سَیِّدِی أَنَا کَثِیرُ الْأَسْفَارِ وَ أَحْصُلُ فِی الْمَوَاضِعِ الْمُفْزِعَهِ فَتُعَلِّمُنِی مَا آمَنُ بِهِ عَلَی نَفْسِی قَالَ فَإِذَا خِفْتَ أَمْراً فَاتْرُکْ یَمِینَکَ عَلَی أُمِّ رَأْسِکَ وَ اقْرَأْ بِرَفِیعِ صَوْتِکَ أَ فَغَیْرَ دِینِ اللَّهِ یَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ کَرْهاً وَ إِلَیْهِ یُرْجَعُونَ قَالَ أَشْجَعُ فَحَصَلْتُ فِی وَادٍ نَعَتَتْ فِیهِ الْجِنُّ فَسَمِعْتُ قَائِلًا یَقُولُ خُذُوهُ فَقَرَأْتُهَا فَقَالَ قَائِلٌ کَیْفَ نَأْخُذُهُ وَ قَدِ احْتَجَزَ بِآیَهٍ طَیِّبَهٍ(۱).

**[ترجمه]أمالی: أشجع سلمیّ بر امام صادق علیه السلام وارد شد و عرض کرد: سرورم، من بسیار سفر می‌کنم و به مکان‌های ترسناکی می... رسم، مرا چیزی بیاموز تا خود را ایمن گردانم، فرمودند: هرگاه از چیزی ترسیدی، دست راست خود را بر سرت قرار ده و با صدای بلند بخوان «أَ فَغَیْرَ دینِ اللّهِ یَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ کَرْهاً وَ إِلَیْهِ یُرْجَعُون: آیا جز دین خدا را می جویند؟ با آنکه هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است، و به سوی او باز گردانیده می شوند». أشجع نقل کرد به وادی رسیدم که به داشتن جن موصوف بود و شنیدم که صدایی گفت: او را بگیرید پس آن آیه را خواندم و صدایی دیگر گفت: چگونه او را بگیریم در حالی که به آیه ای پاک قرآن پناه برده است. - . أمالی طوسی ۱: ۲۸۸ -

**[ترجمه]

«۲»

سن، [المحاسن] قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا تَغَوَّلَتِ الْغِیلَانُ فَأَذِّنُوا بِأَذَانِ الصَّلَاهِ(۲).

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هرگاه راه بر شما غیر آشکار گشت، پس اذان نماز را سر دهید. - . المحاسن: ۸۵ -

**[ترجمه]

«۳»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَبْدُ اللَّهِ بْنُ زُهَيْرٍ الْعَابِدُ وَ كَانَ مِنْ زُهَّادِ الشِّيعَهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: شَكَا رَجُلٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ علیه السلام فَقَالَ إِنَّ لِي صَبِيّاً رُبَّمَا أَخَذَهُ رِيحُ أُمِّ الصِّبْيَانِ فَآيَسُ مِنْهُ لِشِدَّهِ مَا يَأْخُذُهُ فَإِنْ رَأَيْتَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنْ تَدْعُوَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ بِالْعَافِيَهِ قَالَ فَدَعَا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ ثُمَّ قَالَ اكْتُبْ لَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ الْحَمْدَ بِزَعْفَرَانٍ وَ مِسْكٍ ثُمَّ اغْسِلْهُ بِالْمَاءِ وَ لْيَكُنْ شَرَابُهُ مِنْهُ شَهْراً وَاحِداً فَإِنَّهُ يُعَافَى مِنْهُ قَالَ فَفَعَلْنَا بِهِ لَيْلَهً وَاحِدَهً فَمَا عَادَتْ إِلَيْهِ وَ اسْتَرَاحَ وَ اسْتَرَحْنَا(۳).

وَ عَنْهُ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَا قُرِئَ سُورَهُ الْحَمْدِ عَلَى وَجَعٍ مِنَ الْأَوْجَاعِ سَبْعِينَ مَرَّهً

۱- ۱. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۲۸۸.

۲- ۲. المحاسن: ۸۵.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۸۸.

إِلَّا سَكَنَ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: مردی نزد امام صادق علیه السلام شکایت کرد و گفت: طفلی دارم که بادی بر او عارض می شود و چنان بهسختی مبتلاست که از او ناامید می گردم، ای فرزند رسول خدا اگر صلاح می‌دانی از خداوند عزّ و جلّ برای او عافیت را بخواه. نقل کرد: امام به درگاه خداوند برای آن طفل دعا کرد، سپس فرمودند: هفت بار برای او سوره حمد را با زعفران و مشک بنویس سپس آن را با آب بشوی و باید تا یک ماه از آن بنوشد تا عافیت یابد، نقل کرد: یک شب چنین کردیم که دیگر به او بازنگشت و فرزندم راحت شد و ما نیز راحت شدیم. - . طب الائمه: ۸۸ -

امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه سوره حمد بر هر دردی از دردها هفتاد بار خوانده شود، به اذن خداوند متعال آرام خواهد گرفت. - . طب الائمه: ۸۸ -

**[ترجمه]

«۴»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْمُنْذِرِ الْخُزَاعِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی بَصِيرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: تُعَوِّذُ الْمَصْرُوعَ وَ تَقُولُ عَزَمْتُ عَلَيْكِ يَا رِيحُ بِالْعَزِيمَهِ الَّتِی عَزَمَ بِهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام رَسُولُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَلَى جِنِّ وَادِی الصَّبْرَهِ فَأَجَابُوا وَ أَطَاعُوا لَمَّا أَجَبْتِ وَ أَطَعْتِ وَ خَرَجْتِ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانَهَ السَّاعَهَ(۲).

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: برای تعویذ کسی که صرع دارد، می گویی «ای باد به همان سوگندی که علی بن ابی طالب علیه السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله جنیان وادی صبره را قسم دادند و آنها اجابت کردند و اطاعت نمودند، تو را قسم می‌دهم که اجابت کنی و اطاعت نمایی و همین لحظه از فلان فرزند فلانه خارج شوی. - . طب الائمه: ۹۲ -

**[ترجمه]

«۵»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عُثْمَانُ بْنُ سَعِيدٍ الْقَطَّانُ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ: دَخَلَ رَجُلٌ إِلَى أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ قَدْ عَرَضَ لَهُ خَبَلٌ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ إِذَا أَوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ اللَّهُمَّ احْفَظْنِی فِی مَنَامِی وَ يَقَظَتِی أَعُوذُ بِعِزَّهِ اللَّهِ وَ جَلَالِهِ مِمَّا أَجِدُ وَ أَحْذَرُ قَالَ الرَّجُلُ فَفَعَلْتُهُ فَعُوفِيتُ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى (۳).

وَ عَنْهُ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَنْ أَصَابَهُ الْخَبَلُ فَلْيُعَوِّذْ نَفْسَهُ لَيْلَهَ الْجُمُعَهِ بِهَذِهِ الْعُوذَهِ النَّافِعَهِ الشَّافِيَهِ ثُمَّ ذَكَرَ نَحْوَ الْحَدِيثِ الْأَوَّلِ وَ قَالَ لَا يَعُودُ إِلَيْهِ أَبَداً وَ لْيَفْعَلْ ذَلِكَ عِنْدَ السَّحَرِ بَعْدَ الِاسْتِغْفَارِ وَ فَرَاغِهِ مِنْ صَلَاهِ اللَّيْلِ (۴).

**[ترجمه]طب الائمه: مردی به خدمت امام صادق علیه السلام آمد در حالی که جنونی بر او عارض می شد، امام صادق علیه السلام به او فرمودند: هرگاه به بستر رفتی این دعا را بخوان «به نام خدا و با استعانت از خدا به خدا ایمان آوردم و به طاغوت کفر ورزیدم. خدایا مرا در خواب و بیداری حفظ فرما، پناه می‌برم به عزت خدا و شکوه او از آنچه در تن دارم و می‌هراسم» آن مرد نقل کرد: چنین کردم و به اذن خداوند متعال شفا یافتم. - . طب الائمه: ۱۰۷ -

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس به جنونیمبتلا شود، باید در شب جمعه خود را به این دعای مفید و شفادهنده، تعویذ نماید و مثل

همان حـدیث اول را ذکر کردنـد و فرمودنـد: هرگز باز نخواهـد گشت و باید آن را سـحرگاه بعد از اسـتغفار و پایان نماز شب انجام دهد. - . طب الائمه: ۱۰۷ -

**[ترجمه]

«۶»

طب، [طب الأئمه علیهم السـلام] جَعْفَرُ بْنُ حَنَانٍ الطَّائِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام لِرَجُلٍ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَ قَدْ سَأَلَهُ الرَّجُلُ فَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ لِي بُنَيَّةً وَ أَنَا أَرِقُّ لَهَا وَ أُشْفِقُ عَلَيْهَا وَ إِنَّهَا تَفْزَعُ كَثِيراً لَيْلًا وَ نَهَاراً فَإِنْ رَأَيْتَ أَنْ تَدْعُوَ اللَّهَ بِالْعَافِيَةِ قَالَ فَدَعَا لَهَا ثُمَّ قَالَ مُرْهَا بِالْفَصْدِ فَإِنَّهَا تَنْتَفِعُ بِذَلِكَ (۵).

وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدٍ الْبَاقِرِ علیهما السـلام: أَنَّهُ شَكَا إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ لِي جَارِيَةً يَتَعَرَّضُ لَهَا الْأَرْوَاحُ فَقَالَ عَوِّذْهَا بِفَاتِحَهِ الْكِتَابِ

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۸۸.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۹۲. و قد مر مثله ص ۵۱.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۱۰۷.

۴- ۴. طبّ الأئمّه ص ۱۰۷.

۵- ۵. طبّ الأئمّه ص ۱۰۸.

وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ عَشْـراً عَشْـراً ثُمَّ اكْتُبْهُ لَهَا فِی جَامٍ بِمِسْکٍ وَ زَعْفَرَانٍ فَاسْـقِهَا إِیَّاهُ یَکُونُ فِی شَـرَابِهَا وَ وَضُوئِهَا وَ غُسْـلِهَا فَفَعَلْتُ ذَلِکَ ثَلَاثَهَ أَیَّامٍ فَذَهَبَ اللَّهُ بِهِ عَنْهَا(۱).

**[ترجمه]طب الائمه: شخصـی از دوسـتان امام صادق علیه السـلام به ایشان عرض کرد: ای فرزند رسول خدا من دختر کوچکی دارم که دلم برایش می‌سوزد، او شب‌ها و روزها بسـیار ناله می‌کنـد، اگر صـلاح می‌بینید برای بهبودی‌اش به درگاه خدا دعا فرمایید، نقل کرد: امام برای او دعا نمودند، سپس فرمودند: بگو او را حجامت کنند که برای او سودمند است. - . طب الائمه: ۱۰۸ -

شخصـی به خدمت امام باقر علیه السـلام چنین شـکایت برد: ای فرزند رسول خدا، من کنیزی دارم که ارواح به سراغ او می‌آیند، امام فرمودند: او را بـا سوره فـاتحه الکتـاب و قـل اعوذ برب النـاس و قـل اعوذ برب الفلق ده بار ده بار تعویـذ کن، سـپس آن را در جامی با مشک و زعفران بنویس و به او بنوشـان و نوشـیدنی و وضو و غسـل او بایـد از این آب باشـد، پس این کـار را در طی سه روز انجـام دادم، خداونـد آن را از او برطرف نمود. - . طب الائمه: ۱۰۸ -

**[ترجمه]

«۷»

طب، [طب الأئمه علیهم السـلام] مُحَمَّدُ بْنُ بُکَیْرٍ عَنْ صَـفْوَانَ بْنِ الْیَسَعِ عَنِ الْمُنْذِرِ بْنِ هَامَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْـلِمٍ وَ سَـعْدٍ الْمَوْلَی قَالا قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السـلام: إِنَّ عَامَّهَ هَذِهِ الْأَرْوَاحِ مِنَ الْمُرَّهِ الْغَالِبَهِ أَوِ الدَّمِ الْمُحْتَرِقِ أَوْ بَلْغَمٍ غَالِبٍ فَلْیَشْـتَغِلِ الرَّجُلُ بِمُرَاعَاهِ نَفْسِهِ قَبْلَ أَنْ یَغْلِبَ عَلَیْهِ شَـیْ ءٌ مِنْ هَذِهِ الطَّبَائِعِ فَیُهْلِکَهُ (۲).

وَ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السـلام: أَنَّهُ رَأَی مَصْرُوعاً فَدَعَا لَهُ بِقَدَحٍ فِیهِ مَاءٌ ثُمَّ قَرَأَ عَلَیْهِ الْحَمْدَ وَ الْمُعَوِّذَتَیْنِ وَ نَفَثَ فِی الْقَدَحِ ثُمَّ أَمَرَ فَصُبَّ الْمَاءُ عَلَی رَأْسِهِ وَ وَجْهِهِ فَأَفَاقَ وَ قَالَ لَهُ لَا یَعُودُ إِلَیْکَ أَبَداً(۳).

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السـلام فرمودنـد: غالب این ارواح به خاطر غلبه صـفرا یا خون سوخته شـده یا بلغم زیاد می باشـد. پس انسان باید چنان خود را مراقبت کند که هیچکدام از این طبع‌ها بر دیگری غلبه نکند که او را هلاک می‌سازد. - . طب الائمه: ۱۱۰ -

امام رضا علیه السـلام شخصـی را دیدنـد که صرع دارد، پس ظرفی آب طلب کردنـد و حمد و سوره‌های قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را خواندند و بر آن دمیدند، سـپس امر فرمودند ظرف آب را بر سر و صورت او بریزید که بهبود یافت و به او فرمودند: هرگز باز نخواهد گشت. - . طب الائمه: ۱۱۱ -

**[ترجمه]

«۸»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] الْمُظَفَّرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنِ ابْنِ أَبِی نَجْرَانَ عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ أَبِی یَحْیَی الْمَدَنِیِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله: مَنْ رُمِیَ أَوْ رَمَتْهُ الْجِنُّ فَلْیَأْخُذِ الْحَجَرَ الَّذِی رُمِیَ بِهِ فَلْیَرْمِ مِنْ حَیْثُ رُمِیَ وَ لْیَقُلْ حَسْبِیَ اللَّهُ وَ کَفَی وَ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا لَیْسَ وَرَاءَ اللَّهِ مُنْتَهًی.

وَ قَالَ صلی الله علیه و آله: أَکْثِرُوا مِنَ الدَّوَاجِنِ فِی بُیُوتِکُمْ تَتَشَاغَلْ بِهَا الشَّیَاطِینُ عَنْ صِبْیَانِکُمْ (۴).

**[ترجمه]طب الائمه: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که جن به سوی او سنگ پرتاب کرد باید آن سنگ را بردارد و به همان طرف بیاندازد و بگوید «خداوند برای من کافی است و صدایی کسی که او را می‌خواند، شنید، هیچ نقطه‌ای بالاتر از خدا وجود ندارد».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مرغ و خروس‌های خانه‌تان را زیاد کنید تا شیاطین به جای فرزندانتان به آنها مشغول شوند. - . طب الائمه: ۱۱۲ -

**[ترجمه]

«۹»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] أَبُو عُبَیْدَهَ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَیْدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنِ النَّضْرِ عَنِ الْیُسْرِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ رَجُلًا قَالَ لَهُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ لِی جَارِیَهً یَکْثُرُ فَزَعُهَا فِی الْمَنَامِ وَ رُبَّمَا اشْتَدَّ بِهَا الْحَالُ فَلَا تَهْدَأُ وَ یَأْخُذُهَا خَدَرٌ فِی عَضُدِهَا وَ قَدْ رَآهَا بَعْضُ مَنْ یُعَالِجُ فَقَالَ إِنَّ بِهَا مس [مَسّاً] مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ لَیْسَ یُمْکِنُ عِلَاجُهَا فَقَالَ علیه السلام مُرْهَا بِالْفَصْدِ وَ خُذْ لَهَا مَاءَ الشِّبِتِّ الْمَطْبُوخِ بِالْعَسَلِ وَ تُسْقَی ثَلَاثَهَ أَیَّامٍ

ص: ۱۵۰

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۱۰۸.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۱۱۰.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۱۱۱.

۴- ۴. طبّ الأئمّه ص ۱۱۲.

قَالَ فَفَعَلْتُ ذَلِکَ فَعُوفِيَتْ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ (۱).

**[ترجمه]طب الائمه: شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا من کنیزی دارم که ناله‌اش در خواب بسیار است. و هرگاه حال او بسیار وخیم گردد آرام نمی‌شود، و بازویش فلج می‌شود، طبیبی که او را معاینه کرده است گفته است: او از اهل زمین آسیبی دیده که علاج آن ممکن نیست، امام علیه السلام فرمودند: بگو او را حجامت کنند، برای او آب شوید پخته با عسل تهیه کن و سه روز به او بنوشان، نقل کرد، چنین کردم و به اذن خداوند عزّ و جلّ بهبودی یافت. - . طب الائمه: ۱۳۵ -

**[ترجمه]

«۱۰»

مکا، [مکارم الأخلاق]: لِلصَّرْعِ وَ ما لَنا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ الْآيَةَ(۲).

لِفَزَعِ الصِّبْيَانِ إِذا زُلْزِلَتِ السُّورَةَ فَضَرَبْنا عَلَى آذانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَداً إِلَى قَوْلِهِ أَمَداً(۳) وَ آيَةُ شَهِدَ اللَّهُ (۴) وَ قُلِ ادْعُوا اللَّهَ إِلَى آخِرِ السُّورَه(۵) وَ لَقَدْ جاءَكُمْ إِلَى آخِرِ السُّورَه(۶) وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بالِغُ أَمْرِهِ (۷).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: برای صرع: «ما را چه شده که بر خدا توکل نمی‌کنیم». - . مکارم الاخلاق: ۴۳۳، ابراهیم/ ۱۲ -

برای ترس کودکان: سوره إذا زلزلت» «فَضَرَبْنا عَلَى آذانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَداثُمَّ بَعَثْناهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصى لِما لَبِثُوا أَمَدا: پس در آن غار ،سالیانی چند بر گوشهایشان پرده زدیم آنگاه آنان را بیدار کردیم، تا بدانیم کدام یک از آن دو دسته، مدت درنگشان را بهتر حساب کرده اند.» - . کهف/ ۱۲ – ۱۲ -

و آیه شهد الله - . آل عمران/۱۶ -

و «قل ادعوالله تا آخر سوره - . اسراء/ ۱۱۰ -

[«و لقد جائکم تا آخر سوره] - . براءه/ ۱۲۹ -

و هر کس بر خدا توکل کند خدا او را کافی است و به امر او رسیدگی می‌کند. - . مکارم الاخلاق: ۴۴۳. میان دو علامت از مصدر اضافه شده است. -

**[ترجمه]

«۱۱»

نُقِلَ مِنْ خَطِّ الشَّهِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ: أَنَّ الشَّيَاطِينَ تَحَدَّرَتْ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله مِنَ الْجِبَالِ وَ الْأَوْدِيَةِ مَعَهُمْ شَيْطَانٌ مَعَهُ شُعْلَةٌ مِنْ نَارٍ يُرِيدُ أَنْ يُحْرِقَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَفَزِعَ مِنْهُمْ فَأَتَاهُ جَبْرَئِيلُ عليه السلام فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ قُلْ قَالَ وَ مَا أَقُولُ قَالَ قُلْ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ ذَرَأَ وَ بَرَأَ وَ مِنْ شَرِّ ما يَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَ مِنْ شَرِّ ما يَعْرُجُ فِيها وَ مِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ مِنْ شَرِّ ما يَخْرُجُ مِنْها وَ مِنْ شَرِّ فِتَنِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ شَرِّ الطَّوَارِقِ إِلَّا طَارِقاً يَطْرُقُ بِخَيْرٍ يَا رَحْمَانُ قَالَ فَطَفِئَتْ وَ هَزَمَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ.

**[ترجمه]به نقل از خط شهید رحمه الله از عبد الرحمن در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله شیاطین از کوه‌ها و وادی‌ها سرازیر شدند، و

به همراه آنـان شـیطانی بـود که شـعله‌ای از آتش داشت و می‌خـواست رسول خـدا صـلی الله علیه و آله را بسوزانـد پس از آنهـا خوف داشت، جبرئیل علیه السـلام نازل گشت و فرمود: ای محمـد بگو! گفت: چه بگویم؟ گفت بگو: «پناه می‌برم به کلمات کامل خـدا که هیـچ نیکوکار و بدکاری از آنها تجاوز نمی‌کند از شـر آنچه آفرید و پدید آورد و خلق کرد و از شـر آنچه از آسـمان نازل می‌کند و از شـر آنچه از آن خارج می‌شود و از شر فتنه‌های شب و روز و شرّ پیشامدها مگر پیشامدی که خیر آورد ای بخشایشگر» نقل کرد: پس آتش خاموش گشت و خداوند عزّ و جلّ آنها را شکست داد.

**[ترجمه]

«۱۲»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ: کَتَبَ إِلَی أَبِی الْحَسَنِ الْعَسْکَرِیِّ علیه السلام بَعْضُ مَوَالِیهِ فِی صَبِیٍّ لَهُ یَشْتَکِی رِیحَ أُمِّ الصِّبْیَانِ فَقَالَ اکْتُبْ فِی رَقٍّ وَ عَلِّقْهُ عَلَیْهِ فَفَعَلَ فَعُوفِیَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ الْمَکْتُوبُ هَذَا بِسْمِ اللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ الْحَلِیمِ الْکَرِیمِ الْقَدِیمِ الَّذِی لَا یَزُولُ

ص: ۱۵۱

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۱۳۰. و قد مر.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۴۳: و الآیه فی سوره إبراهیم: ۱۲.

۳- ۳. الکهف: ۱۱- ۱۲.

۴- ۴. آل عمران: ص ۱۶.

۵- ۵. أسری: ۱۱۰.

۶- ۶. براءه: ۱۲۹.

۷- ۷. مکارم الأخلاق ص ۴۴۳، و ما بین العلامتین زیاده من المصدر.

أَعُوذُ بِعِزَّهِ الْحَيِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ مِنْ شَرِّ کُلِّ حَیٍّ یَمُوتُ.

**[ترجمه]دعوات الراوندی: یکی از دوستان امام هادی علیه السلام به ایشان نامه‌ای نوشتند و شکایت کردند از بادی که بر کودکشان عارض گشت، امام فرمودند: در کاغذی بنویس و بر او بیاویز، و او چنین کرد و به اذن خدا عافیت یافت. و آن دعا این بود «به نام خداوند بلندمرتبه بزرگ بردبار کریم، دیرینه‌ای که از بین نمی‌رود، پناه می‌برم به عزت آن زنده‌ای که نمی‌میرد از شرّ هر زنده‌ای که می‌میرد».

**[ترجمه]

«۱۳»

کِتَابُ زَیْدٍ الزَّرَّادِ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقُلْتُ الْجِنُّ یَخْطَفُونَ الْإِنْسَانَ فَقَالَ مَا لَهُمْ إِلَی ذَلِکَ سَبِیلٌ لِمَنْ یُکَلِّمُ بِهَذِهِ الْکَلِمَاتِ إِذَا أَمْسَی وَ أَصْبَحَ یا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطارِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ فَانْفُذُوا لا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطانٍ لَا سُلْطَانَ لَکُمْ عَلَیَّ وَ لَا عَلَی دَارِی وَ لَا عَلَی أَهْلِی وَ لَا عَلَی وَلَدِی یَا سُکَّانَ الْهَوَاءِ وَ یَا سُکَّانَ الْأَرْضِ عَزَمْتُ عَلَیْکُمْ بِعَزِیمَهِ اللَّهِ الَّتِی عَزَمَ بِهَا أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام عَلَی جِنِّ وَادِی الصَّبْرَهِ أَنْ لَا سَبِیلَ لَکُمْ عَلَیَّ وَ لَا عَلَی شَیْ ءٍ مِنْ أَهْلِ حُزَانَتِی یَا صَالِحِی الْجِنِّ یَا مُؤْمِنِی الْجِنِّ عَزَمْتُ عَلَیْکُمْ بِمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَیْکُمْ مِنَ الْمِیثَاقِ بِالطَّاعَهِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ حُجَّهِ اللَّهِ عَلَی جَمِیعِ الْبَرِیَّهِ وَ الْخَلِیقَهِ وَ تُسَمِّی صَاحِبَکَ أَنْ تَمْنَعُوا عَنِّی شَرَّ فَسَقَتِکُمْ حَتَّی لَا یَصِلُوا إِلَیَّ بِسُوءٍ أَخَذْتُ بِسَمْعِ اللَّهِ عَلَی أَسْمَاعِکُمْ وَ بِعَیْنِ اللَّهِ عَلَی أَعْیُنِکُمْ وَ امْتَنَعْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ عَلَی حَبَائِلِکُمْ وَ مَکْرِکُمْ إِنْ تَمْکُرُوا یَمْکُرِ اللَّهُ بِکُمْ وَ هُوَ خَیْرُ الْمَاکِرِینَ.

وَ جَعَلْتُ نَفْسِی وَ أَهْلِی وَ وُلْدِی وَ جَمِیعَ حُزَانَتِی فِی کَنَفِ اللَّهِ وَ سِتْرِهِ وَ کَنَفِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ کَنَفِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ اسْتَتَرْتُ بِاللَّهِ وَ بِهِمَا وَ امْتَنَعْتُ بِاللَّهِ وَ بِهِمَا وَ احْتَجَبْتُ بِاللَّهِ وَ بِهِمَا مِنْ شَرِّ فَسَقَتِکُمْ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَهِ الْإِنْسِ وَ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ لَا سَبِیلَ لَکُمْ وَ لَا سُلْطَانَ قَهَرْتُ سُلْطَانَکُمْ بِسُلْطَانِ اللَّهِ وَ بَطْشَکُمْ بِبَطْشِ اللَّهِ وَ قَهَرْتُ مَکْرَکُمْ وَ حَبَائِلَکُمْ وَ کَیْدَکُمْ وَ رَجِلَکُمْ وَ خَیْلَکُمْ وَ سُلْطَانَکُمْ وَ بَطْشَکُمْ بِسُلْطَانِ اللَّهِ وَ عِزِّهِ وَ مُلْکِهِ وَ عَظَمَتِهِ وَ عَزِیمَتِهِ الَّتِی عَزَمَ بِهَا أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام عَلَی جِنِّ وَادِی الصَّبْرَهِ لَمَّا طَغَوْا وَ بَغَوْا وَ تَمَرَّدُوا فَأَذْعَنُوا لَهُ صَاغِرِینَ مِنْ بَعْدِ قُوَّتِهِمْ فَلَا سُلْطَانَ لَکُمْ وَ لَا سَبِیلَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ.

وَ مِنْهُ قَالَ: حَجَجْنَا سَنَهً فَلَمَّا صِرْنَا فِی خَرَابَاتِ الْمَدِینَهِ بَیْنَ الْحِیطَانِ افْتَقَدْنَا رَفِیقاً لَنَا مِنْ إِخْوَانِنَا فَطَلَبْنَاهُ فَلَمْ نَجِدْهُ فَقَالَ لَنَا النَّاسُ بِالْمَدِینَهِ إِنَّ صَاحِبَکُمْ

اخْتَطَفَتْهُ الْجِنُّ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ أَخْبَرْتُهُ بِحَالِهِ وَ بِقَوْلِ أَهْلِ الْمَدِينَهِ فَقَالَ لِي اخْرُجْ إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي اخْتُطِفَ أَوْ قَالَ افْتُقِدَ فَقُلْ بِأَعْلَى صَوْتِكَ يَا صَالِحَ بْنَ عَلِيٍّ إِنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ لَكَ أَ هَكَذَا عَاهَدْتَ وَ عَاقَدَتِ الْجِنُّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ اطْلُبْ فُلَاناً حَتَّى تُؤَدِّيَهُ إِلَى رُفَقَائِهِ ثُمَّ قُلْ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ بِمَا عَزَمَ عَلَيْكُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ لَمَّا خَلَّيْتُمْ عَنْ صَاحِبِي وَ أَرْشَدْتُمُوهُ إِلَى الطَّرِيقِ.

قَالَ فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَلَمْ أَلْبَثْ إِذَا بِصَاحِبِي قَدْ خَرَجَ عَلَيَّ مِنْ بَعْضِ الْخَرَابَاتِ فَقَالَ إِنَّ شَخْصاً تَرَاءَى لِي مَا رَأَيْتُ صُورَةً إِلَّا وَ هُوَ أَحْسَنُ مِنْهَا فَقَالَ يَا فَتَى أَظُنُّكَ تَتَوَلَّى آلَ مُحَمَّدٍ فَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ إِنَّ هَاهُنَا رجل [رَجُلًا] مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ هَلْ لَكَ أَنْ تُؤْجَرَ وَ تُسَلِّمَ عَلَيْهِ فَقُلْتُ بَلَى فَأَدْخَلَنِي بَيْنَ هَذِهِ الْحِيطَانِ وَ هُوَ يَمْشِي أَمَامِي فَلَمَّا أَنْ سَارَ غَيْرَ بَعِيدٍ نَظَرْتُ فَلَمْ أَرَ شَيْئاً وَ غُشِيَ عَلَيَّ فَبَقِيتُ مَغْشِيّاً عَلَيَّ لَا أَدْرِي أَيْنَ أَنَا مِنْ أَرْضِ اللَّهِ حَتَّى كَانَ الْآنَ فَإِذَا قَدْ أَتَانِي آتٍ وَ حَمَلَنِي حَتَّى أَخْرَجَنِي إِلَى الطَّرِيقِ.

فَأَخْبَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِذَلِكَ فَقَالَ ذَلِكَ الْغُوَّالُ أَوِ الْغُولُ نَوْعٌ مِنَ الْجِنِّ يَغْتَالُ الْإِنْسَانَ فَإِذَا رَأَيْتَ الشَّخْصَ الْوَاحِدَ فَلَا تَسْتَرْشِدْهُ وَ إِنْ أَرْشَدَكُمْ فَخَالِفُوهُ وَ إِذَا رَأَيْتَهُ فِي خَرَابٍ وَ قَدْ خَرَجَ عَلَيْكَ أَوْ فِي فَلَاهٍ مِنَ الْأَرْضِ فَأَذِّنْ فِي وَجْهِهِ وَ ارْفَعْ صَوْتَكَ وَ قُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ نُجُوماً رُجُوماً لِلشَّيَاطِينِ عَزَمْتُ عَلَيْكَ يَا خَبِيثُ بِعَزِيمَهِ اللَّهِ الَّتِي عَزَمَ بِهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صلوات الله عليه وَ رَمَيْتُ بِسَهْمِ اللَّهِ الْمُصِيبِ الَّذِي لَا يُخْطِئُ وَ جَعَلْتُ سَمْعَ اللَّهِ عَلَى سَمْعِكَ وَ بَصَرِكَ وَ ذَلَّلْتُكَ بِعِزَّهِ اللَّهِ وَ قَهَرْتُ سُلْطَانَكَ بِسُلْطَانِ اللَّهِ يَا خَبِيثُ لَا سَبِيلَ لَكَ عَلَيَّ فَإِنَّكَ تَقْهَرُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ تَصْرِفُهُ عَنْكَ.

فَإِذَا ضَلَلْتَ الطَّرِيقَ فَأَذِّنْ بِأَعْلَى صَوْتِكَ وَ قُلْ يَا سَيَّارَهَ اللَّهِ دُلُّونَا عَلَى الطَّرِيقِ يَرْحَمْكُمُ اللَّهُ أَرْشِدُونَا يُرْشِدْكُمُ اللَّهُ فَإِنْ أَصَبْتَ وَ إِلَّا فَنَادِ يَا عُتَاهَ الْجِنِّ وَ يَا مَرَدَهَ الشَّيَاطِينِ أَرْشِدُونِي وَ دُلُّونِي عَلَى الطَّرِيقِ وَ إِلَّا أَسْرَعْتُ لَكُمْ بِسَهْمِ اللَّهِ الْمُصِيبِ إِيَّاكُمْ عَزِيمَهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يَا مَرَدَهَ الشَّيَاطِينِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطارِ السَّماواتِ

وَ الْأَرْضِ فَانْفُذُوا لا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطانٍ مُبِينٍ اللَّهُ غَالِبُكَمْ بِجُنْدِهِ الْغَالِبِ وَ قَاهِرُكُمْ بِسُلْطَانِهِ الْقَاهِرِ وَ مُذَلِّلُكَمْ بِعِزِّهِ الْمَتِينِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ ارْفَعْ صَوْتَكَ بِالْأَذَانِ تُرْشَدْ وَ تُصِبِ الطَّرِيقَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

**[ترجمه]کتاب زید الزراد: نقل کرد: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا جنیان انسان را می‌دزدند؟ فرمودند: اگر کسی صبح و شب این کلمات را بر زبان جاری سازد، توانایی چنین کاری را ندارند، ای گروه جنّیان و انسیان، اگر می توانید از کرانه های آسمانها و زمین به بیرون رخنه کنید، پس رخنه کنید. جز با تسلّطی رخنه نمی کنید. شما هیچ تسلطی بر من و خانه‌ام و خانواده و فرزندانم ندارید، ای ساکنان هوا و ای ساکنان زمین، شما را قسم می‌دهم به خدایی که علی بن ابی طالب جنیان وادی صبره را به او سوگند داد که هیچ تسلطی بر من و کسانی که از نزدیکان من هستند، نداشته باشی، ای جنیان صالح و ای جنیان مؤمن، شما را قسم می‌دهم به پیمانی که خداوند از شما گرفت مبنی بر اطاعت از فلان فرزند فلان حجت خدا بر تمامی مخلوقات» و دوستت را نام ببری «بدترین فاسقان خود را از من بازدارید تا بدی به من نرسانند، به واسطه شنیدن خدا و دیدن خدا از گوش ها و چشم های شما بازداشتم و به قدرت و نیروی خداوند از ریسمان‌ها و مکرهای شما خود را حفظ کردم، اگر مکر کنید خداوند شما را مکر می کند و او بهترین مکرکنندگان است .

خود خانواده و فرزندان و تمام نزدیکانم را در جوار و حفظ خدا و جوار محمد فرزند عبد الله رسول خدا صلی الله علیه و آله و جوار علی بن ابی طالب صلوات الله علیه قرار دادم، به خدا و آن دو، خود را حفظ نمودم و خدا و آن دو حائلی جستم از شر فاسقان شما و از شر فاسقان آدمیان و عرب و عجم و اگر پشت کردند بگو خدا برای من کافی است، خدایی جز او نیست، بر او توکل نمودم و او پروردگار عرش باعظمت است.

هیچ راهی برای شما نیست و هیچ تسلطی ندارید، به چیرگی خدا بر تسلط شما غلبه کردم و به قدرت خدا شما را شکست دادم و بر فریب شما و ریسمان‌هاتان و نیرنگ شما و لشکر پیاده و سواره شما و چیرگی‌تان و قدرتتان چیره گشتم با قدرت خدا و شکست ناپذیری او و پادشاهی... اش و عظمت او و به آن اسمی که امیر مؤمنان علیه السلام جنیان وادی صبره را سوگند داد که طغیان و سرکشی و تجاوز نکنند و آنها بعد از قدرتشان با خواری تسلیم وی شدند، پس شما هیچ قدرت و راهی ندارید، و هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدای بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمی‌پذیرد.

نقل است: سالی به حج رفتیم و هنگامی که میان دیوارهای خرابه‌های مدینه رسیدیم، رفیق خود را که از برادرانمان بود گم کردیم و هرچه از پی او گشتیم، او را نیافتیم، مردم مدینه به ما گفتند: دوست شما را جن دزدیده است. خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و حال او و گفتار مردم مدینه را به اطلاع ایشان رسانیدم پس به من فرمودند: به مکانی که دزدیده شد یا اینکه فرمودند: مفقود شد، برو و با صدای بلند بگو «ای صالح بن علی، جعفر بن محمد به تو می گوید: آیا علی بن ابی طالب اینچنین با جنیان پیمان بست، فلانی را می‌خواهم تا او را به دوستانش بازگردانی، سپس بگو «ای گروه جنیان شما را قسم می‌دهم به آنچه علی بن ابی طالب شما را به آن سوگند داد تا دست از دوست من بردارید و راه را به او نشان دهید».

نقل کرد: چنین کردم، ناگهان دوستم را دیدم که از یکی از خرابه‌ها خارج شد و گفت: شخصی بر دیدگانم ظاهر شد که تاکنون زیباتر از او ندیده بودم، پس گفت: ای جوان گمان می کنم تو دوستی خاندان محمد را داری؟ گفتم: آری، پس گفت: اینجا مردی از خاندان محمد است آیا می‌خواهی او را پاداشی دهی و بر او سلام کنی؟ گفتم: آری، پس مرا به داخل آن دیوارها برد و در جلوی من راه می‌رفت تا اینکه دور شد از نظر غایب گشت و من بیهوش شدم و همانطور ماندم، نمی‌دانستم در کجای زمین خدا قرار دارم تا الان که شخصی آمد و مرا برداشت و به این راه آورد.

امام صادق علیه السلام را خبر دادم پس فرمودند: آن غوّال یا غول، نوعی از جن که انسان را فریب می‌دهد، هرگاه یک نفر دیدی از او راهنمایی مخواه و اگر شما را راهنمایی کرد، بر خلاف آن عمل کنید و اگر او را در خرابه‌ای یا بیابانی دیدید، در مقابل او اذان بگویید و با

صدای بلند بگو: «پاک و منزه است خدایی که در آسمان ستارگان مایه طرد شیاطین قرار داد، تو را قسم می‌دهم ای خبیث به خدایی که امیر مؤمنان علی بن ابی طالب صلوات الله علیه به آن سوگند خورد و تیر خدا را انداختم که به خطا نمی‌رود و گوش خدا را بر گوش و چشم تو قرار دادم و به عزت خدا تو را خوار نمودم و به قدرت خدا بر چیرگی‌ات غالب شدم، ای خبیث تو تسلطی بر من نداری» به راستی که تو بر او غلبه خواهی کرد و او را برمی‌گردانی انشاء الله.

هرگاه راه را گم کردی با صدای بلند اذان بگو و بگو «ای رونده خدا ما را به راه هدایت نمایید، خدا شما را رحمت کند، راه را به ما بنمایید تا خداوند شما را هدایت کند» اگر راه را پیدا نکردی پس صدا بزن ای جنیان سرکش و ای شیاطین طاغی، راه را به من نشان دهید والّا شما را به تیری که به خطا نرود و آن سوگند علی بن ابی طالب است، هدف قرار می دهم. ای شیاطین سرکش، اگر می توانید از کرانه های آسمانها و زمین به بیرون رخنه کنید، پس رخنه کنید. جز با تسلّطی رخنه نمی کنید. خداوند با لشکر پیروز خود بر شما غلبه خواهد کرد و با قدرت چیره خود بر شما تسلط می‌یابد و با عزت استوار خود شما را خوار می‌سازد، پس اگر پشت کردند بگو خدا مرا کافی است، خدایی جز او نیست بر او توکل نمودم و اوست پروردگار عرش باعظمت و اذان را با صدای بلند بگو تا راه یابی و راه را پیدا کنی انشاء الله .

**[ترجمه]

باب ۱۰۵ الأدعیه لقضاء الحوائج و فیه أدعیه الإلحاح أیضا و ما يناسب ذلک من الأدعیه

الأخبار

«۱»

أَقُولُ: قَدْ مَرَّ فِی خَبَرِ الْأَعْرَابِیِّ وَ النَّاقَهِ أَنَّ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ رَأَی الْأَعْرَابِیَّ مُتَعَلِّقاً بِأَسْتَارِ الْکَعْبَهِ وَ هُوَ یَقُولُ یَا صَاحِبَ الْبَیْتِ الْبَیْتُ بَیْتُکَ وَ الضَّیْفُ ضَیْفُکَ وَ لِکُلِّ ضَیْفٍ مِنْ ضیفه [مُضِیفِهِ] قِرًی فَاجْعَلْ قِرَایَ مِنْکَ اللَّیْلَهَ الْمَغْفِرَهَ فَقَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام لِأَصْحَابِهِ أَمَا تَسْمَعُونَ کَلَامَ الْأَعْرَابِیِّ قَالُوا نَعَمْ فَقَالَ اللَّهُ أَکْرَمُ مِنْ أَنْ یَرُدَّ ضَیْفَهُ قَالَ فَلَمَّا کَانَ اللَّیْلَهُ الثَّانِیَهُ وَجَدَهُ مُتَعَلِّقاً بِذَلِکَ الرُّکْنِ وَ هُوَ یَقُولُ یَا عَزِیزاً فِی عِزِّکَ فَلَا أَعَزَّ مِنْکَ فِی عِزِّکَ أَعِزَّنِی بِعِزِّ عِزِّکَ فِی عِزٍّ لَا یَعْلَمُ أَحَدٌ کَیْفَ هُوَ أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ وَ أَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْکَ أَعْطِنِی مَا لَا یُعْطِینِی أَحَدٌ غَیْرُکَ وَ اصْرِفْ عَنِّی مَا لَا یَصْرِفُهُ أَحَدٌ غَیْرُکَ قَالَ فَقَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام لِأَصْحَابِهِ هَذَا وَ اللَّهِ الِاسْمُ الْأَکْبَرُ بِالسُّرْیَانِیَّهِ أَخْبَرَنِی بِهِ حَبِیبِی رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله سَأَلَهُ الْجَنَّهَ فَأَعْطَاهُ وَ سَأَلَهُ صَرْفَ النَّارِ وَ قَدْ صَرَفَهَا عَنْهُ قَالَ فَلَمَّا کَانَ اللَّیْلَهُ الثَّالِثَهُ وَجَدَهُ وَ هُوَ مُتَعَلِّقٌ بِذَلِکَ الرُّکْنِ وَ هُوَ یَقُولُ یَا مَنْ لَا یَحْوِیهِ مَکَانٌ وَ لَا یَخْلُو مِنْهُ مَکَانٌ بِلَا کَیْفِیَّهٍ کَانَ ارْزُقِ الْأَعْرَابِیَّ أَرْبَعَهَ أَلْفِ دِرْهَمٍ (۱).

**[ترجمه]می گویم: در روایت اعرابی و شتر آمد که امیر مؤمنان شخص عربی را می‌بینند که به پرده‌های کعبه چنگ زده است و می گوید: «ای صاحب خانه، خانه، از آن توست و مهمان هم مهمان توست، و هر مهمانی پذیرایی دارد، پس پذیرایی مرا در این شب، مغفرت خویش قرار ده» پس امیر مؤمنان علیه السلام به یاران خویش فرمودند: آیا نمی‌شنوید سخن این مرد عرب را؟ گفتند: چرا می‌شنویم. فرمودند: خداوند بزرگ‌تر از آن است که مهمان خود را برگرداند، نقل کرد: در شب دوم او را دیدند در حالی که به آن رکن، چنگ انداخته بود و می گفت: ای که در عزت خود، عزیزی و هیچ کس در عزت تو عزیزتر از تو نیست، مرا به عزت عزتت، عزت بخش، در عزتی که هیچ کس نداند چگونه است، به تو روی آوردم و حق محمد و خاندان محمد بر تو را وسیله‌ای به سوی تو قرار دادم، عطا کن، من آنچه را حق غیر تو عطا نمی کند و بگردان از من آنچه را غیر تو آن را برنمی گرداند.

نقل کرد: امیر مؤمنان علیه السلام به یاران خویش فرمودند: به خدا سوگند، این اسم اکبر خدا به زبان سریانی است که محبوب من رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را به من فرمودند، از او بهشت را خواست، پس به او عطا کرد و دوری از آتش را مسألت کرد و آن را از او دور گرداند، نقل کرد: در شب سوم او را یافت در حالی که به آن رکن چنگ انداخته بود و می گفت: «ای کسی که جایی او را در بر نمی گیرد و

هیچ مکانی از او خالی نیست، بدون چگونگی‌های گذشته، به این بادیه نشین، چهار هزار درهم عطا نما». - . این حدیث در جلد ۴۱: ۴۷ – ۴۴ ذکر شد از کتاب أمالی: ۲۸۲ – ۲۸۰. -

**[ترجمه]

«۲»

ب، [قرب الإسناد] هَارُونُ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ قَالَ: قَالَ لِلصَّادِقِ علیه السلام قَائِلٌ عَلِّمْنِی دُعَاءً

ص: ۱۵۴

۱- ۱. مر الحدیث بطوله فی ج ۴۱ ص ۴۴- ۴۷ من کتاب الأمالی ص ۲۸۰- ۲۸۲.

فَقَالَ لَهُ أَيْنَ أَنْتَ مِنْ دُعَاءِ الْإِلْحَاحِ فَقَالَ لَهُ الطَّالِبُ وَ مَا دُعَاءُ الْإِلْحَاحِ فَقَالَ لَهُ تَقُولُ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ رَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تَقُومُ السَّمَاءُ وَ بِهِ تَقُومُ الْأَرْضُ وَ بِهِ تُفَرِّقُ الْجَمْعَ وَ بِهِ تَجْمَعُ الْمُتَفَرِّقَ وَ بِهِ تَرْزُقُ الْأَحْيَاءَ وَ بِهِ أَحْصَيْتَ عَدَدَ الثَّرَى وَ الرَّمْلِ وَ وَرَقِ الْأَشْجَارِ وَ قَطْرِ الْبُحُورِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَسْأَلُ حَاجَتَكَ وَ أَلِحَّ فِي الطَّلَبِ فَإِنَّهُ يُحِبُّ إِلْحَاحَ الْمُلِحِّينَ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ.

قَالَ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: وَ هَذَا مِنْ دُعَاءِ الْإِلْحَاحِ وَ هَذَا مِنْهُ يَا مَنْ لَا يَحْجُبُهُ سَمَاءٌ عَنْ سَمَاءٍ وَ لَا أَرْضٌ عَنْ أَرْضٍ وَ لَا جَنْبٌ عَنْ قَلْبٍ وَ لَا سِتْرٌ عَنْ كِنٍّ وَ لَا جَبَلٌ عَمَّا فِي أَصْلِهِ وَ لَا بَحْرٌ عَمَّا فِي قَعْرِهِ يَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ وَ لَا تَغْلِبُهُ كَثْرَةُ الْحَاجَاتِ وَ لَا يُبْرِمُهُ إِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ثُمَّ سَلْ حَاجَتَكَ (۱).

**[ترجمه]قرب الاسناد: شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: دعایی به من بیاموزید، امام به او فرمودند: چرا دعای اصرار را نمی‌خوانی، آن شخص عرض کرد: دعای اصرار چیست؟ به او فرمودند: می‌گویی «خدایا ای پروردگار هفت آسمان و آنچه در آنهاست و پروردگار زمین‌های هفتگانه و آنچه در آنهاست و پروردگار عرش با عظمت، و پروردگار محمد خاتم پیامبران، از تو می‌خواهم به نامت که آسمان بدان برپا گشت و زمین بدان پابرجاست، و به واسطه آن، جمع را می‌پراکندی و پراکنده را جمع می‌کنی و بدان زندگان را روزی می‌رسانی و به وسیله آن خاک و ریگ و برگ درختان و قطرات دریاها را به شماره درآوردی، بر محمد و آل محمد درود فرستی» و حاجتت را می‌خواهی، و در طلب آن پافشاری می‌کنی؛ زیرا خداوند اصرار بندگان مؤمن و مصر خود را دوست دارد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: این دعای اصرار است «ای کسی که آسمانی، آسمان دیگر را از تو نمی‌پوشاند و نه زمینی، زمین دیگر، و نه پهلویی از قلب و نه پوشش از درون، و نه کوهی از میان خود و نه دریا از عمق خود، ای کسی که صداها بر تو مشتبه نمی‌گردد و بسیاری حاجات بر تو غلبه نمی‌کند و پافشاری اصرارکنندگان تو را، بر محمد و خاندان محمد درود فرست» سپس حاجتت را بخواه. - . قرب الاسناد: ۵ -

**[ترجمه]

«۳»

ل، [الخصال] هَانِي بْنُ مَحْمُودِ بْنِ هَانِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عُبْدُوسِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ أَسَدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَحْيَى عَنْ خُصَيْفِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: أَقْبَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَسَأَلَهُ شَيْئاً فَقَالَ النَّبِيُّ يَا عَلِيُّ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيّاً مَا عِنْدِي قَلِيلٌ وَ لَا كَثِيرٌ وَ لَكِنِّي أُعَلِّمُكَ شَيْئاً أَتَانِي بِهِ جَبْرَئِيلُ خَلِيلِي فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ هَدِيَّةٌ لَكَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَكْرَمَكَ اللَّهُ بِهَا لَمْ يُعْطِهَا أَحَداً قَبْلَكَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَ هِيَ تِسْعَةَ عَشَرَ حَرْفاً لَا يَدْعُو بِهِنَّ مَلْهُوفٌ وَ لَا مَكْرُوبٌ وَ لَا مَحْزُونٌ وَ لَا مَغْمُومٌ وَ لَا عِنْدَ سَرَقٍ وَ لَا حَرَقٍ وَ لَا يَقُولُهُنَّ عَبْدٌ يَخَافُ سُلْطَاناً إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ وَ هِيَ تِسْعَةَ عَشَرَ حَرْفاً أَرْبَعَةٌ مِنْهَا مَكْتُوبَةٌ عَلَى جَبْهَةِ إِسْرَافِيلَ وَ أَرْبَعَةٌ مِنْهَا مَكْتُوبَةٌ عَلَى جَبْهَةِ مِيكَائِيلَ وَ أَرْبَعَةٌ مَكْتُوبَةٌ حَوْلَ الْعَرْشِ وَ أَرْبَعَةٌ مِنْهَا مَكْتُوبَةٌ عَلَى جَبْهَةِ جَبْرَئِيلَ وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا حَيْثُ شَاءَ اللَّهُ.

فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام كَيْفَ يَدْعُو بِهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ قُلْ يَا عِمَادَ

۱- ۱. قرب الإسناد ص ۵.

مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ وَ يَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ وَ يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ وَ يَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ وَ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ وَ يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ وَ يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ وَ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا عِزَّ الضُّعَفَاءِ يَا مُنْقِذَ الْغَرْقَى يَا مُنْجِيَ الْهَلْكَى يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَکَ سَوَادُ اللَّيْلِ وَ نُورُ النَّهَارِ وَ ضَوْءُ الْقَمَرِ وَ شُعَاعُ الشَّمْسِ وَ دَوِيُّ الْمَاءِ وَ حَفِيفُ الشَّجَرِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْتَ وَحْدَکَ لَا شَرِيکَ لَکَ ثُمَّ قُلِ اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا فَإِنَّکَ لَا تَقُومُ مِنْ مَجْلِسِکَ حَتَّى يُسْتَجَابَ لَکَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

قَالَ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أَبُو صَالِحٍ: لَا تُعَلِّمُوا السُّفَهَاءَ ذَلِکَ (۱).

**[ترجمه]الخصال: على بن ابى طالب عليه السلام به نزد پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله آمد و از ايشان چيزى خواستند. پيامبر اكرم فرمودند: اى على سوگند به خدايى كه به حق مرا به پيامبرى برانگيخت، هيچ چيز كم و زيادى ندارم، ولى چيزى به تو مى‌آموزم كه دوستم جبرئيل براى من آورد، و گفت: اى محمد، اين هديه‌اى است از جانب خداى عزّ و جلّ براى تو كه تو را بدان گرامى داشت و آن را به پيامبران پيشين عطا ننمود و آن نوزده حرف است كه هر غمزده و گرفتار و اندوهناك و غمگينى آنها را بخواند و در دزدى‌ها و آتش‌سوزى‌ها و بنده‌اى كه از حاكم مى‌ترسد، خداوند براى آنها گشايش حاصل كند و آن نوزده حرف است كه چهارتاى آن بر پيشانى اسرافيل است و چهارتاى آن بر پيشانى ميكائيل و چهارتاى آن گرداگرد عرش و چهارتاى آن بر پيشانى جبرئيل نوشته شده است و سه تاى آنها در جايى است كه خدا بخواهد.

على بن ابى طالب عليه السلام عرض كردند: اى رسول خدا چگونه با آنها دعا كنيم؟ فرمودند: بگو: «اى ستونى كه تكيه‌گاهى ندارى و اى ذخيره‌اى كه اندوخته‌اى ندارى و اى سندى كه پشتوانه‌اى ندارى و اى حرزى كه محافظى ندارى و اى فريادرسى كه فريادرسى ندارى، اى صاحب عفو بزرگوارانه و اى نيكوكردار، و اى كسى كه اميد به او فراوان است، اى عزت ضعيفان و اى نجات بخش غريقان و اى رهايى‌دهنده هلاك شدگان، اى نيكوكار، اى زيباكردار، اى نعمت رسان اى بخشنده فضل، تو كسى هستى كه سياهى شب و روشنايى روز و نور ماه و پرتو خورشيد و صداى آب و برگ درختان بر تو سجده كردند، اى خدا اى خدا اى خدا تو يكتايى و شريكى ندارى» سپس بگو: خدايا در حق من چنين و چنان كنى و به راستى از جاى خود برنمى‌خيزى مگر اينكه خداوند دعاى تو را مستجاب مى‌كند انشاء الله. ابوصالح نقل كرد: اين دعا را به كم خردان نياموزيد. - . الخصال ۲: ۹۶ -

**[ترجمه]

«۴»

ما، [الأمالي] للشيخ الطوسى الْفَحَّامُ عَنِ الْمَنْصُورِيِّ عَنْ عَمِّ أَبِيهِ قَالَ: قُلْتُ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام عَلِّمْنِي يَا سَيِّدِي دُعَاءً أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ فَقَالَ لِي هَذَا دُعَاءٌ كَثِيراً مَا أَدْعُو بِهِ وَ قَدْ سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ لَا يُخَيِّبَ مَنْ دَعَا بِهِ فِي مَشْهَدِي بَعْدِي وَ هُوَ يَا عُدَّتِي عِنْدَ الْعُدَدِ وَ يَا رَجَائِي وَ الْمُعْتَمَدُ وَ يَا كَهْفِي وَ السَّنَدُ وَ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ وَ يَا قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَهُ مِنْ خَلْقِکَ وَ لَمْ تَجْعَلْ فِي خَلْقِکَ مِثْلَهُمْ أَحَداً صَلِّ عَلَى جَمَاعَتِهِمْ وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا(۲).

دعوات الراوندى، عن الشيخ أبى جعفر النيسابورى عن الشيخ أبى على عن والده شيخ الطائفه عن الفحام: مثله.

**[ترجمه]أمالى: منصورى از عموى پدرش نقل كرد: به امام على بن محمد عليهما السلام عرض كردم: اى سرور من دعايى به من بياموزيد تا به درگاه خداوند عزّ و جلّ نزديكى جويم، به من فرمودند: اين دعايى است كه بسيارى از اوقات آن را مى‌خوانم و از خداى عزّ و جلّ خواستم تا هر كس اين دعا را بعد از من در محل شهادتم بخواند، نااميد نگردد و دعا اين است: «اى توشه من در نزد توشه‌ها، و اى اميد و تكيه‌گاه من، اى پناهگاه و پشتوانه من، اى يگانه اى يكتا و اى قل هو الله احد، كسى را همانند او قرار ندادى بر گروه آنان درود فرست و در حق من چنين و چنان كن». - . أمالى الطوسى: ۲۸۶ -

دعوات الراوندی: مثل این حدیث آمده است.

**[ترجمه]

أقول

سیأتی بإسناد آخر فی أبواب الزیارات.

**[ترجمه]این حدیث با سندی دیگر در باب زیارات خواهد آمد.

**[ترجمه]

«۵»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ حَبِیبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْقَاسِمِ الْکِنْدِیِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ زَیْدِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهم السلام قَالَ: کَانَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله إِذَا نَزَلَ بِهِ کَرْبٌ أَوْ هَمٌّ دَعَا یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ یَا حَیّاً لَا یَمُوتُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ کَاشِفُ الْهَمِّ مُجِیبُ دَعْوَهِ الْمُضْطَرِّینَ أَسْأَلُکَ بِأَنَّ لَکَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِیعُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ ذُو الْجَلالِ وَ الْإِکْرامِ رَحْمَانُ الدُّنْیَا

۱- ۱. الخصال ج ۲ ص ۹۶.

۲- ۲. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۲۸۶.

وَ الْآخِرَهِ وَ رَحِيمُهُمَا ارْحَمْنِي رَحْمَهً تُغْنِينِي بِهَا عَنْ رَحْمَهِ مَنْ سِوَاكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله مَا دَعَا أَحَدٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ بِهَذِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِلَّا أُعْطِيَ مَسْأَلَتَهُ إِلَّا أَنْ يَسْأَلَ مَأْثَماً أَوْ قَطِيعَهَ رَحِمٍ (۱).

**[ترجمه]أمالي: على بن ابى طالب عليه السلام فرمودند: پيامبر صلى الله عليه و آله هرگاه دچار گرفتارى و يا غم و اندوهى مى‌شوند اين دعا را مى‌خواندند «اى زنده، اى پايدار، اى زنده‌اى كه نمى‌ميرد، خدايى جز تو نيست اى زداينده غم‌ها و اجابت‌كننده دعاى درماندگان، از تو مى‌خواهم به اينكه حمد و سپاس از آن توست، خدايى جز تو وجود ندارد تو بخشنده، آفريننده، آسمان‌ها و زمين، صاحب شكوه و بزرگى و بخشايشگر و مهربان در دنيا و آخرتى، چنان مرا مورد رحمت قرار ده تا از رحمت ديگر بى‌نياز گردد اى مهربان‌ترين مهربانان».رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمودند: هر مسلمانى كه اين دعا را سه بار بخواند، حاجتش برآورده مى‌شود، مگر اينكه خواهان گناه يا قطع رحمى باشد.
- . أمالي الطوسى ۲: ۱۲۵ -

**[ترجمه]

أقول

قد أوردنا بعض ما يناسب الباب فى باب أدعيه الفرج.

**[ترجمه]مطالب متناسب با اين باب در بخش دعاهاى فرج آورده‌ايم.

**[ترجمه]

«۶»

سن، [المحاسن] جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْقَدَّاحِ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليهما السلام عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: قَالَ لِي عَمِّي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَ لَا أَحْبُوكَ كَلِمَاتٍ وَ اللَّهِ مَا حَدَّثْتُ بِهَا حَسَناً وَ لَا حُسَيْناً إِذَا كَانَتْ لَكَ إِلَى اللَّهِ حَاجَهٌ تُحِبُّ قَضَاءَهَا فَقُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِكٌ مُقْتَدِرٌ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ مَا تَشَاءُ مِنْ كُلِّ شَيْ ءٍ يَكُونُ ثُمَّ تَسْأَلُ حَاجَتَكَ (۲).

**[ترجمه]محاسن: عبدالله بن جعفر نقل كرد: عمويم على بن ابى طالب به من فرمودند: آيا نياموزم به تو كلماتى كه به حسن و حسين نگفتم، هرگاه حاجتى به درگاه خدا داشتى كه دوست دارى برآورده گردد، بگو: «خدايى جز خداى بردبار و كريم وجود ندارد خدايى جز خداى بلندمرتبه و بزرگ وجود ندارد، پاک و منزه است خدا پروردگار هفت آسمان و آنچه در آنها و ميان آنهاست و پروردگار عرش باعظمت و سپاس از آن خدايى است كه پروردگار جهانيان است، خدايا از تو مى‌خواهم به اينكه تو پادشاه توانگرى و بر هر چيز توانايى، و هر چيزى بخواهى مى‌شود». سپس حاجتت را بخواه. - . المحاسن: ۳۴ -

**[ترجمه]

«۷»

غط، [الغيبه] للشيخ الطوسى أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ الرَّازِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَائِذٍ الرَّازِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ وَجْنَاءَ النَّصِيبِيِّ عَنْ أَبِي نُعَيْمٍ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْأَنْصَارِيِّ عَنِ الْقَائِمِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ فِي دُعَاءِ الْإِلْحَاحِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تَقُومُ السَّمَاءُ وَ بِهِ تَقُومُ الْأَرْضُ وَ بِهِ تُفَرِّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ وَ بِهِ تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ وَ بِهِ تُفَرِّقُ بَيْنَ الْمُجْتَمِعِ وَ بِهِ أَحْصَيْتَ عَدَدَ الرِّمَالِ وَ زِنَهَ الْجِبَالِ وَ كَيْلَ الْبِحَارِ

أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ لِی مِنْ أَمْرِی فَرَجاً وَ مَخْرَجاً(۳).

**[ترجمه]غیبه: امام صادق علیه السلام در دعای اصرار می‌فرمودند: «خدایا از تو می‌خواهم به نامت که آسمان را بدان برافراشتی و زمین را بدان برپاساختی و خود به واسطه آن میان حق و باطل جدایی انداختی و به وسیله آن پراکنده‌ها را جمع کردی و جمع را متفرق ساختی و بدان سنگریزه‌ها و وزن کوه‌ها و پیمانه دریاها را به شماره آوردی بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و در امر من گشایش و راه خروجی قرار ده. - . غیبه الشیخ الطوسی: ۶۸ -

**[ترجمه]

أقول

أوردنا تمام الخبر بأسانید جمه فی باب من رأی القائم علیه السلام و باب دعوات الأئمه علیهم السلام (۴).

۱- ۱. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۱۲۵.

۲- ۲. المحاسن ص ۳۴.

۳- ۳. غیبه الشیخ الطوسیّ ص ۶۸.

۴- ۴. راجع ج ۵۲ ص ۶ و ۷، تاریخ الإمام الثانی عشر الحجه القائم، ج ۹۴ ص ۱۸۸ من کتاب الدعاء نقلا من کتاب کمال الدین ج ۲ ص ۱۴۴.

**[ترجمه]صورت کامل این روایت با سندهای آن را در باب کسی که قائم علیه السلام را دید و باب دعاهای امامان علیهم السلام، آوردیم. - . مراجعه کن به جلد ۵۲: ۷ و ۶، تاریخ الامام الثانی عشر الحجه القائم ۹۴: ۱۸۸ از کتاب الدعا به نقل از کتاب کمال الدین ۲: ۱۴۴ -

**[ترجمه]

«۸»

ضا، [فقه الرضا علیه السلام]: إِذَا كَانَ لَکَ إِلَى رَجُلٍ حَاجَةٌ فَقُلْ خَيْرُکَ بَيْنَ عَيْنَيْکَ وَ شَرُّکَ تَحْتَ قَدَمَيْکَ فَأَنَا أَسْتَعِينُ بِاللَّهِ عَلَيْکَ تَقُولُ ذَلِکَ مِرَاراً.

**[ترجمه]فقه الرضا: هرگاه در کار خود به شخصی نیاز داشتی بگو: «خیر تو میان چشمان توست و شر تو زیر گام‌هایت قرار دارد من برای تو از خدا طلب یاری می‌کنم». این دعا را چندین بار می‌خوانی.

**[ترجمه]

«۹»

قب، [المناقب] لابن شهرآشوب الْكَلْوَاذَانِيُّ فِي الْأَمَالِي وَ عُمَرُ [الْمُلَّا] الولاء فِي الْوَسِيلَهِ جَاءَ فِي حَدِيثِ اللَّيْثِ بْنِ سَعْدٍ: أَنَّهُ رَأَى رَجُلًا جَالِساً عَلَى أَبِي قُبَيْسٍ وَ هُوَ يَقُولُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ حَتَّى انْقَطَعَ نَفَسُهُ ثُمَّ قَالَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ حَتَّى انْقَطَعَ نَفَسُهُ ثُمَّ قَالَ يَا رَبَّاهْ يَا رَبَّاهْ حَتَّى انْقَطَعَ نَفَسُهُ ثُمَّ قَالَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ حَتَّى انْقَطَعَ نَفَسُهُ ثُمَّ قَالَ يَا حَيُّ يَا حَيُّ حَتَّى انْقَطَعَ نَفَسُهُ ثُمَّ قَالَ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ حَتَّى انْقَطَعَ نَفَسُهُ ثُمَّ قَالَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ حَتَّى انْقَطَعَ نَفَسُهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْتَهِي مِنْ هَذَا الْعِنَبِ فَأَطْعِمْنِيهِ اللَّهُمَّ وَ إِنَّ بُرْدَايَ قَدْ خَلُقَا فَاكْسُنِي قَالَ اللَّيْثُ فَوَ اللَّهِ مَا اسْتَتَمَّ كَلَامَهُ حَتَّى نَظَرْتُ إِلَى سَلَّهٍ مَمْلُوءَهٍ عِنَباً وَ لَيْسَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ عِنَبٌ وَ بُرْدَيْنِ مَصْبُوغَيْنِ فَقَرُبْتُ مِنْهُ وَ أَكَلْتُ مَعَهُ وَ لَبِسَ الْبُرْدَيْنِ ثُمَّ نَزَلْنَا فَلَقِيَ فَقِيراً فَأَعْطَاهُ بُرْدَيْهِ الْخَلَقَيْنِ ثُمَّ انْصَرَفَ فَسَأَلْتُ عَنْهُ فَقِيلَ هَذَا جَعْفَرٌ الصَّادِقُ (۱).

أَقُولُ: رَوَاهُ فِي كَشْفِ الْغُمَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ طَلْحَهَ وَ غَيْرِهِ بِأَسَانِيدَ وَ فِيهِ فَقَالَ: يَا رَبِّ يَا رَبِّ حَتَّى انْقَطَعَ نَفَسُهُ ثُمَّ قَالَ رَبِّ رَبِّ حَتَّى انْقَطَعَ نَفَسُهُ ثُمَّ قَالَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ حَتَّى انْقَطَعَ نَفَسُهُ إِلَى آخِرِ الدُّعَاءِ(۲).

**[ترجمه]مناقب: ابن سعد نقل کرد، که او مردی دید که بر کوه ابی قبیس نشسته است و به اندازه یک نفس گفت «یارب یا رب: ای پروردگار من» سپس به اندازه یک نفس گفت: «یا ابّاه یا ابّاه: ای پروردگار» و به اندازه یک نفس گفت: «یا حیّ یا حیّ: ای زنده» و به اندازه... یک نفس گفت: «یا رحیم یا رحیم: ای مهربان» و به اندازه یک نفس و هفت مرتبه گفت: «یا ارحم الراحمین: ای مهربان‌ترین مهربانان» سپس گفت: «خدایا من بسیار به این انگور میل دارم پس مرا از آن اطعام کن، خدایا پیراهنم نیز کهنه گردید پس مرا بپوشان».

لیث نقل کرد: به خدا سوگند کلامش تمام نشده بود که چشمم به سبدی پر از انگورو دو جامه رنگی افتاد در حالی که در آن زمان، انگور بر روی زمین وجود نداشت. به نزدیک او رفتم و همراه با شروع به خوردن کردم و آن دو جامه را پوشید و سپس از کوه پایین آمدیم و در راه با فقیری برخورد کرد و جامه کهنه خود را بدو بخشید، سپس رفت، در مورد او پرس و جو کردم، گفتند، او جعفر صادق علیه السلام است. - . مناقب آل ابی طالب ۴: ۲۳۲ -

می‌گویم: این روایت در کشف الغمه نیز آمده است و در آن، به اندازه یک نفس «یا ربّ یا ربّ» و به اندازه یک نفس «ربّ ربّ: پروردگار من» و به اندازه یک نفس (یا الله یا الله) تا آخر دعا. - . کشف الغمه۲: ۴۲۰ و مفصل است و علامه در جلد ۴۷: ۱۴۲. از تاریخ امام صادق علیه السلام آن را آورده است، مراجعه کن. -

**[ترجمه]

«۱۰»

مکا، [مکارم الأخلاق]: مِنْ دُعَاءِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فِی الْحَاجَهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ یَا هُوَ یَا مَنْ هُوَ هُوَ یَا مَنْ لَیْسَ هُوَ إِلَّا هُوَ یَا هُوَ یَا مَنْ لَا هُوَ إِلَّا هُوَ(۳).

ص: ۱۵۸

۱- ۱. مناقب آل أبی طالب ج ۴ ص ۲۳۲.

۲- ۲. کشف الغمّه ج ۲ ص ۴۲۰، و فیه تفصیل، و قد أورده المؤلّف العلامه فی ج ۴۷ ص ۱۴۲ من تاریخ الإمام الصّادق علیه السلام راجعه.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۳۹۸.

أَيْضاً فِی طَلَبِ الْحَاجَهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: کَانَ أَبِی إِذَا أَلَمَّتْ بِهِ الْحَاجَهُ یَسْجُدُ مِنْ غَیْرِ قِرَاءَهٍ وَ لَا رُکُوعٍ ثُمَّ یَقُولُ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ مَا قَالَهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ هَا أَنَا ذَا أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ سَلْ حَاجَتَکَ (۱).

قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله لِعَلِیٍّ یَا عَلِیُّ إِذَا خَرَجْتَ مِنْ مَنْزِلِکَ تُرِیدُ حَاجَهً فَاقْرَأْ آیَهَ الْکُرْسِیِّ فَإِنَّ حَاجَتَکَ تُقْضَی إِنْ شَاءَ اللَّهُ (۲).

عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: مَنْ ذَهَبَ فِی حَاجَهٍ عَلَی غَیْرِ وُضُوءٍ فَلَمْ یُقْضَ حَاجَتُهُ فَلَا یَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ (۳).

مِنْ کِتَابِ عُیُونِ الْأَخْبَارِ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِیٍّ علیهم السلام قَالَ قَالَ: إِذَا أَرَادَ أَحَدُکُمُ الْحَاجَهَ فَلْیُبَکِّرْ فِی طَلَبِهَا یَوْمَ الْخَمِیسِ وَ لْیَقْرَأْ إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ آخِرَ سُورَهِ آلِ عِمْرَانَ وَ آیَهَ الْکُرْسِیِّ وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ وَ أُمَّ الْکِتَابِ فَإِنَّ فِیهَا قَضَاءَ حَوَائِجِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ(۴).

فِی الْمُهِمَّاتِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا أَصَابَ الرَّجُلَ کُرْبَهٌ أَوْ شِدَّهٌ فَلْیَکْشِفْ عَنْ رُکْبَتَیْهِ وَ ذِرَاعَیْهِ وَ لْیُلْصِقْهَا بِالْأَرْضِ وَ یُلْصِقْ جُؤْجُؤَهُ بِالْأَرْضِ ثُمَّ یَدْعُو(۵).

آخَرُ: قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام لِابْنِهِ إِذَا نَزَلَ بِکَ أَمْرٌ عَظِیمٌ فِی دِینٍ أَوْ دُنْیَا فَتَوَضَّأْ وَ ارْفَعْ یَدَیْکَ وَ قُلْ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَإِنَّهُ یُسْتَجَابُ لَکَ (۶).

آخَرُ وَ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الْأَوَّلِ علیه السلام: مَا مِنْ أَحَدٍ دَهِمَهُ أَمْرٌ یَغُمُّهُ أَوْ کَرَبَتْهُ کُرْبَهٌ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَی السَّمَاءِ وَ قَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ کُرْبَتَهُ وَ أَذْهَبَ غَمَّهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی (۷).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: دعای امیر مؤمنان علیه السلام برای برآورده شدن حاجت: «خدایی جز خدای یگانه نیست یکتاست و شریکی ندارد، بردبار و کریم است خدایی جز خدای یگانه نیست یکتاست و شریکی ندارد، بلندمرتبه و بزرگ است، سپاس خدایی را که کارهای نیک با نعمت‌های او انجام می‌پذیرد ای او ای او، او او ای کسی که جز او نیست مگر او یا او ای کسی که جز او کسی نیست مگر او. - . مکارم الاخلاق: ۳۹۸ -

دعایی دیگر در طلب حاجت: امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که پدرم نیازی مبرم داشتند: به سجده می‌رفتند بدون اینکه سوره‌ای را تلاوت کنند یا رکوعی به جا آورند، و هفت بار می‌خواندند و یا ارحم الراحمین و هرگاه مؤمنی این ذکر را بگوید: خداوند جلّ جلاله می... فرماید: منم که مهربان‌ترین مهربانانم، حاجتت را بخواه. - . مکارم الاخلاق: ۳۹۸ -

پیامبر صلی الله علیه و آله به علی فرمودند: ای علی، هرگاه از منزل به طلب حاجتی بیرون شدی آیه الکرسی را بخوان تا نیازت برطرف گردد انشاء الله. - . مکارم الاخلاق: ۳۹۸ -

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس بدون وضو برای رفع نیاز و کار خود برخیزد و کارش راه نیافتد، خودش را ملامت کند. - . مکارم الاخلاق: ۳۹۹، و در کتاب العیون ۲: ۴۰ آمده است. -

در کتاب عیون اخبار الرضا روایت است حضرت علی علیه السلام فرمودند: هرگاه یکیاز شما را حاجتی باشد، صبح زود روز پنج شنبه به طلب آن برآید و هنگام خروج از منزل آخر سوره عمران، آیه الکرسی، انا انزلناه فی لیله القدر و ام الکتاب را بخواند، به راستی که رفع حوائج دنیا و آخرت در این‌هاست. - . مکارم الاخلاق: ۳۹۹، و در کتاب العیون ۲: ۴۰ مراجعه کن. -

در کارهای مهم: هرگاه شخصی به سختی و گرفتاری افتد، لباس را از زانوها و بازوهایش کنار بزند و آنها را به زمین بچسباند و سینه خود را نیز در تماس با زمین قرار دهد، سپس دعا کند. - . مکارم الاخلاق: ۳۹۹ -

دعایی دیگر: حضرت علی علیه السلام به فرزندش فرمودند: هرگاه امر مهمی در امور دینی یا دنیوی برایت حاصل شد، وضو بگیر دستهایت را

بالا ببر و هفت مرتبه بگو: «یا الله یا الله: ای خدا» که دعایت مستجاب می‌شود. - . مکارم الاخلاق: ۳۹۹ -

دعـایی دیگر: امام کاظم علیه السـلام فرمودنـد: هر کس به غم و انـدوه و گرفتاری و مشـکلی برخورد و سـرش را رو به آسـمان کنـد و سه بار بگویـد «بسم الله الرحمن الرحیم: به نام خداونـد بخشایشـگر مهربان» گره‌اش گشوده می شود و اندوهش برطرف می گردد، انشاء الله تعالی. - . مکارم الاخلاق: ۳۹۹ -

**[ترجمه]

«۱۱»

مکا، [مکارم الأخلاق]: إِذَا أَرَدْتَ حَاجَةً فَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْلَى الْأَكْبَرِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَعْظَمِ الْأَكْرَمِ أَنْ تَفْعَلَ بِی كَذَا فَإِنَّهُ لَا یُرَدُّ(۸).

ص: ۱۵۹

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۳۹۸.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۳۹۸.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۳۹۹، و تراه فی كتاب العیون ج ۲ ص ۴۰.

۴- ۴. مکارم الأخلاق ص ۳۹۹، و تراه فی كتاب العیون ج ۲ ص ۴۰.

۵- ۵. مکارم الأخلاق: ۳۹۹.

۶- ۶. مکارم الأخلاق: ۳۹۹.

۷- ۷. مکارم الأخلاق: ۳۹۹.

۸- ۸. مکارم الأخلاق ص ۴۰۵.

**[ترجمه]مکـارم الاخلاق: هرگاه حاجتی داشتی بگو «خـدایا از تو می‌خواهم به نام بلنـد و بزرگ عزیز و باشـکوه باعظمت و بزرگوار که در حق من چنین کنی، به راستی که مستجاب می‌شود. - . مکارم الاخلاق:۴۰۵ -

**[ترجمه]

«۱۲»

کشف، [کشف الغمه] مِنْ کِتَابِ الدَّلَائِلِ لِلْحِمْیَرِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: لَمَّا قُتِلَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ علیه السلام جَاءَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَنَفِیَّهِ إِلَی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ فَقَالَ لَهُ یَا ابْنَ أَخِی أَنَا عَمُّکَ وَ صِنْوُ أَبِیکَ وَ أَسَنُّ مِنْکَ فَأَنَا أَحَقُّ بِالْإِمَامَهِ وَ الْوَصِیَّهِ فَادْفَعْ إِلَیَّ سِلَاحَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ یَا عَمِّ اتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تَدَّعِ مَا لَیْسَ لَکَ فَإِنِّی أَخَافُ عَلَیْکَ نَقْصَ الْعُمُرِ وَ شَتَاتَ الْأَمْرِ فَقَالَ لَهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَنَفِیَّهِ أَنَا أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ مِنْکَ فَقَالَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ یَا عَمِّ فَهَلْ لَکَ إِلَی حَاکِمٍ نَحْتَکِمُ إِلَیْهِ فَقَالَ وَ مَنْ هُوَ قَالَ الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ قَالَ فَتَحَاکَمَا إِلَیْهِ فَلَمَّا وَقَفَا عِنْدَهُ قَالَ لَهُ یَا عَمِّ تَکَلَّمْ فَأَنْتَ الْمُطَالِبُ قَالَ فَتَکَلَّمَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَنَفِیَّهِ فَلَمْ یُجِبْهُ قَالَ فَتَقَدَّمَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ فَوَضَعَ یَدَهُ عَلَیْهِ وَ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَکْتُوبِ فِی سُرَادِقِ الْبَهَاءِ وَ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَکْتُوبِ فِی سُرَادِقِ الْعَظَمَهِ وَ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَکْتُوبِ فِی سُرَادِقِ الْقُوَّهِ وَ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَکْتُوبِ فِی سُرَادِقِ الْجَلَالِ وَ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَکْتُوبِ فِی سُرَادِقِ السُّلْطَانِ وَ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَکْتُوبِ فِی سُرَادِقِ السَّرَائِرِ وَ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْفَائِقِ الْخَبِیرِ الْبَصِیرِ رَبِّ الْمَلَائِکَهِ الثَّمَانِیَهِ وَ رَبِّ جَبْرَئِیلَ وَ مِیکَائِیلَ وَ إِسْرَافِیلَ وَ رَبِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ لَمَّا أَنْطَقْتَ هَذَا الْحَجَرَ بِلِسَانٍ عَرَبِیٍّ فَصِیحٍ یُخْبِرُ لِمَنِ الْإِمَامَهُ وَ الْوَصِیَّهُ بَعْدَ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ قَالَ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَلَی الْحَجَرِ فَقَالَ أَسْأَلُکَ بِالَّذِی جَعَلَ فِیکَ مَوَاثِیقَ الْعِبَادِ وَ الشَّهَادَهَ لِمَنْ وَافَاکَ إِلَّا أَخْبَرْتَ لِمَنِ الْإِمَامَهُ وَ الْوَصِیَّهُ بَعْدَ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ فَتَزَعْزَعَ الْحَجَرُ حَتَّی کَادَ أَنْ یَزُولَ مِنْ مَوْضِعِهِ وَ تَکَلَّمَ بِلِسَانٍ عَرَبِیٍّ فَصِیحٍ یَقُولُ یَا مُحَمَّدُ سَلِّمْ سَلِّمْ إِنَّ الْإِمَامَهَ وَ الْوَصِیَّهَ بَعْدَ الْحُسَیْنِ لِعَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام فَرَجَعَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ ابْنُ الْحَنَفِیَّهِ وَ هُوَ یَقُولُ بِأَبِی عَلِیٌّ (۱).

**[ترجمه]کشف الغمه: به نقل از کتاب الـدلائل از حمیری، امام باقر علیه السـلام فرمودنـد: زمانی که حسـین بن علی علیه السـلام به شـهادت رسـید، محمد بن حنفیه خدمت علی بن حسین آمد و عرض کرد: ای فرزند برادرم، من عموی تو و همچون پدر تو و بزرگ‌تر از تو هستم، من به امامت و جانشینی سزاوارترم، پس سلاح رسول خدا را به من بده، علی بن حسین فرمودند: ای عمو، بترس از خدا و آنچه که برای تو نیست، ادعـا نکن، من از کوتـاهی عمر و امـور پراکنـده بر تو می‌ترسم، محمـد بن حنفیه عرض کرد: من به این کـار از تو شایسـته‌ترم، علی بن حسـین فرمودند: ای عمو می‌خواهی به نزد حاکمی برویم تا او برایمان حکم کند؟ گفت: چه کسی؟ فرمودند: حجر الاسود.

نقل کرد: پس برای داوری به سـمت حجر الاسود رفتند و در کنار آن ایسـتادند. علی بن حسـین فرمودند: ای عمو، شما شروع سخن کنید؛ زیرا طالب حقی هستید، نقل کرد: پس محمد بن حنفیه سخن گفت و جوابی نشنید، و در این هنگام علی بن حسین جلو رفتند و دستشان را بر روی سنگ گذاشتند و خواندند: خدایا از تو می‌خواهم به نام مکتوب تو در سرسرای زیبایی، به نام مکتوب تو در سرسرای عظمت، و به نام مکتوب تو در سرسـرای قدرت، و به نام مکتوب تو در سرسـرای شکوه، و از تو می‌خواهم به نام مکتوب تو در سرسرای پادشاهی و از تو می‌خواهم به نام مکتوب تو در سرسرای رازها و از تو می‌خواهم به نام بالا و آگاه بیننده تو، پروردگار هشت فرشته، و پروردگار جبرئیل و مکائیل و اسرافیل و پروردگار محمد خاتم پیامبران، که این سـنگ را به زبان فصـیح عربی به سـخن آوری و خبر دهد امامت و جانشـینی بعد از حسـین بن علی، شایسته چه کسی است؟

نقل کرد: سـپس علی بن حسـین به کنار سـنگ رفتند و خواندند از تو می‌خواهم به آن کسی که پیمان‌نامه بندگان و گواهی بر کسی که به تو وفا کرد را در تو قرار داد، خبر دهی امامت و جانشـینی بعد از حسین بن علیه السلام برای چه کسی است؟ سنگ تکانی خورد و نزدیک بود از جای خود حرکت کند، و به زبان عربی فصـیح گفت: «ای محمد، تسـلیم شو به راستی که امامت و جانشـینی بعد از حسین برای علی بن حسین است».امام باقر علیه السلام فرمودند: پس محمد بن حنفیه بازگشت در حالی که می‌گفت: پدرم به فدای علی. - . کشف الغمه۲: ۳۰۹ -

**[ترجمه]

«۱۳»

کشف، [کشف الغمه] مِنْ کِتَابِ دَلَائِلِ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ مَوْلًی لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: کُنَّا مَعَ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام حِینَ قَدِمَ بِهِ الْبَصْرَهَ فَلَمَّا أَنْ کَانَ قُرْبَ الْمَدَائِنِ رَکِبْنَا فِی أَمْوَاجٍ کَثِیرَهٍ وَ خَلْفَنَا سَفِینَهٌ فِیهَا امْرَأَهٌ تُزَفُّ إِلَی زَوْجِهَا وَ کَانَتْ لَهُمْ جَلَبَهٌ(۲)

فَقَالَ

ص: ۱۶۰

۱- ۱. کشف الغمّه ج ۲ ص ۳۰۹.

۲- ۲. الجلبه: اختلاف الأصوات.

مَا هَذِهِ الْجَلَبَهُ قُلْنَا عَرُوسٌ فَمَا لَبِثْنَا أَنْ سَمِعْنَا صَيْحَهً فَقَالَ مَا هَذَا فَقَالُوا ذَهَبَتِ الْعَرُوسُ لِتَغْتَرِفَ مَاءً فَوَقَعَ مِنْهَا سِوَارٌ مِنْ ذَهَبٍ فَصَاحَتْ فَقَالَ احْبِسُوا وَ قُولُوا لِمَلَّاحِهِمْ تَحْبِسُ فَحَبَسْنَا وَ حَبَسَ مَلَّاحُهُمْ فَاتَّكَأَ عَلَى السَّفِينَهِ وَ هَمَسَ قَلِيلًا وَ قَالَ قُولُوا لِمَلَّاحِهِمْ يَتَّزِرْ بِفُوطَهٍ وَ يَنْزِلُ فَيَتَنَاوَلُ السِّوَارَ فَنَظَرْنَا فَإِذَا السِّوَارُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ وَ إِذَا مَاءٌ قَلِيلٌ فَنَزَلَ الْمَلَّاحُ فَأَخَذَ السِّوَارَ فَقَالَ أَعْطِهَا وَ قُلْ لَهَا فَلْتَحْمَدِ اللَّهَ رَبَّهَا ثُمَّ سِرْنَا فَقَالَ لَهُ أَخُوهُ إِسْحَاقُ جُعِلْتُ فِدَاكَ الدُّعَاءُ الَّذِي دَعَوْتَ بِهِ عَلِّمْنِيهِ قَالَ نَعَمْ وَ لَا تُعَلِّمْهُ مَنْ لَيْسَ لَهُ بِأَهْلٍ وَ لَا تُعَلِّمْهُ إِلَّا مَنْ كَانَ مِنْ شِيعَتِنَا ثُمَّ قَالَ اكْتُبْ فَأَمْلَى عَلَيَّ إِنْشَاءً يَا سَابِقَ كُلِّ فَوْتٍ يَا سَامِعاً لِكُلِّ صَوْتٍ قَوِيٍّ أَوْ خَفِيٍّ يَا مُحْيِيَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ لَا تَغْشَاكَ الظُّلُمَاتُ الْحِنْدِسِيَّهُ(۱) وَ لَا تَشَابَهُ عَلَيْكَ اللُّغَاتُ الْمُخْتَلِفَهُ وَ لَا يَشْغَلُكَ شَيْ ءٌ عَنْ شَيْ ءٍ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ دَعْوَهُ دَاعٍ دَعَاهُ مِنَ السَّمَاءِ يَا مَنْ لَهُ عِنْدَ كُلِّ شَيْ ءٍ مِنْ خَلْقِهِ سَمْعٌ سَامِعٌ وَ بَصَرٌ نَافِذٌ يَا مَنْ لَا تُغَلِّطُهُ كَثْرَهُ الْمَسَائِلِ وَ لَا يُبْرِمُهُ إِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيَّ فِي دَيْمُومَهِ مُلْكِهِ وَ بَقَائِهِ يَا مَنْ سَكَنَ الْعُلَى وَ احْتَجَبَ عَنْ خَلْقِهِ بِنُورِهِ يَا مَنْ أَشْرَقَتْ لِنُورِهِ دُجَى الظُّلَمِ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الَّذِي هُوَ مِنْ جَمِيعِ أَرْكَانِكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ ثُمَّ سَلْ حَاجَتَكَ (۲).

**[ترجمه]کشف الغمه: به نقل از کتاب الدلائل از حمیری، به همراه حضرت کاظم علیه السلام بودیم که به بصره وارد شدند و وقتی که به مدائن نزدیک شدیم و سوار بر کشتی شدیم و کشتی پشت سر ما بودکه در آن مراسم عروسی بود و غوغایی بر پا بود. پس فرمودند: این سر و صدا برای چیست؟ عرض کردیم: عروسی است. طولی نکشید که فریادی بر آمد. فرمودند: این چیست؟ گفتند: عروس رفت تا آبی برگیرد پس النگوی طلای او افتاد و او فریاد زد، پس فرمودند: بازدارید و به کشتیبانشان بگویید بازداشته شود. پس باز داشته شدیم و کشتیبانشان را بازداشتیم، پس بر کشتی تکیه نمودند و اندکی نجوا نمودند و فرمودند: به کشتیبانشان بگویید لنگی بپوشد و پایین رود و النگو را بردارد و پس نگاه کردیم و دیدیم که النگو بر زمین است و آب بسیار کم است پس کشتیبان فرود آمد و النگو را برداشت پس فرمودند: به او بده و به او بگو: باید خدا پروردگار خود را سپاس گوید، سپس رفتیم.

برادرشان اسحاق به ایشان فرمودند: فدایت شوم، دعایی را که خواندید به من می‌آموزید؟ فرمودند: آری، ولی آن را به کسی نیاموز که شایسته آن باشد و آن را به شیعیان ما بیاموز، سپس فرمودند: بنویس و بر من املا کردند:

«ای سبقت‌گیرنده بر از دست رفته‌ها، ای شنونده هر صدای قوی یا پنهانی تاریکی‌های سخت تو را فرا نمی‌گیرد و زبان‌های مختلف تو را به اشتباه نمی‌اندازد و چیزی تو را از چیز دیگر مشغول نمی‌کند، ای کسی دعای دعاکننده در آسمان او را به خود مشغول نمی‌کند، ای آنکه در تمام مخلوقاتش، گوش شنوا و چشم نافذ دارد، ای آنکه بسیاری امور او را به اشتباه نمی‌اندازد و پافشاری اصرارکنندگان او را خسته نمی کند، ای زنده که هیچ موجود زنده‌ای در طول فرانروایی و ماندگاری‌اش وجود ندارد، ای کسی که در اوج، ساکنی و با نور خداوند از مخلوقات، پنهان شدی، ای آنکه تاریکی‌ها به نور تو روشن گشتی، از تو می‌خواهم به نام یگانه یکتا بی‌نظیر بی‌نیازی که از تمامی پایه‌های توست، بر محمد و خاندانش درود فرست» سپس حاجتت رابخواه. - . کشف الغمه۳: ۴۳ -

**[ترجمه]

«۱۴»

تم، [فلاح السائل] رَوَى أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُقْرِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَنْصُورِيِّ عَنْ عَمِّ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ عِيسَى بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْإِمَامِ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام صَاحِبِ الْعَسْكَرِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: مَنْ قَدَّمَ هَذَا الدُّعَاءَ أَمَامَ دُعَائِهِ اسْتُجِيبَ لَهُ قَالَ وَ حَدَّثَنَاهُ مَرَّهً أُخْرَى فَقَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي عَنْ يَزِيدَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْكَجِّيِّ عَنْ عَاصِمٍ النَّبِيلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ لَا يُرَدَّ

۱- ۱. الحندس: ظلمه اللیل و اشتداد سواده.

۲- ۲. کشف الغمّه ج ۳ ص ۴۳.

دُعَاؤُهُ فَلْيُقَدِّمْ هَذَا الدُّعَاءَ أَمَامَ دُعَائِهِ وَ هُوَ مَا شَاءَ اللَّهُ تَوَجُّهاً إِلَى اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ تَعَبُّداً لِلَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ تَلَطُّفاً لِلَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ تَذَلُّلًا لِلَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ اسْتِنْصَاراً بِاللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ اسْتِكَانَةً لِلَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ تَضَرُّعاً إِلَى اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ اسْتِعَانَةً بِاللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ اسْتِغَاثَةً بِاللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ (۱).

**[ترجمه]فلاح السائل: امام هادی عسکری علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام نقل کردند: هر کس این دعا را قبل از دعای خود بخواند، مستجاب گردد، و یک بار دیگر آن را برای ما روایت کردند، امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس می‌خواهد دعایش مستجاب گردد، این دعا را بر دعای خود مقدم بدارد: «آنچه خدا خواست به سوی او روی می‌کنم، آنچه خدا خواست او را می‌پرستم، آنچه خدا خواست مهربانی از سوی اوست، آنچه خدا خواست من در مقابل او ذلیلم، آنچه خدا خواست از او یاری می‌طلبم، آنچه خدا خواست در برابر او فروتنم، آنچه خدا خواست به سوی او ناله می‌کنم، آنچه خدا خواست از او کمک می‌گیرم، آنچه خدا خواست از او فریادخواهی می‌کنم، آنچه خدا خواست و هیچ نیرو و قدرتی جز به خدای بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمی‌پذیرد. - . فلاح السائل: ۹۷ -

**[ترجمه]

«۱۵»

ق، [الکتاب العتیق الغروی] رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمَنْصُورِيُّ عَنْ عَمِّهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قُلْتُ لِسَيِّدِنَا أَبِي الْحَسَنِ عَلِيٍّ صَاحِبِ الْعَسْكَرِ علیه السلام عَلِّمْنِي دُعَاءً وَ خُصَّنِي بِهِ فَقَالَ قُلْ يَا بَا مُوسَى يَا عُدَّتِي دُونَ الْعَدَدِ يَا رَجَائِي وَ الْمُعْتَمَدُ وَ يَا كَهْفِي وَ السَّنَدُ وَ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا مَنْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ وَ لَمْ تَجْعَلْ فِي خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ أَحَداً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى جَمَاعَتِهِمْ وَ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا فَإِنِّي قَدْ سَأَلْتُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَنْ لَا يُخَيِّبَ مَنْ دَعَا بِهِ.

**[ترجمه]العتیق الغروی: منصوری از پدرش نقل کرد: به مولایمان امام هادی علیه السلام عرض کردم: دعایی به من بیاموزید و مرا به آن اختصاص دهید، فرمودند: بگو: یا با موسی «ای توشه من در مقابل توش‌ها، ای امید و تکیه‌گاه من، ای پناهگاه و پشتوانه من، و ای یگانه و ای یکتا ای کسی که اوست خدای یکتا، از تو می‌خواهم به حق کسی که او را از مخلوقات آفریدی ولی در میان آنان کسی را همانند او نگردانیدی، بر تمامی آنها درود فرستی، و در حق من چنین و چنان کنی....» به راستی که من از خدا خواسته‌ام تا دعاکننده به این دعا را ناامید نگرداند.

**[ترجمه]

«۱۶»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی أَحْمَدُ بْنُ عُبْدُونٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الزُّبَيْرِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ رِزْقٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قَالَ لِيَ ادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ أَنَا ضَامِنٌ لَكَ حَاجَتَكَ عَلَى اللَّهِ اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى طَلِبَتِي قَدْ تَعْلَمُ حَاجَتِي فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا قَضَيْتَهَا(۲).

**[ترجمه]أمالی: یحیی بن علا نقل کرد: امام باقر علیه السلام به من فرمودند: این دعا را بخوان و من حاجت تو را در نزد خدا، تضمین می‌کنم، «خدایا تو سرپرست نعمت من هستی و تو بر خواسته من توانایی، حاجتم را می‌دانی از تو می‌خواهم به حق محمد و خاندان او که حاجتم را برآوری». - . أمالی الطوسی ۲: ۲۸۹ -

**[ترجمه]

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ، قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: مَنْ قَرَأَ مِائَهَ آیَهٍ مِنَ الْقُرْآنِ مِنْ أَيِّ الْقُرْآنِ شَاءَ ثُمَّ قَالَ يَا اللَّهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَلَوْ دَعَا عَلَى الصَّخْرَهِ لَقَلَعَهَا(۳) إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

وَ عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: اغْتَمَمْتُ فِي بَعْضِ الْأُمُورِ فَأَتَانِي أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَالَ يَا بُنَيَّ ادْعُ اللَّهَ وَ أَكْثِرْ مِنْ يَا رَءُوفُ يَا رَحِيمُ.

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَنْ قَالَ يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَ لَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ أَحَدٌ غَيْرُهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اسْتُجِيبَ لَهُ وَ هُوَ الدُّعَاءُ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَ إِنَّ مِنْ أَوْجَهِ الدُّعَاءِ

ص: ۱۶۲

۱- ۱. فلاح السائل ۹۷.

۲- ۲. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۲۸۹.

۳- ۳. لفلقها خ.

وَ أَبْلَغِهِ أَنْ يَقُولَ يَا اللَّهُ الَّذِی لَیسَ کَمِثْلِهِ شَیْ ءٌ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ وَ افْعَلْ بِی کَذَا وَ کَذَا وَ کَانَ أَبِی علیه السلام یَحْزُنُ هَذَا الدُّعَاءَ وَ یَخْبَأُهُ وَ لَا یُطْلِعُ عَلَیْهِ أَحداً أَعُوذُ بِدِرْعِ اللَّهِ الْحَصِینَهِ الَّتِی لَا تُرَامُ وَ أَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ مِنْ کَذَا وَ کَذَا وَ قُولُوا کَلِمَاتِ الْفَرَجِ.

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِنَّ مِنْ أَلَحِّ الدُّعَاءِ أَنْ یَقُولَ الْعَبْدُ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ إِنَّ مِنْ أَجْمَعِ الدُّعَاءِ أَنْ یَقُولَ الْعَبْدُ الِاسْتِغْفَارَ وَ سَیِّدُ کَلَامِ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

وَ قَدِمَ رَجُلٌ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ یَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ مِنْ دُعَاءٍ لَا یُرَدُّ قَالَ نَعَمْ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْأَعْلَی الْأَجَلِّ الْأَعْظَمِ رَدِّدْهَا ثُمَّ سَلْ حَاجَتَکَ.

وَ عَنِ الثُّمَالِیِّ قَالَ: قُلْتُ لِعَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیهما السلام عَلِّمْنِی دُعَاءً فَقَالَ یَا ثَابِتُ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِأَنَّ لَکَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِیعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا ثُمَّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله هُوَ الَّذِی إِذَا دُعِیَ بِهِ أَجَابَ وَ إِذَا سُئِلَ بِهِ أَعْطَی.

وَ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: دَفَعَ إِلَیَّ جَبْرَئِیلُ عَنِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی هَذِهِ الْمُنَاجَاهَ لِطَلَبِ الْحَاجَهِ اللَّهُمَّ جَدِیرٌ مَنْ أَمَرْتَهُ بِالدُّعَاءِ أَنْ یَدْعُوَکَ وَ مَنْ وَعَدْتَهُ بِالاسْتِجَابَهِ أَنْ یَرْجُوَکَ وَ لِیَ اللَّهُمَّ حَاجَهٌ قَدْ عَجَزَتْ عَنْهَا حِیلَتِی وَ کَلَّتْ مِنْهَا طَاقَتِی وَ ضَعُفَتْ عَنْ مَرَامِهَا قُوَّتِی وَ سَوَّلَتْ لِی نَفْسِیَ الْأَمَّارَهُ بِالسُّوءِ وَ عَدُوِّی الْغَرُورُ الَّذِی أَنَا مِنْهُ وَ مِنْهَا مَبْلُوٌّ أَنْ أَرْغَبَ إِلَی ضَعِیفٍ مِثْلِی وَ مَنْ هُوَ فِی النُّکُولِ شَکْلِی حَتَّی تَدَارَکَتْنِی رَحْمَتُکَ وَ بَادَرَتْنِی بِالتَّوْفِیقِ رَأْفَتُکَ وَ رَدَدْتَ عَلَیَّ عَقْلِی بِتَطَوُّلِکَ وَ أَلْهَمْتَنِی رُشْدِی بِتَفَضُّلِکَ وَ أَجْلَیْتَ بِالرَّجَاءِ لَکَ قَلْبِی وَ أَزَلْتَ خُدْعَهَ عَدُوِّی عَنْ لُبِّی وَ صَحَّحْتَ فِی التَّأَمُّلِ فِکْرِی وَ شَرَحْتَ بِالرَّجَاءِ لِإِسْعَافِکَ صَدْرِی وَ صَوَّرْتَ لِیَ الْفَوْزَ بِبُلُوغِ مَا رَجَوْتُهُ وَ الْوُصُولِ إِلَی مَا أَمَّلْتُهُ فَوَقَفْتُ اللَّهُمَّ رَبِّ بَیْنَ ذَلِکَ سَائِلًا لَکَ مِمَّا دَعَا إِلَیْکَ وَاثِقاً بِکَ مُتَوَکِّلًا عَلَیْکَ فِی قَضَاءِ حَاجَتِی وَ تَحْقِیقِ أُمْنِیَّتِی وَ تَصْدِیقِ

رَغْبَتِي فَأَعِذْنِي اللَّهُمَّ رَبِّ بِكَرَمِكَ مِنَ الْخَيْبَةِ وَ الْقُنُوطِ وَ الْأَنَاةِ وَ التَّثْبِيطِ بِهَنِيءِ إِجَابَتِكَ وَ سَابِغِ مَوْهِبَتِكَ إِنَّكَ وَلِيٌّ وَ بِالْمَنَائِحِ الْجَزِيلَهِ مَلِيٌّ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ وَ بِكُلِّ شَيْ ءٍ مُحِيطٌ.

وَ مِنْ دُعَاءِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله: يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ عَلَيَّ الْقَبِيحَ يَا مَنْ لَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ وَ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَهِ يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَهِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَهِ يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى وَ مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا يَا رَبَّاهْ يَا سَيِّدَاهْ يَا أَمَلَاهْ يَا غَايَهَ رَغْبَتَاهْ أَسْأَلُكَ بِكَ يَا اللَّهُ أَنْ لَا تُشَوِّهَ خَلْقِي بِالنَّارِ وَ أَنْ تَقْضِيَ لِي حَوَائِجَ آخِرَتِي وَ دُنْيَايَ وَ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا وَ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَدْعُوَ بِمَا بَدَا لَكَ.

وَ رُوِيَ: أَنَّ فِي الْعَرْشِ تِمْثَالًا لِكُلِّ عَبْدٍ فَإِذَا اشْتَغَلَ الْعَبْدُ بِالْعِبَادَهِ رَأَتِ الْمَلَائِكَهُ تِمْثَالَهُ وَ إِذَا اشْتَغَلَ بِالْمَعْصِيَهِ أَمَرَ اللَّهُ بَعْضَ الْمَلَائِكَهِ حَتَّى يَحْجُبُوهُ بِأَجْنِحَتِهِمْ لِئَلَّا تَرَاهُ الْمَلَائِكَهُ فَذَلِكَ مَعْنَى قَوْلِهِ صلی الله علیه و آله يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ.

**[ترجمه]دعوات الراوندی: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هر کس صد آیه از قرآن، از هر جای آن، بخواند و سپس هفت بار بگوید: یا الله، اگر بر صخره دعا کند، آن را از جای برمی کند، انشاء الله.

امام رضا علیه السلام فرمودند: به سبب بعضی از کارها و غمناک و اندوهناک بودم، پس امام باقر علیه السلام نزد من آمدند و فرمودند: ای فرزندم، خدا را بخوان و بسیار بگو: «یا رووف یا رحیم، ای عطوف و ای مهربان» .

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس سه بار بگوید: «ای آنکه هرچه بخواهد انجام می‌دهد و آنچه دیگری بخواهد انجام نمی‌دهد» دعایش مستجاب می‌شود. و آن دعایی است که رد نمی‌شود و از بهترین و رساترین دعاها این است که بگوید: «ای خدایی که مانند نداری بر محمد و خاندان وی درود فرست و در حق من چنین و چنان کن» پدرم علیه السلام این دعا را پنهان می کردند و کسی را بر آن آگاه نمی‌ساختند «پناه می‌برم دژ محکم خدا که دست نایافتنی است و پناه می‌برم به جمع خدا از فلان و فلان» و بگویید کلمات گشایش را.

امام صادق علیه السلام فرمودند: از دعاهای با اصرار و پافشاری زیاد، آن است که بنده بسیار بگوید: ما شاء الله. آنچه خدا خواست و از فراگیرترین دعاها این است که بنده استغفار کند و سرور سخنان پیشینیان و آیندگان «لا اله الّا الله» است.

شخصی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا آیا دعایی هست که رد نشود؟ فرمودند آری: «خدایا از تو می‌خواهم به نام بلند و باشکوه و عظیم تو» آن را تکرار کن سپس حاجتت را بخواه.

ثمالی نقل کرد به علی بن حسین علیهما السلام عرض کردم: دعایی به من بیاموزید، پس فرمودند: ای ثابت بگو:«خدایا از تو می‌خواهم به اینکه سپاس از آن توست و خدایی جز تو وجود ندارد که بخشنده، آفریننده آسمان‌ها و زمین و صاحب شکوه و بزرگی هستی، در حق من چنین و چنان کن». سپس فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: این دعایی است که اگر بدان خوانده شود، اجابت گردد و چنانچه بدان درخواستی شود، عطا گردد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: جبرئیل برای من از جانب خداوند تبارک و تعالی این مناجات را برای طلب حاجت آوردند: «خدایا شایسته است کسی را که به دعا امر کردی، تو را بخواند، و کسی را که وعده اجابت دادی به تو امیدوار گردد، خدایا من حاجتی دارم که از تدبیر آن ناتوانم و توانایی‌ام در راه آن ضعیف گشت و قدرتم در راه خواستن آن به سستی گرایید، نفس اماره من و دشمن فریبنده‌ای که من از دست او در امتحان و بلایم، برایم چنین آراست که نزد ضعیفی چون خود و ناتوانی شبیه خویش بروم، تا اینکه رحمتت مرا دریافت و مهربانی‌ات مرا موفق گردانید و با بخشش خود عقلم را به من بازگرداندی و با فضل خود، هدایت را به من الهام نمودی و قلبم را با امید به خودت، جلا بخشیدی و فریب دشمنانم را از مغزم زدودی و فکرم را در اندیشیدن سالم گرداندی و سینه‌ام را با امید به یاری‌ات گشودی، و

رستگاری بـه آنچه امیـد داشـتم را برایم نمایـان سـاختی، و رسـیدن به آرزوهـایم را به من نشـان دادی، معبـودا، پروردگـارا در برابر همه اینها ایسـتادم، در حـالی که از تو می‌خواهم آنچه دعـا کردم و به تو اطمینـان دادم و در بر آورده شـدن حاجتم بر تو توکل کردم و تحقق آرزوها و عملی شدن تمایلاتم، بر تو توکل کردم. خدایا پروردگارا به کرم خود مرا از نامیدی و یأس و سـستی و تأخیر به اجابت گوارای خود و بخشش فراوان خود پناه ده، به راستی که تو سرپرستی و سرشار از عطایای فراوانی و بر هر چیز توانمندی و بر هر چیز احاطه داری.

دعـای پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله: «ای کسـی زیبـایی‌ها را آشـکار نمودی و زشتی‌ها را پوشانـدی، ای آنکه پرده حرمت را ندریـدی و از گناهان بازخواست ننمودی، ای صاحب گـذشت عظیم و ای آنکه به نیکی می‌گذری و آمرزشت گسترده است، ای کسـی که دو دسـت را به رحمت می گشـایی، ای همراه هر نجوا، انتهای شـکایت‌ها، ای گذرنـده از لغزش‌ها، ای آنکه بخشـشت بزرگوارانه و عطایایت بسـیار است، ای آغاز کننده به نعمت‌ها قبل آنکه استحقاق آن باشد، ای پروردگار و سرور و امید من، ای انتهای تمایل من، ای خدا از تو می‌خواهم که جسمم را بـا آتش زشت نگردانی و حاجات دنیا و آخرتم را روا سازی و در حق من چنین و چنان کنی» بر محمـد و خانـدان محمـد درود فرستی و به آنچه می‌خواهی دعا کن.

روایت است: در عرش برای هر بنده‌ای تصویری است، زمانی که به عبادت مشـغول است فرشتگان او را می‌بینند و زمانی که گناه مشغول می... شود، خداونـد به ملائکه دسـتور می‌دهـد تـا تصویر او را بـا بـال‌هاشـان بپوشاننـد تا فرشـتگان او را در این حال نبیننـد. و این معنای این فراز از دعاست: «ای کسی که زیبایی را آشکار ساخت و زشتی را پوشاندی».

**[ترجمه]

«۱۸»

الْبَلَدُ الْأَمِینُ، نَقْلًا مِنْ کِتَابِ الِاحْتِسَابِ عَلَی الْأَلْبَابِ لِابْنِ طَاوُسٍ رَحِمَهُ اللَّهُ: إِنَّ الصَّادِقَ علیه السلام کَانَ إِذَا أَلَحَّتْ بِهِ الْحَاجَهُ یَسْجُدُ مِنْ غَیْرِ صَلَاهٍ وَ لَا رُکُوعٍ ثُمَّ یَقُولُ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ سَبْعاً ثُمَّ یَسْأَلُ حَاجَتَهُ ثُمَّ قَالَ علیه السلام مَا قَالَ أَحَدٌ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ سَبْعاً إِلَّا قَالَ اللَّهُ تَعَالَی لَهُ هَا أَنَا أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ سَلْ حَاجَتَکَ.

وَ فِی کِتَابِ الْمَشْیَخَهِ تَأْلِیفِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السـلام: أَنَّهُ لَمْ یَقُلْ مُؤْمِنٌ یَا اللَّهُ عَشْـرَ مَرَّاتٍ مُتَتَابِعَاتٍ إِلَّا قَالَ اللَّهُ تَعَالَی لَبَّیْکَ عَبْدِی سَلْ حَاجَتَکَ.

وَ فِی کِتَابِ الصَّلَاهِ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: مَنْ قَالَ عَشْرَ مَرَّاتٍ یَا رَبِّ یَا رَبِّ قِیلَ لَهُ لَبَّیْکَ سَلْ حَاجَتَکَ.

وَ فِی کِتَابِ الْکَافِی لِلْکُلَیْنِیِّ عَنِ الرِّضَا علیه السلام: دَعْوَهُ الْعَبْدِ سِرّاً دَعْوَهً وَاحِدَهً تَعْدِلُ سَبْعِینَ دَعْوَهً عَلَانِیَهً.

وَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی لَا یَسْتَجِیبُ دُعَاءً بِظَهْرِ قَلْبٍ قَاسٍ.

ص: ۱۶۴

وَ فِی عُدَّهِ الدَّاعِی: أَنَّهُ لَمْ یَقُلْ أَحَدٌ یَا رَبَّاهْ یَا رَبَّاهْ عَشْراً إِلَّا قِیلَ لَهُ لَبَّیْکَ سَلْ حَاجَتَکَ وَ مِثْلَ ذَلِکَ یَا سَیِّدَاهْ یَا سَیِّدَاهْ.

وَ رُوِیَ: أَنَّهُ مَنْ قَالَ فِی سَجْدَتِهِ یَا رَبَّاهْ یَا سَیِّدَاهْ ثَلَاثاً أُجِیبَ بِمِثْلِ ذَلِکَ.

وَ عَنْ سَمَاعَهَ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام: إِذَا کَانَ لَکَ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَی حَاجَهٌ فَقُلِ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ فَإِنَّ لَهُمَا عِنْدَکَ شَأْناً مِنَ الشَّأْنِ وَ قَدْراً مِنَ الْقَدْرِ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ ذَلِکَ الشَّأْنِ وَ بِحَقِّ ذَلِکَ الْقَدْرِ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا فَإِنَّهُ إِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَهِ لَمْ یَبْقَ مَلَکٌ مُقَرَّبٌ وَ لَا نَبِیٌّ مُرْسَلٌ وَ لَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ امْتَحَنَ اللَّهُ تَعَالَی قَلْبَهُ لِلْإِیمَانِ إِلَّا وَ هُوَ مُحْتَاجٌ إِلَیْهِمَا فِی ذَلِکَ الْیَوْمِ.

وَ مِنْهُ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَرَأَ مِائَهَ آیَهٍ مِنْ أَیِّ آیِ الْقُرْآنِ شَاءَ ثُمَّ قَالَ یَا اللَّهُ سَبْعاً فَلَوْ دَعَا عَلَی صَخْرَهٍ لَقَلَعَهَا اللَّهُ تَعَالَی (۱).

**[ترجمه]البلد الامین: به نقل از کتاب الاحتساب علی الالباب از ابن طاووس رحمه الله، امام صادق علیه السلام هرگاه نیاز مبرمی داشتند بدون اینکه نماز بخوانند یا رکوعی به جا بیاورند به سجده می‌رفتند و هفت بار می گفتند: «یا أرحم الراحمین: ای مهربان‌ترین مهربانان» سپس حاجتشان را می‌خواستند سپس آن حضرت علیه السلام فرمودند: هر کس هفت بار «یا ارحم الراحمین» را بگوید، خداوند تعالی می‌فرماید: من مهربان‌ترنی مهربانانم، حاجتت را بخواه.

در کتاب المشیخه اثر حسن بن محبوب روایت است امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کس ده بار پی در پی یا الله بگوید خداوند می فرماید: ای بنده من تو را اجابت کردم حاجتت را بخواه.

در کتاب الصلوه از محمد بن علی بن محبوب، روایت است امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس ده بار بگوید: یا ربّ یا ربّ: ای پروردگار من، ای پروردگار من، به او گفته می‌شود: اجابت کردم، حاجتت را بخواه.

در کتاب الکافی از کلینی روایت است امام رضا علیه السلام فرمودند: یک دعای بنده در نهان برابر با هفتاد دعای او در عیان است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: به راستی که خداوند تعالی دعایی که از قلبی سخت برآید، مستجاب نمی گرداند.

در عده الداعی روایت است: هر کس دو بار یا ربّاه یا ربّاه: ای پروردگار من ای پروردگار من بگوید، به او گفته می‌شود [اجابت کردم حاجتت را بخواه] و همین طور است ذکر «یا سیداه یا سیداه: ای مولای من».

روایت است هر کس در سجده سه بار بگوید: یا رباه یا سیداه: ای پروردگار من ای سرور من همانطور به او جواب داده می‌شود.

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: هر گاه حاجتی به درگاه خداوند داشتی، بگو: «خدایا به حق محمد و علی، زیرا این دو در نزد تو دارای مقام و منزلت فراوانی هستند و از تو می‌خواهم به حق این منزلت و مقام، بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و در حق من چنین و چنان کنی. به راستی که در روز قیامت خداوند قلب فرشتگان مقرب و پیامبران فرستاده شده و بندگان مؤمن را به ایمان می‌آزماید و همگی در آن روز به این دو بزرگوار نیازمندند .

علی علیه السلام فرمودند: هر کس صد آیه از قرآن به صورت دلخواه از هر کجای قران بخواند، سپس هفت بار بگوید: یا الله: ای خدا، چنانچه بر سنگی دعا کند، خداوند آن را از جای برمی‌کند. - . احادیث از حاشیه البلد الامین از مولف آن نقل شد که چاپ نگشت، مراجعه کن محاسبه النفس: ۱۵۱ – ۱۴۷، الکافی ۲: ۴۷۶ و ۴۷۴ و عده الداعی: ۳۸. -

**[ترجمه]

«۱۹»

مهج، [مهج الدعوات]: دُعَاءٌ عَلَّمَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لِابْنِهِ الْحَسَنِ علیه السلام إِذَا قَصَدْتَ إِنْسَاناً لِحَاجَةٍ فَاكْتُبْ ذَلِكَ وَ أَمْسِكْهُ فِي يَدِكَ الْيُمْنَى وَ تَذْهَبُ أَيْنَ شِئْتَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا وَتْرُ يَا نُورُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ مَلَأَتْ أَرْكَانُهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُسَخِّرَ لِي قَلْبَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ كَمَا سَخَّرْتَ الْحَيَّةَ لِمُوسَى علیه السلام وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُسَخِّرَ لِي قَلْبَهُ كَمَا سَخَّرْتَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُلَيِّنَ لِي قَلْبَهُ كَمَا لَيَّنْتَ الْحَدِيدَ لِدَاوُدَ علیه السلام وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُذَلِّلَ قَلْبَهُ كَمَا ذَلَّلْتَ نُورَ الْقَمَرِ لِنُورِ الشَّمْسِ يَا اللَّهُ هُوَ عَبْدُكَ ابْنُ أَمَتِكَ وَ أَنَا عَبْدُكَ ابْنُ أَمَتِكَ أَخَذْتُ بِقَدَمَيْهِ وَ نَاصِيَتِهِ فَسَخِّرْهُ لِي حَتَّى يَقْضِيَ حَاجَتِي هَذِهِ وَ مَا أُرِيدُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ وَ هُوَ عَلَى مَا هُوَ فِيمَا هُوَ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ (۲).

**[ترجمه]مهج الدعوات: دعایی که حضرت علی علیه السلام به فرزند خود حسن علیه السلام آموختند و فرمودند هرگاه برای حاجتی شخصی را قصد کردی، آن را بنویس و در دست راست خود بگیر و هر جا که خواستی برو:

«خداوندا از تو می خواهم ای خدا ای یگانه ای یکتا ای تنها ای بی نیاز ای کسی که ستون هایش آسمان ها و زمین را پر کرد از تو می خواهم قلب فلان فرزند فلان را در تسخیر من قرار دهی، همانطور که مار را برای حضرت موسی علیه السلام مسخر کردی و از تو می خواهم قلب او را در اختیار من قرار دهی، همانگونه که لشکریان خود از جن و انسان و پرندگان را به اختیار حضرت سلیمان قرار دادی،پس دسته دسته گردیدند. و از تو می خواهم قلب او را برای من نرم کنی، همانطور که آهن را برای داود علیه السلام نرم گرداندی و از تو درخواست می کنم قلب او را رام گردانی، همانطور که نور ماه را در سیطره نور خورشید قرار دادی، ای خدا او بنده و فرزند کنیز توست و من بنده تو و فرزند کنیز تو هستم، من به پاها و پیشانی او چنگ زدم پس او را مسخر من گردان تا حاجت و آنچه می خواهم را برآورد، به راستی که تو بر هر چیزی توانایی و اوست بر آنچه که هست در آنچه که هست خدایی جز او که زنده و پاینده است وجود ندارد. - . مهج الدعوات: ۱۷۹ -

**[ترجمه]

«۲۰»

مهج، [مهج الدعوات] رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ الْمَنْصُورِيُّ عَنْ عَمِّ أَبِيهِ قَالَ: قُلْتُ لِسَيِّدِنَا أَبِي الْحَسَنِ عَلِيٍّ صَاحِبِ الْعَسْكَرِ علیه السلام عَلِّمْنِي دُعَاءً وَ خُصَّنِي بِهِ

ص: ۱۶۵

۱- ۱. النصوص منقوله من حاشیه البلد الأمین لمؤلّفه، و لم تطبع، راجع محاسبه النفس ۱۴۷- ۱۵۱، الکافی ج ۲ ص ۴۷۶ و ۴۷۴ عدّه الداعی ص ۳۸.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۱۷۹.

فَقَالَ قُلْ يَا بَا مُوسَى يَا عُدَّتِي دُونَ الْعُدَدِ وَ يَا رَجَائِي وَ الْمُعْتَمَدُ وَ يَا كَهْفِي وَ السَّنَدُ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا مَنْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ وَ لَمْ تَجْعَلْ فِي خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ أَحَداً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى جَمَاعَتِهِمْ وَ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا فَإِنِّي قَدْ سَأَلْتُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى أَنْ لَا يُخَيِّبَ مَنْ دَعَا بِهِ (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: منصوری به نقل از عموی پدرش، چنین آورد: به مولایمان امام هادی علیه السلام عرض کردم: دعایی به من بیاموز و مرا به آن اختصاص ده. فرمودند بگو:یا باموسی: «ای اندوخته من در برابر توشه‌ها، ای امید و تکیه‌گاه من، ای پناهگاه و پشتوانه من، ای یگانه ای یکتا، ای کسی که خدای یکتاس، از تو می‌خواهم به حق کسی که او را از میان مخلوقات آفریدی ولی هیچ کس را مانند او نگردانیدی به تمامی آنها درود فرستی و در حق من چنین و چنان کنی» به راستی که من از خداوند پاک و متعال خواستم که ناامید نگرداند کسی را که این دعا را بخواند. - . مهج الدعوات: ۳۳۸ و در آنجا آمده است «یا مونسی یا عدتی» و این اختلاف در نقطه گذاری است. -

**[ترجمه]

«۲۱»

مهج، [مهج الدعوات] رَوَيْنَا بِإِسْنَادِنَا إِلَى سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْبَصْرِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: كَانَ الَّذِي دَعَا بِهِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیهما السلام عِنْدَ مُحَاكَمَتِهِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَنَفِيَّةِ إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ أَنْ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ فِي سُرَادِقِ الْمَجْدِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ فِي سُرَادِقِ الْبَهَاءِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ فِي سُرَادِقِ الْعَظَمَةِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ فِي سُرَادِقِ الْجَلَالِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ فِي سُرَادِقِ الْعِزَّةِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ فِي سُرَادِقِ الْقُدْرَةِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ فِي سُرَادِقِ السَّرَائِرِ السَّابِقِ الْفَائِقِ الْحَسَنِ النَّضِيرِ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ الثَّمَانِيَةِ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ بِالْعَيْنِ الَّتِي لَا تَنَامُ وَ بِالاسْمِ الْأَكْبَرِ

الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ وَ بِالاسْمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْمُحِيطِ بِمَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ بِالاسْمِ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ الشَّمْسُ وَ أَضَاءَ بِهِ الْقَمَرُ وَ سُجِّرَتْ بِهِ الْبِحَارُ وَ نُصِبَتْ بِهِ الْجِبَالُ وَ بِالاسْمِ الَّذِي قَامَ بِهِ الْعَرْشُ وَ الْكُرْسِيُّ وَ بِأَسْمَائِكَ الْمُقَدَّسَاتِ الْمُكَرَّمَاتِ الْمَكْنُونَاتِ الْمَخْزُونَاتِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَسْأَلُكَ بِذَلِكَ كُلِّهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا قَالَ أَبَانُ بْنُ تَغْلِبَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَا أَبَانُ إِيَّاكُمْ أَنْ تَدْعُوا بِهَذَا الدُّعَاءِ إِلَّا لِأَمْرٍ مُهِمٍّ مِنْ أَمْرِ الْآخِرَةِ وَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْعِبَادَ مَا يَدْرُونَ مَا هُوَ هُوَ مِنْ مَخْزُونِ عِلْمِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ (۲).

**[ترجمه]مهج الدعوات: امام صادق علیه السلام فرمودند: دعایی که علی بن حسین علیهما السلام در کنار حجر الاسود خواندند: آنگاه که با محمد بن حنفیه برای داوری به کنار آن رفته بودند:

«خدایا از تو می‌خواهم به نام نوشته شده تو در سرسرای بزرگی، و از تو می‌خواهم به نام نوشته شده تو در سرسرای زیبایی، از تو می‌خواهم به نام نوشته شده تو در سرسرای عظمت، از تو می‌خواهم به نام نوشته شده تو در سرسرای شکوه، از تو می‌خواهم به نام نوشته شده تو در سرسرای عزت، از تو می‌خواهم به نام نوشته شده تو در سرسرای قدرت، از تو می‌خواهم به نام نوشته شده تو در سرسرای رازها، پیشی گیرنده بالارونده، نیک و زیبا پروردگار فرشتگان هشت گانه، و پروردگار عرش باعظمت و به آن چشمی که خواب بدان راه ندارد و اسم بزرگ بزرگ بزرگ، و به آن اسم باعظمت باعظمت باعظمت که بر ملکوت آسمان‌ها و زمین احاطه دارد، و به نامی که خورشید بدان پرتو یافت و ماه بدان روشن گشت و دریاها به واسطه آن به خروش آمدند و کوه‌هابه وسیله آن برافراشته شدند و به آن اسمی که کرسی و عرش بدان پا گرفتند و به نام‌های مقدس و باکرامت، پنهان محفوظ در علم غیب که در نزد توست، به تمامی این‌ها از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و در حق من چنین و چنان کنی.... ابان بن تغلب نقل کرد: امام صادق علیه السلام فرمودند: ای ابان، بر حذر می‌دارم شما

را از خوانـدن این دعا مگر زمانی که کار بسیار مهمی از امور دنیا و آخرت پیش آیـد، زیرا بنـدگان نمی‌دانند که این چیست؟ این از علم‌های پنهان خاندان محمد علیه و علیهم السلام است. - . مهج الدعوات: ۱۹۷ و در صفحه ۱۶۰ نیز با تفاوتی ذکر شد. -

**[ترجمه]

«۲۲»

مهج، [مهج الدعوات] رَوَيْنَا بِإِسْنَادِنَا إِلَى سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ مِنْ كِتَابِ فَضْلِ الدُّعَاءِ بِإِسْنَادِهِ

ص: ۱۶۶

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۳۳۸ و فيه« يا مؤنسى يا عدتى» و هو تصحيف.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۱۹۷ و قد مر فى ص ۱۶۰ أيضا مع اختلاف.

إِلَی مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: الْكَلِمَاتُ الَّتِی تَلَقَّی بِهَا آدَمُ رَبَّهُ هِیَ اللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَکَ وَ بِحَمْدِکَ عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی فَإِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ إِنِّی عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی إِنَّکَ خَیْرُ الْغافِرِینَ (۱).

وَ مِنْ ذَلِکَ مَا عَلَّمَهُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لِآدَمَ علیه السلام لِدَفْعِ حَدِیثِ النَّفْسِ رَوَیْنَا ذَلِکَ بِإِسْنَادِنَا أَیْضاً إِلَی سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ مِنْ کِتَابِ فَضْلِ الدُّعَاءِ بِإِسْنَادِهِ إِلَی هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: شَكَا آدَمُ علیه السلام إِلَی اللَّهِ حَدِیثَ النَّفْسِ فَنَزَلَ عَلَیْهِ جَبْرَئِیلُ فَقَالَ قُلْ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (۲).

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءُ آدَمَ علیه السلام بِرِوَایَةٍ أُخْرَی: لَمَّا تَلَقَّی مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ وَ لَعَلَّهُ علیه السلام دَعَا بِهَا وَ هُوَ یَا رَبَّاهْ یَا رَبَّاهْ یَا رَبَّاهْ لَا یَرُدُّ غَضَبَکَ إِلَّا حِلْمُکَ وَ لَا یُنْجِی مِنْ عُقُوبَتِکَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَیْکَ حَاجَتِی الَّتِی إِنْ أَعْطَیْتَنِیهَا لَمْ یَضُرَّنِی مَا حَرَمْتَنِی وَ إِنْ حَرَمْتَنِیهَا لَمْ یَنْفَعْنِی مَا أَعْطَیْتَنِی اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ النَّارِ یَا ذَا الْعَرْشِ الشَّامِخِ الْمُنِیفِ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ الْبَاذِخِ الْعَظِیمِ یَا ذَا الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِیمِ یَا إِلَهَ الْعَالَمِینَ یَا صَرِیخَ الْمُسْتَصْرِخِینَ وَ یَا مَنْزُولًا بِهِ كُلُّ حَاجَةٍ إِنْ كُنْتَ قَدْ رَضِیتَ عَنِّی فَازْدَدْ عَنِّی رِضًی وَ قَرِّبْنِی مِنْکَ زُلْفَی وَ إِلَّا تَكُنْ رَضِیتَ عَنِّی فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ بِفَضْلِکَ عَلَیْهِمْ لَمَّا رَضِیتَ عَنِّی إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام هَذَا الدُّعَاءُ الَّذِی تَلَقَّی آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَیْهِ فَقَالَ یَا آدَمُ سَأَلْتَنِی بِمُحَمَّدٍ وَ لَمْ تَرَهُ فَقَالَ رَأَیْتُ عَلَی عَرْشِکَ مَكْتُوباً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ.

فَقَالَ رَاوِی الْحَدِیثِ فَوَ اللَّهِ مَا دَعَوْتُ بِهِنَّ فِی سِرٍّ وَ لَا عَلَانِیَةٍ فِی شِدَّةٍ وَ لَا رَخَاءٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لِی (۳).

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءُ نُوحٍ علیه السلام وَجَدْتُ فِی الْجُزْءِ الرَّابِعِ مِنْ كِتَابِ دَفْعِ الْهُمُومِ وَ الْأَحْزَانِ تَأْلِیفِ أَحْمَدَ بْنِ دَاوُدَ النُّعْمَانِیِّ قَالَ: وَ لَمَّا نَظَرَ نُوحٌ علیه السلام إِلَی هَوْلِ الْمَاءِ

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۳۷۸.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۳۷۸.

۳- ۳. مهج الدعوات ص ۳۷۹.

وَ الْمَوْجِ وَ الْأَمْوَاجِ دَخَلَهُ الرُّعْبُ فَأَوْحَى اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ إِلَيْهِ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَلْفَ مَرَّةً أُنْجِكَ قَالَ فَدَخَلَتِ الرِّيحُ فِي الشِّرَاعِ فَقَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَلْفاً أَلْفاً فَنَجَّاهُ اللَّهُ بِمَا قَالَهَا(۱).

وَ مِنْ ذَلِكَ دُعَاءُ إِدْرِيسَ عليه السلام وَجَدْنَاهُ عَنِ الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ قَالَ: لَمَّا بَعَثَ اللَّهُ إِدْرِيسَ عليه السلام إِلَى قَوْمِهِ عَلَّمَهُ هَذِهِ الْأَسْمَاءَ وَ أَوْحَى إِلَيْهِ أَنْ قُلْهُنَّ سِرّاً فِي نَفْسِكَ وَ لَا تُبْدِهِنَّ لِلْقَوْمِ فَيَدْعُونِي بِهِنَّ قَالَ وَ بِهِنَّ دَعَا فَرَفَعَهُ اللَّهُ مَكَاناً عَلِيّاً ثُمَّ عَلَّمَهُنَّ اللَّهُ تَعَالَى مُوسَى ثُمَّ عَلَّمَهُنَّ اللَّهُ تَعَالَى مُحَمَّداً صلى الله عليه و آله وَ بِهِنَّ دَعَا فِي غَزْوَةِ الْأَحْزَابِ قَالَ الْحَسَنُ وَ كُنْتُ مُسْتَخْفِياً مِنَ الْحَجَّاجِ فَأَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِنَّ فَحَبَسَهُ عَنِّي وَ لَقَدْ دَخَلُوا عَلَيَّ سِتَّ مَرَّاتٍ فَأَدْعُو بِهِنَّ فَأَخَذَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَبْصَارَهُمْ عَنِّي فَادْعُ بِهِنَّ فِي الْتِمَاسِ الْمَغْفِرَةِ لِجَمِيعِ الذُّنُوبِ ثُمَّ اسْأَلْ حَاجَتَكَ مِنْ أَمْرِ آخِرَتِكَ وَ دُنْيَاكَ فَإِنَّكَ تُعْطَاهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنَّهُنَّ أَرْبَعُونَ أَسْمَاءَ عَدَدَ أَيَّامِ التَّوْبَةِ وَ هِيَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا رَبَّ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ وَارِثَهُ يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ الرَّفِيعَ جَلَالُهُ يَا اللَّهُ الْمَحْمُودُ فِي كُلِّ فِعَالِهِ يَا رَحْمَانَ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ رَاحِمَهُ يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيَّ فِي دَيْمُومِيَّةِ مُلْكِهِ وَ بَقَائِهِ يَا قَيُّومُ فَلَا شَيْ ءَ يَفُوتُ عِلْمَهُ وَ لَا يَئُودُهُ يَا وَاحِدُ الْبَاقِي أَوَّلَ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ آخِرَهُ يَا دَائِمُ بِلَا فَنَاءٍ وَ لَا زَوَالٍ لِمُلْكِهِ يَا صَمَدُ مِنْ غَيْرِ شَبِيهٍ وَ لَا شَيْ ءَ كَمِثْلِهِ يَا بَارِئُ فَلَا شَيْ ءَ كُفْوُهُ وَ لَا إِمْكَانَ لِوَصْفِهِ يَا كَبِيرُ أَنْتَ الَّذِي لَا تَهْتَدِي الْقُلُوبُ لِوَصْفِ عَظَمَتِهِ يَا بَارِئَ النُّفُوسِ بِلَا مِثَالٍ خَلَا مِنْ غَيْرِهِ يَا زَاكِي الطَّاهِرُ مِنْ كُلِّ آفَةٍ بِقُدْسِهِ يَا كَافِي الْمُوسِعُ لِمَا خَلَقَ مِنْ عَطَايَا فَضْلِهِ يَا نَقِيُّ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَ لَمْ يَرْضَهُ وَ لَمْ يُخَالِطْهُ فِعَالُهُ يَا حَنَّانُ أَنْتَ الَّذِي وَسِعْتَ كُلَّ شَيْ ءٍ رَحْمَةً وَ عِلْماً يَا مَنَّانُ ذَا الْإِحْسَانِ قَدْ عَمَّ الْخَلَائِقَ مَنُّهُ يَا دَيَّانَ الْعِبَادِ كُلٌّ يَقُومُ خَاضِعاً لِرَهْبَتِهِ وَ رَغْبَتِهِ يَا خَالِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِينَ وَ كُلٌّ إِلَيْهِ مَعَادُهُ يَا رَحِيمَ كُلِّ صَرِيخٍ وَ مَكْرُوبٍ وَ غِيَاثَهُ وَ مَعَاذَهُ يَا تَامُّ فَلَا تَصِفُ الْأَلْسِنَةُ كُنْهَ جَلَالِ مُلْكِهِ وَ عِزِّهِ يَا مُبْدِئَ الْبَدَائِعِ لَمْ يَبْغِ فِي إِنْشَائِهَا

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۳۷۹.

عَوْناً مِنْ خَلْقِهِ يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ فَلَا يَئُودُهُ شَيْ ءٌ مِنْ حِفْظِهِ يَا حَلِيمُ ذَا الْأَنَاهِ فَلَا يَعْدِلُهُ شَيْ ءٌ مِنْ خَلْقِهِ يَا مُعِيدَ مَا أَفْنَاهُ إِذَا بَرَزَ الْخَلَائِقُ لِدَعْوَتِهِ مِنْ مَخَافَتِهِ يَا حَمِيدَ الْفِعَالِ ذَا الْمَنِّ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ بِلُطْفِهِ يَا عَزِيزُ الْمَنِيعُ الْغَالِبُ عَلَى أَمْرِهِ فَلَا شَيْ ءَ يَعْدِلُهُ يَا قَاهِرُ ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ أَنْتَ الَّذِی لَا يُطَاقُ انْتِقَامُهُ يَا قَرِيبُ الْمُتَعَالِی فَوْقَ كُلِّ شَيْ ءٍ عُلُوُّ ارْتِفَاعِهِ يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ بِقَهْرِ عَزِيزِ سُلْطَانِهِ يَا نُورَ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ هُدَاهُ أَنْتَ الَّذِی فَلَقَ الظُّلُمَاتِ نُورُهُ يَا قُدُّوسُ الطَّاهِرُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ فَلَا شَيْ ءَ يُعَادِلُهُ مِنْ خَلْقِهِ يَا قَرِيبُ الْمُجِيبُ

الْمُتَدَانِی دُونَ كُلِّ شَيْ ءٍ قُرْبُهُ يَا عَالِی الشَّامِخُ فَوْقَ كُلِّ شَيْ ءٍ عُلُوُّ ارْتِفَاعِهِ يَا مُبْدِئَ الْبَدَايَا(۱) وَ مُعِيدَهَا بَعْدَ فَنَائِهَا بِقُدْرَتِهِ يَا جَلِيلُ الْمُتَكَبِّرُ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ فَالْعَدْلُ أَمْرُهُ وَ الصِّدْقُ قَوْلُهُ وَ وَعْدُهُ يَا مَحْمُودُ فَلَا تَسْتَطِيعُ الْأَوْهَامُ كُلَّ شَأْنِهِ وَ مَجْدِهِ يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ ذَا الْعَدْلِ أَنْتَ الَّذِی مَلَأَ كُلَّ شَيْ ءٍ عَدْلُهُ يَا عَظِيمُ ذَا الثَّنَاءِ الْفَاخِرِ وَ ذَا الْعِزِّ وَ الْمَجْدِ وَ الْكِبْرِيَاءِ فَلَا يَذِلُّ عِزُّهُ يَا مُجِيبُ فَلَا تَنْطِقُ الْأَلْسِنَهُ بِكُلِّ آلَائِهِ وَ ثَنَائِهِ وَ نَعْمَائِهِ أَسْأَلُكَ يَا غِيَاثِی عِنْدَ كُلِّ كُرْبَهٍ وَ يَا مُجِيبِی عِنْدَ كُلِّ دَعْوَهٍ وَ مَعَاذِی عِنْدَ كُلِّ شِدَّهٍ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ يَا رَبِّ الصَّلَاهَ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ أَمَاناً مِنْ عُقُوبَاتِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ أَنْ تَحْبِسَ عَنِّی أَبْصَارَ الظَّلَمَهِ الْمُرِيدِينَ بِيَ السُّوءَ وَ أَنْ تَصْرِفَ قُلُوبَهُمْ عَنْ شَرِّ مَا يُضْمِرُونَ إِلَى خَيْرٍ مَا لَا يَمْلِكُهُ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ هَذَا الدُّعَاءُ وَ مِنْكَ الْإِجَابَهُ وَ هَذَا الْحَمْدُ وَ عَلَيْكَ التُّكْلَانُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ (۲).

وَ مِنْ ذَلِكَ دُعَاءُ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام وَ قَدْ قَدَّمْنَا بِهِ رِوَايَهً عِنْدَ دُعَاءِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله يَوْمَ أُحُدٍ، وَ رَأَيْتُ رِوَايَهً أُخْرَى فِی دُعَاءِ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام لَمَّا دَحَى بِهِ (۳) إِلَى النَّارِ فَنَجَّاهُ اللَّهُ بِهِ وَ ذَكَرَ الرِّوَايَهَ أَنَّهُ مِنَ السَّرَائِرِ الْعَظِيمَهِ وَ الْقَدْرِ الْكَبِيرِ عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى فَقَالَ هَذَا مَا لَفْظُهُ:

۱- ۱. البرايا خ ل.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۳۸۰- ۳۸۱.

۳- ۳. رمی به.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ أَنْتَ الْمَوْهُوبُ یَرْهَبُ مِنْکَ جَمِیعُ خَلْقِکَ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ أَنْتَ الرَّفِیعُ عَرْشُکَ مِنْ فَوْقِ جَمِیعِ سَمَاوَاتِکَ وَ أَنْتَ الْمُطِلُّ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ لَا یُطِلُّ شَیْ ءٌ عَلَیْکَ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ أَنْتَ أَعْظَمُ مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ فَلَا یَصِلُ أَحَدٌ عَظَمَتَکَ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا نُورَ النُّورِ قَدِ اسْتَضَاءَ بِنُورِکَ أَهْلُ سَمَاوَاتِکَ وَ أَرْضِکَ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تَعَالَیْتَ أَنْ یَکُونَ لَکَ شَرِیکٌ وَ تَکَبَّرْتَ أَنْ یَکُونَ لَکَ ضِدٌّ یَا نُورَ النُّورِ یَا نُورَ کُلِّ نُورٍ لَا خَامِدٌ لِنُورِکَ یَا مَلِیکَ کُلِّ مَلِیکٍ کُلُّ مَلِیکٍ یَفْنَی غَیْرَکَ یَا نُورَ النُّورِ یَا مَنْ مَلَأَ أَرْکَانَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِعَظَمَتِهِ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا هُوَ یَا هُوَ یَا مَنْ لَیْسَ کَهُوَ إِلَّا هُوَ یَا مَنْ لَا هُوَ إِلَّا هُوَ أَغِثْنِی أَغِثْنِی السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ یَا مَنْ أَمْرُهُ کَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ یَاهِیّاً شَرَاهِیَّا آذونی أصباوث آل شدای یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا رَبَّاهْ یَا رَبَّاهْ یَا رَبَّاهْ یَا رَبَّاهْ یَا رَبَّاهْ یَا غَایَهَ مُنْتَهَاهْ وَ رَغْبَتَاهْ فَلَمَّا دَعَا إِبْرَاهِیمُ علیه السلام عَجَّتِ الْأَمْلَاکُ مِنْ صَوْتِهِ وَ إِذَا النِّدَاءُ مِنَ الْعَلِیِّ الْأَعْلَی یا نارُ کُونِی بَرْداً وَ سَلاماً عَلی إِبْراهِیمَ فَخَمَدَتْ أَسْرَعَ مِنْ طَرْفَهِ عَیْنٍ (۱).

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءُ یُوسُفَ علیه السلام لَمَّا أُلْقِیَ فِی الْجُبِّ رَوَیْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا إِلَی سَعِیدِ بْنِ هِبَهِ اللَّهِ الرَّاوَنْدِیِّ مِنْ کِتَابِ قِصَصِ الْأَنْبِیَاءِ علیهم السلام بِإِسْنَادِهِ فِیهِ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَمَّا أَلْقَی إِخْوَهُ یُوسُفَ یُوسُفَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ فِی الْجُبِّ نَزَلَ عَلَیْهِ جَبْرَئِیلُ علیه السلام وَ قَالَ یَا غُلَامُ مَنْ طَرَحَکَ فِی هَذَا الْجُبِّ فَقَالَ إِخْوَتِی لِمَنْزِلَتِی مِنْ أَبِی حَسَدُونِی قَالَ أَ تُحِبُّ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ هَذَا الْجُبِّ قَالَ ذَاکَ إِلَی إِلَهِ إِبْرَاهِیمَ وَ إِسْحَاقَ وَ یَعْقُوبَ قَالَ جَبْرَئِیلُ فَإِنَّ اللَّهَ یَقُولُ لَکَ قُلِ- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِأَنَّ لَکَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ بَدِیعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ لِی مِنْ أَمْرِی فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ تَرْزُقَنِی مِنْ حَیْثُ

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۳۸۲.

أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ (۱).

وَ رَأَيْتُ فِي الْمُجَلَّدِ الْخَامِسِ مِنْ حِلْيَهِ الْأَوْلِيَاءِ لِأَبِي نُعَيْمٍ فِي حَدِيثِ الْخُرَاسَانِيِّ أَنَّ دَاوُدَ عليه السلام قَالَ: يَا رَبِّ مَا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِذَا نَزَلَ بِهِمْ كَرْبٌ أَوْ شِدَّهٌ قَالُوا يَا إِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عليه السلام أَنَّ إِبْرَاهِيمَ لَمْ يُخَيَّرْ بَيْنِي وَ بَيْنَ شَيْ ءٍ إِلَّا اخْتَارَنِي عَلَيْهِ وَ أَنَّ إِسْحَاقَ جَادَ لِي بِمُهْجَتِهِ وَ أَنَّ يَعْقُوبَ ابْتَلَيْتُهُ بِبَلَاءٍ فَمَا أَسَاءَنِي ظَنّاً فِي ذَلِكَ الْبَلَاءِ حَتَّى فَرَّجْتُهُ عَنْهُ أَوْ كَشَفْتُهُ (۲).

وَ مِنْ ذَلِكَ رِوَايَهٌ أُخْرَى وَجَدْنَاهَا بِدُعَاءِ يُوسُفَ عليه السلام فِي الْجُبِّ وَ لَعَلَّهُ دَعَا بِهِمَا وَ هِيَ: يَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَ يَا غَوْثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَ يَا مُفَرِّجَ كُرَبِ الْمَكْرُوبِينَ قَدْ تَرَى مَكَانِي وَ تَعْرِفُ حَالِي وَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ شَيْ ءٌ مِنْ أَمْرِي (۳).

وَ مِنْ ذَلِكَ دُعَاءُ يُوسُفَ عليه السلام فِي بَعْضِ أَوْقَاتِ بَلْوَاهُ: يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ وَ يَا رَازِقَ الْمُتَكَلِّمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَ يَا مَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ وَ يَا غِيَاثَ الْمَكْرُوبِينَ وَ يَا مُجِيبَ دَعْوَهِ الْمُضْطَرِّينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَ يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ يَا كَبِيرَ كُلِّ كَبِيرٍ يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ لَا وَزِيرَ يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ يَا مَنْ هُوَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْ ءٍ بَصِيرٌ يَا خَالِقَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ الْمُنِيرِ يَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ يَا مُغْنِيَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ يَا مُطْلِقَ الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ يَا مُدَبِّرَ الْأَمْرِ ثُمَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ يَا مَنْ لا يُجارُ عَلَيْهِ وَ هُوَ يُجِيرُ يَا مَنْ يُحْيِي الْمَوْتَى وَ هُوَ عَلَيْهِ يَسِيرٌ يَا عِصْمَهَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ يَا مُغْنِيَ الْفَقِيرِ الضَّرِيرِ يَا حَافِظَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ يَا مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَهٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَا غَافِرَ الذُّنُوبِ يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ يَا سَاتِرَ الْعُيُوبِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ تَجَاوَزَ عَنَّا فِيمَا تَعْلَمُ فَإِنَّكَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ.

**[ترجمه]مهج الدعوات: در روایت از امام محمد باقر علیه السلام آمده است: کلماتی که آدم پروردگار خود را بدان دریافت، این بود:

«معبودا، خدایی جز تو نیست پاک و منزهی و تو را سپاس می گویم، کردارم زشت بود و بر خود ظلم نمودم، مرا بیامرز، به راستی که تنها تو گناهان را می آمرزی، خدایا اعمال ناپسندی مرتکب شدم و بر خویش ظلم کردم پس مرا بیامرز به راستی که تو بهترین آمرزندگانی. - . مهج الدعوات: ۳۷۸ -

و از این جمله، دعایی است که خداوند جلّ جلاله جهت از بین رفتن حدیث نفس به حضرت آدم علیه السلام آموخت، امام صادق علیه السلام فرمودند: حضرت آدم علیه السلام از حدیث نفس به درگاه خداوند شکایت کرد پس جبرئیل نازل شد و گفت: بگو: «لا حول و لا قوه الا بالله: هیچ نیرو و قدرتی به جز خدا وجودندارد». - . مهج الدعوات: ۳۷۸ -

در روایتی دیگر، دعای آدم علیه السلام به هنگام دریافت کلمات از پروردگارش، چه بسا آن حضرت علیه السلام با این کلمات خدا را خوانده باشد: «ای پروردگار من، ای پروردگار من، تنها بردباری توست که خشمت را برمی گرداند و تنها گریه و ناله به درگاه توست که سبب رهایی از عذاب تو می گردد، حاجت من که اگر آن را عطا فرمایی، دیگر آنچه از من بازداشتی به من آسیبی نمی... رساند و اگر مرا از آن محروم کنی، عطاهایت مرا سود نبخشند، خدایا از تو رستگاری به بهشت را خواهانم و از آتش جهنم به تو پناه می... آورم، ای صاحب عرش رفیع و بلند ای صاحب شکوه و بزرگی باعظمت و شامخ،ای صاحب فرمانروایی فاخر و دیرینه، ای خدای جهانیان، ای فریادرس فریادخواهان و ای کسی که حاجات به نزد تو آورده می‌شود، اگر از من راضی گشته‌ای پس بر خشنودی‌ات بیافزای و مرا از مقربین درگاهت قرار ده و اگر از من خرسند نگشته‌ای به حق محمد و خاندانش و به فضل تو بر آنان از من خشنود باش، به راستی که تو توبه‌پذیری .

امام صادق علیه السلام فرمودند: این دعایی است که حضرت آدم از پروردگارش دریافت و به سوی او توبه نمود، پس فرمود: ای آدم از من به حق محمد مسألت نمودی در حالی که او را ندیدی، عرض کرد: بر عرش تو این نوشته را دیدم: خدایی جز خدای یکتا نیست و محمد رسول خداست، راوی حدیث نقل کرد: سوگندبه خدا هرگاه در نهان یا آشکار با این کلمات دعا نمودم، خداوند مرا اجابت نمود. - . مهج الدعوات: ۳۷۹ -

از این جمله، دعـای نوح علیه السـلام است که آن را در جلـد چهارم کتاب دفع الهموم و الاحزان از احمـد بن داود نعمانی یافتم، روایت اسـت هنگامی که نوح علیه السـلام به هیبت آب و امواج نگاه کرد، ترسید و خداوند عزّ و جلّ به او وحی کرد هزار بار بگو «لا اله الا الله: خدایی جز خـدای یگانه نیست» تا تو را نجات بخشم، نقل کرد: پس باد بر بادبان کشتی وارد شد و او هزار بار لا اله الّا الله گفت و خداوند به سـبب آنچه بر زبان آورد، او را نجات بخشید. - . مهج الدعوات: ۳۷۹ -

از این جمله است دعای ادریس علیه السـلام روایت است، زمانی که خداونـد ادریس علیه السـلام را به سوی قومش برانگیخت، این نام‌ها را به وی آموخت و به او چنین وحی کرد تـا این کلمـات را مخفیـانه بـا خودش بگویـد و آنهـا را برای قوم خود آشـکار نسـازد و مرا به آن کلمات بخوانـد، روایت است: و با این نام‌ها خـدا را خوانـد و خداونـد او را به جایگاه والایی نعمت بخشـید، سـپس خداونـد متعال آنها را به حضـرت موسی آموخت و سپس خداوند متعال آن اسم‌ها را به محمد صلی الله علیه و آله آموخت و در غزوه احزاب با این کلمات خدا را خواندند.

حسن روایت کرد: خود را از حجّاج پنهان می‌ساختم، از این رو خداونـد عزّ و جلّ را با این کلمات خوانـدم که امر حجّاج را از من باز داشت، شش بار بر من وارد شدند و من با این کلمات دعا کردم و خداوند چشم‌هاشان را از من برگرفت، با این کلمات برای مغفرت از تمامی گناهان دعـا کن، دعا کن سـپس حاجتت را در امور دنیوی و اخروی طلب کن، به راستی که بر آنها دست خواهی یافت انشاء الله عزّ و جلّ و آن چهل اسم به تعداد روزهای توبه است:

پاک و منزهی خـدایی جز تو نیست، ای پروردگار هر چیز و وارث آن، ای خـدای خـدایان، که شـکوهش بلنـد است، ای خدایی که در همه... کارهـایش مورد سـتایش است، ای بخشایشـگر و مهربـان بر همه چیز، ای زنـده آن هنگام که هیـچ موجود زنـده‌ای در در پایـدا وجود و بقای فرمانروایی اش وجود نـداشت، ای پاینده ای که علمش همه چیز را در بر می گیرد و از دست نمی‌دهد، ای تنها کسـی که باقی می ماند اول هر چیز و پایـان آن، ای همیشـگی بـدون آنکه فنـا و نیستی متوجه فرمـانروایی او باشـد، ای بی‌نیاز بی‌ماننـد که شبیهی نـداری، ای آفریننـده‌ای که همتایی نـدارد و نمی‌شود او را وصف نمود، ای بزرگ، تو کسـی هستی که دل‌ها برای وصف عظمت تو راهی نمی‌یابنـد، ای آفریننـده جان‌ها بـدون هیـچ نمونه‌ای پیشـین، ای کسـی که بـا طهـارت خود از هر آفتی پـاک و مبرا گشت، ای کفـایت کننـده‌ای که عطایـای فضـل خود را بر مخلوقاتش گسترانید، ای پاکیزه از هر ظلمی که از آن خشنود نیست و در انجام آن مشارکت نمی کند.

ای مهربـان، تو کسـی هستی که علم و رحمتت همه چیز را فرا گرفت، ای بخشاینـده صـاحب احسـان که بخشـش مخلوقـات را در برگرفت ای چیره بر بنـدگان،تمامی آنان تسـلیم ترس [تمایل] تو هسـتند، ای آفریننـده اهل آسـمان‌ها و زمین‌ها و بازگشت همه به سوی اوست، ای مهربان فریـادرس و پناهگاه هر فریادخواه و گرفتار، ای آغازگر نوآفرینی‌ها، که در خلق آنها از مخلوقاتش یاری نخواست، ای دانای نهان‌ها که چیزی از حفـاظت او بیرون نیست، ای بردبـار بـا وقار که همتایی از میان مخلوقاتش نـدارد،ای بازگرداننـده آنچه نابود ساخت، آنگاه که مخلوقات از ترس او برای دعوتش، سربرمی‌آورند.

ای نیکوکرداری که با لطف خویش برهمه مخلوقاتش، بخشـش دارد، ای شکست‌ناپذیر دست‌نایافتنی و چیره بر کارش که هیچ همتایی ندارد، ای چیره‌گر دارای قـدرت فراوان، تو کسـی هستی که انتقـامش از توان خـارج است، ای نزدیـک متعـالی که به بلنـدای رفعتش بر اشـیاء برتری دارد، ای خوارکننـده هر سـرکش زورگو به واسـطه قـدرت پادشـاهی شـکست‌ناپـذیرش، ای نور و هـدایت هر چیز، تو کسـی هستی که نور او تاریکی‌ها را شکافت.

ای منزه و پاک از هر زشتی که همتایی از مخلوقات نداری [ای اجابت کننده نزدیک که قربش به هر چیز نزدیک است] ای بلندمرتبه ای کسی که بلنـدای رفعتش بر همه چیز برتری دارد، ای آفرینشـگر نخستینـان. و بازگرداننـده آنان بعـد از نابودی‌شان به قـدرت خویش، ای شـکوهمند متکبر بر هر چیز، عـدل امر اوست و صـداقت، گفتـار و وعـده اوست، ای مورد ستایشـی که ذهن‌هـا به اوج مرتبت و بزرگی‌اش نمی‌رسـند، ای صاحب عفو کریمانه و باعدالت تو کسـی هستی که عدالتت همه چیز را در بر گرفت، ای بزرگ ای صاحب ستایش فاخرانه، ای صاحب عزت

و شرافت و بزرگی که عزتش خوار نمی‌گردد، ای اجابت کننده‌ای که زبان‌ها، گویای نعمت‌ها و ستایش و بخشش‌هایش نیستند.

[از تو می‌خواهم] ای فریادرس من در مشکلات، ای اجابت‌کننـده دعاهای من [پناهگاه من در سختی‌ها] خـدایا پروردگارا از تو می‌خواهم بر پیامبری محمد صلی الله علیه و آله درود فرستی و مرا از عذاب دنیا و آخرت در امان داری و چشمان ظالمانی که بدی مرا می‌خواهند از من باز داری، و قلب‌هاشان را از شر آنچه پنهان دارند به خیری که جز تو کسی آن را ندارد، برگردانی.

خـدایا من دعا کردم و اجابت از آن توست، و من تو را سپاس نمودم و تکیه گاهم بر توست و هیـچ نیرو و قـدرتی جز به خداونـد بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمی‌پذیرد. - . مهج الدعوات: ۳۸۱ – ۳۸۰ -

از این جمله، دعـای ابراهیم علیه السلام است که روایت آن را در دعـای پیـامبر صـلی الله علیه و آله در روز احـد، آورده‌ایم، و روایت دیگری یافتم راجع به دعای ابراهیم علیه السلام زمانی که به سوی آتش پرتاب می‌شود و خداوند او را نجات می‌دهد و بنابر روایت این دعا از رازهای عظیم و دارای منزلت بسیار نزد خداونـد پاک و متعال است و دعا این است: به نام خداونـد بخشـنده مهربان خدایا از تو می‌خواهم ای خدا ای خـدا ای خـدا ای خـدا تو هراس انگیزی هستی که تمامی بندگانت از تو بیم دارند، ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا عرش تو بلند و بر بالای آسـمان‌هاست، و تو بر همه چیز اشـراف داری و چیزی بر تو مشـرف نیست، ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا تو بزرگتر از همه چیز هستی و کسـی به عظمت تو نمی‌رسـد ای خـدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای روشـنایی نور، اهل آسـمان‌ها و زمین از نور تو روشنایی گرفتند.

ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا خدایی جز تو نیست، بلندتر از آن گشتی که شـریکی برای تو قرار گیرد، و بزرگتر از آنی که مخالفی داشـته باشـی، ای فرمانروای همه فرمانروایان هر پادشاهی غیر از تو نابودشدنی است، ای روشنایی نور ای کسی که ستون‌های آسمان‌ها و زمین را با عظمت خود آکنده گردانید ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای او ای کسـی که شبیهی ندارد [جز او] ای کسـی که جز او نیست، همین لحظه همین لحظه همین لحظه به فریـادم برس به فریـادم برس، ای کسـی که امرش همچون یـک چشم به هم زدن و چه بسا زودتر از آن باشـد، یاهیاً شـراهیاً آذونی أصـباوث آل شـدای ای خـدا ای خدا ای خدا ای خدا ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من [ای پروردگار من ای پروردگار من] ای پایان انتها و آرزوی من.

زمانی که ابراهیم علیه السلام دعا کرد، سرزمین‌ها از صدای او بانگ برداشتندو از جانب آن عالی بلندمرتبه ندا آمد «ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش» پس زودتر از یک چشم به هم زدن، خاموش شد. - . مهج الدعوات: ۳۸۲ -

از این جمله، دعـای حضـرت یوسف علیه السـلام است زمانی که در چاه انـداخته شـد، که ما آن را از کتاب قصـص الانبیاء علیهم السـلام نقل کردیم، امـام صـادق علیه السـلام فرمودنـد: زمانی که برادران یوسف او را در چاه انداختنـد، جبرئیل علیه السـلام به او نازل گشت و فرمود: ای جوان چه کسی تو را در چاه انداخت؟ جواب داد: برادرانم به دلیل منزلت من در نزد پدرم، بر من حسادت ورزیدند، جبرئیل گفت: آیا دوست داری از این چاه خارج شوی؟ گفت: این کار را به خـدای ابراهیم و اسـحاق و یعقوب می‌سپارم، جبرئیل گفت: خداونـد به تو می‌گوید: بگو: «خدایا از تو می‌خواهم به اینکه حمد و سپاس از آن توست خدایی جز تو نیست، و بخشـنده مهربان و آفریننده آسـمان‌ها و زمینی، ای صاحب شکـوه و بزرگی، بر محمـد و خانـدان محمـد درود فرسـتی و در کـار من گشـایش و خروجی قرار دهی و مرا از جـایی که می‌دانم و نمی‌دانم روزی فرمایی. - . مهج الدعوات: ۳۸۳ -

در جلد پنجم حلیه الاولیاء از ابی نعیم یافتم، داود علیه السـلام گفت: «پروردگارا چرا بنی اسـرائیل زمانی که به سـختی و مشـکلی برمی‌خورند، می‌گوینـد: ای خـدای ابراهیم و اسـحاق و یعقوب» خداونـد متعـال به داود علیه السـلام الهـام کرد؛ زیرا ابراهیم هرگـاه میـان انتخاب من و چیز دیگری قرار می‌گرفت، مرا بر آن برمی‌گزیـد و اسـحاق جان خود را در راه من بخشـید و یعقوب را به آزمایشـی گرفتار نمودم و در آن، به من

بدبین نشد تا اینکه مشکل او را گشودم یا برطرف نمودم. - . مهج الدعوات: ۳۸۳ -

روایتی دیگر راجع به دعای حضرت یوسف علیه السلام در چاه که شاید بدان دعا نموده باشد و دعا این است: «ای فریادرس فریادخواهان و ای یاری رسان یاری خواهان ای گشاینده مشکل گرفتاران، تو مکان مرا می‌بینی و از حالم آگاهی و کارم بر تو پوشیده نیست». - . مهج الدعوات: ۳۸۳ -

و از این جمله، دعای حضرت یوسف علیه السلام در زمان سختی‌اش «ای رحم کننده بر بیچارگان ای روزی رسان گویندگان، ای پروردگار جهانیان و ای صاحب روز قیامت، و ای فریادرس گرفتاران، و ای اجابت کننده دعای درماندگان، و ای مهربان‌ترین مهربانان، و ای حاکم‌ترین حاکمان و ای سریع‌ترین محاسبه‌گران و ای بهترین سؤال شوندگان و ای صاحب شکوه و بزرگی و ای بزرگ هر بزرگی و ای کسی که شریک و وزیری برای او نیست، ای کسی که بر هر چیز توانایی، ای دانای آگاه، ای آنکه به هر چیز بینایی.

ای آفریننده خورشید و ماه تابان، ای ترمیم‌کننده استخوان شکسته، ای بی‌نیازکننده فقیر بینوا، ای رهاکننده اسیر دربند، ای تدبیرکننده امور و سپس بازگشت به سوی اوست، ای کسی که پناهنده نمی‌شود و پناه می‌دهد، ای کسی که مردگان را زنده می‌کند و این کار برای او آسان است، ای حافظ بیمناکی که پناه می‌جوید، ای بی‌نیاز کننده فقیری که نمی‌بیند، ای نگهدارنده نوزاد کوچک، ای مهربان بر پیر و بزرگسال، ای کسی که هیچ چیز پنهانی در آسمان‌ها و زمین بر او مخفی نمی‌ماند، ای آمرزنده گناهان، ای دانای غیب‌ها ای پوشاننده عیب‌ها، از تو می... خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و گناهان من و پدر و مادرم را بیامرزی و در آنچه می‌دانی از ما بگذری به راستی که تو عزیز و بزرگواری.

**[ترجمه]

أقول

إن قوله أسألك أن تصلی علی محمد و آل محمد إلی آخره لعله من

ص: ۱۷۱

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۳۸۳.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۳۸۳.

۳- ۳. مهج الدعوات ص ۳۸۳.

زیاده الروایه(۱).

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءُ یُوسُفَ علیه السلام لَمَّا اتَّهَمَهُ الْعَزِیزُ بِزَلِیخَا: وَ هُوَ أَنَّهُ صَلَّی رَکْعَتَیْنِ ثُمَّ دَعَا وَ هُوَ مَرْفُوعٌ رَأْسُهُ إِلَی السَّمَاءِ فَقَالَ اللَّهُمَّ ارْحَم صِغَرَ سِنِّی وَ ضَعْفَ رُکْنِی وَ قِلَّهَ حِیلَتِی فَ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ فَاذْکُرْنِی بِصَلَاحِ یَعْقُوبَ وَ صَبْرِ إِسْحَاقَ وَ یَقِینِ إِسْمَاعِیلَ وَ شَیْبَهِ إِبْرَاهِیمَ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ فَبَکَتْ لِبُکَائِهِ الْمَلَائِکَهُ فِی السَّمَاوَاتِ (۲).

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءُ یَعْقُوبَ علیه السلام: لَمَّا رَدَّ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ عَلَیْهِ یُوسُفَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ یَا مَنْ خَلَقَ الْخَلْقَ بِغَیْرِ مِثَالٍ وَ یَا مَنْ بَسَطَ الْأَرْضَ بِغَیْرِ أَعْوَانٍ وَ یَا مَنْ دَبَّرَ الْأُمُورَ بِغَیْرِ وَزِیرٍ وَ یَا مَنْ یَرْزُقُ الْخَلْقَ بِغَیْرِ مُشِیرٍ وَ یَا مَنْ یُخَرِّبُ الدُّنْیَا بِغَیْرِ اسْتِیمَارٍ ثُمَّ تَدْعُو بِمَا شِئْتَ تُسْتَجَابُ (۳).

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءُ أَیُّوبَ علیه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ الْیَوْمَ فَأَعِذْنِی وَ أَسْتَجِیرُ بِکَ الْیَوْمَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ فَأَجِرْنِی وَ أَسْتَغِیثُ بِکَ الْیَوْمَ فَأَغِثْنِی وَ أَسْتَنْصِرُکَ الْیَوْمَ فَانْصُرْنِی وَ أَسْتَعِینُ بِکَ الْیَوْمَ عَلی أَمْرِی فَأَعِنِّی وَ أَتَوَکَّلُ عَلَیْکَ فَاکْفِنِی وَ أَعْتَصِمُ بِکَ فَاعْصِمْنِی وَ آمَنُ بِکَ فَآمِنِّی وَ أَسْأَلُکَ فَأَعْطِنِی وَ أَسْتَرْزِقُکَ فَارْزُقْنِی وَ أَسْتَغْفِرُکَ فَاغْفِرْ لِی وَ أَدْعُوکَ فَاذْکُرْنِی وَ أَسْتَرْحِمُکَ فَارْحَمْنِی (۴).

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءُ مُوسَی علیه السلام لَمَّا وَقَفَ عَلَی فِرْعَوْنَ: اللَّهُمَّ بَدِیعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِینَ الَّذِی نَوَاصِی الْعِبَادِ بِیَدِکَ فَإِنَّ فِرْعَوْنَ وَ جَمِیعَ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ مَا بَیْنَهُمَا عَبِیدُکَ وَ نَوَاصِیهِمْ بِیَدِکَ وَ أَنْتَ تَصْرِفُ الْقُلُوبَ حَیْثُ شِئْتَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِخَیْرِکَ مِنْ شَرِّهِ وَ أَسْأَلُکَ بِخَیْرِکَ مِنْ خَیْرِهِ عَزَّ جَارُکَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُکَ وَ لَا إِلَهَ غَیْرُکَ کُنْ لَنَا جَاراً مِنْ فِرْعَوْنَ وَ جُنُودِهِ ثُمَّ دَخَلَ عَلَیْهِ وَ قَدْ أَلْبَسَهُ اللَّهُ جُنَّهً مِنْ سُلْطَانِهِ لَنْ یَصِلَ إِلَیْهِ بِعَوْنِ اللَّهِ (۵).

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۳۸۳.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۳۸۴.

۳- ۳. مهج الدعوات ص ۳۸۴.

۴- ۴. مهج الدعوات ص ۳۸۴.

۵- ۵. مهج الدعوات ص ۳۸۵.

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءٌ آخَرُ لِمُوسَی علیه السلام: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرَضِینَ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَدْرَأُ بِکَ فِی نَحْرِهِ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّهِ وَ أَسْتَعِینُکَ عَلَیْهِ فَاکْفِنِیهِ بِمَا شِئْتَ (۱).

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءُ یُوشَعَ بْنِ نُونٍ وَصِیِّ مُوسَی علیه السلام رَوَیْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا إِلَی سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ مِنْ کِتَابِ فَضْلِ الدُّعَاءِ بِإِسْنَادِهِ إِلَی الرِّضَا علیه السلام قَالَ: وَجَدَ رَجُلٌ مِنَ الصَّحَابَةِ صَحِیفَةً فَأَتَی بِهَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَنَادَی الصَّلَاةَ جَامِعَةً فَمَا تَخَلَّفَ أَحَدٌ ذَکَرٌ وَ لَا أُنْثَی فَرَقَا الْمِنْبَرَ فَقَرَأَهَا فَإِذَا کِتَابُ یُوشَعَ بْنِ نُونٍ وَصِیِّ مُوسَی وَ إِذَا فِیهَا وَ إِنَّ رَبَّکُمْ لَرَؤُفٌ رَحِیمٌ أَلَا إِنَّ خَیْرَ عِبَادِ اللَّهِ التَّقِیُّ الْخَفِیُّ وَ إِنَّ شَرَّ عِبَادِ اللَّهِ الْمُشَارُ إِلَیْهِ بِالْأَصَابِعِ فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ یَکْتَالَ بِالْمِکْیَالِ الْأَوْفَی وَ أَنْ یُؤَدِّیَ الْحُقُوقَ الَّتِی أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَیْهِ فَلْیَقُلْ فِی کُلِّ یَوْمٍ سُبْحَانَ

اللَّهِ کَمَا یَنْبَغِی لِلَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ کَمَا یَنْبَغِی لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ کَمَا یَنْبَغِی لِلَّهِ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ کَمَا یَنْبَغِی لِلَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِ النَّبِیِّ وَ عَلَی جَمِیعِ الْمُرْسَلِینَ حَتَّی یَرْضَی اللَّهُ وَ نَزَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ قَدْ أَلَحُّوا فِی الدُّعَاءِ فَصَبَرَ هُنَیْئَةً ثُمَّ رَقَا الْمِنْبَرَ فَقَالَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ یَعْلُوَ ثَنَاؤُهُ عَلَی ثَنَاءِ الْمُجَاهِدِینَ فَلْیَقُلْ هَذَا الْقَوْلَ فِی کُلِّ یَوْمٍ فَإِنْ کَانَتْ لَهُ حَاجَةٌ قُضِیَتْ أَوْ عَدُوٌّ کُبِتَ أَوْ دَیْنٌ قُضِیَ أَوْ کَرْبٌ کُشِفَ وَ خَرَقَ کَلَامُهُ السَّمَاوَاتِ حَتَّی یُکْتَبَ فِی اللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ(۲).

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءُ الْخَضِرِ وَ إِلْیَاسَ علیهما السلام رُوِیَ: أَنَّ الْخَضِرَ وَ إِلْیَاسَ یَجْتَمِعَانِ فِی کُلِّ مَوْسِمٍ فَیَفْتَرِقَانِ عَنْ هَذَا الدُّعَاءِ وَ هُوَ بِسْمِ اللَّهِ ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ کُلُّ نِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ الْخَیْرُ کُلُّهُ بِیَدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا یَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا اللَّهُ قَالَ فَمَنْ قَالَهَا حِینَ یُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَمِنَ مِنَ الْحَرَقِ وَ السَّرَقِ

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۳۸۵.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۳۸۶.

وَ الْغَرَقِ (۱).

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءٌ آخَرُ لِلْخَضِرِ علیه السلام: یَا شَامِخاً فِی عُلُوِّهِ یَا قَرِیباً فِی دُنُوِّهِ یَا مُدَانِیاً فِی بُعْدِهِ یَا رَءُوفاً فِی رَحْمَتِهِ یَا مُخْرِجَ النَّبَاتِ یَا دَائِمَ الثَّبَاتِ یَا مُحْیِیَ الْأَمْوَاتِ یَا ظَهْرَ اللَّاجِینَ یَا جَارَ الْمُسْتَجِیرِینَ یَا أَسْمَعَ السَّامِعِینَ یَا أَبْصَرَ النَّاظِرِینَ یَا صَرِیخَ الْمُسْتَصْرِخِینَ یَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ یَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ یَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ یَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ یَا کَنْزَ الضُّعَفَاءِ یَا عَظِیمَ الرَّجَاءِ یَا مُنْقِذَ الْغَرْقَی یَا مُنْجِیَ الْهَلْکَی یَا مُحْیِیَ الْمَوْتَی یَا أَمَانَ الْخَائِفِینَ یَا إِلَهَ الْعَالَمِینَ یَا صَانِعَ کُلِّ مَصْنُوعٍ یَا جَابِرَ کُلِّ کَسِیرٍ یَا صَاحِبَ کُلِّ غَرِیبٍ یَا مُونِسَ کُلِّ وَحِیدٍ یَا قَرِیباً غَیْرَ بَعِیدٍ یَا شَاهِداً غَیْرَ غَائِبٍ یَا غَالِباً غَیْرَ مَغْلُوبٍ یَا حَیُّ حِینَ لَا حَیَّ یَا مُحْیِیَ الْمَوْتَی یَا حَیُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَنْ قَالَهُ قَوْلًا أَوْ سَمِعَهُ سَمْعاً أَمِنَ الْوَسْوَسَهَ أَرْبَعِینَ سَنَهً.

**[ترجمه]این فراز: از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی تاآخر آن، شاید از افزایش روایت باشد. - . مهج الدعوات: ۳۸۳ -

از این جمله دعای یوسف علیه السلام است، زمانی که عزیز مصر به او نسبت به زلیخا اتهام وارد نمود و بدین ترتیب که حضرت یوسف دو رکعت نماز گزارد، سپس در حالی که سر خود را به سوی آسمان بلند کرد گفت: «خدایا بر سن کم و سستی پیکرم و بی‌تدبیری‌ام رحم کن، به راستی که تو بر هر چیزی توانایی، مرا به شایستگی یعقوب و صبر اسحاق و یقین اسماعیل و پیری ابراهیم یاد کن، به رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان» و به سبب گریه او ملائکه آسمان به گریه افتادند. - . مهج الدعوات: ۳۸۴ -

از این جمله، دعای یعقوب علیه السلام است آن زمان که خدا جلّ جلاله یوسف را به او بازگرداند «به نام خداوند بخشنده مهربان ای کسی که مخلوقات را بی هیچ الگویی آفریدی، ای آنکه زمین را بدون یاوری گسترانید، ای کسی که کارها را بدون وزیری تدبیر نمود و مخلوقات را بدون مشاوری روزی می‌رساند، ای کسی که دنیا را بدون مشورت ویران می‌کند» سپس هرچه خواستی دعا کن، اجابت می‌شود. - . مهج الدعوات: ۳۸۴ -

از این جمله دعای ایوب علیه السلام است: «خدایا من امروز به تو پناه می‌برم، پس مرا پناه ده و از سختی مصیبت‌ها از تو پناه می‌جویم پس پناهم ده، و امروز از تو فریاد می‌خواهم پس به فریادم برس، و امروز از تو یاری می‌جویم پس یاری‌ام کن و امروز بر کارم از تو استعانت می... جویم، پس کمکم کن، و بر تو توکل می‌کنم، پس مرا کفایت نمای، و به تو چنگ می‌اندازم پس مرا حفظ کن، به تو ایمان آوردم پس را ایمن دار، و از تو درخواست کردم پس عطا کن و از تو روزی طلبیدم پس روزی‌ام کن، و از تو آمرزش می‌خواهم، پس مرا بیامرز، و تو را می‌خوانم پس مرا یاد کن و از تو رحم می‌طلبم پس بر من رحم کن. - . مهج الدعوات: ۳۸۴ -

از این جمله، دعای موسی علیه السلام زمانی که در مقابل فرعون ایستاد: «خدایا ای آفریننده آسمان‌ها و زمین‌ها، ای کسی که زمام امور بندگان به دست توست، به راستی که فرعون و تمامی اهل آسمان‌ها و زمین و میان آن دو بندگان تو هستند، که اختیارشان به دست توست و تو دل‌ها را به هر سو که بخواهی می‌کشانی، خدایا من از شر او به خیر تو پناه می‌برم و در عوض خیر او خیر تو را می‌طلبم، پناهنده به تو عزیز گشت و ستایش تو شکوهمند است، خدایی جز تو نیست، پس پناه ما از شر فرعون و سپاهیانش باش.»سپس بر او داخل شد و خداوند سپری از قدرت خود بر او پوشاند [تا به یاری خداوند شری به او نرسد]. - . مهج الدعوات: ۳۸۵ -

از این جمله، دعایی دیگر از حضرت موسی علیه السلام «خدایی جز خدای بردبار و کریم نیست، پاک و منزه است خدا پروردگار آسمان‌های هفت گانه و پروردگار هفت طبقه زمین و پروردگار عرش باعظمت و سپاس مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است، خدایا من به مدد تو سینه او را دفع می کنم و از شر او به تو پناه می‌آورم و از تو برای غلبه به او یاری می‌جویم، پس هر طور که می‌خواهی مرا کفایت کن». - . مهج الدعوات: ۳۸۵ -

از این جمله دعای یوشع بن نون جانشین حضرت موسی علیه السلام است، در کتاب فضل الدعاء روایت است امام رضا علیه السلام فرمودند: یکیاز صحابه، صحیفه‌ای یافت و آن را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد، سپس ندای نماز جماعت را برآوردند و هیچ مرد و زنی از

آن سر باز نزدند، پس از منبر بالا رفتند و آن را خواندند که کتاب یوشع بن نون جانشین حضرت موسی علیه السلام بود و متن آن این است:

به راستی که پروردگارتان با رأفت و مهربان است. آگاه باشید که بهترین بندگان خدا، تقواپیشه پنهان است، و بدترین بندگان خدا کسی است که با انگشت به سمت او اشاره شود، هر کس دوست دارد با پیمانه دقیق، سنجیده شود و حقوقی را که خداوند به او عطا داشت، ادا کند هر روز بگوید «پاك و منزه است خدا، همانگونه که شایسته اوست و سپاس مخصوص خداست همانگونه که سزاوار خداست، و خدایی جز خدای یگانه نیست همانگونه که زیبنده اوست و خدا بزرگ است همانگونه که شایسته اوست و هیچ نیرو و قدرتی جز به خداوند تحقق نمی... پذیرد و درود خدا بر محمد و خاندان پیامبر، و بر تمامی رسولان تا خداوند خشنود گردد».

رسول خدا صلی الله علیه و آله از منبر پایین آمدند و مردم به او اصرار کردند تا دعا نماید، اندکی تأمل کردند سپس به بالای منبر رفتند و فرمودند: هر کس دوست دارد، ستایش او بر تمجید از مجاهدین برتری یابد، هر روز این فراز را بگوید که اگر حاجتی داشته باشد برآورده گردد و اگر دشمنی داشته باشد، شکست خورد و اگر قرض نزد او باشد ادا گردد و اگر مشکلی باشد، برطرف می‌گردد، و سخن او آسمان‌ها را می‌شکافد تا اینکه در لوح محفوظ نوشته شود. - . مهج الدعوات: ۳۸۶ -

از این جمله دعای خضر و الیاس علیهما السلام است، و روایت است، خضر و الیاس در هر مناسبتی جمع می‌شدند و در این دعا از هم جدا می‌شدند و دعا این است: «به نام خدا، هرچه خدا خواست، هیچ قدرتی جز به خداوند تحقق نمی‌پذیرد، هرچه خدا خواستف همه نعمت‌ها از جانب خداست، هرچه خدا خواست، تمامی خیر به دست خدای عزّ و جلّ است هرچه خدا خواست، تنها خداست که زشتی را برمی‌گرداند.» روایت است هرکس در صبح سه بار آن را بخواند از آتش سوزی و دزدی و غرق شدن در امان است. - . مهج الدعوات: ۳۸۶ -

از این جمله دعایی دیگر از خضر علیه السلام است: «ای بلندمرتبه در بلندای خویش، ای نزدیک در نزدیکی‌اش، ای نزدیک در دوری‌اش، ای مهربان در رحمتش ای خارج‌کننده گیاهان ای دارای پایداری همیشگی، ای زنده کننده مردگان، ای پشتوانه پناهندگان، ای پناه پناه جویان، ای شنواترین شنودگان، ای بیناترین بینندگان، ای فریاد رس فریاد خواهان، ای ستون کسی که ستونی ندارد، ای پشتوانه کسی که پشتوانه‌ای ندارد، ای اندوخته کسی که توشه‌ای ندارد، ای حافظ کسی که محافظی ندارد، ای گنج ضعیفان ای امید فراوان ای نجات‌بخش غریقان و رهایی‌دهنده هلاك شدگان، ای زنده‌کننده مردگان، ای پناه بیمناکان، ای خدای جهانیان یا سازنده هر ساخته شده و ای ترمیم‌کننده هر شکسته ای همراه هر غریبی، ای مونس هر تنهایی، ای نزدیکی که دور نمی‌شوی ای حاضری که پنهان نمی‌شوی، ای چیره‌ای که مغلوب نمی... شوی، ای زنده به هنگامی که هیچ موجود زنده‌ای نبود، ای زنده‌کننده مردگان، ای زنده‌ای که خدایی جز تو نیست» هر کس این دعا را بخواند یا بشنود، چهل سال از وسوسه در امان خواهد بود.

**[ترجمه]

و أدعیه الخضر کثیره و قد اقتصرنا علی ما ذکرناه (۲).

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءُ یُونُسَ بْنِ مَتَّی علیه السلام وَ هُوَ: یَا رَبِّ مِنَ الْجِبَالِ أَنْزَلْتَنِی وَ مِنَ الْمَسْکَنِ أَخْرَجْتَنِی وَ فِی الْبِحَارِ صَیَّرْتَنِی وَ فِی بَطْنِ الْحُوتِ حَبَسْتَنِی فَ لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمِینَ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ الْغَمِ (۳).

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءٌ آخَرُ لِیُونُسَ بْنِ مَتَّی علیه السلام وَ هُوَ: یَا رَبِّ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِأَسْمَائِکَ الْحُسْنَی وَ آلَائِکَ الْعُلْیَا وَ أَسْأَلُکَ یَا رَبِّ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا کَبِیرُ یَا جَلِیلُ یَا حَنَّانُ یَا مَنَّانُ یَا فَرْدُ یَا دَائِمُ یَا وَتْرُ یَا أَحَدُ یَا صَمَدُ یَا اللَّهُ یَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُکَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِی ذُنُوبِی وَ أَنْ تُحَرِّمَ جَسَدِی عَلَی النَّارِ اللَّهُمَّ إِنَّکَ قُلْتَ فِی کِتَابِکَ الْمُنْزَلِ عَلَی مُوسَی أَلَّا تَرُدُّوا السَّائِلِینَ عَنْ أَبْوَابِکُمْ وَ نَحْنُ عَلَی بَابِکَ فَلَا تَرُدَّنَا اللَّهُمَّ إِنَّکَ قُلْتَ فِی کِتَابِکَ الْمُنْزَلِ عَلَی نَبِیِّکَ مُوسَی أَنِ اغْفِرُوا

لِلظَّالِمِینَ وَ نَحْنُ الظَّالِمُونَ عَلَی بَابِکَ فَاغْفِرْ لَنَا اللَّهُمَّ إِنَّکَ قُلْتَ فِی کِتَابِکَ الْمُنْزَلِ عَلَی مُوسَی بْنِ عِمْرَانَ أَنْ أَعْتِقُوا الْأَرِقَّاءَ وَ نَحْنُ عَبِیدُکَ فَأَعْتِقْنَا

ص: ۱۷۴

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۳۸۶.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۳۸۷.

۳- ۳. مهج الدعوات ص ۳۸۷.

مِنَ النَّارِ(۱).

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءُ دَاوُدَ علیه السلام عَلَى وَصْفِ التَّحْمِيدِ رُوِیَ: أَنَّ دَاوُدَ علیه السلام لَمَّا قَالَ هَذَا التَّحْمِيدَ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ أَتْعَبْتَ الْحَفَظَهَ وَ هُوَ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ دَائِماً مَعَ دَوَامِکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ بَاقِياً مَعَ بَقَائِکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ خَالِداً مَعَ خُلُودِکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ کَمَا يَنْبَغِی لِکَرَمِ وَجْهِکَ وَ عِزِّ جَلَالِکَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ (۲).

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءُ آصَفَ وَزِيرِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ علیه السلام رُوِیَ: أَنَّهُ أَتَى بِهِ عَرْشَ بِلْقِيسَ وَ أَنَّهُ الدُّعَاءُ الَّذِی کَانَ عِيسَى علیه السلام يُحْيِی بِهِ الْمَوْتَى وَ هُوَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَیُّ الْقَيُّومُ الطَّاهِرُ الْمُطَهَّرُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِينَ.

وَ فِی رِوَايَهٍ أُخْرَى: رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِينَ عالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَهِ الْکَبِيرُ الْمُتَعالِ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا وَ تَجْعَلَهُ أَنْتَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا فَإِنَّهُ يُسْتَجَابُ لَکَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ هَذَا لَفْظُهُ کَمَا وَجَدْنَاهُ (۳).

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءُ عِيسَى علیه السلام رَوَيْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا إِلَى سَعِيدِ بْنِ هِبَهِ اللَّهِ الرَّاوَنْدِیِّ رَحِمَهُ اللَّهُ مِنْ کِتَابِ قِصَصِ الْأَنْبِيَاءِ بِإِسْنَادِهِ إِلَى الصَّادِقِ علیه السلام عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: لَمَّا اجْتَمَعَتِ الْيَهُودُ إِلَى عِيسَى علیه السلام لِيَقْتُلُوهُ بِزَعْمِهِمْ أَتَاهُ جَبْرَئِيلُ علیه السلام فَغَشَّاهُ بِجَنَاحِهِ فَطَمَحَ عِيسَى بِبَصَرِهِ فَإِذَا هُوَ بِکِتَابٍ فِی بَاطِنِ جَنَاحِ جَبْرَئِيلَ علیه السلام وَ هُوَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَدْعُوکَ بِاسْمِکَ الْوَاحِدِ الْأَعَزِّ وَ أَدْعُوکَ اللَّهُمَّ بِاسْمِکَ الصَّمَدِ وَ أَدْعُوکَ اللَّهُمَّ بِاسْمِکَ الْعَظِيمِ الْوَتْرِ وَ أَدْعُوکَ اللَّهُمَّ بِاسْمِکَ الْکَبِيرِ الْمُتَعَالِ الَّذِی ثَبَتَتْ بِهِ أَرْکَانُکَ کُلُّهَا أَنْ تَکْشِفَ عَنِّی مَا أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ فِيهِ فَلَمَّا دَعَا بِهِ علیه السلام أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى جَبْرَئِيلَ أَنِ ارْفَعْهُ إِلَى عِنْدِی ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَا بَنِی عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَلُوا رَبَّکُمْ بِهَذِهِ الْکَلِمَاتِ فَوَ اللَّهِ

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۳۸۷.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۳۸۸.

۳- ۳. مهج الدعوات ص ۳۸۸.

الَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ مَا دَعَا بِهِنَّ عَبْدٌ بِإِخْلَاصِ نِیَّهٍ إِلَّا اهْتَزَّ لَهُنَّ الْعَرْشُ وَ إِلَّا قَالَ اللَّهُ لِلْمَلَائِکهِ اشْهَدُوا أَنِّی قَدِ اسْتَجَبْتُ لَهُ بِهِنَّ وَ أَعْطَیْتُهُ سُؤْلَهُ فِی عَاجِلِ دُنْیَاهُ وَ آجِلِ آخِرَتِهِ ثُمَّ قَالَ لِأَصْحَابِهِ سَلُوهَا وَ لَا تَسْتَبْطِئُوا الْإِجَابَهَ(۱).

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءُ عِیسَی علیه السلام بِرِوَایَهٍ غَیْرِ هَذِهِ وَ هِیَ: أَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله رَأَی فِی بَاطِنِ جَبْرَئِیلَ الدُّعَاءَ فَعَلَّمَهُ عَلِیّاً وَ الْعَبَّاسَ وَ قَالَ یَا عَلِیُّ یَا خَیْرَ بَنِی هَاشِمٍ یَا بَنِی عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَلُوا رَبَّکُمْ بِهَؤُلَاءِ الْکَلِمَاتِ فَوَ الَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ مَا دَعَا بِهِنَّ مُؤْمِنٌ بِإِخْلَاصٍ إِلَّا اهْتَزَّ لَهُنَّ الْعَرْشُ وَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرَضُونَ وَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَی لِمَلَائِکَتِهِ اشْهَدُوا أَنِّی قَدِ اسْتَجَبْتُ لِلدَّاعِی بِهِنَّ وَ أَعْطَیْتُهُ سُؤْلَهُ فِی عَاجِلِ دُنْیَاهُ وَ آجِلِ آخِرَتِهِ وَ زَعَمُوا أَنَّهُ الدُّعَاءُ الَّذِی دَعَا بِهِ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ فَرَفَعَهُ اللَّهُ وَ هُوَ هَذَا الدُّعَاءُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِاسْمِکَ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ وَ أَعُوذُ بِاسْمِکَ الْأَحَدِ الصَّمَدِ وَ أَعُوذُ بِکَ بِاسْمِکَ اللَّهُمَّ الْعَظِیمِ الْوَتْرِ وَ أَعُوذُ اللَّهُمَّ بِاسْمِکَ الْکَبِیرِ الْمُتَعَالِ الَّذِی مَلَأَ الْأَرْکَانَ کُلَّهَا أَنْ تَکْشِفَ عَنِّی غَمَّ مَا أَصْبَحْتُ فِیهِ وَ أَمْسَیْتُ (۲).

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءٌ لِعِیسَی ابْنِ مَرْیَمَ علیه السلام بِرِوَایَهٍ أُخْرَی وَ هُوَ: اللَّهُمَّ خَالِقَ النَّفْسِ مِنَ النَّفْسِ وَ مُخْرِجَ النَّفْسِ مِنَ النَّفْسِ وَ مُخَلِّصَ النَّفْسِ مِنَ النَّفْسِ فَرِّجْ عَنَّا وَ خَلِّصْنَا مِنْ شِدَّتِنَا(۳).

**[ترجمه]دعاهای خضر بسیارند که بر آنچه ذکر نمودیم، قناعت نمودیم. - . مهج الدعوات: ۳۸۷ -

از این جمله دعای یونس بن متّی علیه السلام است: « پروردگارا مرا از کوه نازل کردی و از خانه خارج کردی و در دریاها گرداندی و در شکم ماهی زندان نمودی، پس خدایی جز تو نیست پاک و منزهی به راستی که من از ستمکارانم.» و خداوند او را از اندوه نجات داد. - . مهج الدعوات: ۳۸۷ -

از این جمله دعایی دیگر از یونس بن متّی: «پروردگارا، خدایا از تو می‌خواهم به نام‌های زیبایت و نعمت‌های والایت، پروردگارا از تو می‌خواهم ای خدا ای خدا ای بزرگ ای شکوهمند ای مهربان ای بخشنده ای یگانه، ای همیشگی، ای تنها ای یکتا ای بی‌نیاز ای خدا، ای خدایی که جز تو خدایی نیست به اینکه خدایی جز تو نیست از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و گناهانم را بیامرزی و بدنم را بر آتش جهنم حرام کنی، خدایا تو در کتابی که بر موسی نازل شد گفتی: گدایان را از در خانه‌هاتان نرانید و ما اکنون بر درگاه توییم، پس ما را برمگردان، خدایا تو در کتابی که بر موسی نازل کردی گفتی که ظالمان را بیامرزید و ما ظالمانی بر درگاه توییم پس ما را بیامرز، خدایا تو در کتاب خود که بر موسی نازل کردی گفتی که بندگان را آزاد کنید و ما بندگان توییم، پس ما را از آتش رها گردان. - . مهج الدعوات: ۳۸۷ -

از این جمله دعای داود علیه السلام در حمد خداست، روایت است زمانی که داود علیه السلام دعای حمد را می‌خواندند خداوند به ایشان وحی نمود: حافظان را خسته نمودی و دعا این است: «خدا سپاس دائم از آن توست تا زمانی که هستی، و سپاس پاینده از آن توست به پایندگی تو و سپاس جاودان مخصوص توست تا زمانی که جاودانه‌ای، سپاس از آن توست آنگونه که شایسته روی گرامی و عزت شکوهت است ای صاحب شکوه و بزرگی». - . مهج الدعوات: ۳۸۸ -

از این جمله دعای آصف وزیر سلیمان بن داود علیه السلام است روایت است که آصف با خواند این دعا تخت بلقیس را حاضر کرد و این همان دعایی است که حضرت عیسی علیه السلام مردگان را بدان زنده می‌نمودند: «خدایا از تو می‌خواهم به اینکه تو خدای یکتایی و خدایی جز تو نیست زنده پاینده پاک منزه و نور آسمان‌ها و زمین‌ها هستی — و در روایتی دیگر «پروردگار آسمان‌ها و زمین‌ها» - دانای نهان و آشکار بزرگ بلندمرتبه مهربان بخشنده صاحب شکوه و بزرگی هستی، در حق من چنین و چنان کن ... و آن را قرار دهی «بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و در حق من چنین و چنان کنی» بر اساس آنچه یافتیم، این لفظ دعاست و انشاء الله مستجاب می‌شود. - . مهج الدعوات: ۳۸۸ -

از این جمله دعای حضرت عیسی علیه السلام است که با استناد به سعید بن هبه الله الراوندی رحمه الله از کتاب قصص الانبیاء به نقل از

حضرت صادق علیه السلام از پدرانشان علیهم السلام از پیامبر صلوات الله علیه و علیهم السلام، روایت است: هنگامی یهودیانی به سوی حضرت عیسی علیه السلام گرد آمدند تا به پندار خویش او را به قتل برسانند، جبرئیل علیه السلام بر ایشان نازل گشت و او را با بال او پوشاند پس حضرت عیسی علیه السلام در بال او نگریست و نوشته‌ای در میان بال جبرئیل علیه السلام مشاهده کرد و این است:

«خدایا تو را می‌خوانم به نام یگانه و عزیزت، تو را می‌خوانم ای معبود من به نام بی‌نیاز تو و تو را می‌خوانم ای معبود من به نام بزرگ و یگانه تو، خدایا تو را می‌خوانم به نام بزرگ و بلندمرتبه تو که تمام ستون‌هایت بدان استوار گشت مادامی که صبح و شام می‌کنم، مشکلاتم را برطرف نمایی».

و زمانی که حضرت عیسی علیه السلام آن دعا را خواندند، خداوند متعال به جبرئیل وحی نمود که او را به سمت من عروج ده.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای فرزندان عبد المطلب از پروردگارتان با این کلمات درخواست کنید، سوگند به خدایی که جانم به دست اوست، هرگاه بنده‌ای با اخلاص این کلمات را بر زبان آور، عرش به واسطه آن کلمات به لرزه درآید و خداوند به فرشتگان می‌فرماید: گواه باشید که به سبب این کلمات او را متسجاب نمودم و خواسته او در دنیا و آخرت عطا نمودم سپس به یارانش فرمودند: دعا کنید و اجابت را به تأخیر نیاندازید. - . مهج الدعوات: ۳۸۸ -

از این جمله، دعای حضرت عیسیعلیه السلام به این روایت است، پیامبر صلی الله علیه و آله دعا را در باطن جبرئیل مشاهده کرد و آن را به علی و عباس آموخت و فرمودند: ای علی ای بهترین بنی هاشم ای بهترین عبد المطلب از پروردگارتان با این کلمات مسألت نمایید، سوگند به کسی که جانم در دست اوست، هرگاه مؤمنی با این کلمات، خدا را به اخلاص بخواند، عرش و هفت آسمان و زمین‌ها به لرزه درآیند و خداوند متعالی به فرشتگان می‌فرماید: گواه باشید که من کسی را که با این کلمات دعا کند مستجاب می‌کنم و درخواست او در دنیا و آخرت را عطا می‌نمایم و پنداشتند این همان دعایی است که حضرت عیسی بن مریم خدا را بدانخواند پس خداوند او را به سوی خویش عروج داد و دعا این است:

«خدایا به نام یگانه و یکتای تو پناه می‌برم و به نام یکتای بی‌نیاز تو پناه می‌برم، پناه می‌برم به تو و به نام بزرگ و یکتای تو ای معبود من و به نام بزرگ و بلندمرتبه تو پناه می‌برم که تمامی ستون‌ها را آکنده کرد، از تو می‌خواهم رما از مشکلاتی که در آن صبح و شام نمودم برهانی. - . مهج الدعوات: ۳۸۹ -

از این جمله دعای حضرت عیسی بن مریم علیه السلام به روایتی دیگر است و دعا این است: «خداوندا ای آفریننده جان از جان و خارج سازنده جان از جان و رهاکننده جان از جان گره‌هامان را بگشایی ما را از سختی‌مان رها ساز». - . مهج الدعوات: ۳۸۹ -

**[ترجمه]

«۲۳»

مهج، [مهج الدعوات] وَ مِنْ ذَلِكَ دُعَاءُ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ الَّذِی عَلَّمَهُ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله وَ يُرْوَى أَنَّ سَلْمَانَ كَانَ مِنْ بَقَايَا أَوْصِيَاءِ عِيسَى علیه السلام وَ رُوِيَ عَنْ أَحَدِ الْأَئِمَّةِ صلوات الله علیهم أَنَّ سَلْمَانَ أَدْرَكَ الْعِلْمَ الْأَوَّلَ وَ الْآخِرَ وَجَدْتُهُ فِي أَصْلٍ عَتِيقٍ تَارِيخُ كِتَابَتِهِ رَبِيعٌ الْآخِرِ سَنَةَ أَرْبَعَةَ عَشَرَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِسَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ أَ لَا أُخْبِرُكَ بِمَا هُوَ خَيْرٌ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ زَهْرَتِهَا فَقَالَ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِكَ قَالَ فَقُلْ:

١- ١. مهج الدعوات ص ٣٨٨.

٢- ٢. مهج الدعوات ص ٣٨٩.

٣- ٣. مهج الدعوات ص ٣٨٩.

اللَّهُمَّ إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ خَلَصَ إِلَی نَفْسِی وَ هِیَ أَعَزُّ الْأَنْفُسِ عَلَیَّ وَ أَهَمُّهَا إِلَیَّ وَ قَدْ عَلِمْتَ رَبِّی وَ عِلْمُکَ أَفْضَلُ مِنْ عِلْمِی إِنَّکَ تَعْلَمُ مِنِّی مَا لَا أَعْلَمُ مِنْ نَفْسِی لَکَ مَحْیَایَ وَ مَمَاتِی وَ دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی إِلَیْکَ مَرْجِعِی وَ مُنْقَلَبِی لَا أَمْلِکُ إِلَّا مَا أَعْطَیْتَنِی وَ لَا أَتَّقِی إِلَّا مَا وَقَیْتَنِی وَ لَا أُنْفِقُ إِلَّا مَا رَزَقْتَنِی بِنُورِکَ اهْتَدَیْتُ وَ بِفَضْلِکَ اسْتَغْنَیْتُ وَ بِنِعْمَتِکَ أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَیْتُ مَلَکْتَنِی بِقُدْرَتِکَ وَ قَدَرْتَ عَلَیَّ بِسُلْطَانِکَ تَقْضِی فِیمَا أَرَدْتَ لَا یَحُولُ أَحَدٌ دُونَ قَضَائِکَ أَوْقَرْتَنِی نِعَماً وَ أَوْقَرْتُ نَفْسِی ذُنُوباً کَثُرَتْ خَطَایَایَ وَ عَظُمَ جُرْمِی وَ اکْتَنَفَتْنِی شَهَوَاتِی فَقَدْ ضَاقَ بِهَا ذَرْعِی وَ عَجَزَ عَنْهَا عَمَلِی وَ ضَعُفَ عَنْهَا شُکْرِی وَ قَدْ کِدْتُ أَنْ أَقْنَطَ مِنْ رَحْمَتِکَ إِلَهِی وَ أَنْ أُلْقِیَ إِلَی التَّهْلُکَهِ بِیَدِیَ الَّذِی أَیْأَسُ مِنْهُ عُذْرِی وَ ذِکْرِی مِنْ ذُنُوبِی وَ مَا أَسْرَفْتُ بِهِ عَلَی نَفْسِی وَ لَکِنَّ رَحْمَتَکَ رَبِّ الَّتِی تُنْهِضُنِی وَ تُقَوِّینِی وَ لَوْ لَا هِیَ لَمْ أَرْفَعْ رَأْسِی وَ لَمْ أُقِمْ صُلْبِی مِنْ ثِقَلِ ذُنُوبِی فَإِیَّاکَ أَرْجُو إِلَهِی أَنْتَ أَرْجَی عِنْدِی مِنْ عَمَلِیَ الَّذِی أَتَخَوَّفُهُ وَ أُشْفِقُ مِنْهُ عَلَی نَفْسِی إِلَهِی وَ کَیْفَ لَا أُشْفِقُ مِنْ ذُنُوبِی وَ قَدْ خِفْتُ أَنْ تَکُونَ أَوْبَقَتْنِی وَ قَدْ أَحَاطَتْ بِی وَ أَهْلَکَتْنِی وَ أَنَا أَذْکُرُ مِنْ

تَضْیِیعِ أَمَانَتِی وَ مَا قَدْ تَکَلَّفْتُ بِهِ عَلَی نَفْسِی مَا لَمْ تَحْمِلْهُ الْجِبَالُ قَبْلِی وَ لَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرَضُونَ وَ هِیَ أَقْوَی مِنِّی وَ حَمَلْتُهَا بِعِلْمِکَ بِهَا وَ قِلَّهِ عِلْمِی فَلَوْ کَانَ لِی عِلْمٌ یَنْفَعُنِی لَمْ تَقَرَّ فِی الدُّنْیَا عَیْنِی وَ أصارت [لَصَارَتْ] حَلَاوَتُهَا مَرَارَهً عِنْدِی وَ لَفَرَرْتُ هَارِباً مِنْ ذُنُوبِی لَا بَیْتَ یَأْوِینِی وَ لَا ظِلَّ یُکِنُّنِی مَعَ الْوُحُوشِ مَقْعَدِی وَ مَقِیلِی وَ لَوْ فَعَلْتُ ذَلِکَ لَکَانَ یَحِقُّ لِی أَنْ أَتَخَوَّفَ عَلَی نَفْسِی وَ الْمَوْتُ یَطْلُبُنِی حَثِیثاً دَائِباً یَقُصُّ أَثَرِی مُوَکَّلٌ بِی کَأَنَّهُ لَا یُرِیدُ أَحَداً غَیْرِی لَیْسَ یُنَاظِرُنِی (۱)

سَاعَهً إِذَا جَاءَ أَجَلِی کَأَنِّی أَرَانِی صَرِیعاً بَیْنَ یَدَیْهِ وَ کَأَنِّی بِالْمَوْتِ لَیْسَ أَحَدٌ مِنَ الْمَوْتِ یَمْنَعُنِی وَ لَا یَدْفَعُ کَرْبَهُ عَنِّی وَ لَا أَسْتَطِیعُ امْتِنَاعاً یُؤَخِّرُنِی وَ بِکَأْسِ الْمَوْتِ یَسْقِینِی

ص: ۱۷۷

۱- ۱. بناظری خ ل.

وَ لَا مَنَعَهَ عِنْدِی مَقْلُوبَهً(۱) بِکَرْبِ الْمَوْتِ طَرْفِی جَزَعاً فَیَا لَکَ مِنْ مَصْرَعٍ مَا أَقْطَعَهُ عِنْدِی مَغْلُوبَهً(۲)

بِکَرْبِ الْمَوْتِ نَفْسِی تَخْتَلِجُ لَهَا أَعْضَائِی وَ أَوْصَالِی وَ کُلُّ عِرْقٍ سَاکِنٍ مِنِّی فَکَأَنِّی بِمَلَکِ الْمَوْتِ یَسْتَلُّ رُوحِی مُسْتَسْلِمٌ لَهُ بَلْ عَلَی الْکَرَاهِهِ مِنِّی کَذَا رُسُلُ رَبِّی یَقْبِضُونَ فِی الْحَرِّ رُوحِی فَعِنْدَهَا یَنْقَطِعُ مِنَ الدُّنْیَا أَثَرِی وَ أُغْلِقَ بَابُ تَوْبَتِی وَ رُفِعَتْ کُتُبِی وَ طُوِیَتْ صَحِیفَتِی وَ عَفَا ذِکْرِی وَ رُفِعَ عَمَلِی وَ أُدْخِلْتُ فِی هَوْلِ آخِرَتِی وَ صِرْتُ جَسَداً بَیْنَ أَهْلِی یَصْرُخُونَ وَ یَبْکُونَ حَوْلِی وَ قَدِ اسْتَوْحَشُوا مِنِّی وَ أَحَبُّوا فُرْقَتِی وَ عَجَّلُوا إِلَی کَفَنِی وَ حَمَلُونِی إِلَی حُفْرَتِی فَأُلْقِیتُ فِیهَا لِجَنْبِی (۳) وَ سُوِّیَتِ الْأَرْضُ عَلَیَّ مِنْ فَوْقِی وَ سَلَّمُوا عَلَیَّ وَ وَدَّعُونِی وَ أُقِمْتُ فِی مُنْتَهَا مَنْ کَانَ قِبَلِی مِنْ جِیرَانٍ لَا یُؤَانِسُونِّی وَ لَا أَزُورُهُمْ وَ لَا یَزُورُونِّی وَ فِی عَسْکَرِ الْمَوْتِ خَلَّفُونِی فِیهِ مَضْجَعِی وَ مَنَامِی وَحْشٌ قَفْرٌ مَکَانِی قَدْ ذَهَبَ الْأَهْلُونَ عَنِّی وَ أَیْقَنُوا بِالتَّفْرِقَهِ مِنِّی لَا یَرْجُونِّی آخِرَ الدَّهْرِ لَیْسَ أَحَدٌ مِنْهُمْ یُؤْنِسُنِی فِی وَحْشَتِی وَ لَا یَحْمِلُ ذَنْباً مِنْ ذُنُوبِی وَ کُلٌّ قَدْ ذَهَلَ عَنِّی وَ تَرَکُونِی وَحِیداً فِی قَبْرِی وَ أَنَا صَاحِبُ نَفْسِی لَا یَرَانِی أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ مَا یُفْعَلُ بِی فَإِنْ تَکُ رَبِّی رَاضِیاً عَنِّی فَطُوبَی ثُمَّ طُوبَی لِی وَ إِنْ تَکُنِ الْأُخْرَی فَیَا حَسْرَتَی وَ یَا نَدَامَتَا عَلَی مَا فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ رَبِّی وَ کَیْفَ أَذْکُرُ هَذَا الْأَمْرَ ثُمَّ لَا تَدْمَعُ لَهُ عَیْنِی وَ لَا یَفْزَعُ لِذِکْرِهِ قَلْبِی وَ لَا تُرْعَدُ لَهُ فَرَائِصِی وَ لَا أَحْمِلُ عَلَی ثِقَلِهِ نَفْسِی وَ لَا أَقْصُرُ عَلَی هَوَایَ وَ شَهَوَاتِی مَغْرُورٌ فِی دَارِ غُرُورٍ قَدْ خِفْتُ أَنْ لَا یَکُونَ هَذَا الصِّدْقُ مِنِّی فَأَشْکُو إِلَیْکَ یَا رَبِّ قَسْوَهَ قَلْبِی وَ تَقْصِیرِی وَ إِبْطَائِی وَ قِلَّهَ شُکْرِ رَبِّی رَبِّ جَعَلْتَ لِی جَوَارِحَ لِاشْتِبَهَامِ النِّعَمِ مِنْکَ یَحِقُّ بِی لَکَ الشُّکْرُ عَلَی جَوَارِحِی وَ أَعْضَائِی وَ أَوْصَالِی بِالَّذِی یَحِقُّ لَکَ عَلَیْهَا مِنَ الْعِبَادَهِ بِخُشُوعِ نَفْسِی وَ بَصَرِی وَ جَمِیعِ أَرْکَانِی

۱- ۱. أقلب خ کما فی المصدر.

۲- ۲. أغلب خ.

۳- ۳. لجنبی خ.

فَبِهِنَّ عَصَيْتُکَ رَبِّی وَ لَمْ یَکُنْ ذَلِکَ جَزَاءَکَ وَ لَا شُکْرَکَ مِنِّی وَ قَدْ خِفْتُ أَنْ أَکُونَ قَدْ أَوْبَقْتُ نَفْسِی وَ اسْتَهْلَکْتُهَا بِجُرْمِی فَاسْتَوْجَبْتُ الْعُقُوبَهَ مِنْکَ لَیْسَ دُونَکَ أَحَدٌ یَأْوِینِی وَ لَا یُطِیقُ مَلْجَئِی وَ لَا مِنْ عُقُوبَتِکَ یُنْجِینِی وَ لَا یَغْفِرُ ذَنْباً مِنْ ذُنُوبِی وَ کُلٌّ قَدْ شُغِلَ بِنَفْسِهِ عَنِّی بَارَزْتُکَ بِسَوْءَتِی وَ بَاشَرْتُ الْخَطَایَا وَ أَنْتَ تَرَانِی فِی سِرِّی مِنْهَا وَ عَلَانِیَتِی وَ أَظْهَرْتُ لَکَ مَا أَخْفَیْتُ مِنَ النَّاسِ فَاسْتَتَرْتُ مِنْ ذُنُوبِی وَ لَا یَرَوْنِی فَیَعِیبُونِی اسْتِحْیَاءً مِنْهُمْ وَ لَمْ أَسْتَحْیِکَ إِلَهِی قَدْ أَنِسْتُ إِلَی نَفْسِی وَ قَذَفَتْنِی فِی الْمَهَالِکِ شَهَوَاتِی وَ تَعَاطَتْ مَا تَعَاطَتْ وَ طَاوَعْتُهَا فِیمَا مَضَی مِنْ عُمُرِی وَ لَا أَجِدُهَا تُطِیعُنِی أَدْعُوهَا إِلَی رُشْدِهَا فَتَأْبَی أَنْ تُطِیعَنِی وَ أَشْکُو إِلَیْکَ رَبِّ مَا أَشْکُو لِتُصْرِخَنِی وَ تَسْتَنْقِذَنِی ثُمَّ تَسْأَلُ حَاجَتَکَ (۱).

أَقُولُ وَجَدْتُ بِخَطِّ الشَّیْخِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْجُبَعِیِّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ قَالَ الشَّیْخُ الشَّهِیدُ ابْنُ مَکِّیٍّ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ نَقَلْتُ مِنْ خَطِّ مَغْرِبِیٍّ حَدَّثَ مُعَافَی بْنُ الْمُتَوَکِّلِ عَنِ الْإِسْکَنْدَرَانِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُبَارَکِ عَنْ ثِقَهٍ: أَنَّ عَلِیّاً علیه السلام لَمَّا حَضَرَتْهُ الْوَفَاهُ قَالَ لِلْحَسَنِ ابْنِهِ علیه السلام أُعَلِّمُکَ شَیْئاً أَصِلُهُ مِنْ کِتَابِ اللَّهِ عَلَّمَنِیهِ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَدْعُوَ اللَّهَ بِهِ فَادْعُ بِهِ بَعْدَ صَلَاهِ الْغَدَاهِ أَوْ بَعْدَ صَلَاهِ الْعَصْرِ ثُمَّ سَمِّ مَا أَرَدْتَ مِنْ حَوَائِجِکَ وَ اعْلَمْ أَنَّکَ إِذَا ابْتَدَأْتَ بِهِ وَکَّلَ اللَّهُ بِکَ أَلْفَ مَلَکٍ یَسْتَغْفِرُونَ لَکَ وَ أَعْطَی کُلَّ مَلَکٍ قُوَّهَ أَلْفِ مَلَکٍ فِی سُرْعَهِ الِاسْتِغْفَارِ وَ یَبْنِی لَکَ أَلْفَ قَصْرٍ فِی الْجَنَّهِ وَ عِشْتَ مَا عِشْتَ فِی الدُّنْیَا مُنَعَّماً وَ لَا یُصِیبُکَ فِیهَا قَتَرٌ وَ لَا خَلَّهٌ وَ لَا تَسْأَلُ أَحَداً مِنَ الدُّنْیَا کَائِناً مَا کَانَ إِلَّا قَضَی لَکَ قُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ فَسُبْحانَ اللَّهِ حِینَ تُمْسُونَ وَ حِینَ تُصْبِحُونَ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِیًّا وَ حِینَ تُظْهِرُونَ یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَ یُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ وَ یُحْیِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَ کَذلِکَ تُخْرَجُونَ سُبْحانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا یَصِفُونَ وَ سَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ.

ص: ۱۷۹

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۳۹۰- ۳۹۳.

سُبْحَانَ اللَّهِ ذِی الْمُلْکِ وَ الْمَلَکُوتِ سُبْحَانَ اللَّهِ ذِی الْعِزَّهِ وَ الْعَظَمهِ وَ الْجَبَرُوتِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِکِ الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ سُبْحَانَ الْعَلِیِّ الْأَعْلَی سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَی سُبْحَانَ الْمَلِکِ الْقُدُّوسِ رَبِّ الْمَلَائِکَهِ وَ الرُّوحِ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً یَصْعَدُ وَ لَا یَنْفَدُ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَیَّ وَ مَعِی وَ قُدَّامِی وَ خَلْفِی یَا اللَّهُ عَشْراً یَا رَحْمَانُ عَشْراً یَا رَحِیمُ عَشْراً یَا رَبِّ مِثْلَهُ یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ مِثْلَهُ یَا بَدِیعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مِثْلَهُ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ مِثْلَهُ یَا حَنَّانُ یَا مَنَّانُ مِثْلَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَشْراً وَ سَلْ حَاجَتَکَ.

**[ترجمه]مهج الدعوات: از این جمله، دعای سلیمان فارسی رضوان الله علیه است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او آموخت. روایت می‌شود، سلمان از باقیماندگان اوصیای حضرت عیسی علیه السلام است. از یکی از امامان صلوات الله علیه روایت است، سلمان علم اولین و آخرین را درک نمود. من این دعا را در نسخه‌ای کهن یافتم که تاریخ نگارش آن به سال سیصد و چهارده می‌رسید و نقل است رسول خدا صلی الله علیه و آله به سلمان فارسی فرمودند: آیا خبر دهم به تو از چیزی که از طلا و نقره باارزش‌تر است؟ و از دنیا و بهجت آن بهتر است؟ پاسخ داد: آری ای رسول خدا! درود خدا بر تو و خاندان تو پیامبر فرمودند: بگو:

«خدایا کار بر نفس خویش، واگذار شد که عزیزترین جان‌ها و مهم‌ترین آنها در نزد من است، و ای پروردگار من، تو دانستی و علم تو از علم من برتر است، و تو بر آنچه از خود نمی‌دانم آگاهی، زندگی و مرگ و دنیا و آخرت من در دست توست، بازگشت و برگشت به سوی توست، چیزی ندارم جز آنچه تو به من عطا کردی و غیر از آنچه مرا از آن بازداشتی، پرهیزی نداشتم و تنها از روزی تو، انفاق می کنم.

به نور تو راه یافتم، و به فضل تو بی‌نیازی جستم و در نعمت تو صبح و شام کردم، با قدرتت خود بر من سلطه یافتی وبا سلطه خود بر من قدرت یافتی، در آنچه خواهی، حکم می کنی و کسی نمی‌تواند مانع از آن شود، تو مرا غرق نعمت‌ها کردی و من خود را در گناهان فرو بردم. اشتباهاتم افزون گشت و گناهانم بسیار و شهوت‌ها مرا از هر سو در میان گرفتند و من به واسطه آنها ناتوان گشتم وکردارم به سستی گرایید و سپاسگزاری‌ام اندک گشت، و نزدیک بود تا از رحمت تو ناامید شوم و خود را به هلاک اندازم. معبود من، ای کسی که عذرم از او مأیوس شد و به سبب گناهانم و آنچه بر خود روا داشتم، یادم از او غافل ماند. ولی ای پروردگار من، رحمت توست که مرا برپا می‌دارد و قوت می... بخشد و اگر نبود سرم را بالا نمی کردم و از سنگینی گناهانم پشتم راست نمی گشت، تنها به تو امید بستم و به تو از اعمال خود، امیدوارترم و از کردار خود بیم دارم و بر خود می‌ترسم.

معبودا و چگونه از گناهانم نهراسم در حالی که ترس دارم مرا به هلاکت افکند و مرا در بر بگیرند و به نابودی کشانند و به یاد می‌آورم امانتی را که تباه نمودم و آنچه تو مرا بر آن مسول ساختی و پیش از من کوهها و آسمان‌ها و زمین‌ها از تحمل آن سر باز زدند با اینکه قوی‌تر از من هستند، و من آن را به سبب علم تو بدان دانش اندک خود به دوش کشیدم و اگر علمی سودمند داشتم که چشمم به دنیا روشن نمی‌شد و شیرینی‌اش در کامم تلخ می گشت، از گناهانم فرار می‌کردم به گونه‌ای که خانه ای مرا پناه نمی‌داد و سایه‌ای مأوا نمی داد و نشستن و خوابیدن من با حیوانات می گشت.

و اگر چنین می کردم، سزاوار بود که از خویشتن بترسم در حالی که مرگ همچون پیوسته و با شتاب مرا می‌جوید، در پی من است و به من سپرده شده است، گویی که کسی جز مرا نمی‌خواهد و لحظه‌ای که فرا رسد، امان نمی‌دهد، انگار می‌بینم که در برابر او بر زمین افتاده‌ام و گویی کسی نمی‌تواند مانع از مرگ من شود و سختی آن را از من دور سازد و من نمی‌توانم ممانعت کنم تا به تأخیر افتد و جام مرگ به من نوشانده می‌شود و هیچ خودداری ندارم، و نالان از سختی مرگ چشمان خود را می‌چرخانم، شگفتا از این قتلگاهی که آن را تاب نیاورم و نفسم در آن مغلوب سختی های مرگ است و اندام و بندگاه ها و هر رگ ساکنی از من به سبب آن به لرزه در آید. گویی در برابر فرشته مرگم و او روحم راخارج می کند و تسلیم او می گردد با اینکه من از آن کراهت دارم.

و اینچنین فرستادگان پروردگارم جان مرا قبض می کنند و در این لحظه اثر من از دنیا قطع می گردد و در توبه بسته می‌شود و نامه اعمال و کردارم برداشته شده و پیچیده می‌شود و یادم از بین می‌رود و فرصت عمل از دست می‌رود و من با ترس وارد سرای آخرت می‌شوم و تنها

پیکرم در میان خانواده‌ام است، بر گرد من ناله می‌زننـد و می گرینـد و از من خوف دارند و دوست دارند که من جدا شوم به سرعت مرا کفن می کننـد و به سوی قبرم مرا بر دوش می‌برنـد، پس در آن انـداخته می‌شوم و زمین بالای سر مرا همـوار می کننـدبر من درود می فرستند و خداحافظی می کننـد و من در عمق آن جای می گیرم و همسایگان پیشینه‌ای که با من انس نمی گیرند و من آنها را ملاقات نمی کنم و آنها نیز به دیدار من نمی‌آیند و مرا در پادگان مرگ رها کردند و خوابگاه و بستر من آنجاست، مکانیخالی و ترسناک، خانواده‌ام از من دوری جستند و بر جدایی از من باور کردند و دیگر به من امید ندارند و هیچکدام از آنها انیس من در تنهایی‌ام نیستند و گناهی از گناهانم را بر دوش نمی... کشند همگی مرا فراموش کردند و تنها در قبر رها ساختند.

و من همراه خود هستم، کسی از مردم نمی‌بیند که بر من چه می‌رود، ای پروردگار من اگر از من راضی باشی پس خوشا به حال من خوشا به حال من و اگر چیزی دیگری باشد پس دریغ و افسوس و پشیمانی به آنچه مرتکب شدم در برابر پروردگارم نصیب من خواهد بود. و چگونه این را به یـاد آورم و اشـک نریزم و قلبم نالان نگردد و پهلوهـایم به لرزه نیافتنـد؛ در حـالی که سنگینی بـار گناهان را بر خود نکشانـدم و در خواسته‌ها و امیال خویش کوتاهی ننمودم و در سرای نیرنگ، فریفته شدم و ترسم از این است که صداقت نداشتم. ای پروردگار من از قساوت قلبم و کوتـاهی و سستی و سپاسگزاری انـدک به تو شکایت می کنم، پروردگارا برای من اعضایی قرار دادی تا از نعمت‌هایت بگویم، بر من سزاوار است تو را شکر گویم بر اعضا و انـدام و بندگاه هایم که عبادت آنها زیبنده توست، با خشوع جان و چشـم و تمامی ستون‌هایم، و به آنها تو را معصیت نمودم در حالی که این پاداش و شکر نبود، و ترسیدم که مرا هلاک نمایی و به جرمم نابود سازی و سزاوار عذاب تو گردم، کسی جز تو مرا پناه نمی‌دهد.و توان پناه دادن مرا ندارد و کسی جز تو مرا از عذاب تو نمی‌رهاند و گناهی از گناهانم را نمی‌آمرزد، همگی از من به خود مشغولند، زشتی‌ها را بر تو عیان کردم و به مستقیم و بی‌پرده به اشتباهات مرتکب شدم و تو در نهان و آشکار مرا می‌پاییدی و من آنچه را از مردم مخفی می‌داشتم بر تو آشکار کردم و تو گناهـانم را پوشانـدی از مردم شـرم کردم، به دنبال بودم تا مرا نبیننـد و بر من عیب نگیرند ولی از تو حیا نکردم.

معبودا به نفس خود، خو کردم، و تمایلات مرا به هلاکت انداختنـد و در درازای عمر پیوسته به آرزوهـا و امیـال خود مشغول بودم و از آنها فرمـان می‌برد و او را مطیع خودم نیـافتم، به سوی هـدایت فرا خوانـدم، از اطاعت من سر باز زد و پروردگارا به سوی گله‌گزاری می کنم از هر آنچه شکایت می کنم تا به فریادم رسی و مرا نجات دهی،...... سپس حاجتت را بخواه. - . مهج الدعوات: ۳۹۳ – ۳۹۰ -

می گویم: به خط شیخ محمـد بنعلی جبعی – رحمه الله – یافتم، نقل است زمانی که لحظات شـهادت حضـرت علی علیه السلام، فرا رسـید، به فرزندش حسن علیه السلام فرمودند: به تو چیزی می‌آموزم که در اصل برگرفته از کتاب خواست و پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله آن را به من آموخت، هرگاه خواستی به واسطه آن به درگاه خدا دعا کنی آن را بعد از نماز صبح یا عصـر بخوان سپس حاجاتت را نام ببر و بدان زمانی که شروع به خوانـدن این دعا می کنی، خداوند هزار فرشـته را می گمارد تا برای تو طلب آمرزش نمایند و برای این کار به هر کدام توان هزار فرشـته داده می‌شود و هزار قصـر در بهشت برای تو می‌سازد و در دنیا مادامی که زنـده‌ای در رفاه و نعمت‌ها زنـدگی می کنی و انـدوه و به تو نرسد و هیچ حاجت دنیوی را از کسی طلب مکن، مگر آنکه برای تو مقدر شود، بگو:

«پاک و منزه است خـدا و سپاس مخصوص اوست، و خـدایی جز خـدای یگانه نیست و خـدا بزرگ‌تر است، و هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدای محقق نمی گردد، پاک است خداوند آن هنگام که شب می کنید و آن هنگام که صـبح می کنید و سپاس آسمان‌ها و زمین از آن اوست و در شب و آنگاه ظهر می کنیـد، زنـده را از مرده و مرده را از زنـده خارج می کند، و زمین را بعد از مرگش حیات می‌بخشد و اینچنین، خارج می‌شدیـد پـاک است پروردگارتان، او که از آنچه وصف می کننـد، عزیز است و درود بر رسولان و سپاس از آن خـدایی است که پروردگار جهانیان است.

منزه است خداوند صاحب ظاهر و باطن، منزه است خداوند صاحب شکوه و عظمت و جبروت، منزه است خداوند فرمانروای زنده‌ای که مرگ به او راه ندارد، منزه است آن بلندمرتبه والا، پاک است و متعال، منزه است فرمانروای پاک، پروردگار فرشتگان و روح خدایا تو را سپاس می...

گویم، سپاسی که اوج گیرد و پایان نپذیرد و سپاس تو بر من، همراه من، جلو و پشت سر من است، ده مرتبه ای خدا، ده مرتبه ای بخشایشگر، ده مرتبه ای مهربان، ده مرتبه ای پروردگار و همینطور ای زنده ای پاینده و مثل آن ای آفریننده آسمان‌ها و زمین و مثل آن ای صاحب شکوه و بزرگی و مثل آن ای مهربان ای بخشنده، ده مرتبه خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست .... سپس حاجتت را بخواه .

**[ترجمه]

باب ۱۰۶ أدعیه الفرج و دفع الأعداء و رفع الشدائد و فیه أدعیه یوسف علیه السلام فی الجب و السجن و دعاء دانیال فی الجب و أدعیه سائر الأنبیاء علیهم السلام و ما یناسب ذلک من أدعیه التحرز من الآفات و الهلکات

الأخبار

«۱»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی الْمُفِیدُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنْ هَارُونَ عَنِ ابْنِ صَدَقَهَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنْ یُعَلِّمَنِی دُعَاءً أَدْعُو بِهِ فِی الْمُهِمَّاتِ فَأَخْرَجَ إِلَیَّ أَوْرَاقاً مِنْ صَحِیفَهٍ عَتِیقَهٍ قَالَ انْتَسِخْ مَا فِیهَا فَهُوَ دُعَاءُ جَدِّی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ زَیْنِ الْعَابِدِینَ علیهما السلام لِلْمُهِمَّاتِ فَکَتَبْتُ ذَلِکَ عَلَی وَجْهِهِ فَمَا کَرَبَنِی شَیْ ءٌ قَطُّ وَ أَهَمَّنِی إِلَّا دَعَوْتُ بِهِ فَفَرَّجَ اللَّهُ هَمِّی وَ کَشَفَ کَرْبِی وَ أَعْطَانِی سُؤْلِی وَ هُوَ اللَّهُمَّ هَدَیْتَنِی فَلَهَوْتُ وَ وَعَظْتَ فَقَسَوْتُ وَ أَبْلَیْتَ الْجَمِیلَ فَعَصَیْتُ وَ عَرَّفْتَ فَأَصْرَرْتُ ثُمَّ عَرَّفْتَ فَاسْتَغْفَرْتُ فَأَقَلْتَ فَعُدْتُ فَسَتَرْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ إِلَهِی تَقَحَّمْتُ أَوْدِیَهَ هَلَاکِی وَ تَحَلَّلْتُ شِعَابَ تَلَفِی تَعَرَّضْتُ فِیهَا لِسَطَوَاتِکَ وَ بِحُلُولِهَا لِعُقُوبَاتِکَ وَ وَسِیلَتِی إِلَیْکَ التَّوْحِیدُ وَ ذَرِیعَتِی أَنِّی لَمْ أُشْرِکْ بِکَ شَیْئاً وَ لَمْ أَتَّخِذْ مَعَکَ إِلَهاً

ص: ۱۸۰

وَ قَدْ فَرَرْتُ إِلَيْکَ مِنْ نَفْسِی وَ إِلَيْکَ يَفِرُّ الْمُسِی ءُ أَنْتَ مَفْزَعُ الْمُضِيعِ حَظَّ نَفْسِهِ فَلَکَ الْحَمْدُ إِلَهِی فَکَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضَی عَلَيَّ سَيْفَ عَدَاوَتِهِ (۱) وَ شَحَذَ لِی ظُبَةَ مُدْيَتِهِ وَ أَرْهَفَ لِی شَبَا حَدِّهِ وَ دَافَ لِی قَوَاتِلَ سُمُومِهِ وَ سَدَّدَ نَحْوِی صَوَائِبَ سِهَامِهِ وَ لَمْ تَنَمْ عَنِّی عَيْنُ حِرَاسَتِهِ وَ أَظْهَرَ أَنْ يَسِيمَنِی الْمَکْرُوهَ وَ يُجَرِّعَنِی ذُعَافَ مَرَارَتِهِ (۲)

فَنَظَرْتَ يَا إِلَهِی إِلَی ضَعْفِی عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَادِحِ وَ عَجْزِی عَنِ الِانْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِی بِمُحَارَبَتِهِ وَ وَحْدَتِی فِی کَثِيرِ عَدَدِ مَنْ نَاوَانِی وَ أَرْصَدَ لِیَ الْبَلَاءَ فِيمَا لَمْ أُعْمِلْ فِيهِ فِکْرِی فَابْتَدَأْتَنِی بِنُصْرَتِکَ وَ شَدَدْتَ أَزْرِی بِقُوَّتِکَ ثُمَّ فَلَلْتَ حَدَّهُ وَ صَيَّرْتَهُ مِنْ بَعْدِ جَمْعِهِ وَحْدَهُ وَ أَعْلَيْتَ کَعْبِی وَ جَعَلْتَ مَا سَدَّدَهُ مَرْدُوداً عَلَيْهِ فَرَدَدْتَهُ لَمْ يَشْفِ غَلِيلَهُ وَ لَمْ يَبْرُدْ حَرَارَةُ غَيْظِهِ قَدْ عَضَّ عَلَی شَوَاهُ وَ أَدْبَرَ مُوَلِّياً قَدْ أَخْلَفَ سَرَايَاهُ وَ کَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِی بِمَکَايِدِهِ وَ نَصَبَ لِی أَشْرَاکَ مَصَايِدِهِ وَ وَکَّلَ بِی تَفَقُّدَ رِعَايَتِهِ وَ أَضْبَأَ(۳) إِلَيَّ إِضْبَاءَ السَّبُعِ لِمَصَايِدِهِ وَ انْتِظَارِ الِانْتِهَازِ لِفَرِيسَتِهِ فَنَادَيْتُکَ يَا إِلَهِی مُسْتَغِيثاً بِکَ وَاثِقاً بِسُرْعَةِ إِجَابَتِکَ عَالِماً أَنَّهُ لَنْ يُضْطَهَدَ مَنْ أَوَی إِلَی ظِلِّ کَنَفِکَ وَ لَنْ يَفْزَعَ مَنْ لَجَأَ إِلَی مَعَاقِلِ انْتِصَارِکَ فَحَصَّنْتَنِی مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِکَ وَ کَمْ مِنْ سَحَائِبِ مَکْرُوهٍ جَلَّيْتَهَا وَ غَوَاشِی کُرُبَاتٍ کَشَفْتَهَا لَا تُسْأَلُ عَمَّا تَفْعَلُ وَ قَدْ سُئِلْتَ فَأَعْطَيْتَ وَ لَمْ تُسْأَلْ فَابْتَدَأْتَ وَ اسْتُمِيحَ فَضْلُکَ فَمَا أَکْدَيْتَ أَبَيْتَ إِلَّا إِحْسَاناً وَ أَبَيْتُ إِلَّا تَقَحُّمَ حُرُمَاتِکَ وَ تَعَدِّیَ حُدُودِکَ وَ الْغَفْلَةَ عَنْ وَعِيدِکَ فَلَکَ الْحَمْدُ إِلَهِی مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَ ذِی أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ هَذَا مَقَامُ مَنِ اعْتَرَفَ لَکَ بِالتَّقْصِيرِ

---

۱ - ۱. يقال: انتضی سيفه: استله من غمده، و الشحذ كالتشحيذ: التحديد، و بمعناه الارهاف، و المديه: الشفره، و الظبه كالشبا حد السيف و السكين و نحوهما، و الدوف: خلط الدواء و مزجها، و الصوائب جمع الصائب و هو من السهام: الذی لا يخطئ فی الإصابه.

۲- ۲. يقال سامه خسفا: اولاه إيّاه و اراده عليه، و فلانا الامر: كلفه إيّاه و أكثر ما يستعمل فی العذاب و الشر، و الذعاف: السم القاتل: يقتل من ساعته، و الفادح: الثقيل من البلاء.

۳- ۳. اظبأ الصائد: استتر و اختبا ليختل صيده.

وَ شَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّضْيِيعِ.

اللَّهُمَّ إِنِّی أَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ بِالْمُحَمَّدِیَّهِ الرَّفِیعَهِ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِالْعَلَوِیَّهِ الْبَیْضَاءِ فَأَعِذْنِی مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَ شَرِّ مَنْ یُرِیدُ بِی سُوءاً فَإِنَّ ذَلِکَ لَا یَضِیقُ عَلَیْکَ فِی وُجْدِکَ وَ لَا یَتَکَأَّدُکَ فِی قُدْرَتِکَ وَ أَنْتَ عَلَى کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ اللَّهُمَّ ارْحَمْنِی بِتَرْکِ الْمَعَاصِی مَا أَبْقَیْتَنِی وَ ارْحَمْنِی بِتَرْکِ تَکَلُّفِ مَا لَا یَعْنِینِی وَ ارْزُقْنِی حُسْنَ النَّظَرِ فِیمَا یُرْضِیکَ عَنِّی وَ أَلْزِمْ قَلْبِی حِفْظَ کِتَابِکَ کَمَا عَلَّمْتَنِی وَ اجْعَلْنِی أَتْلُوهُ عَلَى مَا یُرْضِیکَ بِهِ عَنِّی وَ نَوِّرْ بِهِ بَصَرِی وَ أَوْعِهِ سَمْعِی وَ اشْرَحْ بِهِ صَدْرِی وَ فَرِّجْ بِهِ قَلْبِی وَ أَطْلِقْ بِهِ لِسَانِی وَ اسْتَعْمِلْ بِهِ بَدَنِی وَ اجْعَلْ فِیَّ مِنَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّهِ مَا یُسَهِّلُ ذَلِکَ عَلَیَّ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِکَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَیْلِی وَ نَهَارِی وَ دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی وَ مُنْقَلَبِی وَ مَثْوَایَ عَافِیَهً مِنْکَ وَ مُعَافَاهً وَ بَرَکَهً مِنْکَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّی وَ مَوْلَایَ وَ سَیِّدِی وَ أَمَلِی وَ إِلَهِی وَ غِیَاثِی وَ سَنَدِی وَ خَالِقِی وَ نَاصِرِی وَ ثِقَتِی وَ رَجَائِی لَکَ مَحْیَایَ وَ مَمَاتِی وَ لَکَ سَمْعِی وَ بَصَرِی وَ بِیَدِکَ رِزْقِی وَ إِلَیْکَ أَمْرِی فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ مَلَکْتَنِی بِقُدْرَتِکَ وَ قَدَرْتَ عَلَیَّ بِسُلْطَانِکَ لَکَ الْقُدْرَهُ فِی أَمْرِی وَ نَاصِیَتِی بِیَدِکَ لَا یَحُولُ أَحَدٌ دُونَ رِضَاکَ بِرَأْفَتِکَ أَرْجُو رَحْمَتَکَ وَ بِرَحْمَتِکَ أَرْجُو رِضْوَانَکَ لَا أَرْجُو ذَلِکَ بِعَمَلِی فَقَدْ عَجَزْتُ عَنْ عَمَلِی فَکَیْفَ أَرْجُو مَا قَدْ عَجَزَ عَنِّی أَشْکُو إِلَیْکَ فَاقَتِی وَ ضَعْفَ قُوَّتِی وَ إِفْرَاطِی فِی أَمْرِی وَ کُلُّ ذَلِکَ مِنْ عِنْدِی وَ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّی فَاکْفِنِی ذَلِکَ کُلَّهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی مِنْ رُفَقَاءِ مُحَمَّدٍ حَبِیبِکَ وَ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلِکَ وَ یَوْمَ الْفَزَعِ الْأَکْبَرِ مِنَ الْآمِنِینَ فَآمِنِّی وَ بِیَسَارِکَ فَیَسِّرْنِی وَ بِأَظْلَالِکَ فَأَظِلَّنِی وَ مَفَازَهٍ مِنَ النَّارِ فَنَجِّنِی وَ لَا تَسُمْنِی السُّوءَ وَ لَا تُخْزِنِی وَ مِنَ الدُّنْیَا فَسَلِّمْنِی وَ حُجَّتِی یَوْمَ الْقِیَامَهِ فَلَقِّنِّی وَ بِذِکْرِکَ فَذَکِّرْنِی وَ لِلْیُسْرَى فَیَسِّرْنِی وَ لِلْعُسْرَى فَجَنِّبْنِی وَ الصَّلَاهَ وَ الزَّکَاهَ مَا دُمْتُ حَیّاً فَأَلْهِمْنِی وَ لِعِبَادَتِکَ فَوَفِّقْنِی وَ فِی الْفِقْهِ وَ مَرْضَاتِکَ فَاسْتَعْمِلْنِی وَ مِنْ فَضْلِکَ فَارْزُقْنِی وَ یَوْمَ الْقِیَامَهِ فَبَیِّضْ وَجْهِی وَ حِسَاباً یَسِیراً فَحَاسِبْنِی وَ بِقَبِیحِ

عَمَلِی فَلَا تَفْضَحْنِی وَ بِهُدَاکَ فَاهْدِنِی وَ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ فِی الْآخِرَهِ فَثَبِّتْنِی وَ مَا أَحْبَبْتَ فَحَبِّبْهُ إِلَیَّ وَ مَا کَرِهْتَ فَبَغِّضْهُ إِلَیَّ وَ مَا أَهَمَّنِی مِنَ الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ فَاکْفِنِی وَ فِی صَلَاتِی وَ صِیَامِی وَ دُعَائِی وَ نُسُکِی وَ دُنْیایَ وَ آخِرَتِی فَبَارِکْ لِی وَ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ فَابْعَثْنِی وَ سُلْطَاناً نَصِیراً فَاجْعَلْ لِی وَ ظُلْمِی وَ جَهْلِی وَ إِسْرَافِی فِی أَمْرِی فَتَجَاوَزْ عَنِّی وَ مِنْ فِتْنَهِ الْمَحْیَا وَ الْمَمَاتِ فَخَلِّصْنِی وَ مِنَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ فَنَجِّنِی وَ مِنْ أَوْلِیَائِکَ یَوْمَ الْقِیَامَهِ فَاجْعَلْنِی وَ أَدِمْ صَالِحَ الَّذِی آتَیْتَنِی وَ بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ فَأَغْنِنِی وَ بِالطَّیِّبِ عَنِ الْخَبِیثِ فَاکْفِنِی أَقْبِلْ بِوَجْهِکَ الْکَرِیمِ إِلَیَّ وَ لَا تَصْرِفْهُ عَنِّی وَ إِلَی صِرَاطِکَ الْمُسْتَقِیمِ فَاهْدِنِی وَ لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَی فَوَفِّقْنِی اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الرِّیَاءِ وَ السُّمْعَهِ وَ الْکِبْرِیَاءِ وَ التَّعَظُّمِ وَ الْخُیَلَاءِ وَ الْفَخْرِ وَ الْبَذْخِ (۱) وَ الْأَشَرِ وَ الْبَطَرِ وَ الْإِعْجَابِ بِنَفْسِی وَ الْجَبَرِیَّهِ رَبِّ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْفَجْرِ وَ الْبُخْلِ وَ الشُّحِّ وَ الْحَسَدِ وَ الْحِرْصِ وَ الْمُنَافَسَهِ وَ الْغِشِّ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الطَّمَعِ وَ الطَّبَعِ (۲)

وَ الْهَلَعِ وَ الْجَزَعِ وَ الزَّیْغِ وَ الْقَمْعِ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْبَغْیِ وَ الظُّلْمِ وَ الِاعْتِدَاءِ وَ الْفَسَادِ وَ الْفُجُورِ وَ الْفُسُوقِ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْخِیَانَهِ وَ الْعُدْوَانِ وَ الطُّغْیَانِ رَبِّ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْمَعْصِیَهِ وَ الْقَطِیعَهِ وَ السَّیِّئَهِ وَ الْفَوَاحِشِ وَ الذُّنُوبِ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْإِثْمِ وَ الْمَأْثَمِ وَ الْحَرَامِ وَ الْمُحَرَّمِ وَ الْخَبَثِ وَ کُلِّ مَا لَا تُحِبُّ رَبِّ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الشَّیْطَانِ وَ مَکْرِهِ وَ بَغْیِهِ وَ ظُلْمِهِ وَ عُدْوَانِهِ وَ شِرْکِهِ وَ زَبَانِیَتِهِ وَ جُنْدِهِ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ ما یَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَ ما یَعْرُجُ فِیها وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ مِنْ دَابَّهٍ وَ هَامَّهٍ أَوْ جِنٍّ أَوْ إِنْسٍ مِمَّا یَتَحَرَّکُ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ مَا یَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَ ما یَعْرُجُ فِیها وَ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ فِی الْأَرْضِ وَ مَا یَخْرُجُ مِنْهَا وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ

ص: ۱۸۳

۱- ۱. البذخ: التکبر، و هو من المجاز، أصله بمعنی الطول و الرفعه.

۲- ۲. الطبع: الدنس و الدناءه، و فی الحدیث أعوذ من طمع یهدی الی طبع. و الهلع: الحرص، و الجزع: عدم التصبر، و الزیغ: المیل و الاعوجاج، و القمع: الذله و التحیر.

شَرِّ كُلِّ كَاهِنٍ وَ سَاحِرٍ وَ زَاكِنٍ (۱) وَ نَافِثٍ وَ رَاقٍ (۲)

وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ كُلِّ حَاسِدٍ وَ طَاغٍ وَ بَاغٍ وَ نَافِسٍ وَ ظَالِمٍ وَ مُعَانِدٍ وَ جَائِرٍ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْعَمَى وَ الصَّمَمِ وَ الْبَكَمِ وَ الْبَرَصِ وَ الْجُذَامِ وَ الشَّكِّ وَ الرَّيْبِ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْكَسَلِ وَ الْفَشَلِ وَ الْعَجْزِ وَ التَّفْرِيطِ وَ الْعَجَلَهِ وَ التَّضْيِيعِ وَ الْإِبْطَاءِ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتُ فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ مَا تَحْتَ الثَّرَى وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْقِلَّهِ وَ الذِّلَّهِ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الضِّيقِ وَ الشِّدَّهِ وَ الْقَيْدِ وَ الْحَبْسِ وَ الْوَثَاقِ وَ السُّجُونِ وَ الْبَلَاءِ وَ كُلِّ مُصِيبَهٍ لَا صَبْرَ لِی عَلَيْهَا آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ أَعْطِنَا كُلَّ الَّذِی سَأَلْنَاکَ وَ زِدْنَا مِنْ فَضْلِکَ عَلَى قَدْرِ جَلَالِکَ وَ عَظَمَتِکَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳).

جا، [المجالس] للمفيد أحمد بن الوليد: مثله (۴).

**[ترجمه]أمالی: ابن صدقه نقل کرد: از امام صادق علیه السلام خواستم دعایی به من بیاموزد تا در سختی‌ها آن را قرائت نمایم، پس برگ‌هایی را از صحیفه‌ای کهن بیرون آوردند و فرمودند: از آن نسخه‌برداری کن، که دعای جدّم علی بن حسین زین العابدین علیهما السلام در گرفتاری‌ها است پس آن را نوشتم و هرگاه به مشکلی برمی‌خوردم، آن را می‌خواندم و خداوند از گرفتاری و مشکم گره می‌گشود و خواسته‌ام را عطا می‌کرد و دعا این است:

«خدایا مرا هدایت کردی ولی من سرباز زدم و مرا پند دادی و قلب من سخت شد، و با من نیکو رفتار نمودی ولی عصیان کردم و به من معرفت دادی پس اصرار کردم سپس معرفت دادی پس طلب آمرزش نمودم و تو از لغزشم گذشتی، و بازگشتم و تو پوشاندی، خدایا تو را سپاس می‌گویم، بر وادی‌های هلاکت وارد شدم و به دره‌های نابودی گام نهادم و با وارد شدن به آن خود را در معرض قدرت و عذاب تو قرار دادم، و اکنون واسطه‌ام یگانه دانستن توست و بهانه‌ام این است که ذره‌ای به تو شرک نورزیدم و در کنار تو، خدایی دیگر برنگرفتم، از شر خود به سوی تو فرار کردم و گهنکار به سوی تو می‌گریزد و تویی پناهگاه کسی که خود را به تباهی کشاند.

سپاس مخصوص توست ای معبود من، چه بسا دشمنی که شمشیر دشمنی‌اش را بر من کشید و لبه تیغش را بر من تیز کرد و برّنده ساخت و سم‌های کشنده‌اش را برای من درآمیخت و تیرهایش که به خطا نمی‌روند به سمت من روانه ساخت و چشم پاینده او هیچگاه از من خواب نگشت و آشکارا سختی‌ها را بر من وارد نمود و تلخی سم کشنده آن را بر من نوشاند، خدای من، به ضعف خود از به دوش کشیدن مصیبت‌های بزرگ نگاه کردم و به ناتوانی‌ام از غلبه بر کسی که قصد جنگ با من را دارد، و به تنهایی‌ام در برابر انبوه کسانی که مرا قصد کردند، نگاه کردم و بلاها در آنچه فکر خود را به کار نگرفتم، در کمین من نشستند و تو یاری‌ات را به من آغاز نمودی، و با نیروی خود، پشت مرا محکم نمودی، سپس تیزی آن را شکستی و بعد از آنکه در جمع بود، تنها ساختی و مرا بالا بردی و هرچه که مرا هدف گرفت، به خودش بازگرداندی و او را برگرداندی در حالی که تشنگی‌اش را سیراب نساخت و حرارت خشمش را خنک نگردانید، و دست خود را به دندان گرفتو پشت کرد و فرار نمود و سپاهیانش را به جای گذاشت.

و چه بسا ستمکاری که با نیرنگ‌های خود به من ظلم نمود و دام صید خود را برای من پهن کرد و توجه جستجو گرانه‌اش را بر من گماشت و همچون درنده‌ای که بر شکار خود، مخفی می‌شود و منتظر فرصتی است خود را از من پنهان کرد، خدایا تو را صدا می‌زنم و از تو فریاد می‌خواهم و به اجابت سریع تو مطمئن هستم، و می‌دانم هر کس به سایه جوار تو پناه آورد مقهور نمی‌گردد، و هر کس به قلعه‌های پیروزی تو پناه جست، ترسان نمی‌گردد، پس به قدرت خود مرا از شر او در امان بدار.

و چه بسیار ابرهای مشکلات راکنار زدی و سختی‌های پوشاننده را زدودی و از آنچه انجام می‌دهی سؤال نمی‌شوی، آنچه درخواست نمودم عطا کردی و آنچه از تو خواسته نشد، خود به اعطای آن آغاز کردی، و از فضلت درخواست احسان شد پس منع ننمودی، ابا ورزیدی جز از نیکی کردن و من خودداری کردم جز از وارد شدن به محرمات تو و شکستن حد و مرزها و غافل شدن از وعده عذاب تو، خدای من! تو را

سپاس، سپاس توانمندی که مغلوب نمی‌گردد و بردباری که عجله نمی‌ورزد، این جایگاه کسی است که به کوتاهی‌های خود اعتراف دارد و تباهی را بر خود گواه است.

خدایا به محمدیت والا، به تو نزدیک می‌جویم و به علویت سپید، به سوی تو روی می‌کنم، مرا از شر آنچه آفریدی و از گزند بدخواهان پناه ده، به راستی که آن در توانایی توسخت نیست و بر قدرت تو دشوار نیست و تو بر هر کاری توانایی.

خدایا تا مرا زنده نگاه داشتی با ترک گناهان بر من رحم‌آرو به دوری از سختی آنچه به من مربوط نیست رحم کن، و خوش‌بینی نسبت به آنچه تو را از من خشنود می‌سازد، روزی‌ام گردان، و قلبم را بر حفظ کتابت آنگونه که به من آموختی، ملزم بدار، و چنان کن تا بدان طریق که از من راضی می‌شوی، آن را تلاوت نمایم، چشمم را بدان روشن گردان و گوشم را بدان هوشیار قرار ده و گوشم را جایگاه آن قرار ده و سینه‌ام را بدان وسعت بخش و قلبم را بگشای و زبانم را بدان رها ساز و تنم را برای آن به کار گیر و چنان نیرو و قدرتی در من قرار ده تا آن را بر من آسان گرداند، به راستی که هیچ نیرو و قدرتی جز به تو محقق نمی‌گردد.

خداوندا شب و روز، دنیا و آخرت، بازگشتگاه و قرارگاه مرا عافیت و بهبودی و برکت از جانب خود قرار ده. معبودا، تویی پروردگار، مولا، سرور و آرزو و خدا و فریادرس و تکیه‌گاه و آفریدگار و یاور و اطمینان و امید من، زندگانی و مرگ، دیدن و شنیدن من از آن توست، روزی‌ام در دستان توست و بازگشتم به سوی توست، در دنیا و آخرت به قدرت خود بر من سلطه راندی و با فرمانروایی خود بر من قدرت یافتی و اختیارم به دست توست، کسی نمی‌تواند مانع از رضایت تو شود، به سبب مهربانی‌ات به رحمتت امید دارم و به سبب رحمتت به خشنودی‌ات امید بستم و آن را به واسطه اعمال و کردارم، امید ندارم، من از کردارم ناتوان گشتم و چگونه امید بندم به چیزی که از من ناتوان گشته است، از نیاز و سستی توانایی‌ام و زیاده‌روی در کارم به درگاه تو شکایت می‌ورزم، و تمامی این‌ها از آن من است، و تو در آن از من آگاه‌تری پس تمامی آن را کفایت کن .

خدایا مرا از دوستان محبوبت محمد و دوستت ابراهیم و از کسانی که در آن روز ترس عظیم، از ایمنی‌یافتگان هستند قرار ده، پس مرا ایمن گردان و به آسایش خود مرا راحت قرار ده و مرا زیر سایه خود قرار ده و از آتش جهنم رهایی بخش، و بدی به من مرسان، مرا تنها مگذار، و مرا در دنیا سلامت بدار و در روز قیامت، حجتم را به من تلقین فرما و یادت را به یادم آور، آسایش را برایم میسر گردان و از سختی‌ها دور بدار و تا زمانی که زنده‌ام، نماز و زکات را به من الهام کن، توفیق بندگی‌ات را عطا فرما. و مرا در راه فهمیدن و خشنودی خود، به کار گیر، و از فضل خود روزی‌ام فرما. چهره‌ام را در روز قیامت سفید و روشن قرار ده و حسابرسی‌ام را آسان گردان و مرا به کارهای زشتم رسوا مساز و به هدایت خویش راه بنمای، و مرا به سخن ثابت در سرای دنیا و آخرت استوار بدار.

آنچه دوست داری محبوب من گردان و آنچه ناپسند می‌شماری، مورد نفرت من قرار ده و امور مهم دنیا و آخرت مرا کفایت نمای و در نماز و روزه و دعا و عبادت و دنیا و آخرت مرا برکت بخش و مرا به مقام محمودت برسان، قدرتی یاری‌کننده بر من قرار ده، و از ظلم و نادانی و زیاده‌روی در گناهانم بگذر، و مرا از بلاهای زندگانی و مرگ رهایی بخش، و از زشتی‌های آشکار و پنهان نجات ده، و روز قیامت مرا از اولیای خویش قرار ده و بهترین آنچه به من دادی پایدار بگردان و با حلال خود مرا از حرام بی‌نیاز گردان و با پاکی‌ها مرا از پلیدی‌ها کفایت کن.

روی گرامی‌ات را سوی من را و از من بروی برمگردان، و به راه راست هدایت فرما و توفیق آنچه دوست داری و می‌پسندی عطا فرما.

خدایا به تو پناه می‌برم از اینکه کارم را به چشم مردم و یا به گوش آنها برسانم، و از تکبر و بزرگ نمایی و غرور و فخر فروشی، تکبر، فریفته شدن و شادی بسیار و خودپسندی و جبرگرایی به تو پناه می‌برم، پروردگار پناه می‌برم به تو از بخل، خساست، حسادت، حرص و رقابت، نیرنگ، و پناه می‌جویم از طمع و پستی و آز و ناله و انحراف و سرگشتگی و پناه می‌برم به تو از ظلم و ستم و تجاوز و فساد و فسق و فجور و

پناه می‌برم به تو از خیانت، تجاوز و سرکشی .

پروردگارا، از ارتکاب گناهان، قطع رحم و زشتی و بدکاری و معصیت به تو پناه می‌برم و از جرم و بزه کاری و حرام و آنچه حرام شد و پلیدی و آنچه دوست نداری، به تو پناه می‌برم.

پروردگارا از شیطان و نیرنگ او و ظلم و ستم و تجاوز و دام‌ها و دیوان سرکش و لشکریان او به تو پناه می‌آورم و از شر آنچه از آسمان فرود آید و به سوی آن بالا رود به تو پناه می‌جویم و از شر جانوران و خزندگان یا جنیان و آدمیان و هر آنچه حرکت می‌کند به تو پناه می‌آورم و از گزند آنچه از آسمان فرود آید و آنچه سوی آن بالا رود و از شر آنچه در زمین فرو رود و از آن خارج گردد به تو پناه می‌آورم و از شر هر پیشگو و جادوگر و آنکه از غیب خبر دهد، در گره‌ها بدمد و هر افسونگری به تو پناه می‌برم و از شر هر حسود و سرکش و ستمگر و رقیب و ظالم و ستیزه‌جو و بیدادگری به تو پناه می‌آورم و از کوری و کری و گنگی و پیسی و خوره و شک و دودلی به تو پناه می‌جویم و از تنبلی و شکست و ناتوانی و کوتاهی و شتاب‌ورزی و تباه کردن و کند بودن به تو پناه می‌آورم و از شر مخلوقاتت در آسمان‌ها و زمین و میان آن دو و زیر خاک، به تو پناه می‌آورم.

از کمی و خواری به درگاه تو پناه می‌جویم و از تنگی و سختی و اسارت و محبوس بودن و دربند بودن و زندانی شدن و بلاها و مصیبت‌هایی که توان صبر بر آنها ندارم به تو پناه می‌جویم، اجابت فرما ای پروردگار جهانیان.

خدایا هر آنچه از تو مسألت نمودیم، عطا فرما و به میزان شکوه و بزرگی خود بر ما بیافزای به حق اینکه خدایی نیست جز تو که شکست‌ناپذیری و حکیمی. - . امالی الطوسی ۱: ۱۵ – ۱۴ -

مجالس المفید: مثل این حدیث نقل شده است. - . مجالس المفید: ۱۵۲ – ۱۴۹ -

**[ترجمه]

«۲»

لی، [الأمالی] للصدوق الْعَطَّارُ عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ الْبَطَائِنِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مَا كَانَ دُعَاءُ يُوسُفَ علیه السلام فِي الْجُبِّ فَإِنَّا قَدِ اخْتَلَفْنَا فِيهِ فَقَالَ إِنَّ يُوسُفَ علیه السلام لَمَّا صَارَ فِي الْجُبِّ وَ أَيِسَ مِنَ الْحَيَاةِ قَالَ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتِ الْخَطَايَا وَ الذُّنُوبُ قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ فَلَنْ تَرْفَعَ لِي إِلَيْكَ صَوْتاً وَ لَنْ تَسْتَجِيبَ لِي دَعْوَةً فَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الشَّيْخِ يَعْقُوبَ فَارْحَمْ ضَعْفَهُ وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ فَقَدْ عَلِمْتَ رِقَّتَهُ عَلَيَّ وَ شَوْقِي إِلَيْهِ قَالَ ثُمَّ بَكَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ علیه السلام ثُمَّ قَالَ وَ أَنَا أَقُولُ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتِ الْخَطَايَا وَ الذُّنُوبُ قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ فَلَنْ تَرْفَعَ لِي إِلَيْكَ صَوْتاً فَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَ فَلَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْ ءٌ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ قَالَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قُولُوا هَذَا وَ أَكْثِرُوا مِنْهُ فَإِنِّي كَثِيراً مَا

۱- ۱. الزاكن: المتفرس الفطن الذی یطلع علی الاسرار فیؤذی الناس.

۲- ۲. الراقی: النفاث فی العقد.

۳- ۳. أمالي الطوسيّ ج ۱ ص ۱۵- ۱۸.

۴- ۴. مجالس المفید: ۱۴۹- ۱۵۲.

أَقُولُهُ عِنْدَ الْكَرَبِ الْعِظَامِ (۱).

**[ترجمه]أمالی: ابی بصیر نقل کرد از امام صادق علیه السلام پرسیدم: دعای حضرت یوسف علیه السلام در چاه چه بود، زیرا ما در مورد آن دچار اختلاف شدیم؟ فرمودند: زمانی که حضرت یوسف علیه السلام در چاه قرار گرفتند و از زندگی ناامید گشتند، خواندند: «خداوندا اگر گناهان و معصیت‌ها مرا نزد تو بی آبرو نموده است و صدای مرا بالا- نمی‌بری و دعایم را مستجاب نمی‌گردانی، من به حق یعقوب پیر از تو مسألت دارم بر ناتوانی‌ام رحم کن و میان من و او را گرد آور، و تو دلسوزی او نسبت به من و اشتیاق مرا به او دانستی».

نقل کرد: سپس امام صادق علیه السلام گریستند و فرمودند: و من می‌گویم: خدایا اگر خطاها و گناهان مرا نزد تو بی آبرو نموده است و صدایم را بالا- نمی‌بری و من به حق خودت از تو مسألت می‌کنم زیرا هیچ کس مانند تو نیست و به پیامبرت محمد پیامبر رحمت به سوی تو روی می‌کنم، ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا، نقل کرد: سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: این دعا را بخوانید و بسیار تکرار کنید، زیرا من در بسیاری از مشکلات بزرگ، آن را می‌خوانم. - . أمالی الصدوق: ۲۴۳ -

**[ترجمه]

«۳»

لی، [الأمالی] للصدوق ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ سَمِعَ أَبَا سَيَّارٍ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: جَاءَ جَبْرَئِيلُ علیه السلام إِلَى يُوسُفَ علیه السلام وَ هُوَ فِي السِّجْنِ فَقَالَ قُلْ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَفْرُوضَةٍ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ ارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ (۲).

**[ترجمه]أمالی: أبا سیار نقل کرد از امام صادق علیه السلام شنیدم، فرمودند: جبرئیل علیه السلام به نزد حضرت یوسف علیه السلام در زندان آمد، و فرمود: بعد از هر نماز واجب این دعا را سه بار بخوان: «خدایا در این کارم، گشایش و بیرون شدنی قرار ده و از جایی که فکر می‌کنم و یا نمی‌پندارم روزی‌ام کن». - . أمالی الصدوق: ۲۴۴ -

**[ترجمه]

«۴»

فس، [تفسیر القمی] فِي رِوَايَةِ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: لَمَّا طَرَحُوا يُوسُفَ فِي الْجُبِّ قَالَ يَا إِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ ارْحَمْ ضَعْفِي وَ قِلَّةَ حِيلَتِي وَ صِغَرِي (۳).

**[ترجمه]تفسیر القمی: امام باقر علیه السلام فرمودند: زمانی که حضرت یوسف علیه السلام را در چاه انداختند فرمود: ای خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب بر ناتوانی و بی‌تدبیری و سن کم من رحم کن. - . تفسیر القمی:۳۱۷ -

**[ترجمه]

«۵»

فس، [تفسیر القمی] الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَمْرٍو عَنْ شُعَيْبٍ الْعَقَرْقُوفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَمَّا أُذِنَ لِيُوسُفَ علیه السلام فِي دُعَاءِ الْفَرَجِ وَضَعَ خَدَّهُ عَلَى الْأَرْضِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ فَإِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِوَجْهِ آبَائِيَ الصَّالِحِينَ

إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ فَفَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَ نَدْعُو نَحْنُ بِهَذَا الدُّعَاءِ فَقَالَ ادْعُ بِمِثْلِهِ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِی قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِی عِنْدَكَ فَإِنِّی أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَهِ صلى الله عليه و آله وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّهِ عليهم السلام (۴).

**[ترجمه]تفسیر القمی: امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که به حضرت یوسف علیه السلام اجازه خواندن دعای فرج داده شد، صورتش را بر زمین نهاد سپس خواند: «خدایا اگر گناهان مرا نزد تو بی آبرو نموده است، من با روی پدرانم ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب به سوی تو روی آوردم» پس خداوند امر او را گشایش داد، عرض کردم: فدایت گردم، آیا ما نیز این دعا را بخوانیم؟ فرمودند: شبیه آن را بخوان. خدایا اگر گناهان مرا نزد تو بی آبرو نموده است، من با پیامبرت، پیغام‌آور رحمت صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه و حسن و حسین و دیگر امامان علیهم السلام به سوی تو روی می‌کنم. - . تفسیر القمی: ۳۲۲، و در تفسیر العیاشی ۲: ۱۷۸ آمده است. -

**[ترجمه]

«۶»

فس، [تفسير القمی] قَالَ: لَمَّا وَلَّى الرَّسُولُ إِلَى الْمَلِكِ بِكِتَابِ يَعْقُوبَ رَفَعَ يَعْقُوبُ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ يَا حَسَنَ الصُّحْبَهِ يَا كَرِيمَ الْمَعُونَهِ يَا خَيْرَ إِلَهٍ ائْتِنِی بِرَوْحٍ مِنْكَ وَ فَرَجٍ مِنْ عِنْدِكَ فَهَبَطَ عَلَيْهِ جَبْرَئِيلُ عليه السلام فَقَالَ لَهُ يَا يَعْقُوبُ أَ لَا أُعَلِّمُكَ دَعَوَاتٍ يَرُدُّ اللَّهُ عَلَيْكَ بَصَرَكَ وَ ابْنَيْكَ قَالَ نَعَمْ قَالَ قُلْ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ

ص: ۱۸۵

۱- ۱. أمالی الصدوق ص ۲۴۳.

۲- ۲. أمالی الصدوق ص ۲۴۴.

۳- ۳. تفسیر القمّیّ ص ۳۱۷.

۴- ۴. تفسیر القمّیّ ص ۳۲۲ و تراه فی تفسیر العیّاشیّ ج ۲ ص ۱۷۸.

إِلَّا هُوَ يَا مَنْ سَدَّ السَّمَاءَ بِالْهَوَاءِ وَ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ ائْتِنِي بِرَوْحٍ مِنْكَ وَ فَرَجٍ مِنْ عِنْدِكَ قَالَ فَمَا انْفَجَرَ عَمُودُ الصُّبْحِ حَتَّى أُتِيَ بِالْقَمِيصِ فَطُرِحَ عَلَيْهِ وَ رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بَصَرَهُ وَ وَلَدَهُ (١).

شی، [تفسير العياشی] عَنْ مُقَرِّنٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مِثْلَهُ وَ فِيهِ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ وَ حَيْثُ هُوَ وَ قُدْرَتَهُ إِلَّا هُوَ(٢).

**[ترجمه]تفسير القمی: زمانی كه آن فرستاده نوشته يعقوب را به پادشاه داد، حضرت يعقوب دستانش را به سوی آسمان بلند كرد و فرمود: «ای بهترين همنشين، ای كه ياری‌ات بزرگوارانه است، ای بهترين معبود، رحمت و گشايش را بر من وارد نمای» پس جبرئيل عليه السلام بر او نازل گشت و فرمود: ای يعقوب آيا می‌خواهی به تو دعاهايی بياموزم كه خداوند چشمان و فرزندت را به تو بازگرداند؟ پاسخ داد: آری، و جبرئيل گفت: پس بخوان: «ای كه كسی چگونگی او را نمی‌داند مگر خودش، ای كسی كه آسمان را با هوا مسدود كرد و زمين را بر آب گسترانيد، و بهترين اسم‌ها را بر خود برگزيد، رحمت و گشايش از نزد خود به من عطا فرما» نقل كرد: همين كه سپيده‌دم طلوع كرد، پيراهن برای او آورده شد و به سوی او انداخته شد و خداوند بينايی و فرزندش را به او بازگرداند. - . تفسير القمی: ۳۲۹ -

تفسير العياشی: مثل اين حديث از امام صادق عليه السلام نقل است با اين اضافه: «ای آنكه كسی چگونگی و مكان و قدرت او را نمی‌داند مگر خود او». - . تفسير العياشی ۲: ۱۹۵ -

**[ترجمه]

«۷»

فس، [تفسير القمی] أَبِی عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ أَبِی سَيَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَمَّا طَرَحَ إِخْوَةُ يُوسُفَ يُوسُفَ فِی الْجُبِّ دَخَلَ عَلَيْهِ جَبْرَئِيلُ وَ هُوَ فِی الْجُبِّ فَقَالَ يَا غُلَامُ مَنْ طَرَحَكَ فِی هَذَا الْجُبِّ قَالَ لَهُ يُوسُفُ إِخْوَتِی لِمَنْزِلَتِی مِنْ أَبِی حَسَدُونِی وَ لِذَلِكَ فِی الْجُبِّ طَرَحُونِی قَالَ فَتُحِبُّ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا فَقَالَ لَهُ يُوسُفُ ذَاكَ إِلَى إِلَهِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ قَالَ فَإِنَّ إِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ يَقُولُ لَكَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ فَإِنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ ذُو الْجَلالِ وَ الْإِكْرام صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ لِی مِنْ أَمْرِی فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ ارْزُقْنِی

مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ فَدَعَا رَبَّهُ فَجَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْجُبِّ فَرَجاً وَ مِنْ كَيْدِ الْمَرْأَةِ مَخْرَجاً وَ آتَاهُ مُلْكَ مِصْرَ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبْ (٣).

**[ترجمه]تفسير القمی: امام صادق عليه السلام فرمودند: زمانی كه برادران يوسف، او را در چاه انداختند جبرئيل به او كه در چاه بود وارد شد و فرمود: ای جوان چه كسی تو را در اين چاه انداخت؟ يوسف به او گفت: برادرانم، به خاطر جايگاه من در نزد پدرم، به من رشک بردند و از اين رو مرا در چاه انداختند، گفت: آيا دوست داری از آن خارج شوی؟ يوسف پاسخ داد: اين كار را به خدای ابراهيم و اسحاق و يعقوب سپردم، گفت: به راستی كه خدای ابراهيم و اسحاق و يعقوب به تو فرمود، بگويی: «خدايا از تو می‌خواهم، به راستی كه حمد و سپاس از آن توست، خدايی جز تو كه مهربان و بخشنده‌ای وجود ندارد. آفريننده آسمان‌ها و زمين و صاحب شكوه و بزرگی هستی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و در كار من گشايش و خروجی قرار ده و از آنجا كه می‌دانم و يا نمی‌پندارم روزی‌ام كن» پس پروردگارش را خواند، و خداوند برای او گشايشی از چاه و رهايی از نيرنگ آن زن قرار داد، و فرمانروايی مصر را از آنجا كه فكر نمی‌كرد، به او عطا نمود. - . تفسير القمی: ۳۳۰ -

**[ترجمه]

«۸»

فس، [تفسیر القمی]: قَالَ جَبْرَئِیلُ علیه السلام لِیُوسُفَ علیه السلام قُلْ أَسْأَلُکَ بِمَنِّکَ الْعَظِیمِ وَ إِحْسَانِکَ الْقَدِیمِ وَ لُطْفِکَ الْعَمِیمِ یَا رَحْمَانُ یَا رَحِیمُ فَقَالَهَا فَرَأَی الْمَلِکُ الرُّؤْیَا فَکَانَ فَرَجُهُ فِیهَا(۴).

**[ترجمه]تفسیر القمی: جبرئیل علیه السلام به حضرت یوسف علیه السلام، فرمودند، بگو: «از تو می‌خواهم به بخشش دیرینه و نیکوکاری قدیم و لطف فراگیرت ای بخشاینده ای مهربان» پس پادشاه آن خواب را دید و گشایش کار او در آن قرار گرفت. - . تفسیر القمی: ۳۳۰ -

**[ترجمه]

أقول

قد مضی بعض الأخبار فی باب الحوقله(۵).

**[ترجمه]برخی روایت‌ها در باب حوقله ذکر شد. - . مراجعه کن جلد ۹۳: ۲۷۴ -

**[ترجمه]

«۹»

جا(۶)، [المجالس] للمفید ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی الْمُفِیدُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ

ص: ۱۸۶

۱- ۱. تفسیر القمّیّ ص ۳۲۹.
۲- ۲. تفسیر العیّاشیّ ج ۲ ص ۱۹۵.
۳- ۳. تفسیر القمّیّ ص ۳۳۰.
۴- ۴. تفسیر القمّیّ ص ۳۳۰.
۵- ۵. راجع ج ۹۳ ص ۲۷۴.
۶- ۶. مجالس المفید ص ۱۶۸.

ابْنِ عِيسَى عَنِ الرَّيَّانِ قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَا عليه السلام: يَدْعُو بِكَلِمَاتٍ فَحَفِظْتُهَا عَنْهُ فَمَا دَعَوْتُ بِهَا فِي شِدَّةٍ إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ عَنِّي وَ هِيَ اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ وَ أَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَ أَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَ عُدَّةٌ كَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤَادُ وَ تَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَ تَعْيَا فِيهِ الْأُمُورُ وَ يَخْذُلُ فِيهِ الْبَعِيدُ وَ الْقَرِيبُ وَ الصَّدِيقُ وَ يَشْمَتُ فِيهِ الْعَدُوُّ أَنْزَلْتُهُ بِكَ وَ شَكَوْتُهُ إِلَيْكَ رَاغِباً إِلَيْكَ فِيهِ عَمَّنْ سِوَاكَ فَفَرَّجْتَهُ وَ كَشَفْتَهُ وَ كَفَيْتَنِيهِ فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ صَاحِبُ كُلِّ حَاجَةٍ وَ مُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ فَلَكَ الْحَمْدُ كَثِيراً وَ لَكَ الْمَنُّ فَاضِلًا بِنِعْمَتِكَ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ يَا مَعْرُوفاً بِالْمَعْرُوفِ مَعْرُوفٌ وَ يَا مَنْ هُوَ بِالْمَعْرُوفِ مَوْصُوفٌ أَنِلْنِي مِنْ مَعْرُوفِكَ مَعْرُوفاً تُغْنِينِي بِهِ عَنْ مَعْرُوفِ مَنْ سِوَاكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱).

**[ترجمه]مجالس المفيد، أمالي: ريّان نقل كرد: از حضرت رضا عليه السلام شنيدم كه با اين كلمات دعا مى‌كرد: پس آنها را حفظ كردم، و هرگاه به واسطه آن در سختى دعا كردم، خداوند آن را برطرف مى‌نمود و دعا اين است: «خدايا تو اطمينان من در مشكلات و اميدم در سختى‌هايى، و در هر آنچه بر من فرود آيد اطمينان و توشه‌اى، چه بسيار مشكلاتى كه قلب از آن سست مى‌گردد و تدبير اندك مى‌شود و كارها در آن درماند، دور و نزديک و دوست در آن تنها گذاشته مى‌شوند، و دشمن شروع به سرزنش مى‌كند، به درگاه تو روى مى‌آورم و از آن به تو شكايت مى‌كنم، به سوى تو گراييدم و از غير تو بريدم و تو آن را گشودى، برطرف نمودى و مرا كفايت نمودى، تو سرپرست تمام نعمت‌هايى و همراه هر حاجت و انتهاى آرزوهايى، سپاس فراوان از آن توست و بخشش افزون براى توست، كارهاى نيک با نعمت تو كامل مى‌شود، اى آشنايى كه به نيكى شناخته شدى و اى كسى كه به نيكى توصيف شدى، از خوبى خود مرا به چيزهاى پسنديده‌اى برسان كه به واسطه آن از نيكى غير تو، بى‌نيازم گردانى، به رحمتت اى مهربان‌ترين مهربانان. - . أمالي طوسى ۱: ۳۴ – ۳۳ -

**[ترجمه]

«۱۰»

ما، [الأمالي] للشيخ الطوسي الْمُفِيدُ عَنِ ابْنِ قُولَوَيْهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ دُعَاءِ يُوسُفَ عليه السلام مَا كَانَ فَقَالَ إِنَّ دُعَاءَ يُوسُفَ عليه السلام كَانَ كَثِيراً لَكِنَّهُ لَمَّا اشْتَدَّ عَلَيْهِ الْحَبْسُ خَرَّ لِلَّهِ سَاجِداً وَ قَالَ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتِ الذُّنُوبُ قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ فَلَنْ تَرْفَعَ لِي إِلَيْكَ صَوْتاً فَأَنَا أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِوَجْهِ الشَّيْخِ يَعْقُوبَ- قَالَ ثُمَّ بَكَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى يَعْقُوبَ- وَ عَلَى يُوسُفَ وَ أَنَا أَقُولُ اللَّهُمَّ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ عليه السلام (۲).

**[ترجمه]أمالي: ابو بصير نقل كرد: از امام صادق عليه السلام در مورد دعاى حضرت يوسف عليه السلام پرسيدم، فرمودند: دعا حضرت يوسف عليه السلام بسيار است ولى هنگامى كه سختى زندان بر او شدت گرفت براى خدا به سجده افتاد و خواند: «خدايا اگر گناهان آبروى مرا برده اند و صداى مرا بالا نمى‌برى پس من به روى يعقوب پير، به سوى تو روى مى‌كنم» نقل كرد: سپس امام صادق عليه السلام گريستند و فرمودند: درود خدا بر يعقوب و يوسف و من مى‌گويم: خداوندا به خدا و رسول او عليه السلام. - . أمالي الطوسى ۲: ۲۸ -

**[ترجمه]

أقول

قد مضى بعض الأخبار في باب الأدعيه لقضاء الحوائج.

**[ترجمه]برخى روايت‌ها در باب دعاهاى برآورده شدن حاجات ذكر شد.

**[ترجمه]

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی الْفَحَّامُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی بْنِ هَارُونَ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ سَیِّدُنَا الصَّادِقُ علیه السلام: مَنِ اهْتَمَّ لِرِزْقِهِ کُتِبَ عَلَیْهِ خَطِیئَةٌ إِنَّ دَانِیَالَ کَانَ فِی زَمَنِ مَلِکٍ جَبَّارٍ عَاتٍ أَخَذَهُ فَطَرَحَهُ فِی جُبٍّ وَ طَرَحَ مَعَهُ السِّبَاعَ فَلَمْ تَدْنُو مِنْهُ وَ لَمْ یُخْرِجْهُ فَأَوْحَی اللَّهُ إِلَی نَبِیٍّ مِنْ أَنْبِیَائِهِ أَنِ ائْتِ دَانِیَالَ بِطَعَامٍ قَالَ یَا رَبِّ وَ أَیْنَ دَانِیَالُ قَالَ تَخْرُجُ مِنَ الْقَرْیَهِ فَیَسْتَقْبِلُکَ ضَبُعٌ فَاتْبَعْهُ فَإِنَّهُ یَدُلُّکَ إِلَیْهِ

ص: ۱۸۷

۱- ۱. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۳۳- ۳۴.

۲- ۲. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۲۸.

فَأَتَتْ بِهِ الضَّبُعُ إِلَى ذَلِكَ الْجُبِّ فَإِذَا فِيهِ دَانِيَالُ فَأَدْلَى إِلَيْهِ الطَّعَامَ فَقَالَ دَانِيَالُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَنْسَى مَنْ ذَكَرَهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُخَيِّبُ مَنْ دَعَاهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنْ وَثِقَ بِهِ لَمْ يَكِلْهُ إِلَى غَيْرِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَجْزِي بِالْإِحْسَانِ إِحْسَاناً وَ بِالصَّبْرِ نَجَاةً ثُمَّ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام إِنَّ اللَّهَ أَبَى إِلَّا أَنْ يَجْعَلَ أَرْزَاقَ الْمُتَّقِينَ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُونَ وَ أَنْ لَا يُقْبَلَ لِأَوْلِيَائِهِ شَهَادَةٌ فِي دَوْلَةِ الظَّالِمِينَ (۱).

ص، [قصص الأنبیاء علیهم السلام] الصدوق عن ابن الولید عن الصفار عن القاشانی عن الأصبهانی عن المنقری عن حفص عنه علیه السلام: مثله.

**[ترجمه]أمالی: مولایمان حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هر کس نگران روزی خود باشد، گناه کرده است، به راستی که دانیال در روزگار فرمانروایی سرکش و زورگو بود که او را گرفت و به چاه انداخت و درندگان را نیز با او به چاه انداخت ولی آنها به حضرت دانیال نزدیک نشدند و آن فرمانروا نیز او را از چاه خارج نساخت، پس خداوند به پیامبری از پیامبرانش وحی نمود تا غذایی برای دانیال ببرد، او گفت، پروردگارا دنیال کجاست؟ فرمود: از روستا خارج می‌شوی، و به کفتاری برمی‌خوری سپس او را دنبال می‌کنی، زیرا تو را به سمت دانیال راه می‌برد، سپس کفتاری نزد او آمد و او را به سمت آن چاه برد و ناگهان دانیال را در آن یافت، پس غذا را به سمت او پایین فرستاد و دانیال چنین گفت:

«سپاس خدایی را که یادکننده خود را فراموش نمی‌کند و آنکه او را بخواند، ناامید نمی‌گرداند، سپاس خدایی که هر کس به او توکل نمود، کفایت کرد و سپاس خدایی که هر کس به او اطمینان کرد، او را به دیگران واگذار ننمود، سپاس خدایی که در برابر نیکی، پاداش نیک می‌دهد و در برابر صبر، رهایی.» سپس حضرت صادق علیه السلام فرمودند: خداوند ابا ورزید مگر اینکه روزی تقواپیشگان را از جایی که نمی‌پندارند قرار دهد و از دوستان خود، شهادت دادن در حکومت ظالمان را نپذیرد. - . أمالی الطوسی ۱: ۳۰۶ -

قصص الانبیاء: مثل این حدیث از امام صادق علیه السلام، نقل است.

**[ترجمه]

«۱۲»

فس، [تفسیر القمی] أَبِي عَنِ النَّضْرِ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ ذَكَرَ فِيهِ قِصَّةَ بُخْتَنَصَّرَ وَ دَانِيَالَ قَالَ: كَانَ دُعَاؤُهُ علیه السلام الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَنْسَى إِلَى قَوْلِهِ بِالْإِحْسَانِ إِحْسَاناً وَ زَادَ فِيهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَجْزِي بِالصَّبْرِ نَجَاةً وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَكْشِفُ ضُرَّنَا عِنْدَ كُرْبَتِنَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ ثِقَتُنَا حِينَ يَنْقَطِعُ الْحِيَلُ مِنَّا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ رَجَاؤُنَا حِينَ سَاءَ ظَنُّنَا بِأَعْمَالِنَا(۲).

**[ترجمه]تفسیر القمی: در روایتی از امام صادق علیه السلام که داستان بخت نصر و دانیال را در آن ذکر کردند، آمده است، دعای آن حضرت علیه السلام: سپاس خدایی که فراموش نمی‌کند تا آنجا که پاداش نیک می‌دهد، و در آن اضافه نمودند: سپاس خدایی که پاداش صبر را نجات قرار می‌دهد و سپاس خدایی که در سختی‌ها، مشکل ما را برطرف نمود، و سپاس خدایی که اطمینان ماست در آن لحظه‌ای که تدبیرها پایان پذیرد و سپاس خدایی را که امید ماست آن هنگام که به کردارمان بدبین می‌شویم. - . تفسیر القمی: ۷۹ -

**[ترجمه]

أقول

تمامه فی کتاب النبوات (۳).

**[ترجمه]این حدیث به صورت کامل، در کتاب النبوّات آمده است. - . به جلد ۱۴: ۳۵۶ مراجعه کن. -

**[ترجمه]

«۱۳»

ثو، [ثواب الأعمال] أَبِی عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنِ ابْنِ مِهْرَانَ عَنِ ابْنِ الْبَطَائِنِیِّ عَنْ صَنْدَلٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَهَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ أَصَابَهُ مَرَضٌ أَوْ شِدَّهٌ فَلَمْ یَقْرَأْ فِی مَرَضِهِ أَوْ فِی تِلْکَ الشِّدَّهِ الَّتِی نَزَلَتْ بِهِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ(۴).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس بیمار شود یا به گرفتاری دچار شود و در آن حالت، سوره قل هو الله احد را نخواند، اهل جهنم است. - . ثواب الاعمال: ۱۱۵ -

**[ترجمه]

«۱۴»

ص، [قصص الأنبیاء علیهم السلام] بِالْإِسْنَادِ إِلَی الصَّدُوقِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ یَزِیدَ عَنِ

ص: ۱۸۸

۱- ۱. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۳۰۶.
۲- ۲. تفسیر القمّیّ ص ۸۹.
۳- ۳. راجع ج ۱۴ ص ۳۵۶.
۴- ۴. ثواب الأعمال ص ۱۱۵.

ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ قَالَ أَخْبَرَنِی أَبِی عَنْ جَدِّی عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله عَنْ جَبْرَئِیلَ علیه السلام قَالَ: لَمَّا أَخَذَ نُمْرُودُ إِبْرَاهِیمَ علیه السلام لِیُلْقِیَهُ فِی النَّارِ قُلْتُ یَا رَبِّ عَبْدُکَ وَ خَلِیلُکَ لَیْسَ فِی أَرْضِکَ أَحَدٌ یَعْبُدُکَ غَیْرُهُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَی هُوَ عَبْدِی آخُذُهُ إِذَا شِئْتُ وَ لَمَّا أُلْقِیَ إِبْرَاهِیمُ علیه السلام فِی النَّارِ تَلَقَّاهُ جَبْرَئِیلُ علیه السلام فِی الْهَوَاءِ وَ هُوَ یَهْوِی إِلَی النَّارِ فَقَالَ یَا إِبْرَاهِیمُ لَکَ حَاجَةٌ فَقَالَ أَمَّا إِلَیْکَ فَلَا وَ قَالَ یَا اللَّهُ یَا أَحَدُ یَا صَمَدُ یَا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً أَحَدٌ نَجِّنِی مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِکَ فَأَوْحَی اللَّهُ تَعَالَی إِلَی النَّارِ کُونِی بَرْداً وَ سَلاماً عَلی إِبْراهِیمَ.

**[ترجمه]قصص الانبیاء: امام صادق علیه السلام فرمودند: پدرم از جدم از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جبرئیل علیه السلام روایت کردند: زمانی که نمرود حضرت ابراهیم علیه السلام را گرفت تا در آتش اندازد، گفتم: پروردگارا، او بنده و دوست توست که در زمین کسی چون او تو را بندگی نکرد، خداوند متعال فرمودند: او بنده من است، هرگاه بخواهم، او را می گیرم، و زمانی که ابراهیم علیه السلام به سوی آتش انداخته شد، جبرئیل علیه السلام را در هوا و در حال سقوط به آتش، ملاقات کرد و گفت: ای ابراهیم، آیا حاجتی داری؟ پاسخ داد: حاجتی به تو ندارم و گفت: ای خدا ای یکتا ای بی‌نیاز ای کسی که نزایید و زاییده نشد و همتایی ندارد، مرا به رحمت خود از آتش برهان، پس خداوند متعال به آتش وحی نمود: «بر ابراهیم سرد و سلامت باش» .

**[ترجمه]

«۱۵»

ص، [قصص الأنبیاء علیهم السلام] بِالْإِسْنَادِ إِلَی الصَّدُوقِ عَنْ مَاجِیلَوَیْهِ عَنْ عَمِّهِ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنِ الْبَزَنْطِیِّ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: کَانَ دُعَاءُ إِبْرَاهِیمَ علیه السلام یَوْمَئِذٍ یَا أَحَدُ یَا صَمَدُ یَا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً أَحَدٌ ثُمَّ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ فَقَالَ کُفِیتَ.

**[ترجمه]قصص الانبیاء: امام باقر علیه السلام فرمودند: دعای حضرت ابراهیم علیه السلام در آن روز چنین بود: ای یکتا ای بی‌نیاز ای کسی که نزایید و زاییده نشد و هیچ کس همتای او نیست، سپس توکل کردم بر خدا و فرمود: تو را کفایت کردم.

**[ترجمه]

«۱۶»

ص، [قصص الأنبیاء علیهم السلام] بِالْإِسْنَادِ إِلَی الصَّدُوقِ بِإِسْنَادِهِ إِلَی ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ أَبِی سَیَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَمَّا أَلْقَی إِخْوَةُ یُوسُفَ یُوسُفَ علیه السلام فِی الْجُبِّ نَزَلَ عَلَیْهِ جَبْرَئِیلُ فَقَالَ یَا غُلَامُ مَنْ طَرَحَکَ فِی هَذَا الْجُبِّ فَقَالَ إِخْوَتِی لِمَنْزِلَتِی مِنْ أَبِی حَسَدُونِی قَالَ أَ تُحِبُّ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ هَذَا الْجُبِّ قَالَ ذَلِکَ إِلَی إِلَهِ إِبْرَاهِیمَ وَ إِسْحَاقَ وَ یَعْقُوبَ قَالَ فَإِنَّ اللَّهَ یَقُولُ لَکَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِأَنَّ لَکَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَدِیعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ مِنْ أَمْرِی فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ تَرْزُقَنِی مِنْ حَیْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَیْثُ لَا أَحْتَسِبُ.

**[ترجمه]قصص الانبیاء: امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که برادران حضرت یوسف علیه السلام او را در چاه انداختند، جبرئیل بر وی نازل شد، و فرمود: ای نوجوان چه کسی تو را در این چاه انداخت؟ جواب داد: برادرانم به خاطر جایگاه من در نزد پدرم، بر من حسادت ورزیدند، فرمود: آیا دوست داری از این چاه خارج شوی؟ جواب دادند: این کار را به خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب واگذار کردم، جبرئیل گفت خداوند به تو می‌فرماید: بگو: «خدایا از تو می‌خواهم به اینکه سپاس مخصوص توست خدایی جز تو نیست و تو آفریننده... آسمان‌ها و زمینی، ای صاحب شکوه و بزرگی بر محمد و خاندان محمد درود فرست و در کارم گشایش و خروجی قرار ده و از آنجا که

نمی‌پندارم و می‌پندارم روزی‌ام کن.

**[ترجمه]

أقول

قد أوردنا بعض الأخبار فی باب الکلمات الأربع.

**[ترجمه]برخی روایت‌ها را در باب کلمات چهارگانه آوردیم.

**[ترجمه]

«۱۷»

ص، [قصص الأنبیاء علیهم السلام] بِالْإِسْنَادِ إِلَی الصَّدُوقِ عَنْ حَمْزَةَ الْعَلَوِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ یُوشَعَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَرِیرِیِّ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ یَزِیدَ عَنْ عُمَرَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: لَمَّا اجْتَمَعَتِ الْیَهُودُ إِلَی عِیسَی علیه السلام لِیَقْتُلُوهُ بِزَعْمِهِمْ أَتَاهُ جَبْرَئِیلُ علیه السلام فَغَشَّاهُ بِجَنَاحِهِ وَ طَمَحَ

ص: ۱۸۹

عِيسَى بِبَصَرِهِ فَإِذَا هُوَ بِكِتَابٍ فِي جَنَاحِ جَبْرَئِيلَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ بِاسْمِكَ الْوَاحِدِ الْأَعَزِّ وَ أَدْعُوكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الصَّمَدِ وَ أَدْعُوكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْوَتْرِ وَ أَدْعُوكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ الَّذِي ثَبَّتَ أَرْكَانَكَ كُلَّهَا أَنْ تَكْشِفَ عَنِّي مَا أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ فِيهِ فَلَمَّا دَعَا بِهِ عِيسَى عليه السلام أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى جَبْرَئِيلَ ارْفَعْهُ إِلَى عِنْدِي ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَلُوا رَبَّكُمْ بِهَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ فَوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا دَعَا بِهِنَّ عَبْدٌ بِإِخْلَاصٍ وَ نِيَّةٍ إِلَّا اهْتَزَّ لَهُ الْعَرْشُ وَ إِلَّا قَالَ اللَّهُ لِمَلَائِكَتِهِ اشْهَدُوا أَنِّي قَدِ اسْتَجَبْتُ لَهُ بِهِنَّ وَ أَعْطَيْتُهُ سُؤْلَهُ فِي عَاجِلِ دُنْيَاهُ وَ آجِلِ آخِرَتِهِ ثُمَّ قَالَ لِأَصْحَابِهِ سَلُوا بِهَا وَ لَا تَسْتَبْطِئُوا الْإِجَابَةَ.

**[ترجمه]قصص الانبياء: حضرت صادق علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کردند: زمانی که یهودیان بر گرد حضرت عیسی علیه السلام جمع شدند تا به پندار خویش او را به قتل برسانند، جبرئیل علیه السلام نازل شد و او را با بال خویش پوشاند، و حضرت عیسی نگاه کرد و این نوشته را در بال جبرئیل یافت: «خدایا، تو را می‌خوانم به نام یگانه و عزیز تو، خدایا تو را می‌خوانم به نام بی‌نیاز تو، خدایا تو را می‌خوانم به نام عظیم و یگانه تو، خداوندا تو را میخوانم به نام بزرگ و بلندمرتبه تو که تمام پایه‌های تو را استوار بخشید، که آنچه در آن صبح و شام کردم، برطرف نمایی، هنگامی که حضرت عیسی علیه السلام این دعا را خواند، خداوند متعال به جبرئیل وحی نمود: او را به نزد من عروج ده.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای فرزندان عبد المطلب پروردگارتان را با این کلمات بخوانید، سوگند به کسی که جانم در دست اوست، هرگاه بنده‌ای با نیت خالص آن را بخواند، عرش به لرزه درآید و خداوند به فرشتگان خود می‌فرماید: گواه باشید که من به سبب این کلمات او را اجابت نمودم و خواسته‌اش را در دنیا و آخرت به او عطا نمودم، سپس به یارانش فرمودند: با این کلمات درخواست کنید و اجابت را به تأخیر نیندازید.

**[ترجمه]

«۱۸»

ص، [قصص الأنبياء عليهم السلام] الصَّدُوقُ عَنْ أَبِي حَامِدٍ عَنِ ابْنِ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي الْخَيْرِ بْنِ بُنْدَارَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ دُرُسْتَوَيْهِ عَنِ الْيَمَانِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ عَنْ مَعْمَرٍ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنْ سَالِمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: كُنَّا جُلُوساً عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله إِذْ دَخَلَ أَعْرَابِيٌّ عَلَى نَاقَةٍ حَمْرَاءَ فَسَلَّمَ ثُمَّ قَعَدَ فَقَالَ بَعْضُهُمْ إِنَّ النَّاقَةَ الَّتِي تَحْتَ الْأَعْرَابِيِّ سَرَقَهَا قَالَ أَقِمْ بَيِّنَةً فَقَالَتِ النَّاقَةُ الَّتِي تَحْتَ الْأَعْرَابِيِّ وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْكَرَامَةِ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ هَذَا مَا سَرَقَنِي وَ لَا مَلَكَنِي أَحَدٌ سِوَاهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله يَا أَعْرَابِيُّ مَا الَّذِي قُلْتَ حَتَّى أَنْطَقَهَا اللَّهُ بِعُذْرِكَ قَالَ قُلْتُ اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَسْتَ بِإِلَهٍ اسْتَحْدَثْنَاكَ وَ لَا مَعَكَ إِلَهٌ أَعَانَكَ عَلَى خَلْقِنَا وَ لَا مَعَكَ رَبٌّ فَيَشْرَكَكَ فِي رُبُوبِيَّتِكَ أَنْتَ رَبُّنَا كَمَا تَقُولُ وَ فَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُبَرِّئَنِي بِبَرَاءَتِي فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْكَرَامَةِ يَا أَعْرَابِيُّ لَقَدْ رَأَيْتُ الْمَلَائِكَةَ يَكْتُبُونَ مَقَالَتَكَ أَلَا وَ مَنْ نَزَلَ بِهِ مِثْلُ مَا نَزَلَ بِكَ فَلْيَقُلْ مِثْلَ مَقَالَتِكَ وَ لْيُكْثِرِ الصَّلَاةَ عَلَيَّ.

**[ترجمه]قصص الانبياء: ابن عمر نقل کرد: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که عرب بادیه نشین سوار بر شتر سرخ‌موی وارد شد، سلام کرد و نشست و برخی گفتند: این بادیه‌نشین شتری را که بر آن سوار بود دزدیده است، فرمود: دلیلی بیاور، پس آن شتر زبان گشود و گفت: ای رسول خدا سوگند به کسی که تو را به بزرگی برانگیخت، این مرد مرا ندزدید و مالکی جز او ندارم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای بادیه نشین، چه خواندی که خداوند این شتر را به سخن واداشت؟ عرض کرد: گفتم: خدایا به راستی تو معبودی نیستی که تو را خلق کرده باشیم و به همراه تو خدایی نیست که تو را در آفرینش ما یاری رسانده باشد و به همراه تو پروردگاری نیست تا در پروردگاری‌ات با تو شریک گردد، تو همانگونه که گفتی پروردگار مایی و بالاتر از آن هستی که گویندگان می... گویند، از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و به پاکی‌ام مرا بی‌تقصیر گردانی، پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

فرمودند: ای بادیه‌نشین سوگند به کسی که مرا به بزرگی برانگیخت، دیدم فرشتگان سخن تو را می‌نگارند، آگاه باشید، هر کس مثل تو دچار چنین مشکلی شود باید این سخن تو را بگوید و بر من بسیار صلوات فرستد.

**[ترجمه]

«۱۹»

ضا، [فقه الرضا علیه السلام]: وَ إِذَا حَزَنَکَ أَمْرٌ فَقُلْ سَبْعَ مَرَّاتٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ فَإِنْ كُفِيتَ وَ إِلَّا أَتْمَمْتَ سَبْعِينَ مَرَّةً وَ إِذَا

ص: ۱۹۰

ابْتُلِيتَ بِبَلْوَى أَوْ أَصَابَتْكَ مِحْنَهٌ أَوْ خِفْتَ أَمْراً أَوْ أَصَابَكَ غَمٌّ فَاسْتَعِنْ بِبَعْضِ إِخْوَانِكَ وَ ادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ يُؤَمِّنُ الْأَخُ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ نَرْوِی عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ دَعَا وَ أَمَّنَ عَلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام فِی الْمُهِمَّاتِ وَ قَالَ مَا دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ أَحَدٌ قَطُّ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِلَّا أُعْطِيَ مَا سَأَلَ إِلَّا أَنْ يَسْأَلَ مَأْثَماً أَوْ قَطِيعَهَ رَحِمٍ وَ هُوَ أَنْ يَقُولَ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُکَ بِأَنَّ لَکَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ إِذَا كُنْتَ مَجْهُوداً فَاسْجُدْ ثُمَّ اجْعَلْ خَدَّکَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْأَرْضِ ثُمَّ خَدَّکَ الْأَيْسَرَ وَ قُلْ فِی كُلٍّ وَاحِدٍ يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ يَا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَ حَقِّکَ بَلَغَ مَجْهُودِی فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَ فَرِّجْ عَنِّی وَ إِذَا كَرِهْتَ أَمْراً فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ.

**[ترجمه]فقه الرضا: هرگاه از امری اندوهگین شدی، هفت بار بگو: «به نام خداوند بخشنده مهربان، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمی‌پذیرد، اگر کفایت نشدی، آن را هفتاد مرتبه بگو و چنانچه به بلایی گرفتار آمدی و رنجی به تو رسید یا از چیزی بیم داشتی و یا به اندوهی دچار شدی، از یکی از برادرانت کمک بگیر و این دعا را بخوان، و برادرش بر آن آمین بگوید، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است که در سختی‌ها دعا را می‌خواندند و علی بن أبی طالب علیه السلام بر آن آمین می‌گفتند و فرمودند: هر کس این دعا را سه بار بخواند، تمام خواسته‌هایش برآورده گردد مگر اینکه خواهان گناه یا قطع صله رحم باشد، و دعا این است: «ای زنده ای پاینده، ای زنده‌ای که نمی‌میرد، ای زنده‌ای که خدایی جز تو نیست، از تو می‌خواهم به اینکه سپاس مخصوص توست، خدایی جز تو وجود ندارد، تو بخشنده‌ای و آفریننده آسمان‌ها و زمینی، ای صاحب شکوه و بزرگی».

و چنانچه در تنگنای زندگی بودی، سجده کن و طرف راست صورت خود و سپس طرف چپ آن را بر زمین بگذار و هر بار بگو: «ای خوارکننده سرکشان زورگو، ای عزت‌بخش ذلیلان، سوگند به حق تو که به اوج سختی رسیده‌ام، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بر من گشایش حاصل کن».

و هرگاه امر ناخوشایندی پیش آمد، بگو «خداوند برای من کافی است و او بهترین کارگزار است».

**[ترجمه]

«۲۰»

یج، [الخرائج و الجرائح] ذَكَرَ الرَّضِيُّ (۱) فِی كِتَابِ خَصَائِصِ الْأَئِمَّهِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ رَجُلٌ عَلَى عَهْدِ عُمَرَ وَ لَهُ إِبِلٌ بِنَاحِيَهِ آذَرْبِيجَانَ قَدِ اسْتَصْعَبَتْ عَلَيْهِ فَشَكَا إِلَيْهِ مَا نَالَهُ وَ أَنَّ مَعَاشَهُ كَانَ مِنْهَا فَقَالَ لَهُ اذْهَبْ فَاسْتَغِثْ بِاللَّهِ تَعَالَى فَقَالَ الرَّجُلُ مَا زِلْتُ أَدْعُو اللَّهَ وَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْهِ وَ كُلَّمَا قَرُبْتُ مِنْهَا حَمَلَتْ عَلَيَّ فَكَتَبَ لَهُ عُمَرُ رُقْعَهً فِيهَا مِنْ عُمَرَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى مَرَدَهِ الْجِنِّ وَ الشَّيَاطِينِ أَنْ يُذَلِّلُوا هَذِهِ الْمَوَاشِيَ لَهُ فَأَخَذَ الرَّجُلُ الرُّقْعَهَ وَ مَضَى فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ فَاغْتَمَمْتُ شَدِيداً فَلَقِيتُ عَلِيّاً فَأَخْبَرْتُهُ بِمَا كَانَ فَقَالَ علیه السلام وَ الَّذِی فَلَقَ الْحَبَّهَ وَ بَرَأَ النَّسَمَهَ لَيَعُودَنَّ بِالْخَيْبَهِ فَهَدَأَ مَا بِی وَ طَالَتْ عَلَيَّ شُقَّتِی وَ جَعَلْتُ أَرْقُبُ كُلَّ مَنْ جَاءَ مِنْ أَهْلِ الْجِبَالِ فَإِذَا أَنَا بِالرَّجُلِ قَدْ وَافَى وَ فِی جَبْهَتِهِ شَجَّهٌ تَكَادُ الْيَدُ تَدْخُلُ فِيهَا فَلَمَّا رَأَيْتُهُ بَادَرْتُ إِلَيْهِ فَقُلْتُ مَا وَرَاکَ فَقَالَ إِنِّی صِرْتُ إِلَى الْمَوْضِعِ وَ رَمَيْتُ بِالرُّقْعَهِ فَحَمَلَ عَلَيَّ عِدَادٌ مِنْهَا فَهَالَنِی أَمْرُهَا وَ لَمْ يَكُنْ لِی قُوَّهٌ فَجَلَسْتُ فَرَمَحَتْنِی أَحَدُهَا فِی وَجْهِی فَقُلْتُ اللَّهُمَّ اكْفِنِيهَا وَ كُلُّهَا تَشُدُّ عَلَيَّ وَ تُرِيدُ قَتْلِی

۱- ۱. فی المصدر: و منها ما ذكر المرتضی فی خصائص الأئمّه إلخ.

فَانْصَرَفَتْ عَنِّی فَسَقَطْتُ فَجَاءَ أَخِی فَحَمَلَنِی وَ لَسْتُ أَعْقِلُ فَلَمْ أَزَلْ أَتَعَالَجُ حَتَّی صَلَحْتُ وَ هَذَا الْأَثَرُ فِی وَجْهِی فَقُلْتُ لَهُ صِرْ إِلَی عُمَرَ وَ أَعْلِمْهُ فَصَارَ إِلَیْهِ وَ عِنْدَهُ نَفَرٌ فَأَخْبَرَهُ بِمَا کَانَ فَزَبَرَهُ فَقَالَ لَهُ کَذَبْتَ لَمْ تَذْهَبْ بِکِتَابِی فَحَلَفَ الرَّجُلُ لَقَدْ فَعَلَ فَأَخْرَجَهُ عَنْهُ.

قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ فَمَضَیْتُ بِهِ إِلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فَتَبَسَّمَ ثُمَّ قَالَ أَ لَمْ أَقُلْ لَکَ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَی الرَّجُلِ فَقَالَ لَهُ إِذَا انْصَرَفْتَ إِلَی الْمَوْضِعِ الَّذِی هِیَ فِیهِ فَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ نَبِیِّ الرَّحْمَهِ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ الَّذِینَ اخْتَرْتَهُمْ عَلَی عِلْمٍ عَلَی الْعَالَمِینَ اللَّهُمَّ ذَلِّلْ لِی صُعُوبَتَهَا وَ اکْفِنِی شَرَّهَا فَإِنَّکَ الْکَافِی الْمُعَافِی وَ الْغَالِبُ الْقَاهِرُ قَالَ فَانْصَرَفَ الرَّجُلُ رَاجِعاً فَلَمَّا کَانَ مِنْ قَابِلٍ قَدِمَ الرَّجُلُ وَ مَعَهُ جُمْلَهٌ مِنَ الْمَالِ قَدْ حَمَلَهَا مِنْ أَثْمَانِهَا إِلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ صَارَ إِلَیْهِ وَ أَنَا مَعَهُ فَقَالَ علیه السلام تُخْبِرُنِی أَوْ أُخْبِرُکَ فَقَالَ الرَّجُلُ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ بَلْ تُخْبِرُنِی قَالَ کَأَنِّی بِکَ وَ قَدْ صِرْتَ إِلَیْهَا فَجَاءَتْکَ وَ لَاذَتْ بِکَ خَاضِعَهً ذَلِیلَهً فَأَخَذْتَ بِنَوَاصِیهَا وَاحِدَهً وَاحِدَهً فَقَالَ الرَّجُلُ صَدَقْتَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ کَأَنَّکَ کُنْتَ مَعِی هَکَذَا کَانَ فَتَفَضَّلْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُکَ بِهِ فَقَالَ امْضِ رَاشِداً بَارَکَ اللَّهُ لَکَ وَ بَلَغَ الْخَبَرُ عُمَرَ فَغَمَّهُ ذَلِکَ وَ انْصَرَفَ الرَّجُلُ وَ کَانَ یَحُجُّ کُلَّ سَنَهٍ وَ قَدْ أَنْمَی اللَّهُ مَالَهُ فَقَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام کُلُّ مَنِ اسْتَصْعَبَ عَلَیْهِ شَیْ ءٌ مِنْ مَالٍ أَوْ أَهْلٍ أَوْ وَلَدٍ أَوْ أَمْرٍ فَلْیَبْتَهِلْ إِلَی اللَّهِ بِهَذَا الدُّعَاءِ فَإِنَّهُ یَکْفِی مِمَّا یَخَافُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ (۱).

**[ترجمه]الخرائج: رضی در کتاب خصائص الائمه با استناد به ابن عباس نقل کرد: در دوران خلافت عمر، مردی، شتری در ناحیه آذربایجان داشت، که از آن به سختی افتاد، پس از آنچه به او رسید به نزد عمر شکایت برد و اینکه تأمین مخارج زندگی‌اش به وسیله آن شتر است، پس به او گفت: برو و از خداوند متعال فریادخواهی کن، آن مرد گفت: پیوسته از خدا می‌خواهم و به او توسل می‌جویم و هرگاه به او نزدیک می‌شوم به من حمله می کند، پس عمر رقعه‌ای اینچنین نوشت: از امیر مؤمنان عمر به جنیان و شیاطین سرکش این چهارپایان را برای او رام گردانید، آن مرد رقعه را گرفت و رفت.

عبدالله بن عباس نقل کرد: از این امر بسیار اندوهناک شدم و به دیدار علی رفتم و او را از آنچه رخ داد، آگاه نمودم، پس آن حضرت علیه السلام فرمودند: سوگند به کسی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، ناامید بازمی‌گردد، پس آرام گرفتم و سختی این مساله بر من طولانی گشت، پیوسته کسانی را که از کوهستان می‌آمدند، می‌پاییدم که ناگهان آن مرد را دیدم که در پیشانی‌اش شکافی است که می‌شود دست را در آن فرو برد .

زمانی که او را دیدم، به سمت او رفتم و گفتم: تو را چه شده؟ گفت: من به آن مکان رفتم و رقعه را انداختم، پس یکی از آنها بر من حمله‌ور شد و من از کار او ترسیدم و توانی نداشتم پس نشستم که یکی از آنها بر چهره‌ام لگد زد و گفتم: «خدا آن را کفایت کن» و همگی آنها به من حمله کردند و قصد کشتن مرا داشتند، پس از من روی برگرداندند و من به زمین افتادم و برادرم آمد و مرا برد، نمی‌دانم، پیوسته درمان کردم تا بهتر شدم و این اثر آن در چهره‌ام ماند. به او گفتم، به نزد عمر برو و او را آگاه کن، پس به نزد او رفت و چند نفری پیش او بودند و او را از آنچه رخ داد آگاه ساخت، پس او را راند و گفت: دروغ گفتی، نوشته مرا نبردی و آن مرد قسم خورد که آن کار را انجام داد، ولی او را از نزد بیرون کرد.

ابن عباس نقل کرد: او را به خدمت امیر مؤمنان علیه السلام بردم، لبخندی زدند و فرمودند: آیا به تو نگفتم، سپس به سمت آن مرد رفتند و فرمودند: هرگاه به مکانی رفتی که شترت در آنجاست، بخوان: «خدایا من با پیامبرت، پیغام‌آور رحمت و اهل بیتش که با آگاهی آنها را بر جهانیان برگزیدی، به تو روی می‌آورم، خدایا سختی آن را به من آسان گردان و مرا از شر آن کفایت نما، به راستی که تو کافی و عافیت... دهنده و غلبه‌کننده و چیره‌ای» نقل کرد: و آن مرد بازگشت و بعد از مدتی آمد و با خود مقداری از بهترین اموال خویش را نزد امیر مؤمنان آورد و من نیز با ایشان بودم.

حضرت علیه السلام فرمودند: خبر می‌دهی یا من به تو خبر بدهم؟ آن مرد گفت: ای امیر مؤمنان، شما خبر دهید، فرمودند: گویی من نیز با تو بودم هنگامی که به سمت شترت رفتی، نزد تو آمد و با نرمی و در حالی که رام تو بود، به تو پناه آورد و تو موهای پیشانی او را یکی یکی

گرفتی، آن مرد گفت: ای امیر مؤمنان راست گفتی، گویی شما نیز با من بودید، همینطور بود، پس آنچه برای شما آوردم بپذیرید، حضرت فرمودند: برو در حالی که هدایت شوی و خداوند به تو برکت دهد. این خبر به عمر رسید و از آن اندوهناک شد، آن مرد رفت و هر سال برای حج می‌آمد و خداوند مال او را بسیار کرد .

امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هر کس که به خاطر مال یا خانواده یا فرزند یا کاری به گرفتاری و سختی افتد، پس با این دعا به درگاه خداوند زاری کند، به راستی که از هر چه بیم دارد او را کفایت می‌کند انشاء الله تعالی. - . مختار الخرائج و الجرائح: ۲۲۶ – ۲۲۵، این داستان در کتاب المناقب ۲: ۳۱۱ – ۳۱۰ از ابی العزیز کادش العکبری، ذکر شد. -

**[ترجمه]

«۲۱»

شی، [تفسیر العیاشی] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ: الْکَلِمَاتُ الَّتِی تَلَقَّاهُنَّ آدَمُ علیه السلام مِنْ رَبِّهِ فَتابَ عَلَیْهِ وَ هَدی قَالَ سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِکَ إِنِّی عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی إِنَّکَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَکَ وَ بِحَمْدِکَ إِنِّی عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی إِنَّکَ أَنْتَ خَیْرُ الْغَافِرِینَ اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَکَ وَ بِحَمْدِکَ إِنِّی عَمِلْتُ سُوءاً

ص: ۱۹۲

۱- ۱. مختار الخرائج و الجرائح: ۲۲۵- ۲۲۶، و ذکر القصه فی المناقب ج ۲ ص ۳۱۰- ۳۱۱، عن ابی العزیز کادش العکبری.

وَ ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی إِنَّکَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ (۱).

**[ترجمه]تفسیر العیاشی: امام باقر علیه السلام فرمودند: کلماتی که حضرت آدم علیه السلام از پروردگارش دریافت و به سوی خدا توبه نمود و هدایت یافت: «پاک ومنزهی ای خدا و ستایش می‌کنم تو را، من بد کردم و به خودم ظلم نمودم، پس مرا بیامرز به راستی که تو آمرزنده… مهربانی، خداوندا به راستی که خدایی جز تو نیست، پاک و منزهی و تو را سپاس می‌گویم، من مرتکب اعمال ناپسندی شدم و به خودم ظلم نمودم پس مرا بیامرز به راستی که تو بهترین آمرزندگانی، خدایا به راستی که خدایی جز تو نیست، پاک و منزهی و تو را سپاس می‌گویم، من مرتکب کردار ناپسندی شدم و بر خود ظلم نمودم پس مرا بیامرز به راستی که تو آمرزنده مهربانی. - . تفسیر العیاشی ۱: ۴۱ و آیه یوسف: ۱۰۰ -

**[ترجمه]

«۲۲»

سر، [السرائر] مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِی إِسْحَاقَ ثَعْلَبَهَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِنَّ حَالَنَا قَدْ تَغَیَّرَتْ قَالَ فَادْعُ فِی صَلَاتِکَ الْفَرِیضَهِ قُلْتُ أَ یَجُوزُ فِی الْفَرِیضَهِ فَأُسَمِّیَ حَاجَتِی لِلدِّینِ وَ الدُّنْیَا قَالَ نَعَمْ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَدْ قَنَتَ وَ دَعَا عَلَی قَوْمٍ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَ عَشَائِرِهِمْ وَ فَعَلَهُ عَلِیٌّ علیه السلام مِنْ بَعْدِهِ (۲).

**[ترجمه]السرائر: ابن هلال نقل کرد به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حال ما دگرگون شده است، فرمودند: در نماز واجب دعا کن، عرض کردم: آیا در نماز واجب جایز است حاجت‌های دینی و دنیوی را نام ببرم؟ فرمودند: آری، رسول خدا صلی الله علیه و آله در قنوت خود برای قومی با ذکر نام‌هاشان و نام پدرانشان دعا می‌کردند و پس از او حضرت علیه السلام نیز چنین کردند. - . السرائر: ۴۶ -

**[ترجمه]

«۲۳»

شی، [تفسیر العیاشی] عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ یَسَارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ إِلَی یُوسُفَ علیه السلام وَ هُوَ فِی السِّجْنِ یَا ابْنَ یَعْقُوبَ مَا أَسْکَنَکَ مَعَ الْخَطَّاءِینَ قَالَ جُرْمِی قَالَ فَاعْتَرَفَ بِجُرْمِهِ وَ أُخْرِجَ فَاعْتَرَفَ بِمَجْلِسِهِ مِنْهَا مَجْلِسَ الرَّجُلِ مِنْ أَهْلِهِ فَقَالَ لَهُ ادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ یَا کَبِیرَ کُلِّ کَبِیرٍ یَا مَنْ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ لَا وَزِیرَ یَا خَالِقَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ الْمُنِیرِ یَا عِصْمَهَ الْمُضْطَرِّ الضَّرِیرِ یَا قَاصِمَ کُلِّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ یَا مُغْنِیَ الْبَائِسِ الْفَقِیرِ یَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْکَسِیرِ یَا مُطْلِقَ الْمُکَبَّلِ الْأَسِیرِ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تَجْعَلَ لِی مِنْ أَمْرِی فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ تَرْزُقَنِی مِنْ حَیْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَیْثُ لَا أَحْتَسِبُ قَالَ فَلَمَّا أَصْبَحَ دَعَا بِهِ الْمَلِکُ فَخَلَّی سَبِیلَهُ وَ ذَلِکَ قَوْلُهُ وَ قَدْ أَحْسَنَ بِی إِذْ أَخْرَجَنِی مِنَ السِّجْنِ (۳).

**[ترجمه]تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام فرمودند: وقتی حضرت یوسف علیه السلام در زندان بود، خداوند به سوی او فرستاد: ای فرزند یعقوب، چه چیز تو را در کنار خطاکاران سکنی داده است؟ جواب داد: گناهم، گفت:به آن گناه، اعتراف کن و خارج شو و او اعتراف کرد همچون مردی که در کنار همسر خود می نشیند در کنار او نشست. پس به او گفت: این دعا را بخوان: ای بزرگ تمامی بزرگان، ای کسی که شریک و وزیر نداری، ای آفریننده خورشید و ماه تابان ای پناه درمانده نابینا، ای در هم شکننده هر سرکش زورگو ای بی‌نیاز کننده اسیر در بند، به حق محمد و خاندان محمد از تو می‌خواهم که در کارم گشایش و خروجی قرار دهی و از آنجا که می‌پندارم و نمی… پندارم به من روزی رسانی.

نقل کرد: هنگامی که صبح کرد، فرمانروا او را فرا خواند و آزاد کرد و این سخن اوست: «و به من نیکی کرد هنگامی که از زندان خارج

ساخت». - . تفسیر العیاشی ۲: ۱۹۸ -

**[ترجمه]

«۲۴»

مکا، [مکارم الأخلاق] قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ إِنِّی عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدِکَ وَ ابْنُ أَمَتِکَ نَاصِیَتِی بِیَدِکَ مَاضٍ فِیَّ حُکْمُکَ عَدْلٌ فِیَّ قَضَاؤُکَ أَسْأَلُکَ بِکُلِّ اسْمٍ هُوَ لَکَ سَمَّیْتَ بِهِ نَفْسَکَ أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِی کِتَابِکَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَداً مِنْ خَلْقِکَ أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِیعَ قَلْبِی وَ نُورَ صَدْرِی وَ جَلَاءَ حُزْنِی وَ ذَهَابَ هَمِّی أَذْهَبَ اللَّهُ هَمَّهُ وَ أَبْدَلَهُ مَکَانَ حُزْنِهِ

ص: ۱۹۳

۱- ۱. تفسیر العیّاشیّ ج ۱ ص ۴۱ و الآیه فی یوسف: ۱۰۰.

۲- ۲. السرائر ص ۴۷۶.

۳- ۳. تفسیر العیّاشیّ ج ۲ ص ۱۹۸.

فَرَحاً(۱).

وَ رُوِیَ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله: أَنَّهُ قَالَ لِعَلِیٍّ علیه السلام إِذَا وَقَعْتَ فِی وَرْطَهٍ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ اللَّهُمَ إِیَّاکَ نَعْبُدُ وَ إِیَّاکَ نَسْتَعِینُ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ یَدْفَعُ بِهَا الْبَلَاءَ(۲).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس این دعا را بخواند: «خدایا من بنده تو و فرزند بنده و کنیز تو هستم، زمام امور به دست توست و حکم تو در مورد من قطعی است و قضاوتت عادلانه است، از تو می‌خواهم به هر نامی که سزاوار آنی و خویش را بدان نامیدی، یا در کتابت فرو فرستادی یا بر کسی از مخلوقاتت آموختی، یا در علم غیب خود آن را برگزیدی، قرآن را بهار قلب من و نور سینه و نابودکننده‌غم و اندوه من قرار دهی» خداوند اندوه او را برطرف سازد و شادی را جایگزین آن کند. - . مکارم الاخلاق: ۴۰۴ -

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت است که به حضرت علیه علیه السلام فرمودند: هرگاه در مشکلی فرو رفتی، بگو: «به نام خداوند بخشنده مهربان، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمی‌پذیرد، خدایا تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می... جوییم» به راستی که خداوند پاک به واسطه آن، بلا را دفع می‌نماید. - . مکارم الاخلاق: ۴۰۶ -

**[ترجمه]

«۲۵»

تم، [فلاح السائل] بِإِسْنَادِی إِلَی جَدِّی أَبِی جَعْفَرٍ الطُّوسِیِّ مِنْ کِتَابِ الرَّبِیعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُسْلِیِّ بِإِسْنَادِهِ إِلَی ابْنِ خَارِجَهَ: زِیَادَهً فِی دُعَاءِ یُوسُفَ علیه السلام فَقَالَ شَکَوْتُ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام تَغَیُّرَ حَالِی فَقَالَ لِی فَأَیْنَ أَنْتَ عَنْ دُعَاءِ یُوسُفَ فَقُلْتُ وَ مَا دُعَاءُ یُوسُفَ فَقَالَ کَانَ یَقُولُ سَکَنَ جِسْمِی مِنَ الْبَلْوَی وَ سَبَقَنِی لِسَانِی بِالْخَطِیئَهِ فَإِنْ یَکُنْ وَجْهِی خَلُقَ عِنْدَکَ وَ حَجَبَتِ الذُّنُوبُ صَوْتِی عَنْکَ فَإِنِّی أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِوَجْهِ الشَّیْخِ یَعْقُوبَ قَالَ قُلْتُ فَإِنَّ یُوسُفَ یَقُولُ بِوَجْهِ الشَّیْخِ یَعْقُوبَ فَمَا أَقُولُ أَنَا قَالَ تَقُولُ بِوَجْهِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ.

**[ترجمه]فلاح السائل: ابن خارجه نقل کرد: از دگرگونی حالم به امام صادق علیه السلام شکایت بردم، پس به من فرمودند: چرا دعای حضرت یوسف را نمی‌خوانی؟ عرض کردم؟ دعای حضرت یوسف چه دعایی است؟ فرمودند: می‌گفت: «تنم در مصیبت آرام گرفت و زبانم در اشتباه بر من پیشی گرفت، پس اگر آبرویی در نزد تو ندارم و گناهان مانع صدایم از تو شدند، پس من به روی یعقوب پیر، به سوی تو روی می‌آورم» عرض کردم: یوسف می‌گفت: به روی یعقوب پیر، من چه بگویم؟ فرمودند: می‌گویی: به روی محمد درود خدا بر او و خاندانش.

**[ترجمه]

أقول

و قد رویت فی لفظ دعاء یوسف علیه السلام فی الحبس غیر ذلک و أما قوله فی الدعاء سکن جسمی من البلوی فلعلها شکا جسمی من البلوی لکننی وجدت اللفظ کما نقلته (۳).

**[ترجمه]در دعای حضرت یوسف علیه السلام در زندان، لفظی دیگر برای دعای وی آوردم، و این فراز از دعا: «جسمم از مصیبت‌ها آرام گرفت» شاید اینگونه باشد: «پیکرم از بلاها شکایت دارد» ولی من لفظ دعا را همانگونه که یافتم، نقل کردم. - . فلاح السائل: ۱۹۴ -

**[ترجمه]

«۲۶»

نَوَادِرُ الرَّاوَنْدِیِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ تَظَاهَرَتْ نِعَمُ اللَّهِ عَلَیْهِ فَلْیُکْثِرِ الشُّکْرَ وَ مَنْ أُلْهِمَ الشُّکْرَ لَمْ یُحْرَمِ الْمَزِیدَ وَ مَنْ کَثُرَ هُمُومُهُ فَلْیُکْثِرْ مِنَ الِاسْتِغْفَارِ وَ مَنْ أَلَحَّ عَلَیْهِ الْفَقْرُ فَلْیُکْثِرْ مِنْ قَوْلِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ.

**[ترجمه]نوادر الراوندی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس نعمت‌های خداوند بر او فراوان گردد باید بسیار شکر نماید و هر کس شکر به او الهام شود از افزونی نعمت، محروم نمی‌گردد و هر کس غم‌هایش بسیار شود، زیاد طلب آمرزش کند، و هر کس فقر به او فشار آرد، بسیار بگوید: هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمی‌پذیرد.

**[ترجمه]

«۲۷»

نُقِلَ مِنْ خَطِّ الشَّهِیدِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله: مَا مِنْ عَبْدٍ یَخَافُ زَوَالَ نِعْمَهٍ أَوْ فَجَاءَهَ نَقِمَهٍ أَوْ تَغَیُّرَ عَافِیَهٍ وَ یَقُولُ یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ یَا وَاحِدُ یَا مَجِیدُ یَا بَرُّ یَا کَرِیمُ یَا رَحِیمُ یَا غَنِیُّ تَمِّمْ عَلَیْنَا نِعْمَتَکَ وَ هَبْ لَنَا(۴)

کَرَامَتَکَ وَ أَلْبِسْنَا عَافِیَتَکَ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَی خَیْرَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ.

ص: ۱۹۴

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۰۴.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۰۶.

۳- ۳. فلاح السائل ص ۱۹۴.

۴- ۴. هنئنا خ ل.

**[ترجمه]به نقل از خط شـهید رحمه الله از پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله: هر بنده‌ای از نابودی نعمت یا مصیبت‌های نابهنگام یا تغییر عافیت بیم دارد، بگوید: «ای زنده ای پاینده، ای یگانه ای بزرگ ای نیکوکردار، ای بزرگوار ای مهربان ای بی‌نیاز نعمت‌هایت را بر ما کامل گردان و بزرگی‌ات را بر ما ببخشای و عافیتت را بر ما بپوشان» خداوند خیر دنیا و آخرت را به او عطا گرداند.

**[ترجمه]

«۲۸»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِیزِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبَّادٍ الْمَکِّیِّ عَنْ حَاتِمِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَجْلَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ کَعْبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَدَّادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: لَقَّنَنِی عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ کَلِمَاتِ الْفَرَجِ وَ أَخْبَرَنِی أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَقَّنَهُنَّ إِیَّاهُ وَ أَمَرَهُ إِذَا نَزَلَ بِهِ کَرْبٌ أَوْ شِدَّةٌ أَنْ یَقُولَهُنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ تَبَارَکَ اللَّهُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ (۱).

**[ترجمه]أمالی: عبدالله بن جعفر نقل کرد: علی بن ابی طالب کلمات فرج و گشایش را به من آموختند و فرمودند: رسول خدا صـلی الله علیه و آله این کلمات را به او تلقین نمودند، و به او امر فرمودند: هرگاه دچار گرفتاری یا مشکلی شد، این کلمات را بر زبان جاری سازد: «خدایی جز خـدای بردبـار و بزرگوار وجود نـدارد خـدایی جز خـدای بلنـد مرتبه و بزرگ نیست، پـاک و منزه است خداونـد و خجسـته باد پروردگار آسمان‌های هفتگانه و پروردگار عرش باعظمت و سپاس مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است». - . أمالی طوسی ۲: ۲۳۵ -

**[ترجمه]

«۲۹»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: مَنْ أَصَابَهُ هَمٌّ أَوْ کَرْبٌ أَوْ بَلَاءٌ أَوْ حُزْنٌ فَلْیَقُلْ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّی لَا أُشْرِکُ بِهِ شَیْئاً تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ وَ مِنْ دُعَاءِ الْفَرَجِ یَا مَنْ یَکْفِی مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ لَا یَکْفِی مِنْهُ شَیْ ءٌ اکْفِنِی مَا أَهَمَّنِی.

وَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ لِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام إِذَا وَقَعْتَ فِی وَرْطَهٍ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ یَصْرِفُ بِهَا مَا یَشَاءُ مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ.

وَ فِی رِوَایَهٍ أَحْمَدَ: یُکَرِّرُهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ فَإِنِ انْکَشَفَ ذَلِکَ الْبَلَاءُ وَ إِلَّا یُتِمُّهَا سَبْعِینَ مَرَّهً وَ قَالَ أَغْلِقُوا أَبْوَابَ الْمَعْصِیَهِ بِالاسْتِعَاذَهِ وَ افْتَحُوا أَبْوَابَ الطَّاعَهِ بِالتَّسْمِیَهِ.

وَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام: أَنَّ یَعْقُوبَ علیه السلام کَانَ اشْتَدَّ بِهِ الْحُزْنُ وَ رَفَعَ یَدَهُ إِلَی السَّمَاءِ وَ قَالَ یَا حَسَنَ الصُّحْبَهِ یَا کَثِیرَ الْمَعُونَهِ یَا خَیْراً کُلُّهُ ائْتِنِی بِرَوْحٍ مِنْکَ وَ فَرَجٍ مِنْ عِنْدِکَ فَهَبَطَ جَبْرَئِیلُ علیه السلام فَقَالَ یَا یَعْقُوبُ أَ لَا أُعَلِّمُکَ دَعَوَاتٍ یَرُدُّ اللَّهُ عَلَیْکَ بِهَا بَصَرَکَ وَ وَلَدَیْکَ قَالَ نَعَمْ قَالَ قُلْ یَا مَنْ لَا یَعْلَمُ أَحَدٌ کَیْفَ هُوَ وَ حَیْثُ هُوَ وَ قُدْرَتَهُ إِلَّا هُوَ یَا مَنْ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ وَ کَبَسَ الْأَرْضَ عَلَی الْمَاءِ وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ ائْتِنِی بِرَوْحٍ مِنْکَ وَ فَرَجٍ مِنْ عِنْدِکَ قَالَ فَمَا انْفَجَرَ عَمُودُ الصُّبْحِ حَتَّی أُتِیَ بِالْقَمِیصِ یُطْرَحُ عَلَیْهِ وَ رَدَّ اللَّهُ عَلَیْهِ بَصَرَهُ وَ وَلَدَهُ.

۱- ۱. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۲۳۵.

وَ عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عليه السلام قَالَ: ضَمَّنِي وَالِدِي عليه السلام إِلَى صَدْرِهِ يَوْمَ قُتِلَ وَ الدِّمَاءُ تَغْلِي وَ هُوَ يَقُولُ يَا بُنَيَّ احْفَظْ عَنِّي دُعَاءً عَلَّمَتْنِيهِ فَاطِمَةُ عليها السلام وَ عَلَّمَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ عَلَّمَهُ جَبْرَئِيلُ عليه السلام فِي الْحَاجَةِ وَ الْمُهِمِّ وَ الْغَمِّ وَ النَّازِلَهِ إِذَا نَزَلَتْ وَ الْأَمْرِ الْعَظِيمِ الْفَادِحِ قَالَ ادْعُ بِحَقِ يس وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ وَ بِحَقِ طه وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَى حَوَائِجِ السَّائِلِينَ يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي الضَّمِيرِ يَا منفس [مُنَفِّساً] عَنِ الْمَكْرُوبِينَ يَا مفرج [مُفَرِّجاً] عَنِ الْمَغْمُومِينَ يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا.

وَ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله: قَالَ لِي جَبْرَئِيلُ أَ لَا أُعَلِّمُكَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي قَالَهُنَّ مُوسَى عليه السلام حِينَ انْفَلَقَ لَهُ الْبَحْرُ قَالَ قُلْتُ بَلَى قَالَ قُلِ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكَى وَ بِكَ الْمُسْتَغَاثُ وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

**[ترجمه]دعوات الراوندی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند، هر کس به گرفتاری اندوه یا مصیبت و سختی دچار آید بگوید: «خدا، خدا پروردگار من است ذره‌ای به او شرک نمی‌ورزم و بر آن زنده‌ای که نمی‌میرد توکل نمودم».

دعای فرج «ای کسی که از هر چیز کفایت می کنی و چیزی نمی‌تواند او را کفایت کند، مرا سبب اندوهم گشته، کفایت نمای».

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هرگاه در منجلاب گرفتاری فرو رفتی، بگو: «به نام خداوند بخشنده مهربان، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدای تحقق نمی‌پذیرد» به راستی که خداوند آنچه از انواع بلا را که خواهد، دور می گرداند.

در روایت احمد، آمده است: هفت مرتبه، و چنانچه آن مشکل برطرف نشد، هفتاد مرتبه بخواند، و فرمودند: درهای گناه را با پناه جستن ببندید و درهای طاعت را با بسم الله گفتن باز کنید.

امام باقر علیه السلام فرمودند: زمانی که غم و اندوه فراوان بر حضرت یعقوب علیه السلام فشار آورد به دست خود را به سوی آسمان بلند کردند و فرمودند: «ای بهترین همنشین، ای که یاری‌ات بسیار است، ای بهترین، رحمت و گشایشی از جانب خود بر من وارد کن» سپس جبرئیل علیه السلام نازل شدند و فرمودند: ای یعقوب آیا بیاموزم به تو دعایی تا در اثر آن خداوند دیدگان و فرزندت را به تو بازگرداند؟ فرمودند: آری، پس گفت، بگو: «ای آنکه کسی چگونگی و مکان و قدرت او را جز خود نمی‌داند ای کسی که هوا را به آسمان مسدود کرد و زمین را بر آب گسترانید و بهترین نام‌ها را بر خود برگزید، رحمت و گشایشی از جانب خود بر من وارد کن» همین که صبح فرا رسید، پیراهن آورده شد و بر او انداخته شد و خداوند دیدگان و فرزندش را به او بازگردانید.

زین العابدین علیه السلام فرمودند: پدرم علیه السلام در روز شهادتشان مرا به سینه خود چسباندند و در حالی که خون جاری بود، می‌فرمودند: ای فرزندم این دعا را از من به خاطر بسپار که حضرت فاطمه سلام الله علیها آن را به من آموخت و رسول خدا صلی الله علیه و آله به او آموخت و جبرئیل علیه السلام به رسول خدا برای اوقات نیاز، غم‌ها، مصیبت‌ها و کارهای بزرگ آموختند، فرمود بخوان «به حق یس و قرآن حکیم و به حق طه و قرآن عظیم ای کسی که به رفع نیازهای درخواست‌کنندگان توانمندی، ای کسی که بر آنچه در باطن است، آگاهی ای گشاینده اندوهناکان، ای رحم‌کننده بر پیر بزرگسال، ای روزی‌دهنده به کودک خردسال، ای کسی که نیازی به توضیح نداری، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و در حق من چنین و چنان کن.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: جبرئیل به من گفت: آیا بیاموزم به تو کلماتی که زمانی حضرت موسی علیه السلام آنها را بر زبان آورد، دریا بر او گشوده گردید؟ پاسخ داد: آری، گفت پس بگو: «خدایا سپاس مخصوص توست و شکایت به سوی توست و فریادرسی به واسطه توست و تویی یاری‌کننده و هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمی‌پذیرد».

**[ترجمه]

«۳۰»

الْبَلَدُ الْأَمِينُ، ذَكَرَ صَاحِبُ كِتَابِ دَفْعِ الْهُمُومِ وَ الْأَحْزَانِ وَ قَمْعِ الْغُمُومِ: يَقُولُ الْمَحْبُوسُ ثَلَاثاً أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَهَ وَ الْمُعَافَاهَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ.

وَ قَالَ نُوبَهُ الْعَنْبَرِيُّ: أَكْرَهَنِي السُّلْطَانُ عَلَى الْقِتَالِ فَأَبَيْتُ فَحَبَسَنِي حَتَّى لَمْ يَبْقَ فِي رَأْسِي شَعْرَهٌ فَأَتَانِي آتٍ فِي مَنَامِي عَلَيْهِ ثِيَابٌ بِيضٌ وَ قَالَ يَا نُوبَهُ قَدْ أَطَالُوا حَبْسَكَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ قُلْ أَسْأَلُ اللَّهُ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَهَ وَ الْمُعَافَاهَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ فَاسْتَيْقَظْتُ فَكَتَبْتُ مَا قَالَهُ ثُمَّ تَوَضَّأْتُ وَ صَلَّيْتُ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ قُلْتُ ذَلِكَ حَتَّى صَلَّيْتُ صَلَاهَ الصُّبْحِ فَجَاءَ حَرَسِيٌّ وَ قَالَ أَيْنَ نُوبَهُ فَقُلْتُ نَعَمْ فَحَمَلَنِي وَ أَدْخَلَنِي عَلَيْهِ وَ أَنَا أَتَكَلَّمُ بِهِنَّ فَلَمَّا رَآنِي أَمَرَ بِإِطْلَاقِي قَالَ نُوبَهُ فَعَلَّمْتُهُ رَجُلًا فِي الْبَصْرَهِ قَالَ لَمْ أَقُلْهُنَّ فِي عَذَابٍ إِلَّا خُلِّيَ عَنِّي وَ عُذِّبْتُ يَوْماً وَ لَمْ أَذْكُرْهُنَّ حَتَّى جُلِدْتُ مِائَهَ سَوْطٍ فَذَكَرْتُهُنَّ حِينَئِذٍ فَدَعَوْتُ بِهِنَّ فَخُلِّيَ عَنِّي (۱).

**[ترجمه]البلد الامین: صاحب کتاب دفع الهموم و الاحزان و قمع الغموم ذکر کرد، کسی که در زندان است سه بار بگوید «از خداوند گذشت و تندرستی و عافیت در دنیا و آخرت را مسألت می‌نمایم».

نوبه العنبری نقل کرد: حاکم مرا بر مبارزه اجبار کرد و من ابا ورزیدم پس مرا زندان نمود تا زمانی که دیگر مویی در سرم باقی نماند پس شخصی با لباس سفید به خوابم آمد و گفت: ای نوبه، زندانت طولانی شد عرض کردم: آری، گفت: بگو: «از خداوند گذشت، تندرستی و عافیت در دنیا و آخرت را مسألت می‌نمایم» از خواب برخاستم و آنچه گفت را نوشتم سپس وضو گرفتم و آنچه خدا خواست نماز خواندم و این ذکر را تا نماز صبح خواندم، پس نگهبانم آمد و گفت: نوبه کجاست؟ گفتم: بله، مرا برداشت و نزد او برد، و من آن کلمات را بر زبان جاری می‌ساختم و زمانی که چشمش به من افتاد، دستور آزادی مرا داد و نوبه نقل کرد: آن دعا را به مردی در بصره آموختم، نقل کرد: آنها را در هر سختی که بر زبان آوردم، از من دور گشت، و یک روز که آنها را نخواندم، شکنجه شدم و صد تازیانه و شلاق خوردم و در آن لحظه به یادم آمد و به واسطه آنها دعا کردم پس از من کناره گرفت. - . البلد الامین: ۵۲۳ -

**[ترجمه]

«۳۱»

مِنْ كِتَابِ الرَّوْضَهِ، بِحَذْفِ الْإِسْنَادِ عَنِ الرَّبِيعِ صَاحِبِ الْمَنْصُورِ قَالَ: لَمَّا اسْتُوِيَتِ الْخِلَافَهُ لَهُ قَالَ يَا رَبِيعُ- ابْعَثْ إِلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ مَنْ يَأْتِينِي بِهِ ثُمَّ قَالَ

ص: ۱۹۶

۱- ۱. راجع البلد الأمین ص ۵۲۳.

بَعْدَ سَاعَةٍ أَ لَمْ أَقُلْ لَكَ أَنْ تَبْعَثَ إِلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ فَوَ اللَّهِ لَتَأْتِيَنِّي بِهِ وَ إِلَّا قَتَلْتُكَ فَلَمْ أَجِدْ بُدّاً فَذَهَبْتُ إِلَيْهِ فَقُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَجِبْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَامَ مَعِي فَلَمَّا دَنَوْنَا مِنَ الْبَابِ رَأَيْتُهُ يُحَرِّكُ شَفَتَيْهِ ثُمَّ دَخَلَ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَلَمْ يَرُدَّ عَلَيْهِ فَوَقَفَ فَلَمْ يُجْلِسْهُ ثُمَّ رَفَعَ إِلَيْهِ رَأْسَهُ فَقَالَ يَا جَعْفَرُ أَنْتَ الَّذِي أَلَّبْتَ عَلَيَّ وَ كَثَّرْتَ فَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله قَالَ يُنْصَبُ لِكُلِّ غَادِرٍ لِوَاءٌ يَوْمَ الْقِيَامَهِ يُعْرَفُ بِهِ فَقَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليهما السلام وَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله قَالَ يُنَادِي مُنَادٍ يَوْمَ الْقِيَامَهِ مِنْ بُطْنَانِ الْعَرْشِ أَلَا فَلْيَقُمْ كُلُّ مَنْ أَجْرُهُ عَلَيَّ فَلَا يَقُومُ إِلَّا مَنْ عَفَا عَنْ أَخِيهِ فَمَا زَالَ يَقُولُ حَتَّى سَكَنَ مَا بِهِ وَ لَانَ لَهُ فَقَالَ اجْلِسْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ثُمَّ دَعَا بِمُدْهُنٍ مِنْ غَالِيَهٍ فَجَعَلَ يُغَلِّفُهُ بِيَدِهِ وَ الْغَالِيَهُ تَقْطُرُ مِنْ بَيْنِ أَنَامِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ قَالَ انْصَرِفْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فِي حِفْظِ اللَّهِ وَ قَالَ لِي يَا رَبِيعُ أَتْبِعْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَائِزَتَهُ وَ أَضْعِفْهَا لَهُ قَالَ فَخَرَجْتُ فَقُلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَ تَعْلَمُ مَحَبَّتِي لَكَ قَالَ نَعَمْ يَا رَبِيعُ أَنْتَ مِنَّا حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله قَالَ مَوْلَى الْقَوْمِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَأَنْتَ مِنَّا قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ شَهِدْتُ مَا لَمْ نَشْهَدْ وَ سَمِعْتُ مَا لَمْ نَسْمَعْ وَ قَدْ دَخَلْتَ عَلَيْهِ وَ رَأَيْتُكَ تُحَرِّكُ شَفَتَيْكَ عِنْدَ الدُّخُولِ عَلَيْهِ قَالَ نَعَمْ دُعَاءٌ كُنْتُ أَدْعُو بِهِ فَقُلْتُ أَ دُعَاءٌ كُنْتَ تَلَقَّيْتَهُ عِنْدَ الدُّخُولِ أَوْ شَيْ ءٌ تَأْثُرُهُ عَنْ آبَائِكَ الطَّيِّبِينَ فَقَالَ بَلْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله كَانَ إِذَا حَزَبَهُ أَمْرٌ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ كَانَ يُقَالُ لَهُ دُعَاءُ الْفَرَجِ وَ هُوَ اللَّهُمَّ احْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَ اكْنُفْنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ وَ ارْحَمْنِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ وَ لَا أَهْلِكُ وَ أَنْتَ رَجَائِي فَكَمْ مِنْ نِعْمَهٍ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ قَلَّ لَكَ بِهَا شُكْرِي وَ كَمْ مِنْ بَلِيَّهٍ ابْتَلَيْتَنِي قَلَّ لَكَ بِهَا صَبْرِي فَيَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ نِعْمَتِهِ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَ يَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ بَلِيَّتِهِ صَبْرِي فَلَمْ يَخْذُلْنِي وَ يَا مَنْ رَآنِي عَلَى الْخَطَايَا فَلَمْ يَفْضَحْنِي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى دِينِي بِالدُّنْيَا وَ عَلَى الْآخِرَهِ بِالتَّقْوَى وَ احْفَظْنِي فِيمَا غِبْتُ

ص: ۱۹۷

عَنْهُ وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فِيمَا حَضَرَتْهُ يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ الذُّنُوبُ وَ لَا تَنْقُصُهُ الْمَغْفِرَةُ هَبْ لِي مَا لَا يَنْقُصُكَ وَ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ إِنَّكَ رَبٌّ وَهَّابٌ أَسْأَلُكَ فَرَجاً قَرِيباً وَ صَبْراً جَمِيلًا وَ رِزْقاً وَاسِعاً وَ الْعَافِيَةَ مِنْ جَمِيعِ الْبَلَاءِ وَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ وَ فِي رِوَايَةٍ وَ أَسْأَلُكَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَ أَسْأَلُكَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ وَ أَسْأَلُكَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَ أَسْأَلُكَ الْغِنَى عَنِ النَّاسِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ قَالَ الرَّبِيعُ فَكَتَبْتُهُ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام فِي رُقْعَةٍ فَهَا هُوَ ذَا فِي جَيْبِي وَ قَالَ مُوسَى بْنُ سَهْلٍ كَتَبْتُهُ مِنَ الرَّبِيعِ وَ هَا هُوَ فِي جَيْبِي وَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ كَتَبْتُهُ مِنَ الْعَبْسِيِّ وَ هَا هُوَ فِي جَيْبِي وَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْمُحْتَسِبُ كَتَبْتُهُ مِنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ وَ هَا هُوَ فِي جَيْبِي وَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ كَتَبْتُ مِنَ الْمُحْتَسِبِ وَ هَا هُوَ فِي جَيْبِي وَ قَالَ السُّلَمِيُّ مِثْلَهُ وَ قَالَ أَبُو صَالِحٍ مِثْلَهُ وَ قَالَ الْحَافِظُ أَبُو مَنْصُورٍ مِثْلَهُ وَ أَنَا أَقُولُ مِثْلَهُ (۱).

**[ترجمه]من كتاب الروضه: ربیع نقل کرد: زمانی که پایه‌های خلافت منصور استوار گشت، گفت: ای ربیع، شخصی را بفرست تا جعفر بن محمد را نزد من آورد و پس از لحظه‌ای گفت: مگر به تو نگفتم به دنبال جعفر بن محمد بفرستی؟ به خدا سوگند او را می‌آوری و گرنه تو را می‌کشم، چاره‌ای نیافتم، نزد ایشان رفتم و عرض کردم: ای ابا عبدالله، امیر مؤمنان را اجابت کنید، پس با من برخاستند وقتی نزدیک در رسیدیم، دیدم لبانشان را حرکت می‌دهند، سپس داخل شدند و سلام کردند، و خلیفه جواب نداد، و ایستاد و ایشان را ننشاند، سپس سر خود را به سوی ایشان بلند کردند و گفتند: ای جعفر، تو کسی هستی که بر ضد من نیرو جمع می کنی، پدرم از پدرش و او از جدش نقل کرد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: برای هر فریبنده ای در روز قیامت پرچمی خواهد بود که بدان شناخته می‌شود و جعفر بن محمد علیهما السلام فرمودند: پدرم از پدرشان و او از جدشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کردند، که فرمودند: در روز قیامت منادی از باطن عرش ندا می‌دهد، آگاه باشید باید برخیزد آنکه پاداشی بر من دارد و دراین هنگام تنها کسی که از برادر خویش گذشت کرده است، برمی‌خیزد و پیوسته می گوید تا آرام گیرد و نرم شود،پس گفت: بنشین ای ابا عبدالله، سپس روغندانی از عطررا طلبید و با دست خود روی آن را پوشاند و عطر از انگشتان امیر مؤمنان می‌چکید، سپس گفت: ای ابا عبدالله در پناه خدا بازگرد، و به من گفت: ای ربیع، هدیه ابا عبدالله را برای او ببر و آن را دوچندان کن.

نقل کرد: خارج شدم و عرض کردم: ای ابا عبدالله آیا به محبت من آگاهید؟ فرمودند: آری، ای ربیع، تو از ما هستی، پدرم از پدرشان از جدشان نقل کردند: که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دوستدار یک قوم از آنان است، پس تو از ما هستی، عرض کردم: ای ابا عبدالله دیدم آنچه ندیدم و شنیدیم آنچه نشنیدیم، و هنگامی که بر او وارد شدید، دیدم لبانتان را حرکت می‌دادید، فرمودند: آری، دعایی می... خواندم، عرض کردم: آیا آن دعایی بود که هنگام ورود آن را دریافتید یا به نقل از پدران پاکتان بود؟ فرمودند: پدرم از پدرشان و او از جدشان نقل کردند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هرگاه امری بر ایشان سخت می گشت، این دعا را می‌خواندند و به آن دعای فرج گفته می‌شد و آن دعا این است:

«خدایا به چشم خود که خواب ندارد، مرا حفظ کن و مرا در جوار ستون خود که دست نایافتنی است قرار ده، و به قدرتی که بر من داری، بر من رحم کن، وقتی تو امید من باشی، هلاک نمی گردم و چه بسیار نعمت‌هایی که به من عطا نمودی و سپاسگزاری من از تو در برابر آن نعمت‌ها اندک گشت و چه بسا بلاهایی که مرا بدان آزمودی و بردباری من در برابر آنها اندک شد، پس ای کسی که شکر من از نعمت... هایش کم بود و مرا محروم نساخت، و در مصیبت‌ها صبر ننمودم و مرا تنها نگذاشت و مرا بر ارتکاب گناهان دید و رسوا نساخت، از تو می... خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی.

خدایا به واسطه دنیا مرا در امر دینم، و با تقوا در امر آخرتم، یاری رسان و مرا در آنچه پنهانی انجام دادم حفظ کن و در آنچه به صورت آشکار عمل کردم، به خودم وامگذار. ای کسی که گناهان به او آسیبی نمی‌رساند و آمرزش از او نمی‌کاهد، از آنچه تو را نمی‌کاهد به من ببخشای، و آنچه را به تو آسیب نمی‌رساند بیامرز، به راستی که تو پروردگار بخشنده‌ای، از تو گشایشی نزدیک، صبر زیبا، روزی فراوان و عافیت از تمامی مصیبت‌ها و سپاسگزاری از آن عافیت را خواهانم.

در روایتی دیگر: «و از تو عافیت کامل می‌خواهم و از تو عافیت همیشگی طلب می‌کنم و از تو شکر بر عافیت مسألت می‌نمایم و از تو بی...

نیازی از مردم را خواهانم و هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه بزرگ تحقق نمی‌پذیرد.

ربیع نقل کرد: این دعا را از جعفر بن محمـد علیهما السـلام در رقعه‌ای نوشـتم و اکنون در جیبم است، و موسـی بن سـهل نقل کرد: من از ربیع نوشـتم و اکنون در جیبم هست، و محمـد بن هارون نقل کرد: من از عیسـی نوشـتم و اکنون در جیبم است، و علی بن احمد محتسب نقل کرد: من از محمد بن هارون نوشتم و اکنون در جیبم هست، و سلمی مثل این را نقل کرد، و ابوصالح شبیه این سخن را نقل کرد، و حافظ ابومنصور نیز مثل این سخن را نقل کرد و من مثل آن را می گویم. - . مثل آن به سندهای فراوان ذکر شد، مراجعه کن جلد ۹۴: ۳۱۶. -

**[ترجمه]

«۳۲»

عُدَّةُ الدَّاعِی، عُمَرُ بْنُ شُعَیْبٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله: أَنَّ جَبْرَئِیلَ علیه السلام نَزَلَ عَلَیْهِ بِهَذَا الدُّعَاءِ مِنَ السَّمَاءِ وَ نَزَلَ عَلَیْهِ ضَاحِکاً مُسْتَبْشِراً فَقَالَ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مُحَمَّدُ قَالَ وَ عَلَیْکَ السَّلَامُ یَا جَبْرَئِیلُ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بَعَثَ إِلَیْکَ بِهَدِیَّهٍ قَالَ وَ مَا تِلْکَ الْهَدِیَّهُ یَا جَبْرَئِیلُ قَالَ کَلِمَاتٌ مِنْ کُنُوزِ الْعَرْشِ أَکْرَمَکَ اللَّهُ بِهَا قَالَ وَ مَا هُنَّ یَا جَبْرَئِیلُ قَالَ قُلْ یَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِیلَ وَ سَتَرَ الْقَبِیحَ یَا مَنْ لَمْ یُؤَاخِذْ بِالْجَرِیرَهِ وَ لَمْ یَهْتِکِ السِّتْرَ یَا عَظِیمَ الْعَفْوِ یَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ یَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَهِ یَا بَاسِطَ الْیَدَیْنِ بِالرَّحْمَهِ یَا صَاحِبَ کُلِّ نَجْوَی وَ مُنْتَهَی کُلِّ شَکْوَی یَا کَرِیمَ الصَّفْحِ یَا عَظِیمَ الْمَنِّ یَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا یَا رَبَّنَا وَ یَا سَیِّدَنَا وَ یَا مَوْلَانَا وَ یَا غَایَهَ رَغْبَتِنَا أَسْأَلُکَ یَا اللَّهُ أَنْ لَا تُشَوِّهَ خَلْقِی بِالنَّارِ.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِجَبْرَئِیلَ مَا ثَوَابُ هَذِهِ الْکَلِمَاتِ قَالَ هَیْهَاتَ هَیْهَاتَ انْقَطَعَ الْعَمَلُ لَوِ اجْتَمَعَ مَلَائِکَهُ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ وَ سَبْعُ أَرَضِینَ عَلَی أَنْ یَصِفُوا ثَوَابَ ذَلِکَ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ مَا وَصَفُوا مِنْ کُلِّ جُزْءٍ جُزْءاً وَاحِداً.

ص: ۱۹۸

۱- ۱. مر مثله بأسانید کثیره، راجع ج ۹۴ ص ۳۱۶.

فَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ سَتَرَهُ اللَّهُ وَ رَحِمَهُ فِى الدُّنْيَا وَ جَمَّلَهُ فِى الْآخِرَهِ وَ سَتَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَلْفَ سِتْرٍ فِى الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ إِذَا قَالَ يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَهِ وَ لَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ لَمْ يُحَاسِبْهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ لَمْ يَهْتِكْ سِتْرَهُ يَوْمَ تُهْتَكُ السُّتُورُ وَ إِذَا قَالَ يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ خَطِيئَتُهُ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ وَ إِذَا قَالَ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ تَجَاوَزَ اللَّهُ عَنْهُ حَتَّى السَّرِقَهِ وَ شُرْبِ الْخَمْرِ وَ أَهَاوِيلِ الدُّنْيَا وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِنَ الْكَبَائِرِ وَ إِذَا قَالَ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَهِ فَتَحَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ سَبْعِينَ بَاباً مِنَ الرَّحْمَهِ فَهُوَ يَخُوضُ فِى رَحْمَهِ اللَّهِ تَعَالَى حَتَّى يَخْرُجَ مِنَ الدُّنْيَا وَ إِذَا قَالَ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَهِ بَسَطَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَيْهِ لَهُ بِالرَّحْمَهِ وَ إِذَا قَالَ يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى وَ مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ ثَوَابَ كُلِّ مُصَابٍ وَ كُلِّ سَالِمٍ وَ كُلِّ مَرِيضٍ وَ كُلِّ ضَرِيرٍ وَ كُلِّ مِسْكِينٍ وَ كُلِّ فَقِيرٍ وَ كُلِّ صَاحِبِ مُصِيبَهٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ وَ إِذَا قَالَ يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ أَكْرَمَهُ اللَّهُ كَرَامَهَ الْأَنْبِيَاءِ وَ إِذَا قَالَ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ أَعْطَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ مُنْيَتَهُ وَ مُنْيَهَ الْخَلَائِقِ وَ إِذَا قَالَ يَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ بِعَدَدِ مَنْ شَكَرَ نَعْمَاءَهُ وَ إِذَا قَالَ يَا رَبَّنَا وَ يَا سَيِّدَنَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى اشْهَدُوا مَلَائِكَتِى أَنِّى قَدْ غَفَرْتُ لَهُ وَ أَعْطَيْتُهُ مِنَ الْأَجْرِ بِعَدَدِ مَنْ خَلَقْتُهُ فِى الْجَنَّهِ وَ النَّارِ وَ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَ النُّجُومِ وَ قَطْرِ الْأَمْطَارِ وَ أَنْوَاعِ الْخَلْقِ وَ الْجِبَالِ وَ الْحَصَى وَ الثَّرَى وَ غَيْرِ ذَلِكَ وَ الْعَرْشِ وَ الْكُرْسِيِّ وَ إِذَا قَالَ يَا مَوْلَانَا مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهُ مِنَ الْإِيمَانِ وَ إِذَا قَالَ يَا غَايَهَ رَغْبَتِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى- يَوْمَ الْقِيَامَهِ رَغْبَتَهُ وَ مِثْلَ رَغْبَهِ الْخَلَائِقِ وَ إِذَا قَالَ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ أَنْ لَا تُشَوِّهَ خَلْقِى بِالنَّارِ قَالَ الْجَبَّارُ اسْتَعْتَقَنِى عَبْدِى مِنَ النَّارِ اشْهَدُوا مَلَائِكَتِى أَنِّى قَدْ أَعْتَقْتُهُ مِنَ النَّارِ وَ أَعْتَقْتُ أَبَوَيْهِ وَ إِخْوَتَهُ وَ أَهْلَهُ وَ وُلْدَهُ وَ جِيرَانَهُ وَ شَفَّعْتُهُ فِى أَلْفِ رَجُلٍ مِمَّنْ وَجَبَتْ لَهُ النَّارُ وَ آجَرْتُهُ مِنَ النَّارِ فَعَلِّمْهُنَّ يَا مُحَمَّدُ الْمُتَّقِينَ وَ لَا تُعَلِّمْهُنَّ الْمُنَافِقِينَ فَإِنَّهَا دَعْوَهٌ مُسْتَجَابَهٌ لِقَائِلِهِنَّ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ هُوَ دُعَاءُ أَهْلِ الْبَيْتِ

الْمَعْمُورِ حَوْلَهُ إِذَا كَانُوا يَطُوفُونَ بِهِ.

**[ترجمه]عـدّه الـداعی: پیـامبر اکرم صـلی الله علیه وآله فرمودنـد، جبرئیل علیه السـلام این دعا را از آسـمان بر ایشان فرود آورد و با خنـده و بشارت بر ایشان نازل شد و فرمود: سـلام بر تو ای محمد، فرمودند: و سلام بر تو ای جبرئیل، پس عرض کرد: خداوند عزّ و جلّ این هدیه را به سوی تو فرستاد، فرمودنـد: و آن چه هـدیه‌ای است ای جبرئیل؟ جواب داد: کلماتی از گنـج‌های عرش که خداونـد تو را بـدان بزرگ داشت، فرمودنـد: و آنها چه کلماتی هسـتند ای جبرئیل؟ جواب داد بگو: «ای کسـی که زیبایی را آشـکار کردی و زشتی را پوشانـدی ای کسـی که به گناهان مواخـذه نکردی و پرده حرمت را ندریدی، ای صاحب گذشت بزرگ و ای نیکو درگذرنده ای که آمرزشت فراوان است، و دسـتانت را به رحمت گشودی، ای همدم هر نجوا و انتهای هر شکایت ای صاحب گذشت بزرگوارانه یا بخشنده بزرگ ای آغازگر نعمت‌ها قبل از فرا رسیـدن شایسـتگی آن ای پروردگـار، ای سـرور مـا ای مولاـی مـا و ای نهـایت آرزوی مـا، ای خـدا از تـو می‌خواهم خلقتم را به آتش زشـت مگردان».

رسول خدا صلی الله علیه و آله به جبرئیل علیه السلام فرمودند: پاداش این کلمات چیست؟ جواب داد: بعید است بعید است، این کار امکانپذیر نیست، اگر فرشـتگان هفت آسـمان و هفت زمین جمع شوند تا پاداش آن را تا روز قیامت توصـیف نمایند تنها پاداش یک بخش از آن را بیان می کنند.

هرگاه بنده‌ای گوید: «ای کسی که زیبایی را آشکار نمودی و زشتی را پوشاندی.» خداوند او را می‌پوشاند و در دنیا مورد رحمت قرار می‌دهد و در آخرت او را زیبا می-کنـد، و خداونـد هزار پوشـش در دنیا و آخرت او را می‌پوشانـد، و هرگاه بگوید: «ای کسـی که به گناهان مواخذه نکردی و پرده حرمت را ندریدی» خداوند متعال او را در روز قیامت محاسبه نمی‌کند و در آن روز که پرده‌ها کنار می‌رود پرده او را نمی‌درد، و هرگاه بگویـد: «ای صاحب عفو عظیم» خداونـد گناهان او را می‌بخشایـد، هرچنـد خطاهای او همچون کف دریا باشـد و هرگاه بگویـد: «ای نیکو درگذرنـده» خداوند از او حتی از دزدی و خوردن شـراب و سـختی های دنیا و دیگر گناهان کبیره می‌گذرد، و هرگاه بگوید: «ای بسـیار آمرزنـده» خداونـد هفتاد در از رحمت را می‌گشایـد و او در رحمت خدا فرو می‌رود تا لحظه‌ای که از دنیا خارج می‌شود و هرگاه بگوید: «ای گشاینده دست‌ها به رحمت» خداوند دست خود را به رحمت او می‌گشاید.

و هرگاه بگویـد: «ای همـدم هر نجوا و نهایت هر شـکایت» و خداونـد به او پاداش تمامی مصیبت‌دیـدگان، انسان‌های سالم، بیماران، نابینایان، بینوایـان و هر صـاحب مصیبتی تـا روز قیامت به او می‌دهـد و هرگاه بگویـد: «ای صاحب گـذشت بزرگوارانه» خداونـد همچون پیامبران او را گرامی بـدارد و هرگاه بگویـد: «ای بزرگ بخشاینـده» خداونـد در روز قیامت آرزوی خود و آرزوی دیگر بندگان را به او عطا نماید و هرگاه بگوید: «ای آغازگر نعمت‌ها قبل از شایستگی آن» خداوند به تعداد شکرگزاران نعمت‌هایش او را پاداش دهد.

و هرگاه بگوید: «ای پروردگار ما ای سـرور ما» خداوند متعال فرماید: ای فرشـتگان گواه باشـید که من او را بخشـیدم و به تعداد آفریدگان من در بهشت و دوزخ و هفت آسـمان و هفت زمین و خورشید و ماه و ستارگان و کرانه ها و انواع آفریدگان و کوه‌ها و سنگریزه‌ها و خاک و غیر آن و عرش و کرسی به او پاداش دادم.

و هرگـاه بگویـد: «ای مولاـی مـا» خداونـد قلب او را از ایمـان لبریز می‌کنـد و هرگاه بگویـد «ای نهایت آرزوی ما» خداونـد آرزوی او و شبیه آروزی دیگر مخلوقات را به او عطا خواهـد کرد و هرگاه بگویـد: «خدایا از تو می‌خواهم که آفرینش مرا با آتش زشت مگردانی» خدای جبار گوید: بنده‌ام طلب رهایی از آتش می‌کند، فرشـتگان من گواه باشـید من او را از آتش رها کردم، و پدر و مادر و برادران و خانواده و فرزندان و همسایگـان او را نیز آزاد کردم، و او را شـفیع هزار نفر از کسـانی که آتش بر آنهـا واجب شـد قرار دادم و او را از آتش پناه دادم. ای محمد این کلمات را به تقواپیشـگان بیاموز و به منافقان نیاموز، به راستی که آنها دعای مسـتجابی برای گوینده‌شان هسـتند انشاء الله، و آن دعای اهل بیت المعمور است آنگاه که به دور آن طواف کنند.

**[ترجمه]

«۳۳»

كِتَابُ الْإِمَامَهِ لِلطَّبَرِيِّ، أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلَّعُكْبَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ بْنُ أَبِي الْبَغْلِ الْكَاتِبُ قَالَ: تَقَلَّدْتُ عَمَلًا مِنْ أَبِي مَنْصُورِ بْنِ الصَّالِحَانِ وَ جَرَى بَيْنِي وَ بَيْنَهُ مَا أَوْجَبَ اسْتِتَارِي فَطَلَبَنِي وَ أَخَافَنِي فَمَكَثْتُ مُسْتَتِراً خَائِفاً ثُمَّ قَصَدْتُ مَقَابِرَ قُرَيْشٍ لَيْلَهَ الْجُمُعَهِ وَ اعْتَمَدْتُ الْمَبِيتَ هُنَاكَ لِلدُّعَاءِ وَ الْمَسْأَلَهِ وَ كَانَتْ لَيْلَهَ رِيحٍ وَ مَطَرٍ فَسَأَلْتُ ابْنَ جَعْفَرٍ الْقَيِّمَ أَنْ يُغْلِقَ الْأَبْوَابَ وَ أَنْ يَجْتَهِدَ فِي خَلْوَهِ الْمَوْضِعِ لِأَخْلُوَ بِمَا أُرِيدُهُ مِنَ الدُّعَاءِ وَ الْمَسْأَلَهِ وَ آمَنَ مِنْ دُخُولِ إِنْسَانٍ مِمَّا لَمْ آمَنْهُ وَ خِفْتُ مِنْ لِقَائِي لَهُ فَفَعَلَ وَ قَفَّلَ الْأَبْوَابَ وَ انْتَصَفَ اللَّيْلُ وَ وَرَدَ مِنَ الرِّيحِ وَ الْمَطَرِ مَا قَطَعَ النَّاسَ عَنِ الْمَوْضِعِ وَ مَكَثْتُ أَدْعُو وَ أَزُورُ وَ أُصَلِّي.

فَبَيْنَمَا أَنَا كَذَلِكَ إِذْ سَمِعْتُ وَطْأَهً عِنْدَ مَوْلَانَا مُوسَى عليه السلام وَ إِذَا رَجُلٌ يَزُورُ فَسَلَّمَ عَلَى آدَمَ وَ أُولِي الْعَزْمِ عليهم السلام ثُمَّ الْأَئِمَّهِ وَاحِداً وَاحِداً إِلَى أَنِ انْتَهَى إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عليه السلام فَلَمْ يَذْكُرْهُ فَعَجِبْتُ مِنْ ذَلِكَ وَ قُلْتُ لَعَلَّهُ نَسِيَ أَوْ لَمْ يَعْرِفْ أَوْ هَذَا مَذْهَبٌ لِهَذَا الرَّجُلِ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ زِيَارَتِهِ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَ أَقْبَلَ إِلَى عِنْدِ مَوْلَانَا أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَزَارَ مِثْلَ الزِّيَارَهِ وَ ذَلِكَ السَّلَامَ وَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَ أَنَا خَائِفٌ مِنْهُ إِذْ لَمْ أَعْرِفْهُ وَ رَأَيْتُهُ شَابّاً تَامّاً مِنَ الرِّجَالِ عَلَيْهِ ثِيَابٌ بِيَاضٌ وَ عِمَامَهٌ مُحَنَّكٌ بِهَا بِذُؤَابَهٍ وَرِدَيٌّ عَلَى كَتِفِهِ مُسْبَلٌ فَقَالَ لِي يَا بَا الْحُسَيْنِ بْنَ أَبِي الْبَغْلِ أَيْنَ أَنْتَ عَنْ دُعَاءِ الْفَرَجِ فَقُلْتُ وَ مَا هُوَ يَا سَيِّدِي فَقَالَ تُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ وَ تَقُولُ يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَهِ وَ لَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَهِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَهِ يَا مُنْتَهَى كُلِّ نَجْوَى يَا غَايَهَ كُلِّ شَكْوَى يَا عَوْنَ كُلِّ مُسْتَعِينٍ يَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا يَا رَبَّاهْ عَشْرَ مَرَّاتٍ يَا سَيِّدَاهْ عَشْرَ مَرَّاتٍ يَا مَوْلَيَاهْ عَشْرَ مَرَّاتٍ يَا غَايَتَاهْ عَشْرَ مَرَّاتٍ يَا مُنْتَهَى رَغْبَتَاهْ عَشْرَ مَرَّاتٍ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ عليهم السلام إِلَّا

مَا كَشَفْتَ كَرْبِی وَ نَفَّسْتَ هَمِّی وَ فَرَّجْتَ عَنِّی وَ أَصْلَحْتَ حَالِی وَ تَدْعُو بَعْدَ ذَلِکَ بِمَا شِئْتَ وَ تَسْأَلُ حَاجَتَکَ ثُمَّ تَضَعُ خَدَّکَ الْأَیْمَنَ عَلَی الْأَرْضِ وَ تَقُولُ مِائَهَ مَرَّهٍ فِی سُجُودِکَ یَا مُحَمَّدُ یَا عَلِیُّ یَا عَلِیُّ یَا مُحَمَّدُ اکْفِیَانِی فَإِنَّکُمَا کَافِیَایَ وَ انْصُرَانِی فَإِنَّکُمَا نَاصِرَایَ وَ تَضَعُ خَدَّکَ الْأَیْسَرَ عَلَی الْأَرْضِ وَ تَقُولُ مِائَهَ مَرَّهٍ أَدْرِکْنِی وَ تُکَرِّرُهَا کَثِیراً وَ تَقُولُ الْغَوْثَ الْغَوْثَ حَتَّی یَنْقَطِعَ نَفَسُکَ وَ تَرْفَعُ رَأْسَکَ فَإِنَّ اللَّهَ بِکَرَمِهِ یَقْضِی حَاجَتَکَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی فَلَمَّا شُغِلْتُ بِالصَّلَاهِ وَ الدُّعَاءِ خَرَجَ فَلَمَّا فَرَغْتُ خَرَجْتُ لِابْنِ جَعْفَرٍ لِأَسْأَلَهُ عَنِ الرَّجُلِ وَ کَیْفَ دَخَلَ فَرَأَیْتُ الْأَبْوَابَ عَلَی حَالِهَا مُغَلَّقَهً مُقَفَّلَهً فَعَجِبْتُ مِنْ ذَلِکَ وَ قُلْتُ لَعَلَّهُ بَابٌ هَاهُنَا وَ لَمْ أَعْلَمْ فَأَنْبَهْتُ ابْنَ جَعْفَرٍ الْقَیِّمَ فَخَرَجَ إِلَی عِنْدِی مِنْ بَیْتِ الزَّیْتِ فَسَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ وَ دُخُولِهِ فَقَالَ الْأَبْوَابُ مُقَفَّلَهٌ کَمَا تَرَی مَا فَتَحْتُهَا فَحَدَّثْتُهُ بِالْحَدِیثِ فَقَالَ هَذَا مَوْلَانَا صَاحِبُ الزَّمَانِ صلوات الله علیه وَ قَدْ شَاهَدْتُهُ دَفَعَاتٍ فِی مِثْلِ هَذِهِ اللَّیْلَهِ عِنْدَ خُلُوِّهَا مِنَ النَّاسِ فَتَأَسَّفْتُ عَلَی مَا فَاتَنِی مِنْهُ وَ خَرَجْتُ عِنْدَ قُرْبِ الْفَجْرِ وَ قَصَدْتُ الْکَرْخَ إِلَی الْمَوْضِعِ الَّذِی کُنْتُ مُسْتَتِراً فِیهِ فَمَا أَضْحَی النَّهَارُ إِلَّا وَ أَصْحَابُ ابْنِ الصَّالِحَانِ یَلْتَمِسُونَ لِقَائِی وَ یَسْأَلُونَ عَنِّی أَصْدِقَائِی وَ مَعَهُمْ أَمَانٌ مِنَ الْوَزِیرِ وَ رُقْعَهٌ بِخَطِّهِ فِیهَا کُلُّ جَمِیلٍ فَحَضَرْتُ مَعَ ثِقَهٍ مِنْ أَصْدِقَائِی عِنْدَهُ فَقَامَ وَ الْتَزَمَنِی وَ عَامَلَنِی بِمَا لَمْ أَعْهَدْهُ مِنْهُ وَ قَالَ انْتَهَتْ بِکَ الْحَالُ إِلَی أَنْ تَشْکُوَنِی إِلَی صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ فَقُلْتُ قَدْ کَانَ مِنِّی دُعَاءٌ وَ مَسْأَلَهٌ فَقَالَ وَیْحَکَ رَأَیْتُ الْبَارِحَهَ مَوْلَایَ صَاحِبَ الزَّمَانِ فِی النَّوْمِ یَعْنِی لَیْلَهَ الْجُمُعَهِ وَ هُوَ یَأْمُرُنِی بِکُلِّ جَمِیلٍ وَ یَجْفُو عَلَیَّ فِی ذَلِکَ جَفْوَهً خِفْتُهَا فَقُلْتُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَشْهَدُ أَنَّهُمُ الْحَقُّ وَ مُنْتَهَی الْحَقِّ رَأَیْتُ الْبَارِحَهَ مَوْلَانَا فِی الْیَقَظَهِ وَ قَالَ لِی کَذَا وَ کَذَا وَ شَرَحْتُ مَا رَأَیْتُهُ فِی الْمَشْهَدِ فَعَجِبَ مِنْ ذَلِکَ وَ جَرَتْ مِنْهُ أُمُورٌ عِظَامٌ حِسَانٌ فِی هَذَا الْمَعْنَی وَ بَلَغْتُ مِنْهُ غَایَهً مَا لَمْ أَظُنَّهُ بِبَرَکَهِ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ (۱).

۱- ۱. دلائل الإمامه ص ۳۰۴- ۳۰۶.

**[ترجمه]کتاب الامامه للطبری: ابو جعفر محمد بن هارون بن موسی تلعکبری نقل کرد: ابو الحسین بن ابی بغل کاتب روایت کرد: از طرف ابی منصور بن صالحان مسولیتی را به عهده گرفتم و میان من و او اتفاقی افتاد که می‌بایست خود را از او پنهان کنم، پس مرا طلبید و بیم داد و من بیمناک و پنهان بودم، سپس در شب جمعه به طرف قبرستان‌های قریش به راه افتادم و خواستم شب را برای خواندن دعا و حاجت در آنجا بمانم، شب باد و باران بود، از ابن جعفر القیم خواستم که درها را ببندد و در خلوت بودن این مکان بکوشد تا من نیز به دعا و حاجت خود که می‌خواهم، خلوت کنم، و از وارد شدن انسانی که از او ایمن نیستم، در امان باشم، و از اینکه او را ببینم ترس داشتم، پس چنین کرد و درها را بست و شب به نیمه رسید و باد و باران به حدی بود که ارتباط مردم را از این مکان قطع کرد، و من ماندم و به دعا و نماز و زیارت مشغول شدم.

در همین حال بودم که صدای پایی در کنار قبر مولایمان حضرت کاظم علیه السلام شنیدم و مردی دیدم که زیارت می‌کند و بر حضرت آدم و پیامبران اولوالعزم علیهم السلام، درود فرستاد. سپس امامان را یکی یکی نام برد تا به اسم صاحب الزمان علیه السلام رسید پس نام ایشان را نیاورد، از این امر تعجب کردم و گفتم: شاید فراموش کرد یا نمی‌داند یا به خاطر مذهب آن مرد است.

هنگامی که از زیارت خود فارغ شد دو رکعت نماز گزارد و به نزد مولایمان امام باقر علیه السلام آمد و مثل همان زیارت و سلام را به جا آورد و دو رکعت نماز گزارد و من از او می‌ترسیدم، چون او را نمی‌شناختم و او را جوان و مردی کامل یافتم که لباس سفیدی به تن داشت و عمامه‌ای حنک دار و ردایی بر دوش دارد، به من گفت: ای ابالحسین بن ابی بغل، چرا دعای فرج نمی‌خوانی؟ عرض کردم: چه دعایی است، سرور من؟ فرمودند: دو رکعت نماز می‌گزاری و می‌گویی:

«ای کسی که زیبایی را آشکار کردی و زشتی را پوشاندی ای کسی که به گناهان مواخذه نکردی و پرده حرمت را ندریدی، ای صاحب گذشت بزرگ و ای نیکو درگذرنده ای که آمرزشت فراوان است، و دستانت را به رحمت گشودی، ای همدم هر نجوا و انتهای هر شکایت ای صاحب گذشت بزرگوارانه یا بخشنده بزرگ ای آغازگر نعمت‌ها قبل از فرا رسیدن شایستگی آن، ای پروردگار من – ده بار – ای سرور من – ده بار – ای مولای من – ده بار – ای نهایت من – ده بار – ای انتهای آرزوی من – ده بار – از تو می‌خواهم به حق این نام‌ها و به حق محمد و خاندان پاکش علیهم السلام که مشکل مرا برطرف نمایی و اندوه مرا بزدایی و در کار من گشایش ایجاد کنی و حالم را اصلاح گردانی».

بعد از این هر دعایی که خواستی می‌خوانی و حاجتت را مسألت می‌کنی سپس طرف راست صورت خود را بر زمین قرار می‌دهی و صد بار در سجده می‌گویی: «ای محمد ای علی ای علی ای محمد، مرا کفایت نمایید به راستی که شما کفایت‌کننده من هستید و مرا یاری رسانید به راستی که شما یاری‌کنندگان من هستید» و گونه چپ خود را بر زمین می‌نهی و صد بار می‌گویی: «أدرکنی: مرا درک کن» و آن را بسیار تکرار می‌کنی و به اندازه یک نفس کامل می‌گویی الغوث الغوث و سرت را بالا- می کنی و خداوند به کرم خویش حاجتت را برمی‌آورد إنشاء الله تعالی.

و زمانی که به نماز و دعا مشغول شدم، خارج شد و هنگامی که از نماز فارغ شدم و به پیش ابن جعفر رفتم تا در مورد آن مرد بپرسم که چگونه داخل شد؟ و دیدم که درها همانطور بسته و قفل است. تعجب کردم و گفتم: شاید دری آنجا باشد که من نمی‌دانستم، ابن جعفر قیم را بیدار کردم پس از اتاقی که روغن در آن است، به سوی من بیرون آمد و از او درباره آن مرد و وارد شدنش پرسیدم، گفت: همانطور که می... بینی درها بسته است و من آنها را نگشودم، پس برای او نقل کردم، گفت: او مولایمان صاحب الزمان صلوات الله علیه است و درچنین شب... هایی که اینجا خالی از مردم است چندین بار ایشان را دیده‌ام.

پس بر آنچه از دست من رفت افسوس خوردم، نزدیک سپیده دم خارج شدم و به سمت کرخ و مکانی که در آن پنهان بودم رفتم، همین که روشنایی روز برآمد، یاران ابن صالحان می‌خواستند مرا ملاقات کنند و از دوستانم در مورد من می پرسیدند و امانت نامه‌ای نیز از جانب وزیر

و نامه‌ای به خط او داشتند که در آن بود، همه چیز خوب است، پس با دوستان مطمئن خود نزد او حاضر شدم، پس برخاست و مرا احترام کرد و چنـان با من رفتار کرد که مثل که از او سـراغ نداشـتم، و گفت: اوضاع تو به گونه‌ای گشت که از من به نزد صاحب الزمان صـلوات الله علیه شکایت می‌بری؟ گفتم: من دعا و حاجتی داشتم گفت: وای بر تو، شب گذشته یعنی شب جمعه، مولایمان صاحب الزمان را در خواب دیدم و او مرا به انجام کارهای نیک امر فرمودنـد، و چنان بر من سخت گرفت که هراسـناک گشـتم و گفتم: خـدایی جز خدای یگانه نیست، گواهی می‌دهم که آنها حق و در نهایت حق هسـتند، شب گذشـته مولایمان را در بیـداری دیدم و به من چنین و چنان فرمودند، و من آنچه را در حرم امام دیدم برای ایشان شـرح دادم، پس از این امر تعجب کرد و کارهای بزرگ و نیکویی از او در این باب سر زد و به برکت مولایمان صاحب الزمان صلوات الله علیه از جانب او به بالاترین چیزهایی دست یافتم که گمان نمی‌کردم. - . دلائل الامامه: ۳۰۶ – ۳۰۴ -

**[ترجمه]

«۳۴»

إِخْتِيَارُ ابْنِ الْبَاقِي، عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ قَالَ: سَمِعْتُ الرِّضَا علیه السلام يَدْعُو بِكَلِمَاتٍ فَحَفِظْتُهَا عَنْهُ فَمَا دَعَوْتُ بِهَا فِي شِدَّةٍ إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ عَنِّي وَ هِيَ هَذِهِ اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كُرْبَةٍ وَ أَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَ أَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَ عُدَّةٌ كَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤَادُ وَ تَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَ تُعْيِينِي فِيهِ الْأُمُورُ وَ يَخْذُلُ فِيهِ الْقَرِيبُ وَ الْبَعِيدُ وَ الصَّدِيقُ وَ يَشْمَتُ فِيهِ الْعَدُوُّ أَنْزَلْتُهُ بِكَ وَ شَكَوْتُهُ إِلَيْكَ رَاغِباً إِلَيْكَ فِيهِ عَمَّنْ سِوَاكَ فَفَرَّجْتَهُ وَ كَشَفْتَهُ وَ كَفَيْتَنِيهِ فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ صَاحِبُ كُلِّ حَاجَةٍ وَ مُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ فَلَكَ الْحَمْدُ كَثِيراً وَ لَكَ الْمَنُّ فَاضِلًا وَ بِنِعْمَتِكَ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ يَا مَعْرُوفاً بِالْمَعْرُوفِ يَا مَنْ هُوَ بِالْمَعْرُوفِ مَوْصُوفٌ آتِنِي مِنْ مَعْرُوفِكَ مَعْرُوفاً تُغْنِينِي بِهِ عَنْ مَعْرُوفِ مَنْ سِوَاكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

**[ترجمه]اختیار ابن الباقی: ریان بن صـلت نقل کرد: از حضـرت رضا علیه السـلام شـنیدم به کلماتی دعا می‌فرمودند پس از او حفظ نمودم و هرگاه در سختی آنها را بر زبان می‌آوردم، خداوند آن را برطرف می‌نمود و دعا این است:

«خدایا تو اطمینان من در هر گرفتاری و امید من در هر سختی هستی و تو در هر آنچه بر من پیش آید، اطمینان و توشه‌ای، چه بسیار گرفتاری... هایی که دل در برابر آنها ناتوان گردد و تـدبیرها انـدک شود و مسائل آن مرا به سـستی وادارد، و نزدیک و دور و دوست در آن تنها شونـد و دشمن به شماتت پردازد و من آن را به سوی تو آوردم و از آن به درگاه تو شکایت کردم و از دیگران به سوی تو گراییدم پس آن را برطرف نمودی و زدودی و او را کفایت نمودی.

تو سـرپرست تمـام نعمت‌هـا و همراه هر نیاز و انتهای هر آرزویی، سپاس فراوان و بخشـش فزاینـده از آن توست، و به نعمت توست که اعمال نیـک کامل گردد، ای کسـی که به نیکی شـناخته شـدی و به نیکی توصـیف می‌شوی، از نیکی خود، چیز پسـندیده‌ای به من عطا کن تا مرا از نیکی‌های دیگران بی‌نیاز گردانی، به رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

**[ترجمه]

«۳۵»

مهج، [مهج الدعوات]: دُعَاءُ الْمَأْسُورِ بِأَرْضِ الرُّومِ قِيلَ أُسِرَ رَجُلٌ بِأَرْضِ الرُّومِ فَقَامَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ فَبَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ مَلَكاً حَتَّى صَيَّرَهُ فِي خِبَائِهِ مَعَ رُفَقَائِهِ فَسَأَلُوهُ عَنْ حَالِهِ فَأَخْبَرَهُمْ أَنَّهُ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ هُوَ أَيْنَ إِلَهُ الدَّاهِرِينَ أَيْنَ إِلَهُ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَيْنَ مُغْرِقُ فِرْعَوْنَ وَ جُنُودِهِ أَيْنَ مُهْلِكُ الْجَبَابِرَةِ أَيْنَ الَّذِي مَنِ ابْتَغَاهُ وَجَدَهُ أَيْنَ الَّذِي مَنْ دَعَاهُ أَجَابَهُ أَيْنَ الَّذِي لَا يُسَلِّمُ أَوْلِيَاءَهُ أَيْنَ الَّذِي كَانَ وَ لَمْ يَكُنْ شَيْ ءٌ قَبْلَهُ أَيْنَ الَّذِي يَبْقَى وَ يَفْنَى كُلُّ شَيْ ءٍ بِأَمْرِهِ أَيْنَ الَّذِي أَرْسَى الْجِبَالَ بِقُدْرَتِهِ أَيْنَ الَّذِي زَخَّرَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ أَيْنَ

مُفَرِّجُ الْغُمُوم وَ الْهُمُوم أَيْنَ خَالِقُ الْخَلَائِقِ أَيْنَ عَظِيمُ الْعُظَمَاءِ أَنْتَ هُوَ يَا رَبِّ أَنْتَ هُوَ يَا رَبِّ أَنْتَ هُوَ يَا رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِ مُحَمَّداً الْوَسِيلَهَ وَ اسْتَجِبْ دُعَائِی بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ افْكُكْنِی مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَ ارْحَمْنِی يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا كهيعص آمِينَ آمِينَ يَا قُدُّوسُ يَا قُدُّوسُ يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ يَا آخِرَ الْآخِرِينَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ

يَا رَحِيمُ افْعَلْ بِی كَذَا وَ كَذَا(۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: دعای شخصی است که در زمین روم اسیر شده بود. مروی است که شخصی در زمین روم گرفتار شده بود. پس در آخر شب برخاست و دو رکعت نماز گزارد و این دعا را خواند. پس خدای عزّ و جلّ برای او فرشته ای را فرستاد تا آنکه او را به خانه خودش به نزد رفیقهای خودش برد. پس ایشان از حال او سؤال نمودند. به ایشان خبر داد که من این دعا را خواندم و دعا این است:

کجاست برای من خدای روزگاران؟ کجاست خدای بنی اسرائیل؟ کجاست غرق کننده فرعون و سپاه او؟ کجاست هلاک کننده پادشاهان با جبروت؟ کجاست آن شخص که هر کس طلب نمود او را یافت؟ کجاست آن شخصی که هر کس او را خواندحاجت او را برآورد؟ کجاست آن شخصی که دوستان خود را در هلاکت وانمی گذارد؟ کجاست آن شخصی که همیشه بود و نبودچیزی پیش از آن؟ کجاست آن شخصی که باقی می ماند و هر چیزی به فرمان او از بین می رود؟ کجاست آن شخصی که کوه ها را به قدرت خودبلند کرد؟ کجاست آن شخصی که دریا را پر کرد پس شکافته شد؟ پس هر بخش از آن مانند کوه بزرگ بود؟ کجاست برطرف کننده غمها و اندوهها، کجاست آفریدگار آفریدگان؟ کجاست بزرگترین بزرگان؟ تویی آن شخص ای پروردگار من، تویی آن شخص ای پروردگار من، تویی آن شخص ای پروردگار من، رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و وساطت را به محمد عطا کن.و مستجاب کن دعای مرا به حقّ این کلمه که نیست خدایی مگر تو، رها کن مرا از هر بلایی و رحم نمای بر من ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

ای کهیعص مستجاب گردان دعای مرا مستجاب کن دعای مرا، ای پاکیزه ای منزّه از عیبها ای اوّل همه پیشینیان، ای آخر همه پسینیان، ای خدا ای خدا ای خدا، ای بسیار بخشنده ای بسیار بخشنده ای بسیار بخشنده ای مهربان ای مهربان در حق من چنین و چنان کن....... - . مهج الدعوات: ۳۹۳ -

**[ترجمه]

«۳۶»

مهج، [مهج الدعوات] رُوِیَ: أَنَّ رَجُلًا كَانَ مَحْبُوساً بِالشَّامِ مُدَّةً طَوِيلَةً مُضَيَّقاً عَلَيْهِ فَرَأَى فِی مَنَامِهِ كَأَنَّ الزَّهْرَاءَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا أَتَتْهُ فَقَالَتْ لَهُ ادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ فَتَعَلَّمَهُ وَ دَعَا بِهِ فَتَخَلَّصَ وَ رَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ وَ هُوَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ الْعَرْشِ وَ مَنْ عَلَاهُ وَ بِحَقِّ الْوَحْیِ وَ مَنْ أَوْحَاهُ وَ بِحَقِّ النَّبِیِّ وَ مَنْ نَبَّأَهُ يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ يَا جَامِعَ كُلِّ فَوْتٍ يَا بَارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ آتِنَا وَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِی مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا فَرَجاً مِنْ عِنْدِكَ عَاجِلًا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً(۲).

**[ترجمه]مهج الدعوات: مروی است که شخصی در شهر شام مدّت مدیدی محبوس بود و در شدّت آزار بود. پس در خواب دید که حضرت فاطمه علیها السّلام آمد و به او گفت که: این دعا را بخوان. پس آن شخص این دعا را یاد گرفت و چون بیدار شد، این دعا را خواند. پس از حبس نجات یافت و به خانه خود رفت. و دعا این است:

«خداوندا به حقّ عرش و کسی که آن را بلند کرد و به حقّ وحی و کسی که آن را فرستاد و به حقّ پیغمبر و کسی که او را پیغمبر کرد و به حقّ خانه کعبه و کسی که آن را ساخت، ای شنوای هر آوازی، ای گردکننده هر از دست رفته ای، ای خلق کننده مردمان پس از مرگ، رحمت فرست بر محمّد و اهل خانه او و به زودی از جانب خود به ما و به همه مردان و زنان مؤمن که در مشرق های روی زمین و مغرب های آن گشایشی بده، به سبب آنکه گواهی می دهم به آنکه نیست خدایی مگر خدا و آنکه محمّد بنده توست و فرستاده توست رحمت فرستد بر او و بر اولاد او که پاکان و پاکیزگانند و درود فرستد خدا بر ایشان درودی بسیار» - . مهج الدعوات: ۱۷۶ - .

**[ترجمه]

«۳۷»

جُنَّهُ الْأَمَانِ، رَأَيْتُ فِی بَعْضِ كُتُبِ أَصْحَابِنَا مَا مُلَخَّصُهُ: أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله وَ قَالَ یَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّی كُنْتُ غَنِیّاً فَافْتَقَرْتُ وَ صَحِیحاً فَمَرِضْتُ وَ كُنْتُ مَقْبُولًا عِنْدَ النَّاسِ فَصِرْتُ مَبْغُوضاً وَ خَفِیفاً عَلَی قُلُوبِهِمْ فَصِرْتُ ثَقِیلًا وَ كُنْتُ فَرْحَانَ فَاجْتَمَعَتْ عَلَیَّ الْهُمُومُ وَ قَدْ ضَاقَتْ عَلَیَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَ أَجُولُ طُولَ نَهَارِی فِی طَلَبِ الرِّزْقِ فَلَا أَجِدُ مَا أَتَقَوَّتُ بِهِ كَأَنَّ اسْمِی قَدْ مُحِیَ مِنْ دِیوَانِ الْأَرْزَاقِ.

فَقَالَ لَهُ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله یَا هَذَا لَعَلَّكَ تَسْتَعْمِلُ مِیرَاثَ الْهُمُومِ فَقَالَ وَ مَا مِیرَاثُ الْهُمُومِ قَالَ لَعَلَّكَ تَتَعَمَّمُ مِنْ قُعُودٍ أَوْ تَتَسَرْوَلُ مِنْ قِیَامٍ أَوْ تَقْلِمُ أَظْفَارَكَ بِسِنِّكَ أَوْ تَمْسَحُ وَجْهَكَ بِذَیْلِكَ أَوْ تَبُولُ فِی مَاءٍ رَاكِدٍ أَوْ تَنَامُ مُنْبَطِحاً عَلَی وَجْهِكَ فَقَالَ لَمْ أَفْعَلْ مِنْ ذَلِكَ شَیْئاً فَقَالَ لَهُ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله اتَّقِ اللَّهَ وَ أَخْلِصْ ضَمِیرَكَ وَ ادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ هُوَ دُعَاءُ الْفَرَجِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ إِلَهِی طُمُوحُ الْآمَالِ قَدْ خَابَتْ إِلَّا لَدَیْكَ وَ مَعَاكِفُ الْهِمَمِ قَدْ تَقَطَّعَتْ إِلَّا عَلَیْكَ وَ مَذَاهِبُ الْعُقُولِ قَدْ سَمَتْ إِلَّا إِلَیْكَ فَإِلَیْكَ الرَّجَاءُ وَ إِلَیْكَ الْمُلْتَجَأُ یَا أَكْرَمَ مَقْصُودٍ وَ یَا أَجْوَدَ مَسْئُولٍ هَرَبْتُ إِلَیْكَ بِنَفْسِی

ص: ۲۰۳

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۳۹۳.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۱۷۶.

يَا مَلْجَأَ الْهَارِبِينَ بِأَثْقَالِ الذُّنُوبِ أَحْمِلُهَا عَلَى ظَهْرِي وَ لَا أَجِدُ لِي شَافِعاً سِوَى مَعْرِفَتِي بِأَنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ رَجَاهُ الطَّالِبُونَ وَ لَجَأَ إِلَيْهِ الْمُضْطَرُّونَ وَ أَمَّلَ مَا لَدَيْهِ الرَّاغِبُونَ يَا مَنْ فَتَقَ الْعُقُولَ بِمَعْرِفَتِهِ وَ أَطْلَقَ الْأَلْسُنَ بِحَمْدِهِ وَ جَعَلَ مَا امْتَنَّ بِهِ عَلَى عِبَادِهِ كِفَاءً لِتَأْدِيَهِ حَقِّهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ لَا تَجْعَلْ لِلْهَوْمِ [لِلْهُمُومِ] عَلَى عَقْلِي سَبِيلًا وَ لَا لِلْبَاطِلِ عَلَى عَمَلِي دَلِيلًا وَ افْتَحْ لِي بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ يَا وَلِيَّ الْخَيْرِ فَلَمَّا دَعَا بِهِ الرَّجُلُ وَ أَخْلَصَ نِيَّتَهُ عَادَ إِلَى أَحْسَنِ حَالاتِهِ.

**[ترجمه]جنه الامان: در برخی کتاب‌های راویان امامی دیدم، مردی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا من بی‌نیاز بودم و نیازمند گشتم و سالم بودم و بیمار شدم، در نزد مردم پذیرفته بودم و اکنون مورد دشمنی آنها قرار گرفتم و بر قلب‌هاشان سبک بودم و سنگین گشتم، شاد بودم پس غم‌ها بر من جمع شد و زمین با تمام گستردگی‌اش بر من تنگ آمد، و در طول روز در پی رزقم و چیزی نمی‌یابم تا قوت خود قرار دهم، گویی اسم من از دیوان روزی‌ها پاک شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمودند: ای مرد، شاید میراث غم‌ها را به کار می‌بندی، گفت: میراث غم‌ها چیست: فرمودند: شاید نشسته عمامه می‌پوشی و یا ایستاده شلوار می پوشی یا ناخن‌هایت را با دندان خود می‌گیری یا چهره‌ات را با دامن لباس خود پاک می کنی، یا در آب راکد، ادرار می‌کنی یا به رو می‌خوابی؟ گفت: هیچ یک از این کارها را نکردم، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمودند: تقوای خدا را پیشه گیر و باطن خود را خالص گردان، و این دعا یعنی دعای فرج را بخوان:

«به نام خداوند بخشنده مهربان، خدایا آرزوهای بلند جز در نزد تو به نومیدی گراییدند و انبوه غم‌ها جز به دست تو از بین نخواهد رفت و افکار تنها به سوی تو اوج گرفت، پس امید و پناه تنها به سوی توست، ای گرامی‌ترین کسی که قصد شد و ای بخشنده‌ترین کسی که از او درخواست شد، به سوی تو گریختم ای پناه گریختگانی که بار سنگین گناه دارند، آنها را بر پشت خود حمل می‌کنم و شفیعی بر خود نمی‌یابم جز اینکه می‌دانم تو نزدیک‌ترین کسی هستی که خواستاران به او امید دارند و درماندگان به او پناه جستند و گرایندگان به آنچه نزد اوست امید دارند.

ای کسی که با معرفت خود فکرها را شکافت و با سپاس خود زبان‌ها را گشود و بخشش‌هایی که بر بندگان خویش داشت سبب پرداخت حق خود قرار داد. بر محمد و خاندان او درود فرست و برای خواب، بر فکر من راهی قرار مده و باطل را راهنمای کردارم قرار مده و خیر دنیا و آخرت را به روی من بگشا ای سرپرست خیر».

هنگامی که آن مرد، دعا را خواند و نیتش را خالص گردانید، به بهترین حالات خود بازگشت.

**[ترجمه]

«۳۸»

ق، [الكتاب العتيق الغروي] دُعَاءُ التَّحَرُّزِ مِنَ الْآفَاتِ وَ التَّعَوُّذِ مِنَ الْهَلَكَاتِ (۱) قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمَرْوَزِيُّ حَدَّثَنِي عُمَارَةُ بْنُ زَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْعَلَاءِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ علیه السلام يَقُولُ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیهما السلام وَ بَيْنَنَا قَوْمٌ مِنَ الْأَنْصَارِ إِذْ أَتَاهُ آتٍ فَقَالَ لَهُ الْحَقْ فَقَدِ احْتَرَقَتْ دَارُكَ فَقَالَ يَا بُنَيَّ مَا احْتَرَقَتْ فَذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَلْبَثْ أَنْ عَادَ فَقَالَ قَدْ وَ اللَّهِ احْتَرَقَتْ دَارُكَ فَقَالَ يَا بُنَيَّ وَ اللَّهِ مَا احْتَرَقَتْ فَذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَلْبَثْ أَنْ عَادَ وَ مَعَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَهْلِنَا وَ مَوَالِينَا يَبْكُونَ وَ يَقُولُونَ بِأَبِي قَدِ احْتَرَقَتْ دَارُكَ فَقَالَ كَلَّا وَ اللَّهِ مَا احْتَرَقَتْ وَ لَا كَذَبْتُ وَ أَنَا أَوْثَقُ بِمَا فِي يَدِي مِنْكُمْ وَ مِمَّا أَبْصَرَتْ أَعْيُنُكُمْ وَ قَامَ أَبِي وَ قُمْتُ مَعَهُ حَتَّى انْتَهَوْا إِلَى مَنَازِلِنَا وَ النَّارُ مُشْتَعِلَةٌ عَنْ أَيْمَانِ مَنَازِلِنَا وَ عَنْ شِمَالِهَا وَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ مِنْهَا ثُمَّ عَدَلَ إِلَى الْمَسْجِدِ فَخَرَّ سَاجِداً وَ قَالَ فِي سُجُودِهِ وَ عِزَّتِكَ وَ جَلَالِكَ لَا رَفَعْتُ رَأْسِي مِنْ سُجُودِي أَوْ تُطْفِئَهَا قَالَ فَوَ اللَّهِ مَا رَفَعَ رَأْسَهُ حَتَّى طَفِئَتْ وَ صَارَتْ إِلَى جَارِهِ وَ احْتَرَقَ مَا حَوْلَهَا وَ سَلِمَتْ مَنَازِلُنَا قَالَ فَقُلْتُ يَا أَبَهْ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيُّ شَيْ ءٍ هَذَا قَالَ يَا بُنَيَّ إِنَّا نَتَوَارَثُ مِنْ عِلْمِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله كَنْزاً هُوَ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا وَ مِنَ الْمَالِ وَ الْجَوَاهِرِ وَ أَعَزُّ مِنَ الْجُمْهُورِ وَ السِّلَاحِ

وَ الْخَيْلِ وَ الْعَدَدِ فَقُلْتُ يَا أَبَهْ جُعِلْتُ فِدَاکَ وَ مَا هُوَ قَالَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَتَی جَبْرَئِیلُ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله وَ عَلَّمَهُ مُحَمَّدٌ عَلِیّاً أَخَاهُ وَ فَاطِمَهَ علیهما السلام وَ تَوَارَثْنَاهُ عَنْ آبَائِنَا

ص: ۲۰۴

۱- ۱. فی هامش الأصل: أوردته بسند آخر فی تعقیب صلاه الفجر باختلاف و لذا أوردته هاهنا أیضا.

وَ هُوَ الدُّعَاءُ الْكَامِلُ الَّذِی مَنْ قَدَّمَهُ أَمَامَهُ فِی کُلِّ یَوْمٍ وَکَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ مِائَةَ أَلْفِ مَلَکٍ یَحْفَظُونَهُ فِی مَالِهِ وَ نَفْسِهِ وَ وُلْدِهِ وَ جَسَدِهِ وَ أَهْلِ عِنَایَتِهِ مِنَ الْغَرَقِ وَ الْحَرَقِ وَ السَّرَقِ وَ الْهَدْمِ وَ الْخَسْفِ وَ الْقَذْفِ وَ زَجَرَ عَنْهُ الشَّیْطَانَ وَ لَا یَحُلُّ بِهِ سِحْرُ سَاحِرٍ وَ لَا کَیْدُ کَائِدٍ وَ لَا حَسَدُ حَاسِدٍ وَ کَانَ فِی أَمَانِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ أَلْفِ صِدِّیقٍ فَإِنْ مَاتَ مِنْ یَوْمِهِ دَخَلَ الْجَنَّهَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی قُلْتُ یَا أَبَهْ جَعَلَنِیَ اللَّهُ فِدَاکَ عَلِّمْنِیهِ قَالَ نَعَمْ احْتَفِظْ بِهِ وَ لَا تُعَلِّمْهُ إِلَّا لِمَنْ تَثِقُ بِهِ فَإِنَّهُ دُعَاءٌ لَا یُسْأَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ شَیْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ قَائِلَهُ یَا بُنَیَّ إِذَا أَصْبَحْتَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَصْبَحْتُ أُشْهِدُکَ وَ کَفَی بِکَ شَهِیداً وَ أُشْهِدُ مَلَائِکَتَکَ وَ حَمَلَهَ عَرْشِکَ وَ سُکَّانَ سَمَاوَاتِکَ وَ أَرَضِیکَ وَ أَنْبِیَاءَکَ وَ رُسُلَکَ وَ الصَّالِحِینَ مِنْ عِبَادِکَ وَ جَمِیعِ خَلْقِکَ بِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ وَ أَنَّ کُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ دُونِ عَرْشِکَ إِلَی قَرَارِ الْأَرَضِینَ السَّابِعَهِ السُّفْلَی بَاطِلٌ مَا خَلَا وَجْهَکَ الْکَرِیمَ فَإِنَّهُ أَعَزُّ وَ أَکْرَمُ وَ أَجَلُّ مِنْ أَنْ یَصِفَ الْوَاصِفُونَ کُنْهَ جَلَالِهِ أَوْ تَهْتَدِیَ الْقُلُوبُ لِکُلِّ عَظَمَتِهِ یَا مَنْ فَاقَ مَدْحَ الْمَادِحِینَ فَخْرُ مَدْحِهِ وَ عَدَا وَصْفَ الْوَاصِفِینَ مَآثِرُ حَمْدِهِ وَ جَلَّ عَنْ مَقَالَهِ النَّاطِقِینَ تَعْظِیمُ شَأْنِهِ تَقُولُ ذَلِکَ ثَلَاثاً ثُمَّ تَقُولُ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ هُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ وَ تَقُولُ ذَلِکَ إِحْدَی عَشْرَهَ مَرَّهً ثُمَّ تَقُولُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْحَلِیمِ الْکَرِیمِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ الْمَلِکِ الْحَقِّ الْمُبِینِ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ وَ زِنَهَ عَرْشِهِ وَ مِلْ ءَ سَمَاوَاتِهِ وَ أَرْضِهِ وَ عَدَدَ مَا جَرَی بِهِ قَلَمُهُ وَ أَحْصَاهُ کِتَابُهُ وَ رِضَا نَفْسِهِ تَقُولُ ذَلِکَ إِحْدَی عَشْرَهَ مَرَّهً ثُمَّ تَقُولُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ الْمُبَارَکِینَ وَ صَلِّ عَلَی جَبْرَئِیلَ وَ مِیکَائِیلَ وَ إِسْرَافِیلَ وَ حَمَلَهِ عَرْشِکَ وَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَیْهِمْ حَتَّی تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا وَ تَزِیدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مَلَکِ الْمَوْتِ وَ أَعْوَانِهِ وَ رِضْوَانَ وَ خَزَنَهِ الْجِنَانِ وَ صَلِّ عَلَی مَالِکٍ وَ خَزَنَهِ النِّیرَانِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِمْ حَتَّی تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا وَ تَزِیدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱) اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَ السَّفَرَهِ الْكِرَامِ الْبَرَرَهِ وَ الْحَفَظَهِ لِبَنِی آدَمَ وَ صَلِّ عَلَى مَلَائِكَهِ السَّمَاوَاتِ الْعُلَى وَ مَلَائِكَهِ الْأَرَضِينَ السَّابِعَهِ السُّفْلَى وَ مَلَائِكَهِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ الْأَرَضِينَ وَ الْأَقْطَارِ وَ الْبِحَارِ وَ الْأَنْهَارِ وَ الْبَرَارِی وَ الْقِفَارِ وَ صَلِّ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الَّذِينَ أَغْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَقْدِيسِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَبِی آدَمَ وَ أُمِّی حَوَّاءَ وَ مَا وَلَدَا مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ وَ عَلَى أَصْحَابِهِ الْمُنْتَجَبِينَ وَ أَزْوَاجِهِ الْمُطَهَّرِينَ وَ عَلَى ذُرِّيَّهِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى كُلِّ نَبِيٍّ بَشَّرَ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلَى كُلِّ نَبِيٍّ وَلَدَ مُحَمَّداً وَ عَلَى كُلِّ مَرْأَهٍ صَالِحَهٍ كَفَّلَتْ مُحَمَّداً وَ عَلَى كُلِّ مَنْ صَلَاتُكَ عَلَيْهِ رِضًا لَكَ وَ رِضًا لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ رَحِمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً الْوَسِيلَهَ وَ الْفَضْلَ وَ الْفَضِيلَهَ وَ الدَّرَجَهَ الرَّفِيعَهَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَمَرْتَنَا أَنْ نُصَلِّیَ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ كُلِّ صَلَاهٍ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ كُلِّ حَرْفٍ فِی صَلَاهٍ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ شَعْرٍ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ شَعْرٍ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ نَفَسِ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ نَفَسِ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ سُكُونِ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ اللَّهُمَ

۱- ۱. ما بين العلامتين ساقط من نسخه الكمبانیّ، أضفناه من نسخه خطيه.

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ سُكُونِ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ حَرَكَهِ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ حَرَكَاتِهِمْ وَ صِفَاتِهِمْ وَ دَقَائِقِهِمْ وَ سَاعَاتِهِمْ وَ عَدَدِ زِنَهِ ذَرِّ مَا عَمِلُوا أَوْ لَمْ يَعْمَلُوا أَوْ كَانَ مِنْهُمْ أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ وَ الْمَنُّ وَ الْفَضْلُ وَ الطَّوْلُ وَ النِّعْمَهُ وَ الْعَظَمَهُ وَ الْجَبَرُوتُ وَ الْمُلْكُ وَ الْمَلَكُوتُ وَ الْقَهْرُ وَ الْفَخْرُ وَ السُّؤْدُدُ وَ السُّلْطَانُ وَ الِامْتِنَانُ وَ الْكَرَمُ وَ الْجَلَالُ وَ الْجَبْرُ وَ التَّوْحِيدُ وَ التَّمْجِيدُ وَ التَّهْلِيلُ وَ التَّكْبِيرُ وَ التَّقْدِيسُ وَ الْعَظَمَهُ وَ الرَّحْمَهُ وَ الْمَغْفِرَهُ وَ الْكِبْرِيَاءُ وَ لَكَ مَا زَكَا وَ طَابَ مِنَ الثَّنَاءِ الطَّيِّبِ وَ الْمَدِيحِ الْفَاخِرِ وَ الْقَوْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ الَّذِى تَرْضَى بِهِ عَنْ قَائِلِهِ وَ تَرْضَى بِهِ مِمَّنْ قَالَهُ وَ هُوَ رِضًا لَكَ فَتَقَبَّلْ حَمْدِى بِحَمْدِ أَوَّلِ الْحَامِدِينَ وَ ثَنَائِى بِثَنَاءِ أَوَّلِ الْمُثْنِينَ وَ تَهْلِيلِى بِتَهْلِيلِ أَوَّلِ الْمُهَلِّلِينَ وَ تَكْبِيرِى بِتَكْبِيرِ أَوَّلِ الْمُكَبِّرِينَ وَ قَوْلِى الْحَسَنِ الْجَمِيلِ بِقَوْلِ أَوَّلِ الْقَائِلِينَ الْمُجْمِلِينَ الْمُثْنِينَ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ مُتَّصِلًا ذَلِكَ كَذَلِكَ مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ وَ بِعَدَدِ زِنَهِ ذَرِّ الرِّمَالِ وَ التِّلَالِ وَ الْجِبَالِ وَ عَدَدِ جُرَعِ مَاءِ الْبِحَارِ وَ عَدَدِ قَطْرِ الْأَمْطَارِ وَ وَرَقِ الْأَشْجَارِ وَ عَدَدِ النُّجُومِ وَ عَدَدِ زِنَهِ ذَلِكَ وَ عَدَدِ الثَّرَى وَ النَّوَى وَ الْحَصَى وَ عَدَدِ زِنَهِ ذَرِّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَيْنَ ذَلِكَ وَ مَا فَوْقَ ذَلِكَ مِنْ لَدُنِ الْعَرْشِ إِلَى قَرَارِ الْأَرْضِ السَّابِعَهِ السُّفْلَى وَ عَدَدِ حُرُوفِ أَلْفَاظِ أَهْلِهِنَّ وَ عَدَدِ أَزْمَانِهِمْ وَ دَقَائِقِهِمْ وَ سُكُونِهِمْ وَ حَرَكَاتِهِمْ وَ أَشْعَارِهِمْ وَ أَبْشَارِهِمْ وَ عَدَدِ زِنَهِ مَا عَمِلُوا أَوْ لَمْ يَعْمَلُوا أَوْ كَانَ مِنْهُمْ أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ.

أُعِيذُ أَهْلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله وَ نَفْسِى وَ مَالِى وَ ذُرِّيَّتِى وَ أَهْلِى وَ وُلْدِى وَ قَرَابَاتِى وَ أَهْلَ بَيْتِى وَ كُلَّ ذِى رَحِمٍ لِى دَخَلَ فِى الْإِسْلَامِ وَ جِيرَانِى وَ إِخْوَانِى وَ مَنْ قَلَّدَنِى دُعَاءً أَوْ أَسْدَى إِلَيَّ بِرّاً أَوِ اتَّخَذَ عِنْدِى يَداً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللَّهِ وَ بِأَسْمَائِهِ التَّامَّهِ الشَّامِلَهِ الْكَامِلَهِ الْفَاضِلَهِ الْمُبَارَكَهِ الْمُتَعَالِيَهِ الزَّكِيَّهِ الشَّرِيفَهِ الْمَنِيعَهِ الْكَرِيمَهِ

الْعَظِيمَهِ الْمَكْنُونَهِ الْمَخْزُونَهِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ وَ بِأُمِّ الْكِتَابِ وَ خَاتِمَتِهِ وَ مَا بَيْنَهُمَا مِنْ سُورَهٍ شَرِيفَهٍ وَ آيَهٍ مُحْكَمَهٍ وَ شِفَاءٍ وَ رَحْمَهٍ وَ عُوذَهٍ وَ بَرَكَهٍ وَ بِالتَّوْرَاهِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ بِصُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ بِكُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلَ اللَّهُ وَ بِكُلِّ رَسُولٍ أَرْسَلَ اللَّهُ وَ بِكُلِّ حُجَّهٍ أَقَامَهَا اللَّهُ وَ بِكُلِّ بُرْهَانٍ أَظْهَرَهُ اللَّهُ وَ بِكُلِّ نُورٍ أَنَارَهُ اللَّهُ وَ بِكُلِّ آلَاءِ اللَّهِ وَ عَظَمَتِهِ أُعِيذُ وَ أَسْتَعِيذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ مَا رَبِّي تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِنْهُ أَكْبَرُ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَهِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ السَّلَاطِينِ وَ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ وَ أَشْيَاعِهِ وَ أَتْبَاعِهِ وَ مِنْ شَرِّ مَا فِي النُّورِ وَ الظُّلْمَهِ وَ مِنْ شَرِّ مَا دَهَمَ أَوْ هَجَمَ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ وَ آفَهٍ وَ نَدَمٍ وَ مِنْ شَرِّ ما يَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَ ما يَعْرُجُ فِيها وَ مِنْ شَرِّ ما يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ ما يَخْرُجُ مِنْها وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّهٍ رَبِّي آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّي عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

**[ترجمه]العتیق الغروی: دعای جلوگیری از آفت‌ها و پناه بردن از هلاکت‌ها – . در حاشیه نسخه اصل: آن را با تفاوت و به سندی دیگر در تعقیب نماز صبح آوردم، لذا آن را در اینجا نیز آوردم. – ،

عبدالله بن علا نقل کرد: به همراه أبی محمد بن علی بن حسین علیهما السلام بودم و در میان ما جمعی از انصار حضور داشتند. در این لحظه، شخصی آمد و گفت: به راستی که خانه‌ات در آتش سوخت، پس فرمودند: ای فرزندم، نسوخت پس رفت و طولی نکشید که برگشت و گفت: به خدا سوگند خانه‌ات در آتش سوخت، پس گفت: ای فرزندم به خدا سوگندنسوخت، رفت و طولی نکشید که بازگشت و گروهی از خانواده و دوستان ما به همراه گریه می‌کردند و می‌گفتند: به پدرم سوگند، خانه‌ات آتش گرفت، پس فرمودند: هرگز، سوگند به خدا که خانه آتش نگرفت و من دروغ نگفتم و من به آنچه در دستانم است و چشمان شما می‌بیند، مطمئن‌ترم.

پدرم برخاست و من به همراه او برخاستم تا اینکه به خانه‌هامان رسیدند و آتش از سمت راست و چپ و از هر طرف آن شعله کشیده بود، سپس به مسجد رو کرد و به سجده افتاد و در سجده‌اش گفت: «سوگند به عزت و شکوه تو، سر از سجده برنمی‌دارم تا آن را خاموش کنی» نقل کرد: سوگند به خدا همین که سرش از سجده برداشت آتش خاموش شد و به جوار خود رفت و اطراف خود را سوزاند و خانه‌های ما سالم ماند.

نقل کرد: عرض کردم: ای پدر، فدایت گردم، این چه چیزی است؟ فرمودند: ای فرزندم، ما از علم رسول خدا صلی الله علیه و آله گنجی را به ارث بردیم که از دنیا و هرچه در آن است و از مال و گوهرها بهتر است و از مردم و سلاح، سپاه و توشه‌ها شکست‌ناپذیرتر است.

عرض کردم: ای پدر، فدایت گردم، آن چیست؟ فرمودند: رازی از رسول خدا صلی الله علیه و آله است، که جبرئیل علیه السلام برای محمد صلی الله علیه و آله آورد و محمد آن را به برادرش علی و فاطمه علیها السلام آموخت و ما از پدرانمان به ارث بردیم و آن دعای کاملی است که هر کس، هر روز آن را پیشاپیش خود بخواند، خداوند صد هزار فرشته بر او می‌گمارد تا مال و جان و فرزندان و تن و کسانی که مورد توجه او هستند را از غرق شدن و سوختن و دزدی و ویرانی و فرو رفتگی و دوری حفظ کنند و شیطان را از او دور می‌کند و هیچ جادوگری و مکر فریبنده‌ای و حسادت حسودی بر او وارد نمی‌شود و در امان خداوند عزّ و جلّ می‌باشد و خداوند پاداش هزار صدیق به او عطا می‌کند، و اگر در آن روز بمیرد وارد بهشت می‌شود، انشاء الله تعالی.

عرض کردم: ای پدر، خداوند مرا فدای تو گرداند، آن را به من بیاموز، فرمودند: خیلی خوب آن را حفظ کن و جز به کسی که به او اطمینان داری، به شخصی دیگر نیاموز به راستی که آن دعایی است که خواننده‌ی آن هرچه از خداوند بخواهد به او عطا می‌کند، ای فرزندم، هرگاه صبح کردی بگو: «خدایا من صبح کردم و تو را گواه می‌گیرم و گواه تو کافی است، و فرشتگان تو و حاملان عرش و ساکنان آسمان‌ها و زمین و پیامبران و رسولان و بندگان صالح و تمامی بندگان تو را گواه می‌گیرم به اینکه تو خدای یگانه‌ای که خدایی جز تو نیست، یکتایی و شریکی نداری و هر معبودی از زیر عرش تو تا عمق طبقات هفتگانه زمین، باطل است به جز روی گرامی تو، به راستی که آن عزیز و گرامی و باشکوه‌تر از آن است که توصیف‌کنندگان عمق شکوه آن را وصف کنند یا قلب‌ها به تمام عظمت آن راه یابند، ای کسی که بر فخر مدح او

بر ستایش ستایشگران برتری جست و نشان های نیک سپاس او از وصف توصیف‌کنندگان فراتر رفت و عظمت شأن او از سخن گویندگان شکوهمند تر گشت.

آن را سه بار می‌خوانی سپس می گویی: «خدایی جز خدای یگانه نیست، یکتاست و شریکی ندارد، فرمانروایی او و سپاس از آن اوست، زنده می کند و می‌میراند و او زنده‌ای است که نمی‌میرد، خوبی‌ها به دست اوست، و او بر هر چیز تواناست».

آن را یازده بار می‌خوانی سپس می گویی: «منزه است خدا و سپاس از آن خداست، خدایی جز خدای یگانه نیست و خدا بزرگتر است، هرچه خدا خواهد و هیچ نیرویی جز به خداوند بردبار بزرگوار و بلند مرتبه بزرگ بخشاینده مهربان فرمانروای حق آشکار تحقق نپذیرد به تعداد مخلوقات خدا و به سنگینی عرش خدا و آکندگی آسمان‌ها و زمین او و به شماره آنچه قلم او بر آن جاری شد و کتابش به شماره آرد و خودش خشنود گشت.

آن را یازده مرتبه می‌خوانی و سپس می گویی: «خدایا بر محمد و خاندان فرخنده او درود فرست و بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و حاملان عرش خود و فرشتگان مقرب درود فرست، خدایا بر آنها درود فرست تا آنها را خشنود گردانی و بعد از رضایتشان بر آنها بیافزایی از آنچه به آن سزاواری، ای مهربان‌ترین مهربانان.

خدایا بر فرشته مرگ و یاران او و رضوان و نگهبانان بهشت درود فرست و بر مالك و نگهبانان جهنم نیز درود فرست، خدایا بر آنان درود فرست تا آنها را به خشنودی برسانی و بعد از رضایت، هرآنچه بدان سزاواری برایشان بیافزای ای مهربان‌ترین مهربانان.

خدایا بر فرشتگان نویسنده گرامی و نگارندگان بزرگوار نیکوکار و حافظان فرزندان آدم، درود فرست و بر فرشتگان آسمان‌های بلند و فرشتگان هفت طبقه پایین زمین و فرشتگان شب و روز و زمین‌ها و سرزمین‌ها و دریاها و رودها و بیابان‌ها و صحراها درود فرست، و بر فرشتگانی که با به پاکی یادن تو، آنها را از غذا و نوشیدنی بی‌نیاز ساختی، خدایا بر آنها درود فرست تا آنان را به خشنودی برسانی و بعد از رضایت ایشان از آنچه سزاوار آنی بر آنان بیافزای ای مهربان‌ترین مهربانان.

خدایا بر پدرم آدم و مادرم حوا درود فرست و بر فرزندان آن دو از پیامبران، صدیقان، شهداء و صالحان، خدایا بر آنان درود فرست تا آنها را به خشندی برسانی و بعد از آن از آنچه سزاوار آنی بر رضایتشان بیافزایی، ای مهربان‌ترین مهربانان.

خدایا درود فرست بر محمد و خاندان پاك او و یاران برگزیده و همسران پاكیزه اش و بر فرزندان محمد و بر هر پیامبری که بشارت محمد را داد و بر هر پیامبری که محمد را به دنیا آورد و بر هر زن صالحی که کفالت او را به عهده گرفت و بر هر کسی که درود تو بر او سبب خشنودی تو و خشنودی پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله است. خدایا بر آنان درود فرست و تا آنان را به رضایت برسای و بعد از خشنودی بر آنان بیافزایی از آنچه سزاوار آنی.

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بر محمد و خاندان محمد برکت فرست و بر محمد و خاندان محمد رحم کن، همانگونه که درود و برکت و رحمت فرستادی بر ابراهیم و خاندان ابراهیم به راستی که تو ستوده بزرگی، خدایا به محمد وساطت و فضل و فضیلت و مرتبه والا عطا کن، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست همانگونه که ما را دستور دادی تا بر او درود فرستیم.

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست به شماره کسانی که بر او درود فرستادند، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست به شماره صلوات‌هایی که بر او فرستادی، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست به شماره... حروفی که در هر درودی که فرستادی وجود دارد، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست به تعداد موی کسانی که بر او درود فرستادند، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست به تعداد موی کسانی که بر او درود نفرستادند.

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست به تعداد نفس کسانی که بر او درود فرستادند، بر محمد و خاندان محمد درود فرست به شماره… نفس کسانی که بر او درود نفرستادند، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست به تعداد آرامش کسانی که بر او درود فرستادند، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست به شماره‌بی‌حرکتی کسانی که بر او درود فرستادند، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست به تعداد حرکت کسانی که به او درود فرستادند، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست به تعداد حرکات، صفات و دقیقه‌ها و ساعت‌های آنها و به تعداد وزن ذره ای که انجام دادند یا انجام ندادند یا از آنها بود یا خواهد بود تا روز قیامت.

خداوند سپاس و شکر و فضل و بخشش و فزونی و نعمت و بزرگی و جبروت و فرمانروایی و ملکوت و غلبه و فخر و سروری و پادشاهی و بخشیدن و بزرگواری و شکوه و نیکو گردانیدن و یگانگی و ستایش و به یگانگی یاد کردن و بزرگی کردن و پاکی و عظمت و رحمت و آمرزش و بزرگمنشی از آن توست.

و به تو اختصاص دارد آنچه از ستایش نیک پاک گردید و طاهر گشت و مدح فاخرانه و گفتار نیک که به واسطه آن از گوینده‌اش راضی می‌شوی و از کسی که آن را بر زبان آورد خشنود می‌شوی و آن رضایت توست.

پس سپاس مرا با سپاس اولین سپاسگزاران و ستایش مرا با ستایش اولین ستایشگران و تهلیل مرا با اولین کسانی که تو را به یگانگی یاد کردند و تکبیر مرا با تکبیر اولین تکبیرگویان و گفتار زیبا و نیک مرا با گفتار اولین زیباگویانی که پروردگار جهانیان را ستایش می‌کنند، قرار ده و همچنین آن را از اول روزگار تا روز قیامت متصل گردان .

و به شماره وزن ذره‌های شن‌ها و تپه‌ها و کوه‌ها و تعداد جرعه‌های آب دریاها و تعداد قطره‌های آب باران و برگ‌های درختان و تعداد ستارگان و تعداد وزن آن، و شماره خاک و هسته و سنگریزه و به تعداد وزن ذره‌های آسمان و زمین و آنچه در انها و میان آنها و زیر آنها و میان آن و بالای آن قرار دارد از عرش تا قعر و حضیض زمین‌های هفتگانه.

و تعداد حروف کلمات اهل آنها و تعداد زمان‌هاشان و دقیقه‌ها و سکون و حکرت‌شان و موهاشان و پوست‌هاشان و تعداد وزن آنچه انجام دادند یا ندادند یا از گذشته آنها بود یا در آینده خواهد بود تا روز قیامت.

پناه می‌دهم اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله و جان و مال و نسل و خانواده و فرزندان و نزدیکان و اهل خانه و هر خویشاوندی که به اسلام داخل شد و همسایگان و برادران و هر کس مرا دعا کرد یا نیکی بر من روا داشت یا در نزد من از مردان و زنان مؤمن دستگیری کرد به خداوند و نام‌های کامل فراگیر تمام بافضیلت و مبارک والا پاک شریف بلند کریم بزرگ پنهان در امانی که هیچ نیکوکار یا بدکاری نمی… تواند از آنها تخطی کند و به سوره ام الکتاب و آخرین آنها و آنچه میان این دوست از سوره شریف و آیه محکم و شفا و رحمت و پناه دهی و برکت و به تورات و انجیل و زبور و به صحیفه‌های ابراهیم و موسی و به هر کتابی که خداوند نازل فرمود و هر فرستاده‌ای که خدا فرستاد و هر حجتی که خدا آن را بر پا ساخت و هر برهانی که آن را آشکار گردانید و به هر نوری که خداوند آن را روشن ساخت و تمام نعمت‌های خدا و عظمت او.

پناه می‌دهم و پناه می‌برم به خدا از شر هر صاحب شری و از آنچه بیم دارم و می‌هراسم و از شر آنچه پروردگار بزرگ و بلندمرتبه من از آن بزرگ‌تر است و از شر جنیان و آدمیان فاسق و شیطان‌ها و پادشاهان و ابلیس و لشکریانش و پیروان و همراهانش و از شر هر آنچه در نور و تاریکی است و از شر هر آنچه ناگهانی فرا رسد یا هجوم آورد و از شر آنچه در زمین فرو رود یا از آن خارج گردد و از شر هر جانداری که پروردگار من اختیار او را به دست دارد و به راستی که پروردگار من به راه راست است و اگر پشت کردند، خداوند برایم کافی است، خدایی جز او نیست بر او توکل نمودم و اوست پروردگار عرش باعظمت.

**[ترجمه]

عُدَّهُ الدَّاعِی، رَوَی ابْنُ مُسْکَانَ عَنْ أَبِی حَمْزَهَ قَالَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ علیه السلام: یَا بَا حَمْزَهَ مَا لَکَ إِذَا نَابَکَ أَمْرٌ تَخَافُهُ أَنْ لَا تَتَوَجَّهَ إِلَی بَعْضِ زَوَایَا بَیْتِکَ یَعْنِی الْقِبْلَهَ فَتُصَلِّیَ رَکْعَتَیْنِ ثُمَّ تَقُولَ یَا أَبْصَرَ النَّاظِرِینَ وَ یَا أَسْمَعَ السَّامِعِینَ وَ یَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِینَ وَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ سَبْعِینَ مَرَّهً کُلَّمَا دَعَوْتَ اللَّهَ مَرَّهً بِهَذِهِ الْکَلِمَاتِ سَأَلْتَ حَاجَتَکَ.

وَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَیْدٍ عَنْ أَسْمَاءَ قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ أَصَابَهُ هَمٌّ أَوْ غَمٌّ أَوْ کَرْبٌ أَوْ بَلَاءٌ أَوْ لَأْوَاءٌ فَلْیَقُلِ اللَّهُ رَبِّی لَا أُشْرِکُ بِهِ شَیْئاً تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ.

وَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ قَالَ: کَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ حَمْزَهَ الْعَلَوِیُّ إِلَیَّ یَسْأَلُنِی أَنْ أَکْتُبَ إِلَی أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی دُعَاءٍ یُعَلِّمُهُ یَرْجُو بِهِ الْفَرَجَ فَکَتَبَ إِلَیَّ أَمَّا مَا سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ حَمْزَهَ الْعَلَوِیُّ مِنْ تَعْلِیمِهِ دُعَاءً یَرْجُو بِهِ الْفَرَجَ فَقُلْ لَهُ یَلْزَمُ یَا مَنْ یَکْفِی مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ لَا یَکْفِی مِنْهُ شَیْ ءٌ اکْفِنِی مَا أَهَمَّنِی فَإِنِّی أَرْجُو أَنْ یُکْفَی مَا هُوَ فِیهِ مِنَ الْغَمِ

ص: ۲۰۸

إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

وَ قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: أَ لَا أُعَلِّمُكَ كَلِمَاتٍ إِذَا وَقَعْتَ فِي وَرْطَةٍ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ يَصْرِفُ بِهَا عَنْكَ مَا يَشَاءُ مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ.

**[ترجمه]عده الداعی: محمد بن علی علیهما السلام به أبی حمزه گفت: ای ابا حمزه هرگاه کاری بر تو پیش آید که از آن بیم داری به یکی از گوشه های خانه ات یعنی قبله رو نمی کنی. دو رکعت نماز می‌گزاری سپس هفتاد مرتبه می‌گویی: «ای بیننده‌ترن نگرندگان، ای شنواترین شنوندگان، ای سریع‌ترین حسابگر و ای مهربان‌ترین مهربانان». هر دفعه خداوند را با این کلمات می‌خوانی، حاجتت را ذکر کن.

از اسماء نقل است: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس به اندوه و غم و گرفتاری و مصیبت یا دشواری مبتلا شود، بگوید «خدا پروردگار من است، ذره‌ای به او شرک نمی‌ورزم و بر آن زنده‌ای که نمی‌میرد توکل کردم».

از علی بن مهزیار نقل است: محمد بن حمزه علوی در نامه‌ای که به من نوشت، از من خواست تا نامه‌ای به امام باقر علیه السلام بنگارم تا دعایی به او بیاموزد که گشایش در کارش حاصل شود، پس امام برای من نوشتند: «ای کسی که از هر چیز کفایت می کنی و هیچ چیز نمی... تواند او را کفایت کند، آنچه برای من مهم است، را کفایت نما» به راستی که من امیدوارم که غم و اندوهی که در آن است را کفایت کند انشاء الله.

حضرت صادق علیه السالم فرمودند: آیا به تو کلماتی نیاموزم؟ هرگاه در منجلابی فرو رفتی بگو: «به نام خداوند بخشنده مهربان هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدا تحقق نمی‌پذیرد» به راستی که خداوند هر آنچه از انواع مصیبت‌ها را که خواهد از تو دور گرداند .

**[ترجمه]

باب ۱۰۷ الأدعیه و الأحراز لدفع کید الأعداء زائدا علی ما سبق و ما یناسب هذا المعنی و فیه دعاء الحرز الیمانی المعروف بالدعاء السیفی أیضا و دعاء العلوی المصری و نحوهما

الأخبار

«۱»

لی، [الأمالی] للصدوق ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: وَقَعَ الْخَبَرُ إِلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیهما السلام وَ عِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ بِمَا عَزَمَ عَلَيْهِ مُوسَى بْنُ الْمَهْدِيِّ فِي أَمْرِهِ فَقَالَ لِأَهْلِ بَيْتِهِ بِمَا تُشِيرُونَ قَالُوا نَرَى أَنْ تَتَبَاعَدَ عَنْ هَذَا الرَّجُلِ وَ أَنْ تُغَيِّبَ شَخْصَكَ مِنْهُ فَإِنَّهُ لَا يُؤْمَنُ شَرُّهُ فَتَبَسَّمَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام ثُمَّ قَالَ:

زَعَمَتْ سَخِينَةُ أَنْ سَتَغْلِبُ رَبَّهَا**وَ لَيُغْلَبَنَّ مُغَلِّبُ [مُغَالِبُ] الْغَلَّابِ

ثُمَّ رَفَعَ علیه السلام يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ:

إِلَهِي كَمْ مِنْ عَدُوٍّ شَحَذَ لِي ظُبَةَ مُدْيَتِهِ وَ أَرْهَفَ لِي شَبَا سِنَانَ (۱) حَدِّهِ وَ دَافَ لِي قَوَاتِلَ سُمُومِهِ وَ لَمْ تَنَمْ عَنِّي عَيْنُ حِرَاسَتِهِ فَلَمَّا رَأَيْتَ ضَعْفِي عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَادِحِ وَ عَجْزِي عَنْ مُلِمَّاتِ الْجَوَائِحِ صَرَفْتَ ذَلِكَ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ لَا بِحَوْلِي وَ لَا بِقُوَّتِي فَأَلْقَيْتَهُ فِي الْحَفِيرِ الَّذِي احْتَفَرَهُ لِي خَائِباً مِمَّا أَمَّلَهُ فِي دُنْيَاهُ مُتَبَاعِداً مِمَّا رَجَاهُ فِي آخِرَتِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ قَدْرَ اسْتِحْقَاقِكَ سَيِّدِي اللَّهُمَ

۱- ۱. شبا حده خ ل فی سائر النسخ.

فَخُذْهُ بِعِزَّتِکَ وَ افْلُلْ حَدَّهُ عَنِّی بِقُدْرَتِکَ وَ اجْعَلْ لَهُ شُغُلًا فِیمَا یَلِیهِ وَ عَجْزاً عَمَّنْ (۱) یُنَاوِیهِ اللَّهُمَّ وَ أَعْدِنِی عَلَیْهِ عَدْوَی حَاضِرَةً تَکُونُ مِنْ غَیْظِی شِفَاءً وَ مِنْ حَقِّی (۲) عَلَیْهِ وَفَاءً وَ صِلِ اللَّهُمَّ دُعَائِی بِالْإِجَابَهِ وَ انْظِمْ شَکَایَتِی بِالتَّغْیِیرِ وَ عَرِّفْهُ عَمَّا قَلِیلٍ مَا وَعَدْتَ الظَّالِمِینَ وَ عَرِّفْنِی مَا وَعَدْتَ فِی إِجَابَهِ الْمُضْطَرِّینَ إِنَّکَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ وَ الْمَنِّ الْکَرِیمِ قَالَ ثُمَّ تَفَرَّقَ الْقَوْمُ فَمَا اجْتَمَعُوا إِلَّا لِقِرَاءَهِ الْکِتَابِ الْوَارِدِ بِمَوْتِ مُوسَی بْنِ الْمَهْدِیِ (۳).

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی الغضائری عن الصدوق: مثله (۴) ن، [عیون أخبار الرضا علیه السلام] المکتب عن أحمد بن محمد الوراق عن علی بن هارون الحمیری عن علی بن محمد بن سلیمان عن أبیه عن علی بن یقطین: مثله و قد أوردناه فی باب أحواله علیه السلام (۵).

**[ترجمه]أمالی: گروهی از اهل بیت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نزد او ایشان حضور داشتند که خبر رسید موسی بن مهدی تصمیم گرفته است علیه ایشان اقدامی بکند - به ایشان آسیبی برساند -، پس به اهل بیت خود فرمودند: چه مشورتی می‌دهید؟ گفتند: به نظر ما باید از این مرد دوری گزینی و خود را از او پنهانی داری، به راستی که نمی‌توان از شر او ایمن ماند. پس امام موسی کاظم علیه السلام لبخندی زدند و گفتند:

- سخینه پنداشت بر پروردگارش غلبه خواهد کرد و قطعاً او که غلبه‌کننده بر غالبان است چیره می‌شود.

سپس دست مبارک خود را به سوی آسمان بلند کردند و فرمودند:

خدای من! چه بسا دشمنانی که لبه تیغ خود را برایم تیز کردند، سرنیزه خود را برای من برنده ساختند و چشم مراقبت - نگهبانان و جاسوسان - ایشان از من به خواب نمی‌رود. پس آن هنگام که ضعف مرا از به دوش کشیدن مصیبت‌های سرسخت و ناتوانی‌ام از بلاهای فراگیر را دیدی، آن را به قدرت و نیروی خود و نه نیرو و قدرت من از من بازگردان و او را ببینم در چاهی که برای من حفر کرده است، ناامید از آنچه در دنیای خود بدان امید بسته است، و دور از آنچه در آخرتش بدان امید دارد. ای سرور من تو را بر آن سپاس، به میزان استحقاقی که داری، خدایا به عزت خود او را بگیر و به قدرتت برندگی او را از من کند کن و برای او مشغولیتی از آنچه می خواهد و ناتوانی از آنچه قصد آن را دارد، قرار ده، خدایا مرا بر نابودی دشمنم یاری فرما یاری کردنی که حاضر باشد تا موجب شفا و فرو نشاندن خشمم گردد و حقم از او گرفته شود. خدایا دعایم را به اجابت متصل گردان و شکایتم را به تغییر وضع قرار ده و به زودی او را از آنچه به ظالمان وعده دادی، آگاه کن، و به من آنچه در اجابت درماندگان وعده دادی، نشان ده، به راستی که تو صاحب فضل بزرگ و بخشایش کریمانه‌ای».

نقل کرد: سپس آن گروه پراکنده شدند و هنگامی جمع شدند که خواستند نوشته‌ای مربوط به مرگ موسی بن مهدی را بخوانند. - . أمالی الصدوق: ۲۲۶، و در جلد ۹۴: ۳۲۷ — ۳۱۷ ذکر شد به نقل از کتاب مهج الدعوات: ۲۶۸ به روایتی طولانی. همچنین در جلد ۹۴: ۳۳۷ به نقل از مهج الدعوات: ۳۶ بر روایت دیگری مثل آنچه در متن است و شرح کلمات آن ذکر شد، اگر خواستی مراجعه کن و آن را در المناقب ۴: ۳۰۶ می‌بینی. -

أمالی: مثل این حدیث از صدوق نقل شد. - . أمالی الطوسی ۲: ۳۵ -

عیون الاخبار: مثل این حدیث را در باب أحوال امام موسی کاظم علیه السلام آوردیم. - . عیون الاخبار ۱: ۷۶ و آن را در جلد ۴۸: ۲۱۷ و ۱۵۱ از تاریخ الإمام موسی بن جعفر علیه السلام می‌بینی. -

**[ترجمه]

«۲»

ن (۶)، [عیون أخبار الرضا علیه السلام] لی، [الأمالی] للصدوق مَاجِیلَوَیْهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ قَالَ سَمِعْتُ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِنَا یَقُولُ: لَمَّا حَبَسَ

هَارُونُ الرَّشِيدُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ علیه السلام جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ فَخَافَ نَاحِيَهَ هَارُونَ أَنْ يَقْتُلَهُ فَجَدَّدَ مُوسَى علیه السلام طَهُورَهُ وَ اسْتَقْبَلَ بِوَجْهِهِ الْقِبْلَهَ وَ صَلَّى لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ دَعَا بِهَذِهِ الدَّعَوَاتِ فَقَالَ يَا سَيِّدِی نَجِّنِی مِنْ حَبْسِ هَارُونَ وَ خَلِّصْنِی مِنْ يَدِهِ يَا مُخَلِّصَ الشَّجَرِ مِنْ

ص: ۲۱۰

۱- ۱. عما خ ل.

۲- ۲. حتفی خ ل و فی بعض النسخ حنقی و هو الظاهر.

۳- ۳. أمالی الصدوق: ۲۲۶ و قد مر فی ج ۹۴ ص ۳۱۷- ۳۲۷ نقلا عن كتاب مهج الدعوات ص ۲۶۸، بروایه طویله، و هكذا فی ج ۹۴ ص ۳۳۷ نقلا عن المهج ص ۳۶ بروایه اخری مثل ما فی المتن، و مر شرح بعض لغاتها فراجع ان شئت، و تراه فی المناقب ج ۴ ص ۳۰۶.

۴- ۴. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۳۵.

۵- ۵. عيون الأخبار ج ۱ ص ۷۶ و تراه فی ج ۴۸ ص ۱۵۱ و ۲۱۷ من تاريخ الامام موسی بن جعفر علیه السلام.

۶- ۶. عيون الأخبار ج ۱ ص ۹۳.

بَيْنِ رَمْلٍ وَ طِينٍ وَ مَاءٍ وَ يَا مُخَلِّصَ اللَّبَنِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ وَ يَا مُخَلِّصَ الْوَلَدِ مِنْ بَيْنِ مَشِيمَةٍ وَ رَحِمٍ وَ يَا مُخَلِّصَ النَّارِ مِنْ بَيْنِ الْحَدِيدِ وَ الْحَجَرِ وَ يَا مُخَلِّصَ الرُّوحِ مِنْ بَيْنِ الْأَحْشَاءِ وَ الْأَمْعَاءِ خَلِّصْنِي مِنْ يَدَيْ هَارُونَ.

قَالَ فَلَمَّا دَعَا مُوسَى عليه السلام بِهَذِهِ الدَّعَوَاتِ رَأَى هَارُونُ رَجُلًا أَسْوَدَ فِي مَنَامِهِ وَ بِيَدِهِ سَيْفٌ قَدْ سَلَّهُ وَاقِفاً عَلَى رَأْسِ هَارُونَ وَ هُوَ يَقُولُ يَا هَارُونُ أَطْلِقْ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ إِلَّا ضَرَبْتُ عِلَاوَتَكَ بِسَيْفِي هَذَا فَخَافَ هَارُونُ مِنْ هَيْبَتِهِ ثُمَّ دَعَا الْحَاجِبَ فَجَاءَ الْحَاجِبُ فَقَالَ لَهُ اذْهَبْ إِلَى السِّجْنِ وَ أَطْلِقْ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ فَخَرَجَ الْحَاجِبُ فَقَرَعَ بَابَ السِّجْنِ فَأَجَابَهُ صَاحِبُ السِّجْنِ فَقَالَ مَنْ ذَا قَالَ إِنَّ الْخَلِيفَةَ يَدْعُو مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ فَأَخْرِجْهُ مِنْ سِجْنِكَ وَ أَطْلِقْ عَنْهُ فَصَاحَ السَّجَّانُ يَا مُوسَى إِنَّ الْخَلِيفَةَ يَدْعُوكَ فَقَامَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ مَذْعُوراً فَزِعاً وَ هُوَ يَقُولُ لَا يَدْعُونِي فِي جَوْفِ هَذِهِ اللَّيْلَةِ إِلَّا لِشَرٍّ يُرِيدُ بِي فَقَامَ بَاكِياً حَزِيناً مَغْمُوماً آيِساً مِنْ حَيَاتِهِ فَجَاءَ إِلَى عِنْدِ هَارُونَ وَ هُوَ يَرْتَعِدُ فَرَائِصُهُ فَقَالَ سَلَامٌ عَلَى هَارُونَ فَرَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ ثُمَّ قَالَ لَهُ هَارُونُ نَاشَدْتُكَ بِاللَّهِ هَلْ دَعَوْتَ فِي جَوْفِ هَذِهِ اللَّيْلَةِ بِدَعَوَاتٍ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ وَ مَا هُنَّ قَالَ جَدَّدْتُ طَهُوراً وَ صَلَّيْتُ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ وَ رَفَعْتُ طَرْفِي إِلَى السَّمَاءِ وَ قُلْتُ يَا سَيِّدِي خَلِّصْنِي مِنْ يَدَيْ هَارُونَ وَ شَرِّهِ وَ ذَكَرَ لَهُ مَا كَانَ مِنْ دُعَائِهِ فَقَالَ هَارُونُ قَدِ اسْتَجَابَ اللَّهُ دَعْوَتَكَ يَا حَاجِبُ أَطْلِقْ عَنْ هَذَا ثُمَّ دَعَا بِخِلَعٍ فَخَلَعَ عَلَيْهِ ثَلَاثاً وَ حَمَلَهُ عَلَى فَرَسِهِ وَ أَكْرَمَهُ وَ صَيَّرَهُ نَدِيماً لِنَفْسِهِ ثُمَّ قَالَ هَاتِ الْكَلِمَاتِ حَتَّى أُثْبِتَهَا ثُمَّ دَعَا بِدَوَاةٍ وَ قِرْطَاسٍ وَ كَتَبَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ قَالَ فَأَطْلَقَ عَنْهُ وَ سَلَّمَهُ إِلَى حَاجِبِهِ لِيُسَلِّمَهُ إِلَى الدَّارِ فَصَارَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام كَرِيماً عِنْدَ هَارُونَ وَ كَانَ يَدْخُلُ عَلَيْهِ فِي كُلِّ خَمِيسٍ (۱).

**[ترجمه]عیون الاخبار، أمالی: علی بن ابراهیم نقل کرد: از مردی از یارانمان شنیدم می‌گفت: زمانی که هارن الرشید حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را زندان کرد، زمانی که شب او را پنهان کرد، و آنکه از جانب هارون بود، ترسید که ایشان را به قتل برساند، پس حضرت موسی علیه السلام تجدید وضو نمودند و رو به قبل نهادند و برای خداوند عزّ و جلّ چهار رکعت نماز گزاردند و این دعاها را خواندند و فرمودند: ای سرور من، مرا از زندان هارون نجات بخش و از دست او رها کن، ای رهاکننده درخت از میان شن و گل و آب، ای رها سازشیر از میان سرگین و خون، ای رهاکننده نوزاد از میان پرده و بچه دان، ای بیرون‌آورنده آتش از میان آهن و سنگ ای خارج‌کننده روح از میان احشا و امعاء مرا از دست هارون رها ساز.

نقل کرد: زمانی که حضرت موسی کاظم علیه السلام این دعاها را خواندند، هارون مرد سیه‌چهره‌ای را در خواب دید که شمشیر که خود را از نیام کشیده است و بالای سر هارون ایستاده است، و می‌گوید: ای هارون، موسی بن جعفر را آزاد کن، وگرنه فرق سر تو را با شمشیرم می‌زنم، هارون از هیبت او ترسید و دربان را فراخواند، پس دربان حاضر شد و به او گفت: به زندان برو و موسی بن جعفر را آزاد کن، نقل کرد: دربان رفت و در زندان را کوبید و زندانبان او را جواب داد و گفت: کیست؟ گفت: خلیفه، موسی بن جعفر را فرا می‌خواند؛ او را از زندان خود بیرون آور و آزاد ساز، زندانبان فریاد زد: ای موسی، خلیفه تو را می‌خواند.

موسی بن جعفر علیه السلام ترسان برخاستند و می‌گفتند: در این وقت شب مرا نمی‌خواند جز آنکه شری را اراده کرده است، و گریان و اندوهناک و غمگین و ناامید از زندگی از جا برخاستند و نزد هارون رفتند، در حالی که پهلوهاشان می‌لرزید، پس گفتند: سلام بر هارون، هارون جواب ایشان را داد سپس به ایشان گفت: تو را به خدا قسم آیا امشب دعاهایی خواندی؟ جواب دادند: آری، گفت: چه دعاهایی؟ فرمودند: تجدید وضو نمودم و برای خداوند عزّ و جلّ چهار رکعت نماز گزاردم و چشمم را به آسمان دوختم و گفتم: ای سرور من مرا از دست هارون و شر او رها ساز و دعای خود را برای او گفت.

هارون گفت: خداوند دعای تو را مستجاب کرد. ای دربان، او را آزاد کن و خلعت طلبید و سه بار به او خلعت بخشید و او را بر اسب خویش سوار کرد و گرامی داشت و او را همنشین خود ساخت. سپس گفت: آن کلمات را بگو: تا آنها را حفظ کنم. سپس دوات و کاغذی طلبیدند و این کلمات را نوشتند، نقل کرد: او را آزاد نمود و به دست دربان سپرد تا به خانه برساند. پس حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نزد هارون گرامی شتند و هر پنج شنبه بر او وارد می‌شد. - . أمالی الصدوق: ۲۲۷، و در أمالی الطوسی ۲: ۳۶ آمده است و همچنین در المناقب ۴: ۳۰۵. -

**[ترجمه]

«۳»

أَقُولُ: قَدْ أَوْرَدْنَا فِی احْتِجَاجِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمَا عَلَی

ص: ۲۱۱

۱- ۱. أمالی الصدوق ص ۲۲۷. و تراه فی أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۳۶، و هکذا فی المناقب ج ۴ ص ۳۰۵.

مُعَاوِيَهَ وَ أَصْحَابِهِ لَعَنَهُمُ اللَّهُ أَنَّهُمْ لَمَّا دَعَوْهُ علیه السلام قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَدْرَأُ بِکَ فِی نُحُورِهِمْ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شُرُورِهِمْ وَ أَسْتَعِینُ بِکَ عَلَیْهِمْ فَاکْفِنِیهِمْ بِمَا شِئْتَ وَ أَنَّی شِئْتَ مِنْ حَوْلِکَ وَ قُوَّتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ ثُمَّ قَالَ لِلرَّسُولِ هَذَا کَلَامُ الْفَرَجِ (۱).

**[ترجمه]می گویم: در استدلال حسن بن علی صلوات الله علیهما برای معاویه و یارانش لعنهم الله آوردیم، زمانی که آنها امام علیه السلام را فرا خواندند، گفتند: «خدایا من به مدد تو سینه آنان را دفع می کنم و از شر آنان به تو پناه می‌برم و از تو بر آنها یاری می‌جویم، پس به هر چه و هرطور خواستی از قدرت و نیروی خود مرا از آنان کفایت کن، ای مهربان‌ترین مهربانان» سپس به پیک گفتند: این سخن گشایش است. - . مراجعه کن جلد ۴۴: ۷۱ از تاریخ امام علیه السلام به نقل از کتاب الاحتجاج: ۱۳۷. -

**[ترجمه]

«۴»

ب، [قرب الإسناد] هَارُونُ عَنِ ابْنِ صَدَقَهَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ قَالَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ: مَا أُبَالِی إِذَا أَنَا قُلْتُ هَذِهِ الْکَلِمَاتِ لَوِ اجْتَمَعَ عَلَیَّ الْجِنُّ وَ الْإِنْسُ مَعَ الْقَضَاءِ بِالنُّصْرَهِ تَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ لِلَّهِ وَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَی اللَّهِ وَ عَلَی مِلَّهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْلَمْتُ نَفْسِی إِلَیْکَ وَ فَوَّضْتُ أَمْرِی إِلَیْکَ وَ وَجَّهْتُ وَجْهِی إِلَیْکَ وَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِی إِلَیْکَ اللَّهُمَّ احْفَظْنِی بِحِفْظِ الْإِیمَانِ مِنْ بَیْنِ یَدَیَّ وَ مِنْ خَلْفِی وَ عَنْ یَمِینِی وَ عَنْ شِمَالِی وَ مِنْ فَوْقِی وَ مِنْ تَحْتِی فَادْفَعْ عَنِّی بِحَوْلِکَ وَ قُوَّتِکَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ (۲).

**[ترجمه]قرب الاسناد: حضرت صادق علیه السلام فرمودند: علی بن حسین صلی الله علیه فرمودند: هرگاه این کلمات را بر زبان آورم، از اجتماع جنیان و آدمیان علیه من باکی ندارم و پیروزی حتمی است، می گویی: «به نام خدا و با استعانت از خدا و برای خدا و در راه خدا به نام خدا و با استعانتاز خدا و از خدا و به سوی خدا و بر آیین رسول خدا صلی الله علیه و آله خدایا من خودم را تسلیم تو نمودم و کارم را به تو واگذار نمودم و رویم را به سوی تو کردم و پشتم را به تو پناه دادم، خدایا مرا با حفظ ایمان از جلو و پشت و راست و چپ و بالا و زیر حفظ نمای و نیرو و قدرت خود از من دور بگردان و هیچ نیرو و قدرتی جز به خدای بلندمرتبه و بزرگ وجود ندارد». - . قرب الاسناد: ۳ -

**[ترجمه]

«۵»

ن، [عیون أخبار الرضا علیه السلام] الْهَمْدَانِیُّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ الْمَدَنِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِیهِ قَالَ: کُنْتُ أَحْجُبُ الرَّشِیدَ فَأَقْبَلَ عَلَیَّ یَوْماً غَضْبَانَ وَ بِیَدِهِ سَیْفٌ یُقَلِّبُهُ فَقَالَ لِی یَا فَضْلُ بِقَرَابَتِی مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَئِنْ لَمْ تَأْتِنِی بِابْنِ عَمِّی لَآخُذَنَّ الَّذِی فِیهِ عَیْنَاکَ فَقُلْتُ بِمَنْ أَجِیئُکَ فَقَالَ بِهَذَا الْحِجَازِیِّ قُلْتُ وَ أَیُّ الْحِجَازِیِّینَ قَالَ مُوسَی بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ قَالَ الْفَضْلُ فَخِفْتُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنْ جِئْتُ بِهِ إِلَیْهِ ثُمَّ فَکَّرْتُ فِی النِّعْمَهِ فَقُلْتُ لَهُ أَفْعَلُ فَقَالَ ائْتِنِی بِسَوْطَیْنِ (۳) وَ هبنازین (۴)

وَ جَلَّادَیْنِ قَالَ فَأَتَیْتُهُ بِذَلِکَ وَ مَضَیْتُ إِلَی مَنْزِلِ أَبِی إِبْرَاهِیمَ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام فَأَتَیْتُ إِلَی خَرِبَهٍ فِیهَا

ص: ۲۱۲

۱- ۱. راجع ج ۴۴ ص ۷۱ من تاریخه علیه السلام نقلا عن کتاب الاحتجاج: ۱۳۷.

۲- ۲. قرب الإسناد ص ۳.

۳- ۳. بسواطين خ، بشرطين خ.

۴- ۴. كذا فى الأصل، و هكذا وقع فى ج ۴۸ ص ۲۱۵ من تاريخ الإمام موسى بن جعفر عليه السلام، و فى المصدر: هسارين و فى هامش نسخه الكمبانىّ هصارين، و الهصار: القصاف، و فى هامش المصدر عن بعض النسخ: هبارين، و الهبار: البتاک القطاع، فتحرر.

كُوخٌ (۱)

مِنْ جَرَائِدِ النَّخْلِ فَإِذَا أَنَا بِغُلَامٍ أَسْوَدَ فَقُلْتُ لَهُ اسْتَأْذِنْ لِي عَلَى مَوْلَاكَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ فَقَالَ لِي لِجْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ وَ لَا بَوَّابٌ فَوَلَجْتُ إِلَيْهِ فَإِذَا أَنَا بِغُلَامٍ أَسْوَدَ بِيَدِهِ مِقَصٌّ يَأْخُذُ اللَّحْمَ مِنْ جَبِينِهِ وَ عِرْنِينِ أَنْفِهِ مِنْ كَثْرَةِ سُجُودِهِ فَقُلْتُ لَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَجِبِ الرَّشِيدَ فَقَالَ مَا لِلرَّشِيدِ وَ مَا لِي أَ مَا تَشْغَلُهُ نِعْمَتُهُ عَنِّي ثُمَّ قَامَ مُسْرِعاً وَ هُوَ يَقُولُ لَوْ لَا أَنِّي سَمِعْتُ فِي خَبَرٍ عَنْ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله أَنَّ طَاعَةَ السُّلْطَانِ لِلتَّقِيَّةِ وَاجِبَةٌ إِذاً مَا جِئْتُ فَقُلْتُ لَهُ اسْتَعِدَّ لِلْعُقُوبَةِ يَا بَا إِبْرَاهِيمَ رَحِمَكَ اللَّهُ فَقَالَ عليه السلام أَ لَيْسَ مَعِي مَنْ يَمْلِكُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ وَ لَنْ يَقْدِرَ الْيَوْمَ عَلَى سُوءٍ بِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ قَالَ الْفَضْلُ بْنُ الرَّبِيعِ فَرَأَيْتُهُ وَ قَدْ أَدَارَ يَدَهُ يَلُوحُ بِهَا عَلَى رَأْسِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَدَخَلْتُ إِلَى الرَّشِيدِ فَإِذَا هُوَ كَأَنَّهُ امْرَأَةٌ ثَكْلَى قَائِمٌ حَيْرَانُ فَلَمَّا رَآنِي قَالَ لِي يَا فَضْلُ فَقُلْتُ لَبَّيْكَ فَقَالَ جِئْتَنِي بِابْنِ عَمِّي قُلْتُ نَعَمْ قَالَ لَا تَكُونُ أَزْعَجْتَهُ فَقُلْتُ لَا قَالَ لَا تَكُونُ أَعْلَمْتَهُ أَنِّي عَلَيْهِ غَضْبَانُ فَإِنِّي قَدْ هَيَّجْتُ عَلَى نَفْسِي مَا لَمْ أُرِدْهُ ائْذَنْ لَهُ بِالدُّخُولِ فَأَذِنْتُ لَهُ فَلَمَّا رَآهُ وَثَبَ إِلَيْهِ قَائِماً وَ عَانَقَهُ وَ قَالَ لَهُ مَرْحَباً بِابْنِ عَمِّي وَ أَخِي وَ وَارِثِ نِعْمَتِي ثُمَّ أَجْلَسَهُ عَلَى فَخِذِهِ وَ قَالَ لَهُ مَا الَّذِي قَطَعَكَ عَنْ زِيَارَتِنَا فَقَالَ سَعَةُ مُلْكِكَ وَ حُبُّكَ لِلدُّنْيَا فَقَالَ ائْتُونِي بِحُقَّةِ الْغَالِيَةِ فَأُتِيَ بِهَا فَغَلَفَهُ بِيَدِهِ (۲)

ثُمَّ أَمَرَ أَنْ يُحْمَلَ بَيْنَ يَدَيْهِ خِلَعٌ وَ بَدْرَتَانِ دَنَانِيرُ فَقَالَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام وَ اللَّهِ لَوْ لَا أَنِّي أَرَى مَنْ أُزَوِّجُهُ بِهَا مِنْ عُزَّابِ بَنِي أَبِي طَالِبٍ لِئَلَّا يَنْقَطِعَ نَسْلُهُ أَبَداً مَا قَبِلْتُهَا ثُمَّ تَوَلَّى عليه السلام وَ هُوَ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَقَالَ الْفَضْلُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَرَدْتَ أَنْ تُعَاقِبَهُ فَخَلَعْتَ عَلَيْهِ وَ أَكْرَمْتَهُ فَقَالَ لِي يَا فَضْلُ إِنَّكَ لَمَّا مَضَيْتَ لِتَجِيئَنِي بِهِ رَأَيْتُ أَقْوَاماً قَدْ أَحْدَقُوا بِدَارِي بِأَيْدِيهِمْ حِرَابٌ قَدْ غَرَسُوهَا فِي أَصْلِ الدَّارِ يَقُولُونَ إِنْ آذَى ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله خَسَفْنَا بِهِ

۱- ۱. الكوخ: البيت من قصب بلا كوه.

۲- ۲. يقال غلف لحيته بالغاليه: ضمخها بها، و عن ابن دريد أنّها عاميّه، و الصواب غللها و غلاها تغليه.

وَ إِنْ أَحْسَنَ إِلَيْهِ انْصَرَفْنَا عَنْهُ وَ تَرَكْنَاهُ.

فَتَبِعْتُهُ علیه السلام فَقُلْتُ لَهُ مَا الَّذِی قُلْتَ حَتَّى كُفِيتَ أَمْرَ الرَّشِيدِ فَقَالَ دُعَاءُ جَدِّی عَلِيِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام كَانَ إِذَا دَعَا بِهِ مَا بَرَزَ إِلَى عَسْكَرٍ إِلَّا هَزَمَهُ وَ لَا إِلَى فَارِسٍ إِلَّا قَهَرَهُ وَ هُوَ دُعَاءُ كِفَايَةِ الْبَلَاءِ قُلْتُ وَ مَا هُوَ قَالَ قُلْتُ اللَّهُمَّ بِكَ أُسَاوِرُ وَ بِكَ أُحَاوِلُ وَ بِكَ أُحَاوِرُ وَ بِكَ أَصُولُ وَ بِكَ أَمُوتُ وَ بِكَ أَحْيَا أَسْلَمْتُ نَفْسِی إِلَيْكَ وَ فَوَّضْتُ أَمْرِی إِلَيْكَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِی وَ رَزَقْتَنِی وَ سَتَرْتَنِی وَ عَنِ الْعِبَادِ بِلُطْفِ مَا خَوَّلْتَنِی أَغْنَيْتَنِی إِذَا هَوِيتُ رَدَدْتَنِی وَ إِذَا عَثَرْتُ قَوَّيْتَنِی وَ إِذَا مَرِضْتُ شَفَيْتَنِی وَ إِذَا دَعَوْتُ أَجَبْتَنِی يَا سَيِّدِی ارْضَ عَنِّی فَقَدْ أَرْضَيْتَنِی (۱).

**[ترجمه]عیون الاخبار: عبدالله بن فضل از پدرش نقل کرد: از رشید خود را پنهان می‌داشتم، روزی با خشم به سوی من آمد و شمشیرش را در دستش می‌چرخاند و به من گفت: ای فضل سوگند به خویشاوندی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله دارم اگر پسرعموی مرا نزد من نیاوری آنچه چشمانت در آن است را برمی‌گیرم، گفتم: چه کسی را بیاورم؟ گفت این حجازی را، گفتم: کدام یک از این حجازی‌ها را؟ گفت: موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن أبی طالب .

فضل گفت: از خداوند عز و جل ترسیدم از اینکه آن حضرت را به نزد او ببرم سپس به پاداش آن فکر کردم و به او گفتم: انجام می‌دهم، پس گفت: برایم دو تازیانه و دو نفر که دست و پا قطع کنند و دو جلاد بیاور، نقل کرد: آن را برای او بردم و به خانه أبی ابراهیم موسی بن جعفر علیه السلام رفتم و به خرابه‌ای که در آن خانه‌ای کوچک از برگ‌های خرما بود، رفتم پس رفتم پسر غلام سیاهی دیدم و به او گفتم: خدا تو را رحمت کند، برای من از مولایت اجازه بگیر پس به من گفت: داخل شو او دربان و پرده‌دار ندارد. پس به نزد ایشان رفتم و غلام سیاهی را دیدم که قیچی به دست دارد و گوشت زائد پیشانی و ارتفاع بینی ایشان را به سبب سجده‌های فراوان، جدا می کند.

پس به او گفتم: سلام بر تو ای فرزند رسول خدا رشید را اجابت کن، فرمودند: رشید را با من چه کار؟ آیا نعمتش او را از من باز نمی‌دارد؟ سپس به سرعت برخاستند و می گفتند: «اگر در روایتی از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله نشنیده بودم که اطاعت از سلطان به هدف تقیه واجب است، به نزد او نمی‌رفتم، پس به ایشان عرض کردم: ای ابا ابراهیم خداوند تو را رحمت کند، برای شکنجه آماده شوید. آن حضرت علیه السلام فرمودند: مگر با من نیست کسی که دنیا و آخرت از آن اوست و اگر خداوند بخواهد، او نمی‌تواند امروز به من بدی برساند، فضل بن ربیع منتقل کرد: او را دیدم در حالی که دست خویش را سه بار گرداندند و به سر خویش اشاره کردند.

به نزد رشید رفتم و او همچون زنی فرزند مرده، سرگردان ایستاده بود. وقتی مرا دید گفت: ای فضل، گفتم: بله، گفت: پسرعمویت را آوردی؟ گفتم: آری، گفت: آیا او را نیازردی، گفتم: خیر، گفت: آیا او را آگاه نساختی که من بر او خشمگینم و به راستی که نفسمرا به چیزی وا می دارد که آن را نخواستم، به او اجازه ورود بده پس به ایشان اجازه دادم، پس هنگامی که ایشان را دید ایستاده به سوی وی پرید و او را در آغوش گرفت و به ایشان گفت: خوشا به پسرعموی و برادر و وارث نعمت من .

سپس ایشان را بر پای خود نشاند و گفت: چه چیز تو را از دیدار ما باز داشته است؟ فرمودند: بسیاری فرمانروایی و دوستی‌ات نسبت به دنیا، پس گفت: ظرف عطر را نزد من بیاورید پس آوردند و آن را با دست خویش امام را عطر آگین نمود، سپس دستور تا در برابر او خلعت‌ها و دو کیسه دینار حمل کنند، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: اگر نبودند جوانان ازدواج نکرده از فرزندان ابی طالب که احتیاج به ازدواج دارند تا نسل آنها قطع نشود این پول را نمی پذیرفتم، سپس پشت کردند و می‌فرمودند: سپاس خدایی که پروردگار جهانیان است.

فضل نقل کرد: ای امیر مؤمنان، خواستی او را شکنجه کنی ولی او را گرامی داشتی و خلعت بخشیدی؟ سپس به من گفت:ای فضل، وقتی تو رفتی تا او را به نزد من آوری، گروه‌هایی را دیدم که خانه‌ام را فرا گرفتند و در دستشان سلاح‌هایی است که آن را در بنیان خانه فرو کردند، می گویند: اگر فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله را آزار دهد او را فرو می‌بریم و اگر به او نیکی کرد، از او روی برمی گردانیم و او را رها

می کنیم.

پس امام را دنبال کردم و به ایشان عرض کردم: چه گفتید که شما را از کار رشید کفایت کرد؟ فرمودند: دعای جدم علی بن ابی طالب علیه السلام، هرگاه آن را می‌خواند، اگر بر اردوگاهی حمله می کرد، شکست می‌داد و اگر به سوی سوارکاری حمله می کرد، پیروز می گشت و آن دعایی است که بلا را کفایت می کند. عرض کردم: چه دعایی است؟ فرمودند: گفتم:

«خدایا به کمک تو حمله می کنم و به مدد تو تلاش می‌کنم و به سبب تو سخن می گویم و به واسطه تو حمله ور می‌شوم و به تو می‌میرم و به تو زنده می گردم. خودم را به تو تسلیم کردم و کارم را به تو واگذار نمودم، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمی‌پذیرد، خدایا تو مرا آفریدی و روزی دادی و پوشاندی و به لطف آنچه به من بخشیدی، از بندگان بی‌نیازم نمودی، هرگاه سقوط کردم، مرا بازگرداندی، و هرگاه لغزیدم، مرا قدرت بخشیدی و هر گاه بیمار شدم، شفا دادی و هرگاه دعا کردم، اجابت نمودی، ای سرور من، از من راضی شو و تو مرا خشنود ساختی». - . عیون أخبار الرضا ۱: ۷۶ -

**[ترجمه]

«۶»

ن، [عیون أخبار الرضا علیه السلام] أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الصَّقْرِ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَهْرَوَيْهِ مَعاً عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِی حَاتِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْفَضْلِ عَنِ الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا قَالَ: أَرْسَلَ أَبُو جَعْفَرٍ الدَّوَانِيقِيُّ إِلَی جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام لِيَقْتُلَهُ وَ طَرَحَ لَهُ سَيْفاً وَ نَطْعاً وَ قَالَ يَا رَبِيعُ إِذَا أَنَا كَلَّمْتُهُ ثُمَّ ضَرَبْتُ بِإِحْدَی يَدَيَّ عَلَی الْأُخْرَی فَاضْرِبْ عُنُقَهُ فَلَمَّا دَخَلَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ علیه السلام وَ نَظَرَ إِلَيْهِ مِنْ بَعِيدٍ تَحَرَّكَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَی فِرَاشِهِ وَ قَالَ مَرْحَباً وَ أَهْلًا بِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا أَرْسَلْنَا إِلَيْكَ إِلَّا رَجَاءَ أَنْ نَقْضِيَ دَيْنَكَ وَ نَقْضِيَ ذِمَامَكَ (۲)

ثُمَّ سَاءَلَهُ مُسَاءَلَةً لَطِيفَةً عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ قَالَ قَدْ قَضَی اللَّهُ حَاجَتَكَ وَ دَيْنَكَ وَ أَخْرَجَ جَائِزَتَكَ يَا رَبِيعُ لَا تَمْضِيَنَّ ثَالِثَةٌ حَتَّی يَرْجِعَ جَعْفَرٌ إِلَی أَهْلِهِ فَلَمَّا خَرَجَ قَالَ لَهُ الرَّبِيعُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ رَأَيْتَ السَّيْفَ إِنَّمَا كَانَ وَضَعَ لَكَ وَ النَّطْعَ فَأَيَّ شَيْءٍ رَأَيْتُكَ تُحَرِّكُ بِهِ شَفَتَيْكَ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ علیه السلام نَعَمْ يَا رَبِيعُ لَمَّا رَأَيْتُ الشَّرَّ فِی وَجْهِهِ قُلْتُ حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ وَ حَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ

۱- ۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۱ ص ۷۶.

۲- ۲. الذمام: الحق و الحرمه، و أصل الذمام: ما یذم الرجل علی اضاعته و نقضه کالعهد و حقّ الجوار و غیر ذلک.

الْمَخْلُوقِينَ وَ حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ وَ حَسْبِيَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ حَسْبِي مَنْ هُوَ حَسْبِي حَسْبِي مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۱).

**[ترجمه]عیون أخبار الرضا: نقل است ابو جعفر دوانیقی به سراغ جعفر بن محمد علیهما السلام فرستاد تا ایشان را به قتل برساند، و برای این کار شمشیر و بساطی چرمین آماده کرد و گفت: ای ربیع، وقتی با او صحبت کردم و دستم را بر آن یکی دستم زدم، گردنش را بزن.

زمانی که جعفر بن محمد علیه السلام وارد شد، و از دور به او نگریست، ابو جعفر بر بستر خود حرکتی کرد و گفت: خوش آمدی ای ابا عبدالله ما به سراغ تو فرستادیم تا بدهی و حق تو را پرداخت کنیم. سپس به نیکی و ملاطفت از اهل بیت ایشان پرسید و گفت: خداوند حاجت تو را روا دارد و بدهی‌ات را ادا کند و هدیه تو را خارج گرداند، ای ربیع کار سوم را اجام نده تا جعفر به نزد خانواده خویش برگردد.

هنگامی که امام خارج شدند، ربیع به ایشان عرضه داشت: ای ابا عبدالله، شمشیر را دیدید؟ آن شمشیر و بساط چرمین برای شما قرار داده شده بود، دیدم شما را که لبانتان را به چه چیز حرکت می‌دادی؟ جعفر بن محمد علیه السلام فرمودند: آری ای ربیع، هنگامی که شر را در چهره او دیدم گفتم: «پروردگار مرا در برابر پرورده شدگان، کافی است و آفریدگار مرا در برابر آفریدگان کفایت می‌کند و روزی دهنده مرا از روزی خورندگان کفایت می‌کند و خداوند که پروردگار جهانیان است برایم کافی است. کافی است او که کفایت می‌کند، کافی است کسی که هنوز مرا کفایت می‌کند، کافی است خدایی که جز او خدایی نیست، بر او توکل نمودم و او عرش عظیم است. - . عیون الاخبار ۱: ۳۰۴ -

**[ترجمه]

«۷»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی الْمُفِيدُ عَنِ الْجِعَابِيِّ عَنِ ابْنِ عُقْدَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ خَاقَانَ عَنِ ابْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیهما السلام يَقُولُ: مَا أُبَالِي إِذَا قُلْتُ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ لَوِ اجْتَمَعَ عَلَيَّ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَسْلَمْتُ نَفْسِي وَ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَ إِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي فَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ ادْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ إِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ (۲).

**[ترجمه]أمالی: امام صادق علیه السلام فرمودند: علی بن حسین علیهما السلام می‌فرمود: زمانی که این کلمات را بر زبان جاری سازم، اگر جنیان و آدمیان علیه من گرد آیند، باکی ندارم: «به نام خدا و با استعانت از خدا و از خدا به سوی خدا و در راه خدا، خداوندا خودم را به تو تسلیم نمودم و رویم را به سوی تو نمودم و کارم را به تو واگذار کردم. سپس با حفظ ایمان مرا از مقابل و پشت سر، راست و چپ، بالا و پایین، محافظت فرما و به قدرت و نیرویی خود از من دور گردان و به راستی که هیچ نیرو و قدرتی جز خداوند بلندمرتبه و بزرگ وجود ندارد». - . أمالی الطوسی ۱: ۲۱۲ -

**[ترجمه]

«۸»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی الْفَحَّامُ عَنِ الْمَنْصُورِيِّ عَنْ عَمِّ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى سَيِّدِنَا الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام فَشَكَا إِلَيْهِ رَجُلًا يَظْلِمُهُ قَالَ لَهُ أَيْنَ أَنْتَ عَنْ دَعْوَةِ الْمَظْلُومِ الَّتِي عَلَّمَهَا النَّبِيُّ علیه السلام لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام مَا دَعَا بِهَا مَظْلُومٌ عَلَى ظَالِمِهِ إِلَّا نَصَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَ كَفَاهُ إِيَّاهُ وَ هُوَ اللَّهُمَّ طُمَّهُ بِالْبَلَاءِ طَمّاً وَ عُمَّهُ بِالْبَلَاءِ عَمّاً وَ قُمَّهُ بِالْأَذَى قَمّاً(۳) وَ ارْمِهِ

بِيَوْمٍ لَا مُعَادَ لَهُ وَ سَاعَةٍ لَا مَرَدَّ لَهَا وَ أَبِحْ حَرِيمَهُ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ اكْفِنِي أَمْرَهُ وَ قِنِي شَرَّهُ وَ اصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَ أَحْرِجْ قَلْبَهُ وَ سُدَّ فَاهُ عَنِّي وَ خَشَعَتِ الْأَصْواتُ لِلرَّحْمنِ فَلا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْساً وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ قَدْ خابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْماً اخْسَؤُا فِيها وَ لا تُكَلِّمُونِ صَهْ صَهْ

ص: ۲۱۵

۱- ۱. عيون الأخبار ج ۱ ص ۳۰۴.

۲- ۲. أمالى الطوسىّ ج ۱ ص ۲۱۲.

۳- ۳. يقال: طمه بالبلاء إذا غطاه و غمره، و الطامه: الداهيه تغلب ما سواها لأنّها تطم كل شى ء و تغطيه، و قمه بالاذى: أى تتبعه بها بحيث كلما رآه و نظر إليه لم يتركه الا و قد آذاه.

سَبْعَ مَرَّاتٍ (۱).

**[ترجمه]أمالی: نقل است، شخصی به نزد مولایمان جعفر بن محمد علیهما السلام برفت و از مردی که به او ظلم کرده بود، شکایت کرد، امام فرمودند: چرا دعای مظلومی که پیامبر علیه السلام به امیر مؤمنان علیه السلام آموختند، نمی‌خوانی، هرگاه مظلومی آن را بر ظالمی بخواند، خداوند متعال او را یاری می‌رساند و او را کفایت می‌کند و دعا این است:

«خدایا بلا را بر او فرو پوشان و به بلا فرا گیر و آزار را دنبال او قرار ده و او را به روزی انداز که برگشتی ندارد و لحظه‌ای که بازگشتی ندارد و حریم او را مباح گردان و بر محمد و خاندان وی علیه و علیهم السلام درود فرست. مرا از او کفایت کن و از شر او باز دار و مکر او را از من بازگردان و قلب او را سخت کن و دهان او را از من بسته دار، و صداها برای خداوند رحمان به زیر می‌افتند و جز نجوایی چیزی نمی‌شنوی و چهره هادر برابر آن زنده پاینده متواضع شود و هر کس ظلم نمود، ناامید شد، در آن گم شوید و با من سخن مگویید، ساکت شو ساکت شو، هفت بار. -. أمالی الطوسی ۱: ۲۸۱ -

**[ترجمه]

أقول

يناسب الباب الخبر الذی أوردنا فی باب الدعاء لشروع عمل فی الأيام المنحوسه(۲) و فی باب الاسم الأعظم (۳).

**[ترجمه]متناسب با این باب، روایتی است که در باب دعا برای شروع کار در روزهای شوم - ۲. به صفحات ۱-۳ این جلد مراجعه کن. -

آوردیم و در باب اسم اعظم نیز ذکر کردیم. -. مراجعه کن جلد ۹۳: ۲۳۵ — ۲۳۳ -

**[ترجمه]

«۹»

ما، [الأمالی] للشيخ الطوسی جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى الْعَرَّادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْفَضْلِ بْنِ الرَّبِيعِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ الرَّبِيعِ قَالَ: دَعَانِی الْمَنْصُورُ يَوْماً فَقَالَ يَا رَبِيعُ أَحْضِرْ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ اللَّهِ لَأَقْتُلَنَّهُ فَوَجَّهْتُ إِلَيْهِ فَلَمَّا وَافَى قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنْ كَانَ لَکَ وَصِيَّةٌ أَوْ عَهْدٌ تَعْهَدُهُ فَافْعَلْ فَقَالَ اسْتَأْذِنْ لِی عَلَيْهِ فَدَخَلْتُ إِلَى الْمَنْصُورِ فَأَعْلَمْتُهُ مَوْضِعَهُ فَقَالَ أَدْخِلْهُ فَلَمَّا وَقَعَتْ عَيْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام عَلَى الْمَنْصُورِ رَأَيْتُهُ يُحَرِّکُ شَفَتَيْهِ بِشَيْ ءٍ لَمْ أَفْهَمْهُ وَ مَضَى فَلَمَّا سَلَّمَ عَلَى الْمَنْصُورِ نَهَضَ إِلَيْهِ فَاعْتَنَقَهُ وَ أَجْلَسَهُ إِلَى جَانِبِهِ وَ قَالَ لَهُ ارْفَعْ حَوَائِجَکَ فَأَخْرَجَ رِقَاعاً لِأَقْوَامٍ وَ سَأَلَ فِی آخَرِينَ فَقُضِيَتْ حَوَائِجُهُ فَقَالَ الْمَنْصُورُ ارْفَعْ حَوَائِجَکَ فِی نَفْسِکَ فَقَالَ لَهُ جَعْفَرٌ لَا تَدْعُنِی حَتَّى أَجِيئَکَ فَقَالَ لَهُ الْمَنْصُورُ مَا لِی إِلَى ذَلِکَ سَبِيلٌ وَ أَنْتَ تَزْعُمُ لِلنَّاسِ يَا بَا عَبْدِ اللَّهِ أَنَّکَ تَعْلَمُ الْغَيْبَ فَقَالَ جَعْفَرٌ عليه السلام مَنْ أَخْبَرَکَ بِهَذَا فَأَوْمَأَ الْمَنْصُورُ إِلَى شَيْخٍ قَاعِدٍ بَيْنَ يَدَيْهِ فَقَالَ جَعْفَرٌ عليه السلام لِلشَّيْخِ أَنْتَ سَمِعْتَنِی أَقُولُ هَذَا قَالَ الشَّيْخُ نَعَمْ قَالَ جَعْفَرٌ عليه السلام لِلْمَنْصُورِ أَ يَحْلِفُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ لَهُ الْمَنْصُورُ احْلِفْ فَلَمَّا بَدَأَ الشَّيْخُ فِی الْيَمِينِ قَالَ جَعْفَرٌ عليه السلام لِلْمَنْصُورِ حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ الْعَبْدَ إِذَا حَلَفَ بِالْيَمِينِ الَّتِی يَبَرُّهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهَا وَ هُوَ كَاذِبٌ امْتَنَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ عُقُوبَتِهِ عَلَيْهَا فِی عَاجِلَتِهِ لِمَا بَرَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَكِنِّی أَنَا أَسْتَحْلِفُهُ فَقَالَ الْمَنْصُورُ ذَلِکَ لَکَ فَقَالَ جَعْفَرٌ عليه السلام لِلشَّيْخِ قُلْ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ حَوْلِهِ وَ قُوَّتِهِ وَ أَلْجَأُ إِلَى حَوْلِی وَ قُوَّتِی إِنْ لَمْ أَكُنْ سَمِعْتُکَ تَقُولُ هَذَا الْقَوْلَ فَتَلَكَّأَ الشَّيْخُ فَرَفَعَ الْمَنْصُورُ

۱- ۱. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۲۸۱، و صه کلمه زجر بمعنی اسکت.

۲- ۲. راجع ص ۱- ۳ من هذا المجلد.

۳- ۳. راجع ج ۹۳ ص ۲۳۳- ۲۳۵.

عَمُوداً كَانَ فِي يَدِهِ فَقَالَ وَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ تَحْلِفْ لَأَعْلُوَنَّكَ بِهَذَا الْعَمُودِ(۱) فَحَلَفَ الشَّيْخُ فَمَا أَتَمَّ الْيَمِينَ حَتَّى دَلَعَ لِسَانَهُ كَمَا يَدْلَعُ الْكَلْبُ وَ مَاتَ لِوَقْتِهِ وَ نَهَضَ جَعْفَرٌ عليه السلام قَالَ الرَّبِيعُ فَقَالَ لِي الْمَنْصُورُ وَيْلَكَ اكْتُمْهَا النَّاسَ لَا يَفْتَتِنُونَ قَالَ الرَّبِيعُ فَحَلَفْتُ جَعْفَراً عليه السلام فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ مَنْصُوراً كَانَ قَدْ هَمَّ بِأَمْرٍ عَظِيمٍ فَلَمَّا وَقَعَتْ عَيْنُكَ عَلَيْهِ وَ عَيْنُهُ عَلَيْكَ زَالَ ذَلِكَ فَقَالَ يَا رَبِيعُ إِنِّي رَأَيْتُ الْبَارِحَةَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فِي النَّوْمِ فَقَالَ لِي يَا جَعْفَرُ خِفْتَهُ فَقُلْتُ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لِي إِذَا وَقَعَتْ عَيْنُكَ عَلَيْهِ فَقُلْ بِبِسْمِ اللَّهِ أَسْتَفْتِحُ وَ بِبِسْمِ اللَّهِ أَسْتَنْجِحُ وَ بِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله أَتَوَجَّهُ اللَّهُمَّ ذَلِّلْ لِي صُعُوبَةَ أَمْرِي وَ كُلَّ صُعُوبَةٍ وَ سَهِّلْ لِي حُزُونَةَ أَمْرِي وَ كُلَّ حُزُونَةٍ وَ اكْفِنِي مَئُونَةَ أَمْرِي وَ كُلَّ مَئُونَةٍ.

قَالَ أَبُو الْمُفَضَّلِ حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ الصَّمَدِ الْهَاشِمِيُّ بِسُرَّ مَنْ رَأَى بِإِسْنَادٍ عَنْ أَهْلِهِ لَا أَحْفَظُهُ: فَذَكَرَ هَذَا الْحَدِيثَ وَ ذَكَرَ أَنَّ الْمَنْصُورَ قَامَ إِلَيْهِ فَاعْتَنَقَهُ فَقَالَ لِيَ الْمَنْصُورُ خَلِيفَةٌ وَ لَا يَنْبَغِي لِلْخَلِيفَةِ أَنْ يَقُومَ إِلَى أَحَدٍ وَ لَا إِلَى عُمُومَتِهِ وَ مَا قَامَ الْمَنْصُورُ إِلَّا إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام (۲).

**[ترجمه]أمالي: حسن بن فضل بن ربيع از جدّ خود ربيع نقل کرد: روزی منصور مرا فرا خواند و گفت: ای ربیع! جعفر بن محمد را بیاور، به خدا سوگند او را می‌کشم. پس به سوی او رفتم و وقتی او را دیدم گفتم: ای فرزند رسول خدا اگر وصیت یا پیمانی دارید، انجام دهید. پس فرمودند: برای من اجازه حضور بگیرید، پس به نزد منصور رفتم و او را از جای ایشان آگاه کردم، پس گفت: او را داخل کن، زمانی که چشم جعفر علیه السلام به منصور افتاد، دیدم لبانشان به چیزی می‌جنبد که نمی‌فهمم و رفت و زمانی که بر منصور سلام کرد، برخاست و ایشان را در آغوش گرفت و در کنار خود نشاند و به ایشان گفت: حاجاتت را عرضه دار، پس کاغذی برای اقوامی بیرون آوردند و برای دیگران نیز، خواسته‌هایی را مطرح کرد، و حاجاتش روا شد و منصور گفت: برای خودت چیزی بخواه. جعفر به او فرمودند: دیگر مرا فرا نخوان تا خود به نزد تو بیایم. منصور به ایشان گفت: من راهی به آن ندارم و تو چنان برای مردم می‌نمایی - ای ابا عبدالله - که گویی غیب را می‌دانی.

پس حضرت جعفر علیه السلام فرمودند: چه کسی خبر آن را به تو آورد؟ منصور به پیرمردی که در مقابل او نشسته بود، اشاره کرد، جعفر علیه السلام به آن پیرمرد فرمودند: تو شنیدی من این را بگویم؟ پیرمرد گفت: آری، جعفر علیه السلام به منصور گفت: آیا سوگند می‌خورد ای امیر مؤمنان؟ منصور به او گفت: سوگند بخور. هنگامی که آن پیرمرد شروع کرد به قسم خوردن، جعفر علیه السلام به منصور فرمودند: پدرم از پدرشان و او از جدشان از امیر مؤمنان نقل کردند: هرگاه بنده‌ای سوگند بخورد و خداوند عزّ و جلّ را در آن گواه بگیرد، در حالی که دروغ می‌گوید، خداوند عزّ و جلّ از عذاب او در دنیا خودداری می کند، به سبب آنکه خداوند عزّ و جلّ نیکی دارد، ولی من از او می‌خواهم تا سوگند بخورد، منصور گفت: اختیار با توست.

جعفر علیه السلام به پیرمرد فرمودند: بگو: بیزاری می جویم از قدرت و نیروی او و به قدرت و نیروی خود پناه می‌برم اگر از تو نشنیده باشم که این سخن را بگویی، آن پیرمرد درنگ کرد، پس منصور عمودی را که در دستش بود، بالا برد و گفت: سوگند به خدا اگر قسم نخوری این عمود را بر سر تو می کوبم، پس آن پیرمرد سوگند خورد و هنوز به پایان نرسیده بود که زبانش را همچون سگ از دهان بیرون آورد و در جا مرد و حضرت جعفر علیه السلام برخاست .

ربیع نقل کرد: منصور به من گفت: وای بر تو، آن را از مردم پنهان دار تا دچار فتنه نشوند، ربیع گفت: جعفر علیه السلام را سوگند دادم و گفتم: ای فرزند رسول خدا، منصور تصمیم به کار بزرگی گرفته بود و زمانی که چشم شما بر او و چشم او بر شما افتاد، آن تصمیم از بین رفت، پس فرمودند: ای ربیع، شب گذشته، رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم، پس به من فرمودند: ای جعفر آیا از او بیم داری؟ جواب دادم: آری ای رسول خدا، پس به من فرمودند: زمانی که چشمت بر او افتاد بگو:

«به نام خدا آغاز می‌کنم، و به نام خدا طلب کامیابی می‌کنم، به محمد صلی الله علیه و آله روی می‌کنم، خداوندا سختی این کار و تمام سختی‌ها را بر من رام گردان و اندوه این کار و تمام اندوه‌ها را برایم آسان گردان و مرا از رنج این کار و تمام رنج‌ها کفایت نما».

ابو المفضل نقل کرد: ابراهیم بن عبد الصمد هاشمی در سامرا با استناد به خانواده‌اش که اسمش در یادم نیست، این حدیث را ذکر کرد و

گفت: منصور به سمت او برخاست و او را در آغوش گرفت و به من گفت: منصور خليفه است و براى او سزاوار نيست تا براى كسى و يا به سبب عمو زادگى اش برخيزد و منصور تنها براى امام صادق عليه السلام برخاست. - . أمالى الطوسى ۲: ۷۷ — ۷۶ -

**[ترجمه]

«۱۰»

ثو، [ثواب الأعمال] أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ جَهْمٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مِهْزَمٍ عَنْ رَجُلٍ سَمِعَ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام یَقُولُ: مَنْ قَدَّمَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ جَبَّارٍ مَنَعَهُ اللَّهُ مِنْهُ یَقْرَأُهَا بَیْنَ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ یَمِینِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِکَ رَزَقَهُ اللَّهُ خَیْرَهُ وَ مَنَعَهُ شَرَّهُ وَ قَالَ إِذَا خِفْتَ أَمْراً فَاقْرَأْ مِائَهَ آیَهٍ مِنَ الْقُرْآنِ مِنْ حَیْثُ شِئْتَ ثُمَّ قُلِ اللَّهُمَّ اکْشِفْ عَنِّی الْبَلَاءَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ (۳).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: شخصى از امام موسى عليه السلام شنيد كه مى‌فرمودند: هر كس سوره قل هو الله احد را ميان خود و انسان سركشى مقدم بدارد خداوند شرّ آن سركش را از او باز دارد و چنانچه آن را از پيش و پشت سر و راست و چپ بخواند، خداوند خير او را روزى‌اش گرداند و از شر او باز دارد.

و فرمودند: هر گاه از چيزى بيم داشتى، صد آيه از قرآن از هر جا كه خواستى، بخوان، سپس سه بار بگو: خدايا اين مصيبت را از من برطرف نماى. - . ثواب الاعمال: ۱۱۶ -

**[ترجمه]

«۱۱»

ص، [قصص الأنبياء عليهم السلام] بِالْإِسْنَادِ إِلَى الصَّدُوقِ عَنِ ابْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ

ص: ۲۱۷

۱- ۱. أی لاضربن علاوتک: ای رأسک.

۲- ۲. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۷۶- ۷۷.

۳- ۳. ثواب الأعمال ص ۱۱۶.

عِيسَى عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبِی جَمِيلَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: كَانَ مِنْ قَوْلِ مُوسَى عليه السلام حِينَ دَخَلَ عَلَى فِرْعَوْنَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَدْرَأُ إِلَيْکَ (۱)

فِی نَحْرِهِ وَ أَسْتَجِيرُ بِکَ مِنْ شَرِّهِ وَ أَسْتَعِينُ بِکَ فَحَوَّلَ اللَّهُ مَا كَانَ فِی قَلْبِ فِرْعَوْنَ مِنَ الْأَمْنِ خَوْفاً.

**[ترجمه]قصص الانبياء: امام صادق عليه السلام فرمودند: وقتی حضرت موسی عليه السلام بر فرعون وارد شد، اين را خواند «خدايا من به واسطه تو سينه او را دفع می کنم و از شر او به تو پناه می‌برم و از تو كمک می گيرم» پس خداوند، آرامشی قلب فرعون را به ترس و نگرانی تبديل ساخت.

**[ترجمه]

«۱۲»

يج، [الخرائج و الجرائح] رُوِیَ أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ أَبِی لَيْلَى قَالَ: كُنْتُ بِالرَّبَذَةِ مَعَ أَبِی الدَّوَانِيقِ وَ كَانَ قَدْ وَجَّهَ إِلَى أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ كَانَ يَقُولُ عَلَيَّ بِهِ سَقَى اللَّهُ الْأَرْضَ دَمِی إِنْ لَمْ أَسْقِهَا دَمَهُ عَجِّلُوا عَجِّلُوا قَالَ فَلَمَّا دَخَلَ جَعْفَرٌ قَالَ لَهُ مَرْحَباً مَرْحَباً يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا زَالَ يَرْفَعُهُ حَتَّى أَجْلَسَهُ عَلَى وِسَادَتِهِ ثُمَّ دَعَا بِالطَّعَامِ وَ قَضَى حَوَائِجَهُ وَ أَمَرَهُ بِالانْصِرَافِ قُلْتُ لَهُ أَ رَأَيْتَ أَنْ تُعَلِّمَنِی فَقَدْ رَأَيْتُکَ تُحَرِّكُ شَفَتَيْکَ إِذْ دَخَلْتَ قَالَ قُلْتُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يَأْتِی بِالْخَيْرِ إِلَّا اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ كُلُّ نِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (۲).

**[ترجمه]الخرائج: عبدالله بن ابی ليلی نقل كرد: در ربذه به همراه أبی الدوانيق بودم و به سراغ امام صادق عليه السلام فرستاد و می گفت: بر من است كه زمين را از خون او سيراب سازم و اگر چنين نكنم خداوند زمين را از خون من سيراب گرداند. بشتابيد بشتابيد، نقل كرد: وقتی جعفر داخل شد، گفت: خوش آمدی خوش آمدی ای فرزند رسول خدا و پيوسته او را بالا برد تا بر تخت خود نشانيد و درخواست غذا كرد و نيازهای او را برطرف ساخت، سپس به او امر كرد تا باز گردد، به ايشان عرض كردم آيا صلاح می‌دانيد آن را به من بياموزيد، زمانی كه وارد شديد ديدم لبانتان را حركت می‌داديد؟ فرمودند: گفتم «هر چه خواست خداست، تنها خداست كه خير را بر من می‌آموزد هر آنچه خدا خواست و تنها خداست كه شر را باز می گرداند، هر چه خدا خواست، تمام نعمت‌ها از جانب خداست، هرچه خدا خواست، هيچ نيرو و قدرتی جز به خدا وجود ندارد». - . آن را در مختار الخرائج و الجرائح چاپ شده نيافتم. -

**[ترجمه]

«۱۳»

كشف، [كشف الغمه] مِنْ كِتَابِ الدَّلَائِلِ لِلْحِمْيَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِی لَيْلَى: مِثْلَهُ وَ فِيهِ مَا شَاءَ اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يَأْتِی بِالْخَيْرِ إِلَّا اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ كُلُّ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (۳).

**[ترجمه]كشف الغمه: به نقل از كتاب الدلائل از حميری، مثل اين حديث از عبدالله بن ابی ليلی روايت شد و اين است «هرچه خدا خواست، هر چه خدا خواست، تنها خداست كه خير را می‌آورد، هرچه خدا خواست، هرچه خدا خواست، تنها خداست كه بدی را برمی گرداند، هرچه خدا خواست، هر چه خدا خواست، تمام نعمت‌ها از جانب خداست، هر چه خدا خواست، هيچ نيرو و قدرتی جز به خدا وجود ندارد». - . كشف الغمه ۲: ۴۲۸ -

**[ترجمه]

«۱۴»

یـج، [الخرائج و الجرائح] رُوِیَ: أَنَّ النَّبِیَّ صـلی الله علیه و آله کَانَ یُصَـلِّی مُقَابِلَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ وَ یَسْـتَقْبِلُ الْکَعْبَهَ وَ یَسْـتَقْبِلُ بَیْتَ الْمَقْدِسِ فَلَا یُرَی حَتَّی یَفْرُغَ مِنْ صَـلَاتِهِ وَ کَانَ یَسْـتَتِرُ بِقَوْلِهِ وَ إِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَیْنَکَ وَ بَیْنَ الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ حِجاباً مَسْتُوراً وَ بِقَوْلِهِ أُولئِکَ الَّذِینَ طَبَعَ اللَّهُ عَلی قُلُوبِهِمْ وَ بِقَوْلِهِ وَ جَعَلْنـا عَلی قُلُوبِهِمْ أَکِنَّهً أَنْ یَفْقَهُوهُ وَ فِی آذانِهِمْ وَقْراً وَ بِقَوْلِهِ أَ فَرَأَیْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ وَ أَضَـلَّهُ اللَّهُ عَلی عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلی سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلی بَصَرِهِ غِشاوَهً(۴).

ص: ۲۱۸

۱- ۱. أدر أبک ظ و قصص الأنبیاء مخطوط.

۲- ۲. لم نجده فی مختار الخرائج و الجرائح المطبوع.

۳- ۳. کشف الغمّه ج ۲ ص ۴۲۸.

۴- ۴. لم نجده فی الخرائج المطبوع.

**[ترجمه]الخرائج: روایت است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقابل حجر الاسود نماز می‌خواند، و رو به کعبه و بیت المقدس بود، پس دیده نشدند تا اینکه از نمازشان فارغ شدند، و با این آیه قرآن، پنهان گشتند: «وَ إِذ اقَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذينَ لايُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجاباً مَسْتُوراً:.و.چون.قرآن بخوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند پرده ای پوشیده قرارمی دهیم.» و آیه «أُولئِكَ الَّذينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلى قُلُوبِهِم: آنان کسانی اند که خدا بر دلها و گوش و دیدگانشان مُهر نهاد.» و آیه « وَ جَعَلْنا عَلى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فی آذانِهِمْ وَقْراً: ما بر دلهایشان پرده ها افکنده ایم تا آن را نفهمند، و در گوشهایشان سنگینی» و آیه «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلى عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلى بَصَرِهِ غِشاوَةً: پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مُهر زده و بردیده اش پرده نهاده است». - . در کتاب الخرائج چاپ شده آن را نیافتم. -

**[ترجمه]

«۱۵»

ضا، [فقه الرضا علیه السلام]: إِذَا فَرَغْتَ مِنْ سُلْطَانٍ أَوْ غَيْرِهِ فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَمْتَنِعُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِهِمْ وَ قُوَّتِهِمْ أَمْتَنِعُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَ أَقُولُ ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ إِذَا دَخَلْتَ عَلَى سُلْطَانٍ تَخَافُ شَرَّهُ فَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ فُلَانٍ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَ أَسْأَلُكَ بَرَكَتَهُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَتِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ حَاجَتِي أَوَّلَهَا صَلَاحاً وَ أَوْسَطَهَا فَلَاحاً وَ آخِرَهَا نَجَاحاً.

**[ترجمه]فقه الرضا: هرگاه از حاکم یا غیر او نگرانی یافت، بگو: «خداوند برای من کافی است، خدایی جز او نیست و بر او توکل نمودم و اوست پروردگار عرش باعظمت، به قدرت و نیروی خدا از قدرت و نیروی آنان، جلوگیری می کنم، از پروردگار و سپیده‌دم از شر آنچه خلق کرد، جلوگیری می کنم، و می گویم آنچه خدا خواست و هیچ قدرتی به جز خدا وجود ندارد».

و هرگاه بر حاکمی وارد شدی که از شر او بیم داری بگو: «خداوندا من از تو خیر فلانی را مسالت می کنم و از شرّ او به تو پناه می‌برم، برکت او را خواهانم و از فتنه او به تو پناه می‌برم، خدایا اول حاجت مرا خیر خواهی و میانه آن را رستگاری و پایان آن را کامیابی قرار ده.

**[ترجمه]

«۱۶»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] الْأَشْعَثُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: لَمَّا طَلَبَ أَبُو الدَّوَانِيقِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ هَمَّ بِقَتْلِهِ فَأَخَذَهُ صَاحِبُ الْمَدِينَهِ وَ وَجَّهَ بِهِ إِلَيْهِ وَ كَانَ أَبُو الدَّوَانِيقِ اسْتَعْجَلَهُ وَ اسْتَبْطَأَ قُدُومَهُ حِرْصاً مِنْهُ عَلَى قَتْلِهِ فَلَمَّا مَثُلَ بَيْنَ يَدَيْهِ ضَحِكَ فِي وَجْهِهِ ثُمَّ رَحَّبَ بِهِ وَ أَجْلَسَهُ عِنْدَهُ وَ قَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ اللَّهِ لَقَدْ وَجَّهْتُ إِلَيْكَ وَ أَنَا عَازِمٌ عَلَى قَتْلِكَ وَ لَقَدْ نَظَرْتُ فَأُلْقِيَ إِلَيَّ مَحَبَّةٌ لَكَ فَوَ اللَّهِ مَا أَجِدُ أَحَداً مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أَعَزَّ مِنْكَ وَ لَا آثَرَ عِنْدِي وَ لَكِنْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا كَلَامٌ يَبْلُغُنِي عَنْكَ تُهَجِّنُنَا فِيهِ وَ تَذْكُرُنَا بِسُوءٍ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا ذَكَرْتُكَ قَطُّ بِسُوءٍ فَتَبَسَّمَ أَيْضاً وَ قَالَ وَ اللَّهِ أَنْتَ أَصْدَقُ عِنْدِي مِنْ جَمِيعِ مَنْ سَعَى بِكَ إِلَيَّ هَذَا مَجْلِسِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ خَاتَمِي فَانْبَسِطْ وَ لَا تَخْشَنِي (۱) فِي جَلِيلِ أَمْرِكَ وَ صَغِيرِهِ فَلَسْتُ أَرُدُّكَ عَنْ شَيْ ءٍ ثُمَّ أَمَرَهُ بِالانْصِرَافِ وَ حَبَاهُ وَ أَعْطَاهُ فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَ شَيْئاً وَ قَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَا فِي غَنَاءٍ وَ كِفَايَةٍ وَ خَيْرٍ كَثِيرٍ فَإِذَا هَمَمْتَ بِبِرِّي فَعَلَيْكَ بِالْمُتَخَلِّفِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَارْفَعْ عَنْهُمُ الْقَتْلَ.

قَالَ قَدْ قَبِلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ قَدْ أَمَرْتُ بِمِائَةِ أَلْفِ دِرْهَمٍ فَفَرِّقْ بَيْنَهُمْ فَقَالَ وَصَلْتَ الرَّحِمَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.

فَلَمَّا خَرَجَ مِنْ عِنْدِهِ مَشَى بَيْنَ يَدَيْهِ مَشَايِخُ قُرَيْشٍ وَ شُبَّانُهُمْ وَ مِنْ كُلِ

١- ١. لا تحتشمنی خ ل.

قَبِيلَهٍ وَ مَعَهُ عَيْنُ أَبِي الدَّوَانِيقِ فَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَقَدْ نَظَرْتُ نَظَراً شَافِياً حِينَ دَخَلْتَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَمَا أَنْكَرْتُ مِنْكَ شَيْئاً غَيْرَ أَنِّي نَظَرْتُ إِلَى شَفَتَيْكَ وَ قَدْ حَرَّكْتَهُمَا بِشَيْءٍ فَمَا كَانَ ذَلِكَ قَالَ إِنِّي لَمَّا نَظَرْتُ إِلَيْهِ قُلْتُ يَا مَنْ لَا يُضَامُ وَ لَا يُرَامُ وَ بِهِ يُوَاصَلُ الْأَرْحَامُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اكْفِنِي شَرَّهُ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ اللَّهِ مَا زِدْتُ عَلَى مَا سَمِعْتَ قَالَ فَرَجَعَ الْعَيْنُ إِلَى أَبِي الدَّوَانِيقِ فَأَخْبَرَهُ بِقَوْلِهِ فَقَالَ وَ اللَّهِ مَا اسْتَتَمَّ مَا قَالَ حَتَّى ذَهَبَ مَا كَانَ فِي صَدْرِي مِنْ غَائِلَهٍ وَ شَرٍّ(۱).

**[ترجمه]طب الائمه: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت است: زمانی که أبو الدوانیق امام صادق علیه السلام را طلب کرد و تصمیم به کشتن وی گرفت، صاحب شهر – فرماندار – او را گرفت و نزد خلیفه برد. ابو الدوانیق که بسیار خواهان کشتن امام بود از این رو حضور ایشان را بی درنگ و تامل طلبید وقتی امام در مقابل او قرار گرفت، به روی امام خندید و به او خوش آمد گفت و ایشان را نزد خود نشاند و گفت: ای فرزند رسول خدا، به خدا سوگند به سراغ تو فرستادم و تصمیم به کشتن تو داشتم و زمانی که نگاه کردم محبت تو در دلم نشست، به خدا سوگند، هیچ کس از اهل خانه‌ام عزیزتر و برتر از تو نزد من نیست، ولی ای ابا عبدالله این چه سخنی بود که از تو به ما رسید و تو در آن عیب ما را می گفتی و به بدی یاد می نمودی .

فرمودند: ای امیر مؤمنان هرگز از شما به بدی یاد نکردم، پس لبخندی زد و گفت: سوگند به خدا، تو راستگوتر از تمامی کسانی هستی که بدگویی تو را نزد من می‌کردند، این تخت من در مقابل تو و این انگشتری من است، پس راحت باش و در کار بزرگ و کوچک خود ازمن نترس، تو را از چیزی باز نمی‌گردانم، سپس به ایشان دستور دادند که بازگردد، و به ایشان بخشش‌ها و عطاها داشتند؛ ولی امام از پذیرفتن آنها خودداری نمودند و فرمودند: ای امیر مؤمنان، من در بی‌نیازی و کفایت و خیر فراوانم، اگر می‌خواهی به من نیکی کنی به خلافکاران از اهل بیت من توجه کن و از کشتن آنها منصرف شو.

گفت: قبول کردم ای ابا عبدالله، به صد هزار درهم دستور دادم پس میان آنان پخش کن، پس فرمودند: صله رحم نمودی ای امیر مؤمنان.

زمانی که از نزد خلیفه بیرون آمدند، پیران و جوانان قریش و دیگر قبیله‌ها در مقابل امام به راه افتادند و جاسوس ابی الدوانیق نیز با ایشان بود پس به امام گفت: «ای فرزند رسول خدا، زمانی که بر امیر مؤمنان وارد شدی، نگاهی شفادهنده انداختی، و من چیز غریبی از شما ندیدم، غیر اینکه به لبانتان نگاه کردم که شما آنها را حرکت می‌دادی و آن چه بود؟

فرمودند: زمانی که بر او نگاه کردم، گفتم «ای کسی که مورد ظلم واقع نمی‌شوی و دور از دسترسی، و به سبب او پیوندها برقرار می شود، بر محمد و خاندان وی درود فرست و با نیرو و قدرت خود، شر او را از من کفایت کن» سوگند به خدا، چیزی بر آنچه شنیدی نیافزودم، نقل کرد: آن جاسوس به سوی ابی الدوانیق بازگشت و او را آگاه ساخت و خلیفه گفت: سوگند به خدا هنوز آنچه را می گفت به پایان نرسانیده بود که شر و کینه درون سینه‌ام فرو نشست. – . طب الائمه: ۱۱۶ –

**[ترجمه]

«۱۷»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَحْيَى الْبَزَّازُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مِسْكِينٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: كَلِمَاتٌ إِذَا قُلْتُهُنَّ مَا أُبَالِي عَمَّنِ اجْتَمَعَ عَلَيَّ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِقُوَّتِكَ وَ حَوْلِكَ وَ قُدْرَتِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ مُغْتَالٍ وَ كَيْدِ الْفُجَّارِ فَإِنِّي أُحِبُّ الْأَبْرَارَ وَ أُوَالِي الْأَخْيَارَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ (۲).

**[ترجمه]طب الائمه: از حسین بن علی روایت است کلماتی وجود دارند که هرگاه آنها را بر زبان آورم، چنانچه جنیان و آدمیان علیه من

اجتماع کننـد، باکی نـدارم: «به نام خـدا و با اسـتعانت از خدا، و به سوی خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا صـلی الله علیه و آله، خدایا به نیرو و قدرت و توانایی خود مرا از شـر هر متکبر و مکر هر بدکاری کفایت کن، به راستی که من نیکوکاران را دوست دارم و با خوبان دوستم و درود و سلام خدا بر محمد و خاندان وی. - . طب الائمه: ۱۱۶ -

**[ترجمه]

«۱۸»

طب، [طب الأئمه علیهم السـلام] سَعِیدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ مُوسَی بْنِ عِیسَی الْحَنَّاطِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِیدٍ وَ هُوَ وَالِدُ سَعِیدِ بْنِ مُحَمَّدٍ الشَّعِیرِیِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ علیه السـلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله: مَنْ أَرَادَهُ إِنْسَانٌ بِسُوءٍ فَأَرَادَ أَنْ یَحْجُزَ اللَّهُ بَیْنَهُ وَ بَیْنَهُ فَلْیَقُلْ حِینَ یَرَاهُ أَعُوذُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِ خَلْقِهِ وَ قُوَّتِهِمْ وَ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ ثُمَّ یَقُولُ مَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِنَبِیِّهِ مُحَمَّدٍ صـلی الله علیه و آله فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ إِلَّا صَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ کَیْدَ کُلِّ کَائِدٍ وَ مَکْرَ کُلِّ مَاکِرٍ وَ حَسَدَ کُلِّ حَاسِدٍ وَ لَا یَقُولَنَّ هَذِهِ الْکَلِمَاتِ إِلَّا فِی وَجْهِهِ فَإِنَّ اللَّهَ یَکْفِیهِ بِحَوْلِهِ (۳).

ص: ۲۲۰

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۱۱۶.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۱۱۶.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۲۲۲.

**[ترجمه]طب الائمه: جعفر بن محمـد صادق علیه السـلام فرمودنـد: رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمودنـد: هر کس به انسانی، بـدی او را بخواهـد و او بخواهـد که خداونـدمیان آنها حائل شود، هر وقت او را می‌بینـد، بگوید: «از قدرت و نیروی خلق خدا به قدرت و نیروی خدا پناه می‌برم و به پروردگار سپیـده‌دم از آنچه آفرید پناه می‌برم، سـپس آنچه را خداوند عزّ و جلّ به پیامبرش محمد صـلی الله علیه و آله فرمود: «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لا ـ إِلهَ إِلاَّ ـ هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ: پس اگر روی برتافتنـد، بگو: خـدا مرا بس است. هیـچ معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است.» پس خداوند مکر هر حیله‌گر و نیرنگ هر فریبنده‌ای و حسادت هر حسودی را از او برمی‌گرداند، و این کلمات را در روی او بگوید تا خداوند به قدرت خود او را کفایت کند. - . طب الائمه: ۲۲۲ -

**[ترجمه]

«۱۹»

شا، [الإرشاد] أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ جَدِّهِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ عَمِّهِ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: لَمْ أَرَ مِثْلَ التَّقَدُّمِ فِي الدُّعَاءِ فَإِنَّ الْعَبْدَ لَيْسَ تَحْضُرُهُ الْإِجَابَةُ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَ كَانَ مِمَّا حُفِظَ عَنْهُ علیه السلام مِنَ الدُّعَاءِ حِينَ بَلَغَهُ تَوَجُّهُ مُسْرِفِ بْنِ عُقْبَةَ(۱)

إِلَى الْمَدِينَهِ رَبِّ كَمْ مِنْ نِعْمَهٍ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا شُكْرِي وَ كَمْ مِنْ بَلِيَّهٍ ابْتَلَيْتَنِي بِهَا قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا صَبْرِي فَيَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ نِعْمَتِهِ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَ قَلَّ عِنْدَ بَلَائِهِ صَبْرِي فَلَمْ يَخْذُلْنِي يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَداً وَ يَا ذَا النَّعْمَاءِ الَّتِي لَا تُحْصَى عَدَداً صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ادْفَعْ عَنِّي شَرَّهُ فَإِنِّي أَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِهِ وَ أَسْتَعِيذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ فَقَدِمَ مُسْرِفُ بْنُ عُقْبَهَ الْمَدِينَهَ وَ كَانَ يُقَالُ لَا يُرِيدُ غَيْرَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَ أَكْرَمَهُ وَ حَبَاهُ وَ وَصَلَهُ (۲).

**[ترجمه]الارشاد: از حضـرت علی بن حسـین علیه السـلام روایت است، که می‌فرمودنـد: من چیزی راماننـد پیشـدستی کردن در دعا ندیدم؛ چون در هر ساعت و وقتی دعای بندگان مستجاب نمی شود.و از جمله دعاهایی که از آن حضرت علیهالسلام حفظ شد، دعایی است به هنگام آمدن مسـرف بن عقبه به مدینه: «پروردگار چه بسـیار نعمت‌هایی که بر من اعطا کردی و شـکرگزاری من در برابر آنها اندک بود و چه بسیار بلاهـایی که مرا بـدان دچـار سـاختی و صبر مـا در برابر آنهـا نـاچیز بود، پس ای کسـی که سپاس من از نعمت‌هایش کم بود و با این حال مرا محروم نساخت و صبرم از بلاهایش انـدک بود و تنهایم نگـذاشت، ای صاحب نیکی که هیچگاه قطع نمی گردد، ای صاحب نعمت‌هایی که به شماره نمی‌آینـد بر محمد و خاندان محمد درود فرست و شـر او را از من دور کن و به راستی که من به واسـطه تو سـینه او را دفع می کنم و از شر او به تو پناه می‌جویم» پس مسـرف بن عقبه به مـدینه آمـد و گفته می‌شد: که تنها علی بن حسـین علیه السـلام را می‌خواست، پس بر ایشان سلام نمود و گرامی داشت و به او بخشش‌ها و صله‌ها عطا کرد. - . ارشاد المفید: ۲۴۲ -

**[ترجمه]

«۲۰»

عم (۳)، [إعلام الورى] شا، [الإرشاد] وَ رُوِيَ: أَنَّ دَاوُدَ بْنَ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ قَتَلَ الْمُعَلَّى بْنَ الْخُنَيْسِ مَوْلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام وَ أَخَذَ مَالَهُ فَدَخَلَ عَلَيْهِ جَعْفَرٌ وَ هُوَ يَجُرُّ رِدَاءَهُ فَقَالَ لَهُ قَتَلْتَ مَوْلَايَ وَ أَخَذْتَ مَالِي أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ الرَّجُلَ يَنَامُ عَلَى الثُّكْلِ وَ لَا يَنَامُ عَلَى الْحَرَبِ (۴)

أَمَا وَ اللَّهِ لَأَدْعُوَنَّ اللَّهَ عَلَيْكَ فَقَالَ لَهُ دَاوُدُ تُهَدِّدُنَا بِدُعَائِكَ كَالْمُسْتَهْزِئِ بِقَوْلِهِ فَرَجَعَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِلَى دَارِهِ فَلَمْ يَزَلْ لَيْلَهُ كُلَّهُ قَائِماً وَ قَاعِداً حَتَّى إِذَا كَانَ السَّحَرُ سُمِعَ وَ هُوَ يَقُولُ فِي مُنَاجَاتِهِ يَا ذَا الْقُوَّهِ الْقَوِيَّهِ وَ يَا ذَا الْمِحَالِ الشَّدِيدَهِ وَ يَا ذَا الْعِزَّهِ الَّتِي كُلُّ خَلْقِكَ لَهَا ذَلِيلٌ اكْفِنِي هَذَا الطَّاغِيَهَ وَ انْتَقِمْ لِي مِنْهُ فَمَا كَانَ إِلَّا سَاعَهً حَتَّى ارْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ

۱- ۱. مسرف بن عقبه هو مسلم بن عقبه الذی بعثه یزید بن معاویه لوقعه الحره فسمی مسرفا لاسرافه فی اهراق الدماء.

۲- ۲. إرشاد المفید ص ۲۴۲.

۳- ۳. إعلام الوری ص ۲۷۰.

۴- ۴. الحرب فی الأصل بمعنی أخذ المال و ترک صاحبه بلا شی ء یقال حرب الرجل ماله- کعنی- سلبه فهو محروب.

بِالصِّيَاحِ وَ قِيلَ قَدْ مَاتَ دَاوُدُ بْنُ عَلِيٍّ السَّاعَةَ(۱).

**[ترجمه]اعلام الوری، الارشاد: روایت است داوود بن علی بن عبـدالله بن عباس، المعلّی بن نخستین از طرفداران جعفر بن محمد علیه السـلام را به قتـل رسانـد و مال او را گرفت، پس جعفر بر او وارد شـد و او ردایش را می‌کشـید، به او گفت: دوست مرا کشتی و مال مرا برگفتی؟ آیا نـدانستی که انسان اگر فرزندی از دست دهد به خواب می رود ولی اگر مال او به غارت رود خواب به چشـمانش راه ندارد.سوگند به خدا که تو را به درگـاه خداونـد نفرین خواهم کرد، داود به ایشان گفت: با دعای خود ما را تهدیـد می‌کنی؟ گویی سـخن ایشان را به تمسـخر گرفت، پس امام صادق علیه السـلام به خانه خویش بازگشـتند و شب را به نماز و دعا پرداختنـد تا اینکه در وقت سـحر شـنیده شد در مناجات خویش چنین می‌گفتنـد: «ای صاحب قـدرت نیرومنـد، و ای صاحب عذاب های شدید و ای صاحب عزتی که تمام مخلوقاتت در برابر آن خوارند، مرا از شر این عصیانگر، کفایت کن و انتقام مرا از او بستان» ساعتی نگذشت که صداها و فریادهایی بلند شد و گفته شد: داود بن علی همین الان مرد. - . ارشاد المفید: ۲۵۶، و در کشف الغمه۲: ۳۹۰ آن روایت کرد. -

**[ترجمه]

«۲۱»

مکـا، [مکـارم الأخلاـق] قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا خِفْتَ امْرَأً فَأَرَدْتَ أَنْ تُکفَی أَمْرَهُ وَ شَرَّهُ فَاعْتَمِدْ طَلِبَهَ الْهِلَالِ فِی أَوَّلِ الشَّهْرِ فَإِذَا رَأَیْتَهُ فَقُمْ قَائِماً عَلَی قَدَمَیْکَ وَ قُلْ کَأَنَّکَ تُومِئُ إِلَیْهِ بِالْخِطَابِ أَ یَوَدُّ أَحَدُکُمْ أَنْ تَکُونَ لَهُ جَنَّهٌ مِنْ نَخِیلٍ وَ أَعْنابٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ لَهُ فِیها مِنْ کُلِّ الثَّمَراتِ وَ أَصابَهُ الْکِبَرُ وَ لَهُ ذُرِّیَّهٌ ضُعَفاءُ فَأَصابَها إِعْصارٌ فِیهِ نارٌ فَاحْتَرَقَتْ وَ تُومِئُ بِهَذِهِ الْکَلِمَاتِ نَحْوَ دَارِ الرَّجُلِ الَّذِی تَخَافُهُ ثُمَّ تَقُولُ فَاحْتَرَقَتْ فَاحْتَرَقَتْ اللَّهُمَّ طُمَّهُ بِالْبَلَاءِ طَمّاً وَ عُمَّهُ بِالْعَمَاءِ عَمّاً وَ ارْمِهِ بِحِجَارَهٍ مِنْ سِجِّیلٍ وَ طَیْرِکَ الْأَبَابِیلِ یَا عَلِیُّ یَا عَظِیمُ ثُمَّ تَقُولُ مِثْلَ ذَلِکَ فِی اللَّیْلَهِ الثَّانِیَهِ مِنَ الشَّهْرِ وَ فِی اللَّیْلَهِ الثَّالِثَهِ فَإِنْ أَنْجَعَ وَ بَلَغَ مَا تُرِیدُ فِی الشَّهْرِ الْأَوَّلِ وَ إِلَّا فَعَلْتَ فِی الشَّهْرِ الثَّانِی تَلْتَمِسُ الْهِلَالَ اللَّیْلَهَ الْأُولَی وَ تَقُولُ مَا تَقَدَّمَ ذِکْرُهُ وَ الثَّانِیَهَ وَ الثَّالِثَهَ فَإِنْ نَجَعَ وَ إِلَّا فَمِثْلَ ذَلِکَ فِی الشَّهْرِ الثَّالِثِ وَ لَنْ تَحْتَاجَ بَعْدَ ذَلِکَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ (۲).

آخَرُ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَی الصَّادِقِ علیه السلام فَشَکَا إِلَیْهِ ظَالِماً یَظْلِمُهُ فَقَالَ لَهُ قُلْ یَا نَاصِرَ الْمَظْلُومِ الْمَبْغِیِّ عَلَیْهِ إِنْ کَانَ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ یَظْلِمُنِی فَابْتَلِهِ بِفَقْرٍ لَا تَجْبُرُهُ وَ بَلَاءٍ لَا تَسْتُرُهُ فَمَا دَعَا الرَّجُلُ عَلَی ظَالِمِهِ بِهَذَا الدُّعَاءِ إِلَّا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حَتَّی أَصَابَهُ وَضَحٌ فِی جَبْهَتِهِ ثُمَّ افْتَقَرَ مِنْ بَعْدِهِ (۳).

آخَرُ: وَ إِذَا دَخَلْتَ عَلَی سُلْطَانٍ فَقُلْ خَیْرُکَ بَیْنَ عَیْنَیْکَ وَ شَرُّکَ تَحْتَ قَدَمَیْکَ وَ أَنَا أَسْتَعِینُ بِاللَّهِ عَلَیْکَ (۴).

آخَرُ عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: إِذَا دَعَا أَحَدُکُمْ عَلَی عَدُوِّهِ فَلْیَقُلْ اللَّهُمَّ أَطْرِقْهُ بِلَیْلَهٍ لَا أُخْتَ لَهَا وَ أَبِحْ حَرِیمَهُ (۵).

آخَرُ: یَا مَنْ یَکْفِی مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ لَا یَکْفِی مِنْهُ شَیْ ءٌ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ

۱- ۱. إرشاد المفید ص ۲۵۶ و رواه فی کشف الغمّه ج ۲ ص ۳۹۰.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۰۰.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۰۰.

۴- ۴. مکارم الأخلاق ص ۴۰۰.

۵- ۵. مکارم الأخلاق ص ۴۰۱.

مُحَمَّدٍ وَ اكْفِنِی مَئُونَتَهُ بِلَا مَئُونَهٍ(۱).

آخَرُ: إِذَا فَزِعْتَ رَجُلًا فَقُلْ حَسْبِیَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ أَمْتَنِعُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِهِمْ وَ قُوَّتِهِمْ وَ أَمْتَنِعُ بِرَبِّ الْفَلَقِ [وَ] مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ (۲).

دُعَاءٌ آخَرُ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: دَعَا بِهِ عِنْدَ دُخُولِهِ عَلَی الْمَنْصُورِ وَ هُوَ فِی شِدَّهِ غَضَبِهِ فَسَکَنَ غَضَبُهُ یَا عُدَّتِی عِنْدَ شِدَّتِی وَ یَا غَوْثِی عِنْدَ کُرْبَتِی احْرُسْنِی بِعَیْنِکَ الَّتِی لَا تَنَامُ وَ اکْنُفْنِی بِرُکْنِکَ الَّذِی لَا یُرَامُ (۳).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هرگاه از کسی هراسیدی و خواستی از امر و شر او کفایت شوی، در اول ماه به دنبال باش تا هلال ماه را بیابی، هرگاه آن را دیدی، روی دو پای خود بایست و بگو چنانکه به او خطاب می‌کنی «أَیَوَدُّ أَحَدُکُمْ أَنْ تَکُونَ لَهُ جَنَّهٌ مِنْ نَخِیلٍ وَ أَعْنابٍ تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ لَهُ فیها مِنْ کُلِّ الثَّمَراتِ وَ أَصابَهُ الْکِبَرُ وَ لَهُ ذُرِّیَّهٌ ضُعَفاءُ فَأَصابَها إِعْصارٌ فیهِ نارٌ فَاحْتَرَقَت: آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر آنها نهرها روان است، و برای او در آن از هر گونه میوه ای باشد، و در حالی که او را پیری رسیده و فرزندانی خردسال دارد، گردبادی آتشین برآن زند و بسوزد» و با این کلمات به سمت خانه شخصی که از او بیم داری اشاره می‌کنی سپس می‌گویی: «سوخت، سوخت، سوخت، خدایا او را به بلا بپوشان و به گمراهی فراگیر و سنگ‌هایی از سجیل و پرندگان ابابیل خود به او انداز، ای بلند مرتبه و بزرگ» سپس مثل این در شب دوم و سوم ماه می‌خوانی، پس اگر فایده نرساند و تو را به آنچه می‌خواهی در ماه اول نرساند، پس همین کار را در اولین شب ماه دوم انجام می‌دهی و آنچه ذکر شد را می‌گویی، و اگر باز هم سودی نبخشید، مثل این کار را در ماه سوم انجام می‌دهی و بعد از آن به اذن خداوند عزّ و جلّ، نیازی نخواهی داشت. - . مکارم الاخلاق: ۴۰۰ -

دعایی دیگر: شخصی نزد حضرت صادق علیه السلام آمد و از ستمگری که به او ظلم می‌کند شکایت کرد، امام به او فرمودند: بگو: «ای یاری کننده مظلوم که بر او ستم شد، اگر فلان فرزند فلان به من ظلم می‌رساند، او را به فقری دچار ساز که او را اصلاح نکنی و به بلایی که او را نپوشانی» هرکس این دعا را سه مرتبه علیه شخص ظالمی بخواند طولی نمی‌کشد که سفیدی در پیشانی او پدیدار شود و بعد از آن به فقر مبتلا می‌گردد. - . مکارم الاخلاق: ۴۰۰ -

دعای دیگر: هرگاه بر پادشاهی وارد شدی بگو، بگو:«خیر تو در میان دیدگانت و شرّ تو زیر پاهای توست و من از خداوند علیه تو یاری می جویم». - . مکارم الاخلاق: ۴۰۰ -

دعای دیگر: از حضرت رضا علیه السلام روایت است: هرگاه کسی از شما خواست علیه دشمن خویش دعا کند بگوید «خدایا او را به شبی دچار ساز که هیچ مثلی ندارد و حرمت او مباح گردان». - . مکارم الاخلاق: ۴۰۱ -

دعایی دیگر: «ای کسی که از هر چیز کفایت می‌کنی و چیزی از او کفایت نمی‌شود، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بدون هیچ رنجی، سختی او را برایم کفایت کن». - . مکارم الاخلاق: ۴۰۱ -

دعایی دیگر: هرگاه از شخصی بیم داشتی، بگو: «خدایی که جز او خدایی نیست مرا کفایت می‌کند، بر او توکل نمودم و اوست پروردگار عرش باعظمت، از قدرت و نیروی دیگران به قدرت و نیروی او جلوگیری می‌کنم، و از شر آنچه آفرید به کمک پروردگار سپیده دم ممانعت می‌کنم، هرچه خدا خواست، هیچ قدرتی جز به خدا وجود ندارد». - . مکارم الاخلاق: ۴۰۱ -

دعایی دیگر: از حضرت صادق علیه السلام، که هنگام حضور در نزد منصور آن را خواند، در حالی که او در خشم بسیار بود و آرام گشت: «ای توشه من در سختی‌هایم و ای فریادرس من در گرفتاری‌ام، به چشم خود که خواب ندارد، مرا حفظ کن و مرا در جوار آن ستون خود که

دست نایافتن است، قرار ده». - . مکارم الاخلاق: ۴۰۴ -

**[ترجمه]

«۲۲»

کشف، [کشف الغمه] مِنْ كِتَابِ مُحَمَّدِ بْنِ طَلْحَةَ قَالَ حَدَّثَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ الرَّبِيعِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: حَجَّ الْمَنْصُورُ سَنَةَ سَبْعٍ وَ أَرْبَعِينَ وَ مِائَةٍ فَقَدِمَ الْمَدِينَةَ وَ قَالَ لِلرَّبِيعِ ابْعَثْ إِلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ مَنْ يَأْتِينَا بِهِ مُتْعَباً قَتَلَنِيَ اللَّهُ إِنْ لَمْ أَقْتُلْهُ فَتَغَافَلَ الرَّبِيعُ عَنْهُ لِيَنْسَاهُ ثُمَّ أَعَادَ ذِكْرَهُ لِلرَّبِيعِ وَ قَالَ ابْعَثْ مَنْ يَأْتِ بِهِ مُتْعَباً فَتَغَافَلَ عَنْهُ ثُمَّ أَرْسَلَ إِلَى الرَّبِيعِ رِسَالَةً قَبِيحَةً أَغْلَظَ عَلَيْهِ فِيهَا وَ أَمَرَهُ أَنْ يَبْعَثَ مَنْ يُحْضِرُ جَعْفَراً فَفَعَلَ.

فَلَمَّا أَتَاهُ قَالَ لَهُ الرَّبِيعُ يَا بَا عَبْدِ اللَّهِ اذْكُرِ اللَّهَ فَإِنَّهُ أَرْسَلَ إِلَيْكَ بِمَا لَا دَافِعَ لَهُ غَيْرُ اللَّهِ فَقَالَ جَعْفَرٌ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ثُمَّ إِنَّ الرَّبِيعَ أَعْلَمَ الْمَنْصُورَ بِحُضُورِهِ فَلَمَّا دَخَلَ جَعْفَرٌ عَلَيْهِ أَوْعَدَهُ وَ أَغْلَظَ وَ قَالَ أَيْ عَدُوَّ اللَّهِ اتَّخَذَكَ أَهْلُ الْعِرَاقِ إِمَاماً يَبْعَثُونَ إِلَيْكَ زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ وَ تُلْحِدُ فِي سُلْطَانِي وَ تَبْغِيهِ الْغَوَائِلَ قَتَلَنِيَ اللَّهُ إِنْ لَمْ أَقْتُلْكَ فَقَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ سُلَيْمَانَ أُعْطِيَ فَشَكَرَ وَ إِنَّ أَيُّوبَ ابْتُلِيَ فَصَبَرَ وَ إِنَّ يُوسُفَ ظُلِمَ فَغَفَرَ وَ أَنْتَ مِنْ ذَلِكَ السِّنْخِ.

فَلَمَّا سَمِعَ الْمَنْصُورُ ذَلِكَ مِنْهُ قَالَ لَهُ إِلَيَّ وَ عِنْدِي أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَنْتَ الْبَرِي ءُ السَّاحَةِ السَّلِيمُ النَّاحِيَةِ الْقَلِيلُ الْغَائِلَةِ جَزَاكَ اللَّهُ مِنْ ذِي رَحِمٍ أَفْضَلَ مَا جَزَى ذَوِي الْأَرْحَامِ عَنْ أَرْحَامِهِمْ ثُمَّ تَنَاوَلَ يَدَهُ فَأَجْلَسَهُ مَعَهُ فِي فَرْشِهِ ثُمَّ قَالَ عَلَيَّ بِالطِّيبِ فَأُتِيَ

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۰۱.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۰۱.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۰۴.

بِالْغَالِيَهِ فَجَعَلَ يُغَلِّفُ لِحْيَهَ جَعْفَرٍ بِيَدِهِ (۱)

حَتَّى تَرَكَهَا يَقْطُرُ ثُمَّ قَالَ قُمْ فِی حِفْظِ اللَّهِ وَ كِلَاءَتِهِ ثُمَّ قَالَ يَا رَبِيعُ أَلْحِقْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَائِزَتَهُ وَ كِسْوَتَهُ انْصَرِفْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فِی حِفْظِهِ وَ كَنَفِهِ فَانْصَرَفَ.

قَالَ الرَّبِيعُ وَ لَحِقْتُهُ فَقُلْتُ إِنِّی قَدْ رَأَيْتُ قَبْلَكَ مَا لَمْ تَرَهُ وَ رَأَيْتُ بَعْدَكَ مَا لَا رَأَيْتُهُ فَمَا قُلْتَ يَا بَا عَبْدِ اللَّهِ حِينَ دَخَلْتَ قَالَ قُلْتُ اللَّهُمَّ احْرُسْنِی بِعَيْنِكَ الَّتِی لَا تَنَامُ وَ اكْنُفْنِی بِرُكْنِكَ الَّذِی لَا يُرَامُ وَ اغْفِرْ لِی بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ وَ لَا أَهْلِكَ وَ أَنْتَ رَجَائِی اللَّهُمَّ أَنْتَ أَكْبَرُ وَ أَجَلُّ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ اللَّهُمَّ بِكَ أَدْفَعُ فِی نَحْرِهِ وَ أَسْتَعِيذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ فَفَعَلَ اللَّهُ بِی مَا رَأَيْتَ (۲).

وَ مِنْ كِتَابِ الْحَافِظِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: دَخَلَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَى أَبِی جَعْفَرٍ الْمَنْصُورِ فَتَكَلَّمَ فَلَمَّا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِهِ أَرْسَلَ إِلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ فَرَدَّهُ فَلَمَّا رَجَعَ حَرَّكَ شَفَتَيْهِ بِشَیْ ءٍ فَقِيلَ لَهُ مَا قُلْتَ قَالَ قُلْتُ اللَّهُمَّ أَنْتَ تَكْفِی مِنْ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ لَا يَكْفِی مِنْكَ شَیْ ءٌ فَاكْفِنِيهِ (۳).

**[ترجمه]کشف الغمه: عبدالله بن فضل بن ربیع از پدرش نقل کرد: منصور در سال یکصد و چهل و هفت، حج گزارد و به مدینه آمد و به ربیع گفت: شخصی به سراغ جعفر بن محمد بفرست تا او را عاجزانه نزد من آورد، خداوند مرا بکشد اگر او را به قتل نرسانم، ربیع خود را به فراموشی زد تا او نیز فراموش کند، سپس منصور این کار را بار دیگر برای او یادآوری کرد، و گفت: شخصی را بفرست تا او را عاجزانه بیاورد پس باز خود را به فراموش زد، سپس خلیفه نامه‌ای نکوهیده بر او نگاشت و در آن بسیار خشمگین گشت و به او دستور داد که شخصی بفرستد تا جعفر را حاضر کند، پس انجام داد.

زمانی که ربیع خدمت امام رسیدم، عرض کرد: ای ابا عبدالله، خدا را یاد کن، به راستی که او برای چیزی به سراغ شما فرستاد که دفع کننده‌ای جز خدا ندارد، پس جعفر فرمودند به هیچ نیرو و قدرتی جز به خدا نیست، سپس ربیع، منصور را به حضور امام آگاه ساختند و وقتی جعفر داخل شد، منصور بر او خشم گرفت و وعده داد و گفت ای دشمن خدا، مردمان عراق تو را امام خود برگرفتند و زکات اموالشان را به سوی تو می‌فرستند و تو حاکمیت مرا انکار می‌کنی، و تباهی آن را می طلبی؟ خدا مرا بکشد اگر تو را به قتل نرسانم، امام فرمودند: ای امیر مؤمنان، به راستی که سلیمان مورد عطا قرار گرفت و سپاسگزاری نمود و ایوب به بلاـ گرفتار شد و صبر پیشه گرفت و یوسف ظلم شد و سپس درگذشت و تو از این دسته هستی.

وقتی منصور این سخن را از وی شنید و گفت: به نزد من بیا، ای ابا عبدالله تو پاکی و جانب تو سلامت است و فتنه‌ات اندک، خداوند تو را از خویشاوندی پاداشی دهد بسیار برتر از پاداشی که به خویشاوندان از نزدیکانشان می‌دهد، سپس دستشان را گرفت و در کنار خود بر تخت نشاند و سپس گفت: برایم عطر بیاورید: و غالیه - . نوعی عطر مرکب از چند نوع عطر. -

آورده شد، پس محاسن جعفر را با دست خویش به آن عطر آغشته ساخت به طوری که از آن می‌چکید، سپس گفت: برخیز و در پناه و مراقبت خدا باش، سپس گفت: ای ربیع، هدیه و لباس را به ابا عبدالله برسان، ای ابا عبدالله در حفظ و جوار خداوند، بازگرد و او نیز بازگشت.

ربیع نقل کرد: پس به ایشان پیوستم و گفتم: به راستی که من قبل از شما، چیزی دیدم که شما او را ندیدی و بعد از شما نیز چیزی دیدم که آن را ندیده بودم، ای ابا عبدالله هنگام ورود، چه خواندید؟ فرمودند گفتم: «خدایا مرا به چشمت که به خواب نمی‌رود حفظ کن و در جوار ستون دست نایافتنی خود، قرار ده، و قدرتت بر من مرا بیامرز و هلاک نمی‌گردم؛ در حالی که تو امید منی، خدایا تو بزرگتر و باشکوه‌تر از آن چیزی هستی که بیم دارم و می‌هراسم، خدایا به کمک تو سینه او را دفع می کنم و از شر او به تو پناه می‌جویم». پس خداوند در حق من آنچه کرد که دیدی. - . کشف الغمه۲: ۳۷۴ -

از کتاب الحافظ عبدالعزیز از محمد بن اسحاق بن جعفر از پدرش نقل است: جعفر بن محمد پیش أبی جعفر منصور آمد و سخن گفت، هنگامی که از نزد ایشان بیرون آمدند، به دنبال جعفر بن محمد فرستاد و او را باز گرداند، هنگامی که امام بازگشتند، لبانشان را به چیزی حرکت می‌دادند، گفته شد: چه گفتی؟ فرمودند: گفتم: «خدایا تو از هر چیز کفایت می‌کنی و هیچ چیز از تو کفایت نمی‌کند، پس مرا کفایت نما». - . کشف الغمه۲: ۳۸۴ -

**[ترجمه]

أقول

تمام الخبر فی أبواب تاریخه علیه السلام.

**[ترجمه]روایت کامل در باب های تاریخ ایشان علیه السلام است.

**[ترجمه]

«۲۳»

کش، [رجال الکشی] مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ خُرَّزَادَ عَنْ يُونُسَ بْنِ الْقَاسِمِ الْبَلْخِيِّ عَنْ رِزَامٍ مَوْلَى خَالِدٍ الْقَسْرِيِّ قَالَ: كُنْتُ أُعَذَّبُ بِالْمَدِينَهِ بَعْدَ مَا خَرَجَ مِنْهَا مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدٍ فَكَانَ صَاحِبُ الْعَذَابِ يُعَلِّقُنِی بِالسَّقْفِ وَ يَرْجِعُ إِلَى أَهْلِهِ وَ يُغْلِقُ عَلَيَّ الْبَابَ وَ كَانَ أَهْلُ الْبَيْتِ إِذَا انْصَرَفَ إِلَى أَهْلِهِ حَلُّوا الْحَبْلَ عَنِّی وَ يَحُلُّونِّی وَ أَقْعُدُ عَلَى الْأَرْضِ حَتَّى إِذَا دَنَا مَجِيئُهُ عَلَّقُونِی فَوَ اللَّهِ إِنِّی كَذَلِكَ ذَاتَ يَوْمٍ إِذَا رُقْعَهٌ وَقَعَتْ مِنَ الْكُوَّهِ إِلَيَّ مِنَ الطَّرِيقِ فَأَخَذْتُهَا فَإِذَا هِیَ مَشْدُودَهٌ بِحَصَاهٍ فَنَظَرْتُ فِيهَا خَطَّ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَإِذَا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ قُلْ يَا رِزَامُ يَا كَائِناً قَبْلَ كُلِ

ص: ۲۲۴

۱- ۱. قال الجزریّ: فیه: کنت اغلف لحیه رسول اللّه بالغالیه أی ألطخها به و أکثر و الغالیه ضرب مرکب من الطیب، منه رحمه اللّه.

۲- ۲. کشف الغمّه ج ۲ ص ۳۷۴.

۳- ۳. کشف الغمّه ج ۲ ص ۳۸۴.

شَيْ ءٍ وَ يَا كَائِناً بَعْدَ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ يَا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْ ءٍ أَلْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ قَالَ رِزَامُ فَقُلْتُ ذَلِكَ فَمَا عَادَ إِلَيَّ شَيْ ءٌ مِنَ الْعَذَابِ بَعْدَ ذَلِكَ (۱).

**[ترجمه]رجال الكشي: از رزام خالد قسری نقل است: بعد از آنکه محمد بن خالد از مدینه خارج شد، من در آن شهر در حال عذاب و شکنجه بودم، آن شخص شکنجه‌گر مرا به سقف می‌آویخت و به نزد خانواده‌اش برمی‌گشت و در را به رویم می‌بست، و زمانی که او به سوی خانه‌اش بازمی‌گشت، اهل خانه، طناب را از من می‌گشودند و مرا باز می‌کردند و من بر زمین می‌نشستم و تا زمانی که آمدنش نزدیک بود، مرا آویزان می‌کردند، سوگند به خدا یک روز من اینچنین بودم، ناگهان از راه رقعه‌ای به سوی من از طریق شکاف انداخته شد، آن را برداشتم و آن با سنگریزه‌ای بسته شده بود و به خط امام صادق علیه السلام در آن نظر کردم، این بود: به نام خداوند بخشنده مهربان، ای رزام بگو: «ای موجود قبل از هر چیز و ای هستی بعد از هر چیز، ای پدیدآورنده هر چیز، بر من زره مصون از شر مخلوقات را بپوشان» رزام گفت: آن را گفتم و پس از آن دیگر به آن شکنجه دچار نشدم. - . رجال الكشي: ۲۹۰ -

**[ترجمه]

«۲۴»

كش، [رجال الكشي] عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ حَمَّادٍ النَّابِ عَنِ الْمِسْمَعِيِّ عَنْ مُعَتِّبٍ قَالَ: لَمَّا قَتَلَ دَاوُدُ بْنُ عَلِيٍّ مُعَلَّى بْنَ خُنَيْسٍ لَمْ يَزَلْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام لَيْلَةً سَاجِداً وَ قَائِماً قَالَ فَسَمِعْتُهُ فِي آخِرِ اللَّيْلِ وَ هُوَ سَاجِدٌ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ الْقَوِيَّةِ وَ مِحَالِكَ الشَّدِيدِ وَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي جُلُّ خَلْقِكَ لَهَا ذَلِيلٌ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تَأْخُذَهُ السَّاعَةَ السَّاعَةَ قَالَ فَوَ اللَّهِ مَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنْ سُجُودِهِ حَتَّى سَمِعْنَا الصَّائِحَةَ فَقَالُوا مَاتَ دَاوُدَ بْنُ عَلِيٍّ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِنِّي دَعَوْتُ اللَّهَ عَلَيْهِ بِدَعْوَةٍ بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكاً فَضَرَبَ رَأْسَهُ بِمِرْزَبَةٍ انْشَقَّتْ مَثَانَتُهُ (۲).

**[ترجمه]رجال الكشي: از معتب نقل است، زمانی که داود بن علی، معلی بن خنیس را به قتل رساند، امام صادق علیه السلام، آن شب را در حالت قیام و سجود به سر برد و شنیدم، پایان شب در حالت سجده می‌فرمودند: «خدایا از تو می‌خواهم به قدرت نیرومند خویش و به عذاب شدید خود و به عزتت که اکثریت مخلوقات در برابر آن ذلیل هستند، بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و همین لحظه، همین لحظه، او را برگیری». نقل کرده به خدا سوگند، هنوز سر از سجده برنداشتند که صدای فریادی شنیدیم و گفتند: داود بن علی مرد، پس امام صادق علیه السلام فرمودند: من علیه او به درگاه خدا دعا نمودم و خداوند فرشته‌ای فرستاد و به سر او با عصایی آهنین ضربه‌ای زد که مثانه او را شکافت. - . رجال الكشي: ۳۲۴ — ۳۲۳ -

**[ترجمه]

«۲۵»

نُقِلَ مِنْ خَطِّ الشَّهِيدِ قُدِّسَ سِرُّهُ نَقْلًا مِنَ الْجَعْفَرِيَّاتِ بِالْإِسْنَادِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: لَمَّا وَضَحَ لِمُوسَى علیه السلام وَجْهُ فِرْعَوْنَ قَالَ مُوسَى اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِهِ وَ أَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِ فَاكْفِنِي شَرَّهُ قَالَ جَعْفَرٌ الصَّادِقُ علیه السلام وَ هُوَ دُعَاؤُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عِنْدَ سُلْطَانٍ نَخَافُ ظُلْمَهُ.

**[ترجمه]به نقل از خط شهید — قدّس سرّه — به نقل از جعفریات و با استناد به امیر مؤمنان علیه السلام زمانی که موسی علیه السلام در برابر فرعون قرار گرفت، گفت «خدایا من به واسطه تو سینه او را دفع می کنم و از تو بر او کمک می گویم، مرا از شرّ او کفایت نمای» حضرت صادق علیه السلام فرمودند: این دعای ما اهل بیت است زمانی که از ظلم حاکمی، بیم داشته باشیم.

**[ترجمه]

«۲۶»

مهج، [مهج الدعوات] بِإِسْنَادِنَا إِلَى ابْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليهما السلام أَنْ يُعَلِّمَنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي الْمُهِمَّاتِ فَأَخْرَجَ إِلَيَّ أَوْرَاقاً مِنْ صَحِيفَةٍ عَتِيقَةٍ فَقَالَ انْتَسِخْ مَا فِيهَا فَهُوَ دُعَاءُ جَدِّي عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام لِلْمُهِمَّاتِ فَكَتَبْتُ ذَلِكَ عَلَى وَجْهِهِ فَمَا كَرَبَنِي شَيْ ءٌ قَطُّ وَ أَهَمَّنِي إِلَّا دَعَوْتُ بِهِ فَفَرَّجَ اللَّهُ كَرْبِي وَ هَمِّي وَ أَعْطَانِي سُؤْلِي وَ هُوَ اللَّهُمَّ هَدَيْتَنِي فَلَهَوْتُ وَ وَعَظْتَ فَقَسَوْتُ وَ أَبْلَيْتَ الْجَمِيلَ فَعَصَيْتُ وَ عَرَّفْتَ فَأَصْرَرْتُ ثُمَّ عَرَّفْتَ فَاسْتَغْفَرْتُ وَ أَقْلَعْتُ فَعُدْتُ فَسَتَرْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي

ص: ۲۲۵

۱- ۱. رجال الكشّيّ ص ۲۹۰.

۲- ۲. رجال الكشّيّ ص ۳۲۳- ۳۲۴ و الحديث مختصر، و المرزبه: بالتخفيف و التقليل: عصبه من حديد.

تَقَحَّمْتُ أَوْدِيَهَ هَلَاكِی وَ تَخَلَّلْتُ شِعَابَ تَلَفِی وَ تَعَرَّضْتُ فِیهَا لِسَطَوَاتِکَ وَ بِحُلُولِهَا لِعُقُوبَاتِکَ وَ وَسِیلَتِی إِلَیْکَ التَّوْحِیدُ وَ ذَرِیعَتِی أَنِّی لَمْ أُشْرِکْ بِکَ شَیْئاً وَ لَمْ أَتَّخِذْ مَعَکَ إِلَهاً وَ قَدْ فَرَرْتُ إِلَیْکَ مِنْ نَفْسِی وَ إِلَیْکَ یَفِرُّ الْمُسِیءُ وَ أَنْتَ مَفْزَعُ الْمُضِیعِ حَظَّ نَفْسِهِ فَلَکَ الْحَمْدُ یَا إِلَهِی فَکَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضَی عَلَیَّ سَیْفَ عَدَاوَتِهِ وَ شَحَذَ لِی ظَبَا مُدْیَتِهِ وَ أَرْهَفَ لِی شَبَا حَدِّهِ وَ دَافَ لِی قَوَاتِلَ سُمُومِهِ وَ سَدَّدَ نَحْوِی صَوَائِبَ سِهَامِهِ وَ لَمْ تَنَمْ عَنِّی عَیْنُ حِرَاسَتِهِ وَ أَضْمَرَ أَنْ یَسُومَنِی الْمَکْرُوهَ وَ یُجَرِّعَنِّی ذُعَافَ مَرَارَتِهِ (۱)

فَنَظَرْتَ یَا إِلَهِی إِلَی ضَعْفِی عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَادِحِ وَ عَجْزِی عَنِ الِانْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِی بِمُحَارَبَتِهِ وَ وَحْدَتِی فِی کَثِیرِ عَدَدِ مَنْ نَاوَانِی وَ أَرْصَدَ لِی الْبَلَاءَ فِیمَا لَمْ أُعْمِلْ فِیهِ فِکْرَتِی فَابْتَدَأْتَنِی بِنُصْرَتِکَ وَ شَدَدْتَ أَزْرِی بِقُوَّتِکَ ثُمَّ فَلَلْتَ لِی حَدَّهُ وَ صَیَّرْتَهُ مِنْ بَعْدِ جَمْعِ عَدِیدِهِ وَحْدَهُ وَ أَعْلَیْتَ کَعْبِی عَلَیْهِ وَ جَعَلْتَ مَا سَدَّدَهُ مَرْدُوداً عَلَیْهِ وَ رَدَدْتَهُ لَمْ یَشْفِ غَلِیلَهُ وَ لَمْ تَبْرُدْ حَرَارَهُ غَیْظِهِ قَدْ عَضَّ عَلَی شَوَاهُ وَ أَدْبَرَ مُوَلِّیاً قَدْ أَخْلَفَتْ سَرَایَاهُ وَ کَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَی لِی بِمَکَایِدِهِ وَ نَصَبَ لِی أَشْرَاکَ مَصَایِدِهِ وَ وَکَّلَ بِی تَفَقُّدَ رِعَایَتِهِ وَ أَضْبَأَ إِلَیَّ إِضْبَاءَ السَّبُعِ لِطَرِیدَتِهِ وَ انْتِظَارَ الِانْتِهَازِ لِفَرِیسَتِهِ فَنَادَیْتُکَ یَا إِلَهِی مُسْتَغِیثاً بِکَ وَاثِقاً بِسُرْعَهِ إِجَابَتِکَ عَالِماً أَنَّهُ لَمْ یُضْطَهَدْ مَنْ أَوَی إِلَی ظِلِّ کَنَفِکَ وَ لَمْ یَفْزَعْ مَنْ لَجَأَ إِلَی مَعَاقِلِ انْتِصَارِکَ فَحَصَّنْتَنِی مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِکَ وَ کَمْ مِنْ سَحَائِبِ مَکْرُوهٍ قَدْ جَلَّیْتَهَا وَ غَوَاشِی کُرُبَاتٍ کَشَفْتَهَا لَا تُسْأَلُ عَمَّا تَفْعَلُ وَ لَقَدْ سُئِلْتَ فَأَعْطَیْتَ وَ لَمْ تُسْأَلْ فَابْتَدَأْتَ وَ اسْتُمِیحَ فَضْلُکَ فَمَا أَکْدَیْتَ أَبَیْتَ إِلَّا إِحْسَاناً وَ أَبَیْتُ إِلَّا تَقَحُّمَ حُرُمَاتِکَ وَ تَعَدِّیَ حُدُودِکَ وَ الْغَفْلَهَ عَنْ وَعِیدِکَ فَلَکَ الْحَمْدُ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ وَ ذِی أَنَاهٍ لَا یَعْجَلُ هَذَا مَقَامُ مَنِ اعْتَرَفَ لَکَ بِالتَّقْصِیرِ وَ شَهِدَ عَلَی نَفْسِهِ بِالتَّضْیِیعِ إِلَهِی أَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ بِالْمُحَمَّدِیَّهِ الرَّفِیعَهِ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِالْعَلَوِیَّهِ الْبَیْضَاءِ

ص: ۲۲۶

۱- ۱. قد مر هذا الدعاء مشروحا مرارا.

فَأَعِذْنِی مِنْ شَرِّ مَا یَکِیدُنِی وَ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَ مِنْ شَرِّ مَنْ یُرِیدُ بِی سُوءاً فَإِنَّ ذَلِکَ لَا یَضِیقُ عَلَیْکَ فِی وُجْدِکَ وَ لَا یَتَکَأَّدُکَ فِی قُدْرَتِکَ وَ أَنْتَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ إِلَهِی ارْحَمْنِی بِتَرْکِ الْمَعَاصِی مَا أَبْقَیْتَنِی وَ ارْحَمْنِی بِتَرْکِ تَکَلُّفِ مَا لَا یَعْنِینِی وَ ارْزُقْنِی حُسْنَ النَّظَرِ فِیمَا یُرْضِیکَ بِهِ عَنِّی وَ أَلْزِمْ قَلْبِی حِفْظَ کِتَابِکَ کَمَا عَلَّمْتَنِی وَ اجْعَلْنِی أَتْلُوهُ عَلَی مَا یُرْضِیکَ بِهِ عَنِّی وَ نَوِّرْ بِهِ بَصَرِی وَ أَوْعِهِ سَمْعِی وَ اشْرَحْ بِهِ صَدْرِی وَ فَرِّحْ بِهِ قَلْبِی وَ أَطْلِقْ بِهِ لِسَانِی وَ اسْتَعْمِلْ بِهِ بَدَنِی وَ اجْعَلْ فِیَّ مِنَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّهِ مَا یُسَهِّلُ ذَلِکَ عَلَیَّ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِکَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّی وَ مَوْلَایَ وَ سَیِّدِی وَ أَمَلِی وَ إِلَهِی وَ غِیَاثِی وَ سَنَدِی وَ خَالِقِی وَ نَاصِرِی وَ ثِقَتِی وَ رَجَائِی لَکَ مَحْیَایَ وَ مَمَاتِی لَکَ سَمْعِی وَ بَصَرِی وَ بِیَدِکَ رِزْقِی وَ إِلَیْکَ أَمْرِی فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ مَلَکْتَنِی بِقُدْرَتِکَ وَ قَدَرْتَ عَلَیَّ بِسُلْطَانِکَ فَلَکَ الْقُدْرَهُ فِی أَمْرِی وَ نَاصِیَتِی بِیَدِکَ لَا یَحُولُ أَحَدٌ دُونَ رِضَاکَ بِرَأْفَتِکَ أَرْجُو رَحْمَتَکَ وَ بِرَحْمَتِکَ أَرْجُو رِضْوَانَکَ لَا أَرْجُو ذَلِکَ بِعَمَلِی فَقَدْ عَجَزَ عَنِّی عَمَلِی فَکَیْفَ أَرْجُو مَا عَجَزَ عَنِّی أَشْکُو إِلَیْکَ فَاقَتِی وَ ضَعْفَ قُوَّتِی وَ إِفْرَاطِی فِی أَمْرِی وَ کُلُّ ذَلِکَ مِنْ عِنْدِی وَ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّی فَاکْفِنِی ذَلِکَ کُلَّهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی مِنْ رُفَقَاءِ مُحَمَّدٍ حَبِیبِکَ وَ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلِکَ وَ یَوْمَ الْفَزَعِ الْأَکْبَرِ مِنَ الْآمِنِینَ فَآمِنِّی وَ بِبُشْرَاکَ فَبَشِّرْنِی (۱)

وَ بِأَظْلَالِکَ فَظَلِّلْنِی وَ بِمَفَازَهٍ مِنَ النَّارِ فَنَجِّنِی لَا یَمَسَّنِی السُّوءُ وَ لَا تُخْزِنِی وَ مِنَ الدُّنْیَا فَسَلِّمْنِی وَ حُجَّتِی یَوْمَ الْقِیَامَهِ فَلَقِّنِّی وَ بِذِکْرِکَ فَاذْکُرْنِی (۲)

وَ لِلْیُسْرَی فَیَسِّرْنِی وَ لِلْعُسْرَی فَجَنِّبْنِی وَ لِلصَّلَاهِ وَ الزَّکَاهِ مَا دُمْتُ حَیّاً فَأَلْهِمْنِی وَ لِعِبَادَتِکَ فَقَوِّنِی وَ فِی الْفِقْهِ وَ مَرْضَاتِکَ فَاسْتَعْمِلْنِی وَ مِنْ فَضْلِکَ فَارْزُقْنِی وَ یَوْمَ الْقِیَامَهِ فَبَیِّضْ وَجْهِی وَ حِسَاباً یَسِیراً فَحَاسِبْنِی وَ بِقَبِیحِ عَمَلِی فَلَا تَفْضَحْنِی وَ بِهُدَاکَ فَاهْدِنِی وَ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِی الْحَیَاهِ الدُّنْیَا وَ فِی الْآخِرَهِ فَثَبِّتْنِی وَ مَا أَحْبَبْتَ فَحَبِّبْهُ إِلَیَّ وَ مَا کَرِهْتَ فَبَغِّضْهُ إِلَیَّ وَ مَا أَهَمَّنِی مِنْ أَمْرِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ فَاکْفِنِی وَ فِی صَلَاتِی وَ صِیَامِی وَ دُعَائِی وَ نُسُکِی وَ شُکْرِی وَ دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی فَبَارِکْ لِی

۱- ۱. بتیسیرک فیسر لی خ ل.

۲- ۲. فذکرنی خ ل.

وَ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ فَابْعَثْنِی وَ سُلْطَاناً نَصِیراً فَاجْعَلْ لِی وَ ظُلْمِی وَ جَهْلِی وَ إِسْرَافِی فِی أَمْرِی فَتَجَاوَزْ عَنِّی وَ مِنْ فِتْنَهِ الْمَحْیَا وَ الْمَمَاتِ فَخَلِّصْنِی وَ مِنَ الْفَوَاحِشِ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ فَنَجِّنِی وَ مِنْ أَوْلِیَائِکَ یَوْمَ الْقِیَامَهِ فَاجْعَلْنِی وَ أَدِمْ لِی صَلَاحَ الَّذِی آتَیْتَنِی وَ بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ فَأَغْنِنِی وَ بِالطَّیِّبِ عَنِ الْخَبِیثِ فَاکْفِنِی أَقْبِلْ بِوَجْهِکَ الْکَرِیمِ إِلَیَّ وَ لَا تَصْرِفْهُ عَنِّی وَ إِلَی صِرَاطِکَ الْمُسْتَقِیمِ فَاهْدِنِی وَ لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَی فَوَفِّقْنِی اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الرِّیَاءِ وَ السُّمْعَهِ وَ الْکِبْرِیَاءِ وَ التَّعَظُّمِ وَ الْخُیَلَاءِ وَ الْفَخْرِ وَ الْبَذَخِ وَ الْأَشَرِ وَ الْبَطَرِ وَ الْإِعْجَابِ بِنَفْسِی وَ الْجَبَرِیَّهِ رَبِّ فَنَجِّنِی وَ أَعُوذُ بِکَ رَبِّ مِنَ الْعَجْزِ وَ الْبُخْلِ وَ الْحِرْصِ وَ الْمُنَاقَشَهِ وَ الْغِشِّ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الطَّمَعِ وَ الطَّبَعِ وَ الْهَلَعِ وَ الْجَزَعِ وَ الزَّرْعِ وَ الْقَمْعِ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْبَغْیِ وَ الظُّلْمِ وَ الِاعْتِدَاءِ وَ الْفَسَادِ وَ الْفُجُورِ وَ الْفُسُوقِ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْخِیَانَهِ وَ الْعُدْوَانِ وَ الطُّغْیَانِ رَبِّ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْمَعْصِیَهِ[1] وَ الْقَطِیعَهِ وَ السَّیِّئَهِ وَ الْفَوَاحِشِ وَ الذُّنُوبِ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْإِثْمِ وَ الْمَأْثَمِ وَ الْحَرَامِ وَ الْمُحَرَّمِ وَ الْخَبِیثِ وَ کُلِّ مَا لَا تُحِبُّ رَبِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ الشَّیْطَانِ وَ بَغْیِهِ وَ ظُلْمِهِ وَ عُدْوَانِهِ [2] وَ شِرْکِهِ وَ زَبَانِیَتِهِ وَ جُنْدِهِ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ مَا یَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا یَعْرُجُ فِیهَا وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ مِنْ دَابَّهٍ وَ هَامَّهٍ أَوْ جِنٍّ أَوْ إِنْسٍ مِمَّا یَتَحَرَّکُ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ فِی الْأَرْضِ وَ مَا یَخْرُجُ مِنْهَا وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ کُلِّ کَاهِنٍ وَ سَاحِرٍ وَ زَاکِنٍ وَ نَافِثٍ وَ رَاقٍ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ کُلِّ حَاسِدٍ وَ بَاغٍ وَ طَاغٍ وَ نَافِسٍ وَ ظَالِمٍ وَ مُعْتَدٍ وَ جَابِرٍ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْعَمَی وَ الصَّمَمِ وَ الْبَکَمِ وَ الْبَرَصِ وَ الْجُذَامِ وَ الشَّکِّ وَ الرَّیْبِ وَ أَعُوذُ بِکَ رَبِّ مِنَ الْکَسَلِ وَ الْفَشَلِ وَ الْعَجْزِ وَ التَّفْرِیطِ وَ الْعَجَلَهِ وَ التَّضْیِیعِ وَ التَّقْصِیرِ وَ الْإِبْطَاءِ وَ أَعُوذُ بِکَ رَبِّ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَیْنَهُمَا وَ مَا تَحْتَ الثَّرَی رَبِّ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْفَقْرِ وَ الْفَاقَهِ وَ الْحَاجَهِ وَ الْمَسْکَنَهِ وَ الضِّیقَهِ وَ الْعَائِلَهِ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْقِلَّهِ وَ الذِّلَّهِ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الضِّیقِ وَ الشِّدَّهِ وَ الْقَیْدِ وَ الْحَبْسِ وَ الْوَثَاقِ وَ السُّجُونِ وَ الْبَلَاءِ وَ کُلِّ مُصِیبَهٍ لَا صَبْرَ لِی عَلَیْهَا آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ

۱- ۱. من العصبیّه خ ل.

۲- ۲. و عداوته خ ل.

اللَّهُمَّ أَعْطِنَا كُلَّ الَّذِی سَأَلْنَاکَ وَ زِدْنَا مِنْ فَضْلِکَ عَلَی قَدْرِ جَلَالِکَ وَ عَظَمَتِکَ بِحَقٍّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: ابن صدقه نقل کرد: از جعفر بن محمد علیهما السلام پرسیدم که به من دعایی آموزد تا آن را در امور مهم بخوانم پس برگه‌هایی از یک صحیفه کهن بیرون آوردند و فرمودند: از آنها نسخه‌برداری کن، زیرا آن دعای جدم علی بن حسین علیهما السلام در امور مهم است، پس آن را آنطور که باید نوشتم و هیچ گرفتاری بر من پیش نیامد، مگر اینکه آن را می‌خواندم و خداوند غم و اندوه مرا برطرف می‌ساخت و حاجتم را روا می‌کردم، و دعا این است:

«خدایا تو مرا هدایت نمودی و من از آن سرگرم شدم و پند دادی و من سنگدل گشتم و زیبایی - خیر - رساندی و عصیان نمودم و مرا معرفت بخشیدی پس اصرار نمودم، سپس آگاهی دادی و من طلب آمرزش نمودم و رها کردم و بازگشتم و تو پوشاندی. سپاس از آن توست، خدای من، بر وادی‌های هلاکت خویش وارد شدم و بر دره‌های نابودی خود قدم نهادم، و با واردن شدن به آن در معرض قدرت و عذاب‌های تو قرار گرفتم، تنها وسیله‌ام، به یگانگی دانستن توست و بهانه‌ام این است که ذره‌ای بر تو شرک نورزیدم و خدایی در کنار تو برنگرفتم از خودم به سوی تو فرار کردم و انسان بدکار به سوی تو می گریزد و تو پناهگاه کسی هستی که خوشبختی خوش را تباه ساخت، سپاس مخصوص توست ای خدای من.

چه بسا دشمنی که شمشیر دشمن‌اش را بر من کشید و لبه چاقوی خود را برایم تیز کرد و تیغ آن را جلا داد و سم‌های کشنده خود را برایم در آمیخت و تیرهایی که به خطا نمی‌رود را به سوی من روانه ساخت و چشم پاییدن او از من به خواب نرفت و در دل به دنبال است تا ناگواری را به من برساند و سم کشنده خود را به من بنوشاند، ای خدای من و تو نگاه کردی به ناتوانی‌ام از به دوش کشیدن سختی‌ها و ضعفم از پیروزی بر کسی که قصد جنگ با من دارد و تنهایی او برابر تعداد بسیاری از کسانی که قصد مرا دارند، و در آنجا که فکرم را به کار نگرفتم،بلا در کمین من نشست و تو به یاری من آغاز کردی و به قدرت خود پشتم را محکم کردی و برندگی او را شکستی و او را بعد از آنکه فراوان بودند، تنها کردی، و مرا بر او رفعت بخشیدی و هر آنچه به سوی من روانه داشت به خودش بازگرداندی و او را برگرداندی در حالی که تشنگی‌اش را سیراب نکرد و گرمای خشمش فرو ننشست، سر انگشتانش را به دندان گرفت و پشت نمود و فرار کرد سربازانش آنچه وعده داده بودند، انجام ندادند.

و چه بسیار ستمگری که نیرنگ‌های خود بر من جفا نمود، و دام‌های شکار خود را برایم پهن کرد و جستجوی مراقبتش را بر من گماشت و همچون درنده‌ای در کمین من نشست و منتظر فرصتی برای شکار خود بود، ای خدای من، تو را صدا زدم در حالی که از تو فریاد خواهی می‌کنم و به سرعت اجابت تو اطمینان دارم، می‌دانم که هر کس به سایه جوار تو پناه آورد مغلوب نمی‌گردد و کسی که به دژهای یاری تو پناه جست، هراسی ندارد، پس به قدرت خودم از قدرت او حفظ کن.

چه بسا از ابرهای ناخوشی که آنها را کنار زدی و پرده های غم هایی که برداشتی، پرسیده نمی شوی از آنچه می کنی و هر گاه سؤال کرده شدی پس عطا کردی و سؤال کرده نشدی پس ابتدا کردی به احسان و طلب کرده شد بخشش بسیار تو پس زیاده از حد دادی، سرباز زده ای مگر از نیکوئی کردن و سرباز زده ام مگر از انداختن خود در محرمات تو و تجاوز نمودن از حدود تو و بی خبری از وعده به عذاب تو، پس ستایش برای توست، توانمندی که مغلوب نمی شود و بردباری که شتاب نمی کند. این جایگاه کسی است که به کوتاهی در فرمان تو اعتراف کرد و به ضایع کردن عمر خود گواهی داد.

ای خداوندا نزدیکی می جویم به سوی تو به محمّدیت والا، و روی می آورم به سوی تو به علویت روشن، پس پناه ده مرا از شر کسی که به من نیرنگ زند و از شر آنچه آفریدی و از شر کسی که بدی را اراده نماید، به درستی که این بر تو دشوار نیست در جنب توانگری تو و در توانایی تو سخت نیست و تو بر همه چیز توانائی .

ای خـدای من رحـم کن مرا به این که ترک نمایم گناهان تو را هر قـدر که مرا باقی گـذاری و رحـم کن مرا به اینکه واگذارم مشـقّت آنچه به من مربوط نیست و روزی کن مرا نیکو نظر کردن در آنچه تو را از من خشـنود گردانـد و ثـابت گردان در دل من حفظ کتابت همانطور که به من یـاد دادی و چنـان کن که تلاـوت نمـایم آن را بر آنچه تـو را از من خشـنود می گردانـد، و به سـبب آن چشم مرا روشن کن و گـوش مرا جایگاه آن گردان و به سـبب آن سینه مرا بگشای و به سبب آن دل مرا شاد کن و به آن زبان مرا گویا کن و به آن بدن مرا به کار گیر و چنان در من از قدرت و توانائی قرار ده که آن را بر من آسان کند. به درستی که قدرت و قوّتی نیست مگر به تو.

خداونـدا تویی پروردگار و دوست من و آقای من و آرزوی من و خداونـد من و فریادرس من و معتمـد من و آفریننده من و یاری کننده من و اعتماد من و امیـد من. برای توست زنـدگانی من و مردگی من و برای توست گوش و چشم من و به دست قـدرت توست روزی من و به سوی توست امر من در دنیا و آخرت. مالک شدی تو مرا به توانایی خود و قادر گشتی بر من به پادشاهی خود، پس برای توست توانائی در امر من و سرنوشـتم به دست قدرت توست. کسی مانع از خشنودی تو نمی شود. به سبب مهربانی تو رحمتت را امید دارم و به سبب رحمت تو خشنودی ات را امیدوارم، به سبب کردار خود به آن امید ندارم، کردار من، از من در مانده است. پس چگونه امید داشته باشم از چیزی که ناتوان شد از من. شـکوه می نمایم به سوی تو از فقر خود و سـستی توانائی خود و از حـدّ گذشـتن در امر خود و همه اینها از جانب من است و شـکایت می کنم از آنچه تو داناتری به آن از من، پس مرا از اینها همه نگاه دار.

خداونـدا مرا از رفیقـان محمـد، محبوب تو و ابراهیم، دوست تو و امـان داشـته شـدگان در روز ترس بزرگ قرار ده، پس مرا ایمن گردان و به بشارت خود بشارت ده و به سایه مرحمت خود بر من سایه گستران و به رهایی از آتش مرا نجات ده و بـدی را به من مرسان و نااميـد مگردان، سلامـت بـدار مرا از دنیـا، پس به و حجتم را در روز قیامت بر من تلقین کن و به یاد آوری خود مرا به یاد آور و مرا برای آسان موفق گردان و از دشوار دور گردان و مرا برای نماز و دادن زکات هر قـدر که زنده باشم الهام کن و برای پرسـتش خود مرا قوی گردان و در دانسـتن علوم و خشـنودی تو مرا کـار فرمـای و از زیـادتی بخشـش خود مرا روزی ده و در روز قیـامت روی مرا سـفید کن و مرا به آسانی حساب کن و مرا به زشتی کردارم رسوا مکن و به راهنمـائی از جـانب خود مرا راهنمـایی کن و به گفتـار راست و درست در زنـدگانی دنیـا و در آخرت مرا ثابت گردان و آنچه را که دوست داشـتی آن را نزد من محبوب کن و آنچه را که نـاخوش داشـتی مرا به آن دشـمن گردان و آنچه مرا از امر دنیـا و آخرت به انـدوه آورد مرا کفایت کن و در نماز من و روزه من و دعای من و حـج من و شـکرگزاری من و دنیای من و آخرت من برکت ده و به جایگاه نیکو مرا برانگیز و پادشاه یاری کننـده ای برای من قرار ده و بگذر از سـتم و نادانی و اسـراف من در امر خود. و از بلای زندگانی و وقت مردن مرا نجات ده و از زشتی ها آنچه آشـکار شد یا پنهان مرا رها کن و مرا در روز قیامت از دوسـتان خود قرار ده و من صـلاحی که به من عطا کردی همیشـگی کن و به سـبب روزی حلال مرا از حرام بی نیاز گردان و به سـبب رزق نیکو و پاک از بد و آلوده مرا نگاه دار. روی گرامی ات را به سوی من قرار ده و از من برمگردان. و به سوی راه راست خود مرا راهنمایی کن و برای آنچه دوست می داری و راضی هستی مرا توفیق ده.

خداونـدا به درسـتی که من پنـاه می برم به تو از ریـا و آوازه و تکـبّر و بزرگـی کردن بر مردمـان و از نخوت و تفـاخر کردن و از کـبر و کفران نعمت و از طغیان در نعمت و از پسند نمودن نفس خود را و از صاحب جبروت شدن. ای پروردگار من پس نجات ده مرا از اینها و پناه می برم به تو ای پروردگـار من از نـاتوانی و بخـل و از زیـادتی خواهش و جـدل و خیانت کردن و پناه می برم به تو از طمع و عیب و از بی صبری و و زاری کردن و از کاشـتن و سـرکوب کردن و پنـاه می برم به تو از ظلم و سـتم نمودن و از حـدّ گذشـتن و فسـاد کردن و فسق و مرتکب شـدن زشتی ها و پناه می برم به تو از ناراستی و دشمنی و از حدّ تجاوز کردن.

ای پروردگار من و پناه می برم به تو از نافرمانی و جـدایی کردن خویشـی و از کار بد و امرهای قبیح و گناهان و پناه می برم به تو از گناه و از آنچه به گناه اندازد و از چیزهای حرام و کارهای حرام گردانیده شده و از پلیدی و از هر چیزی که دوست نمی داری.

ای پروردگار من پناه می برم به تو از شـر شیطان و ظلم او و ستم او و دشمنی و دام بلای او و لشکر او و سپاه او و پناه می برم به تو از شرّ آنچه

فرود آید از آسمان و آنچه بالا رود در آن و پناه می برم به تو از شر آنچه آفریدی از حیوانات چرنده و حشرات گزنده یا جنّیان یا آدمیان از آنچه حرکت نماید و پناه می برم به تو از شرّ آنچه خلق شد در زمین و از شرّ آنچه بیرون آید از آن و پناه می برم به تو از شرّ هر پیشگو و جادوگری و مایل به باطلی و دمنده در گره ها و افسون کننده و پناه می برم به تو از شر هر رشک برنده ای و ستمکاری و سرکشی و چشم کننده ای و ستم کننده ای و از حدّ تجاوزکننده ای و ظلم کننده ای و پناه می برم به تو از کوری و کری و گنگی و پیسی و خوره و گمان بد و تهمت و پناه می برم به تو از کاهلی و بد دلی و ناتوانی و تقصیر کردن و شتاب نمودن و ضایع کردن و از کوتاهی کردن و دیر کردن در کارها و پناه می برم به تو ای پروردگار من از شرّ آنچه آفریدی در آسمانها و زمین و آنچه میان آن هر دو است و آنچه در زیر خاک است.

پروردگارا و پناه می برم به تو از درویشی و مسکینی و احتیاج داشتن و بی چیزی و تنگی و فقر و پناه می برم به تو از تنگی رزق و خواری و پناه می برم به تو از تنگی و سختی روزگار و زنجیر و بند و بستن و زندان و مصیبت و هر بلایی که آن صبر ندارم، مستجاب کن ای پروردگار عالمیان.

خداوندا ببخش به ما هر آن چیزی را که سؤال نمودیم از تو و زیاده گردان برای ما از زیادی بخشش خود به اندازه بزرگی خود و به قدر بزرگواری خود به حقّ این کلمه که نیست خدائی مگر تو که شکست ناپذیر و دانای مصلحتی. - . مهج الدعوات: ۲۰۲- ۱۹۷ -

**[ترجمه]

«۲۷»

مهج، [مهج الدعوات] أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ هِشَامٍ الْأَصْبَغِيُّ عَنِ الْيَسَعِ بْنِ حَمْزَةَ الْقُمِّيِّ قَالَ أَخْبَرَنِی (۲)

عَمْرُو بْنُ مَسْعَدَةَ وَزِيرُ الْمُعْتَصِمِ الْخَلِيفَهِ: أَنَّهُ جَاءَ عَلَيَّ بِالْمَكْرُوهِ الْفَظِيعِ حَتَّى تَخَوَّفْتُ عَلَى إِرَاقَهِ دَمِی وَ فَقْرِ عَقِبِی فَكَتَبْتُ إِلَى سَيِّدِی أَبِی الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ علیه السلام أَشْكُو إِلَيْهِ مَا حَلَّ بِی فَكَتَبَ إِلَيَّ لَا رَوْعَ عَلَيْكَ وَ لَا بَأْسَ فَادْعُ اللَّهَ بِهَذِهِ الْكَلِمَاتِ يُخَلِّصْكَ اللَّهُ وَشِيكاً مِمَّا وَقَعْتَ فِيهِ وَ يَجْعَلْ لَكَ فَرَجاً فَإِنَّ آلَ مُحَمَّدٍ يَدْعُونَ بِهَا عِنْدَ إِشْرَافِ الْبَلَاءِ وَ ظُهُورِ الْأَعْدَاءِ وَ عِنْدَ تَخَوُّفِ الْفَقْرِ وَ ضِيقِ الصَّدْرِ قَالَ الْيَسَعُ بْنُ حَمْزَةَ فَدَعَوْتُ اللَّهَ بِالْكَلِمَاتِ الَّتِی كَتَبَ إِلَيَّ سَيِّدِی بِهَا فِی صَدْرِ النَّهَارِ فَوَ اللَّهِ مَا مَضَى شَطْرُهُ حَتَّى جَاءَنِی رَسُولُ عَمْرِو بْنِ مَسْعَدَةَ فَقَالَ لِی أَجِبِ الْوَزِيرَ فَنَهَضْتُ وَ دَخَلْتُ عَلَيْهِ فَلَمَّا بَصُرَ بِی تَبَسَّمَ إِلَيَّ وَ أَمَرَ بِالْحَدِيدِ فَفُكَّ عَنِّی وَ بِالْأَغْلَالِ فَحُلَّتْ مِنِّی وَ أَمَرَنِی بِخِلْعَهٍ مِنْ فَاخِرِ ثِيَابِهِ وَ أَتْحَفَنِی بِطِيبٍ ثُمَّ أَدْنَانِی وَ قَرَّبَنِی وَ جَعَلَ يُحَدِّثُنِی وَ يَعْتَذِرُ إِلَيَّ وَ رَدَّ عَلَيَّ جَمِيعَ مَا كَانَ اسْتَخْرَجَهُ مِنِّی وَ أَحْسَنَ رِفْدِی وَ رَدَّنِی إِلَى النَّاحِيَهِ الَّتِی أَتَقَلَّدُهَا وَ أَضَافَ إِلَيْهَا الْكُورَهَ الَّتِی تَلِيهَا قَالَ وَ كَانَ الدُّعَاءُ يَا مَنْ تُحَلُّ بِأَسْمَائِهِ عُقَدُ الْمَكَارِهِ وَ يَا مَنْ يُفَلُّ بِذِكْرِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ وَ يَا مَنْ يُدْعَى بِأَسْمَائِهِ الْعِظَامِ مِنْ ضِيقِ الْمَخْرَجِ إِلَى مَحَلِّ الْفَرَجِ ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصِّعَابُ وَ تَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ وَ جَرَى بِطَاعَتِكَ الْقَضَاءُ وَ مَضَتْ عَلَى ذَلِكَ الْأَشْيَاءِ فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَهٌ وَ بِإِرَادَتِكَ دُونَ وَحْيِكَ مُنْزَجِرَهٌ وَ أَنْتَ الْمَرْجُوُّ لِلْمُهِمَّاتِ وَ أَنْتَ الْمَفْزَعُ لِلْمُلِمَّاتِ (۳) لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ وَ لَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۹۷- ۲۰۲.

۲- ۲. فی المصدر: اجترئ، فتحرر.

۳- ۳. فی الملمات خ ل.

إِلَّا مَا كَشَفْتَ وَ قَدْ نَزَلَ بِی مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ فَدَحَنِی ثِقْلُهُ وَ حَلَّ بِی مِنْهُ مَا بَهَظَنِی حَمْلُهُ وَ بِقُدْرَتِکَ أَوْرَدْتَ عَلَیَّ ذَلِکَ وَ بِسُلْطَانِکَ وَجَّهْتَهُ إِلَیَّ فَلَا مُصْدِرَ لِمَا أَوْرَدْتَ وَ لَا مُیَسِّرَ لِمَا عَسَّرْتَ وَ لَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ وَ لَا فَاتِحَ لِمَا أَغْلَقْتَ وَ لَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ وَ لَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ إِلَّا أَنْتَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْتَحْ لِی بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِکَ وَ اصْرِفْ عَنِّی سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِکَ وَ أَنِلْنِی حُسْنَ النَّظَرِ فِیمَا شَکَوْتُ وَ ارْزُقْنِی حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِیمَا سَأَلْتُکَ وَ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ فَرَجاً وَحِیّاً وَ اجْعَلْ لِی مِنْ عِنْدِکَ مَخْرَجاً هَنِیئاً وَ لَا تَشْغَلْنِی بِالاهْتِمَامِ عَنْ تَعَاهُدِ فَرَائِضِکَ وَ اسْتِعْمَالِ سُنَّتِکَ فَقَدْ ضِقْتُ بِمَا نَزَلَ بِی ذَرْعاً وَ امْتَلَأْتُ بِحَمْلِ مَا حَدَثَ عَلَیَّ جَزَعاً وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَی کَشْفِ مَا بُلِیتُ بِهِ وَ دَفْعِ مَا وَقَعْتُ فِیهِ فَافْعَلْ بِی ذَلِکَ وَ إِنْ کُنْتُ غَیْرَ مُسْتَوْجِبِهِ مِنْکَ یَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَ ذَا الْمَنِّ الْکَرِیمِ فَأَنْتَ قَادِرٌ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: خبر داد به ما محمد بن جعفر بن هشام اصبغی و او نقل نموده از یسع بن حمزه قمی که عمرو بن مسعده وزیر معتصم خلیفه چنان امر ناگواری بر من وارد ساخت که ترسیدم خون مرا بریزد و اولاد و عیال مرا پریشان نماید. پس عریضه ای به خدمت مولای خود ابی الحسن امام علی نقی علیه السلام نوشتم و به سوی ایشان شکوه نمودم از آنچه بر من وارد شده بود. آن حضرت در جواب نوشتند: مترس و تو را هیچ باک نیست و این دعا را بخوان که خدای تعالی تو را به زودی از آنچه در آن افتادی نجات می دهد و تو را گشایشی حاصل می کند. به درستی که آل محمّد علیهم السّلام این دعا را می خوانند هر گاه به ایشان بلایی روی نماید و با ایشان دشمنی آشکار گردد و در وقتی که از درویشی و دلتنگی بترسند.

یسع بن حمزه گفت: من کلماتی که آن حضرت نوشته بودند در اوّل روز خواندم، قسم به خدا که هنوز قدری از روز نرفته بود که فرستاده عمرو بن مسعده وزیر آمد و گفت که وزیر تو را می طلبد. برخاستم و به نزد او رفتم. چون مرا دید تبسمی نمود و فرمود که زنجیر مرا برداشتند و خلعتی از جامه های فاخر خود به من پوشانید و بوی خوش بر من مالید و مرا نزدیک خود طلبید و با من تکلّم نمود و عذرخواهی بسیار نمود و آنچه از اموال و اسباب مرا که برده بودند همگی را به من باز پس داد و بسیار با من مهربانی کرد به همان شهری که حکومت داشتم فرستاد و دهاتی که در نزدیک آن بود را نیز اضافه کرد و دعا این است:

ای کسی که گشوده می شود به برکت نامهای او گره های ناخوشی ها و ای آنکه کند می شود به سبب یاد نمودن او تندی سختی ها و ای کسی که خوانده می شود نام های بزرگ او در وقت تنگی برای بیرون شدن از تنگی به سوی راحتی، سختی ها برای قدرت تو خوار شدند و سبب ها به لطف تو سبب گردیدند و قضا به به فرمانبرداری تو جاری شد و همه چیز بر این اساس گذشت و آن به خواست تو بدون گفتارت فرمانبردار است و به خواست تو بدون وحیت باز ایستدند و تویی امید داشته شده از برای کارهای بزرگ و سخت و تویی پناه در بلاهای نازل شونده، دفع نمی شود از بلاها مگر آنچه تو آن را دفع کنی و برطرف نمی شود از بلاها مگر آنچه تو آن را برطرف کنی و امری دشوار بر من فرود آمده است که سنگینی نموده است بر من گرانی آن و وارد شد به من، آنچه که مرا بر داشتن آن دشوار کرد و به قدرت خود آن امر را بر من وارد ساختی و به پادشاهی خود ان را متوجه من گردانیدی .

نیست باز گرداننده ای بر آنچه که وارد ساخته ای و نه آسان کننده ای برای آنچه دشوار نمودی و نیست برگرداننده ای بر آنچه متوجّه ساختی و نه گشانیده ای از آنچه بستی و نیست کسی که ببندد آنچه را که گشودی و نیست یاری کننده ای برای کسی که یاری نکردی مگر تو، رحمت فرست بر محمد و بر آل محمّد و بگشای بر من در رحمت را به احسان خود و به قدرت خود برگردان از من غلبه اندوه را و برسان به من نیکو دیدن در آنچه شکوه کردم و بچشان به من شیرینی کار در آنچه طلب نمودم از تو و ببخش مرا از نزد خود خلاصی زود هنگام و بیرون رفتنی گوارا و مرا به اندوه از رعایت کردن واجب های تو و از به جا آوردن سنت هایت مشغول مکن پس ناتوان شدم از آنچه بر م وارد شد و از حمل آنچه برای من رخ داد پر از ناله شدم. و حال آنکه تو قادری بر برطرف کردن آنچه را که مبتلا شده ام من به آن و بر دفع کردن آنچه را که در آن افتادم پس بکن این کار را برای من انجام ده و اگر چه سزاوار آن از جانب تو نیستم، ای صاحب عرش بزرگ و ای صاحب بخشش بسیار پس تویی توانا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان مستجاب کن ای پروردگار عالمیان - . مهج الدعوات: ۳۴۰ -۳۳۹ و شبیه آن دعای هفتم از صحیفه سجادیه علیه السلام است. - .

**[ترجمه]

«۲۸»

مهج، [مهج الدعوات] قَالَ أَبُو حَمْزَةَ الثُّمَالِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ: انْكَسَرَتْ يَدُ ابْنِی مَرَّةً فَأَتَيْتُ بِهِ يَحْيَى بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْمُجَبِّرِ فَنَظَرَ إِلَيْهِ فَقَالَ أَرَى كَسْراً قَبِيحاً ثُمَّ صَعِدَ غُرْفَتَهُ لِيَجِی ءُ بِعِصَابَةٍ وَ رِفَادَةٍ فَذَكَرْتُ فِی سَاعَتِی تِلْكَ دُعَاءَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عليه السلام فَأَخَذْتُ يَدَ ابْنِی فَقَرَأْتُ عَلَيْهِ وَ مَسَحْتُ الْكَسْرَ فَاسْتَوَى الْكَسْرُ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى فَنَزَلَ يَحْيَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ فَلَمْ يَرَ شَيْئاً فَقَالَ نَاوِلْنِی الْيَدَ الْأُخْرَى فَلَمْ يَرَ كَسْراً فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ أَ لَيْسَ عَهْدِی بِهِ كَسْراً قَبِيحاً فَمَا هَذَا أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ بِعَجَبٍ مِنْ سِحْرِكُمْ مَعَاشِرَ الشِّيعَةِ فَقُلْتُ ثَكِلَتْكَ أُمُّكَ لَيْسَ هَذَا سِحْرٌ بَلْ إِنِّی ذَكَرْتُ دُعَاءً سَمِعْتُهُ مِنْ مَوْلَایَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام فَدَعَوْتُ بِهِ فَقَالَ عَلِّمْنِيهِ فَقُلْتُ أَ بَعْدَ مَا سَمِعْتُ مَا قُلْتَ لَا وَ لَا نُعْمَةَ عَيْنٍ (۲) لَسْتَ مِنْ أَهْلِهِ قَالَ حُمْرَانُ بْنُ أَعْيَنَ فَقُلْتُ لِأَبِی حَمْزَةَ

ص: ۲۳۰

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۳۳۹- ۳۴۰ و مثله الدعاء السابع من الصحيفه السجّاديه عليه الصلاه و السلام راجعه.

۲- ۲. نعمه عين بضم النون و كسرها و نعام عين بفتحها و نعم عين كذلك، و كلها منصوب باضمار الفعل: أی أفعل ذلك تقريرا و إنعاما لعينك و اكراما لك فقوله و لا نعمه عين: أی لا أعلمها اياك و لا قره عين بك.

نَشَدْتُکَ بِاللَّهِ إِلَّا مَا أَوْرَدْتَنَاهُ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ مَا ذَکَرْتُ مَا قُلْتُ إِلَّا وَ أَنَا أَفِیدُکُمْ اکْتُبُوا: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ یَا حَیُّ قَبْلَ کُلِّ حَیٍّ یَا حَیُّ بَعْدَ کُلِّ حَیٍّ یَا حَیُّ مَعَ کُلِّ حَیٍّ یَا حَیُّ حِینَ لَا حَیَّ یَا حَیُّ یَبْقَی وَ یَفْنَی کُلُّ حَیٍّ یَا حَیُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ یَا حَیُّ یَا کَرِیمُ یَا مُحْیِیَ الْمَوْتَی یَا قائِمٌ عَلی کُلِّ نَفْسٍ بِما کَسَبَتْ إِنِّی أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ وَ أَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ وَ رَحْمَتِکَ الَّتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْ ءٍ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ وَ أَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ بِحُرْمَهِ هَذَا الْقُرْآنِ وَ بِحُرْمَهِ الْإِسْلَامِ وَ شَهَادَهِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ وَ أَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ وَ أَسْتَشْفِعُ إِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ نَبِیِّ الرَّحْمَهِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً وَ بِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ وَ فَاطِمَهَ الزَّهْرَاءِ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ عَبْدَیْکَ وَ أَمِینَیْکَ وَ حُجَّتَیْکَ عَلَی الْخَلْقِ أَجْمَعِینَ وَ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ زَیْنِ الْعَابِدِینَ وَ نُورِ الزَّاهِدِینَ وَ وَارِثِ عِلْمِ النَّبِیِّینَ وَ الْمُرْسَلِینَ وَ إِمَامِ الْخَاشِعِینَ وَ وَلِیِّ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْقَائِمِ فِی خَلْقِکَ أَجْمَعِینَ وَ بَاقِرِ عِلْمِ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ وَ الدَّلِیلِ عَلَی أَمْرِ النَّبِیِّینَ وَ الْمُرْسَلِینَ وَ الْمُقْتَدِی بِآبَائِهِ الصَّالِحِینَ وَ کَهْفِ الْخَلْقِ أَجْمَعِینَ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ مِنْ أَوْلَادِ النَّبِیِّینَ وَ الْمُقْتَدِی بِآبَائِهِ الصَّالِحِینَ وَ الْبَارِّ مِنْ عِتْرَتِهِ الْبَرَرَهِ الْمُتَّقِینَ وَ وَلِیِّ دِینِکَ وَ حُجَّتِکَ عَلَی الْعَالَمِینَ وَ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ الْعَبْدِ الصَّالِحِ مِنْ أَهْلِ بَیْتِ الْمُرْسَلِینَ وَ لِسَانِکَ فِی خَلْقِکَ أَجْمَعِینَ وَ النَّاطِقِ بِأَمْرِکَ وَ حُجَّتِکَ عَلَی بَرِیَّتِکَ وَ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا الْمُرْتَضَی الزَّکِیِّ الْمُصْطَفَی الْمَخْصُوصِ بِکَرَامَتِکَ وَ الدَّاعِی إِلَی طَاعَتِکَ وَ حُجَّتِکَ عَلَی الْخَلْقِ أَجْمَعِینَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الرَّشِیدِ الْقَائِمِ بِأَمْرِکَ النَّاطِقِ بِحُکْمِکَ وَ حَقِّکَ وَ حُجَّتِکَ عَلَی بَرِیَّتِکَ وَ وَلِیِّکَ وَ ابْنِ أَوْلِیَائِکَ وَ حَبِیبِکَ وَ ابْنِ أَحِبَّائِکَ وَ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ السِّرَاجِ الْمُنِیرِ وَ الرُّکْنِ الْوَثِیقِ الْقَائِمِ بِعَدْلِکَ وَ الدَّاعِی إِلَی دِینِکَ وَ دِینِ نَبِیِّکَ وَ حُجَّتِکَ عَلَی بَرِیَّتِکَ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَبْدِکَ وَ وَلِیِّکَ وَ خَلِیفَتِکَ الْمُؤَدِّی عَنْکَ فِی خَلْقِکَ عَنْ آبَائِهِ الصَّادِقِینَ وَ بِحَقِّ خَلَفِ الْأَئِمَّهِ الْمَاضِینَ وَ الْإِمَامِ الزَّکِیِّ الْهَادِی الْمَهْدِیِّ وَ الْحُجَّهِ بَعْدَ آبَائِهِ عَلَی خَلْقِکَ الْمُؤَدِّی عَنْ عِلْمِ

نَبِيِّکَ وَ وَارِثِ عِلْمِ الْمَاضِينَ مِنَ الْوَصِيِّينَ الْمَخْصُوصِ الدَّاعِي إِلَى طَاعَتِکَ وَ طَاعَهِ آبَائِهِ الصَّالِحِينَ يَا مُحَمَّدُ يَا أَبَا الْقَاسِمِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي إِلَى اللَّهِ أَتَشَفَّعُ بِکَ وَ بِالْأَئِمَّهِ مِنْ وُلْدِکَ وَ بِعَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَهَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْخَلَفِ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى مَنِ اتَّبَعَهُمْ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَاهَ الْمُرْسَلِينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الصَّالِحِينَ صَلَاهً لَا يَقْدِرُ عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُکَ اللَّهُمَّ أَلْحِقْ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّکَ وَ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ شِيعَتَهُمْ بِنَبِيِّکَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ أَلْحِقْنَا بِهِمْ مُؤْمِنِينَ مُخْبِتِينَ فَائِزِينَ مُتَّقِينَ صَالِحِينَ خَاشِعِينَ عَابِدِينَ مُوَفَّقِينَ مُسَدَّدِينَ عَامِلِينَ زَاكِينَ مُزَكِّينَ تَائِبِينَ سَاجِدَيْنِ رَاكِعِينَ شَاكِرِينَ حَامِدِينَ صَابِرِينَ مُحْتَسِبِينَ مُنِيبِينَ مُصِيبِينَ (۱)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَلَّى وَلِيَّهُمْ وَ أَتَبَرَّأُ إِلَيْکَ مِنْ عَدُوِّهِمْ وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْکَ بِحُبِّهِمْ وَ مُوَالاتِهِمْ وَ طَاعَتِهِمْ فَارْزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ اصْرِفْ عَنِّي بِهِمْ أَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُکَ بِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ أَنَّ مُحَمَّداً وَ عَلِيّاً وَ زَوْجَتَهُ وَ وَلَدَيْهِ (۲) عَبِيدُکَ وَ إِمَاؤُکَ وَ أَنْتَ وَلِيُّهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ هُمْ أَوْلِيَاؤُکَ وَ الأولين [الْأَوْلَوْنَ](۳) بِالْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ مِنْ بَرِيَّتِکَ وَ أَشْهَدُ أَنَّهُمْ عِبَادُکَ الْمُؤْمِنُونَ لَا يَسْبِقُونَکَ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِکَ يَعْمَلُونَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْکَ بِهِمْ وَ أَتَشَفَّعُ بِهِمْ إِلَيْکَ أَنْ تُحْيِيَنِي مَحْيَاهُمْ وَ تُمِيتَنِي عَلَى طَاعَتِهِمْ وَ مِلَّتِهِمْ وَ تَمْنَعُنِي مِنْ طَاعَهِ عَدُوِّهِمْ وَ تَمْنَعُ عَدُوَّکَ وَ عَدُوَّهُمْ مِنِّي وَ تُعِينَنِي بِکَ وَ بِأَوْلِيَائِکَ عَمَّنْ أَغْنَيْتَهُ عَنِّي وَ تُسَهِّلَنِي لِمَنْ أَحْوَجْتَهُمْ إِلَيَّ وَ أَنْ تَجْعَلَنِي فِي

۱- ۱. مصلين خ ل محبين خ ل.

۲- ۲. و ولده خ ل.

۳- ۳. و الاولون ظ.

حِفْظِـكَ فِي الـدِّينِ وَ الـدُّنْيَا وَ الْـآخِرَهِ وَ تُلْبِسَـنِي الْعَافِيَهَ حَتَّى تُهَنِّئَنِي الْمَعِيشَهَ وَ الْحَظْنِي بِلَحْظَهٍ مِنْ لَحَظَاتِكَ الْكَرِيمَهِ الرَّحِيمَهِ الشَّرِيفَهِ تَكْشِفُ بِهَا عَنِّي مَا قَدِ ابْتُلِيتُ بِهِ وَ دَبِّرْنِي (۱) بِهَا إِلَى أَحْسَنِ عَادَاتِكَ وَ أَجْمَلِهَا عِنْدِي وَ قَدْ ضَعُفَتْ قُوَّتِي وَ قَلَّتْ حِيلَتِي وَ نَزَلَ بِي مَا لَا طَاقَهَ لِي بِهِ فَرُدَّنِي (۲)

إِلَى أَحْسَنِ عَادَاتِكَ فَقَدْ أَيِسْتُ مِمَّا عِنْدَ خَلْقِكَ فَلَمْ يَبْقَ إِلَّا رَجَاؤُكَ فِي قَلْبِي وَ قَدِيماً مَا مَنَنْتَ عَلَيَّ وَ قُدْرَتُكَ يَا سَيِّدِي وَ رَبِّي وَ خَالِقِي وَ مَوْلَايَ وَ رَازِقِي عَلَى إِذْهَابِ مَا أَنَا فِيهِ كَقُدْرَتِكَ عَلَيَّ حَيْثُ ابْتَلَيْتَنِي بِهِ إِلَهِي ذِكْرُ عَوَائِدِكَ يُؤْنِسُنِي وَ رَجَاءُ إِنْعَامِكَ يُقَرِّبُنِي وَ لَمْ أَخْلُ مِنْ نِعْمَتِكَ مُنْذُ خَلَقْتَنِي فَأَنْتَ يَا رَبِّ ثِقَتِي وَ رَجَائِي وَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ الذَّابُّ عَنِّي وَ الرَّاحِمُ بِي وَ الْمُتَكَفِّلُ بِرِزْقِي فَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تَجْعَلَ رُشْدِي بِمَا قَضَيْتَ مِنَ الْخَيْرِ وَ حَتَمْتَهُ وَ قَدَّرْتَهُ وَ أَنْ تَجْعَلَ خَلَاصِي مِمَّا أَنَا فِيهِ فَإِنِّي لَا أَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ إِلَّا بِكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ لَا أَعْتَمِدُ فِيهِ إِلَّا عَلَيْكَ فَكُنْ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ وَ يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ عِنْدَ حُسْنِ ظَنِّي بِكَ وَ أَعْطِنِي مَسْأَلَتِي يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَ يَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ وَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَ يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ وَ يَا أَقْهَرَ الْقَاهِرِينَ وَ يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَ يَا آخِرَ الْآخِرِينَ وَ يَا حَبِيبَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله وَ عَلِيٍّ وَ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ الْمُنْتَجَبِينَ (۳) حَبِيبَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله وَ أَوْصِيَائِهِ وَ أَنْصَارِهِ وَ خُلَفَائِهِ وَ أَحِبَّائِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَ حُجَجِكَ الْبَالِغِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ الرَّحْمَهِ الْمُطَهَّرِينَ الزَّاهِدِينَ أَجْمَعِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۴).

**[ترجمه]مهج الدعوات: ابو حمزه ثمالی رحمه اللّٰه علیه نقل کرد: یک بار دست پسرم شکست. او را به نزد یحیی ابن عبد اللّٰه شکسته بند بردم. پس به آن شکسته نگاه کرد و گفت این را شکستگی بسیار بدمی بینم. پس به غرفه بالا خانه رفت که دستمالی ویراق شکسته بستن را بیاورد. پس در همان ساعت دعای حضرت علیّ بن الحسین زین العابدین علیه السّلام به یادم آمد که به من آموخته بود. دست پسر خود را گرفتم و این دعا را خواندم و دست خود را بر آن موضع شکسته مالیدم. آن شکسته ترمیم شد و به امر خدای تعالی دست او صحّت یافت. پس چون یحیی از آن بالا خانه فرود آمد و اثر شکستگی را در دست پسر من ندید. گفت آن دست دیگر را بده به من تا ببینم پس چون دید که آن نیز درست است، گفت: سبحان اللّٰه مگر دست او بسیار بد نشکسته بود پس چه شد؟! این از سحر شما ای گروه شیعیان عجب نیست، پس گفتم که: مادر تو برای تو نوحه کند. این سحر نیست بلکه به برکت دعائی است که از دعاهایی که به یادم آمد و آن را از مولای خود حضرت امام زین العابدین علیه السّلام شنیده بودم و آن را بر این شکسته خواندم. پس یحیی شکسته بند گفت که به من این دعا را تعلیم نمای. گفتم: حاشا بعد از آنکه از تو این سخن را شنیدم به تو این دعا را و نه حرفی از آن را تعلیم نمی کنم. تو قابل آن نیستی که به تو این دعا را بیاموزم. حمران بن اعین گفت: من به ابی حمزه گفتم: تو را به خدا قسم می دهم که به من این دعا را تعلیم نمایی، ابو حمزه گفت: سبحان اللّٰه این دعا بیادم نیامد مگر از جهت آنکه آن را به شما بیاموزم و این فایده من به شما برسد. این را بنویسید:

«ابتدا می کنم بنام خدای بخشنده مهربان ای زنده پیش از هر زنده ای ای زنده بعد از هر زنده ای ای زنده با هر زنده ای ای زنده در وقتی که نیست هیچ زنده ای ای زنده که باقی می مانی تو و برطرف می شود هر زنده ای ای زنده ای که نیست خدایی مگر تو ای زنده ای بخشنده ای زنده کننده مردگان ای ایستاده و حاضر بر هر نفسی به آنچه کسب کرد به درستی که روی می آورم به سوی تو و متوسّل می شوم به سوی تو و نزدیکی می جویم به سوی تو به بخشش تو و کرم تو و شفقت تو که گنجایش دارد هر چیز را و روی می آورم به سوی تو و توسّل می جویم به سوی تو به حرمت این قرآن و به حرمت دین اسلام و به حرمت گواهی آنکه نیست خدائی به غیر از تو که یکتائی نیست شریکی برای تو و آنکه محمّد بنده تو و فرستاده توست بر خلایق و روی می آورم به سوی تو و توسّل می جویم به سوی تو و شفیع می کنم به سوی تو پیغمبر ترا که پیغمبر رحمت است و آن محمّد است رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او و ستایش کند خدا بر آنها ستایش کردنی و امیر مؤمنان را که علیّ پسر ابو طالب است و فاطمه صاحب روشنی و نور را و امام حسن و امام حسین را که هر دو بنده تو و اعتماد داشته شده های تو و حجّتهای تو هستند بر همه آفریدگان و علی پسر امام حسین را که زینت عبادت کنندگان و نور پارسایان و میراث برنده علم پیغمبران و فرستادگان است و پیشوای فروتنی کنندگان و دوست مؤمنان و خلیفه در میان همگی آفریدگان است و امام محمّد باقر را که جمع کننده علم پیشینیان و پسینیان است و راهنمای بر امر پیغمبران و فرستادگان است و پیروی کننده است بر پدران خود که صالح هستند و پناه آفریدگان است همه و امام جعفر پسر محمد باقر را که راستگوی و از اولاد پیغمبران است و پیروی کننده است به پدران خود که صالحان هستند و

نیکوکار و از جمله ذرّیه نیکوکاران و پرهیزکاران است و دوستدار دین توست و حجّت توست بر همه عالمیان و امام موسی پسر امام جعفر را که بنده صالح توست و از اهل خانه پیغمبران است و زبان گویای توست در میان آفریدگان تو همگی و گوینده است به فرمان تو و حجّت توست بر خلایق تو و حضرت علی پسر امام موسی را که راضی است به فرمان خدا و پسندیده خداست و پاکیزه و برگزیده است مخصوص است به کرامت تو و خواننده است مردمان را به سوی فرمانبرداری تو و حجّت و دلیل توست بر همگی خلایق و امام محمد تقی پسر امام علی را که به راه راست رفت و ایستاده به فرمان توست و گویای به امر تو و حقّ راست توست و دلیل توست بر مخلوقات تو و متولّی امور خلایق است از جانب تو و پسر اولیای توست و دوست تو و پسر دوستداران توست و امام علیّ نقی پسر امام محمّد تقی را که چراغ روشنی بخش راه دین است و قویّ معتمد است ایستاده است به حکم عدل تو و خواننده است مردمان را به سوی دین تو و دین پیغمبر تو و حجّت توست بر آفریدگان تو و امام حسن عسکری پسر امام علی نقی را که بنده تو و دوستدار تو و خلیفه توست بر مردمان، نقل کننده حکمهای تو از جانب تو در میان خلایقت از پدران خود که راست گویان هستند و توسّل می جویم به سوی تو به حق جانشین امامان گذشتگان و پیشوای پاکیزه راهنمای راه یافته شده که حجّت و دلیل است بعد از پدران خود بر خلایق تو رساننده است احکام شرع را از جانب پیغمبر تو بر مردمان و ارث برنده علم جماعت گذشتگان است از وصی های پیغمبران تو مخصوص است به کرامت تو خواننده است مردمان را بسوی فرمانبرداری تو و فرمانبرداری پدران خود که صالح هستند.

ای محمّد ای ابا القاسم پدر و مادرم فدای تو باد به سوی خدا شفیع می کنم تو را و امامان از اولاد تو را و علی را که امیر مؤمنان است و فاطمه را وامام حسن و امام حسین را و علی پسر امام حسین را و محمّد پسر علی را و جعفر پسر محمّد را و موسی پسر جعفر را و علی پسر موسی را و محمّد پسر علی را و علی پسر محمّد را و حسن عسکری پسر علی را و جانشین ایستاده به دین تو و انتظار کشیده شده را.

خداوندا پس رحمت فرست بر ایشان و بر کسی که پیروی کرده باشد ایشان را و رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد رحمتی را که فرستاده ای بر فرستادگان و راست گویان و جماعت صالحان رحمتی را که قادر نباشد بر شماره آن کسی غیر از تو.

خداوندا برسان اهل خانه پیغمبر خود را و اولاد ایشان را و پیروان ایشان را به پیغمبر خود که مهتر و برگزیده پیغمبران است و برسان ما را به ایشان در حالی که باشیم از مؤمنان و تواضع کنندگان و بهره یافتگان و پرهیزگاران و نیکوکاران و فروتنی کنندگان و عبادت کنندگان و توفیق یافتگان و درست و محکم کاران و به جا آورندگان فرمان خدا و پاکیزگان و پاک شدگان و توبه کنندگان و سجودکنندگان و رکوع کنندگان و شکر بجای آورندگان و ستایش کنندگان و صبرکنندگان بر بلاها و از خدا اجر طلب کنندگان و بازگشت کنندگان از گناهان و به حق رسیدگان.

خداوندا به درستی که دوست می دارم من دوستدار ایشان را و بیزاری می جویم به سوی تو از دشمن ایشان و نزدیکی می جویم به سوی تو به سبب محبت ایشان و به دوستی ایشان و به پیروی ایشان و به فرمانبرداری ایشان پس روزی کن مرا به حق ایشان نیکی دنیا و آخرت و دور کن از من به برکت ایشان ترس های روز قیامت را.

خداوندا به درستی که من گواه می گیرم تو را به آنکه تویی خدا و نیست خدائی مگر تو و آنکه محمّد و علی و همسر او و دو فرزند او بندگان تو و کنیزان تو هستند و تویی دوستدار ایشان در دنیا و آخرت و ایشان دوستداران تو هستند و مهربانتر و نزدیکترند به مردان مؤمن و زنان مؤمن و مردان مسلمان و زنان مسلمان از همه خلایق تو و گواهی می دهم آنکه ایشان بندگان مؤمنان تو هستند پیشی نمی گیرند تو را به گفتار و ایشان به فرمان تو عمل می کنند.

خداوندا به درستی که من وسیله می گردانم به سوی تو ایشان را و شفیع می کنم ایشان را به سوی تو به اینکه مرا زنده داری مثل زندگی ایشان و بمیرانی بر فرمانبرداری ایشان و پیروی دین آنها و بازداری مرا از اطاعت کردن دشمن ایشان و دشمن خود را و دشمن مرا از من بازداری و بی نیاز گردانی مرا به کرم خود و به برکت دوستان خود از کسی که تو او را از من بی نیاز گردانیدی و آسان گردانی بر من

برآوردن حاجت کسانی را که به سوی من محتاج گرداندی و دین و دنیا و آخرت مرا در پناه خود قرار دهی و بپوشانی به من جامه سلامتی را تا زندگانی را بر من گوارا سازی.

و نگاه کنی به من به نگاه گوشه چشمی از نگاه های خود که بخشنده و از روی رحمت و عزیز است که برطرف نمائی به سبب آن نگاه از من آنچه را که مبتلا شده ام به آن و برگردانی مرا به سبب آن نگاه به سوی نیکوترین احسان های خود و بهترین آنها که نزد من است. توانایی من سست شده است و چاره ام کم شد و فرود آمده است بر من آنچه مرا به رفع آن قدرتی نیست، پس برگردان مرا به سوی نیکوترین احسان های خود. که مأیوس و ناامید گشتم از آنچه در نزد آفریدگان توست. و باقی نماند مگر امیدواری از تو در دل من و دیرینه است آنچه بخشیدی بر من و توانایی تو ای آقای من و پروردگار من و آفریننده من و مولای من و روزی دهنده من بر برطرف کردن آنچه که در آنم از بلاها مثل توانائی توست بر من در وقتی که مرا بدان مبتلا گردانیدی.

ای خداوند یاد آوردن احسان های تو مرا آرام می کند و امید به بخشش تو مرا نزدیک می سازد و هرگز از نعمت تو خالی نبودم از وقتی که مرا آفریدی پس تویی ای پروردگار من، معتمد من و امیدگاه من و خدای من و آقای من و رفع کننده بلاها از من و رحم کننده به من و ضامن روزی من از تو می خواهم ای پروردگار من به حقّ محمّد و آل محمّد که هدایت مرا به سوی چیزی که حکم نمودی برای من از نیکویی و واجب ساختی و مقدّر کردی، قرار دهی و مرا از آنچه من در اویم از بلیّه ها رها کنی، به درستی که من قادر نیستم بر این خلاصی مگر به قدرت از جانب تو یکتایی و شریکی نداری و اعتماد ندارم در این خلاصی مگر بر تو.

پس ای پرورنده پرورندگان و ای آقای همه آقایان نزد حسن ظن من باش و درخواستم را عطا کن ای شنواترین شنوندگان و ای بیناترین بینندگان و ای حکم کننده ترین حکم کنندگان و ای زود حساب کننده ترین حساب کنندگان و ای قادرترین صاحب قدرتان و ای غلبه کننده ترین غلبه کنندگان و ای پیشتر پیشینیان و ای آخر آنهایی که آخر هستند [و ای دوست محمّد و علی و همه پیغمبران و فرستادگان و وصیّ های برگزیده شدگان] - . مهج الدعوات: ۲۰۵- ۲۰۸ - و ای دوست محمّد که رحمت خدا باد بر او و بر آل او و بر وصی های او و دوستان او و یاری کنندگان او و جانشینهای او که ایمان آوردند به تو و حجّتهای تو که رسیده اند به راه حقّ و از اهل خانه رحمت هستند و پاکان و پرهیزگارانند همگی ایشان رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و بهجای آور به من آنچه را که تو سزاوار آنی ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

**[ترجمه]

«۲۹»

مهج، [مهج الدعوات] نَقَلَ مِنْ مَجْمُوعٍ عَتِيقٍ قَالَ: كَتَبَ الْوَلِيدُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ إِلَى صَالِحِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُرِّيِّ عَامِلِهِ عَلَى الْمَدِينَةِ أَبْرِزِ الْحَسَنَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

۱- ۱. دبرتنی خ.

۲- ۲. و تردنی خ.

۳- ۳. مهج الدعوات ۲۰۵- ۲۰۸.

۴- ۴. الظاهر أن ما بین العلامتین تکرار، و قد ضرب علیه فی المصدر.

وَ كَانَ مَحْبُوساً فِی حَبْسِهِ وَ اضْرِبْهُ فِی مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله خَمْسَمِائَهِ سَوْطٍ فَأَخْرَجَهُ صَالِحٌ إِلَی الْمَسْجِدِ وَ اجْتَمَعَ النَّاسُ وَ صَعِدَ صَالِحٌ الْمِنْبَرَ یَقْرَأُ عَلَیْهِمُ الْکِتَابَ ثُمَّ یَنْزِلُ فَیَأْمُرُ بِضَرْبِ الْحَسَنِ فَبَیْنَمَا هُوَ یَقْرَأُ الْکِتَابَ إِذْ دَخَلَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهم السلام فَأَفْرَجَ النَّاسُ عَنْهُ حَتَّی انْتَهَی إِلَی الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ فَقَالَ لَهُ یَا ابْنَ عَمِّ ادْعُ اللَّهَ بِدُعَاءِ الْکَرْبِ یُفَرِّجْ عَنْکَ فَقَالَ مَا هُوَ یَا ابْنَ عَمِّ فَقَالَ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرَضِینَ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ قَالَ وَ انْصَرَفَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ علیهما السلام وَ أَقْبَلَ الْحَسَنُ یُکَرِّرُهَا فَلَمَّا فَرَغَ صَالِحٌ مِنْ قِرَاءَهِ الْکِتَابِ وَ نَزَلَ قَالَ أَرَی سَجِیَّهَ رَجُلٍ مَظْلُومٍ أَخِّرُوا أَمْرَهُ وَ أَنَا رَاجِعٌ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ فِیهِ وَ کَتَبَ صَالِحٌ إِلَی الْوَلِیدِ فِی ذَلِکَ فَکَتَبَ إِلَیْهِ أَطْلِقْهُ (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: به نقل از نسخه ای کهن: ولید بن عبد الملک حاکم شام به نزد صالح بن عبد اللّه مری نوشت که والی مدینه از جانب او بود: حسن پسر حضرت امام حسن بن علی بن ابی طالب را که در نزد او محبوس بود، به مسجد پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله آورد و پانصد تازیانه بر او بزنند. پس صالح او را از زندان بیرون آورده، به مسجد آورد و مردمان مجتمع گشتند و صالح بر منبر بالا رفت تا آنکه چون کتابت ولید را بر مردمان بخواند. بعد از آن به زدن حسن امر نماید. پس در اثناء خواندن کتابت بودند که حضرت امام زین العابدین علی بن الحسین به مسجد آمدند و مردمان را از یک دیگر دور نمودند تا آنکه به نزد حسن مثنی رسیدند، پس فرمودند که ای پسر عمّ دعای دفع کرب و اندوه را بخوان تا آنکه خدای تعالی تو را نجات دهد و از تو این بلا را برطرف کند. پس حسن گفت: یا ابن عمّ! این دعا کدام است؟ حضرت فرمودند: بگو:

«نیست خدایی مگر خدای بردبار بخشنده، نیست خدایی مگر خدای بلند مرتبه بزرگ، منزه است خدای که پروردگار آسمان های هفت طبقه است و پروردگار زمینهای هفت گانه است و پروردگار عرش بزرگ است و همه ستایش برای خداست که پروردگار عالمیان است» .

نقل کرد: حضرت علی بن حسین علیه السلام این کلمات را به حسن تعلیم نمودند و به خانه خود برگشتند و حسن مکرّر این کلمات را می خواند تا آنکه چون صالح از خواندن کتابت فارغ شد و از منبر پایین آمد و به نزد حسن رسید و گفت که: آثار مظلومیّت و بیچارگی در او مشاهده می کنم، خوب است که فرمان ولید را در باره او تاخیر کنید و من کتابتی به ولید می نویسم و التماس او را می نمایم. پس آنگاه صالح کتابتی در این باب به ولید نوشت. جواب آمد که او را از حبس رها کن. - مهج الدعوات: ۴۱۴-۴۱۳ -

**[ترجمه]

«۳۰»

مهج، [مهج الدعوات] وَجَدْنَا فِی نُسْخَهٍ عَتِیقَهٍ هَذَا لَفْظُهَا حَدَّثَنِی الشَّرِیفُ أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُحْسِنِ بْنِ یَحْیَی بْنِ الرِّضَا أَدَامَ اللَّهُ تَأْیِیدَهُ یَوْمَ الْجُمُعَهِ لِخَمْسٍ بَقِینَ مِنْ ذِی الْحِجَّهِ سَنَهَ أَرْبَعٍ وَ أَرْبَعِمِائَهٍ بِمَشْهَدِ مَقَابِرِ قُرَیْشٍ عَلَی سَاکِنِهِ السَّلَامُ قَالَ حَدَّثَنِی أَبِی رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِیمَ بْنِ صَدَقَهَ یَوْمَ السَّبْتِ لِثَلَاثٍ بَقِینَ مِنْ صَفَرٍ سَنَهَ اثْنَیْنِ وَ سِتِّینَ وَ ثَلَاثِمِائَهٍ بِمَشْهَدِ مَقَابِرِ قُرَیْشٍ عَلَی سَاکِنِهِ السَّلَامُ مِنْ حِفْظِهِ قَالَ أَخْبَرَنَا سَلَامَهُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِیُّ قَالَ حَدَّثَنِی أَبُو جَعْفَرِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْعُقَیْلِیُّ وَ حَدَّثَنِی أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ بُرَیْکٍ الرُّهَاوِیُّ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ الْوَاحِدِ الْمَوْصِلِیُّ إِجَازَهً قَالَ حَدَّثَنِی أَبُو مُحَمَّدٍ جَعْفَرُ بْنُ عَقِیلِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَقِیلِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَقِیلِ بْنِ أَبِی طَالِبٍ قَالَ حَدَّثَنِی أَبُو رَوْحٍ النَّسَائِیُّ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام: أَنَّهُ دَعَا عَلَی الْمُتَوَکِّلِ فَقَالَ بَعْدَ أَنْ حَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَی عَلَیْهِ اللَّهُمَّ إِنِّی وَ فُلَاناً عَبْدَانِ مِنْ عَبِیدِکَ إِلَی آخِرِ الدُّعَاءِ الَّذِی یَأْتِی ذِکْرُهُ وَ وَجَدْتُ هَذَا الدُّعَاءَ مَذْکُوراً بِطَرِیقٍ آخَرَ هَذَا لَفْظُهُ ذَکَرَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زَرَافَهَ

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۴۱۳- ۴۱۴.

حَاجِبِ الْمُتَوَكِّلِ وَ كَانَ شِيعِيّاً أَنَّهُ قَالَ: كَانَ الْمُتَوَكِّلُ لِحُظْوَةِ(۱) الْفَتْحِ بْنِ خَاقَانَ عِنْدَهُ وَ قُرْبِهِ مِنْهُ دُونَ النَّاسِ جَمِيعاً وَ دُونَ وُلْدِهِ وَ أَهْلِهِ أَرَادَ أَنْ يُبَيِّنَ مَوْضِعَهُ عِنْدَهُمْ فَأَمَرَ جَمِيعَ مَمْلَكَتِهِ مِنَ الْأَشْرَافِ مِنْ أَهْلِهِ وَ غَيْرِهِمْ وَ الْوُزَرَاءَ وَ الْأُمَرَاءَ وَ الْقُوَّادَ وَ سَائِرَ الْعَسَاكِرِ وَ وُجُوهَ النَّاسِ أَنْ يُزَيَّنُوا بِأَحْسَنِ التَّزْيِينِ وَ يَظْهَرُوا فِي أَفْخَرِ عُدَدِهِمْ وَ ذَخَائِرِهِمْ وَ يَخْرُجُوا مُشَاةً بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أَنْ لَا يَرْكَبَ أَحَدٌ إِلَّا هُوَ وَ الْفَتْحُ بْنُ خَاقَانَ خَاصَّةً بِسُرَّ مَنْ رَأَى وَ مَشَى النَّاسُ بَيْنَ أَيْدِيهِمَا عَلَى مَرَاتِبِهِمْ رَجَّالَةً وَ كَانَ يَوْماً قَائِظاً شَدِيدَ الْحَرِّ وَ أَخْرَجُوا فِي جُمْلَةِ الْأَشْرَافِ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ شَقَّ مَا لَقِيَهُ مِنَ الْحَرِّ وَ الزَّحْمَةِ قَالَ زَرَافَةُ فَأَقْبَلْتُ إِلَيْهِ وَ قُلْتُ لَهُ يَا سَيِّدِي يَعِزُّ وَ اللَّهِ عَلَيَّ مَا تَلْقَى مِنْ هَذِهِ الطُّغَاةِ وَ مَا قَدْ تَكَلَّفْتَهُ مِنَ الْمَشَقَّةِ وَ أَخَذْتُ بِيَدِهِ فَتَوَكَّأَ عَلَيَّ وَ قَالَ يَا زَرَافَةُ مَا نَاقَةُ صَالِحٍ عِنْدَ اللَّهِ بِأَكْرَمَ مِنِّي أَوْ قَالَ بِأَعْظَمَ قَدْراً مِنِّي وَ لَمْ أَزَلْ أُسَائِلُهُ وَ أَسْتَفِيدُ مِنْهُ وَ أُحَادِثُهُ إِلَى أَنْ نَزَلَ الْمُتَوَكِّلُ مِنَ الرُّكُوبِ وَ أَمَرَ النَّاسَ بِالانْصِرَافِ فَقُدِّمَتْ إِلَيْهِمْ دَوَابُّهُمْ فَرَكِبُوا إِلَى مَنَازِلِهِمْ وَ قُدِّمَتْ بَغْلَةٌ لَهُ فَرَكِبَهَا وَ رَكِبْتُ مَعَهُ إِلَى دَارِهِ فَنَزَلَ وَ وَدَّعْتُهُ وَ انْصَرَفْتُ إِلَى دَارِي وَ لِوَلَدِي مُؤَدِّبٌ يَتَشَيَّعُ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ وَ كَانَتْ لِي عَادَةٌ بِإِحْضَارِهِ عِنْدَ الطَّعَامِ فَحَضَرَ عِنْدَ ذَلِكَ وَ تَجَارَيْنَا الْحَدِيثَ وَ مَا جَرَى مِنْ رُكُوبِ الْمُتَوَكِّلِ وَ الْفَتْحِ وَ مَشْيِ الْأَشْرَافِ وَ ذَوِي الْأَقْدَارِ بَيْنَ أَيْدِيهِمَا وَ ذَكَرْتُ لَهُ مَا شَاهَدْتُهُ مِنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام وَ مَا سَمِعْتُهُ مِنْ قَوْلِهِ مَا نَاقَةُ صَالِحٍ عِنْدَ اللَّهِ بِأَعْظَمَ قَدْراً مِنِّي.

وَ كَانَ الْمُؤَدِّبُ يَأْكُلُ مَعِي فَرَفَعَ يَدَهُ وَ قَالَ بِاللَّهِ إِنَّكَ سَمِعْتَ هَذَا اللَّفْظَ مِنْهُ فَقُلْتُ لَهُ وَ اللَّهِ إِنِّي سَمِعْتُهُ يَقُولُهُ فَقَالَ لِي اعْلَمْ أَنَّ الْمُتَوَكِّلَ لَا يَبْقَى فِي مَمْلَكَتِهِ أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ وَ يَهْلِكُ فَانْظُرْ فِي أَمْرِكَ وَ أَحْرِزْ مَا تُرِيدُ إِحْرَازَهُ وَ تَأَهَّبْ لِأَمْرِكَ كَيْ لَا يَفْجَأَكُمْ هَلَاكُ هَذَا الرَّجُلِ فَتَهْلِكَ أَمْوَالُكُمْ بِحَادِثَةٍ تَحْدُثُ

۱- ۱. في المصدر: يحضره، و التصحيح من البحار نفسه ج ۵۰ ص ۱۹۲ في تاريخ الامام الهادي عليه السلام.

أَوْ سَبَبٍ يَجْرِی فَقُلْتُ لَهُ مِنْ أَیْنَ لَکَ ذَلِکَ فَقَالَ أَ مَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فِی قِصَّهِ صَالِحٍ وَ النَّاقَهِ وَ قَوْلَهُ تَعَالَی تَمَتَّعُوا فِی دارِکُمْ ثَلاثَهَ أَیّامٍ ذلِکَ وَعْدٌ غَیْرُ مَکْذُوبٍ (۱) وَ لَا یَجُوزُ أَنْ تُبْطِلَ قَوْلَ الْإِمَامِ قَالَ زَرَافَهُ فَوَ اللَّهِ مَا جَاءَ الْیَوْمُ الثَّالِثُ حَتَّی هَجَمَ الْمُنْتَصِرُ وَ مَعَهُ بغا وَ وَصِیفٌ وَ الْأَتْرَاکُ عَلَی الْمُتَوَکِّلِ فَقَتَلُوهُ وَ قَطَّعُوهُ وَ الْفَتْحَ بْنَ خَاقَانَ جَمِیعاً قَطْعاً حَتَّی لَمْ یُعْرَفْ أَحَدُهُمَا مِنَ الْآخَرِ وَ أَزَالَ اللَّهُ نِعْمَتَهُ وَ مَمْلَکَتَهُ فَلَقِیتُ الْإِمَامَ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام بَعْدَ ذَلِکَ وَ عَرَّفْتُهُ مَا جَرَی مَعَ الْمُؤَدِّبِ وَ مَا قَالَهُ فَقَالَ صَدَقَ إِنَّهُ لَمَّا بَلَغَ مِنِّی الْجُهْدَ رَجَعْتُ إِلَی کُنُوزٍ نَتَوَارَثُهَا مِنْ آبَائِنَا هِیَ أَعَزُّ مِنَ الْحُصُونِ وَ السِّلَاحِ وَ الْجُنَنِ وَ هُوَ دُعَاءُ الْمَظْلُومِ عَلَی الظَّالِمِ فَدَعَوْتُ بِهِ عَلَیْهِ فَأَهْلَکَهُ اللَّهُ فَقُلْتُ یَا سَیِّدِی إِنْ رَأَیْتَ أَنْ تُعَلِّمَنِیهِ فَعَلَّمَنِیهِ وَ هُوَ اللَّهُمَ (۲) إِنِّی وَ فُلَاناً عَبْدَانِ مِنْ عَبِیدِکَ نَوَاصِینَا بِیَدِکَ تَعْلَمُ مُسْتَقَرَّنَا وَ مُسْتَوْدَعَنَا وَ تَعْلَمُ مُنْقَلَبَنَا وَ مَثْوَانَا وَ سِرَّنَا وَ عَلَانِیَتَنَا وَ تَطَّلِعُ عَلَی نِیَّاتِنَا وَ تُحِیطُ بِضَمَائِرِنَا عِلْمُکَ بِمَا تُبْدِیهِ کَعِلْمِکَ بِمَا تُخْفِیهِ وَ مَعْرِفَتُکَ بِمَا نُبْطِنُهُ کَمَعْرِفَتِکَ بِمَا نُظْهِرُهُ وَ لَا یَنْطَوِی عَلَیْکَ شَیْ ءٌ مِنْ أُمُورِنَا وَ لَا یُسْتَتَرُ دُونَکَ حَالٌ مِنْ أَحْوَالِنَا وَ لَا لَنَا مِنْکَ مَعْقِلٌ یُحْصِنُنَا وَ لَا حِرْزٌ یُحْرِزُنَا وَ لَا مَهْرَبٌ یَفُوتُکَ مِنَّا.

وَ لَا یَمْتَنِعُ الظَّالِمُ مِنْکَ بِسُلْطَانِهِ وَ لَا یُجَاهِدُکَ عَنْهُ جُنُودُهُ (۳) وَ لَا یُغَالِبُکَ مُغَالِبٌ بِمَنْعِهِ وَ لَا یُعَازُّکَ مُتَعَزِّزٌ بِکَثْرَهٍ(۴) أَنْتَ مُدْرِکُهُ أَیْنَ مَا سَلَکَ وَ قَادِرٌ

۱- ۱. هود ص ۶۵.

۲- ۲. فی المصدر: اللّهمّ انک أنت الملک المتعزز بالکبریاء، المتفرد بالبقاء، الحی القیوم المقتدر القهار، الذی لا إله إلّا أنت، أنا عبدک و أنت ربی ظلمت نفسی، و اعترفت باساءتی و أستغفر إلیک من ذنوبی، فانه لا یغفر الذنوب الا أنت، اللّهمّ إنّی و فلان بن فلان إلخ.

۳- ۳. جوده، خ ل.

۴- ۴. یقال عازه معازه: أی عارضه فی العزه.

عَلَيْهِ أَيْنَ لَجَأَ فَمَعَاذُ الْمَظْلُوم مِنَّا بِکَ وَ تَوَکُّلُ الْمَقْهُورِ مِنَّا عَلَيْکَ وَ رُجُوعُهُ إِلَيْکَ وَ يَسْتَغِيثُ بِکَ إِذَا خَذَلَهُ الْمُغِيثُ وَ يَسْتَصْرِخُکَ إِذَا قَعَدَ عَنْهُ النَّصِيرُ وَ يَلُوذُ بِکَ إِذَا نَفَتْهُ الْأَفْنِيَهُ وَ يَطْرُقُ بَابَکَ إِذَا غُلِّقَتْ دُونَهُ الْأَبْوَابُ الْمُرْتَجَهُ وَ يَصِلُ إِلَيْکَ إِذَا احْتُجِبَتْ عَنْهُ الْمُلُوکُ الْغَافِلَهُ تَعْلَمُ مَا حَلَّ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَشْکُوَهُ إِلَيْکَ وَ تَعْرِفُ مَا يُصْلِحُهُ قَبْلَ أَنْ يَدْعُوَکَ لَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ سَمِيعاً بَصِيراً لَطِيفاً قَدِيراً اللَّهُمَّ إِنَّهُ قَدْ کَانَ فِی سَابِقِ عِلْمِکَ وَ قَضَائِکَ وَ مَاضِی حُکْمِکَ وَ نَافِذِ مَشِيَّتِکَ فِی خَلْقِکَ أَجْمَعِينَ سَعِيدِهِم وَ شَقِيِّهِمْ وَ فَاجِرِهِمْ وَ بَرِّهِمْ أَنْ جَعَلْتَ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ عَلَیَّ قُدْرَهً فَظَلَمَنِی بِهَا وَ بَغَی عَلَیَّ لِمَکَانِهَا وَ تَعَزَّزَ عَلَیَّ بِسُلْطَانِهِ الَّذِی خَوَّلْتَهُ إِيَّاهُ وَ تَجَبَّرَ عَلَیَّ بِعُلُوِّ حَالِهِ الَّتِی جَعَلْتَهَا لَهُ وَ غَرَّهُ إِمْلَاؤُکَ لَهُ وَ أَطْغَاهُ حِلْمُکَ عَنْهُ فَقَصَدَنِی بِمَکْرُوهٍ عَجَزْتُ عَنِ الصَّبْرِ عَلَيْهِ وَ تَعَمَّدَنِی بِشَرٍّ ضَعُفْتُ عَنِ احْتِمَالِهِ وَ لَمْ أَقْدِرْ عَلَی الِانْتِصَارِ لِضَعْفِی وَ الِانْتِصَافِ مِنْهُ لِذُلِّی فَوَکَلْتُهُ إِلَيْکَ وَ تَوَکَّلْتُ فِی أَمْرِهِ عَلَيْکَ وَ تَوَاعَدْتُهُ بِعُقُوبَتِکَ وَ حَذَّرْتُهُ سَطْوَتَکَ وَ خَوَّفْتُهُ نَقِمَتَکَ فَظَنَّ أَنَّ حِلْمَکَ عَنْهُ مِنْ ضَعْفٍ وَ حَسَبَ أَنَّ إِمْلَاؤُکَ لَهُ مِنْ عَجْزٍ وَ لَمْ تَنْهَهُ وَاحِدَهٌ عَنْ أُخْرَی وَ لَا انْزَجَرَ عَنْ ثَانِيَهٍ بِأُولَی وَ لَکِنَّهُ تَمَادَی فِی غَيِّهِ وَ تَتَابَعَ فِی ظُلْمِهِ وَ لَجَّ فِی عَدَاوَتِهِ وَ اسْتَشْرَی فِی طُغْيَانِهِ جُرْأَهً عَلَيْکَ يَا سَيِّدِی وَ تَعَرُّضاً لِسَخَطِکَ الَّذِی لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ قِلَّهَ اکْتِرَاثٍ بِبَأْسِکَ الَّذِی لَا تَحْبِسُهُ عَنِ الْبَاغِينَ فَهَا أَنَا ذَا يَا سَيِّدِی مُسْتَضْعَفٌ فِی يَدَيْهِ مُسْتَضَامٌ تَحْتَ سُلْطَانِهِ مُسْتَذِلٌّ بِعِقَابِهِ مَغْلُوبٌ مَبْغِيٌّ عَلَیَّ مَقْصُودٌ وَجِلٌ خَائِفٌ مُرَوَّعٌ مَقْهُورٌ قَدْ قَلَّ صَبْرِی وَ ضَاقَتْ حِيلَتِی وَ انْغَلَقَتْ عَلَیَّ الْمَذَاهِبُ إِلَّا إِلَيْکَ وَ انْسَدَّتْ عَلَیَّ الْجِهَاتُ إِلَّا جِهَتَکَ وَ الْتَبَسَتْ عَلَیَّ أُمُورِی فِی رَفْعِ مَکْرُوهِهِ عَنِّی وَ اشْتَبَهَتْ عَلَیَّ الْآرَاءُ فِی إِزَالَهِ ظُلْمِهِ وَ خَذَلَنِی مَنِ اسْتَنْصَرْتُهُ مِنْ عِبَادِکَ وَ أَسْلَمَنِی مَنْ تَعَلَّقْتُ بِهِ مِنْ خَلْقِکَ طُرّاً وَ اسْتَشَرْتُ نَصِيحِی فَأَشَارَ عَلَیَّ بِالرَّغْبَهِ إِلَيْکَ وَ اسْتَرْشَدْتُ دَلِيلِی فَلَمْ يَدُلَّنِی إِلَّا عَلَيْکَ.

فَرَجَعْتُ إِلَيْکَ یَا مَوْلَایَ صَاغِراً رَاغِماً مُسْتَکِیناً عَالِماً أَنَّهُ لَا فَرَجَ لِی إِلَّا عِنْدَکَ وَ لَا خَلَاصَ لِی إِلَّا بِکَ أَتَنَجَّزُ وَعْدَکَ فِی نُصْرَتِی وَ إِجَابَهِ دُعَائِی فَإِنَّکَ قُلْتَ وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ الَّذِی لَا یُرَدُّ وَ لَا یُبَدَّلُ وَ مَنْ بُغِیَ عَلَیْهِ لَیَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ وَ قُلْتَ جَلَّ جَلَالُکَ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُکَ ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ وَ أَنَا فَاعِلٌ مَا أَمَرْتَنِی فَاسْتَجِبْ لِی کَمَا وَعَدْتَنِی وَ إِنِّی لَأَعْلَمُ یَا سَیِّدِی أَنَّ لَکَ یَوْماً تَنْتَقِمُ فِیهِ مِنَ الظَّالِمِ لِلْمَظْلُومِ وَ أَتَیَقَّنُ أَنَّ لَکَ وَقْتاً تَأْخُذُ فِیهِ مِنَ الْغَاصِبِ لِلْمَغْضُوبِ لِأَنَّکَ لَا یَسْبِقُکَ مُعَانِدٌ وَ لَا یَخْرُجُ عَنْ قَبْضَتِکَ مُنَابِذٌ وَ لَا تَخَافُ فَوْتَ فَائِتٍ وَ لَکِنَّ جَزَعِی وَ هَلَعِی لَا یُبْلِغَانِ بِیَ الصَّبْرَ عَلَی أَنَاتِکَ وَ انْتِظَارِ حِلْمِکَ فَقُدْرَتُکَ یَا مَوْلَایَ فَوْقَ کُلِّ قُدْرَهٍ وَ سُلْطَانُکَ غَالِبُ کُلِّ سُلْطَانٍ وَ مَعَادُ کُلِّ أَحَدٍ إِلَیْکَ وَ إِنْ أَمْهَلْتَهُ وَ رُجُوعُ کُلِّ ظَالِمٍ إِلَیْکَ وَ إِنْ أَنْظَرْتَهُ وَ قَدْ أَضَرَّنِی یَا رَبِّ حِلْمُکَ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَ طُولُ أَنَاتِکَ لَهُ وَ إِمْهَالُکَ إِیَّاهُ وَ کَادَ الْقُنُوطُ یَسْتَوْلِی عَلَیَّ لَوْ لَا الثِّقَهُ بِکَ وَ الْیَقِینُ بِوَعْدِکَ فَإِنْ کَانَ فِی قَضَائِکَ النَّافِذِ وَ قُدْرَتِکَ الْمَاضِیَهِ أَنْ یُنِیبَ أَوْ یَتُوبَ أَوْ یَرْجِعَ عَنْ ظُلْمِی أَوْ یَکُفَّ مَکْرُوهَهُ عَنِّی وَ یَنْتَقِلَ عَنْ عَظِیمِ مَا رَکِبَ مِنِّی فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَوْقِعْ ذَلِکَ فِی قَلْبِهِ السَّاعَهَ السَّاعَهَ قَبْلَ إِزَالَتِهِ نِعْمَتَکَ الَّتِی أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَیَّ وَ تَکْدِیرِهِ مَعْرُوفَکَ الَّذِی صَنَعْتَهُ عِنْدِی وَ إِنْ کَانَ فِی عِلْمِکَ بِهِ غَیْرُ ذَلِکَ مِنْ مَقَامٍ عَلَی ظُلْمِی فَأَسْأَلُکَ یَا نَاصِرَ الْمَظْلُومِ الْمَبْغِیِّ عَلَیْهِ إِجَابَهَ دَعْوَتِی فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ خُذْهُ مِنْ مَأْمَنِهِ أَخْذَ عَزِیزٍ مُقْتَدِرٍ وَ افْجَأْهُ فِی غَفْلَتِهِ مُفَاجَأَهَ مَلِیکٍ مُنْتَصِرٍ وَ اسْلُبْهُ نِعْمَتَهُ وَ سُلْطَانَهُ وَ فُلَ (۱) عَنْهُ جُنُودَهُ وَ أَعْوَانَهُ وَ مَزِّقْ مُلْکَهُ کُلَّ مُمَزَّقٍ وَ فَرِّقْ أَنْصَارَهُ کُلَّ مُفَرَّقٍ وَ أَعْرِهِ مِنْ نِعْمَتِکَ الَّتِی لَمْ یُقَابِلْهَا بِالشُّکْرِ وَ انْزِعْ عَنْهُ سِرْبَالَ (۲) عِزِّهِ الَّذِی لَمْ یُجَازِهِ بِالْإِحْسَانِ وَ اقْصِمْهُ یَا قَاصِمَ الْجَبَابِرَهِ وَ أَهْلِکْهُ یَا مُهْلِکَ الْقُرُونِ

۱- ۱. امر من فل القوم یفل: ای کسرهم و هزمهم، و فی المصدر و افضض عنه جموعه.

۲- ۲. لباس عزه خ ل.

الْخَالِيَهِ وَ أَبِرْهُ يَا مُبِيرَ الْأُمَمِ الظَّالِمَهِ(۱)

وَ اخْذُلْهُ يَا خَاذِلَ الْفِئَاتِ الْبَاغِيَهِ وَ أَبْتِرْهُ عُمُرَهُ وَ ابْتَزِّهِ مُلْكَهُ وَ عِفَّ أَثَرَهُ وَ اقْطَعْ خَبَرَهُ وَ أَطْفِئْ نَارَهُ وَ أَظْلِمْ نَهَارَهُ وَ كَوِّرْ شَمْسَهُ وَ اهْشِمْ شِدَّتَهُ (۲) وَ جُذَّ سَنَامَهُ (۳) وَ أَرْغِمْ أَنْفَهُ وَ لَا تَدَعْ لَهُ جُنَّهً إِلَّا هَتَكْتَهَا وَ لَا دِعَامَهً إِلَّا قَصَمْتَهَا وَ لَا كَلِمَهً مُجْتَمِعَهً إِلَّا فَرَّقْتَهَا وَ لَا قَائِمَهَ عُلْوٍ إِلَّا وَضَعْتَهَا وَ لَا رُكْناً إِلَّا وَهَنْتَهُ وَ لَا سَبَباً إِلَّا قَطَعْتَهُ.

وَ أَرِهِ أَنْصَارَهُ وَ جُنْدَهُ عَبَادِيدَ بَعْدَ الْأُلْفَهِ وَ شَتَّى بَعْدَ اجْتِمَاعِ الْكَلِمَهِ وَ مُقَنِّعِي الرُّءُوسِ بَعْدَ الظُّهُورِ عَلَى الْأُمَّهِ وَ اشْفِ بِزَوَالِ أَمْرِهِ الْقُلُوبَ الْمُنْقَلِبَهَ الْوَجِلَهَ وَ الْأَفْئِدَهَ اللَّهِفَهَ وَ الْأُمَّهَ الْمُتَحَيِّرَهَ وَ الْبَرِيَّهَ الضَّائِعَهَ وَ أَدِلْ بِبَوَارِهِ الْحُدُودَ الْمُعَطَّلَهَ وَ الْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَهَ وَ السُّنَنَ الدَّائِرَهَ وَ الْمَعَالِمَ الْمُغَيَّرَهَ(۴) وَ الْآيَاتِ الْمُحَرَّفَهَ وَ الْمَدَارِسَ الْمَهْجُورَهَ وَ الْمَحَارِيبَ الْمَجْفُوَّهَ وَ الْمَسَاجِدَ الْمَهْدُومَهَ وَ أَشْبِعْ بِهِ الْخِمَاصَ السَّاغِبَهَ وَ أَرْوِ بِهِ اللَّهَوَاتِ اللَّاغِبَهَ وَ الْأَكْبَادَ الظَّامِئَهَ وَ أَرِحْ بِهِ الْأَقْدَامَ الْمُتْعَبَهَ وَ اطْرُقْهُ بِلَيْلَهٍ لَا أُخْتَ لَهَا وَ سَاعَهٍ لَا شِفَاءَ مِنْهَا وَ بِنَكْبَهٍ لَا انْتِعَاشَ مَعَهَا وَ بِعَثْرَهٍ لَا إِقَالَهَ مِنْهَا وَ أَبِحْ حَرِيمَهُ وَ نَغِّصْ نِعْمَتَهُ (۵) وَ أَرِهِ بَطْشَتَكَ الْكُبْرَى وَ نَقِمَتَكَ الْمُثْلَى وَ قُدْرَتَكَ الَّتِي هِيَ فَوْقَ كُلِّ قُدْرَهٍ وَ سُلْطَانَكَ الَّذِي هُوَ أَعَزُّ مِنْ سُلْطَانِهِ وَ اغْلِبْهُ لِي بِقُوَّتِكَ الْقَوِيَّهِ وَ مِحَالِكَ الشَّدِيدِ وَ امْنَعْنِي بِمَنَعَتِكَ الَّتِي كُلُّ خَلْقٍ فِيهَا ذَلِيلٌ وَ ابْتَلِهِ بِفَقْرٍ لَا تَجْبُرُهُ وَ بِسُوءٍ لَا تَسْتُرُهُ وَ كِلْهُ إِلَى نَفْسِهِ فِيمَا يُرِيدُ إِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تُرِيدُ.

۱- ۱. الطاغيه خ ل.

۲- ۲. فی المصدر ص ۷۰ فی ذکر قنوت الإمام موسی بن جعفر علیه السلام:« و اهشم سوقه».

۳- ۳. جذ الشی ء الصلب: کسره أو قطعه مستأصلا، و فی المصدر فی الموضعین:« وجب سنامه» و الجب أیضا: القطع، و خصوصا قطع السنام، یقال بعیر أجب: أی مقطوع السنام و الجبب قطع السنام أو ان یأکله الرجل فلا یکبر.

۴- ۴. و التلاوات المغیره خ ل.

۵- ۵. نعیمه خ ل.

وَ أَبْرِئْهُ مِنْ حَوْلِكَ وَ قُوَّتِکَ وَ أَحْوِجْهُ إِلَی حَوْلِهِ وَ قُوَّتِهِ وَ أَذِلَّ مَكْرَهُ بِمَكْرِكَ وَ ادْفَعْ مَشِيَّتَهُ بِمَشِيَّتِکَ وَ أَسْقِمْ جَسَدَهُ وَ أَيْتِمْ وُلْدَهُ وَ انْقُصْ أَجَلَهُ وَ خَيِّبْ أَمَلَهُ وَ أَدِلْ دَوْلَتَهُ وَ أَطِلْ عَوْلَتَهُ وَ اجْعَلْ شُغُلَهُ فِی بَدَنِهِ وَ لَا تَفُكَّهُ مِنْ حُزْنِهِ وَ صَيِّرْ كَيْدَهُ فِی ضَلَالٍ وَ أَمْرَهُ إِلَی زَوَالٍ وَ نِعْمَتَهُ إِلَی انْتِقَالٍ وَ جَدَّهُ فِی سَفَالٍ وَ سُلْطَانَهُ فِی اضْمِحْلَالٍ وَ عَاقِبَةَ أَمْرِهِ إِلَی شَرِّ حَالٍ وَ أَمِتْهُ بِغَيْظِهِ إِذَا أَمَتَّهُ وَ أَبْقِهِ لِحُزْنِهِ إِنْ أَبْقَيْتَهُ وَ قِنِی شَرَّهُ وَ هَمْزَهُ وَ لَمْزَهُ وَ سَطْوَتَهُ وَ عَدَاوَتَهُ وَ الْمَحْهُ لَمْحَةً تُدَمِّرُ بِهَا عَلَيْهِ فَإِنَّکَ أَشَدُّ بَأْساً وَ أَشَدُّ تَنْكِيلًا(۱).

ق، کتاب العتيق الغروی ذکر بإسناد عن زرافه حاجب المتوکل: و ذکر مثله سواء.

**[ترجمه]مهج الدعوات: در نسخه کهنه ای یافتیم که عبارتش این است: ابو الحسن محمّد بن محمّد بن محسن بن یحیی بن رضا أدام الله تاییده در روز جمعه بیست و پنجم از ماه ذی حجّه سال چهار صد و چهار در مشهد مقابر قریش درود بر ساکن آن نقل کرد: پدرم رضی الله عنه برایم نقل کرد: ابو عبد اللَّه محمد بن ابراهیم بن صدقه در روز شنبه بیست و هفتم صفر سال سیصد و شصت و دو در همان مشهد مقابر قریش علی ساکنه السلام از حفظ نقل کرد: سلامه بن محمّد ازدی برایم روایت نمود گفت: ابو جعفر بن عبد اللَّه عقیلی و ابو الحسن محمّد بن تریک رهاوی روایت کردند گفت که خبر داد به من ابو القاسم عبد الواحد موصلی از روی اجازه و روایت نمود به من ابو محمّد جعفر بن احمد بن عبد اللَّه بن عقیل بن عبد اللَّه بن عقیل بن محمّد بن عبد اللَّه بن عقیل بن ابو طالب علیه السلام و او گفت: ابو روح نسائی روایت کرد از حضرت ابو الحسن امام علی نقیّ بن امام محمّد تقی علیهما السلام که آن حضرت این دعا را از جهت دفع ضرر متوکّل بعد از آنکه حمد و ثناء الهی را بجای آوردند، خواندند: « خدایا من وفلانی بندگانی از بندگان توییم» تا آخر دعا که بعد از این مذکور می شود.

سند این دعا را یافتم که به روایتی دیگر منقول است و عبارت آن این است: ذکر کرد با استناد به زرافه دربان متوکل که شیعه بود، روزی متوکل فتح بن خاقان را در نزد خود حاضر نمود و او در نزد متوکّل آن قدر قرب و منزلت داشت که هیچ یک از مردمان و فرزندان و اهل بیت او در نزد او آن قدر منزلت نداشتند و خواست که بر مردمان مرتبه او را ظاهر سازد.

پس همه اهل مملکت خود را اشراف خود و غیر ایشان را از وزراء و امرا و فرماندهان و لشکریان خود و دیگر سرشناسان را امر کرد که زینت کنند و لباسهای فاخر پوشند و همگی پیاده در پیش روی متوکل از شهر بیرون روند و پس هیچ احدی سوار نشود الّا متوکّل و فتح بن خاقان که در شهر سامرا سوار شدند و همگی مردمان پیاده پیشا پیش آن دو نسبت به مرتبه های خود می رفتند تا آنکه از شهر بیرون رفتند و آن روز هوا در نهایت گرمی و شدت حرارت بود و از جمله اشراف حضرت امام علی نقی علیه السلام بودند و شدت حرارت هوا به ایشان تاثیر نمود، در کمال تعب و زحمت بودند.

زرّافه نقل کرد: من به آن حضرت رسیدم و عرض کردم: ای سرور من، قسم به خدا آنچه من از این یاغی ظالم می بینم و این مشقت و آزاری که از او به شما رسیده است، بر من بسیار گران و ناگوار است و دست ایشان را گرفتم. پس آن حضرت به من تکیه فرمودند و گفتند: ای زرافه! ناقه صالح نزد خدای تعالی از من گرامی تر و عزیزتر نبود. یا آنکه فرمودند: که قدر و منزلت ناقه صالح در نزد خدای تعالی بیشتر از من نبود. پس آنگاه من در خدمت آن حضرت می رفتم و مسأله ها از آن حضرت پرسیدم و فایده مند گردیدم و همچنان صحبت داشتم تا آنکه متوکّل فرود آمد و همگی مردمان را رخصت نمود که به شهر و به خانه های خود برگردند.

پس چارپاهای مردمان را پیش آوردند و همه سوار شدند، به خانه های خود برگشتند. پس من استر آن حضرت را پیش بردم و ایشان سوار شدند و خود نیز سوار شدم تا آنکه به خانه آن حضرت رسیدیم و ایشان فرود آمدند. از ایشان وداع نمودم و به خانه خود رفتم. فرزندان من معلّمی شیعه از اهل دانش و فضل داشتند و عادت من چنان بود که در وقت طعام خوردن او را حاضر می نمودم. پس آن مرد حاضر شد و هم صحبت شدیم و از سوار شدن متوکل و فتح بن خاقان و پیاده رفتن اشراف و صاحبان مراتب در جلو ایشان حکایت کردم و آنچه مشاهده نمودم از ابی الحسن علی بن محمد علیه السلام و شنیدم که فرمودند «ناقه صالح در نزد خدای تعالی از من گرامی تر و عزیز نیست».

شخص معلّم که با من مشغول خوردن بود، دست از خوردن کشید و گفت تو را به خدا این لفظ را از آن حضرت شنیدی؟ گفتم: به خدا قسم شنیدم که حضرت آن را فرمودند. پس به من گفت: بدان که متوکل بیش از سه روز دیگر در مملکت خود باقی نخواهد بود و هلاک می شود پس در کار خود بنگر و آنچه را می خواهی به دست آوری کسب کن و خود را آماده گردان مبادا هلاک شدن این مرد شما را آسیبی رساند و دارایی تان به دلیل حادثه ای یا هر سببی از بین برود.

پس به او گفتم: از کجا آن را دانستی؟ گفت: آیا تو در قرآن در قصه صالح پیغمبر این آیه را نخواندی که «تَمَتَّعُوا فِي دارِكُمْ ثَلاثَةَ أَيّامٍ، ذلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ یعنی: و بهره برید از زندگانی در حالی که باشید در خانه های خود تا سه روز این وعده ای است که دروغ نیست» - . هود/۶۵ - و جایز نیست که سخن امام و معصوم باطل شود. زرافه گفت: قسم به خدا که روز سوم بود که منتصر خروج نمود و با او خارجیان و وصیف و اتراک بودند و بر متوکل هجوم نمودند. او و فتح بن خاقان را کشتند و پاره پاره کردند که یکی از آن هر دو از دیگری معلوم و شناخته نشدند و خدای تعالی نعمت و مملکت آن را از بین برد. پس من بعد از آن به خدمت اباالحسن علیه السلام رسیدم و او را از آنچه میان من و آن شخص معلم گذشت و گفت، آگاه نمودم. آن حضرت فرمودند: راست گفت. در آن هنگامی که به من آن مشقّت رسید، به گنجهایی رجوع نمودم که از پدران خود به ارث می بریم که در نزد ما از قلعه ها و سلاح و سپرها محکمتر است، که آن دعای شخص مظلوم جهت دفع شرّ ظالم است. پس آن دعا را خواندم. پس خدای تعالی او را هلاک نمود. گفتم: ای سرور من اگر صلاح می دانید این دعا را به من تعلیم کنید. پس آن دعا را به من آموختند و دعا این است: «خداوندا به درستی که من و فلان شخص دو بنده ایم از بندگان تو سرنوشت ما به دست توست، محل قرار و آنجا که در آن سپرده شده ایم می دانی و تغییرات احوال ما در دنیا و بازگشت ما در آخرت و امور نهانی و آشکار ما را می دانی و مطّلعی بر قصدهای ما و بر باطن ما احاطه می نمایی، علم تو بدانچه ان را اظهار می کنی مثل علم تو به آن چیزی است که پنهان داری و شناخت تو بدانچه پوشیده داریم مثل شناخت به آن چیزی است که آن را آشکارگردانیم و بر تو چیزی از امرهای ما پوشیده نیست و در نزد تو حالی از حالهای ما پنهان نیست و برای ما پناهگاه و قلعه ای که ما را محافظت نماید نیست و نه پناهی که نگاهدارد و نه گریزگاهی که تو را از ما دور کند.

و ستم کننده ای نمی تواند به سبب پادشاهی خود از تو ممانعت کند و سپاه او با تو نزاع نمی کند و هیچ غلبه کننده ای با امتناع بر تو غلبه نمی کند و صاحب تفوّقی به سبب بسیاری بر تو فایق نمی شود و تو او را می یابی هر کجا که رفت و بر او قدرت داری هر کجا که پناه برد، پس پناه ستم رسیده از ما به توست و اعتماد غلبه شده از ما بر توست و بازگشت او به سوی توست. و از تو طلب فریادرسی می نماید هر گاه فریادرسی غیر تو نیابد و تو را می طلبد هر گاه یاری گر از یاری او دست بردارد و پناه می برد به تو هر گاه آستانها او را طرد کنند و در تو را می کوبد هر گاه بسته شود به روی او درهای بسته شده و به تو می رسد هر گاه که پادشاهان غافل از او ممانعت کنند. می دانی آنچه را که رسیده به مظلوم پیش از آنکه آن را به سوی تو شکوه نماید و می شناسی آنچه را که صلاح حال او در آن است پیش از آنکه از جهت آن تو را بخواند پس از برای توست ستایش در حالی که شنوا و بینا و بسیار دانا و توانایی.

خداوندا به درستی که در علم و قضای پیشین تو و فرمان نافذ تو و اراده قاطع تو در شأن همگی آفریدگانت، نیکبخت ایشان و بدبخت ایشان و نیکوکار ایشان و بدکار ایشان، چنین بود که برای فلان پسر فلان قدرتی بر من قرار دادی پس به سبب آن بر من جور نمود و به دلیل جایگاه خود بر من ستم کرد و به پادشاهی که به او دادی بر من چیره گشت و به سبب بلندی حالی که بر او قرار دادی بر من چیره گشت و مهات دادن تو او را فریفت و بردباری ات او را سرکش کرد.

پس مرا به ناگواری اراده کرد که از صبر نمودن بر آن عاجز گشتم و مرا به شرّی پوشانید که از متحمّل شدن آن ضعیفم و بر پیروزی بر او به سبب ناتوانی ام و بر داد ستادن از او به سبب خواری ام قادر نگشتم. پس او را به تو واگذار کردم و در امر او بر تو اعتماد نمودم و او را به عذاب تو بیمناک نمودم و او را از شدّت خشم تو هراسانیدم و او را از عقاب تو ترسانیدم پس گمان کرد که برباری تو از جهت ناتوانی توست و پنداشت که مهلت دادن تو به او از جهت عاجز بودن تو است و یک گناه او را از گناهی دیگر باز نداشت و از معصیت دوم به سبب معصیت

اوّل پشیمان نشد ولی در گمراهی خود مداومت نمود و پیاپی ستم نمود و در سرکشی اش لجاجت ورزید و در تجاوزش پافشاری کرد به دلیل گستاخی بر تو ای مولای من و متعرض شدن بر غضب تو که آن را از گروه ستمکاران باز نمی داری و عدم توجه به عقوبت تو که آن را از ظالمان بر نمی داری.

پس اینک ای سرور من در برابر او ضعیفم، در پادشاهی او ستمدیده ام، ذلیلم به عذاب او، شکست خوردم و به من ظلم کرد و مورد قصد او قرار گرفتم، ترسان و خوفناک، بیمناک مغلوبم. صبر من اندک شد و چاره من به تنگ آمد و راه ها جز به سوی تو بسته شد و تمام جهت ها بر من مسدود گشت مگر جهت تو و تمام کار هایم در دفع نمودن ناخوشی های او از خود بر من مشتبه گشت. و فکرها در برطرف کردن ظلم او بر من پوشیده شد و هر کدام از بندگانت که از او یاری جستم مرا رها کرد و آنکس که در آویختم به او از همگی آفریدگان تو مرا واگذاشت و با خیر خواه خود مشورت کردم پس او مرا به میل نمودن به سوی تو مشاوره داد و از راهنمای خود راهنمایی خواستم پس مرا به سوی تو راه نمود.

پس به سوی تو برگشتم ای مولای من در حالی که ذلیل و خوارم و رو به خاک مالیده ام و زاری کننده ام و دانایم به آنکه گشایشی برای من مگر نیست از نزد تو و نجاتی برای من نیست مگر به سبب تو. از تو می خواهم بر وعده تو در یاری من تحقق بخشی و حاجتم را بر آوری. به درستی که گفتی و گفتار تو راست است که برنمی گردد و تغییر نمی یابد «کسی که به او ظلم شود البته که خدا او را یاری می کند » و فرمودی، بزرگ است بزرگی تو و منزّه و پاکیزه است نامهای تو« بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را» و من انجام می دهم آنچه را که به من فرمودی. پس حاجت مرا برآور همچنان که به من وعده نمودی.

و به درستی می دانم ای مولای من، برای توست روزی که در آن از ظالم برای ستمدیده انتقام کشی و یقین می دانم برای توست وقتی که در آن حق غصب کرده شده را از غصب کننده می ستانی زیرا دشمنی از تو پیشی نمی گیرد و نزاع کننده از دست قدرت تو بیرون نمی رود و از فوت شدن فوت شونده ای نمی ترسی ولی بی تابی و اضطراب من به صبر کردن بر مدارای تو و انتظار بردباری تو نمی رسند. پس قدرت تو ای مولای من بالای هر قدرتی است و پادشاهی تو غلبه کننده بر هر پادشاهی است و بازگشت هر کسی به سوی توست و هر چند او را واگذاردی و بازگشت هر ستم کننده ای به سوی توست و اگر چه او را مهلت دادی و ای مولای من، بردباری تو در حق فلان پسر فلان و درازی مدارای تو با او و مهلت دادن به او به من آسیب رسانیده است و نزدیک است که ناامیدی بر من مسلّط شود اگر اعتماد من به تو و یقین داشتن به وعده تو نمی بود.

پس اگر در حکم جاری تو و قدرت قاطع توست که بازگردد یا توبه نماید یا از ظلم کردن بر من برگردد یا بدی خودش را از من باز دارد و منتقل شود از بزرگی آنچه مرتکب شد در حق من، پس رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و در این لحظه و همین لحظه این توبه را در دل او بیانداز پیش از برطرف کردن نعمتی که آن را بر من انعام نمودی و پیش از تیره گردانیدن نیکویی ات که در حق من انجام دادی.

و اگر در علم تو به او غیر از این باشد از جمله ایستادگی اش بر ظلم بر من، از تو می خواهم ای یاری دهنده ستمدیده ای که بر او ظلم شد، حاجت مرا برآوری و بر محمّد و بر آل او رحمت فرستی و او را از محلّ ایمن او بر گیری گرفتن غلبه کننده ای بسیار با قدرت و و همچون پادشاهی با قوّت او را در غفلتش ناگاه بر گیر و نعمت و پادشاهی اش را از او بگیر و سپاه و یاران او را شکست ده و مملکت او را از هم بگسل و یاری کنندگان او را نهایت پراکندگی پراکنده نمای و او را از نعمت خود عریان ساز که شکر آن را به جای نیاورد و از او جامه غلبه دادن را بیرون کن که با نیکی آن را مکافات ننمود و پشت او را بشکن ای شکننده پشت متکبران و او را هلاک کن ای هلاک کننده کننده امت های گذشته و او را نابود کن ای نابود کننده قبیله های ستم کننده و او را خوار کن ای خوارکننده گروه فسادکنندگان و زندگانی او را کوتاه کن و پادشاهی او را نابود کن و نشان او را محو کن و خبر او را قطع کن و آتش فساد او را خاموش کن و روز او را تاریک کن و آفتاب دولت او را بی نور گردان و جان او را بیرون کن و سختی او را سست گردان و کوهان او را قطع کن و بینی او را بر خاک مال و برای او سپری نگاهدارنده مگذار مگر اینکه آن را پاره کنی و نه ستونی مگر اینکه آن را شکسته باشی و نه کلمه جمع شده ای مگر آنکه آن را

پراکنده کنی و نه پایه بلندی مگر آنکه آن را پست بنمایی و نه قوّتی مگر آنکه سست کنی و نه وسیله ای مگر اینکه آن را قطع کنی.

و به او یاران و سپاهیانش را نشان ده که بعد از اجتماع متفرق شدند و بعد از نزدیک شدن پراکنده گشتند و بعد از ظهور بر امت خوار گشتند و به سبب نابودی دولت او دل های متغیّر و مضطرب ترسان و قلب های ستم رسیده دردناک و امت حیران و خلایق ضایع شده را شفا ده و به سبب هلاکت دشمن حدّهای معطّل و حکم های اهمال شده و سنت های دگرگون شده و نشانه های تغییر یافته و آیه های تحریف شده و مدرسه های متروک و محراب های خالی و مسجدهای خراب شده را غالب گردان.

و به سبب آن شکم به اندرون رفته بسیار گرسنه را سیر گردان و به سبب آن کسانی را که گوشت های دهان ایشان فاسد شده باشد سیراب گردان و جگرهای تشنه را سیراب کن و عذاب خود را به او وارد ساز در شبی که مثلی برای آن شب در بدی نباشد و در ساعتی که برای او آرامی و قراری در آن ساعت نباشد و به او مصیبتی برسان که خوشحالی با آن مصیبت نباشد و به روی افتادنی را که درگذرنده از آن نباشد و حرمت او را مباح گردان و نعمت خود را بر او تیره نمای و قهر بزرگ خود و عقوبت برتر خود و توانایی خود که بالاتر از هر توانایی است و پادشاهی خود که غالب تر از پادشاهی اوست، را به او بنمای و به قوت قوی خود و عقوبت سخت خود او را مغلوب من گردان و نگاهدار مرا به منع خود که هر آفریدگاری در آن خوار است و او را به احتیاجی مبتلا گردان که او را بی نیاز نگردانی و به بدی که آن را پنهان نکنی و او را به خودش واگذار در آنچه اراده می نماید به درستی که تو انجام دهنده چیزی که می خواهی.

و او را از قوّت و قدرت خود دور کن و او را به قدرت و توانایی خودش محتاج گردان و حیله او را به مکر خود پست گردان و اراده او را به سبب اراده خود دور کن و بدن او را بیمار کن و فرزندان او را یتیم گردان و مدت عمر او را کوتاه کن و آرزوی او را بر نیاور و دولت او را زائل گردان و آواز گریه او را بلند کن و او را به بدن خودش مشغول گردان و او را از اندوه خودش جدا مساز و مکر او را گمراه و امر او را زائل و نعمت او را نابود و بزرگی او را پست و پادشاهی او را مضمحل و عاقبت کار او را بدترین حال گردان و هر گاه جان او را گرفتی او را به خشم خودش بمیران و اگر او را باقی گذاشتی در اندوه خودش باقی گذار و مرا از شرّ او و از بدگویی او و از اشاره به گوشه چشم او و از قهر و از دشمنی او نگاهدار و به او به نگاه خفت نظر کن که به سبب آن نگاه، او را هلاک نمایی پس به درستی که تو سخت تر از همه مردمان در عذاب نمودن و شدیدتر در عقوبت کردن هستی. - . مهج الدعوات: ۳۳۰- ۳۳۷ مثل این دعا از مولایمان امام هادی علیه السلام ذکر شد با اندکی تفاوت و برای این حدیثی است که برای آن روایت دیدم ، ولی آن را برای قنوت امام موسی بن جعفر علیه السلام صفحه: ۶۷-۷۲ ذکر کرد و ابتدای آن چنین است: « خدایا من و فلان فرزند فلان همانطور که مولف ذکر کرد اگر خواستی مراجعه کن. -

العتیق الغروی: با استناد به زرافه دربان متوکل آن را ذکر کرد: و مثل آن را آورد.

**[ترجمه]

أقول

و من الأدعیه المشهوره دعاء الحرز الیمانی المعروف بالدعاء السیفی أیضا و قد رأیت فی ذلک عده طرق و روایات مختلفات و لنذکر هنا المهم منها إن شاء الله تعالی.

**[ترجمه]از جمله دعاهای معروف دعای حرز یمانی است که به دعای سیفی هم مشهور است و در این راستا طریقه ها و روایت های متعددی یافتم و در اینجا مهم آن را ذکر می کنیم انشاءالله تعالی .

**[ترجمه]

مهـج، [مهـج الـدعوات] الـدُّعَاءُ الْمَعْرُوفُ بِالْيَمَـانِيِّ أَخْبَرَنَـا أَبُو عَبْـدِ اللَّهِ الْحُسَـيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَلِيٍّ الْقُمِّيُّ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ الْخَيَّاطِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُوسَـى التَّلَّعُكْبَرِيِّ عَنْ عَبْدِ الْوَاحِدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ الْمَوْصِلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْعَلَوِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ زِيَادٍ قَالَ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ: بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَـلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ دَخَلَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عليهما السـلام فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِالْبَابِ رَجُلٌ يَسْـتَأْذِنُ عَلَيْكَ يَنْفَحُ مِنْهُ رِيحُ الْمِسْكِ قَالَ لَهُ ائْذَنْ لَهُ فَدَخَلَ رَجُلٌ جَسِـيمٌ وَسِـيمٌ لَهُ مَنْظَرٌ رَائِعٌ وَ طَرَفٌ فَاضِلٌ (۲) فَصِيحُ اللِّسَانِ

ص: ۲۴۰

۱- ۱. مهـج الدعوات: ۳۳۰- ۳۳۷، و زاد بعـده: اقول: و قـد تقـدم أيضا نحو هـذا الـدعاء عن مولانا الهادى[الكاظم ظ] و بينهما تفاوت، و لهـذا حديث رأيته لتلك الروايه لكنه ذكر الدعاء فى قنوت الإمام موسى بن جعفر عليه السلام ص ۶۷- ۷۲، و اوله« اللّهمّ انى و فلان بن فلان كما نقله المؤلّف العلامه هاهنا، راجعه ان شئت.

۲- ۲. منظر رائع، اى يعجب الناس بحسنه و جهاره رونقه، و طرف فاضل: الطرف محركه من البـدن: اليـدان و الرجلان و الرأس، و الطرف بفتح فسكون: العين، و الكريم من الفتيان و الرجال.

عَلَيْهِ لِبَاسُ الْمُلُوكِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ إِنِّی رَجُلٌ مِنْ أَقْصَی بِلَادِ الْيَمَنِ وَ مِنْ أَشْرَافِ الْعَرَبِ مِمَّنِ انْتَسَبَ إِلَيْكَ وَ قَدْ خَلَّفْتُ وَرَائِی مُلْكاً عَظِيماً وَ نِعْمَةً سَابِغَةً وَ إِنِّی لَفِی غَضَارَةٍ مِنَ الْعَيْشِ وَ خَفْضٍ مِنَ الْحَالِ وَ ضِيَاعٍ نَاشِئَةٍ وَ قَدْ عَجَمْتُ الْأُمُورَ وَ دَرَّبَتْنِی الدُّهُورُ(۱) وَ لِی عَدُوٌّ مُشِحٌّ وَ قَدْ أَرْهَقَنِی وَ غَلَبَنِی بِكَثْرَةِ نَفِيرِهِ وَ قُوَّةِ نَصِيرِهِ وَ تَكَاثُفِ جَمْعِهِ وَ قَدْ أَعْيَتْنِی فِيهِ الْحِيَلُ وَ إِنِّی كُنْتُ رَاقِداً ذَاتَ لَيْلَةٍ حَتَّی أَتَانِی الْآتِی فَهَتَفَ بِی أَنْ قُمْ يَا رَجُلُ إِلَی خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ بَعْدَ نَبِيِّهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَ عَلَی آلِهِمَا فَاسْأَلْهُ أَنْ يُعَلِّمَكَ الدُّعَاءَ الَّذِی عَلَّمَهُ حَبِيبُ اللَّهِ وَ خِيَرَتُهُ وَ صِفْوَتُهُ مِنْ خَلْقِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ بْنِ هَاشِمٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَی آلِهِ فَفِيهِ اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ عَزَّ وَ جَلَّ فَادْعُ بِهِ عَلَی عَدُوِّكَ الْمُنَاصِبِ لَكَ فَانْتَبَهْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَمْ أُعَرِّجْ عَلَی شَيْءٍ حَتَّی شَخَصْتُ فِی أَرْبَعِ مِائَةِ عَبْدٍ نَحْوَكَ إِنِّی أُشْهِدُ اللَّهَ وَ أُشْهِدُ رَسُولَهُ وَ أُشْهِدُكَ أَنَّهُمْ أَحْرَارٌ وَ قَدْ أُعْتِقُهُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ جَلَّتْ عَظَمَتُهُ وَ قَدْ جِئْتُكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ فَجٍّ عَمِيقٍ وَ بَلَدٍ شَاسِعٍ قَدْ ضَؤُلَ جِرْمِی وَ نَحِلَ جِسْمِی فَامْنُنْ عَلَيَّ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِفَضْلِكَ وَ بِحَقِّ الْأُبُوَّةِ وَ الرَّحِمِ الْمَاسَّةِ عَلِّمْنِی الدُّعَاءَ الَّذِی رَأَيْتُ فِی مَنَامِی وَ هَتَفَ بِی أَنْ أَرْحَلَ فِيهِ إِلَيْكَ فَقَالَ مَوْلَانَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ نَعَمْ أَفْعَلُ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ دَعَا بِدَوَاةٍ وَ قِرْطَاسٍ وَ كَتَبَ لَهُ هَذَا الدُّعَاءَ وَ هُوَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ أَنْتَ رَبِّی ظَلَمْتُ نَفْسِی وَ اعْتَرَفْتُ بِذَنْبِی وَ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ

۱- ۱. عجمت الامر: أی خبرت حاله و امتحنته و عرفت تصاریفه، و المدرب المنجد المجرب، المصاب بالبلایا، الذی صرفه الدهور و خبرته الحال، و عرفته عواقب الأمور.

إِلَّا أَنْتَ فَاغْفِرْ لِی یَا غَفُورُ یَا شَکَورُ.

اللَّهُمَّ إِنِّی أَحْمَدُکَ وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ عَلَی مَا خَصَصْتَنِی بِهِ مِنْ مَوَاهِبِ الرَّغَائِبِ وَ مَا وَصَلَ إِلَیَّ مِنْ فَضْلِکَ السَّابِغِ وَ مَا أَوْلَیْتَنِی بِهِ مِنْ إِحْسَانِکَ إِلَیَّ وَ بَوَّأْتَنِی بِهِ مِنْ مَظِنَّهِ الْعَدْلِ وَ أَنَلْتَنِی مِنْ مَنِّکَ الْوَاصِلِ إِلَیَّ وَ مِنَ الدِّفَاعِ عَنِّی وَ التَّوْفِیقِ لِی وَ الْإِجَابَهِ لِدُعَائِی حَتَّی أُنَاجِیَکَ دَاعِیاً وَ أَدْعُوَکَ مُضَاماً وَ أَسْأَلَکَ فَأَجِدَکَ فِی الْمَوَاطِنِ کُلِّهَا لِی جَابِراً(۱) وَ فِی الْأُمُورِ نَاظِراً وَ لِذُنُوبِی غَافِراً وَ لِعَوْرَاتِی سَاتِراً.

لَمْ أَعْدَمْ خَیْرَکَ طَرْفَهَ عَیْنٍ مُذْ أَنْزَلْتَنِی دَارَ الِاخْتِبَارِ لِتَنْظُرَ مَا أُقَدِّمُ لِدَارِ الْقَرَارِ فَأَنَا عَتِیقُکَ مِنْ جَمِیعِ الْآفَاتِ وَ الْمَصَائِبِ فِی اللَّوَازِبِ وَ الْغُمُومِ الَّتِی سَاوَرَتْنِی فِیهَا الْهُمُومُ (۲) بِمَعَارِیضِ أَصْنَافِ الْبَلَاءِ وَ مَصْرُوفِ (۳) جُهْدِ الْقَضَاءِ لَا أَذْکُرُ مِنْکَ إِلَّا الْجَمِیلَ وَ لَا أَرَی مِنْکَ غَیْرَ التَّفْضِیلِ.

خَیْرُکَ لِی شَامِلٌ وَ فَضْلُکَ عَلَیَّ مُتَوَاتِرٌ وَ نِعْمَتُکَ عِنْدِی مُتَّصِلَهٌ وَ سوابق [سَوَابِغُ] لَمْ تُحَقِّقْ حِذَاری (۴) بَلْ صَدَّقْتَ رَجَائِی وَ صَاحَبْتَ أَسْفَارِی وَ أَکْرَمْتَ أَحْضَارِی وَ شَفَیْتَ أَمْرَاضِی وَ أَوْصَابِی (۵) وَ عَافَیْتَ مُنْقَلَبِی وَ مَثْوَایَ وَ لَمْ تُشْمِتْ بِی أَعْدَائِی وَ رَمَیْتَ مَنْ رَمَانِی وَ کَفَیْتَنِی مَئُونَهَ مَنْ عَادَانِی.

فَحَمْدِی لَکَ وَاصِلٌ وَ ثَنَائِی لَکَ دَائِمٌ مِنَ الدَّهْرِ إِلَی الدَّهْرِ بِأَلْوَانِ التَّسْبِیحِ خَالِصاً لِذِکْرِکَ وَ مَرْضِیّاً لَکَ بِنَاصِعِ التَّوْحِیدِ وَ إِمْحَاضِ التَّمْجِیدِ بِطُولِ التَّعْدِیدِ وَ مَزِیَّهِ أَهْلِ الْمَزِیدِ لَمْ تُعَنْ فِی قُدْرَتِکَ وَ لَمْ تُشَارَکْ فِی إِلَهِیَّتِکَ وَ لَمْ تُعَلَّمْ إِذْ حَبَسْتَ

۱- ۱. فی المصدر: جارا.

۲- ۲. ساوره الهموم: و ثبت علیه.

۳- ۳. صروف جهد البلاء خ ل.

۴- ۴. أی انی کنت أحذر أن تفوتنی نعمک فتخذلنی، لکنک لم تحقّق حذاری هذا بسلب نعمک بل صدقت رجائی بدوام نعمک.

۵- ۵. الاوصاب جمع وصب- محرکه- المرض و الوجع الدائم، قال ابن درید: الوصب نحول الجسم من تعب أو مرض، و قد یطلق علی التعب و الفتور فی البدن.

الْأَشْيَاءَ عَلَى الْغَرَائِزِ وَ لَا خَرَقَتِ الْأَوْهَامُ حُجُبَ الْغُيُوبِ فَتَعْتَقِدُ فِيكَ مَحْدُوداً فِي عَظَمَتِكَ.

فَلَا يَبْلُغُكَ بُعْدُ الْهِمَمِ وَ لَا يَنَالُكَ غَوْصُ الْفِكَرِ وَ لَا يَنْتَهِي إِلَيْكَ نَظَرُ نَاظِرٍ فِي مَجْدِ جَبَرُوتِكَ ارْتَفَعَتْ عَنْ صِفَةِ الْمَخْلُوقِينَ صِفَاتُ قُدْرَتِكَ وَ عَلَا عَنْ ذَلِكَ كِبْرِيَاءُ عَظَمَتِكَ لَا يَنْقُصُ مَا أَرَدْتَ أَنْ يَزْدَادَ وَ لَا يَزْدَادُ مَا أَرَدْتَ أَنْ يَنْقُصَ وَ لَا أَحَدٌ حَضَرَكَ حِينَ بَرَأْتَ النُّفُوسَ كَلَّتِ الْأَوْهَامُ (١) عَنْ تَفْسِيرِ صِفَتِكَ وَ انْحَسَرَتِ الْعُقُولُ عَنْ كُنْهِ عَظَمَتِكَ وَ كَيْفَ تُوصَفُ وَ أَنْتَ الْجَبَّارُ الْقُدُّوسُ الَّذِي لَمْ تَزَلْ أَزَلِيّاً دَائِماً فِي الْغُيُوبِ وَحْدَكَ لَيْسَ فِيهَا غَيْرُكَ وَ لَمْ يَكُنْ لَهَا سِوَاكَ حَارَ فِي مَلَكُوتِكَ عَمِيقَاتُ مَذَاهِبِ التَّفْكِيرِ فَتَوَاضَعَتِ الْمُلُوكُ لِهَيْبَتِكَ وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ بِذُلِّ الِاسْتِكَانَةِ لَكَ وَ انْقَادَ كُلُّ شَيْ ءٍ لِعَظَمَتِكَ وَ اسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْ ءٍ لِقُدْرَتِكَ وَ خَضَعَتْ لَكَ الرِّقَابُ وَ كَلَّ دُونَ ذَلِكَ تَحْبِيرُ اللُّغَاتِ وَ ضَلَّ هُنَالِكَ التَّدْبِيرُ فِي تَصَارِيفِ الصِّفَاتِ فَمَنْ تَفَكَّرَ فِي ذَلِكَ رَجَعَ طَرْفُهُ إِلَيْهِ حَسِيراً وَ عَقْلُهُ مَبْهُوراً وَ تَفَكُّرُهُ مُتَحَيِّراً اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ مُتَوَاتِراً مُتَوَالِياً مُتَّسِقاً مُسْتَوْثِقاً يَدُومُ وَ لَا يَبِيدُ غَيْرَ مَفْقُودٍ فِي الْمَلَكُوتِ وَ لَا مَطْمُوسٍ فِي الْعَالَمِ وَ لَا مُنْتَقَصٍ فِي الْعِرْفَانِ وَ لَكَ الْحَمْدُ مَا لَا تُحْصَى مَكَارِمُهُ فِي اللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ وَ الصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ وَ فِي الْبَرَارِي وَ الْبِحَارِ وَ الْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ وَ الْعَشِيِّ وَ الْإِبْكَارِ وَ فِي الظَّهَائِرِ وَ الْأَسْحَارِ اللَّهُمَّ بِتَوْفِيقِكَ قَدْ أَحْضَرْتَنِي الرَّغْبَةَ وَ جَعَلْتَنِي مِنْكَ فِي وَلَايَةِ الْعِصْمَةِ فَلَمْ أَبْرَحْ فِي سُبُوغِ نَعْمَائِكَ وَ تَتَابُعِ آلَائِكَ مَحْفُوظاً لَكَ فِي الْمَنَعَةِ وَ الدِّفَاعِ مَحُوطاً بِكَ فِي مَثْوَايَ وَ مُنْقَلَبِي وَ لَمْ تُكَلِّفْنِي فَوْقَ طَاقَتِي إِذْ لَمْ تَرْضَ مِنِّي إِلَّا طَاقَتِي وَ لَيْسَ شُكْرِي وَ إِنْ بَالَغْتُ فِي الْمَقَالِ وَ بَالَغْتُ فِي الْفَعَالِ بِبَالِغٍ أَدَاءَ حَقِّكَ وَ لَا مُكَافِياً لِفَضْلِكَ لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ تَغِبْ وَ لَا تَغِيبُ عَنْكَ غَائِبَةٌ وَ لَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَافِيَةٌ وَ لَمْ تَضِلَّ لَكَ (٢) فِي ظُلَمِ الْخَفِيَّاتِ ضَالَّةٌ إِنَّمَا أَمْرُكَ إِذَا أَرَدْتَ شَيْئاً

١- ١. الافهام خ ل.

٢- ٢. عنك خ ل.

أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمِدْتَ بِهِ نَفْسَكَ وَ أَضْعَافَ مَا حَمِدَكَ بِهِ الْحَامِدُونَ وَ مَجَّدَكَ بِهِ الْمُمَجِّدُونَ وَ كَبَّرَكَ بِهِ الْمُكَبِّرُونَ وَ عَظَّمَكَ بِهِ الْمُعَظِّمُونَ حَتَّى يَكُونَ لَكَ مِنِّی وَحْدِی فِی كُلِّ طَرْفَهِ عَيْنٍ وَ أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ مِثْلَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ وَ تَوْحِيدِ أَصْنَافِ الْمُخْلِصِينَ وَ تَقْدِيسِ أَجْنَاسِ الْعَارِفِينَ وَ ثَنَاءِ جَمِيعِ الْمُهَلِّلِينَ وَ مِثْلَ مَا أَنْتَ بِهِ عَارِفٌ مِنْ رِزْقِكَ اعْتِبَاراً وَ فَضْلًا وَ سَأَلْتَنِی مِنْهُ يَسِيراً صَغِيراً وَ أَعْفَيْتَنِی مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ مِنَ الْحَيَوَانِ وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِی رَغْبَهِ مَا أَنْطَقْتَنِی بِهِ مِنْ حَمْدِكَ فَمَا أَيْسَرَ مَا كَلَّفْتَنِی بِهِ مِنْ حَقِّكَ وَ أَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِی عَلَى شُكْرِكَ ابْتَدَأْتَنِی بِالنِّعَمِ فَضْلًا وَ طَوْلًا وَ أَمَرْتَنِی بِالشُّكْرِ حَقّاً وَ عَدْلًا وَ وَعَدْتَنِی عَلَيْهِ أَضْعَافاً وَ مَزِيداً وَ أَعْطَيْتَنِی مِنْ رِزْقِكَ اعْتِبَاراً وَ فَضْلًا(۱) وَ سَأَلْتَنِی مِنْهُ يَسِيراً صَغِيراً وَ أَعْفَيْتَنِی مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَ لَمْ تُسَلِّمْنِی لِلسُّوءِ مِنْ بَلَائِكَ مَعَ مَا أَوْلَيْتَنِی مِنَ الْعَافِيَهِ وَ سَوَّغْتَ مِنْ كَرَائِمِ النُّحْلِ وَ ضَاعَفْتَ لِیَ الْفَضْلَ مَعَ مَا أَوْدَعْتَنِی مِنَ الْحُجَّهِ(۲) الشَّرِيفَهِ وَ يَسَّرْتَ لِی مِنَ الدَّرَجَهِ الرَّفِيعَهِ وَ اصْطَفَيْتَنِی بِأَعْظَمِ النَّبِيِّينَ دَعْوَهً وَ أَفْضَلِهِمْ شَفَاعَهً مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِی مَا لَا يَسَعُهُ إِلَّا مَغْفِرَتُكَ وَ لَا يَمْحَقُهُ (۳) إِلَّا عَفْوُكَ وَ لَا يُكَفِّرُهُ إِلَّا فَضْلُكَ وَ هَبْ لِی فِی يَوْمِی هَذَا يَقِيناً تُهَوِّنُ عَلَيَّ بِهِ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا وَ أَحْزَانَهَا بِشَوْقٍ إِلَيْكَ وَ رَغْبَهٍ فِيمَا عِنْدَكَ وَ اكْتُبْ لِی عِنْدَكَ الْمَغْفِرَهَ وَ بَلِّغْنِیَ الْكَرَامَهَ وَ ارْزُقْنِی شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الرَّفِيعُ الْبَدِی ءُ الْبَدِيعُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الَّذِی لَيْسَ لِأَمْرِكَ مَدْفَعٌ وَ لَا عَنْ قَضَائِكَ مُمْتَنِعٌ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ رَبِّی وَ رَبُّ كُلِّ شَیْ ءٍ فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَهِ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

۱- ۱. اختبارا و غرضا خ ل.

۲- ۲. المحجه خ ل كما فی المصدر.

۳- ۳. و لا يلحقه خ ل.

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الثَّبَاتَ فِی الْأَمْرِ وَ الْعَزِیمَهَ عَلَی الرُّشْدِ وَ الشُّکْرَ عَلَی نِعْمَتِکَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ جَوْرِ کُلِّ جَائِرٍ وَ بَغْیِ کُلِّ بَاغٍ وَ حَسَدِ کُلِّ حَاسِدٍ بِکَ أَصُولُ عَلَی الْأَعْدَاءِ وَ بِکَ أَرْجُو وَلَایَهَ الْأَحِبَّاءِ مَعَ مَا لَا أَسْتَطِیعُ إِحْصَاءَهُ وَ لَا تَعْدِیدَهُ مِنْ عَوَائِدِ فَضْلِکَ وَ طُرَفِ رِزْقِکَ وَ أَلْوَانِ مَا أَوْلَیْتَ مِنْ إِرْفَادِکَ فَإِنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْفَاشِی فِی الْخَلْقِ رِفْدُهُ الْبَاسِطُ بِالْحَقِ (۱) یَدُکَ وَ لَا تُضَادُّ فِی حُکْمِکَ وَ لَا تُنَازَعُ فِی أَمْرِکَ تَمْلِکُ مِنَ الْأَنَامِ مَا تَشَاءُ وَ لَا یَمْلِکُونَ إِلَّا مَا تُرِیدُ.

قُلِ اللَّهُمَّ مالِکَ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشاءُ بِیَدِکَ الْخَیْرُ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ تُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهارِ وَ تُولِجُ النَّهارَ فِی اللَّیْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ.

أَنْتَ الْمُنْعِمُ الْمُفْضِلُ (۲) الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْقَادِرُ الْقَاهِرُ الْمُقَدَّسُ فِی نُورِ الْقُدْسِ تَرَدَّیْتَ بِالْمَجْدِ وَ الْعِزِّ وَ تَعَظَّمْتَ بِالْکِبْرِیَاءِ وَ تَغَشَّیْتَ بِالنُّورِ وَ الْبَهَاءِ وَ تَجَلَّلْتَ بِالْمَهَابَهِ وَ السَّنَاءِ لَکَ الْمَنُّ الْقَدِیمُ وَ السُّلْطَانُ الشَّامِخُ وَ الْجُودُ الْوَاسِعُ وَ الْقُدْرَهُ الْمُقْتَدِرَهُ جَعَلْتَنِی مِنْ أَفْضَلِ بَنِی آدَمَ وَ جَعَلْتَنِی سَمِیعاً بَصِیراً صَحِیحاً سَوِیّاً مُعَافًی وَ لَمْ تَشْغَلْنِی نُقْصَاناً فِی بَدَنِی وَ لَم تَمْنَعْکَ کَرَامَتُکَ إِیَّایَ وَ حُسْنُ صَنِیعِکَ عِنْدِی وَ فَضْلُ إِنْعَامِکَ (۳) عَلَیَّ إِنْ وَسعْتَ عَلَیَّ فِی الدُّنْیَا وَ فَضَّلْتَنِی عَلَی کَثِیرٍ مِنْ أَهْلِهَا فَجَعَلْتَ لِی سَمْعاً وَ فُؤَاداً یَعْرِفَانِ عَظَمَتَکَ وَ أَنَا بِفَضْلِکَ حَامِدٌ وَ بِجَهْدِ نَفْسِی لَکَ شَاکِرٌ وَ بِحَقِّکَ شَاهِدٌ فَإِنَّکَ حَیٌّ قَبْلَ کُلِّ حَیٍّ وَ حَیٌّ بَعْدَ کُلِّ حَیٍّ وَ حَیٌّ تَرِثُ الْحَیَاهَ لَمْ تَقْطَعْ خَیْرَکَ عَنِّی طَرْفَهَ عَیْنٍ فِی کُلِّ وَقْتٍ وَ لَمْ تُنْزِلْ بِی عُقُوبَاتِ النِّقَمِ وَ لَمْ تُغَیِّرْ عَلَیَّ دَقَائِقَ الْعِصَمِ فَلَوْ لَمْ أَذْکُرْ مِنْ إِحْسَانِکَ إِلَّا عَفْوَکَ وَ إِجَابَهَ دُعَائِی حِینَ رَفَعْتُ رَأْسِی بِتَحْمِیدِکَ وَ تَمْجِیدِکَ وَ فِی قِسْمَهِ الْأَرْزَاقِ حِینَ قَدَّرْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا حَفِظَ عِلْمُکَ وَ عَدَدَ مَا أَحَاطَتْ بِهِ قُدْرَتُکَ وَ عَدَدَ مَا

۱- ۱. بالجود خ ل.

۲- ۲. المتفضل خ ل.

۳- ۳. نعمائک خ ل.

وَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ.

اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ إِحْسَانَكَ فِيمَا بَقِيَ كَمَا أَحْسَنْتَ فِيمَا مَضَى فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ بِتَوْحِيدِكَ وَ تَمْجِيدِكَ وَ تَحْمِيدِكَ وَ تَهْلِيلِكَ وَ تَكْبِيرِكَ وَ تَعْظِيمِكَ وَ بِنُورِكَ وَ رَأْفَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ عُلُوِّكَ وَ جَمَالِكَ وَ جَلَالِكَ وَ بَهَائِكَ وَ سُلْطَانِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ أَلَّا تَحْرِمَنِي رِفْدَكَ وَ فَوَائِدَكَ فَإِنَّهُ لَا يَعْتَرِيكَ لِكَثْرَةِ مَا يَنْدَفِقُ بِهِ عَوَائِقُ الْبُخْلِ وَ لَا يَنْقُصُ جُودَكَ تَقْصِيرٌ فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ وَ لَا تُفْنِي خَزَائِنَ مَوَاهِبِكَ النِّعَمُ وَ لَا تَخَافُ ضَيْمَ إِمْلَاقٍ فَتُكْدِيَ وَ لَا يَلْحَقُكَ خَوْفُ عُدْمٍ فَيَنْقُصَ فَيْضُ فَضْلِكَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْباً خَاشِعاً وَ يَقِيناً صَادِقاً وَ لِسَاناً ذَاكِراً وَ لَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ وَ لَا تَكْشِفْ عَنِّي سِتْرَكَ وَ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَ لَا تُبَاعِدْنِي مِنْ جِوَارِكَ وَ لَا تَقْطَعْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لَا تُؤْيِسْنِي مِنْ رَوْحِكَ وَ كُنْ لِي أُنْساً مِنْ كُلِّ وَحْشَةٍ وَ اعْصِمْنِي مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ وَ نَجِّنِي مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ فَ إِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْمِيعادَ اللَّهُمَّ ارْفَعْنِي وَ لَا تَضَعْنِي وَ زِدْنِي وَ لَا تَنْقُصْنِي وَ ارْحَمْنِي وَ لَا تُعَذِّبْنِي وَ انْصُرْنِي وَ لَا تَخْذُلْنِي وَ آثِرْنِي وَ لَا تُؤْثِرْ عَلَيَّ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ سَلِّمْ تَسْلِيماً قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ انْظُرْ أَنْ حُفِظَ لَكَ وَ لَا تَدَعَنَّ قِرَاءَتَهُ يَوْماً وَاحِداً فَإِنِّي أَرْجُو أَنْ تُوَافِيَ بَلَدَكَ وَ قَدْ أَهْلَكَ اللَّهُ عَدُوَّكَ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَرَأَ هَذَا الدُّعَاءَ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَ قَلْبٍ خَاشِعٍ ثُمَّ أَمَرَ الْجِبَالَ أَنْ تَسِيرَ مَعَهُ لَسَارَتْ وَ عَلَى الْبَحْرِ لَمَشَى عَلَيْهِ وَ خَرَجَ الرَّجُلُ إِلَى بِلَادِهِ فَوَرَدَ كِتَابُهُ عَلَى مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام بَعْدَ أَرْبَعِينَ يَوْماً إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ عَدُوَّهُ حَتَّى إِنَّهُ لَمْ يَبْقَ فِي نَاحِيَتِهِ رَجُلٌ وَاحِدٌ فَقَالَ مَوْلَانَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَدْ عَلِمْتُ ذَلِكَ وَ لَقَدْ عَلَّمَنِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ مَا اسْتَعْسَرَ عَلَيَّ أَمْرٌ إِلَّا اسْتَيْسَرَ بِهِ (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: دعای معروف به یمانی: عبد اللّٰه بن عبّاس و عبد اللّٰه بن جعفر روایت نمودند: روزی در خدمت مولای ما حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام حاضر بودیم که حضرت امام حسن علیه السّلام داخل شدند و فرمودند: یا امیر المؤمنین مردی به در خانه آمد و اذن می طلبد که بر شما داخل شود که از او بوی مشک می وزد.

پس حضرت فرمود: او را اذن ده.

پس مردی داخل شد عظیم الجثّه، خوش روی، خوش منظر و جوانی فاضل، فصیح زبانی که بر او لباس پادشاهی بود و گفت: سلام بر تو ای امیر مومنان و رحمت و برکات خدا بر تو باد؛ من مردی هستم از نقاط دور یمن و از اشراف عرب از اولاد کسی که منسوب به شما است و در پشت سر خود پادشاهی عظیم و نعمتی کامل را گذاردم و به درستی که من در راحتی و زندگانی بسیار خوب و فراخ روزی و صاحب ثروت و املاک بسیار بودم که بر من کارها دشوار و سخت شد و روزگار مرا به تنگی مبتلا ساخت و من دشمنی پرکینه دارم که کار را بر من دشوار نمود و بر من به سبب بسیاری یاران خود و توانایی جماعت یاری کنندگان و کثرت جمعیت غلبه نمود و چاره من در مورد او اندک شد.

در شبی از شب ها خوابیده بودم در خواب دیدم که شخصی آمد و به من گفت : برخیز و بشتاب به سوی بهترین خلق خدا بعد از پیغمبر یعنی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب صلوات اللّٰه علیهما و علی آلهما و از آن حضرت سؤال کن تا به تو دعایی تعلیم نماید که او را حبیب خدا و بهترین و برگزیده ترین خلق او محمّد بن عبد اللّٰه صلوات اللّٰه علیه و آله تعلیم نمود. پس به درستی که در آن دعا اسم اعظم خداست، پس آنگاه این دعا را بر دشمن بسیار کینه توز خود بخوان.

پس ای امیر مومنان بیدار گشتم و به کاری روی نیاوردم تا آن که به سوی تو آمدم و چهار صد غلام همراه دارم و خدا و رسول او و شما را شاهد می گیرم به آنکه همگی ایشان آزادند و من ایشان را در راه خدا جلّت عظمته آزاد نمودم و ای امیر مومنان از شکافی عمیق و از شهری دور نزد شما آمده ام و به راستی که بدن من لاغر شده است و جثه من باریک گشته است. پس ای امیر مومنان به حق تفضّل تو و به حق پدری و خویشی بر من منّت گذار و به من آن دعایی تعلیم نمای که من در خواب دیدم و آن شخص هاتف به من امر کرد که به سوی تو کوچ کنم.

امیر مومنان صلوات الله علیه فرمودند: باشد چنین می کنم إن شاء اللّٰه و دوات و کاغذی را طلب نمودند و این دعا را نوشتند و دعا این است:

به نـام خـدای بخشـنده مهربان خداونـدا تویی پادشاه ثابت که نیست خـدایی مگر تو، و من بنـده توام و تویی پروردگار من به نفس خود سـتم نمودم و به گناه خود اقرار کردم و نمی آمرزد گناهان را مگر تو پس بیامرز مرا ای بسیار بخشنده و بسیار سپاسگزار.

خداوندا تو را سـتایش می کنم و تو سزاوار ستایش بر چیزی هستی که مرا به آن اختصاص دادی از بخشش های بسیار نفیس و آنچه از احسان کامل تو که به من رسـید و آنچه از نیکویی خود که به من عطا نمودی و مرا به آن از جایگاه عدالت جای دادی و از نعمت خود و دفاع کردن از من و توفیق دادن و برآوردن دعـایم که به من رسانیـدی تـا اینکه که مناجات کنم با تو در حالی که دعا می کنم و می خوانم تو را در حالی که به من سـتم رسـید و از تو می خواهم و تو را می یـابم که اصـلاح کننـده من در مکـان هـا و ناظر بر من در کارها و آمرزنـده گناهان من و پوشاننده عیب های من هستی.

از آن زمان که مرا بدین سـرای آزمایش درآوردی تا بنگری که من برای آن سرای ماندگار چه می‌فرستم یک چشم بر هم زدن خیر و تو را از دست نـدادم، پس من آزادشـده توأم از همه مصیبت ها و سـختی ها، و محنت هایی که اندوه آنها با تیرهای قضا و انواع بلاهای سـخت به من حمله کرد، من از تو جز رفتار نیک چیزی به یاد ندارم، و جز فزون بخشی چیزی نمی بینم.

نیکویی تو مرا فرا گرفت و زیادی بخشـش تو بر من پیاپی است و نعمت های تو نزد من پیوسـته و پیشـی گیرنـده است. ترس مرا محقق نکردی بلکه امید مرا راست کردی و در سفرهایم با من رفاقت نمودی و به هنگام حضورم مرا گرامی داشتی و دردها و مرض های مرا شفا دادی و دنیا و آخرت مرا عافیت بخشـیدی و مرا دشـمن شاد نگردانیـدی و انداختی به کسـی که به من انداخت و مرا از رنج کسـی که با من دشـمنی کرد، کفایت نمودی.

پس سـتایش من برای تـو پیوسـته و درود من بر تو همیشـگی است از زمـانه ای تـا به زمـانه دیگر به انواع تسبیـح خالصـانه برای یـاد تو و برای خشـنودی تو با توحیدی آشـکار و تمجیدی خالص به فراوانی شمردن و فزونی اهل بخشش، در توانایی خود یاری نشدی و در خداوندی خود با کسـی شـریک نشـدی و به تو آموخته نشـد آن هنگام که چیزها را بر طبیعتها حبس کردی و وهم‌ها پرده های غیب‌ها را ندریدند تا به حدی در بزرگی تو اعتقاد شود.

عمق همّت‌ها به تو نمی رسد و فرو رفتن فکرها تو را درنمی یابد و بینایی بیننده ای در شـرف بزرگواری‌ات به تو منتهی نمی شود. وصف های توانایی تو از تعریف کردن آفریـدگان بلند گشت و بزرگمنشـی عظمت تو از آن فراتر رفت. کم نمی شود آنچه بخواهی زیاد شود و زیاد نمی شود چیزی که اراده کنی کم شود. کسی حاضر نبود هنگامی که آفریدگان را خلق نمودی.

فهم ها از بیان کردن تعریف تو عاجز شدنـد و عقلها از ادراک حقیقت بزرگی تو باز ماندنـد و چگونه تعریف شوی و حال آنکه تویی صاحب جبروت منزّه از همه عیب ها که همیشه بودی بـدون اوّلی و بی آخری. همیشه هستی در پنهانی از نظرها یگانه ای. نیست در آن صـفات غیر تو کسـی و احـدی غیر تو برای آنهـا نبود و رونـده هایی از راه های فکر کردن در پادشاهی تو حیران شدنـد. پس پادشاهان برای هیبت تو فروتنی نمودند و روی ها به خواری زاری برای تو خضوع نمودند و هر چیزی از بزرگی تو اطاعت نمود و هر چیزی برای توانایی تو گردن نهاد و برای تو گردن ها فروتنی نمودنـد و زینت زبان ها در برابر آن واماندنـد و در آنجا تدبیر نمودن در صـفت های گوناگون گمراه شد، پس کسـی که فکر کند در این امر، فکر او به سوی خودش باز مانده و عقل او حیران و فکرش سرگردان بر می گردد.

خداوندا پس از برای توست سـتایش در حالی که پیوسته به یک دیگر پی در پی منتظم همیشه باشد و از بین نرود و در پادشاهی تو فانی نشود و محو نگردد در عالم و در شـناخت تو کم نشود و تو راست سـتایش به قدر آنچه بزرگی های او در شمار نیاید در شب وقتی که پشت کند و در صبح هر گاه روشن شود و در صحراها و در دریاها و بعد از صبح و وقت عصر و در شبانگاه و در بامداد و در میان روزها و سحرها.

خداونـدا به توفیق خود که رغبت را در نزد من حاضـر نمودی و مرا از تفضّـل خود در حمـایت خود نگـاه داشتی، پس همیشه در تمامی نعمت هـای تو و فراوانی آنها، نگاهداشـته شـده به حفظ تو در باز داشـتن و دفاع کردن و احاطه شـده به تو در دنیا و آخرت خود بودم و مرا زیاده بر توانایی خود تکلیف نکردی زیرا فقط در حد توانایی ام از من راضـی گشتی و هر چند در گفتار سعی نمایم و مبالغه کنم شکر من به ادای حق تو نمی رسـد و با فضل تو برابری نمی کنـد زیرا تو آن خدایی که نیست خدایی مگر تو غایب نبودی و پنهانی از تو پنهان نمی شود و پوشیده شـده بر تو پوشـیده نمی گردد و گم شـده ای در تـاریکی هـای پنهـانی، از تو گم نشـد. به درستی که فرمـان تو چنان است که هر گاه خواهی چیزی را به آن می گویی موجود شو پس موجود می شود.

خداونـدا برای توست سـتایشماننـد آنچه خود را به آن سـتایش نمودی و چنـدین برابر آنچه سـتایش کننـدگان تو را به آن سـتایش کردند و تسبیـح کننـدگان تـو را به آن تنزیه نمودنـد و تعظیم کننـدگان تـو را به آن تعظیم کردنـد و به بزرگی یادکننـدگان تو را به آن به بزرگی یـاد نمودنـد و بزرگ شـمارندگان تو را به آن بزرگ شـمردند تـا به حـدّی که باشـد برای تو از من به تنهـایی در هر چشم برهمزدن و کمتر از آن مساوی سـتایش سـتایش کنندگان و مانند اقرار به یگانگی کردن اقسام اخلاص ورزندگان و مثل تنزیه کردن انواع خداشـناسان و ستایش همه تهلیل کنندگان و مساوی آنچه تو به آن دانا و آگاهی از همه آفریدگان خود از حیوانات.

و به سوی تو می گرایم در خواسـتن آنچه از سـتایش خود که مرا بـدان گویـا کردی، پس چه آسـان است آنچه از حق خود که بر من تکلیف نمودی و چه بزرگ است آنچه که مرا بر شکر خود وعده دادی. از روی تفضّل و شفقت نعمت ها را بر من آغاز کردی و مرا به شکر کردن از روی راستی و عدالت امر فرمودی و مرا بر آن چندین برابر و زیاده وعده دادی و از روزی خود از روی آزمایش و احسان به من بخشیدی و در عوض آن از من آسان کوچك را خواستی و مرا از سختی و مشقّت بلا برکنار داشتی و مرا به دست مصیبت های بد از بلاهای خود نسپردی.

بـا وجود آنچه از سـلامتی به من بخشـیدی و از بخشـش عطیّه هـا عطـا نمودی پس بخشـش را برای من زیـاده گردانیـدی با وجود آنچه به من سپردی از برهان شـریف و آنچه فراهم نمودی برای من از مرتبه رفیع و مرا به سبب پیروی بزرگ ترین پیغمبران در خواندن خلایق و فاضلترین ایشان از جهت شفاعت که آن محمد است رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او برگزیدی.

خداونـدا پس گناهان مرا بیامرز که فرا نمی گیرد آن را مگر آمرزش تو و برطرف نمی کنـد آن را مگر گذشـتن تو و نمی پوشانـد آن را مگر زیادی بخشـش تو و در این روز به من یقینی ببخش که به سبب آن بلاهای دنیا و اندوه های آن را بر من آسان گردانی با اشتیاق به سوی تو و به آرزوی آنچه نزد تـو است و آمرزش را برای من در نزد خود بنویس و مرا به مرتبه کرامت خود برسـان و شـکر آنچه که بر من انعـام کردی روزی ام کن. پس به درستی که تویی خـدای یگانه بلند مرتبه خلق کننده تازه پدید آورنده شـنوای دانا که نیست برای فرمان تو باز دارنده ای و نه از حکم تو گریزنده ای.

گواهی می دهم به آن که تویی پروردگـار من و پروردگـار هر چیز. تویی آفریـدگار آسـمان هـا و زمین و دانای پنهان و آشـکار و بلنـد مرتبه بزرگوار.

خداوندا من از تو ایسـتادگی در فرمان و اسـتواری در راه راست و شکر بر نعمت تو را خواهانم و از ستم هر ستمکاری و از ظلم هر ظالمی و از رشـك هر رشـك برنـده ای به تو پنـاه می برم به قوّت تو بر دشـمنان حمله می کنم و به تو دوستی دوسـتان را امیـد دارم با وجود چیزی که بر شمردن و تعـداد قادر نیسـتم از نیکویی های بخشـش تو و روزی نیك تو و نعمت های رنگارنگی که به من بخشـیدی پس به درستی که تویی خدا که نیست خـدایی مگر تـو. در میـان خلایـق نعمت تو بسـیار و پراکنـده است. تویی گشاینـده دست خود به راسـتی و کرم. در حکم خود مخـالفت نمی شوی و در فرمان خود نزاع نمی شوی، مالك می شوی از خلایق آنچه را که خواهی و مالك نمی شونـد ایشان مگر آنچه را که تو خواهی .

بگو خداونـدا ای صـاحب پادشـاهی، پادشـاهی را به کسـی که می خواهی می دهی و می سـتانی پادشـاهی را از هر کس که خواهی و عزیز و غـالب می گردانی کسـی را که می خـواهی و خوار می کنی کسـی را که خواهی به دست قـدرت توست نیکویی. به درسـتی که تو بر هر چیز توانایی، شب را در روز داخل می کنی و روز را در شب داخل می کنی و زنده را از مرده بیرون می آوری و مرده را از زنده خارج می کنی و کسی را که خواهی بی اندازه روزی می دهی.

تویی نعمت دهنده، احسان کننده، آفریننده، ایجادکننده، توانای قهرکننده، تنزیه کرده شده در روشـنی پاکیزگی، بزرگی و عزّت را ردای خود ساختی و به بزرگواری خود بزرگی نمودی و به روشـنی و شـرف خود پنهان گشتی و صاحب زینت شدی به هیبت و رفعت خود، برای توست نعمت دادن ازلی و پادشاهی بلنـد مرتبه و بخشـش وسـیع و توانایی، با اقتدار مرا از جمله فاضـلترین پسـران آدم قرار دادی. و مرا شـنوا و بینا در کمال صحّت راست اندامی به سلامت گردانیدی. مرا به آفت و بلایی که در بدن من باشد مشغول نساختی و احسان تو به من و نیکویی تو نزد من و زیادی انعام تو بر من تو را بازنداشت از آن که روزی را در دنیا بر من فراخ کنی و مرا بر بسیاری از اهل دنیا برتری بخشی.

پس برای من گوش و دلی قرار دادی که بزرگواری تو را بشـناسد و من به احسان تو سـتایش کننده ام و به سـعی خود برای تو شکرکننده ام و به حق تو گواهم پس به درستی که تو زنـده ای پیش از هر زنـده ای و زنده ای بعد از هر زنده ای و زنده ای که ارث می بری و نیکی خود را از در هر زمـانی بـه انـدازه یـک چشـم بر هم زدن از من قطع نکردی و مشـقّت هـای عـذاب هـای خـود را بر من فرو نیـاوردی و ظرافت هـای نگاهداشـتن های خود را بر من تغییر ندادی. پس اگر از نیکویی تو به یاد نیاورم مگر گذشت تو و برآوردن حاجتم در وقتی که سـر خود را به ستایش و تعظیم تو بالا کردم و در وقت قسـمت کردن روزی ها در هنگامی که آن را مقرّر ساختی، پس سـپاس برای توست به عدد آنچه علم تو آن را نگاهداشت و به عدد آنچه توانایی تو آن را فرا گرفت و به عدد آنچه رحمت تو آن را گنجایش داشته باشد .

خداونـدا پس نیکویی خود را در آنچه باقی است از عمر من تمام کن همچنان که در آنچه گـذشت از عمر من نیکویی نمودی پس توسل می جویم به یگانگی تو و به تعظیم تو و به سـتایش تو و به تهلیل نمودن تو و به بزرگواری تو و به بزرگ شـمردن تو و به روشـنی تو و به مهربانی تو و شـفقت تو و بلنـدی تو و خوبی تو و تنزّه تو و شـرف تو و پادشاهی تو و توانایی تو و به محمّد و آل او که پاکانند مرا از عطای خود و نفع های خود محروم نسازی، به راستی که به سـبب بسـیاری آنچه جاری می شود موانع بخل بر تو عارض نمی گردد و کوتاهی بنـدگان در شـکر نعمتتّ بخشـش تو را کم نمی کنـد و نعمت هـای تو خزانه هـای بخشـش های تو را از بین نمی برد و از بی چیزی احتیاج نمی ترسـی تا عطای خود را کم کنی و ترس بی چیزی به تو ملحق نمی گردد تا بسیاری بخشش تو کم شود.

خداونـدا دلی ترسـنده و یقینی راست و زبانی ذکرکننده روزی من گردان و مرا از مکر و عذاب خود ایمن مساز و پرده پوشاننده خود را از من بر مدار و مرا از یاد آوری خود به فراموشی مینداز و مرا از پناه خودت دور مگردان و از رحمت خود جدا مساز و از راحت خود ناامید مگردان و برای من انیس از هر وحشت باش و مرا از هر هلاک شدنی نگاهدار و مرا از هر بلایی نجات ده پس به درستی که تو خلف وعده نمی کنی.

خداوندا مرتبه مرا بلند کن و مرا پست مگردان و مرا از عطای خود زیاده کن و بخشـش مرا کم مکن و بر من رحم کن و مرا عذاب مکن و مرا یاری نمای و تنها مگذار و برگزین مرا و کسی را بر من برمگزین و بر محمّد و بر آل محمّد که نیکان و پاکانند درودی دائم و بسیار بفرست.

ابن عبّاس رضـی الله عنه نقل کرد: بعد از آن حضـرت امیر المؤمنین علیه السّلام به آن شخص فرمودند که باید این دعا را حفظ کنی و خواندن این را در هیچ روز ترک نکنی، پس به امید دارم که به شـهر خود برسـی در حالی که خدای تعالی دشـمن تو را هلاک کرده باشد. به درستی که شـنیدم از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمودند: اگر چنانچه شخصی این دعا را به نیّتی خالص و درست و دلی زاری کننده بخواند، پس به کوه ها امر کند که با او به راه افتند، آنها از مواضع خود حرکت می کنند و اگر بر دریا بخواند بر آن راه می رود.

آن مرد به سـرزمین خود رفت و بعد از چهل روز کتابتی از او به حضـرت امیر المؤمنین علیه السّلام رسید که خدای تعالی دشمنان او را هلاک

نمود به حدی که در اطراف او احدی از دشـمنان او باقی نماند. پس آنگاه حضـرت امیر المؤمنین علیه السّلام فرمودند: من این را می دانستم و رسـول خـدا صلّی اللّه علیـه و آلـه بـه من خـبر داده بـود و بر من امری مشـکل نشـد مگر به برکت این دعـا آن امر بر من آسـان شـد. - . مهج الدعوات: ۱۳۹-۱۳۲ -

**[ترجمه]

«۳۲»

مهج، [مهج الدعوات] دُعَاءُ الْیَمَانِیِّ بِرِوَایَهٍ أُخْرَی حَدَّثَنَا زَیْدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْعَلَوِیُّ

ص: ۲۴۶

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۳۲- ۱۳۹.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْبِسَاطِ عَنِ الْمُغِيرَهِ بْنِ عُمَرَ بْنِ الْوَلِيدِ الْعَزْرَمِيِّ الْمَكِّيِّ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحُسَيْنِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الشَّافِعِيِّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى بْنِ أَبِي عُمَرَ الْعَبْدِيِّ عَنْ فُضَيْلِ بْنِ عِيَاضٍ عَنْ عَطَاءِ بْنِ السَّائِبِ عَنْ طَاوُسٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كُنْتُ ذَاتَ يَوْمٍ جَالِساً عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ نَتَذَاكَرُ فَدَخَلَ ابْنُهُ الْحَسَنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِالْبَابِ فَارِسٌ يَطْلُبُ الْإِذْنَ عَلَيْكَ قَدْ سَطَعَ مِنْهُ رَائِحَةُ الْمِسْكِ وَ الْعَنْبَرِ فَقَالَ ائْذَنْ لَهُ فَدَخَلَ رَجُلٌ جَسِيمٌ وَسِيمٌ حَسَنُ الْوَجْهِ وَ الْهَيْئَهِ عَلَيْهِ لِبَاسُ الْمُلُوكِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ فَقَالَ عَلِيٌّ عليه السلام وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ ثُمَّ أَدْنَاهُ وَ قَرَّبَهُ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي صِرْتُ إِلَيْكَ مِنْ أَقْصَى بِلَادِ الْيَمَنِ وَ أَنَا رَجُلٌ مِنْ أَشْرَافِ الْعَرَبِ وَ مِمَّنْ يُنْسَبُ إِلَيْكَ وَ قَدْ خَلَّفْتُ وَرَائِي مَمْلَكَهً عَظِيمَهً وَ نِعْمَهً سَابِغَهً وَ ضِيَاعاً نَاشِئَهً وَ إِنِّي لَفِي غَضَارَهٍ مِنَ الْعَيْشِ وَ خَفْضٍ مِنَ الْحَالِ وَ بِإِزَائِي عَدُوٌّ يُرِيدُ الْمُزَايَلَهَ وَ الْمُغَالَبَهَ عَلَى نِعْمَتِي هِمَّتُهُ التَّحَصُّنُ وَ الْمُخَاتَلَهُ لِي وَ قَدْ نَشَرَ لِمُحَارَبَتِي وَ مُنَاوَشَتِي مُنْذُ حِجَجٍ وَ أَعْوَامٍ وَ قَدْ أَعْيَتْنِي فِيهِ الْحِيلَهُ وَ كُنْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ نِمْتُ لَيْلَهً فَهَتَفَ بِي هَاتِفٌ أَنْ قُمْ وَ ارْحَلْ إِلَى خَلِيفَهِ اللَّهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَ اسْأَلْهُ أَنْ يُعَلِّمَكَ الدُّعَاءَ الَّذِي عَلَّمَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَفِيهِ اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ وَ كَلِمَاتُهُ التَّامَّاتُ فَإِنَّكَ تَسْتَحِقُّ بِهِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الْإِجَابَهَ وَ النَّجَاهَ مِنْ عَدُوِّكَ هَذَا الْمُنَاصِبِ لَكَ فَلَمَّا انْتَبَهْتُ لَمْ أَتَمَالَكْ وَ لَا عَرَّجْتُ عَلَى شَيْ ءٍ حَتَّى شَخَصْتُ نَحْوَكَ فِي أَرْبَعِمِائَهِ عَبْدٍ وَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أُشْهِدُكَ أَنِّي قَدْ أَعْتَقْتُهُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنَّهُمْ أَحْرَارٌ وَ قَدْ أَزَلْتُ عَنْهُمُ الرِّقَّ وَ الْمَلَكَهَ وَ قَدْ جِئْتُكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ بَلَدٍ شَاسِعٍ وَ مَوْضِعٍ شَاحِطٍ(1) وَ فَجٍّ عَمِيقٍ قَدْ تَضَاءَلَ فِي الْبَلَدِ بَدَنِي وَ نَحِلَ فِيهِ جِسْمِي فَامْنُنْ عَلَيَّ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِحَقِّ الْأُبُوَّهِ وَ الرَّحِمِ الْمَاسَّهِ وَ عَلِّمْنِي هَذَا

۱- ۱. بلد شاسع، و منزل شاحط، ای بعید.

الدُّعَاءَ الَّذِی رَأَیْتُ فِی نَوْمِی أَنْ أَرْتَحِلَ فِیهِ إِلَیْکَ فَقَالَ نَعَمْ ثُمَّ دَعَا بِدَوَاهٍ وَ قِرْطَاسٍ فَکَتَبَ فِیهِ وَ کَتَبْتُ أَنَا أَیْضاً وَ هُوَ هَذَا الدُّعَاءُ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ وَ الْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ أَجْمَعِینَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَحْمَدُکَ وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ عَلَی مَا خَصَصْتَنِی بِهِ مِنْ مَوَاهِبِ الرَّغَائِبِ وَ وَصَلَ إِلَیَّ مِنْ فَضَائِلِ الصَّنَائِعِ وَ مَا أَوْلَیْتَنِی بِهِ مِنْ إِحْسَانِکَ وَ بَوَّأْتَنِی بِهِ مِنْ مَظِنَّهِ الصِّدْقِ وَ أَنَلْتَنِی بِهِ مِنْ مَنِّکَ الْوَاصِلِ إِلَیَّ وَ مِنَ الدِّفَاعِ عَنِّی وَ التَّوْفِیقِ لِی وَ الْإِجَابَهِ لِدُعَائِی حِینَ أُنَاجِیکَ رَاغِباً وَ أَدْعُوکَ مُصَافِیاً وَ حَتَّی (۱) أَرْجُوکَ وَ أَجِدَکَ فِی الْمَوَاضِعِ کُلِّهَا لِی جَابِراً(۲) وَ فِی الْمَوَاطِنِ نَاظِراً وَ عَلَی الْأَعْدَاءِ نَاصِراً وَ لِلذُّنُوبِ سَاتِراً.

لَمْ أَعْدَمْ فَضْلَکَ طَرْفَهَ عَیْنٍ مُذْ أَنْزَلْتَنِی دَارَ الِاخْتِبَارِ لِتَنْظُرَ مَا أُقَدِّمُ لِدَارِ الْقَرَارِ فَأَنَا عَتِیقُکَ مِنْ جَمِیعِ الْمَصَائِبِ وَ اللَّوَازِبِ وَ الْغُمُومِ الَّتِی سَاوَرَتْنِی فِیهَا الْهُمُومُ بِمَعَارِیضِ أَصْنَافِ الْبَلَاءِ وَ مَصْرُوفِ جُهْدِ الْقَضَاءِ لَا أَذْکُرُ مِنْکَ إِلَّا الْجَمِیلَ وَ لَا أَرَی مِنْکَ إِلَّا التَّفْضِیلَ خَیْرُکَ لِی شَامِلٌ وَ فَضْلُکَ عَلَیَّ مُتَوَاتِرٌ وَ نِعْمَتُکَ عِنْدِی مُتَّصِلَهٌ لَمْ تُحَقِّقْ حِذَارِی وَ صَدَّقْتَ رَجَائِی وَ صَاحَبْتَ أَسْفَارِی وَ أَکْرَمْتَ أَحْضَارِی وَ شَفَیْتَ أَمْرَاضِی وَ عَافَیْتَ مُنْقَلَبِی وَ مَثْوَایَ وَ لَمْ تُشْمِتْ بِی أَعْدَائِی وَ رَمَیْتَ مَنْ رَمَانِی وَ کَفَیْتَنِی شَنَئَانَ مَنْ عَادَانِی فَحَمْدِی لَکَ وَاصِلٌ وَ ثَنَائِی عَلَیْکَ دَائِمٌ مِنَ الدَّهْرِ إِلَی الدَّهْرِ بِأَلْوَانِ التَّسْبِیحِ خَالِصاً لِذِکْرِکَ وَ مَرْضِیّاً لَکَ بِنَاصِعِ التَّحْمِیدِ وَ إِخْلَاصِ التَّوْحِیدِ وَ إِمْحَاضِ التَّمْجِیدِ بِطُولِ التَّعْدِیدِ فِی إِکْذَابِ (۳) أَهْلِ التَّنْدِیدِ لَمْ تُعَنْ فِی قُدْرَتِکَ وَ لَمْ تُشَارَکْ فِی إِلَهِیَّتِکَ وَ لَمْ تُعَایَنْ إِذْ حَبَسْتَ الْأَشْیَاءَ عَلَی الْغَرَائِزِ الْمُخْتَلِفَاتِ وَ لَا خَرَقَتِ الْأَوْهَامُ حُجُبَ الْغُیُوبِ إِلَیْکَ فَاعْتَقَدْتُ مِنْکَ مَحْدُوداً فِی عَظَمَتِکَ لَا یَبْلُغُکَ بُعْدُ الْهِمَمِ وَ لَا یَنَالُکَ غَوْصُ الْفِطَنِ وَ لَا یَنْتَهِی إِلَیْکَ نَظَرُ النَّاظِرِ فِی

۱- ۱. حین خ ل.

۲- ۲. جارا خ، کما فی المصدر.

۳- ۳. و اکذاب خ.

مَجْدِ جَبَرُوتِکَ ارْتَفَعَتْ عَنْ صِفَهِ الْمَخْلُوقِینَ صِفَاتُ قُدْرَتِکَ وَ عَلَا عَنْ ذَلِکَ کَبِیرُ(۱) عَظَمَتِکَ لَا یَنْقُصُ مَا أَرَدْتَ أَنْ یَزْدَادَ وَ لَا یَزْدَادُ مَا أَرَدْتَ أَنْ یَنْقُصَ لَا أَحَدٌ شَهِدَکَ حِینَ فَطَرْتَ الْخَلْقَ وَ لَا نِدٌّ حَضَرَکَ حِینَ بَدَأْتَ (۲)

النُّفُوسَ کَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ تَفْسِیرِ صِفَتِکَ وَ انْحَسَرَتِ الْعُقُولُ عَنْ کُنْهِ مَعْرِفَتِکَ وَ کَیْفَ تُوصَفُ وَ أَنْتَ الْجَبَّارُ الْقُدُّوسُ الَّذِی لَمْ تَزَلْ أَزَلِیّاً دَائِماً فِی الْغُیُوبِ وَحْدَکَ لَیْسَ فِیهَا غَیْرُکَ وَ لَمْ یَکُنْ لَهَا سِوَاکَ وَ لَا هَجَمَتِ الْعُیُونُ (۳) عَلَیْکَ فَتُدْرِکَ مِنْکَ إِنْشَاءً وَ لَا تَهْتَدِی الْقُلُوبُ لِصِفَتِکَ وَ لَا تَبْلُغُ الْعُقُولُ جَلَالَ عِزَّتِکَ حَارَتْ فِی مَلَکُوتِکَ عَمِیقَاتُ مَذَاهِبِ التَّفْکِیرِ فَتَوَاضَعَتِ الْمُلُوکُ لِهَیْبَتِکَ وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ بِذِلَّهِ الِاسْتِکَانَهِ لَکَ وَ انْقَادَ کُلُّ شَیْءٍ لِعَظَمَتِکَ وَ اسْتَسْلَمَ کُلُّ شَیْءٍ لِقُدْرَتِکَ وَ خَضَعَتْ لَکَ الرِّقَابُ وَ کَلَّ دُونَ ذَلِکَ تَحْبِیرُ اللُّغَاتِ وَ ضَلَّ هُنَالِکَ التَّدْبِیرُ فِی تَضَاعِیفِ (۴) الصِّفَاتِ فَمَنْ تَفَکَّرَ فِی ذَلِکَ رَجَعَ طَرْفُهُ إِلَیْهِ حَسِیراً وَ عَقْلُهُ مَبْهُوتاً وَ تَفَکُّرُهُ مُتَحَیِّراً اللَّهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ مُتَوَاتِراً مُتَوَالِیاً مُتَّسِقاً مُسْتَوْسِقاً یَدُومُ وَ لَا یبد [یَبِیدُ] غَیْرَ مَفْقُودٍ فِی الْمَلَکُوتِ وَ لَا مَطْمُوسٍ فِی الْعَالَمِ وَ لَا مُنْتَقَصٍ فِی الْعِرْفَانِ وَ لَکَ الْحَمْدُ فِیمَا لَا تُحْصَی مَکَارِمُهُ فِی اللَّیْلِ إِذْ أَدْبَرَ وَ الصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ وَ فِی الْبَرِّ وَ الْبِحَارِ وَ الْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ وَ الْعَشِیِّ وَ الْإِبْکَارِ وَ الظَّهِیرَهِ وَ الْأَسْحَارِ.

اللَّهُمَّ بِتَوْفِیقِکَ قَدْ أَحْضَرْتَنِی النَّجَاهَ وَ جَعَلْتَنِی مِنْکَ فِی وَلَایَهِ الْعِصْمَهِ فَلَمْ أَبْرَحْ فِی سُبُوغِ نَعْمَائِکَ وَ تَتَابُعِ آلَائِکَ مَحْفُوظاً لَکَ فِی الْمَنَعَهِ وَ الدِّفَاعِ لَمْ تُکَلِّفْنِی فَوْقَ طَاقَتِی إِذْ لَمْ تَرْضَ مِنِّی إِلَّا طَاعَتِی فَلَیْسَ شُکْرِی وَ لَوْ دَأَبْتُ مِنْهُ فِی الْمَقَالِ وَ بَالَغْتُ فِی الْفَعَالِ یَبْلُغُ أَدْنَی حَقِّکَ (۵) وَ لَا مُکَافٍ فَضْلَکَ لِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ تَغِبْ وَ لَا یَغِیبُ عَنْکَ غَائِبَهٌ وَ لَا تَخْفَی فِی غَوَامِضِ الْوَلَائِجِ عَلَیْکَ

۱- ۱. کبریاء خ ل.

۲- ۲. برأت خ ل.

۳- ۳. الأعیان خ ل.

۴- ۴. تصاریف خ ل.

۵- ۵. ببالغ أداء حقک خ ل.

خَافِيَهٌ وَ لَمْ تَضِلَّ لَکَ فِی ظُلَمِ الْخَفِیَّاتِ ضَالَّهٌ إِنَّمَا أَمْرُکَ إِذَا شِئْتَ (۱) أَنْ تَقُولَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ.

اللَّهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمِدْتَ بِهِ نَفْسَکَ وَ حَمِدَکَ بِهِ الْحَامِدُونَ وَ مَجَّدَکَ بِهِ الْمُمَجِّدُونَ وَ کَبَّرَکَ بِهِ الْمُکَبِّرُونَ وَ عَظَّمَکَ بِهِ الْمُعَظِّمُونَ حَتَّی یَکُونَ لَکَ مِنِّی وَحْدِی فِی کُلِّ طَرْفَهِ عَیْنٍ وَ أَقَلَّ مِنْ ذَلِکَ مِثْلُ حَمْدِ الْحَامِدِینَ وَ تَوْحِیدِ أَصْنَافِ الْمُخْلِصِینَ وَ ثَنَاءِ جَمِیعِ الْمُهَلِّلِینَ وَ تَقْدِیسِ أَحِبَّائِکَ الْعَارِفِینَ وَ مِثْلُ مَا أَنْتَ عَارِفٌ بِهِ وَ مَحْمُودٌ بِهِ فِی جَمِیعِ خَلْقِکَ مِنَ الْحَیَوَانِ وَ أَرْغَبُ إِلَیْکَ فِی الْبَرَکَهِ(۲) مَا أَنْطَقْتَنِی بِهِ مِنْ حَمْدِکَ فَمَا أَیْسَرَ مَا کَلَّفْتَنِی مِنْ حَمْدِکَ وَ أَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِی عَلَی شُکْرِکَ مِنْ ثَوَابِهِ ابْتِدَاءً لِلنِّعَمِ (۳) فَضْلًا وَ طَوْلًا وَ أَمَرْتَنِی بِالشُّکْرِ حَقّاً وَ عَدْلًا وَ وَعَدْتَنِی أَضْعَافاً وَ مَزِیداً وَ أَعْطَیْتَنِی مِنْ رِزْقِکَ اعْتِبَاراً وَ فَرْضاً وَ سَأَلْتَنِی مِنْهُ صَغِیراً وَ أَعْفَیْتَنِی مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَ لَمْ تُسَلِّمْنِی لِلسُّوءِ مِنْ بَلَائِکَ وَ جَعَلْتَ بَلِیَّتِی (۴) الْعَافِیَهَ وَ أَوْلَیْتَنِی بِالْبَسِیطَهِ(۵) وَ الرَّخَاءِ وَ شَرَعْتَ لِی أَیْسَرَ الْفَضْلِ مَعَ مَا وَعَدْتَنِی مِنَ الْمَحَجَّهِ الشَّرِیفَهِ وَ یَسَّرْتَ لِی مِنَ الدَّرَجَهِ الرَّفِیعَهِ وَ اصْطَفَیْتَنِی بِأَعْظَمِ النَّبِیِّینَ دَعْوَهً وَ أَفْضَلِهِمْ شَفَاعَهً مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله.

اللَّهُمَّ فَاغْفِرْ لِی مَا لَا یَسَعُهُ إِلَّا مَغْفِرَتُکَ وَ لَا یَمْحَاهُ [یمحوع] إِلَّا عَفْوُکَ وَ لَا یُکَفِّرُهُ إِلَّا فَضْلُکَ وَ هَبْ لِی فِی یَوْمِی هَذَا یَقِیناً یُهَوِّنُ عَلَیَّ مُصِیبَاتِ الدُّنْیَا وَ أَحْزَانَهَا وَ شَوْقاً إِلَیْکَ وَ رَغْبَهً فِیمَا عِنْدَکَ وَ اکْتُبْ لِی مِنْ عِنْدِکَ الْمَغْفِرَهَ وَ بَلِّغْنِی الْکَرَامَهَ مِنْ عِنْدِکَ وَ ارْزُقْنِی شُکْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیَّ فَإِنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الرَّفِیعُ الْبَدِیءُ الْبَدِیعُ السَّمِیعُ

ص: ۲۵۰

۱- ۱. اذا أردت خ ل.

۲- ۲. فی شکر ما أنطقتنی خ ل.

۳- ۳. ابتدأتنی بالنعم خ ل.

۴- ۴. و منحتنی العافیه خ، مع ما أولیتنی خ ل، کما مرّ فی الدعاء السابق.

۵- ۵. البسطه خ ل.

الْعَلِيمُ الَّذِی لَیسَ لِأَمْرِکَ مَدْفَعٌ وَ لَا عَنْ فَضْلِکَ مَمْنَعٌ (۱) وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ رَبِّی وَ رَبُّ کُلِّ شَیْ ءٍ فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ عَالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهَادَهِ الْعَلِیُّ الْکَبِیرُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الثَّبَاتَ فِی الْأَمْرِ وَ الْعَزِیمَهَ عَلَی الرُّشْدِ وَ الشُّکْرَ عَلَی نِعْمَتِکَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ جَوْرِ کُلِّ جَائِرٍ وَ بَغْیِ کُلِّ بَاغٍ وَ حَسَدِ کُلِّ حَاسِدٍ بِکَ أَصُولُ عَلَی الْأَعْدَاءِ وَ إِیَّاکَ أَرْجُو الْوَلَایَهَ لِلْأَحِبَّاءِ مَعَ مَا لَا أَسْتَطِیعُ إِحْصَاءَهُ وَ لَا تَعْدِیدَهُ وَ مِنْ فَوَائِدِ(۲) فَضْلِکَ وَ طُرَفِ رِزْقِکَ وَ أَلْوَانِ مَا أَوْلَیْتَنِی مِنْ إِرْفَادِکَ فَأَنَا مُقِرٌّ بِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْفَاشِی فِی الْخَلْقِ حَمْدُکَ الْبَاسِطُ بِالْجُودِ یَدَکَ لَا تُضَادُّ فِی حُکْمِکَ وَ لَا تُنَازَعُ فِی أَمْرِکَ تَمْلِکُ مِنَ الْأَنَامِ مَا تَشَاءُ وَ لَا یَمْلِکُونَ إِلَّا مَا تُرِیدُ أَنْتَ الْمُنْعِمُ الْمُفْضِلُ الْقَادِرُ الْقَاهِرُ الْمُقَدَّسُ فِی نُورِ الْقُدْسِ تَرَدَّیْتَ الْمَجْدَ بِالْعِزِّ وَ تَعَظَّمْتَ الْعِزَّ بِالْکِبْرِیَاءِ وَ تَغَشَّیْتَ النُّورَ بِالْبَهَاءِ وَ تَجَلَّلْتَ الْبَهَاءَ بِالْمَهَابَهِ لَکَ الْمَنُّ الْقَدِیمُ وَ السُّلْطَانُ الشَّامِخُ وَ الْحَوْلُ الْوَاسِعُ وَ الْقُدْرَهُ الْمُقْتَدِرَهُ إِذْ جَعَلْتَنِی مِنْ أَفَاضِلِ بَنِی آدَمَ وَ جَعَلْتَنِی سَمِیعاً بَصِیراً صَحِیحاً سَوِیّاً مُعَافًی لَمْ تَشْغَلْنِی فِی نُقْصَانٍ (۳)

فِی بَدَنِی ثُمَّ لَمْ تَمْنَعْکَ کَرَامَتُکَ إِیَّایَ وَ حُسْنُ صَنِیعِکَ عِنْدِی وَ فَضْلُ نَعْمَائِکَ عَلَیَّ إِنْ وَسَّعْتَ عَلَیَّ فِی الدُّنْیَا وَ فَضَّلْتَنِی عَلَی کَثِیرٍ مِنْ أَهْلِهَا فَجَعَلْتَ لِی سَمْعاً یَعْقِلُ آیَاتِکَ وَ بَصَراً یَرَی قُدْرَتَکَ وَ فُؤَاداً یَعْرِفُ عَظَمَتَکَ فَأَنَا لِفَضْلِکَ عَلَیَّ حَامِدٌ وَ تَحْمَدُهُ لَکَ نَفْسِی وَ بِحَقِّکَ شَاهِدٌ لِأَنَّکَ حَیٌّ قَبْلَ کُلِّ حَیٍّ وَ حَیٌّ بَعْدَ کُلِّ مَیِّتٍ وَ حَیٌّ تَرِثُ الْحَیَاهَ لَمْ تَقْطَعْ عَنِّی خَیْرَکَ فِی کُلِّ وَقْتٍ وَ لَمْ تُنْزِلْ بِی عُقُوبَاتِ النِّقَمِ وَ لَمْ تُغَیِّرْ عَلَیَّ وَثَائِقَ الْعِصَمِ فَلَوْ لَمْ أَذْکُرْ مِنْ إِحْسَانِکَ إِلَّا عَفْوَکَ عَنِّی وَ الِاسْتِجَابَهَ لِدُعَائِی حِینَ رَفَعْتُ رَأْسِی وَ انْطَلَقْتُ لِسَانِی بِتَحْمِیدِکَ وَ تَمْجِیدِکَ لَا فِی تَقْدِیرِکَ خَطَاءً حِینَ صَوَّرْتَنِی وَ لَا فِی قِسْمَهِ الْأَرْزَاقِ

۱- ۱. عن قضائک ممتنع، خ ل.

۲- ۲. عوائد خ ل.

۳- ۳. بنقصان خ ل.

حِينَ قَدَّرْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا حَفِظَهُ عِلْمُکَ فَعَدَدَ مَا أَحَاطَتْ بِهِ قُدْرَتُکَ وَ عَدَدَ مَا وَسِعَتْ رَحْمَتُکَ.

اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ إِحْسَانَکَ فِيمَا بَقِيَ كَمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ فِيمَا مَضَى فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْکَ بِتَوْحِيدِکَ وَ تَمْجِيدِکَ وَ تَحْمِيدِکَ وَ تَهْلِيلِکَ وَ تَكْبِيرِکَ وَ تَعْظِيمِکَ وَ تَنْوِيرِکَ وَ رَأْفَتِکَ وَ رَحْمَتِکَ وَ عُلُوِّکَ وَ حِيَاطَتِکَ وَ وِقَايَتِکَ وَ مَنِّکَ وَ جَلَالِکَ وَ جَمَالِکَ وَ بَهَائِکَ وَ سُلْطَانِکَ وَ قُدْرَتِکَ أَلَّا تَحْرِمَنِي رِفْدَکَ وَ فَوَائِدَ كَرَامَتِکَ فَإِنَّهُ لَا يَعْتَرِيکَ لِكَثْرَةِ مَا يَنْدَفِقُ مِنْ سُيُوبِ الْعَطَايَا عَوَائِقُ الْبُخْلِ وَ لَا يَنْقُصُ جُودَکَ التَّقْصِيرُ فِي شُكْرِ نِعْمَتِکَ وَ لَا يَجِمُّ خَزَائِنَکَ الْمَنْعُ وَ لَا يُؤَثِّرُ فِي جُودِکَ الْعَظِيمِ مَنْحُکَ الْفَائِقُ الْجَلِيلُ وَ تَخَافَ ضَيْمَ إِمْلَاقٍ فَتُكْدِيَ وَ لَا يَلْحَقُکَ خَوْفُ عُدْمٍ فَتُفِيضَ فَيْضَ فَضْلِکَ وَ تَرْزُقَنِي قَلْباً خَاشِعاً وَ يَقِيناً صَادِقاً وَ لِسَاناً ذَاكِراً وَ لَا تُؤْمِنِّي مَكْرَکَ وَ لَا تَكْشِفْ عَنِّي سِتْرَکَ وَ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَکَ وَ لَا تَنْزِعْ مِنِّي بَرَكَتَکَ وَ لَا تَقْطَعْ مِنِّي رَحْمَتَکَ وَ لَا تُبَاعِدْنِي مِنْ جِوَارِکَ وَ لَا تُؤْيِسْنِي مِنْ رَوْحِکَ وَ كُنْ لِي أَنِيساً مِنْ كُلِّ وَحْشَةٍ وَ اعْصِمْنِي مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ إِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمِيعادَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ فَقَالَ الرَّجُلُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَقَّقْتَ الظَّنَّ وَ صَدَّقْتَ الرَّجَاءَ وَ أَدَّيْتَ حَقَّ الْأُبُوَّةِ فَجَزَاکَ اللَّهُ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ ثُمَّ قَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِعَشَرَةِ آلَافِ دِينَارٍ فَمَنِ الْمُسْتَحِقُّ (۱) لِذَلِکَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فَرِّقْ ذَلِکَ فِي أَهْلِ الْوَرَعِ مِنْ حَمَلَةِ الْقُرْآنِ فَمَا تَزْكُو الصَّنِيعَةُ إِلَّا عِنْدَ أَمْثَالِهِمْ فَيَتَقَوَّوْنَ بِهَا عَلَى عِبَادَةِ رَبِّهِمْ وَ تِلَاوَةِ كِتَابِهِ فَانْتَهَى الرَّجُلُ إِلَى مَا أَشَارَ بِهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ سَلَامُهُ (۲).

**[ترجمه]مهج الدعوات: دعای حرز یمانی به روایتی دیگر: ابن عبّاس نقل کرد: روزی در خدمت حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام حاضر بودم و گفتگو می کردیم، پس حضرت امام حسن علیه السّلام داخل شدند و فرمودند که: مرد سواره ای بر در خانه اذن می طلبد که داخل شود و از او بوی مشک و عنبر مرتفع می شود. پس حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام فرمودند که: به او اجازه ده.

پس مردی قوی هیکل نیکو روی خوش اندامی داخل شد که بر او لباس ملوکانه بود. پس گفت: درود و رحمت و برکات خداوند بر تو باد ای امیر مومنان. پس آن حضرت فرمودند: و علیک السّلام. و او را نزدیک خود نشاندند. پس آن جوان گفت: ای امیر مومنان به درستی که من از منتهی بلاد یمن به سوی تو آمدم و من مردی هستم از جمله بزرگان عرب و از اولاد کسی هستم که به تو منسوب است و به تحقیق که پادشاهی عظیمی و نعمتی تمام و املاک بسیاری را در عقب خود گذارده ام و به درستی که من در عیشی فراخ و در کمال رفاهیت و نیکویی از حال بودم و در برابر من دشمنی است که نابودی من و گرفتن مملکت مرا اراده دارد و خدعه و حیله با من را همّت خود ساخت و به تحقیق که از چند سال قبل، جنگ و کارزار نموده است و چاره او مرا عاجز کرده است .

ای امیر مومنان در شبی خوابیده بودم پس هاتفی به من آواز نمود و گفت که برخیز و کوچ کن و به سوی خلیفه خدا، امیر مومنان علیّ بن ابی طالب علیه السّلام حرکت کن و از آن حضرت بخواه که به تو دعایی را تعلیم نماید که به او پیغمبر خدا صلّی اللّه علیه و آله تعلیم نموده است. به درستی که در آن اسم اعظم و کلمات تامّه است و تو به برکت این دعا مستحقّ می گردی که خدای تعالی حاجت تو را برآورد و تو را از شرّ این دشمن نجات دهد.

پس چون بیدار گشتم نتوانستم خود را کنترل کنم و به چیزی نپرداختم و به نزد تو آمده ام و چهار صد بنده همراه دارم و خدای عزّ و جلّ را شاهد می گیرم و تو را شاهد می گیرم به آنکه همگی آنها را در راه خدا آزاد نمودم و از ایشان بندگی و ملکیّت خود را زایل نمودم و اکنون همگی آزادند و ای امیر مومنان از شهری دور و مسافتی بعید و شکافی عمیق آمدم که بدن من لاغر شده است و جثّه من ضعیف گشته است. ای امیر مومنان بر من منّت گذار. تو را سوگند می دهم به حقّ پدری که بر من داری، و به حقّ خویشی که با تو دارم، آن دعا را به من تعلیم نمایی که در خواب دیدم که به سوی تو کوچ نمایم.پس آن حضرت فرمودند: چنین باشد و قلم و دوات و کاغذی را خواندند و این دعا را برای او نوشتند. و من نیز نوشتم و دعا این است:

به نام خدای بخشنده مهربان همه ستایش برای خداست که پرورنده عالمیان است و عاقبت برای پرهیزگاران است و رحمت نماید خدا بر محمّد که آخر پیغمبران است و بر اهل خانه او و همگی ذریّه او. خداوندا تو را ستایش می کنم و تو سزاوار ستایش بر چیزی هستی که مرا به

آن اختصـاص دادی از آرزوهای بخشـیده شـده و آنچه از احسان افزون تو که به من رسـید و آنچه از نیکویی خود که به من عطا نمودی و مرا در جایگاه صداقت جای دادی و از نعمت خود و دفاع کردن از من و توفیق دادن و برآوردن دعایم به من رسانیدی تا اینکه که مناجات کنم با تو در حالی که تمایل دارم و می خوانم تو را در حالی که اخلاص دارم و به تو امیـد دارم و تو را می یابم که اصـلاح کننده من در مکان ها و ناظر بر من در کارها و یاری کننده من علیه دشمنان و پوشاننده گناهان من هستی .

از آن زمان که مرا بدین سـرای آزمایش درآوردی تا بنگری که من برای آن سـرای ماندگار چه می‌فرستم یک چشم بر همزدن خیر و تو را از دست نـدادم، پس من آزادشـده توأم از همه مصیبت ها و سـختی ها، و محنت هایی که اندوه آنها با تیرهای قضا و انواع بلاهای سـخت به من حمله کرد، من از تو جز رفتار نیک چیزی به یاد ندارم، و جز فزون‌بخشی چیزی نمی بینم.

نیکویی تو مرا فرو گرفت و زیادی بخشـش تو بر من پیاپی است و نعمت های تو نزد من پیوسـته و پیشـی گیرنده است. ترس مرا محقق نکردی بلکه امید مرا راست کردی و در سفرهایم با من رفاقت نمودی و به هنگام حضورم مرا گرامی داشتی و دردها و مرض های مرا شفا دادی و دنیا و آخرت مرا عافیت بخشـیدی و مرا دشـمن شاد نگردانیـدی و انداختی به کسـی که به من انداخت و مرا از رنج کسـی که با من دشـمنی کرد، کفایت نمودی.

پس سـتایش من برای تـو پیوسـته و درود من بر تو همیشـگی است از زمـانه ای تـا به زمـانه دیگر به انواع تسبیـح خالصـانه برای یـاد تو و برای خشـنودی تو با توحیدی آشـکار و تمجیدی خالص به فراوانی شمردن در تکذیب کسانی که زشتی ها را فاش می کنند، در توانایی خود یاری نشدی و در خداوندی خود با کسـی شـریک نشدی و به تو نگریسته نشد آن هنگام که چیزها را بر طبیعت های مختلف حبس کردی و وهم‌ها پرده های غیب‌ها را ندریدند تا به حدی در بزرگی تو اعتقاد شود.

عمق همّت‌ها به تو نمی رسد و فرو رفتن فکرها تو را درنمی یابد و بینایی بیننده ای در شرف بزرگواری ات به تو منتهی نمی شود. وصف های توانایی تو از تعریف کردن آفریـدگان بلند گشت و بزرگمنشـی عظمت تو از آن فراتر رفت. کم نمی شود آنچه بخواهی زیاد شود و زیاد نمی شود چیزی که اراده کنی کم شود. کسـی حاضـر نبود هنگـامی که آفریـدگان را خلق نمودی و نه همتـایی در نزد تو حضور یافت هنگامی که جان ها را آفریـدی. زبان ها از تفسیر وصف تو عاجز شدنـد، و عقلها از عمق معرفت تو باز ماندند و چگونه توصـیف شوی و حال آنکه تویی صاحب جبروت منزّه از همه عیب ها که همیشه بودی بدون اوّلی و بی آخری. همیشه هستی در پنهانی از نظرها یگانه ای. در آن غیر تو کسـی نیست و احـدی غیر تو برای آنهـا نبود و چشم ها بر تو هجوم نبردنـد تا پیدایشـی از جانب تو را درک کننـد و قلب ها به وصف تو راه نیابنـد و عقل ها به شکوه عزت تو نمی رسند.

و راه هـای عمیق تفکر در پادشـاهی تو حیران شدنـد. پس پادشاهـان برای هیبت تو فروتنی نمودنـد و روی ها به خواری زاری برای تو خضوع نمودنـد و هر چیزی از بزرگی تو اطاعت نمود و هر چیزی بر توانایی تو گردن نهاد و برای تو گردن ها فروتنی نمودند و زینت زبان ها در برابر آن واماندند و در آنجا تدبیر نمودن در صـفت های گوناگون گمراه شد، پس کسی که فکر کند در این امر، فکر او به سوی خودش باز مانده و عقل او حیران و فکرش سرگردان بر می گردد.

خداوندا پس از برای توست سـتایش در حالی که پیوسته به یک دیگر پی در پی منتظم همیشه باشد و از بین نرود و در پادشاهی تو فانی نشود و در عالم محو نگردد و در شـناخت تو کم نشود و تو راست سـتایش به قدر آنچه بزرگی های او در شمار نیاید در شب وقتی که پشت کند و در صبح هر گاه روشن شود و در صحراها و در دریاها و بعد از صبح و وقت عصر و در شبانگاه و در بامداد و در میان روز و سحرها.

خداونـدا به توفیق خود که رغبت را در نزد من حاضـر نمودی و مرا از تفضّـل خود در حمـایت خود نگـاه داشتی، پس همیشه در تمامی نعمت هـای تو و فراوانی آنها، نگاهداشـته شـده به حفظ تو در باز داشـتن و دفاع کردن و احاطه شـده به تو در دنیا و آخرت خود بودم و مرا زیاده بر

توانـایی خود تکلیف نکردی زیرا فقـط در حـد توانایی ام از من راضـی گشتی و هر چنـد در گفتار سـعی نمایم و مبالغه کنم شـکر من به ادای کمترین حق تو نمی رسـد و بـا فضـل تو برابری نمی کنـد زیرا تو آن خـدایی که نیست خـدایی مگر تو غایب نبودی و پنهانی از تو پنهان نمی شود و پوشیده شده ای در عمق مبهمات بر تو پوشیده نمی گردد و گم شده ای در تاریکی های پنهانی، از تو گم نشد. به درستی که فرمان تو چنان است که هر گاه خواهی چیزی را به آن می گویی موجود شو پس موجود می شود.

خداوندا برای توست سـتایش مانند آنچه خود را به آن سـتایش نمودی و آنچه سـتایش کنندگان تو را به آن ستایش کردند و تسبیح کنندگان تـو را به آن تنزیه نمودنـد و تعظیم کننـدگان تـو را به آن تعظیم کردنـد و به بزرگی یادکننـدگان تـو را به آن به بزرگی یـاد نمودنـد و بزرگ شمارنـدگان تو را به آن بزرگ شـمردند تا به حدّی که باشـد برای تو از من به تنهایی در هر چشم برهمزدن و کمتر از آن مثل سـپاس سـپاس کننـدگان و توحیـد انواع مخلصـان و سـتایش تمامی کسانی که اقرار به یگانگی کردنـد و تنزیه کردن دوسـتان عارف تو و مثل آنچه تو به آن آگاهی و به واسـطه آن در همه آفریدگان خود از حیوانات مورد سپاسـی و به سوی تو می گرایم در برکت آنچه از سـتایش خود که مرا بدان گویا کردی.

پس چه آسـان است آنچه از حـق خـود که بر من تکلیـف نمودی و چه بزرگ است آنچه که مرا بر شـکر خود وعـده دادی. از روی تفضّـل و شفقت نعمت ها را بر من آغاز کردی و مرا به شـکر کردن از روی راستی و عدالت امر فرمودی و مرا بر آن چندین برابر و زیاده وعده دادی و از روزی خود از روی آزمایش و وجوب به من بخشـیدی و در عوض آن از من آسان کوچک را خواستی و مرا از مشـقّت بلا برکنار داشتی و مرا به دست مصیبت های بد از بلاهای خود نسپردی.

بلای مرا تنـدرستی قرار دادی و به راحتی و آسایش مبتلا کردی و بهترین فضل ها را در حق من آغاز کردی با برهان شـریفی که به من وعـده دادی و درجه والا را ممکن گردانیدی و مرا به دعوت بزرگ ترین پیامبرانت و فاضل ترین آنها از جهت شـفاعت حضرت محمد صلی الله علیه و آله برگزیدی.

خداونـدا پس بیامرز گناهان مرا که فرا نمی گیرد آن را مگر آمرزش تو و برطرف نمی کنـد آن را مگر گذشـتن تو و نمی پوشانـد آن را مگر زیادی بخشـش تو و در این روز به من یقینی ببخش که به سبب آن بلاهای دنیا و اندوه های آن را بر من آسان گردانی با اشتیاق به سوی تو و به آرزوی آنچه نزد تو است و آمرزش را برای من در نزد خود بنویس و مرا به مرتبه کرامت [در نزد خود] برسـان و شـکر آنچه که بر من انعام کردی روزی ام کن. پس به درستی که تویی خـدای یگـانه بلنـد مرتبه خلق کننـده تازه پدیـد آورنـده شـنوای دانا که نیست برای فرمان تو باز دارنده ای و نه از حکم تو گریزنده ای .

گـواهی می دهم به آن که تویی پروردگـار من و پروردگـار هر چیز. تویی آفریـدگار آسـمانها و زمین و دانـای پنهـان و آشـکار و بلنـد مرتبه بزرگوار.

خداوندا من از تو ثبات در امر و اسـتواری در راه راست و شـکر بر نعمت تو را خواهانم و از ستم هر ستمکاری و از ظلم هر ظالمی و از رشک هر رشک برنده ای به تو پناه می برم به قوّت تو بر دشـمنان حمله می کنم و به تو دوستی دوسـتان را امید دارم با وجود چیزی که بر شـمردن و تعداد قادر نیستم از نیکویی های بخشش تو و روزی نیک تو و نعمت های رنگارنگی که به من بخشیدی.

اقرار می کنم به این که تویی خـدا که نیست خـدایی مگر تو. در میان خلایق سـتایش تو پراکنـده است. تویی گشاینـده دست خود به راستی و کرم. در حکم خـود مخـالفت نمی شوی و در فرمـان خود نزاع نمی شوی، مالـک می شوی از خلا‌یق آنچه را که خواهی و مالـک نمی شوند ایشان مگر آنچه را که تو خواهی.

تویی نعمت دهنـده احسان کننـده آفریننـده ایجادکننـده توانای قهرکننـده تنزیه کرده شـده در روشـنی پاکیزگی، بزرگی و عزّت را ردای خود

ساختی و به بزرگواری خود بزرگی نمودی و به روشنی و شرف خود پنهان گشتی و صاحب زینت شدی به هیبت و رفعت خود، برای توست نعمت دادن ازلی و پادشاهی بلند مرتبه و بخشش وسیع و توانایی، با اقتدار مرا از جمله فاضلترین پسران آدم قرار دادی. و مرا شنوا و بینا در کمال صحّت راست اندامی به سلامت گردانیدی. مرا به آفت و بلایی که در بدن من باشد مشغول نساختی و احسان تو به من و نیکویی تو نزد من و زیادی انعام تو بر من تو را بازنداشت از آن که روزی را در دنیا بر من فراخ کنی و مرا بر بسیاری از اهل دنیا برتری بخشیدی.

پس برای من گوشی قرار دادی که آیات تو را بفهمد و چشمی که قدرت تو را ببیند و دلی که عظمت تو را دریابد پس من ستایشگر فضل تو در حق خود هستم و جانم تو را سپاس می گوید و به حق تو گواه است، تو زنده ای پیش از هر زنده ای و زنده ای بعد از هر زنده ای و زنده ای که ارث می بری و نیکی خود را از در هر زمانی به اندازه یک چشم بر هم زدن از من قطع نکردی و مشقّت های عذاب های خود را بر من فرو نیاوردی و ظرافت های نگاهداشتن های خود را بر من تغییر ندادی. پس اگر از نیکویی تو به یاد نیاورم مگر گذشت تو و برآوردن حاجتم در وقتی که سر خود را بالا کردم و زبانم را به حمد و ستایش خود گشودی، در تقدیر تو خطایی نبود آنگاه که مرا صورت بخشیدی و نه در وقت قسمت کردن روزی ها در هنگامی که آن را مقرّر ساختی، پس سپاس برای توست به عدد آنچه علم تو آن را نگاهداشت و به عدد آنچه توانایی تو آن را فرا گرفت و به عدد آنچه رحمت تو آن را گنجایش داشته باشد.

خداوندا پس نیکویی خود را در آنچه باقی است از عمر من تمام کن همچنان که در آنچه گذشت از عمر من نیکویی نمودی پس توسل می جویم به یگانگی تو و به تعظیم تو و به ستایش تو و به تهلیل نمودن تو و به بزرگواری تو و به بزرگ شمردن تو و به روشنی تو و به مهربانی تو و شفقت تو و بلندی تو و خوبی تو و تنزّه تو و شرف تو و پادشاهی تو و توانایی تو و به محمّد و آل او که پاکانند مرا از عطای خود و نفع های خود محروم نسازی، به راستی که به سبب بسیاری آنچه جاری می شود موانع بخل بر تو عارض نمی گردد و کوتاهی بندگان در شکر نعمتّ بخشش تو را کم نمی کند و نعمت های تو خزانه های بخشش های تو را از بین نمی برد و از بی چیزی احتیاج نمی ترسی تا عطای خود را کم کنی و ترس بی چیزی به تو ملحق نمی گردد تا بسیاری بخشش تو کم شود. و قلبی خاشع و یقینی صادق و زبانی ذاکر روزی ام کن و مرا از مکر خود ایمن مگردان و پوششت را از من برمدار و خودت را از یاد من مبر و برکتت را از من مگیر و رحمتت را از من قطع مکن و مرا از جوار خود دور مگردان و از رحمت خود نا امید مکن و همدم من از هر وحشتی باش و و مرا از هر هلاکتی حفظ کن و به راستی که تو خلف وعده نمی کنی و درود خدا بر محمد و خاندان پاک او.

آن مرد گفت: ای امیر مومنان گمان مرا محقّق ساختی و امید مرا راست آوردی و حقّ پدری را به جا آوردی، پس خدای تعالی جزای نیکوکاران را به تو دهد.

پس گفت: ای امیر مومنان می خواهم ده هزار دینار را تصدّق نمایم، پس مرا راهنمایی کنید که چه کسی مستحق آن است؟ پس آن حضرت علیه السّلام فرمودند: آن را میان پارسایان از حاملان قرآن پخش کن. چنین کاری جز بر امثال آنان نیک نیست تا آنکه به سبب این بر عبادت کردن پروردگار خود و بر خواندن کتاب خدا قوّت یابند، پس آن مرد به عمل آورد آنچه را که حضرت امیر مومنان علیه السّلام به او فرمودند. - . مهج الدعوات: ۱۴۹-۱۴۳ -

**[ترجمه]

«۳۳»

أَقُولُ: قَدِ اشْتُهِرَ الْحِرْزُ الْيَمَانِيُّ بِوَجْهٍ آخَرَ وَ لَمْ أَرَهُ فِي الْكُتُبِ الْمَأْثُورَهِ لَكِنَّهُ مِنَ الْأَدْعِيَهِ الْمَشْهُورَهِ وَ لَهُ فَوَائِدُ مُجَرَّبَهٌ فَأَوْرَدْتُهُ أَيْضاً وَ لَهُ افْتِتَاحٌ يُقْرَأُ قَبْلَ الدُّعَاءِ وَ هُوَ فَاتِحَهُ الْكِتَابِ وَ آيَهُ الْكُرْسِيِّ وَ الْأَسْمَاءُ التِّسْعَهُ وَ التسعين [التِّسْعُونَ] بِإِحْدَى

١- ١. فی المصدر: المستحقون.

٢- ٢. مهج الدعوات ص ١٤٣- ١٤٩.

الرِّوَايَاتِ الَّتِی سَبَقَ ذِكْرُهَا ثُمَّ يَقُولُ:

اللَّهُمَّ يَا لَطِيفُ أَغِثْنِی وَ أَدْرِكْنِی بِحَقِّ لُطْفِكَ الْخَفِيِّ إِلَهِی كَفَى عِلْمُكَ عَنِ الْمَقَالِ وَ كَفَى كَرَمُكَ عَنِ السُّؤَالِ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ وَ يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَسْتَغِيثُ إِلَهِی مَنْ ذَا الَّذِی دَعَاكَ فَلَمْ تُجِبْهُ وَ مَنْ ذَا الَّذِی اسْتَجَارَكَ فَلَمْ تُجِرْهُ وَ مَنْ ذَا الَّذِی اسْتَغَاثَ بِكَ فَلَمْ تُغِثْهُ وَا غَوْثَاهْ وَا غَوْثَاهْ وَا غَوْثَاهْ أَغِثْنِی يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ الدُّعَاءَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْتَ رَبِّی وَ أَنَا عَبْدُكَ عَمِلْتُ سُوءً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِی وَ اعْتَرَفْتُ بِذَنْبِی فَاغْفِرْ لِی ذُنُوبِی فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ يَا شَكُورُ يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ.

اللَّهُمَّ إِنِّی أَحْمَدُكَ وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ عَلَى مَا اخْتَصَصْتَنِی بِهِ مِنْ مَوَاهِبِ الرَّغَائِبِ وَ أَوْصَلْتَ إِلَيَّ مِنْ فَضَائِلِ الصَّنَائِعِ وَ أَوْلَيْتَنِی بِهِ مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ وَ بَوَّأْتَنِی بِهِ مِنْ مَظِنَّةِ الصِّدْقِ وَ أَنَلْتَنِی بِهِ مِنْ مِنَنِكَ الْوَاصِلَةِ إِلَيَّ وَ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ مِنَ انْدِفَاعِ الْبَلِيَّةِ عَنِّی وَ التَّوْفِيقِ لِی وَ الْإِجَابَةِ لِدُعَائِی حِينَ أُنَادِيكَ دَاعِياً وَ أُنَاجِيكَ رَاغِباً وَ أَدْعُوكَ ضَارِعاً مُتَضَرِّعاً مُصَافِياً وَ حِينَ أَرْجُوكَ رَاجِياً فَأَجِدُكَ فِی الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا لِی جَاراً حَاضِراً حَفِيّاً بَارّاً وَ فِی الْأُمُورِ نَاصِراً وَ نَاظِراً وَ لِلْخَطَايَا وَ الذُّنُوبِ غَافِراً وَ لِلْعُيُوبِ سَاتِراً لَمْ أَعْدَمْ عَوْنَكَ وَ بِرَّكَ وَ إِحْسَانَكَ وَ خَيْرَكَ لِی طَرْفَةَ عَيْنٍ مُذْ أَنْزَلْتَنِی دَارَ الِاخْتِبَارِ وَ الْفِكْرِ وَ الِاعْتِبَارِ لِتَنْظُرَ فِيمَا أُقَدِّمُ إِلَيْكَ لِدَارِ الْقَرَارِ فَأَنَا عَتِيقُكَ يَا إِلَهِی مِنْ جَمِيعِ الْمَضَالِّ وَ الْمَضَارِّ وَ الْمَصَائِبِ وَ الْمَعَائِبِ وَ اللَّوَازِبِ وَ اللَّوَازِمِ وَ الْهُمُومِ الَّتِی قَدْ سَاوَرَتْنِی فِيهَا الْغُمُومُ بِمَعَارِيضِ أَصْنَافِ الْبَلَاءِ وَ ضُرُوبِ جَهْدِ الْقَضَاءِ وَ لَا أَذْكُرُ مِنْكَ إِلَّا الْجَمِيلَ وَ لَمْ أَرَ مِنْكَ إِلَّا التَّفْضِيلَ خَيْرُكَ لِی شَامِلٌ وَ صُنْعُكَ بِی كَامِلٌ وَ لُطْفُكَ لِی كَافِلٌ وَ فَضْلُكَ عَلَيَّ مُتَوَاتِرٌ وَ نِعَمُكَ عِنْدِی مُتَّصِلَةٌ وَ أَيَادِيكَ لَدَيَّ مُتَظَاهِرَةٌ لَمْ تَخْفِرْ لِی جِوَارِی وَ صَدَّقْتَ رَجَائِی وَ صَاحَبْتَ أَسْفَارِی وَ أَكْرَمْتَ أَحْضَارِی وَ حَقَّقْتَ آمَالِی وَ شَفَيْتَ أَمْرَاضِی وَ عَافَيْتَ مُنْقَلَبِی وَ مَثْوَایَ وَ لَمْ تُشْمِتْ بِی أَعْدَائِی

ص: ۲۵۳

وَ رَمَیْتَ مَنْ رَمَانِی بِسُوءٍ وَ کَفَیْتَنِی شَرَّ مَنْ عَادَانِی.

فَحَمْدِی لَکَ وَاصِبٌ وَ ثَنَائِی عَلَیْکَ مُتَوَاتِرٌ دَائِمٌ مِنَ الدَّهْرِ إِلَی الدَّهْرِ بِأَلْوَانِ التَّسْبِیحِ لَکَ وَ التَّحْمِیدِ وَ التَّمْجِیدِ خَالِصاً لِذِکْرِکَ وَ مَرْضِیّاً لَکَ بِنَاصِعِ التَّوْحِیدِ وَ إِخْلَاصِ التَّفْرِیدِ وَ إِمْحَاضِ التَّمْجِیدِ وَ التَّحْمِیدِ بِطُولِ التَّعَبُّدِ وَ التَّعْدِیدِ لَمْ تُعَنْ فِی قُدْرَتِکَ وَ لَمْ تُشَارَکْ فِی إِلَهِیَّتِکَ وَ لَمْ تُعْلَمْ لَکَ مَائِیَّةٌ وَ مَاهِیَّةٌ فَتَکُونَ لِلْأَشْیَاءِ الْمُخْتَلِفَهِ مُجَانِساً وَ لَمْ تُعَایَنْ إِذْ حَبَسْتَ الْأَشْیَاءَ عَلَی الْعَزَائِمِ الْمُخْتَلِفَاتِ وَ لَا خَرَقَتِ الْأَوْهَامُ حُجُبَ الْغُیُوبِ إِلَیْکَ فَأَعْتَقِدَ مِنْکَ مَحْدُوداً فِی عَظَمَتِکَ لَا یَبْلُغُکَ بُعْدُ الْهِمَمِ وَ لَا یَنَالُکَ غَوْصُ الْفِطَنِ وَ لَا یَنْتَهِی إِلَیْکَ بَصَرُ النَّاظِرِینَ فِی مَجْدِ جَبَرُوتِکَ ارْتَفَعَتْ عَنْ صِفَهِ الْمَخْلُوقِینَ صِفَاتُ قُدْرَتِکَ وَ عَلَا عَنْ ذِکْرِ الذَّاکِرِینَ کِبْرِیَاءُ عَظَمَتِکَ فَلَا یَنْتَقِصُ مَا أَرَدْتَ أَنْ یَزْدَادَ وَ لَا یَزْدَادُ مَا أَرَدْتَ أَنْ یَنْتَقِصَ وَ لَا ضِدَّ شَهِدَکَ حِینَ فَطَرْتَ الْخَلْقَ وَ لَا نِدَّ حَضَرَکَ حِینَ بَرَأْتَ النُّفُوسَ کَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ تَفْسِیرِ صِفَتِکَ وَ انْحَسَرَتِ الْعُقُولُ عَنْ کُنْهِ مَعْرِفَتِکَ وَ کَیْفَ یُوصَفُ کُنْهُ صِفَتِکَ یَا رَبِّ وَ أَنْتَ اللَّهُ الْمَلِکُ الْجَبَّارُ الْقُدُّوسُ الَّذِی لَمْ تَزَلْ أَزَلِیّاً أَبَدِیّاً سَرْمَدِیّاً دَائِماً فِی الْغُیُوبِ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ لَیْسَ فِیهَا أَحَدٌ غَیْرُکَ وَ لَمْ یَکُنْ إِلَهٌ سِوَاکَ حَارَتْ فِی بِحَارِ مَلَکُوتِکَ عَمِیقَاتُ مَذَاهِبِ التَّفْکِیرِ وَ تَوَاضَعَتِ الْمُلُوکُ لِهَیْبَتِکَ وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ بِذِلَّهِ الِاسْتِکَانَهِ لَکَ لِعِزَّتِکَ وَ انْقَادَ کُلُّ شَیْ ءٍ لِعَظَمَتِکَ وَ اسْتَسْلَمَ کُلُّ شَیْ ءٍ لِقُدْرَتِکَ وَ خَضَعَتْ لَکَ الرِّقَابُ وَ کَلَّ دُونَ ذَلِکَ تَحْبِیرُ اللُّغَاتِ وَ ضَلَّ هُنَالِکَ التَّدْبِیرُ فِی تَصَارِیفِ الصِّفَاتِ فَمَنْ تَفَکَّرَ فِی ذَلِکَ رَجَعَ طَرْفُهُ إِلَیْهِ حَسِیراً وَ عَقْلُهُ مَبْهُوتاً وَ تَفَکُّرُهُ مُتَحَیِّراً أَسِیراً.

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً کَثِیراً دَائِماً مُتَوَالِیاً مُتَوَاتِراً مُتَّسِقاً(۱) مُسْتَوْثِقاً یَدُومُ وَ یَتَضَاعَفُ وَ لَا یَبِیدُ غَیْرَ مَفْقُودٍ فِی الْمَلَکُوتِ وَ لَا مَطْمُوسٍ فِی الْمَعَالِمِ وَ لَا مُنْتَقَصٍ

۱- ۱. متسعا خ ل.

فِی الْعِرْفَانِ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَکَارِمِکَ الَّتِی لَا تُحْصَی فِی اللَّیْلِ إِذْ أَدْبَرَ وَ الصُّبْحِ إِذا أَسْفَرَ وَ فِی الْبَرِّ وَ الْبِحَارِ وَ الْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ وَ الْعَشِیِّ وَ الْإِبْکَارِ وَ الظَّهِیرَهِ وَ الْأَسْحَارِ وَ فِی کُلِّ جُزْءٍ مِنْ أَجْزَاءِ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ اللَّهُمَّ بِتَوْفِیقِکَ قَدْ أَحْضَرْتَنِی النَّجَاهَ وَ جَعَلْتَنِی مِنْکَ فِی وَلَایَهِ الْعِصْمَهِ فَلَمْ أَبْرَحْ مِنْکَ فِی سُبُوغِ نَعْمَائِکَ وَ تَتَابُعِ آلَائِکَ مَحْرُوساً لَکَ فِی الرَدِّ وَ الِامْتِنَاعِ مَحْفُوظاً لَکَ فِی الْمَنَعَهِ وَ الدِّفَاعِ عَنِّی وَ لَمْ تُکَلِّفْنِی فَوْقَ طَاقَتِی وَ لَمْ تَرْضَ عَنِّی إِلَّا طَاعَتِی فَإِنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ تَغِبْ وَ لَا تَغِیبُ عَنْکَ غَائِبَهٌ وَ لَا تَخْفَی عَلَیْکَ خَافِیَهٌ وَ لَنْ تَضِلَّ عَنْکَ فِی ظُلَمِ الْخَفِیَّاتِ ضَالَّهٌ إِنَّمَا أَمْرُکَ إِذَا أَرَدْتَ شَیْئاً أَنْ تَقُولَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَحْمَدُکَ فَلَکَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمِدْتَ بِهِ نَفْسَکَ وَ أَضْعَافَ مَا حَمِدَکَ بِهِ الْحَامِدُونَ وَ مَجَّدَکَ بِهِ الْمُمَجِّدُونَ وَ کَبَّرَکَ بِهِ الْمُکَبِّرُونَ وَ سَبَّحَکَ بِهِ الْمُسَبِّحُونَ وَ هَلَّلَکَ بِهِ الْمُهَلِّلُونَ وَ عَظَّمَکَ بِهِ الْمُعَظِّمُونَ وَ وَحَّدَکَ بِهِ الْمُوَحِّدُونَ حَتَّی یَکُونَ لَکَ مِنِّی وَحْدِی فِی کُلِّ طَرْفَهِ عَیْنٍ وَ أَقَلَّ مِنْ ذَلِکَ مِثْلُ حَمْدِ جَمِیعِ الْحَامِدِینَ وَ تَوْحِیدِ أَصْنَافِ الْمُوَحِّدِینَ وَ الْمُخْلِصِینَ وَ تَقْدِیسِ أَجْنَاسِ الْعَارِفِینَ وَ ثَنَاءِ جَمِیعِ الْمُهَلِّلِینَ وَ الْمُصَلِّینَ وَ الْمُسَبِّحِینَ وَ مِثْلُ مَا أَنْتَ بِهِ عَالِمٌ وَ عَارِفٌ وَ هُوَ مَحْمُودٌ مَحْبُوبٌ وَ مَحْجُوبٌ مِنْ جَمِیعِ خَلْقِکَ کُلِّهِمْ مِنَ الْحَیَوَانَاتِ وَ أَرْغَبُ إِلَیْکَ فِی بَرَکَهِ مَا أَنْطَقْتَنِی بِهِ مِنْ حَمْدِکَ فَمَا أَیْسَرَ مَا کَلَّفْتَنِی بِهِ مِنْ حَقِّکَ وَ أَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِی بِهِ عَلَی شُکْرِکَ ابْتَدَأْتَنِی بِالنِّعَمِ فَضْلًا وَ طَوْلًا وَ أَمَرْتَنِی بِالشُّکْرِ حَقّاً وَ عَدْلًا وَ وَعَدْتَنِی عَلَیْهِ أَضْعَافاً وَ مَزِیداً وَ أَعْطَیْتَنِی مِنْ رِزْقِکَ وَاسِعاً اخْتِیَاراً وَ رِضًا وَ سَأَلْتَنِی مِنْهُ شُکْراً یَسِیراً صَغِیراً إِذْ نَجَّیْتَنِی وَ عَافَیْتَنِی مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَ لَمْ تُسَلِّمْنِی لِسُوءِ قَضَائِکَ وَ بَلَائِکَ وَ جَعَلْتَ مَلْبَسِی الْعَافِیَهَ وَ أَوْلَیْتَنِی الْبَسْطَهَ وَ الرَّخَاءَ وَ شَرَعْتَ لِی مِنَ الدِّینِ أَیْسَرَ الْقَوْلِ وَ الْفِعْلِ وَ سَوَّغْتَ لِی أَیْسَرَ الصِّدْقِ (۱) وَ ضَاعَفْتَ لِی أَشْرَفَ

۱- ۱. القصد خ ل.

الْفَضْلِ وَ الْمَزِيدِ.

مَعَ مَا وَعَدْتَنِی بِهِ مِنَ الْمَحَجَّهِ الشَّرِيفَهِ وَ بَشَّرْتَنِی بِهِ مِنَ الدَّرَجَهِ الرَّفِيعَهِ وَ اصْطَفَيْتَنِی بِأَعْظَمِ النَّبِيِّينَ دَعْوَهً وَ أَفْضَلِهِمْ شَفَاعَهً وَ أَوْضَحِهِمْ حُجَّهً وَ أَرْفَعِهِمْ دَرَجَهً وَ أَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَهً مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِی مَا لَا يَسَعُهُ إِلَّا مَغْفِرَتُکَ وَ لَا يَمْحَقُهُ إِلَّا عَفْوُکَ وَ لَا يُکَفِّرُهُ إِلَّا تَجَاوُزُکَ وَ فَضْلُکَ وَ هَبْ لِی فِی سَاعَتِی هَذِهِ وَ يَوْمِی هَذَا وَ لَيْلَتِی هَذِهِ وَ شَهْرِی هَذَا وَ سَنَتِی هَذِهِ يَقِيناً صَادِقاً يُهَوِّنُ عَلَيَّ مَصَائِبَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ أَحْزَانَهُمَا وَ يُشَوِّقُنِی إِلَيْکَ وَ يُرَغِّبُنِی فِيمَا عِنْدَکَ وَ اکْتُبْ لِی عِنْدَکَ الْمَغْفِرَهَ وَ بَلِّغْنِی الْکَرَامَهَ مِنْ عِنْدِکَ وَ أَوْزِعْنِی شُکْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فَإِنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الْمُبْدِئُ الرَّفِيعُ الْبَدِيعُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الَّذِی لَيْسَ لِأَمْرِکَ مَدْفَعٌ وَ لَا عَنْ قَضَائِکَ مُمْتَنَعٌ اللَّهُمَّ وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبِّی وَ رَبُّ کُلِّ شَیْ ءٍ فاطِرُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ عالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَهِ الْکَبِيرُ الْمُتَعالِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الثَّبَاتَ فِی الْأَمْرِ وَ الْعَزِيمَهَ عَلَى الرُّشْدِ وَ الشُّکْرَ عَلَى نِعَمِکَ وَ أَسْأَلُکَ حُسْنَ عِبَادَتِکَ وَ أَسْأَلُکَ مِنْ کُلِّ خَيْرٍ تَعْلَمُ وَ لَا أَعْلَمُ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ کُلِّ شَرٍّ تَعْلَمُ وَ لَا أَعْلَمُ وَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ وَ أَسْأَلُکَ أَمْناً مِنْ جَوْرِ کُلِّ جَائِرٍ وَ بَغْیِ کُلِّ بَاغٍ وَ حَسَدِ کُلِّ حَاسِدٍ وَ ظُلْمِ کُلِّ ظَالِمٍ وَ مَکْرِ کُلِّ مَاکِرٍ وَ کَيْدِ کُلِّ کَائِدٍ وَ غَدْرِ کُلِّ غَادِرٍ وَ سِحْرِ کُلِّ سَاحِرٍ وَ شَمَاتَهِ کُلِّ کَاشِحٍ بِکَ أَصُولُ عَلَى الْأَعْدَاءِ وَ إِيَّاکَ أَرْجُو وَلَايَهَ الْأَحِبَّاءِ وَ الْأَوْلِيَاءِ وَ الْقُرَنَاءِ وَ الْأَقْرِبَاءِ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَا أَسْتَطِيعُ إِحْصَاءَهُ وَ لَا تَعْدِيدَهُ مِنْ عَوَائِدِ فَضْلِکَ وَ عَوَارِفِ رِزْقِکَ وَ أَلْوَانِ مَا أَوْلَيْتَنِی بِهِ مِنْ إِرْفَادِکَ فَإِنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْفَاشِی فِی الْخَلْقِ حَمْدُکَ الْبَاسِطُ بِالْجُودِ يَدَکَ لَا تُضَادُّ فِی حُکْمِکَ وَ لَا تُنَازَعُ فِی سُلْطَانِکَ وَ مُلْکِکَ وَ أَمْرِکَ تَمْلِکُ مِنَ الْأَنَامِ مَا تَشَاءُ وَ لَا يَمْلِکُونَ مِنْکَ إِلَّا مَا تُرِيدُ

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُنْعِمُ الْمُفْضِلُ الْقَادِرُ الْقَاهِرُ الْمُقْتَدِرُ الْقُدُّوسُ فِی نُورِ الْقُدْسِ تَرَدَّیْتَ بِالْمَجْدِ وَ الْبَهَاءِ وَ تَعَظَّمْتَ بِالْعِزِّ وَ الْعَلَاءِ وَ تَأَزَّرْتَ بِالْعَظَمَهِ وَ الْکِبْرِیَاءِ وَ تَغَشَّیْتَ بِالنُّورِ وَ الضِّیَاءِ وَ تَجَلَّلْتَ بِالْمَهَابَهِ وَ الْبَهَاءِ اللَّهُمَّ لَکَ الْمَنُّ الْقَدِیمُ وَ السُّلْطَانُ الشَّامِخُ وَ الْمُلْکُ الْبَاذِخُ وَ الْجُودُ الْوَاسِعُ وَ الْقُدْرَهُ الْکَامِلَهُ وَ الْحِکْمَهُ الْبَالِغَهُ وَ الْعِزَّهُ الشَّامِلَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَا جَعَلْتَنِی مِنْ أُمَّهِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ هُوَ أَفْضَلُ بَنِی آدَمَ الَّذِینَ کَرَّمْتَهُمْ وَ حَمَلْتَهُمْ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْتَهُمْ مِنَ الطَّیِّبَاتِ وَ فَضَّلْتَهُمْ عَلَی کَثِیرٍ مِمَّنْ خَلَقْتَهُمْ مِنْ أَهْلِهَا تَفْضِیلًا وَ خَلَقْتَنِی سَمِیعاً بَصِیراً صَحِیحاً سَوِیّاً سَالِماً مُعَافًی وَ لَمْ تَشْغَلْنِی بِنُقْصَانٍ فِی بَدَنِی عَنْ طَاعَتِکَ وَ لَمْ تَمْنَعْنِی کَرَامَتَکَ إِیَّایَ وَ حُسْنَ صَنِیعِکَ عِنْدِی وَ فَضْلَ مَنَائِحِکَ لَدَیَّ وَ نَعْمَائِکَ عَلَیَّ أَنْتَ الَّذِی أَوْسَعْتَ عَلَیَّ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ فَضَّلْتَنِی عَلَی کَثِیرٍ مِمَّنْ خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِکَ تَفْضِیلًا فَجَعَلْتَ لِی سَمْعاً یَسْمَعُ آیَاتِکَ وَ عَقْلًا یَفْهَمُ إِیمَانَکَ وَ بَصَراً یَرَی قُدْرَتَکَ وَ فُؤَاداً یَعْرِفُ عَظَمَتَکَ وَ قَلْباً یَعْتَقِدُ تَوْحِیدَکَ فَإِنِّی لِفَضْلِکَ عَلَیَّ حَامِدٌ وَ لَکَ نَفْسِی شَاکِرَهٌ وَ بِحَقِّکَ شَاهِدَهٌ فَإِنَّکَ حَیٌّ قَبْلَ کُلِّ حَیٍّ وَ حَیٌّ بَعْدَ کُلِّ حَیٍّ وَ حَیٌّ بَعْدَ کُلِّ مَیِّتٍ وَ حَیٌّ لَمْ تَرِثِ الْحَیَاهَ مِنْ حَیٍّ وَ لَمْ تَقْطَعْ خَیْرَکَ عَنِّی طَرْفَهَ عَیْنٍ فِی کُلِّ وَقْتٍ وَ لَمْ تَقْطَعْ رَجَائِی وَ لَمْ تُنْزِلْ بِی عُقُوبَاتِ النِّقَمِ وَ لَمْ تَمْنَعْ عَنِّی دَقَائِقَ الْعِصَمِ وَ لَمْ تُغَیِّرْ عَلَیَّ وَثَائِقَ النِّعَمِ فَلَوْ لَمْ أَذْکُرْ مِنْ إِحْسَانِکَ إِلَّا عَفْوَکَ عَنِّی وَ التَّوْفِیقَ لِی وَ الِاسْتِجَابَهَ لِدُعَائِی حِینَ رَفَعْتُ صَوْتِی وَ رَفَعْتُ رَأْسِی وَ انْطَلَقْتُ لِسَانِی وَ رَغِبْتُ إِلَیْکَ بِأَنْوَاعِ حَوَائِجِی فَقَضَیْتَهَا وَ أَسْأَلُکَ بِتَمْجِیدِکَ وَ تَحْمِیدِکَ وَ تَوْحِیدِکَ وَ تَعْظِیمِکَ وَ تَفْضِیلِکَ وَ تَکْبِیرِکَ وَ تَهْلِیلِکَ وَ إِلَّا فِی تَقْدِیرِکَ خَلْقِی حِینَ صَوَّرْتَنِی فَأَحْسَنْتَ صُورَتِی وَ إِلَّا فِی قِسْمَهِ الْأَرْزَاقِ حِینَ قَدَّرْتَهَا لِی لَکَانَ فِی ذَلِکَ مَا یَشْغَلُ شُکْرِی عَنْ جَهْدِی فَکَیْفَ إِذَا فَکَّرْتُ فِی النِّعَمِ الْعِظَامِ الَّتِی أَتَقَلَّبُ فِیهَا أَوْ لَا أَبْلُغُ شُکْرَ شَیْ ءٍ مِنْهَا

فَلَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا حَفِظَهُ عِلْمُکَ وَ عَدَدَ مَا وَسِعَتْهُ رَحْمَتُکَ وَ عَدَدَ مَا أَحَاطَتْ بِهِ قُدْرَتُکَ وَ أَضْعَافَ مَا تَسْتَوْجِبُهُ مِنْ جَمِیعِ خَلْقِکَ اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ إِحْسَانَکَ إِلَیَّ فِیمَا بَقِیَ مِنْ عُمُرِی کَمَا أَحْسَنْتَ إِلَیَّ فِیمَا مَضَی مِنْهُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ وَ أَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ بِتَوْحِیدِکَ وَ تَمْجِیدِکَ وَ تَحْمِیدِکَ وَ تَهْلِیلِکَ وَ کِبْرِیَائِکَ وَ کَمَالِکَ وَ تَعْظِیمِکَ وَ نُورِکَ وَ رَأْفَتِکَ وَ رَحْمَتِکَ وَ عِلْمِکَ وَ حِلْمِکَ وَ عُلُوِّکَ وَ وَقَارِکَ وَ مَنِّکَ وَ بَهَائِکَ وَ جَمَالِکَ وَ جَلَالِکَ وَ سُلْطَانِکَ وَ عَظَمَتِکَ وَ قُوَّتِکَ وَ قُدْرَتِکَ وَ إِحْسَانِکَ وَ غُفْرَانِکَ وَ امْتِنَانِکَ وَ رَحْمَتِکَ وَ نَبِیِّکَ وَ وَلِیِّکَ وَ عِتْرَتِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ لَا تَحْرِمَنِی رِفْدَکَ وَ فَضْلَکَ وَ جَمَالَکَ وَ جَلَالَکَ وَ فَوَائِدَ کَرَامَاتِکَ فَإِنَّهُ لَا یَعْتَرِیکَ لِکَثْرَةِ مَا قَدْ نَشَرْتَ بِهِ مِنَ الْعَطَایَا عَوَائِقُ الْبُخْلِ وَ لَا یَنْقُصُ جُودَکَ التَّقْصِیرُ فِی شُکْرِ نِعْمَتِکَ وَ لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُکَ مَوَاهِبُکَ الْمُتَّسِعَهُ وَ لَا تُؤَثِّرُ فِی جُودِکَ الْعَظِیمِ مِنَحُکَ الْفَائِقَهُ الْجَمِیلَهُ الْجَلِیلَهُ وَ لَا تَخَافُ ضَیْمَ إِمْلَاقٍ فَتُکْدِیَ وَ لَا یَلْحَقُکَ خَوْفُ عَدَمٍ فَیَنْتَقِصَ مِنْ جُودِکَ فَیْضُ فَضْلِکَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِی قَلْباً خَاشِعاً خَاضِعاً ضَارِعاً وَ بَدَناً صَابِراً وَ لِسَاناً ذَاکِراً حَامِداً وَ یَقِیناً صَادِقاً وَ رِزْقاً وَاسِعاً وَ عِلْماً نَافِعاً وَ وَلَداً صَالِحاً وَ سِنّاً طَوِیلًا وَ امْرَأَهً صَالِحَهً وَ عَمَلًا صَالِحاً وَ عَیْناً بَاکِیَهً وَ تَوْبَهً مَقْبُولَهً وَ أَسْأَلُکَ رِزْقاً حَلَالًا طَیِّباً وَ لَا تُؤْمِنِّی مَکْرَکَ وَ لَا تُنْسِنِی ذِکْرَکَ وَ لَا تَکْشِفْ عَنِّی سِتْرَکَ وَ لَا تُقَنِّطْنِی مِنْ رَحْمَتِکَ وَ لَا تُبَعِّدْنِی مِنْ کَنَفِکَ وَ جِوَارِکَ وَ أَعِذْنِی وَ لَا تُؤْیِسْنِی مِنْ رَحْمَتِکَ وَ رَوْحِکَ وَ کُنْ لِی أَنِیساً مِنْ کُلِّ رَوْعَهٍ وَ وَحْشَهٍ وَ اعْصِمْنِی مِنْ کُلِّ هَلَکَهٍ وَ نَجِّنِی مِنْ کُلِّ بَلِیَّهٍ وَ آفَهٍ وَ عَاهَهٍ وَ إِهَانَهٍ وَ ذِلَّهٍ وَ عِلَّهٍ وَ قِلَّهٍ وَ مَرَضٍ وَ بَرَصٍ وَ فَقْرٍ وَ فَاقَهٍ وَ وَبَاءٍ وَ بَلَاءٍ وَ زَلْزَلَهٍ وَ غَرَقٍ وَ حَرَقٍ وَ شَرَقٍ وَ سَرَقٍ وَ حَرٍّ وَ بَرْدٍ وَ جُوعٍ وَ عَطَشٍ وَ غَیٍّ وَ ضَلَالَهٍ وَ غُصَّهٍ وَ مِحْنَهٍ وَ شِدَّهٍ فِی الدَّارَیْنِ إِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمِیعادَ اللَّهُمَّ ارْفَعْنِی وَ لَا تَضَعْنِی وَ ادْفَعْ عَنِّی وَ لَا تَدْفَعْنِی وَ أَعْطِنِی وَ لَا تَحْرِمْنِی وَ أَکْرِمْنِی وَ لَا تُهِنِّی وَ زِدْنِی وَ لَا تَنْقُصْنِی وَ ارْحَمْنِی وَ لَا تُعَذِّبْنِی وَ انْصُرْنِی وَ لَا تَخْذُلْنِی وَ اسْتُرْنِی وَ لَا تَفْضَحْنِی وَ آثِرْنِی وَ لَا تُؤْثِرْ عَلَیَّ أَحَداً فِی أَمْرِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ

ص: ۲۵۸

وَ فَرِّجْ هَمِّی وَ اکْشِفْ غَمِّی وَ أَهْلِکْ عَدُوِّی وَ احْفَظْنِی وَ لَا تُضَیِّعْنِی فَ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِینَ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ اللَّهُمَّ مَا قَدَّرْتَ لِی مِنْ أَمْرٍ وَ شَرَعْتَ فِیهِ بِتَوْفِیقِکَ وَ تَدْبِیرِکَ (۱)

فَتَمِّمْهُ لِی بِأَحْسَنِ الْوُجُوهِ کُلِّهَا وَ أَصْلَحِهَا وَ أَصْوَبِهَا فَإِنَّکَ عَلَی مَا تَشَاءُ قَدِیرٌ وَ بِالْإِجَابَهِ جَدِیرٌ یَا مَنْ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرَضُونَ بِأَمْرِهِ یَا مَنْ یُمْسِکُ السَّماءَ أَنْ تَقَعَ عَلَی الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ یَا مَنْ أَمْرُهُ إِذا أَرادَ شَیْئاً أَنْ یَقُولَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ فَسُبْحانَ الَّذِی بِیَدِهِ مَلَکُوتُ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِینَ وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً دَائِماً أَبَداً فَضْلًا کَثِیراً وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ.

**[ترجمه]می گویم: حرز یمانی به طریق دیگر نیز مشهور است و آن را در کتاب های حدیثی نیافتم ولی از دعاهای مشهور است و فایده های تجربه شده ای دارد پس آن را نیز آوردم و البته شروعی دارد بدین نحو که قبل از دعا فاتحه الکتاب و آیه الکرسی و نود و نه نام که در روایات پیشین ذکر شد خوانده می شود سپس می گوید:

« خداوندا ای آگاه به فریادم رس و مرا دریاب به حق لطف پنهانی خود، خدایا علم تو از گفتن کفایت کرد و کرم تو از خواستن کفایت نمود، ای خدای جهانیان و ای بهترین یاری کنندگان، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان، فریاد خواهی می کنم، خدایا کیست که تو را خواند و او را اجابت نکردی و کیست که از تو پناه خواست و او را پناه ندادی و کیست که از تو فریاد خواست و به فریادش نرسیدی فریاد فریاد فریاد به فریادم رس ای فریاد رس فریاد خواهان.

دعا: خداوندا تویی پادشاه حقی که خدایی جز تو نیست، و من بنده توام تویی پروردگار من، بد کردم و به نفس خود ستم نمودم و به گناه خود اقرار کردم و نمی آمرزد گناهان را مگر تو پس بیامرز مرا ای بسیار بخشنده و بسیار سپاسگزار ای بردبار ای کریم.

خداوندا تو را ستایش می کنم و تو سزاوار ستایش بر چیزی هستی که مرا به آن اختصاص دادی از آرزوهای بخشیده شده و آنچه از احسان افزون تو که به من رسید و آنچه از نیکویی خود که به من عطا نمودی و مرا در جایگاه صداقت جای دادی و در دور کردن بلاها از من و توفیق دادن و برآوردن دعایم به من احسان کردی تا اینکه تو را صدا بزنم در حالی که تو را می خوانم و با تمایل با تو مناجات می کنم و با ناله و زاری و اخلاص تو را می خوانم و به تو امید دارم و تو را می یابم که همسایه حاضر نیکوکار نیک رفتار در حق من در مکان ها و ناظر و یاور من در کارها و آمرزنده گناهان و اشتباهات و پوشاننده عیب های من هستی.از آن زمان که مرا بدین سرای آزمایش و فکر عبرت گرفتن درآوردی تا بنگری که من برای آن سرای ماندگار چه می‌فرستم یک چشم بر همزدن یاری و نیکی و احسان و خیر تو را از دست ندادم.

خدایا من آزاد شده تو از تمامی گمراهی ها و آسیب ها و مصیبت ها و عیب ها و سختی ها و تنگی ها هستم و غم هایی که در آن اندوه ها با بلاهای گوناگون و قضاهای سخت مختلف بر من حمله ور شد و من از تو جز زیبایی به خاطر ندارم و جز فزونی از تو ندیدم.خیر تو مرا فراگرفت و فضل تو بر من پیاپی است و نعمت هایت پشت سر هم برای من می‌آید و بخشش هایت بر من آشکار است.

پناهم را از من برنداشتی و امیدم را تصدیق نمودی و در سفرها همراه من بودی و حضورهای مرا گرامی داشتی و آرزوهایم را محقق داشتی و بیماری هایم را شفا دادی و دنیا و آخرتم را عافیت بخشیدی و مرا دشمن شاد ننمودی و هر کس که بر من بدی روا داشت بر او بدی کردی و مرا از شر دشمنانم کفایت نمودی.

ستایش من برای تو پیوسته است و درود من بر تو همیشگی است از زمانه ای تا به زمانه دیگر به انواع منزّه ساختن و سپاس و بزرگی، در حالی که خالص می نمایم یادآوری تو را و خشنودی تو را می جویم به سبب آشکار نمودن یگانه دانستن تو و خالص ساختن یگانگی تو و ویژه گردانیدن بزرگی و سپاس تو با بسیاری پرستش و شمردن نعمت های تو.

در توانایی خود یاری نشدی و در خداوندی خود با کسی شریک نشدی و به تو نگریسته نشد آن هنگام که چیزها را بر اراده های مختلف حبس کردی و وهم‌ها پرده های غیب‌های تو را ندریدند تا به حدی در بزرگی تو اعتقاد شود.

عمق همّت‌ها به تو نمی رسد و فرو رفتن فکرها تو را درنمی یابد و بینایی بیننده ای در شرف بزرگواری‌ات به تو منتهی نمی شود. وصف های توانایی تو از تعریف کردن آفریدگان بلند گشت و بزرگمنشی عظمت تو از ذکر ذاکران فراتر رفت. کم نمی شود آنچه بخواهی زیاد شود و زیاد نمی شود چیزی که اراده کنی کم شود. کسی حاضر نبود هنگامی که آفریدگان را خلق نمودی و نه مشابهی در نزد تو حضور یافت هنگامی که جان ها را آفریدی.

زبان ها از تفسیر وصف تو عاجز شدند، و عقل ها از عمق معرفت تو باز ماندند و چگونه تعریف شوی و حال آنکه تویی صاحب جبروت منزّه از همه عیب ها که همیشه بودی بدون اوّلی و بی آخری. همیشه هستی در پنهانی از نظرها یگانه ای. در آن غیر تو کسی نیست و خدایی جز تو وجود ندارد.

و راه های عمیق تفکر در پادشاهی تو حیران شدند. پس پادشاهان برای هیبت تو فروتنی نمودند و روی ها به خواری زاری برای تو خضوع نمودند و هر چیزی از بزرگی تو اطاعت نمود و هر چیزی بر توانایی تو گردن نهاد و برای تو گردن ها فروتنی نمودند و زینت زبان ها در برابر آن واماندند و در آنجا تدبیر نمودن در صفت های گوناگون گمراه شد، پس کسی که فکر کند در این امر، فکر او به سوی خودش باز مانده و عقل او حیران و فکرش سرگردان بر می گردد.

خداوندا پس از برای توست ستایش فراوان دائمی متوالی پیوسته به یک دیگر پی در پی محکم همیشه باشد و چندین برابر گردد و از بین نرود و در پادشاهی تو فانی نشود و در نشانه ها محو نگردد و در شناخت تو کم نشود و تو راست ستایش به قدر آنچه بزرگی های او در شمار نیاید در شب وقتی که پشت کند و در صبح هر گاه روشن شود و در صحراها و در دریاها و بعد از صبح و وقت عصر و در شبانگاه و در بامداد و در میان روز و سحرها.و در تمامی بخش های شب و روز.

خداوندا به توفیق خود که رغبت را در نزد من حاضر نمودی و مرا از تفضّل خود در حمایت خود نگاه داشتی، پس همیشه در تمامی نعمت های تو و فراوانی آنها، نگاهداشته شده به حفظ تو در باز داشتن و دفاع کردن و احاطه شده به تو در دنیا و آخرت خود بودم و مرا زیاده بر توانایی خود تکلیف نکردی زیرا تو آن خدایی که نیست خدایی مگر تو غایب نبودی و پنهانی از تو پنهان نمی شود و پوشیده شده ای بر تو پوشیده نمی گردد و گم شده ای در تاریکی های پنهانی، از تو گم نشد. به درستی که فرمان تو چنان است که هر گاه خواهی چیزی را به آن می گویی موجود شو پس موجود می شود.

خداوندا برای توست ستایش مانند آنچه خود را به آن ستایش نمودی و چندین برابر آنچه ستایش کنندگان تو را به آن ستایش کردند و تمجید گران تو را بدان تمجید کردند و به بزرگی یادکنندگان تو را به آن به بزرگی یاد نمودند و تسبیح کنندگان تو را به آن تنزیه نمودند و مهللان تو را بدان تهلیل کردند و تعظیم کنندگان تو را به آن تعظیم کردند و یکتا پرستان تو را بدان به یگانگی پرستیدند تا به حدّی که باشد برای تو از من به تنهایی در هر چشم برهمزدن و کمتر از آن مثل سپاس سپاس کنندگان و توحید انواع یکتا پرستان و مخلصان و تسبیح انواع عارفان و ستایش تمامی کسانی که اقرار به یگانگی کردند و نمازگزاران و تسبیح گویان و مانند آنچه که بدان آگاهی و به آن علم داری و ان مورد ستایش محبوب و پنهان از تمامی مخلوقات تو از حیوانات می باشد و به سوی تو می گرایم در برکت آنچه از ستایش خود که مرا بدان گویا کردی. پس چه آسان است آنچه از حق خود که بر من تکلیف نمودی و چه بزرگ است آنچه که مرا بر شکر خود وعده دادی.

از روی فضل و بخشش بر نعمت من آغاز کردی و به شکر خود به شایستگی و عدالت مرا امر نمودی و بسیار و چند برابر آن را وعده دادی و از روزی خود بخششی گسترده و رضایت خود را به من عطا کردی و از من شکر کم و اندک را درخواست نمودی آنگاه که مرا رها نمودی و

از سختی بلا نجات دادی و مرا تسلیم قضا و بلای ناگوار خود ننمودی و لباس مرا عافیت گرداندی و آسایش و راحتی را به من دادی و از دین ساده ترین گفتار و کردار را به قرار دادی و کمترین صداقت را بر من جایز شمردی و شریف ترین فضل و افزودنی را بر من چند برابر کردی.

با آنچه به من وعده دادی از برهان شریف و بشارت دادی از مرتبه والا و مرا به دعوت بزر گترین پیامبران برگزیدی او که فاضل ترین آنان به جهت شفاعت و برهانش واضح ترین و و درجه اش والاترین و منزلتش نزدیک ترین است حضرت محمد درود خدا بر او و خاندانش و تمامی پیامبران و رسولان.

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و چیزی را بر من ببخش که جز مغفرت تو گنجایش آمرزش تو را ندارد و جز عفو تو آن را از بین نمی برد و جز گذشت و فضل تو آن را نمی پوشاند و در این لحظه و این روز و این شب و این ماه و این سال یقینی صادق بر من ببخشای که مصیبت های دنیا و آخرت و غم های آن دو را از من آسان گرداند و مرا به سمت سوق دهد و به آنچه نزد توست تشویق کند و برای من در نزد خود آمرزش را بنویس و به کرامت از جانب خود برسان و شکر نعمت هایت را به من عطا کن به راستی تو خدایی هستی که خدایی جز تو نیست یگانه و یکتایی آغاز گر والا آفریننده شنوای دانایی که که برای امر تو بازدارنده ای نیست و کسی از قضای تو امتناع نورزد.

گواهی می دهم به آن که تویی پروردگار من و پروردگار هر چیز. تویی آفریدگار آسمانها و زمین و دانای پنهان و آشکار و بلند مرتبه بزرگوار.

خداوندا به درستی که من از تو ثبات در امر و استواری بر رفتن به راه راست و شکر کردن بر نعمت تو را می خواهم و از تو عبادت نیک می خواهم و از تو مسالت می کنم از هر خیری که می دانی و من نمی دانم و پناه می برم به تو از هر شری که می دانی و نمی دانم و تو دانای نهان هایی.

از تو ایمنی از ستم هر ظالم و ظلم هر سرکش و و حسد هر حسود و ستم هر بیداد گر و مکر هر فریبنده و نیرنگ هر مکر کننده و فریب هر حیله گر و جادوی هر جادوگر و سرزنش هر کینه توز می خواهم و به واسطه تو بر دشمنان حمله می کنم و تنها از تو امید دارم ولایت دوستان و اولیا و نردیکان و همگنان.

تو را سپاس بر نیکی های فضل تو و روزی های شناخته شده تو و انواع مختلفی از آنچه به من عطا کردی که توان شمارش و بر شمردن آن را ندارم و به راستی تو خدایی که جز تو خدایی نیست و سپاس تو در میان خلق بسیار و دست تو به بخشش گشوده است در حکم خویش مخالفت نشوی و در پادشاهی و فرمانروایی و امرت مورد تنازع قرار نگیری از مردمان هر آنچه خواهی در اختیار گیری و آنها ز آنچه تو خواهی مالک نشوند.

خداوندا تویی نعمت دهنده فزاینده توانای قهرکننده با اقتدار تنزیه کرده شده در روشنی پاکیزگی، بزرگی و زیبای را ردای خود ساختی و بزرگی نمودی به عزت و بلندی خود و پنهان گشتی به روشنی و نور و شکوهمند شدی به هیبت و زیبایی خود.

خداوندا برای توست بخشش دیرینه و پادشاهی شامخ و جود گسترده و قدرت کامل و حکمت رسا و عزت فراگیر، تو را سپاس که مرا از امت محمد صلی الله علیه و آله قرار دادی که با فضیلت ترین فرزندان آدم است کسانی که آنان را کرامت بخشیدی و در دریا و خشکی حمل کردی و از پاکی ها به او روزی دادی و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری بخشیدی.

مرا شنوا بینا سالم درست اندام تندرست خلق کردی و مرا به کاستی در بدنم از اطاعت خویش مشغول نکردی و مرا از کرامت و رفتار نیک خود و فضل بخشش ها و نعمت هایت باز نداشتی تو کسی هستی که در دنیا و آخرت بر من وسعت دادی و مرا بر بسیاری از مخلوقات خود برتری دادی.

برای من گوشی قرار دادی که آیات تو را می شنود و عقلی که ایمان به تو را می فهمد و چشمی که قدرت تو را می بیند و دلی که عظمت تو را می داند و قلبی که به توحید تو اعتقاد دارد من به فضل تو بر خود سپاس گزارم و تو را شاکرم و به حق تو گواهم به راستی که تو زنده ای قبل از هر زنده و زنده ای بعد از هر زنده و زنده ای بعد از هر مرده و زنده ای که زندگانی را از زنده ای به ارث نمی بری و خیر تو به اندازه یک چشم بر هم زدن از من جدا نمی کنی و در هر زمانی و امیدم را قطع نمی کنی و عذاب مصیبت ها را بر من وارد نمی سازی و ظرافت های نگاه داشتن هایت را از من باز نمی داری و نعمت های محکم را بر من تغییر نمی دهی.

و اگر از احسان تو جز گذشت تو و توفیق من و استجابت دعایم را به یاد نیاوردم زمانی که صدایم را بلند کردم و سرم را بالا گرفتم و زبانم را گشودم و به انواع حاجات خود به سوی تو گراییدم و تو آن را بر آوردی و از تو می خواهم به تمجید و حمد و یگانگی و بزرگی و فضل تو و بزرگی و یکتایی تو و به جز اینکه در آفرینش من هنگامی که صورت بخشیدی و تصویرم را نیک گرداندی و به جز در تقسیم روزی ها هنگامی که برایم مقدر کردی، در آن چیزی بود که شکر مرا از تلاشم باز می داشت پس چگونه فکر کنم در نعمت های بزرگی که در آن غوطه ورم یا اینکه به شکر بخشی از آن دست نیابم.

تو را سپاس به تعداد آنچه علمت آن را نگاه داشت و به شماره آنچه رحمتت گسترانید و به تعداد آنچه قدرتت بر آن احاطه پیدا کرد و چندین برابر آنچه از تمامی بندگانت مستوجبی خدایا احسانت را در حق من کامل گردان در آنچه از عمرم باقی ماند همانگونه که احسان کردی در آنچه که از عمرم گذشت.

خدایا از تو می خواهم و به تو توسل می جویم به توحید تو و ستایش تو و سپاس تو و یگانگی تو و بزرگمنشی تو و کمال تو و بزرگی تو و نور تو و مهربانی تو و رحمت تو و علم تو وبردباری تو و بلندی تو و وقار تو و نعمت تو و زیبایی تو و جمال تو و و شکوه تو و قدرت تو و عظمت تو و نیروی تو و قدرت تو و احسان تو و آمرزش تو و نعمت تو و رحمت تو و پیامبر تو و ولی تو و عترت پاک و طاهر تو که بر محمد و خاندان او درود فرستی و مرا از راحتی و فضل و جمال و جلال و فایده های کرامت خود محروم نگردانی به راستی که موانع بخل متعرض تو نشود به سبب بسیاری عطایای خود و کوتاهی در شکرت از بخشش تو نکاهد و بخشش های فراوان تو از خزانه هایت کم نکند و عطاهای بسیار زیبا شکوهمندت در بخشش تو تاثیر نگذارد و از فقر نهراسی که به تنگی افتی و ترس بی چیزی به تو نرسید که فراوانی فضلت از بخشش تو بکاهد.

خداوندا قلبی خاشع فروتن نالان و بدنی صبر کننده [و زبانی ذاکر ستایش گو] و یقینی صادق و رزقی گسترده و علمی نافع و فرزندی صالح و عمری طولانی و و زنی صالح و عملی نیک و چشمی گریان و توبه ای پذیرفته روزی ام گردان و از تو رزقی حلال پاک می خواهم و مرا از مکر خویش ایمن گردان و یادت را از خاطر من نبر و پوششت را از من برکنار مدار و از رحمت خود ناامید مگردان و از جوار و جنب خود دور مکن و و مرا پناه ده و از رحمت و آسایش خود ناامید مکن و مونس من از هر ترس و وحشتی باش و از هر هلاکتی حفظ کن و از هر بلا و آفت و فساد و خواری و ذلت و بیماری و پیسی و فقر و نیاز و وبا و بلا و زلزله و غرق شدن و سوختن و گلو گیر شدن و دزدی و گرما و سرما و گرسنگی و تشنگی و گمراهی و ضلالت و غصه و سختی و رنج در دو سرا نجات بخش به راستی که تو خلف وعده نمی کنی.

خدایا مرا رفعت بخش و فرو نیار و از من دفاع کن و مرا دور نکن و بر من ببخشای و مرا محروم نکن و مرا گرامی بدار و خوار مکن و بر من بیافزای و از من کم نکن و بر من رحم کن و مرا عذاب نکن و مرا یاری فرما و تنها مگذار و مرا بپوشان و خوار مگردان و و مرا ترجیح بده و دیگری را بر من بر نگزین در امر دنیا و آخرت و اندوهم را برطرف کن و غصه ام را بزدای و دشمنم را نابود گردان و مرا حفظ کن و تباه مگردان و به راستی که بر هر چیزی توانایی و درود خدا بر سرورمان محمد و تمامی خاندان او ای صاحب شکوه و بزرگی.

خداوندا امری که بر من مقدر ساختی و به توفیق و تدبیر خود آن را شروع کردی، به بهترین وجه آن را بر من کامل گردان و آن را صالح و شایسته گردان به راستی که بر هرچه خواهی توانایی و به اجابت شایسته ای کسی که به آسمان ها و زمین ها به امر او بر پا شد و ای کسی که

آسمان را نگه می داری از اینکه بر زمین افتد مگر به اذن او و ای کسی که امر او اینگونه است که هرگاه چیزی را اراده کند به او می گوید موجود باش پس موجود می شود پاک است کسی که ملکوت همه چیز به دست اوست و به سوی او باز گردانده می شوید و درود و سلام و تفضل دائم همیشگی تو بر محمد و تمامی خاندانش و سپاس خدایی راست که پروردگار جهانیان است.

**[ترجمه]

«۳۴»

مهج، [مهج الدعوات]: دُعَاءٌ لِمَوْلَانَا وَ مُقْتَدَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِي الشَّدَائِدِ وَ نُزُولِ الْحَوَادِثِ وَ هُوَ سَرِيعُ الْإِجَابَةِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ أَنَا عَبْدُكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ اعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا غَفُورُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ عَلَى مَا خَصَصْتَنِي بِهِ مِنْ مَوَاهِبِ الرَّغَائِبِ وَ وَصَلَ (۲) إِلَيَّ مِنْ فَضَائِلِ الصَّنَائِعِ وَ عَلَى مَا أَوْلَيْتَنِي بِهِ وَ تَوَلَّيْتَنِي بِهِ مِنْ رِضْوَانِكَ وَ أَنَلْتَنِي مِنْ مَنِّكَ الْوَاصِلِ إِلَيَّ وَ مِنَ الدِّفَاعِ عَنِّي وَ التَّوْفِيقِ لِي وَ الْإِجَابَةِ لِدُعَائِي حَتَّى أُنَاجِيَكَ رَاغِباً وَ أَدْعُوَكَ مُصَافِياً وَ حَتَّى أَرْجُوَكَ فَأَجِدَكَ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا لِي جابِراً(۳) وَ فِي أُمُورِي نَاظِراً وَ لِذُنُوبِي غَافِراً وَ لِعَوْرَاتِي سَاتِراً لَمْ أَعْدَمْ خَيْرَكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ مُذْ أَنْزَلْتَنِي دَارَ الِاخْتِبَارِ لِتَنْظُرَ مَا ذَا أُقَدِّمُ لِدَارِ الْقَرَارِ فَأَنَا عَتِيقُكَ اللَّهُمَّ مِنْ جَمِيعِ الْمَصَائِبِ وَ اللَّوَازِبِ وَ الْغُمُومِ الَّتِي سَاوَرَتْنِي فِيهَا الْهُمُومُ بِمَعَارِيضِ الْقَضَاءِ وَ مَصْرُوفِ جَهْدِ الْبَلَاءِ لَا أَذْكُرُ مِنْكَ إِلَّا الْجَمِيلَ وَ لَا أَرَى مِنْكَ غَيْرَ التَّفْضِيلِ خَيْرُكَ لِي شَامِلٌ وَ فَضْلُكَ عَلَيَّ مُتَوَاتِرٌ وَ نِعَمُكَ عِنْدِي مُتَّصِلَةٌ سَوَابِغُ لَمْ تُحَقِّقْ حِذَارِي بَلْ صَدَّقْتَ رَجَائِي وَ صَاحَبْتَ أَسْفَارِي وَ أَكْرَمْتَ أَحْضَارِي

۱- ۱. تیسیرک خ ل.

۲- ۲. و وصلت خ ل.

۳- ۳. جارا خ.

وَ شَفَيْتَ أَمْرَاضِي وَ عَافَيْتَ أَوْصَابِي وَ أَحْسَنْتَ مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ وَ لَمْ تُشْمِتْ بِي أَعْدَائِي وَ رَمَيْتَ مَنْ رَمَانِي وَ كَفَيْتَنِي شَرَّ مَنْ عَادَانِي اللَّهُمَّ كَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضَى عَلَيَّ سَيْفَ عَدَاوَتِهِ وَ شَحَذَ لِقَتْلِي ظُبَةَ مُدْيَتِهِ وَ أَرْهَفَ لِي شَبَا حَدِّهِ وَ دَافَ لِي قَوَاتِلَ سُمُومِهِ وَ سَدَّدَ لِي صَوَائِبَ سِهَامِهِ وَ أَضْمَرَ أَنْ يَسُومَنِي الْمَكْرُوهَ وَ يُجَرِّعَنِي ذُعَافَ مَرَارَتِهِ فَنَظَرْتَ يَا إِلَهِي إِلَى ضَعْفِي عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَادِحِ وَ عَجْزِي عَنِ الِانْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ وَ وَحْدَتِي فِي كَثِيرٍ مَنْ نَاوَانِي وَ أَرْصَدَ لِي فِيمَا لَمْ أُعْمِلْ فِكْرِي فِي الِانْتِصَارِ مِنْ مِثْلِهِ فَأَيَّدْتَنِي يَا رَبِّ بِعَوْنِكَ وَ شَدَدْتَ أَيْدِي بِنَصْرِكَ ثُمَّ فَلَلْتَ لِي حَدَّهُ وَ صَيَّرْتَهُ بَعْدَ جَمْعِ عَدِيدِهِ وَحْدَهُ وَ أَعْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيْهِ وَ رَدَدْتَهُ حَسِيراً لَمْ يَشْفِ غَلِيلَهُ وَ لَمْ تَبْرُدْ حَزَازَاتُ غَيْظِهِ وَ قَدْ غض [عَضَ] عَلَيَّ شَوَاهُ وَ آبَ مُوَلِّياً قَدْ أَخْلَفَتْ سَرَايَاهُ وَ أُخْلِفَتْ آمَالُهُ اللَّهُمَّ وَ كَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَى عَلَيَّ بِمَكَايِدِهِ وَ نَصَبَ لِي شَرَكَ مَصَايِدِهِ وَ أَضْبَأَ إِلَيَّ ضُبُوءَ السَّبُعِ لِطَرِيدَتِهِ وَ انْتَهَزَ فُرْصَتَهُ وَ اللَّحَاقَ لِفَرِيسَتِهِ وَ هُوَ مُظْهِرٌ بَشَاشَةَ الْمَلَقِ وَ يَبْسُطُ إِلَيَّ وَجْهاً طَلْقاً فَلَمَّا رَأَيْتَ يَا إِلَهِي دَغَلَ سَرِيرَتِهِ وَ قُبْحَ طَوِيَّتِهِ أَنْكَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِي زُبْيَتِهِ وَ أَرْكَسْتَهُ فِي مَهْوَى حَفِيرَتِهِ (١) وَ أَنْكَصْتَهُ عَلَى عَقِبِهِ وَ رَمَيْتَهُ بِحَجَرِهِ وَ نَكَأْتَهُ بِمِشْقَصِهِ وَ خَنَقْتَهُ بِوَتَرِهِ وَ رَدَدْتَ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ وَ رَبَقْتَهُ بِنَدَامَتِهِ وَ اسْتَخْذَلَ وَ تَضَاءَلَ بَعْدَ نَخْوَتِهِ وَ بَخَعَ وَ انْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِيلًا مَأْسُوراً فِي حَبَائِلِهِ الَّتِي كَانَ يُحِبُّ أَنْ يَرَانِي فِيهَا وَ قَدْ كِدْتُ لَوْ لَا رَحْمَتُكَ أَنْ يَحُلَّ بِي مَا حَلَّ بِسَاحَتِهِ فَالْحَمْدُ لِرَبٍّ مُقْتَدِرٍ لَا يُنَازَعُ وَ لِوَلِيٍّ ذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ وَ قَيُّومٍ لَا يَغْفُلُ وَ حَلِيمٍ لَا يَجْهَلُ نَادَيْتُكَ يَا إِلَهِي مُسْتَجِيراً بِكَ وَاثِقاً بِسُرْعَةِ إِجَابَتِكَ مُتَوَكِّلًا عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَعْرِفُهُ مِنْ حُسْنِ دِفَاعِكَ عَنِّي عَالِماً أَنَّهُ لَمْ يُضْطَهَدْ مَنْ أَوَى إِلَى ظِلِّ كِفَايَتِكَ وَ لَا تَقْرَعُ الْقَوَارِعُ مَنْ لَجَأَ إِلَى مَعْقِلِ الِانْتِصَارِ بِكَ فَخَلَّصْتَنِي يَا رَبِّ بِقُدْرَتِكَ وَ نَجَّيْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ بِتَطَوُّلِكَ وَ مَنِّكَ.

ص: ۲۶۰

۱- ۱. قد مر شرح هذه العبارات مرارا.

اللَّهُمَّ وَ كَمْ مِنْ سَحَائِبِ مَكْرُوهٍ جَلَّيْتَهَا وَ سَمَاءِ نِعْمَةٍ أَمْطَرْتَهَا وَ جَدَاوِلِ كَرَامَةٍ أَجْرَيْتَهَا وَ أَعْيُنِ أَحْدَاثٍ طَمَسْتَهَا وَ نَاشِئِ رَحْمَةٍ نَشَرْتَهَا وَ غَوَاشِي كُرَبٍ فَرَّجْتَهَا وَ غُمَمِ بَلَاءٍ كَشَفْتَهَا وَ جُنَّةِ عَافِيَةٍ أَلْبَسْتَهَا وَ أُمُورٍ حَادِثَةٍ قَدَّرْتَهَا لَمْ تُعْجِزْكَ إِذْ طَلَبْتَهَا وَ لَمْ تَمْتَنِعْ مِنْكَ إِذْ أَرَدْتَهَا اللَّهُمَّ وَ كَمْ مِنْ حَاسِدِ سُوءٍ تَوَلَّنِي (١) بِحَسَدِهِ وَ سَلَقَنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ (٢) وَ وَخَزَنِي بِغَرْبِ عَيْنِهِ وَ جَعَلَ عِرْضِي غَرَضاً لِمَرَامِيهِ وَ قَلَّدَنِي خِلَالًا لَمْ تَزَلْ فِيهِ كَفَيْتَنِي أَمْرَهُ اللَّهُمَّ وَ كَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقْتَ وَ عُدْمِ إِمْلَاقٍ ضَرَّنِي جَبَرْتَ وَ أَوْسَعْتَ وَ مِنْ صَرْعَةٍ أَقَمْتَ وَ مِنْ كُرْبَةٍ نَفَّسْتَ وَ مِنْ مَسْكَنَةٍ حَوَّلْتَ وَ مِنْ نِعْمَةٍ خَوَّلْتَ لَا تُسْأَلُ عَمَّا تَفْعَلُ وَ لَا بِمَا أَعْطَيْتَ تَبْخَلُ وَ لَقَدْ سُئِلْتَ فَبَذَلْتَ وَ لَمْ تُسْأَلْ فَابْتَدَأْتَ وَ اسْتُمِيحَ فَضْلُكَ فَمَا أَكْدَيْتَ أَبَيْتَ إِلَّا إِنْعَاماً وَ امْتِنَاناً وَ تَطَوُّلًا وَ أَبَيْتُ إِلَّا تَقَحُّماً عَلَى مَعَاصِيكَ وَ انْتِهَاكاً لِحُرُمَاتِكَ وَ تَعَدِّياً لِحُدُودِكَ وَ غَفْلَةً عَنْ وَعِيدِكَ وَ طَاعَةً لِعَدُوِّي وَ عَدُوِّكَ لَمْ تَمْتَنِعْ عَنْ إِتْمَامِ إِحْسَانِكَ وَ تَتَابُعِ امْتِنَانِكَ وَ لَمْ يَحْجُزْنِي ذَلِكَ عَنِ ارْتِكَابِ مَسَاخِطِكَ اللَّهُمَّ فَهَذَا مَقَامُ الْمُعْتَرِفِ لَكَ بِالتَّقْصِيرِ عَنْ أَدَاءِ حَقِّكَ الشَّاهِدِ عَلَى نَفْسِهِ بِسُبُوغِ نِعْمَتِكَ وَ حُسْنِ كِفَايَتِكَ فَهَبْ لِيَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي مَا أَصِلُ بِهِ إِلَى رَحْمَتِكَ وَ أَتَّخِذُهُ سُلَّماً أَعْرُجُ فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ وَ آمَنُ بِهِ مِنْ عِقَابِكَ فَإِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَ تَحْكُمُ مَا تُرِيدُ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ حَمْدِي لَكَ مُتَوَاصِلٌ وَ ثَنَائِي عَلَيْكَ دَائِمٌ مِنَ الدَّهْرِ إِلَى الدَّهْرِ بِأَلْوَانِ التَّسْبِيحِ وَ فُنُونِ التَّقْدِيسِ خَالِصاً لِذِكْرِكَ وَ مَرْضِيّاً لَكَ بِنَاصِعِ التَّوْحِيدِ وَ مَحْضِ التَّحْمِيدِ وَ طُولِ التَّعْدِيدِ فِي إِكْذَابِ أَهْلِ التَّنْدِيدِ(٣)

١- ١. ثولنى ظ، أى أصابنى.

٢- ٢. يقال: سلقه بالكلام سلقا: آذاه، و هو شده القول باللسان، و فى القرآن الكريم« سلقوكم بألسنه حداد». و الحديد: الحاد، و الغرب حده الغضب، و اسم لمقدم العين و مؤخرها، و النظر بغرب العين كنايه عن الغضب و التهديد، و الوخز: الطعن.

٣- ٣. يقال: ندد بفلان: إذا صرّح بعيوبه و أسمعه القبيح و شهره و شيعه بين الناس.

لَمْ تُعَنْ فِی شَیْ ءٍ مِنْ قُدْرَتِکَ وَ لَمْ تُشَارَکْ فِی إِلَهِیَّتِکَ وَ لَمْ تُعَایَنْ إِذْ حَبَسْتَ الْأَشْیَاءَ عَلَی الْغَرَائِزِ الْمُخْتَلِفَاتِ وَ فَطَرْتَ الْخَلَائِقَ عَلَی صُنُوفِ الْهَیْئَاتِ وَ لَا خَرَقَتِ الْأَوْهَامُ حُجُبَ الْغُیُوبِ إِلَیْکَ فَاعْتَقَدْتُ مِنْکَ مَحْمُوداً فِی عَظَمَتِکَ وَ لَا کَیْفِیَّهَ فِی أَزَلِیَّتِکَ وَ لَا مُمْکِناً فِی قِدَمِکَ وَ لَا یَبْلُغُکَ بُعْدُ الْهِمَمِ وَ لَا یَنَالُکَ غَوْصُ الْفِطَنِ وَ لَا یَنْتَهِی إِلَیْکَ نَظَرُ النَّاظِرِینَ فِی مَجْدِ جَبَرُوتِکَ وَ عَظِیمِ قُدْرَتِکَ ارْتَفَعَتْ عَنْ صِفَهِ الْمَخْلُوقِینَ صِفَهُ قُدْرَتِکَ وَ عَلَا عَنْ ذَلِکَ کِبْرِیَاءُ عَظَمَتِکَ وَ لَا یَنْتَقِصُ مَا أَرَدْتَ أَنْ یَزْدَادَ وَ لَا یَزْدَادُ مَا أَرَدْتَ أَنْ یَنْتَقِصَ وَ لَا أَحَدٌ شَهِدَکَ حِینَ فَطَرْتَ الْخَلْقَ وَ لَا ضِدٌّ حَضَرَکَ حِینَ بَرَأْتَ النُّفُوسَ کَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ تَبْیِینِ صِفَتِکَ وَ انْحَسَرَتِ الْعُقُولُ عَنْ کُنْهِ مَعْرِفَتِکَ وَ کَیْفَ تُدْرِکُکَ الصِّفَاتُ أَوْ تَحْوِیکَ الْجِهَاتُ وَ أَنْتَ الْجَبَّارُ الْقُدُّوسُ الَّذِی لَمْ تَزَلْ أَزَلِیّاً دَائِماً فِی الْغُیُوبِ وَحْدَکَ لَیْسَ فِیهَا غَیْرُکَ وَ لَمْ یَکُنْ لَهَا سِوَاکَ حَارَتْ فِی مَلَکُوتِکَ عَمِیقَاتُ مَذَاهِبِ التَّفْکِیرِ وَ حَسَرَ عَنْ إِدْرَاکِکَ بَصَرُ الْبَصِیرِ وَ تَوَاضَعَتِ الْمُلُوکُ لِهَیْبَتِکَ وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ بِذُلِّ الِاسْتِکَانَهِ لِعِزَّتِکَ وَ انْقَادَ کُلُّ شَیْ ءٍ لِعَظَمَتِکَ وَ اسْتَسْلَمَ کُلُّ شَیْ ءٍ لِقُدْرَتِکَ وَ خَضَعَتِ الرِّقَابُ لِسُلْطَانِکَ فَضَلَّ هُنَالِکَ التَّدْبِیرُ فِی تَصَارِیفِ الصِّفَاتِ لَکَ فَمَنْ تَفَکَّرَ فِی ذَلِکَ رَجَعَ طَرْفُهُ إِلَیْهِ حَسِیراً وَ عَقْلُهُ مَبْهُوتاً مَبْهُوراً وَ فِکْرُهُ مُتَحَیِّراً اللَّهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ حَمْداً مُتَوَاتِراً مُتَوَالِیاً مُتَّسِقاً مُسْتَوْسِقاً یَدُومُ وَ لَا یَبِیدُ غَیْرَ مَفْقُودٍ فِی الْمَلَکُوتِ وَ لَا مَطْمُوسٍ فِی الْعَالَمِ وَ لَا مُنْتَقَصٍ فِی الْعِرْفَانِ فَلَکَ الْحَمْدُ حَمْداً لَا تُحْصَی مَکَارِمُهُ فِی اللَّیْلِ إِذْ أَدْبَرَ وَ فِی الصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ وَ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ وَ الْعَشِیِّ وَ الْإِبْکَارِ وَ الظَّهِیرَهِ وَ الْأَسْحَارِ اللَّهُمَّ بِتَوْفِیقِکَ أَحْضَرْتَنِی النَّجَاهَ وَ جَعَلْتَنِی مِنْکَ فِی وَلَایَهِ الْعِصْمَهِ لَمْ تُکَلِّفْنِی فَوْقَ طَاقَتِی إِذْ لَمْ تَرْضَ مِنِّی إِلَّا بِطَاعَتِی فَلَیْسَ شُکْرِی وَ إِنْ دَأَبْتُ مِنْهُ فِی الْمَقَالِ وَ بَالَغْتُ مِنْهُ فِی الْفَعَالِ بِبَالِغٍ أَدَاءَ حَقِّکَ وَ لَا مُکَافٍ فَضْلَکَ لِأَنَّکَ

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ تَغِبْ عَنْكَ غَائِبَةٌ وَ لَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَافِيَةٌ وَ لَا تَضِلُّ لَكَ فِي ظُلَمِ الْخَفِيَّاتِ ضَالَّةٌ إِنَّمَا أَمْرُكَ إِذَا أَرَدْتَ شَيْئاً أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمِدْتَ بِهِ نَفْسَكَ وَ حَمِدَكَ بِهِ الْحَامِدُونَ وَ مَجَّدَكَ بِهِ الْمُمَجِّدُونَ وَ كَبَّرَكَ بِهِ الْمُكَبِّرُونَ وَ عَظَّمَكَ بِهِ الْمُعَظِّمُونَ حَتَّى يَكُونَ لَكَ مِنِّي وَحْدِي فِي كُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ وَ أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ مِثْلُ حَمْدِ جَمِيعِ الْحَامِدِينَ وَ تَوْحِيدِ أَصْنَافِ الْمُخْلِصِينَ وَ تَقْدِيسِ أَحِبَّائِكَ الْعَارِفِينَ وَ ثَنَاءِ جَمِيعِ الْمُهَلِّلِينَ وَ مِثْلُ مَا أَنْتَ عَارِفٌ بِهِ وَ مَحْمُودٌ بِهِ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ مِنَ الْحَيَوَانِ وَ الْجَمَادِ وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ فِي شُكْرِ مَا أَنْطَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ فَمَا أَيْسَرَ مَا كَلَّفْتَنِي مِنْ ذَلِكَ وَ أَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَى شُكْرِكَ ابْتَدَأْتَنِي بِالنِّعَمِ فَضْلًا وَ طَوْلًا وَ أَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقّاً وَ عَدْلًا وَ وَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أَضْعَافاً وَ مَزِيداً وَ أَعْطَيْتَنِي مِنْ رِزْقِكَ اعْتِبَاراً وَ امْتِحَاناً وَ سَأَلْتَنِي مِنْهُ قَرْضاً يَسِيراً صَغِيراً وَ وَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أَضْعَافاً وَ مَزِيداً وَ عَطَاءً كَثِيراً وَ عَافَيْتَنِي مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَ لَمْ تُسَلِّمْنِي لِلسُّوءِ مِنْ بَلَائِكَ وَ مَنَحْتَنِي الْعَافِيَةَ وَ أَوْلَيْتَنِي بِالْبَسْطَةِ وَ الرَّخَاءِ وَ ضَاعَفْتَ لِيَ الْفَضْلَ مَعَ مَا وَعَدْتَنِي بِهِ مِنَ الْمَحَلَّةِ الشَّرِيفَةِ وَ بَشَّرْتَنِي بِهِ مِنَ الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الْمَنِيعَةِ وَ اصْطَفَيْتَنِي بِأَعْظَمِ النَّبِيِّينَ دَعْوَةً وَ أَفْضَلِهِمْ شَفَاعَةً مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَسَعُهُ إِلَّا مَغْفِرَتُكَ وَ لَا يَمْحَقُهُ إِلَّا عَفْوُكَ وَ هَبْ لِي فِي يَوْمِي هَذَا وَ سَاعَتِي هَذِهِ يَقِيناً يُهَوِّنُ عَلَيَّ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا وَ أَحْزَانَهَا وَ يُشَوِّقُنِي إِلَيْكَ وَ يُرَغِّبُنِي فِيمَا عِنْدَكَ وَ اكْتُبْ لِي الْمَغْفِرَةَ وَ بَلِّغْنِي الْكَرَامَةَ وَ ارْزُقْنِي شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الرَّفِيعُ الْبَدِيءُ الْبَدِيعُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الَّذِي لَيْسَ لِأَمْرِكَ مَدْفَعٌ وَ لَا عَنْ قَضَائِكَ مُمْتَنَعٌ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَبِّي وَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ فاطِرُ السَّماوَاتِ وَ الْأَرْضِ عالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ الْمُتَعالِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ وَ الْعَزِيمَةَ فِي الرُّشْدِ وَ إِلْهَامَ الشُّكْرِ عَلَى نِعْمَتِكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَوْرِ كُلِّ جَائِرٍ وَ بَغْيِ كُلِّ بَاغٍ وَ حَسَدِ كُلِّ حَاسِدٍ اللَّهُمَّ بِكَ أَصُولُ عَلَى الْأَعْدَاءِ وَ إِيَّاكَ أَرْجُو وَلَايَةَ الْأَحِبَّاءِ وَ مَعَ مَا لَا أَسْتَطِيعُ

إحْصَاءَهُ مِنْ فَوَائِدِ فَضْلِكَ وَ أَصْنَافِ رِفْدِكَ وَ أَنْوَاعِ رِزْقِكَ فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ حَمْدُكَ الْبَاسِطُ بِالْحَقِّ يَدَكَ لَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ وَ لَا تُنَازَعُ فِي مُلْكِكَ وَ لَا تُرَاجَعُ فِي أَمْرِكَ تَمْلِكُ مِنَ الْأَنَامِ مَا شِئْتَ وَ لَا يَمْلِكُونَ إِلَّا مَا تُرِيدُ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُنْعِمُ الْمُفْضِلُ الْقَادِرُ الْقَاهِرُ الْمُقَدَّسُ فِي نُورِ الْقُدْسِ تَرَدَّيْتَ بِالْعِزَّهِ وَ الْمَجْدِ وَ تَعَظَّمْتَ بِالْقُدْرَهِ وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ غَشَّيْتَ النُّورَ بِالْبَهَاءِ وَ جَلَّلْتَ الْبَهَاءَ بِالْمَهَابَهِ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ الْعَظِيمُ وَ الْمَنُّ الْقَدِيمُ وَ السُّلْطَانُ الشَّامِخُ وَ الْحَوْلُ الْوَاسِعُ وَ الْقُدْرَهُ الْمُقْتَدِرَهُ وَ الْحَمْدُ الْمُتَتَابِعُ الَّذِي لَا يَنْفَدُ بِالشُّكْرِ سَرْمَداً وَ لَا يَنْقَضِي أَبَداً إِذْ جَعَلْتَنِي مِنْ أَفَاضِلِ بَنِي آدَمَ وَ جَعَلْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً صَحِيحاً سَوِيّاً مُعَافًى لَمْ تَشْغَلْنِي بِنُقْصَانٍ فِي بَدَنِي وَ لَا بِآفَهٍ فِي جَوَارِحِي وَ لَا عَاهَهٍ فِي نَفْسِي وَ لَا فِي عَقْلِي وَ لَمْ يَمْنَعْكَ كَرَامَتُكَ إِيَّايَ وَ حُسْنُ صُنْعِكَ عِنْدِي وَ فَضْلُ نَعْمَائِكَ عَلَيَّ إِذْ وَسَّعْتَ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا وَ فَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ أَهْلِهَا تَفْضِيلًا وَ جَعَلْتَنِي سَمِيعاً أَعِي مَا كَلَّفْتَنِي بَصِيراً أَرَى قُدْرَتَكَ فِيمَا ظَهَرَ لِي وَ اسْتَرْعَيْتَنِي وَ اسْتَوْدَعْتَنِي قَلْباً يَشْهَدُ لِعَظَمَتِكَ وَ لِسَاناً نَاطِقاً بِتَوْحِيدِكَ فَإِنِّي لِفَضْلِكَ عَلَيَّ حَامِدٌ وَ لِتَوْفِيقِكَ إِيَّايَ بِحَمْدِكَ شَاكِرٌ وَ بِحَقِّكَ شَاهِدٌ وَ إِلَيْكَ فِي مُلِمِّي وَ مُهِمِّي ضَارِعٌ لِأَنَّكَ حَيٌّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَ حَيٌّ بَعْدَ كُلِّ مَيِّتٍ وَ حَيٌّ تَرِثُ الْأَرْضَ وَ مَنْ عَلَيْهَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ اللَّهُمَّ لَا تَقْطَعْ عَنِّي خَيْرَكَ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَ لَمْ تُنْزِلْ بِي عُقُوبَاتِ النِّقَمِ وَ لَمْ تُغَيِّرْ مَا بِي مِنَ النِّعَمِ وَ لَا أَخْلَيْتَنِي مِنْ وَثِيقِ الْعِصَمِ فَلَوْ لَمْ أَذْكُرْ مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ وَ إِنْعَامِكَ عَلَيَّ إِلَّا عَفْوَكَ عَنِّي وَ الِاسْتِجَابَهَ لِدُعَائِي حِينَ رَفَعْتُ رَأْسِي بِتَحْمِيدِكَ وَ تَمْجِيدِكَ لَا فِي تَقْدِيرِكَ جَزِيلَ حَظِّي حِينَ وَفَّرْتَهُ انْتَقَصَ مُلْكُكَ وَ لَا فِي قِسْمَهِ الْأَرْزَاقِ حِينَ قَتَّرْتَ عَلَيَّ تَوْفِيرُ مُلْكِكَ.

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحاطَ بِهِ عِلْمُکَ وَ عَدَدَ مَا أَدْرَکَتْهُ قُدْرَتُکَ وَ عَدَدَ مَا وَسِعَتْهُ رَحْمَتُکَ وَ أَضْعَافَ ذَلِکَ کُلِّهِ حَمْداً وَاصِلًا مُتَوَاتِراً مُتَوَازِياً لِآلَائِکَ وَ أَسْمَائِکَ اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ إِحْسَانَکَ إِلَيَّ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِي کَمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ مِنْهُ فِيمَا مَضَى فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْکَ بِتَوْحِيدِکَ وَ تَهْلِيلِکَ وَ تَمْجِيدِکَ وَ تَکْبِيرِکَ وَ تَعْظِيمِکَ وَ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِي خَلَقْتَهُ مِنْ ذَلِکَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْکَ إِلَّا إِلَيْکَ وَ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الرُّوحِ الْمَکْنُونِ الْحَيِّ الْحَيِّ الْحَيِّ وَ بِهِ وَ بِهِ وَ بِهِ وَ بِکَ وَ بِکَ وَ بِکَ أَلَّا تَحْرِمَنِي رِفْدَکَ وَ فَوَائِدَ کَرَامَتِکَ وَ لَا تُوَلِّنِي غَيْرَکَ وَ لَا تُسْلِمْنِي إِلَى عَدُوِّي وَ لَا تَکِلْنِي إِلَى نَفْسِي وَ أَحْسِنْ إِلَيَّ أَتَمَّ الْإِحْسَانِ عَاجِلًا وَ آجِلًا وَ حَسِّنْ فِي الْعَاجِلَهِ عَمَلِي وَ بَلِّغْنِي فِيهَا أَمَلِي وَ فِي الْآجِلَهِ وَ الْخَيْرَ فِي مُنْقَلَبِي فَإِنَّهُ لَا تُفْقِرُکَ کَثْرَهُ مَا يَنْدَفِقُ بِهِ فَضْلُکَ وَ سَيْبُ الْعَطَايَا مِنْ مَنِّکَ وَ لَا يَنْقُصُ جُودَکَ تَقْصِيرِي فِي شُکْرِ نِعْمَتِکَ وَ لَا تُجِمُّ خَزَائِنَ نِعْمَتِکَ النِّعَمُ وَ لَا يَنْقُصُ عَظِيمَ مَوَاهِبِکَ مِنْ سَعَتِکَ الْإِعْطَاءُ وَ لَا يُؤَثِّرُ فِي جُودِکَ الْعَظِيمِ الْفَاضِلِ الْجَلِيلِ مِنَحُکَ وَ لَا تَخَافُ ضَيْمَ إِمْلَاقٍ فَتُکْدِيَ وَ لَا يَلْحَقُکَ خَوْفُ عُدْمٍ فَيَنْقُصَ فَيْضُ مُلْکِکَ وَ فَضْلِکَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْباً خَاشِعاً وَ يَقِيناً صَادِقاً وَ بِالْحَقِّ صَادِعاً وَ لَا تُؤْمِنِّي مَکْرَکَ وَ لَا تُنْسِنِي ذِکْرَکَ وَ لَا تَهْتِکْ عَنِّي سِتْرَکَ وَ لَا تُوَلِّنِي غَيْرَکَ وَ لَا تُقَنِّطْنِي مِنْ رَحْمَتِکَ بَلْ تَغَمَّدْنِي بِفَوَائِدِکَ وَ لَا تَمْنَعْنِي جَمِيلَ عَوَائِدِکَ وَ کُنْ لِي فِي کُلِّ وَحْشَهٍ أَنِيساً وَ فِي کُلِّ جَزَعٍ حِصْناً وَ مِنْ کُلِّ هَلَکَهٍ غِيَاثاً وَ نَجِّنِي مِنْ کُلِّ بَلَاءٍ وَ اعْصِمْنِي مِنْ کُلِّ زَلَلٍ وَ خَطَاءٍ وَ تَمِّمْ لِي فَوَائِدَکَ وَ قِنِي وَعِيدَکَ وَ اصْرِفْ عَنِّي أَلِيمَ عَذَابِکَ وَ تَدْمِيرَ تَنْکِيلِکَ وَ شَرِّفْنِي بِحِفْظِ کِتَابِکَ وَ أَصْلِحْ لِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ وَسِّعْ رِزْقِي وَ أَدِرَّهُ عَلَيَّ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ وَ لَا تُعْرِضْ عَنِّي اللَّهُمَّ ارْفَعْنِي وَ لَا تَضَعْنِي وَ ارْحَمْنِي وَ لَا تُعَذِّبْنِي وَ انْصُرْنِي وَ لَا تَخْذُلْنِي وَ آثِرْنِي وَ لَا تُؤْثِرْ عَلَيَّ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي يُسْراً وَ فَرَجاً وَ عَجِّلْ إِجَابَتِي وَ اسْتَنْقِذْنِي مِمَّا قَدْ نَزَلَ بِي إِنَّکَ عَلى کُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ وَ ذَلِکَ عَلَيْکَ يَسِيرٌ وَ أَنْتَ

الْجَوَادُ الْكَرِيمُ (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: دعایی از مولای ما امیر المؤمنین علی بن ابی طالب صلوات اللّٰه علیه که این را در سختی ها و در هنگام نزول حادثه ها می خواندنـد و این دعا سریع الاجابت از جانب خـداست: خداونـدا تویی پادشاه حقی که نیست خـدایی مگر تو و منم بنده تو به خود ستم نمودم و به گناه خود اقرار دارم، پس گناهان مرا بیامرز برای من نیست خدایی مگر تو ای آمرزنده.

خداونـدا تو را ستایش می کنم و تو سزاوار ستایش بر چیزی هستی که مرا به آن اختصاص دادی از آرزوهای بخشیده شده و آنچه از نیکی هـای افزون تو که به من رسید و آنچه از احسـان خود که به من عطا نمودی و رضایت خود را بر من عهـده دار شـدی و از نعمت خود و دفاع کردن از من و توفیق دادن و برآوردن دعایم به من رسانیدی تا اینکه که مناجات کنم با تو در حالی که تمایل دارم و می خوانم تو را در حالی که اخلاص دارم و به تو امید دارم و تو را می یابم که اصلاح کننده من در مکان ها و ناظر بر من در کارها و آمرزنده گناهان و پوشاننده عیب های من هستی. و یک چشم بر همزدن نیکویی تو را از دست ندادم از وقتی که مرا به خانه آزمایش فرود آوردی تا ببینی که چه چیز پیش می فرستم برای خانه همیشگی.

خدایا من آزاد شده تو از تمامی گمراهی ها و آسیب ها و مصیبت ها و عیب ها و سختی ها و تنگی ها هستم و غم هایی که در آن اندوه ها با بلاهـای گونـاگون و قضاهـای سـخت مختلف بر من حمله ور شـد و من از تو جز زیبـایی به خـاطر نـدارم و جز فزونی از تو ندیـدم. خیر تو مرا فراگرفـت و فضـل تـو بر مـن پیـاپی اسـت و نعمت هـایت پشت سر هم فراوان است. ترس مرا محقـق نکردی بلکه امیـد مرا راست کردی و در سفرهایم با من رفاقت نمودی و به هنگام حضورم مرا گرامی داشتی و دردهای مرا شـفا دادی و مرض هایم را عافیت بخشـیدی و دنیا و آخرت مرا نیک گرداندی و مرا دشمن شاد نگردانیدی و انداختی به کسی که به من انداخت و مرا از شر کسی که با من دشمنی کرد، کفایت نمودی.

خداوندا چه بسا دشـمنی که شمشـیر دشمنی خود را بر من کشید و دم کارد بزرگ خود را برای کشتن من تیز کرد و لبه آن را برنده ساخت و زهرهـای کشـنده خود را برای من در آمیخت و تیرهای خود را به سـمت من روانه کرد و در دل گرفت که به من ناخوشـی را به من برسانـد و تلخی زهرهای خود را به من بیاشاماند پس ای خدای من تو به سـستی من از برداشـتن بارهای گران بلاها نگاه کردی و به ناتوانی من در انتقام کشـیدن از کسـی که قصد جنگ با من دارد و به تنهایی من در بسـیار از کسانی که با من دشمنی نمودند و برای من به کمین نشست در بلایی که نتوانم فکر خود را در انتقـام کشـیدن از مثـل او به کار برم پس آنگاه مرا قوّت دادی ای پروردگار من به یاری خود و دسـتهای مرا به یاری خود محکم کردی پس تیزی او را برای من کنـد نمودی و او را پس از اجتماع بسـیار تنها قرار دادی و مرا بر او رفعت دادی و او را وامانـده باز گردانـدی در حـالی که سوزش سـینه خود را شـفا نـداد و گرمی هـای خشم خود را خنک نکرد و بر دست خود دنـدان گرفت و پشت کرد و بر گشت، لشکرهای او به جای ماندند و آرزوهای او محقق نشد.

خداونـدا چه بسـا سـتمکاری که به مکرهای خود بر من سـتم نمود و دامهای شـکارکننده های خود را برای من بر پای کرد و مثل نشسـتن شـیر برای شـکار خود در کمین من نشسـت و فرصت خود را و رسیدن به شکار خود را مغتنم شمرد و حال آنکه او شکفتگی چاپلوسی را ظاهر می کنـد و به حسب ظاهر برای من روی گشاده را می گشاید پس چون تو ای خدای من فساد باطن او را و زشتی آنچه را که پنهان است در سـینه او دیـدی، او را به اصـل سر او در گور خودش نگون سـاز کردی و او را در محـل افتـادن در گودال خودش سـرازیر انـداختی و او را به عقب بر گردانیدی و سنگ خودش را به جانب او انداختی و او را به پیکان تیر خودش زخم نمودی و به زه کمان خودش گلو گیر کردی و مکر او را به خودش برگردانیدی و به گردن او انداختی پشیمانی او را پس بی مددکار ماند و پس از تکبر داشـتن خفیف گشت و فروتنی نمود و بعد از گردنکشـی خوار گشت و در حلقه های دام خود گرفتار شـد که دوست می داشت مرا در آنها بیندازد و نزدیک بود اگر رحمت تو نبود، فرود آید به من آنچه فرود آمده بود به میان سـرای او و از بلاها پس همه حمد از برای پروردگار بسـیار توانایی است که نزاع نمی شود و برای مولای بردباری است که شتاب نمی کند و برای پاینده ای است که غافل نمی شود و بردباری است که جهل ندارد.

تـو را خوانـدم ای خـدای من در حـالی که به تـو پنـاه آوردم و به زود بر آوردن حـاجت اعتمـاد دارم، بر آنچه همیشه می دانسـتم از نیکو دفع نمودن تو از من، توکّل میکنم. دانایم به اینکه کسـی که در سایه حمایت تو باشد سـتم نمی بیند و بلاها و مصـیبت ها در خانه کسی را که پناه آورده باشـد به قلعه یاری تو نمی کوبـد، رها نمودی مرا ای پروردگار من به سـبب توانایی خود و نجات دادی مرا از شـدّت آزار او به فضل و بخشش خود.

خداوندا چه بسا از ابرهای ناخوش که آنها را زدودی و ابرهای نعمتی که آنها را بارانیدی و جویهای بخششی که آنها را روان ساختی و چشمه هـای حـادثه ها و بلاهایی که آنها را پر کردی و رحمت تازه ای که آن را گسترانیـدی و پرده های انـدوه هایی که آنها را برداشتی و غم های بلاـیی که آنهـا را برطرف کردی و سپر صـحت و سـلامتی که پوشانیـدی آن را به من و حوادثی که آنهـا را تقـدیر کردی، عاجز نکرد ترا آن کارها در وقتی که آنها را طلب نمودی و سرباز نزدند از تو در هنگامی که آنها را خواستی.

خداوندا چه بسا حسود شروری که مرا به حسد خود قصد نموده باشد و به تندی زبان خود آزار کرده باشد و مرا به گوشه چشمهای خود طعن زده باشـد و آبروی مرا نشـانه ای برای تیرهـای خود قرار داد و در گردن من صـفت هایی انـداخت که همیشه در خودش بود پس مرا از شـرّ او نگاه داشتی.

خداوندا چه بسا گمان خوبی که آن را تحقق بخشـیدی و ناداری از راه پریشانی که آن را اصـلاح نمودی و فراخ گردانیدی و بسا افتاده ای که به پای داشتی و بسا اندوهی که آن را برطرف کردی و بسا بیچارگی که تغییر دادی و نعمتی که بخشیدی، پرسیده نمی شوی از آنچه می کنی و نه به سـبب آنچه بخشیدی بخیل می شوی و درخواست شدی پس عطا کردی و درخواست نشدی پس ابتدا کردی و زیادتی احسان تو طلب شد پس اندك ندادی، سرباز زدی از همه چیز مگر از انعام دادن و بخشش کردن و احسان نمودن و من از همه چیز سر باززدم مگر از انداختن خود در گناهان و نافرمانی تو و دریـدن پرده های حرامهای تو و درگذشـتن از حدود تو و بی خبری و بی پروایی از ترسـیدن تو و فرمانبرداری از دشـمن تو و دشـمن من، از تمام کردن نیکویی خود و پیاپی فرستادن بخشش خود باز نایستادی و این مرا از مرتکب شدن چیزهایی که تو را به خشم آورد باز نداشت .

خداوندا این جای ایسـتادن من، مقام کسی است که برای تو به کوتاهی از به جای آوردن حقّ تو اقرار می کند و بر نفس خود به تمامی نعمت تو و نیکویی کفایت تو گواهی می دهد، پس ببخش به من خداوندا ای خدای من آنچه را که به سـبب آن به رحمت تو برسم و فراگیرم آن را نردبـانی که بالاـ روم به سوی مراتب خوشـنودیهای تو و به سـبب آن از عقوبت تو ایمن گردم، به درسـتی که تو آنچه را که خواهی انجـام می دهی و ثابت و موجود می گردانی آنچه را که اراده نمایی و تو بر هر چیز توانایی.

خداوندا ستایش من برای تو پیوسته است و درود من بر تو همیشگی است از زمانی تا به زمانی دیگر به انواع تسبیح کردن و اقسام تنزیه نمودن در حالی که یادآوری تو را از غیر خالص نمودم و رضایت تو را اراده نمودم به خالص نمودن یکتایی تو و به محض ساختن ستایش تو و بسیار شمردن نعمتهای تو در دروغگو دانستن فاسقان.

تو در چیزی از توانایی خود یاری نشـدی و کسـی در خداونـدی تو شـریک تو نشد و دیده و دانسـته نشدی در هنگامی که چیزها را بر طبیعت هـای مختلـف موجود کردی، و مخلوقـات را بر انواع شـکل هـا آفریـدی، و وهم هـا پرده هـای پنهـانی را به سوی تو ندریدنـد تـا عظمت تو و چگونگی همیشـگی بودن تو و امر ممکنی در قـدیم بودن تو را دریابنـد و عمق همّتهـا به تو نمی رسـد و فرو رفتن زیرکی ها تو را نمی یابـد و نگاه نگاه کنندگان به سوی تو در شرف بزرگواری تو و بزرگی توانایی تو منتهی نمی شود.

تعریف کردن توانایی تو از توصـیف آفریدگان بلند گشت و بزرگواری بزرگی تو از این تعریف بالاتر است و کم نمی شود آنچه خواستی که زیاد گردد و زیاد نمی شود آنچه اراده نمودی که کم باشد و وقتی که خلق نمودی آفریدگان را کسـی شاهد نبود و نه معاندی حضور داشـت

وقتی که جان ها را خلق نمودی.

زبان ها از تفسیر وصف تو عاجز شدند، و عقلها از عمق معرفت تو باز ماندند و چگونه تعریف شوی و حال آنکه تویی صاحب جبروت منزّه از همه عیب ها که همیشه بودی بدون اوّلی و بی آخری. همیشه هستی در پنهانی از نظرها یگانه ای. در آن غیر تو کسی نیست و احدی غیر تو برای آنها نبود.

و راه های عمیق تفکر در پادشاهی تو حیران شدند. و دیده بینا از دیدن تو واماند، پس پادشاهان برای هیبت تو فروتنی نمودند و روی ها به خواری زاری برای تو خضوع نمودند و هر چیزی از بزرگی تو اطاعت نمود و هر چیزی بر توانایی تو گردن نهاد و برای تو گردن ها فروتنی نمودند.

و در آنجا تدبیر نمودن در صفت های گوناگون گمراه شد، پس کسی که فکر کند در این امر، فکر او به سوی خودش باز مانده و عقل او حیران و فکرش سرگردان بر می گردد.

خداوندا پس از برای توست ستایش پیوسته به یک دیگر پی در پی، منتظم، بسته به یک دیگر که همیشه باشد و برطرف نگردد و در پادشاهی تو فانی نشود و در عالم محو نگردد و کم نشود در شناخت تو پس از برای توست ستایشی که نیکی های آن در شمار نیاید در شب هر گاه پشت کند و در صبح وقتی که روشن شود و در صحرا و در دریا و بعد از صبح و هنگام عصر و در شبانگاه و در بامداد و در میان روز و سحرها.

خداوندا به توفیق خود که نجات را در نزد من حاضر نمودی و مرا در حمایت خود نگاه داشتی، و مرا زیاده بر توانایی خود تکلیف نکردی زیرا فقط در حد توانایی ام از من راضی گشتی و هر چند در گفتار سعی نمایم و در کردار مبالغه کنم شکر من به ادای حق تو نمی رسد و با فضل تو برابری نمی کند زیرا تو آن خدایی که نیست خدایی مگر تو غایب نبودی و پنهانی از تو پنهان نمی شود و پوشیده شده ای بر تو پوشیده نمی گردد و گم شده ای در تاریکی های پنهانی، از تو گم نشد. به درستی که فرمان تو چنان است که هر گاه خواهی چیزی را به آن می گویی موجود شو پس موجود می شود.

خداوندا برای توست ستایش مانند آنچه خود را به آن ستایش نمودی و آنچه ستایش کنندگان تو را به آن ستایش کردند و تسبیح کنندگان تو را به آن تنزیه نمودند و تعظیم کنندگان تو را به آن تعظیم کردند و به بزرگی یادکنندگان تو را به آن به بزرگی یاد نمودند و تا به حدّی که باشد برای تو از من به تنهایی در هر چشم برهمزدن و کمتر از آن مثل سپاس سپاس کنندگان و توحید انواع مخلصان و تسبیح دوستان عارف تو و ستایش تمامی کسانی که اقرار به یگانگی کردند و مثل آنچه تو به آن آگاهی و به واسطه آن در همه آفریدگان خود از حیوانات و جمادات مورد سپاسی.

و به سوی تو می گرایم در شکر آنچه از ستایش خود که مرا بدان گویا کردی. پس چه آسان است آنچه از حق خود که بر من تکلیف نمودی و چه بزرگ است آنچه که مرا بر شکر خود وعده دادی.

از روی تفضّل و بخشش نعمت ها را بر من آغاز کردی و مرا به شکر کردن از روی راستی و عدالت امر فرمودی و مرا بر آن چندین برابر و زیاده وعده دادی و از روزی خود از روی آزمایش و سنجش به من بخشیدی و در عوض آن از من قرضی آسان کوچک را خواستی و مرا از مشقّت بلا برکنار داشتی و مرا به مصیبت های بد از بلاهای خود نسپردی. تندرستی را به من بخشیدی و راحتی و آسایش عطا نمودی و بهترین فضل ها را در حق من آغاز کردی با مکان شریفی که به من وعده دادی و درجه والا ـ را به من بشارت دادی و مرا به دعوت بزرگ ترین پیامبرانت و فاضل ترین آنها از جهت شفاعت حضرت محمد صلی الله علیه و آله برگزیدی.

خداونـدا پس بیامرز گناهان مرا که فرا نمی گیرد آن را مگر آمرزش تو و برطرف نمی کنـد آن را مگر گذشـتن تو و نمی پوشانـد آن را مگر زیادی بخشـش تو و در این روز به من یقینی ببخش که به سبب آن بلاهای دنیا و اندوه های آن را بر من آسان گردانی با اشتیاق به سوی تو و به آرزوی آنچه نزد تو است و آمرزش را برای من در نزد خود بنویس و مرا به مرتبه کرامت برسـان و شـکر آنچه که بر من انعام کردی روزی ام کن. پس به درستی که تویی خـدای یگانه بلند مرتبه خلق کننده تازه پدید آورنده شـنوای دانا که نیست برای فرمان تو باز دارنده ای و نه از حکم تو گریزنده ای.و گواهی می دهم که تویی پروردگار من و پروردگار هر چیز تویی آفریدگار آسمانها و زمین دانای پنهان و آشکار بلند مرتبه بزرگوار.

خداوندا به درستی که من از تو ثبات در امر و اسـتواری در راه راست و ملهم گشـتن به شکرگزاری بر نعمت تو می خواهم و پناه می برم به تو از ستم کردن هر ستمکاری و ظلم نمودن هر ظلم کننده ای و رشک هر رشک برنده ای.

به قوّت تو بر دشـمنان حمله می کنم و به تو دوستی دوسـتان را امید دارم با وجود آنکه بر شـمردن و شـمارش نیکویی های بخشش تو و انواع روزی و نعمت هایت قادر نیسـتم. به راستی تویی خدا که نیست خدایی مگر تو. در میان خلایق ستایش تو پراکنده است. تویی گشاینده دست خـود به راسـتی و کرم. در حکم خـود مخـالفت نمی شوی و در فرمـان خود نزاع نمی شوی، مالـک می شوی از خلایـق آنچه را که خواهی و مالک نمی شوند ایشان مگر آنچه را که تو خواهی..

خدایا تویی انعام کننده احسان کننده توانای غلبه کننده منزّه در روشـنی پاکیزگی، عزّت و شـرف را ردای خود ساختی و اظهار بزرگی نمودی به توانایی و بزرگواری و نور خود را به شرف پوشانیدی و شرف خود را به هیبت زینت دادی.

خداونـدا برای توست سـتایش بزرگ و نعمت دادن دائمی و پادشاهی بلنـد مرتبه و قدرت وسـیع و توانایی با اقتدار و سـتایش پی در پی که به سبب شـکرگزاری همیشـگی از بین نرود و هرگز به آخر نرسـد زیرا مرا از جمله فاضـل ترین اولاد آدم قرار دادی و مرا شـنوا و بینـا در کمـال صحّت راست انـدام به سـلامت گردانیدی، مرا به عیبی که باشد در بدن من مشـغول نگردانیدی و نه به آفت و بلایی که باشد در اعضای من و نه به آزاری که وارد شود بر نفس من و نه به نقصی که باشد در عقل من.

و بخشـش های تو به من و نیکویی احسان تو نزد من و زیادتی نعمت های تو بر من، تو را از زیادتی احسان باز نـداشت. چون که فراخ نمودی بر من روزی را در دنیا و زیاد دادی مرا بر بسـیاری از اهل دنیا زیادتی بسیار و مرا شنوا گردانیدی تا بفهمم آنچه را که به من تکلیف نمودی و بینـا گردانیـدی تـا آنکه ببینم توانـایی تو را در آنچه ظـاهر است برای من و سپردی به من و به امانت دادی به من دلی را که گواهی دهـد برای بزرگواری تو و زبـانی را که گویا باشـد به یگانه دانسـتن تو پس به درستی که من برای احسان تو بر من سـتایش کننـده ام و برای توفیق من به ستایش کردن تو شکرکننده ام و به حق تو بر خود گواهم و به سوی تو در سختی و بلاء زاری کننده ام زیرا تویی زنده پیش از هر زنده و زنده پس از هر مرده و زنده ای که ارث می بری زمین را و کسی را که بر اوست و تو بهترین ارث برندگانی.

خـدایا نیکی خود را از در هر زمـانی از من قطع نکن و مشـقّت هـای عـذاب هـای خود را بر من فرو نیاوردی و نعمت های خود را بر من تغییر نـدادی. و از نگاهـداشت محکم خود مرا رها نکردی پس اگر از نیکویی و احسان تو به یاد نیاورم مگر گذشت تو و برآوردن حاجتم در وقتی که سـر خود را به حمد و سـتایش تو بالا کردم، بهره فراوان من در تقدیر تو از پادشاهی ات نکاست و نه آن هنگام که در تقسـیم ارزاق روزی مرا اندک گردانیدی بر پادشاهی ات افزوده شد.

خـدایا سپاس برای توست به عـدد آنچه علم تو آن را نگاه داشت و به عـدد آنچه توانایی تو آن را فرا گرفت و به عدد آنچه رحمت تو آن را گنجایش داشته باشد. و چندین برابر اینها همه ستایشی پیوسته پیاپی که برابری نماید به نعمتهای تو و به نام های تو.

خداونـدا پس تمـام کن نیکـویی خـود را به سـوی من در آنچه بـاقی است از عمر من همچنـان که نیکـوئیی نمودی به من در آنچه از عمر من

گـذشت پس به درستی که متوسّـلم به سوی تو به اقرار به یگـانگی تو و به تهلیل گفتن تو و به تعظیم کردن تو و بزرگ شـمردن تو و بزرگوار دانستن تو و از تو می خواهم به نام تو که آفریدی آن را تا تو را به آن بخوانند پس بیرون نمی رود از تو مگر به سوی تو.

و از تـو می خواهم به نـام تو که روح در خزانه توست که زنـده زنـده زنـده زنـده است و به او و به او و به او و به تو و به تو و به تو که مرا از عطـای خـود و از نفـع هـای بخشـش خود محروم نگردانی و بر من غیر خود را به عوض خود متولی مگردان و مرا به دشـمن من مسـپار و مرا به خودم وامگـذار و نیکی کن به من به تمـام ترین نیکی در دنیـا و آخرت و در دنیـا کردار مرا نیکو گردان و در دنیـا آرزوهـای مرا به من برسـان و در آخرت نیز و نیکی را در بازگشـتم قرار ده پس به درستی که بسـیاری آنچه از بخشـش تو روان است و جاری شدن کرامتهایی از انعام تو سبب نیاز تو نشود و کوتاهی من در شـکرگزاری نعمت تو بخشـش تو را کم نمی کند و نبخشیدن، خزانه های نعمت تو را پر نمی کند و بخشش تو بزرگی کرامت های تو را که حاصل از فراخ دستی توست، کم نمی کنـد و عطیّه های تو در بخشـش بزرگ زیاد عظیم تو تاثیر نمی گـذارد و تو از ناداری فقر و احتیاج نمی ترسـی تا آنکه عطای خود را کم کنی و ترس از پریشانی به تو نمی رسـد تا آنکه بسـیاری مملکت تو و احسان تو کم شود.

خداوندا دلی فروتن و یقینی راست و ترسنده از حق روزی ام کن و مرا از مکر خود ایمن مگردان و خود را از یاد من مبر و پرده پوشاننده خود را از من پاره مکن و بر من غیر خود را متولّی مکن و ناامیـد مگردان مرا از رحمت خود بلکه مرا به کرامت های نفع دهنده های خود بپوشان و نیکی بخششـهای خود را از من منع مکن و برای من در هر تنهایی همراز و در هر بی صبری و شـکوه ای قلعه و از هر هلاکتی فریادرس باش و مرا از هر بلایی خلاصـی ده و از هر لغزش و گناهی نگاهـدار و احسانهای خود را برای من تمام گردان و مرا از عقوبت خود و عذاب دردناک خـود نگـاه دار و عقوبت هلاـک کننـده خود را از من بگردان و مرا به نگاهداشـتن قرآن تو عزیز گردان و دین مرا و دنیـای مرا و آخرت مرا و اهل مرا و فرزندان مرا نیکو گردان و فراخ کن روزی مرا و آن را بر من جاری و پیوسته کن و بر من روی آور و از من روی مگردان.

خـدایا مرا رفعت بخش و فرو نیـار و بر من رحم کن و مرا عـذاب نکن و مرا یـاری فرمـا و تنها مگـذار و مرا ترجیـح بـده و دیگری را بر من بر نگزین در امرم گشایش و آسانی قرار ده و در اجابتم تعجیل فرما و مرا از آنچه بر من نازل شد نجات بخش و به راستی که بر هر چیزی توانایی و این بر تو آسان است و تویی بخشنده کریم. - . مهج الدعوات:۱۶۶-۱۵۸ -

**[ترجمه]

«۳۵»

أقول و لنا سند آخر عال جدا لهذا الدعاء و لا یخلو من غرابه فإنی أرویه عن والدی عن بعض الصالحین عن مولانا القائم علیه السلام: بلا واسطه و شرح ذلک أن (۲)

**[ترجمه]می گویم: و من سـندی دیگر از این دعا دارم که بسیار عالی است و از غرابت خالی نیست و من آن را از پدرم از برخی از صالحان از مولایمان حضرت قائم علیه السلام بی هیچ واسطه ای روایت می کنم و شرح آن چنین است که.......... - . در نسخه اصلی این قسمت سفید است.[۱] -

**[ترجمه]

«۳۶»

ق، [الکتاب العتیق الغرویّ] مهج، [مهج الدعوات] ذِکْرُ مَا نَخْتَارُهُ لِمَوْلَانَا الْمَهْدِیِّ علیه السلام وَ عَنْهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ بِرِوَایَهٍ أُخْرَی (۳)

فَمِنْ ذَلِکَ الدُّعَاءُ الْمَعْرُوفُ بِدُعَاءِ الْعَلَوِیِّ الْمِصْرِیِّ لِکُلِّ شَدِیدَهٍ وَ عَظِیمَهٍ أَخْبَرَهُمْ أَبُو الْحَسَنِ عَلِیُّ بْنُ حَمَّادٍ الْمِصْرِیُّ قَالَ أَخْبَرَنِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَیْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِیُّ قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ الْعَلَوِیُّ الْحُسَیْنِیُّ الْمِصْرِیُّ قَالَ: أَصَابَنِی غَمٌّ شَدِیدٌ وَ دَهِمَنِی أَمْرٌ عَظِیمٌ مِنْ قِبَلِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَلَدِی مِنْ مُلُوکِهِ فَخَشِیتُهُ خَشْیَهً لَمْ أَرْجُ لِنَفْسِی مِنْهَا مَخْلَصاً فَقَصَدْتُ مَشْهَدَ سَادَاتِی وَ آبَائِی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ بِالْحَائِرِ لَائِذاً بِهِمْ وَ عَائِذاً بِقُبُورِهِمْ وَ مُسْتَجِیراً مِنْ عَظِیمِ سَطْوَهِ مَنْ کُنْتُ أَخَافُهُ وَ أَقَمْتُ بِهَا خَمْسَهَ عَشَرَ یَوْماً أَدْعُو وَ أَتَضَرَّعُ لَیْلًا وَ نَهَاراً فَتَرَاءَی لِی قَائِمُ الزَّمَانِ وَ وَلِیُّ الرَّحْمَنِ عَلَیْهِ وَ عَلَی آبَائِهِ أَفْضَلُ التَّحِیَّهِ وَ السَّلَام فَأَتَانِی وَ أَنَا بَیْنَ النَّائِمِ وَ الْیَقْظَانِ فَقَالَ لِی یَا بُنَیَّ خِفْتَ فُلَاناً فَقُلْتُ نَعَمْ أَرَادَنِی بِکَیْتَ وَ کَیْتَ فَالْتَجَأْتُ إِلَی سَادَاتِی علیهم السلام أَشْکُو إِلَیْهِمْ لِیُخَلِّصُونِی مِنْهُ فَقَالَ لِی هَلَّا دَعَوْتَ اللَّهَ رَبَّکَ وَ رَبَّ آبَائِکَ بِالْأَدْعِیَهِ الَّتِی دَعَا بِهَا أَجْدَادِی الْأَنْبِیَاءُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ حَیْثُ کَانُوا فِی الشِّدَّهِ فَکَشَفَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُمْ ذَلِکَ قُلْتُ وَ بِمَا ذَا دَعَوْهُ لِأَدْعُوَهُ بِهِ قَالَ علیه السلام إِذَا کَانَ لَیْلَهُ الْجُمُعَهِ فَقُمْ وَ اغْتَسِلْ وَ صَلِّ صَلَاتَکَ فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْ سَجْدَهِ الشُّکْرِ فَقُلْ وَ أَنْتَ بَارِکٌ عَلَی رُکْبَتَیْکَ وَ ادْعُ

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۵۸- ۱۶۶.

۲- ۲. هاهنا بیاض فی نسخه الأصل، و فی هامشه: لا بد أن یکتب الباقی من هذه القصه من النسخه التی هی الآن عند الامیر محمّد صالح أو یؤخذ من ملا ذو الفقار أو ملا محمّد رضا إنشاء اللّه.

۳- ۳. نقل السیّد قدّس سرّه قبل هذا روایه للدعاء وجدها فی مجلد عتیق. و قد ذکرها المؤلّف العلامه فی تاریخ الإمام الثانی عشر ج ۵۱ ص ۳۰۷.

بِهَذَا الدُّعَاءِ مُبْتَهِلًا قَالَ وَ كَانَ يَأْتِينِی خَمْسَ لَيَالٍ مُتَوَالِيَاتٍ يُكَرِّرُ عَلَيَّ الْقَوْلَ وَ هَذَا الدُّعَاءَ حَتَّى حَفِظْتُهُ وَ انْقَطَعَ مَجِيئُهُ لَيْلَةَ الْجُمُعَهِ فَقُمْتُ وَ اغْتَسَلْتُ وَ غَيَّرْتُ ثِيَابِی (۱) وَ تَطَيَّبْتُ وَ صَلَّيْتُ مَا وَجَبَ عَلَيَّ مِنْ صَلَاهِ اللَّيْلِ وَ جَثَوْتُ عَلَى رُكْبَتَيَّ فَدَعَوْتُ اللَّهَ تَعَالَى بِهَذَا الدُّعَاءِ فَأَتَانِی عليه السلام لَيْلَهَ السَّبْتِ كَهَيْئَتِهِ الَّتِی يَأْتِينِی فِيهَا فَقَالَ لِی قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكَ يَا مُحَمَّدُ وَ قُتِلَ عَدُوُّكَ وَ أَهْلَكَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عِنْدَ فَرَاغِكَ مِنَ الدُّعَاءِ.

قَالَ فَلَمَّا أَصْبَحْتُ لَمْ يَكُنْ لِی هِمَّهٌ غَيْرَ وَدَاعِ سَادَاتِی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَ الرِّحْلَهِ نَحْوَ الْمَنْزِلِ الَّذِی هَرَبْتُ مِنْهُ فَلَمَّا بَلَغْتُ بَعْضَ الطَّرِيقِ إِذَا رَسُولُ أَوْلَادِی وَ كُتُبُهُمْ بِأَنَّ الرَّجُلَ الَّذِی هَرَبْتَ مِنْهُ جَمَعَ قَوْماً وَ اتَّخَذَ لَهُمْ دَعْوَهً فَأَكَلُوا وَ شَرِبُوا وَ تَفَرَّقَ الْقَوْمُ وَ نَامَ هُوَ وَ غِلْمَانُهُ فِی الْمَكَانِ فَأَصْبَحَ النَّاسُ وَ لَمْ يُسْمَعْ لَهُ حِسٌّ فَكُشِفَ عَنْهُ الْغِطَاءُ فَإِذَا هُوَ مَذْبُوحٌ مِنْ قَفَاهُ وَ دِمَاهُ تَسِيلُ وَ ذَلِكَ فِی لَيْلَهِ الْجُمُعَهِ وَ لَا يَدْرُونَ مَنْ فَعَلَ بِهِ ذَلِكَ وَ يَأْمُرُونَنِی بِالْمُبَادَرَهِ نَحْوَ الْمَنْزِلِ فَلَمَّا وَافَيْتُ إِلَى الْمَنْزِلِ وَ سَأَلْتُ عَنْهُ وَ فِی أَيِّ وَقْتٍ كَانَ قَتْلُهُ فَإِذَا هُوَ عِنْدَ فَرَاغِی مِنَ الدُّعَاءِ وَ هَذَا الدُّعَاءُ رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِی دَعَاكَ فَلَمْ تُجِبْهُ وَ مَنْ ذَا الَّذِی سَأَلَكَ فَلَمْ تُعْطِهِ وَ مَنْ ذَا الَّذِی نَاجَاكَ فَخَيَّبْتَهُ أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ فَأَبْعَدْتَهُ رَبِّ هَذَا فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ مَعَ عِنَادِهِ وَ كُفْرِهِ وَ عُتُوِّهِ وَ ادِّعَائِهِ الرُّبُوبِيَّهَ لِنَفْسِهِ وَ عِلْمِكَ بِأَنَّهُ لَا يَتُوبُ وَ لَا يَرْجِعُ وَ لَا يَئُوبُ وَ لَا يُؤْمِنُ وَ لَا يَخْشَعُ اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَ أَعْطَيْتَهُ سُؤْلَهُ كَرَماً مِنْكَ وَ جُوداً وَ قِلَّهَ مِقْدَارٍ لِمَا سَأَلَكَ عِنْدَكَ مَعَ عِظَمِهِ عِنْدَهُ أَخْذاً بِحُجَّتِكَ عَلَيْهِ وَ تَأْكِيداً لَهَا حِينَ فَجَرَ وَ كَفَرَ وَ اسْتَطَالَ عَلَى قَوْمِهِ وَ تَجَبَّرَ وَ بِكُفْرِهِ عَلَيْهِمُ افْتَخَرَ وَ بِظُلْمِهِ لِنَفْسِهِ تَكَبَّرَ وَ بِحِلْمِكَ عَنْهُ اسْتَكْبَرَ فَكَتَبَ وَ حَكَمَ عَلَى نَفْسِهِ جُرْأَهً مِنْهُ أَنَّ جَزَاءَ مِثْلِهِ أَنْ يُغْرَقَ فِی الْبَحْرِ فَجَزَيْتَهُ بِمَا حَكَمَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ إِلَهِی وَ أَنَا عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ أَمَتِكَ مُعْتَرِفٌ لَكَ بِالْعُبُودِيَّهِ مُقِرٌّ

۱- ۱. غيرت ثيابی بالياء المثناه: أی بدلت ثيابی و لبست ثيابی الطاهره المطهره، و غبرت ثيابی بالباء الموحده: أی آثرت الغبار عنها.

بِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ خَالِقِی لَا إِلَهَ لِی غَیْرُکَ وَ لَا رَبَّ لِی سِوَاکَ مُقِرٌّ(۱)

بِأَنَّکَ رَبِّی وَ إِلَیْکَ إِیَابِی عَالِمٌ بِأَنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَ تَحْکُمُ مَا تُرِیدُ لَا مُعَقِّبَ لِحُکْمِکَ وَ لَا رَادَّ لِقَضَائِکَ وَ أَنَّکَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ لَمْ تَکُنْ مِنْ شَیْ ءٍ وَ لَمْ تَبِنْ عَنْ شَیْ ءٍ کُنْتَ قَبْلَ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ أَنْتَ الْکَائِنُ بَعْدَ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ الْمُکَوِّنُ لِکُلِّ شَیْ ءٍ خَلَقْتَ کُلَّ شَیْ ءٍ بِتَقْدِیرٍ وَ أَنْتَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ کَذَلِکَ کُنْتَ وَ تَکُونُ وَ أَنْتَ حَیٌّ قَیُّومٌ لَا تَأْخُذُکَ سِنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ وَ لَا تُوصَفُ بِالْأَوْهَامِ وَ لَا تُدْرَکُ بِالْحَوَاسِّ وَ لَا تُقَاسُ بِالْمِقْیَاسِ وَ لَا تُشْبِهُ بِالنَّاسِ وَ إِنَّ الْخَلْقَ کُلَّهُمْ عَبِیدُکَ وَ إِمَاؤُکَ وَ أَنْتَ الرَّبُّ وَ نَحْنُ الْمَرْبُوبُونَ وَ أَنْتَ الْخَالِقُ وَ نَحْنُ الْمَخْلُوقُونَ وَ أَنْتَ الرَّازِقُ وَ نَحْنُ الْمَرْزُوقُونَ فَلَکَ الْحَمْدُ یَا إِلَهِی إِذْ خَلَقْتَنِی بَشَراً سَوِیّاً وَ جَعَلْتَنِی غَنِیّاً مَکْفِیّاً بَعْدَ مَا کُنْتُ طِفْلًا صَبِیّاً تُقَوِّتُنِی مِنَ الثَّدْیِ لَبَناً مَرِیئاً وَ غَذَّیْتَنِی غِذَاءً طَیِّباً هَنِیئاً وَ جَعَلْتَنِی ذَکَراً مِثَالًا سَوِیّاً فَلَکَ الْحَمْدُ حَمْداً إِنْ عُدَّ لَمْ یُحْصَ وَ إِنْ وُضِعَ لَمْ یَتَّسِعْ لَهُ شَیْ ءٌ حَمْداً یَفُوقُ عَلَی جَمِیعِ حَمْدِ الْحَامِدِینَ وَ یَعْلُو عَلَی حَمْدِ کُلِّ شَیْ ءٍ(۲) وَ یَفْخُمُ وَ یَعْظُمُ عَلَی ذَلِکَ کُلِّهِ وَ کُلَّمَا حَمِدَ اللَّهَ شَیْ ءٌ.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ کَمَا یُحِبُّ اللَّهُ أَنْ یُحْمَدَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ وَ زِنَةَ مَا خَلَقَ وَ زِنَةَ أَجَلِّ مَا خَلَقَ وَ بوزنه [بِزِنَةِ] أَخَفِّ مَا خَلَقَ وَ بِعَدَدِ أَصْغَرِ مَا خَلَقَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ حَتَّی یَرْضَی رَبُّنَا وَ بَعْدَ الرِّضَا وَ أَسْأَلُهُ أَنْ یُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ یَغْفِرَ لِی رَبِّی (۳)

وَ أَنْ یَحْمَدَ لِی أَمْرِی وَ یَتُوبَ عَلَیَ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ إِلَهِی وَ إِنِّی أَنَا أَدْعُوکَ وَ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی دَعَاکَ بِهِ صَفْوَتُکَ أَبُونَا آدَمُ علیه السلام وَ هُوَ مُسِی ءٌ ظَالِمٌ حِینَ أَصَابَ الْخَطِیئَةَ فَغَفَرْتَ لَهُ خَطِیئَتَهُ وَ تُبْتَ عَلَیْهِ وَ اسْتَجَبْتَ دَعْوَتَهُ وَ کُنْتَ مِنْهُ قَرِیباً یَا قَرِیبُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِی خَطِیئَتِی وَ تَرْضَی عَنِّی فَإِنْ لَمْ تَرْضَ عَنِّی فَاعْفُ عَنِّی فَإِنِّی مُسِی ءٌ ظَالِمٌ خَاطِئٌ عَاصٍ وَ قَدْ یَغْفُو

ص: ۲۶۸

۱- ۱. فی المصدر: موقن بأنک أنت اللّه ربی.

۲- ۲. سقط عن الأصل.

۳- ۳. سقط عن الأصل.

السَّیِّدُ عَنْ عَبْدِهِ وَ لَیْسَ بِرَاضٍ عَنْهُ وَ أَنْ تُرْضِیَ عَنِّی خَلْقَکَ وَ تُمِیطَ عَنِّی حَقَّکَ إِلَهِی وَ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی دَعَاکَ بِهِ إِدْرِیسُ فَجَعَلْتَهُ صِدِّیقاً نَبِیّاً وَ رَفَعْتَهُ مَکَاناً عَلِیّاً وَ اسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَ کُنْتَ مِنْهُ قَرِیباً یَا قَرِیبُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ مَآبِی إِلَی جَنَّتِکَ وَ مَحَلِّی فِی رَحْمَتِکَ وَ تُسْکِنَنِی فِیهَا بِعَفْوِکَ وَ تُزَوِّجَنِی مِنْ حُورِهَا بِقُدْرَتِکَ یَا قَدِیرُ إِلَهِی وَ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی دَعَاکَ بِهِ نُوحٌ إِذْ نَادَی رَبَّهُ وَ هُوَ أَنِّی مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ فَفَتَحْنا أَبْوابَ السَّماءِ بِماءٍ مُنْهَمِرٍ وَ فَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُیُوناً فَالْتَقَی الْماءُ عَلی أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ وَ حَمَلْنَاهُ وَ نَجَّیْنَاهُ عَلی ذاتِ أَلْواحٍ وَ دُسُرٍ فَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَ کُنْتَ مِنْهُ قَرِیباً یَا قَرِیبُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُنْجِیَنِی مِنْ ظُلْمِ مَنْ یُرِیدُ ظُلْمِی وَ تَکُفَّ عَنِّی شَرَّ کُلِّ سُلْطَانٍ جَائِرٍ وَ عَدُوٍّ قَاهِرٍ وَ مُسْتَخِفٍّ قَادِرٍ وَ جَبَّارٍ عَنِیدٍ وَ کُلِّ شَیْطَانٍ مَرِیدٍ وَ إِنْسِیٍّ شَدِیدٍ وَ کَیْدِ کُلِّ مَکِیدٍ یَا حَلِیمُ یَا وَدُودُ.

إِلَهِی وَ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی دَعَاکَ بِهِ عَبْدُکَ وَ نَبِیُّکَ صَالِحٌ علیه السلام فَنَجَّیْتَهُ مِنَ الْخَسْفِ وَ أَعْلَیْتَهُ عَلَی عَدُوِّهِ وَ اسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَ کُنْتَ مِنْهُ قَرِیباً یَا قَرِیبُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُخَلِّصَنِی مِنْ شَرِّ مَا یُرِیدُ بِی أَعْدَائِی بِهِ وَ یَبْغِی لِی حُسَّادِی وَ تَکْفِیَنِیهِمْ بِکِفَایَتِکَ وَ تَتَوَلَّانِی بِوَلَایَتِکَ وَ تَهْدِیَ قَلْبِی بِهُدَاکَ وَ تُؤَیِّدَنِی بِتَقْوَاکَ وَ تُبَصِّرَنِی بِمَا فِیهِ رِضَاکَ وَ تُغْنِیَنِی بِغِنَاکَ یَا حَلِیمُ.

إِلَهِی وَ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی دَعَاکَ بِهِ عَبْدُکَ وَ نَبِیُّکَ وَ خَلِیلُکَ إِبْرَاهِیمُ علیه السلام حِینَ أَرَادَ نُمْرُودُ إِلْقَاءَهُ فِی النَّارِ فَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَیْهِ بَرْداً وَ سَلَاماً وَ اسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَ کُنْتَ مِنْهُ قَرِیباً یَا قَرِیبُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُبَرِّدَ عَنِّی حَرَّ نَارِکَ وَ تُطْفِئَ عَنِّی لَهِیبَهَا وَ تَکْفِیَنِی حَرَّهَا وَ تَجْعَلَ نَائِرَةَ أَعْدَائِی فِی شِعَارِهِمْ وَ دِثَارِهِمْ وَ تَرُدَّ کَیْدَهُمْ فِی نَحْرِهِمْ وَ تُبَارِکَ لِی فِیمَا أَعْطَیْتَنِیهِ کَمَا بَارَکْتَ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ إِنَّکَ أَنْتَ الْوَهَّابُ الْحَمِیدُ الْمَجِیدُ إِلَهِی وَ أَسْأَلُکَ بِالاسْمِ الَّذِی دَعَاکَ بِهِ إِسْمَاعِیلُ علیه السلام فَجَعَلْتَهُ نَبِیّاً وَ رَسُولًا وَ جَعَلْتَ لَهُ حَرَمَکَ مَنْسَکاً وَ مَسْکَناً وَ مَأْوًی وَ اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ رَحْمَةً مِنْکَ وَ کُنْتَ

مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْسَحَ لِي فِي قَبْرِي وَ تَحُطَّ عَنِّي وِزْرِي وَ تَشُدَّ لِي أَزْرِي وَ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي وَ تَرْزُقَنِي التَّوْبَهَ بِحَطِّ السَّيِّئَاتِ وَ تَضَاعُفِ الْحَسَنَاتِ وَ كَشْفِ الْبَلِيَّاتِ وَ رِبْحِ التِّجَارَاتِ وَ دَفْعِ مَعَرَّهِ السِّعَايَاتِ إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ وَ مُنْزِلُ الْبَرَكَاتِ وَ قَاضِي الْحَاجَاتِ وَ مُعْطِي الْخَيْرَاتِ وَ جَبَّارُ السَّمَاوَاتِ إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَكَ بِهِ ابْنُ خَلِيلِكَ الَّذِي نَجَّيْتَهُ مِنَ الذَّبْحِ وَ فَدَيْتَهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ وَ قَلَبْتَ لَهُ الْمِشْقَصَ حَتَّى نَاجَاكَ مُوقِناً بِذَبْحِهِ رَاضِياً بِأَمْرِ وَالِدِهِ وَ اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُنْجِيَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ بَلِيَّهٍ وَ تَصْرِفَ عَنِّي كُلَّ ظُلْمَهٍ وَخِيمَهٍ وَ تَكْفِيَنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أُمُورِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ مَا أُحَاذِرُهُ وَ أَخْشَاهُ وَ مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ بِحَقِّ آلِ يس إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ لُوطٌ فَنَجَّيْتَهُ وَ أَهْلَهُ مِنَ الْخَسْفِ وَ الْهَدْمِ وَ الْمَثْلِ وَ الشِّدَّهِ وَ الْجَهْدِ وَ أَخْرَجْتَهُ (۱)

وَ أَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ وَ اسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَأْذَنَ بِجَمْعِ مَا شُتِّتَ مِنْ شَمْلِي وَ تُقِرَّ عَيْنَيَّ بِوَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ تُصْلِحَ لِي أُمُورِي وَ تُبَارِكَ لِي فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي وَ تُبَلِّغَنِي فِي نَفْسِي آمَالِي وَ(۲)

تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ وَ تَكْفِيَنِي شَرَّ الْأَشْرَارِ بِالْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ الْأَئِمَّهِ الْأَبْرَارِ وَ نُورِ الْأَنْوَارِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَئِمَّهِ الْمَهْدِيِّينَ وَ الصَّفْوَهِ الْمُنْتَجَبِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ تَرْزُقَنِي مُجَالَسَتَهُمْ وَ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمُرَافَقَتِهِمْ وَ تُوَفِّقَ لِي صُحْبَتَهُمْ مَعَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ وَ حَمَلَهِ عَرْشِكَ وَ الْكَرُوبِيِّينَ إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَأَلَكَ بِهِ يَعْقُوبُ وَ قَدْ كُفَّ بَصَرُهُ وَ شُتِّتَ

۱- ۱. ساقط عن الأصل.

۲- ۲. لا يوجد في المصدر و هو الظاهر كما سيأتي في ذكر يعقوب عليه السلام.

جَمْعُهُ وَ فَقَدَ قُرَّهَ عَيْنِهِ ابْنَهُ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَ جَمَعْتَ شَمْلَهُ وَ أَقْرَرْتَ عَيْنَهُ وَ كَشَفْتَ ضُرَّهُ وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَأْذَنَ لِي بِجَمْعِ مَا تَبَدَّدَ مِنْ أَمْرِي وَ تُقِرَّ عَيْنِي بِوَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ تُصْلِحَ لِي شَأْنِي كُلَّهُ وَ تُبَارِكَ لِي فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي وَ تُبَلِّغَنِي فِي نَفْسِي آمَالِي وَ تُصْلِحَ لِي أَفْعَالِي وَ تَمُنَّ عَلَيَّ يَا كَرِيمُ يَا ذَا الْمَعَالِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيُّكَ يُوسُفُ عليه السلام فَنَجَّيْتَهُ مِنْ غَيَابَتِ الْجُبِّ وَ كَشَفْتَ ضُرَّهُ وَ كَفَيْتَهُ كَيْدَ إِخْوَتِهِ وَ جَعَلْتَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّهِ مَلِكاً وَ اسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَدْفَعَ عَنِّي كَيْدَ كُلِّ كَائِدٍ وَ شَرَّ كُلِّ حَاسِدٍ إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيُّكَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ إِذْ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ وَ نَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ قَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا وَ ضَرَبْتَ لَهُ طَرِيقاً فِي الْبَحْرِ يَبَساً وَ نَجَّيْتَهُ وَ مَنْ تَبِعَهُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ أَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا وَ اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعِيذَنِي مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ وَ تُقَرِّبَنِي مِنْ عَفْوِكَ وَ تَنْشُرَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ مَا تُغْنِينِي بِهِ عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ يَكُونُ لِي بَلَاغاً أَنَالُ بِهِ مَغْفِرَتَكَ وَ رِضْوَانَكَ يَا وَلِيِّي وَ وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِالاسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيُّكَ دَاوُدُ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَ سَخَّرْتَ لَهُ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ مَعَهُ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكَارِ وَ الطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ وَ شَدَّدْتَ مُلْكَهُ وَ آتَيْتَهُ الْحِكْمَهَ وَ فَصْلَ الْخِطَابِ وَ أَلَنْتَ لَهُ الْحَدِيدَ وَ عَلَّمْتَهُ صَنْعَهَ لَبُوسٍ لَهُمْ وَ غَفَرْتَ ذَنْبَهُ وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُسَخِّرَ لِي جَمِيعَ أُمُورِي وَ تُسَهِّلَ لِي تَقْدِيرِي وَ تَرْزُقَنِي مَغْفِرَتَكَ وَ عِبَادَتَكَ وَ تَدْفَعَ عَنِّي ظُلْمَ الظَّالِمِينَ وَ كَيْدَ الْمُعَانِدِينَ وَ مَكْرَ الْمَاكِرِينَ وَ سَطَوَاتِ الْفَرَاعِنَهِ الْجَبَّارِينَ وَ حَسَدَ الْحَاسِدِينَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ وَ جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ وَ ثِقَهَ الْوَاثِقِينَ وَ ذَرِيعَهَ الْمُؤْمِنِينَ وَ رَجَاءَ الْمُتَوَكِّلِينَ وَ مُعْتَمَدَ الصَّالِحِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

إِلَهِی وَ أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالاسْمِ الَّذِی سَأَلَکَ بِهِ عَبْدُکَ وَ نَبِیُّکَ سُلَیْمَانُ بْنُ دَاوُدَ علیهما السلام إِذْ قَالَ رَبِ هَبْ لِی مُلْکاً لا یَنْبَغِی لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِی إِنَّکَ أَنْتَ الْوَهَّابُ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَ أَطَعْتَ لَهُ الْخَلْقَ وَ حَمَلْتَهُ عَلَی الرِّیحِ وَ عَلَّمْتَهُ مَنْطِقَ الطَّیْرِ وَ سَخَّرْتَ لَهُ الشَّیَاطِینَ مِنْ کُلِ بَنَّاءٍ وَ غَوَّاصٍ وَ آخَرِینَ مُقَرَّنِینَ فِی الْأَصْفَادِ هَذَا عَطَاؤُکَ لَا عَطَاءُ غَیْرِکَ وَ کُنْتَ مِنْهُ قَرِیباً یَا قَرِیبُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَهْدِیَ لِی قَلْبِی وَ تَجْمَعَ لِی لُبِّی (۱) وَ تَکْفِیَنِی هَمِّی وَ تُؤْمِنَ خَوْفِی وَ تَفُکَّ أَسْرِی وَ تَشُدَّ أَزْرِی وَ تُمْهِلَنِی وَ تُنَفِّسَنِی وَ تَسْتَجِیبَ دُعَائِی وَ تَسْمَعَ نِدَائِی وَ لَا تَجْعَلَ فِی النَّارِ مَأْوَایَ وَ لَا الدُّنْیَا أَکْبَرَ هَمِّی وَ أَنْ تُوَسِّعَ عَلَیَّ رِزْقِی وَ تُحَسِّنَ خَلْقِی وَ تُعْتِقَ رَقَبَتِی فَإِنَّکَ سَیِّدِی وَ مَوْلَایَ وَ مُؤَمَّلِی.

إِلَهِی وَ أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِاسْمِکَ الَّذِی دَعَاکَ بِهِ أَیُّوبُ لَمَّا حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ بَعْدَ الصِّحَّهِ وَ نَزَلَ السُّقْمُ مِنْهُ مَنْزِلَ الْعَافِیَهِ وَ الضِّیقُ بَعْدَ السَّعَه فَکَشَفْتَ ضُرَّهُ وَ رَدَدْتَ عَلَیْهِ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ حِینَ نَادَاکَ دَاعِیاً لَکَ رَاغِباً إِلَیْکَ رَاجِیاً لِفَضْلِکَ شَاکِیاً إِلَیْکَ رَبِّ إِنِّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَ کَشَفْتَ ضُرَّهُ وَ کُنْتَ مِنْهُ قَرِیباً یَا قَرِیبُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَکْشِفَ ضُرِّی وَ تُعَافِیَنِی فِی نَفْسِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ وُلْدِی وَ إِخْوَانِی فِیکَ عَافِیَهً بَاقِیَهً شَافِیَهً کَافِیَهً وَافِرَهً هَادِیَهً نَامِیَهً مُسْتَغْنِیَهً عَنِ الْأَطِبَّاءِ وَ الْأَدْوِیَهِ وَ تَجْعَلَهَا شِعَارِی وَ دِثَارِی وَ تُمَتِّعَنِی بِسَمْعِی وَ بَصَرِی وَ تَجْعَلَهُمَا الْوَارِثَیْنِ مِنِّی إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ إِلَهِی وَ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی دَعَاکَ بِهِ یُونُسُ بْنُ مَتَّی فِی بَطْنِ الْحُوتِ حِینَ نَادَاکَ فِی ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَ أَنْبَتَ عَلَیْهِ شَجَرَهً مِنْ یَقْطِینٍ وَ أَرْسَلْتَهُ إِلی مِائَهِ أَلْفٍ أَوْ یَزِیدُونَ وَ کُنْتَ مِنْهُ قَرِیباً یَا قَرِیبُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَسْتَجِیبَ دُعَائِی وَ تُدَارِکَنِی بِعَفْوِکَ فَقَدْ غَرِقْتُ فِی بَحْرِ الظُّلْمِ لِنَفْسِی وَ رَکِبَتْنِی مَظَالِمُ کَثِیرَهٌ لِخَلْقِکَ عَلَیَّ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْتُرْنِی مِنْهُمْ وَ أَعْتِقْنِی مِنَ النَّارِ وَ

۱- ۱. شملی خ ل.

اجْعَلْنِی مِنْ عُتَقَائِکَ وَ طُلَقَائِکَ مِنَ النَّارِ فِی مَقَامِی هَذَا بِمَنِّکَ یَا مَنَّانُ إِلَهِی وَ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی دَعَاکَ بِهِ عَبْدُکَ وَ نَبِیُّکَ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ إِذْ أَیَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَ أَنْطَقْتَهُ فِی الْمَهْدِ فَأَحْیَا بِهِ الْمَوْتَی وَ أَبْرَأَ بِهِ الْأَکْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِکَ وَ خَلَقَ مِنَ الطِّینِ کَهَیْئَهِ الطَّیْرِ فَصَارَ طَائِراً بِإِذْنِکَ وَ کُنْتَ مِنْهُ قَرِیباً یَا قَرِیبُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُفْرِغَنِی لِمَا خَلَقْتَ لَهُ وَ لَا تَشْغَلَنِی بِمَا تَکَفَّلْتَهُ لِی وَ تَجْعَلَنِی مِنْ عُبَّادِکَ وَ زُهَّادِکَ فِی الدُّنْیَا وَ مِمَّنْ خَلَقْتَهُ لِلْعَافِیَهِ وَ هَنَّأْتَهُ بِهَا مَعَ کَرَامَتِکَ یَا کَرِیمُ یَا عَلِیُّ یَا عَظِیمُ إِلَهِی وَ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی دَعَاکَ بِهِ آصَفُ بْنُ بَرْخِیَا عَلَی عَرْشِ مَلِکَهِ سَبَإٍ فَکَانَ أَقَلَّ مِنْ لَحْظَهِ الطَّرْفِ حَتَّی کَانَ مُصَوَّراً بَیْنَ یَدَیْهِ فَلَمَّا رَأَتْهُ قِیلَ أَ هَکَذَا عَرْشُکِ قَالَتْ کَأَنَّهُ هُوَ فَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَ کُنْتَ مِنْهُ قَرِیباً یَا قَرِیبُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُکَفِّرَ عَنِّی سَیِّئَاتِی وَ تَقَبَّلَ مِنِّی حَسَنَاتِی وَ تَقَبَّلَ تَوْبَتِی وَ تَتُوبَ عَلَیَّ وَ تُغْنِیَ فَقْرِی وَ تَجْبُرَ کَسْرِی وَ تُحْیِیَ فُؤَادِی بِذِکْرِکَ وَ تُحْیِیَنِی فِی عَافِیَهٍ وَ تُمِیتَنِی فِی عَافِیَهٍ.

إِلَهِی وَ أَسْأَلُکَ بِالاسْمِ الَّذِی دَعَاکَ بِهِ عَبْدُکَ وَ نَبِیُّکَ زَکَرِیَّا حِینَ سَأَلَکَ دَاعِیاً رَاجِیاً لِفَضْلِکَ فَقَامَ فِی الْمِحْرَابِ یُنَادِی نِدَاءً خَفِیّاً فَقَالَ رَبِّ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ وَلِیًّا یَرِثُنِی وَ یَرِثُ مِنْ آلِ یَعْقُوبَ وَ اجْعَلْهُ رَبِّ رَضِیًّا فَوَهَبْتَ لَهُ یَحْیَی وَ اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَ کُنْتَ مِنْهُ قَرِیباً یَا قَرِیبُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُبْقِیَ لِی أَوْلَادِی وَ أَنْ تُمَتِّعَنِی بِهِمْ وَ تَجْعَلَنِی وَ إِیَّاهُمْ مُؤْمِنِینَ لَکَ رَاغِبِینَ فِی ثَوَابِکَ خَائِفِینَ مِنْ عِقَابِکَ رَاجِینَ لِمَا عِنْدَکَ آیِسِینَ مِمَّا عِنْدَ غَیْرِکَ حَتَّی تُحْیِیَنَا حَیَاهً طَیِّبَهً وَ تُمِیتَنَا مَیْتَهً طَیِّبَهً إِنَّکَ فَعَّالٌ لِمَا تُرِیدُ.

إِلَهِی وَ أَسْأَلُکَ بِالاسْمِ الَّذِی سَأَلَتْکَ بِهِ امْرَأَهُ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِی عِنْدَکَ بَیْتاً فِی الْجَنَّهِ وَ نَجِّنِی مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِی مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ فَاسْتَجَبْتَ لَهَا دُعَاءَهَا وَ کُنْتَ مِنْهَا قَرِیباً یَا قَرِیبُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُقِرَّ عَیْنِی بِالنَّظَرِ إِلَی جَنَّتِکَ وَ أَوْلِیَائِکَ وَ تُفَرِّحَنِی بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تُؤْنِسَنِی بِهِ وَ بِآلِهِ وَ بِمُصَاحَبَتِهِمْ

وَ مُرَافَقَتِهِمْ وَ تُمَكِّنَ لِی فِیهَا وَ تُنْجِیَنِی مِنَ النَّارِ وَ مَا أَعِدَّ لِأَهْلِهَا مِنَ السَّلَاسِلِ وَ الْأَغْلَالِ وَ الشَّدَائِدِ وَ الْأَنْكَالِ وَ أَنْوَاعِ الْعَذَابِ بِعَفْوِكَ.

إِلَهِی وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِی دَعَتْكَ عَبْدَتُكَ وَ صِدِّيقَتُكَ مَرْيَمُ الْبَتُولُ وَ أُمُّ الْمَسِيحِ الرَّسُولِ عليهما السلام إِذْ قُلْتَ- وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرانَ الَّتِی أَحْصَنَتْ فَرْجَها فَنَفَخْنا فِيهِ مِنْ رُوحِنا وَ صَدَّقَتْ بِكَلِماتِ رَبِّها وَ كُتُبِهِ وَ كانَتْ مِنَ الْقانِتِينَ فَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهَا وَ كُنْتَ مِنْهَا قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُحْصِنَنِی بِحِصْنِكَ الْحَصِينِ وَ تَحْجُبَنِی بِحِجَابِكَ الْمَنِيعِ وَ تُحْرِزَنِی بِحِرْزِكَ الْوَثِيقِ وَ تَكْفِيَنِی بِكِفَايَتِكَ الْكَافِيَةِ مِنْ شَرِّ كُلِّ طَاغٍ وَ ظُلْمِ كُلِّ بَاغٍ وَ مَكْرِ كُلِّ مَاكِرٍ وَ غَدْرِ كُلِّ غَادِرٍ وَ سِحْرِ كُلِّ سَاحِرٍ وَ جَوْرِ كُلِّ سُلْطَانٍ فَاجِرٍ بِمَنْعِكَ يَا مَنِيعُ إِلَهِی وَ أَسْأَلُكَ بِالاسْمِ الَّذِی دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيُّكَ وَ صَفِيُّكَ وَ خِيَرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَمِينُكَ عَلَى وَحْيِكَ وَ بَعِيثُكَ إِلَى بَرِيَّتِكَ وَ رَسُولُكَ إِلَى خَلْقِكَ مُحَمَّدٌ خَاصَّتُكَ وَ خَالِصَتُكَ صلى الله عليه و آله فَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَ أَيَّدْتَهُ بِجُنُودٍ لَمْ يَرَوْهَا وَ جَعَلْتَ كَلِمَتَكَ الْعُلْيَا وَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً زَاكِيَةً طَيِّبَةً نَامِيَةً بَاقِيَةً مُبَارَكَةً كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى أَبِيهِمْ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ بَارِكْ عَلَيْهِمْ كَمَا بَارَكْتَ عَلَيْهِمْ وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَيْهِمْ وَ زِدْهُمْ فَوْقَ ذَلِكَ كُلِّهِ زِيَادَةً مِنْ عِنْدِكَ وَ اخْلُطْنِی بِهِمْ وَ اجْعَلْنِی مِنْهُمْ وَ احْشُرْنِی مَعَهُمْ وَ فِی زُمْرَتِهِمْ حَتَّى تَسْقِيَنِی مِنْ حَوْضِهِمْ وَ تُدْخِلَنِی فِی جُمْلَتِهِمْ وَ تَجْمَعَنِی وَ إِيَّاهُمْ وَ تُقِرَّ عَيْنِی بِهِمْ وَ تُعْطِيَنِی سُؤْلِی وَ تُبَلِّغَنِی آمَالِی فِی دِينِی وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِی وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِی وَ تُبْلِغَهُمْ سَلَامِی وَ تَرُدَّ عَلَيَّ مِنْهُمُ السَّلَامَ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ إِلَهِی أَنْتَ الَّذِی تُنَادِی فِی أَنْصَافِ كُلِّ لَيْلَةٍ هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأُعْطِيَهُ أَمْ هَلْ مِنْ دَاعٍ فَأُجِيبَهُ أَمْ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ أَمْ هَلْ مِنْ رَاجٍ فَأُبْلِغَهُ رَجَاءَهُ أَمْ هَلْ مِنْ مُؤَمِّلٍ فَأُبْلِغَهُ أَمَلَهُ هَا أَنَا سَائِلُكَ بِفِنَائِكَ وَ مِسْكِينُكَ بِبَابِكَ وَ ضَعِيفُكَ بِبَابِكَ وَ فَقِيرُكَ بِبَابِكَ وَ مُؤَمِّلُكَ بِفِنَائِكَ أَسْأَلُكَ نَائِلَكَ وَ أَرْجُو رَحْمَتَكَ وَ أُؤَمِّلُ

عَفْوَکَ وَ أَلْتَمِسُ غُفْرَانَکَ.

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِي سُؤْلِي وَ بَلِّغْنِي أَمَلِي وَ اجْبُرْ فَقْرِي وَ ارْحَمْ عِصْيَانِي وَ اعْفُ عَنْ ذُنُوبِي وَ فُكَّ رَقَبَتِي مِنْ مَظَالِمَ لِعِبَادِکَ رَكِبَتْنِي وَ قَوِّ ضَعْفِي وَ أَعِزَّ مَسْكَنَتِي وَ ثَبِّتْ وَطْأَتِي وَ اغْفِرْ جُرْمِي وَ أَنْعِمْ بَالِي وَ أَكْثِرْ مِنَ الْحَلَالِ مَالِي وَ خِرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي وَ أَفْعَالِي وَ رَضِّنِي بِهَا وَ ارْحَمْنِي وَ وَالِدَيَّ وَ مَا وَلَدَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ إِنَّکَ سَمِيعُ الدَّعَوَاتِ وَ أَلْهِمْنِي مِنْ بِرِّهِمَا مَا أَسْتَحِقُّ بِهِ ثَوَابَکَ وَ الْجَنَّهَ وَ تَقَبَّلْ حَسَنَاتِهِمَا وَ اغْفِرْ سَيِّئَاتِهِمَا وَ اجْزِهِمَا بِأَحْسَنِ مَا فَعَلَا بِي ثَوَابَکَ وَ الْجَنَّهَ.

إِلَهِي وَ قَدْ عَلِمْتُ يَقِيناً أَنَّکَ لَا تَأْمُرُ بِالظُّلْمِ وَ لَا تَرْضَاهُ وَ لَا تَمِيلُ إِلَيْهِ وَ لَا تَهْوَاهُ وَ لَا تُحِبُّهُ وَ لَا تَغْشَاهُ وَ تَعْلَمُ مَا فِيهِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمُ مِنْ ظُلْمِ عِبَادِکَ وَ بَغْيِهِمْ عَلَيْنَا وَ تَعَدِّيهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ لَا مَعْرُوفٍ بَلْ ظُلْماً وَ عُدْوَاناً وَ زُوراً وَ بُهْتَاناً فَإِنْ كُنْتَ جَعَلْتَ لَهُمْ مُدَّهً لَا بُدَّ مِنْ بُلُوغِهَا أَوْ كَتَبْتَ لَهُمْ آجَالًا يَنَالُونَهَا فَقَدْ قُلْتَ وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ وَ وَعْدُکَ الصِّدْقُ يَمْحُوا اللَّهُ ما يَشاءُ وَ يُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتابِ فَأَنَا أَسْأَلُکَ بِكُلِّ مَا سَأَلَکَ بِهِ أَنْبِيَاؤُکَ وَ رُسُلُکَ وَ أَسْأَلُکَ بِمَا سَأَلَکَ بِهِ عِبَادُکَ الصَّالِحُونَ وَ مَلَائِكَتُکَ الْمُقَرَّبُونَ أَنْ تَمْحُوَ مِنْ أُمِّ الْكِتَابِ ذَلِکَ وَ تَكْتُبَ لَهُمُ الِاضْمِحْلَالَ وَ الْمَحْقَ حَتَّى تُقَرِّبَ آجَالَهُمْ وَ تَقْضِيَ مُدَّتَهُمْ وَ تُذْهِبَ أَيَّامَهُمْ وَ تَبْتُرَ أَعْمَارَهُمْ وَ تُهْلِکَ فُجَّارَهُمْ وَ تُسَلِّطَ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ حَتَّى لَا تُبْقِيَ مِنْهُمْ أَحَداً وَ لَا تُنْجِيَ مِنْهُمْ أَحَداً وَ تُفَرِّقَ جُمُوعَهُمْ وَ تُكِلَّ سِلَاحَهُمْ وَ تُبَدِّدَ شَمْلَهُمْ وَ تَقْطَعَ آجَالَهُمْ وَ تُقَصِّرَ أَعْمَارَهُمْ وَ تُزَلْزِلَ أَقْدَامَهُمْ وَ تُطَهِّرَ بِلَادَکَ مِنْهُمْ وَ تُظْهِرَ عِبَادَکَ عَلَيْهِمْ فَقَدْ غَيَّرُوا سُنَّتَکَ وَ نَقَضُوا عَهْدَکَ وَ هَتَكُوا حَرِيمَکَ وَ أَتَوْا مَا نَهَيْتَهُمْ عَنْهُ وَ عَتَوْا عُتُوًّا كَبِيراً وَ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيداً فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ آذِنْ لِجَمْعِهِمْ بِالشَّتَاتِ وَ لِحَيِّهِمْ بِالْمَمَاتِ وَ لِأَزْوَاجِهِمْ بِالنَّهَبَاتِ وَ خَلِّصْ عِبَادَکَ مِنْ ظُلْمِهِمْ وَ اقْبِضْ أَيْدِيَهُمْ عَنْ هَضْمِهِمْ وَ طَهِّرْ أَرْضَکَ مِنْهُمْ وَ آذِنْ بِحَصْدِ نَبَاتِهِمْ وَ اسْتِئْصَالِ شَأْفَتِهِمْ وَ شَتَاتِ شَمْلِهِمْ وَ هَدْمِ بُنْيَانِهِمْ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ.

وَ أَسْأَلُکَ یَا إِلَهِی وَ إِلَهَ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ رَبِّی وَ رَبَّ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ أَدْعُوکَ بِمَا دَعَاکَ بِهِ عَبْدَاکَ وَ رَسُولَاکَ وَ نَبِیَّاکَ وَ صَفِیَّاکَ مُوسَی وَ هَارُونُ علیهما السلام حِینَ قَالا- دَاعِیَیْنِ لَکَ رَاجِیَیْنِ لِفَضْلِکَ رَبَّنا إِنَّکَ آتَیْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَأَهُ زِینَةً وَ أَمْوالًا فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا رَبَّنا لِیُضِلُّوا عَنْ سَبِیلِکَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلی أَمْوالِهِمْ وَ اشْدُدْ عَلی قُلُوبِهِمْ فَلا یُؤْمِنُوا حَتَّی یَرَوُا الْعَذابَ الْأَلِیمَ فَمَنَنْتَ وَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمَا بِالْإِجَابَهِ لَهُمَا إِلَی أَنْ قَرَعْتَ سَمْعَهُمَا بِأَمْرِکَ اللَّهُمَّ رَبِ قَدْ أُجِیبَتْ دَعْوَتُکُما فَاسْتَقِیما وَ لا- تَتَّبِعانِّ سَبِیلَ الَّذِینَ لا- یَعْلَمُونَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَطْمِسَ عَلَی أَمْوَالِ هَؤُلَاءِ الظَّلَمَهِ وَ أَنْ تُشَدِّدَ عَلَی قُلُوبِهِمْ وَ أَنْ تَخْسِفَ بِهِمْ بَرَّکَ وَ أَنْ تُغْرِقَهُمْ فِی بَحْرِکَ فَإِنَّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا فِیهِمَا لَکَ وَ أَرِ الْخَلْقَ قُدْرَتَکَ فِیهِمْ وَ بَطْشَکَ عَلَیْهِمْ فَافْعَلْ ذَلِکَ بِهِمْ وَ عَجِّلْ ذَلِکَ لَهُمْ یَا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ وَ خَیْرَ مَنْ دُعِیَ وَ خَیْرَ مَنْ تَذَلَّلَتْ لَهُ الْوُجُوهُ وَ رُفِعَتْ إِلَیْهِ الْأَیْدِی وَ دُعِیَ بِالْأَلْسُنِ وَ شَخَصَتْ إِلَیْهِ الْأَبْصَارُ وَ أَمَّتْ إِلَیْهِ الْقُلُوبُ وَ نُقِلَتْ إِلَیْهِ الْأَقْدَامُ وَ تُحُوکِمَ إِلَیْهِ فِی الْأَعْمَالِ إِلَهِی وَ أَنَا عَبْدُکَ أَسْأَلُکَ مِنْ أَسْمَائِکَ بِأَبْهَاهَا وَ کُلُّ أَسْمَائِکَ بَهِیٌّ بَلْ أَسْأَلُکَ بِأَسْمَائِکَ کُلِّهَا أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُرْکِسَهُمْ عَلَی أُمِّ رُءُوسِهِمْ فِی زُبْیَتِهِمْ وَ تُرْدِیَهُمْ فِی مَهْوَی حُفْرَتِهِمْ وَ ارْمِهِمْ بِحَجَرِهِمْ وَ ذَکِّهِمْ بِمَشَاقِصِهِمْ وَ اکْبُبْهُمْ عَلَی مَنَاخِرِهِمْ وَ اخْنُقْهُمْ بِوَتَرِهِمْ وَ ارْدُدْ کَیْدَهُمْ فِی نُحُورِهِمْ وَ أَوْبِقْهُمْ بِنَدَامَتِهِمْ حَتَّی یُسْتَخْذَلُوا وَ یَتَضَاءَلُوا بَعْدَ نَخْوَتِهِمْ وَ یَنْقَمِعُوا وَ یَخْشَعُوا بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِمْ أَذِلَّاءَ مَأْسُورِینَ فِی رِبْقِ حَبَائِلِهِمُ الَّتِی کَانُوا یُؤَمِّلُونَ أَنْ یَرَوْنَا فِیهَا وَ تُرِینَا قُدْرَتَکَ فِیهِمْ وَ سُلْطَانَکَ عَلَیْهِمْ وَ تَأْخُذَهُمْ أَخْذَ الْقُرَی وَ هِیَ ظَالِمَهٌ إِنَّ أَخْذَکَ الْأَلِیمُ الشَّدِیدُ أَخْذَ عَزِیزٍ مُقْتَدِرٍ فَإِنَّکَ عَزِیزٌ مُقْتَدِرٌ شَدِیدُ الْعِقَابِ شَدِیدُ الْمِحَالِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ إِیرَادَهُمْ عَذَابَکَ الَّذِی أَعْدَدْتَهُ لِلظَّالِمِینَ مِنْ أَمْثَالِهِمْ وَ الطَّاغِینَ مِنْ نُظَرَائِهِمْ وَ ارْفَعْ حِلْمَکَ عَنْهُمْ وَ احْلُلْ عَلَیْهِمْ غَضَبَکَ الَّذِی لَا یَقُومُ لَهُ شَیْ ءٌ وَ أْمُرْ فِی تَعْجِیلِ ذَلِکَ بِأَمْرِکَ الَّذِی لَا یُرَدُّ وَ لَا یُؤَخَّرُ فَإِنَّکَ شَاهِدُ کُلِّ نَجْوَی وَ عَالِمُ کُلِّ فَحْوَی وَ لَا تَخْفَی عَلَیْکَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ خَافِیَهٌ وَ لَا یَذْهَبُ

عَنْکَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ خَائِنَهٌ وَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ عَالِمُ مَا فِی الضَّمَائِرِ وَ الْقُلُوبِ اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُکَ وَ أُنَادِيکَ بِمَا نَادَاکَ بِهِ سَيِّدِی وَ سَأَلَکَ بِهِ نُوحٌ إِذْ قُلْتَ تَبَارَکْتَ وَ تَعَالَيْتَ وَ لَقَدْ نادانا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ أَجَلْ اللَّهُمَّ يَا رَبِّ أَنْتَ نِعْمَ الْمُجِيبُ وَ نِعْمَ الْمَدْعُوُّ وَ نِعْمَ الْمَسْئُولُ وَ نِعْمَ الْمُعْطِی أَنْتَ الَّذِی لَا تُخَيِّبُ سَائِلَکَ وَ لَا تَمَلُّ دُعَاءَ مَنْ أَمَّلَکَ وَ لَا تَتَبَرَّمُ بِکَثْرَهِ حَوَائِجِهِمْ إِلَيْکَ وَ لَا بِقَضَائِهَا لَهُمْ فَإِنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِ جَمِيعِ خَلْقِکَ إِلَيْکَ فِی أَسْرَعِ لَحْظٍ مِنْ لَمْحِ الطَّرْفِ وَ أَخَفُّ عَلَيْکَ وَ أَهْوَنُ مِنْ جَنَاحِ بَعُوضَهٍ وَ حَاجَتِی يَا سَيِّدِی وَ مَوْلَایَ وَ مُعْتَمَدِی وَ رَجَائِی أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِی ذَنْبِی فَقَدْ جِئْتُکَ ثَقِيلَ الظَّهْرِ بِعَظِيمِ مَا بَارَزْتُکَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِی وَ رَکِبَنِی مِنْ مَظَالِمِ عِبَادِکَ مَا لَا يَکْفِينِی وَ لَا يُخَلِّصُنِی مِنْهُ غَيْرُکَ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَ لَا يَمْلِکُهُ سِوَاکَ فَامْحُ يَا سَيِّدِی کَثْرَهَ سَيِّئَاتِی بِيَسِيرِ عَبَرَاتِی بَلْ بِقَسَاوَهِ قَلْبِی وَ جُمُودِ عَيْنِی لَا بَلْ بِرَحْمَتِکَ الَّتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَيْ ءٍ وَ أَنَا شَيْ ءٌ فَلْتَسَعْنِی رَحْمَتُکَ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ لَا تَمْتَحِنِّی فِی هَذِهِ الدُّنْيَا بِشَيْ ءٍ مِنَ الْمِحَنِ وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِی وَ لَا تُهْلِکْنِی بِذُنُوبِی وَ عَجِّلْ خَلَاصِی مِنْ کُلِّ مَکْرُوهٍ وَ ادْفَعْ عَنِّی کُلَّ ظُلْمٍ وَ لَا تَهْتِکْ سِتْرِی وَ لَا تَفْضَحْنِی يَوْمَ جَمْعِکَ الْخَلَائِقَ لِلْحِسَابِ يَا جَزِيلَ الْعَطَاءِ وَ الثَّوَابِ أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُحْيِيَنِی حَيَاهَ السُّعَدَاءِ وَ تُمِيتَنِی مِيتَهَ الشُّهَدَاءِ وَ تَقْبَلَنِی قَبُولَ الْأَوِدَّاءِ وَ تَحْفَظَنِی فِی هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّهِ مِنْ شَرِّ سَلَاطِينِهَا وَ فُجَّارِهَا وَ شِرَارِهَا وَ مُحِبِّيهَا وَ الْعَامِلِينَ لَهَا فِيهَا وَ قِنِی شَرَّ طُغَاتِهَا وَ حُسَّادِهَا وَ بَاغِی الشِّرْکِ فِيهَا حَتَّى تَکْفِيَنِی مَکْرَ الْمَکَرَهِ وَ تَفْقَأَ عَنِّی أَعْيُنَ الْکَفَرَهِ وَ تُفْحِمَ عَنِّی أَلْسُنَ الْفَجَرَهِ وَ تَقْبِضَ لِی عَلَى أَيْدِی الظَّلَمَهِ وَ تُوهِنَ لِی کَيْدَهُمْ وَ تُمِيتَهُمْ بِغَيْظِهِمْ وَ تَشْغَلَهُمْ بِأَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ وَ أَفْئِدَتِهِمْ وَ تَجْعَلَنِی مِنْ ذَلِکَ کُلِّهِ فِی أَمْنِکَ وَ أَمَانِکَ وَ حِرْزِکَ وَ سُلْطَانِکَ وَ حِجَابِکَ وَ کَنَفِکَ وَ عِيَاذِکَ وَ جَارِکَ إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِی نَزَّلَ الْکِتَابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ.

اللَّهُمَّ بِکَ أَعُوذُ وَ بِکَ أَلُوذُ وَ لَکَ أَعْبُدُ وَ إِیَّاکَ أَرْجُو وَ بِکَ أَسْتَعِینُ وَ بِکَ أَسْتَکْفِی وَ بِکَ أَسْتَغِیثُ وَ بِکَ أَسْتَقْدِرُ وَ مِنْکَ أَسْأَلُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَرُدَّنِی إِلَّا بِذَنْبٍ مَغْفُورٍ وَ سَعْیٍ مَشْکُورٍ وَ تِجَارَهٍ لَنْ تَبُورَ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ لَا تَفْعَلَ بِی مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّکَ أَهْلُ التَّقْوَی وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَهِ وَ أَهْلُ الْفَضْلِ وَ الرَّحْمَهِ إِلَهِی وَ قَدْ أَطَلْتُ دُعَائِی وَ أَکْثَرْتُ خِطَابِی وَ ضِیقُ صَدْرِی حَدَانِی عَلَی ذَلِکَ کُلِّهِ وَ حَمَلَنِی عَلَیْهِ عِلْماً مِنِّی بِأَنَّهُ یُجْزِیکَ مِنْهُ قَدْرُ الْمِلْحِ فِی الْعَجِینِ بَلْ یَکْفِیکَ عَزْمُ إِرَادَهٍ وَ أَنْ یَقُولَ الْعَبْدُ بِنِیَّهٍ صَادِقَهٍ وَ لِسَانٍ صَادِقٍ یَا رَبِّ فَتَکُونُ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِکَ بِکَ وَ قَدْ نَاجَاکَ بِعَزْمِ الْإِرَادَهِ قَلْبِی فَأَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَقْرِنَ دُعَائِی بِالْإِجَابَهِ مِنْکَ وَ تُبَلِّغَنِی مَا أَمَّلْتُهُ فِیکَ مِنَّهً مِنْکَ وَ طَوْلًا وَ قُوَّهً وَ حَوْلًا وَ لَا تُقِیمَنِی مِنْ مَقَامِی هَذَا إِلَّا بِقَضَائِکَ جَمِیعَ مَا سَأَلْتُکَ فَإِنَّهُ عَلَیْکَ یَسِیرٌ وَ خَطَرُهُ عِنْدِی جَلِیلٌ کَثِیرٌ وَ أَنْتَ عَلَیْهِ قَدِیرٌ یَا سَمِیعُ یَا بَصِیرُ إِلَهِی وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِکَ مِنَ النَّارِ وَ الْهَارِبِ مِنْکَ إِلَیْکَ مِنْ ذُنُوبٍ تَهَجَّمَتْهُ وَ عُیُوبٍ فَضَحَتْهُ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ انْظُرْ إِلَیَّ نَظْرَهَ رَحْمَهٍ أَفُوزُ بِهَا إِلَی جَنَّتِکَ وَ اعْطِفْ عَلَیَّ عَطْفَهً أَنْجُو بِهَا مِنْ عِقَابِکَ فَإِنَّ الْجَنَّهَ وَ النَّارَ لَکَ وَ بِیَدِکَ وَ مَفَاتِیحَهُمَا وَ مَغَالِیقَهُمَا إِلَیْکَ وَ أَنْتَ عَلَی ذَلِکَ قَادِرٌ وَ هُوَ عَلَیْکَ هَیِّنٌ یَسِیرٌ وَ افْعَلْ بِی مَا سَأَلْتُکَ یَا قَدِیرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ.

قال علی بن حماد أخذت هذا الدعاء من أبی الحسن بن علی العلوی العریضی و اشترط علی أن لا أبذله لمخالف و لا أعطیه إلا لمن أعلم مذهبه و أنه من أولیاء آل محمد علیهم السلام و کان عندی أدعو به و إخوانی ثم قدم علی إلی البصره بعض قضاه الأهواز کان مخالفا و له علی أیاد و کنت أحتاج إلیه فی بلده و أنزل علیه فقبض علیه السلطان فصادر و أخذ حظه بعشرین ألف درهم فرققت له و رحمته و دفعت إلیه هذا الدعاء فدعا به فما استتم أسبوعا حتی أطلقه السلطان ابتداء و لم یلزمه شیئا مما أخذ به حظه و رده إلی بلده مکرما و شیعته إلی الأبله(۱)

۱- ۱. الابله- کعتله- موضع بالبصره، أحد جنان الدنیا. قاله الفیروزآبادی.

و عدت إلى البصره.

فلما كان بعد أيام طلبت الدعاء فلم أجده و فتشت كتبى كلها فلم أر له أثرا فطلبته من أبى المختار الحسينى و كانت عنده نسخه بها فلم يجده فى كتبه فلم نزل نطلبه فى كتبنا فلا نجده عشرين سنه فعلمت أن ذلك عقوبه من الله جل و عز لما بذلته لمخالف فلما كان بعد العشرين سنه وجدناه فى كتبنا و قد فتشناها مرارا لا تحصى فآليت على نفسى ألا أعطيه إلا لمن أثق بدينه ممن يعتقد ولايه آل الرسول صلى الله عليه و عليهم بعد أن آخذ عليه العهد ألا يبذله إلا لمن يستحقه و بالله نستعين و عليه نتوكل (۱).

**[ترجمه]العتيق الغروى، مهج الدعوات: ذكر كرد آنچه از مولايمان حضرت مهدى عليه السلام و آن حضرت صلوات الله عليه به روايتى ديگر بر مى گزينيم. - . سيد قدس سره روايت اين دعا را كه در نسخه اى كهن يافت آورد و مولف علامه آن را در تاريخ الامام الثانى عشر ج ۵۱: ۳۰۷ ذكر كرد. -

از اين جمله دعاى علوى مصرى است كه براى سختى و امر بزرگى خوانده شود. محمّد بن على علوى حسينى ساكن مصر نقل كرد بر من امر عظيمى و انـدوه شديـدى از جانب حكام مصر وارد شـد و ترسـى بسيار داشـتم كه به خلاصـى خودم از آن اميدى نداشـتم. پس به سـمت قبر سروران و پـدرانم صـلوات الله عليهم در كربلا متوجّه شـدم به آنها پناه جسـتم و به قبرهاى آنان پناه بردم و از قـدرت عظيم كسـى كه از او مى هراسـيدم پنـاه طلبيـدم. پانزده روز در حائر مقيم گشـتم و پيوسـته در شب و روز دعا مى كردم و زارى مى نمودم تا آنكه حضـرت قائم زمان و دوست خداى رحمان عليه و على آبائه افضل التحيه و السلام بر من ظاهر شد.

در ميان خواب و بيدارى نزد من آمده و به من گفتند: اى پسر من آيا تو از فلان شخص مى ترسى؟ در جواب گفتم: بلى زيرا كه او اراده دارد كه مرا هلاك نمايـد. پس به سوى آقاى خود پناه آورده ام تا آنكه به او شـكوه نمايم از آنچه به من اراده دارد. پس فرمودند: چرا خداى خود را و خـداى پـدران خود را به دعايى نخوانى كه خدا را به آن دعا پيغمبران پيش خواندند هر گاه ايشان را محنتى و شدّتى روى مى نمود، پس خداى تعالى آن محنت را از ايشان به بركت اين دعا برطرف مى نمود.

من گفتم: كدام است آن دعايى كه ايشان مى خواندند؟ پس آن حضـرت فرمودند كه: هر گاه شب جمعه شود غسل كن و بعد از فراغ از نماز شب سـجده شـكر به جاى آور، چون سر از سجده بردارى بر دو زانوى خود بنشين و اين دعا را بخوان. محمّد بن على گويد كه و همچنين آن حضـرت را ديـدم كه در ميان خواب و بيـدارى در همان وقت تا به پنج شب متعاقب مرا آمدند و بر من اين دعا را تكرار نمودند تا آنكه آن را حفظ نمودم و ديگر نيامدند. و چون شب جمعه شد پس من غسل كردم و جامه هاى پاكيزه پوشـيدم و بوى خوش اسـتعمال نمودم و نماز شب كردم و سـجده شـكر بجاى آوردم و به دو زانوى خود نشسـته خداى عزّ و جلّ را به اين دعا خواندم. پس چون شب شـنبه شد آن حضـرت مرا آمدند و فرمودند: اى محمد! به درستى كه دعاى تو مستجاب شد و دشمن تو كشته گرديد وقتى كه تو از خواندن دعا فارغ شدى.

نقل كرد: چون صبح شد غصه‌اى نداشتم جز اين كه از سروران خود صلوات الله عليهم وداع نمايم و از آنجا بيرون آمده متوجّه خانه خود شدم همـان خـانه‌اى كه از آن گريخته بـودم. پس چـون بيرون رفتم و به ميـانه راه رسـيدم، قاصـدى را ديـدم كه از جـانب اولاـد من كتـابتى داشت: مضـمون آنكـه مردى كه شـما از آن گريخته بوديـد جمـاعتى را جمـع نمـود و از براى ايشـان مائـده را تهيّه نمـود، پس چيزى خوردنـد و آب آشاميدند و بعد از آن قوم متفرّق شدند و آن شـخص و غلامان او خوابيدند پس چون صبح شد، يافتند كه آن شخص حركتى نمى كند، چون پرده اى را كه بر روى او بود، برداشـتند، او را ديدند كه كشته شده و سرش از قفا از بدن جدا گرديده و خون به راه افتاده و اين در شب جمعه بود و معلوم نشد كه كدام شـخص اين كار را كرده است؟ و فرزندان من طلبيده بودند كه من رفتن به آن شهر را تعجيل نمايم پس چون به آن شهر رسـيدم و از اين حكـايت سؤال نمودم و آنكه در چه وقت كشـته شـدن او و واقع شـده بوده است؟ ظاهر شـد كه در وقت فارغ شـدن من از خواندن اين دعا بوده است و دعاء علوى مصرى اين است:

«ای پروردگار من کیست آن کسی که تو را خوانده باشد پس حاجت او را برنیاورده باشی؟ و کیست آنکه تو را سؤال کرده باشد پس مطلب او را نداده باشی؟ کیست آنکه امیدوار باشد به تو پس او را ناامید کرده باشی؟ یا کیست آنکه به سوی تو نزدیکی جسته باشد پس او را دور کرده باشی؟ ای پروردگار من! این فرعون صاحب قوّت بود که با وجود دشمنی او و کفر او و سرکشی او و دعوی خدایی برای خود و با وجود دانستن اینکه توبه نمی کند و بر نمی گردد و ایمان نمی آورد و فروتنی نمی کند دعای او را اجابت نمودی و مطلب او را از روی کرم و بخشش خود به او بخشیدی و کمی آنچه از تو سؤال کرده بود در نزد تو با وجود آنکه در پیش او بزرگ بود تا حجت خود را بر او تمام کنی و آن را محکم کنی هنگامی که ظلم نمود و کافر شد و بر گروه خود گردن فرازی نمود و بزرگی کرد و به سبب کفر خود بر قوم خودش سرافرازی نمود به سبب ستم کردن بر نفس خود گردن کشی کرد و به سبب بردباری تو از او طلب بزرگی نمود پس نوشت و بر خودش حکم کرد با گستاخی که جزای مانند او این است که در دریا غرق شود پس او را جزا دادی به آنچه خودش بر نفس خودش لازم ساخته بود.

ای خدای من و من بنده توام و پسر بنده توام و پسر کنیز توام و من به بندگی تو اعتراف کننده ام و اقرار دارم به آنکه تویی خدا که نیست خدایی مگر تو آفریننده منی نیست خدایی برای من غیر از تو و نیست پروردگاری برای من سوای تو اقرار دارم به آنکه تویی پروردگار من و بازگشت من به سوی توست دانایم من به آنکه تو بر همه چیز توانایی، آنچه را که می خواهی می کنی و ثابت می کنی آنچه را که اراده نمایی تأخیرکننده ای بر امر تو نیست و برگرداننده ای بر حکم تو نیست و دانایم به آنکه تو اوّل همه چیزهایی و آخر همه اشیایی و آشکاری و پنهانی از چیزی موجود نشدی و از چیزی جدا نگشتی، تو پیش از هر چیز بودی و تویی که هستی پس از هر چیز و تویی وجود دهنده برای هر چیز تو هر چیزی را به اندازه ای آفریدی و تویی شنوا و بینا.

و گواهی می دهم به آنکه تو اینچنین بودی و خواهی بود و همیشه خواهی بود و تویی زنده پاینده چرت و خوابی تو را فرا نمی گیرد و به وهمها تعریف نمی شوی و به حواس و درک نمی شوی به اندازه تقدیر نمی شوی و به آدمیان تشبیه نمی شوی و گواهی می دهم به آنکه همه خلایق بندگان تو و کنیزان تواند و تویی پروردگار و ماییم پرورده شدگان و تویی آفریدگار و ماییم آفریده شدگان و تویی روزی دهنده و ماییم روزی داده شدگان .

پس از برای توست ستایش ای خداوند من چون که مرا آدمی راست اندام به اعتدال آفریدی و مرا بی نیاز نگاهداشته شده گردانیدی بعد از آنکه طفلی کودک بودم پس مرا از پستان قوت دادی، شیری گوارای کامل و مرا بعد از این غذایی نیکو و گوارا غذا دادی و مرا مردی درست جثّه راست اندام گردانیدی پس از برای توست ستایشی که اگر شمرده شود در شمار نیاید و اگر در جایی گذارده شود چیزی آن را گنجایش نداشته باشد،[ستایشی که غالب آید بر همه ستایش ستایش کنندگان و ثنایی که بلند گردد بر ثنای هر چیزی] و زیادتی کند و بزرگی نماید بر همه اینها و هر وقتی که چیزی خدا را ثنا گفته باشد.

و همه ستایش برای خداست همانطور که دوست می دارد که ثنا گفته شود و همه حمد برای خداست به شماره آنچه آفرید و به قدر آنچه آفرید و به سنگینی بزرگترین آنچه آفرید و به وزن سبکترین آنچه آفرید و به شماره کوچکترین آنچه آفرید و به شماره و مقدار بزرگترین آنچه آفرید و همه ستایش برای خداست تا آنکه راضی شود پروردگار ما و بالاتر از خشنودی و از خدا می خواهم که رحمت فرستد بر محمّد و بر آل محمّد [و آنکه بیامرزی برای من گناه مرا] و آنکه پسندیده کند برای من کار مرا و پذیرد و قبول نماید توبه مرا به درستی که خدا قبول کننده توبه و مهربان است.

ای خداوند من به درستی که من تو را می خوانم و از تو می خواهم به حق نامت که برگزیده تو پدر ما آدم علیه السلام تو را به آن نام خواند و حال آنکه گناه کار و ستم کننده بود بر خود در هنگامی که مرتکب گناه شد پس گناه او را آمرزیدی و توبه او را قبول کردی و حاجت او را برآوردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمّد و بر آل محمّد و بیامرزی گناه مرا و خشنود گردی از من پس اگر خشنود نگردی از من پس از گناه من درگذر، به درستی که من بدکننده ام و ستم نماینده و گناه کار و نافرمان بردارم و به راستی که آقا از

بنده خود در می گذرد و حال آنکه از او خشنود نیست و آفریدگان خود را از من خشنود گردانی و حقّ خود را از من ساقط کنی .

ای خدای من و از تو می خواهم به حقّ نام تو که ادریس تو را به آن نام خواند پس او را راستگو و پیغمبر گردانیدی و او را در مکانی بلند رفعت بخشیدی و دعای او را مستجاب کردی و به آن نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمّد و بر آل محمّد و بگردانی بازگشت مرا به سوی بهشت خود و جای قرار من در رحمت خود و مرا در بهشت ساکن گردانی به سبب در گذشتن تو و مرا به ازدواج حوریان بهشت در آوری به قدرت خود ای بسیار توانا.

ای خدای من و از تو می‌خواهم به نام تو که نوح تو را به آن نام خواند هنگامی که پروردگار خود را ندا داد من مغلوبم پس مرا یاری کن پس گشودیم درهای آسمان را به آب روان و شکافتیم زمین را به چشمه ها، پس فراهم آمد آب بر فرمانی تقدیر کرده شده و سوار کردیم او را بر کشتی صاحب تخته ها و میخ ها» پس حاجت او را برآوردی و به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمّد و بر آل محمّد و مرا از ستم کسی که قصد کند ستم مرا خلاصی دهی و بدی و شرّ کسی را که شکست مرا خواهد از من بازداری و آنکه مرا از شرّ هر پادشاه ظالم و از هر دشمن غلبه کننده و خفّت رساننده توانا و متکبر گردنکش و از شرّ هر شیطان رانده شده و آدمی سخت دل و از مکر هر مکرکننده ای نگاه داری ای بردبار ای دوست.

ای خدای من و از تو می خواهم به نام تو که بنده تو و پیغمبر تو صالح علیه السلام تو را به آن خواند پس او را از فرو رفتن نجات دادی و او را بر دشمنش غالب گردانیدی و حاجت او را برآوردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمّد و آل محمّد و مرا رها نمایی از شرّ آنچه دشمنان من آن را قصد می کنند و آنچه رشک برندگان من برای من می خواهند و اینکه مرا نگاه داری از شرّ ایشان به نگاهداشتن خود و مرا به دوست داشتن خود دوست داری و دل مرا به راه نمودن خود راهنمایی کنی و مرا به پرهیزکاری از جانب خود توفیق دهی و مرا به آنچه خوشنودی تو در آن است بینا گردانی و مرا به توانگری خودت بی نیاز گردانی ای بردبار .

ای خدای من و از تو می خواهم به نام تو که تو را به آن نام بنده تو و پیغمبر تو و دوست تو ابراهیم علیه السلام خواند در وقتی که نمرود انداختن او در آتش اراده نمود پس آتش را بر او سرد و به سلامت گردانیدی و دعای او را اجابت کردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمّد و بر آل محمّد و گرمی آتش جهنم خود را سرد کنی و زبانه آن را از من فرونشانی و مرا از گرمی آن نگاه‌داری و آتش دشمنی دشمنان را در جامه زیر ایشان و در جامه روی ایشان قرار دهی و مکر ایشان را در گودی گردن ایشان بگردانی و مبارک گردانی برای من در آنچه بخشیدی به من همچنان که مبارک گردانیدی بر ابراهیم و بر آل او و به درستی که تویی بخشنده ستایش شده بزرگ ای خدای من.

و از تو می‌خواهم به نام تو که تو را به آن نام اسماعیل علیه السلام خواند پس تو او را پیغمبر و رسول گردانیدی و از برای او حرم خود را محلّ عبادت و جای سکنی و محلّ قرار گردانیدی و دعای او را اجابت کردی و او را از کشته شدن خلاصی دادی و او رااز روی رحمت خود، نزدیک گردانیدی، تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت کنی بر محمّد و بر آل محمّد و که قبر مرا گشاد کنی و گناه مرا محو کنی و پشت مرا محکم گردانی و گناه مرا بیامرزی و توبه را روزی من گردانی به سبب برطرف کردن بدی ها و زیاد کردن نیکویی ها و دور کردن بلاها و نفع کردن تجارتها و دفع شدن بلیّه ها و به درستی که تو اجابت کننده دعاها و فرود آورنده برکتها و برآورنده حاجتها و بخشنده خوبیهایی و صاحب بزرگی در آسمانهایی.

ای خداوند من و از تو می خواهم به آنچه فرزند دوستت تو را بدان خواند و او را از کشتن خلاص کردی و به ذبح بزرگ عوض دادی و ابزار پاره پاره کردن را به او برگردانیدی در هنگامی که تو را ندا کرد و به ذبح خود یقین داشت و به امر پدرش خشنود بود و دعای او را برآوردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمّد و آل محمّد و مرا از هر بدی و بلایی نجات دهی و هر تاریکی غلیظ را از من بگردانی و نگاهداری مرا از آنچه به اندوه آورد مرا از امر دنیای من و آخرت من و از آنچه اجتناب می کنم و از آن می ترسم از شرّ همگی

آفریدگان تو به حقّ آل پیغمبر .

ای خدای من و از تو می خواهم به نام تو که به آن نام لوط علیه السلام درخواست کرد پس او [و اهل او را از بلیّه و عقوبتها و از سختی و مشقّت خارج کردی] و اهل او را از اندوه بزرگ بیرون بردی و حاجت او را برآوردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمّد و بر آل محمّد و [اذن دهی مرا به جمع کردن آنچه پراکنده است از قوم من و چشم مرا به فرزند من و اهل من و مال من روشن گردانی و من کارهای مرا نیکو سازی برای و همه حالهای من مبارک گردانی و مرا به آرزوهایم برسانی] و مرا از آتش امان دهی و نگاه داری مرا از شر بدکاران به حقّ برگزیده شدگان نیکوکاران پیشوایان نیکوکاران و روشنی همه روشنی ها که آنها محمّد و آل اویند که پاکان و پاکیزگان و برگزیدگانند و امامان راه یافته شده و برگزیدگان بزرگ اند رحمتهای خدا باد بر همگی ایشان و روزی کنی به من همنشینی ایشان و بر من مصاحبت ایشان را منّت گذاری و به من توفیق دهی همصحبتی ایشان را با مصاحبت پیغمبران تو که فرستاده شدگانند و با فرشتگان تو که نزدیکانند و با بندگان تو که صالحان و نیکوکارانند و با همگی اهل فرمانبرداری تو و با جماعت بردارنده عرش تو و فرشتگان.

ای خدای من و از تو می خواهم بدان نامی که یعقوب تو را بدان خواند در حالی که بینایی او از بین رفته بود و جمعیّت او متفرّق شده بود و فرزند او که روشنی چشم اوست پنهان گشته بود پس دعای او را اجابت کردی و پراکندگی او را جمع نمودی و چشم او را روشن ساختی و آزار او را برطرف کردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت کنی بر محمّد و بر آل محمّد و آنکه اذن دهی مرا به جمع کردن آنچه از کار من پراکنده شد و چشم مرا به فرزند من روشن سازی و عیال من و مال من و تمام حال مرا نیکو گردانی و همه حالهای مرا برکت دهی و مرا به امیدهایم برسانی و کردارهای مرا نیکو گردانی، و بخشش نمایی بر من ای بخشنده و ای صاحب بلندی به رحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

ای خدای من و از تو می خواهم بدان نام که بنده تو پیغمبر تو یوسف علیه السلام تو را بدان خواند پس او را از ته چاه نجات دادی و آزار او را برطرف کردی و او را از مکر برادران نگاه داشتی و او را بعد از بندگی پادشاه گردانیدی و دعای او را اجابت کردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمّد و بر آل محمّد و دور گردانی از من دشمنی هر دشمن را و بدی هر رشک برنده را به درستی که تو بر هر چیز بسیار توانایی.

ای خدای من و از تو می خواهم بدان نام که بنده تو و پیغمبر تو موسی پسر عمران علیه السلام تو را بدان خواند هنگامی که گفتی بزرگ گشتی و بلندی یافتی «و ندا کردیم موسی را از جانب کوه طور طرف راست آن و نزدیک ساختیم او را نجات دهنده» و برای او راهی را در دریا که خشک بود قرار دادی و او را و کسانی را که پیروی کرده بودند او را از بنی اسرائیل خلاصی دادی و فرعون را و هامان وزیر او را و سپاه ایشان را غرق کردی و حاجت او را برآوردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمّد و بر آل محمّد و مرا از شرّ آفریدگان خود پناه دهی و مرا از درگذشتن تو نزدیک گردانی و بریزی بر من از زیادتی بخشش خود آنچه که مرا از جمیع آفریدگان تو بی نیاز گرداند و من به سبب آن به آمرزش تو و خشنودی تو برسم ای دوستدار مؤمنان.

ای خدای من و از تو می خواهم بدان نام که بنده تو و پیغمبر تو داود تو را بدان خواند پس دعای او را اجابت کردی و کوهها را برای او مسخّر گردانیدی که با او در وقت شب و در صبح تسبیح گویند و مرغان را جمع کرده شده همه به سوی او رجوع می کنند و پادشاهی او را محکم کردی و به او حکمت و جدایی حق از باطل را عطا کردی و برای او آهن را نرم گردانیدی و به او کسب زره سازی برای آنان را تعلیم کردی و گناه او را آمرزیدی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمّد و بر آل محمّد و همه کارهای مرا میسّر گردانی و آسان کنی برای من آنچه را که مقدّر کردی و آمرزش و فرمانبرداری خود را روزی ام گردانی و ستم ستم کنندگان را و دشمنی دشمنان را و حیله حیله کنندگان را و قهرهای ظالمان غلبه گر را و رشک رشک برندگان را از من دور گردانی ای امان دهنده ترسندگان و ای پناه آورندگان و اعتماد [وثوق داران و وسیله] مؤمنان و امید اعتمادکنندگان و محل اعتماد نیکوکاران ای رحم کننده ترین رحم کنندگان .

ای خدای من و از تو می خواهم بدان نام که بنده تو و پیغمبر تو سلیمان پسر داوود علیهما السلام تو را بدان خواند هنگامی که گفت ای پروردگار من بیامرز مرا و ببخش به من پادشاهی را که برای احدی بعد از من سزاوار نباشد به درستی که تویی بسیار بخشنده پس دعای او را مستجاب کردی و آفریدگان را به فرمان او درآوردی و او را بر باد حاکم ساختی و سخن مرغان را به او آموختی و برای او شیطانها را مسخّر کردی که هر یک از آنها بنا کننده و فرو رونده بودند و جماعت دیگران را از دیوان که بسته شده بودند به یک دیگر در غلهای آهنین، اینها بخشش توست و بخشش غیر تو نیست و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمّد و بر آل محمّد و دل مرا راهنمایی کنی و عقل مرا جمع کنی و مرا از اندوهم نگاه داری و ترس مرا ایمن گردانی و بند مرا رها کنی و پشت مرا سخت گردانی و مرا مهلت دهی و نفس مرا آرام کنی و حاجت مرا برآوری و آواز مرا بشنوی و جایگاه مرا در آتش نگردانی و دنیا را بزرگترین مقصود من قرار ندهی و روزی مرا فراخ کنی و خلق مرا نیکو گردانی و گردن مرا از آتش آزاد کنی پس به درستی که تو ستوده منی و آقای منی و محلّ امید منی.

ای خدای من و از تو می خواهم بدان نام که ایوب علیه السلام تو را بدان خواند در وقتی که آزار و بلا بعد از تندرستی بر او وارد شد و بیماری به جای سلامتی و تنگی بعد از فراخی بر او فرود آمد پس آزار او را برطرف کردی و اهل او را و مثل ایشان را که با ایشان بودند به او برگردانیدی هنگامی که تو را صدا زد در حالی که تو را می خواند و به سوی تو رغبت کننده بود و زیادتی احسان تو را امید داشت و به سوی تو شکوه کننده بود و گفت ای پروردگار من به درستی که رسیده است به من آزار و بلا و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی پس دعای او را اجابت کردی و آزار و بلای او را برطرف کردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمّد و آل محمّد و آزار و بلای مرا برطرف کنی و در نفس من و در اهل من و مال من و فرزندان من و برادران من سلامتی دهی در خشنودی تو سلامتی پاینده فراگیرنده شفا دهنده کفایت کننده بسیار و راهنما و زیادشونده که بی نیاز باشد از طبیبان و دواها و آن سلامتی را جامه زیر من و جامه روی من بگردانی و مرا به گوش من و چشم من بهره دهی و این هر دو را وارثان من قرار دهی به درستی که تو بر هر چیز بسیار توانایی.

ای خدای من و از تو می خواهم بدان نام که یونس پسر متی در شکم ماهی تو را بدان خواند هنگامی که تو را در تاریکیهای سه گانه ندا کرد که نیست خدایی مگر تو منزّهی تو به درستی که من از جمله ستم کنندگان بودم و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی پس حاجت او را برآوردی و برای او درختی از کدو رویانیدی و او را به سوی صد هزار نفر یا بیشتر فرستادی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمّد و بر آل محمّد و دعای مرا اجابت کنی و مرا به عفو خود دریابی که در دریای ستم کردن بر نفس خود غرق شدم و مظلمه های بسیار آفریدگان تو بر من غلبه کرد، رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و مرا از ایشان پنهان کن و مرا از آتش جهنم آزاد گردان و مرا از آزاد شده های خود و رها شده های خود از آتش قرار ده در این محلّ که ایستاده ام در آن به سبب بخشش تو ای منّت گذارنده.

ای خدای من و از تو می خواهم بدان نام که بنده تو و پیغمبر تو عیسی پسر مریم تو را بدان خواند در وقتی که او را به روح پاک قوی گردانیدی و او را در گهواره گویا ساختی پس مرده را به برکت آن نام زنده گردانید و به سبب آن اسم کور مادر زاد را و پیس را به اذن تو خلاص کرد و ساخت از گل مانند صورت مرغ پس مرغ زنده به اذن تو گردید و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمّد و بر آل محمّد و خالص گردانی مرا برای آنچه آفریده شده ام و مرا به تحصیل آنچه آن را برای من ضامن شدی مشغول مگردان و قرار ده مرا از عبادت کنندگان خود و از پارسایان خود در دنیا و از جمله کسانی که آنها را برای سلامتی آفریدی و گوارا ساختی به آنها زندگانی دنیا را با وجود بخشش تو ای بخشنده ای بلند مرتبه ای بزرگ.

ای خدای من و از تو می خواهم بدان نام که آصف پسر برخیا تو را بدان خواند بر تخت ملکه شهر سبا پس کمتر از چشم بر همزدنی آن تخت در پیش روی او حاضر شد پس چون آن را بلقیس دید گفته شد به او آیا چنین است تخت تو؟ گفت گویا همان است پس دعای او را اجابت کردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمد و گناهان مرا بپوشان و نیکویی های مرا قبول کن و توبه مرا بپذیر و مرا بر گناهانم مواخذه مکن و بی نیاز گردان فقر مرا و شکستگی مرا درست کن و دل مرا به سبب یادآوری خود زنده گردان و مرا در سلامتی از عذاب زنده بدار و مرا در سلامتی از عقوبت بمیرانی.

ای خـدای من و از تو می خواهم بـدان نام که بنـده تو و پیغمبر تو زکریا تو را بدان خواند هنگامی که از تو مسالت نمود دعاکننده امید دارنده به زیادتی احسان تو، پس در محراب ایستاد و تو را خواند به ندای پنهان پس گفت ای پروردگار من از نزد خود فرزندی دوست به من ببخش که از من و آل یعقوب ارث برد و او را ای پروردگـار من پسـندیده بگردان که خشـنود باشـی از او پس به او یحیی را بخشـیدی و دعـای او را اجـابت کردی و تو به او نزدیـک بودی ای نزدیـک که رحمت فرستی بر محمّـد و بر آل محمّـد و باقی و پاینـده داری فرزنـدان مرا و بهره مند گردانی به سـبب ایشان و من و ایشان را از ایمان آورنـدگان به خود خواهش کنندگان به ثواب تو، ترسـندگان از عذاب تو، امید دارندگان به آنچه در نزد توست، مأیوس و ناامیدشدگان از آنچه در نزد غیر توست قرار دهی تا آنکه زنده داری ما را زندگانی نیکو و بمیرانی ما را مردنی نیکو به درستی که تو انجام دهنده ای هر آنچه را که خواهی.

ای خـدای من و از تو می خواهم بـدان نام که زن فرعون تو را بدان خواند وقتی که گفت:«ای پروردگار من بنا کن برای من در نزد خود خانه ای در بهشت و خلاصی ده مرا از فرعون و کردار او و رهایی ده مرا از گروه ستمکاران» پس دعای او را اجابت کردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمّد و بر آل محمّد و چشم مرا به نگاه کردن به سوی بهشت و به سوی دوستداران خود و به ملاحظه کردن ذات تو که بخشنده است روشن سازی و مرا به دیدن محمّد و آل او خوشحال سازی و مرا به آن حضرت و به آل او و به همصحبتی ایشان و به رفیق بودن بـا آنـان انس دهی و مرا در بهشت جای دهی و مرا از آتش و آنچه مهیّا گشت برای اهل آن از زنجیرها و غلها و سـختیها و عیبهای رسوا و از اقسام عقوبتها به سبب درگذشتن تو از گناهان من رهایی دهی .

ای خدای من و از تو می خواهم بدان نام که کنیز تو و راست گوی تو مریم بتول و مادر عیسـی پیغمبر که سـلام باد بر ایشان تو را بدان خواند هنگـامی که فرمـودی «مریم دخـتر عمران که نگـاه داشت عـورت خـود را پس دمیـدیم در او از روحمـان، قبول نمود و اعتقـاد کرد به سـخنان پروردگـار خود و به کتـاب هـای او و مریم از جمله فرمـانبرداران بود» پس دعـای او را اجـابت کردی و تو به او نزدیـک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمّـد و بر آل محمّـد و مرا به حصـار و قلعه خود که محکم است نگـاه داری و پنهـان داری مرا به پرده خود که منع کننـده است و مرا به نگاهداشتی خود که معتمد است محافظت کنی و به کارگزاری خود که سودمند است کفایت کنی از شرّ هر سرکشی و ستم هر ستم کننده ای و حیله هر مکرکننده ای و فریب هر فریب دهنده ای و سحر هر سحرکننده ای و ظلم هر پادشاه ظالمی به سبب منع تو ای استوار.

ای خـدای من و از تو می خواهم بـدان نام که درخواست کرد از تو به آن نام بنده تو و پیغمبر تو و برگزیده تو و انتخاب کرده شده تو از میان آفریـدگان تو و امین تو بر وحی تو و فرسـتاده تو به سوی آفریدگان تو و برانگیخته تو به سوی مخلوقات تو که محمّد است مخصوص است به تو و خالص است برای تو رحمت خدا بر او باد و بر آل او پس دعای او را اجابت کردی و او را قوی گردانیدی به سپاهی از فرشتگان که آنها را نمی دیدند و سـخن خود را بلند و سـخن آن جماعتی را که کافر شده بودند پست گردانیدی و تو به آن حضـرت نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمّـد و بر آل محمّد رحمتی پاکیزه پاک نموکننده که باقی و با برکت باشد همچنان که رحمت فرسـتادی بر پدر ایشان حضـرت ابراهیم و بر آل ابراهیم و برکت نما بر ایشان همچنان که برکت دادی بر ابراهیم و درود فرست بر ایشان همچنان که درود فرستادی بر ابراهیم و زیـاده بـده به ایشان بالاتر از همه اینها زیادتی که از نزد تو باشـد و مرا به ایشان داخل گردان و مرا از ایشان بگردان و مرا در حشـر با ایشـان زنـده گردان و در سـلک ایشـان قرار ده تا آب دهی مرا از حوض ایشان و مرا در جرگه ایشان داخل کنی و مرا و ایشان را با یک دیگر جمع کنی و چشم مرا به سـبب دیدن ایشان روشن گردانی و خواسته مرا به سبب برکت ایشان ببخشی و آرزوهایم را در دین من و دنیای من و آخرت من و زنـدگانی و مردن من محقق سـازی و سـلام مرا برسـانی به ایشان و سـلام آنان را به من بازگردانی و بر ایشان باد سـلام و رحمت خدا و برکتهای خدا.

ای خـدای من تو آن کسـی که ندا می کنی در نیمه های هر شب: آیا هست درخواست کننده ای تا او را بخشایش نمایم ؟ آیا هست دعاکننده ای تـا دعـای او را اجـابت کنم آیا هست طلب آمرزش کننـده ای تا او را بیامرزم ؟ آیا هست امیـدواری تا او را به امیـدش برسانم ؟ آیا هسـت آرزوکننـده ای پس او را به آرزویش برسانم؟ اینک من سؤال کننـده ام به در سـرای تو و درویش طلب کننـده ام به ساحت فضای تو و ناتوان

ایستاده ام به در خانه تو و محتاج متوسّلم به در سرای تو و به در رحمت تو امیدوارم از تو، عطیّه تو را سؤال می کنم و رحمت و گذشتن از گناهان را امید دارم و آمرزش تو را خواهانم.

پس رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و درخواست مرا عطا کن و امیدم را برسان و فقر مرا به توانگری تبدیل کن و بر گناه من رحم کن و از گناهان من درگذر و گردن مرا از مظلمه های بندگان تو رها کن که بر من سوار شدند و سستی مرا قوی گردان و به توانگری بدل کن و درویشی مرا به عزّت بدل کن و قدم مرا ثابت گردان و گناه مرا بیامرز و ذهن مرا نعمت ده و مال مرا از حلال زیاده گردان و در همه کارها و کردارهای من خوبی را برای من قرار ده و مرا خشنود گردان به آنها و رحم کن به من و بر پدر و مادر من و بر آنچه زاییده اند از مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان زندگان و مردگان ایشان به درستی که تو شنونده دعاهایی و به دل من بینداز نیکویی کردن با والدین که سزاوار ثواب تو و بهشت تو گردم و نیکویی های ایشان را قبول کن و گناهان ایشان را بیامرز و به ایشان ثواب و بهشت خود را بهتر از آنچه در حق من انجام دادند عوض ده.

ای خدای من و من به یقین می دانم که تو به ظلم امر نمی کنی و به آن راضی نیستی و به سوی آن میل نمی کنی و آن را نمی پسندی و دوست نمی داری و آن را مرتکب نمی شوی و می دانی آنچه را که در آن هستند این گروه از ستم به بندگان تو و ظلمشان بر ما و از حدّ بیرون رفتن ایشان به غیر حقّ و به غیر شرع و طریقه بلکه از روی ظلم و دشمنی و دروغ و تهمت، پس اگر قرار داده باشی برای آنان مدّتی که ناچار است از رسیدن آن مدّت یا آنکه مقرّر کردی برای ایشان موعدی را که برسند به آن موعد پس تو گفتی و گفتار تو درست است و وعده تو راست است که «محو می کند خدا آنچه را که می خواهد و ثابت می گرداند آنچه را که می خواهد و در نزد اوست اصل کتاب» پس من از تو می طلبم به حقّ هر آنچه پیغمبران تو از تو طلب نمودند و رسولان تو که فرستاده شدگانند و از تو می خواهم به آنچه سؤال کردند از تو بندگان نیکوکارت و فرشتگان تو که نزدیکند که آن را از لوح محفوظ محو کنی و برای ایشان نابود شدن و اضمحلال را ثابت گردانی و تا اجلهای ایشان را نزدیک سازی و مدّت ایشان را به سر آوری و روزهای ایشان را از بین ببری و عمرهای ایشان را قطع کنی و فاسقان ایشان را هلاک گردانی و بعضی ایشان را بر بعضی غالب گردانی تا از ایشان احدی را باقی نگذاری و از ایشان کسی را خلاصی ندهی و هرگز یکی را از ایشان رها نکنی و جمعیت ایشان را پراکنده سازی و سلاحشان را کند کنی و قوم ایشان را متفرّق سازی و اجل های ایشان را قطع کنی و عمر آنان را کوتاه گردانی و قدمهایشان را بلرزانی و شهرهای خود را از ایشان پاک سازی و بندگان خود را بر ایشان غالب گردانی پس به راستی که رویّه و طریقه تو را تغییر دادند و پیمان تو را شکستند و پرده حرمت تو را دریدند و آنچه را که ایشان را از آن منع کردی بجا آوردند و بسیار سرپیچی کردند و گمراه شدند گمراه شدنی دور.

پس رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و جمعیت ایشان را به پراکندگی مقرّر فرمای و زندگانی ایشان را به مردن و زنان ایشان را به غارت و اسیری و نجات ده بندگان خود را از ستم ایشان و بگیر و کوتاه کن دست ایشان را از شکستن بندگان و پاک کن زمین خود را از آنان و اجازه ده به درو گیاهانشان و از بیخ برکندن اصلشان و پراکندگی جمعیّتشان و خراب کردن بناهای زندگانیشان ای صاحب بزرگی و بخشش.

و از تو می خواهم ای خداوند من و خدای هر چیز و پروردگار من و پروردگار هر چیز و می خوانم تو را به آنچه تو را بدان خواندند دو بنده تو و دو رسول تو و دو پیغمبر تو و دو برگزیده تو موسی و هارون علیهما السلام وقتی که گفتند در حالی که تو را خواندند و احسان تو را امید داشتند «ای پروردگار ما به درستی که تو دادی به فرعون و گروه او زینت و مال بسیار را در زندگانی دنیا ای پروردگار ما پس گمراه نمودند مردمان را از راه تو ای پروردگار ما مالهای ایشان را از بین ببر و بند گذار بر دلهای ایشان پس ایمان نیاوردند تا آنکه عقوبت دردناک تو را دیدند» پس منت گذاردی و انعام کردی بر موسی و هارون به اجابت کردن دعای ایشان را تا آنکه به امر فرمان خود گوش ایشان را کوفتی. خداوندا گفتی ای پروردگار من «برآورده شد حاجت شما پس راستی گیرید و پیروی مکنید راه آن جماعتی را که نمی دانند» بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و ناچیز گردانی اموال این جماعت ستمکار را و بر دل های ایشان بند محکم نهی و آنان را در بیابان خود فرو بری و ایشان

را در دریای خود غرق کنی به درستی که آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست از برای توست و بنما به خلایق قدرت و توانایی خود را در باره ایشان و شدّت قهر خود را بر ایشان پس این را در حق آنان انجام ده و شتاب نمای این را برای ایشان ای بهترین کسی که از او سؤال شد و ای بهترین کسی که خوانده شد و ای بهترین کسی که خواری و پستی نمودند برای او روی ها و برداشته شد به سوی او دست ها و خوانده شد به زبان ها و حیران ماندند به سوی او چشم ها و قصد کردند به سوی او دل ها و حرکت داده شد به سوی او قدم ها و محاکمه و کردارها در نزد او حساب می شود.

خدایا من بنده توام و از تو می خواهم به نیکوترین نام های تو و همه نامهای تو نیکوست بلکه از تو می خواهم به همه نام های تو که رحمت فرستی بر محمّد و بر آل محمّد و سرنگون سازی دشمنان را بر مغز سر ایشان در گودال های خودشان و بیندازی ایشان را در ته گودی که آن را حفر کردند و ایشان را به سنگ خودشان و ذبح کن و ایشان را به پیکانهای تیر خودشان بکش و آنان را بر بینی هاشان به روی انداز و ایشان را به زه کمان خودشان خفه کن و برگردان دشمنی شان را در گودی های سینه ایشان و آنان را به پشیمانی تا آنکه بی یار و مددکار باقی مانند و بعد از تکبّرشان حقیر گردند و بعد از گردنکشی شان پست گردند در حالی که خوار و ذلیل و اسیرشده در ریسمان و حلقه دام های خودشان باشند که امید دارند ما را در آن ببینند و از تو می خواهم که به ما توانایی خود را در باره ایشان و شدّت قهر خود را بر آنان بنمایی و ایشان را فراگیر مثل گرفتن اهل شهرها و حال آنکه آنها ستم کننده بودند به درستی که گرفتن تو به درد آورنده و سخت است، ایشان را بگیر ای پروردگار من گرفتن شخص غلبه کننده بسیار توانا به درستی که تو غلبه کننده ای بسیار قادر که عقوبت تو سخت است و عذاب تو شدیداست.

خداوندا رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و آنان را در وارد کردن به عذابی که برای ستمکارانی از قبیل آنان و سرکشانی مثل خودشان آماده نمودی تعجیل کن و حلم خود را از ایشان بردار و بر ایشان خشم خود را فرود آور که در برابر آن چیزی مقاومت نمی کند و فرمان ده در شتاب کردن این عقوبت به فرمان خود که بر نمی گردد و پس افکنده نمی شود پس به درستی که تو حاضر هر راز پنهانی و دانای هر سرّی و هیچ پنهانی از کردارهای ایشان بر تو پنهان نیست و هیچ مستور و پوشیده ای از کارهای ایشان از تو غایب نمی شود و تویی دانای امور پنهان و دانایی به آنچه در خاطرها و دلهاست.

خداوندا و از تو می خواهم و می خوانم تو را به آنچه مولای من نوح تو را بدان خواند همچنان که فرمودی که بزرگی و بلندی «و نوح ما را خوانده است پس هر آینه نیکویند جواب دهندگان» بلی خداوندا تویی نیکو جواب دهنده و نیکو خوانده شده و نیکو سؤال شده و نیکو بخشنده تویی آنکه سؤال کننده خود را ناامید نمی سازی و امیدوار خود را بر نمی گردانی و سائل را از درگاه خود منع نمی کنی و دعای طلب نماینده از خود را بر نمی گردانی و غمگین نمی شوی از دعای کسی که امید داشته باشد به تو و دلگیر نمی گردی به سبب زیادی حاجتهای ایشان به تو و نه به سبب برآوردن حاجتهای ایشان پس به درستی که برآوردن حاجتهای همه آفریدگان تو در نزد تو زودتر است از نگاه به گوشه چشم و سبک تر است بر تو و آسان تر است نزد تو از پر پشه ای.

و حاجت من به سوی تو ای آقای من و مولای من و محلّ اعتماد من و امید من آن است که رحمت فرستی بر محمّد و بر آل محمّد و گناه مرا بیامرزی پس به تحقیق که من آمدم نزد تو در حالی پشت من که سنگین است به بزرگی گناهانی که برای تو ظاهر ساختم و آنچه از مظلمه های بندگان تو که بر من سوار شد به طوری که غیر تو مرا از آن کفایت نمی کند و رها نمی سازد و بر آن قدرت ندارد و آن را مالک نیست سوای تو پس ای مولای من بسیاری گناهان مرا زایل کن به کمی اشک چشم من بلکه به سختی دل من و خشکی چشم من بلکه از روی رحمت تو که هر چیزی را فراگرفت و حال آنکه من چیزی هستم که باید مرا رحمت تو فراگیرد ای بخشنده ای مهربان ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و مرا به چیزی از بلاها در این دنیا آزمایش مکن و بر من کسی را که رحم نکند بر من مستولی مگردان و مرا به سبب گناهان من هلاک مکن و در نجات من از هر ناخوشی شتاب نمای و از من هر ستمی را دور کن و پرده مرا پاره مکن و مرا در روز جمع کردن مخلوقات برای حساب رسوا مکن ای کسی که بخشش و ثواب تو بزرگ است.

از تو می خواهم که رحمت فرستی بر محمّد و بر آل محمّد و زنده داری مرا زندگی نیکبختان و بمیرانی مرا مردن شهیدان و قبول کنی مرا قبول کردن دوستان و نگاهداری مرا در این دنیای پست از شرّ پادشاهان ظالم و از فاسقان آن و از بدان آن و از دوستداران دنیا و از کارکنندگان برای دنیا و در دنیا و نگاه دار مرا از بدی یاغیان در دنیا و شکّ برندگان در آن و اختیارکنندگان شرک در دنیا تا آنکه مرا از حیله مکاران نگاه داری و از دیدن من چشمهای کافران را کور کنی و زبانهای فاسقان را از من گنگ گردانی و مرا از دستهای ستمکاران بگیری و مرا از مکر آنان در امان داری و ایشان را به خشم خودشان بمیرانی و ایشان را به گوشها و چشمها و به دلهاشان مشغول گردانی و مرا از همه اینها در سلامتی از جانب خود و امان خود و در دلیل خود و در پادشاهی خود و در نگاهداری خود و در پرده خود و در پناه خود و در همسایگی خود قرار دهی به درستی که تو بر هر چیز توانایی به درستی که دوست من خدایی است که قرآن را فرو فرستاد و او صالحان را دوست می دارد.

خداوندا به تو پناه می برم و به تو التجا می برم و از برای تو عبادت و بندگی می کنم و از تو امیدوارم و از تو طلب یاری می نمایم و به تو طلب کارگزاری می کنم و از تو طلب فریادرسی می نمایم و از تو درخواست می کنم پس رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و مرا آمرزیده با سعی مقبول و سوداگری که زیان نکند برگردان و در حق من چنان کن که سزاوار آنی و نه آنچه که من لایق به آنم پس به درستی که تو سزاواری تقوا و آمرزش و احسان و بخشش هستی.

ای خدای من و دعای خود را دراز کردم و بسیار کردم مناجات و کلام خود را و تنگی سینه مرا بر آن خواند و مرا بدان واداشت در حالی که می دانستم دعا به قدر نمک در خمیر تو را کفایت می کند بلکه کافی است تو را قصد اراده و اینکه بگوید بنده به نیّت درست و زبانی راست که «ای پروردگار من» پس در نزد گمان بنده ات به خود هستی و دل من قصد مناجات با تو را داشت پس از تو می خواهم بر محمّد و بر آل محمّد رحمت فرستی و دعایم را به اجابت از جانب خود مقرون سازی و از روی منّت و احسان و توانایی و قدرت خود مرا به آنچه از جانب تو امید دارم برسانی و مرا از این مقام برنخیزانی مگر به برآوردن همه آنچه از تو خواستم پس به درستی که این بر تو آسان است و نزد من بسیار و بزرگ است و تو بر آن توانایی ای شنوا ای بینا.

ای خدای من و این مقام من محل ایستادن پناه برنده به توست از آتش و گریزنده از توست به سوی تو از گناهانی که بر او هجوم آوردند و از عیبهایی که او را رسوا کردند پس رحمت فرست بر محمّد و آل محمّد و نگاه کن به سوی من نگاهی از روی مهربانی که به سبب آن به بهشت تو برسم و مهربانی کن بر من مهربانی را که به سبب آن از عقوبت تو خلاص شوم پس به درستی که بهشت و دوزخ برای توست و به دست قدرت توست و کلیدهای آن و قفلهای آنها به سوی توست و تو بر این توانایی و آن بر تو سهل و آسان است پس در حق من آنچه را از تو خواستم انجام ده ای توانا و نیست حرکتی و نه توانایی مگر به خدای بلند مرتبه بزرگ و خدا ما را کافی است و نیکو وکیلی است.

علیّ بن حماد نقل کرد: من این دعا را از ابی الحسن علیّ علوی عریضی فرا گرفتم و او بر من شرط نمود که این دعا را به مخالفی ندهم و آن را عطا نکنم مگر به کسی که مذهب او را بدانم و او را بشناسم که از دوستان اهل بیت علیهم السلام است و در نزد من جماعتی از برادران مؤمن بودند که به ایشان دعا را می دادم تا آنکه در بصره بعضی از قاضیهای شهر اهواز بر من وارد شد که مخالف بود و حقّ نعمت بسیار بر من داشت و مرا احتیاج به آن بود و هر گاه من به شهر آن شخص وارد می شدم در خانه او فرود می آمدم. پس او را پادشاه گرفت و او را حبس نمود و از او سند مبلغ بیست هزار درهم گرفت و دلم برایش سوخت و جهت خلاصی او این دعا را به او دادم. پس هنوز یک هفته تمام نشده بود که پادشاه او را رها نمود بدون واسطه ای و از وجه سند چیزی از او نگرفت. سند او را به او باز داد و او را در نهایت اعزاز و احترام به شهر خودش روانه نمود و من او را تا به شهر أبلّه - . مکانی در بصره. -

مشایعت نمودم و از آن جا به شهر بصره بازگشتم.

و بعد از چند روز هر چند این دعا را طلب نمودم پس آن را نیافتم پس در میان کتاب های خود تفتیش بسیار کردم، اثری از این دعا پیدا نشد.

پس آن را از ابو المختار حسینی طلبیدم که از روی نسخه او این دعا را نوشته بودم. پس او نیز هر قدر سعی نمود آن نسخه را در میان کتاب خود نیافت و تا بیست سال هر قدر طلب نمودم این دعا را نیافتم. پس دانستم که این عقوبتی است از جانب خدا از جهت آنکه من این دعا را به آن شخص قاضی مخالف دادم و بعد از بیست سال آن را در میان کتابهای خود یافتم با وجود آنکه مکرّر آن را تفتیش کردم، نیافته بودم. پس قسم خوردم و با خود شرط نمودم که دیگر این دعا را ندهم، مگر به کسی که به دین او اعتماد داشته باشم که از معتقدان به ولایت آل رسول الله باشد. بعد از آنکه از او پیمان بگیرم که این دعا را ندهد مگر به کسی که مستحق این باشد از مؤمنان و به خدای تعالی استعانت می جویم و بر او اعتماد می نمایم. - . مهج الدعوات:۳۶۶ -۳۴۷ -

**[ترجمه]

باب ۱۰۸ أدعیه رفع الهموم و الأحزان و المخاوف و کشف الشدائد و ما یناسب ذلک و هو قریب من الباب السابق

الأخبار

«۱»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ، قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: مَا أَصَابَ أَحَداً هَمٌّ وَ لَا حُزْنٌ فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنِّی عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدِکَ وَ ابْنُ أَمَتِکَ نَاصِیَتِی بِیَدِکَ مَاضٍ فِیَّ حُکْمُکَ عَدْلٌ فِیَّ قَضَاؤُکَ أَسْأَلُکَ بِکُلِّ اسْمٍ سَمَّیْتَ بِهِ نَفْسَکَ وَ أَنْزَلْتَهُ فِی کِتَابِکَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَداً مِنْ خَلْقِکَ أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِیعَ قَلْبِی وَ نُورَ صَدْرِی وَ جَلَاءَ حُزْنِی وَ ذَهَابَ هَمِّی إِلَّا أَذْهَبَ اللَّهُ هَمَّهُ وَ أَنْزَلَ مَکَانَهُ فَرَحاً.

وَ عَنْ زَیْنِ الْعَابِدِینَ علیه السلام قَالَ: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَلَی نَفَرٍ مِنْ أَهْلِهِ فَقَالَ أَ لَا أُحَدِّثُکُمْ بِمَا یَکُونُ لَکُمْ خَیْراً مِنَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ إِذَا کُرِبْتُمْ وَ اغْتَمَمْتُمْ دَعَوْتُمُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَفَرَّجَ عَنْکُمْ قَالُوا بَلَی یَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ قُولُوا اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ

ص: ۲۷۹

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۳۴۷- ۳۶۶.

رَبُّنَا رَبُّنَا لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً ثُمَّ ادْعُوا بِمَا بَدَا لَكَمْ.

وَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: الْأَحْزَانُ أَسْقَامُ الْقُلُوبِ كَمَا أَنَّ الْأَمْرَاضَ أَسْقَامُ الْأَبْدَانِ فَمَنْ أَصَابَهُ حُزْنٌ أَوْ بَلَاءٌ فَلْيَقُلْ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ يَا مُفَجِّرَ الْأَنْهَارِ وَ مُطْعِمَ الثِّمَارِ يَا مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ ظُلْمَةُ اللَّيْلِ وَ ضَوْءُ النَّهَارِ وَ مَا عَلَى الْأَرْضِ وَ قَعْرِ الْبِحَارِ افْتَحْ لَنَا فِی هَذِهِ السَّاعَهِ وَ سَهِّلْ لَنَا صَالِحَ الْأَسْبَابِ وَ يَسِّرْ لَنَا التَّوْبَهَ يَا تَوَّابُ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ يَا سَمِيعُ يَا وَهَّابُ وَ قَالَ علیه السلام إِذَا تَوَالَتِ الْهُمُومُ فَعَلَيْكَ بِلَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

**[ترجمه]دعوات الراوندی: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس به غم و اندوهی گرفتار شود و بخواند: «خدایا به راستی که من بنده تو و فرزند بنده تو و کنیز تو هستم زمام امورم به دست توست و حکم تو بر من قطعی و قضای تو بر من از روی عدالت است، از تو می... خواهم به نام اسم‌هایی که خود را بدان نامیدی و آن را در کتاب خود نازل کردی، یا به یکی از مخلوقاتت آموختی. یا آن را در علم غیب نزد خودت، برگزیدی، قرآن را بهار قلب من و از سینه‌ام و از بین‌برنده اندوه و برطرف‌کننده غم قرار دهی.» خداوند غم را از او می‌برد و شادی را جایگزین آن می‌نماید.

از زین العابدین علیه السلام نقل است: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر چند نفر از خانواده خویش وارد شدند و فرمودند: آیا سخن نگویم برای شما از آنچه خیر دنیا و آخرت را برایتان دارد؟ و هرگاه به گرفتاری و غمی مبتلا شدید، چون خدای عزّ و جلّ را بخوانید، از شما گره می‌گشاید؟ گفتند: چرا ای رسول خدا، فرمودند: بگویید «خدا خدا خدا پروردگار ماست پروردگار ماست، ذره‌ای به او شرک نورزیم» سپس هرچه خواستید، دعا کنید.

از حضرت صادق علیه السلام نقل است: غم‌ها بیماری‌های دل‌هایند، همانطور که مریض‌ها بیماری جسم‌اند، هرکس اندوه و بلایی به او برسد، بگوید: «خدایا از تو می‌خواهم ای گشاینده روزها و اطعام دهنده میوه‌ها، ای کسی که تاریکی شب و روشنایی روز و آنچه بر زمین و قعر دریاهاست، تو را تسبیح می‌کنند، در این لحظه بر ما گشایشی حاصل کن و سبب‌های نیک را برایمان آسان گردان و توبه را برایمان میسر کن، ای توبه‌پذیر، و بر محمد و خاندان او درود فرست، ای شنونده بسیار بخشنده».

آن حضرت علیه السلام فرمودند: هرگاه غم‌ها پی‌درپی آیند بر تو باد به ذکر لا حول و لا قوه الا بالله: هیچ نیرو و قدرتی جز خدا نیست.

**[ترجمه]

«۲»

الدُّرُّ الْمَنْثُورُ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ أَصَابَهُ هَمٌّ أَوْ حُزْنٌ فَلْيَقُلْ اللَّهُمَّ إِنِّی عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ أَمَتِكَ نَاصِيَتِی فِی يَدِكَ مَاضٍ فِيَّ حُكْمُكَ عَدْلٌ فِيَّ قَضَاؤُكَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِی كِتَابِكَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِی عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِی وَ نُورَ صَدْرِی وَ ذَهَابَ هَمِّی وَ جَلَاءَ حُزْنِی قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَا قَالَهُنَّ مَهْمُومٌ قَطُّ إِلَّا أَذْهَبَ اللَّهُ هَمَّهُ وَ أَبْدَلَهُ بِهَمِّهِ فَرَحاً قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَ فَلَا نَتَعَلَّمُ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ قَالَ فَتَعَلَّمُوهُنَّ وَ عَلِّمُوهُنَ (1).

**[ترجمه]الدر المنثور: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس به غم و اندوهی مبتلا شود، بگوید: «خدایا من بنده تو و فرزند بنده و کنیز تو هستم و زمام امورم به دست توست، حکم تو بر من قطعی و قضای تو بر من از روی عدالت است. از تو می‌خواهم به تمامی اسمهایی که از آن توست و خود را بدان نامیدی یا در کتابت فرو فرستادی یا به کسی از مخلوقاتت آموختی، یا آن را در علم غیب نزد خویش برگزیدی که قرآن را بهار قلب من، نور سینه‌ام و از بین برنده‌ی غم و زداینده اندوهم قرار دهی.» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هرگاه انسان اندوهگینی آن کلمات را بر زبان آورد، خداوند غم او را از بین می‌برد و شادی را جایگزین آن می‌گرداند، گفتند: ای رسول خدا، آیا این کلمات را یاد بگیریم؟ فرمودند: آنها را فرا گیرید و به دیگران بیاموزید. - . الدر المنثور ۳: ۱۴۹ -

**[ترجمه]

«۳»

مهج، [مهج الدعوات] عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الصَّمَدِ قَالَ أَخْبَرَنِی الْإِمَامُ جَدِّی وَ الشَّیْخُ أَبُو بَکْرٍ عُثْمَانُ بْنُ إِسْمَاعِیلَ بْنِ أَحْمَدَ الْحَاجِّیُّ وَ الْإِمَامُ أَحْمَدُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ أَبِی صَالِحٍ الْمُقْرِی قِرَاءَةً عَلَیْهِمْ عَنْ أَبِی بَکْرٍ عَبْدِ الْغَفَّارِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الدَّرْبَنْدِیِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عُثْمَانَ الدِّمَشْقِیِّ عَنْ أَبِی بَکْرٍ مُحَمَّدِ بْنِ صَالِحِ بْنِ الْخَلَفِ الْحَوْرَانِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُوسَی بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ علیهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِعَلِیٍّ یَا عَلِیُّ إِذَا هَالَکَ أَمْرٌ أَوْ نَزَلَتْ بِکَ شِدَّةٌ فَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُنْجِیَنِی مِنْ هَذَا الْغَم (۲).

۱- ۱. الدّر المنثور ج ۳ ص ۱۴۹.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۴- ۵.

**[ترجمه]مهـج الـدعوات: رسول خدا صـلی الله علیه و آله به علی فرمودند: ای علی، هرگاه کاری تو را به هراس انداخت یا به سـختی گرفتار آمـدی بگو: «خـدایا از تو می‌خواهم به حق محمـد و خانـدان محمـد که بر محمـد و خاندان محمد درود فرستی و مرا از این غصه برهانی». - . مهج الدعوات: ۵ – ۴ -

**[ترجمه]

«۴»

مهج، [مهج الدعوات]: دُعَاءُ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله وَ هُوَ دُعَاءُ الْفَرَجِ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا مَنْ عَلَا فَقَهَرَ وَ يَا مَنْ بَطَنَ فَخَبَرَ وَ يَا مَنْ مَلَکَ فَقَدَرَ وَ يَا مَنْ عُبِدَ فَشَکَرَ وَ يَا مَنْ عُصِيَ فَغَفَرَ يَا مَنْ لَا يُحِيطُ بِهِ الْفِكَرُ وَ يَا مَنْ لَا يُدْرِکُهُ بَصَرٌ وَ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَثَرٌ يَا عَالِيَ الْمَكَانِ يَا شَدِيدَ الْأَرْكَانِ يَا مُنْزِلَ الْفُرْقَانِ يَا مُبَدِّلَ الزَّمَانِ يَا قَابِلَ الْقُرْبَانِ يَا نَيِّرَ الْبُرْهَانِ يَا عَظِيمَ الشَّأْنِ يَا ذَا الْمَنِّ وَ الْإِحْسَانِ وَ يَا ذَا الْعِزَّةِ وَ السُّلْطَانِ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَانُ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ يَا تَوَّابُ يَا وَهَّابُ يَا مُعْتِقَ الرِّقَابِ يَا مُنْشِئَ السَّحَابِ يَا مَنْ حَيْثُ مَا دُعِيَ أَجَابَ يَا مُرْخِصَ الْأَسْعَارِ يَا مُنْزِلَ الْأَمْطَارِ يَا مُنْبِتَ الْأَشْجَارِ فِی الْأَرْضِ الْقِفَارِ وَ مُخْرِجَ الثِّمَارِ يَا دَائِمَ الثَّبَاتِ يَا مُخْرِجَ النَّبَاتِ يَا مُحْيِيَ الْأَمْوَاتِ يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ يَا كَاشِفَ الْكُرُبَاتِ يَا مَنْ لَا تُضْجِرُهُ الْأَصْوَاتُ وَ لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ اللُّغَاتُ وَ لَا تَغْشَاهُ الظُّلُمَاتُ يَا مُعْطِيَ السُّؤْلَاتِ يَا وَلِيَّ الْحَسَنَاتِ يَا دَافِعَ الْبَلِيَّاتِ يَا قَابِلَ الصَّدَقَاتِ يَا قَابِلَ التَّوْبَاتِ يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ يَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ يَا رَاحِمَ الْعَبَرَاتِ يَا مُنْجِحَ الطَّلِبَاتِ يَا مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ يَا جَامِعَ الشَّتَاتِ يَا رَادَّ مَا كَانَ فَاتَ يَا جَمَالَ الْأَرَضِينَ وَ السَّمَاوَاتِ يَا سَابِغَ النِّعَمِ يَا كَاشِفَ الْأَلَمِ يَا شَافِيَ السَّقَمِ يَا مَعْدِنَ الْجُودِ وَ الْكَرَمِ يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَقْرَبَ الْأَقْرَبِينَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ يَا مُتَجَاوِزاً عَنِ الْمُسِيئِينَ يَا مَنْ لَا يَعْجَلُ عَلَى الْخَاطِئِينَ يَا فَكَّاکَ الْمَأْسُورِينَ يَا مُفَرِّجَ غَمِّ الْمَغْمُومِينَ يَا جَامِعَ الْمُتَفَرِّقِينَ يَا مُدْرِکَ الْهَارِبِينَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ.

يَا صَاحِبَ كُلِّ غَرِيبٍ يَا مُونِسَ كُلِّ وَحِيدٍ يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ يَا رَازِقَ

الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ يَا مَنْ لَهُ التَّدْبِيرُ وَ إِلَيْهِ التَّقْدِيرُ يَا مَنِ الْعَسِيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرٌ يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْ ءٍ خَبِيرٌ يَا مَنْ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ يَا خَالِقَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ الْمُنِيرِ.

يَا فَالِقَ الْإِصْبَاحِ يَا مُرْسِلَ الرِّيَاحِ يَا بَاعِثَ الْأَرْوَاحِ يَا ذَا الْجُودِ وَ السَّمَاحِ يَا مَنْ بِيَدِهِ كُلُّ مِفْتَاحٍ.

يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ يَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ يَا عِزَّ مَنْ لَا عِزَّ لَهُ يَا كَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ يَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ يَا عَوْنَ مَنْ لَا عَوْنَ لَهُ يَا رُكْنَ مَنْ لَا رُكْنَ لَهُ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَهِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَهِ يَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا يَا ذَا الْحُجَّهِ الْبَالِغَهِ يَا ذَا الْمُلْكِ وَ الْمَلَكُوتِ يَا ذَا الْعِزَّهِ وَ الْجَبَرُوتِ يَا مَنْ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ الْغُيُوبَ وَ بِمَعْرِفَتِكَ مَا فِي ضَمَائِرِ الْقُلُوبِ وَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ اصْطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابٍ مِنْ كُتُبِكَ أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى كُلِّهَا حَتَّى انْتَهَى إِلَى اسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي فَضَّلْتَهُ عَلَى جَمِيعِ أَسْمَائِكَ أَسْأَلُكَ بِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْ تُيَسِّرَ لِي مِنْ أَمْرِي مَا أَخَافُ عُسْرَهُ وَ تُفَرِّجَ عَنِّي الْهَمَّ وَ الْغَمَّ وَ الْكَرْبَ وَ مَا ضَاقَ بِهِ صَدْرِي وَ عِيلَ بِهِ صَبْرِي فَإِنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى فَرَجِي سِوَاكَ وَ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَ أَهْلَ الْمَغْفِرَهِ يَا مَنْ لَا يَكْشِفُ الْكَرْبَ غَيْرُهُ وَ لَا يُجَلِّي الْحُزْنَ سِوَاهُ وَ لَا يُفَرِّجُ عَنِّي إِلَّا هُوَ اكْفِنِي شَرَّ نَفْسِي خَاصَّهً وَ شَرَّ النَّاسِ عَامَّهً وَ أَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ وَ أَصْلِحْ أُمُورِي وَ اقْضِ لِي حَوَائِجِي وَ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجاً وَ مَخْرَجاً فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَ لَا أَعْلَمُ وَ تَقْدِرُ وَ لَا أَقْدِرُ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: دعای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که همان دعای فرج است. «به نام خداوند بخشنده مهربان، خدایا از تو می... خواهم ای خدا ای خدا ای کسی که بالا رفت و غالب شد و به درون رفت و آگاه شد و فرمان یافت و توانا گشت، و ای کسی که پرستیده شد و سپاس نمود و عصیان شد و آمرزید، ای کسی که فکرها او را در بر نمی‌گیرند و چشم او را ادراک نمی‌کند، و هیچ اثری از او پنهان نمی‌ماند.

ای والا مکان، ای محکم‌کننده ستون‌ها، ای فرو فرستنده فرقان، ای تغییردهنده زمان، ای پذیرنده قربانی، و ای برهان روشن، ای بزرگ مرتبه، ای صاحب بخشش و نیکی و ای صاحب عزت و پادشاهی، ای مهربان ای بخشایشگر.

ای پروردگار پرورندگان، ای توبه پذیر و بسیار بخشنده ای آزادکننده گردن‌ها، ای پدیدآورنده ابرها، ای کسی که هرجا فراخوانده شود، اجابت می‌کند.

ای ارزان‌کننده قیمت‌ها، ای فروریزنده باران، ای رویاننده درختان در زمین بیابان و خارج‌کننده میوه‌ها.

ای ثبات جاودان، ای بیرون آورنده گیاه، ای زنده‌کننده مردگان، ای پوشاننده لغزش‌ها، ای برطرف کننده غم‌ها، ای کسی که صداها او را نمی‌آزارد، و زبان‌ها او را به اشتباه نمی‌اندازند، و تاریکی‌ها او را نمی‌گیرند، ای عطاکننده درخواست‌ها، ای سرپرست نیکی‌ها، ای برطرف... کننده بلاها، ای پذیرنده صدقه‌ها، ای پذیرنده توبه‌ها، ای دانا به نهان‌ها، ای اجابت‌کننده دعاها، ای بالابرنده رتبه‌ها، ای روا کننده حاجات، ای رحم کننده بر اشک‌ها، ای کامیاب‌کننده درخواست‌ها، ای نازل‌کننده برکت‌ها، ای جمع کننده پراکندگی‌ها، ای برگرداننده آنچه از دست رفت، ای زیبای زمین‌ها و آسمان‌ها.

ای فراوان‌کننده نعمت‌ها، ای زداینده درد، ای شفادهنده بیماری، ای سرچشمه بخشش و بزرگواری.

ای بخشنده‌ترین بخشندگان، ای بزرگوارترین کریمان، ای شنواترین شنوندگان، ای بیننده‌ترین نگرندگان، ای مهربان‌ترین مهربانان، ای نزدیک‌ترین نزدیکان، ای خدای جهانیان، ای فریاد رس فریادخواهان ای پناه پناه‌جویان، ای درگذرنده از بدکاران، ای کسی که بر خطاکاران، تعجیل نمی‌کند، ای رهاکننده اسیران، ای زداینده غم اندوهناکان، ای جمع‌کننده پراکندگان، ای دریابنده گریختگان، ای نهایت

خواستاران.

ای همراه هر بی‌کسی، ای مونس تنهایی، ای رحم کننده بر پیر بزرگسال و ای روزی‌دهنده بر طفل خردسال، ای اصلاح کننده استخوان شکسته، ای پناه هراسناک پناه جو، ای کسی که تدبیر از آن اوست و تقدیر به سوی اوست، ای کسی که سخت بر او آسان و ممکن است، ای کسی که بر هر چیز آگاه است، ای کسی که بر هر چیز تواناست ای آفریننده خورشید و ماه تابان.

ای شکافنده صبح، ای فرستنده بادها، ای برانگیزاننده روح‌ها، ای صاحب بخشش و سخاوت، ای کسی که تمام کلیدها به دست اوست.

ای تکیه‌گاه کسی که تکیه‌گاهی ندارد، ای پشتوانه کسی که پشتوانه‌ای ندارد، ای ذخیره کسی که اندوخته‌ای ندارد، ای عزّت کسی که عزتی ندارد، ای گنج کسی که گنجی ندارد، ای محافظت‌کننده از کسی که مراقبتی ندارد، ای یاری‌گر کسی که یاری‌کننده‌ای ندارد، ای ستون کسی که ستونی ندارد، ای فریادرس کسی که فریادی ندارد.

ای که بخششت بزرگ، عفوت کریمانه است، ای نیکو درگذرنده، ای بسیار آمرزنده، ای آنکه دو دست خود را به رحمت گشوده‌ای، ای کسی که نعمت‌ها را قبل از شایستگی آنها، آغاز کردی، ای صاحب حجت رسا، ای صاحب فرمانروایی ظاهر و باطن، ای صاحب عزت و جبروت، ای زنده‌ای که نمی‌میرد، از تو می‌خواهم به علم غیبت و به شناختی که از درون قلب‌ها داری، به تمامی اسم‌هایی که سزاوار توست، و آن را بر خود برگزیدی و در کتابی از کتاب‌هایت فرو فرستادی یا آن را در علم غیب، نزد خویش برگزیدی و به تمامی نام‌های برترین تو، تا برسم به نام عظیم و بزرگ‌تر تو که آن را بر تمامی نام‌هایت برتری دادی.

از تو بدان می‌خواهم بر محمد و خاندان او درود فرستی و هر آنچه از کارهایی که از سختی آن بیم دارم، آسانی گردانی و غم و اندوه و گرفتاری و هر آنچه سینه من از آن به تنگ آمد و صبرم ناتوان گشت را از من بزدایی، به راستی که جز تو کس نمی‌تواند در کار من گشایش ایجاد کند و در حق من آنچه کن که سزاوار آنی، ای سزاوار تقوا و ای زیبنده آمرزش.

ای تنها کسی که غم‌ها را می‌زداید و اندوه‌ها را برطرف می‌نماید و تنها او در کار من گشایش ایجاد می‌کند، مرا از شر مخصوصاً خودم و شر مردم عموماً، کفایت کن و مرا اصلاح کن و امورم را سر و سامان بخش و حاجاتم را روا ساز و در کار من گشایش و خروجی قرار ده، به راستی که تو می‌دانی و من نمی‌دانم و تو می‌توانی و من ناتوانم، و تو بر هر چیز توانایی،به رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان. - . مهج الدعوات: ۱۱۷ – ۱۱۵ -

**[ترجمه]

«۵»

ق، [الکتاب العتیق الغرویّ] دُعَاءٌ لِلْكَرْبِ وَ السُّلْطَانِ عَنِ النَّبِيِّ علیه السلام قَالَ صلی الله علیه و آله: إِذَا هَاجَ بِكُمْ كَرْبٌ أَوْ خَشْيَةٌ مِنْ سُلْطَانٍ أَوْ أَرَدْتُمْ حَاجَةً تَدْعُو بِهَذِهِ الدَّعَوَاتِ فَوَ الَّذِی

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۱۵- ۱۱۷.

بَعَثَنِی بِالْحَقِّ نَبِیّاً مَا دَعَوْتُ بِهَا فِی وَجْهِهِ إِلَّا نُصِرْتُ وَ لَا عَلَی عَدُوٍّ إِلَّا ظَفِرْتُ وَ أَرَی مَا أُحِبُّ وَ تَقَرُّ بِهِ عَیْنِی وَ هُوَ هَذَا الدُّعَاءُ یَا عَالِمَ الْغُیُوبِ وَ السَّرَائِرِ یَا مُطَاعُ یَا عَزِیزُ یَا عَلِیمُ یَا هَازِمَ الْأَحْزَابِ لِأَحْمَدَ یَا کَائِدَ فِرْعَوْنَ لِمُوسَی یَا مُنْجِیَ عِیسَی مِنْ أَیْدِی الظَّلَمَهِ یَا مُخَلِّصَ نُوحٍ مِنَ الْغَرَقِ یَا قَاصِدَ کُلِّ خَیْرٍ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ یَا خَالِقَ الْخَیْرِ یَا أَهْلَ الْخَیْرِ رَغِبْتُ إِلَیْکَ فِی کَذَا وَ کَذَا فَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ فَرِّجْ عَنِّی وَ أَغِثْنِی وَ اسْتَجِبْ لِی وَ ارْحَمْنِی یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ.

**[ترجمه]العتیق الغروی: دعایی برای غم و حاکم، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل است، فرمودند: هرگاه غمی یا هراسی از حاکم بر شما وارد شد، یا حاجتی داشتید، این دعاها را بخوانید، سوگند به کسی که به حق مرا به پیامبری برانگیخت، آن را به هر قصدی خواندم، یاری شدم و بر دشمن خواندم پیروز گشتم، و می‌بینم آنچه دوست دارم و چشمم بدان روشن می گردد و دعا این است:

«ای دانای نهان‌ها و پنهان‌ها، ای اطاعت‌شونده، ای شکست ناپذیر، ای دانا ای شکست‌دهنده گروه‌ها به نفع احمد و ای مکرکننده به فرعون به نفع موسی ای نجات‌دهنده عیسی از دست ظالمان، ای رهاکننده نوح از غرق شدن، ای طلب کننده تمام خیرها، ای صاحب شکوه و بزرگی، ای آفریننده خیر ای شایسته خیر، در فلان و فلان به سوی تو گراییدم پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و در کار من گشایش حاصل کن، و به فریادم برس، و مرا اجابت نمای و بر من رحم کن، ای مهربان‌ترین مهربانان.

**[ترجمه]

«۶»

مهج، [مهج الدعوات] رُوِیَ: أَنَّ الْحَاجَّ أَصَابَهُمْ عَطَشٌ فِی بَعْضِ السِّنِینَ حَتَّی کَادُوا أَنْ یَهْلِکُوا فَجَلَسَ وَاحِدٌ مِنْهُمْ لِیَمُوتَ فَأَخَذَتْهُ سِنَهُ النَّوْمِ فَرَأَی مَوْلَانَا عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام یَقُولُ لَهُ مَا أَغْفَلَکَ عَنْ کَلِمَهِ النَّجَاهِ فَقُلْتُ وَ مَا کَلِمَهُ النَّجَاهِ فَقَالَ تَقُولُ إِلَهِی أَدِمْ مُلْکَکَ عَلَی مُلْکِکَ بِلُطْفِکَ الْخَفِیِّ وَ أَنَا عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ فَاسْتَیْقَظْتُ وَ قُلْتُهَا فَنَشَأَ غَمَامٌ وَ أَغَاثَ النَّاسَ فِی الْحَالِ حَتَّی عَاشُوا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: روایت است، حاجیان در یکی از سال‌ها به عطش شدید گرفتار شدند، به طوری که نزدیک بود جان دهند، پس یکی از آنها نشست تا بمیرد، و چرتی او را فرا گرفت، پس مولایمان علی بن ابی‌طالب علیه السلام را دید، به او فرمودند: چه چیز تو را از کلمه نجات غافل کرد؟ پس گفتم: کلمه نجات چیست؟ فرمودند: می گویی: «خدای من، به لطف پنهان خویش، فرمانروایی‌ات را بر فرمانروایی خود پایدار بدار.» و من علی بن ابی طالب هستم، پس بیدار شدم و آن را گفتم، پس ابری پدیدار شد و به کمک مردم آمد و باریدن گرفت تا زنده ماندند و سپاس مخصوص خدای یکتاست. - . مهج الدعوات: ۱۷۳ -

**[ترجمه]

«۷»

مهج، [مهج الدعوات] مِنْ کِتَابِ تَعْبِیرِ الرُّؤْیَا لِمُحَمَّدِ بْنِ یَعْقُوبَ الْکُلَیْنِیِّ وَ هَذَا لَفْظُهُ أَحْمَدُ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: رَأَیْتُ أَبِی علیه السلام فِی الْمَنَامِ فَقَالَ یَا بُنَیَّ إِذَا کُنْتَ فِی شِدَّهٍ فَأَکْثِرْ مِنْ أَنْ تَقُولَ یَا رَءُوفُ یَا رَحِیمُ وَ الَّذِی نَرَاهُ فِی النَّوْمِ کَمَا نَرَاهُ فِی الْیَقَظَهِ(۲).

**[ترجمه]مهج الدعوات: از کتاب تعبیر خواب اثر محمد بن یعقوب کلینی و این لفظ آن است: امام رضا علیه السلام فرمودند: پدرم علیه السلام را در خواب دیدم پس فرمودند: ای فرزندم، هرگاه به سختی افتادی، بسیار بگو: «یا رؤوف یا رحیم» و آنچه در خواب می‌بینم مثل چیزی است که در بیداری ببینم. - . مهج الدعوات: ۴۱۶ -

**[ترجمه]

«۸»

مهج، [مهج الدعوات] بِإِسْنَادِنَا إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ فِي كِتَابِ فَضْلِ الدُّعَاءِ بِإِسْنَادِهِ إِلَى عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ قَالَ: اسْتَأْذَنْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَخَرَجَ وَ شَفَتَاهُ يَتَحَرَّكَانِ قَالَ وَ بُهْتَ لِذَلِكَ يَا ثُمَالِيُّ قَالَ قُلْتُ نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ

إِنِّي وَ اللَّهِ تَكَلَّمْتُ بِكَلَامٍ مَا تَكَلَّمَ بِهِ أَحَدٌ قَطُّ إِلَّا كَفَاهُ اللَّهُ مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ وَ آخِرَتِهِ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ جَعَلَنِيَ اللَّهُ فِدَاكَ فَأَخْبِرْنِي بِهِ قَالَ نَعَمْ مَنْ قَالَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ حَسْبِيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورِي كُلِّهَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الْآخِرَةِ لَيُقْضَى مَا أَحَبَّهُ (۳).

ص: ۲۸۳

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۷۳ و ص ۴۱۶ و ص ۲۱۵ على الترتيب.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۱۷۳ و ص ۴۱۶ و ص ۲۱۵ على الترتيب.

۳- ۳. مهج الدعوات ص ۱۷۳ و ص ۴۱۶ و ص ۲۱۵ على الترتيب.

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءٌ آخَرُ عَنْ مَوْلَانَا الْبَاقِرِ علیه السلام وَجَدْتُهُ فِی أَصْلٍ مِنْ کُتُبِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ رَبِیعٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: أَ لَا أُعَلِّمُکَ دُعَاءً نَدْعُو بِهِ أَهْلَ الْبَیْتِ إِذَا کَرَبَنَا أَمْرٌ أَوْ تَخَوَّفْنَا شَرَّ السُّلْطَانِ أَوْ أَمْراً لَا قِبَلَ لَنَا بِهِ قُلْتُ بَلَی بِأَبِی وَ أُمِّی یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ قُلْ یَا کَائِناً قَبْلَ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ یَا مُکَوِّنَ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ یَا بَاقِی بَعْدَ کُلِّ شَیْ ءٍ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ وَ افْعَلْ بِی کَذَا وَ کَذَا(۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: ابی حمزه ثمالی نقل کرد: از امام باقر علیه السلام، اجازه خواستم، پس خارج شدند و لبانشان حرکت می کرد، فرمودند: آیا متوجه این امر شدی، ای ثمالی؟ عرض کردم: آری فدایت گردم. فرمود: سوگندبه خدا، سخنی گفتم که هرگاه کسی آن را بر زبان آورد، خدا امور مهم دنیا و آخرت او را کفایت می کند، عرض کردم: خداوند مرا فدای شما گرداند، مرا بدان آگاه سازید، فرمودند: آری هر کس از زمانی که از خانه خارج می‌شود، بگوید: «به نام خداوند بخشنده مهربان، خداوند برای من کافی است، و بر خدا توکل نمودم، خدایا از تو خیر تمامی کارهایم را مسألت می کنم و از خواری دنیا و عذاب آخرت به تو پناه می‌برم» آنچه دوست دارد، روا گردد. - . مهج الدعوات: ۳۱۵ -

از این جمله، دعایی دیگر از مولایمان امام باقر علیه السلام است که آن را در نسخه‌ای از کتاب‌های راویان امامیه یافتم، عبدالله بن عبد الرحمن نقل کرد، امام باقر علیه السلام فرمودند: آیا نیاموزم به تو دعایی را که ما اهل بیت هرگاه از امری اندوهگین شویم یا از شر حاکم، هراس پیدا کنیم،یا امری که برای ما ناخوشایند است، آن را می‌خوانیم؟ عرض کردم: آری، پدر و مادرم به فدای شما ای فرزند رسول خدا، فرمودند: بگو: «ای موجود قبل از هر چیز و ای پدیدآورنده هر چیز، و ای پایدار بعد از هر چیز بر محمد و اهل بیت او درود فرست و در حق من چنین و چنان کن....». - . مهج الدعوات: ۲۱۶ -

**[ترجمه]

«۹»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، رُوِیَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ: أَنَّهُ کَانَ رَجُلٌ عَلَی عَهْدِ عُمَرَ وَ لَهُ فِلَاءٌ(۲) بِنَاحِیَهِ آذَرْبَایجَانَ قَدِ اسْتَصْعَبَتْ عَلَیْهِ فَمَنَعَتْ جَانِبَهَا فَشَکَا إِلَیْهِ مَا قَدْ نَالَهُ قَالَ اذْهَبْ فَاسْتَغِثْ بِاللَّهِ وَ کَتَبَ لَهُ رُقْعَهً فِیهَا الرُّقْیَهُ وَ مَضَی وَ اغْتَمَمْتُ لَهُ غَمّاً شَدِیداً فَلَقِیتُ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فَأَخْبَرْتُهُ بِهِ فَقَالَ لَیَعُودَنَّ بِالْخَیْبَهِ فَهَدَأَ مَا بِی وَ طَالَتْ عَلَیَّ سَنَتِی فَإِذَا أَنَا بِالرَّجُلِ قَدْ وَافَی وَ فِی جَبْهَتِهِ شَجَّهٌ تَکَادُ الْیَدُ تَدْخُلُ فِیهَا فَلَمَّا رَأَیْتُهُ بَادَرْتُ فَقُلْتُ مَا وَرَاکَ فَقَالَ إِنِّی صِرْتُ إِلَی الْمَوْضِعِ وَ رَمَیْتُ بِالرُّقْعَهِ فَحُمِلَ عِدَادٌ مِنْهَا فَرَمَحَنِی (۳)

أَحَدُهَا فِی وَجْهِی فَسَقَطْتُ وَ کَانَ مَعِی أَخٌ لِی فَحَمَلَنِی فَلَمْ أَزَلْ أَتَعَالَجُ حَتَّی صَلَحْتُ فَصَارَ إِلَی عُمَرَ فَأَخْبَرَهُ بِمَا کَانَ فَزَبَرَهُ وَ قَالَ لَهُ کَذَبْتَ لَمْ تَذْهَبْ بِکِتَابِی فَمَضَیْتُ بِهِ إِلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فَتَبَسَّمَ وَ قَالَ أَ لَمْ أَقُلْ لَکَ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَی الرَّجُلِ فَقَالَ لَهُ إِذَا انْصَرَفْتَ فَصِرْ إِلَی الْمَوْضِعِ الَّذِی فِیهِ وَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ نَبِیِّ الرَّحْمَهِ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ الَّذِینَ اخْتَرْتَهُمْ عَلَی عِلْمٍ عَلَی الْعَالَمِینَ فَذَلِّلْ لِی صُعُوبَتَهَا وَ حُزُونَتَهَا وَ اکْفِنِی شَرَّهَا فَإِنَّکَ الْکَافِی الْمُعَافِی وَ الْغَالِبُ الْقَاهِرُ فَانْصَرَفَ الرَّجُلُ رَاجِعاً.

فَلَمَّا کَانَ مِنْ قَابِلٍ قَدِمَ الرَّجُلُ وَ مَعَهُ جُمْلَهٌ مِنْ أَثْمَانِهَا وَ کَانَ الرَّجُلُ یَحُجُ

۱- ۱. مهج الدعوات: ۲۱۶.

۲- ۲. الفلاء- بالکسر- جمع فلو للمهر إذا فطم.

۳- ۳. أی رفسنی بحافره.

كُلَّ سَنَةٍ وَ قَدْ أَنْمَى اللَّهُ مَالَهُ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام كُلَّ مَنِ اسْتَصْعَبَ عَلَيْهِ شَيْ ءٌ مِنْ مَالٍ أَوْ أَهْلٍ أَوْ وَلَدٍ أَوْ فِرْعَوْنٍ مِنَ الْفَرَاعِنَهِ فَلْيَبْتَهِلْ بِهَذَا الدُّعَاءِ فَإِنَّهُ يَكْفِي مَا يَخَافُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ (١).

**[ترجمه]دعوات الراوندی: ابن عباس نقل کرد، در دوران خلافت عمر، شخصی یک کره اسب در ناحیه آذربایجان داشت که بر او سخت گشته بود و سواری نمی‌داد، و از آنچه بدان رسیده بود، به نزد عمر شکایت کرد، گفت: برو و از خداوند فریادخواهی کن، و برای او رقعه‌ای که در آن تعویذی بود نوشت و آن مرد رفت، و من برای او بسیار اندوهناک شدم، و امیر مؤمنان علیه السلام را دیدار کردم و او را از آن آگاه ساختم، فرمودند: او با ناامیدی برمی‌گردد، پس آرام گرفتم و آن سال بر من طولانی شد. ناگهان آن مرد را دیدم که آمده است و در پیشانی او شکافی است که تقریباً یک دست در آن وارد می‌شود.

هنگامی که او را دیدم به نزدیکش رفتم و گفتم: تو را چه شد؟ گفت: من به آن مکان رفتم و آن رقعه را انداختم پس شماری از آنها بر من حمله کردند و یکی از آنها لگدی بر صورتم زد و من افتادم، و برادرم که به همراهم بود، مرا به دوش کشید و تا کنون در پی درمان بودم تا بهبودی پیدا کردم، و نزد عمر رفت و او را از آنچه رخ داد، آگاه ساخت، پس عمر او را راند و گفت: دروغ گفتی، نوشته مرا نبردی.

او را به خدمت امیر مؤمنان علیه السلام بردم، پس لبخندی زدند و فرمودند: آیا به تو نگفتم؟ سپس به سمت آن مرد رفتند و فرمودند: هرگاه بازگشتی به آن مکانی که در آنجاست برو و بگو: «خدایا من به پیامبر تو پیغام‌آور رحمت، و اهل بیت او که آنها را به علم بر جهانیان برتری دادی، به تو روی می‌کنم، پس سختی و دشواری آن را بر من رام گردان و مرا از شر آن کفایت نما، به راستی که تو کفایت‌کننده و عافیت... بخش و چیره و غالب هستی.» پس آن مرد بازگشت.

پس هرگاه کاروانی می‌آمد، آن مرد نیز می‌آمد و به همراه خود، پاره‌ای از اشیا قیمتی آن بود، و آن مرد هر سال حج می‌گزارد و خداوند مال او را افزود و ابن عباس نقل کرد: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هر کسی چیزی از مال یا خانواده یا فرزند یا فرعونی از فرعون‌ها بر او سخت آید، پس با این دعا، به درگاه خداوند تضرع کند، به راستی که آن از آنچه بیم دارد کفایت می‌کند انشاء الله. - . دعوات الراوندی، در الخرائج: ۱۹۱ -

**[ترجمه]

باب ۱۰۹ أدعیه العافیه و رفع المحنه و هو من البابین السابقین

الأخبار

«۱»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ، قَالَ الرِّضَا علیه السلام: رَأَى عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیهما السلام رَجُلًا يَطُوفُ بِالْكَعْبَهِ وَ هُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الصَّبْرَ قَالَ فَضَرَبَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیهما السلام عَلَى كَتِفِهِ قَالَ سَأَلْتَ الْبَلَاءَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَهَ وَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَهِ.

وَ رُوِيَ: أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله دَخَلَ عَلَى مَرِيضٍ فَقَالَ مَا شَأْنُكَ قَالَ صَلَّيْتَ بِنَا صَلَاهَ الْمَغْرِبِ فَقَرَأْتَ الْقَارِعَهَ فَقُلْتُ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ لِي عِنْدَكَ ذَنْبٌ تُرِيدُ أَنْ تُعَذِّبَنِي بِهِ فِي الْآخِرَهِ فَعَجِّلْ ذَلِكَ فِي الدُّنْيَا فَصِرْتُ كَمَا تَرَى فَقَالَ صلی الله علیه و آله بِئْسَمَا قُلْتَ أَلَّا قُلْتَ رَبَّنا آتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَهً وَ فِي الْآخِرَهِ حَسَنَهً وَ قِنا عَذابَ النَّارِ فَدَعَا لَهُ حَتَّى أَفَاقَ قَالَ وَ كَانَ دَاوُدُ علیه السلام يَقُولُ اللَّهُمَّ لَا مَرَضٌ يُضْنِينِي (٢) وَ لَا صِحَّهٌ تُنْسِينِي وَ لَكِنْ بَيْنَ ذَلِكَ.

**[ترجمه]دعوات الراوندی: حضرت رضا علیه السلام فرمودند: حضرت علی بن حسین علیهما السلام مردی را دیدند که کعبه را طواف می...

کرد و می‌گفت: «خدایا من از تو صبر را مسألت می‌کنم» نقل کرد: پس علی بن حسین علیهما السلام بر شانه او زدند و فرمودند: تو بلا را درخواست کردی، بگو «خدایا من از تو عافیت و شکر عافیت را طلب می‌کنم».

روایت است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر شخص مریضی وارد شدند و فرمودند: در چه حالی؟ گفت: نماز مغرب را خواندم و سوره... قارعه را تلاوت نمودم و گفتم: «خدایا اگر گناهی از ما در نزد توست که می‌خواهی ما را بدان در آخرت، عذاب کنی، پس بر عذاب آن در دنیا شتاب ورز» پس اینگونه شدم که می‌بینی، حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: چه بد گفتی، مگر نگفتم: «پروردگارا در دنیا وآخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از آتش جهنم محفوظ بدار» پس برای او دعا کردند تا سالم گشت.

و فرمودند: حضرت داود علیه السلام می‌گفتند: «خدایا نه بیماری که مرا لاغر کند و نه سلامتی که مرا به فراموشی بیاندازد بلکه میان این دو باشد».

**[ترجمه]

«۲»

مهج، [مهج الدعوات] وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءُ الْعَافِیَهِ رَوَیْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا إِلَی سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بِإِسْنَادِهِ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: کُنْتُ جَالِساً عِنْدَ أَبِی وَ عِنْدَهُ رَجُلٌ قَدْ سَقَطَتْ إِحْدَی یَدَیْهِ مِنْ فَالِجٍ بِهِ وَ هُوَ یَطْلُبُ إِلَی أَبِی أَنْ یَدْعُوَ لَهُ دَعْوَهً وَ ذَکَرَ أَنَّ بِهِ حَصَاهً لَا یَقْدِرُ عَلَی

۱- ۱. دعوات الراوندیّ مخطوط و قد مر عن الخرائج ص ۱۹۱.

۲- ۲. ضنی- کعلم- ضنی: مرض مرضا مخامرا کلما ظنّ برؤه نکس.

الْبَوْلِ إِلَّا بِشِدَّةٍ فَعَلَّمَهُ أَبِی هَذَا الدُّعَاءَ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ امْسَحْ یَدَیْکَ الْمُبَارَکَتَیْنِ عَلَی بَدَنِی فَفَعَلَ فَقَالَ لَهُ أَبِی قُلْ هَذَا الدُّعَاءَ حِینَ تُصَلِّی صَلَاةَ اللَّیْلِ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ اللَّهُمَّ إِنِّی أَدْعُوکَ دُعَاءَ الْعَلِیلِ الذَّلِیلِ الْفَقِیرِ أَدْعُوکَ دُعَاءَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَ قَلَّتْ حِیلَتُهُ وَ ضَعُفَ عَمَلُهُ مِنَ الْخَطِیئَهِ وَ الْبَلَاءِ دُعَاءَ مَکْرُوبٍ إِنْ لَمْ تَدَارَکْهُ هَلَکَ وَ إِنْ لَمْ تَسْتَنْقِذْهُ فَلَا حِیلَهَ لَهُ فَلَا تُحِطْ بِهِ یَا سَیِّدِی وَ مَوْلَایَ وَ إِلَهِی مَکْرَکَ وَ لَا تُثْبِتْ عَلَیَّ غَضَبَکَ وَ لَا تَضْطَرَّنِی إِلَی الْیَأْسِ مِنْ رَوْحِکَ وَ الْقُنُوطِ مِنْ رَحْمَتِکَ وَ طُولِ الصَّبْرِ عَلَی الْأَذَی اللَّهُمَّ لَا طَاقَهَ لِی عَلَی بَلَائِکَ وَ لَا غِنَی بِی عَنْ رَحْمَتِکَ وَ هَذَا ابْنُ نَبِیِّکَ وَ حَبِیبِکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ بِهِ أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ فَإِنَّکَ جَعَلْتَهُ مَفْزَعاً لِلْخَائِفِ وَ اسْتَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا کَانَ وَ مَا هُوَ کَائِنٌ فَاکْشِفْ ضُرِّی وَ خَلِّصْنِی مِنْ هَذِهِ الْبَلِیَّهِ إِلَی مَا قَدْ عَوَّدْتَنِی مِنْ عَافِیَتِکَ وَ رَحْمَتِکَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْکَ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ فَانْصَرَفَ الرَّجُلُ ثُمَّ أَتَاهُ بَعْدَ أَیَّامٍ وَ مَا بِهِ شَیْ ءٌ مِمَّا کَانَ یَجِدُهُ قَالَ وَ أَمَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنْ نَکْتُمَ ذَلِکَ وَ قَالَ أَخْبَرْتُ أَبِی بِعَافِیَهِ الرَّجُلِ فَقَالَ یَا بُنَیَّ مَنْ کَتَمَ بَلَاءً ابْتُلِیَ بِهِ مِنَ النَّاسِ وَ شَکَا إِلَی اللَّهِ أَنْ یُعَافِیَهُ عَافَاهُ مِنْ ذَلِکَ الْبَلَاءِ عِنْدَ هَذَا الدُّعَاءِ(۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: و از این جمله، دعای عافیت است، امام صادق علیه السلام فرمودند: نزد پدرم نشسته بودم، و در خدمت ایشان مردی بود که یکی از دستانش به خاطر فلج، افتاده بود و از پدرم می‌خواست تا برایش دعایی کند، و یادآوری کرد، سنگی دارد که به سختی می... تواند ادرار کند. پس پدرم، این دعا را به او آموختند و آن مرد به ایشان گفت: دستان مبارکتان را بر بدنم بکشید، پس چنین کردند و پدرم به او فرمودند: این دعا را در نماز شب زمانی که سر به سجده داری بگو:

«خدایا من تو را همچون بیمار ذلیل فقیر می‌خوانم، تو را می‌خوانم همچون کسی که نیازش بسیار گشت و چاره‌اش اندک شد و کردارش از اشتباه و بلا به سستی گرایید، و همچون گرفتاری که اگر او را در نیابی، هلاک می‌گردد. و چنانچه او را نجات نبخشی هیچ راه چاره‌ای ندارد، پس ای سرور و مولا ـ و خدای من نیرنگ خود را بر او احاطه مکن و خشمت را بر من استوار مگردان، و مرا به ناامیدی و یأس از رحمتت و صبر طولانی بررنج ها، مجبور مکن.

خدایا نه توانی بر بلای تو دارم و نه بی‌نیازی از رحمتت، و این فرزند پیامبرت و محبوبت صلواتک علیه و آله است، به واسطه او به تو روی می‌کنم، به راستی که تو او را پناه شخص هراسان قرار دادی و علم گذشته و حال را به او سپردی، پس مشکلم را برطرف کن و مرا از این مصیبت به آنچه از عافیت و رحمت خود، عادت دادی برهان. امید به درگاه غیر تو قطع – ناامید – شد، ای خدا ای خدا ای خدا.»

آن مرد رفت سپس بعد از چند روز خدمت امام آمد و اثری از آن دردها در او نبود، نقل کرد: امام صادق علیه السلام ما را امر کردند که این مطلب را پنهان داریم، نقل کرد: پدرم را به تندرستی آن مرد خبر دادم، پس فرمودند: ای فرزندم، هر کس بلایی را که از سوی مردمان به آن گرفتار شده است پنهان دارد و به درگاه خداوند شکایت کند با خواندن این دعا، او را از این بلا عافیت دهد. - . مهج الدعوات: ۴۰۴ –

**[ترجمه]

«۳»

مهج، [مهج الدعوات] وَ مِنْ ذَلِکَ وَجَدْتُ فِی مَجْمُوعٍ: أَنَّ عُقْبَهَ بْنَ إِسْمَاعِیلَ الْحَضْرَمِیَّ عَمِّی فَرَأَی فِی مَنَامِهِ قَائِلًا یَقُولُ یَا قَرِیبُ یَا مُجِیبُ یَا سَمِیعَ الدُّعَاءِ یَا لَطِیفاً لِمَا یَشَاءُ رُدَّ إِلَیَّ بَصَرِی فَقَالَ ذَلِکَ فَعَادَ إِلَیْهِ بَصَرُهُ (۲).

وَ رَأَیْتُ بِخَطِّ الرَّضِیِّ الْآوِیِّ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ مَا هَذَا لَفْظُهُ: دُعَاءٌ عَلَّمَهُ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله أَعْمَی فَرَدَّ اللَّهُ إِلَیْهِ بَصَرَهُ یُصَلِّی رَکْعَتَیْنِ ثُمَّ یَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ وَ أَدْعُوکَ وَ أَرْغَبُ إِلَیْکَ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ نَبِیِّ الرَّحْمَهِ یَا مُحَمَّدُ إِنِّی أَتَوَجَّهُ بِکَ إِلَی اللَّهِ رَبِّکَ وَ رَبِّی لِیَرُدَّ بِکَ عَلَیَّ نُورَ بَصَرِی فَمَا قَامَ الْأَعْمَی

١- ١. مهج الدعوات: ٤٠٤.

٢- ٢. مهج الدعوات: ٤٠٥.

حَتَّی رَدَّ اللَّهُ عَلَیْهِ بَصَرَهُ (۱).

وَ رَأَیْتُ فِی الْمُجَلَّدِ الْأَوَّلِ مِنْ کِتَابِ التَّجَمُّلِ فِی تَرْجَمَهِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ یَحْیَی بْنِ خَاقَانَ مَا سَمِعْنَاهُ: أَنَّ إِنْسَاناً ضَعُفَ بَصَرُهُ فَرَأَی فِی مَنَامِهِ مَنْ یَقُولُ لَهُ قُلْ أُعِیذُ نُورَ بَصَرِی بِنُورِ اللَّهِ الَّذِی لَا یُطْفَأُ وَ امْسَحْ یَدَکَ عَلَی عَیْنَیْکَ وَ تُتْبِعُهَا بِآیَهِ الْکُرْسِیِّ فَقَالَ فَصَحَّ بَصَرُهُ وَ جُرِّبَ ذَلِکَ فَصَحَّ لِی بِالتَّجْرِبَهِ(۲).

**[ترجمه]مهج الدعوات: و از این جمله، در مجموعه‌ای یافتم، عقبه بن اسماعیل حضرمی نابینا شد، پس در خواب دید شخصی می گوید: «ای نزدیک، ای اجابت‌کننده، ای شنونده دعا، ای آنکه به آنچه بخواهد، آگاه است، چشمم را به من بازگردان» آن را گفت و بینایی‌اش را به او بازگرداند. - . مهج الدعوات: ۴۰۵ -

و به خط رضی الاوی قدس الله روحه این روایت را یافتم که لفظ آن چنین است: دعایی که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به فرد نابینایی آموخت پس خداوند بینایی‌اش را به او بازگرداند، دو رکعت نماز می گزارد و می گوید: «خدایا از تو مسألت می کنم و تو را می‌خوانم و به سوی تو می گرایم و به پیامبرت محمد پیغام‌آور رحمت به سوی تو روی می کنم، ای محمد به راستی که من به واسطه تو به سوی خدا پروردگار تو و پروردگار من، روی می کنم، تا به واسطه تو نور چشمانم را به من بازگرداند» همین که آن شخص نابینا برخاست، خداوند بینایی‌اش را به او بازگرداند. - . مهج الدعوات: ۴۰۵ -

در جلد اول کتاب التجمّل فی ترجمه محمد بن جعفر بن عبدالله بن یحیی بن خاقان دیدم، آنچه را شنیدیم که شخصی سوی چشمانش ضعیف می‌شود و در خواب می‌بیند کسی به او می گوید: بگو «پناه می‌دهم نور چشمم را به نور خدایی که خاموش نمی‌شود» سپس دستت را بر چشمانت بکش و به دنبال آن آیه الکرسی را بخوان، پس نقل کرد: چشمش سالم گشتند و آن را تجربه کرد و تجربه آن نیز صحیح گشت. - . مهج الدعوات: ۴۰۵ -

**[ترجمه]

«۴»

ق، کتاب العتیق الغروی رُوِیَ عَنِ الْعَالِمِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ: عَلَّمَنِی حَبِیبِی رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله دُعَاءً وَ لَا أَحْتَاجُ مَعَهُ إِلَی دَوَاءِ الْأَطِبَّاءِ قِیلَ وَ مَا هُوَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ قَالَ سَبْعٌ وَ ثَلَاثُونَ تَهْلِیلَهً مِنَ الْقُرْآنِ مِنْ أَرْبَعٍ وَ عِشْرِینَ سُورَهً مِنَ الْبَقَرَهِ إِلَی الْمُزَّمِّلِ مَا قَالَهَا مَکْرُوبٌ إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ کَرْبَهُ وَ لَا مَدْیُونٌ إِلَّا قَضَی اللَّهُ دَیْنَهُ وَ لَا غَائِبٌ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ غُرْبَتَهُ وَ لَا ذُو حَاجَهٍ إِلَّا قَضَی اللَّهُ حَاجَتَهُ وَ لَا خَائِفٌ إِلَّا آمَنَ اللَّهُ خَوْفَهُ وَ مَنْ قَرَأَهَا فِی کُلِّ یَوْمٍ حِینَ یُصْبِحُ آمَنَ قَلْبَهُ مِنَ الشِّقَاقِ وَ النِّفَاقِ وَ دَفَعَ عَنْهُ سَبْعِینَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ أَهْوَنُهَا الْجُذَامُ وَ الْجُنُونُ وَ الْبَرَصُ وَ أَحْیَاهُ اللَّهُ رَیَّاناً وَ أَمَاتَهُ رَیَّاناً وَ أَدْخَلَهُ الْجَنَّهَ رَیَّاناً وَ مَنْ قَالَهَا وَ هُوَ عَلَی سَفَرٍ لَمْ یَرَ فِی سَفَرِهِ إِلَّا خَیْراً وَ مَنْ قَرَأَهَا کُلَّ لَیْلَهٍ حِینَ یَأْوِی إِلَی فِرَاشِهِ وَکَّلَ اللَّهُ بِهِ سَبْعِینَ مَلَکاً یَحْفَظُونَهُ مِنْ إِبْلِیسَ وَ جُنُودِهِ حَتَّی یُصْبِحَ وَ کَانَ فِی نَهَارِهِ مِنَ الْمَحْفُوظِینَ وَ الْمَرْزُوقِینَ حَتَّی یُمْسِیَ وَ مَنْ کَتَبَهَا وَ شَرِبَهَا بِمَاءِ الْمَطَرِ لَمْ یُصِبْهُ فِی بَدَنِهِ سُوءٌ وَ لَا خَصَاصَهٌ وَ لَا شَیْ ءٌ مِنْ أَعْیُنِ الْجِنِّ وَ لَا نَفْثِهِمْ وَ لَا سِحْرِهِمْ وَ لَا کَیْدِهِمْ وَ لَمْ یَزَلْ مَحْفُوظاً مِنْ کُلِّ آفَهٍ مَدْفُوعاً عَنْهُ کُلُّ بَلِیَّهٍ فِی الدُّنْیَا مَرْزُوقاً بِأَوْسَعِ مَا یَکُونُ آمِناً مِنْ کُلِّ شَیْطَانٍ مَرِیدٍ وَ جَبَّارٍ عَنِیدٍ وَ لَمْ یَخْرُجْ عَنْ دَارِ الدُّنْیَا حَتَّی یُرِیَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِی مَنَامِهِ مَقْعَدَهُ مِنَ الْجَنَّهِ وَ هَذَا أَوَّلُهُ: مِنْ سُورَهِ الْبَقَرَهِ اثْنَتَانِ وَ إِلَهُکُمْ إِلهٌ واحِدٌ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحِیمُ

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۴۰۵.

٢- ٢. مهج الدعوات ص ٤٠٥.

اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ (۱) وَ مِنْ آلِ عِمْرَانَ خَمْسَةٌ الم اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتابَ بِالْحَقِ هُوَ الَّذِى يُصَوِّرُكُمْ فِى الْأَرْحامِ كَيْفَ يَشاءُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲) شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلامُ إِنَّ هذا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَ ما مِنْ إِلهٍ إِلَّا اللَّهُ وَ إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَ مِنَ النِّسَاءِ وَاحِدَةٌ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلى يَوْمِ الْقِيامَةِ لا رَيْبَ فِيهِ وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثاً(۳) وَ مِنَ الْمَائِدَةِ وَاحِدَةٌ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قالُوا إِنَّ اللَّهَ ثالِثُ ثَلاثَةٍ وَ ما مِنْ إِلهٍ إِلَّا إِلهٌ واحِدٌ وَ إِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذابٌ أَلِيمٌ (۴) وَ مِنَ الْأَنْعامِ اثْنَتَانِ ذلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ خالِقُ كُلِّ شَيْ ءٍ فَاعْبُدُوهُ وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ وَكِيلٌ اتَّبِعْ ما أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ (۵) وَ مِنَ الْأَعْرَافِ وَاحِدَةٌ قُلْ يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّى رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً الَّذِى لَهُ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ يُحيِى وَ يُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِى يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ كَلِماتِهِ وَ اتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۶) وَ مِنْ بَرَاءَة اثْنَتَانِ اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَ ما أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلهاً واحِداً لا إِلهَ إِلَّا هُوَ سُبْحانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ فَإِنْ

۱- ۱. البقره: ۱۵۸ و ۲۵۸.

۲- ۲. آل عمران: ۱ و ۶ و ۱۷ و ۶۲.

۳- ۳. النساء: ۸۹.

۴- ۴. المائده: ۷۳.

۵- ۵. الأنعام: ۱۰۲ و ۱۰۶.

۶- ۶. الأعراف: ۱۵۸.

تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيم (١) وَ مِنْ يُونُسَ وَاحِدَةٌ حَتَّى إِذا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا الَّذِي آمَنَتْ بِهِ بَنُوا إِسْرائِيلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ (٢) وَ مِنْ هُودٍ وَاحِدَةٌ فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّما أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (٣) وَ مِنَ الرَّعْدِ وَاحِدَةٌ وَ هُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ مَتابِ (۴) وَ مِنَ النَّحْلِ وَاحِدَةٌ يُنَزِّلُ الْمَلائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلى مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ (۵) وَ مِنْ طه ثَلاثَةٌ يَعْلَمُ السِّرَّ وَ أَخْفى اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنى وَ أَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِما يُوحى إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَ أَقِمِ الصَّلاةَ لِذِكْرِي إِنَّما إِلهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْماً(۶) وَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ اثْنَتَانِ وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنادى فِي الظُّلُماتِ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (٧) وَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَاحِدَةٌ فَتَعالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ (٨) وَ مِنَ النَّمْلِ وَاحِدَةٌ وَ يَعْلَمُ ما تُخْفُونَ وَ ما تُعْلِنُونَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ رَبُ

١- ١. براءه: ٣١ و ١٢٩.

٢- ٢. يونس: ٩٠.

٣- ٣. هود: ١۴.

۴- ۴. الرعد: ٢٩.

۵- ۵. النحل: ٢.

۶- ۶. طه: ۶ و ٧ و ١٢- ١۴ و ٩٨.

٧- ٧. الأنبياء: ٢۵ و ٨٧.

٨- ٨. المؤمنون: ١١٧.

الْعَرْشِ الْعَظِيم (۱) وَ مِنَ الْقَصَصِ اثْنَتَانِ وَ هُوَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولى وَ الْآخِرَةِ وَ لَهُ الْحُكْمُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲) وَ لا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَ مِنْ فَاطِرٍ وَاحِدَةٌ يا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (۳) وَ مِنَ الصَّافَّاتِ وَاحِدَةٌ إِنَّهُمْ كانُوا إِذا قِيلَ لَهُمْ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ (۴) وَ مِنْ ص وَاحِدَةٌ قُلْ إِنَّما أَنَا مُنْذِرٌ وَ ما مِنْ إِلهٍ إِلَّا اللَّهُ الْواحِدُ الْقَهَّارُ(۵) وَ مِنْ غافِرٍ اثْنَتانِ ذلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ذلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ هُوَ الْحَيُّ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ (۶) وَ مِنَ الدُّخَانِ وَاحِدَةٌ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَ يُمِيتُ رَبُّكُمْ وَ رَبُّ آبائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (۷) وَ مِنَ الْحَشْرِ اثْنَتَانِ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۸)

۱- ۱. النمل: ۲۶، و ما بين العلامتين ساقط عن الكمبانيّ و قد مر في ص ۱۲- ۱۴ من هذا المجلد.

۲- ۲. القصص: ۷۱ و ۸۸.

۳- ۳. فاطر: ۳.

۴- ۴. الصافّات: ۳۳.

۵- ۵. ص: ۶۵.

۶- ۶. غافر: ۳ و ۶۵.

۷- ۷. الدخان: ۶، و تجد بعدها في سوره القتال: ۲۱: فاعلم أنّه لا إله إلّا هو و استغفر لذنبک و للمؤمنين و المؤمنات و اللّه يعلم منقلبكم و مثواكم.

۸- ۸. الحشر: ۲۱- ۲۳.

وَ فِي التَّغَابُنِ وَاحِدَةٌ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱) وَ فِي الْمُزَّمِّلِ وَاحِدَةٌ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا(۲).

**[ترجمه]العتیق الغروی: از جعفر بن محمـد صادق علیه السـلام روایت است، فرمودنـد: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب صـلوات الله علیه و علی آله فرمودنـد: حبیب من رسول خـدا صـلی الله علیه و آله دعایی به من آموختند که با وجود آن به داروی هیچ طبیبی نیاز نخواهم داشت، گفته شـد: چه دعایی ای امیر مؤمنان؟ فرمودند: سـی و هفت تهلیل از قرآن از بیست و چهار سوره از بقره تا مزمل، هیچ اندوهگینی آن را نمی‌خواند مگر آنکه خداونـد انـدوه او را بزدایـد و نه هیچ بدهکاری جز اینکه خداوند قرض او را ادا کند و نه هیچ غایبی مگر آنکه خداوند غربت او را برگردانـد و نه هیـچ نیازمنـدی جز اینکه خداوند حاجت او را برآورده سازد، و نه هیچ بیمناکی مگر اینکه خداوند، ترس او را ایمن گرداند، و هر کس آن را هر روز بخوانـد، خداونـد قلب او را از دوری و نفاق ایمن گرداند، و هفتاد نوع از انواع بلاها را از او دور می‌کند، که ساده‌ترین آنها، جـذام، دیوانگی و پیسـی است، خداونـد او را در نعمت ها زنـده می‌دارد و در نعمت ها می‌میراند و او را در نعمت ها به بهشت می‌برد، و هر مسافری که آن را بخواند، در سفر خویش فقط خیر می‌بیند و هر کس آن را هر شب زمانی که به رختخواب می‌رود بخواند، خداوند هفتاد فرشته را بر او می‌گمارد تا او را از شر ابلیس و لشکریانش تا صبح حفظ کنند، و در روز تا وقت شب مورد حفاظت و بخشش روزی قرار می... گیرد و هر کس آن را با آب باران بنویسـد و بنوشـد هیـچ زشتی و خللی در بـدن او پدیـدار نمی‌گردد و به چشم زخم جنیان، جادو و سـحر و مکر آنـان دچار نمی‌گردد، و پیوسـته از هر آفتی در امان است و هر بلایی در دنیا از او دور می‌شود و از گسترده‌ترین آنچه هست، روزی داده می‌شود و از هر شیطان سرکش و عصیان‌گر زورگو ایمن می‌گردد و از سرای دنیا نمی‌رود مگر آنکه خداوند عزّ و جلّ جایگاه او را در بهشت به او بنمایاند.

دو آیه از سوره بقره: «وَ إِلهُكُمْ إِلهٌ واحِـدٌ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحيمُ اللَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِـنَةٌ وَ لا نَوْمٌ: و معبود شـما، معبود یگانه ای است که جزا و هیچ معبودی نیست، بخشایشـگر مهربان. خداست که معبودی جز او نیست زنده و برپادارنده است نه خوابی سـبک او را فرومی گیرد و نه خوابی گران». - . بقره/ ۱۵۹، ۱۵۸ -

پنـج آیه از سوره آل عمران: «اللَّهُ لاـ إِلهَ إِلاَّـ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ نَزَّلَ عَلَيْـكَ الْكِتـابَ بِـالْحَق هُوَ الَّذى يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحـامِ كَيْفَ يَشاءُ لاإِلهَ إِلاّ هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيم شَـهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا اِلهَ إِلاَّ هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ إِنَّ الـدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْـلامُ إِنَّ هذا لَهُوَ الْقَصَـصُ الْحَقُّ وَ ما مِنْ إِلهٍ إِلَّا اللَّهُ وَ إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ:خـداست که هیچ معبودِ جز او نیست و زنده و پاینده است این کتاب را به حق بر تو نازل کرد اوست کسـی که شـما را آنگونه که می خواهـد در رحمها صورتگری می کند. هیچ معبودی جز آن توانای حکیم نیست خدا که همواره به عـدل، قیام دارد، گواهی می دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشـتگان و دانشوران جز او، که توانا و حکیم است، هیچ معبودی نیست در حقیقت، دین نزد خـدا همان اسـلام است آری، داسـتان درست همین است و معبودی جز خـدا نیست، و خـداست که در واقع، همان شکست ناپذیر حکیم است». - . آل عمران/۶۲، ۱۷، ۶، ۱ -

یـک آیه از سـوره نسـاء: «اللَّهُ لاـ إِلهَ إِلاَّـ هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلى يَوْمِ الْقِيـامَهِ لاـ رَيْبَ فيهِ وَ مَنْ أَصْـدَقُ مِنَ اللَّهِ حَـديثاً: خداونـد کسـی است که هیچ معبودی جز او نیست. به یقین، در روز رسـتاخیز که هیچ شـکی در آن نیست، شما را گرد خواهد آورد، و راستگوتر از خدا در سخن کیست؟» - . نساء/ ۸۹ -

یـک آیه از سوره مائـده: «لَقَـدْ كَفَرَ الَّذينَ قالُوا إِنَّ اللَّهَ ثالِثُ ثَلاثَهٍ وَ ما مِنْ إِلهٍ إِلاَّ إِلهٌ واحِـدٌ وَ إِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَـذابٌ أَليم: کسانی که گفتنـد: خـدا سومین سه است، قطعاً کافر شـده اند، و حال آنکه هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست. و اگر از آنچه می گویند باز نایستند، به کافران ایشان عذابی دردناک خواهد رسید». - . مائده/ ۷۳ -

دو آیه از سوره انعام: «ذلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ خالِقُ كُلِّ شَيْ ءٍ فَاعْبُدُوهُ وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ وَكيلٌ اتَّبِعْ ما أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكينَ: این است خـدا، پروردگار شـما: هیچ معبودی جز او نیست، آفریننده هر چیزی است. پس او را بپرستید، و او بر هر

چیزی نگهبـان است. از آنچه از پروردگـارت به تـو وحی شـده پیروی کن. هیـچ معبودی جز او نیست، و از مشـرکان روی بگردان». - . انعـام/ ۱۰۶، ۱۰۲ -

یـک آیه از سوره اعراف: «قُـلْ یـا أَیُّهَا النّاسُ إِنّی رَسُولُ اللّهِ إِلَیْکُمْ جَمیعاً الَّذی لَهُ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ لا إِلهَ إِلاّ هُوَ یُحْیی وَ یُمیتُ فَآمِنُوا بِـاللّهِ وَ رَسُولِهِ النَّبِیِّ الْأُمِّیِّ الَّذی یُؤْمِنُ بِاللّهِ وَ کَلِماتِهِ وَ اتَّبِعُوهُ لَعَلَّکُمْ تَهْتَـدُونَ: بگو: ای مردم، من پیامبر خـدا به سوی همه شـما هسـتم، همان که فرمانروایی آسـمان ها و زمین از آنِ اوست. هیچ معبودی جز او نیست که زنده می کند و می میراند. پس به خدا و فرستاده او- که پیامبر درس نخوانده ای است که به خدا و کلمات او ایمان دارد بگروید و او را پیروی کنید، امید که هدایت شوید». - . اعراف/ ۱۵۸ -

دو آیه از سوره توبه: «اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللّهِ وَ الْمَسیحَ ابْنَ مَرْیَمَ وَ ماأُمِرُوا إِلاّ لِیَعْبُدُوا إِلهاً واحِداً لا إِلهَ إِلاّ هُوَ سُبْحانَهُ عَمّا یُشْـرِکُون .فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللّهُ لا إِلهَ إِلاّ هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیم: اینان دانشـمندان و راهبان خود و مسـیح پسـر مریم را به جـای خـدا به الوهیّت گرفتنـد، بـا آنکه مـأمور نبودنـد جز اینکه خـدایی یگانه را بپرسـتند که هیـچ معبودی جز او نیست. منزّه است او از آنچه شریک می گردانند. پس اگر روی برتافتند، بگو: خدا مرا بس است. هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است». - . توبه/ ۱۲۹، ۳۱ -

یـک آیه از سوره یونس: «حَتّی إِذا أَدْرَکَهُ الْغَرَقُ قـالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ الَّذی آمَنَتْ بِهِ بَنُوإِسْـرائیلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْـلِمینَ: تا وقتی که در شُرُفِ غرق شدن قرار گرفت، گفت: «ایمان آوردم که هیچ معبودی جز آنکه فرزندان اسرائیل به او گرویده اند، نیست، و من از تسلیم شدگانم.» - . یونس/ ۹۰ -

یـک آیه از سوره هود: «فَإِلَّمْ یَسْـتَجیبُوا لَکُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّما أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللّهِ وَ أَنْ لا إِلهَ إِلاّ هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْـلِمُونَ: پس اگر شـما را اجابت نکردنـد، بدانید که آنچه نازل شده است به علم خداست، و اینکه معبودی جز او نیست. پس آیا شما گردن می نهید؟» - . هود/ ۱۴ -

یک آیه از سوره رعـد: «وَ هُمْ یَکْفُرُونَ بِالرَّحْمنِ قُلْ هُوَ رَبّی لا إِلهَ إِلاّ هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ إِلَیْهِ مَتابِ: در حالی که آنان به رحمان کفر می ورزند. بگو: اوست پروردگار من. معبود ی بجز او نیست. بر او توکل کرده ام و بازگشت من به سوی اوست.» - . رعد/ ۲۹ -

یک آیه از سوره نحل: «یُنَزِّلُ الْمَلائِکَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلی مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاّ أَنَا فَاتَّقُون: فرشـتگان را با روح، به فرمان خود، بر هر کس از بندگانش که بخواهد نازل می کند، که بیم دهید که معبودی جز من نیست. پس، از من پروا کنید». - . نحل/ ۲ -

سه آیه از سوره طه: «یَعْلَمُ السِّرَّ وَ أَخْفی اللّهُ لا إِلهَ إِلاّ هُوَ لَهُ الْأَسْـماءُ الْحُسْنی وَ أَنَا اخْتَرْتُکَ فَاسْتَمِعْ لِما یُوحی إِنَّنی أَنَا اللّهُ لا إِلهَ إِلاّ أَنَا فَاعْبُدْنی وَ أَقِمِ الصَّلاةَ لِذِکْری .إِنَّما إِلهُکُمُ اللّهُ الَّذی لا إِلهَ إِلاّ هُوَ وَسِعَ کُلَّ شَیْ ءٍ عِلْماً: و اگر سـخن به آواز گویی، او نهان و نهان تر را می داند و من تو را برگزیده ام، پس بدان چه وحی می شود گوش فرا ده منم، من، خدایی که جز من خدایی نیست، پس مرا پرستش کن و به یاد من نماز بر پا دار معبود شما تنها آن خدایی است که جز او معبودی نیست، و دانش او همه چیز را در بر گرفته است». - . طه/ ۹۸، ۱۴-۱۲، ۷، ۶ -

دو آیه از سوره انبیاء: «وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِکَ مِنْ رَسُولٍ إِلاّ نُوحی إِلَیْهِ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاّ أَنَا فَاعْبُدُونِ وَ ذَاالنُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغاضِباًفَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَیْهِ فَنـادی فِی الظُّلُماتِ أَنْ لا إِلهَ إِلاّ أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمینَ: و پیش از تو هیـچ پیامبری نفرسـتادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که: خـدایی جز من نیست، پس مرا بپرستیـد. و «ذوالنون» را آنگاه که خشـمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم، تا در تاریکی ها ندا در داد که: معبودی جز تو نیست، منزّهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم». - . انبیاء/۸۷، ۲۵ -

یـک آیه از سوره مؤمنین:«فَتَعالَی اللّهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ لا إِلهَ إِلاّ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْکَریم: پس والاست خـدا، فرمانروای بر حق، خـدایی جز او نیست. پروردگار عرش گرانمایه». - . مؤمنون/۱۱۷ -

یک آیه از سوره نمل: «وَ یَعْلَمُ ما تُخْفُونَ وَ ما تُعْلِنُون اللَّهُ لا إِلهَ إِلاّ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیم: و آنچه را پنهان می دارید و آنچه را آشکار می نمایید می داند. خدای یکتا که هیچ خدایی جز او نیست، پروردگار عرشِ بزرگ است». - . نمل/ ۲۶ -

دو آیه از سوره قصص: «وَ هُوَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِی الْأُولی وَ الْآخِرَهِ وَ لَهُ الْحُکْمُ وَ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ وَ لاتَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلاَّوَجْهَهُ لَهُ الْحُکْمُ وَ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ: و اوست خدا جز او معبودی نیست. در این نخستین و در آخرت، ستایش از آن اوست، و فرمان، او راست و به سوی او بازگردانیده می شوید. و با خدا معبودی دیگر مخوان. خدایی جز او نیست. جز ذات او همه چیز نابود شونده است. فرمان از آنِ اوست. و به سوی او بازگردانیده می شوید». - . قصص/ ۸۸، ۷۱ -

یک آیه از سوره فاطر: «یا أَیُّهَا النَّاسُ اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَیْکُمْ هَلْ مِنْ خالِقٍ غَیْرُ اللَّهِ یَرْزُقُکُمْ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ لا إِله إِلاَّ هُوَ فَأَنَّی تُؤْفَکُونَ: ای مردم، نعمتِ خدا را بر خود یاد کنید. آیا غیر از خدا آفریدگاری است که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ خدایی جز او نیست. پس چگونه انحراف می یابید؟» - . فاطر/ ۳ -

یک آیه از سوره صافات: «إِنَّهُمْ کانُوا إِذا قیلَ لَهُمْ لا إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ یَسْتَکْبِرُونَ: چرا که آنان بودند که وقتی به ایشان گفته می شد: خدایی جز خدای یگانه نیست، تکبر می ورزیدند.» - . صافات/ ۳۳ -

یک آیه از سوره ص: «قُلْ إِنَّما أَنَا مُنْذِرٌ وَ ما مِنْ إِلهٍ إِلاَّ اللَّهُ الْواحِدُ الْقَهَّار: بگو: من فقط هشدار دهنده ای هستم، و جز خدای یگانه قهّار معبودی دیگر نیست». - . ص/ ۶۵ -

دو آیه از سوره غافر: «ذلِکُمُ اللَّهُ رَبُّکُمْ خالِقُ کُلِّ شَیْ ءٍ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ فَأَنَّی تُؤْفَکُونَ ذلِکُمُ اللَّهُ رَبُّکُمْ هُوَ الْحَیُّ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصینَ لَهُ الدِّینَ الْحَمْدُلِلَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ: این است خدا، پروردگار شما آفریننده هر چیزی است: خدایی جز او نیست. پس چگونه باز گردانیده می شوید؟ این است خدا، پروردگار شما اوست زنده ای که خدایی جز او نیست. پس او را در حالی که دین را برای وی بی آلایش گردانیده اید بخوانید. سپاس ویژه خدا پروردگار جهانیان است». - . غافر/ ۶۵، ۳ -

یک آیه از سوره دخان: «لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ یُحْیِی وَ یُمیتُ رَبُّکُمْ وَ رَبُّ آبائِکُمُ الْأَوَّلین: خدایی جز او نیست او زندگی می بخشد و می میراند پروردگار شما و پروردگار پدران شماست.» - . دخان/ ۶، و در سوره قتال/۲۱ : اعْلَمْ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِکَ وَ لِلْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَ اللَّهُ یَعْلَمُ مُتَقَلَّبَکُمْ وَ مَثْواکُمْ: پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست و برای گناه خویش آمرزش جوی و برای مردان و زنان با ایمان و خداست که فرجام و مآل شما را می داند. -

دو آیه از سوره حشر: «هُوَ اللَّهُ الَّذی لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحیمُ هُوَ اللَّهُ الَّذی لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ الْمَلِکُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزیزُ الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا یُشْرِکُونَ: اوست خدایی که غیر از او معبودی نیست، داننده غیب و آشکار است، اوست رحمتگر مهربان اوست خدایی که جز او معبودی نیست همان فرمانروای پاک سلامت مؤمن نگهبان، عزیز، جبّار متکبر. پاک است خدا از آنچه شریک می گردانند». - . حشر/ ۲۳-۲۱ -

یک آیه از سوره تغابن: «اللَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ وَ عَلَی اللَّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُؤْمِنُونَ: خدا جز او معبودی نیست، و مؤمنان باید تنها بر خدا اعتماد کنند». - . تغابن/۱۳ -

یک آیه از سوره مزمل: «رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَکیلاً: پروردگار خاور و باختر، خدایی جز او نیست، پس او را کارساز خویش اختیار کن». - . مزمل/ ۹ -

**[ترجمه]

«۵»

كِتَابُ الْإِسْتِدْرَاكِ، بِإِسْنَادِهِ إِلَى الْأَعْمَشِ: أَنَّ الْمَنْصُورَ حَيْثُ طَلَبَهُ فَتَطَهَّرَ وَ تَكَفَّنَ وَ تَحَنَّطَ قَالَ لَهُ حَدِّثْنِي بِحَدِيثٍ سَمِعْتُهُ أَنَا وَ أَنْتَ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ فِي بَنِي حِمَّانَ قَالَ قُلْتُ لَهُ أَيُّ الْأَحَادِيثِ قَالَ حَدِيثُ أَرْكَانِ جَهَنَّمَ قَالَ قُلْتُ أَ وَ تُعْفِينِي قَالَ لَيْسَ إِلَى ذَلِكَ سَبِيلٌ قَالَ قُلْتُ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله قَالَ لِجَهَنَّمَ سَبْعَةُ أَبْوَابٍ وَ هِيَ الْأَرْكَانُ لِسَبْعَةِ فَرَاعِنَةٍ ثُمَّ ذَكَرَ الْأَعْمَشُ نُمْرُودَ بْنَ كَنْعَانَ فِرْعَوْنَ الْخَلِيلِ وَ مُصْعَبَ بْنَ الْوَلِيدِ فِرْعَوْنَ مُوسَى وَ أَبَا جَهْلِ بْنَ هِشَامٍ وَ الْأَوَّلَ وَ الثَّانِيَ وَ السَّادِسَ يَزِيدَ قَاتِلَ وَلَدِي ثُمَّ سَكَتُّ فَقَالَ لِي الْفِرْعَوْنُ السَّابِعُ قُلْتُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْعَبَّاسِ يَلِي الْخِلَافَةَ يُلَقَّبُ بِالدَّوَانِيقِيِّ اسْمُهُ الْمَنْصُورُ قَالَ فَقَالَ لِي صَدَقْتَ هَكَذَا حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ فَرَفَعَ رَأْسَهُ وَ إِذَا عَلَى رَأْسِهِ غُلَامٌ أَمْرَدُ مَا رَأَيْتُ أَحْسَنَ وَجْهاً مِنْهُ فَقَالَ إِنْ كُنْتُ أَحَدَ أَبْوَابِ جَهَنَّمَ فَلَمْ أَسْتَبْقِ هَذَا وَ كَانَ الْغُلَامُ عَلَوِيّاً حُسَيْنِيّاً فَقَالَ لَهُ الْغُلَامُ سَأَلْتُكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِحَقِّ آبَائِي إِلَّا عَفَوْتَ عَنِّي فَأَبَى ذَلِكَ وَ أَمَرَ الْمَرْزُبَانَ بِهِ فَلَمَّا مَدَّ يَدَهُ حَرَّكَ شَفَتَيْهِ بِكَلَامٍ لَمْ أَعْلَمْهُ فَإِذَا هُوَ كَأَنَّهُ طَيْرٌ قَدْ طَارَ مِنْهُ قَالَ الْأَعْمَشُ فَمَرَّ عَلَيَّ بَعْدَ أَيَّامٍ فَقُلْتُ أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ بِحَقِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ لَمَّا عَلَّمْتَنِي الْكَلَامَ فَقَالَ ذَاكَ دُعَاءُ الْمِحْنَةِ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ هُوَ الدُّعَاءُ الَّذِي دَعَا بِهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَمَّا نَامَ عَلَى فِرَاشِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله.

وَ هُوَ يَا مَنْ لَيْسَ مَعَهُ رَبٌّ يُدْعَى يَا مَنْ لَيْسَ فَوْقَهُ خَالِقٌ يُخْشَى يَا مَنْ لَيْسَ دُونَهُ إِلَهٌ يُتَّقَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُرْشَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ نَدِيمٌ يَغْشَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُنَادَى يَا مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلَى كَثْرَةِ السُّؤَالِ إِلَّا كَرَماً وَ جُوداً يَا مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلَى عِظَمِ الذُّنُوبِ إِلَّا رَحْمَةً وَ عَفْواً وَ اسْأَلُهُ مَا أَحْبَبْتَ فَإِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

ص: ۲۹۱

۱- ۱. التغابن: ۱۳.

۲- ۲. المزّمّل: ۹.

قَالَ الْأَعْمَشُ وَ أَمَرَ الْمَنْصُورُ فِی رَجُلٍ بِأَمْرٍ غَلِیظٍ فَحُبِسَ فِی بَیْتٍ لِیُنْفِذَ فِیهِ أَمْرَهُ ثُمَّ فُتِحَ عَنْهُ فَلَمْ یُوجَدْ فَقَالَ الْمَنْصُورُ أَ سَمِعْتُمُوهُ یَقُولُ شَیْئاً فَقَالَ الْمُوَکَّلُ سَمِعْتُهُ یَقُولُ یَا مَنْ لَا إِلَهَ غَیْرُهُ فَأَدْعُوَهُ وَ لَا رَبَّ سِوَاهُ فَأَرْجُوَهُ نَجِّنِی السَّاعَةَ فَقَالَ وَ اللَّهِ لَقَدِ اسْتَغَاثَ بِکَرِیمٍ فَنَجَّاهُ.

**[ترجمه]کتاب الاستدراک: با استناد به اعمش، وقتی منصور او را طلبید، طهارت کرد و کفن نمود و حنوط کرد، به او گفت: برایم حدیثی بگو که من و تو از جعفر بن محمد در مورد بنی حمّان شنیدیم، گفتم: کدام حدیث؟ گفت: حدیث ارکان جهنم، گفتم: آیا مرا معاف می... کنید؟ گفت: راهی ندارد، گفتم: جعفر بن محمد از پدران بزرگوارشان علیهم السلام نقل کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: جهنم هفت در دارد، و آن رکن‌هایی است برای هفت فرعون، سپس اعمش ذکر کرد: نمرود بن کنعان، فرعون خلیل، مصعب بن ولید فرعون موسی و أبا جهل بن هشام و اول و دوم و ششم یزید قاتل پدرم سپس سکوت کرد و پس به من گفت: فرعون هفتم: گفتم: مردی از فرزندان عباس که خلافت را به دست می‌گیرد و ملقب به دوانیقی و اسمش منصور است، پس به من گفت: راست گفتی، جعفر بن محمد اینچنین برای ما حدیث گفت.

نقل کرد: پس سرش را بالاـ گرفت و در کنار سر او جوان تازه بالغی بود که زیباروتر از او ندیدم. پس گفت: اگر من یکی از درهای جهنم بودم، او را باقی نمی‌گذاردم، و آن جوان علوی حسینی بود. جوان به او عرض کرد: ای امیر مؤمنان تو را به حق پدرانم از من بگذر. پس خودداری نمود و مرزبان را به او دستور داد. زمانی که دستش را دراز کرد، لبانش را به سخنی تکان داد که آن را ندانستم، پس ناگهان آن جوان همچون مرغی پر گشود و از نزد او رفت.

اعمش نقل کرد: پس از چند روز بر من گذر کرد، گفتم تو را به حق امیر مؤمنان قسم می‌دهم که آن کلام را به من بیاموزی، پس گفت: آن دعای رنج برای ما اهل بیت است، و آن دعایی است که امیر مؤمنان علیه السلام زمانی که به بستر رسول خدا صلی الله علیه و آله آرمیدند، خواندند.

و دعا این است: «ای کسی که همراه پروردگاری نیست تا خوانده شود، ای کسی که بالاتر از او آفریدگاری نیست تا ترسیده شود، ای کسی که پایین‌تر از او خدایی نیست تا پرهیز شود، ای کسی که وزیری ندارد تا رشوه بگیرد، ای کسی که همنشینی ندارد که بر او پوشیده گردد، ای آنکه پرده‌داری ندارد تا صدا بزند، ای کسی که بر اثر فراوانی درخواست‌ها بر کرم و بخشش او افزوده می‌شود، ای کسی که با وجود گناهان بزرگ به رحمت و عفو او افزوده می‌شود.» و از او آنچه را دوست داری، درخواست می کنی، به راستی که او نزدیک و اجابت‌کننده است.

اعمش نقل کرد: منصور دستور سختی برای شخصی صادر کرد و او را در خانه‌ای زندانی نمود تا دستور خود را در مورد او اجرا کند، سپس در را گشود و

او را نیافت، پس منصور گفت: آیا شنیدید چیزی بگوید؟ موکل گفت: شنیدم می گفت: «ای کسی که خدایی جز او نیست تا او را بخوانم، و پروردگاری جز او نیست تا به او امید ورزم همین لحظه مرا نجات ده» پس گفت: سوگند به خدا، او از کریمی فریادخواهی کرد پس او را نجات داد.

**[ترجمه]

«۶»

مِشْکَاةُ الْأَنْوَارِ، مِنْ کِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: مَرَّ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ علیهما السلام بِرَجُلٍ وَ هُوَ یَدْعُو اللَّهَ أَنْ یَرْزُقَهُ الصَّبْرَ فَقَالَ أَلَا لَا تَقُلْ هَذَا وَ لَکِنْ سَلِ اللَّهَ الْعَافِیَةَ وَ الشُّکْرَ عَلَی الْعَافِیَةِ فَإِنَّ الشُّکْرَ عَلَی الْعَافِیَةِ خَیْرٌ مِنَ الصَّبْرِ عَلَی الْبَلَاءِ(۱) کَانَ مِنْ دُعَاءِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الْعَافِیَهَ وَ الشُّکْرَ عَلَی الْعَافِیَهِ وَ تَمَامَ الْعَافِیَهِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ(۲).

وَ مِنْهُ قَالَ کَانَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله یَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الدُّنْیَا فَإِنَّ الدُّنْیَا تَمْنَعُ الْآخِرَهَ(۳).

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: أَنَّهُ کَانَ یَقُولُ فِی دُعَائِهِ اللَّهُمَّ مُنَّ عَلَیَّ بِالتَّوَکُّلِ عَلَیْکَ وَ التَّفْوِیضِ إِلَیْکَ وَ الرِّضَا بِقَدَرِکَ وَ التَّسْلِیمِ لِأَمْرِکَ حَتَّی لَا أُحِبَّ تَعْجِیلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِیرَ مَا قَدَّمْتَ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ (۴).

۱- ۱. مشکاه الأنوار: ۲۵۸.

۲- ۲. مشکاه الأنوار: ۲۵۸.

۳- ۳. مشکاه الأنوار: ۲۷۱.

۴- ۴. مشکاه الأنوار: ۱۳ و ۳۰۲، و فیه عنه علیه السلام کان أمیر المؤمنین علیه السلام یقول إلخ.

**[ترجمه]مشکوه الانوار: از کتاب المحاسن از حضرت رضا علیه السلام نقل است، فرمودند: علی بن حسین علیهما السلام از کنار مردی گذشت که از خداوند می‌خواست صبر را به او روزی کند، پس فرمودند: آگاه باش، چنین نگو، بلکه از خداوند عافیت و شکر بر عافیت را بخواه، به راستی که شکر عافیت از صبر بر بلا بهتر است. - . مشکاه الانوار: ۲۵۸ -

از دعای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این بود: «خدایا من از تو عافیت و شکر بر عافیت و عافیت کامل دردنیا و آخرت را خواهانم». - . مشکاه الانوار: ۲۵۸ -

و از این جمله، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «خدایا من از دنیا به تو پناه می‌برم؛ زیرا دنیا جلوی آخرت را می گیرد». - . مشکاه الانوار: ۲۷۱ -

از امام صادق علیه السلام روایت است، که در دعای خود می گفتند: «خدایا بر من منت نه با توکل بر خود و سپردن کارم به تو، و رضایت به خواست تو و تسلیم فرمان تو تا اینکه نپسندم و شتاب در آنچه به تأخیر انداختی و نه تأخیر در آنچه جلو انداختی، ای پروردگار جهانیان». - . مشکاه الانوار: ۱۳ و ۳۰۲ -

**[ترجمه]

باب ۱۱۰ أدعیه الرزق

الآیات

نوح: فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّماءَ عَلَيْكُمْ مِدْراراً وَ يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوالٍ وَ بَنِينَ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهاراً(۱).

<meta info="- «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّماءَ عَلَيْكُمْ مِدْراراً وَ يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوالٍ وَ بَنِينَ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهاراً»

{و گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است. بر شما از آسمان بارانِ پی در پی فرستد. و شما را به اموال و پسران، یاری کند، و برایتان باغ ها قرار دهد و نهرها برای شما پدیدآورد}. - . نوح/۱۴ — ۱۰ -

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

ب، [قرب الإسناد] هَارُونُ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام قَالَ: إِذَا غَدَوْتَ فِي حَاجَتِكَ بَعْدَ أَنْ تُصَلِّيَ الْغَدَاةَ بَعْدَ التَّشَهُّدِ فَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي غَدَوْتُ أَلْتَمِسُ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقاً حَلَالًا طَيِّباً وَ أَعْطِنِي فِيمَا تَرْزُقُنِي الْعَافِيَةَ تَقُولُ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ (۲).

قَالَ: وَ سَمِعْتُ جَعْفَراً يُمْلِي عَلَى بَعْضِ التُّجَّارِ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ فَقَالَ لَهُ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ مَتَى شِئْتَ فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ التَّشَهُّدِ قُلْتَ تَوَجَّهْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ بِلَا حَوْلٍ مِنِّي وَ لَا قُوَّةٍ وَ لَكِنْ بِحَوْلِكَ يَا رَبِّ وَ قُوَّتِكَ أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ إِلَّا مَا قَوَّيْتَنِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ هَذَا الْيَوْمِ وَ أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ أَهْلِهِ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقاً وَاسِعاً حَلَالًا طَيِّباً مُبَارَكاً تَسُوقُهُ إِلَيَّ فِي عَافِيَةٍ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ أَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَةٍ تَقُولُ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ (۳).

**[ترجمه]قرب الاسناد: «حضرت صادق از پدرشان علیهما السلام نقل کردند: زمانی که در حاجتت صبح کردی، بعد از تشهد نماز صبح بگو: «خدایا به راستی که من صبح کردم و از فضل تو خواستارم همانطور که مرا فرمان دادی پس از فضل خود روزی حلال و پاک روزی‌ام گردان و در آنچه روزی‌ام می‌کنی، عافیت را به من عطا کن» آن را سه بار می‌گویی. - . قرب الاسناد: ۲ -

نقل کرد: شنیدم جعفر برای بعضی از بازرگانان کوفه، برای طلب رزق چنین املا می‌کند: هر زمان خواستی، دو رکعت نماز بخوان و بعد از تشهد بگو «از اینکه هیچ نیرو و قدرتی ندارم به نیروی و قدرت خداوند روی کردم و به قدرت و نیروی تو ای پروردگار من، از قدرت و نیرو، به سوی تو، بیزاری می‌جویم جز آنچه مرا قدرت دهد. خدایا من از تو برکت این روز و برکت اهل آن را خواهانم و از تو می خواهم از فضل خود، روزی گسترده در حلال پاک مبارک روزی‌ام گردانی، و به نیرو و قدرت خویش آن را با عافیت به سوی من روانه کنی و من فرو رفته در عافیت باشم» آن را سه بار می‌گویی. - . قرب الاسناد: ۳ -

**[ترجمه]

أقول

قد مضى ما يوجب مزيد الرزق فی کتاب السنن فی باب مفرد(۴) و قد أوردنا فی باب الاستغفار أخبارا فی أنه یوجب مزید الرزق (۵).

**[ترجمه]از آنچه سبب افزایش روزی می‌گردد در کتاب السنن در بابی جداگانه سخن رفت. - . مراجعه کن جلد ۷۶، باب الدعا، هنگام وارد شدن به بازار ۷۷۴ – ۱۷۲ و باب آنچه فقر و بی‌نیازی به جا می‌گذارد: ۳۱۸ – ۳۱۴. -

و در باب استغفار نیز روایاتی آوردیم که آن سبب افزایش روزی می‌گردد. - . مراجعه کن ج ۹۳: ۲۸۵ – ۲۷۵ -

**[ترجمه]

«۲»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی الْفَحَّامُ عَنْ عَمِّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِیهِ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرٍ

ص: ۲۹۳

۱- ۱. نوح: ۱۰- ۱۴.
۲- ۲. قرب الإسناد: ۲ و ۳.
۳- ۳. قرب الإسناد: ۲ و ۳.
۴- ۴. راجع ج ۷۶ باب الدعاء عند دخول السوق ۱۷۲- ۱۷۴، و باب ما یورث الفقر و الغناء ص ۳۱۴- ۳۱۸.
۵- ۵. راجع ج ۹۳ ص ۲۷۵- ۲۸۵.

عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: مَنْ قَالَ فِی كُلِّ یَوْمٍ مِائَهَ مَرَّهٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِینُ اسْتَجْلَبَ بِهِ الْغِنَی وَ اسْتَدْفَعَ بِهِ الْفَقْرَ وَ سَدَّ عَنْهُ بَابَ النَّارِ وَ اسْتَفْتَحَ لَهُ بَابَ الْجَنَّهِ(۱).

**[ترجمه]أمالی: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس، در هر روز صد بار بگوید: «لا اله الّا الله الملک الحق المبین: خدای جز خدای یگانه فرمانروای حق آشکار وجود ندارد» و به واسطه آن، بی‌نیازی را جلب می‌کند و فقر را دور می‌گرداند و در آتش به روی او بسته می‌شود و در بهشت را به روی خود باز می‌کند. - . أمالی الطوسی ۱: ۲۸۵، و مثل آن در ثواب الاعمال: ۸. -

**[ترجمه]

«۳»

ع، [علل الشرائع] السِّنَانِیُّ عَنِ الْعَلَوِیِّ عَنِ الْفَزَارِیِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سُلَیْمَانَ عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ مُقْبِلٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی الْحَسَنِ مُوسَی علیه السلام لِأَیِّ عِلَّهٍ یُسْتَحَبُّ لِلْإِنْسَانِ إِذَا سَمِعَ الْأَذَانَ أَنْ یَقُولَ كَمَا یَقُولُ الْمُؤَذِّنُ وَ إِنْ كَانَ عَلَی الْبَوْلِ وَ الْغَائِطِ قَالَ إِنَّ ذَلِكَ یَزِیدُ فِی الرِّزْقِ (۲).

**[ترجمه]علل الشرائع: سلیمان بن مقبل نقل کرد به حضرت موسی کاظم علیه السلام عرض کردم: چرا مستحب است زمانی که انسان صدای اذان را می‌شنود، بگوید آنچه را موذن می‌گوید، هرچند در حالت بول و دفع مدفوع باشد؟ فرمودند: این سبب افزایش روزی می‌گردد. - . علل الشرائع ۱: ۲۶۹ -

**[ترجمه]

«۴»

ثو، [ثواب الأعمال] أَبِی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَلِیٍّ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ رَفَعَهُ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ كَتَبَ عَلَی خَاتَمِهِ ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ أَمِنَ مِنَ الْفَقْرِ الْمُدْقِعِ (۳).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس بر انگشتری خود بنویسد: «ما شاء الله لا حول و لا قوه الّا بالله أستغفر الله: هر آنچه خدا خواست، هیچ نیرو و قدرتی جز به خدا وجود ندارد، از خدا طلب آمرزش می‌کنم» از فقر خوار کننده در امان است. - . ثواب الاعمال: ۱۶۳ -

**[ترجمه]

«۵»

سن، [المحاسن] النَّوْفَلِیُّ عَنِ السَّكُونِیِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ أَلَحَّ عَلَیْهِ الْفَقْرُ فَلْیُكْثِرْ مِنْ قَوْلِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ یَنْفِی اللَّهُ عَنْهُ الْفَقْرَ(۴).

**[ترجمه]المحاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس فقر به او فشار آورد بسیار بگوید: «لا حول و لا قوه الا بالله» خداوند فقر را از او دور می‌گرداند. - . المحاسن: ۴۲ -

**[ترجمه]

أقول

قد أوردنا بعض الأدعيه فی باب أدعيه الصباح و المساء.

**[ترجمه]برخی دعاها را در باب دعاهای صبح و شب، آورده‌ایم.

**[ترجمه]

«۶»

شی، [تفسير العياشی] عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليهما السلام قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله: وَ قَدْ فَقَدَ رَجُلًا فَقَالَ مَا بَطَّأَ بِكَ عَنَّا فَقَالَ السُّقْمُ وَ الْعِيَالُ فَقَالَ أَ لَا أُعَلِّمُكَ بِكَلِمَاتٍ تَدْعُو بِهِنَّ يُذْهِبِ اللَّهُ عَنْكَ السُّقْمَ وَ يَنْفِي عَنْكَ الْفَقْرَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِی الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيراً(۵).

ص: ۲۹۴

۱- ۱. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۲۸۵. و مثله فی ثواب الأعمال: ۸.

۲- ۲. علل الشرائع ج ۱ ص ۲۶۹.

۳- ۳. ثواب الأعمال: ۱۶۳.

۴- ۴. المحاسن: ۴۲.

۵- ۵. تفسير العيّاشیّ ج ۲ ص ۳۲۰.

**[ترجمه]تفسیر العیاشی: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دیدار از شخصی گفتند: چه چیز تو را از ما دور کرد؟ عرض کرد: بیماری و خانواده، فرمودند: آیا نیاموزم به تو کلماتی که هرگاه با آنها دعا کنی، خداوند بیماری را از تو ببرد و فقر را از تو دور کند؟ «هیچ نیرو و قدرتی جز به خداوند بلند مرتبه و بزرگ وجود ندارد توکل کردم بر آن زنده‌ای که نمی‌میرد، سپاس خدایی که فرزندی برنگرفت و برای او شریکی در فرمانروایی نیست و سرپرستی از خواری ندارد و او را به بزرگی یاد کن». - . تفسیر العیاشی ۲: ۳۰۲ -

**[ترجمه]

أقول

أوردناه فی باب الدعاء للأسقام بسند آخر و لیس فیه العلی العظیم.

**[ترجمه]آن را در باب دعا برای بیماری‌ها به سندی دیگر آوردیم و در آن «بلندمرتبه بزرگ» نیست.

**[ترجمه]

«۷»

مکا، [مکارم الأخلاق] فِی طَلَبِ الرِّزْقِ عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: شَکَا رَجُلٌ إِلَى أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام الْفَقْرَ قَالَ أَذِّنْ كُلَّمَا سَمِعْتَ الْأَذَانَ كَمَا يُؤَذِّنُ الْمُؤَذِّنُ.

عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ رِزْقِی فِی السَّمَاءِ فَأَنْزِلْهُ وَ إِنْ كَانَ فِی الْأَرْضِ فَأَظْهِرْهُ وَ إِنْ كَانَ بَعِيداً فَقَرِّبْهُ وَ إِنْ كَانَ قَرِيباً فَأَعْطِنِيهِ وَ إِنْ كَانَ قَدْ أَعْطَيْتَنِيهِ فَبَارِكْ لِی فِيهِ وَ جَنِّبْنِی عَلَيْهِ الْمَعَاصِیَ وَ الرَّدَى (۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: در طلب روزی از حضرت رضا علیه السلام روایت است: شخصی به خدمت امام صادق علیه السلام از فقر گلایه کرد، فرمودند: هرگاه صدای موذن را شنیدی، همانطور که موذن اذان می‌گوید، اذان بگو.

از حضرت امام صادق علیه السلام روایت است: خدایا اگر روزی‌ام در آسمان است پس آن را نازل کن و اگر روزی‌ام در زمین است پس آن را آشکار کردان، و اگر دور است، نزدیک کن و اگر نزدیک است آن را به من عطا کن و اگر آن را به من عطا کردی، مبارک گردان و بدان مرا از گناهان و هلاکت دور بدار. - . مکارم الاخلاق: ۴۰۱ -

**[ترجمه]

«۸»

کا، [الکافی] الْعِدَّةُ عَنْ سَهْلٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ صَالِحٍ عَنْ رَجُلٍ مِنَ الْجَعْفَرِيِّينَ قَالَ: كَانَ بِالْمَدِينَةِ عِنْدَنَا رَجُلٌ يُكْنَى أَبَا الْقَمْقَامِ وَ كَانَ مُحَارَفاً فَأَتَى أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام فَشَكَا إِلَيْهِ حِرْفَتَهُ وَ أَخْبَرَهُ أَنَّهُ لَا يَتَوَجَّهُ فِی حَاجَةٍ لَهُ فَتُقْضَى لَهُ فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام قُلْ فِی آخِرِ دُعَائِكَ مِنْ صَلَاةِ الْفَجْرِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ وَ أَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ قَالَ أَبُو الْقَمْقَامِ فَلَزِمْتُ ذَلِكَ فَوَ اللَّهِ مَا لَبِثْتُ إِلَّا قَلِيلًا حَتَّى وَرَدَ عَلَيَّ قَوْمٌ مِنَ الْبَادِيَةِ فَأَخْبَرُونِی أَنَّ رَجُلًا مِنْ قَوْمِی مَاتَ وَ لَمْ يُعْرَفْ لَهُ وَارِثٌ غَيْرِی فَانْطَلَقْتُ فَقَبَضْتُ مِيرَاثَهُ وَ أَنَا مُسْتَغْنٍ (۲).

**[ترجمه]الکافی: نقل است: در مدینه نزد ما مردی بود که ابا قمقام کنیه داشت، و فردی بی روزی بود، پس نزد امام موسی کاظم علیه

السـلام آمد و از حرفه خويش به نزد ايشان شـكايت كرد و خبر داد كه به هر حاجتى كه رو كند، روا نمى‌گردد، امام موسـى كاظم عليه السلام به او فرمودنـد: در پايان دعاى نماز صبح خود ده بار بگو: «پاك و منزه است خداونـد بزرگ و او را سـتايش مى‌كنم از خداوند طلب آمرزش مى‌نمـايم و به سوى او توبه مى‌كنم و از فضل او خواهانم» ابو قمقمام نقل كرد: بر اين كار مـداومت داشـتم، سوگنـد به خـدا طولى نكشـيد كه گروهى از باديه نزد من آمدنـد و به من خبر دادند كه مردى از قوم من درگذشت، و وارثى جز من براى او شـناخته نمى‌شود، پس به راه افتادم و ميراث او را گرفتم و بى‌نياز گشتم. - . الكافى ۵: ۳۱۵ -

**[ترجمه]

«۹»

كا، [الكافى] الْعِدَّةُ عَنْ سَهْلٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِى عَمْرٍو الْحَذَّاءِ قَالَ: سَاءَتْ حَالِى فَكَتَبْتُ إِلَى أَبِى جَعْفَرٍ عليه السلام فَكَتَبَ إِلَيَّ أَدِمْ قِرَاءَةَ إِنَّا أَرْسَلْنا نُوحاً إِلى قَوْمِهِ قَالَ فَقَرَأْتُهَا حَوْلًا فَلَمْ أَرَ شَيْئاً فَكَتَبْتُ إِلَيْهِ أُخْبِرُهُ بِسُوءِ حَالِى وَ أَنِّى قَدْ قَرَأْتُ إِنَّا أَرْسَلْنا نُوحاً إِلى قَوْمِهِ حَوْلًا كَمَا أَمَرْتَنِى وَ لَمْ أَرَ شَيْئاً قَالَ فَكَتَبَ إِلَيَّ قَدْ وَفَى لَكَ الْحَوْلُ فَانْتَقِلْ مِنْهَا إِلَى قِرَاءَةِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قَالَ فَفَعَلْتُ فَمَا كَانَ إِلَّا يَسِيراً حَتَّى بَعَثَ إِلَيَّ ابْنُ أَبِى دَاوُدَ(۳)

فَقَضَى عَنِّى

ص: ۲۹۵

۱- ۱. مكارم الأخلاق: ۴۰۱.

۲- ۲. الكافى ج ۵ ص ۳۱۵.

۳- ۳. ابن أبى دواد ظ.

دَیْنِی وَ أَجْرَی عَلَیَّ وَ عَلَی عِیَالِی وَ وَجَّهَنِی إِلَی الْبَصْرَهِ فِی وِکَالَتِهِ بِبَابِ [کَلَّاءَ] کلتا(۱) وَ أَجْرَی عَلَیَّ خَمْسَمِائَهِ دِرْهَمٍ وَ کَتَبْتُ مِنَ الْبَصْرَهِ عَلَی یَدَیْ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ إِلَی أَبِی الْحَسَنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ أَنِّی کُنْتُ سَأَلْتُ أَبَاکَ عَنْ کَذَا وَ کَذَا وَ شَکَوْتُ کَذَا وَ کَذَا وَ أَنِّی قَدْ نِلْتُ الَّذِی أَحْبَبْتُ فَأَحْبَبْتُ أَنْ تُخْبِرَنِی یَا مَوْلَایَ کَیْفَ أَصْنَعُ فِی قِرَاءَهِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ أَقْتَصِرُ عَلَیْهَا وَحْدَهَا فِی فَرَائِضِی وَ غَیْرِهَا أَمْ أَقْرَأُ مَعَهَا غَیْرَهَا أَمْ لَهَا حَدٌّ أَعْمَلُ بِهِ فَوَقَّعَ علیه السلام وَ قَرَأْتُ التَّوْقِیعَ لَا تَدَعْ مِنَ الْقُرْآنِ قَصِیرَهً وَ لَا طَوِیلَهً وَ یُجْزِیکَ مِنْ قِرَاءَهِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ یَوْمَکَ وَ لَیْلَتَکَ مِائَهَ مَرَّهٍ(۲).

**[ترجمه]الکافی: از ابی عمرو الحذّاء نقل است، حالم ناخوشایند بود پس نامه‌ای به امام باقر علیه السلام نوشتم و ایشان برای من چنین نگاشتند: بر خواندن «إنا ارسلنا نوحاً إلی قومه» مداومت کن، نقل کرد: آن را یکسال خواندم، اثری ندیدم پس نامه‌ای نوشتم و او را از بدی حالم آگاه ساختم و اینکه این آیه «إنا ارسلنا نوحاً إلی قومه» را یک سال خواندم، همانگونه که به من امر فرمودید و اثری ندیدم، نقل کرد: برای من نوشتند، این یک سال بر تو وفا کرد. پس به خواندن «إنا انزلناه» منتقل شو. نقل کرد: پس چنین کردم و چیزی نگذشت که ابن ابی داود به دنبال من فرستاد و بدهی‌ام را پرداخت و خرجی من و خانواده‌ام را عطا کردند و مرا به نیابت از خود به بصره و به مکان باب کلتا – . مکانی در بصره –

روانه ساخت و پانصد درهم بر من عطا نمود.

و از بصره به دست علی بن مهزیار به امام موسی صلوات الله علیه نوشتم: من از پدر شما چنین و چنان مسألت کردم، و از فلان و فلان به او شکایت نمودم و آنچه را که دوست داشتم، گفتم و ای مولای من دوست داشتم، به من خبر دهید، چگونه انا انزلناه را قرائت کنم، در نمازهای واجب و غیر آن، تنها بر خواندن همان اکتفا کنم یا به همراه آن غیر آن را نیز بخوانم یا حدی دارد که باید بدان عمل کنم؟ پس حضرت علیه السلام آن را امضا نمودند و آن نامه را خواندم «هیچ کوتاه یا بلندی از قرآن را رها مکن، خواندن صد مرتبه انا انزلناه در روز و شب تو را پاداش می‌رساند». – . الکافی ۵: ۳۱۶ –

**[ترجمه]

«۱۰»

کا، [الکافی] عَلِیٌّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ النَّوْفَلِیِّ عَنِ السَّکُونِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ ظَهَرَتْ عَلَیْهِ النِّعْمَهُ فَلْیُکْثِرْ ذِکْرَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ مَنْ کَثُرَتْ هُمُومُهُ فَعَلَیْهِ بِالاسْتِغْفَارِ وَ مَنْ أَلَحَّ عَلَیْهِ الْفَقْرُ فَلْیُکْثِرْ مِنْ قَوْلِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ یُنْفَی عَنْهُ الْفَقْرُ.

وَ قَالَ: فَقَدَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ مَا غَیَّبَکَ عَنَّا فَقَالَ الْفَقْرُ یَا رَسُولَ اللَّهِ وَ طُولُ السُّقْمِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَ لَا أُعَلِّمُکَ کَلَاماً إِذَا قُلْتَهُ ذَهَبَ عَنْکَ الْفَقْرُ وَ السُّقْمُ فَقَالَ بَلَی یَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ إِذَا أَصْبَحْتَ وَ أَمْسَیْتَ فَقُلْ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ کَبِّرْهُ تَکْبِیراً فَقَالَ الرَّجُلُ فَوَ اللَّهِ مَا قُلْتُهُ إِلَّا ثَلَاثَهَ أَیَّامٍ حَتَّی ذَهَبَ عَنِّی الْفَقْرُ وَ السُّقْمُ (۳).

**[ترجمه]الکافی: امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس نعمت بر او آشکار گردید باید ذکر الحمد لله را بسیار بگوید و هر کس غم و اندوهش فراوان گشت، بسیار استغفار کند، و هر کس فقر بر او فشار آورد ذکر لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم را بسیار بگوید تا فقر از او دور شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله به مردی از انصار فرمودند: چه چیز تو را از ما پنهان کرد؟ عرض کرد: فقر و بیماری طولانی ای رسول خدا، رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایشان فرمودند: آیا نیاموزم به تو سخنی را که چون بر زبان آوری، فقر و بیماری از تو برود؟ عرض کرد: بلی ای

رسول خدا، پس فرمودند: در صبح و شام بگو: «هیچ نیرو و قدرتی جز خدا نیست، توکل نمودم بر آن زنده‌ای که نمی‌میرد و سپاس خدایی را که فرزندی برنگرفت و شریکی در فرمانروایی ندارد و سرپرستی از روی خواری ندارد و او را به بزرگی یاد کن». پس آن مرد گفت: سوگند به خدا، سه روز آن را گفتم پس فقر و بیماری از من برطرف گردید. - . الکافی ۲: ۵۵۱، ج ۸: ۹۳ -

**[ترجمه]

«۱۱»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ، عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: مَنْ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ افْتَقَرَ

ص: ۲۹۶

۱- ۱. فی المصدر: کلاء، و هو موضع بالبصره.

۲- ۲. الکافی ج ۵ ص ۳۱۶.

۳- ۳. الکافی ج ۲ ص ۵۵۱، و ج ۸ ص ۹۳.

وَ مِنْ دُعَائِهِمْ علیهم السلام اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ الْوَاسِعِ الْفَاضِلِ الْمُفْضِلِ رِزْقاً وَاسِعاً حَلَالًا طَیِّباً بَلَاغاً لِلْآخِرَهِ وَ الدُّنْیا هَنِیئاً مَرِیئاً صَبّاً صَبّاً مِنْ غَیْرِ مَنٍّ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا سَعَهً مِنْ فَضْلِکَ وَ طَیِّباً مِنْ رِزْقِکَ وَ حَلَالًا مِنْ وَاسِعِکَ تُغْنِینِی بِهِ عَنْ فَضْلِکَ أَسْأَلُ وَ مِنْ یَدِکَ الْمَلْأَی أَسْأَلُ وَ مِنْ خِیَرَتِکَ أَسْأَلُ یَا مَنْ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ.

وَ مِنْ دُعَاءِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام اللَّهُمَّ صُنْ وَجْهِی بِالْیَسَارِ وَ لَا تَبْتَذِلْ جَاهِی بِالْإِقْتَارِ فَأَسْتَرْزِقَ طَالِبِی رِزْقِکَ وَ أَسْتَعْطِفَ شِرَارَ خَلْقِکَ وَ أُبْتَلَی بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِی وَ أُفْتَتَنَ بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِی وَ أَنْتَ مِنْ وَرَاءِ ذَلِکَ وَلِیُّ الْإِعْطَاءِ وَ الْمَنْعِ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ(۱) اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِی أَوَّلَ کَرِیمَهٍ تَنْتَزِعُهَا مِنْ کَرَائِمِی وَ أَوَّلَ وَدِیعَهٍ تَرْتَجِعُهَا مِنْ وَدَائِعِ نِعَمِکَ عِنْدِی.

**[ترجمه]دعوات الراوندی: حضرت صادق از پدران بزرگوارشان علیهم السلام نقل کردند: هر کس از فضل خداوند مسألت ننماید، فقیر می گردد.

و از دعای آنها علیهم السلام: «خدایا من از فضل گسترده، افزون و برتر تو رزقی فراوان، حلال، پاک، رساننده دنیا و آخرت مسألت می کنم، رزقی گوارا دلچسب ریزان ریزان بدون هیچ منّتی از جانب دیگران جز فضل گسترده و رزق پاک و حلال فراوان که مرا بدان بی‌نیاز گردانی، از فضل تو مسألت می‌کنم و از دست لبریز تو طلب می‌کنم، و از خیر تو خواهانم، ای کسی که خیر به دست اوست و او به هر چیزی تواناست».

از دعای امیر مؤمنان علیه السلام: «خدایا چهره‌ام را با دارایی حفظ کن و مرتبه مرا با نیازمندی خراب نکن، تا از طالبان رزق تو، طلب روزی کنم، و از بدترین مخلوقات تو طلب مهربانی نمایم، و به ستایش کسی پردازم که به من عطا کرد و کسی را که از من چیزی را دریغ داشت، سرزنش کنم، و تو فراتر از همه اینها، سرپرست بخشیدن و بازداشتن هستی، به راستی که تو بر هر چیز توانایی. - . سید رضی آن را در نهج البلاغه زیر شماره ۲۲۳ از خطبه‌ها نقل کرد. -

خدایا جان مرا اولین چیز گرانبهایی قرار ده که از من می‌ستانی و آن را اولین ودیعه‌ای قرار ده که از میان نعمت‌هایی که به من سپردی، بازمی گردانی.

**[ترجمه]

«۱۲»

عُدَّهُ الدَّاعِی، عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: لِطَلَبِ الرِّزْقِ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَیْکَ عَظِیمٌ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَرْزُقَنِی الْعَمَلَ بِمَا عَلَّمْتَنِی مِنْ مَعْرِفَهِ حَقِّکَ وَ أَنْ تَبْسُطَ عَلَیَّ مَا حَظَرْتَ مِنْ رِزْقِکَ.

**[ترجمه]عده الداعی: از حضرت صادق علیه السلام برای طلب روزی: «ای خدا ای خدا ای خدا، به حق کسی که حقش بر تو بزرگ است، از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و عمل به آنچه از معرفت حق خویش به من آموختی، روزی‌ام گردانی و آنچه از رزقت که بازداشتی بر من بگسترانی.

**[ترجمه]

«۱۳»

مِصْبَاحُ الْأَنْوَارِ، عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: زَارَتْ فَاطِمَهُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ذَاتَ یَوْمٍ فَقَالَ یَا بُنَیَّهِ أَ لَا أُزَوِّدُکِ قَالَتْ بَلَی یَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ قُولِی اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّ کُلِّ شَیْ ءٍ مُنْزِلُ التَّوْرَاهِ وَ الْإِنْجِیلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ فَالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوَی أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّهٍ أَنْتَ آخِذٌ

بِنَاصِیَتِهَا أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَیْسَ قَبْلَکَ أَحَدٌ وَ أَنْتَ الْآخِرُ فَلَیْسَ بَعْدَکَ أَحَدٌ وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَیْسَ فَوْقَکَ أَحَدٌ وَ أَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَیْسَ دُونَکَ أَحَدٌ اقْضِ عَنِّی الدَّیْنَ وَ أَغْنِنِی مِنَ الْفَقْرِ.

**[ترجمه]مصباح الانوار: امام باقر علیه السلام فرمودند: روزی فاطمه، رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدار کردند، پیامبر به ایشان فرمودند: ای دخترم، آیا توشه‌ای به تو ندهم؟ فرمودند: بلی ای رسول خدا، پس فرمودند: بگو «خدا پروردگار ما و پروردگار همه چیز است، نازل کننده تورات و انجیل و زبور و فرقان و شکافنده دانه و هسته، پناه می‌برم به تو از شر هر موجودی که اختیارش به دست توست، تو نخستینی و کسی قبل از تو نیست و تو پایانی و بعد از تو کسی نیست و تو ظاهری و بالاتر از تو کسی نیست و تو باطنی و پایین‌تر از تو کسی نیست، بدهی مرا ادا کن و مرا از فقر بی‌نیاز کن».

**[ترجمه]

«۱۴»

ق، [الکتاب العتیق الغروی]: دُعَاءٌ اللَّهُمَّ کَمَا صُنْتَ وَجْهِی عَنِ السُّجُودِ إِلَّا لَکَ فَصُنْهُ عَنْ طَلَبِ الرِّزْقِ إِلَّا مِنْکَ اللَّهُمَّ قَوِّنِی عَلَی مَا خَلَقْتَنِی لَهُ وَ لَا تَشْغَلْنِی بِمَا تَکَفَّلْتَ لِی بِهِ وَ اعْصِمْنِی مِمَّا تُعَاقِبُنِی عَلَیْهِ.

**[ترجمه]العتیق الغروی: دعا «خدایا همانطور که چهره‌ام را از سجده جز بر خود حفظ کردی، پس آن را در طلب روزی جز از خود، حفظ کن، خدایا مرا بدانچه که بر آن خلق نمودی، نیرو بخش و مرا بدانچه خود مسوولیت آن را به عهده گرفتی، مشغول مکن، و مرا از آنچه بدان عذاب می‌کنی، باز دار».

**[ترجمه]

«۱۵»

ق، [الکتاب العتیق الغروی]: دُعَاءٌ فِی سَجْدَهِ الشُّکْرِ لِطَلَبِ الرِّزْقِ یَا مَنْ لَا یَزِیدُ مُلْکَهُ حَسَنَاتِی

ص: ۲۹۷

۱- ۱. نقله الرضی فی نهج البلاغه تحت الرقم ۲۲۳ من الخطب.

وَ لَا تَشِینُهُ سَیِّئَاتِی وَ لَا یَنْقُصُ خَزَائِنَهُ غِنَایَ وَ لَا یَزِیدُ فِیهَا فَقْرِی صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَثْبِتْ رَجَاءَکَ فِی قَلْبِی وَ اقْطَعْ رَجَائِی عَمَّنْ سِوَاکَ حَتَّی لَا أَرْجُوَ إِلَّا إِیَّاکَ وَ لَا أَخَافَ إِلَّا مِنْکَ وَ لَا أَثِقَ إِلَّا بِکَ وَ لَا أَتَّکِلَ إِلَّا عَلَیْکَ وَ أَجِرْنِی مِنْ تَحْوِیلِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیَّ فِی الدِّینِ وَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ أَیَّامَ الدُّنْیَا بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ.

**[ترجمه]العتیق الغروی: دعا در سجده شکر برای طلب روزی: «ای کسی که نیکی‌های من بر فرمانروایی او نمی‌افزاید و بدی‌های من او را زشت نمی‌گرداند، بی‌نیازی من از خزانه‌های او نمی‌کاهد و فقر من بر آن نمی‌افزاید، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و امیدت را در قلب من استوار گردان و امیدم را از غیر خود، قطع کن تا اینکه به جز تو امیدی نداشته باشم و تنها از تو بهراسم و تنها به تو اطمینان کنم و فقط بر تو تکیه کنم.

**[ترجمه]

«۱۶»

ختص، [الإختصاص] عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ بُرَیْدٍ عَنْ أَبِیهِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ قَدْ کَانَ الْحَالُ حَسَناً وَ إِنَّ الْأَشْیَاءَ الْیَوْمَ مُتَغَیِّرَهٌ فَقَالَ إِذَا قَدِمْتَ الْکُوفَهَ فَاطْلُبْ عَشَرَهَ دَرَاهِمَ فَإِنْ لَمْ تُصِبْهَا فَبِعْ وِسَادَهً مِنْ وَسَائِدِکَ بِعَشَرَهِ دَرَاهِمَ ثُمَّ ادْعُ عَشَرَهً مِنْ أَصْحَابِکَ وَ اصْنَعْ لَهُمْ طَعَاماً فَإِذَا أَکَلُوا فَاسْأَلْهُمْ فَیَدْعُوا اللَّهَ لَکَ قَالَ فَقَدِمْتُ الْکُوفَهَ فَطَلَبْتُ عَشَرَهَ دَرَاهِمَ فَلَمْ أَقْدِرْ عَلَیْهَا حَتَّی بِعْتُ وِسَادَهً لِی بِعَشَرَهِ دَرَاهِمَ کَمَا قَالَ وَ جَعَلْتُ لَهُمْ طَعَاماً وَ دَعَوْتُ أَصْحَابِی عَشَرَهً فَلَمَّا أَکَلُوا سَأَلْتُهُمْ أَنْ یَدْعُوا اللَّهَ لِی فَمَا مَکَثْتُ حَتَّی مَالَتْ عَلَیَّ الدُّنْیَا(۱).

**[ترجمه]الاختصاص: بن برید از پدرش نقل کرد، به خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و گفتم: فدایت گردم، اوضاع خوب بود و امروز، بسیاری از چیزها تغییر کرده است. پس فرمودند: هر گاه کوفه آمدی ده درهم طلب کن، و اگر آن را به دست نیاوردی بالشی از بالش های خود را به ده درهم بفروش، سپس ده نفر از یارانت را فراخوان و برای آنها غذایی آماده کن. هرگاه خوردند، از آنها بخواه برایت دعا کنند. نقل کرد: به کوفه آمدم و ده درهم طلب کردم ولی نتوانستم، تا اینکه بالش خود را به ده درهم فروختم همانطور که فرمودند، و برای آنان غذایی قرار دادم و ده نفر از یاران خود را فرا خواندم پس زمانی که خوردند از آنها خواستم که برای من به درگاه خدا دعا کنند، طولی نکشید که دنیا به من رو کرد. - . الاختصاص: ۲۴ -

**[ترجمه]

«۱۷»

ق، [الکتاب العتیق الغروی]: دُعَاءُ الرِّزْقِ مَرْوِیٌّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمَا اللَّهُمَّ سَأَلْتَ عِبَادَکَ قَرْضاً مِمَّا تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَیْهِمْ وَ ضَمِنْتَ لَهُمْ مِنْهُ خَلَفاً وَ وَعَدْتَهُمْ عَلَیْهِ وَعْداً حَسَناً فَبَخِلُوا عَنْکَ فَکَیْفَ بِمَنْ هُوَ دُونَکَ إِذَا سَأَلَهُمْ فَالْوَیْلُ لِمَنْ کَانَتْ حَاجَتُهُ إِلَیْهِمْ فَأَعُوذُ بِکَ یَا سَیِّدِی أَنْ تَکِلَنِی إِلَی أَحَدٍ مِنْهُمْ فَإِنَّهُمْ لَوْ یَمْلِکُونَ خَزَائِنَ رَحْمَتِکَ لَأَمْسَکُوا خَشْیَهَ الْإِنْفَاقِ بِمَا وَصَفْتَهُمْ وَ کَانَ الْإِنْسانُ قَتُوراً اللَّهُمَّ اقْذِفْ فِی قُلُوبِ عِبَادِکَ مَحَبَّتِی وَ ضَمِّنِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ رِزْقِی وَ أَلْقِ الرُّعْبَ فِی قُلُوبِ أَعْدَائِکَ مِنِّی وَ آنِسْنِی بِرَحْمَتِکَ وَ أَتْمِمْ عَلَیَّ نِعْمَتَکَ وَ اجْعَلْهَا مَوْصُولَهً بِکَرَامَتِکَ إِیَّایَ وَ أَوْزِعْنِی شُکْرَکَ وَ أَوْجِبْ لِیَ الْمَزِیدَ مِنْ لَدُنْکَ وَ لَا تُنْسِنِی وَ لَا تَجْعَلْنِی مِنَ الْغَافِلِینَ أَحِبَّنِی وَ حَبِّبْنِی وَ حَبِّبْ إِلَیَّ مَا تُحِبُّ مِنَ الْقَوْلِ وَ الْعَمَلِ حَتَّی أَدْخُلَ فِیهِ بِلَذَّهٍ وَ أَخْرُجَ مِنْهُ بِنَشَاطٍ وَ أَدْعُوَکَ فِیهِ بِنَظَرِکَ مِنِّی إِلَیْهِ لِأُدْرِکَ بِهِ مَا عِنْدَکَ مِنْ فَضْلِکَ الَّذِی مَنَنْتَ بِهِ عَلَی أَوْلِیَائِکَ وَ أَنَالَ بِهِ طَاعَتَکَ إِنَّکَ

١- ١. الاختصاص: ٢٤.

قَرِيبٌ مُجِيبٌ رَبِّ إِنَّكَ عَوَّدْتَنِی عَافِيَتَكَ وَ غَذَّوْتَنِی بِنِعْمَتِكَ وَ تَغَمَّدْتَنِی بِرَحْمَتِكَ تَغْدُو وَ تَرُوحُ بِفَضْلِ ابْتِدَائِكَ لَا أَعْرِفُ غَيْرَهَا وَ رَضِيتَ مِنِّی بِمَا أَسْدَيْتَ إِلَيَّ أَنْ أَحْمَدَكَ بِهَا شُكْراً مِنِّی عَلَيْهَا فَضَعُفَ شُكْرِی لِقِلَّهِ جُهْدِی فَامْنُنْ عَلَيَّ بِحَمْدِكَ كَمَا ابْتَدَأْتَنِی بِنِعْمَتِكَ فَبِهَا تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ فَلَا تَنْزِعْ مِنِّی مَا عَوَّدْتَنِی مِنْ رَحْمَتِكَ فَأَكُونَ مِنَ الْقَانِطِينَ فَإِنَّهُ لَا يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَتِكَ إِلَّا الضَّالُّونَ رَبِّ إِنَّكَ قُلْتَ وَ فِی السَّماءِ رِزْقُكُمْ وَ ما تُوعَدُونَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ وَ أَتْبَعْتَ ذَلِكَ مِنْكَ بِالْيَمِينِ لِأَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ فَقُلْتَ فَوَ رَبِّ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ ما أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ فَعَلِمْتُ ذَلِكَ عِلْمَ مَنْ لَمْ يَنْتَفِعْ بِعِلْمِهِ حِينَ أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ وَ أَنَا مُهْتَمٌّ بَعْدَ ضَمَانِكَ لِی وَ حَلْفِكَ لِی عَلَيْهِ هَمّاً أَنْسَانِی ذِكْرَكَ فِی نَهَارِی وَ نَفَى عَنِّی النَّوْمَ فِی لَيْلِی فَصَارَ الْفَقْرُ مُمَثَّلًا بَيْنَ عَيْنَيَّ وَ مَلَأَ قَلْبِی أَقُولُ مِنْ أَيْنَ وَ إِلَى أَيْنَ وَ كَيْفَ أَحْتَالُ وَ مَنْ لِی وَ مَا أَصْنَعُ وَ مِنْ أَيْنَ أَطْلُبُ وَ أَيْنَ أَذْهَبُ وَ مَنْ يَعُودُ عَلَيَّ أَخَافُ شَمَاتَهَ الْأَعْدَاءِ وَ أَكْرَهُ حُزْنَ الْأَصْدِقَاءِ فَقَدِ اسْتَحْوَذَ الشَّيْطَانُ عَلَيَّ إِنْ لَمْ تُدَارِكْنِی مِنْكَ بِرَحْمَهٍ تُلْقِی بِهَا فِی نَفْسِيَ الْغِنَى وَ أَقْوَى بِهَا عَلَى أَمْرِ الْآخِرَهِ وَ الدُّنْيَا فَارْضَنِی يَا مَوْلَایَ بِوَعْدِكَ كَیْ أُوفِیَ بِعَهْدِكَ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ وَ اجْعَلْنِی مِنَ الْعَامِلِينَ بِطَاعَتِكَ حَتَّى أَلْقَاكَ سَيِّدِی وَ أَنَا مِنَ الْمُتَّقِينَ اللَّهُمَ اغْفِرْ لِی وَ أَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ وَ ارْحَمْنِی وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ وَ اعْفُ عَنِّی وَ أَنْتَ خَيْرُ الْعَافِينَ وَ ارْزُقْنِی وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ وَ أَفْضِلْ عَلَيَّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمُفْضِلِينَ وَ تَوَفَّنِی مُسْلِماً وَ أَلْحِقْنِی بِالصَّالِحِينَ وَ لَا تُخْزِنِی يَوْمَ الْقِيَامَهِ يَوْمَ يُبْعَثُونَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا عِلْمَ لِی بِمَوْضِعِ رِزْقِی وَ إِنَّمَا أَطْلُبُهُ بِخَطَرَاتٍ تَخْطُرُ عَلَى قَلْبِی فَأَجُولُ فِی طَلَبِهِ فِی الْبُلْدَانِ وَ أَنَا مِمَّا أُحَاوِلُ طَالِبٌ كَالْحَيْرَانِ لَا أَدْرِی فِی سَهْلٍ أَوْ فِی جَبَلٍ أَوْ فِی أَرْضٍ أَوْ فِی سَمَاءٍ أَوْ فِی بَحْرٍ أَوْ فِی بَرٍّ وَ عَلَى يَدَیْ مَنْ هُوَ وَ مِنْ

قِيلٍ مَنْ وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ عِلْمَ ذَلِکَ کُلِّهِ عِنْدَکَ وَ أَنَّ أَسْبَابَهُ بِيَدِکَ وَ أَنْتَ الَّذِی تَقْسِمُهُ بِلُطْفِکَ وَ تُسَبِّبُهُ بِرَحْمَتِکَ فَاجْعَلْ رِزْقَکَ لِی وَاسِعاً وَ مَطْلَبَهُ سَهْلًا وَ مَأْخَذَهُ قَرِيباً وَ لَا تُعَنِّنِی بِطَلَبِ مَا لَمْ تُقَدِّرْ لِی فِيهِ رِزْقاً فَإِنَّکَ غَنِیٌّ عَنْ عَذَابِی وَ أَنَا إِلَى رَحْمَتِکَ فَقِيرٌ فَجُدْ عَلَیَّ بِفَضْلِکَ يَا مَوْلَایَ إِنَّکَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ.

**[ترجمه]العتیق الغروی: دعای رزق به روایت از علی بن حسین صلوات الله علیهما: «خدایا از بندگانت از آنچه بر آنها تفضل نمودی، طلب قرض کردی، جایگزینش را برای آنها تضمین کردی، و وعده نیک به آنها دادی، ولی آنان از تو بخل ورزیدند پس چگونه با کسی که پایین‌تر از توست و از آنها درخواستی کند، رفتار می‌کنند، رای بر کسی که نیازش به آنها باشد، پناه می‌برم به تو ای سرور من، از اینکه مرا به آنها واگذاری، به راستی که آنان اگر خزانه‌های رحمت تو را در اختیار داشتند از ترس هزینه کردن خودداری می‌کردند، به سبب آنچه توصیفشان کردم و انسان نیازمند است.

خدایا محبت مرا در دل بندگانت انداز، و روزی مرا به آسمان و زمین تضمین کن و ترس از من را در دل دشمنانت قرار ده، و مرا به رحمتت، الفت ده، و نعمتت را بر من کامل گردان، و آن را با کرامتت در حق من متصل گردان، و شکرت را بر من فراهم کن و مرا مستحق فزونی از نزد خود بگردان، مرا فراموش مکن، از غافلین قرار مده. مرا دوست بدار و محبوب گردان و آنچه را از سخن و عمل که می‌پسندی نزد من محبوب بگردان تا با لذت به آن وارد شوم و با نشاط از آن خارج گردم و در حالی که به من نگاه میکنی، تو را در آن بخوانم تا دریابم آن فضلی که نزد توست و آن را بر دوستدارانت منت نهادی و به واسطه آن به اطاعت تو دست یازم به راستی که تو نزدیک و اجابت‌کننده‌ای .

پروردگارا، تو مرا به عافیت خود، عادت دادی، و به نعمتت، تغذیه نمودی و به رحمتت پوشاندی و فضل آغازین تو در صبح و شب بر من جاری است و غیر آن را نمی‌شناسم و بدانچه بر من فرو انداختی، راضی گشتی تا برای شکر آن نعمت‌ها، تو را حمد گویم و سپاسگزاری‌ام در اثر تلاش اندکم کم‌رنگ شد، پس با حمد خود بر من منت بنه همانطور که نعمت خود را بر من آغاز کردی، و به واسطه آن اعمال صالح کامل می‌شود، پس آنچه از رحمتت که مرا بدان عادت دادی، از من مگیر که از ناامیدان بشوم؛ زیرا تنها گمراهان از رحمت تو ناامید می- گردند.

پروردگارا تو فرمودی «در آسمان رزق شماست آنچه بدان وعده داده می‌شوید» و گفتار تو حق است، و آن را از تو پی گرفتم تا از یقین- کنندگان باشم پس فرمودی: «پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین، که واقعاً او حقّ است همانگونه که خود شما سخن می گویید» و آن را دانستم همچون کسی که علمش به او سودی نرساند، آنگاه که صبح و شام کردم و من بعد از مرا بدان ضمانت کردی و سوگند خوردی به چیزهایی پرداختم که در روز، مرا از یاد تو باز می‌داشت و در شب، خواب را از من گرفت، پس فقر در برابر دیدگانم و آکندگی دلم پدیدار گشت، می گویم: از کجا؟ و به کجا؟ چه تدبیری اندیشم؟ چه کسی به دادم می‌رسد؟ و چه کنم؟ و از کجا طلب کنم؟ کجا بروم؟ و چه کسی بر من بازمی گردد؟ از سرزنش دشمنان می‌ترسم و از اندوه دوستان، ناخوشایندم، و شیطان بر من چیره گشت، اگر مرا به رحمت خویش در نیابی که به واسطه آن بی‌نیازی را به من القا کنی، و به سبب آن بر امور دنیا و آخرت خویش توانا گردم.

ای مولای من با وعده خویش مرا خشنود ساز تا به پیمان تو وفا کنم و رزقت را بر من بگستران و مرا از اطاعت‌کنندگان خویش قرار ده تا ملاقات کنم تو را ای سرور من، در حالی که از پرهیزگارانم.

خدایا مرا بیامرز و تو بهترین آمرزندگانی و بر من رحم کن که تو بهترین رحم‌کنندگانی و از من بگذر که تو بهترین درگذرندگانی، و مرا روزی بخش که تو بهترین روزی‌دهندگانی و فضل خود را شامل حالم کن که تو بهترین فضل کنندگانی و جان مرا در حالی که مسلمانم بگیر، و مرا به صالحان ملحق کن، و در روز قیامت، آن روز که برانگیخته می‌شوند مرا خوار مکن، روزی که مال و فرزند سودی نبخشد ای سرپرست مؤمنان.

خدایا من به مکان رزق خود آگاهی ندارم، و تنها به واسطه خطوراتی که بر قلبم می گذرد آن را جستجو می کنم و در طلب آن سرزمین‌ها را در می‌نوردم و من به سبب تلاشی که می کنم، جستجوکننده‌ای هستم که سرگردانم، نمی‌دانم در دشت است یا درکوه یا در زمین یا در آسمان یا در دریا یا در خشکی و به دستان چه کسی است؟ و از طرف چه کسی است؟ و دانستم که علم آن در نزد توست، و سبب‌های آن در نزد توست، و تو کسی هستی که آن را به لطف خود تقسیم می کنی و به رحمت خود سبب‌سازی می کنی، پس رزق مرا فراوان گردان و طلب آن را آسان کن، و محل گرفتن آن را نزدیک گردان، و مرا در طلب آنچه در آن برایم روزی مقدر نکردی خسته مکن، به راستی که تو از عذاب من بی‌نیازی و من به رحمت تو نیازمندم، پس به فضل خود بر من بخشش کن، ای مولای من، به راستی که تو صاحب فضل بزرگی.

**[ترجمه]

«۱۸»

مهج، [مهج الدعوات] دُعَاءٌ لِمَوْلَانَا وَ مُقْتَدَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يُعَلَّقُ عَلَى الْإِنْسَانِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ تَعَذَّرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ وَ تَغَلَّقَتْ عَلَيْهِ مَذَاهِبُ الْمَطَالِبِ فِي مَعَاشِهِ ثُمَّ كَتَبَ لَهُ هَذَا الْكَلَامَ فِي رَقٍّ ظَبْيٍ أَوْ قِطْعَةٍ مِنْ أَدَمٍ وَ عَلَّقَهُ عَلَيْهِ أَوْ جَعَلَهُ فِي بَعْضِ ثِيَابِهِ الَّتِي يَلْبَسُهَا فَلَمْ يُفَارِقْهُ وَسَّعَ اللَّهُ رِزْقَهُ وَ فَتَحَ عَلَيْهِ أَبْوَابَ الْمَطَالِبِ فِي مَعَاشِهِ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ اللَّهُمَّ لَا طَاقَةَ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ بِالْجُهْدِ وَ لَا صَبْرَ لَهُ عَلَى الْبَلَاءِ وَ لَا قُوَّةَ لَهُ عَلَى الْفَقْرِ وَ الْفَاقَةِ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَحْظُرْ عَلَى فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ رِزْقَكَ وَ لَا تَقْتُرْ عَلَيْهِ سَعَةَ مَا عِنْدَكَ وَ لَا تَحْرِمْهُ فَضْلَكَ وَ لَا تَحْسِمْهُ مِنْ جَزِيلِ قِسْمِكَ وَ لَا تَكِلْهُ إِلَى خَلْقِكَ وَ لَا إِلَى نَفْسِهِ فَيَعْجِزَ عَنْهَا وَ يَضْعُفَ عَنِ الْقِيَامِ فِيمَا يُصْلِحُهُ وَ يُصْلِحُ مَا قِبَلَهُ بَلْ تَنْفَرِدُ بِلَمِّ شَعَثِهِ وَ تَوَلَّى كِفَايَتِهِ وَ انْظُرْ إِلَيْهِ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ إِنَّكَ إِنْ وَكَلْتَهُ إِلَى خَلْقِكَ لَمْ يَنْفَعُوهُ وَ إِنْ أَلْجَأْتَهُ إِلَى أَقْرِبَائِهِ حَرَمُوهُ وَ إِنْ أَعْطَوْهُ أَعْطَوْهُ قَلِيلًا نَكِداً وَ إِنْ مَنَعُوهُ مَنَعُوهُ كَثِيراً وَ إِنْ بَخِلُوا بَخِلُوا وَ هُمْ لِلْبُخْلِ أَهْلٌ اللَّهُمَّ أَغْنِ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ مِنْ فَضْلِكَ وَ لَا تُخْلِهِ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُضْطَرٌّ إِلَيْكَ فَقِيرٌ إِلَى مَا فِي يَدِكَ وَ أَنْتَ غَنِيٌّ عَنْهُ وَ أَنْتَ بِهِ خَبِيرٌ عَلِيمٌ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْ ءٍ قَدْراً إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً- إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لا يَحْتَسِبُ (۱).

ص: ۳۰۰

۱- ۱. مهج الدعوات: ۱۵۷.

**[ترجمه]مهج الدعوات: دعایی از مولا و مقتدایمان امیر مؤمنان علیه السلام که بر انسان آویخته می گردد، از امیر مؤمنان علی بن ابی طالب صلوات الله علیه نقل است، فرمودند: هر کس روزی‌اش بر او سخت گردد و راه‌های به دست آوردن آن در زندگی‌اش به بن‌بست رسید، این سخن بر پوست آهو یا قطعه‌ای چرم نوشته شود و بر او آویخته گردد، یا آن را در لباسی قرار دهد که آن را می‌پوشد و از خود جدا نمی سازد، خداوند رزق او را گسترده می کند و درهای به دست آوردن معاش او را از آنجا که نمی‌پندارد بر او می گشاید.

«خدایا فلان فرزند فلان نه توانایی سختی دارد و نه شکیبایی بر بلاها و نه توان فقر ونیاز، خدایا پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و روزی‌ات را بر فلان فرزند فلان منع مکن، و از فراوانی آنچه نزد توست، او را نیازمند مگردان و از فضل خود محروم مکن، و از بهره‌های فراوان خود باز مدار و او را به خودش و خلق خود وامگذار، پس از آن ناتوان گردد، و از انجام آنچه به صلاح او و پیش از اوست، ناتوان می‌ماند، بلکه به تنهایی آشفتگی او را سر و سامان بخش و کفایت او را عهده‌دار شو، و در تمام امورش بر او نظر افکن، به راستی که تو اگر او را به بندگانت بسپاری به او سودی نرسانند و اگر او را به نزدیکانش پناه دهی، او را محروم می کنند، و اگر به او ببخشایند بسیار کم و ناچیز می دهند و اگر از او منع کنند، بسیار از او باز دارند، و اگر بخل ورزند، در حالی این کار را می کنند که شایسته بخل ورزیدن هستند.

خدایا فلان فرزند فلان را از فضل خود بی‌نیاز کن و از او دست بر ندار؛ زیرا او مضطر به سوی توست، و به آنچه در دستان توست، نیازمند است و تو از او بی‌نیازی و تو به او عالم و آگاهی، و هر کس بر خدا توکل نماید، خداوند برای او کافی است و به راستی که خداوند به کار او می‌رسد، خداوند برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داد، به راستی که با هر سختی آسانی است، به راستی که با هر سختی آسانی است، و هر کس تقوای خدا را داشته باشد، برای او خروجی قرار می‌دهد و از جایی که نمی‌داند، روزی می‌رساند. - . مهج الدعوات: ۱۵۷ -

**[ترجمه]

باب ۱۱۱ الأدعیه للدین

الأخبار

«۱»

لی، [الأمالی] للصدوق النَّقَّاشُ عَنْ أَحْمَدَ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ حُمْدُونٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ نَصْرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنِ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ علیهم السلام قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله دَيْناً كَانَ عَلَيَّ فَقَالَ يَا عَلِيُّ قُلِ اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَ بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ فَلَوْ كَانَ عَلَيْكَ مِثْلُ صَبِيرٍ(۱)

دَيْناً قَضَاهُ اللَّهُ عَنْكَ وَ صَبِيرٌ جَبَلٌ بِالْيَمَنِ لَيْسَ بِالْيَمَنِ جَبَلٌ أَجَلَّ وَ لَا أَعْظَمَ مِنْهُ (۲).

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی الغضائری عن الصدوق: مثله (۳).

**[ترجمه]أمالی: امام علیه علیه السلام فرمودند: به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از قرضی که بر گردنم بود، شکایت کردم، فرمودند: ای علی، بگو: «خدایا با حلال خود مرا از حرام بی‌نیاز کن و به فضل خود مرا از غیر خود بی‌نیاز دار» پس اگر به اندازه صبیر - کوه - بر گردن تو بدهکاری باشد، خداوند آنرا ادا می کند. صبیر اسم کوهی است در یمن که بزرگتر از آن در آن سرزمین، نیست. - . أمالی صدوق: ۲۳۳ -

أمالی: مثل این حدیث را غضائری از صدوق نقل کرد. - . أمالی الطوسی ۲: ۴۵ -

**[ترجمه]

«۲»

مع، [معانی الأخبار] الْقَطَّانُ عَنِ ابْنِ زَكَرِيَّا عَنِ ابْنِ حَبِيبٍ عَنِ ابْنِ بُهْلُولٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِنَّ عَلَيَّ دَيْناً كَثِيراً وَ لِي عِيَالٌ وَ لَا أَقْدِرُ عَلَى الْحَجِّ فَعَلِّمْنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ فَقَالَ قُلْ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اقْضِ عَنِّي دَيْنَ الدُّنْيَا وَ دَيْنَ الْآخِرَةِ فَقُلْتُ لَهُ أَمَّا دَيْنُ الدُّنْيَا فَقَدْ عَرَفْتُهُ فَمَا دَيْنُ الْآخِرَةِ فَقَالَ دَيْنُ الْآخِرَةِ الْحَجُّ (۴).

**[ترجمه]معانی الاخبار: عبد الله بن فضل هاشمی نقل کرد به امام صادق علیه السلام عرض کردم: قرض‌های زیادی بر من است و خانواده دارم، و قادر به گزاردن حج نیستم، دعایی به من بیاموزید تا آن را بخوانم، پس فرمودند: در تعقیب هر نماز واجبی بگو: «خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و قرض دنیا و آخرت را از من ادا کن» به ایشان عرض کردم: قرض دنیا را می‌شناسم، بدهکاری آخرت چیست؟ فرمودند: بدهکاری آخرت، حج است. - . معانی الاخبار: ۱۷۵ -

**[ترجمه]

«۳»

ضا، [فقه الرضا علیه السلام] رُوِيَ: أَنَّهُ شَكَا رَجُلٌ إِلَى الْعَالِمِ علیه السلام دَيْناً عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُ الْعَالِمُ علیه السلام أَكْثِرْ مِنَ الصَّلَاةِ.

وَ إِذَا كَانَ لَكَ دَيْنٌ عَلَى قَوْمٍ وَ قَدْ تَعَسَّرَ عَلَيْكَ أَخْذُهُ فَقُلِ اللَّهُمَّ لَحْظَةً مِنْ

ص: ۳۰۱

۱- ۱. قال الفيروزآبادي: الصبير: الجبل، و قال: الصبر ككتف: جبل مطل على تعز، و قال: تعز كتقل: قاعده اليمن.

۲- ۲. أمالي الصدوق ص ۲۳۳.

۳- ۳. أمالي الطوسيّ ج ۲ ص ۴۵.

۴- ۴. معاني الأخبار ص ۱۷۵.

لَحَظَاتِکَ تُیَسِّرُ عَلَی غُرَمَائِی بِهَا الْقَضَاءَ وَ تُیَسِّرُ لِی بِهَا مِنْهُمُ الِاقْتِضَاءَ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ وَ إِذَا وَقَعَ عَلَیْکَ دَیْنٌ فَقُلِ اللَّهُمَّ أَغْنِنِی بِحَلَالِکَ عَنْ حَرَامِکَ وَ أَغْنِنِی بِفَضْلِکَ عَنْ فَضْلِ مَنْ سِوَاکَ فَإِنَّهُ نَرْوِی عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَوْ کَانَ عَلَیْکَ مِثْلُ صَبِیرٍ(۱)

دَیْناً قَضَاهُ عَنْکَ وَ الصَّبِیرُ جَبَلٌ بِالْیَمَنِ یُقَالُ لَا یُرَی جَبَلٌ أَعْظَمَ مِنْهُ.

وَ رُوِیَ: أَکْثِرْ مِنَ الِاسْتِغْفَارِ وَ أَرْطِبْ لِسَانَکَ بِقِرَاءَهِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ(۲).

**[ترجمه]فقه الرضا: شخصی به خدمت امام موسی کاظم علیه السلام از قرض‌های خود شکایت کرد، امام علیه السلام به او فرمودند: بسیار نماز بخوان .

و اگر طلبی از گروهی داری، و گرفتن آن بر تو دشوار است، بگو: «خدایا لحظه‌ای (عنایتی) از لحظات تو - را می‌طلبم -، ادای دین را بر بدهکاران من آسان گردان و گرفتن آن قرض از آنها را برای من میسر کن، به راستی که تو بر هر چیز توانایی».

هر گاه بدهکار شدی، بگو «خدایا به حلال خود مرا از حرامت بی‌نیاز کن و به فضل خود مرا از فضل دیگران بی‌نیاز ساز» به راستی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کنیم اگر به اندازه صبیر - کوه - بر گردن تو بدهی باشد، خداوند آن را ادا می‌کند و صبیر کوهی است در یمن، که کوهی بزرگتر از آن دیده نشده است.

روایت است: بسیار استغفار کن و زبان خود را با خواندن إنا انزلناه فی لیله القدر، تر و تازه نگاه دار. - . آن را در الکافی ۲: ۵۵۴ می‌بینی. -

**[ترجمه]

«۴»

شی، [تفسیر العیاشی] عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: شَکَوْتُ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ أَ لَا أُعَلِّمُکَ شَیْئاً إِذَا قُلْتَهُ قَضَی اللَّهُ دَیْنَکَ وَ أَنْعَشَکَ وَ أَنْعَشَ حَالَکَ فَقُلْتُ مَا أَحْوَجَنِی إِلَی ذَلِکَ فَعَلَّمَهُ هَذَا الدُّعَاءَ قُلْ فِی دُبُرِ صَلَاهِ الْفَجْرِ تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ کَبِّرْهُ تَکْبِیراً اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْبُؤْسِ وَ الْفَقْرِ وَ مِنْ غَلَبَهِ الدَّیْنِ وَ السُّقْمِ وَ أَسْأَلُکَ أَنْ تُعِینَنِی عَلَی أَدَاءِ حَقِّکَ إِلَیْکَ وَ إِلَی النَّاسِ (۳).

**[ترجمه]تفسیر العیاشی: عبدالله بن سنان نقل کرد: به نزد امام صادق علیه السلام شکایت کردم، پس فرمودند: آیا نیاموزم به تو چیزی را که اگر آن را بر زبان آوری خداوند قرض تو را ادا خواهد کرد و تو را زنده سازد و حال تو را بهبودی بخشد؟ عرض کردم: چقدر به آن دعا نیازمندم، پس امام دعا را به او آموخت، در تعقیب نماز صبح بگو: «توکل کردم بر آن زنده‌ای که نمی‌میرد و سپاس خدایی را که فرزندی برنگرفت و در فرمانروایی شریکی ندارد، و از روی خواری سرپرستی ندارد و او را به بزرگی یاد کن، خدایا من از فقر و نیازمندی و چیرگی قرض و بیماری به تو پناه می‌برم و از تو می‌خواهم مرا بر ادای حق تو به تو و به مردم کمک کنی. - . تفسیر العیاشی ۲: ۳۲۰ -

**[ترجمه]

«۵»

مکا، [مکارم الأخلاق] عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: لَزِمَنِی دَیْنٌ بِبَغْدَادَ ثَلَاثُ مِائَهِ أَلْفٍ وَ کَانَ لِی دَیْنٌ أَرْبَعُمِائَهِ أَلْفٍ فَلَمْ یَدَعْنِی غُرَمَائِی أَنْ أَقْتَضِیَ دَیْنِی وَ أُعْطِیَهُمْ قَالَ وَ حَضَرَ الْمَوْسِمُ فَخَرَجْتُ مُسْتَتِراً وَ أَرَدْتُ الْوُصُولَ إِلَی أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام فَلَمْ أَقْدِرْ فَکَتَبْتُ إِلَیْهِ أَصِفُ لَهُ حَالِی وَ مَا عَلَیَّ

وَ مَا لِی فَکَتَبَ إِلَیَّ فِی عَرْضِ کِتَابِی قُلْ فِی دُبُرِ کُلِّ صَلَاهٍ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ یَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَرْحَمَنِی بِلَا إِلَهَ

۱- ۱. فی النسخ: مثل صید، و هکذا فیما یأتی، و قد عرفت أنّه صبیر.

۲- ۲. تراه فی الکافی ج ۲ ص ۵۵۴.

۳- ۳. تفسیر العیّاشیّ ج ۲ ص ۳۲۰، و یقال: أنعشه اللّه: رفعه و سد فقره و أخصب حاله قبل و أنکره ابن السکیت و الجوهریّ، یعنی من باب الافعال و أن الصحیح من باب الثلاثی و التضعیف.

إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ یَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَرْضَی عَنِّی بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ یَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَغْفِرَ لِی بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَعِدْ ذَلِکَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فِی دُبُرِ کُلِّ صَلَاهٍ فَرِیضَهٍ فَإِنَّ حَاجَتَکَ تُقْضَی إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی قَالَ الْحُسَیْنُ فَأَدَمْتُهَا فَوَ اللَّهِ مَا مَضَتْ بِی إِلَّا أَرْبَعَهُ أَشْهُرٍ حَتَّی اقْتَضَیْتُ دَیْنِی وَ قَضَیْتُ مَا عَلَیَّ وَ افْتَضَلْتُ مِائَهَ أَلْفِ دِرْهَمٍ (۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: حسین بن خالد نقل کرد: در بغداد به میزان سیصد هزار طلب داشتم و بدهی حدود چهارصد هزار داشتم، بدهکاران چنان نکردند تا قرضم را به آنان عطا کنم، پس موعد آن فرا رسید، مخفیانه خارج شدم و خواستم خود را به امام موسی کاظم علیه السلام برسانم، نتوانستم پس در نامه‌ای اوضاعم را برای او نوشتم، و از آنچه بر گردنم است و آنچه در اختیار دارم، پس در گوشه ای از نوشته‌ام، برای من چنین نگاشتند، در تعقیب هر نمازی بگو:

«خدایا از تو می‌خواهم ای خدایی که جز تو خدایی نیست به حق خدایی که جز تو نیست، به خدایی که جز تو نیست بر من رحم کنی، خدایا از تو می‌خواهم ای خدایی که جز تو خدایی نیست به حق خدایی که جز تو نیست، از من به خدایی که جز تو نیست راضی گردی، خدایا از تو می‌خواهم، ای خدایی که جز تو نیست، به حق خدایی که جز تو نیست، مرا بیامرزی به خدایی که جز تو نیست».

آن را بعد از هر نماز واجب، سه بار تکرار کن، به راستی که حاجتت روا می گردد، انشاء الله تعالی. حسین نقل کرد: بر آن مداومت داشتم، سوگند به خدا، چهار ماه نگذشت که بدهی‌ام را ادا نمودم و آنچه بر گردنم بود پرداخت کردم و هزار درهم زیاد آوردم. - . مکارم الاخلاق: ۳۹۹ -

**[ترجمه]

«۶»

کا، [الکافی] الْعِدَّهُ عَنْ سَهْلٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ سَهْلٍ قَالَ: کَتَبْتُ إِلَی جَعْفَرٍ علیه السلام أَنِّی قَدْ لَزِمَنِی دَیْنٌ فَادِحٌ فَکَتَبَ أَکْثِرْ مِنَ الِاسْتِغْفَارِ وَ رَطِّبْ لِسَانَکَ بِقِرَاءَهِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ (۲).

**[ترجمه]الکافی: اسماعیل بن سهل نقل کرد: در نامه‌ای به حضرت صادق علیه السلام نوشتم که قرض بسیاری دارم، پس نوشتند: بسیار استغفار کن، و زبانت را به خواندن انا انزلناه فی لیله القدر، شاداب بگردان. - . الکافی ۵: ۳۱۷ -

**[ترجمه]

باب ۱۱۲ أدعیه السفر

الأخبار

أقول

قد أوردنا عمده الآداب و الأعمال و الأدعیه للسفر فی عده أبواب من کتاب الحج و فی کتاب العشره و کتاب الآداب و السنن و لنذکر هنا أیضا نبذا منها تیمنا و تبرکا بذلک إن شاء الله تعالی.

**[ترجمه]غالب آداب و اعمال و دعاهای سفر را در چندین باب در کتاب الحج و در کتاب العشره و کتاب الاداب و السنن آوردیم، و در اینجا پاره‌ای از آن را به جهت تبرک و تیمن ذکر می کنیم، انشاء الله تعالی.

**[ترجمه]

«۱»

مهج، [مهج الدعوات]: دُعَاءٌ عَلَّمَهُ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله عَلِیّاً علیه السلام حِینَ وَجَّهَهُ إِلَی الْیَمَنِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِلَا ثِقَهٍ مِنِّی بِغَیْرِکَ وَ لَا رَجَاءٍ یَأْوِی بِی إِلَّا إِلَیْکَ وَ لَا قُوَّهٍ أَتَّکِلُ عَلَیْهَا وَ لَا حِیلَهٍ أَلْجَأُ إِلَیْهَا إِلَّا طَلَبَ فَضْلِکَ وَ التَّعَرُّضَ لِرَحْمَتِکَ وَ السُّکُونَ إِلَی أَحْسَنِ عَادَتِکَ (۳) وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا سَبَقَ لِی فِی وَجْهِی هَذَا مِمَّا أُحِبُّ وَ أَکْرَهُ فَإِنَّمَا أَوْقَعْتَ عَلَیَّ فِیهِ قُدْرَتَکَ فَمَحْمُودٌ فِیهِ بَلَاؤُکَ مُتَّضِحٌ فِیهِ قَضَاؤُکَ وَ أَنْتَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَکَ أُمُّ الْکِتَابِ.

ص: ۳۰۳

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۳۹۹.

۲- ۲. الکافی ج ۵ ص ۳۱۷.

۳- ۳. عداتک خ ل.

اللَّهُمَّ فَاصْرِفْ عَنِّی مَقَادِیرَ کُلِّ بَلَاءٍ وَ مَقَاصِرَ کُلِّ لَأْوَاءٍ وَ ابْسُطْ عَلَیَّ کَنَفاً مِنْ رَحْمَتِکَ وَ سَعَةً مِنْ فَضْلِکَ وَ لُطْفاً مِنْ عَفْوِکَ حَتَّی لَا أُحِبَّ تَعْجِیلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِیرَ مَا عَجَّلْتَ وَ ذَلِکَ مَعَ مَا أَسْأَلُکَ أَنْ تُخْلِفَنِی فِی أَهْلِی وَ وُلْدِی وَ صُرُوفِ حُزَانَتِی بِأَحْسَنِ مَا خَلَّفْتَ بِهِ غَائِباً مِنَ الْمُؤْمِنِینَ فِی تَحْصِینِ کُلِّ عَوْرَةٍ وَ سَتْرِ کُلِّ سَیِّئَةٍ وَ حَطِّ کُلِّ مَعْصِیَةٍ وَ کِفَایَةِ کُلِّ مَکْرُوهٍ وَ ارْزُقْنِی عَلَی ذَلِکَ شُکْرَکَ وَ ذِکْرَکَ وَ حُسْنَ عِبَادَتِکَ وَ الرِّضَا بِقَضَائِکَ یَا وَلِیَّ الْمُؤْمِنِینَ وَ اجْعَلْنِی وَ وُلْدِی وَ مَا خَوَّلْتَنِی وَ رَزَقْتَنِی مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِی حِمَاکَ الَّذِی لَا یُسْتَبَاحُ وَ ذِمَّتِکَ الَّتِی لَا تُخْفَرُ وَ جِوَارِکَ الَّذِی لَا یُرَامُ وَ أَمَانِکَ الَّذِی لَا یَنْقُضُ وَ سِتْرِکَ الَّذِی لَا یَهْتِکُ فَإِنَّهُ مَنْ کَانَ فِی حِمَاکَ وَ ذِمَّتِکَ وَ جِوَارِکَ وَ أَمَانِکَ وَ سِتْرِکَ کَانَ آمِناً مَحْفُوظاً وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ.

أَقُولُ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْمَشْهَدِیِّ فِی مَزَارِهِ رُوِیَ عَنْ مَوْلَانَا أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَمَّا أَرَادَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام الْخُرُوجَ إِلَی الْیَمَنِ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَا عَلِیُّ صَلِّ رَکْعَتَیْنِ وَ أَقْبِلْ إِلَیَّ حَتَّی أُعَلِّمَکَ دُعَاءً یَجْمَعُ اللَّهُ بِهِ لَکَ خَیْرَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ قَالَ مَوْلَایَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ فَصَلَّیْتُ وَ أَقْبَلْتُ إِلَیْهِ فَقَالَ لِی علیه السلام قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ وَ سَاقَ الدُّعَاءَ کَمَا مَرَّ وَ زَادَ فِی آخِرِهِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

**[ترجمه]مهج الدعوات: دعایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آموختند زمانی که ایشان را به یمن فرستادند:

«خدایا من به تو روی می‌آورم در حالی که اطمینانی به غیر تو ندارم و نه امیدی که مرا پناه دهد جز به سوی تو و نه توانی که بر آن تکیه کنم و نه تدبیری که به آن پناه بیاورم، جز جستن فضل تو و رویارویی با رحمت تو و آرام گرفتن در کنار بهترین عادت تو و تو داناتری به آنچه از من گذشت در این روی کردنم آگاهی، از آنچه دوست دارم و ناپسند می شمارم و تو قدرتت را بر من قرار دادی و در آن بلای تو پسندیده است، قضای تو روشن است و تو آنچه را خواهی محو یا ثبت نمایی و ام الکتاب در نزد توست.

خداوندا پیمانه‌های بلاها و تاریکی‌های سختی‌ها را از من دور بدار، و جانبی از رحمت خود و پهنای فضل و لطفی از عفوت را بر من بگستران تا اینکه دوست نداشته باشم تعجیل در آنچه که تو به تأخیر انداختی و تأخیر در آنچه که تو جلو انداختی و آن امری پوشیده شده است، از تو می‌خواهم بعد از من در خانواده و فرزندان و نزدیکانم، بهترین آنچه از پس مؤمنانی که حضور ندارند به جای می گذاری، قرار دهی، در حفظ ناموس و پوشاندن زشتی و بخشش معصیت و کفایت هر ناگواری، و شکر و یاد و بندگی نیک و خشنودی به قضای خود را روزی‌ام کن، ای سرپرست مؤمنان.

و من و فرزندان و آنچه به من بخشیدی و روزی دادی از زنان و مردان مؤمن را در حمایت خود قرار دهی، حمایت تو که هتک نمی‌شود و پناه تو که شکسته نمی شود و جوار تو که دست‌نایافتی است و امان تو که شکسته نمی‌شود و پوشش تو که پاره نمی گردد، به راستی که هر کس در حمایت، پناه و جوار و ایمنی و پوشش توست، ایمن و محفوظ است و هیچ نیرو و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمی‌پذیرد.

می گویم: محمد بن مشهدی در کتاب المزار خود نقل کرد: از مولایم امام صادق علیه السلام روایت است فرمودند: زمانی که امیر مؤمنان علیه السلام خواستند به یمن بروند، رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایشان فرمودند: ای علی دو رکعت نماز بگزار و به سوی من بیا تا دعایی به تو آموزم که خداوند خیر دنیا و آخرت را برای تو جمع گرداند، مولایم صلوات الله علیها فرمودند: نماز خواندم و به سوی ایشان رفتم، حضرت علیه السلام به من فرمودند: بگو: «خدایا من به سوی تو روی می‌آورم» و دعا را طبق آنچه ذکر شد، آورد و در پایان آن و صلی الله علی سیدنا محمد و آله نیز افزود .

**[ترجمه]

باب ۱۱۳ أدعیه الخروج من الدار

الأخبار

أقول

و قد أوردت أكثر تلك الأدعيه و الآداب فی كتاب الآداب و السنن و كتاب العشره و غيرهما و لنذكر هنا أيضا نبذا يسيرا منها.

**[ترجمه]بسیاری از این دعاها و آداب را در کتاب الاداب و السنن و کتاب العشره و غیر آن دو، آوردم و در اینجا بخشی اندک از آن را ذکر می کنیم.

**[ترجمه]

«۱»

كِتَابُ زَيْدٍ الزَّرَّادِ، قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَدْ خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ فَوَقَفَ عَلَى عَتَبَهِ بَابِ دَارِهِ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَى السَّمَاءِ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ حَرَّكَ إِصْبَعَهُ السَّبَّابَهَ

ص: ۳۰۴

يُدِيرُهَا وَ يَتَكَلَّمُ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ لَمْ أَسْمَعْهُ فَسَأَلْتُهُ فَقَالَ نَعَمْ يَا زَيْدُ إِذَا أَنْتَ نَظَرْتَ إِلَى السَّمَاءِ فَقُلْ يَا مَنْ جَعَلَ السَّمَاءَ سَقْفاً مَرْفُوعاً يَا مَنْ رَفَعَ السَّمَاءَ بِغَيْرِ عَمَدٍ يَا مَنْ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ يَا مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ يَا مَنْ فِي السَّمَاءِ مُلْكُهُ وَ عَرْشُهُ وَ فِي الْأَرْضِ سُلْطَانُهُ يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى يَا مَنْ هُوَ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ يَا مَنْ زَيَّنَ السَّمَاءَ بِالْمَصَابِيحِ وَ جَعَلَهَا رُجُوماً لِلشَّيَاطِينِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ فِكْرِي فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ افْتَحْ لِيَ الْبَابَ الَّذِي إِلَيْكَ يَصْعَدُ مِنْهُ صَالِحُ عَمَلِي حَتَّى يَكُونَ ذَلِكَ إِلَيْكَ وَاصِلًا وَ قَبِيحَ عَمَلِي فَاغْفِرْهُ وَ اجْعَلْهُ هَبَاءً مَنْثُوراً مُتَلَاشِياً وَ افْتَحْ لِي بَابَ الرَّوْحِ وَ الْفَرَجِ وَ الرَّحْمَهِ وَ انْشُرْ عَلَيَّ بَرَكَاتِكَ وَ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ فَآتِنِي وَ أَغْلِقْ عَنِّي الْبَابَ الَّذِي تُنْزِلُ مِنْهُ نِقْمَتَكَ وَ سَخَطَكَ وَ عَذَابَكَ الْأَدْنَى وَ عَذَابَكَ الْأَكْبَرَ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَى آخِرِ الْآيَهِ ثُمَّ تَقُولُ اللَّهُمَّ عَافِنِي مِنْ شَرِّ ما يَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ مِنْ شَرِّ ما يَعْرُجُ فِيها وَ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ

فِي الْأَرْضِ وَ ما يَخْرُجُ مِنْها وَ مِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقاً يَطْرُقُنِي بِخَيْرٍ اطْرُقْنِي بِرَحْمَهٍ مِنْكَ تَعُمُّنِي وَ تَعُمُّ دَارِي وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ أَهْلَ حُزَانَتِي وَ لَا تَطْرُقْنِي بِبَلَاءٍ يَغُصُّنِي بِرِيقِي وَ يَشْغَلُنِي عَنْ رُقَادِي فَإِنَّ رَحْمَتَكَ سَبَقَتْ غَضَبَكَ وَ عَافِيَتَكَ سَبَقَتْ بَلَاءَكَ وَ تَقْرَأُ حَوْلَ نَفْسِكَ وَ وُلْدِكَ آيَهَ الْكُرْسِيِّ وَ أَنَا ضَامِنٌ لَكَ أَنْ تُعَافَى مِنْ كُلِّ طَارِقِ سَوْءٍ وَ مِنْ كُلِّ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ.

**[ترجمه]کتاب زيد الزراد: نقل كرد: ديدم امام صادق عليه السلام از خانه خويش خارج شدند و بر در خانه ايستادند، پس هنگامى كه به آسمان نگاه كردند سر خود را بالا بردند و انگشت اشاره خويش را مى‌گرداندند و آهسته چيزى گفتند كه نشنيدم، پس از ايشان پرسيدم. فرمودند: بله اى زيد، هرگاه به آسمان نگاه كردى، بگو:

«اى كسى كه آسمان را سقفى برافراشته قرار دادى، اى كه آسمان را بدون هيچ ستونى برافراشتى، اى كه هوا را به آسمان مسدود كردى، اى نازل كننده بركات از آسمان به سوى زمين، اى كسى كه عرش و فرمانروايى او در آسمان است، و پادشاهى‌اش در زمين است، اى كسى كه در تماشاگه برترى، اى كسى كه در افق آشكارى، اى آنكه آسمان را به چراغ‌ها زينت داد و آن را مايه راندن شيطان‌ها قرار داد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و فكر مرا در خلقت آسمان‌ها و زمين و آمد و شد شب و روز قرار ده و مرا از غفلت‌كنندگان قرار مده، و بركاتى از آسمان بر من نازل كن، و آن درى كه عمل صالح من به سوى تو بالا مى‌رود، به سويم بگشا تا آن به تو برسد، و كردار ناپسندم را بيامرز، و آن را ذره‌اى پراكنده، ازبين‌رونده قرار ده، و در آسايش، گشايش و رحمت را به رويم بگشا و بركاتت را بر من بگستران و دو بهره از رحمت خود به من عطا كن و آن درى كه از آن انتقام و خشم و عذاب كوچك و بزرگ خود را نازل مى‌كنى، ببند، به راستى كه در خلقت آسمان‌ها و زمين و آمد و شد شب و روز....» تا آخر آيه.

سپس مى‌گويى: «خدايا مرا عافيت بخش از شر آنچه از آسمان به زمين فرود مى‌آيد، عافيت بخش و از شر آنچه به سوى آن بالا مى‌رود و از شر آنچه در زمين فرو مى‌رود و از آن خارج مى‌شود و از شرّ آنچه در شب و روز وارد مى‌شود، مگر آنكه خير را بر من وارد سازد، رحمتى بر من نازل كن كه مرا و خانه‌ام و خانواده‌ام و فرزندان و خويشاوندانم را در بر بگيرد و بلايى كه مرا گلو گير كند و از خوابيدن باز دارد، نازل مكن. به راستى كه رحمت تو بر خشمت پيشى گرفت و عافيت تو بر بلاى تو سبقت جست».

و اطراف خود و فرزندانت آيه الكرسى را مى‌خوانى و من ضامن تو هستم كه از شر هر آورنده بدى و انواع بلاها در عافيت باشى.

**[ترجمه]

«۲»

كِتَابُ زَيْدٍ الزَّرَّادِ، قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ مِنْ مَنْزِلِهِ فَلْيَتَصَدَّقْ بِصَدَقَهٍ وَ لْيَقُلِ اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي مِنْ تَحْتِ كَنَفِكَ وَ هَبْ لِيَ السَّلَامَهَ فِي وَجْهِي هَذَا ابْتِغَاءَ السَّلَامَهِ وَ الْعَافِيَهِ وَ الْمَغْفِرَهِ وَ صَرْفَ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهُ لِي أَمَاناً فِي وَجْهِي هَذَا وَ حِجَاباً وَ سِتْراً وَ مَانِعاً

وَ حَاجِزاً مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَ مَحْذُورٍ

ص: ۳۰۵

وَ جَمِيعِ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ إِنَّكَ وَهَّابٌ جَوَادٌ مَاجِدٌ كَرِيمٌ فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ وَ قُلْتَهُ لَمْ تَزَلْ فِي ظِلِّ صَدَقَتِكَ مَا نَزَلَ بَلَاءٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَّا وَ دَفَعَهُ عَنْكَ وَ لَا اسْتَقْبَلَكَ بَلَاءٌ فِي وَجْهِكَ إِلَّا وَ صَدَمَهُ عَنْكَ وَ لَا أَرَادَكَ مِنْ هَوَامِّ الْأَرْضِ شَيْ ءٌ مِنْ تَحْتِكَ وَ لَا عَنْ يَمِينِكَ وَ لَا عَنْ يَسَارِكَ إِلَّا وَ قَمَعَتْهُ الصَّدَقَةُ.

**[ترجمه]کتاب زيد الزراد: نقل كرد: از امام صادق عليه السلام شنيدم مى‌فرمودند: هرگاه كسى از شما ز خانه خارج شد، صدقه‌اى بدهد و بگويد: «خدايا مرا در سايه جوار خويش قرار ده و در اين روى كردنم، سلامت و عافيت و آمرزش و برگرداندن بلاها را ببخشاى، خدايا آن را در اين روى كردنم، سبب ايمنى من قرار ده و حجاب و پوشش و مانع و پرده‌اى از هر ناگوارى و ناخوشايندى و تمامى انواع بلاها قرار ده، به راستى كه تو بخشنده سخاوتمند بزرگ كريم هستى.

به راستى، زمانى كه اين كار را كردى و آن را بر زبان آوردى، پيوسته در سايه صدقه خود هستى، هيچ بلايى از آسمان نازل نمى‌شود مگر اينكه آن را از تو دور مى‌كند و هيچ بلايى به تو رو نمى‌كند جز اينكه آن را از تو برمى‌گرداند و هيچ چيز از خزندگان زمين در زير تو و سمت راست و چپ تو، تو را اراده نمى‌كند، مگر اينكه صدقه آن را سركوب مى‌كند .

**[ترجمه]

باب ۱۱۴ في أدعيه السـر المرويه عن النبى صلى الله عليه و آله عن الله تعالى و هى من جمله الأحاديث القدسيه و فيها أدعيه لكثير من المطالب أيضا

الأخبار

«۱»

لد، [بلد الأمين] أَدْعِيَهُ السِّرِّ رِوَايَهً عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عليه السلام عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله سِرٌّ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا قَلِيلٌ قَلَّمَا عُثِرَ(۱) عَلَيْهِ وَ كَانَ يَقُولُ وَ أَنَا أَقُولُ لَعْنَهُ اللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ صَالِحِ خَلْقِهِ عَلَى مُفْشِي سِرِّ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله إِلَى غَيْرِ ثِقَهٍ فَاكْتُمُوا سِرَّ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله يَقُولُ يَا عَلِيُّ إِنِّي وَ اللَّهِ مَا أُحَدِّثُكَ إِلَّا مَا سَمِعَتْهُ أُذُنَايَ وَ وَعَاهُ قَلْبِي وَ نَظَرَهُ بَصَرِي إِنْ لَمْ يَكُنْ مِنَ اللَّهِ فَمِنْ رَسُولِهِ يَعْنِي جَبْرَئِيلَ عليه السلام فَإِيَّاكَ يَا عَلِيُّ أَنْ تُضِيعَ سِرِّي هَذَا فَإِنِّي قَدْ دَعَوْتُ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يُذِيقَ مَنْ أَضَاعَ سِرِّي هَذَا جَرَائِيمَ جَهَنَّمَ اعْلَمْ أَنَّ كَثِيراً مِنَ النَّاسِ وَ إِنْ قَلَّ تَعَبُّدُهُمْ إِذَا عَلِمُوا مَا أَقُولُ لَكَ كَانُوا فِي أَشَدِّ الْعِبَادَهِ وَ أَفْضَلِ الِاجْتِهَادِ وَ لَوْ لَا طُغَاهُ هَذِهِ الْأُمَّهِ لَبَثَثْتُ هَذَا السِّرَّ وَ لَكِنْ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ الدِّينَ إِذاً يَضِيعُ وَ أَحْبَبْتُ أَنْ لَا يَنْتَهِيَ ذَلِكَ إِلَّا إِلَى ثِقَهٍ إِنِّي لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ فَانْتَهَيْتُ إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَهِ فُتِحَ لِي بَصَرِي إِلَى فُرْجَهٍ فِي الْعَرْشِ تَفُورُ كَفَوْرِ(۲)

الْقُدُورِ.

ص: ۳۰۶

۱- ۱. فلما عثر عليه كان خ.

۲- ۲. كما يفور القدر خ ل.

فَلَمَّا أَرَدْتُ الِانْصِرَافَ أَقْعِدْتُ عِنْدَ تِلْکَ الْفُرْجَهِ ثُمَّ نُودِیتُ یَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّکَ یَقْرَأُ عَلَیْکَ السَّلَامَ وَ یَقُولُ أَنْتَ أَکْرَمُ خَلْقِهِ عَلَیْهِ وَ عِنْدَهُ عِلْمٌ قَدْ زَوَاهُ عَنْ جَمِیعِ الْأَنْبِیَاءِ وَ جَمِیعِ أُمَمِهِمْ غَیْرَکَ وَ غَیْرَ أُمَّتِکَ لِمَنْ ارْتَضَیْتَ لِلَّهِ مِنْهُمْ أَنْ یَنْشُرُوهُ لِمَنْ بَعْدَهُمْ لِمَنِ ارْتَضَوْا لِلَّهِ مِنْهُمْ أَنَّهُ لَا یَضُرُّهُمْ بَعْدَ مَا أَقُولُ لَکَ ذَنْبٌ کَانَ قَبْلَهُ وَ لَا مَخَافَهَ مَا یَأْتِی مِنْ بَعْدِهِ وَ لِذَلِکَ أُمِرْتُ بِکِتْمَانِهِ لِئَلَّا یَقُولَ الْعَالِمُونَ حَسْبُنَا هَذَا مِنَ الطَّاعَهِ.

یَا مُحَمَّدُ قُلْ لِمَنْ عَمِلَ کَبِیرَهً مِنْ أُمَّتِکَ فَأَرَادَ مَحْوَهَا وَ الطَّهَارَهَ مِنْهَا فَلْیُطَهِّرْ لِی بَدَنَهُ وَ ثِیَابَهُ ثُمَّ لْیَخْرُجْ إِلَی بَرِّیَّهِ أَرْضِی فَلْیَسْتَقْبِلْ وَجْهِی یَعْنِی الْقِبْلَهَ حَیْثُ لَا یَرَاهُ أَحَدٌ ثُمَّ لْیَرْفَعْ یَدَیْهِ إِلَیَّ فَإِنَّهُ لَیْسَ بَیْنِی وَ بَیْنَهُ حَائِلٌ وَ لْیَقُلْ یَا وَاسِعاً بِحُسْنِ عَائِدَتِهِ وَ یَا مُلَبِّسَنَا(۱) فَضْلَ رَحْمَتِهِ وَ یَا مَهِیباً لِشِدَّهِ سُلْطَانِهِ وَ یَا رَاحِماً بِکُلِّ مَکَانٍ ضَرِیراً أَصَابَهُ الضُّرُّ فَخَرَجَ إِلَیْکَ مُسْتَغِیثاً بِکَ آئِباً إِلَیْکَ هَائِباً لَکَ یَقُولُ عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِی وَ لِمَغْفِرَتِکَ خَرَجْتُ إِلَیْکَ أَسْتَجِیرُ(۲) بِکَ فِی خُرُوجِی مِنَ النَّارِ وَ بِعِزِّ جَلَالِکَ تَجَاوَزْتُ تَجَاوَزْ(۳)

یَا کَرِیمُ وَ بِاسْمِکَ الَّذِی تَسَمَّیْتَ بِهِ وَ جَعَلْتَهُ فِی کُلِّ عَظَمَتِکَ وَ مَعَ کُلِّ قُدْرَتِکَ وَ فِی کُلِّ سُلْطَانِکَ وَ صَیَّرْتَهُ فِی قَبْضَتِکَ وَ نَوَّرْتَهُ بِکِتَابِکَ وَ أَلْبَسْتَهُ وَقَاراً مِنْکَ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ أَطْلُبُ إِلَیْکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَمْحُوَ عَنِّی مَا أَتَیْتُکَ بِهِ (۴)

وَ انْزِعْ بَدَنِی عَنْ مِثْلِهِ فَإِنِّی بِکَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَعْتَصِمُ وَ بِاسْمِکَ الَّذِی فِیهِ تَفْصِیلُ الْأُمُورِ کُلِّهَا مُؤْمِنٌ هَذَا اعْتِرَافِی لَکَ فَلَا تَخْذُلْنِی وَ هَبْ لِی عَافِیَهً وَ أَنْجِنِی (۵)

مِنَ الذَّنْبِ الْعَظِیمِ هَلَکْتُ (۶) فَتَلَافَنِی بِحَقِّ حُقُوقِکَ کُلِّهَا یَا کَرِیمُ فَإِنَّهُ إِنْ لَمْ یُرِدْ بِمَا أَمَرْتُکَ بِهِ غَیْرِی خَلَّصْتُهُ مِنْ کَبِیرَتِهِ تِلْکَ حَتَّی أَغْفِرَهَا

۱- ۱. یا ملبسا خ ل.

۲- ۲. استجرت بک خ ل.

۳- ۳. فتجاوز خ ل.

۴- ۴. أتیت بیدی خ ل.

۵- ۵. نجنی خ ل.

۶- ۶. الذی هلکت فیه خ ل.

لَهُ وَ أَطَهِّرَهُ الْأَبَدَ مِنْهَا لِأَنِّی قَدْ عَلَّمْتُکَ أَسْمَاءً أُجِیبَ بِهَا الدَّاعِی.

یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ کَثُرَتْ ذُنُوبُهُ مِنْ أُمَّتِکَ فِیمَا دُونَ الْکَبَائِرِ حَتَّی یَشْهَرَ بِکَثْرَتِهَا وَ یُمَقَّتَ عَلَی اتِّبَاعِهَا فَلْیَعْتَمِدْنِی عِنْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ أَوْ قَبْلَ أُفُولِ الشَّفَقِ وَ لْیَنْصَبْ وَجْهَهُ إِلَیَّ وَ لْیَقُلْ یَا رَبِّ یَا رَبِّ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ عَبْدُکَ شَدِیدٌ حَیَاؤُهُ مِنْکَ لِتَعَرُّضِهِ (۱) لِرَحْمَتِکَ لِإِصْرَارِهِ عَلَی مَا نَهَیْتَ عَنْهُ مِنَ الذَّنْبِ الْعَظِیمِ یَا عَظِیمُ إِنَّ عَظِیمَ مَا أَتَیْتُ بِهِ لَا یَعْلَمُهُ غَیْرُکَ قَدْ شَمِتَ بِی فِیهِ الْقَرِیبُ وَ الْبَعِیدُ وَ أَسْلَمَنِی فِیهِ الْعَدُوُّ وَ الْحَبِیبُ وَ أَلْقَیْتُ بِیَدِی إِلَیْکَ طَمَعاً لِأَمْرٍ وَاحِدٍ وَ طَمَعِی ذَلِکَ فِی رَحْمَتِکَ فَارْحَمْنِی یَا ذَا الرَّحْمَهِ الْوَاسِعَهِ وَ تَلَافَنِی بِالْمَغْفِرَهِ وَ الْعِصْمَهِ مِنَ الذُّنُوبِ (۲) إِنِّی إِلَیْکَ مُتَضَرِّعٌ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی یُزِیلُ (۳) أَقْدَامَ حَمَلَهِ عَرْشِکَ ذِکْرُهُ وَ تُرْعِدُ لِسَمَاعِهِ أَرْکَانُ الْعَرْشِ إِلَی أَسْفَلِ التُّخُومِ (۴)

إِنِّی أَسْأَلُکَ بِعِزِّ ذَلِکَ الِاسْمِ الَّذِی مَلَأَ کُلَّ شَیْ ءٍ دُونَکَ إِلَّا رَحِمْتَنِی یَا رَبِّ بِاسْتِجَارَتِی إِلَیْکَ بِاسْمِکَ هَذَا یَا عَظِیمُ أَتَیْتُکَ بِکَذَا وَ کَذَا وَ یُسَمِّی الْأَمْرَ الَّذِی أَتَی بِهِ فَاغْفِرْ لِی تَبِعَتَهُ وَ عَافِنِی مِنْ إِشَاعَتِهِ (۵)

بَعْدَ مَقَامِی هَذَا یَا رَحِیمُ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ بَدَّلْتُ ذُنُوبَهُ إِحْسَاناً وَ رَفَعْتُ دُعَاءَهُ مُسْتَجَاباً وَ غَلَبْتُ لَهُ هَوَاهُ یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ کَانَ کَافِراً وَ أَرَادَ التَّوْبَهَ وَ الْإِیمَانَ فَلْیُطَهِّرْ لِی بَدَنَهُ وَ ثِیَابَهُ ثُمَّ لْیَسْتَقْبِلْ قِبْلَتِی وَ لْیَضَعْ حُرَّ جَبِینِهِ لِی بِالسُّجُودِ فَإِنَّهُ لَیْسَ بَیْنِی وَ بَیْنَهُ حَائِلٌ وَ لْیَقُلْ:

یَا مَنْ تَغَشَّی لِبَاسَ النُّورِ السَّاطِعِ الَّذِی اسْتَضَاءَ بِهِ أَهْلُ سَمَاوَاتِهِ وَ أَرْضِهِ وَ یَا مَنْ خَزَنَ رُؤْیَتَهُ عَنْ کُلِّ مَنْ هُوَ دُونَهُ وَ کَذَلِکَ (۶) یَنْبَغِی لِوَجْهِهِ الَّذِی عَنَتْ وُجُوهُ

۱- ۱. و من تعرضه خ ل.

۲- ۲. من الذنب خ ل.

۳- ۳. یزیل خ ل.

۴- ۴. تخوم الأرضین خ ل.

۵- ۵. اتباعه خ ل.

۶- ۶. و لذلک خ ل.

الْمَلَائِکهِ الْمُقَرَّبِینَ لَهُ إِنَّ الَّذِی کُنْتُ لَکَ فِیهِ مِنْ عَظَمَتِکَ جَاحِداً أَشَدُّ(۱) مِنْ کُلِّ نِفَاقٍ فَاغْفِرْ لِی جُحُودِی فَإِنِّی أَتَیْتُکَ تَائِباً وَ هَا أَنَا ذَا أَعْتَرِفُ لَکَ عَلَی نَفْسِی بِالْفِرْیَهِ عَلَیْکَ فَإِذْ أَمْهَلْتَ (۲)

لِی فِی الْکُفْرِ(۳) ثُمَّ خَلَّصْتَنِی مِنْهُ فَطَوَّقْتَنِی حُبَّ الْإِیمَانِ الَّذِی أَطْلُبُهُ مِنْکَ بِحَقِّ مَا لَکَ مِنَ الْأَسْمَاءِ الَّتِی مَنَعْتَ مِنْ دُونِکَ (۴)

عِلْمَهَا لِعِظَمِ شَأْنِهَا وَ شِدَّهِ(۵) جَلَالِهَا وَ بِالاسْمِ الْوَاحِدِ الَّذِی لَا یَبْلُغُ أَحَدٌ صِفَهَ کُنْهِهِ وَ بِحَقِّهَا کُلِّهَا أَجِرْنِی أَنْ أَعُودَ إِلَی الْکُفْرِ بِکَ (۶)

سُبْحَانَکَ لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ غُفْرَانَکَ إِنِّی مِنَ الظَّالِمِینَ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ لَمْ یَرْفَعْ رَأْسَهُ إِلَّا عَنْ رِضًی مِنِّی وَ هَذَا لَهُ قَبُولٌ یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ کَثُرَتْ هُمُومُهُ مِنْ أُمَّتِکَ فَلْیَدْعُنِی سِرّاً وَ لْیَقُلْ یَا جَالِیَ الْأَحْزَانِ وَ یَا مُوَسِّعَ الضِّیقِ وَ یَا أَوْلَی بِخَلْقِهِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ یَا فَاطِرَ تِلْکَ (۷) النُّفُوسِ وَ مُلْهِمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا(۸) نَزَلَ بِی یَا فَارِجَ (۹)

الْهَمِّ هَمٌّ ضِقْتُ بِهِ ذَرْعاً وَ صَدْراً حَتَّی خَشِیتُ أَنْ أَکُونَ غَرَضَ فِتْنَهٍ یَا اللَّهُ وَ بِذِکْرِکَ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ یَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ قَلِّبْ قَلْبِی مِنَ الْهُمُومِ إِلَی الرَّوْحِ وَ الدَّعَهِ وَ لَا تَشْغَلْنِی عَنْ ذِکْرِکَ بِتَرْکِکَ مَا بِی مِنَ الْهُمُومِ إِنِّی إِلَیْکَ مُتَضَرِّعٌ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی لَا یُوصَفُ إِلَّا بِالْمَعْنَی لِکِتْمَانِکَ (۱۰) هُوَ فِی غُیُوبِکَ ذَاتِ النُّورِ اجلُ (۱۱) بِحَقِّهِ أَحْزَانِی وَ اشْرَحْ صَدْرِی بِکُشُوطِ مَا بِی مِنَ الْهَم (۱۲)

۱- ۱. أشر خ ل.

۲- ۲. أمهلتنی خ ل.

۳- ۳. بالکفر خ ل.

۴- ۴. من- بالفتح و الکسر.

۵- ۵. و شهره جلالها خ ل.

۶- ۶. الی الکفور و الریاء و الفجور خ ل.

۷- ۷. تلک الانفس أنفسنا ل خ.

۸- ۸. و التقوی خ ل.

۹- ۹. یا مفرج خ ل.

۱۰- ۱۰. لکتمانه خ ل لکتمانکه خ ل.

۱۱- ۱۱. اجلا خ ل.

۱۲- ۱۲. من الهموم خ ل.

یَا کَرِیمُ.

فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ تَوَلَّیْتُهُ فَجَلَوْتُ هُمُومَهُ فَلَنْ تَعُودَ إِلَیْهِ أَبَداً یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ نَزَلَتْ بِهِ قَارِعَهٌ مِنْ فَقْرٍ فِی دُنْیَاهُ فَأَحَبَّ الْعَافِیَهَ مِنْهَا فَلْیَنْزِلْ بِی فِیهَا وَ لْیَقُلْ یَا مَحَلَّ کُنُوزِ أَهْلِ الْغِنَی وَ یَا مُغْنِیَ أَهْلِ الْفَاقَهِ مِنْ سَعَهِ تِلْکَ الْکُنُوزِ بِالْعَائِدَهِ إِلَیْهِمْ (۱)

وَ النَّظَرِ لَهُمْ یَا اللَّهُ لَا یُسَمَّی غَیْرُکَ إِلَهاً إِنَّمَا الْآلِهَهُ کُلُّهَا مَعْبُودَهٌ دُونَکَ بِالْفِرْیَهِ وَ الْکَذِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ یَا سَادَّ الْفَقْرِ وَ یَا جَابِرَ الْکَسْرِ وَ یَا کَاشِفَ الضُّرِّ وَ یَا عَالِمَ السَّرَائِرِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ارْحَمْ هَرَبِی إِلَیْکَ مِنْ فَقْرِی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْحَالِّ فِی غِنَاکَ الَّذِی لَا یَفْتَقِرُ ذَاکِرُهُ أَبَداً أَنْ تُعِیذَنِی مِنْ لُزُومِ فَقْرٍ أَنْسَی بِهِ الدِّینَ أَوْ بِسُوءِ(۲) غِنًی أُفْتَتَنُ بِهِ عَنِ الطَّاعَهِ بِحَقِّ نُورِ أَسْمَائِکَ کُلِّهَا أَطْلُبُ إِلَیْکَ مِنْ رِزْقِکَ کَفَافاً لِلدُّنْیَا تَعْصِمُ بِهِ الدِّینَ لَا أَجِدُ لِی غَیْرَکَ (۳)

مَقَادِیرُ الْأَرْزَاقِ عِنْدَکَ فَانْفَعْنِی مِنْ قُدْرَتِکَ فِیهَا بِمَا تَنْزِعُ بِهِ مَا نَزَلَ بِی مِنَ الْفَقْرِ یَا غَنِیُّ یَا مُجِیبُ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ نَزَعْتُ الْفَقْرَ مِنْ قَلْبِهِ وَ غَشَّیْتُهُ الْغِنَی وَ جَعَلْتُهُ مِنْ أَهْلِ الْقَنَاعَهِ یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ نَزَلَتْ بِهِ مُصِیبَهٌ فِی نَفْسِهِ أَوْ دِینِهِ أَوْ دُنْیَاهُ أَوْ أَهْلِهِ أَوْ مَالِهِ فَأَحَبَّ فَرَجَهَا فَلْیُنْزِلْهَا بِی وَ لْیَقُلْ یَا مُمْتَنّاً عَلَی أَهْلِ الصَّبْرِ بِتَطْوِیقِکَهُمْ بِالدَّعَهِ الَّتِی أَدْخَلْتَهَا عَلَیْهِمْ بِطَاعَتِکَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِکَ فَدَحَتْنِی (۴)

مُصِیبَهٌ قَدْ فَتَنَتْنِی وَ أَعْیَتْنِی الْمَسَالِکُ لِلْخُرُوجِ (۵)

مِنْهَا وَ اضْطَرَّنِی إِلَیْکَ الطَّمَعُ فِیهَا مَعَ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَکَ فِیهَا فَهَرَبْتُ إِلَیْکَ بِنَفْسِی وَ انْقَطَعْتُ إِلَیْکَ لِضُرِّی وَ رَجَوْتُکَ لِدُعَائِی قَدْ هَلَکْتُ فَأَغِثْنِی وَ اجْبُرْ مُصِیبَتِی بِجَلَاءِ کَرْبِهَا وَ إِدْخَالِکَ الصَّبْرَ عَلَیَّ فِیهَا فَإِنَّکَ إِنْ خَلَّیْتَ بَیْنِی وَ بَیْنَ

۱- ۱. علیهم خ ل.

۲- ۲. بسوط خ ل بسط خ ل.

۳- ۳. لا أحد لی غیرک خ.

۴- ۴. قدحتنی خ ل.

۵- ۵. للروح خ ل.

مَا أَنَا فِيهِ هَلَكْتُ فَلَا صَبْرَ لِی یَا ذَا الِاسْمِ الْجَامِعِ الَّذِی فِیهِ عَظِیمُ الشُّئُونِ کُلِّهَا بِحَقِّکَ وَ أَغِثْنِی بِتَفْرِیجِ مُصِیبَتِی عَنِّی یَا کَرِیمُ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ أَلْهَمْتُهُ الصَّبْرَ وَ طَوَّقْتُهُ الشُّکْرَ وَ فَرَّجْتُ عَنْهُ مُصِیبَتَهُ بِجُبْرَانِهَا یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ خَافَ شَیْئاً دُونِی مِنْ کَیْدِ الْأَعْدَاءِ وَ اللُّصُوصِ فَلْیَقُلْ فِی الْمَکَانِ الَّذِی یَخَافُ فِیهِ یَا آخِذاً بِنَوَاصِی خَلْقِهِ وَ السَّافِعَ بِهَا إِلَی قَدْرِهِ وَ الْمُنْفِذَ فِیهَا حُکْمَهُ وَ خَالِقَهَا وَ جَاعِلَ قَضَائِهِ (۱)

لَهَا غَالِباً وَ کُلُّهُمْ ضَعِیفٌ عِنْدَ غَلَبَتِهِ وَثِقْتُ بِکَ یَا سَیِّدِی عِنْدَ قُوَّتِهِمْ إِنِّی مَکِیدٌ لِضَعْفِی (۲)

وَ لِقُوَّتِکَ (۳) عَلَی مَنْ کَادَنِی تَعَرَّضْتُ لَکَ فَسَلِّمْنِی مِنْهُمْ اللَّهُمَّ فَإِنْ حُلْتَ بَیْنَهُمْ وَ بَیْنِی فَذَلِکَ أَرْجُوهُ مِنْکَ وَ إِنْ أَسْلَمْتَنِی إِلَیْهِمْ غَیَّرُوا مَا بِی مِنْ نِعَمِکَ یَا خَیْرَ الْمُنْعِمِینَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَجْعَلْ تَغْیِیرَ نِعْمَتِکَ عَلَی یَدِ أَحَدٍ سِوَاکَ وَ لَا تُغَیِّرْهَا أَنْتَ بِی فَقَدْ تَرَی الَّذِی یُرَادُ بِی فَحُلْ بَیْنِی وَ بَیْنَ شَرِّهِمْ بِحَقِّ مَا بِهِ تَسْتَجِیبُ الدُّعَاءَ یَا اللَّهُ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ نَصَرْتُهُ عَلَی أَعْدَائِهِ وَ حَفِظْتُهُ یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ

خَافَ شَیْئاً مِمَّا فِی الْأَرْضِ مِنْ سَبُعٍ أَوْ هَامَّةٍ فَلْیَقُلْ فِی الْمَکَانِ الَّذِی یُخَافُ ذَلِکَ فِیهِ یَا ذَارِئَ مَا فِی الْأَرْضِ کُلِّهَا بِعِلْمِهِ بِعِلْمِکَ یَکُونُ مَا یَکُونُ مِمَّا ذَرَأْتَ لَکَ السُّلْطَانُ عَلَی مَا ذَرَأْتَ وَ لَکَ السُّلْطَانُ الْقَاهِرُ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ مِنْ دُونِکَ یَا عَزِیزُ یَا مَنِیعُ إِنِّی أَعُوذُ بِقُدْرَتِکَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ یَضُرُّ مِنْ سَبُعٍ أَوْ هَامَّةٍ أَوْ عَارِضٍ مِنْ سَائِرِ الدَّوَابِّ یَا خَالِقَهَا بِفِطْرَتِهِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ادْرَأْهَا عَنِّی وَ احْجُزْهَا وَ لَا تُسَلِّطْهَا عَلَیَّ وَ عَافِنِی مِنْ شَرِّهَا وَ بَأْسِهَا یَا اللَّهُ ذَا الْعِلْمِ الْعَظِیمِ احْفَظْنِی (۴)

بِحِفْظِکَ

۱- ۱. قضائها خ ل.

۲- ۲. الی ضعفی خ ل.

۳- ۳. و لقدرتک خ ل.

۴- ۴. حطنی خ ل.

مِنْ مَخَاوِفِی یَا رَحِیمُ.

فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ لَمْ تَضُرَّهُ دَوَابُّ الْأَرْضِ الَّتِی تُرَی وَ الَّتِی لَا تُرَی یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ خَافَ مِمَّا فِی الْأَرْضِ جَانّاً أَوْ شَیْطَاناً فَلْیَقُلْ حِینَ یَدْخُلُهُ الرَّوْعُ یَا اللَّهُ الْإِلَهُ الْأَکْبَرُ الْقَاهِرُ بِقُدْرَتِهِ جَمِیعَ عِبَادِهِ وَ الْمُطَاعُ لِعَظَمَتِهِ عِنْدَ کُلِّ خَلِیقَتِهِ وَ الْمُمْضَی مَشِیَّتُهُ لِسَابِقِ قَدَرِهِ (۱) أَنْتَ تَکَلَّأُ مَا خَلَقْتَ بِاللَّیْلِ وَ النَّهَارِ وَ لَا یَمْتَنِعُ مَنْ أَرَدْتَ بِهِ سُوءاً بِشَیْ ءٍ دُونَکَ مِنْ ذَلِکَ السُّوءِ وَ لَا یَحُولُ أَحَدٌ دُونَکَ بَیْنَ أَحَدٍ وَ مَا تُرِیدُ بِهِ مِنَ الْخَیْرِ کُلُّ مَا یُرَی وَ لَا یُرَی فِی قَبْضَتِکَ وَ جَعَلْتَ قَبَائِلَ الْجِنِّ وَ الشَّیَاطِینِ یَرَوْنَنَا وَ لَا نَرَاهُمْ وَ أَنَا لِکَیْدِهِمْ خَائِفٌ (۲) فَآمِنِّی مِنْ شَرِّهِمْ وَ بَأْسِهِمْ بِحَقِّ سُلْطَانِکَ الْعَزِیزِ یَا عَزِیزُ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ لَمْ یَصِلْ إِلَیْهِ مِنَ الْجِنِّ وَ الشَّیَاطِینِ سُوءٌ أَبَداً یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ خَافَ سُلْطَاناً أَوْ أَرَادَ إِلَیْهِ طَلَبَ حَاجَةٍ فَلْیَقُلْ حِینَ یَدْخُلُ عَلَیْهِ یَا مُمَکِّنَ هَذَا مِمَّا فِی یَدَیْهِ وَ مُسَلِّطَهُ عَلَی کُلِّ مَنْ دُونَهُ وَ مُعَرِّضَهُ فِی ذَلِکَ لِامْتِحَانِ دِینِهِ عَلَی کُلِّ مَنْ دُونَهُ إِنَّهُ یَسْطُو بِمَرَحِهِ فِیمَا آتَیْتَهُ مِنَ الْمُلْکِ وَ یَجُورُ فِینَا وَ یَتَجَبَّرُ بِافْتِخَارِهِ (۳)

بِالَّذِی ابْتَلَیْتَهُ بِهِ مِنَ التَّعْظِیمِ عِنْدَ عِبَادِکَ أَسْأَلُکَ أَنْ تَسْلُبَهُ مَا هُوَ فِیهِ أَنْتَ بِقُوَّةٍ لَا امْتِنَاعَ لَهُ مِنْهَا عِنْدَ إِرَادَتِکَ (۴) فِیهَا إِنِّی أَمْتَنِعُ مِنْ شَرِّ هَذَا بِخَیْرِکَ وَ أَعُوذُ مِنْ قُوَّتِهِ بِقُدْرَتِکَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ادْفَعْهُ عَنِّی وَ آمِنِّی مِنْ حِذَارِی مِنْهُ بِحَقِّ وَجْهِکَ وَ عَظَمَتِکَ یَا عَظِیمُ یَا مُحَمَّدُ وَ لْیَقُلْ إِذَا أَرَادَ طَلَبَ حَاجَةٍ إِلَیْهِ یَا مَنْ هُوَ أَوْلَی بِهَذَا مِنْ نَفْسِهِ وَ یَا أَقْرَبَ إِلَیْهِ مِنْ قَلْبِهِ وَ یَا أَعْلَمَ بِهِ مِنْ غَیْرِهِ وَ یَا رَازِقَهُ مِمَّا هُوَ فِی یَدَیْهِ مِمَّا أَحْتَاجُ إِلَیْهِ إِلَیْکَ أَطْلُبُ وَ بِکَ أَتَشَفَّعُ لِنَجَاحِ

۱- ۱. قدرته خ ل.

۲- ۲. صل علی محمّد و آل محمّد و آمنی خ ل.

۳- ۳. فتجازیه بالذی خ ل.

۴- ۴. عند مرادته منها خ ل.

حَاجَتِی فَخُذْ لِی حِینَ أَکَلِّمُهُ بِقَلْبِهِ فَاغْلِبْهُ لِی حَتَّی أَبْتَزَّ مِنْهُ حَوَائِجِی کُلَّهَا بِلَا امْتِنَاعٍ مِنْهُ وَ لَا مَنٍّ وَ لَا رَدٍّ وَ لَا فَظَاظَةٍ یَا حَیّاً فِی غِنًی لَا تَمُوتُ وَ لَا تَبْلَی أَمِتْ قَلْبَهُ عَنْ رَدِّی بِلَا قَضَاءِ الْحَاجَةِ وَ اقْضِ (۱) لِی طَلِبَتِی فِی الَّذِی قِبَلَهُ وَ خُذْهُ لِی فِی ذَلِکَ أَخْذَ عَزِیزٍ مُقْتَدِرٍ

بِحَقِّ قُدْرَتِکَ (۲)

الَّتِی غَلَبْتَ بِهَا الْعَالَمِینَ (۳) فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ قَضَیْتُ حَاجَتَهُ وَ لَوْ کَانَتْ فِی نَفْسِ الْمَطْلُوبِ إِلَیْهِ یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ هَمَّ بِأَمْرَیْنِ فَأَحَبَّ أَنْ أَخْتَارَ أَرْضَاهُمَا إِلَیَّ فَأُلْزِمَهُ إِیَّاهُ فَلْیَقُلْ حِینَ یُرِیدُ ذَلِکَ اللَّهُمَّ اخْتَرْ لِی بِعِلْمِکَ وَ وَفِّقْنِی بِعِلْمِکَ لِرِضَاکَ وَ مَحَبَّتِکَ اللَّهُمَّ اخْتَرْ لِی (۴) بِقُدْرَتِکَ وَ جَنِّبْنِی بِعِزَّتِکَ وَ قُدْرَتِکَ مِنْ مَقْتِکَ وَ سَخَطِکَ اللَّهُمَّ اخْتَرْ لِی فِیمَا أُرِیدُ مِنْ هَذَیْنِ الْأَمْرَیْنِ وَ تُسَمِّیهِمَا أَحَبَّهُمَا إِلَیْکَ وَ أَرْضَاهُمَا لَکَ وَ أَقْرَبَهُمَا مِنْکَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِی زَوَیْتَ بِهَا عِلْمَ الْأَشْیَاءِ عَنْ جَمِیعِ خَلْقِکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْلِبْ (۵)

بَالِی وَ هَوَایَ وَ سَرِیرَتِی وَ عَلَانِیَتِی بِأَخْذِکَ وَ اسْفَعْ بِنَاصِیَتِی إِلَی مَا تَرَاهُ لَکَ رِضًی وَ لِی صَلَاحاً فِیمَا أَسْتَخِیرُکَ فِیهِ حَتَّی تُلْزِمَنِی مِنْ ذَلِکَ أَمْراً أَرْضَی فِیهِ بِحُکْمِکَ وَ أَتَّکِلُ فِیهِ عَلَی قَضَائِکَ وَ أَکْتَفِی فِیهِ بِقُدْرَتِکَ وَ لَا تَقْلِبْنِی (۶)

وَ هَوَایَ لِهَوَاکَ مُخَالِفٌ وَ لَا مَا أُرِیدُ لِمَا تُرِیدُ لِی مُجَانِبٌ اغْلِبْ بِقُدْرَتِکَ الَّتِی تَقْضِی بِهَا مَا أَحْبَبْتَ بِهَوَاکَ هَوَایَ وَ یَسِّرْنِی لِلْیُسْرَی الَّتِی تَرْضَی بِهَا عَنْ صَاحِبِهَا وَ لَا تَخْذُلْنِی بَعْدَ تَفْوِیضِی إِلَیْکَ أَمْرِی بِرَحْمَتِکَ الَّتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْ ءٍ اللَّهُمَّ أَوْقِعْ خِیَرَتَکَ فِی قَلْبِی وَ افْتَحْ قَلْبِی لِلُزُومِهَا یَا کَرِیمُ آمِینَ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ اخْتَرْتُ لَهُ مَنَافِعَهُ فِی الْعَاجِلِ وَ الْآجِلِ.

۱- ۱. و امض خ ل.

۲- ۲. و أنجح طلبتی لدیه بقدرتك علیه خ ل.

۳- ۳. للغالبین خ ل.

۴- ۴. خر لی خ ل.

۵- ۵. و أن تغلبنی خ ل.

۶- ۶. و لا تغلبنی خ ل.

يَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ أَصَابَهُ مَعَارِيضُ بَلَاءٍ مِنْ مَرَضٍ فَلْيَنْزِلْ بِی فِیهِ وَ لْیَقُلْ یَا مُصِحَ (۱) أَبْدَانِ مَلَائِکَتِهِ وَ یَا مُفَرِّغَ تِلْکَ الْأَبْدَانِ لِطَاعَتِهِ وَ یَا خَالِقَ الْآدَمِیِّینَ صَحِیحاً وَ مُبْتَلًى وَ یَا مُعَرِّضَ أَهْلِ السُّقْمِ وَ أَهْلِ الصِّحَّهِ لِلْأَجْرِ وَ الْبَلِیَّهِ وَ یَا مُدَاوِیَ الْمَرْضَى وَ شَافِیَهُمْ وَ یَا مُصِحَّ أَهْلِ السُّقْمِ بِإِلْبَاسِهِمْ عَافِیَتَهُ بِطِبِّهِ وَ یَا مفرج [مُفَرِّجاً] عَنْ أَهْلِ الْبَلَاءِ بَلَایَاهُمْ بِجَلِیلِ (۲) رَحْمَتِهِ قَدْ نَزَلَ بِی مِنَ الْأَمْرِ مَا رَفَضَنِی فِیهِ أَقَارِبِی وَ أَهْلِی وَ الصَّدِیقُ وَ الْبَعِیدُ وَ مَا شَمِتَ بِی فِیهِ أَعْدَائِی حَتَّى صِرْتُ مَذْکُوراً بِبَلَائِی فِی أَفْوَاهِ الْمَخْلُوقِینَ وَ أَعْیَتْنِی أَقَاوِیلُ أَهْلِ الْأَرْضِ لِقِلَّهِ عِلْمِهِمْ بِدَوَاءِ دَائِی وَ طِبُّ دَوَائِی فِی عِلْمِکَ عِنْدَکَ مُثْبَتٌ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ انْفَعْنِی بِطِبِّکَ فَلَا طَبِیبَ أَرْجَى عِنْدِی مِنْکَ وَ لَا حَمِیمَ أَشَدُّ تَعَطُّفاً مِنْکَ عَلَیَّ قَدْ غَیَّرَتْ بَلِیَّتُکَ نِعَمَکَ عَلَیَّ فَحَوِّلْ ذَلِکَ عَنِّی إِلَى الْفَرَجِ وَ الرَّخَاءِ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ لَمْ أَرْجُهُ مِنْ غَیْرِکَ فَانْفَعْنِی بِطِبِّکَ وَ دَاوِنِی بِدَوَائِکَ یَا رَحِیمُ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ صَرَفْتُ عَنْهُ ضُرَّهُ وَ عَافَیْتُهُ مِنْهُ یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ نَزَلَ بِهِ الْقَحْطُ مِنْ أُمَّتِکَ فَإِنِّی إِنَّمَا أَبْتَلِی بِالْقَحْطِ أَهْلَ الذُّنُوبِ فَلْیَجْأَرُوا إِلَیَّ جَمِیعاً وَ لْیَجْأَرْ إِلَیَّ جَائِرُهُمْ وَ لْیَقُلْ یَا مُعِینَنَا عَلَى دِینِنَا بِإِحْیَائِهِ أَنْفُسَنَا بِالَّذِی نَشَرَ عَلَیْنَا مِنْ رِزْقِهِ نَزَلَ بِنَا أَمْرٌ عَظِیمٌ لَا یَقْدِرُ عَلَى تَفْرِیجِهِ عَنَّا غَیْرُ مُنْزِلِهِ یَا مُنْزِلَهُ عَجَزَ الْعِبَادُ عَنْ فَرَجِهِ فَقَدْ أَشْرَفَتِ الْأَبْدَانُ عَلَى الْهَلَاکِ وَ إِذَا هَلَکَتِ الْأَبْدَانُ هَلَکَ الدِّینُ یَا دَیَّانَ الْعِبَادِ وَ مُدَبِّرَ أُمُورِهِمْ بِتَقْدِیرِ أَرْزَاقِهِمْ لَا تَحُولَنَّ بِشَیْءٍ بَیْنَنَا وَ بَیْنَ رِزْقِکَ وَ هَنِّئْنَا مَا أَصْبَحْنَا فِیهِ مِنْ کَرَامَتِکَ لَکَ مُتَعَرِّضِینَ قَدْ أُصِیبَ مَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ مِنْ خَلْقِکَ بِذُنُوبِنَا(۳) فَارْحَمْنَا بِمَنْ جَعَلْتَهُ أَهْلًا لِذَلِکَ حِینَ تُسْأَلُ بِهِ یَا رَحِیمُ لَا تَحْبِسْ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ مَا فِی السَّمَاءِ وَ انْشُرْ عَلَیْنَا رَحْمَتَکَ وَ ابْسُطْ عَلَیْنَا کَنَفَکَ وَ عُدْ عَلَیْنَا بِقَبُولِکَ وَ عَافِنَا مِنَ الْفِتْنَهِ فِی الدِّینِ وَ الدُّنْیَا وَ شَمَاتَهِ الْقَوْمِ الْکَافِرِینَ یَا ذَا النَّفْعِ وَ الضَّرِّ إِنَّکَ إِنْ أَنْجَیْتَنَا فَبِلَا

۱- ۱. یا مصحح خ ل.

۲- ۲. بتحلیل خ ل.

۳- ۳. فصل علی محمّد و آل محمّد و ارحمنا خ ل.

تَقْدِیمِ مِنَّا لِأَعْمَالٍ حَسَنَهٍ وَ لَکِنْ لِإِتْمَامِ مَا بِنَا مِنَ الرَّحْمَهِ وَ النِّعْمَهِ وَ إِنْ رَدَدْتَنَا فَبِلَا ظُلْمٍ مِنْکَ لَنَا وَ لَکِنْ بِجِنَایَتِنَا فَاعْفُ عَنَّا قَبْلَ انْصِرَافِنَا وَ اقْلِبْنَا بِإِنْجَاحِ الْحَاجَهِ یَا عَظِیمُ فَإِنَّهُ إِنْ لَمْ یُرِدْ مِمَّا أَمَرْتُکَ أَحَداً غَیْرِی حَوَّلْتُ لِأَهْلِ تِلْکَ الْبَلْدَهِ بِالشِّدَّهِ رَخَاءً وَ بِالْخَوْفِ أَمْناً وَ بِالْعُسْرِ یُسْراً وَ ذَلِکَ لِأَنِّی قَدْ عَلَّمْتُکَ دُعَاءً عَظِیماً یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ أَرَادَ الْخُرُوجَ مِنْ أَهْلِهِ لِحَاجَهٍ أَوْ سَفَرٍ فَأَحَبَّ أَنْ أُؤَدِّیَهُ سَالِماً مَعَ قَضَائِی لَهُ الْحَاجَهَ فَلْیَقُلْ حِینَ یَخْرُجُ مِنْ بَیْتِهِ بِسْمِ اللَّهِ مَخْرَجِی وَ بِإِذْنِهِ خَرَجْتُ وَ قَدْ عَلِمَ قَبْلَ أَنْ أَخْرُجَ خُرُوجِی وَ قَدْ أَحْصَی عِلْمُهُ (۱) مَا فِی مَخْرَجِی وَ مَرْجِعِی (۲) تَوَکَّلْتُ عَلَی الْإِلَهِ الْأَکْبَرِ تَوَکُّلَ مُفَوِّضٍ إِلَیْهِ أَمْرَهُ وَ مُسْتَعِینٍ بِهِ عَلَی شُئُونِهِ مُسْتَزِیدٍ مِنْ فَضْلِهِ مُبْرِئٍ نَفْسَهُ مِنْ کُلِّ حَوْلٍ وَ مِنْ کُلِّ قُوَّهٍ إِلَّا بِهِ خُرُوجَ ضَرِیرٍ(۳) خَرَجَ بِضُرِّهِ إِلَی مَنْ یَکْشِفُهُ وَ خُرُوجَ فَقِیرٍ خَرَجَ بِفَقْرِهِ إِلَی مَنْ یَسُدُّهُ وَ خُرُوجَ عَائِلٍ خَرَجَ بِعَیْلَتِهِ إِلَی مَنْ یُغْنِیهَا وَ خُرُوجَ مَنْ رَبُّهُ أَکْبَرُ ثِقَتِهِ وَ أَعْظَمُ رَجَائِهِ وَ أَفْضَلُ أُمْنِیَّتِهِ اللَّهُ ثِقَتِی فِی جَمِیعِ أُمُورِی کُلِّهَا بِهِ فِیهَا جَمِیعاً أَسْتَعِینُ وَ لَا شَیْ ءَ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ فِی عِلْمِهِ أَسْأَلُ اللَّهَ خَیْرَ الْمَخْرَجِ وَ الْمَدْخَلِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ إِلَیْهِ الْمَصِیرُ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ وَجَّهْتُ لَهُ فِی مَدْخَلِهِ وَ مَخْرَجِهِ السُّرُورَ وَ أَدَّیْتُهُ سَالِماً یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ أَرَادَ مِنْ أُمَّتِکَ أَلَّا یَحُولَ بَیْنَ دُعَائِهِ وَ بَیْنِی حَائِلٌ وَ أَنْ أُجِیبَهُ لِأَیِّ أَمْرٍ شَاءَ عَظِیماً کَانَ أَوْ صَغِیراً فِی السِّرِّ وَ الْعَلَانِیَهِ إِلَیَّ أَوْ إِلَی غَیْرِی فَلْیَقُلْ آخِرَ دُعَائِهِ:

یَا اللَّهُ الْمَانِعُ بِقُدْرَتِهِ خَلْقَهُ وَ الْمَالِکُ بِهَا سُلْطَانَهُ وَ الْمُتَسَلِّطُ بِمَا فِی یَدَیْهِ (۴) کُلُّ مَرْجُوٍّ دُونَکَ یُخَیِّبُ رَجَاءَ رَاجِیهِ وَ رَاجِیکَ مَسْرُورٌ لَا یَخِیبُ أَسْأَلُکَ بِکُلِّ رِضًی لَکَ مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ أَنْتَ فِیهِ وَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ تُحِبُّ أَنْ تُذْکَرَ بِهِ وَ بِکَ یَا اللَّهُ فَلَیْسَ یَعْدِلُکَ

۱- ۱. بعلمه خ ل.

۲- ۲. رجعتی خ ل.

۳- ۳. ضعیف خ ل.

۴- ۴. و الممسک بها ما فی یدیه خ ل.

شَیْ ءٌ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْ تَحُوطَنِی وَ وَالِدَیَّ وَ وُلْدِی وَ إِخْوَانِی وَ أَخَوَاتِی وَ مَالِی بِحِفْظِکَ وَ أَنْ تَقْضِیَ حَاجَتِی فِی کَذَا وَ کَذَا.

فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ قَضَیْتُ حَاجَتَهُ قَبْلَ أَنْ یَزُولَ مِنْ مَکَانِهِ یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ أَرَادَ طَلَبَ شَیْ ءٍ مِنَ الْخَیْرِ الَّذِی یَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَیَّ وَ أَنْ أَفْتَحَ لَهُ کَائِناً مَا کَانَ فَلْیَقُلْ حِینَ یُرِیدُ ذَلِکَ:

یَا دَالَّنَا عَلَی الْمَنَافِعِ لِأَنْفُسِنَا مِنْ لُزُومِ طَاعَتِهِ وَ یَا هَادِیَنَا لِعِبَادَتِهِ الَّتِی جَعَلَهَا سَبِیلًا إِلَی دَرْکِ رِضَاهُ إِنَّمَا یَفْتَحُ الْخَیْرَ وَلِیُّهُ یَا وَلِیَّ الْخَیْرِ قَدْ أَرَدْتُ مِنْکَ کَذَا وَ کَذَا وَ یُسَمِّی ذَلِکَ الْأَمْرَ وَ لَمْ أَجِدْ إِلَیْهِ بَابَ سَبِیلٍ مَفْتُوحاً وَ لَا نَاهِجَ طَرِیقٍ وَاضِحٍ وَ لَا تَهْیِئَهَ سَبَبٍ تَیَسَّرَ(۱)

أَعْیَتْنِی فِیهِ جَمِیعُ أُمُورِی کُلِّهَا فِی الْمَوَارِدِ وَ الْمَصَادِرِ وَ أَنْتَ وَلِیُّ الْفَتْحِ لِی بِذَلِکَ لِأَنَّکَ دَلَلْتَنِی عَلَیْهِ فَلَا تَحْظُرْهُ عَنِّی وَ لَا تَجْبَهْنِی عَنْهُ بِرَدٍّ فَلَیْسَ یَقْدِرُ عَلَیْهِ أَحَدٌ غَیْرُکَ وَ لَیْسَ عِنْدَ أَحَدٍ إِلَّا عِنْدَکَ أَسْأَلُکَ بِمَفَاتِحِ غُیُوبِکَ کُلِّهَا وَ جَلَالِ عِلْمِکَ کُلِّهِ وَ عَظِیمِ شُئُونِکَ کُلِّهَا إِقْرَارَ عَیْنِی وَ إِفْرَاحَ قَلْبِی وَ تَهْنِیَتَکَ إِیَّایَ بِإِسْبَاغِ نِعَمِکَ عَلَیَّ بِتَیْسِیرِ قَضَاءِ حَوَائِجِی وَ نَسْخِکَهَا فِی حَوَائِجِ مَنْ نَسَخْتَ حَاجَتَهُ مَقْضِیَّهً لَا تُقَلِّبْنِی بِحَقِّکَ عَنِ اعْتِمَادِی لَکَ إِلَّا بِهَا فَإِنَّکَ أَنْتَ الْفَتَّاحُ بِالْخَیْرَاتِ (۲)

وَ أَنْتَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ فَیَا فَتَّاحُ یَا مُدَبِّرُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ هَیِّئْ لِی تَیْسِیرَ سَبَبِهَا وَ سَهِّلْ عَلَیَّ بَابَ طَرِیقِهَا وَ افْتَحْ لِی مِنْ غِنَاکَ بَابَ مَدْخَلِهَا(۳) وَ لْیَنْفَعْنِی جَارِی (۴) بِکَ فِیهَا یَا رَحِیمُ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ فَتَحْتُ لَهُ بَابَ الْخَیْرِ بِرِضَایَ عَنْهُ وَ جَعَلْتُهُ لِی وَلِیّاً یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ أَرَادَ مِنْ أُمَّتِکَ أَنْ أُعَافِیَهُ مِنَ الْغِلِّ وَ الْحَسَدِ وَ الرِّیَاءِ وَ الْفُجُورِ فَلْیَقُلْ حِینَ یَسْمَعُ تَأْذِینَ السَّحَرِ:

یَا مُطْفِئَ الْأَنْوَارِ بِنُورِهِ وَ یَا مَانِعَ الْأَبْصَارِ مِنْ رُؤْیَتِهِ وَ یَا مُحَیِّرَ الْقُلُوبِ

ص: ۳۱۶

۱- ۱. یسیر خ ل.

۲- ۲. ذو الخیرات خ ل.

۳- ۳. مدخل بابها خ ل.

۴- ۴. استغاثتی خ ل.

فِی شَأْنِهِ إِنَّکَ طَاهِرٌ مُطَهِّرٌ یَطْهُرُ بِطُهْرِکَ (۱) مَنْ طَهَّرْتَهُ بِهَا وَ لَیسَ مِنْ دُونِکَ أَحَدٌ أَحْوَجَ إِلَی تَطْهِیرِکَ إِیَّاهُ مِنِّی لِدِینِی وَ بَدَنِی وَ قَلْبِی فَأَیَّهُ حَالٍ کُنْتُ فِیهَا مُجَانِباً لَکَ فِی الطَّاعَهِ وَ الْهَوَی (۲) فَأَلْزِمْنِی وَ إِنْ کَرِهْتُ حُبَّ طَاعَتِکَ بِحَقِّ مَحَلِّ جَلَالِکَ مِنْکَ حَتَّی أَنَالَ فَضِیلَهَ الطُّهْرَهِ مِنْکَ لِجَمِیعِ شُئُونِی رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ مَا طَهُرَ مِنْ طُهْرَتِکَ عَلَی یَدَنِی طُهْرَهَ خَیْرٍ حَتَّی تُطَهِّرَ بِهِ مِنِّی مَا أُکِنُّ فِی صَدْرِی وَ أُخْفِیهِ فِی نَفْسِی وَ اجْعَلْنِی عَلَی ذَلِکَ أَحْبَبْتُ أَمْ کَرِهْتُ وَ اجْعَلْ مَحَبَّتِی تَابِعَهً لِمَحَبَّتِکَ وَ اشْغَلْنِی بِنَفْسِی عَنْ کُلِّ مَنْ دُونَکَ شُغُلًا یَدُومُ فِیهِ الْعَمَلُ بِطَاعَتِکَ وَ اشْغَلْ غَیْرِی عَنِّی لِلْمُعَافَاهِ مِنْ نَفْسِی وَ مِنْ جَمِیعِ الْمَخْلُوقِینَ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ أَلْزَمْتُهُ حُبَّ أَوْلِیَائِی وَ بُغْضَ أَعْدَائِی وَ کَفَیْتُهُ کُلَّ الَّذِی أَکْفِی عِبَادِیَ الصَّالِحِینَ یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ کَانَتْ لَهُ حَاجَهٌ سِرّاً بَالِغَهً مَا بَلَغَتْ إِلَیَّ أَوْ إِلَی غَیْرِی فَلْیَدْعُنِی فِی جَوْفِ اللَّیْلِ خَالِیاً وَ لْیَقُلْ وَ هُوَ عَلَی طُهْرٍ یَا اللَّهُ مَا أَجِدُ أَحَداً إِلَّا وَ أَنْتَ رَجَاؤُهُ وَ مِنْ أَرْجَی خَلْقِکَ لَکَ أَنَا یَا اللَّهُ وَ لَیسَ شَیْ ءٌ مِنْ خَلْقِکَ إِلَّا وَ هُوَ وَاثِقٌ وَ مِنْ أَوْثَقِ خَلْقِکَ بِکَ أَنَا یَا اللَّهُ وَ لَیسَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِکَ إِلَّا وَ هُوَ لَکَ فِی حَاجَتِهِ مُعْتَمِدٌ وَ فِی طَلِبَتِهِ سَائِلٌ وَ مِنْ أَلْحَفِهِمْ سُؤَالًا لَکَ أَنَا وَ مِنْ أَشَدِّهِمْ اعْتِمَاداً لَکَ أَنَا لِأَنِّی أَمْسَیْتُ شَدِیداً ثِقَتِی فِی طَلِبَتِی إِلَیْکَ وَ هِیَ کَذَا وَ کَذَا وَ سَمِّهَا فَإِنَّکَ إِنْ قَضَیْتَهَا قُضِیَتْ وَ إِنْ لَمْ تَقْضِهَا لَمْ تُقْضَ أَبَداً(۳) وَ قَدْ لَزِمَنِی مِنَ الْأَمْرِ مَا لَا بُدَّ لِی مِنْهَا(۴) فَلِذَلِکَ طَلَبْتُ إِلَیْکَ یَا مُنْفِذَ أَحْکَامِهِ بِإِمْضَائِهَا صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ امْضِ قَضَاءَ حَاجَتِی هَذِهِ بِإِثْبَاتِکَهَا فِی غُیُوبِ الْإِجَابَهِ حَتَّی تَقْلِبَنِی بِهَا مُنْجِحاً حَیْثُ کَانَتْ تَغْلِبُ لِی فِیهَا أَهْوَاءُ جَمِیعِ عِبَادِکَ وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِإِمْضَائِهَا وَ تَیْسِیرِهَا(۵) وَ نَجَاحِهَا فَیَسِّرْهَا لِی فَإِنِّی مُضْطَرٌّ إِلَی قَضَائِهَا وَ

۱- ۱. بطهرک تطهر خ ل.

۲- ۲. و الهذی خ ل.

۳- ۳. فلا تقضی خ ل.

۴- ۴. منه خ ل.

۵- ۵. و اکفنی مئونه تردادها خ ل.

قَدْ عَلِمْتَ ذَلِکَ فَاکْشِفْ مَا بِی مِنَ الضُّرِّ بِحَقِّکَ الَّذِی تَقْضِی بِهِ مَا تُرِیدُ.

فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ قَضَیْتُ حَاجَتَهُ قَبْلَ أَنْ یَزُولَ فَلْیُطِبْ بِذَلِکَ نَفْسَهُ یَا مُحَمَّدُ إِنَّ لِی عِلْماً أُبْلِغُ بِهِ مَنْ عَلِمَهُ رِضَایَ مَعَ طَاعَتِی وَ أُغَلِّبُ لَهُ هَوَاهُ إِلَی مَحَبَّتِی فَمَنْ أَرَادَ ذَلِکَ فَلْیَقُلْ یَا مُزِیلَ قُلُوبِ الْمَخْلُوقِینَ عَنْ هَوَاهُمْ إِلَی هَوَاهُ وَ یَا قَاصِراً أَفْئِدَةَ الْعِبَادِ لِإِمْضَاءِ الْقَضَاءِ بِنَفَاذِ الْقَدَرِ(۱) ثَبِّتْ قَلْبِی عَلَی طَاعَتِکَ وَ مَعْرِفَتِکَ وَ رُبُوبِیَّتِکَ وَ أَثْبِتْ فِی قَضَائِکَ وَ قَدَرِکَ الْبَرَکَةَ فِی نَفْسِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی فِی لَوْحِ الْحِفْظِ الْمَحْفُوظِ بِحِفْظِکَ یَا حَفِیظُ الْحَافِظُ حِفْظَهُ احْفَظْنِی بِالْحِفْظِ الَّذِی جَعَلْتَ (۲) مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ مَحْفُوظاً وَ صَیِّرْ شُئُونِی کُلَّهَا بِمَشِیَّتِکَ فِی الطَّاعَةِ لَکَ مِنِّی مُؤَاتِیَةً وَ حَبِّبْ إِلَیَّ حُبَّ مَا تُحِبُّ مِنْ مَحَبَّتِکَ إِلَیَّ فِی الدِّینِ وَ الدُّنْیَا وَ أَحْیِنِی عَلَی ذَلِکَ فِی الدُّنْیَا وَ تَوَفَّنِی عَلَیْهِ وَ اجْعَلْنِی مِنْ أَهْلِهِ عَلَی کُلِّ حَالٍ أَحْبَبْتُ أَمْ کَرِهْتُ یَا رَحِیمُ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ لَمْ أُرِهِ فِی دِینِهِ فِتْنَةً وَ لَمْ أُکَرِّهْ إِلَیْهِ طَاعَتِی وَ مَرْضَاتِی أَبَداً.

یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ أَحَبَّ مِنْ أُمَّتِکَ رَحْمَتِی وَ بَرَکَاتِی وَ رِضْوَانِی وَ تَعَطُّفِی وَ قَبُولِی وَ وَلَایَتِی وَ إِجَابَتِی فَلْیَقُلْ حِینَ تَزُولُ الشَّمْسُ أَوْ یَزُولُ اللَّیْلُ اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَکَ الْحَمْدُ کُلُّهُ جُمْلَتُهُ وَ تَفْصِیلُهُ کَمَا اسْتَحْمَدْتَ بِهِ إِلَی أَهْلِهِ الَّذِینَ خَلَقْتَهُمْ لَهُ اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً کَمَا یَحْمَدُکَ (۳) مَنْ بِالْحَمْدِ رَضِیتَ عَنْهُ لِشُکْرِ مَا بِهِ مِنْ نِعَمِکَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَکَ الْحَمْدُ کَمَا رَضِیتَ بِهِ لِنَفْسِکَ وَ قَضَیْتَ بِهِ عَلَی عِبَادِکَ حَمْداً مَرْغُوباً فِیهِ عِنْدَ أَهْلِ الْخَوْفِ مِنْکَ لِمَهَابَتِکَ وَ مَرْهُوباً عِنْدَ أَهْلِ الْعِزَّةِ بِکَ لِسَطَوَاتِکَ وَ مَشْهُوداً(۴) عِنْدَ أَهْلِ الْإِنْعَامِ مِنْکَ لِإِنْعَامِکَ سُبْحَانَکَ مُتَکَبِّراً فِی مَنْزِلَةٍ تَذَبْذَبَتْ أَبْصَارُ النَّاظِرِینَ وَ تَحَیَّرَتْ عُقُولُهُمْ عَنْ بُلُوغِ عِلْمِ جَلَالِهَا

۱- ۱. اثبت لی من قضائک و قدرک و ازالتک و قصرک عملی و بدنی و اهلی خ ل.

۲- ۲. حفظت خ ل.

۳- ۳. حمدک خ ل.

۴- ۴. مشکورا خ ل.

تَبَارَكْتَ فِی مَنَازِلِکَ الْعُلَی کُلِّهَا وَ تَقَدَّسْتَ فِی الْآلَاءِ الَّتِی أَنْتَ فِيهَا أَهْلُ الْكِبْرِيَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَبِيرُ الْأَكْبَرُ لِلْفَنَاءِ خَلَقْتَنَا وَ أَنْتَ الْكَائِنُ لِلْبَقَاءِ فَلَا تَفْنَى وَ لَا نَبْقَى وَ أَنْتَ الْعَالِمُ بِنَا وَ نَحْنُ أَهْلُ الْعِزَّهِ بِکَ وَ الْغَفْلَهِ عَنْ شَأْنِکَ وَ أَنْتَ الَّذِی لَا تَغْفُلُ بِسِنَهٍ وَ لَا نَوْمٍ بِحَقِّکَ يَا سَيِّدِی أَجِرْنِی مِنْ تَحْوِيلِ مَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ بِهِ فِی الدِّينِ وَ الدُّنْيَا فِی أَيَّامِ الدُّنْيَا يَا كَرِيمُ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ كَفَيْتُهُ كُلَّ الَّذِی أَكْفِی عِبَادِیَ الصَّالِحِينَ الْحَامِدِينَ الشَّاكِرِينَ يَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ أَرَادَ مِنْ أُمَّتِکَ حِفْظِی وَ كِلَاءَتِی وَ مَعُونَتِی فَلْيَقُلْ عِنْدَ صَبَاحِهِ وَ مَسَائِهِ

وَ نَوْمِهِ آمَنْتُ بِرَبِّی وَ هُوَ اللَّهُ الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ(۱) إِلَهُ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ مُنْتَهَى كُلِّ عِلْمٍ وَ وَارِثُهُ وَ رَبُّ كُلِّ رَبٍّ وَ أُشْهِدُ اللَّهَ عَلَى نَفْسِی بِالْعُبُودِيَّهِ وَ الذُّلِّ وَ الصَّغَارِ وَ أَعْتَرِفُ بِحُسْنِ صَنَائِعِ اللَّهِ إِلَيَّ وَ أَبُوءُ عَلَى نَفْسِی بِقِلَّهِ الشُّكْرِ وَ أَسْأَلُ اللَّهَ فِی يَوْمِی هَذَا أَوْ فِی لَيْلَتِی هَذِهِ بِحَقِّ مَا يَرَاهُ لَهُ حَقّاً عَلَى مَا يَرَاهُ مِنِّی لَهُ رِضًى (۲)

وَ إِيمَاناً وَ إِخْلَاصاً وَ رِزْقاً وَاسِعاً وَ يَقِيناً خَالِصاً بِلَا شَکٍّ وَ لَا ارْتِيَابٍ حَسْبِی إِلَهِی مِنْ كُلِّ مَنْ هُوَ دُونَهُ وَ اللَّهُ وَكِيلِی مِنْ كُلِّ مَنْ سِوَاهُ آمَنْتُ بِسِرِّ عِلْمِ اللَّهِ كُلِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ وَ أَعُوذُ بِمَا فِی عِلْمِ اللَّهِ كُلِّهِ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِمَا خَلَقَ اللَّطِيفِ فِيهِ الْمُحْصِی لَهُ الْقَادِرِ عَلَيْهِ ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ جَعَلْتُ لَهُ فِی خَلْقِی جِهَهً وَ عَطَفْتُ عَلَيْهِ قُلُوبَهُمْ وَ جَعَلْتُهُ فِی دِينِهِ مَحْفُوظاً يَا مُحَمَّدُ إِنَّ السِّحْرَ لَمْ يَزَلْ قَدِيماً وَ لَيْسَ يَضُرُّ شَيْئاً إِلَّا بِإِذْنِی فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَهْلِ عَافِيَتِی مِنَ السِّحْرِ فَلْيَقُلْ اللَّهُمَّ رَبَّ مُوسَى وَ خَاصَّهُ بِكَلَامِهِ وَ هَازِمَ مَنْ كَادَهُ بِسِحْرِهِ بِعَصَاهُ وَ

ص: ۳۱۹

۱- ۱. اله كل اله و اله كل شی ء خ ل.

۲- ۲. رضا ايمان و إخلاص و إتقان و ايقان بلا شک خ ل.

مُعِیدَهَا بَعْدَ الْعَوْدِ ثُعْبَاناً وَ مُلَقِّفَهَا إِفْکَ أَهْلِ الْإِفْکِ وَ مُفْسِدَ عَمَلِ السَّاحِرِینَ وَ مُبْطِلَ کَیْدِ أَهْلِ الْفَسَادِ مَنْ کَادَنِی بِسِحْرٍ أَوْ بِضُرٍّ(۱) عَامِداً أَوْ غَیْرَ عَامِدٍ أَعْلَمُهُ أَوْ لَا أَعْلَمُهُ وَ أَخَافُهُ أَوْ لَا أَخَافُهُ فَاقْطَعْ مِنْ أَسْبَابِ السَّمَاوَاتِ عَمَلَهُ حَتَّی تُرْجِعَهُ عَنِّی غَیْرَ نَافِذٍ وَ لَا ضَارٍّ(۲) لِی وَ لَا شَامِتٍ بِی إِنِّی أَدْرَأُ بِعَظَمَتِکَ فِی نُحُورِ الْأَعْدَاءِ فَکُنْ لِی مِنْهُمْ مُدَافِعاً أَحْسَنَ مُدَافَعَةٍ وَ أَتَمَّهَا یَا کَرِیمُ.

فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ لَمْ یَضُرَّهُ سِحْرُ سَاحِرٍ جِنِّیٍّ وَ لَا إِنْسِیٍّ أَبَداً یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ أَرَادَ مِنْ أُمَّتِکَ تَقَبُّلَ الْفَرَائِضِ وَ النَّوَافِلِ مِنْهُ فَلْیَقُلْ خَلْفَ کُلِّ فَرِیضَةٍ أَوْ تَطَوُّعٍ یَا شَارِعاً لِمَلَائِکَتِهِ الدِّینَ الْقَیِّمَ (۳) دِیناً رَاضِیاً بِهِ مِنْهُمْ لِنَفْسِهِ وَ یَا خَالِقاً مَنْ سِوَی الْمَلَائِکَةِ مِنْ خَلْقِهِ لِلِابْتِلَاءِ بِدِینِهِ وَ یَا مُسْتَخِصّاً مِنْ خَلْقِهِ لِدِینِهِ رُسُلًا إِلَی مَنْ دُونَهُمْ وَ یَا مُجَازِیَ أَهْلِ الدِّینِ بِمَا عَمِلُوا فِی الدِّینِ اجْعَلْنِی بِحَقِّ اسْمِکَ الَّذِی کُلُّ شَیْ ءٍ مِنَ الْخَیْرَاتِ مَنْسُوبٌ إِلَیْهِ مِنْ أَهْلِ دِینِکَ الْمُؤْثِرِ بِهِ بِإِلْزَامِکَهُمْ حَقَّهُ (۴)

وَ تَفْرِیغِکَ قُلُوبَهُمْ لِلرَّغْبَةِ فِی أَدَاءِ حَقِّکَ فِیهِ إِلَیْکَ لَا تَجْعَلْ بِحَقِّ اسْمِکَ الَّذِی فِیهِ تَفْصِیلُ الْأُمُورِ کُلِّهَا شَیْئاً سِوَی دِینِکَ عِنْدِی أَبْیَنَ فَضْلًا وَ لَا إِلَیَّ أَشَدَّ تَحَبُّباً وَ لَا بِی لَاصِقاً وَ لَا أَنَا إِلَیْهِ مُنْقَطِعاً وَ اغْلِبْ بَالِی وَ هَوَایَ وَ سَرِیرَتِی وَ عَلَانِیَتِی وَ اسْفَعْ بِنَاصِیَتِی إِلَی کُلِّ مَا تَرَاهُ لَکَ مِنِّی رِضًی مِنْ طَاعَتِکَ فِی الدِّینِ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ تَقَبَّلْتُ مِنْهُ النَّوَافِلَ وَ الْفَرَائِضَ وَ عَصَمْتُهُ فِیهَا مِنَ الْعُجْبِ وَ حَبَّبْتُ إِلَیْهِ طَاعَتِی وَ ذِکْرِی یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ مَلَأَهُ هَمُّ دَیْنٍ مِنْ أُمَّتِکَ فَلْیَنْزِلْ بِی وَ لْیَقُلْ:

یَا مُبْتَلِیَ الْفَرِیقَیْنِ أَهْلِ الْفَقْرِ وَ أَهْلِ الْغِنَی وَ جَازِیَهُمْ بِالصَّبْرِ فِی الَّذِی ابْتَلَیْتَهُمْ بِهِ وَ یَا مُزَیِّنَ حُبِّ الْمَالِ عِنْدَ عِبَادِهِ وَ مُلْهِمَ الْأَنْفُسِ الشُّحَّ وَ السَّخَاءَ وَ یَا فَاطِرَ الْخَلْقِ عَلَی الْفَظَاظَةِ وَ اللِّینِ غَمَّنِی دَیْنُ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَ فَضَحَنِی بِمَنِّهِ عَلَیَّ بِهِ وَ

۱- ۱. بضیر خ ل.

۲- ۲. ضائر خ ل.

۳- ۳. دین القیمه خ ل.

۴- ۴. حبه خ ل.

أَعْيَانِی بَابُ طَلِبَتِهِ إِلَّا مِنْکَ یَا خَیْرَ مَطْلُوبٍ إِلَیْهِ الْحَوَائِجُ یَا مُفَرِّجَ الْأَهَاوِیلِ فَرِّجْ هَمِّی وَ أَهَاوِیلِی فِی الَّذِی لَزِمَنِی مِنْ دَیْنِ فُلَانٍ بِتَیْسِیرِکَهُ لِی مِنْ رِزْقِکَ فَاقْضِهِ یَا قَدِیرُ وَ لَا تُهِنِّی بِتَأَخُّرِ(۱) أَدَائِهِ وَ لَا بِتَضْیِیقِهِ عَلَیَّ وَ یَسِّرْ لِی أَدَاءَهُ فَإِنِّی بِهِ مُسْتَرَقٌّ فَافْکُکْ رِقِّی (۲) مِنْ سَعَتِکَ الَّتِی لَا تَبِیدُ وَ لَا تَغِیضُ أَبَداً فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ صَرَفْتُ عَنْهُ صَاحِبَ الدَّیْنِ وَ أَدَّیْتُهُ إِلَیْهِ عَنْهُ یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ أَصَابَهُ تَرْوِیعٌ فَأَحَبَّ أَنْ أُتِمَّ عَلَیْهِ النِّعْمَةَ وَ أُهَنِّئَهُ الْکَرَامَةَ وَ أَجْعَلَهُ وَجِیهاً عِنْدِی فَلْیَقُلْ:

یَا حَاشِیَ الْعِزِّ قُلُوبَ أَهْلِ التَّقْوَی وَ یَا مُتَوَلِّیَهُمْ بِحُسْنِ سَرَائِرِهِمْ وَ یَا مُؤَمِّنَهُمْ بِحُسْنِ تَعَبُّدِهِمْ أَسْأَلُکَ بِکُلِّ مَا قَدْ أَبْرَمْتَهُ إِحْصَاءً مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ قَدْ أَتْقَنْتَهُ عِلْماً أَنْ تَسْتَجِیبَ لِی بِتَثْبِیتِ قَلْبِی عَلَی الطُّمَأْنِینَهِ وَ الْإِیمَانِ وَ أَنْ تُوَلِّیَنِی مِنْ قَبُولِکَ مَا تُبَلِّغُنِی بِهِ شِدَّهَ الرَّغْبَهِ فِی طَاعَتِکَ حَتَّی لَا أُبَالِیَ أَحَداً سِوَاکَ وَ لَا أَخَافَ شَیْئاً مِنْ دُونِکَ یَا رَحِیمُ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ آمَنْتُهُ مِنْ رَوَائِعِ الْحَدَثَانِ فِی نَفْسِهِ وَ دِینِهِ وَ نِعَمِهِ یَا مُحَمَّدُ قُلْ لِلَّذِینَ یُرِیدُونَ التَّقَرُّبَ إِلَیَّ اعْلَمُوا عِلْمَ یَقِینٍ أَنَّ هَذَا الْکَلَامَ أَفْضَلُ مَا أَنْتُمْ مُتَقَرِّبُونَ بِهِ إِلَیَّ بَعْدَ الْفَرَائِضِ وَ ذَلِکَ أَنْ تَقُولَ اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَمْ یَمَسَّ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِکَ أَنْتَ أَحْسَنُ إِلَیْهِ صَنِیعاً مِنِّی وَ لَا لَهُ أَدْوَمُ کَرَامَهً وَ لَا عَلَیْهِ أَبْیَنُ فَضْلًا وَ لَا بِهِ أَشَدُّ تَرَفُّقاً وَ لَا عَلَیْهِ أَشَدُّ حِیَاطَهً(۳) وَ لَا عَلَیْهِ أَشَدُّ تَعَطُّفاً مِنْکَ عَلَیَّ وَ إِنْ کَانَ جَمِیعُ الْمَخْلُوقِینَ یُعَدِّدُونَ مِنْ ذَلِکَ مِثْلَ تَعْدِیدِی فَاشْهَدْ یَا کَافِیَ الشَّهَادَهِ بِأَنِّی أُشْهِدُکَ بِنِیَّهٍ صِدْقٍ بِأَنَّ لَکَ الْفَضْلَ وَ الطَّوْلَ فِی إِنْعَامِکَ عَلَیَّ وَ قِلَّهِ شُکْرِی لَکَ فِیهَا یَا فَاعِلَ کُلِّ إِرَادَتِهِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ طَوِّقْنِی أَمَاناً مِنْ حُلُولِ السُّخْطِ فِیهِ لِقِلَّهِ الشُّکْرِ وَ أَوْجِبْ لِی زِیَادَهً مِنْ إِتْمَامِ النِّعْمَهِ(۴)

۱- ۱. بتأخیر خ ل.

۲- ۲. رقبتی خ ل و فی بعض النسخ رزقی، و کانه تصحیف.

۳- ۳. حیطه خ ل.

۴- ۴. زیاده النعمه خ ل.

بِسَعَهِ الْمَغْفِرَهِ(۱)

أَنْظِرْنِی خَیْرَکَ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ لَا تُقَایِسْنِی بِسَرِیرَتِی وَ امْتَحِنْ قَلْبِی لِرِضَاکَ وَ اجْعَلْ مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَیْکَ فِی دِینِکَ لَکَ خَالِصاً وَ لَا تَجْعَلْهُ لِلُزُومِ شُبْهَهٍ أَوْ فَخْرٍ أَوْ رِئَاءٍ(۲) أَوْ کِبْرٍ یَا کَرِیمُ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ أَحَبَّهُ أَهْلُ سَمَاوَاتِی وَ سَمَّوْهُ الشَّکُورَ یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ أَرَادَ مِنْ أُمَّتِکَ أَلَّا یَکُونَ لِأَحَدٍ عَلَیْهِ سُلْطَانٌ بِکِفَایَتِی إِیَّاهُ الشُّرُورَ فَلْیَقُلْ یَا قَابِضاً عَلَی الْمُلْکِ لِمَا دُونَهُ وَ مَانِعاً مَنْ دُونَهُ نَیْلَ شَیْ ءٍ مِنْ مُلْکِهِ یَا مُغْنِیَ (۳) أَهْلِ التَّقْوَی بِإِمَاطَتِهِ الْأَذَی فِی جَمِیعِ الْأُمُورِ عَنْهُمْ لَا تَجْعَلْ وَلَایَتِی فِی الدِّینِ وَ الدُّنْیَا إِلَی أَحَدٍ سِوَاکَ وَ اسْفَعْ بِنَوَاصِی أَهْلِ الْخَیْرِ کُلِّهِمْ إِلَیَّ حَتَّی أَنَالَ مِنْ خَیْرِهِمْ خَیْرَهُ وَ کُنْ لِی عَلَیْهِمْ فِی ذَلِکَ مُعِیناً وَ خُذْ لِی بِنَوَاصِی

أَهْلِ الشَّرِّ کُلِّهِمْ (۴) وَ کُنْ لِی مِنْهُمْ فِی ذَلِکَ حَافِظاً وَ عَنِّی مُدَافِعاً وَ لِی مَانِعاً حَتَّی أَکُونَ آمِناً بِأَمَانِکَ لِی بِوَلَایَتِکَ لِی مِنْ شَرِّ مَنْ لَا یُؤْمَنُ شَرُّهُ إِلَّا بِأَمَانَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ لَمْ یَضُرَّهُ کَیْدُ کَائِدٍ أَبَداً یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ أَرَادَ مِنْ أُمَّتِکَ أَنْ تَرْبَحَ تِجَارَتُهُ فَلْیَقُلْ حِینَ یَبْتَدِئُ بِهَا یَا مُرْبِیَ نَفَقَاتِ أَهْلِ التَّقْوَی وَ مُضَاعِفَهَا وَ یَا سَائِقَ الْأَرْزَاقِ سَحّاً إِلَی الْمَخْلُوقِینَ وَ یَا مُفَضِّلَنَا بِالْأَرْزَاقِ بَعْضَنَا عَلَی بَعْضٍ سُقْنِی وَ وَجِّهْنِی فِی تِجَارَتِی هَذِهِ إِلَی وَجْهِ غِنًی عَاصِمٍ شَکُورٍ آخُذُهُ بِحُسْنِ شُکْرٍ لِتَنْفَعَنِی بِهِ وَ تَنْفَعُ بِهِ مِنِّی یَا مُرْبِحَ تِجَارَاتِ الْعَالَمِینَ بِطَاعَتِهِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سُقْ لِی فِی تِجَارَتِی هَذِهِ رِزْقاً تَرْزُقُنِی فِیهِ حُسْنَ الصُّنْعِ فِیمَا ابْتَلَیْتَنِی بِهِ وَ تَمْنَعُنِی فِیهِ (۵) مِنَ الطُّغْیَانِ وَ الْقُنُوطِ یَا خَیْرَ نَاشِرٍ رِزْقَهُ لَا تُشْمِتْ بِی (۶) بِرَدِّکَ عَلَیَّ دُعَائِی بِالْخُسْرَانِ عَدُوّاً لِی وَ أَسْعِدْنِی بِطَلِبَتِی مِنْکَ وَ

۱- ۱. الرحمه خ ل.

۲- ۲. و لا فخر و لا ریاء خ ل.

۳- ۳. یا معین خ ل.

۴- ۴. حتی أعافی من شرهم کلهم خ.

۵- ۵. فی تجارتی هذه ربحا و ارزقنی فیه حسن الصنیع فیما ابتلیتنی و امنعنی فیه ... خ.

۶- ۶. فی المصدر: لا تشمت بی عدوی بردک دعائی بالخسران لی.

بِدُعَائِی إِیَّاکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ (۱) فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ أَرْبَحْتُ تِجَارَتَهُ وَ أَرْبَیْتُهَا لَهُ یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ أَرَادَ مِنْ أُمَّتِکَ الْأَمَانَ مِنْ بَلِیَّتِی وَ الِاسْتِجَابَهَ لِدَعْوَتِهِ فَلْیَقُلْ حِینَ یَسْمَعُ تَأْذِینَ الْمَغْرِبِ یَا مُسَلِّطَ نِقَمِهِ عَلَی أَعْدَائِهِ بِالْخِذْلَانِ لَهُمْ فِی الدُّنْیَا وَ الْعَذَابِ لَهُمْ فِی الْآخِرَهِ وَ یَا مُوَسِّعاً فَضْلَهُ عَلَی أَوْلِیَائِهِ بِعِصْمَتِهِ إِیَّاهُمْ فِی الدُّنْیَا وَ حُسْنِ عَائِدَتِهِ وَ یَا شَدِیدَ النَّکَالِ بِالانْتِقَامِ وَ یَا حَسَنَ الْمُجَازَاهِ بِالثَّوَابِ وَ یَا بَارِئَ خَلْقِ الْجَنَّهِ وَ النَّارِ وَ مُلْزِمَ أَهْلِهِمَا عَمَلَهُمَا وَ الْعَالِمَ بِمَنْ یَصِیرُ إِلَی جَنَّتِهِ وَ نَارِهِ یَا هَادِی یَا مُضِلُّ یَا کَافِی یَا مُعَافِی یَا مُعَاقِبُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اهْدِنِی بِهُدَاکَ وَ عَافِنِی بِمُعَافَاتِکَ مِنْ سُکْنَی جَهَنَّمَ مَعَ الشَّیَاطِینِ وَ ارْحَمْنِی فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِی أَکُنْ (۲) مِنَ الْخَاسِرِینَ وَ أَعِذْنِی مِنَ الْخُسْرَانِ (۳) بِدُخُولِ النَّارِ وَ حِرْمَانِ الْجَنَّهِ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ یَا ذَا الْفَضْلِ الْعَظِیمِ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ تَغَمَّدْتُهُ فِی ذَلِکَ الْمَقَامِ الَّذِی یَقُولُ فِیهِ بِرَحْمَتِی یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ کَانَ غَائِباً فَأَحَبَّ أَنْ أُؤَدِّیَهُ سَالِماً مَعَ قَضَاءِ الْحَاجَهِ فَلْیَقُلْ فِی غُرْبَتِهِ یَا جَامِعاً بَیْنَ أَهْلِ الْجَنَّهِ عَلَی تَأَلُّفٍ مِنَ الْقُلُوبِ وَ شِدَّهِ تَوَاجُدٍ فِی الْمَحَبَّهِ وَ یَا جَامِعاً بَیْنَ طَاعَتِهِ وَ بَیْنَ مَنْ خَلَقَهُ لَهَا وَ یَا مُفَرِّجاً عَنْ کُلِّ مَحْزُونٍ وَ یَا مَوْئِلَ (۴) کُلِّ غَرِیبٍ وَ یَا رَاحِمِی فِی غُرْبَتِی بِحُسْنِ الْحِفْظِ وَ الْکِلَاءَهِ وَ الْمَعُونَهِ لِی وَ یَا مُفَرِّجَ مَا بِی مِنَ الضِّیقِ وَ الْحُزْنِ بِالْجَمْعِ بَیْنِی وَ بَیْنَ أَحِبَّتِی وَ یَا مُؤَلِّفاً بَیْنَ الْأَحِبَّاءِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَفْجَعْنِی بِانْقِطَاعِ أَوْبَهِ(۵) أَهْلِی وَ وَلَدِی عَنِّی وَ لَا

۱- ۱. و صلّی اللّه علی محمّد و آله الطیبین الطاهرین الأخیار، و اسمع دعائی و استجب ندائی انک سمیع الدعاء خ.

۲- ۲. کنت خ ل.

۳- ۳. و من دخول خ ل.

۴- ۴. منهل خ ل.

۵- ۵. رؤیه خ ل.

تَفْجَعْ أَهْلِی بِانْقِطَاعِ أَوْبَتِی (۱) عَنْهُمْ بِکَلِّ مَسَائِلِکَ أَدْعُوکَ فَاسْتَجِبْ لِی فَبِذَلِکَ دُعَائِی إِیَّاکَ فَارْحَمْنِی یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ آنَسْتُهُ فِی غُرْبَتِهِ وَ حَفِظْتُهُ فِی الْأَهْلِ وَ أَدَّیْتُهُ سَالِماً مَعَ قَضَائِی لَهُ الْحَاجَهَ یَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ أَرَادَ مِنْ أُمَّتِکَ أَنْ أَرْفَعَ صَلَاتَهُ مُضَاعَفَهً فَلْیَقُلْ خَلْفَ کُلِّ صَلَاهٍ افْتَرَضْتُ عَلَیْهِ وَ هُوَ رَافِعٌ یَدَیْهِ آخِرَ کُلِّ شَیْ ءٍ یَا مُبْدِئَ الْأَسْرَارِ وَ مُبَیِّنَ الْکِتْمَانِ وَ شَارِعَ الْأَحْکَامِ وَ ذَارِئَ الْأَنْعَامِ وَ خَالِقَ الْأَنَامِ وَ فَارِضَ الطَّاعَهِ وَ مُلْزِمَ الدِّینِ وَ مُوجِبَ التَّعَبُّدِ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ تَزْکِیَهِ کُلِّ صَلَاهٍ زَکَّیْتَهَا وَ بِحَقِّ مَنْ زَکَّیْتَهَا لَهُ وَ بِحَقِّ مَنْ زَکَّیْتَهَا بِهِ أَنْ تَجْعَلَ صَلَاتِی هَذِهِ زَاکِیَهً مُتَقَبَّلَهً بِتَقَبُّلِکَهَا وَ رَفْعِکَهَا وَ تصیرک [تَصْیِیرِکَ] بِهَا دِینِی زَاکِیاً وَ إِلْهَامِکَ قَلْبِی حُسْنَ الْمُحَافَظَهِ عَلَیْهَا حَتَّی تَجْعَلَنِی مِنْ أَهْلِهَا الَّذِینَ ذَکَرْتَهُمْ بِالْخُشُوعِ فِیهَا أَنْتَ وَلِیُّ الْحَمْدِ کُلِّهِ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ کُلُّهُ بِکُلِّ حَمْدٍ أَنْتَ لَهُ وَلِیٌّ وَ أَنْتَ وَلِیُّ التَّوْحِیدِ کُلِّهِ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَکَ التَّوْحِیدُ کُلُّهُ بِکُلِّ تَوْحِیدٍ أَنْتَ لَهُ وَلِیٌّ وَ أَنْتَ وَلِیُّ التَّهْلِیلِ کُلِّهِ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَکَ التَّهْلِیلُ کُلُّهُ بِکُلِّ تَهْلِیلٍ أَنْتَ لَهُ وَلِیٌّ وَ أَنْتَ وَلِیُّ التَّسْبِیحِ کُلِّهِ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَکَ التَّسْبِیحُ کُلُّهُ بِکُلِّ تَسْبِیحٍ أَنْتَ لَهُ وَلِیٌّ وَ أَنْتَ وَلِیُّ التَّکْبِیرِ کُلِّهِ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَکَ التَّکْبِیرُ کُلُّهُ بِکُلِّ تَکْبِیرٍ أَنْتَ لَهُ وَلِیٌّ رَبِّ عُدْ عَلَیَّ فِی صَلَاتِی هَذِهِ بِرَفْعِکَهَا زَاکِیَهً مُتَقَبَّلَهً إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ رَفَعْتُ لَهُ صَلَاتَهُ مُضَاعَفَهً فِی اللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ(۲).

أَقُولُ وَجَدْتُ فِی بَعْضِ کُتُبِ الْإِجَازَاتِ إِسْنَاداً لِأَدْعِیَهِ السِّرِّ وَ هُوَ هَذَا مِنْ خَطِّ السَّیِّدِ نِظَامِ الدِّینِ أَحْمَدَ الشِّیرَازِیِّ الْفَقِیرِ إِلَی اللَّهِ الْغَنِیِّ الْمُغْنِی أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ الْحَسَنِیِّ الْحُسَیْنِیِّ یَرْوِی عَنْ عَمِّهِ وَ مَخْدُومِهِ مَجْدِ الْمِلَّهِ وَ الدِّینِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ وَالِدِهِ وَ مَخْدُومِهِ شَرَفِ الْإِسْلَامِ وَ عِزِّ الْمُسْلِمِینَ إِبْرَاهِیمَ عَنْ شَیْخِ شُیُوخِ

ص: ۳۲۴

۱- ۱. رؤیتی خ ل.

۲- ۲. راجع البلد الأمین ص ۵۰۴- ۵۱۵.

الْمُحَدِّثِينَ صَدْرِ الْحَقِّ وَ الدِّينِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُؤَيَّدِ عَنِ الشَّيْخِ سَدِيدِ الدِّينِ يُوسُفَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُطَهَّرٍ الْحِلِّيِّ عَنِ الشَّيْخِ الْإِمَامِ مُهَذَّبِ الدِّينِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْفَرَجِ النِّيلِيِّ عَنِ الشَّيْخِ الْمُفِيدِ أَبِي عَلِيٍّ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الطُّوسِيِّ عَنِ الشَّيْخِ الْإِمَامِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الطُّوسِيِّ وَ عَنِ الشَّيْخِ الْإِمَامِ صَدْرِ الدِّينِ أَيْضاً عَنِ الْإِمَامِ بَدْرِ الدِّينِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْكَرَمِ عَبْدِ الرَّزَّاقِ بْنِ أَبِي بَكْرِ بْنِ حَيْدَرٍ عَنِ الْقَاضِي فَخْرِ الدِّينِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الْأَبْهَرِيِّ عَنِ السَّيِّدِ الْإِمَامِ ضِيَاءِ الدِّينِ أَبِي الرِّضَا فَضْلِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الرَّاوَنْدِيِّ قَالَ أَخْبَرَنَا السَّيِّدُ الْإِمَامُ أَبُو الصَّمْصَامِ ذُو الْفَقَارِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَعْبَدٍ الْحَسَنِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الطُّوسِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْغَضَائِرِيُّ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلَّعُكْبَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ زَكَرِيَّا الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي صُهَيْبُ بْنُ عَبَّادِ بْنِ صُهَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَبَّادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليهم السلام قَالَ: كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله سِرٌّ فلما [قَلَّمَا] عُثِرَ عَلَيْهِ إِلَى آخِرِ أَدْعِيَهِ السِّرِّ أَقُولُ وَ ذَكَرَ السَّيِّدُ الْأَجَلُّ عَلِيُّ بْنُ طَاوُسٍ فِي كِتَابِ فَتْحِ الْأَبْوَابِ فِي الِاسْتِخَارَاتِ عِنْدَ ذِكْرِ دُعَاءِ الِاسْتِخَارَهِ مِنْ تِلْكَ الْأَدْعِيَهِ سَنَداً آخَرَ حَيْثُ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ شَاذَانَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ يَعْقُوبَ بْنِ يُوسُفَ الْأَصْفَهَانِيُّ فِي جُمَادَى الْأُولَى مِنْ سَنَهِ تِسْعٍ وَ أَرْبَعِينَ وَ ثَلَاثِمِائَهٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ الْأَصْفَهَانِيُّ صَاحِبُ الشَّاذَكُونِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ الثَّقَفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ يُونُسَ الْيَمَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ نُوحٍ الْأَصْبَحِيُّ وَ أَبُو الْخَصِيبِ سُلَيْمَانُ بْنُ عَمْرِو بْنِ نُوحٍ الْأَصْبَحِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ قَالَ قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ الصَّلَاهُ وَ السَّلَامُ: إِنَّهُ كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله سِرٌّ فلما [قَلَّمَا] عُثِرَ إِلَى آخِرِ مَا مَرَّ مِنَ الرِّوَايَهِ ثُمَّ ذَكَرَ الدُّعَاءَ.

ص: ٣٢٥

**[ترجمه]البلد الامین: دعاهای سرّی، روایت است از امام باقر علیه السلام به نقل از امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله رازی داشتند که تعداد کمی از آن باخبر بودند، و به ندرت به آن دست می‌یافتند و می‌فرمودند من می گویم لعنت خدا و فرشتگان او و پیامبران و رسولان او و بندگان صالحش بر کسی که راز رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر شخص غیرمطمئنی افشا کند، راز رسول خدا صلی الله علیه و آله را پنهان دارید، به راستی که من از رسول خدا صلی الله علیه و اله شنیدم، می‌فرمودند: ای علی، به خدا سوگند سخنی به تو نمی گویم مگر آنچه گوش‌هایم شنیده‌اند و قلبم درک کرده است و چشمانم دیده‌اند اگر از خدا نباشد پس از رسول اوست، یعنی جبرئیل علیه السلام پس ای علی بر حذر باش از اینکه این راز مرا برملا کنی، به راستی که من از خداوند متعال خواستم تا هر کس این راز مرا تباه سازد از اصل جهنم بچشاند.

بدان بسیاری از مردم، هرچند عبادتشان کم باشد، اگر بدانند آنچه را به تو می گویم، عبادتشان بسیار می‌شود و تلاششان بیشتر می‌شود، و اگر نبودند سرکشان این امت، این راز را فاش می کردم ولی دانستم که دین تباه می‌شود و دوست داشتم که این راز جز به فرد مطمئنی گفته نشود.

به راستی که من زمانی که به آسمان برده شدم، به آسمان هفتم رسیدم، چشمم به شکافی در عرش گشوده شد که همچون دیگ می‌جوشد.

هنگامی که خواستم بازگردم، کنار آن شکاف نشانده شدم و ندایی آمد ای محمد، پروردگارت بر تو سلام می کند، و می گوید: تو گرامی‌-ترین مخلوقات اویی، و نزد او علمی است که آن را از تمامی پیامبران و امت‌هاشان غیر از تو و امت تو، باز داشت، برای آنان که به خاطر خدا از آنان خشنود گشتی، که آن را برای افراد پس از خود، برملا- کنند، برای آنان که به خاطر خدا از آنان راضی گشتند، پس از آنکه به تو گویم به اینکه آسیبی نرساند به آنها گناه گذشته و نه ترس از آنچه پیش آید. از این رو، به کتمان آن مامور شدم تا عالمان نگویند: این ما را از اطاعت کفایت می کند.

ای محمد به کسی از امتت که گناه کبیره‌ای مرتکب شد و می‌خواهد آن را از بین ببرد و از آن پاکی بجوید، پس بدن و لباسش را برایم پاکیزه سازد سپس به سوی زمین خشکی خارج شود، و به سوی من یعنی قبله رو کند، جایی که کسی او را نبیند سپس دستانش را به سوی من بالا آورد و به راستی که بین من و او هیچ مانعی نیست بگوید:

«ای گستراننده عطای نیکش، ای که فضل رحمت خود را بر ما پوشاند وای هراس‌انگیز به خاطر قدرت بسیارش، ای رحم کننده بر شخص نابینا در هر جایی، او که به سختی افتادهاست پس به سوی تو خارج شد. از تو فریاد و به سوی تو بازمی‌گردد و از تو بیم دارد، می گوید که کردارم ناپسند بود و به خودم ظلم کردم و برا آمرزش تو خارج شدم و در خروج از آتش به تو پناه آوردم و به عزت شکوه تو گذر کردم پس بگذر ای کریم.

و به اسمی که خود را بدان نامیدی و آن را در سراسر عظمت و همراه قدرت خویش و در تمام پادشاهی‌ات قرار دادی و آن را در اختیار خود گردانیدی و به کتاب خود آن را روشن کردی و سنگینی از جانب خود بر آن پوشاندی، ای خدا ای خدا از تو می‌خواهم [بر محمد و خاندان محمد درود فرستی] و آنچه را به سوی تو آوردم، بزدایی و جسمم را از مثل آن برگیری، به راستی که من به تو که خدایی جز تو نیست چنگ می‌زنم و به نام تو که جزئیات همه چیز در آن است ایمان دارم، این اعتراف من به توست پس مرا خوار نکن و عافیت را به من ببخش و مرا از گناه بزرگ نجات بخش، هلاک شدم، پس مرا جبران کن، به حق تمامی حقوقت، ای کریم».

به راستی اگر در آنچه تو را امر کردم، دیگری را وارد نسازد، او را از گناه کبیره‌اش رها می کنم تا اینکه آن را برای او بیامرزم و تا ابد او را از آن پاک سازم، زیرا من به تو اسم‌هایی آموختم که دعا کننده با آنها اجابت می‌شود.

ای محمد، هر کس از امت تو که گناهان غیرکبیره‌اش بسیار شود، به طوری که به فراوانی آنها مشهور شود و از پیروی آن گناهان، ناراحت شود، پس هنگام طلوع فجر، یا قبل از غروب شفق به من اعتماد کند و رویش را به سوی من آرد و بگوید:

«ای پروردگار من ای پروردگار من، فلان فرزنـد فلان از تو بسـیار شـرم می‌کند، چون در معرض رحمت تو قرار گرفت و به سـبب پافشاری بر گنـاه کبیره‌ای که از آن نهی کردی، ای بزرگ، این گنـاه بزرگی که به درگاهت آوردم، جز تو از آن خبر نـدارد، و دور و نزدیک در آن مرا سرزنش کردند، و دوست و دشمن در آن، مرا تسلیم کردند، و دستم را به سوی تو دراز کردم به سبب طمع در یک چیز و آن طمع در رحمت توست، پس بر من رحم کن ای صـاحب رحمت گسترده، و در عوض آن آمرزش و عصـمت از گناهـان را به من ارزانی دار، به راستی که من به سوی تو تضرع می‌کنم.

از تو می‌خواهم به نام تو که یاد آن گام‌های حاملان عرش تو را نرم کند و با شنیدن آن، ارکان عرش تا پایین‌ترین مرزها، به لرزه درمی‌آید.

من از تـو می‌خـواهم به عزت آن اسـمی که هر چیز غیر تـو را پر کرد که بر من رحم کنی ای پروردگـار من که به این نـام تو، به سوی تو پنـاه آوردم، ای بزرگ فلاـن و فلاـن را نزد تو آوردم و آن کـار و حاجتی که آن را آورده است، نام می‌برد – آثار به جای مانـده از این گناه را بر من ببخشای و مرا از پراکنده شدن آن بعد از این جایگاهم، در امان دار ای مهربان».

به راستی بعد از آنکه این را بگوید، گناهانش به نیکی تبدیل می‌شوند و دعایش مستجاب می‌شود و آنچه خواهد همان شود.

ای محمد هر کس کافر باشد و بخواهد توبه کند و ایمان آورد، بدن و لباس را پاکزه کند سـپس به قبله‌ام رو کند و چهره بر سـجده گذارد، به راستی که میان من و او مانعی نیست، پس بگوید:

«ای کسـی که لبـاس نور تابانی می‌پوشـی که اهل آسـمان‌ها و زمین از آن روشـنایی گرفتنـد و ای کسـی که دیـدن او بر هر کس پایین‌تر از او پنهان است و اینچنین شایسـته است برای روی او که روی فرشـتگان مقرب برای آن خاضع گشت، آنچه از عظمت تو که من آن را انکار می... کردم، انکاری سـخت‌تر از هر نفاق، پس کفر مرا بیامرز، به راستی که من برای تو به سوی تو آمدم و من بهدروغ خودم به تو اعتراف می‌کنم، پس آنگـاه کـه در کفر بـه من مهلت دادی سـپس مرا از آن خلاـص کردی، پس محبت ایمـانی که از تـو خواهـانم بر من چیره گردان، به حق اسم‌های خود که علم آن را بر کسانی که پایین‌تر از تواند، منع کردی زیرا دارای مرتبه‌ای والا و شکوه بسیارند و بر اسم یگانه‌ای که هیچ کس بر عمـق آن راه نیابـد و به حق تمـامی آنهـا، مرا پنـاه ده از اینکه به کفر به تو بـازگردم، منزهی خـدایی جز تو نیست، آمرزش تو را می‌طلبم، به راستی که من از ستمکارانم».

و زمانی که این را بگوید، سرش را بالا نگیرد مگر اینکه از او راضی گردم و این پذیرش اوست.

ای محمد، هر کس غم و اندوهش فراوان گردد، پس مخفیانه مرا بخواند و بگوید:

«ای زداینـده غم‌ها، ای گشاینده تنگی و ای شایسـته‌تر از مخلوقات به خودشان، و ای آفریننده این جان‌ها، ای الهام‌کننده بدی‌ها و تقوا به آنها، ای برطرف کننده اندوه، غمی بر من فرود آمد که سـینه‌ام از آن به تنگ آمد و ناتوان گشـتم، به حدی که ترسیدم هدف فتنه‌ای باشم، ای خدا و به یاد تو دل‌ها آرام می‌گیرد، ای گرداننده دل‌ها [دیدگان] قلب مرا از غم‌ها به آسایش و راحتی، تغییر ده و مرا با قرار دادن در غم ها، از یاد خود مشغول مکن، من به درگاه تو ناله می‌کنم.

از تو می‌خواهم به اسم تو که تنها با معنا وصف می‌شود زیرا تو آن را در نهان‌های نورانی خود پنهان داشتی، به حق، آن اندوه‌های مرا برطرف کن، و سینه‌ام را با زدودن غم‌ها وسعت بخش، ای کریم».

به راستی زمانی که این را بگوید، او را سرپرستی می‌کنم و غصه‌هایش را برطرف می‌کنم پس هرگز به سوی او باز نخواهد گشت.

ای محمد، هر کس در دنیای خود به فقر دچار گردد و عافیت از آن را دوست داشته باشد پس به سبب آن نزد من آید و بگوید:

«ای جایگاه گنج‌های ثروتمندان، و ای بی‌نیازکننده نیازمندان از فراوانی این گنج‌ها، به سبب آنچه به آنها باز می‌گردد و نگاه می‌شود، ای خدا غیر تو خدایی نامیده نمی‌شود، خدایان غیر تو تنها به کذب و دروغ پرستیده می‌شوند، خدایی جز تو نیست ای برطرف‌کننده فقر و ای ترمیم... کننده شکستگی و ای زداینده سختی‌ها و ای دانای نهان‌ها بر محمد و خاندان او درود فرست و بر گریز من از فقرم رحم کن، از تو می‌خواهم به نام تو که در بی‌نیازی‌ات، جای دارد، و یادکننده آن هرگز فقیر نمی گردد، مرا پناه دهی از فقری که به سبب آن دین را فراموش کنم یا ثروت ناخوشایندی که از طاعت تو روی برگردانم، به حق نور تمام نام‌های تو، از رزق تو آن را می‌طلبم که دنیایم را کفاف کند و به واسطه... آن دینم را حفظ کنی، غیر از تو کسی را نمی‌یابم، پیمانه روزی‌ها در نزد توست، از قدرتت در آن مرا به چیزی سودمند گردان که به واسطه... آن، فقر وارد شده بر من را، برگیری ای بی‌نیاز» ای اجابت کننده.

به راستی، زمانی که این را بگوید فقر را از قلب او بردارم و ثروت را به او بپوشانم و او از قناعتگران قرار دهم.

ای محمد کسی که در جان یا دین یا دنیا یا خانواده یا مال خویش دچار مصیبتی شود و دوست دارد که آن را دفع کند، پس آن را نزد من آورد و بگوید: «ای کسی که بر صابران با آرامشی که به واسطه اطاعت خود، وارد می‌کنی، منت می‌نهی، هیچ نیرو و قدرتی جز تو نیست، مصیبتی سنگین بر من وارد شد که مرا به فتنه انداخت و راه‌های خروج از آن بر من سخت شد و طمع آن، مرا درمانده تو کرد، با امیدی نیک که به تو دارم، پس به سوی تو گریختم و به سبب مشکلم به سوی تو بریدم و به واسطه دعایم به تو امید دارم، هلاک گشتم پس به فریادم برس، و مصیبتم را با از بین بردم غم آن و صبر دادن به من در آن جبران کن، به راستی که تو اگر میان آنچه که در آن هستم، رها کنی، هلاک می‌شوم، و شکیبایی ندارم ای صاحب نام جامعی که همه چیز در آن است، به حق خود به فریادم رس با زدودن مصیبتم ای کریم».

به راستی، زمانی که این را بگوید، صبر را به او الهام می‌کنم و او را بر شکر توانا می‌سازم و مصیبتش را از بین می‌برم.

ای محمد، کسی که از چیزی غیر از من از قبیل نیرنگ دشمنان و دزدان می‌ترسد، پس در مکانی که از آن بیم دارد، بگوید:

«ای کسی که اختیار مخلوقات به دست توست، و آنها را به سمت قضا و قدرشان می کشی و حکم خویش را در آن جاری می‌سازی و آن را خلق می‌کند و قضای خود را بر آن غالب می‌کند و تمامی آنها در برابر چیرگی او ناتوانند، ای سرور من، در قدرت آنان به تو اطمینان داشتم، من به سبب ضعف خویش فریفته شدم و به سبب قدرت تو بر کسی که مرا فریفت، به تو روی آوردم، مرا از شر آنان سالم گردان، خدایا اگر میان من و آنها حائل شدی پس آن را از تو امید دارم و اگر مرا تسلیم آنان کنی، نعمت‌های تو را در حق من، تغییر می‌دهند. ای بهترین نعمت‌دهندگان، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و تغییر نعمتت را به دست کسی غیر خود قرار نده، و تو این نعمت‌ها را تغییر مده، و تو می‌بینی آنچه در مورد من خواسته می‌شود پس میان من و شر آنها حائل شو، به حق آنچه دعا بدان مستجاب می گردد ای خدا ای پروردگار جهانیان».

به راستی زمانی که این را بگوید، او را بر دشمنانش یاری می کنم و محفوظ می‌دارم .

ای محمد و هر کس از چیزی در زمین از قبیل درنده یا خزنده‌ای بترسد، پس در مکانی که این ترس را دارد بگوید:

«ای کسی که آنچه در زمین است، به علم خود پدید آوردی، به علم تو می‌شود آنچه آنچه می‌شود از آنچه خلق کردی، بر آنچه خلق کردی، قدرت داری، و تسلطی چیره داری بر آنچه غیر توست، ای شکست‌ناپذیر ای استوار، به راستی که من پناه می‌برم به قدرت تو بر هر چیز از هر چیزی که آسیبی رساند از قبیل درندگان یا خزندگان یا هر موجودی دیگری، ای آفریننده آن ها به فطرت خویش، بر محمد و خاندان محمد درود فرست آن را از من دور کن و مانع آن شو و آن را بر من چیره مگردان و مرا از شر آن عافیت بخش، ای خدا ای صاحب علم عظیم مرا به حفظ خود از هراس‌هایم محفوظ بدار ای مهربان».

به راستی زمانی که این را بگوید، موجودات زمین که دیده می‌شوند یا دیده نمی‌شوند به او آسیب نمی‌رسانند.

ای محمد، هر کس از جن و شیطانی در زمین بترسد زمانی که به هراس افتاد، بگوید:

«ای خدا خدای بزرگ و چیره بر تمامی بندگانش به واسطه قدرتش و او که به سبب بزرگی‌اش نزد مخلوقاتش، اطاعت می‌شود و خواست خود را بر تقدیر پیشینش جاری کرد، تو مراقب آن چیزی هستی که در شب و روز آفریدی، و کسی که بد او را بخواهی نمی‌تواند به چیزی از آن بدی جلوگیری کند، و کسی نمی‌تواند میان تو و چیزی که اراده کنی مانع شود، هرآنچه دیده شود و دیده نشود در اختیار توست، و توقبیله‌های جن و شیاطین را به گونه‌ای قرار دادی که ما را می‌بینند و ما آنها را نمی‌بینیم و من از مکر آنها بیمناکم پس مرا از شر آنان ایمن بدار به حق پادشاهی شکست‌ناپذیرت، ای شکست‌ناپذیر».

به راستی زمانی که این را بگوید، هرگز از سوی جن و شیاطین بدی به او نرسد.

ای محمد هر کس از حاکمی بیم دارد یا می‌خواهد از او حاجتی طلب کند، پس هنگامی که بر او داخل شد، بگوید: «ای فراهم‌کننده آن از آنچه در دست اوست، و ای که آن را بر غیر خود چیره می‌گرداند و آن را در معرض قرار می‌دهد تا دین فرو دست‌تر از خود را بیازماید به راستی که او با خرامانی اش به فرمانروایی که به او عطا کردی،سرکشی می‌کند و در میان ما به ظلم و جور روی می‌آورد و طغیان می‌کند با مباهات ورزیدن به بزرگی نزد بندگانت که او را بدان آزمودی، از تو می‌خواهم آنچه که او در آن است، را بگیری با قدرتی که نتواند هنگام اراده تو بر آن، از آن جلوگیری کند. من با خیر تو از شر او باز می‌دارم و از قدرت او به ایزدی تو پناه می‌آورم [خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست] او را از من دور بدار و مرا از بیم او ایمن بدار به حق روی تو و بزرگی تو ای عظیم».

ای محمد هرگاه از او حاجتی خواهد بگوید:

«ای کسی که به او از خودش شایسته‌تر است، و ای کسی که از قلبش به او نزدیک‌تر است و از دیگران به او داناتر است، ای روزی‌دهنده او از آنچه در دستانش است و من به آن محتاجم، از تو می‌خواهم، و تو را شفیع می‌گردانم تا به حاجتم دست یابم، پس زمانی که با او سخن می... گویم، قلبش را در اختیار من قرار ده، و آن را مغلوب من گردان، تا تمام نیازهای خود را از او بستانم بدون اینکه ممانعت کند و منت نهد یا بازگرداند و درشتی کند، ای زنده بی‌نیازی که نمی‌میری و پیر نمی شوی، قلب او را از اینکه مرا بدون روا کردن حاجتم بازگرداند، بمیران و حاجت مرا از آنچه قبل آن بود، روا ساز، و همچون شکست‌ناپذیر توانمند آن را برای من بستان به حق قدرتت که به واسطه آن بر جهانیان غلبه کردی».

و زمانی که این را بگوید، حاجت او را برآورده می‌سازم هرچند در جان مطلوب باشد.

ای محمد هر کس میان دو کار مشغول است و می‌خواهد آن یکی را انتخاب کند که به رضایت من نزدیک‌تر است پس او را به این ملزم کن که هرگاه خواست بگوید:

«خدایا آن را به علم خود برای من برگزین و به علم خود مرا به رضایت و محبت خویش موفق بدار، خدایا به قدرت خود آن را برایم برگزین وبه عزت خویش [و قدرتت] مرا از خشم و دشمنی خویش دور بدار، خدایا در این دو کاری که دارم - و آن دو را نام می بری- محبوب‌ترین آنها در نزد تو و پسندیده‌ترین آن و نزدیک‌ترین آن به خویش را برای من انتخاب کن، خدا از تو می‌خواهم به قدرتی که به واسطه آن علم اشیاء را از مخلوقاتت بازداشتی، بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و با برگرفتن خویش، ذهن و علاقه و باطن و ظاهر من، غلبه کنی و اختیار مرا در آنچه از تو طلب کردم به سمتی ببر که رضایت تو و صلاح من است و مرا به کار ملزم کنی که به حکم تو راضی گردم و بر قضای تو تکیه کنم، و در آن به قدرت تو اکتفا نمایم، و مرا بر مگردان در حالی که علاقه‌ام بر خلاف میل توست و آنچه می‌خواهم به دور از

چیزی است که تو می‌خواهی به قدرت خود که به واسطه آن آنچه دوست داری حکم می‌کنی، بر علاقه من غلبه کن، و آن آسانی که به واسطه آن از صاحبش راضی می‌شوی، برای من میسّر گردان، و بعد از آنکه کارم را به تو واگذار نمودم، مرا تنها مگذار به رحمتت که همه چیز را فرا گرفت، خدایا خیر خود را در قلب من قرار ده و قلبم را برای پایبندی به آن بگشا، ای کریم اجابت فرما».

و زمانی که این را بگوید، بهره‌های او در دنیا و آخرت را برای او برمی‌گزینم.

ای محمد هر کس در معرض بلاهایی چون بیماری قرار گیرد و سپس آن را به نزد من آورد و بگوید:

«ای کسی که جسم فرشتگان را سالم گردانیدی و این جسم‌ها را برای طاعت خویش به کار گرفتی، ای آنکه انسان‌ها را به صورت سالم و ناسالم، آفریدی و ای آنکه بیماران و تندرستان را در معرض پاداش و بلا قرار می‌دهی، ای درمان‌کننده بیماران و شفادهنده آنان [ای سالم کننده مریضان با پوشاندن لباس عافیت بر آنان] به طبابتش ای کسی که با رحمت شکوهمند خود بلاها را از مصیبت‌زدگان دور می‌کنی، چیزی بر من فرود آمد که به واسطه آن نزدیکان و خانواده و دوست و دور، مرا طرد کردند و دشمنانم زبان به شماتت گشودند به طوری که به واسطه این بلا بر زبان‌های مردم افتادم، و اهل زمین به سبب علم اندکشان از درمان دردم، مرا به ستوه آوردند، در حالی که درمان و داروی من در علم تو و نزد تو ثابت است، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا به طبابت خویش بهره رسان که به هیچ طبیبی جز تو امید ندارم و هیچ دوستی از تو بر من مهربان‌تر نیست، بلای تو نعمت‌هایت را بر من تغییر داد، پس آن را به گشایش و آسایش مبدل ساز، به راستی که اگر چنین نکنی، از غیر تو امید ندارم، پس مرا به درمان خویش سود رسان، و به داوری خود محاکمه فرما ای مهربان».

و به راستی زمانی که چنین گوید، سختی‌اش را از او برگردانم و او را عافیت دهم.

ای محمد، هر کس از امت تو به قحطی دچار شود، و من گناهکاران را به قحطی مبتلا می‌کنم تا همگی به سوی من پناه آورند و ستمگرشان به سوی من پناه جوید، بگوید:

«ای کسی که با زنده داشتن ما به واسطه‌گسترانیدن روزی‌اش بر ما، ما را بر دینمان یاری کرد، امری بزرگ بر ما فرود آمد، که غیر فروآورنده آن کسی نمی‌تواند، آن را بگشاید، ای نازل‌کننده آن، بندگان از گشایش آن درماندند، و جسم‌ها مشرف به هلاکت شدند، هرگاه بدن‌ها هلاک شوند، دین هم از بین می‌رود، ای چیره بر بندگان و تدبیرکننده امورشان با مشخص کردن روزی‌هاشان، هرگز میان ما و روزی... ات مانعی قرار مده و کام ما را به چیزی گوارا کن که در مواجهه با کرامت تو باشد، بندگان غیر گنهکار تو نیز به گناهان ما دچار شدند، پس به کسی که او را شایسته آن قرار دادی، زمانی که به واسطه او درخواست می‌شوی، بر ما رحم کن، ای مهربان، و آنچه در آسمان است از زمینیان منع مکن و رحمتت را بر ما پراکنده ساز و جواب خود را بر ما بگستران، و یا پذیرش خود به سوی ما بازگرد و ما را از فتنه دین و دنیا و شماتت کافران، عافیت ده، ای صاحب سود و زیان، به راستی اگر ما را نجات دهی، به سبب انجام اعمال نیک ما نیست بلکه‌برای کامل کردن رحمت و نعمتی است که به ما بخشیدی، واگر ما را بازگردانی از روی ظلم تو در حق ما نیست بلکه به سبب گناهان ماست، پس قبل از آنکه بازگردیم بر ما ببخش و با روا شدن حاجتمان ما را بازگردان ای بزرگ» .

به راستی اگر در آنچه تو را امر کردم، کسی غیر از مرا اراده نکند، مصیبت مردمان این سرزمین را به آسایش تغییر دهم و ترس آنان را ایمن و سختی‌شان را آسان گردانم و این بدان سبب است که دعایی عظیم به تو آموختم.

ای محمد هر کس برای حاجتی و یا به قصد سفر از خانه خارج شود و بخواهد که او را سالم و به همراه روا ساختن حاجتش برگردانم، هنگامی که از منزل خارج شد بگوید:

«خارج شدنم به نام خداست، و با اذن او بیرون شدم و قبل از آنکه خارج شوم، علم داشت، و علم او از آنچه در خروج و بازگشت من است به

شماره درآورد، بر خدای بزرگ توکل نمود، توکل کسی که کارش را به او واگذار کرد و در امورش از او یاری جست از فضل او طلب فزونی می‌کند و خود را از هر قدرت و نیرویی به جز او پاک می‌گرداند، خارج شد همچون گرفتاری که مشکلش را به نزد کسی می‌برد تا آن را برطرف نماید و همچون نیازمندی که فقر خود را به نزد کسی می‌برد تا آن را بزداید، و همچون ناداری که نیازمندی خود را به نزد کسی می‌برد تا بی‌نیازش مسازد، و بیرون رفتنش همچون کسی است که پروردگاریش بزرگ‌ترین اطمینان و بیشترین امید و برترین آرزوی اوست، خداوند اعتماد من است در تمام یکارها و در تمامی آنها از او یاری می‌طلبم، و چیزی نیست جز آنچه خداوند در علم خویش خداست، از خداوند بهترین خروج و دخول را خواهانم خدایی جز او نیست و بازگشت به سوی اوست».

به راستی زمانی که چنین گوید، دخول و خروج او را همراه با شادی قرار دهم و او را سالم بازگردانم.

ای محمد هر کس از امت تو بخواهد که میان دعای او و من مانعی نباشد، و او را اجابت کنم برای هر کاری که خواست بزرگ یا کوچک در نهان و آشکار، به نزد من یا دیگران، پس در آخر دعای خود بگوید:

«ای خدایی که به قدرت خویش خلق را بازمی‌داری و بدان سلطه خود را مالکی و بر آنچه در دستان توست، چیره‌ای، هر کس غیر تو که به او امید بسته شود، امیدوار را ناامید می‌کند، و امیدوار به تو شادمان است و ناامید نمی‌گردد از تو می خواهم به خشنودی‌ات از تمام چیزهایی که در آنی و به تمام چیزهایی که دوست داری بدان یاد شوی، و به خودت ای خدا، که هیچ چیز برابر تو نیست، بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و مرا و پدر و مادرم و فرزندانم، برادران و خواهرانم و مال را به حفظ خود فرا گیری و حاجتم را در فلان و فلان برآوری».

به راستی زمانی که چنین گوید حاجتش را برآورم قبل از آنکه از جای خود برود.

ای محمد، هر کس به دنبال چیزی باشد که بندگان به واسطه آن به من نزدیکی می‌جویند، و اینکه هر چه بود را به روی او بگشایم، زمانی که آن را خواست، بگوید:

«ای کسی که با پایبند بودن به اطاعتش ما را به بهره‌های خودمان هدایت می‌کند، و ای کسی که ما را به عبادت خویش که آن را راه رضایت خویش قرار داد، راهنمایی کرد، خیر را تنها سرپرست آن می‌گشاید، ای سرپرست خیر از تو فلان و فلان را می‌خواهم- و آن را نام ببرد – و برای رسیدن به آن، دری گشوده و راهی روشن نمی‌یابم، و نه آمادگی که سبب آسانی گردد. از تمام کارهایم در ابتدا و انتهاشان، درمانده‌ام، و تو سرپرست گشودن آن برای من هستی، زیرا تو مرا به آن راه نمایاندی پس آن را از من منع مکن، و ما را از آن باز مگردان، و هیچ کس غیر تو بر آن قادر نیست، و نزد کسی جز تو نیست، از تو به تمام کلیدهای نهانت و شکوه تمامی علمت و بزرگی سراسر کارهایت، می‌خواهم چشمم را روشن کنی، قلبم را شاد گردانی و بر من گوارا کنی با بخشیدن نعمت‌هایت در آسانی برآورده شدن حاجت‌ها و آنها را در حوائج کسی قرار دهی که حاجاتشان برآورده شده است. به حق خود مرا از آنکه به تو تکیه نمودم باز مگردان، مگر با آن حاجت، به راستی که تو گشاینده خیراتی و بر هر چیز توانایی، پس ای گشاینده ای تدبیرکننده بر محمد و خاندان محمد درود فرست و اسباب آن را برایم آسان و راهش را برایم سهل گردان، و از بی‌نیازی خود در ورود آن را بر من بگشا و شایسته است که پناه آوردنم به تو مرا سود رساند، ای مهربان» .

به راستی زمانی که چنین گوید، با رضایت از او، در خیر را به رویش می‌گشایم و او را دوست خود قرار می‌دهم.

ای محمد هر کس از امت تو بخواهد که او را از کینه و حسادت و ریا و فسق عافیت دهم، زمانی که اذان صبح را شنید، بگوید:

«ای خاموش کننده نورها، به روشنایی خود، ای بازدارنده چشم‌ها از دیدن خود، ای سرگردان‌کننده دل‌ها در شأن خود، به راستی که تو پاک و منزهی و هر کس را بدان پاک گردانیدی به پاکی تو پاکیزه گشت، و کسی بیشتر از من محتاج‌تر به اینکه دین، بدن و قلب او را پاک گردانی نیست، و در هر حال که از طاعت و میل تو دور بودم به همراه من مباش، هرچند اگر به اطاعت از تو، چندان میلی ندارم، به حق جلال

و شکوهت، تا اینکه از جانب تو به فضیلت طهارت در تمامی کارهایم دست یابم، پروردگارا [بر محمد و خاندان محمد درود فرست] و طهارتی که بر بدن من نازل کردی، چنان سبب خیر بگردان که به واسطه آن، آنچه در سینه و خویش پنهان می‌دارم، پاک سازم، و مرا بر طبق آن قرار ده خواه دوست داشته باشم و خواه ناپسند دارم، و محبت مرا پیرو محبت خویش بگردان، و مرا از غیر خود مشغول دار، چنان که به عمل به طاعت تو مشغول شوم، و دیگران را از من باز دار تا از دست خود و دیگر مخلوقاتت عافیت یابم».

به راستی که زمانی که چنین گوید، محبت دوستان و کینه دشمنانم را با او همراه سازم، و هر آنچه برای بندگان صالح خویش کفایت کنم برای او نیز کافی سازم.

ای محمد هر کس حاجتی مخفی داشته باشد هر چه که می‌خواهد باشد از من یا از دیگری، پس در دل شب با من خلوت کند و دعا نماید و در حالی که طهارت دارد، بگوید:

«ای خدا کسی را نیافتم جز اینکه تو امید اویی و من از امیدوارترین بندگانت به تو هستم و تمامی بندگانت، اطمینان دارند، و من از مطمئن‌ترین بندگان به تو هستم، و تمامی مخلوقات در حاجتشان به تو تکیه دارند و برای درخواست آن مسألت می‌کنند و من از پراصرارترین آنها در مسألت هستم و از کسانی که بیشترین تکیه بر تو دارند، و من بیشترین اطمینان را در خواسته خود دارم و آن فلان و فلان است - حاجت خود را نام ببر - به راستی که آن را برآوری، روا می شود و اگر برنیاوری هرگز روا نمی شود و از این کار، چیزی ملازم من گشت که از آن چاره‌ای ندارم. از این رو به درگاه تو درخواست نمودم ای جاری سازنده احکام خویش با قطعی کردن آن، بر محمد و خاندان محمد درود فرست با ثبت حاجت من در نهان‌های اجابت، آن را برآورده ساز تا اینکه مرا کامیاب به آن بازگردانی، به طوری که بر خواسته‌های دیگر بندگانت غلبه کند و با قطعی کردن و آسان گردانیدن آن و برآوردن آن بر من منت بنه، و آن را برایم میسّر گردان به راستی که من به برآورده شدن آن درمانده‌ام، و تو از آن آگاهی داشتی، پس سختی مرا بزدای به حق خود که هرچه خواهی، برآوری».

به راستی زمانی که چنین گوید، قبل از آنکه از آنجا رود، حاجتش را برآورم پس باید خود را بدان طیّب بدارد.

ای محمد، من علمی دارم که به واسطه آن، او را به رضایت همراه با عبادت خویش می رسانم و علاقه او را به سمت محبت خودم می‌کشانم، هر کس چنین خواهد، بگوید:

«ای کسی که دل‌های مخلوقات را از علاقه‌شان به محبت خود سوق می‌دهی و ای کوتاه‌کننده دل‌های بندگان برای قطعی کردن قضا با اجرای قدر، قلب مرا بر طاعت و معرفت و پروردگاری‌ات، ثابت بدار و در قضا و قدر خود، برکت در جان و خانواده و مال مرا از لوح حفظ و حفاظت‌شده با نگهداری خود ثبت کن، ای کسی که محفوظ حفاظت‌کننده در حفظ اوست، مرا به آن حفاظتی نگاه دار که هر که را بدان حفظ کردی، محفوظ داشتی. و به خواست خود تمامی کارهایم را در اطاعت از خود موافق قرار ده، و دوست داشتن آنچه دوست داری از محبت خود به من در دنیا و آخرت را محبوب من گردان. و مرا در دنیا بر آن زنده بدار و بر آن بمیران و در هر حال مرا از اهل آن قرار ده،چه دوست داشتم یا بی میل بودم، ای مهربان».

به راستی زمانی که چنین گوید، فتنه‌ای در دینش به او نشان ندهم و هرگز طاعت و رضایت خویش را مورد اکراه او قرار ندهم .

ای محمد هر کس از امت تو، رحمت و برکات و خشنودی و مهربانی و پذیرش و ولایت و اجابت مرا دوست بدارد، هنگام زوال خورشید یا سپری شدنشب بگوید:

«خدایا پروردگار ما، تمامی سپاس و جزئیات آن مخصوص توست، همانگونه که از اهلش طلب حمد کردی کسانی که برای آن آفریدی، خدایا پروردگار ما، تو را سپاس، همانگونه که تو را حمد می‌نمودند کسانی که با سپاس از او راضی شدی، به سبب اینکه نعمت‌های تو را

شکر کرد ، خدایا، پروردگارا، سپاس تو راست، همانگونه که بر خود پسندیدی و آن را بر بندگانت حکم کردی، حمدی که هراسناکان از هیبت تو، بدان می‌گرایند و بیمناکان از قدرت تو، از آن ترس دارند، و در نزد کسانی که از نعمت تو برخوردارند به سبب عطا کردنت آشکار است. منزهی و بزرگمنش در جایگاهی که چشم بینندگان حیران ماند و افکارشان از دسترسی به دانستن شکوه آن سرگردان گشت. در تمام منزلگاه‌های والای خویش، بزرگ گشتی و در نعمت‌هایی که در آن بزرگمنشی، منزه گشتی، خدایی جز تو که بزرگ و بزرگ‌تری وجود ندارد، مارا برای نیستی آفریدی و خود جاودانه‌ای، و نه تو نابود می‌شوی و نه ما می‌مانیم، تو آگاه از ما هستی و ما به واسطه تو عزت یافتیم و از مرتبه تو در غفلت هستیم، تو کسی هستی که با خواب سبک و خوابیدن غافل نشوی، به حق خود ای سرور من، مرا از تغییر نعمت‌هایی که در روزگار دنیا، در دین و دنیا به من عطا کردی، به خود پناه ده ای کریم».

به راستی زمانی که چنین گوید، هر آنچه بر بندگان صالح سپاسگزار و شکرگزار خود کفایت کردم او را نیز کفایت می‌کنم.

ای محمد هر کس از امت تو خواهان حفاظت مراقبت و یاری من است در صبح و شب و به هنگام خواب بگوید:

«به پروردگارم ایمان آوردم و او خدایی است که جز او خدایی نیست، خدای همه چیز و نهایت هر آگاهی و وارث آن و پروردگار هر پرورنده است. خدا را بر بندگی، خواری، حقارت خویش گواه می‌گیرم، و به نیک‌های خدا در حق خویش اعتراف می‌کنم، و به شکر اندک خود اقرار می کنم و در این روز و شب از خدا مسألت می‌کنم به حق آنچه واجب می‌داند بر آنچه از من می‌بیند، رضایت و ایمان و اخلاص و روزی فراوان و یقینی خالص از شک و تردید، خداوند مرا از غیر خود، کفایت می‌کند و خداوند کارگزار من از هر کسی جز اوست، به تمامی علم پنهان و آشکار خدا، ایمان آوردم، و پناه می‌برم به علم خدا از هر بدی و هر شری، پاک است او که داناست به آنچه آفرید و آگاه به آن است، آن را برمی‌شمرد و بر آن تواناست، هرچه خدا خواست، هیچ نیرویی جز خدا نیست، از خداوند طلب آمرزش می‌کنم و بازگشت به سوی اوست».

به راستی زمانی چنین گوید برای او وجهه‌ای در میان خلق قرار دهم، دل‌هاشان را به سوی او متوجه گردانم، و دینش را مصون بدارم.

ای محمد، به راستی که سحر از قدیم بود و به کسی آسیب نرساند، جز با اذن من هر کس دوست دارد از شر جادوگری از کسانی باشد که در عافیت من به سر می‌برند بگوید:

«خدایا ای پروردگار موسی که با سخن گفتن با او، او را ویژه گردانید، و با عصایش هر کس را که به او نیرنگ زد، شکست داد، و بعد از آنکه چوبی بود به ماری تبدیل کرد، دروغ دروغ گویان را فرو خورد، و کار جادوگران را باطل کرد و نیرنگ فاسدان را زائل کرد، هر کس عمداً یا سهواً قصد جادو و یا آسیب زدن به من دارد، آن را بدانم یا ندانم، از آن بترسم یا نترسم، با سبب‌های آسمانی کار او را منقطع گردان، تا او را از من بازگردانی در حالی که ضرری به من نرساند و نفوذ نکرد و مرا سرزنش ننمود و من به عظمت تو سینه دشمنان را دفع می کنم. پس در برابر آنها، بهترین و کامل‌ترین موانع من باش، ای بزرگوار».

به راستی زمانی که چنین گوید جادوی هیچ جادوگری از جن و آدمیان هرگز به او آسیبی نرساند.

ای محمد هر کس از امت تو می‌خواهد واجبات و مستحباتش مورد قبول واقع شوند، پس بعد از هر عمل واجب یا مستحبی بگوید:

«ای کسی که دین استوار را برای فرشتگانش، دینی پسندیده از آنان برای خویش قرار داد، ای کسی که از غیر فرشتگان، کسانی را برای آزمایش به دینش آفرید، ای آنکه برای دین خود از مخلوقات فرستادگانی به سوی آنها فرستاد، ای که دینداران را بدانچه در دین عمل کنند، پاداش دهی، به حق نام خود که تمامی خیرها به آن منتسب می‌شوند، مرا از دینداران خود قرار ده که حق دین را بر آنان ملزم می کنی، و دل‌هاشان را بدین سمت گرایش می دهی تا حق تو را در آن ادا کنند، به حق نام تو که تفصیل همه چیز در آن است، چیزی غیر از دین خود

را در نزد من پرفضیلت‌تر قرار نـده. و دوستی مرا به غیر آن شدیـد مکن و آن را به من متصل مگردان و مرا به سـمت آن بریـده مگردان، و بر خاطر و علاقه و پنهان و پیدای من غلبه کن، و اختیارم به سمت اطاعتت در دین که سبب رضایت تو از من می‌شود، سوق ده».

به راستی زمانی که چنین گفت، واجبات و مستحبات او قبول می‌گردانم و او را از خودپسندی نگاه می‌دارم، و اطاعت و یاد خویش را محبوب او می‌گردانم.

ای محمد هر کس از امت تو که غم قرضی او را آکنده ساخت، پس آن را به نزد من آورد و بگوید:

«ای کسی که دو گروه فقیر و بی‌نیاز را امتحان می‌کنی و آن را به خاطر صبر در آنچه آزمایش کردی، پاداش می‌دهی، ای آنکه محبت مال را نزد بنـدگانش زینت داد، و بخل و سـخاوت را به جان‌ها الهام کرد، ای که مخلوقات را بر سـختی و نرمی آفریـدی، قرض فلان فرزنـد فلان مرا انـدوهگین سـاخت وبـا مّتش بر من، مرا رسوا کرد، و درخواست آن ناتوانم جز از تو، ای بهترین کسـی که حاجات از او خواسـته می‌شود، ای زداینـده ترس‌ها، با فراهم کردن پرداخت آن قرض از طریق روزی خود، این غم و ترس ناشـی از بـدهی را برطرف نمای، و آن را روا ساز. ای توانمند، و با تأخیر در پرداخت آن و با تنگ گرداندن آن بر من، مرا خوار مساز، ادای آن دین را بر من آسان کن، به راستی که من به بردگی کشیده شدم، پس از گشایش خود که هرگز از بین نرود و کاستی نپذیرد مرا آزاد کن».

به راستی زمانی که چنین گوید، بدهکار را از او برگردانم و از طرف او بدهی‌اش را پرداخت نمایم .

ای محمـد هر کس ترسـی در او افتـد و دوسـت بـدارد کـه نعمت را بر او تمـام کنم و به او کرامت بخشم و او را نزد خـویش بـا آبرو گردانم، بگوید:

«ای فزاینده عزت در دل‌های تقواپیشـگان، ای سـرپرست آنها به سبب نیکی باطنشان، ای ایمن‌گرداننده آنان به سبب بندگی نیکشان، از تو می خواهم به تمام آنچه شـمارش آن را نگاه داشتی از هر آنچه علمش را نیکو گرداندی، با اسـتوار کردن قلبم بر آرامش و ایمان، مرا اجابت کنی و با پذیرفتن خود، مرا به اوج رغبت در اطاعت خود برسانی به طوری که به دیگری توجه نکنم و از غیر تو نهراسم ای مهربان».

به راستی هر کس چنین گوید او را از حوادث عجیب در جان و دین و نعمت‌هایش ایمن گردانم.

ای محمد به کسانی که می‌خواهند به من نزدیکی بجویند، بگو: یقیناً بدانید که این سخن بهترین چیزی است که شما بعد از واجبات، می‌توانید بدان نزدیکی بجویی و می گویی:

«خـدایا هیـچ یـک از مخلوقـات نیست که شـام کرده باشـد و تـو در حق او نیکوکردارتر از من ، و کرامتت در حق او پایـدارتر و فضـلت بر او روشن‌تر و مهربـانی‌ات بر او بیشـتر و احـاطه‌ات بر او شدیـدتر و مهرت بر او سـخت تر از من باشـد و اگر تمـامی مخلوقـات، چون من، آن را به شمـاره درآورنـد، پس گواه بـاش ای آنکه شـهادتت کـافی است، من بـا نیت صادقانه تو را گواه می‌گیرم که در عطا کردن نعمت‌های خود بر من، دارای فضل و بخششـی، و سپاسـگزاری من در برابر آن انـدک است، ای به انجام رساننـده هر آنچه اراده کنـد، بر محمـد و خاندان محمد درود فرسـت، و مرا ایمن گردان از اینکه به خـاطر شـکر انـدک من، خشم تـو بر آن وارد شـود، از اتمـام نعمت‌هـای خـود، فراوانی آمرزش را نصیب من گردان، و خیر خود را بهره‌ام کن، و بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا به باطنم مسنج و قلبم را برای خشنودی خود آزمایش کن، و آنچه از دینت که به تو نزدیکی جستم، برایم خالص گردان و آن را همراه با شبهه و یا فخر و یا تکبر قرار مده ای بزرگوار» .

به راستی زمانی که چنین گوید، او را محبوب اهل آسمان‌ها گردانم و او را بسیار سپاسگزار نام می‌نهم.

ای محمد و هر کس از امت تو بخواهد که با کفایت من تسلطی از جانب شروران بر او نباشد، بگوید:

«ای نگهدارنده فرمانروایی بر غیر خود، و ای بازدارنده دیگران از دستیابی به فرمانروایی‌اش، ای بی‌نیازکننده تقوا پیشگان با دور کردن سختی‌ها از آنان در تمامی امور، سرپرستی مرا در دین و دنیا به غیر خود وامگذار، و زمام امور نیکان را به سمت من سوق ده تا از خیر آنان به نیکی‌اش دست یابم، و مرا یاور آنان قرار ده، و زمام امور بد ذاتان را در دست من قرار ده و نگهدار من از شر آنان باش و مدافع و بازدارنده من باش تا به واسطه‌ی نگاهداری و سرپرستی خود از من، از شر کسی که جز به ایمنی تو، نمی‌توان در امان بود، ایمن گردم، ای مهربان‌ترین مهربانان».

به راستی زمانی که چنین گوید، هرگز نیرنگ حیله‌گر به او آسیبی نمی‌رساند.

ای محمد هر کس از امت تو که خواهان منفعت در تجارت خویش است، هنگامی که آن را شروع کرد بگوید:

«ای فزاینده درآمدهای تقواپیشگان که آنها را چندین برابر قرار می دهی، ای سوق‌دهنده روزی‌ها و جاری سازنده آنان به مخلوقات، ای ترجیح‌دهنده برخی از ما بر برخی دیگر در روزی‌ها، مرا در این تجارتم به سمت بی‌نیازی نگاه دارنده و سپاسگزار جهت ده که به نیکی او را سپاس گویم، تا مرا از آن بهره‌مند سازی و به واسطه آن از من سود برسانی، ای که تجارت‌های جهانیان را به طاعت خویش، پرفایده گردانی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست در این تجارت، به من روزی عطا کن تا نیک کرداری را در آنچه مرا بدان مبتلا می کنی، نصیبم گردانی، و به واسطه آن مرا از سرکشی و ناامیدی بازداری، ای بهترین پراکننده روزی، با برگرداندن دعای من با خسارت، دشمن مرا شاد مگردان، و به واسطه اینکه از تو درخواست نمودم و تو را خواندم مرا سعادتمند گردان ای مهربان‌ترین مهربانان».

به راستی زمانی که چنین گوید به تجارت او را سودمند گردانم و بر آن بیافزایم .

ای محمد هر کس از امت تو ایمنی از بلاها و استجابت دعا را خواهد، هنگامی که اذان مغرب را می‌شنود، بگوید:

«ای چیره‌کننده انتقام خویش بر دشمنانش با خواری آنها در دنیا و عذابشان در آخرت، ای گستراننده فضل بر دوستان خویش، با نگاهداری آنها در دنیا و و ای نیکو عطا و ای صاحب عذاب سرسخت با انتقام و ای نیکوپاداش‌دهنده با ثواب، و ای آفریننده اهل بهشت و دوزخ که عملشان را با آنان همراه می‌گرداند، ای دانا به کسانی که بهشت می‌روند یا دوزخ، ای هدایت‌گر ای گمراه کننده ای کفایت‌کننده ای عافیت‌دهنده ای مجازات‌کننده، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و به هدایت خویش مرا راه نمای و به عافیت خویش مرا از اینکه از اهل جهنم و به همراه شیاطین باشم، عافیت بخش، و بر من رحم کن، به راستی اگر بر من رحم نکنی از زیانکارانم، و مرا از زیان به واسطه دخول جهنم و محرومیت از بهشت، پناه ده به حق خدایی که جز تو نیست، ای صاحب فضل بسیار».

به راستی زمانی که چنین گوید، به رحمت خویش او را به مقامی که می‌گفت فرو پوشانم.

ای محمد هر کس غایب باشد و دوست بدارد که او را سالم و به همراه برآورده ساختن حاجت، بازگردانم، پس در غربت خویش بگوید:

«ای جمع‌کننده بهشتیان بر اساس نزدیکی دل‌هاشان و بسیاری شوق در محبت و ای جمع کننده میان طاعت خویش و مخلوقاتش که برای آن آفرید، ای گشاینده از هر اندوهناک، ای پناه دهنده هر غریب، ای رحم‌کننده بر من در غربتم با نگاهداری نیکو و مراقبت و یاری و ای زداینده احساس تنگی و اندوه از من به واسطه جمع کردن میان من و دوستانم، ای پدیدآورنده الفت میان دوستان بر محمد و خاندان محمد درود فرست مرا به جدایی خانواده و فرزندانم دردمند مکن و خانواده‌ام را به عدم بازگشت من مصیبت زده مساز، به تمامی درخواست‌هایت، تو را می‌خوانم مرا اجابت کن، و این دعای من از توست بر من رحم کن، ای مهربان‌ترین مهربانان» .

به راستی زمانی که چنین گوید در غربتش با او انس گیرم و او را در خانواده‌اش حفظ کنم و او را سالم به همراه برآوردن حاجتش بازگردانم.

«ای محمد هر کس از امت من بخواهد نمازش را چند برابر بالا برم، بعد از هر نماز واجبی بگوید، در حالی که دستانش را بسیار بالا می‌برد:

ای آشکارکننده رازها، ای روشن‌گر پنهان، ای قرار دهنده احکام و آفریننده چهارپایان، ای آفرینشگر مردمان، و واجب‌گرداننده اطاعت و الزام کننـده دین و بایسته گرداننده عبادت، از تو می‌خواهم به حق پاکی هر نمازی که طاهر کردی و به حق آنکه نماز را برای او پاک داشتی، و به حق کسـی که به واسطه او نمازم را طیب گرداندی، نمازم را پاک، مورد قبول پذیرش خود و بالا بردن خویش قرار دهی و دینم را به واسطه.. آن پـاک گردانی و بر قلبم محـافظت نیـک از آن الهام فرمایی، تا مرا از اهل آن قرار دهی، کسانی که آنان را به خشوع در نماز یاد کردی، تو سرپرت تمام سپاسـی. خدایی جز تو نیست، سراسـر حمد با تمامی سپاس از آن توست که سرپرست آنی، و تو سرپرست تمام توحیدی، خدایی جز تو نیست و سراسـر توحیـد بـا تمامی توحیـدی که تو سـرپرست آنی، مخصوص توست، و تو سـرپرست تمامی تهلیل هستی، خـدایی جز تو نیست پس سراسـر تهلیـل بـا تمـامی تهلیلی که تو سرپرست آنی، مخصوص توست، و تو سـرپرست تمـامی تسبیحی، و خـدایی جز تو نیست و سراسـر تسبیح با تمام تسبیحی که تو سرپرست آنی، مخصوص توست، و تو سرپرست تمامی تکبیر هستی و خدایی جز تو نیست و سراسر تکبیر به همراه تمـام تکبیری که تو سـرپرست آنی، مخصوص توست، پروردگـارا بـا بالا بردن این نماز من به صورت پاک و مورد قبول آن را بر من بازگردان و به راستی که تو شنونده آگاهی».

به راستی زمانی که چنین گوید، نماز او را چند برابر در لوح محفوظ بالا برم.

می‌گویم: در برخی کتاب‌های الاجازات، سندهایی برای دعاهای پنهانی یافتم که چنین است:

به خط سـید نظام الدین احمد شیرازی فقیر به درگاه خداوند بی‌نیاز بی‌نیازکننده احمد بن حسن بن ابراهیم حسـنی حسـینی، روایت می‌کند از عموی خود و مورد خدمت او، عظمت آیین و دین اسـماعیل از پدرش و مورد خدمتش شـرف اسـلام و عزت مسـلمین از شـیخ شیوخ محدثین صدر حق و دین ابراهیم بن محمد بن موید از شـیخ سدید الدین یوسف بن علی بن مطهر حلّی از شـیخ امام مهذب الدین ابی عبدالله حسین بن فرج نیلی از شیخ مفید أبی علی حسن بن محمد طوسی از شیخ امام ابی جعفر محمد بن حسن بن علی طوسی.

از شـیخ امام صدرالـدین نیز از امام بدرالدین محمد بن أبی کرم عبدالرزاق بن أبی بکر بن حیدر از قاضـی فخر الدین محمد بن خالد أبهری از سید امام ضـیاء الدین أبی رضا فضل الله بن علی راوندی نقل کرد: حدیث گفت برای ما أبو عبدالله بن حسین بن عبیدالله بن ابراهیم غضائری از أبی محمـد هارون بن موسـی تلعکبری نقل کرد: روایت کرد برای ما ابو علی محمد بن همام، نقل کرد: حسن بن زکریا بصـری برای ما روایت کرد: صـهیب بن عباد بن صـهیب از پدرش عباد از ابی عبدالله جعفر بن محمد صادق از پدرش از پدرانش از مولایمان امیر مؤمنان علی بن ابی طـالب علیهم السـلام روایت کرد که فرمودنـد: برای رسـول خـدا صـلی الله علیه و آله رازی بـود پس زمـانی که بر آن دست یافتنـد.... تـا آخر دعاهای سری.

می‌گویم: سـید جلیل علی بن طاووس در کتاب فتح الابواب فی الاسـتخارات به هنگام سـخن از دعای اسـتخاره، سندی دیگر از این دعاها ذکر کرد، و فرمودند: ابو علی حسن بن احمد بن ابراهیم بن شاذان برای مان روایت کرد و گفت: ابو جعفر احمد بن یعقوب بن یوسف اصفهانی در جمادی الاول سال سـیصد و چهل و نه برایمان روایت کرد و گفت: ابو جعفر احمد بن علی اصـفهانی صاحب شاذکونی برایمان روایت کرد و گفت: ابواسـحاق ابراهیم بن محمـد بن سـید ثقفی برایمـان نقـل کرد و گفت: احمـد بن محمـد بن عمر بن یونس یمانی برایمان روایت کرد و گفت: محمـد بن ابراهیم بن نوح اصبحی و ابو خصـیب سلیمان بن عمرو بن نوح أصـبحی برایمان روایت کردنـد و گفت: محمـد بن علی بن حسـین بن علی بن ابی طالب از علی بن حسـین صـلوات الله علیهم نقل کرد: حضـرت علی علیه الصـلاه و السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علهی و آله رازی داشتند، پس زمانی که دست یافت ..... تا آخر آنچه از روایت ذکر شد، سپس دعا را آوردند .

**[ترجمه]

باب ۱۱۵ ما ينبغى أن يدعى به فى زمان الغيبه

الأخبار

أقول

قد أوردنا أكثر أدعيه هذا المعنى فى كتاب الغيبه و لنذكر هنا أيضا شطرا منها.

**[ترجمه]بسیاری از دعاهای این باب را در کتاب الغیبه آوردیم و در اینجا پاره‌ای از آن را ذکر می‌کنیم.

**[ترجمه]

«۱»

ك، [إكمال الدين] الْمُظَفَّرُ الْعَلَوِيُّ عَنِ ابْنِ الْعَيَّاشِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَبْرَئِيلَ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْعَسْكَرِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: سَتُصِيبُكُمْ شُبْهَهٌ فَتَبْقَوْنَ بِلَا عَلَمٍ يُرَى وَ لَا إِمَامٍ هُدًى لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا بِدُعَاءِ الْغَرِيقِ قُلْتُ وَ كَيْفَ دُعَاءُ الْغَرِيقِ قَالَ تَقُولُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ فَقُلْتُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مُقَلِّبُ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ وَ لَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ (۱).

مهج، مهج الدعوات لعل معنى قوله الأبصار لأن تقلب القلوب و الأبصار يكون يوم القيامه من شده أهواله و فى الغيبه إنما يخاف من تقلب القلوب دون الأبصار(۲).

**[ترجمه]إكمال الدين: عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل کرد که فرمودند: شبهه‌ای به شما می‌رسد و شما می‌مانید بدون هیچ علمی که ببیند و امامی که هدایت نماید، و کسی از آن رهایی نمی‌یابد جز اینکه دعای غریق را بخواند، پس عرض کردم: دعای غریق چگونه است؟ فرمودند: می گویی: «ای خدا ای بخشایشگر ای مهربان ای متحول کننده دل‌ها، قلبم را بر دینت استوار گردان» پس گفتم: «ای تغییر دهنده قلب‌ها و چشم‌ها، دلم را بر دینت استوار گردان» پس فرمودند: به راستی که خداوند عزّ و جلّ تغییردهنده دل‌ها و چشم‌هاست، ولی همانطور که من گفتم، بر زبان بیاور: «یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک: ای گرداننده دل‌ها، قلبم را بر دینت استوار گردان». - . اكمال الدين ۲: ۲۱ -

مهج الدعوات: شاید معنی گفتار ایشان «الأبصار: چشم‌ها» تغییر دل‌ها و چشم‌ها در روز قیامت رخ خواهد داد از شدت ترس‌های آن روز، و در دوران غیبت: از تغییر دل‌ها ترسیده می‌شود نه چشم‌ها. - . مهج الدعوات: ۴۱۵ -

**[ترجمه]

«۲»

ك، [إكمال الدين] الْعَطَّارُ عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنْ خَالِدِ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ زُرَارَهَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ ذَكَرَ فِيهِ غَيْبَهَ الْقَائِمِ عليه السلام قَالَ زُرَارَهُ: فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَإِنْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَأَيَّ شَيْ ءٍ أَعْمَلُ قَالَ يَا زُرَارَهُ إِنْ أَدْرَكْتَ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَالْزَمْ هَذَا الدُّعَاءَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي (۳).

۱- ۱. اکمال الدین ج ۲ ص ۲۱.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۴۱۵.

۳- ۳. اکمال الدین ج ۲ ص ۱۱ و ۱۲.

**[ترجمه]اکمال الدین: زراره به امام صادق علیه السلام در حدیثی که غیبت حضرت قائم علیه السلام را ذکر کردند، عرض کرد: فدایت گردم، اگر آن روزگار را درک کردم، چه کنم؟ فرمودند: اگر آن زمان را درک کردی، این دعا را بخوان «خدایا معرفت خویش را به من عطا کن، به راستی اگر خودت را به من نشناسانی، پیامبرت را نمی‌شناسم، خدایا معرفت رسولت را به من عطا کن؛ زیرا اگر رسولت را به من نشناسانی، محبت تو را نمی‌شناسم خدایا محبتت را به من بشناسان زیرا اگر او را به من نشناسانی،از دینم گمراه می‌شوم». - . اکمال الدین ۲: ۱۲ و ۱۱ -

**[ترجمه]

أقول

قد مضی تمامه بأسانید فی باب مدح المؤمنین فی زمان الغیبه(۱).

**[ترجمه]این دعا به صورت کامل همراه با سندهای آن در باب مدح مؤمنان در روزگار غیبت ذکر شد. - . مراجعه کن جلد ۵۲: ۱۵۰ - ۱۲۲ -

**[ترجمه]

«۳»

ک، [إکمال الدین] أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمُکَتِّبُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَلِیِّ بْنِ هَمَّامٍ بِهَذَا الدُّعَاءِ: وَ ذَکَرَ أَنَّ الشَّیْخَ (۲)

قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ أَمْلَاهُ عَلَیْهِ وَ أَمَرَهُ أَنْ یَدْعُوَ بِهِ وَ هُوَ الدُّعَاءُ فِی غَیْبَهِ الْقَائِمِ علیه السلام.

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی نَفْسَکَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَکَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی رَسُولَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی رَسُولَکَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَکَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی حُجَّتَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی حُجَّتَکَ ضَلَلْتُ عَنْ دِینِی اللَّهُمَّ لَا تُمِتْنِی مِیتَهَ الْجَاهِلِیَّهِ وَ لَا تُزِغْ قَلْبِی بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنِی اللَّهُمَّ فَکَمَا هَدَیْتَنِی بِوَلَایَهِ مَنْ فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَیَّ مِنْ وُلَاهِ أَمْرِکَ بَعْدَ رَسُولِکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ حَتَّی وَالَیْتُ وُلَاهَ أَمْرِکَ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ وَ عَلِیّاً وَ مُحَمَّداً وَ جَعْفَراً وَ مُوسَی وَ عَلِیّاً وَ مُحَمَّداً وَ عَلِیّاً وَ الْحَسَنَ وَ الْحُجَّهَ الْقَائِمَ الْمَهْدِیَّ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ اللَّهُمَّ فَثَبِّتْنِی عَلَی دِینِکَ وَ اسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ وَ لَیِّنْ قَلْبِی لِوَلِیِّ أَمْرِکَ وَ عَافِنِی مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَکَ وَ ثَبِّتْنِی عَلَی طَاعَهِ وَلِیِّ أَمْرِکَ الَّذِی سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِکَ فَبِإِذْنِکَ غَابَ عَنْ بَرِیَّتِکَ وَ أَمْرَکَ یَنْتَظِرُ وَ أَنْتَ الْعَالِمُ غَیْرُ مُعَلَّمٍ بِالْوَقْتِ الَّذِی فِیهِ صَلَاحُ أَمْرِ وَلِیِّکَ فِی الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَ کَشْفِ سِتْرِهِ وَ صَبِّرْنِی عَلَی ذَلِکَ حَتَّی لَا أُحِبَّ تَعْجِیلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِیرَ مَا عَجَّلْتَ وَ لَا أَکْشِفَ عَمَّا سَتَرْتَهُ وَ لَا أَبْحَثَ عَمَّا کَتَمْتَهُ وَ لَا أُنَازِعَکَ فِی تَدْبِیرِکَ وَ لَا أَقُولَ لِمَ وَ کَیْفَ وَ مَا بَالُ وَلِیِّ أَمْرِ اللَّهِ لَا یَظْهَرُ وَ قَدِ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ وَ أُفَوِّضُ أُمُورِی کُلَّهَا إِلَیْکَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ أَنْ تُرِیَنِی وَلِیَّ أَمْرِکَ ظَاهِراً نَافِذاً لِأَمْرِکَ مَعَ عِلْمِی بِأَنَّ لَکَ السُّلْطَانَ وَ الْقُدْرَهَ وَ الْبُرْهَانَ وَ الْحُجَّهَ وَ الْمَشِیَّهَ وَ الْإِرَادَهَ وَ الْحَوْلَ وَ الْقُوَّهَ فَافْعَلْ ذَلِکَ بِی وَ بِجَمِیعِ الْمُؤْمِنِینَ حَتَّی نَنْظُرَ إِلَی وَلِیِّکَ ظَاهِرَ الْمَقَالَهِ وَاضِحَ الدَّلَالَهِ هَادِیاً مِنَ الضَّلَالَهِ شَافِیاً مِنَ الْجَهَالَهِ أَبْرِزْ یَا رَبِّ مَشَاهِدَهُ وَ ثَبِّتْ قَوَاعِدَهُ وَ

۱- ۱. راجع ج ۵۲ ص ۱۲۲- ۱۵۰.

۲- ۲. فی المصدر: الشیخ العمری.

اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقَرُّ عَیْنُنَا بِرُؤْیَتِهِ وَ أَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ وَ تَوَفَّنَا عَلَی مِلَّتِهِ وَ احْشُرْنَا فِی زُمْرَتِهِ.

اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِیعِ مَا خَلَقْتَ وَ بَرَأْتَ وَ ذَرَأْتَ وَ أَنْشَأْتَ وَ صَوَّرْتَ وَ احْفَظْهُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ یَمِینِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِکَ الَّذِی لَا یَضِیعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ وَ احْفَظْ فِیهِ رَسُولَکَ وَ وَصِیَّ رَسُولِکَ اللَّهُمَّ وَ مُدَّ فِی عُمُرِهِ وَ زِدْ فِی أَجَلِهِ وَ أَعِنْهُ عَلَی مَا أَوْلَیْتَهُ وَ اسْتَرْعَیْتَهُ وَ زِدْ فِی کَرَامَتِکَ لَهُ فَإِنَّهُ الْهَادِی الْمَهْدِیُّ الْقَائِمُ الْمُهْتَدِی الطَّاهِرُ التَّقِیُّ النَّقِیُّ الزَّکِیُّ الرَّضِیُّ الْمَرْضِیُّ الصَّابِرُ الْمُجْتَهِدُ الشَّکُورُ.

اللَّهُمَّ وَ لَا تَسْلُبْنَا الْیَقِینَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِی غَیْبَتِهِ وَ انْقِطَاعِ خَبَرِهِ عَنَّا وَ لَا تُنْسِنَا ذِکْرَهُ وَ انْتِظَارَهُ وَ الْإِیمَانَ بِهِ وَ قُوَّةَ الْیَقِینِ فِی ظُهُورِهِ وَ الدُّعَاءَ لَهُ وَ الصَّلَاةَ عَلَیْهِ حَتَّی لَا یُقَنِّطَنَا طُولُ غَیْبَتِهِ مِنْ ظُهُورِهِ وَ قِیَامِهِ وَ یَکُونَ یَقِینُنَا فِی ذَلِکَ کَیَقِینِنَا فِی قِیَامِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ مَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْیِکَ وَ تَنْزِیلِکَ قَوِّ قُلُوبَنَا عَلَی الْإِیمَانِ بِهِ حَتَّی تَسْلُکَ بِنَا عَلَی یَدِهِ مِنْهَاجَ الْهُدَی وَ الْمَحَجَّةَ الْعُظْمَی وَ الطَّرِیقَةَ الْوُسْطَی وَ قَوِّنَا عَلَی طَاعَتِهِ وَ ثَبِّتْنَا عَلَی مُشَایَعَتِهِ وَ اجْعَلْنَا فِی حِزْبِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ وَ الرَّاغِبِینَ بِفِعْلِهِ وَ لَا تَسْلُبْنَا ذَلِکَ فِی حَیَاتِنَا وَ لَا عِنْدَ وَفَاتِنَا حَتَّی تَوَفَّانَا وَ نَحْنُ عَلَی ذَلِکَ غَیْرُ شَاکِّینَ وَ لَا نَاکِثِینَ وَ لَا مُرْتَابِینَ وَ لَا مُکَذِّبِینَ اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ أَیِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَ انْصُرْ نَاصِرِیهِ وَ اخْذُلْ خَاذِلِیهِ وَ دَمْدِمْ عَلَی مَنْ نَصَبَ لَهُ وَ کَذَّبَ بِهِ وَ أَظْهِرْ بِهِ الْحَقَّ وَ أَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ وَ اسْتَنْقِذْ بِهِ عِبَادَکَ الْمُؤْمِنِینَ مِنَ الذُّلِّ وَ انْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ وَ اقْتُلْ بِهِ الْجَبَابِرَةَ الْکَفَرَةَ وَ اقْصِمْ بِهِ رُءُوسَ الضَّلَالَةِ وَ ذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِینَ وَ الْکَافِرِینَ وَ أَبِرْ بِهِ الْمُنَافِقِینَ وَ النَّاکِثِینَ وَ جَمِیعَ الْمُخَالِفِینَ وَ الْمُلْحِدِینَ فِی مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَحْرِهَا وَ بَرِّهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا حَتَّی لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دَیَّاراً وَ لَا تُبْقِیَ لَهُمْ آثَاراً وَ تُطَهِّرَ مِنْهُمْ بِلَادَکَ وَ اشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِکَ وَ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَی مِنْ دِینِکَ وَ أَصْلِحْ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ حُکْمِکَ وَ غُیِّرَ مِنْ سُنَّتِکَ حَتَّی یَعُودَ دِینُکَ بِهِ وَ عَلَی یَدِهِ غَضّاً جَدِیداً صَحِیحاً لَا عِوَجَ

فِيهِ وَ لَا بِدْعَهَ مَعَهُ حَتَّى تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ فَإِنَّهُ عَبْدُکَ الَّذِی اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِکَ وَ ارْتَضَيْتَهُ لِنُصْرَهِ دِينِکَ وَ اصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِکَ وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَ أَطْلَعْتَهُ عَلَى الْغُيُوبِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ وَ نَقَّيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الْأَئِمَّهِ الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى شِيعَتِهِمُ الْمُنْتَجَبِينَ وَ بَلِّغْهُمْ مِنْ آمَالِهِمْ أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُونَ وَ اجْعَلْ ذَلِکَ مِنَّا خَالِصاً مِنْ كُلِّ شَکٍّ وَ شُبْهَهٍ وَ رِيَاءٍ وَ سُمْعَهٍ حَتَّى لَا نُرِيدَ بِهِ غَيْرَکَ وَ لَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَکَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْکَ فَقْدَ نَبِيِّنَا وَ غَيْبَهَ وَلِيِّنَا وَ شِدَّهَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَ وُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهُرَ الْأَعْدَاءِ وَ كَثْرَهَ عَدُوِّنَا وَ قِلَّهَ عَدَدِنَا اللَّهُمَّ فَافْرِجْ ذَلِکَ بِفَتْحٍ مِنْکَ تُعَجِّلُهُ وَ بِصَبْرٍ مِنْکَ تُيَسِّرُهُ وَ إِمَامِ عَدْلٍ تُظْهِرُهُ إِلَهَ الْحَقِّ رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُکَ أَنْ تَأْذَنَ لِوَلِيِّکَ فِی إِظْهَارِ عَدْلِکَ فِی عِبَادِکَ وَ قَتْلِ أَعْدَائِکَ فِی بِلَادِکَ حَتَّى لَا تَدَعَ لِلْجَوْرِ دِعَامَهً إِلَّا قَصَمْتَهَا وَ لَا بِنْيَهً إِلَّا أَفْنَيْتَهَا(۱) وَ لَا قُوَّهً إِلَّا أَوْهَنْتَهَا وَ لَا رُكْناً إِلَّا هَدَدْتَهُ وَ لَا حَدّاً إِلَّا فَلَلْتَهُ وَ لَا سِلَاحاً إِلَّا كَلَلْتَهُ وَ لَا رَايَهً إِلَّا نَكَّسْتَهَا وَ لَا شُجَاعاً إِلَّا قَتَلْتَهُ وَ لَا حُبّاً(۲)

إِلَّا خَذَلْتَهُ ارْمِهِمْ يَا رَبِّ بِحَجَرِکَ الدَّامِغِ وَ اضْرِبْهُمْ بِسَيْفِکَ الْقَاطِعِ وَ بِبَأْسِکَ الَّذِی لَا يُرَدُّ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ وَ عَذِّبْ أَعْدَاءَکَ وَ أَعْدَاءَ دِينِکَ وَ أَعْدَاءَ رَسُولِکَ بِيَدِ وَلِيِّکَ وَ أَيْدِی عِبَادِکَ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ اكْفِ وَلِيَّکَ وَ حُجَّتَکَ فِی أَرْضِکَ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَ كِدْ مَنْ كَادَهُ وَ امْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ بِهِ وَ اجْعَلْ دَائِرَهَ السَّوْءِ عَلَى مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءاً وَ اقْطَعْ عَنْهُ مَادَّتَهُمْ وَ أَرْعِبْ بِهِ قُلُوبَهُمْ وَ زَلْزِلْ لَهُ أَقْدَامَهُمْ وَ خُذْهُمْ جَهْرَهً وَ بَغْتَهً شَدِّدْ عَلَيْهِمْ عِقَابَکَ وَ أَخْزِهِمْ فِی عِبَادِکَ وَ الْعَنْهُمْ فِی بِلَادِکَ وَ أَسْكِنْهُمْ أَسْفَلَ نَارِکَ وَ أَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ

۱- ۱. فی المصدر: و لا بقيه.

۲- ۲. فی المصدر: و لا جيشا.

عَذَابِکَ وَ أَصْلِهِمْ نَاراً وَ احْشُ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَاراً وَ أَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِکَ فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ وَ أَذَلُّوا عِبَادَکَ اللَّهُمَّ وَ أَحْیِ بِوَلِیِّکَ الْقُرْآنَ وَ أَرِنَا نُورَهُ سَرْمَداً لَا ظُلْمَةَ فِیهِ وَ أَحْیِ بِهِ الْقُلُوبَ الْمَیْتَةَ وَ اشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوَغِرَةَ وَ اجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَی الْحَقِّ وَ أَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعَطَّلَةَ وَ الْأَحْکَامَ الْمُهْمَلَةَ حَتَّی لَا یَبْقَی حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ وَ لَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ وَ اجْعَلْنَا یَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ مِمَّنْ یَقْوَی بِسُلْطَانِهِ وَ الْمُؤْتَمِرِینَ لِأَمْرِهِ وَ الرَّاضِینَ بِفِعْلِهِ وَ الْمُسَلِّمِینَ لِأَحْکَامِهِ وَ مِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَی التَّقِیَّةِ مِنْ خَلْقِکَ أَنْتَ یَا رَبِّ الَّذِی تَکْشِفُ السُّوءَ وَ تُجِیبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاکَ وَ تُنَجِّی مِنَ الْکَرْبِ الْعَظِیمِ فَاکْشِفِ الضُّرَّ عَنْ وَلِیِّکَ وَ اجْعَلْهُ خَلِیفَةً فِی أَرْضِکَ کَمَا ضَمِنْتَ لَهُ اللَّهُمَّ وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَجْعَلْنِی مِنْ أَهْلِ الْحَنَقِ وَ الْغَیْظِ عَلَی

آلِ مُحَمَّدٍ فَإِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ ذَلِکَ فَأَعِذْنِی وَ أَسْتَجِیرُ بِکَ فَأَجِرْنِی اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی بِهِمْ فَائِزاً عِنْدَکَ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِینَ (۱).

جم، [جمال الأسبوع] جماعه بإسنادهم إلی جدی أبی جعفر الطوسی عن جماعه عن التلعکبری عن أبی علی محمد بن همام: مثله (۲).

**[ترجمه]اکمال الدین: ابو محمد حسن بن احمد مکتب نقل کرد: ابو علی بن همام این دعا را برایمان روایت کرد و یادآور شد شیخ - . در منبع آمده است: شیخ عمری. - قدس الله روحه آن را بر او املا کرد و او را امر نمود تا بدان دعا کند و آن دعای دروان غیبت قائم علیه السلام است:

«خدایا معرفت خویش را به من عطا کن، به راستی اگر خودت را به من نشناسانی، پیامبرت را نمی‌شناسم، خدایا معرفت رسولت را به من عطا کن، زیرا اگر رسولت را به من نشناسانی، محبت تو را نمی‌شناسم، خدایا محبتت را به من بشناسان زیرا اگر او را به من نشناسانی، از دینم گمراه می‌شوم، خدایا مرا به مرگ جاهلیت از دنیا مبر و قلبم را پس از آنکه هدایت نمودی، منحرف مگردان.

خدایا همانگونه که هدایت نمودی مرا به ولایت آنان که اطاعتشان را بر من واجب نمودی از جمله والیان امر تو بعد از رسولت صلواتک علیه و آله، تا اینکه در ولایت والیان امر تو امیر مؤمنان و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجت قائم مهدی صلواتک علیهم اجمعین، آمدم، پس مرا بر دین خود ثابت‌قدم بدار و مرا در راه طاعت خویش به کار گیر و قلبم را برای ولی امر خویش نرم گردان و مرا از آنچه مخلوقاتت را بدان امتحان کردی، عافیت بخش، و مرا به اطاعت از ولی امر خود که از خلق خویش، پنهان داشتی استوار بدار، پس به اذن تو از خلق تو پنهان گشت و در انتظار امر توست و تو می‌دانی و از زمانی که صلاح ولی امر توست و به او اجازه می‌دهی تا امر خویش را آشکار کند و پرده خویش را بزداید، آگاهی نمی‌دهی، و مرا به آن صبر عطا کن تا عجله در آنچه به تأخیر انداختی و تأخیر در آنچه شتاب ورزیدی را دوست نداشته باشم، و از آنچه پنهان کردی، پرده برندارم، و از آنچه نهان داشتی، جستجو نکنم، و با تو در تدبیرت جدال نکنم و نگویم چرا و چگونه و ولی امر خدا را چه شده که ظهور نمی‌کند در حالی که زمین از ستم مالامال گشت و تمام امورم را به تو بسپارم.

خدایا من از تو می‌خواهم ظهور ولی امرت را در حالی که امر تو را اجرا می‌کند به من نشان دهی، و من می‌دانم که تسلط و قدرت و برهان و حجت و خواست و اراده و تغییر و توانمندی از آن توست، پس این کار را در حق من و تمامی مؤمنان انجام ده، تا به ولیت بنگریم در حال یکه گفتاری روشن و دلالتی آشکار دارد و از گمراهی راه می‌نماید، از شفا می‌دهد، ای پروردگار من مکان های به حضور آمدن او را آشکار گردان و پایگاه‌های او را استوار گردان و ما را از کسانی قرار ده که چشمشان به دیدار او روشن گردد و به خدمت او برخیزیم و جان ما را بر آیین او بستان و ما را در زمره او محشور گردان.

خدایا او را از شر تمامی آنچه آفریدی و خلق کردی و پدید آوردی و ایجاد کردی و تصویر بخشیدی، پناه ده و او را از مقابل، پشت سر و از سمت راست و چپ و بالا و پایین حفظ کن، به حفاظت خود که هر که را بدان نگاه داشتی، نابود نشد، و فرستاده‌ات و جانشین فرستاده‌ات را

در آن محفوظ بـدار، خدایا بر عمر او بیافزای و اجل ایشان را به تأخیر انداز و او را بر آنچه ولایت بخشـیدی و مراقبت خواستی، یاری فرما و بر کرامت در حق او، بیافزای، به راستی که او هـدایت گر، هـدایت شـده، قائم، راه یافته، پاک، تقوا پیشه، بی‌آلایش، وارسـته، راضـی، پسـندیده، صبور، کوشا و سپاسگزار است.

خداوندا به سـبب طولانی شدن زمان غیبت ایشان و بی‌خبری ما از وی، یقین را از ما مگیر، و یاد و انتظار و ایمان و یقین محکم در ظهور وی و دعا برای ایشان و سـلام بر وی را از خاطرمان مبر، به طوری که طولانی شـدن غیبت ایشان، ما را از ظهور و قیامشان ناامیـد نگردانـد و یقین ما در آن همچون یقینمان به قیام رسول خدا صـلی الله علیه و آله و وحی و تنزیلی که آورد، باشد، دل‌های ما را بر ایمان به او محکم گردان، تا به دست ایشان مرا به راه هـدایت و دلیل بزرگ و راه میانه سـیر دهی، ما را بر اطاعت او توانمنـد کن و بر همراهی‌اش ثابت قدم گردان و ما را در حزب او و یاران و پیروانش و کسانی که به کردار او می گراینـد، قرار ده، و آن را در طول زنـدگانی و لحظه مرگ از ما مگیر؛ تا اینکه جان ما را بر آن بستانی در حالی که نه تردیدی داریم و نه پیمان شکستیم و شک نکردیم و دروغ نگفتیم.

خـدایا در گشـایش او تعجیل فرما، و او را به یاری‌ات، تأییـد فرما و یاورانش را یاری کن، و کسانی که او را تنها گذاشـتند، خوار کن، و بر هر کس که او را به درد آورد و به او دروغ بست، خشم بگیر. و به وسـیله او حق را آشـکار کن و سـتم را بمیران و بنـدگان مؤمن خود را از ذلت نجات ده و سرزمین‌ها را حیاتی دوباره ببخش و سرکشان کافر را به وسیله او از میان بردار، و سران گمراهی را بشکن، و عصیان‌گران و کافران را خوار گردان و به واسـطه او منافقان و پیمان‌شکنان و تمامی مخالفان و انکارکنندگان را از میان بردار، در مشرق‌ها و مغرب‌های زمین و دریا و خشـکی و دشت و کوه آن، تـا اینکه کسـی از آنهـا را رهـا نکنی و آثـاری از آنها بر جای نگـذاری و سـرزمینت را از آنان پاک گردانی، و سینـه بنـدگانت را از آنـان شـفا دهی، و بـه واسـطه او هر آنچه از دینت زدوده شـد، تجدیـد کنی و هر آنچه از احکـام و سـنتت که تغییر کرد، اصـلاح گردانـد، تـا اینکه دین تو به او و به دست او، تازه جدیـد سالم گردد؛ در حالی که نه انحرافی در آن است و نه بـدعتی، تا اینکه آتش کافران را با عـدل او خاموش گردانی و به راستی او بنده توست که او را برای خویش برگزیدی و برای یاری دینت پسـندیدی و به علمت او را انتخاب کردی و از گناهان بازداشتی و از عیب‌ها پاک گرداندی و بر نهان‌ها آگاه ساختی و بر او نعمت بخشـیدی و از پلیدی پاک کردی و از آلودگی مطهر گرداندی.

خـدایا بر او و پـدرانش امامان پاک و بر شـیعیان برگزیـده‌شان درود فرست و به بهترین آنچه آرزو دارند، برسان و آن را برای ما خالص از هر گونه شک و شبهه و ریا و سمعه قرار ده تا غیر تو را نخواهیم و جز روی تو طلب نکنیم.

خدایا ما از نبود پیامبرمان و غیبت ولی‌مان و سـختی روزگار بر ما و افتادن فتنه‌ها بر ما و آشـکاری دشمنان و بسیاری دشمنان و کمی تعدادمان به درگاه تو شـکایت می کنیم، خدایا پس آن را بگشا به فتحی از جانب خود که آن را تعجیل کنی و به شـکیبایی از جانب تو که آن را ممکن سازی و امام عادلی که او را آشکار گردانی ای خدای حق ای پروردگار جهانیان.

خـدایا از تو می‌خواهیم که اجـازه آشـکار سـاختن عـدل بر بنـدگانت و کشـتن دشـمنانت در سـرزمینت را به ولی خود عطا کنی، تا اینکه هیچ ستونی برای باطـل قرار نـدهی جز اینکه آن را برشـکنی و نه هیـچ ساختـاری جز اینکه آن را نـابود سازی و نه قـدرتی مگر اینکه آن را سسـت گردانی و نه سـتونی جز اینکه آن را ویران سازی و نه هیچ برندگی مگر اینکه آن را کند کنی، و نه هیچ سـلامی جز اینکه آن را بشـکنی و نه هیچ پرچمی مگر اینکه آن را سـرنگون سازی و نه هیچ شجاعی جز اینکه او را بکشی و نه هیچ دوستی جز اینکه او را خوار سازی، پروردگارا سنگ هلاک کننـده خود را بر آنان بینـداز و به شمشـیر برنده‌ات و قدرتت که از قوم جنایتکاران باز نمی گردد، بر آنان ضـربه بزن. و دشـمنان خود و دشمنان دین خود و دشمنان رسول خدا را به دست ولیت و دستان بندگان مؤمنت عذاب کن.

خـدایا ولی و حجت خود را در زمینت از بیم دشـمنش، کفایت فرما و هر کس به او نیرنگ زند، حیله کن و هر کس او را مکر کند، فریب ده، و کسانی که خواهان بـدی برای او هسـتند در احاطه بدی قرار ده ، اصل آنان را قطع کن و دل‌هاشان را به او بترسان و گام‌هاشان را برای او به

لرزه درآور و آنها را آشکارا یا پنهانی برگیر، عذابت را بر آنان بسیار کن و در میان بندگانت خوار ساز و آنها را در سرزمین خود، نفرین کن و در پایین‌ترین نقطه آتش خود سکنی ده، و سخت‌ترین عذابت را بر آنان احاطه گردان و بر آتش جهنم وارد ساز. به راستی که آنان نماز را تباه کردند و از شهوت‌ها پیروی نمودند و بندگانت را به خواری کشاندند.

خدایا به واسطه ولی خود، قرآن را زنده بدار و نور آن را همیشگی به گونه‌ای که تاریکی در آن راه ندارد، به ما بنمایان و دل‌های مرده را بدان زنده بدار و سینه‌های کینه توز را بدان شفا بخش و به واسطه او علاقه‌های مختلف حق را جمع کن و به وسیله او حدهای انکار شده و احکام اهمال شده را به پا دار؛ به گونه‌ای که حقی نماند جز اینکه آشکار شود و نه عدالتی مگر آنکه شکوفا گردد و پروردگارا ما را از یاران او قرار ده و از کسانی که تسلط او را نیرو می‌دهند و امر او را گردن می‌نهند و از کسانی که از کردار او خشنود و تسلیم احکام او هستند و از کسانی که با وجود او نیازی به ترس از خلقت نیست، پروردگارا تو کسی هستی که بدی را کنار می‌زنی و درمانده را اجابت می کنی آنگاه که تو را فرا خواند و او را از گرفتاری بزرگ نجات می‌دهی، پس سختی را از ولی خود برطرف کن و او را جانشین در زمین خود قرار ده همانگونه که برای او ضمانت کردی، خدایا ما را از دشمنان خاندان محمد و از کینه‌توزان خاندان محمد و از اهل کینه و خشم بر خاندان محمد قرار مده، پس به راستی من به تو از آن پناه می‌برم. پس مرا پناه ده و به درگاه تو پناه می‌جویم، پس مرا پناه ده، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا به واسطه آنان از رستگاران دنیا و آخرت و از مقربین قرار ده. - . اکمال الدین ۲: ۱۹۰ -

جمال الاسبوع: مثل این حدیث آورده شد. - . جمال الاسبوع: ۵۲۹ – ۵۲۱ -

**[ترجمه]

«۴»

جم، [جمال الأسبوع] جَمَاعَةٌ بِإِسْنَادِهِمْ إِلَی جَدِّی أَبِی جَعْفَرٍ الطُّوسِیِّ عَنِ ابْنِ أَبِی جِیدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِیدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ الْحِمْیَرِیِّ وَ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ وَ الصَّفَّارِ کُلِّهِمْ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ مَوْلِدٍ وَ صَالِحِ بْنِ السِّنْدِیِّ عَنْ یُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ وَ رَوَاهُ جَدِّی أَبُو جَعْفَرٍ الطُّوسِیُّ فِیمَا یَرْوِیهِ عَنْ یُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بِعِدَّهِ طُرُقٍ تَرَکْتُ ذِکْرَهَا کَرَاهِیَهً لِلْإِطَالَهِ فِی هَذَا الْمَکَانِ یَرْوِی عَنْ یُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ: أَنَّ الرِّضَا علیه السلام کَانَ یَأْمُرُ بِالدُّعَاءِ لِصَاحِبِ الْأَمْرِ بِهَذَا:

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنْ وَلِیِّکَ وَ خَلِیفَتِکَ وَ حُجَّتِکَ عَلَی خَلْقِکَ وَ لِسَانِکَ الْمُعَبِّرِ عَنْکَ بِإِذْنِکَ النَّاطِقِ بِحُکْمِکَ وَ عَیْنِکَ النَّاظِرَهِ عَلَی بَرِیَّتِکَ وَ شَاهِدِکَ عَلَی عِبَادِکَ الْجَحْجَاحِ (۳) الْمُجَاهِدِ الْعَائِذِ بِکَ عِنْدَکَ وَ أَعِذْهُ

ص: ۳۳۰

۱- ۱. اکمال الدین ج ۲ ص ۱۹۰.

۲- ۲. جمال الأسبوع: ۵۲۱- ۵۲۹.

۳- ۳. الجحجاح: السیّد المسارع فی المکارم.

مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَ بَرَأْتَ وَ أَنْشَأْتَ وَ صَوَّرْتَ وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِی لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آبَاءَهُ أَئِمَّتَكَ وَ دَعَائِمَ دِينِكَ وَ اجْعَلْهُ فِی وَدِيعَتِكَ الَّتِی لَا تَضِيعُ وَ فِی جِوَارِكَ الَّذِی لَا يُخْفَرُ وَ فِی مَنْعِكَ وَ عِزِّكَ الَّذِی لَا يُقْهَرُ وَ آمِنْهُ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ الَّذِی لَا يُخْذَلُ مَنْ آمَنْتَهُ بِهِ وَ اجْعَلْهُ فِی كَنَفِكَ الَّذِی لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ وَ أَيِّدْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ وَ أَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ وَ قَوِّهِ بِقُوَّتِكَ وَ أَرْدِفْهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ وَالِ مَنْ وَالاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ أَلْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ وَ حُفَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ حَفّاً.

اللَّهُمَّ وَ بَلِّغْهُ أَفْضَلَ مَا بَلَّغْتَ الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ وَ ارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ وَ أَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ زَيِّنْ بِطُولِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ وَ أَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَ انْصُرْهُ بِالرُّعْبِ وَ قَوِّ نَاصِرِيهِ وَ اخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَ دَمْدِمْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَ دَمِّرْ مَنْ غَشَّهُ وَ اقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ عُمُدَهُ وَ دَعَائِمَهُ وَ اقْصِمْ بِهِ رُءُوسَ الضَّلَالَهِ وَ شَارِعَةَ الْبِدَعِ وَ مُمِيتَةَ السُّنَّهِ وَ مُقَوِّيَةَ الْبَاطِلِ وَ ذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَ أَبِرْ بِهِ الْكَافِرِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ فِی مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيَّاراً وَ لَا تُبْقِیَ لَهُمْ آثَاراً اللَّهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ اشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ وَ أَعِزَّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَحْيِ بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ وَ دَارِسَ حِكْمَهِ النَّبِيِّينَ وَ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ وَ بُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ جَدِيداً غَضّاً مَحْضاً صَحِيحاً لَا عِوَجَ فِيهِ وَ لَا بِدْعَهَ مَعَهُ وَ حَتَّى تُنِيرَ بِعَدْلِهِ ظُلَمَ الْجَوْرِ وَ تُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ وَ تُوضِحَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَ مَجْهُولَ الْعَدْلِ فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِی اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ اصْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ وَ اصْطَنَعْتَهُ عَلَى عَيْنِكَ وَ ائْتَمَنْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ وَ سَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ.

اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ يَوْمَ حُلُولِ الطَّامَّهِ أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْباً وَ لَا أَتَى حُوباً وَ لَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَهً وَ لَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَهً وَ لَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَهً وَ لَمْ

يُبَدِّلْ لَکَ فَرِيضَةً وَ لَمْ يُغَيِّرْ لَکَ شَرِيعَةً وَ أَنَّهُ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ الطَّاهِرُ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ.

اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أُمَّتِهِ وَ جَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقِرُّ بِهِ عَيْنَهُ وَ تَسُرُّ بِهِ نَفْسَهُ وَ تَجْمَعُ لَهُ مُلْکَ الْمُمْلَكَاتِ كُلِّهَا قَرِيبِهَا وَ بَعِيدِهَا وَ عَزِيزِهَا وَ ذَلِيلِهَا حَتَّى يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَ يُغْلَبَ بِحَقِّهِ كُلُّ بَاطِلٍ اللَّهُمَّ اسْلُکْ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى وَ الْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى وَ الطَّرِيقَةَ الْوُسْطَى الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْغَالِي وَ يُلْحَقُ بِهَا التَّالِي وُقُوفاً عَلَى طَاعَتِهِ وَ ثَبِّتْنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ وَ امْنُنْ عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ وَ اجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ الصَّابِرِينَ مَعَهُ الطَّالِبِينَ رِضَاکَ بِمُنَاصَحَتِهِ حَتَّى تَحْشُرَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ مُقَوِّيَةِ سُلْطَانِهِ اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْ ذَلِکَ لَنَا خَالِصاً مِنْ كُلِّ شَکٍّ وَ شُبْهَةٍ وَ رِيَاءٍ وَ سُمْعَةٍ حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَکَ وَ لَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَکَ وَ حَتَّى تُحِلَّنَا مَحَلَّهُ وَ تَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ وَ أَعِذْنَا مِنَ السَّامَةِ وَ الْكَسَلِ وَ الْفَتْرَةِ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِکَ وَ تُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّکَ وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا فَإِنَّ اسْتِبْدَالَکَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْکَ يَسِيرٌ وَ هُوَ عَلَيْنَا عَسِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلَاةِ عَهْدِهِ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ وَ بَلِّغْهُمْ آمَالَهُمْ وَ زِدْ فِي آجَالِهِمْ وَ أَعِزَّ نَصْرَهُمْ وَ تَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِکَ لَهُمْ وَ ثَبِّتْ دَعَائِمَهُمْ وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَاناً وَ عَلَى دِينِکَ أَنْصَاراً فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِکَ وَ أَرْكَانُ تَوْحِيدِکَ وَ دَعَائِمُ دِينِکَ وَ وُلَاةُ أَمْرِکَ وَ خَالِصَتُکَ بَيْنَ عِبَادِکَ وَ صَفْوَتُکَ مِنْ خَلْقِکَ وَ أَوْلِيَاؤُکَ وَ سَلَائِلُ أَوْلِيَائِکَ وَ صَفْوَةُ أَوْلَادِ رُسُلِکَ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ (۱).

**[ترجمه]جمال الاسبوع: نقل است: حضرت رضا علیه السلام اینچنین برای صاحب أمر دعا می‌فرمودند:

خدایا از ولی و خلیفه و حجتت بر خلق خود و زبان گویای تو با اذن تو، بیان کننده حکم تو، چشم نگرنده بر خلق تو و گواه تو بر بندگانت، آن شتابنده کوشا در خوبی‌ها، پناه‌آورنده به تو در نزد خود دفاع کن و او را از شر تمامی آنچه خلق کردی و آفریدی و پدید آوردی و صورت بخشیدی پناه ده و او را از جلو و پشت سر و راست و چپ و بالا و پایین حفظ کن به نگاهداری خود که هر که را بدان حفظ کردی، تباه نمی‌گردد و رسول خود و پدران او را که امامان تو و ستون‌های دین تواند در آن حفظ کن، و او را سپرده خویش که نابود نمی‌شود و در جوار خود که شکسته نشود و در ممانعت و عزت خود که مغلوب نمی‌گردد، قرار ده، و او را به امان محکم خود ایمن گردان که هر کس را بدان ایمنی داشتی، خوار نمی‌گردد، و در جوار خود که هر کس در آن باشد، دور از دسترس است، قرار ده و او را به یاری شکست‌ناپذیر خود و لشکریان پیروز خویش تایید فرما و به قدرت خود او را نیرو بخش و به فرشتگان خود او را از پی او قرار ده، دوستان او را دوست و دشمنان او را دشمن باش و زره مصون خود را بر او بپوشان و او را در احاطه فرشتگان خویش درآور.

خداوندا او را به برترین آنچه که بپاداران عدلت از پیروان پیامبرانت را بدان رساندی، نائل گردان، خداوندا به واسطه او شکاف را فراهم آور و رخنه را ببند و ظلم را بمیران و عدل را به سبب او آشکار کن و زمین را با ماندگاری طولانی‌اش، زینت بخش و او را به یاوری‌ات، تایید فرما و با ترس او را یاری کن، یاورانش را قدرت بخش و کسانی که او را تنها می‌گذارند، خوار گردان و بر هر کس که او را به درد آورد، خشم بگیر و هر کس که او را فریب دهد، واژگون کن، و به واسطه او سرکشان کفر و پایه‌ها و ستون‌های آن را به قتل برسان و به سبب او، سران گمراهی و بدعت گذاران و زداینده سنت و تقویت کننده باطل را برشکن و به واسطه او، کافران و تمامی انکارکنندگان در شرق و غرب زمین و در خشکی و دریا و دشت و کوه آن از میان بردار تا اینکه کسی از آنها را رها نکنی و هیچ آثاری از آنان بر جای نگذاری.

خدایا سرزمین خود را از آنان پاک ساز و بندگانت را از شر آنان شفا ده و به سبب او مؤمنان را عزت بخش و به واسطه او سنت‌های رسولان را زنده بدار و حکمت پیامبران را حفظ کن و هر آنچه از دین خود که محو گشت و احکامی که تغییر کردند را تجدید کن تا دین خود را به واسطه او و به دوستان او جدید تازه پاک سالم بازگردانی به طوری که هیچ انحراف و بدعتی در آن نیست و تا با عدل او تاریکی ظلم را روشن کنی و آتش کفر را به وسیله او خاموش گردانی و پیچیدگی‌های حق و عدل ناشناخته را به سبب او روشن کنی، به راستی که او بنده... توست که برای خود برگزیدی و از میان مخلوقاتت انتخاب کردی و او را در برابر چشمت به کار گرفتی و بر نهانت ایمن گردانیدی، و از گناهان بازداشتی و از عیب‌ها به دور داشتی و از آلودگی پاک کردی و از پلیدی سالم داشتی.

خدایا در روز قیامت و در روز رخداد بلای بزرگ، ما برای او شهادت می‌دهیم که جرمی مرتکب نشد و گناهی نکرد و معصیتی مرتکب نشد

و اطاعتی را تباه نساخت و حرمتی از تو را هتک نکرد و واجبی از تو را تغییر نـداد و شـریعت تو را دگرگون نساخت و به راستی او هدایت گر راه یافته پاک تقوا پیشه بی‌آلایش پسندیده وارسته است.

خـدایا عطا کن به او در جـان و خانواده و فرزنـد و نسل و امت و تمامی رعیت او، آنچه را که چشـمش را بـدان روشن کنی و جانش را بـدان مسـرور گردانی و فرمـانروایی تمـامی مملوکات، دور و نزدیک و عزیز و ذلیل آن را برای او گرد آوری به طوری که حکم او بر تمامی احکام جاری شود و با حق خود بر تمامی باطل پیروز گردد.

خداوندا ما را به دستان او بر راه هدایت و راه بزرگ روشن و راه میانه سیر ده به آن راهی که رمنده بدان باز گردد و دنباله‌رو در آن جا ملحق گردد. به خـاطر آگـاهی بر اطـاعت او، مـا را بر همراهی او اسـتوار سـاز و بر دنبـاله‌روی او منت بخش و مـا را در حزب او از به پـاداران امر او، شکیبایـان همراه او، کسـانی که بـا خیرخواهی او به دنبـال رضـایت تو هسـتند، قرار ده تا اینکه ما را در روز قیامت از یاران و پیروان و تقویت‌کنندگان پادشاهی او محشور گردانی.

خداونـدا آن را برای ما عاری از هر گونه شک و شـبهه و ریا و سـمعه قرار ده تا بر غیر تو تکیه نکنیم و جز روی تو را طلب نکنیم و تا اینکه ما را بر مکان او وارد کنی، و در بهشت به همراه او قرار دهی و ما را از خسـتگی و تنبلی و سستی پناه ده و ما را از کسانی قرار ده که واسطه آنان دینـت را یـاری می‌کنی و یـاری ولیت را محکم می‌گردانی و دیگران را جـایگزین مـا مکن، به راسـتی که قرار دادن دیگران به جـای مـا بر تو آسان است و بر ما دشوار.

خـدایا بر والیـان روزگار او و امامان پس از او درود فرست و آنان را به آرزوهاشان برسان، عمرشان را طولانی گردان و یاری‌شان عزت بخش و آنچه از امر خود به آنـان واگـذار کردی، کامـل کن و سـتون‌هاشـان را اسـتوار گردان و ما را یاوران آنان و یاری‌کننـدگان دینت قرار ده، به راستی که آنان سرچشـمه‌های کلمات تو و پایه‌های یگانگی تو و سـتون‌های دین تو والیان امر تو و خالصان بنـدگانت و برگزیـدگان خلقت و اولیای تو و از نسل اولیای تو و برگزیده فرزندان رسولان تواند، سـلام و رحمت و برکات خداوند بر آنان باد. - . جمال الاسـبوع: ۵۱۱ — ۵۰۶ –

**[ترجمه]

«۵»

قَالَ السَّیِّدُ وَ وَجَدْتُ هَذَا الدُّعَاءَ بِرِوَایَةٍ أُخْرَی وَ هِیَ مَا حَدَّثَ بِهِ زَیْدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْعَلَوِیُّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامِ بْنِ سُهَیْلٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ شُعَیْبِ بْنِ أَحْمَدَ مَعاً عَنْ شُعَیْبِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَالِکِیِّ عَنْ یُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مَوْلَانَا أَبِی الْحَسَنِ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا علیه السلام: أَنَّهُ کَانَ یَأْمُرُ بِالدُّعَاءِ لِلْحُجَّةِ

۱- ۱. جمال الأسبوع: ۵۰۶- ۵۱۱.

صَاحِبِ الزَّمَانِ عليه السلام فَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ لَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ادْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ وَ خَلِيفَتِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ لِسَانِكَ الْمُعَبِّرِ عَنْكَ بِإِذْنِكَ النَّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ وَ عَيْنِكَ النَّاظِرَهِ فِي بَرِيَّتِكَ وَ شاهدا [شَاهِدِكَ] عَلَى عِبَادِكَ الْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ الْمُجْتَهِدِ عَبْدِكَ الْعَائِذِ بِكَ اللَّهُمَّ وَ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَ ذَرَأْتَ وَ بَرَأْتَ وَ أَنْشَأْتَ وَ صَوَّرْتَ وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ وَصِيَّ رَسُولِكَ وَ آبَاءَهُ أَئِمَّتَكَ وَ دَعَائِمَ دِينِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ اجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ وَ فِي جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُخْفَرُ وَ فِي مَنْعِكَ وَ عِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ اللَّهُمَّ وَ آمِنْهُ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يُخْذَلُ مَنْ أَمَّنْتَهُ بِهِ وَ اجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ وَ انْصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ وَ أَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ وَ قَوِّهِ بِقُوَّتِكَ وَ أَرْدِفْهُ بِمَلَائِكَتِكَ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ أَلْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَهَ وَ حُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ حَفّاً اللَّهُمَّ وَ بَلِّغْهُ أَفْضَلَ مَا بَلَّغْتَ الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ وَ ارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ وَ أَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ زَيِّنْ بِطُولِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ وَ أَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَ انْصُرْهُ بِالرُّعْبِ وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسِيراً وَ اجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ سُلْطَاناً نَصِيراً اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الْقَائِمَ الْمُنْتَظَرَ وَ الْإِمَامَ الَّذِي بِهِ تَنْتَصِرُ وَ أَيِّدْهُ بِنَصْرٍ عَزِيزٍ وَ فَتْحٍ قَرِيبٍ وَ وَرِّثْهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا اللَّاتِي بَارَكْتَ فِيهَا وَ أَحْيِ بِهِ سُنَّهَ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَهَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ وَ قَوِّ نَاصِرَهُ وَ اخْذُلْ خَاذِلَهُ وَ دَمْدِمْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَ دَمِّرْ عَلَى مَنْ غَشَّهُ اللَّهُمَّ وَ اقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَهَ الْكُفْرِ وَ عُمُدَهُ وَ دَعَائِمَهُ وَ الْقُوَّامَ بِهِ وَ اقْصِمْ

بِهِ رُءُوسَ الضَّلَالَهِ وَ شَارِعَهَ الْبِدْعَهِ وَ مُمِيتَهَ السُّنَّهِ وَ مُقَوِّيَهَ الْبَاطِلِ وَ أَذْلِلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَ أَبِرْ بِهِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا وَ أَيْنَ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِسَاراً وَ لَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَاراً.

اللَّهُمَّ وَ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ اشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ وَ أَعِزَّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَحْيِ بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ وَ دَارِسَ حُكْمِ النَّبِيِّينَ وَ جَدِّدْ بِهِ مَا مُحِيَ مِنْ دِينِكَ وَ بُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ غَضّاً جَدِيداً صَحِيحاً مَحْضاً لَا عِوَجَ فِيهِ وَ لَا بِدْعَهَ مَعَهُ حَتَّى تُبَيِّنَ [تُنِيرَ] بِعَدْلِهِ ظُلَمَ الْجَوْرِ وَ تُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ وَ تُطَهِّرَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَ مَجْهُولَ الْعَدْلِ وَ تُوضِحَ بِهِ مُشْكِلَاتِ الْحُكْمِ اللَّهُمَّ وَ إِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِى اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ اصْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ وَ اصْطَفَيْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ وَ ائْتَمَنْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ وَ صَرَفْتَهُ عَنِ الدَّنَسِ وَ سَلَّمْتَهُ مِنَ الرَّيْبِ اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ يَوْمَ حُلُولِ الطَّامَّهِ أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ وَ لَمْ يَأْتِ حُوباً وَ لَمْ يَرْتَكِبْ لَكَ مَعْصِيَهً وَ لَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَهً وَ لَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَهً وَ لَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَهً وَ لَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَهً وَ أَنَّهُ الْإِمَامُ التَّقِيُّ الْهَادِى الْمَهْدِيُّ الطَّاهِرُ النَّقِيُّ الْوَفِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ وَ أَعْطِهِ فِى نَفْسِهِ وَ وُلْدِهِ وَ أَهْلِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أُمَّتِهِ وَ جَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقِرُّ بِهِ عَيْنَهُ وَ تَسُرُّ بِهِ نَفْسَهُ وَ تَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ الْمُمْلَكَاتِ كُلِّهَا قَرِيبِهَا وَ بَعِيدِهَا وَ عَزِيزِهَا وَ ذَلِيلِهَا حَتَّى يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَ يُغْلَبَ بِحَقِّهِ عَلَى كُلِّ بَاطِلٍ اللَّهُمَّ وَ اسْلُكْ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى وَ الْمَحَجَّهَ الْعُظْمَى وَ الطَّرِيقَهَ الْوُسْطَى الَّتِى يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْغَالِى وَ يُلْحَقُ بِهَا التَّالِى اللَّهُمَّ وَ قَوِّنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَ ثَبِّتْنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ وَ امْنُنْ عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ وَ اجْعَلْنَا فِى حِزْبِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ الصَّابِرِينَ مَعَهُ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ حَتَّى تَحْشُرَنَا يَوْمَ الْقِيَامَهِ فِى أَنْصَارِهِ وَ

ص: ۳۳۴

أَعْوَانِهِ وَ مُقَوِّيَهِ سُلْطَانِهِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنَّا لَكَ خَالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَ شُبْهَةٍ وَ رِيَاءٍ وَ سُمْعَةٍ حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ وَ لَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ وَ حَتَّى تُحِلَّنَا مَحَلَّهُ وَ تَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ وَ لَا تَبْتَلِنَا فِي أَمْرِهِ بِالسَّأْمَةِ وَ الْكَسَلِ وَ الْفَتْرَةِ وَ الْفَشَلِ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَ تُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَ هُوَ عَلَيْنَا كَبِيرٌ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وُلَاةِ عُهُودِهِ وَ بَلِّغْهُمْ آمَالَهُمْ وَ زِدْ فِي آجَالِهِمْ وَ انْصُرْهُمْ وَ تَمِّمْ لَهُ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِ دِينِكَ وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَاناً وَ عَلَى دِينِكَ أَنْصَاراً وَ صَلِّ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ اللَّهُمَّ فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ وَ خُزَّانُ عِلْمِكَ وَ وُلَاةُ أَمْرِكَ وَ خَالِصَتُكَ مِنْ عِبَادِكَ وَ خِيَرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَوْلِيَاؤُكَ وَ سَلَائِلُ أَوْلِيَائِكَ وَ صِفْوَتُكَ وَ أَوْلَادُ أَصْفِيَائِكَ صَلَوَاتُكَ وَ رَحْمَتُكَ وَ بَرَكَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ وَ شُرَكَاؤُهُ فِي أَمْرِهِ وَ مُعَاوِنُوهُ عَلَى طَاعَتِكَ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ حِصْنَهُ وَ سِلَاحَهُ وَ مَفْزَعَهُ وَ أُنْسَهُ الَّذِينَ سَلَوْا عَنِ الْأَهْلِ وَ الْأَوْلَادِ وَ تَجَافَوُا الْوَطَنَ وَ عَطَّلُوا الْوَثِيرَ مِنَ الْمِهَادِ قَدْ رَفَضُوا تِجَارَاتِهِمْ وَ أَضَرُّوا بِمَعَايِشِهِمْ وَ فَقَدُوا فِي أَنْدِيَتِهِمْ بِغَيْرِ غَيْبَةٍ عَنْ مِصْرِهِمْ وَ حَالَفُوا الْبَعِيدَ مِمَّنْ عَاضَدَهُمْ عَلَى أَمْرِهِمْ وَ خَالَفُوا الْقَرِيبَ مِمَّنْ صَدَّ عَنْ وِجْهَتِهِمْ وَ ائْتَلَفُوا بَعْدَ التَّدَابُرِ وَ التَّقَاطُعِ فِي دَهْرِهِمْ وَ قَطَعُوا الْأَسْبَابَ الْمُتَّصِلَةَ بِعَاجِلِ حُطَامٍ مِنَ الدُّنْيَا فَاجْعَلْهُمُ اللَّهُمَّ فِي حِرْزِكَ وَ فِي ظِلِّ كَنَفِكَ وَ رُدَّ عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِمْ بِالْعَدَاوَةِ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَجْزِلْ لَهُمْ مِنْ دَعْوَتِكَ مِنْ كِفَايَتِكَ وَ مَعُونَتِكَ لَهُمْ وَ تَأْيِيدِكَ وَ نَصْرِكَ إِيَّاهُمْ مَا تُعِينُهُمْ بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ وَ أَزْهِقْ بِحَقِّهِمْ بَاطِلَ مَنْ أَرَادَ إِطْفَاءَ نُورِكَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ امْلَأْ بِهِمْ كُلَّ أُفُقٍ مِنَ

الْآفَاقِ وَ قُطْرٍ مِنَ الْأَقْطَارِ قِسْطاً وَ عَدْلًا وَ مَرْحَمَةً وَ فَضْلًا وَ اشْكُرْ لَهُمْ عَلَى حَسَبِ كَرْمِكَ وَ جُودِكَ وَ مَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَى الْعَالَمِينَ بِالْقُسْطِ مِنْ عِبَادِكَ وَ اذْخَرْ لَهُمْ مِنْ ثَوَابِكَ مَا تَرْفَعُ لَهُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَ تَحْكُمُ مَا تُرِيدُ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۱).

**[ترجمه]سید گفت: این دعا را به روایتی دیگر یافتم که چنین است: زید بن جعفر علوی از اسحاق بن حسن از محمد بن همام بن سهیل و محمد بن شعیب بن أحمد با هم از شعیب احمد مالکی از یونس بن عبدالرحمن از مولایمان أبی حسن علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل کردند که ایشان به دعا برای حضرت حجت صاحب الزمان علیه السلام امر می‌نمودند و از دعای ایشان برای آن حضرت صلوات الله علیهما این بود:

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و از ولی و خلیفه و حجتت بر خلق خود و زبان گویای تو با اذن تو، بیان کننده حکم تو، چشم نگرنده بر خلق تو و گواه تو بر بندگانت، آن شتابنده کوشای تلاشگر، بنده پناه آور به تو دفاع کن.

خدایا از ولی و خلیفه و حجتت بر خلق خود و زبان گویای تو با اذن تو، بیان کننده حکم تو، چشم نگرنده بر خلق تو و گواه تو بر بندگانت، آن شتابنده کوشا، پناه‌آورنده به تو در نزد خود دفاع کن و او را از شر تمامی آنچه خلق کردی و آفریدی و پدید آوردی و صورت بخشیدی پناه ده و او را از جلو و پشت سر و راست و چپ و بالا ـ و پایین حفظ کن به نگاه داری خود که هر که را بدان حفظ کردی، تباه نمی گردد و رسول خود و پدران او را که امامان تو و ستون‌های دین تواند در آن حفظ کن، و او را سپرده خویش که نابود نمی‌شود و در جوار خود که شکسته نشود و در ممانعت و عزت خود که مغلوب نمی گردد، قرار ده.

خدایا او را به امان محکم خود ایمن گردان که هر کس را بدان ایمنی داشتی، خوار نمی گردد، و در جوار خود که هر کس در آن باشد، دور از دسترس است، قرار ده و او را به یاری شکست‌ناپذیر خود و لشکریان پیروز خویش تایید فرما و به قدرت خود او را نیرو بخش و به فرشتگان خود را از پی او قرار ده .

خدایا دوستان او را دوست و دشمنان او را دشمن باش و زره مصون خود را بر او بپوشان و او را در احاطه فرشتگان خویش درآور.

خداوندا او را به برترین آنچه که به پاداران عدلت از پیروان پیامبرانت را بدان رساندی، نائل گردان، خداوندا به واسطه او روزنه را به هم آور و شکاف را ببند و ظلم را بمیران و عدل را به سبب او آشکار کن و زمین را با ماندگاری طولانی‌اش، زینت بخش و او را به یاوری‌ات، تایید فرما و با ترس او را یاری کن، برای او پیروزی آسان قرار ده و از جانب خود قدرتی یاری کننده علیه دشمن خود و دشمن او قرار ده.

خداوندا او را به پا دارنده مورد انتظار و امامی که به واسطه او پیروزی تحقق می یابد قرار ده و او را به پیروزی محکم و فتحی نزدیک تایید کن و او را وارث مشرق ها و مغرب های زمین که برکت بخشیدی قرار ده. به واسطه او سنت پیامبرت صلی الله علیه و آله را زنده بدار تا از ترس کسی از مخلوقاتت چیزی از حق را پنهان ندارد ، یاورانش را قدرت بخش و کسانی که او را تنها می گذارند، خوار گردان و هر کس که او را به درد آورد، خشم بگیر و هر کس که او را فریب دهد، واژگون کن.

خدایا به واسطه او سرکشان کفر و پایه‌ها و ستون‌های آن را به قتل برسان و به سبب او، سران گمراهی و بدعت گذاران و زداینده سنت و تقویت کننده باطل را برشکن و به واسطه او، کافران و تمامی انکارکنندگان در شرق و غرب زمین و در خشکی و دریا و دشت و کوه آن از میان بردار تا اینکه میخی از آنها را قرار ندهی و هیچ آثاری از آنان بر جای نگذاری.

خدایا سرزمین خود را از آنان پاک ساز و بندگانت را از شر آنان شفا ده و به سبب او مؤمنان را عزت بخش و به واسطه او سنت‌های رسولان را زنده بدار و حکمت پیامبران را حفظ کن و هر آنچه از دین خود که محو گشت و احکامی که تغییر کردند را تجدید کن تا دین خود را به واسطه او و به دوستان او جدید تازه پاک سالم بازگردانی به طوری که هیچ انحراف و بدعتی در آن نباشد و تا با عدل او تاریکی ظلم را

روشن کنی و آتش کفر را به وسیله او خاموش گردانی و پیچیدگی‌های حق و عدل ناشناخته را به سبب او روشن کنی.

خدایا به راستی او بنده توست که برای خود برگزیدی و از میان مخلوقات انتخاب کردی و او را بر بندگانت برگزیدی و بر نهانت ایمن گردانیدی، و از گناهان باز داشتی و از عیب‌ها به دور داشتی و از آلودگی پاک کردی و از پلیدی سالم داشتی.

خدایا در روز قیامت و در روز رخداد آن مصیبت بزرگ ما برای او شهادت می‌دهیم که جرمی نیاورد و گناهی نکرد و معصیتی مرتکب نشد و اطاعتی را تباه نساخت و حرمتی از تو را هتک نکرد و واجبی از تو را تغییر نداد و شریعت تو را دگرگون نساخت و به راستی او هدایت گر راه یافته پاک تقوا پیشه بی‌آلایش پسندیده وارسته است.

خدایا بر او پدرانش درود فرست و عطا کن به او در جان و خانواده و فرزند و نسل و امت و تمامی رعیت او، آنچه را که چشمش را بدان روشن کنی و جانش را بدان مسرور گردانی و فرمانروایی تمامی مملوکات، دور و نزدیک و عزیز و ذلیل آن را برای او گرد آوری به طوری که حکم او بر تمامی احکام جاری شود و با حق خود بر تمامی باطل پیروز گردد.

خداوندا ما را به دستان او بر راه هدایت و راه بزرگ روشن و راه میانه، حرکت بده به آن راهی که پیش رونده بدان باز گردد و دنباله‌رو در آن جا ملحق گردد. به خاطر آگاهی بر اطاعت او، ما را بر همراهی او استوار ساز و بر دنباله‌روی او منت بخش و ما را در حزب او از به پاداران امر او، شکیبایان همراه او، کسانی که با خیرخواهی او به دنبال رضایت تو هستند، قرار ده تا اینکه ما را در روز قیامت از یاران و پیروان و تقویت‌کنندگان پادشاهی او محشور گردانی.

خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و آن را برای ما عاری از هر گونه شک و شبهه و ریا و سمعه قرار ده تا بر غیر تو تکیه نکنیم و جز روی تو را طلب نکنیم و تا اینکه ما را بر مکان او وارد کنی، و در بهشت به همراه او قرار دهی و ما را از خستگی و تنبلی و سستی پناه ده و ما را از کسانی قارر ده که واسطه آنان دینت را یاری می‌کنی و یاری ولیت را محکم می‌گردانی و دیگران را جایگزین ما مکن، به راستی که قرار دادن دیگران به جای ما بر تو آسان است و بر ما دشوار.

خدایا بر والیان روزگار او و امامان پس از او درود فرست و آنان را به آرزوهاشان برسان، عمرشان را طولانی گردان و یاری‌شان عزت بخش و آنچه از امر خود به آنان واگذار کردی، کامل کن و ستون‌هاشان را استوار گردان و ما را یاوران آنان و یاری‌کنندگان دینت قرار ده و بر پدران پاک و امامان هدایتگر درود فرست.

خداوندا به راستی که آنان سرچشمه‌های کلمات تو و خزانه های علم تو و والیان امر تو و خالصان بندگانت و برگزیدگان خلقت و اولیای تو و از نسل اولیای تو و برگزیده فرزندان رسولان تواند، سلام و رحمت و برکات خداوند بر آنان باد.

خدایا و شریکان در امر او و یاری‌گران او بر طاعتت، کسانی که آنها را دژ و سلاح و پناهگاه و مایه انس او قرار دادی و کسانی که خانواده و فرزندان را فراموش کردند و از وطن خویش دوری گزیدند و بسترهای نرم را رها کردند، تجارتشان را تعطیل کردند و به معیشتشان آسیب زدند و در جمعشان کم پیدا شدند بدون اینکه از سرزمینشان غائب شوند و با دوری که آنها را بر کارشان یاری کند، هم‌پیمان گشتند و با نزدیکی که در مقابلشان بایستد مخالفت نمودند و پس از پشت نمودن و از هم بریدن در روزگارشان گرد آمدند و سبب‌های متصل به متاع بی‌چیز دنیا را بریدند. خداوندا آنان را در پناه و سایه جوار خود قرار ده و قدرت کسانی از خلقت که قصد دشمنی با آنان را دارند، از آنها برگردان و دعوت و کفایت و کمک و تایید و یاری‌ات چنان بر آنان فراوان کن که آنها را به اطاعت خویش کمک کنی و به حق آنان باطل کسانی که خاموشی نورت را خواهند، زائل کن و بر محمد و خاندان او درود فرست و هر گوشه‌ای از آفاق و هر سرزمینی از سرزمین‌ها را به آنان از قسط و عدل و فضل و رحمت آکنده ساز و به میزان کرم و بخشش و آنچه از عدل که بر جهانیان بخشیدی از آنان سپاسگزاری کن، و از پاداش خود برای آنان ذخیره کن تا به واسطه آن بر درجات آنان بیافزایی، به راستی که تو هرآنچه خواهی، انجام می‌دهی و آنچه اراده

کنی، حکم می‌نمایی، اجابت نما ای پروردگار جهانیان. - . جمال الاسبوع: ۵۱۹ – ۵۱۲ -

**[ترجمه]

«۶»

مهج، [مهج الدعوات] بِإِسْنَادِنَا إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجُعْفِيِّ الْمَعْرُوفِ بِالصَّابُونِيِّ فِي جُمْلَةِ حَدِيثٍ بِإِسْنَادِهِ وَ ذَكَرَ فِيهِ غَيْبَةَ الْمَهْدِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: قُلْتُ كَيْفَ تَصْنَعُ شِيعَتُكَ قَالَ عَلَيْكُمْ بِالدُّعَاءِ وَ انْتِظَارِ الْفَرَجِ وَ إِنَّهُ سَيَبْدُو لَكُمْ عَلَمٌ فَإِذَا بَدَا لَكُمْ فَاحْمَدُوا اللَّهَ وَ تَمَسَّكُوا بِمَا بَدَا لَكُمْ قُلْتُ فَمَا نَدْعُو بِهِ قَالَ تَقُولُ اللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَّفْتَنِي نَفْسَكَ وَ عَرَّفْتَنِي رَسُولَكَ وَ عَرَّفْتَنِي مَلَائِكَتَكَ وَ عَرَّفْتَنِي وُلَاةَ أَمْرِكَ اللَّهُمَّ لَا آخُذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ وَ لَا أَقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ اللَّهُمَّ لَا تُغَيِّبْنِي عَنْ مَنَازِلِ أَوْلِيَائِكَ وَ لَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي اللَّهُمَّ اهْدِنِي لِوَلَايَةِ مَنِ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ (۲).

**[ترجمه]مهج الدعوات: با استناد به محمد بن احمد بن ابراهیم جعفر معروف به صابونی در احادیثی که با سند اوست، و در آن از غیبت حضرت مهدی صلوات الله علیه سخن آورد، گفتم شیعیان شما چگونه عمل می‌کنند؟ فرمودند: بر شما باد به دعا و انتظار فرج و به راستی که برای شما علمی پدیدار خواهد گشت، پس هرگاه چنین شد، خدا را سپاس گویید و به آنچه به شما ظاهر گشت تمسک بجویید، عرض کردم: چه دعایی بخوانیم؟ فرمودند: می‌گویی:

«خدایا تو خود را به من شناساندی و رسولت را شناساندی و فرشتگانت را شناساندی و والیان امرت را شناساندی، خداوندا نمی‌گیرم جز آنچه تو عطا کنی و نمی‌پرهیزم جز آنچه تو باز داری. خداوندا مرا از منزلگاه‌های اولیای خود پنهان مکن و قلبم را پس از آنکه هدایت نمودی، گمراه مکن، خدایا مرا به ولایت کسی که اطاعتش را واجب کردی، هدایت کن». - . مهج الدعوات: ۴۱۴ -

**[ترجمه]

«۷»

مهج، [مهج الدعوات] وَ رَأَيْتُ أَنَا فِي الْمَنَامِ مَنْ يُعَلِّمُنِي دُعَاءً يَصْلَحُ لِأَيَّامِ الْغَيْبَةِ وَ هَذِهِ أَلْفَاظُهُ: يَا مَنْ فَضَّلَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ إِسْرَائِيلَ عَلَى الْعَالَمِينَ بِاخْتِيَارِهِ وَ أَظْهَرَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ عِزَّةَ اقْتِدَارِهِ وَ أَوْدَعَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله وَ أَهْلَ بَيْتِهِ غَرَائِبَ أَسْرَارِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَعْوَانِ حُجَّتِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَ أَنْصَارِهِ (۳).

وَ حَدَّثَنِي صَدِيقُنَا الْمَلِكُ مَسْعُودٌ خَتَمَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لَهُ بِإِنْجَازِ الْوُعُودِ: أَنَّهُ رَأَى فِي مَنَامِهِ شَخْصاً يُكَلِّمُهُ مِنْ وَرَاءِ حَائِطٍ وَ لَمْ يَرَ وَجْهَهُ وَ يَقُولُ يَا صَاحِبَ الْقَدْرِ وَ الْأَقْدَارِ وَ الْهِمَمِ وَ الْمَهَامِّ عَجِّلْ فَرَجَ عَبْدِكَ وَ وَلِيِّكَ وَ الْحُجَّةِ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ فِي خَلْقِكَ وَ اجْعَلْ لَنَا فِي ذَلِكَ الْخِيَرَةَ(۴).

ص: ۳۳۶

۱- ۱. جمال الأسبوع: ۵۱۲- ۵۱۹.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۴۱۴.

۳- ۳. مهج الدعوات ص ۴۱۵ و ۴۱۶.

۴- ۴. مهج الدعوات ص ۴۱۵ و ۴۱۶.

**[ترجمه]مهج الدعوات: و در خواب دیدم کسی دعایی را به من می‌آموزد که شایسته دوران غیبت است و دعا این است:

ای کسی که خانـدان ابراهیم و خانـدان اسـرائیل را بـا انتخاب خویش بر جهانیان برتری داد و عزت اقتـدار خویش را در باطن آسـمان و زمین آشـکار نمود و رازهـای شـگفت خود را نزد محمـد صـلی الله علیه و آله و اهل بیتش، ودیعه نهاد، بر محمـد و خانـدان او درود فرست و مرا از یاران و یاری‌گران حجت خویش بر بندگانت قرار ده. - . مهج الدعوات: ۴۱۶ و ۴۱۵ -

دوست ما ملک مسعود که خداونـد جلّ جلاله وعـده‌های خویش را در حق او تحقق بخشـد، نقل کرد، در خواب شخصـی را دیـد که با او از پشت دیوار سخن می‌گوید و چهره او را ندید و می‌گوید: «ای صاحب اندازه و سنجش‌ها و غم‌ها و امور مهم در فرج بنده ات و ولیّت و حجت قائم به امر تو در میان مخلوقاتت، تعجیل فرما و برای ما در آن خیر قرار ده». - . مهج الدعوات: ۴۱۶ و ۴۱۵ -

**[ترجمه]

«۸»

مهج، [مهج الدعوات] حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ دَقَّاقٍ الْقُمِّيُّ أَبُو جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَاذَانَ الْقُمِّيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ بَابَوَيْهِ الْقُمِّيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ مَرَّةً وَاحِدَةً فِي دَهْرِهِ كُتِبَ فِي رِقِّ الْعُبُودِيَّةِ وَ رُفِعَ فِي دِيوَانِ الْقَائِمِ علیه السلام فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا نَادَى بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ ثُمَّ يُدْفَعُ إِلَيْهِ هَذَا الْكِتَابُ وَ يُقَالُ لَهُ خُذْ هَذَا كِتَابَ الْعَهْدِ الَّذِي عَاهَدْتَنَا فِي الدُّنْيَا وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمنِ عَهْداً(۱) وَ ادْعُ بِهِ وَ أَنْتَ طَاهِرٌ تَقُولُ اللَّهُمَّ يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا آخِرَ الْآخِرِينَ يَا قَاهِرَ الْقَاهِرِينَ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى عَلَوْتَ فَوْقَ كُلِّ عُلُوٍّ هَذَا يَا سَيِّدِي عَهْدِي وَ أَنْتَ مُنْجِزٌ وَعْدِي فَصِلْ يَا مَوْلَايَ وَعْدِي وَ أَنْجِزْ وَعْدِي آمَنْتُ بِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِحِجَابِكَ الْعَرَبِيِّ وَ بِحِجَابِكَ الْعَجَمِيِّ وَ بِحِجَابِكَ الْعِبْرَانِيِّ وَ بِحِجَابِكَ السُّرْيَانِيِّ وَ بِحِجَابِكَ الرُّومِيِّ وَ بِحِجَابِكَ الْهِنْدِيِّ وَ أَثْبِتْ مَعْرِفَتِكَ بِالْعِنَايَةِ الْأُولَى فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا تُرَى وَ أَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِرَسُولِكَ الْمُنْذِرِ صلی الله علیه و آله وَ بِعَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ الْهَادِي وَ بِالْحَسَنِ السَّيِّدِ وَ بِالْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ سِبْطَيْ نَبِيِّكَ وَ بِفَاطِمَةَ الْبَتُولِ وَ بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ ذِي الثَّفِنَاتِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَنْ عِلْمِكَ وَ بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الَّذِي صَدَّقَ بِمِيثَاقِكَ وَ بِمِيعَادِكَ وَ بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْحَصُورِ الْقَائِمِ بِعَهْدِكَ وَ بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الرَّاضِي بِحُكْمِكَ وَ بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَبْرِ الْفَاضِلِ الْمُرْتَضَى فِي الْمُؤْمِنِينَ وَ بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَمِينِ الْمُؤْتَمَنِ هَادِي الْمُسْتَرْشِدِينَ وَ بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ خِزَانَةِ الْوَصِيِّينَ.

۱- ۱. مریم: ۸۷.

وَ أَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ بِالْإِمَامِ الْقَائِمِ الْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ الْمَهْدِیِّ إِمَامِنَا وَ ابْنِ إِمَامِنَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ یَا مَنْ جَلَّ فَعَظُمَ وَ هُوَ أَهْلُ ذَلِکَ فَعَفَا وَ رَحِمَ یَا مَنْ قَدَرَ فَلَطُفَ أَشْکُو إِلَیْکَ ضَعْفِی وَ مَا قَصُرَ عَنْهُ عَمَلِی مِنْ تَوْحِیدِکَ وَ کُنْهِ مَعْرِفَتِکَ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِالتَّسْمِیَةِ الْبَیْضَاءِ وَ بِالْوَحْدَانِیَّةِ الْکُبْرَی الَّتِی قَصُرَ عَنْهَا مَنْ أَدْبَرَ وَ تَوَلَّی وَ آمَنْتُ بِحِجَابِکَ الْأَعْظَمِ وَ بِکَلِمَاتِکَ التَّامَّةِ الْعُلْیَا الَّتِی خَلَقْتَ مِنْهَا دَارَ الْبَلَاءِ وَ أَحْلَلْتَ مَنْ أَحْبَبْتَ جَنَّةَ الْمَأْوَی آمَنْتُ بِالسَّابِقِینَ وَ الصِّدِّیقِینَ أَصْحَابِ الْیَمِینِ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الَّذِینَ خَلَطُوا عَمَلًا صالِحاً وَ آخَرَ سَیِّئاً أَلَّا تُوَلِّیَنِی غَیْرَهُمْ وَ لَا تُفَرِّقَ بَیْنِی وَ بَیْنَهُمْ غَداً إِذَا قَدَّمْتُ الرِّضَا بِفَصْلِ الْقَضَاءِ آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَ عَلَانِیَتِهِمْ وَ خَوَاتِیمِ أَعْمَالِهِمْ فَإِنَّکَ تَخْتِمُ عَلَیْهَا إِذَا شِئْتَ یَا مَنْ أَتْحَفَنِی بِالْإِقْرَارِ بِالْوَحْدَانِیَّةِ وَ حَبَانِی بِمَعْرِفَةِ الرُّبُوبِیَّةِ وَ خَلَّصَنِی مِنَ الشَّکِّ وَ الْعَمَی رَضِیتُ بِکَ رَبّاً وَ بِالْأَصْفِیَاءِ حُجَجاً وَ بِالْمَحْجُوبِینَ أَنْبِیَاءَ وَ بِالرُّسُلِ أَدِلَّاءَ وَ بِالْمُتَّقِینَ أُمَرَاءَ وَ سَامِعاً لَکَ مُطِیعاً هَذَا آخِرُ الْعَهْدِ الْمَذْکُورِ(۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کس این دعا را یک بار در عمر خود بخواند در سلک بندگی نوشته شود و در دیوان قائم علیه السلام ثبت گردد، زمانی که قائم قیام کند، اسم خود و پدرش را ندا می کند، سپس این نوشته به او داده می‌شود و به او گفته می‌شود: بگیر! این نوشته پیمانی است که در دنیا عهد آن را بستی و این سخن خداوند عزّ و جلّ است «به جز کسی که در نزد خداوند بخشایشگر عهدی بگیرد» - . مریم/۸۷ -

و در حالی که طهارت داری این دعا را بخوان:

«خداوندا ای خدای خدایان، ای یگانه، ای یکتا، ای آخرین واپسین‌ها، ای چیره بر چیره یافتگان، ای بلند ای بزرگ، تو بلندمرتبه والایی، به هر بلندی برتری جستی، ای سرور من، این عهد من است و تو به وعده من وفا می کنی پس ای مولای من، وعده مرا به هم رسان و آن را محقق ساز به تو ایمان آوردم و از تو مسألت می کنم به حجاب عربی و حجاب عصمی و حجاب عبری و حجاب سریانی و حجاب روس و حجاب هندی، معرفت خویش را با نخستین عنایت ثابت بدار به راستی که تو خدایی دیده نمی‌شوی و در تماشاگه برتری.

و نزدیکی می‌جویم به تو به رسول بیم‌دهنده تو صلی الله علیه و آله و به علی امیر مؤمنان درود خدا بر او که هدایت‌گر است و به حسن سرور و حسین شهید دو فرزند پیامبر تو و به فاطمه بتول و به علی بن حسین زینت بندگان و صاحب پینه ها و به محمد بن علی شکافنده علم تو جعفر بن محمد صادق که پیمان و وعده تو را تصدیق کرد و به موسی بن جعفر که در زندان بود و به پادارنده پیمان تو و به علی بن موسی الرضا خشنود از حکم تو و به محمد بن علی عالم فاضل پسندیده در میان مؤمنان و به علی بن محمد امین مورد اعتماد راهنمای هدایت‌خواهان و به حسن بن علی پاک بی‌آلایش خزانه جانشینان .

و به امام به پادارنده عدل مورد انتظار و هدایت یافته، امام ما و فرزند امامان صلوات الله علیهم أجمعین، به تو نزدیکی می‌جویم.

ای کسی که شکوه یافت و بزرگ گشت و شایسته آن است، پس گذشت و رحم کرد، ای کسی که توانا گشت و آگاه شد، از سستی خود و آنچه کردار من از یگانگی تو و معرفتت کوتاه آمد، به درگاه تو شکایت می کنم، و به نامگذاری سپید و وحدانیت بزرگ که هر کس پشت نمود و فرار کرد از آن کوتاه ماند و ایمان آوردم به حجاب اعظم تو و به کلمات والا و کامل تو که سرای بلا را از آن آفریدی و هر کس را که دوست داشتی در بهشتی که پناهگاهی است، جای دادی. ایمان آوردم به کسانی که سبقت جستند و صدیقان و اصحاب یمین از مؤمنان و کسانی که عمل نیک را با ناپسند درآمیختند و دیگران را بر من ولایت نبخشی و فردا آن هنگام که به قضای محکم تو رضایت داشتم، میان و من و آنان جدایی نیانداز.

به نهان و آشکار آنان و پایان اعمالشان ایمان آوردم، به راستی که تو هرگاه خواستی بر آنان پایان می بخشی ای که اقرار به وحدانیت را به من ارمغان بخشیدی و معرفت ربوبی ات را به من ارزانی داشتی و مرا از شک و کوری رها کن. از تو به عنوان پروردگار خویش راضی گشتم و از برگزیدگان به عنوان حجت ها و آنان که در پرده اند، پیامبران و رسولان را، دلیلان و تقواپیشگان را، امیران و خود را شنونده تو و مطیع

امرت خشنود شدم.

این آخرین دعایی است که ذکر شد. - ۱. مهج الدعوات: ۴۲۰- ۴۱۸ -

**[ترجمه]

باب ۱۱۶ ما یسکن الغضب

الأخبار

«۱»

مکا، [مکارم الأخلاق] عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: أَيُّمَا رَجُلٍ غَضِبَ وَ هُوَ قَائِمٌ فَلْيَجْلِسْ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ عَنْهُ رِجْزُ الشَّيْطَانِ وَ مَنْ غَضِبَ عَلَى رَحِمٍ مَاسَّهٍ فَلْيَمَسَّهُ يَسْكُنْ عَنْهُ الْغَضَبُ (۲).

وَ عَنْهُ علیه السلام قَالَ: قُلْ عِنْدَ الْغَضَبِ اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّی غَيْظَ قَلْبِی وَ اغْفِرْ لِی

ص: ۳۳۸

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۴۱۸- ۴۲۰.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۰۳.

ذَنْبِی وَ أَجِرْنِی مِنْ مَضَلَّاتِ الْفِتَنِ أَسْأَلُکَ رِضَاکَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ سَخَطِکَ أَسْأَلُکَ جَنَّتَکَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارِکَ وَ أَسْأَلُکَ الْخَیْرَ کُلَّهُ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الشَّرِّ کُلِّهِ اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِی عَلَی الْهُدَی وَ الصَّوَابِ وَ اجْعَلْنِی رَاضِیاً مَرْضِیّاً غَیْرَ ضَالٍّ وَ لَا مُضِلٍ (۱).

وَ قَالَ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی یَا ابْنَ آدَمَ اذْکُرْنِی حِینَ تَغْضَبُ أَذْکُرْکَ حِینَ أَغْضَبُ فَلَا أَمْحَقَکَ فِیمَنْ أَمْحَقُ (۲).

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَنْ کَفَّ غَضَبَهُ عَنِ النَّاسِ کَفَّ اللَّهُ عَنْهُ غَضَبَهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ(۳)

أَیْضاً فِی الْغَضَبِ یُصَلِّی عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله وَ یَقُولُ وَ یُذْهِبْ غَیْظَ قُلُوبِهِمْ اللَّهُمَّ اغْفِرْ ذُنُوبِی وَ أَذْهِبْ غَیْظَ قَلْبِی وَ أَجِرْنِی مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ (۴).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هر کس که خشمگین شد و در حالی که ایستاده است، باید بنشیند، به راستی که رجز شیطان از او می‌رود و هر کس برفردی از نزدیکان خود خشم گیرد پس او را لمس کند که خشمش آرام گیرد. - . مکارم الاخلاق: ۴۰۳ -

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هنگام خشم بگو: «خدایا خشم قلب مرا از من ببر و گناهم را بیامرز و از فتنه‌های گمراه کننده پناه ده، از تو خشنودی‌ات را مسألت می‌کنم و از خشمت به تو پناه می‌برم، بهشت تو را خواهانم و از آتش تو به تو پناه می‌جویم. و تمامی خیر را از تو مسألت می‌کنم و از تمامی شر به تو پناه می‌برم، خدایا مرا به هدایت و درستی استوار بدار و مرا راضی پسندیده، قرار ده. بدون اینکه گمراه و یا سبب گمراهی گردم. - . مکارم الاخلاق: ۴۰۳ -

و فرمودند: خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای فرزند آدم هنگامی که خشمگین می‌شوی مرا یاد کن تا تو را به یاد آرم، آنگاه که خشم می... گیرم پس تو را در آنان که نابود شدند از بین نمی‌برم. - . مکارم الاخلاق: ۴۰۳ -

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس خشمش را از مردم باز دارد، خداوند خشم خود را در روز قیامت از او بازمی‌دارد. - . مکارم الاخلاق: ۴۰۳ -

و نیز در خشم خود بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستد و بگوید: «و خشم دل‌هاشان می‌رود خدایا گناهانم را بیامرز و خشم قلبم را ببر و مرا از شیطان رانده شده پناه ده و هیچ نیرو و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه بزرگ تحقق نپذیرد». - . مکارم الاخلاق: ۴۰۳ -

**[ترجمه]

«۲»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: لَوْ قَالَ أَحَدُکُمْ إِذَا غَضِبَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ ذَهَبَ عَنْهُ غَضَبُهُ.

وَ قَالَ رَجُلٌ یَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِی فَقَالَ صلی الله علیه و آله أُوصِیکَ أَنْ لَا تَغْضَبَ.

وَ قَالَ: إِذَا غَضِبَ أَحَدُکُمْ فَلْیَتَوَضَّأْ.

**[ترجمه]دعوات الراوندی: حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هر کس هنگام خشم بگوید: «أعوذ بالله من الشیطان الرجیم: پناه می‌برم به خداوند از شر شیطان رانده شده». خشمش فرو کش می کند.

شخصی گفت: ای رسول خدا مرا نصیحت کنید، آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: تو را نصیحت می‌کنم که خشمگین نشوی و فرمودند: هرگاه کسی از شما به خشم آمد، وضو بگیرد .

**[ترجمه]

باب ۱۱۷ ما یوجب التذکر إذا نسی شیئا

الأخبار

«۱»

مکا، [مکارم الأخلاق] عَنِ النَّوْفَلِیِّ عَنِ السَّکُونِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا أَنْسَاکَ الشَّیْطَانُ شَیْئاً فَضَعْ یَدَکَ عَلَی جَبْهَتِکَ وَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ یَا مُذَکِّرَ الْخَیْرِ وَ فَاعِلَهُ وَ الْآمِرَ بِهِ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تُذَکِّرَنِی مَا أَنْسَانِیهِ الشَّیْطَانُ (۵).

ص: ۳۳۹

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۰۳.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۰۳.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۰۳.

۴- ۴. مکارم الأخلاق ص ۴۰۳.

۵- ۵. مکارم الأخلاق ص ۴۱۰.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه شیطان چیزی را از خاطر تو برد، دستت را بر پیشانی‌ات قرار ده و بگو: خداوندا از تو می‌خواهم ای به یادآورنده خیر و انجام دهنده آن و امر کننده به آن، بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و آنچه را شیطان از خاطرم برد، به یادم آوری. - . مکارم الاخلاق: ۴۲۵ -

**[ترجمه]

باب ۱۱۸ ما یوجب دفع الوحشه و ما یناسب ذلک فی الوحشه

الأخبار

«۱»

مکا، [مکارم الأخلاق] رُوِیَ: أَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله شَکَا إِلَیْهِ رَجُلٌ الْوَحْشَهَ فَقَالَ أَکْثِرْ مِنْ أَنْ تَقُولَ هَذَا فَقَالَهُنَّ فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ الْوَحْشَهَ وَ هُوَ سُبْحَانَ رَبِّیَ الْمَلِکِ الْقُدُّوسِ رَبِّ الْمَلَائِکَهِ وَ الرُّوحِ خَالِقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ذِی الْعِزَّهِ وَ الْجَبَرُوتِ (۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: روایت است شخصی به نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از وحشت، شکایت کرد، پس فرمودند: بسیار این کلمات را بر زبان بیاور، و او آنها را گفت و خداوند وحشت را از او برد و این است: «منزه است پروردگار من فرمانروای بی‌آلایش، پروردگار فرشتگان و روح، آفریننده آسمان و زمین، صاحب عزت و جبروت». - . مکارم الاخلاق: ۴۰۴ -

**[ترجمه]

باب ۱۱۹ ما یدفع قله الحفظ

الأخبار

«۱»

أَقُولُ وَ رَأَیْتُ مَنْقُولًا مِنْ خَطِّ الشَّیْخِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْجُبَعِیِّ نَقْلًا مِنْ خَطِّ الشَّهِیدِ قُدِّسَ سِرُّهُمَا عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: عَلَّمَنِی رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَا أَتَقَوَّی بِهِ عَلَی الْحِفْظِ حِینَ شَکَوْتُ إِلَیْهِ قِلَّهَ الْحِفْظِ فَقَالَ أَ لَا أُهْدِی لَکَ هَدِیَّهً یَا ابْنَ عَبَّاسٍ عَلَّمَنِی إِیَّاهَا جَبْرَئِیلُ علیه السلام فَقُلْتُ بَلَی یَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لِی تَکْتُبُ فِی طَسْتٍ بِزَعْفَرَانٍ وَ مَاءِ الْوَرْدِ فَاتِحَهَ الْکِتَابِ وَ التَّوْحِیدَ وَ الْمُعَوِّذَتَیْنِ وَ یس وَ الْحَشْرَ وَ الْوَاقِعَهَ وَ الْمُلْکَ ثُمَّ تَصُبُّ عَلَیْهِ مَاءَ زَمْزَمَ أَوْ مَاءَ السَّمَاءِ وَ تَشْرَبُ عَلَی الرِّیقِ وَقْتَ السَّحَرِ وَ ذَلِکَ مَعَ ثَلَاثِ مَثَاقِیلِ لُبَانٍ وَ عَشْرِ مَثَاقِیلِ عَسَلٍ وَ عَشْرِ مَثَاقِیلِ سُکَّرٍ ثُمَّ تُصَلِّی بَعْدَ شُرْبِهِ عَشْرَ رَکَعَاتٍ تَقْرَأُ فِی کُلِّ رَکْعَهٍ بِفَاتِحَهِ الْکِتَابِ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثُمَّ تُصْبِحُ صَائِماً ذَلِکَ الْیَوْمَ فَمَا تَأْتِی عَلَیْکَ أَرْبَعُونَ یَوْماً حَتَّی تَکُونَ حَافِظاً بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَی.

قیل و کان الزهری یکتبها لأولاده و یسقیهم إیاها قال ابن عاصم: کتبتها کثیرا و کنت ابن اثنتین و خمسین سنه فما أتی علی شهر حتی صرت حافظا بإذن الله تعالی.

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۰۴.

**[ترجمه]می گویم: به خط شیخ محمد بن علی جبعی به نقل از خط شهید قدس سرها از ابن عباس دیدم نقل کرد: زمانی که از کمی حافظه به نزد رسول خدا شکایت کردم رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی به من آموخت که به واسطه آن بر حفظ کردن، نیرو گرفتم و فرمودند: ای فرزند عباس، آیا به تو هدیه‌ای ندهم که جبرئیل علیه السلام آن را به من آموخت؟ عرض کردم: چرا ای رسول خدا، پس به من فرمودند: در تشتی با زعفران و گلاب، فاتحه الکتاب و توحید و معوذ تین و یس و حشر و واقعه و ملک را می‌نویس سپس آب زمزم یا آب آسمان را بر آن می‌ریزی و ناشتا هنگام سحر می‌خوری و البته به همراه سه مثقال شیر و ده مثقال عسل و ده مثقال نبات، پس از نوشیدن آن ده رکعت نماز می گزاری و در هر رکعت آن ده مرتبه فاتحه الکتاب و قل هو الله احد می‌خوانی سپس آن روز را روزه می گیری و چهل روز بر تو نمی گذرد که به اذن خداوند متعال حافظه‌ای خوب پیدا می کنی.

نقل است: زهریّ آن را برای فرزندانش نوشت و به آنان نوشاند.

ابن عاصم نقل کرد: بسیار آن را نوشتم و در سن پنجاه و دو سالگی بودم یک ماه نگذشت که به اذن خداوند متعال، حافظ شدم .

**[ترجمه]

باب ۱۲۰ الدعاء لحفظ القرآن

الأخبار

«۱»

ب، [قرب الإسناد] هَارُونُ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرٌ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام: أَنَّ هَذَا مِنْ دُعَاءِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِتَرْكِ مَعَاصِيكَ أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِي وَ ارْزُقْنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَ أَلْزِمْ قَلْبِي حِفْظَ كِتَابِكَ كَمَا عَلَّمْتَنِي وَ اجْعَلْنِي أَتْلُوهُ عَلَى النَّحْوِ الَّذِي يُرْضِيكَ عَنِّي اللَّهُمَّ نَوِّرْ بِكِتَابِكَ بَصَرِي وَ اشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَ فَرِّجْ بِهِ قَلْبِي وَ أَطْلِقْ بِهِ لِسَانِي وَ اسْتَعْمِلْ بِهِ بَدَنِي وَ قَوِّنِي عَلَى ذَلِكَ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ (۱).

**[ترجمه]قرب الاسناد: ابن صدقه نقل کرد: حضرت صادق علیه السلام از پدرانشان علیهم السلام روایت نمود که این از دعای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است: «خدایا مادامی که مرا زنده نگاه داشتی با دوری از معصیت‌های خود بر من رحم کن و خوش‌بینی در آنچه تو را از من راضی می گرداند، روزی‌ام کن و حفظ کتابت را همانطور که به من آموختی، بر قلبم ملزم کن، و مرا دنباله‌رو آن قرار ده به همان شکلی که تو را راضی می‌سازد. خدایا با کتاب خود، دیدگانم را روشن گردان و بدان، سینه‌ام را وسعت بخش و قلبم را بگشا و زبانم را به سبب آن رها کن و بدنم را در راه آن به کار گیر و مرا بر آن قدرت بخش به راستی که هیچ نیرو و قدرتی جز تو وجود ندارد». - . قرب الاسناد: ۵ -

**[ترجمه]

باب ۱۲۱ الدعاء لتبعات العباد

الأخبار

«۱»

ب، [قرب الإسناد] ابْنُ سَعْدٍ عَنِ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ علیه السلام قَالَ كَانَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَخَذْتَ بِنَاصِيَتِي وَ قَلْبِي فَلَمْ تُمْلِكْنِي مِنْهُمَا فَإِذْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِمَا فَأَنْتَ وَلِيُّهُمَا فَأَدِّهِمَا إِلَى سَوَاءِ السَّبِيلِ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ مَا أَقْدَرَكَ مَا أَقْدَرَكَ مَا أَقْدَرَكَ عَلَى تَعْوِيضِ كُلِّ مَنْ كَانَتْ لَهُ

قِبَلِی تَبِعَهٌ وَ تَغْفِرُ لِی فَإِنَّ مَغْفِرَتَکَ لِلظَّالِمِینَ (۲).

**[ترجمه]قرب الاسناد: از امام موسی کاظم علیه السلام روایت است، می‌فرمودند: خدایا به راستی که اختیار و دل من به دست توست، و مرا بر آنها مسلط نگرداندی و هرگاه بر آن دو چنین کردی پس تو سرپرست آنهایی و آنها را به راه راست بکشانی، پروردگارا پروردگارا پروردگارا، تو چقدر توانایی چقدر توانای چقدر توانایی بر این که حقوقی که بر گردن من است جبران کنی و مرا بیامرزی، به راستی که آمرزش تو برای ستمکاران است. - . قرب الاسناد: ۱۷۶ -

**[ترجمه]

«۲»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی التَّمَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِی عُثْمَانَ عَنِ الْعُتْبِیِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَعْرَابِیّاً یَدْعُو فَیَقُولُ فِی دُعَائِهِ اللَّهُمَّ إِنَّ لَکَ عَلَیَّ حُقُوقاً فَتَصَدَّقْ بِهَا عَلَیَّ وَ لِلنَّاسِ عَلَیَّ تَبِعَاتٌ فَتَحَمَّلْهَا عَنِّی وَ قَدْ أَوْجَبْتَ لِکُلِّ ضَیْفٍ قِرًی وَ أَنَا ضَیْفُکَ فَاجْعَلْ قِرَایَ اللَّیْلَةَ الْجَنَّةَ(۳).

ص: ۳۴۱

۱- ۱. قرب الإسناد ص ۵.

۲- ۲. قرب الإسناد ص ۱۷۶.

۳- ۳. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۴.

**[ترجمه]أمالي: عتبى نقل كرد از يک عرب بيابان‌نشين شنيدم كه در دعايش مى‌گفت: «خدايا تو را بر گردن من حقوقى است پس آنها را به من صدقه بده و از مردم نيز حقوقى بر گردن من است پس آن را در عوض من به دوش كش و تو پذيرايى هر ميهمانى را واجب كردى و من مهمان توام و امشب پذيرايى مرا بهشت قرار ده». - . أمالى الطوسى ١: ۴ -

**[ترجمه]

باب ۱۲۲ الدعاء عند الاحتضار

الأخبار

أقول

قد أوردنا أكثر أخبار هذا الباب فى كتاب الطهاره و لنذكر هنا نبذا من ذلك.

**[ترجمه]بسيارى از روايت‌هاى اين باب را در كتاب الطهاره آورديم و در اينجا پاره‌اى از آن را ذكر مى‌كنيم.

**[ترجمه]

«۱»

ما، [الأمالى] للشيخ الطوسى الْمُفِيدُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يُوسُفَ عَنْ زَكَرِيَّا الْمُؤْمِنِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حَضَرَ شَابّاً عِنْدَ وَفَاتِهِ فَقَالَ لَهُ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قَالَ فَاعْتُقِلَ لِسَانُهُ مِرَاراً فَقَالَ لِامْرَأَةٍ عِنْدَ رَأْسِهِ هَلْ لِهَذَا أُمٌّ قَالَتْ نَعَمْ أَنَا أُمُّهُ قَالَ أَ فَسَاخِطَةٌ أَنْتِ عَلَيْهِ قَالَتْ نَعَمْ مَا كَلَّمْتُهُ مُنْذُ سِتِّ حِجَجٍ قَالَ لَهَا ارْضَیْ عَنْهُ قَالَتْ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ بِرِضَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قَالَ فَقَالَهَا فَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله مَا تَرَى فَقَالَ أَرَى رَجُلًا أَسْوَدَ قَبِيحَ الْمَنْظَرِ وَسِخَ الثِّيَابِ مُنْتِنَ الرِّيحِ قَدْ وَلِيَنِی السَّاعَةَ فَأَخَذَ بِكَظَمِی (۱) فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله قُلْ يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَ يَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ اقْبَلْ مِنِّی الْيَسِيرَ وَ اعْفُ عَنِّی الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ فَقَالَهَا الشَّابُّ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله انْظُرْ مَا تَرَى قَالَ أَرَى رَجُلًا أَبْيَضَ اللَّوْنِ حَسَنَ الْوَجْهِ طَيِّبَ الرِّيحِ حَسَنَ الثِّيَابِ قَدْ وَلِيَنِی وَ أَرَى الْأَسْوَدَ قَدْ تَوَلَّى عَنِّی قَالَ أَعِدْ فَأَعَادَ قَالَ مَا تَرَى قَالَ لَسْتُ أَرَى الْأَسْوَدَ وَ أَرَى الْأَبْيَضَ قَدْ وَلِيَنِی ثُمَّ طَفَا(۲) عَلَى تِلْكَ الْحَالِ (۳).

ص: ۳۴۲

۱- ۱. الكظم محركه و بالضم: الحلق أو الفم أو مخرج النفس، و قد يكنى بذلك عن شده الكرب دون أصل المعنى و هو الخنق.

۲- ۲. أى مات و بقى بلا حركه.

۳- ۳. أمالى الطوسیّ ج ۱ ص ۶۳.

**[ترجمه]أمالي: امام صادق عليه السلام فرمودند: رسول خدا صلى الله عليه و آله به هنگام جان دادن جوانى حاضر گشتند و به او فرمودند: بگو: «لا اله الا الله: خدايى جز خداى يگانه نيست» آن جوان گفت ولى زبانش چند بار بند آمد. پس به زنى كه بالاى سر او بود فرمودند: آيا مادرى دارد؟ جواب داد: آرى، من مادر اويم، فرمودند: آيا بر او خشمگينى؟ جواب داد: آرى شش سال است كه با او سخن نگفتم، آن حضرت به او فرمودند: از او راضى شو، او نيز گفت: خداوند به رضايت تو از او راضى گردد، اى رسول خدا، پس رسول خدا صلى الله عليه و آله به او فرمودند، بگو «لا اله الا الله» پس آن را به زبان آورد و پيامبر به او فرمودند: چه مى‌بينى؟ گفت: شخصى سياه، زشت رو مى‌بينم كه لباسى آلوده بر تن دارد و بوى بدى مى‌دهد، همين لحظه به سراغ من آمد و گلويم را گرفت، پس پيامبر صلى الله عليه و آله فرمودند: بگو «اى كسى كه كم را مى‌پذيرد و از بسيار مى‌گذرد، اندك مرا بپذير و از بسيارى من درگذر، به راستى كه تو آمرزنده مهربانى» جوان آن را به زبان آورد و پيامبر صلى الله عليه و آله به او فرمودند: نگاه كن چه مى‌بينى؟ گفت: شخصى سفيد زيبارو، خوشبو كه لباس‌هاى نيكو بر تن دارد ، به من نزديك شد و آن سياه را مى‌بينم كه از من دور شد، فرمود: آن را تكرار كن، پس تكرار كرد آنگاه فرمودند: چه مى‌بينى؟ گفت: سياه را نمى‌بينم و سفيد را مى‌بينم كه به من نزديك شد سپس بر آن حالت جان داد. - . أمالى الطوسى ۱: ۶۳ -

**[ترجمه]

باب ۱۲۳ الدعاء لطلب الولد

الأخبار

«۱»

ما، [الأمالى] للشيخ الطوسى الْمُفِيدُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ النَّحْوِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ الْأَنْبَارِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الطَّائِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّيْمَرِيِّ قَالَ: تَزَوَّجْتُ ابْنَةَ جَعْفَرِ بْنِ مَحْمُودٍ الْكَاتِبِ فَأَحْبَبْتُهَا حُبّاً لَمْ يُحِبَّ أَحَدٌ أَحَداً مِثْلَهُ وَ أَبْطَأَ عَلَيَّ الْوَلَدُ فَصِرْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الرِّضَا عليه السلام فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لَهُ فَتَبَسَّمَ وَ قَالَ اتَّخِذْ خَاتَماً فَصُّهُ فَيْرُوزَجٌ وَ اكْتُبْ عَلَيْهِ رَبِّ لا تَذَرْنِي فَرْداً وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوارِثِينَ قَالَ فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَمَا أَتَى عَلَيَّ حَوْلٌ حَتَّى رُزِقْتُ مِنْهَا وَلَداً ذَكَراً(۱).

**[ترجمه]أمالي: على بن محمد صيمرى نقل كرد: با دختر جعفر بن محمد كاتب ازدواج كردم، و به او چنان علاقمند بودن كه هيچ كس به ديگرى چنين علاقه‌اى نداشت. فرزنددار شدنمان به تأخير افتاد، پس نزد ابى الحسن على بن محمد بن رضا عليه السلام رفتم و آن را براى ايشان ذكر كردم، لبخندى زدند و فرمودند: انگشترى كه نگين آن فيروزه باشد برگير و بر آن بنويس: «پروردگارا مرا تنها مگذار و تو بهترين وارثانى». نقل كرد: چنين كردم، پس يك سال نگذشت كه به سبب آن فرزند پسرى روزى‌ام شد. - . أمال الطوسى ۱: ۴۸ -

**[ترجمه]

باب ۱۲۴ الدعاء لرؤيه الهلال

الأخبار

أقول

سيجى ء فى أبواب أعمال السنه من كتاب الصيام أيضا أخبار هذا الباب فلا تغفل.

**[ترجمه]در باب‌هاى اعمال سال از كتاب الصيام، روايت‌هاى اين باب نيز ذكر خواهد شد، پس توجه كن.

**[ترجمه]

«۱»

ن، [عیون أخبار الرضا علیه السلام] بِالْإِسْنَادِ إِلَی دَارِمٍ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: کَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا رَأَی الْهِلَالَ قَالَ أَیُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِیعُ الدَّائِبُ السَّرِیعُ الْمُتَصَرِّفُ فِی مَلَکُوتِ الْجَبَرُوتِ بِالتَّقْدِیرِ رَبِّی وَ رَبُّکَ اللَّهُ اللَّهُمَّ أَهِلَّهُ عَلَیْنَا بِالْأَمْنِ وَ الْإِیمَانِ وَ السَّلَامَهِ وَ الْإِسْلَامِ وَ الْإِحْسَانِ وَ کَمَا بَلَّغْتَنَا أَوَّلَهُ فَبَلِّغْنَا آخِرَهُ وَ اجْعَلْهُ شَهْراً مُبَارَکاً تَمْحُو فِیهِ السَّیِّئَاتِ وَ تُثْبِتُ لَنَا فِیهِ الْحَسَنَاتِ وَ تَرْفَعُ فِیهِ الدَّرَجَاتِ یَا عَظِیمَ الْخَیْرَاتِ (۲).

ص: ۳۴۳

۱- ۱. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۴۸.

۲- ۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۷۱.

**[ترجمه]عیون أخبار الرضا: حضرت رضا علیه السلام از پدرانشان علیهم السلام روایت کردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی که هلال را می‌دیدند، می‌فرمودند:

«ای مخلوق فرمانبر، ای رونده کوشا و شتابان، که با اندازه‌گیری در ملکوت جبروت تصرف می‌کنی، پروردگار من و تو، خداست، خدایا آن را بر ما به همراه امنیت و ایمان و سلامتی و ایمنی و نیکی آغاز کن و همانگونه که ما را به اول آن رساندی، به آخر آن نیز برسان، و آن را ماهی مبارک گردان که زشتی‌ها را پاک و نیکی‌ها را ثابت می‌گردانی و رتبه را افزایش می‌دهی، ای خیر فراوان». - . عیون أخبار الرضا علیه السلام ۱: ۷۱ -

**[ترجمه]

«۲»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِیٍّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ زَیْدٍ عَنْ عَمِّهِ عُمَرَ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِیَّهِ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیهم السلام قَالَ: کَانَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله إِذَا نَظَرَ إِلَی الْهِلَالِ رَفَعَ یَدَیْهِ ثُمَّ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ أَهِلَّهُ عَلَیْنَا بِالْأَمْنِ وَ الْإِیمَانِ وَ السَّلَامَهِ وَ الْإِسْلَامِ رَبِّی وَ رَبُّکَ اللَّهُ (۱).

**[ترجمه]أمالی: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هرگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هلال نگاه می‌کردند، دستانشان را بلند می‌کردند و فرمودند:

«به نام خدا، خداوندا آن را با امنیت و ایمان و سلامتی و اسلام بر ما آغاز کن، پروردگار من و تو خداست». - . أمالی الطوسی ۲: ۱۰۹ -

**[ترجمه]

«۳»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هَوْذَةَ عَنِ النَّهَاوَنْدِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ أَبِی مَرْیَمَ عَبْدِ الْغَفَّارِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: کَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا رَأَی الْهِلَالَ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَهَ وَ کَبَّرَ ثُمَّ قَالَ هِلَالُ رُشْدٍ اللَّهُمَّ أَهِلَّهُ عَلَیْنَا بِیُمْنٍ وَ إِیمَانٍ وَ سَلَامَهٍ وَ إِسْلَامٍ وَ هُدًی وَ مَغْفِرَهٍ وَ عَافِیَهٍ مُجَلِّلَهٍ وَ رِزْقٍ وَاسِعٍ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ قَالَ أَبُو مَرْیَمَ فَقُلْتُ هَذَا الْکَلَامَ فَرَأَیْتُ خَیْراً(۲).

**[ترجمه]أمالی: امام باقر از پدرانشان علیهم السلام نقل کردند: رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی که هلال را می‌دیدند به قبله رو می... کردند و تکبیر می‌گفتند سپس می‌فرمودند: هلال هدایت است، خداوندا آن را با برکت و ایمان و سلامتی و اسلام و هدایت و آمرزش و عافیت شکوهمند و روزی گسترده بر ما آغاز کن، به راستی که تو بر هر چیز توانایی.

ابو مریم نقل کرد: این سخن را بر زبان آوردم و خیر دیدم. - . أمالی الطوسی ۲: ۱۰۹ -

**[ترجمه]

«۴»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ الْعَلَوِیِّ عَنْ جَدِّهِ الْحُسَیْنِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ أَبِیهِ إِسْحَاقَ بْنِ

جَعْفَرٍ عَنْ أَخِیهِ مُوسَی عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ الْبَاقِرِ علیهم السلام قَالَ: بَیْنَا أَنَا مَعَ أَبِی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیهما السلام فِی طَرِیقٍ أَوْ مَسِیرٍ إِذْ نَظَرَ إِلَی هِلَالِ شَهْرِ رَمَضَانَ فَوَقَفَ ثُمَّ قَالَ أَیُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِیعُ الدَّائِبُ السَّرِیعُ الْمُتَرَدِّدُ فِی مَنَازِلِ التَّقْدِیرِ الْمُتَصَرِّفُ فِی فَلَکِ التَّدْبِیرِ آمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِکَ الظُّلَمَ وَ أَوْضَحَ بِکَ الْبُهَمَ وَ جَعَلَکَ آیَهً مِنْ آیَاتِ مُلْکِهِ وَ عَلَامَهً مِنْ عَلَامَاتِ سُلْطَانِهِ فَحَدَّ بِکَ الزَّمَانَ وَ امْتَهَنَکَ بِالْکَمَالِ وَ النُّقْصَانِ وَ الطُّلُوعِ وَ الْأُفُولِ وَ الْإِنَارَهِ وَ الْکُسُوفِ فِی کُلِّ ذَلِکَ أَنْتَ لَهُ مُطِیعٌ وَ إِلَی إِرَادَتِهِ سَرِیعٌ سُبْحَانَهُ مَا أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ أَمْرَکَ وَ أَلْطَفَ مَا صَنَعَ فِی شَأْنِکَ جَعَلَکَ مِفْتَاحَ شَهْرٍ لِحَادِثِ أَمْرٍ جَعَلَکَ اللَّهُ هِلَالَ بَرَکَهٍ لَا یَمْحَقُهَا الْأَیَّامُ وَ طَهَارَهٍ لَا تُدَنِّسُهَا الْآثَامُ هِلَالَ أَمَنَهٍ مِنَ الْآفَاتِ وَ سَلَامَهٍ مِنَ السَّیِّئَاتِ هِلَالَ سَعْدٍ لَا نَحْسَ فِیهِ

۱- ۱. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۱۰۹.

۲- ۲. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۱۰۹.

وَ يُمْنٍ لَا نَكَدَ فِيهِ وَ يُسْرٍ لَا يُمَازِجُهُ عُسْرٌ وَ خَيْرٍ لَا يَشُوبُهُ شَرٌّ هِلَالَ أَمْنٍ وَ إِيمَانٍ وَ نِعْمَهٍ وَ إِحْسَانٍ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ أَرْضَى مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ وَ أَزْكَى مَنْ نَظَرَ إِلَيْهِ وَ أَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَکَ فِيهِ وَ وَفِّقْنَا اللَّهُمَّ فِيهِ لِلطَّاعَهِ وَ التَّوْبَهِ وَ اعْصِمْنَا مِنَ الْآثَامِ وَ الْحَوْبَهِ وَ أَوْزِعْنَا شُكْرَ النِّعْمَهِ وَ اجْعَلْ لَنَا فِيهِ عَوْناً مِنْکَ عَلَى مَا تَدِينُنَا إِلَيْهِ مِنْ مُفْتَرَضِ طَاعَتِکَ وَ نَفْلِهَا إِنَّکَ الْأَكْرَمُ مِنْ كُلِّ كَرِيمٍ وَ الْأَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۱).

**[ترجمه]أمالي: امام باقر عليه السلام فرمودند: در راهی یا مسیری به همراه پدرم علی بن حسین علیهما السلام بودم، پس به هلال ماه رمضان نگریستند و ایستادند و سپس خواندند:

ای مخلوق فرمانبر، ای رونده کوشا و شتابان، که در جایگاه‌های اندازه‌گیری سیر می‌کنی و در آسمان تدبیر، تصرف می‌کنی، ایمان آوردم به کسی که تاریکی را به واسطه تو روشن گردانید و به سبب تو الهام‌ها را واضح کرد، و تو را نشانه‌ای از نشانه‌های فرمانروایی‌اش و علامتی از علامت‌های قدرتش قرار داد، و زمان را به وسیله تو مشخص نمود و تو را به کمال کاستی و طلوع و غروب و تابیدن و کسوف به کار گرفت و تو در تمامی اینها از او اطاعت نمودی و به سوی خواست او شتافتی، منزه است، شگفتا از او که امر تو را تدبیر کرد و چه نیکو در شأن تو عمل کرد، تو را کلید ماهی برای امری که پیش آید، قرار داد، خداوند تو را هلال برکتی گرداند که روزها آن را از بین نبرد و پاکی که گناهان آن را آلوده نسازد، هلال ایمنی از آفت‌ها و سلامتی از زشتی‌ها، هلال سعادتی که نحس در آن نیست و برکتی که ناخوشی در آن وجود ندارد، و آسانی که با سختی درنیامیزد و خیری که با شر مخلوط نگردد، هلال امنیت و ایمان و نعمت و احسان.

خداوندا ما را از خشنودترین کسانی که بر آنها طلوع کرد و پاک‌ترین کسانی که به او نگریستند و سعادتمندترین کسانی که در آن به عبادت تو برخاستند، قرار ده، خدایا ما را در آن به اطاعت و توبه، موفق گردان و از گناهان و معصیت حفظ کن و شکر نعمت را به ما عطا کن، و در آن ما را بر واجبات و مستحبات که دین ما را بر آن قرار دادی، یاری فرما، به راستی که تو گرامی‌تر از هر بزرگوار و مهربان‌تر از هر مهربانی، اجابت فرما [اجابت فرما] ای پروردگار جهانیان. - . أمالي الطوسي ۲: ۱۱۰ -

**[ترجمه]

«۵»

مكا، [مكارم الأخلاق]: التَّعَبُّدُ عِنْدَ رُؤْيَهِ الْهِلَالِ تَكْتُبُ عَلَى يَدِکَ الْيُسْرَى بِسَبَّابَهِ يَمِينِکَ مُحَمَّدٌ عَلِيٌّ فَاطِمَهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ إِلَى آخِرِهِمْ وَ تَكْتُبُ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ إِلَى آخِرِهَا ثُمَّ تَقُولُ اللَّهُمَّ النَّاسُ إِذَا نَظَرُوا إِلَى الْهِلَالِ نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى وُجُوهِ بَعْضٍ وَ تَبَرَّکَ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ وَ إِنِّي نَظَرْتُ إِلَى أَسْمَائِکَ وَ اسْمِ نَبِيِّکَ وَ وَلِيِّکَ وَ أَوْلِيَائِکَ عليهم السلام وَ إِلَى كِتَابِکَ فَأَعْطِنِي كُلَّ الَّذِي أُحِبُّ أَنْ تُعْطِيَنِيهِ مِنَ الْخَيْرِ وَ اصْرِفْ عَنِّي كُلَّ الَّذِي أُحِبُّ أَنْ (۲)

تَصْرِفَهُ عَنِّي مِنَ الشَّرِّ وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِکَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ (۳).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: عبادت کردن هنگام دیدن هلال: با انگشت اشاره دست راست خود بر دست چپ خود می‌نویسی: «محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین تا آخرین آنان، سپس قل هو الله احد را تا آخر می‌نویسی و می‌گویی: خدایا، مردم زمانی که به هلال می‌نگرند، برخی بر چهره‌های برخی دیگر می‌نگرند و از یکدیگر تبرک می‌جویند به راستی که من به اسم‌های تو و اسم پیامبر و ولی و اولیاء تو علیهم السلام نگاه کردم و به کتاب تو نگریستم، پس عطا کن تمایم آنچه دوست دارم آن را به من عطا کنی از خیرات و دور بدار از من هر آنچه دوست دارم و شر را از من بازگردانی و از فضل خود، آنچه شایسته آنی، بر من بیافزای، هیچ نیرو و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه بزرگ وجود ندارد. - . مکارم الاخلاق: ۳۹۳ -

**[ترجمه]

«۶»

تم، [فلاح السائل] عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله: إِذَا خِفْتَ أَحَداً وَ أَرَدْتَ أَنْ تُكْفَى شَرَّهُ فَانْظُرْ إِلَى الْهِلَالِ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنَ الشَّهْرِ وَ أَوْمِئْ بِيَدِكَ إِلَى نَحْوِ دَارِ مَنْ تَخَافُهُ وَ قُلْ أَ يَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَ أَعْنابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ لَهُ فِيها مِنْ كُلِّ الثَّمَراتِ وَ أَصابَهُ الْكِبَرُ وَ لَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفاءُ فَأَصابَها إِعْصارٌ فِيهِ نارٌ فَاحْتَرَقَتْ ثُمَّ تَقُولُ اللَّهُمَّ طُمَّهُ بِالْبَلَاءِ طَمّاً وَ غُمَّهُ بِالْبَلَاءِ غَمّاً وَ ارْمِهِ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ وَ طَيْرِكَ الْأَبَابِيلِ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ ثُمَّ تَقُولُ فِي اللَّيْلَةِ الثَّانِيَةِ وَ الثَّالِثَةِ كَذَلِكَ فَإِنْ نَجَعَ وَ بَلَغْتَ مَا تُرِيدُ وَ إِلَّا فَعَلْتَهُ ذَلِكَ فِي الشَّهْرِ الثَّانِي مَا فَعَلْتَهُ فِي الْأَوَّلِ فَإِنْ نَجَعَ وَ إِلَّا فَعَلْتَ ذَلِكَ فِي الشَّهْرِ الثَّالِثِ فَإِنَّكَ تُكْفَى شَرَّ مَنْ تُرِيدُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ (۴).

ص: ۳۴۵

۱- ۱. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۱۱۰.

۲- ۲. ساقط عن النسخ.

۳- ۳. مكارم الأخلاق ص ۳۹۳.

۴- ۴. فلاح السائل: و تراه فی المكارم: ۴۰۰.

**[ترجمه]فلاح السائل: هرگاه از کسی ترسیدی و خواستی از شر او در امان باشی، به هلال اولین شب ماه نگاه کن و با دستت به خانه کسی که از او بیم داری، اشاره کن و بگو « أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخيلٍ وَ أَعْنابٍ تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ لَهُ فیها مِنْ كُلِّ الثَّمَراتِ وَ أَصابَهُ الْكِبَرُ وَ لَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفاءُ فَأَصابَها إِعْصارٌ فيهِ نارٌ فَاحْتَرَقَت: آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر آنها نهرها روان است، و برای او در آن از هر گونه میوه ای باشد، و در حالی که او را پیری رسیده و فرزندانی خردسال دارد، گردبادی آتشین برآن زند و بسوزد؟ اینگونه، خداوند آیات را برای شما روشن می گرداند، باشد که شما بیندیشید.» سپس می گویی: «خدایا او را به بلا بپوشان و در بلا فرو بر و با سنگ‌های سجیل و پرندگان ابابیل او را مورد ضربت قرار ده، ای والا ای بزرگ» و در شب دوم و سوم همین را می گویی، و اگر چنانچه سودمند بود و به آنچه می‌خواستی رسیدی، در غیر این صورت، در ماه دوم اعمال ماه اول را تکرار کن، اگر سود داد و در غیر این صورت آن را در ماه سوم نیز انجام ده، به راستی که از شر آنچه می‌خواهی کفایت می کند، انشاء الله تعالی. - . فلاح السائل: و در مکارم: ۴۰۰ -

**[ترجمه]

«۷»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی الْحُسَيْنُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنِ التَّلَّعُكْبَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبَّادِ بْنِ صُهَيْبٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: كَانَ إِذَا رَأَى الْهِلَالَ قَالَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَيْرَهُ وَ نَصْرَهُ وَ بَرَكَتَهُ وَ فَتْحَهُ وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَ شَرِّ مَا بَعْدَهُ (۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: جعفر بن محمد از پدرانشان علیهم السلام نقل کردند: هرگاه هلال ماه را ببینند، بگویند: خدایا خیر و پیروزی و برکت و گشایش آن را روزی‌مان کن و از شر آن و ما بعد آن به تو پناه می‌برم. - . أمالی الطوسی ۲: ۲۶۱ -

**[ترجمه]

«۸»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ،: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام إِذَا رَأَى الْهِلَالَ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنَّ النَّاسَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى الْهِلَالِ نَظَرَ بَعْضُهُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ وَ رَجَا بَعْضُهُمْ بَرَكَةَ بَعْضٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْظُرُ إِلَى وَجْهِكَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ وَ وَجْهِ نَبِيِّكَ وَ وَجْهِ أَوْلِيَائِكَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ صلی الله علیه و آله فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِي مَا أُحِبُّ أَنْ تُعْطِيَنِيهِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ اصْرِفْ عَنِّي مَا أُحِبُّ أَنْ تَصْرِفَهُ عَنِّي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَحْيِنَا عَلَى طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ أَوْلِيَائِكَ وَ طَاعَةِ وَلِيِّكَ صَلَوَاتُكَ وَ رَحْمَتُكَ عَلَيْهِمْ وَ التَّسْلِيمِ لِأَمْرِكَ وَ تَوَفَّنَا عَلَيْهِ وَ لَا تَسْلُبْنَاهُ وَ تَفَضَّلْ عَلَيْنَا بِرَحْمَتِكَ ثُمَّ يَقُولُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ عَشْراً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَشْراً ثُمَّ كَانَ يُوَلِّيهِ ظَهْرَهُ وَ يَقُولُ رَبِّي وَ رَبُّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ ثَبِّتْنَا عَلَى السَّلَامِ وَ الْإِسْلَامِ وَ الْأَمْنِ وَ الْإِيمَانِ وَ دَفْعِ الْأَسْقَامِ وَ الْمُسَارَعَةِ فِيمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى مِنْ طَاعَتِنَا لَكَ.

**[ترجمه]دعوات الراوندی: امیر مؤمنان علیه السلام زمانی که هلال را می‌دیدند، می‌فرمودند «خداوندا مردم زمانی که هلال را می‌بینند، در چهره یکدیگر می‌نگرند و برخی از برکت و برخی دیگر را امید دارند، خدایا من به روی تو جلّ ثناؤه و چهره پیامبر و اولیاء تو اهل بیت پیامبر تو صلی الله علیه و آله می‌نگرم. پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و آنچه را دوست دارم در دنیا و آخرت به من عطا کنی، ارزانی دار و آنچه را دوست دارم در دنیا و آخرت از من بازداری، دور گردان، و ما را بر طاعت خود و اولیای خود و اطاعت ولی خویش درود و رحمت تو بر آنان و تسلیم امر خویش، زنده بدار، و جان ما را بر آن بگیر و آن را مستان و بر رحمت خود بر ما تفضل کن».

سپس ده مرتبه می گفتند: ما شاء الله، لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم: و ده مرتبه: اللهم صل علی محمد و آل محمد، سپس به آن پشت می کردند و می‌فرمودند: پروردگار من و پروردگار تو، خداست که پروردگار جهانیان است، خدایا ما را بر سلامتی و اسلام و امنیت و ایمان

دفع بیماری‌ها و شتافتن در آنچه از اطاعت ما از تو می‌پسندی، استوار بدار .

**[ترجمه]

باب ۱۲۵ الدعاء إذا نظر إلى السماء

الأخبار

«۱»

كِتَابُ زَيْدٍ الزَّرَّادِ، قَالَ: كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا نَظَرَ إِلَى السَّمَاءِ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّيْلِ وَ النَّهارِ لَآياتٍ لِأُولِي الْأَلْبابِ وَ قَرَأَ آيَةَ السُّخْرَةِ إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثاً وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ

ص: ۳۴۶

۱- ۱. أمالي الطوسيّ ج ۲ ص ۲۶۱.

وَ النُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِأَمْرِهِ أَلا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِينَ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنَّكَ جَعَلْتَ فِي السَّمَاءِ نُجُوماً ثَاقِبَةً وَ شُهُباً أَحْرَسْتَ بِهِ السَّمَاءَ مِنْ سُرَّاقِ السَّمْعِ مِنْ مَرَدَةِ الشَّيَاطِينِ اللَّهُمَّ فَاحْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَ اكْنُفْنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ وَ اجْعَلْنِي فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ وَ فِي دِرْعِكَ الْحَصِينَةِ وَ مَنْعِكَ الْمَنِيعِ وَ فِي جِوَارِكَ عَزَّ جَارُكَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ.

**[ترجمه]کتاب زید الزراد: نقل است، حضرت امام صادق علیه السلام هرگاه به آسمان می‌نگریستند، این آیه را می‌خواندند: «إِنَّ فی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ لَآیاتٍ لِأُولِی الْأَلْبابِ: مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، برای خردمندان نشانه هایی است.» و آیه تسخیر را می‌خواندند «إِنَّ رَبَّکُمُ اللَّهُ الَّذی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ فی سِتَّةِ أَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوی عَلَی الْعَرْشِ یُغْشِی اللَّیْلَ النَّهارَ یَطْلُبُهُ حَثِیثاً وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِأَمْرِهِ أَلا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبارَکَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِینَ: در حقیقت، پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش استیلا یافت. روز را به شب که شتابان آن را می طلبد می پوشاند، و خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده اند. آگاه باش که خلق و امر از آنِ اوست. فرخنده خدایی است پروردگار جهانیان».

سپس می‌فرمودند: «خدایا به راستی که تو در آسمان ستارگان فروزان و شهاب‌هایی قراردادی و به واسطه آن، آسمان را از شیاطین سرکشی که به دزدی گوش می کنند، نگاه داشتی، خدایا به چشم خود که خواب بدان راه ندارد، و به ستون دست نایافتنی خود، مرا محافظت نمای، و مرا در سپرده خودت که تباه نمی گردد و در زره مصون و ممانعت والا و در جوار خود، قرار ده، جوار تو عزیز گشت و ستایش تو شکوهمند است، و اسم‌هایت پاک گشت و خدایی جز تو نیست» .

**[ترجمه]

باب ۱۲۶ الدعاء عند شم الریاحین و رؤیه الفاکهه الجدیده

الأخبار

«۱»

لی، [الأمالی] للصدوق ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنِ السَّعْدَآبَادِيِّ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا رَأَى الْفَاكِهَةَ الْجَدِيدَةَ قَبَّلَهَا وَ وَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ وَ فَمِهِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ كَمَا أَرَيْتَنَا أَوَّلَهَا فِي عَافِيَةٍ فَأَرِنَا آخِرَهَا فِي عَافِيَةٍ(۱).

**[ترجمه]أمالی: حضرت صادق از پدرانشان علیهم السلام نقل کردند، زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله میوه نوبر را می‌دیدند، آن را بوسه می‌زدند و بر دیدگان و دهان خویش می گذاشتند و می‌فرمودند: خدایا همانطور که اول آن را در عافیت به من نشان دادی و پایان آن را نیز در عافیت به من نشان ده. - . أمالی الصدوق: ۱۶۰ -

**[ترجمه]

«۲»

لی، [الأمالی] للصدوق حَمْزَةُ الْعَلَوِيُّ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَالِكٍ الْجُهَنِيِّ قَالَ: نَاوَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام شَيْئاً مِنَ الرَّيَاحِينِ فَأَخَذَهُ فَشَمَّهُ وَ وَضَعَهُ عَلَى عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ مَنْ تَنَاوَلَ رَيْحَانَةً فَشَمَّهَا وَ وَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ تَقَعْ عَلَى الْأَرْضِ حَتَّى يُغْفَرَ لَهُ (۲).

۱- ۱. أمالی الصدوق ص ۱۶۰.

۲- ۲. أمالی الصدوق ص ۱۶۰.

**[ترجمه]أمالي: مالك جهنى نقل كرد: به امام صادق عليه السلام تعدادى گل دادم پس آن را گرفتند و بوييدند و بر ديدگان نهادند سپس فرمودند: هر كس گلى را به دست گرفت، آن را ببويد و بر ديدگانش نهد سپس بگويد: خدايا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، بر زمين نمى‌افتد مگر آنكه گناهان او بخشيده گردد. - . أمالي الصدوق: ۱۶۰ -

**[ترجمه]

باب ۱۲۷ نادر و فيه ذكر الدعاء إذا سمع نباح الكلب و نهيق الحمار و عند سماع صوت الرعد و ما يناسب ذلک أيضا

الأخبار

«۱»

ع، [علل الشرائع] أَبِی عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ رَجُلٍ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ رَفَعَهُ إِلَى عَلِیٍّ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: إِذَا سَمِعْتُمْ نُبَاحَ الْكَلْبِ وَ نَهِيقَ الْحِمَارِ فَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ فَإِنَّهُمْ يَرَوْنَ وَ لَا تَرَوْنَ فَافْعَلُوا ما تُؤْمَرُونَ (۱).

**[ترجمه]علل الشرائع: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمودند: هرگاه پارس سگ و صداى الاغ شنيديد، پس از شيطان رانده شده به خداوند پناه بريد، به راستى كه آنان مى‌بينند و شما نمى‌بينيد پس انجام دهيد آنچه را امر مى‌شويد. - . علل الشرايع ۲: ۲۷۰ -

**[ترجمه]

«۲»

مع، [معانی الأخبار] ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنِ الْحِمْيَرِیِّ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَ رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْيا حَسَنَةً قَالَ رِضْوَانُ اللَّهِ فِی الْجَنَّهِ وَ السَّعَهُ فِی الرِّزْقِ وَ الْمَعَاشِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ فِی الدُّنْيا(۲).

شی، [تفسير العياشی] عن عبد الأعلى عنه عليه السلام: مثله (۳).

**[ترجمه]مكانى الاخبار: امام صادق عليه السلام درباره كلام خداوند عزّ و جلّ «ربنا آتنا فى الدنيا حسنةً» فرمودند: رضايت خداوند در بهشت و گشايش در روزى و معيشت و اخلاق نيك در دنيا. - . معانى الاخبار: ۱۷۴ و آيه در سوره بقره/ ۲۰۰ -

تفسير العياشى: مثل اين حديث از امام صادق عليه السلام ذكر شد. - . تفسير العياشى ۱: ۹۸ -

**[ترجمه]

«۳»

ب، [قرب الإسناد] عَلِیٌّ عَنْ أَخِيهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْقِرْطَاسِ تَكُونُ فِيهِ الْكِتَابَهُ فِيهِ ذِكْرُ اللَّهِ أَ يَصْلُحُ إِحْرَاقُهُ بِالنَّارِ فَقَالَ إِنْ تَخَوَّفْتَ فِيهِ شَيْئاً فَأَحْرِقْهُ فَلَا بَأْسَ (۴).

**[ترجمه]قرب الاسناد: على از برادرشان عليه السلام نقل كرد: از ايشان در مورد كاغذى كه ذكر خدا در آن باشد پرسيدم آن مى‌شود آن را با آتش سوزاند؟ فرمودند: اگر از چيزى در آن بيم دارى، آن را بسوزان و اشكالى ندارد. - . قرب الاسناد: ۱۶۴ -

**[ترجمه]

«۴»

شی، [تفسیر العیاشی] عَنْ یُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَنَّ دَاوُدَ قَالَ: کُنَّا عِنْدَهُ علیه السلام فَارْتَعَدَتِ السَّمَاءُ فَقَالَ هُوَ سُبْحَانَ مَنْ یُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَ الْمَلائِکَهُ مِنْ خِیفَتِهِ (۵).

ص: ۳۴۸

۱- ۱. علل الشرائع ج ۲ ص ۲۷۰.

۲- ۲. معانی الأخبار ص ۱۷۴ و الآیه فی سوره البقره: ۲۰۰.

۳- ۳. تفسیر العیّاشیّ ج ۱ ص ۹۸.

۴- ۴. قرب الإسناد ص ۱۶۴.

۵- ۵. تفسیر العیّاشیّ ج ۲ ص ۲۰۷.

**[ترجمه]تفسیر العیاشی: داود نقل کرد: خدمت امام علیه السلام بودیم که آسمان غرّید پس فرمودند: «پاک است آنکه رعد با حمدش او را تسبیح می گوید و فرشتگان از بیم او». - . تفسیر العیاشی ۲: ۲۰۷ -

**[ترجمه]

باب ۱۲۸ الملاعنه و المباهله

الأخبار

«۱»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی الْغَضَائِرِیُّ عَنِ التَّلَّعُکْبَرِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّام عَنِ الْحِمْیَرِیِّ عَنِ الطَّیَالِسِیِّ عَنْ زُرَیْقٍ الْخُلْقَانِیِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِذَا تَلَاعَنَ اثْنَانِ فَتَبَاعَدْ مِنْهُمَا فَإِنَّ ذَلِکَ مَجْلِسٌ تَنْفِرُ عَنْهُ الْمَلَائِکَةُ ثُمَّ قُلِ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ لَهَا إِلَیَّ مَسَاغاً وَ اجْعَلْهَا بِرَأْسِ مَنْ یُکَایِدُ دِینَکَ وَ یُضَادُّ وَلِیَّکَ وَ یَسْعَی فِی الْأَرْضِ فَسَاداً(۱).

**[ترجمه]أمالی: امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه دو نفر همدیگر را نفرین کردند از آنها فاصله بگیر، به راستی که آن مجلسی است که فرشتگان از آن دوری می گزینند، سپس بگو: خدایا آن را به سوی من روانه مساز، بلکه آن را بر سر کسی قرار بده که در دین تو نیرنگ کند و با ولیّ تو مخالفت کند و در زمین فساد کند. - . أمالی الطوسی ۲: ۳۱۱ -

**[ترجمه]

«۲»

عُدَّةُ الدَّاعِی، عَنْ أَبِی حَمْزَةَ الثُّمَالِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: السَّاعَةُ الَّتِی تُبَاهَلُ فِیهَا مَا بَیْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَی طُلُوعِ الشَّمْسِ.

وَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَکِیمٍ عَنْ أَبِی مَسْرُوقٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ إِنَّا نُکَلِّمُ النَّاسَ فَنَحْتَجُّ عَلَیْهِمْ بِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ (۲) فَیَقُولُونَ نَزَلَتْ فِی أُمَرَاءِ السَّرَایَا فَنَحْتَجُّ عَلَیْهِمْ بِقَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللَّهُ إِلَی آخِرِ الْآیَةِ(۳) فَیَقُولُونَ نَزَلَتْ فِی الْمُؤْمِنِینَ فَنَحْتَجُّ عَلَیْهِمْ بِقَوْلِ اللَّهِ قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی (۴) فَیَقُولُونَ نَزَلَتْ فِی قُرْبَی الْمُسْلِمِینَ قَالَ فَلَمْ أَدَعْ شَیْئاً مِمَّا حَضَرَنِی ذِکْرُهُ مِنْ هَذَا وَ شِبْهِهِ إِلَّا ذَکَرْتُهُ لَهُ فَقَالَ لِی إِذَا کَانَ ذَلِکَ فَادْعُهُمْ إِلَی الْمُبَاهَلَةِ قُلْتُ وَ کَیْفَ أَصْنَعُ فَقَالَ أَصْلِحْ نَفْسَکَ ثَلَاثاً وَ أَظُنُّهُ قَالَ صُمْ وَ اغْتَسِلْ وَ ابْرُزْ أَنْتَ وَ هُوَ إِلَی الْجَبَّانِ فَشَبِّکْ أَصَابِعَکَ مِنْ یَدِکَ الْیُمْنَی فِی أَصَابِعِهِ وَ ابْدَأْ بِنَفْسِکَ فَقُلِ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ

۱- ۱. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۳۱۱.

۲- ۲. النساء: ۶۸.

۳- ۳. المائده: ۷۸.

۴- ۴. الشوری: ۳۳.

وَ رَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ عالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَهِ ... الرَّحْمنُ الرَّحِيمُ إِنْ كَانَ أَبُو مَسْرُوقٍ جَحَدَ حَقّاً وَ ادَّعَى بَاطِلًا فَأَنْزِلْ عَلَيْهِ حُسْبَاناً مِنَ السَّمَاءِ أَوْ عَذَاباً أَلِيماً ثُمَّ رُدَّ الدَّعْوَهَ عَلَيْهِ فَقُلْ وَ إِنْ كَانَ فُلَانٌ جَحَدَ حَقّاً وَ ادَّعَى بَاطِلًا فَأَنْزِلْ عَلَيْهِ حُسْبَاناً مِنَ السَّمَاءِ أَوْ عَذَاباً أَلِيماً ثُمَّ قَالَ لِي فَإِنَّكَ لَا تَلْبَثُ أَنْ تَرَى ذَلِكَ فِيهِ فَوَ اللَّهِ مَا وَجَدْتُ خَلْقاً يُجِيبُنِي عَلَيْهِ.

وَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ: تُشَبِّكُ أَصَابِعَكَ فِي أَصَابِعِهِ ثُمَّ تَقُولُ إِنْ كَانَ فُلَانٌ جَحَدَ حَقّاً أَوْ أَقَرَّ بِبَاطِلٍ فَأَصِبْهُ بِحُسْبَانٍ مِنَ السَّمَاءِ أَوْ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِكَ وَ تُلَاعِنُهُ سَبْعِينَ مَرَّهً(۱).

**[ترجمه]عده الداعی: امام باقر علیه السلام فرمودند: لحظه‌ای که در آن مباهله می‌شود از طلوع فجر تا طلوع خورشید است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که با مردم صحبت می کنیم: کلام خداوند عزّ و جلّ برای آنها استدلال می کنیم: «از خداوند و رسول و والیان امر اطاعت کنید». - . نساء/۶۸ -

پس می گویند: آن آیه در شأن امیران سرایا - سریه‌ها - نازل شد، پس با کلام خداوند متعال استدلال می‌آوریم «إنما ولیکم الله» - . مائده/ ۷۸ - تا آخر آن پس می گویند: در حق مؤمنان نازل شد، پس با این کلام خداوند احتجاج می کنیم «قل لا اسئلکم علیه أجراً إلا الموده فی القربی» - . شوری/۳۳ -

پس می گویند: این آیه در حق نزدیکان مسلمانان، نازل شد، نقل کرد: دیگر چیزی از آن و مشابه آن به خاطر نمی‌آورم جز اینکه برای او ذکر کردم .

پس به من فرمودند: هرگاه چنین شد، آنها را به مباهله فرا خوان، عرض کردم، چگونه عمل کنم؟ فرمودند: خود را سه بار اصلاح کن و گمان می کنم فرمودند: روزه بگیر و غسل کن و تو و او به صحرا بروید، پس انگشتان دست راستت را در انگشتان او گره زن و با خودت شروع کن و بگو:

«خدایا ای پروردگار آسمان‌های هفت گانه و پروردگار هفت طبقه زمین، ای دانای نهان و آشکار بخشاینده مهربان اگر ابو مسروق حقی را انکار و باطلی را ادعا می‌کند، سنگی از آسمان یا عذابی دردناک بر او نازل کن» سپس دعا را به او تکرار کن و بگو «اگر فلانی حقی را انکار و باطلی را ادعا می‌کند، سنگی از آسمان یا عذابی دردناک بر او نازل کن».

سپس به من فرمودند: به راستی طولی نمی‌کشد که آن را می‌بینی سوگند به خدا کسی را نیافتم که مرا بدان پاسخ دهد.

ابی العباس نقل کرد: انگشتانت را به انگشتانش گره می‌زنی، سپس می گویی: اگر فلانی حق را انکار یا باطلی را اقرار نمود پس سنگ‌هایی از آسمان یا عذابی از جانب خود بر او فرود آر و او را هفتاد بار لعن کن. - . این احادیث را در کافی ۲: ۵۱۳ می‌بینی و ابو مسروق همان راوی است. -

**[ترجمه]

باب ۱۲۹ الدعوات المأثوره غیر الموقته و فیه الدعوات الجامعه للمقاصد و بعض الأدعیه التی لها أسماء معروفه و ما یناسب ذلک

الأخبار

«۱»

ب، [قرب الإسناد] هَارُونُ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام قَالَ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ قَالَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ إِلَّا وَ أَنَا ضَامِنٌ لَهُ فِی دُنْیَاهُ وَ فِی آخِرَتِهِ فَأَمَّا فِی دُنْیَاهُ فَتَتَلَقَّاهُ الْمَلَائِکَهُ بِبِشَارَهٍ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ أَمَّا فِی آخِرَتِهِ فَإِنَّ لَهُ بِکُلِّ کَلِمَهٍ مِنْهَا بَیْتاً فِی الْجَنَّهِ یَقُولُ یَا أَسْمَعَ السَّامِعِینَ وَ یَا أَبْصَرَ النَّاظِرِینَ وَ یَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِینَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ یَا أَحْکَمَ الْحَاکِمِینَ (۲).

**[ترجمه]قرب الاسناد: حضرت صادق از پدرشان علیهما السلام نقل کردند: هر مؤمنی این کلمات را بر زبان آورد، من او را در دنیا و آخرت تضمین می کنم و در دنیا، فرشتگان هنگام مرگ، او را بشارت دهند و در آخرت در ازای هر کلمه‌ای از آن، خانه‌ای در بهشت می... یابد، بگوید «ای شنونده‌ترین شنونده‌ها، ای بیننده‌ترین نگرندگان، ای سریع‌ترین محاسبه‌گران، ای مهربان‌ترنی مهربانان، ای حاکم‌ترین حاکمان». - . قرب الاسناد: ۲ -

**[ترجمه]

«۲»

ب، [قرب الإسناد] هَارُونُ عَنِ ابْنِ صَدَقَهَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: کَانَ مِمَّا یَدْعُو بِهِ أَبِی علیه السلام اللَّهُمَّ هَبْ لِی حَقَّکَ وَ أَرْضِ عَنِّی خَلْقَکَ وَ اغْفِرْ لِی مَا لَا یَضُرُّکَ

ص: ۳۵۰

۱- ۱. تری الأحادیث فی الکافی ج ۲ ص ۵۱۳ و أبو مسروق هو الراوی.

۲- ۲. قرب الإسناد ص ۲.

وَ عَافِنِی مِمَّا لَا یَنْفَعُکَ فَإِنَّ شِفَائِی لَا یَضُرُّکَ وَ عَذَابِی لَا یَنْفَعُکَ فَإِنَّکَ تُعْطِی مَنْ یَسْأَلُکَ وَ تَغْضَبُ عَلَی مَنْ لَا یَسْأَلُکَ وَ لَنْ یَفْعَلَ ذَلِکَ أَحَدٌ غَیْرُکَ سُبْحَانَکَ وَ بِحَمْدِکَ.

قَالَ: وَ کَانَ أَبِی علیه السلام یَقُولُ فِی دُعَائِهِ اللَّهُمَّ أَلْبِسْنِی الْعَافِیَهَ حَتَّی تَهْنِئَنِی الْمَعِیشَهُ وَ ارْزُقْنِی مِنْ فَضْلِکَ مَا تُغْنِینِی بِهِ عَنْ سَائِرِ خَلْقِکَ وَ لَا أَشْتَغِلُ عَنْ طَاعَتِکَ بِبَشَرٍ(۱)

سِوَاکَ.

قَالَ: وَ کَانَ أَبِی رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ یَقُولُ فِی دُعَائِهِ رَبِّ أَصْلِحْ لِی نَفْسِی فَإِنَّهَا أَهَمُّ الْأَنْفُسِ إِلَیَّ رَبِّ أَصْلِحْ لِی ذُرِّیَّتِی فَإِنَّهُمْ یَدِی وَ عَضُدِی رَبِّ وَ أَصْلِحْ لِی أَهْلَ بَیْتِی فَإِنَّهُمْ لَحْمِی وَ دَمِی رَبِّ أَصْلِحْ لِی جَمَاعَهَ إِخْوَتِی وَ أَخَوَاتِی وَ مَحَبَّتِی فَإِنَّ صَلَاحَهُمْ صَلَاحِی (۲).

**[ترجمه]قرب الاسناد: حضرت صادق علیه السلام فرمودند: از جمله دعاهایی که پدرم علیه السلام آن را م ار انکار و باطلی را ادعا می فسالسلام فرمودند: از جمله دعاهایی که پدرم علیه السلام آن را انی حقی ار انکار و باطلی را ادعا می فسای‌خواندند «خدایا حقت را بر من ببخشای و مخلوقاتت را از من راضی گردان، و آنچه از من که به تو آسیب نمی‌رساند، بیامرز، و از آنچه به تو سود نرساند، عافیت بخش، به راستی که شفای من تو را آسیب نرساند و عذاب من سودی به تو نرساند، و هر کس از تو درخواست کند، عطا کنی و بر هر آنکس از تو مسألت نکند، خشم می‌گیری و کسی غیر از تو آن را انجام نخواهد داد، منزهی و تو را ستایش می‌کنم .

فرمودند: پدرم علیه السلام در دعای خویش می‌فرمودند: «خدایا عافیت را به من بپوشان تا معیشت را بر من گوارا سازی و از فضل خود چنان روزی‌ام کن که مرا از دیگر مخلوقات خود، بی‌نیاز سازی، و از اطاعت تو به شخصی دیگر مشغول نشوم».

فرمودند: پدرم رضی الله عنه در دعایشان می‌فرمودند: پروردگارا جان مرا اصلاح کن؛ زیرا مهم‌ترین جان‌هاست، و نسلم را اصلاح گردان؛ زیرا دست و بازوی من‌اند، پروردگارا اهل بیت مرا اصلاح کن؛ زیرا آنان گوشت و خون من هستند، پروردگارا گروه برادران و خواهران و دوستانم را اصلاح گردان؛ زیرا صلاح آنان، صلاح من است. - . قرب الاسناد: ۷ -

**[ترجمه]

«۳»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی التَّمَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِی عُثْمَانَ عَنِ الْعُتْبِیِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَعْرَابِیّاً یَدْعُو فَیَقُولُ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِی عَمَلَ الْخَائِفِینَ وَ خَوْفَ الْعَامِلِینَ حَتَّی أَتَنَعَّمَ بِتَرْکِ النَّعِیمِ رَغْبَهً فِیمَا وَعَدْتَ وَ خَوْفاً مِمَّا أَوْعَدْتَ (۳).

**[ترجمه]أمالی: عتبی نقل کرد: عرب بادیه نشینی را شنیدم می‌گفت: «خدایا کردار بیمناکان و ترس عمل‌کنندگان را روزی‌ام گردان، تا به ترک نعمت‌ها به آنچه وعده دادی گرایش پیدا کنم و از آنچه ترساندی، بهراسم». - . أمالی الطوسی ۱: ۴ -

**[ترجمه]

«۴»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی الْمُفِیدُ عَنِ الْجِعَابِیِّ عَنِ ابْنِ عُقْدَهَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمْزَهَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: بَیْنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَمْشِی ذَاتَ یَوْمٍ مَعَ أَصْحَابِهِ إِذْ قَالَ لَهُمْ عَلَی رِسْلِکُمْ

حَتَّى أَثْنِيَ عَلَى رَبِّی ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَ لَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَ لَا قَابِضَ لِمَا بَسَطْتَ وَ لَا بَاسِطَ لِمَا قَبَضْتَ وَ لَا هَادِيَ لِمَنْ أَضْلَلْتَ وَ لَا مُضِلَّ لِمَنْ هَدَيْتَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَلِيمُ فَلَا تَجْهَلُ وَ أَنْتَ الْجَوَادُ فَلَا تَبْخَلُ وَ أَنْتَ الْعَزِيزُ فَلَا تُسْتَذَلُّ وَ أَنْتَ الْمَنِيعُ فَلَا تُرَامُ (۴).

**[ترجمه]أمالی: امام صادق علیه السلام فرمودند: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله با یارانشان قدم می‌زدند، پس به آنان فرمودند: آرام تر بیایید، تا پروردگارم را ستایش کنم، سپس فرمودند: خدایا هیچ بازدارنده‌ای از آنچه عطا کردی و هیچ عطاکننده‌ای از آنچه باز داشتی و هیچ گیرنده‌ای از آنچه گستردی و هیچ گسترنده‌ای از آنچه گرفتی و هیچ هدایت‌گری برای آنکه گمراه کردی و هیچ گمراه‌کننده‌ای برای او که هدایت کردی وجود ندارد، خدایا تو بردباری پس ناآگاهی نداری، و بخشنده‌ای و بخل نمی‌ورزی، و عزیزی و خوار نمی‌گردی و بلند و دست نایافتنی هستی. - . أمالی ۱: ۲۱۷ -

**[ترجمه]

«۵»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی بِالْإِسْنَادِ إِلَى أَبِي قَتَادَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: ثَلَاثَةٌ لَمْ يُسْأَلِ اللَّهُ

۱- ۱. بشی ء خ ل.

۲- ۲. قرب الإسناد ص ۷.

۳- ۳. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۴.

۴- ۴. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۲۱۷.

عَزَّ وَ جَلَّ بِمِثْلِهِمْ أَنْ تَقُولَ اللَّهُمَّ فَقِّهْنِی فِی الدِّینِ وَ حَبِّبْنِی إِلَی الْمُسْلِمِینَ وَ اجْعَلْ لِی لِسانَ صِدْقٍ فِی الْآخِرِینَ (۱).

**[ترجمه]أمالی: امام صادق علیه السلام فرمودند: سه چیز است که خداوند به مثل آن درخواست نشد، می گویی: «خدایا مرا از دینم آگاه گردان و نزد مسلمانان محبوب کن و ذکر راستی مرا بر زبان دیگران قرار ده». - . أمالی الطوسی ۲: ۳۰۹ -

**[ترجمه]

«۶»

فس، [تفسیر القمی] أَبِی عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: کَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِی بَیْتِ أُمِّ سَلَمَهَ فِی لَیْلَتِهَا فَفَقَدَتْهُ مِنَ الْفِرَاشِ فَدَخَلَهَا فِی ذَلِکَ مَا یَدْخُلُ النِّسَاءَ فَقَامَتْ تَطْلُبُهُ فِی جَوَانِبِ الْبَیْتِ حَتَّی انْتَهَتْ إِلَیْهِ وَ هُوَ فِی جَانِبٍ مِنَ الْبَیْتِ قَائِمٌ رَافِعٌ یَدَیْهِ یَبْکِی وَ هُوَ یَقُولُ اللَّهُمَّ لَا تَنْزِعْ مِنِّی صَالِحَ مَا أَعْطَیْتَنِی أَبَداً اللَّهُمَّ لَا تُشْمِتْ بِی عَدُوّاً وَ لَا حَاسِداً أَبَداً اللَّهُمَّ وَ لَا تَرُدَّنِی فِی سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنِی مِنْهُ أَبَداً اللَّهُمَّ وَ لَا تَکِلْنِی إِلَی نَفْسِی طَرْفَهَ عَیْنٍ أَبَداً(۲).

**[ترجمه]تفسیر القمی: امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله شبی در منزل ام سلمه بودند پس ایشان را بستر نیافت، و آنچه به ذهن زنان وارد می‌شود به ذهن او رسید پس برخاست و در اطراف خانه به جستجوی او پرداخت، پس ایشان را در گوشه‌ای از خانه یافت که ایستاده‌اند دست‌های خود را بلند کرده‌اند و گریه می کنند و می گویند: «خدایا خیری را که به من عطا نمودی هرگز از من مگیر، خدایا دشمن و حسود مرا هرگز شاد مکن، خدایا مرا به بدی که از آن نجات دادی، هرگز بازمگردان، خدایا مرا یک چشم به هم زدن به خودم وامگذار». - . تفسیر القمی: ۴۳۲ و حدیث دنبال دارد اگر خواستی مراجعه کن. -

**[ترجمه]

«۷»

ید، [التوحید] عَلِیُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَسْوَارِیُّ عَنْ مَکِّیِّ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُسَیَّبِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ ابْنِ أَبِی أُوَیْسٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ دَاوُدَ بْنِ قَیْسٍ عَنْ أَفْلَحَ بْنِ کَثِیرٍ عَنِ ابْنِ جَرِیحٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَیْبٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله: أَنَّ جَبْرَئِیلَ نَزَلَ عَلَیْهِ بِهَذَا الدُّعَاءِ مِنَ السَّمَاءِ وَ نَزَلَ عَلَیْهِ ضَاحِکاً مُسْتَبْشِراً فَقَالَ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مُحَمَّدُ قَالَ وَ عَلَیْکَ السَّلَامُ یَا جَبْرَئِیلُ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ إِلَیْکَ بِهَدِیَّهٍ قَالَ وَ مَا تِلْکَ الْهَدِیَّهُ یَا جَبْرَئِیلُ فَقَالَ کَلِمَاتٌ مِنْ کُنُوزِ الْعَرْشِ أَکْرَمَکَ اللَّهُ بِهَا قَالَ وَ مَا هُنَّ یَا جَبْرَئِیلُ قَالَ قُلْ یَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِیلَ وَ سَتَرَ الْقَبِیحَ یَا مَنْ لَمْ یُؤَاخِذْ بِالْجَرِیرَهِ وَ لَمْ یَهْتِکِ السِّتْرَ یَا عَظِیمَ الْعَفْوِ یَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ یَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَهِ یَا بَاسِطَ الْیَدَیْنِ بِالرَّحْمَهِ یَا صَاحِبَ کُلِّ نَجْوَی وَ مُنْتَهَی کُلِّ شَکْوَی یَا کَرِیمَ الصَّفْحِ یَا عَظِیمَ الْمَنِّ یَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا یَا رَبَّنَا وَ سَیِّدَنَا وَ یَا مَوْلَانَا وَ یَا غَایَهَ رَغْبَتِنَا أَسْأَلُکَ یَا اللَّهُ أَنْ لَا تُشَوِّهَ خَلْقِی بِالنَّارِ.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَا جَبْرَئِیلُ فَمَا ثَوَابُ هَذِهِ الْکَلِمَاتِ فَقَالَ هَیْهَاتَ هَیْهَاتَ انْقَطَعَ الْعَمَلُ لَوِ اجْتَمَعَ مَلَائِکَهُ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ وَ سَبْعِ أَرَضِینَ عَلَی أَنْ یَصِفُوا ثَوَابَ

۱- ۱. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۳۰۹.

۲- ۲. تفسیر القمّیّ ص ۴۳۲، و للحدیث ذیل راجعه ان شئت.

ذَلِکَ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ مَا وَصَفُوا مِنْ أَلْفِ جُزْءٍ جُزْءاً وَاحِداً فَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ یَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِیلَ وَ سَتَرَ الْقَبِیحَ سَتَرَهُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ فِی الدُّنْیَا وَ جَمَّلَهُ فِی الْآخِرَهِ وَ سَتَرَ اللَّهُ عَلَیْهِ أَلْفَ أَلْفِ سِتْرٍ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ فَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ یَا مَنْ لَمْ یُؤَاخِذْ بِالْجَرِیرَهِ وَ لَمْ یَهْتِکِ السِّتْرَ لَمْ یُحَاسِبْهُ اللَّهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ لَمْ یَهْتِکْ سِتْرَهُ یَوْمَ تُهْتَکُ السُّتُورُ وَ إِذَا قَالَ یَا عَظِیمَ الْعَفْوِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ کَانَتْ خَطِیئَتُهُ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ فَإِذَا قَالَ یَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ تَجَاوَزَ اللَّهُ عَنْهُ حَتَّی السَّرِقَهِ وَ شُرْبِ الْخَمْرِ وَ أَهَاوِیلِ الدُّنْیَا وَ غَیْرِ ذَلِکَ مِنَ الْکَبَائِرِ وَ إِذَا قَالَ یَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَهِ فَتَحَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ سَبْعِینَ بَاباً مِنَ الرَّحْمَهِ فَهُوَ یَخُوضُ فِی رَحْمَهِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَتَّی یَخْرُجَ مِنَ الدُّنْیَا وَ إِذَا قَالَ یَا بَاسِطَ الْیَدَیْنِ بِالرَّحْمَهِ بَسَطَ اللَّهُ یَدَهُ عَلَیْهِ بِالرَّحْمَهِ وَ إِذَا قَالَ یَا صَاحِبَ کُلِّ نَجْوَی وَ مُنْتَهَی کُلِّ شَکْوَی أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الْأَجْرِ ثَوَابَ کُلِّ مُصَابٍ وَ کُلِّ سَالِمٍ وَ کُلِّ مَرِیضٍ وَ کُلِّ ضَرِیرٍ وَ کُلِّ مِسْکِینٍ وَ کُلِّ فَقِیرٍ وَ کُلِّ صَاحِبِ مُصِیبَهٍ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ وَ إِذَا قَالَ یَا کَرِیمَ الصَّفْحِ أَکْرَمَهُ اللَّهُ کَرَامَهَ الْأَنْبِیَاءِ وَ إِذَا قَالَ یَا عَظِیمَ الْمَنِّ أَعْطَاهُ اللَّهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ أُمْنِیَّتَهُ وَ أُمْنِیَّهَ الْخَلَائِقِ وَ إِذَا قَالَ یَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ بِعَدَدِ مَنْ شَکَرَ نَعْمَاءَهُ.

وَ إِذَا قَالَ یَا رَبَّنَا وَ یَا سَیِّدَنَا وَ یَا مَوْلَانَا قَالَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی اشْهَدُوا مَلَائِکَتِی أَنِّی قَدْ غَفَرْتُ لَهُ وَ أَعْطَیْتُهُ مِنَ الْأَجْرِ بِعَدَدِ مَنْ خَلَقْتُهُ مِمَّنْ فِی الْجَنَّهِ وَ النَّارِ وَ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ الْأَرَضِینَ السَّبْعِ وَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَ النُّجُومِ وَ قَطْرِ الْأَمْطَارِ وَ أَنْوَاعِ الْخَلْقِ وَ الْجِبَالِ وَ الْحَصَی وَ الثَّرَی وَ غَیْرِ ذَلِکَ وَ الْعَرْشِ وَ الْکُرْسِیِّ وَ إِذَا قَالَ یَا مَوْلَانَا مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهُ مِنَ الْإِیمَانِ وَ إِذَا قَالَ یَا غَایَهَ رَغْبَتَاهْ أَعْطَاهُ اللَّهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ رَغْبَتَهُ وَ مِثْلَ رَغْبَهِ الْخَلَائِقِ وَ إِذَا قَالَ أَسْأَلُکَ یَا اللَّهُ أَلَّا تُشَوِّهَ خَلْقِی بِالنَّارِ قَالَ الْجَبَّارُ جَلَّ جَلَالُهُ اسْتَعْتَقَنِی عَبْدِی مِنَ النَّارِ اشْهَدُوا مَلَائِکَتِی أَنِّی قَدْ أَعْتَقْتُهُ مِنَ النَّارِ وَ أَعْتَقْتُ أَبَوَیْهِ وَ إِخْوَتَهُ وَ أَخَوَاتِهِ وَ أَهْلَهُ

وَ وُلْدَهُ وَ جِيرَانَهُ وَ شَفَّعْتُهُ فِي أَلْفِ رَجُلٍ مِمَّنْ وَجَبَ لَهُمُ النَّارُ وَ آجَرْتُهُ مِنَ النَّارِ فَعَلِّمْهُنَّ يَا مُحَمَّدُ الْمُتَّقِينَ وَ لَا تُعَلِّمْهُنَّ الْمُنَافِقِينَ فَإِنَّهَا دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ لِقَائِلِهِنَّ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ هُوَ دُعَاءُ أَهْلِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ حَوْلَهُ إِذَا كَانَ يَطُوفُونَ بِهِ (۱).

**[ترجمه]التوحید: نقل است جبرئیل این دعا را از آسمان بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل کردند و با حالتی خندان و بشارت‌دهنده فرود آمدند و فرمودند: سلام بر تو ای محمد و فرمودند: سلام بر تو ای جبرئیل، جبرئیل گت: خداوند، هدیه‌ای به سوی تو فرستاد، فرمودند: آن چه هدیه‌ای است ای جبرئیل؟ فرمودند: بگو: ای کسی که زیبایی را آشکار و زشتی را پوشاند ای کسی که به گناهان مواخذه ننمود و پرده را ندرید، ای آنکه گذشتش عظیم است، ای نیکودرگذرنده ای گسترنده آمرزش، ای آنکه دو دست خود را به رحمت گشوده‌ای، ای همدم هر نجوا و نهایت هر شکایت، ای گذشت بزرگوار، ای بزرگ منت، ای آغازگر نعمت‌ها قبل از شایستگی آنها، ای پروردگار ما و سرور ما و مولای ما و ای انتهای آرزوی ما، از تو می‌خواهم ای خدا که خلقتم را به آتش زشت نگردانی.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای جبرئیل ثواب این کلمات چیست؟ فرمودند: هیهات هیهات، آن عمل قطع شد. اگر فرشتگان هفت آسمان و هفت زمین جمع شوند تا پاداش آن را تا روز قیامت توصیف کنند تنها یک جزء از هزار جزء آن را می‌توانند وصف کنند، زمانی که بنده گوید: «ای کسی که زیبایی را آشکار و زشتی را پوشاند» خداوند در دنیا او را به رحمت خود می‌پوشاند و در آخرت او را زیبا می... گرداند، و خداوند در دنیا و آخرت هزار هزار پوشش بر او می‌پوشاند، و زمانی که بنده گوید «ای کسی که به گناه مواخذه نکرد و پرده را ندرید» خداوند او را در روز قیامت محاسبه نمی‌کند و در آن روز که پرده‌ها پاره می‌شود پرده او را نمی درد، و هرگاه بگوید «یا عظیم العفو: ای صاحب بخشش بزرگ» خداوند گناهان او را اگرچه به میزان کف دریا باشند می‌بخشاید، هرگاه بگوید «یا حسن التجاوز: ای نیکو درگذرنده» خداوند از گناهان او حتی از دزدی و خوردن شراب و ترس‌های دنیا و دیگر گناهان کبیره می گذرد و هرگاه بگوید «یا واسع المغفره: ای صاحب مغفرت بسیار» خداوند عزّ و جلّ هفتاد در رحمت را بر او می گشاید و او در رحمت خداوند عزّ و جلّ فرو می‌رود تا اینکه از دنیا خارج گردد.

و زمانی که گوید: «ای گشاینده دو دست به رحمت» خداوند دست خود را به رحمت بر او می‌گشاید و زمانی که گوید: «ای همدم هر نجوا و نهایت هر شکایت» خداوند عزّ و جلّ به او پاداش تمامی مصیبت‌دیدگان تندرستان و بیماران و ضرردیدگان و بیچارگان و فقیران و مصیبت... دیدگان را تا روز قیامت به او عطا کند و زمانی که بگوید: «ای گذشت بزرگوار» خداوند او را چون پیامبران گرامی بدارد، و هرگاه بگوید «ای بزرگ منّت» خداوند در روز قیامت آرزوی او و آرزوی مخلوقات را به او عطا کند و هرگاه بگوید: «ای آغازگر نعمت‌ها قبل از استحقاق آن» خداوند پاداش او را به تعداد شکرگزارانش عطا فرماید.

و هرگاه بگوید «ای پروردگار ما ای سرور ما و ای مولای ما» خداوند تبارک و تعالی فرماید: ای فرشتگان من، شاهد باشید که او را آمرزیدم و پاداش او را به تعداد مخلوقات خود در بهشت و دوزخ و آسمان‌های هفت‌گانه و هفت طبقه زمین و ماه و خورشید و ستارگان و قطرات باران و انواع مخلوقاتت و کوه‌ها و سنگریزه‌ها و خاک و غیر آن و عرش و کرسی عطا کردم.

و هرگاه بگوید: «ای مولای ما» خداوند قلب او را از ایمان آکنده سازد و اگر بگوید «ای نهایت آرزوی ما» خداوند در روز قیامت آرزوی او و مثل آرزوی مخلوقات را به او عطا کند و زمانی که بگوید «ای خدا از تو می‌خواهم خلقتم را با آتش زشت نگردانی»، خداوند جبار جلّ جلاله گوید: بنده‌ام از من طلب آزادی از آتش را دارد، ای فرشتگان من، گواه باشید که او را از آتش رهانیدم و پدر و مادر و برادران و خواهران خانواده و فرزندان و همسایگان او را رهانیدم و او را برای هزار نفر از آنان که آتش را بر ایشان واجب کردم شفیع گردانم و از آتش پناه دادم، ای محمد آن را به تقوا پیشگان بیاموز و به منافقان یاد مده، به راستی که دعایی مستجاب برای گوینده آن است، انشاء الله، و دعای اهل خانه معمور است زمانی که به دور آن طواف می‌کنند. - . توحید الصدوق: ۱۵۴ باب اسم‌های خداوند متعال. -

**[ترجمه]

«۸»

لی، [الأمالی] للصدوق أَحْمَدُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْخَثْعَمِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ أَبَا ذَرٍّ رَحْمَهُ اللَّهِ عَلَیْهِ مَرَّ بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ عِنْدَهُ جَبْرَئِیلُ علیه السلام فِی صُورَهِ دِحْیَهَ الْکَلْبِیِّ وَ قَدِ اسْتَخْلَاهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَلَمَّا رَآهُمَا انْصَرَفَ عَنْهُمَا وَ لَمْ یَقْطَعْ کَلَامَهُمَا فَقَالَ جَبْرَئِیلُ علیه السلام یَا مُحَمَّدُ هَذَا أَبُو ذَرٍّ قَدْ مَرَّ بِنَا وَ لَمْ یُسَلِّمْ عَلَیْنَا أَمَا لَوْ سَلَّمَ لَرَدَدْنَا عَلَیْهِ یَا مُحَمَّدُ إِنَّ لَهُ دُعَاءً یَدْعُو بِهِ مَعْرُوفاً عِنْدَ أَهْلِ السَّمَاءِ فَاسْأَلْهُ عَنْهُ إِذَا عَرَجْتُ إِلَی السَّمَاءِ فَلَمَّا ارْتَفَعَ جَبْرَئِیلُ جَاءَ أَبُو ذَرٍّ إِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَا مَنَعَکَ یَا بَا ذَرٍّ أَنْ تَکُونَ قَدْ سَلَّمْتَ عَلَیْنَا حِینَ مَرَرْتَ بِنَا فَقَالَ ظَنَنْتُ یَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَّ الَّذِی کَانَ مَعَکَ دِحْیَهُ الْکَلْبِیُّ قَدِ اسْتَخْلَیْتَهُ لِبَعْضِ شَأْنِکَ فَقَالَ ذَاکَ جَبْرَئِیلُ یَا بَا ذَرٍّ وَ قَدْ قَالَ أَمَا لَوْ سَلَّمَ عَلَیْنَا لَرَدَدْنَا عَلَیْهِ فَلَمَّا عَلِمَ أَبُو ذَرٍّ أَنَّهُ کَانَ جَبْرَئِیلُ علیه السلام دَخَلَهُ مِنَ النَّدَامَهِ مَا شَاءَ اللَّهُ حَیْثُ لَمْ یُسَلِّمْ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَا هَذَا الدُّعَاءُ الَّذِی تَدْعُو بِهِ فَقَدْ أَخْبَرَنِی أَنَّ لَکَ دُعَاءً مَعْرُوفاً فِی السَّمَاءِ فَقَالَ نَعَمْ یَا رَسُولَ اللَّهِ أَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الْإِیمَانَ بِکَ وَ التَّصْدِیقَ بِنَبِیِّکَ وَ الْعَافِیَهَ مِنْ جَمِیعِ الْبَلَاءِ وَ الشُّکْرَ عَلَی الْعَافِیَهِ وَ الْغِنَی عَنْ أَشْرَارِ النَّاسِ (۲).

**[ترجمه]أمالی: امام صادق علیه السلام فرمودند: ابوذر رحمه الله علیه از کنار رسول خدا صلی الله علیه و اله گذشتند و نزد ایشان جبرئیل علیه السالم به ظاهر دحیه کلبی بود، و رسول خدا صلی الله علیه و آله با او خلوت گزیده بود. زمانی که ابوذر آنها را دید از آنها فاصله گرفت و کلامشان را قطع ننمود پس جبرئیل علیه السلام گفت: ای محمد، این ابوذر است که از کنار ما بگذشت و سلام نکرد، اگر سلام می کرد بر او پاسخ می گفتیم، ای محمد، او دعایی دارد که در نزد اهل آسمان معروف است، هرگاه که به آسمان رفتم از او بپرس.

زمانی که جبرئیل بالا رفت، ابوذر به خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد پس رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمودند: ای ابوذر هنگامی که از کنار ما رد شدی چه چیز تو را بازداشت از اینکه بر ما سلام نکنی، گفت: ای رسول خدا پنداشتم آنکه با شماست، دحیه کلبی است و با او برای کاری خلوت گزیدید. پس فرمودند: ای ابوذر، او جبرئیل بود. و گفت: اگر ابوذر بر ما سلام می کرد جواب او را می‌دادیم، زمانی که ابوذر دانست او جبرئیل علیه السلام بود، خدا می‌داند که به چه میزان پشیمان شد و از اینکه بر او سلام نکرد، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آن چه دعایی است که می‌خوانی؟ به من خبر داد که تو دعایی داری که در آسمان معروف است، عرض کرد: آری ای رسول خدا، می گویم: «خدایا من از تو ایمان به تو و تصدیق پیامبر تو و عافیت از تمامی بلاها و شکر بر عافیت و بی‌نیازی از مردمان بدذات را خواهانم». - . أمالی الصدوق: ۲۰۸ -

**[ترجمه]

«۹»

ص، [قصص الأنبیاء علیهم السلام] بِالْإِسْنَادِ إِلَی الصَّدُوقِ عَنِ ابْنِ الْوَلِیدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنِ الْبَزَنْطِیِّ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ قَالَ: الْکَلِمَاتُ الَّتِی تَلَقَّی بِهِنَّ آدَمُ علیه السلام رَبَّهُ فَتَابَ عَلَیْهِ قَالَ اللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَکَ وَ بِحَمْدِکَ إِنِّی عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَکَ وَ بِحَمْدِکَ عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی إِنَّکَ أَنْتَ خَیْرُ الْغَافِرِینَ.

ص: ۳۵۴

۱- ۱. توحید الصدوق: ۱۵۴ باب أسماء اللّه تعالی.

۲- ۲. أمالی الصدوق: ۲۰۸.

**[ترجمه]قصص الانبياء: امام باقر علیه السلام فرمودند: کلامی که حضرت آدم علیه السلام به واسطه آنها پروردگارش را دیدار کرد و پس خدا توبه او را پذیرفت، گفت خدایا خدایی جز تو نیست، منزهی و تو را سپاس می گویم، بد کردم و به خودم ظلم نمودم، پس مرا بیامرز به راستی که تو بهترین آمرزندگانی.

**[ترجمه]

«۱۰»

جا، [المجالس] للمفید أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّوْلِيُّ عَنِ الْجَلُودِيِّ عَنِ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ قَيْسِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ حُسَيْنِ الْأَشْقَرِ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْغَفَّارِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ: كَانَ مِنْ دُعَاءِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُعَادِيَ لَكَ وَلِيّاً أَوْ أُوَالِيَ لَكَ عَدُوّاً أَوْ أُرْضِيَ لَكَ سَخَطاً أَبَداً اللَّهُمَّ مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ فَصَلَاتُنَا عَلَيْهِ وَ مَنْ لَعَنْتَهُ فَلَعْنَتُنَا عَلَيْهِ اللَّهُمَّ مَنْ كَانَ فِي مَوْتِهِ فَرَحٌ لَنَا وَ لِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ فَأَرِحْنَا مِنْهُ وَ أَبْدِلْ لَنَا مَنْ هُوَ خَيْرٌ لَنَا مِنْهُ حَتَّى تُرِيَنَا مِنْ عِلْمِ الْإِجَابَةِ مَا نَتَعَرَّفُهُ فِي أَدْيَانِنَا وَ مَعَايِشِنَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱).

**[ترجمه]مجالس المفید: اسحاق بن فضل هاشمی نقل کرد: از جمله دعای امیر مؤمنان علی بن ابی طالب این بود: «خدایا پناه می‌برم به تو از اینکه با دوستی از تو دشمنی کنم یا دشمن تو را به دوستی گیرم یا از خشم تو، خشنود گردم، خدایا هرکس که بر او درود فرستادی، درود ما بر اوست و هر کس که او را نفرین کردی، لعن ما بر اوست، خدایا هر کس که مرگ او باعث شادی ما و مسلمانان خواهد شد، پس ما را از او راحت کن و به جای او کسی قرار ده که بهتر از او برای ماست، تا اینکه از علم اجابت به ما نشان دهی آنچه را در دین‌ها و زندگی‌های خود می‌شناسیم، ای مهربان‌ترین مهربانان». - . مجالس المفید: ۱۰۶ -

**[ترجمه]

«۱۱»

مکا، [مكارم الأخلاق] عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ قَالَ: أَرْسَلَنِي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ذَاتَ يَوْمٍ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَّامٍ وَ عِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَحَضَرَ فَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله يَا عَبْدَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي عَنْ عَشْرِ كَلِمَاتٍ عَلَّمَهُنَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِبْرَاهِيمَ يَوْمَ قُذِفَ فِي النَّارِ أَ تَجِدُهُنَّ فِي التَّوْرَاةِ مَكْتُوباً فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ يَا نَبِيَّ اللَّهِ بِأَبِي وَ أُمِّي هَلْ أُنْزِلَ عَلَيْكَ فِيهِنَّ شَيْ ءٌ فَإِنِّي أَجِدُ ثَوَابَهَا فِي التَّوْرَاةِ وَ لَا أَجِدُ الْكَلِمَاتِ وَ هِيَ عَشْرُ دَعَوَاتٍ فِيهِنَّ اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله هَلْ عَلَّمَهُنَّ اللَّهُ تَعَالَى مُوسَى فَقَالَ مَا عَلَّمَهُنَّ اللَّهُ تَعَالَى غَيْرَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ علیه السلام.

فَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله وَ مَا تَجِدُ ثَوَابَهَا فِي التَّوْرَاةِ فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَبْلُغَ ثَوَابَهَا غَيْرَ أَنِّي أَجِدُ فِي التَّوْرَاةِ مَكْتُوباً مَا مِنْ عَبْدٍ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ جَعَلَ هَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ فِي قَلْبِهِ إِلَّا جَعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِهِ وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِهِ وَ شَرَحَ صَدْرَهُ لِلْإِيمَانِ وَ جَعَلَ لَهُ نُوراً مِنْ مَجْلِسِهِ إِلَى الْعَرْشِ يَتَلَأْلَأُ وَ يُبَاهِي بِهِ مَلَائِكَتَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ وَ يَجْعَلُ الْحِكْمَةَ فِي لِسَانِهِ وَ يَرْزُقُهُ حِفْظَ كِتَابِهِ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ حَرِيصاً عَلَيْهِ وَ يُفَقِّهُهُ فِي الدِّينِ وَ يَقْذِفُ لَهُ الْمَحَبَّةَ فِي قُلُوبِ عِبَادِهِ وَ يُؤْمِنُهُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ فِتْنَةِ الدَّجَّالِ وَ يُؤْمِنُهُ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَحْشُرُهُ فِي زُمْرَةِ الشُّهَدَاءِ وَ يُكْرِمُهُ اللَّهُ وَ يُعْطِيهِ مَا يُعْطِي الْأَنْبِيَاءَ بِكَرَامَتِهِ وَ لَا يَخَافُ إِذَا خَافَ النَّاسُ وَ لَا يَحْزَنُ إِذَا حَزِنَ النَّاسُ وَ يُكْتَبُ عِنْدَ اللَّهِ صِدِّيقاً وَ يُحْشَرُ يَوْمَ

۱- ۱. مجالس المفید: ۱۰۶.

الْقِيَامَهِ وَ قَلْبُهُ سَاكِنٌ مُطْمَئِنٌّ وَ هُوَ مِمَّنْ يُكْسَى مَعَ إِبْرَاهِيمَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ.

وَ لَا يَسْأَلُ بِتِلْكَ الدَّعَوَاتِ شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ وَ لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ لَأَبَرَّ قَسَمَهُ وَ يُجَاوِرُ الرَّحْمَنُ فِي دَارِ الْجَلَالِ وَ لَهُ أَجْرُ كُلِّ شَهِيدٍ اسْتُشْهِدَ مُنْذُ يَوْمَ خُلِقَتِ الدُّنْيَا قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله وَ مَا دَارُ الْجَلَالِ يَا ابْنَ سَلَّام قَالَ جَنَّهُ عَدْنٍ وَ هُوَ مَوْضِعُ عَرْشِ الرَّحْمَنِ رَبِّ الْعِزَّهِ وَ هِيَ فِي جِوَارِ اللَّهِ قَالَ ابْنُ سَلَّام فَعَلِّمْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مُنَّ عَلَيْنَا كَمَا مَنَّ اللَّهُ عَلَيْكَ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله خِرُّوا لِلَّهِ سُجَّداً قَالَ فَخَرُّوا سُجَّداً فَلَمَّا رَفَعُوا رُءُوسَهُمْ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله قَوْلَهُ:

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْتَ الْمَرْهُوبُ مِنْكَ جَمِيعُ خَلْقِكَ يَا نُورَ النُّورِ أَنْتَ الَّذِي احْتَجَبْتَ دُونَ خَلْقِكَ فَلَا تُدْرِكُ نُورَكَ نُورٌ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْتَ الرَّفِيعُ الَّذِي ارْتَفَعْتَ فَوْقَ عَرْشِكَ مِنْ فَوْقِ سَمَائِكَ فَلَا يَصِفُ عَظَمَتَكَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ يَا نُورَ النُّورِ قَدِ اسْتَنَارَ بِنُورِكَ أَهْلُ سَمَائِكَ وَ اسْتَضَاءَ بِضَوْئِكَ أَهْلُ أَرْضِكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ تَعَالَيْتَ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ شَرِيكٌ وَ تَعَظَّمْتَ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ وَلَدٌ وَ تَكَرَّمْتَ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ شَبِيهٌ وَ تَجَبَّرْتَ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ ضِدٌّ فَأَنْتَ اللَّهُ الْمَحْمُودُ بِكُلِّ لِسَانٍ وَ أَنْتَ الْمَعْبُودُ فِي كُلِّ مَكَانٍ وَ أَنْتَ الْمَذْكُورُ فِي كُلِّ أَوَانٍ وَ زَمَانٍ يَا نُورَ النُّورِ كُلُّ نُورٍ خَامِدٌ لِنُورِكَ يَا مَلِيكُ كُلُّ مَلِيكٍ يَفْنَى غَيْرَكَ يَا دَائِمُ كُلُّ حَيٍّ يَمُوتُ غَيْرَكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ارْحَمْنِي رَحْمَهً تُطْفِئُ بِهَا غَضَبَكَ وَ تَكُفُّ بِهَا عَذَابَكَ وَ تَرْزُقُنِي بِهَا سَعَادَهً مِنْ عِنْدِكَ وَ تُحِلُّنِي بِهَا دَارَكَ الَّتِي تُسْكِنُهَا خِيَرَتَكَ مِنْ خَلْقِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَهِ وَ لَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَهِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَهِ يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى وَ يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا يَا رَبَّاهْ يَا رَبَّاهْ وَ يَا سَيِّدَاهْ وَ يَا أَمَلَاهْ وَ يَا غَايَهَ رَغْبَتَاهْ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْ لَا تُشَوِّهَ خَلْقِي فِي النَّارِ.

قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا ثَوَابُ مَنْ قَالَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ قَالَ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ انْقَطَعَ الْقَلَمُ لَوِ اجْتَمَعَ مَلَائِكَةُ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ وَ سَبْعِ أَرَضِينَ عَلَى أَنْ يَصِفُوا ذَلِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَمَا وَصَفُوا مِنْ أَلْفِ جُزْءٍ جُزْءاً وَاحِداً وَ ذَكَرَ عليه السلام لِهَذِهِ الْكَلِمَاتِ ثَوَاباً وَ فَضَائِلَ كَثِيرَةً لَا يَحْتَمِلُ ذِكْرُهَا هَاهُنَا اقْتَصَرْنَا عَلَى ذِكْرِ الْمَقْصُودِ مَخَافَةَ التَّطْوِيلِ (۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: معاذ بن جبل نقل کرد: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا به سراغ عبدالله بن سلام فرستاد و در نزد ایشان گروهی از یارانشان نیز بودند، پس حاضر گشت و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای عبدالله مرا از دو کلمه آگاه ساز که خداوند عزّ و جلّ روزی که ابراهیم را به آتش انداخت، آنها را آموخت، آیا آنها را به صورت مکتوب در تورات می‌یابی؟ عبدالله عرض کرد: ای پیامبر خدا پدر و مادرم به فدای شما، آیا چیزی مربوط به آنها بر شما نازل گشت؟ به راستی که ثواب آنها را در تورات یافتم و کلمات را نمی‌یابم، و آن ده دعاست که اسم اعظم خداوند در آنهاست. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آیا خداوند متعال آنها را به موسی آموخت؟ گفت: آنها را فقط به ابراهیم خلیل علیه السلام آموخت.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: چه پاداشی برای آنها در تورات می‌یابی؟ عبدالله گفت: ای رسول خدا چه کسی می‌تواند به پاداش آن دست یابد و در تورات به صورت مکتوب وجود دارد که: هیچ بنده‌ای نیست که خداوند بر او منت نهد و این کلمات را در قلب او قرار دهد مگر اینکه نور را در چشمان او و یقین را در قلب او قرار داده است، و سینه او را به ایمان گشود و برای او نوری قرار داد که از جایی که او نشسته است تا عرش می‌درخشد و هر روز دو بار به او بر فرشتگان خود افتخار می‌کند و حکمت را بر زبانش جاری سازد و حفظ کتابش را روزی‌اش گرداند، هرچند که بر آن مشتاق نباشد، او را در دین آگاه سازد، و محبت او را در دل بندگانش نهد و او را از عذاب قبل و فتنه ایمنی بخشد و از ترس بزرگ در روز قیامت در امان دارد، او را در زمره شهیدان محشور گرداند و خداوند او را اکرام کند و آنچه از کرامت خویش به پیامبران عطا کرد، به او نیز ارزانی دارد و زمانی که مردم بیم دارند، نمی‌هراسد، و آنگاه که اندوهگین شدند، غمی ندارد، و نزد خداوند از صدیقان نوشته شود و روز قیامت با قلبی آرام و مطمئن محشور می‌شود و از جمله کسانی است که در روز قیامت با حضرت ابراهیم به او حله پوشانده شود.

و با این دعاها چیزی از خداوند مسألت نکند جز اینکه او را عطا کند و اگر به خدا قسم بخورد خداوند سوگند او را نیک گرداند و در سرای شکوه در جوار خدای بخشایشگر است و پاداش شهیدانی که از روز خلقت دنیا به شهادت رسیده‌اند، برای اوست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ای ابن سلام، سرای شکوه کجاست؟ گفت: بهشت جاویدان و آن در مکان عرش خداوند بخشایشگر است، پروردگار عزت و آن در جوار خداست، ابن سلام گفت: ای رسول خدا ما را بیاموز و بر ما منت بنه همانطور که خداوند بر تو منت نهاد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: برای خدا به سجده بیافتید، نقل کرد: پس به سجده رفتند و زمانی که سرهاشان را بالا گرفتند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«ای خدا ای خدا، تو کسی هستی که تمامی مخلوقات از تو بیم دارند، ای روشنایی روزی، تو کسی هستی که از مخلوق خود پنهان شدی و هیچ نوری روشنایی تو را نتواند دریابد، ای خدا ای خدا تو آن والایی هستی که از بالای آسمان خود بر بالای عرشت رفعت گرفتی و عظمت تو را هیچ یک از مخلوقات، وصف نکند، ای روشنایی نور، اهل آسمان تو، به نور تو، روشنایی گرفتند و اهل زمین از تابش تو، روشنایی گرفتند .

ای خدا ای خدا تو کسی هستی که جز تو خدایی نیست، بلندمرتبه‌تر از آنی که شریکی برای تو باشد و بزرگتر از آن هستی که فرزندی داشته باشی، و بزرگوارتر از آن هستی که مانندی برای تو باشد، و از اینکه مخالفی داشته باشی، جبار گشتی، تو خدایی هستی که بر هر زبان ستایش می‌شوی و در هر مکان پرستیده می‌شوی و در هر لحظه و زمان یاد می‌شوی هر نوری به جهت روشنایی تو، خاموش است ای فرمانروای هر فرمانروایی ای همیشگی، غیر تو نابود می‌گردد، و هر زنده‌ای غیر تو می‌میرد.

ای خدا ای خدا ای خدا بخشاینده مهربان، بر من رحمتی کن تا بدان خشمت را فرونشانی و عذابت را باز داری و سعادت کسانی که در نزد تو هستند را روزی‌ام کنی، و مرا به خانه‌ات که بهترینان از مخلوقاتت در آن ساکنند، وارد کنی، ای مهربان‌ترین مهربانان.

ای کسی که زیبایی را آشکار نمود و زشتی را پوشاند، ای آنکه به گناه مواخذه نکرد و پرده را ندرید. ای که بخشش او بزرگ است، ای نیکو درگذرنده، ای صاحب آمرزش گسترده، ای آنکه دو دست خود را به رحمت می‌گشایی، ای همدم هر نجوا، ای نهایت هر شکایت، ای گذشت بزرگوار، ای بزرگ منت، ای آغازگر به نعمت‌ها قبل از استحقاق آن، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای سرور من و ای امید من، ای نهایت آرزوی من، از تو می‌خواهم ای خدا ای خدا که خلقتم را به آتش زشت مگردانی».

عرض کرد: ای رسول خدا پاداش کسی که این کلمات را می‌گوید چیست؟ هیهات هیهات، قلم از آن بریده گشت، اگر فرشتگان هفت آسمان و هفت طبقه زمین گرد آیند تا پاداش آن را تا روز قیامت وصف کنند، تنها یک جزء از هزار جزء را وصف می‌کنند، و آن حضرت علیه السلام برای این کلمات پاداش و فضائل بسیاری ذکر نمودند که ذکر آن در اینجا از توان خارج است، و از بیم طولانی شدن کلام به ذکر مقصود اکتفا کردیم. - . مکارم الاخلاق: ۳۹۷ – ۳۹۵ -

**[ترجمه]

«۱۲»

مکا، [مکارم الأخلاق] کَانَ مِنْ دُعَاءِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله: اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الْعَافِیَهَ وَ شُکْرَ الْعَافِیَهِ وَ تَمَامَ الْعَافِیَهِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ(۲).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: از جمله دعای پیامبر صلی الله علیه و آله این بود: «خدایا از تو عافیت، شکر بر عافیت و عافیت کامل در دنیا و آخرت را خواهانم». - . مکارم الاخلاق: ۴۰۵ -

**[ترجمه]

«۱۳»

ضا، [فقه الرضا علیه السلام] دُعَاءٌ: اللَّهُمَّ إِنَّکَ کُنْتَ قَبْلَ الْأَزْمَانِ وَ قَبْلَ الْکَوْنِ وَ الْکَیْنُونِیَّهِ وَ الْکَائِنِ وَ عَلِمْتَ بِمَا تُرِیدُ أَنْ تَکُونَ قَبْلَ تَکْوِینِ الْأَشْیَاءِ وَ کَانَ عِلْمُکَ السَّابِقَ فِیمَا تُرِیدُ أَنْ تَکُونَ قَبْلَ التَّکْوِینِ وَ الْعِلْمِ فَعِلْمُکَ دَائِبٌ غَیْرُ مُکْتَسَبٍ لَمْ تَزَلْ کُنْتَ عَالِماً مَوْجُوداً وَ الْجَهْلُ عَنْکَ نَافِیاً فَأَنْتَ بَادِی الْأَبَدِ وَ قَادِمُ الْأَزَلِ وَ دَائِمُ الْقِدَمِ لَا تُوصَفُ بِصِفَاتٍ وَ لَا تُنْعَتُ بِوَصْفٍ وَ لَا تُلْحَقُ بِالْحَوَاسِّ وَ لَا تُضْرَبُ فِیکَ الْأَمْثَالُ وَ لَا تُقَاسُ بِقِیَاسٍ وَ لَا تُحَدُّ بِحُدُودٍ لَیْسَ لَکَ مَکَانٌ یُعْرَفُ وَ لَا لَکَ مَوْضِعٌ یُنَالُ لَا فَوْقَکَ مُنْتَهًی وَ لَا عَنْکَ انْتِهَاءٌ وَ لَا خَلْفَکَ إِدْرَاکٌ وَ لَا أَمَامَکَ مُصَادِفٌ بَلْ أَیْنَ تَوَجَّهَ الْوَاجِهُونَ فَأَنْتَ هُنَاکَ لَمْ تَزَلْ لَا یُحِیطُ بِکَ الْأَشْیَاءُ بَلْ تُحِیطُ بِالْأَشْیَاءِ مُحْتَوٍ بِهَا مُحْتَجِبٌ عَنْ رُؤْیَهِ الْمَخْلُوقِینَ وَ هُمْ عَنْکَ غَیْرُ مُحْتَجِبِینَ تَرَی وَ لَا تُرَی وَ أَنْتَ فِی الْمَلَإِ الْأَعْلَی تَسْمَعُ وَ تَرَی وَ تَعْلَمُ مَا یَخْفَی وَ أَخْفَی فَتَبَارَکْتَ وَ تَعَالَیْتَ عَمَّا یَقُولُونَ عُلُوّاً کَبِیراً.

دُعَاءٌ آخَرُ لِی: اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ کَمَا أَنْتَ حَیْثُ أَنْتَ لَا یَعْلَمُ أَحَدٌ کَیْفَ أَنْتَ إِلَّا أَنْتَ لَا تَحُولُ عَمَّا کُنْتَ فِی الْأَزَلِ حَیْثُ کُنْتَ وَ لَا تَزُولُ وَ لَا تَوَلَّی أَوَّلِیَّتُکَ مِثْلُ آخِرِیَّتِکَ وَ آخِرِیَّتُکَ مِثْلُ أَوَّلِیَّتِکَ إِذَا أُفْنِیَ الْخَلَائِقُ وَ أُظْهِرَ الْحَقَائِقُ لَا یَعْرِفُ بِمَکَانِکَ مَلَکٌ مُقَرَّبٌ وَ لَا نَبِیٌّ مُکَرَّمٌ وَ لَا أَحَدٌ یَعْرِفُ أَیْنِیَّتَکَ وَ لَا کَیْفِیَّتَکَ وَ لَا کَیْنُونِیَّتَکَ فَأَنْتَ الْأَحَدُ الْأَبَدُ وَ مُلْکُکَ سَرْمَدٌ وَ سُلْطَانُکَ لَا یَنْقَضِی لَا لَکَ زَوَالٌ وَ لَا لِمُلْکِکَ نَفَادٌ وَ لَا لِسُلْطَانِکَ تَغَیُّرٌ مُلْکُکَ دَائِمٌ وَ سُلْطَانُکَ قَدِیمٌ مِنْکَ وَ بِکَ

١- ١. مكارم الأخلاق: ٣٩٥- ٣٩٧.

٢- ٢. مكارم الأخلاق: ٤٠٥.

لَا بِأَحدٍ وَ لَا مِنْ أَحَدٍ لِأَنَّکَ لَمْ تَزَلْ کُنْتَ الْأَزَلَّ بِکَ لَا أَنْتَ بِهِ أَنْتَ الدَّوَامُ لَمْ تَزَلْ سُبْحَانَکَ وَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوّاً كَبِيراً.

دُعَاءٌ حَسَنٌ بَلِيغٌ لِي: اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْکَ فِي يَوْمِ فَقْرِي وَ فَاقَتِي عِنْدَ تَحَيُّرِي وَ عِنْدَ انْقِطَاعِ حُجَّتِي بِحُبِّکَ وَ بِحَبِيبِکَ وَ بِالَّذِي اتَّخَذْتَ إِبْرَاهِيمَ مِنْ أَجْلِهِ خَلِيلًا وَ كَلَّمْتَ مُوسَى مِنْ كَرَامَتِهِ فِي طُورِ سَيْنَاءَ مِنْ وَرَائِهِ بِكَلَامٍ وَ نَفَخْتَ فِي مَرْيَمَ بِهِ مِنْ رُوحِکَ وَ هُوَ نُورُکَ السَّاطِعُ وَ ضِيَاؤُکَ اللَّامِعُ أَنْوَرُ نُوراً وَ أَشْرَقُ سَنَاءً وَ أَضْوَأُ ضِيَاءً وَ أَعَزُّ مَنْ خَلَقْتَ وَ أَفْضَلُ مَنْ فَطَرْتَ وَ أَوَّلُ مَنِ ابْتَدَعْتَ وَ آخِرُ مَنْ أَظْهَرْتَ رُوحُکَ وَ نُورُکَ وَ قُدْسُکَ بِهِ كَوْنُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ خِتَامُ رُسُلِکَ وَ افْتِتَاحُ أَنْبِيَائِکَ مَحَجَّتُکَ الْكُبْرَى وَ آيَتُکَ الْعُظْمَى وَ آيَاتُکَ الْأَسْنَى وَ بَابُکَ الْقُصْوَى وَ حِجَابُکَ الْأَدْنَى وَ كَلِمَتُکَ الْعُلْيَا مَدِينَةُ عِلْمِکَ وَ مَعْدِنُ حِكْمَتِکَ وَ مُنْتَهَى سِرِّکَ مِيثَاقُ الْأَنْبِيَاءِ وَ عَهْدُ الشُّهَدَاءِ مِنْ أَثْبَتِ الْمُرْسَلِينَ أَصْلُ الْأَوْصِيَاءِ وَ فَرْعُ الْأَتْقِيَاءِ أَكْرَمُ الْبَرَرَهِ وَ صَافِي الصَّفْوَهِ خَيْرُ الثَّقَلَيْنِ وَ أَكْرَمُ مَنْ فِي الْخَافِقَيْنِ إِلَى عَيْنِ الْمَشْرِقَيْنِ وَ مَا فِي الْمَغْرِبَيْنِ سَيِّدُ مَنْ مَضَى مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ سَيِّدُ مَنْ بَقِيَ مِنَ الْآخِرِينَ الْخَالِصُ الْمُخْلِصُ الصَّفْوَهُ الصَّفْوَهُ السَّيِّدُ الْبَرُّ تَاجُ الْأَنْبِيَاءِ وَ إِكْلِيلُ الرُّسُلِ وَ فَخْرُ الثَّقَلَيْنِ وَ افْتِخَارُ الْمَلَائِكَهِ عَلَمُ الْهُدَى وَ طَوْدُ التُّقَى وَ النُّورُ فِي الدُّجَى الْقَمَرُ الْبَاهِرُ وَ النَّجْمُ الزَّاهِرُ وَ الْكَوْكَبُ الدُّرِّيُّ مِيزَانُ الْعَدْلِ وَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ مَنَارُ دِينِ اللَّهِ وَ قَنَادِيلُ الرُّسُلِ وَ أَرْكَانُ الدِّينِ الْأَعْلَى وَ عُمُدُ الْإِسْلَامِ مَهَابِطُ الْوَحْيِ آلُکَ وَ أَهْلُکَ وَ أَحِبَّاؤُکَ وَ أُمَنَاؤُکَ وَ أَصْفِيَاؤُکَ وَ نُجَبَاؤُکَ وَ نُخَبَاؤُکَ وَ نُقَبَاؤُکَ وَ أَتْقِيَاؤُکَ وَ شُهَدَاؤُکَ وَ خُلَفَاؤُکَ وَ كُرَمَاؤُکَ وَ حُلَمَاؤُکَ وَ عُرَفَاؤُکَ وَ حُكَمَاؤُکَ وَ عُلَمَاؤُکَ وَ أُدَبَاؤُکَ وَ أُمَنَاؤُکَ وَ نُظَرَاؤُکَ وَ شُفَعَاؤُکَ وَ عُظَمَاؤُکَ ثُمَّ بِخَلِيلِکَ الَّذِي سَمَّيْتَهُ بِاسْمِکَ وَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَى عِبَادِکَ وَ افْتَرَضْتَ مَوَدَّتَهُ عَلَى خَلْقِکَ ثُمَّ آلِ طه وَ يس وَ الْحَوَامِيمِ وَ الطَّوَاسِينِ وَ كهيعص ذِكْرِکَ

الْحَكِيمِ وَ رَحْمَتِكَ الْبَسِيطِ نَجَاهِ الْمُؤْمِنِينَ وَ هَلَاكِ الْكَافِرِينَ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الَّذِي لَا يُنْكَى وَ لَا يَفْنَى وَ لَا يَهْلِكَ مَعَ الْهَالِكِينَ وَ جَنْبِكَ الْأَوْجَبِ وَ يَدِكَ الْعُلْيَا وَ عَيْنِكَ الْأَوْفَى صَاحِبِ مِيمِ وَ عَيْنِ وَ فا وَ ح وَ ى وَ هى هُمُ الْبَرَرَهُ الْغُرُّ الْخِيَرَهُ فَصَلَوَاتُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى ذُرِّيَّتِهِمْ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً اللَّهُمَّ إِنِّي بِهِمْ وَ بِكَ وَ بِكَ وَ بِهِمْ وَ لَهُمْ وَ لَكَ وَ لَكَ وَ لَهُمْ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى آلِهِمْ وَ سَلِّمْ تَسْلِيماً اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ مِنْ حَقِّهِمْ مَا لَا أَعْلَمُ أَنَا فَتَعْرِفُ مِنْ فَضْلِهِمْ مَا لَا أَعْرِفُ أَنَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ وَ بِفَضْلِهِمْ وَ بِشَرَفِهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى آلِهِمْ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً وَ أَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي صَغِيرَهَا وَ كَبِيرَهَا مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ مَا لَكَ فِيهِ رِضًى وَ لِي فِيهَا صَلَاحٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَاجِبِ حَقِّكَ وَ حَقِّهِمْ عَلَيْنَا وَ بِمَا لَدَيْكَ مِنْ فَضْلِهِمْ وَ حُرْمَتِهِمْ عِنْدَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى آلِهِمْ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً وَ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا جَمِيعَ مَا قَدْ عَلِمْتَ مِنَّا مِنْ ذُنُوبِنَا صَغِيرِهَا وَ كَبِيرِهَا وَ سِرِّهَا وَ عَلَانِيَتِهَا وَ مَا قَدْ أَحْصَيْتَ عَلَيْنَا مِمَّا قَدْ نَسِينَا مَغْفِرَهً عَزْماً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِهِمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ جَمِيعِ كَرَامَتِكَ وَ جَمِيعِ خَيْرِكَ وَ جَمِيعِ عَافِيَتِكَ وَ مَا قَدْ سَأَلُوهُمْ عليهم السلام وَ أَعُوذُ مِنْ جَمِيعِ الْآفَاتِ وَ الْعَاهَاتِ وَ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَ شَرِّ مَا قَدِ اسْتَعَاذُوا هُمْ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ عَلَى أَخِيهِ وَ وَصِيِّهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

**[ترجمه]فقه الرضا: دعای «خدایا به راستی که تو قبل از زمان‌ها و پیش از وجود و هستی و موجودات، بودی و به آنچه بخواهی پدید آوری قبل از به وجود آوردن اشیاء، علم داشتی، و علم پیشین تو قبل از به وجود آمدن و آگاهی در آنچه می‌خواستی ایجاد کنی، وجود داشت، علم تو همیشگی و ذاتی است، پیوسته آگاه بودی و وجود داشتی و جهل از تو دور است. و تو ابدی و ازلی و قدیم همیشگی هستی، نه به صفاتی وصف می‌شوی و نه به صفتی شناخته می شوی و به حواس ملحق نمی گردی، و مثال برای تو زده نمی‌شود و با اندازه، اندازه‌گیری نمی‌شوی و حدی برای تو قرار داده نمی‌شود. مکانی شناخته شده نداری و نه جایگاهی که قابل دسترسی باشد، نه بالای تو انتهاست و نه پایین تو، نه پشت تو درک می‌شود و نه مقابل تو را می‌توان دریافت بلکه روی‌آورندگان کدام جهت رو کنند که تو پیوسته آنجایی و اشیاء تو را احاطه نمی... کنند و بلکه این تویی که اشیاء را فرا می گیری و آنها را در برداری و از نگاه مخلوقات در حجابی، در حالی که آنها از تو پوشیده نیستند، می‌بینی و دیده نمی‌شود و تو در جایگاه والایی می‌شنوی و می‌بینی و می‌دانی آنچه پنهان می‌شود و پنهان شد، پس از آنچه گفتند بسیار برتری یافتی.

دعایی دیگر از من «خدایا تو تویی همانطور که تویی همانجا که تویی و کسی نمی‌داند تو چگونه‌ای جز تو و از آنچه در ازل بودی، همانجا که بودی تغییر نپذیرفتی، از بین نمی‌رود و پشت نمی‌کند. اول تو مثل آخر تو و پایان تو چون آغاز توست، آنگاه که مخلوقات فنا شوند و حقایق آشکار گردند، هیچ فرشته مقرب و پیامبر گرامی مکان تو را نمی‌شناسد و هیچ کس کجایی و چگونگی و وجود تو را نمی‌داند، پس تو یکتای همیشگی هستی و فرمانروایی‌ات، دائم و پادشاهی‌ات از بین نمی‌رود، نابودی نداری و حکومتت پایان نپذیرد و قدرتت تغییر نکند، فرمانروایی‌ات جاودان و پادشاهی‌ات، قدیمی است، از تو و به واسطه تو نه به کمک کسی دیگر و از شخصی دیگر. زیرا پیوسته ازل به واسطه تو بود نه تو به واسطه آن، تو جاودان پیوسته‌ای، منزهی و از آنچه می گویند بسیار بالاتر رفتی.

دعایی نیک و رسا برای من:

«خداوندا در روز فقر و نیازم و به هنگام سرگشتگی و تمام شدن حجتم به محبت تو و محبوب تو توسل می‌جویم و به کسی که ابراهیم را به سبب او خلیل خود برگرفتی و از کرامت او با موسی در طور سینا، از پشت آن سخن گفتی، و به سبب او در مریم از روح خود دمیدی و آن نور درخشان تو و روشنایی تابان تو و پرنورترین نورهاست، تابنده‌ترین پرتو و روشن‌ترین روشنی‌هاست، عزیزترین مخلوقات و برترین آفریدگان و نخستین کسی که آفریدی و آخرین کسی که آشکار ساختی، روح و نور و پاکی توست، پیدایش نخستینان و آخرین‌ها به سبب اوست پایان بخش رسولان تو، و سرآغاز پیامبران تو، حجت بزرگ، نشانه عظیم تو و نشانه‌های درخشان تو و دروازه نهایی تو و حجاب نزدیک تو و کلمه والای تو، شهر علم تو و سرچشمه حکمت تو و انتهای راز توست، میثاق پیامبران و پیمان شهیدان از استوارترین رسولان، اصل جانشینان و فرع تقواپیشگان، گرامی‌ترین نیکوکاران و برگزیده برگزیدگان.

بهترین ثقلین و گرامی‌ترین در مشرق و مغرب، تا دو مشرق و میان دو مغرب است، سرور نخستینان که گذشتند و سرور آیندگان که باقی‌اند، پاک رهانیده شده برگزیده، برگزیده، سرور نیکوکار، تاج پیامبران و تاج رسولان و فخر ثقلین و افتخار فرشتگان پرچم هدایت کوه تقوا، نور تاریکی ماه تابان و ستاره درخشان کوکب دری، ترازوی عدالت، راه راست، مناره دین خدا، قندیل‌های رسولان، پایه‌های دین والا، ستون‌های اسلام، فرودگاه های وحی.

خاندان تو، خانواده تو، فرزندان تو، امین‌های تو، برگزیدگان تو، نجیبان تو، نخبه‌های تو و سران تو و تقواپیشگان تو و شاهدان تو و جانشینان تو و بزرگواران تو شکیبایان تو و عارفان تو و حکیمان تو و عالمان تو و ادیبان تو امین‌های تو، نظیرهای تو و شفیعان تو و بزرگان تو .

سپس به خلیل تو که او را هم نام خود، قرار دادی و طاعت او را بر بندگان واجب گردانیدی و محبتش را بر مخلوقات خویش، بایسته کردی سپس آل طه و یس و حوامیم و طواسین و کهیعص ذکر حکیم تو و رحمت گسترده تو، نجات مؤمنان و هلاک کافران، روی کریم تو، که مغلوب نشود و نابود نگردد و با هلاک‌شوندگان، هلاک نگردد و جوار شایسته تو و دست والا و چشم باوفای تو صاحب میم و عین و فا و ح و هی، آنها نیکان خوب صورت درستکارند، درود و سلام خداوند بر آنان و فرزندانشان.

خداوندا به آنها و به تو و به تو و به آنها و برای آنها و برای تو و برای تو و برای آنان، خدایا پس بر آنان و خاندانشان درود فرست، خداوندا تو از حق آنان چیزی می‌دانی که من نمی‌دانم و از فضلیت آنان چیزی می‌شناسی که من نمی‌شناسم، خدایا به آنها و به حق آنان و فضل و شرف آنها از تو می‌خواهم بر محمد و آنان و بر خاندانشان سلام و درود فرستی و حاجت مرا روا سازی، کوچک و بزرگ آن از حاجات دنیا و آخرت، آنچه که رضای تو و صلاح من در آن است.

خداوندا به حق بایسته تو و آنان بر ما و به فضل و حرمتشان در نزد تو از تو می‌خواهم بر آنان و خاندانشان سلام و درود فرستی و تمام گناهان کوچک و بزرگ و پنهان و آشکار که از من آگاه گشتی بیامرزی و آنچه از ما برشمردی از آنچه که فراموش کردیم ببخشایی.

خدایا به واسطه آنان درود خدا بر آنان تمامی کرامت تو را و تمامی خیر و عافیت تو را خواهانم و آنچه از آنان علیهم السلام درخواست شود، از شر تمامی آفات و آسیب‌ها و شر هر صاحب جز تو نیست پاکی و منزهی و من از ستمکاران خواهم بود و تو مهربان‌ترین مهربانانی، و درود خدا بر سرور اولین و آخرین، و سلام او بر برادر و جانشینش امیر مؤمنان و هیچ نیرو و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمی‌... پذیرد.

**[ترجمه]

«۱۴»

کشف، [کشف الغمه] مِنْ دَلَائِلِ الْحِمْيَرِيِّ عَنْ أَبِی هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: كَتَبَ إِلَی أَبِی مُحَمَّدٍ علیه السلام بَعْضُ مَوَالِيهِ يَسْأَلُهُ أَنْ يُعَلِّمَهُ دُعَاءً فَكَتَبَ إِلَيْهِ أَنِ ادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَ يَا أَبْصَرَ الْمُبْصِرِينَ وَ يَا عِزَّ النَّاظِرِينَ وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَوْسِعْ لِی فِی رِزْقِی وَ مُدَّ لِی فِی عُمُرِی وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ وَ اجْعَلْنِی مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِی غَيْرِی.

قَالَ أَبُو هَاشِمٍ فَقُلْتُ فِی نَفْسِی اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی فِی حِزْبِکَ وَ فِی زُمْرَتِکَ فَأَقْبَلَ عَلَیَّ أَبُو مُحَمَّدٍ فَقَالَ أَنْتَ فِی حِزْبِهِ وَ فِی زُمْرَتِهِ إِذْ کُنْتَ بِاللَّهِ مُؤْمِناً وَ لِرَسُولِهِ مُصَدِّقاً وَ لِأَوْلِیَائِهِ عَارِفاً وَ لَهُمْ تَابِعاً فَأَبْشِرْ ثُمَّ أَبْشِرْ(۱).

**[ترجمه]کشف الغمه: به نقل از کتاب دلائل حمیری از ابی هاشم جعفری که چنین آورد: یکی ازطرفداران امام حسن علیه السلام از او خواست تا دعایی بدو بیاموزد پس به او نگاشتند این دعا را بخوان: «ای شنونده‌ترین شنواها و ای بیننده‌ترین بینندگان و ای عزت نگرندگان و ای سریع‌ترین حسابگران و ای مهربان‌ترین مهربانان و ای حاکم‌ترین حاکمان بر محمد و خاندان محمد درود فرست و روزی‌ام را بگستران و بر عمرم بیافزای و به رحمتت بر من منت بنه و مرا از کسانی قرار ده که دینت را یاری می‌کنی و دیگران را جایگزین من مگردان».

ابو هاشم نقل کرد: با خود گفتم: «خدایا مرا در حزب و گروه خود قرار ده» پس امام حسن به من رو کردند و فرمودند: تو در حزب و گروه او هستی، اگر به خداوند ایمان آوری و رسول او را تصدیق کنی و معرفت اولیای او را داشته باشی و پیرو آنان گردی، پس بشارت ده سپس بشارت ده. - . کشف الغمه۳: ۲۹۹ -

**[ترجمه]

«۱۵»

کش، [رجال الکشی] طَاهِرُ بْنُ عِیسَی الْوَرَّاقُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَیُّوبَ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِی حَمَّادٍ عَنِ ابْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَیْدٍ الشَّحَّامِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقُلْتُ لَهُ عَلِّمْنِی دُعَاءً قَالَ اکْتُبْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ یَا مَنْ أَرْجُوهُ لِکُلِّ خَیْرٍ وَ آمَنُ سَخَطَهُ عِنْدَ کُلِّ عَثْرَةٍ یَا مَنْ یُعْطِی الْکَثِیرَ بِالْقَلِیلِ وَ یَا مَنْ أَعْطَی مَنْ سَأَلَهُ تَحَنُّناً وَ رَحْمَةً یَا مَنْ أَعْطَی مَنْ لَمْ یَسْأَلْهُ وَ لَمْ یَعْرِفْهُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ وَ أَعْطِنِی بِمَسْأَلَتِکَ خَیْرَ الدُّنْیَا وَ جَمِیعَ خَیْرِ الْآخِرَةِ فَإِنَّهُ غَیْرُ مَنْقُوصٍ لِمَا أَعْطَیْتَ وَ زِدْنِی مِنْ سَعَةِ فَضْلِکَ یَا کَرِیمُ ثُمَّ رَفَعَ یَدَهُ فَقَالَ یَا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ یَا ذَا النَّعْمَاءِ وَ الْجُودِ ارْحَمْ شَیْبَتِی مِنَ النَّارِ ثُمَّ وَضَعَ یَدَیْهِ عَلَی لِحْیَتِهِ وَ لَمْ یَرْفَعْهُمَا إِلَّا وَ قَدِ امْتَلَأَ ظَهْرُ کَفِّهِ دُمُوعاً(۲).

**[ترجمه]رجال الکشی: از محمد بن زید شحام نقل است: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و به ایشان عرض کردم: دعایی به من بیاموزید، فرمودند: بنویس «به نام خداوند بخشنده مهربان ای کسی که برای هر خیری به او امید دارم و از خشم او به هنگام هر لغزشی ایمنم، ای کسی که در ازای اندک، بسیار می‌بخشی، ای کسی که از روی رحمت و مهربانی به هر کس که از او درخواست کند، عطا می‌کنی، ای کسی که به آنکه از او درخواست نکرد و نشناخت، بخشید، بر محمد و اهل بیت او درود فرست و با درخواست از تو، خیر دنیا و تمامی خیر و آخرت را به من عطا کن، به راستی آنچه می‌بخشی کم نمی‌شود و از گستره فضل خود بر من بیافزای ای بزرگوار».

سپس دست خود را بالا بردند و فرمودند «ای صاحب بخشش و عطا، ای صاحب شکوه و بزرگی، ای صاحب نعمت‌ها و سخاوت، بر من از آتش رحم کن» سپس دستان خویش را بر محاسنشان گذاشتند و وقتی آنها را پایین آورد، کف دستشان از اشک پر شد. - . رجال الکشی: ۳۱۵ -

**[ترجمه]

«۱۶»

جع، [جامع الأخبار] دُعَاءٌ مَرْوِیٌّ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله: اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ وَ سُوءِ الْقَدَرِ وَ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِی الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ.

وَ مِنْ دُعَائِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ غِنًی یُطْغِینِی وَ فَقْرٍ یُسِیئُنِی (۳)

وَ هَوًی یُرْدِینِی وَ عَمَلٍ یُخْزِینِی وَ جَارٍ یُؤْذِینِی.

وَ مِنْ دُعَائِهِ: اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مَشْغُولِینَ بِأَمْرِکَ آمِنِینَ بِوَعْدِکَ آیِسِینَ مِنْ خَلْقِکَ آنِسِینَ بِکَ مُسْتَوْحِشِینَ مِنْ غَیْرِکَ رَاضِینَ بِقَضَائِکَ صَابِرِینَ عَلَی بَلَائِکَ شَاکِرِینَ عَلَی نَعْمَائِکَ مُتَلَذِّذِینَ بِذِکْرِکَ فَرِحِینَ بِکِتَابِکَ مُنَاجِینَ بِکَ آنَاءَ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ وَ مُسْتَعِدِّینَ لِلْمَوْتِ مُشْتَاقِینَ إِلَی لِقَائِکَ مُتَبَغِّضِینَ لِلدُّنْیَا مُحِبِّینَ لِلْآخِرَهِ وَ آتِنا

ص: ۳۶۰

۱- ۱. کشف الغمّه ج ۳ ص ۲۹۹.

۲- ۲. رجال الکشّیّ: ۳۱۵.

۳- ۳. یشیننی ظ، و فی المصدر: ینسینی.

ما وَعَدْتَنا عَلی رُسُلِکَ وَ لا تُخْزِنا یَوْمَ الْقِیامَهِ إِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمِیعادَ(۱).

دُعَاءٌ: اللَّهُمَّ اجْعَلْ خَیْرَ أَعْمَارِنَا خَوَاتِمَهُ وَ خَیْرَ أَیَّامِنَا یَوْمَ نَلْقَاکَ فِیهِ (۲).

**[ترجمه]جامع الأخبار: دعایی به روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «خدایا من پناه می‌برم به تو از قضا و قدر ناگوار و نگاه بد به خانواده و مال و فرزند» .

و از دعای ایشان: «خدایا پناه می‌برم به تو از بی‌نیازی که مرا به سرکشی اندازد و فقری که مرا ناپسند گرداند و هوایی که مرا به هلاکت اندازد و کرداری که خوارم گرداند و همسایه که آزارم برساند».

از دعای ایشان «خدایا ما را به امر خویش مشغول بدار و به وعده خویش ایمن بدار، از خلق خود مایوس گردان و به خود مونس کن. از غیر خود بترسان و به قضای خود راضی و بر بلای خویش شکیبا و بر نعمت هایت سپاسگزار و از یادت لذت مند و از کتاب خود شاد، از مناجات... کنندگان با تو در لحظات شب و روز و آماده‌شدگان برای مرگ و مشتاقان دیدار خود و کینه‌توزان دنیا، علاقمندان به آخرت قرار ده و آنچه به رسولانت وعده دادی به ما عطا کن و روز قیامت خوار مساز، به راستی که تو خلف وعده نمی‌کنی.

دعای «خداوندا بهترین عمرهای ما را در پایان آن قرار ده و بهترین روزهای ما را روز ملاقات با خویش قرار ده». - . جامع الاخبار: ۱۵۴ -

**[ترجمه]

«۱۷»

بشا، [بشاره المصطفی] أَبُو عَلِیِّ بْنُ شَیْخِ الطَّائِفَهِ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْمُفِیدِ عَنِ الْجِعَابِیِّ عَنِ ابْنِ عُقْدَهَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِیدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ عُتْبَهَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْمُبَارَکِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مَالِکٍ الْأَحْمَسِیِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ ظَرِیفٍ عَنِ ابْنِ نُبَاتَهَ قَالَ: کُنْتُ أَرْکَعُ عِنْدَ بَابِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ أَنَا أَدْعُو اللَّهَ إِذْ خَرَجَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ فَقَالَ یَا أَصْبَغُ قُلْتُ لَبَّیْکَ قَالَ أَیَّ شَیْ ءٍ کُنْتَ تَصْنَعُ قُلْتُ رَکَعْتُ وَ أَنَا أَدْعُو قَالَ أَ فَلَا أُعَلِّمُکَ دُعَاءً سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ قُلْتُ بَلَی قَالَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی مَا کَانَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی کُلِّ حَالٍ ثُمَّ ضَرَبَ بِیَدِهِ الْیُمْنَی عَلَی مَنْکِبِهِ الْأَیْسَرِ وَ قَالَ یَا أَصْبَغُ لَئِنْ ثَبَتَتْ قَدَمُکَ وَ تَمَّتْ وَلَایَتُکَ وَ انْبَسَطَتْ یَدُکَ اللَّهُ أَرْحَمُ بِکَ مِنْ نَفْسِکَ (۳).

**[ترجمه]بشاره المصطفی: ابن بناته نقل کرد: کنار در خانه امیر مؤمنان علیه السلام به رکوع می‌رفتم و خدا را می‌خواندم، که امیر مؤمنان خارج شد و فرمود: ای أصبغ، عرض کردم: بله بفرمایید. فرمودند: چه کار می‌کنی؟ عرض کردم: به رکوع رفتم و دعا می‌خواندم. فرمودند: آیا نیاموزم به تو دعایی که از رسول خدا شنیدم؟ عرض کردم: آری. فرمودند: بگو: «سپاس خدایی را بر آنچه بود و سپاس خدای را در هر حال» سپس دست راست خود را بر شانه چپشان زدند و فرمودند: ای اصبغ، اگر قدمت استوار باشد و ولایت شکل بگیرد و دستت فراخ باشد، خداوند از تو به خود مهربان‌تر است. - . بشاره المصطفی: ۱۱۷ -

**[ترجمه]

«۱۸»

غو، [غوالی اللئالی] رُوِیَ: أَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله کَانَ یَدْعُو دَائِماً بِهَذَا الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشْیَتِکَ مَا یَحُولُ بَیْنَنَا وَ بَیْنَ مَعَاصِیکَ وَ مِنْ طَاعَتِکَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ جَنَّتَکَ وَ مِنَ الْیَقِینِ مَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَیْنَا مُصِیبَاتِ الدُّنْیَا وَ مَتِّعْنَا بِأَسْمَاعِنَا وَ أَبْصَارِنَا وَ قُوَانَا مَا أَحْیَیْتَنَا وَ اجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا وَ اجْعَلْ ثَارَنَا عَلَی مَنْ ظَلَمَنَا وَ انْصُرْنَا عَلَی مَنْ عَادَانَا وَ لَا تَجْعَلِ الدُّنْیَا أَکْبَرَ هَمِّنَا وَ لَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَیْنَا مَنْ لَا یَرْحَمُنَا.

**[ترجمه]غوالی اللئالی: روایت است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همیشه این دعا را می‌خواندند: «خدایا از بیم خود چنان روزی‌مان کن که میان ما و نافرمانی از تو فاصله اندازد و از طاعت خود، آنچه که ما را به بهشت برساند و از یقین آنچه که به واسطه آن مصیبت‌های دنیا را خوار گردانی، ما را از گوش و چشم و نیروهامان بهره برسان، مادامی که ما را زنده نگاه داشتی و آن را وارث ما قرار ده و از کسی که بر ما ظلم کرد، انتقام بگیر و ما را بر دشمنانمان یاری کن و دنیا را بزرگ‌ترین غم ما و نهایت علم ما قرار مده و کسی که بر ما رحم نمی‌کند را بر ما مسلط مگردان».

**[ترجمه]

«۱۹»

مِنْ خَطِّ الشَّهِیدِ ره قِیلَ مِنْ أَحْسَنِ الدُّعَاءِ: اللَّهُمَّ اجْعَلْ خَیْرَ عُمُرِی آخِرَهُ وَ خَیْرَ عَمَلِی خَوَاتِمَهُ وَ خَیْرَ أَیَّامِی یَوْمَ لِقَائِکَ اللَّهُمَّ لَا تُمِتْنِی فِی غَمْرَةٍ وَ لَا تَأْخُذْنِی عَلَی غِرَّةٍ وَ لَا تَجْعَلْنِی مِنَ الْغَافِلِینَ اللَّهُمَّ وَسِّعْ عَلَیَّ فِی الدُّنْیَا وَ زَهِّدْنِی فِیهَا وَ لَا تَزْوِهَا عَنِّی وَ لَا تُرَغِّبْنِی فِیهَا وَ أَحْیِنِی سَعِیداً وَ تَوَفَّنِی شَهِیداً.

ص: ۳۶۱

۱- ۱. جامع الأخبار: ۱۵۴.

۲- ۲. جامع الأخبار: ۱۵۴.

۳- ۳. بشاره المصطفی: ۱۱۷.

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ تَجْعَلَنِی عِبْرَهً لِغَیْرِی وَ أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَقِرَّ لِمَعْصِیَتِکَ لِضُرٍّ نَزَلَ بِی اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ تُؤَدِّبَنِی بِعُقُوبَتِکَ اللَّهُمَّ لَا تَکِلْنَا إِلَی أَنْفُسِنَا فَنَعْجِزَ وَ لَا إِلَی النَّاسِ فَنَضِیعَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ خَیْرَ عَمَلِی مَا قَارَبَ أَجَلِی اللَّهُمَّ أَصْبَحَ ذُلِّی مُسْتَجِیراً بِعِزِّکَ وَ أَصْبَحَ خَوْفِی مُسْتَجِیراً بِأَمْنِکَ وَ أَصْبَحَ ظُلْمِی مُسْتَجِیراً بِعَفْوِکَ وَ أَصْبَحَ جَهْلِی مُسْتَجِیراً بِحِلْمِکَ وَ أَصْبَحَ فَقْرِی مُسْتَجِیراً بِغِنَاکَ وَ أَصْبَحَ وَجْهِیَ الْبَالِی الْفَانِی مُسْتَجِیراً بِوَجْهِکَ الدَّائِمِ الْبَاقِی الْجَمِیلِ الْکَرِیمِ اللَّهُمَّ أَصْبَحْتُ لَا یَمْنَعُنِی مِنْکَ أَحَدٌ إِنْ أَنْتَ أَرَدْتَنِی وَ لَا یُعْطِینِی أَحَدٌ إِنْ أَنْتَ حَرَمْتَنِی اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنِی لِقِلَّهِ شُکْرِی وَ لَا تَمْنَعْنِی لِقِلَّهِ صَبْرِی.

**[ترجمه]به نقـل از خـط شـهید ره: نقل است از بهترین دعاها این است:«خداونـدا خیر عمرم را در پایان آن و خیر کردارم را در عاقبت آن و خیر روزگارم را در روز دیـدار خود قرار ده، خدایا مرا به سـختی نمیران و در حالت غفلت جانم را مگیر و مرا از غافلان قرار مده، خداوندا در دنیا بر من بگستران و مرا نسبت به آن بی‌رغبت مگردان و مرا سعادتمند زنده بدار و شهید از دنیا ببر.

خـدایا به تو پنـاه می‌برم از اینکه مرا عبرت دیگران قرار دهی و پنـاه می‌برم به تو از اینکه به خـاطر رنجی که بر من وارد شـد، به گناهم اعتراف کنم. خـدایا پناه می‌برم به تو از اینکه مرا به عـذاب خود ادب کنی، خـدایا ما را به خود وا مگذار که درمانیم و نه به مردم که تباه شویم، خدایا بهـترین عمـل مرا آن چیزی قرار ده که اجلم را نزدیـک کنـد، خـدایا خـواری من در پنـاه عزت تو قرار گرفت و ترسم در پنـاه امنیت خویش و ظلمم در پنـاه عفو خود و نـادانی‌ام در پنـاه شـکیبایی خود و فقرم در پناه ثروت خود و روی از بین رونـده‌ام در پناه روی همیشـگی پایـدار زیبا بزرگوار خود قرار گرفت. خداونـدا هیـچ کس مرا از تو بـازنمی‌دارد اگر تو مرا بخواهی و چنـانچه تو مرا محروم کنی، هیـچ کس نمی‌بخشـد، خدایا مرا به سبب شکر اندک محروم مکن و به سبب کمی صبرم، باز مدار.

**[ترجمه]

«۲۰»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، قَالَ دَاوُدُ بْنُ زُرْبِیٍّ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ علیه السلام یَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الْعَافِیَهَ وَ أَسْأَلُکَ جَمِیلَ الْعَافِیَهِ وَ أَسْأَلُکَ شُکْرَ الْعَافِیَهِ وَ أَسْأَلُکَ شُکْرَ شُکْرِ الْعَافِیَهِ.

وَ کَانَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله یَدْعُو وَ یَقُولُ أَسْأَلُکَ تَمَامَ الْعَافِیَهِ ثُمَّ قَالَ تَمَامُ الْعَافِیَهِ الْفَوْزُ بِالْجَنَّهِ وَ النَّجَاهُ مِنَ النَّارِ.

وَ رُوِیَ: أَنَّ عَلِیَّ بْنَ سَالِمٍ الْجُعْفِیَّ قَالَ لِأَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام ادْعُ لِی فَقَالَ اللَّهُمَّ أَحْیِهِ مَحْیَانَا وَ أَمِتْهُ مَمَاتَنَا وَ اسْلُکْ بِهِ سَبِیلَنَا قَالَ فَاسْتُشْهِدَ.

وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: مَنْ قَالَ سَبْعِینَ مَرَّهً یَا أَسْمَعَ السَّامِعِینَ یَا أَبْصَرَ الْمُبْصِرِینَ وَ یَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِینَ وَ یَا أَحْکَمَ الْحَاکِمِینَ فَأَنَا ضَامِنٌ لَهُ فِی دُنْیَاهُ وَ آخِرَتِهِ وَ أَنْ یَلْقَاهُ اللَّهُ بِبِشَارَهٍ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ لَهُ بِکُلِّ کَلِمَهٍ بَیْتٌ فِی الْجَنَّهِ.

وَ قَالَ سَمِعْتُ الصَّادِقَ علیه السلام یَقُولُ: سُبْحَانَ مَنْ لَا یَسْتَأْنِسُ بِشَیْ ءٍ أَبْقَاهُ وَ لَا یَسْتَوْحِشُ مِنْ شَیْ ءٍ أَفْنَاهُ.

**[ترجمه]دعوات الراوندی: داود بن زربی نقل کرد: از امام موسی کاظم علیه السلام شنیدم می‌فرمودند: خدایا من از تو عافیت، عافیت کامل، شکر عافیت و سپاسگزاری از شکر عافیت را خواهانم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دعا می‌کردند و می‌فرمودند: از تو عافیت کامل را می‌خواهم، سپس فرمودند: عافیت کامل، رستگاری به بهشت و رهایی از آتش دوزخ است .

روایت است، علی بن سالم جعفیّ به امام باقر علیه السـلام عرض کردنـد: برایم دعا کنیـد، پس فرمودند: خداوندا او را به زندگانی ما بدار و به

مرگ ما بمیران و او را در راه ما مسیر ده. روایت است: آن شخص شهید شد.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هر کس هفتاد مرتبه بگوید: «ای شنونده‌ترین شنواها و ای بیننده‌ترین بینندگان و ای سریع‌ترین حسابگران و ای حاکم‌ترین حاکمان». من دنیا و آخرت او را تضمین می‌کنم و اینکه خدا را هنگام مرگ به بشارت، ملاقات کند و در ازای هر کلمه خانه‌ای در بهشت برای او باشد.

نقل کرد: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم: می‌فرمودند: پاک است کسی که به چیزی انس نمی‌گیرد تا او را پایدار کند و نه از چیزی می‌هراسد که او را نابود کند.

**[ترجمه]

«۲۱»

الدُّرُّ الْمَنْثُورُ، عَنْ أَبِی الْیَسَرِ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله کَانَ یَدْعُو بِهَؤُلَاءِ الْکَلِمَاتِ السَّبْعِ یَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْهَدْمِ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ التَّرَدِّی وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْغَمِّ وَ الْغَرَقِ وَ الْحَرَقِ وَ الْهَدْمِ وَ أَعُوذُ بِکَ أَنْ یَتَخَبَّطَنِی الشَّیْطَانُ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَمُوتَ فِی سَبِیلِکَ مُدْبِراً وَ أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَمُوتَ لَدِیغاً.

ص: ۳۶۲

**[ترجمه]الدر المنثور: أبی یسر روایت کرد: رسول خدا صلی الله علیه و آله با این هفت کلمه دعا می‌کردند: خدایا به تو پناه می‌برم از ویرانی و پناه می‌برم از هلاکت و پناه می‌برم از غم غرق شدن و سوختن و ویرانی و پناه می‌برم به تو که شیطان در لحظه مرگ مرا به بیراهه برد و پناه می‌برم به تو از اینکه بمیرم در حالی که به راه تو پشت کردم و پناه می‌برم به تو از اینکه گَزیده شده بمیرم.

**[ترجمه]

«۲۲»

مهج، [مهج الدعوات] رَوَى ابْنُ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَرَأَيْتُهُ ضَاحِكاً مَسْرُوراً فَقُلْتُ مَا الْخَبَرُ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ يَا ابْنَ عَبَّاسٍ أَتَانِي جَبْرَئِيلُ علیه السلام وَ بِيَدِهِ صَحِيفَةٌ مَكْتُوبٌ فِيهَا كَرَامَةٌ لِي وَ لِأُمَّتِي خَاصَّةً فَقَالَ لِي خُذْهَا يَا مُحَمَّدُ وَ اقْرَأْ مَا فِيهَا وَ عَظِّمْهُ فَإِنَّهُ كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْآخِرَةِ وَ هَذَا دُعَاءٌ أَكْرَمَكَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ وَ لِأُمَّتِكَ فَقُلْتُ لَهُ وَ مَا هُوَ يَا جَبْرَئِيلُ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى جَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ وَ هُوَ الدُّعَاءُ الَّذِي قَدْ تَقَدَّمَ ذِكْرُهُ إِلَى سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ (۱)

فَقُلْتُ يَا جَبْرَئِيلُ وَ مَا ثَوَابُ مَنْ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ سَأَلْتَنِي عَنْ ثَوَابٍ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى لَوْ صَارَتِ الْبِحَارُ مِدَاداً وَ الْأَشْجَارُ أَقْلَاماً وَ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ كِتَاباً وَ كَتَبُوا بِمِقْدَارِ الدُّنْيَا أَلْفَ مَرَّةٍ لَفَنِيَ الْمِدَادُ وَ تَكَسَّرَتِ الْأَقْلَامُ لَمْ يَكْتُبُوا الْعُشْرَ مِنْ ذَلِكَ يَا مُحَمَّدُ وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيّاً مَا مِنْ عَبْدٍ وَ لَا أَمَةٍ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ ثَوَابَ أَرْبَعَةٍ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَرْبَعَةٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فَأَمَّا الْأَنْبِيَاءُ فَأَوَّلًا ثَوَابُكَ يَا مُحَمَّدُ وَ ثَوَابُ عِيسَى وَ ثَوَابُ مُوسَى وَ ثَوَابُ إِبْرَاهِيمَ وَ [ثَوَابُ نُوحٍ] علیهم السلام وَ أَمَّا الْمَلَائِكَةُ فَأَوَّلًا ثَوَابِي وَ ثَوَابُ إِسْرَافِيلَ وَ ثَوَابُ مِيكَائِيلَ وَ ثَوَابُ عِزْرَائِيلَ يَا مُحَمَّدُ مَا مِنْ رَجُلٍ أَوِ امْرَأَةٍ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي عُمُرِهِ عِشْرِينَ مَرَّةً فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يُعَذِّبُهُ بِنَارِ جَهَنَّمَ وَ لَوْ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الذُّنُوبِ مِثْلُ زَبَدِ الْبَحْرِ وَ قَطْرِ الْأَمْطَارِ وَ عَدَدِ النُّجُومِ وَ زِنَةِ الْعَرْشِ وَ الْكُرْسِيِّ وَ اللَّوْحِ وَ الْقَلَمِ وَ الرَّمْلِ وَ الشَّعْرِ وَ الْوَبَرِ وَ خَلْقِ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ لَغَفَرَ اللَّهُ ذَلِكَ لَهُ وَ يُكْتَبُ لَهُ بِكُلِّ ذَنْبٍ أَلْفُ حَسَنَةٍ يَا مُحَمَّدُ وَ إِنْ كَانَ بِهِ هَمٌّ أَوْ غَمٌّ أَوْ سُقْمٌ أَوْ مَرَضٌ أَوْ عَرَضٌ أَوْ عَطَشٌ أَوْ فَزَعٌ وَ قَرَأَ هَذَا الدُّعَاءَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قَضَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ حَاجَتَهُ وَ مَنْ كَانَ فِي مَوْضِعٍ يَخَافُ الْأَسَدَ وَ الذِّئْبَ أَوْ أَرَادَ الدُّخُولَ عَلَى سُلْطَانٍ جَائِرٍ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَمْنَعُ عَنْهُ كُلَّ سُوءٍ وَ مَحْذُورٍ وَ آفَةٍ بِحَوْلِهِ وَ قُوَّتِهِ وَ مَنْ قَرَأَهُ فِي حَرْبٍ مَرَّةً وَاحِدَةً قَوَّاهُ

ص: ۳۶۳

۱- ۱. لم نجد ذکره فی کتاب المهج.

اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قُوَّةَ سَبْعِينَ مِنْ أَصْحَابِ الْمُحَارِبِينَ وَ مَنْ قَرَأَهُ عَلَى صُدَاعٍ أَوْ شَقِيقَةٍ أَوْ وَجَعِ الْبَطْنِ أَوْ ضَرَبَانِ الْعَيْنِ أَوْ لَدْغِ الْحَيَّةِ أَوِ الْعَقْرَبِ كَفَاهُ اللَّهُ جَمِيعَ ذَلِكَ.

يَا مُحَمَّدُ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَذَا الدُّعَاءِ فَهُوَ بَرِي ءٌ مِنِّي وَ مَنْ يُنْكِرُهُ فَإِنَّهُ تَذْهَبُ عَنْهُ الْبَرَكَهُ.

قَالَ الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ مَا خَلَّفَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله لِأُمَّتِهِ بَعْدَ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَفْضَلَ مِنْ هَذَا الدُّعَاءِ قَالَ سُفْيَانُ كُلُّ مَنْ لَا يَعْرِفُ حُرْمَهَ هَذَا الدُّعَاءِ فَإِنَّهُ مُخَاطِرٌ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله يَا جَبْرَئِيلُ لِأَيِّ شَيْ ءٍ فُضِّلَ هَذَا الدُّعَاءُ عَلَى سَائِرِ الْأَدْعِيَهِ قَالَ لِأَنَّ فِيهِ اسْمَ اللَّهِ الْأَعْظَمَ وَ مَنْ قَرَأَهُ زَادَ فِي ذِهْنِهِ وَ حِفْظِهِ وَ عِلْمِهِ وَ عُمُرِهِ وَ صِحَّتِهِ فِي بَدَنِهِ أَضْعَافاً كَثِيرَهً وَ يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُ تِسْعِينَ آفَهً مِنْ آفَاتِ الدُّنْيَا وَ سَبْعَ مِائَهٍ مِنْ آفَاتِ الْآخِرَهِ.

تم أجر الدعاء الأول و الحمد لله كثيرا.

صِفَهُ أَجْرِ الدُّعَاءِ الثَّانِي رُوِيَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله أَنَّهُ قَالَ: نَزَلَ جَبْرَئِيلُ عليه السلام وَ كُنْتُ أُصَلِّي خَلْفَ الْمَقَامِ قَالَ فَلَمَّا فَرَغْتُ اسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لِأُمَّتِي فَقَالَ لِي جَبْرَئِيلُ عليه السلام يَا مُحَمَّدُ أَرَاكَ حَرِيصاً عَلَى أُمَّتِكَ وَ اللَّهُ تَعَالَى رَحِيمٌ بِعِبَادِهِ فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله لِجَبْرَئِيلَ عليه السلام يَا أَخِي أَنْتَ حَبِيبِي وَ حَبِيبُ أُمَّتِي عَلِّمْنِي دُعَاءً تَكُونُ أُمَّتِي يَذْكُرُونِّي مِنْ بَعْدِي فَقَالَ لِي جَبْرَئِيلُ عليه السلام أُوصِيكَ أَنْ تَأْمُرَ أُمَّتَكَ أَنْ يَصُومُوا ثَلَاثَهَ أَيَّامِ الْبِيضِ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ الثَّالِثَ عَشَرَ وَ الرَّابِعَ عَشَرَ وَ الْخَامِسَ عَشَرَ وَ أُوصِيكَ يَا مُحَمَّدُ أَنْ تَأْمُرَ أُمَّتَكَ أَنْ تَدْعُوَ بِهَذَا الدُّعَاءِ الشَّرِيفِ وَ إِنَّ حَمَلَهَ الْعَرْشِ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ بِبَرَكَهِ هَذَا الدُّعَاءِ وَ بِبَرَكَتِهِ أَنْزِلُ إِلَى الْأَرْضِ وَ أَصْعَدُ إِلَى السَّمَاءِ وَ هَذَا الدُّعَاءُ مَكْتُوبٌ عَلَى أَبْوَابِ الْجَنَّهِ وَ عَلَى حُجُرَاتِهَا وَ عَلَى شُرُفَاتِهَا وَ عَلَى مَنَازِلِهَا وَ بِهِ تُفَتَّحُ أَبْوَابُ الْجَنَّهِ وَ بِهَذَا يُحْشَرُ الْخَلْقُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

وَ مَنْ قَرَأَ هَذَا الدُّعَاءَ مِنْ أُمَّتِكَ يَرْفَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُ عَذَابَ الْقَبْرِ وَ يُؤْمِنُهُ

مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ وَ مِنْ آفَاتِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ بِبَرَكَتِهِ وَ مَنْ قَرَأَهُ يُنْجِيهِ مِنْ عَذَابِ النَّارِ ثُمَّ سَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله جَبْرَئِيلَ عَنْ ثَوَابِ هَذَا الدُّعَاءِ قَالَ جَبْرَئِيلُ عليه السلام يَا مُحَمَّدُ قَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ شَيْ ءٍ لَا أَقْدِرُ عَلَى وَصْفِهِ وَ لَا يَعْلَمُ قَدْرَهُ إِلَّا اللَّهُ يَا مُحَمَّدُ لَوْ صَارَتْ أَشْجَارُ الدُّنْيَا أَقْلَاماً وَ الْبِحَارُ مِدَاداً وَ الْخَلَائِقُ كِتَاباً لَمْ يَقْدِرُوا عَلَى ثَوَابِ قَارِئِ هَذَا الدُّعَاءِ وَ لَا يَقْرَأُ هَذَا عَبْدٌ وَ أَرَادَ عِتْقَهُ إِلَّا أَعْتَقَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ خَلَّصَهُ مِنْ رِقِّ الْعُبُودِيَّهِ وَ لَا يَقْرَؤُهُ مَغْمُومٌ إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ هَمَّهُ وَ غَمَّهُ وَ لَا يَدْعُو بِهِ طَالِبُ حَاجَهٍ إِلَّا قَضَاهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ يَقِيَهُ اللَّهُ مَوْتَ الْفُجَاءَهِ وَ هَوْلَ الْقَبْرِ وَ فَقْرَ الدُّنْيَا وَ يُعْطِيهِ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الشَّفَاعَهَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ وَجْهُهُ يَضْحَكُ وَ يُدْخِلُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِبَرَكَهِ هَذَا الدُّعَاءِ دَارَ السَّلَامِ وَ يُسْكِنُهُ اللَّهُ فِي غُرَفِ الْجِنَانِ وَ يُلْبِسُهُ مِنْ حُلَلِ الْجَنَّهِ الَّتِي لَا تَبْلَى وَ مَنْ صَامَ وَ قَرَأَ هَذَا الدُّعَاءَ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ مِثْلَ ثَوَابِ جَبْرَئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ عِزْرَائِيلَ وَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ وَ مُوسَى الْكَلِيمِ وَ عِيسَى وَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله لَقَدْ عَجِبْتُ مِنْ كَثْرَهِ مَا ذَكَرَ جَبْرَئِيلُ عليه السلام فِي فَضْلِ هَذَا الدُّعَاءِ وَ شَرَفِهِ وَ تَعْظِيمِهِ وَ مَا ذَكَرَ فِيهِ مِنَ الثَّوَابِ لِقَارِئِ هَذَا الدُّعَاءِ ثُمَّ قَالَ جَبْرَئِيلُ يَا مُحَمَّدُ لَيْسَ أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِكَ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي عُمُرِهِ مَرَّهً وَاحِدَهً إِلَّا حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ وَجْهُهُ يَتَلَأْلَأُ مِثْلَ الْقَمَرِ لَيْلَهَ تَمَامِهِ فَيَقُولُ النَّاسُ مَنْ هَذَا أَ نَبِيٌّ هُوَ فَتُخْبِرُهُمُ الْمَلَائِكَهُ بِأَنْ لَيْسَ هَذَا نَبِيّاً وَ لَا مَلَكاً بَلْ هَذَا عَبْدٌ مِنْ عَبِيدِ اللَّهِ مِنْ وُلْدِ آدَمَ قَرَأَ فِي عُمُرِهِ مَرَّهً وَاحِدَهً هَذَا الدُّعَاءَ فَأَكْرَمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهَذِهِ ثُمَّ قَالَ جَبْرَئِيلُ عليه السلام لِلنَّبِيِّ صلى الله عليه و آله يَا مُحَمَّدُ مَنْ قَرَأَ هَذَا الدُّعَاءَ خَمْسَ مَرَّاتٍ حُشِرَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ أَنَا وَاقِفٌ عَلَى قَبْرِهِ وَ مَعِي بُرَاقٌ مِنَ الْجَنَّهِ وَ لَا أَبْرَحُ وَاقِفاً حَتَّى يَرْكَبَ عَلَى ذَلِكَ الْبُرَاقِ وَ لَا يَنْزِلُ عَنْهُ إِلَّا فِي دَارِ النَّعِيمِ خَالِداً مُخَلَّداً وَ لَا حِسَابَ عَلَيْهِ فِي جِوَارِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام وَ فِي جِوَارِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله وَ أَنَا أَضْمَنُ لِقَارِئِ هَذَا الدُّعَاءِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُعَذِّبُهُ وَ لَوْ كَانَ عَلَيْهِ ذُنُوبٌ أَكْثَرُ مِنْ زَبَدِ

الْبَحْرِ وَ قَطْرِ الْمَطَرِ وَ وَرَقِ الشَّجَرِ وَ عَدَدِ الْخَلَائِقِ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّهِ وَ أَهْلِ النَّارِ وَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَأْمُرُ أَنْ يُكْتَبَ بِهَذَا الَّذِی يَدْعُو لِهَذَا الدُّعَاءِ ثَوَابُ حَجَّهٍ مَبْرُورَهٍ وَ عُمْرَهٍ مَقْبُولَهٍ.

يَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ قَرَأَ هَذَا الدُّعَاءَ وَقْتَ النَّوْمِ خَمْسَ مَرَّاتٍ عَلَى طَهَارَهٍ فَإِنَّهُ يَرَاکَ فِی مَنَامِهِ وَ تُبَشِّرُهُ بِالْجَنَّهِ وَ مَنْ كَانَ جَائِعاً أَوْ عَطْشَاناً وَ لَا يَجِدُ مَا يَأْكُلُ وَ لَا مَا يَشْرَبُ أَوْ كَانَ مَرِيضاً فَيَقْرَأُ هَذَا الدُّعَاءَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُفَرِّجُ عَنْهُ مَا هُوَ فِيهِ بِبَرَكَتِهِ وَ يُطْعِمُهُ وَ يَسْقِيهِ وَ يَقْضِی لَهُ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ مَنْ سُرِقَ لَهُ شَیْ ءٌ أَوْ أَبَقَ لَهُ عَبْدٌ فَيَقُومُ وَ يَتَطَهَّرُ وَ يُصَلِّی رَكْعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ وَ يَقْرَأُ فِی كُلِّ رَكْعَهٍ فَاتِحَهَ الْكِتَابِ مَرَّهً وَ سُورَهَ الْإِخْلَاصِ وَ هِیَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مَرَّتَيْنِ فَإِذَا سَلَّمَ يَقْرَأُ هَذَا الدُّعَاءَ وَ يَجْعَلُ الصَّحِيفَهَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَوْ تَحْتَ رَأْسِهِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَجْمَعُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ يَرُدُّ الْعَبْدَ الْآبِقَ بِبَرَكَهِ هَذَا الدُّعَاءِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى وَ إِنْ كَانَ يَخَافُ مِنْ عَدُوٍّ فَيَقْرَأُ هَذَا الدُّعَاءَ عَلَى نَفْسِهِ فَيَجْعَلُهُ اللَّهُ فِی حِرْزٍ حَرِيزٍ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ أَعْدَاؤُهُ وَ مَا مِنْ عَبْدٍ قَرَأَهُ وَ عَلَيْهِ دَيْنٌ إِلَّا قَضَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سَهَّلَ لَهُ مَنْ يَقْضِيهِ عَنْهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى وَ مَنْ قَرَأَهُ عَلَى مَرِيضٍ شَفَاهُ اللَّهُ بِبَرَكَتِهِ فَإِنْ قَرَأَهُ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى جَبَلٍ لَتَحَرَّکَ الْجَبَلُ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى وَ مَنْ قَرَأَهُ بِنِيَّهٍ خَالِصَهٍ عَلَى الْمَاءِ لَجَمَدَ الْمَاءُ وَ لَا تَعْجَبْ مِنْ هَذَا الْفَضْلِ الَّذِی ذَكَرْتُهُ فِی هَذَا الدُّعَاءِ فَإِنَّ فِيهِ اسْمَ اللَّهِ تَعَالَى الْأَعْظَمَ وَ إِنَّهُ إِذَا قَرَأَهُ الْقَارِئُ وَ سَمِعَهُ الْمَلَائِكَهُ وَ الْجِنُّ وَ الْإِنْسُ فَيَدْعُونَ لِقَارِئِهِ وَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَسْتَجِيبُ مِنْهُمْ دُعَاءَهُمْ وَ كُلُّ ذَلِکَ بِبَرَكَهِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بِبَرَكَهِ هَذَا الدُّعَاءِ وَ إِنَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِهَذَا الدُّعَاءِ فَيَجِبُ أَنْ لَا يُغَاشَّ قَلْبَهُ بِمَا ذُكِرَ فِی هَذَا الدُّعَاءِ فَ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ وَ مَنْ قَرَأَهُ وَ حَفِظَهُ أَوْ نَسَخَهُ فَلَا يَبْخَلْ بِهِ عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ.

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله مَا قَرَأْتُ هَذَا الدُّعَاءَ فِی غَزَاهٍ إِلَّا ظَفِرْتُ بِبَرَكَتِهِ عَلَى

أَعْدَائِی وَ قَالَ علیه السلام مَنْ قَرَأَ هَذَا الدُّعَاءَ أَعْطِیَ نُورَ الْأَوْلِیَاءِ فِی وَجْهِهِ وَ سُهِّلَ لَهُ كُلَّ عَسِیرٍ وَ یَسِیرٍ وَ یُسِّرَ لَهُ كُلَّ یَسِیرٍ وَ قَالَ الْحَسَنُ الْبَصْرِیُّ لَقَدْ سَمِعْتُ فِی فَضْلِ هَذَا الدُّعَاءِ أَشْیَاءَ مَا أَقْدِرُ أَنْ أَصِفَهُ وَ لَوْ أَنَّ مَنْ یَقْرَؤُهُ ضَرَبَ بِرِجْلِهِ عَلَی الْأَرْضِ لَتَحَرَّكَتِ الْأَرْضُ وَ قَالَ سُفْیَانُ الثَّوْرِیُّ وَیْلٌ لِمَنْ لَا یَعْرِفُ حَقَّ هَذَا الدُّعَاءِ فَإِنَّ مَنْ عَرَفَ حَقَّهُ وَ حُرْمَتَهُ كَفَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ كُلَّ شِدَّةٍ وَ سَهَّلَ لَهُ جَمِیعَ الْأُمُورِ وَ وَقَاهُ كُلَّ مَحْذُورٍ وَ دَفَعَ عَنْهُ كُلَّ سُوءٍ وَ نَجَّاهُ مِنْ كُلِّ مَرَضٍ وَ عَرَضٍ وَ أَزَاحَ الْهَمَّ وَ الْغَمَّ عَنْهُ فَتَعَلَّمُوهُ وَ عَلِّمُوهُ فَإِنَّ فِیهِ الْخَیْرَ الْكَثِیرَ وَ هُوَ هَذَا الدُّعَاءُ الْمَوْصُوفُ هُوَ الدُّعَاءُ الثَّانِی فِی هَذَا الْكِتَابِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِیمِ وَ بِحَمْدِهِ مِنْ إِلَهٍ مَا أَقْدَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَدِیرٍ مَا أَعْظَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَظِیمٍ مَا أَجَلَّهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ جَلِیلٍ مَا أَمْجَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَاجِدٍ مَا أَرْأَفَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ رَءُوفٍ مَا أَعَزَّهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَزِیزٍ مَا أَكْبَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ كَبِیرٍ مَا أَقْدَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَدِیمٍ مَا أَعْلَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَالٍ مَا أَسْنَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ سَنِیٍّ مَا أَبْهَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَهِیٍّ مَا أَنْوَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُنِیرٍ مَا أَظْهَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ ظَاهِرٍ مَا أَخْفَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ خَفِیٍّ مَا أَعْلَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَلِیمٍ مَا أَخْبَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ خَبِیرٍ مَا أَكْرَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ كَرِیمٍ مَا أَلْطَفَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ لَطِیفٍ مَا أَبْصَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَصِیرٍ مَا أَسْمَعَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ سَمِیعٍ مَا أَحْفَظَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَفِیظٍ مَا أَمْلَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَلِیٍّ مَا أَهْدَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ هَادٍ مَا أَصْدَقَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ صَادِقٍ مَا أَحْمَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَمِیدٍ مَا أَذْكَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ ذَاكِرٍ مَا أَشْكَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ شَكُورٍ مَا أَوْفَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ وَفِیٍّ مَا أَغْنَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ غَنِیٍّ مَا أَعْطَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُعْطٍ مَا أَوْسَعَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ وَاسِعٍ مَا أَجْوَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ جَوَادٍ مَا أَفْضَلَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُفْضِلٍ مَا أَنْعَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُنْعِمٍ مَا أَسْیَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ سَیِّدٍ مَا أَرْحَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ رَحِیمٍ مَا أَشَدَّهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ شَدِیدٍ مَا

أَقْوَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَوِيٍّ مَا أَحْكَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَكِيمٍ مَا أَبْطَشَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَاطِشٍ مَا أَقْوَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَيُّومٍ مَا أَحْمَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَمِيدٍ مَا أَدْوَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ دَائِمٍ مَا أَبْقَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَاقٍ مَا أَفْرَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ فَرْدٍ مَا أَوْحَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ وَاحِدٍ مَا أَصْمَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ صَمَدٍ مَا أَمْلَكَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَالِكٍ مَا أَوْلَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ وَلِيٍّ مَا أَعْظَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَظِيمٍ مَا أَكْمَلَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ كَامِلٍ مَا أَتَمَّهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ تَامٍّ مَا أَعْجَبَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَجِيبٍ مَا أَفْخَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ فَاخِرٍ مَا أَبْعَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَعِيدٍ مَا أَقْرَبَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَرِيبٍ مَا أَمْنَعَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَانِعٍ مَا أَغْلَبَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ غَالِبٍ مَا أَعْفَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَفُوٍّ مَا أَحْسَنَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُحْسِنٍ مَا أَجْمَلَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ جَمِيلٍ مَا أَقْبَلَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَابِلٍ مَا أَشْكَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ شَكُورٍ مَا أَغْفَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ غَفُورٍ مَا أَكْبَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ كَبِيرٍ مَا أَجْبَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ جَبَّارٍ مَا أَدْيَنَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ دَيَّانٍ مَا أَقْضَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَاضٍ مَا أَمْضَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَاضٍ مَا أَنْفَذَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ نَافِذٍ مَا أَرْحَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ رَحِيمٍ مَا أَخْلَقَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ خَالِقٍ مَا أَقْهَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَاهِرٍ مَا أَمْلَكَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَلِكٍ مَا أَقْدَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَادِرٍ مَا أَرْفَعَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ رَفِيعٍ مَا أَشْرَفَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ شَرِيفٍ مَا أَرْزَقَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ رَازِقٍ مَا أَقْبَضَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَابِضٍ مَا أَبْدَأَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَادٍ مَا أَقْدَسَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قُدُّوسٍ مَا أَطْهَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ طَاهِرٍ مَا أَزْكَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ زَكِيٍّ مَا أَبْقَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَاقٍ مَا أَعْوَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَوَّادٍ مَا أَفْطَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ فَاطِرٍ مَا أَوْهَبَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ وَهَّابٍ مَا أَتْوَبَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ تَوَّابٍ مَا أَسْخَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ سَخِيٍّ مَا أَبْصَرَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَصِيرٍ مَا أَسْلَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ سَلَامٍ مَا أَشْفَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ شَافٍ مَا أَنْجَاهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُنْجٍ مَا أَبَرَّهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَارٍّ مَا أَطْلَبَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ طَالِبٍ مَا أَدْرَكَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُدْرِكٍ مَا أَشَدَّهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ شَدِيدٍ مَا أَعْطَفَهُ

وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُتَعَطِّفٍ (۱) مَا أَعْدَلَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَادِلٍ مَا أَتْقَنَهُ.

وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُتْقِنٍ مَا أَحْكَمَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَكِيمٍ مَا أَكْفَلَهُ وَ سُبْحَانَهُ مِنْ كَفِيلٍ مَا أَشْهَدَهُ وَ سُبْحَانَهُ وَ هُوَ اللَّهُ الْعَظِيمُ وَ بِحَمْدِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ دَافِعِ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَ هُوَ حَسْبِي وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ.

قَالَ سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ وَيْلٌ لِمَنْ لَا يَعْرِفُ حُرْمَةَ هَذَا الدُّعَاءِ فَإِنَّ مَنْ عَرَفَ حَقَّ هَذَا الدُّعَاءِ وَ حُرْمَتَهُ كَفَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ كُلَّ شِدَّةٍ وَ صُعُوبَةٍ وَ آفَةٍ وَ مَرَضٍ وَ غَمٍّ فَتَعَلَّمُوهُ وَ عَلِّمُوهُ فَفِيهِ الْبَرَكَةُ وَ الْخَيْرُ الْكَثِيرُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ (۲).

**[ترجمه]مهج الدعوات: ابن عبّاس رضی اللّه عنه روایت کرد: بر رسول خدا صلّی الله علیه و آله داخل شدم دیدم که حضرت خندان و بسیار خوشحال هستند. عرض کردم: چه خبر است فدای شما باد پدر و مادرم ای رسول خدا؟ پس فرمودند: ای ابن عبّاس جبرئیل نزد من آمد در حالی که به دست او صحیفه ای بود که در آن دعایی از جهت کرامت من و از برای امّت من نوشته شده بود. پس جبرئیل گفت: ای محمّد این را بگیر و بخوان آنچه را که در اوست و آن را تعظیم نمای. پس به درستی که این گنجی از گنجهای آخرت است و این دعایی است که خدای تعالی به تو و به امّت تو اکرام نمود. پس گفتم: ای جبرئیل آن کدام است؟ پس جبرئیل که رحمت خدا بر او و بر همه فرشتگان مقرّب باد گفت: سبحان الله و بحمده. و آن دعایی است که آورده شد تا سبحان الله العظیم .

گفتم: حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله فرمودند: چه چیز است ثواب کسی که این دعا را بخواند؟ پس جبرئیل گفت: ای محمّد مرا از ثوابی سؤال نمودی که آن را نمی داند مگر خدای تعالی، اگر همه دریاها مرکب و درختها قلم و فرشتگان آسمانهانویسنده بگردند و ثواب این را به قدر هزار برابر مدّت بقاء دنیا بنویسند، هر آینه مرکّب برطرف می شود و قلمها شکسته می شود و به یکدهم از ثواب آن نمی رسند. ای محمد قسم به حقّ کسی که تو را به راستی به پیغمبری فرستاد، نیست مرد و زنی که این دعا را بخواند مگر آن که خدای تعالی برای او ثواب چهار تن از فرشتگان و چهار پیغمبر را بنویسد.امّا پیغمبران پس اوّلا ثواب تو را ای محمّد و ثواب عیسی و ثواب موسی و ثواب ابراهیم علیهم السّلام را و امّا فرشتگان پس اوّلا ثواب مرا و ثواب اسرافیل و ثواب میکائیل و ثواب عزرائیل را.

ای محمّد هر مردی یا زنی که این دعا را در مدّت عمر خود بیست مرتبه بخواند پس به درستی که خدای تعالی او را به آتش جهنم عذاب نمی کند و هر چند از گناهان او باشد مثل کف دریاها و قطره های باران و عدد ستاره ها و وزن عرش و کرسی و لوح و قلم و ریگ و موی و کرک و آفریده های بهشت و دوزخ که خدای تعالی آن گناهان را می آمرزد و از برای او به عوض هر گناهی هزار حسنه می نویسد.

ای محمّد و اگر آن شخص را همّی یا غمّی یا آزاری یا بیماری یا علّتی یا تشنگی یا ترسی باشد و این دعا را سه مرتبه بخواند، خدای تعالی حاجت او را بر می آورد و شخصی که از شیر یا از گرگ بترسد یا داخل شدن بر پادشاه ظالمی را اراده کند و این دعا را بخواند، پس خدای تبارک و تعالی از او هر بدی و مکروهی و آفتی را به حول و قوّت خود منع می کند، کسی که این دعا را یک مرتبه در جنگ بخواند خدای تعالی او را قوّت هفتاد کس از جماعت حرب کنندگان را قوّت می دهد و کسی که این دعا را بر درد سر یا درد شقیقه یا درد شکم یا بر آزار چشم یا بر گزیدن ماری یا عقربی بخواند خدای تعالی همه آنها را برطرف می کند.

ای محمّد کسی که به این دعا اعتقاد نیاورد پس او از من بیزار است و کسی که آن را انکار نماید، پس به درستی که از او برکت و خیر برطرف می شود .

حسن بصری گفت: پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله از برای امّت خود بعد از قرآن دعایی را نگذاردند که بهتر از این دعا باشد.

سفیان ثوری گفت: هر کس حرمت این دعا را نشناسد پس به درستی که مشرف بر هلاک می شود.

پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله فرمودند: ای جبرئیل از چه این دعا بر همه دعاها تفضیل داده شده است؟ جبرئیل عرض کرد: از جهت آن که اسم

اعظم خدای تعالی در آن است و کسی که این دعا را بخواند قوّت حافظه و شعور و علم و عمر و صحّت بدن او چندین برابر زیاده می گردد و خدای تعالی از او هفتاد آفت از آفات دنیا و هفتصد آفت از آفتهای آخرت را دفع می نماید.

ذکر ثواب و شرح دعای اول تمام شد و سپاس خدای راست.

وصف پاداش دوم دعا: از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب صلوات اللّٰه و سلامه علیه از حضرت پیغمبر صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم روایت شد که فرمودند: جبرئیل علیه السّلام نازل شد در حالی که در عقب مقام ابراهیم نماز می خواندم. پس چون از نماز فارغ شدم از خدای تعالی برای امّت خود طلب آمرزش نمودم. پس جبرئیل علیه السّلام گفت: ای محمّد تو را حریص بر امّت خود می بینم و حال آن که خدای تعالی به بندگان خود رحیم است. پس آن حضرت صلّی اللّٰه علیه و آله به حضرت جبرئیل علیه السّلام فرمودند: ای برادر من تو دوست بر من و بر امّت من هستی، مرا دعایی تعلیم نمای که بعد از من به سبب آن دعا امتم مرا یاد کنند.

پس جبرئیل علیه السّلام گفت: ای محمّد سفارش می کنم تو را که امّت خود را امر نمایی که سه روز ایّام البیض را روزه گیرند که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماهی است، و سفارش می کنم تو را که امّت خود را امر نمایی که در این سه روز این دعای شریف را بخوانند. پس به درستی که عرش را حاملان آن به برکت این دعا برداشتند و من به زمین نازل می شوم و به آسمان بالا می روم به برکت این دعا و این دعا بر درهای بهشت و بر حجره ها و کنگره ها و بر منزلهای آن نوشته شده است و به برکت این دعا درهای بهشت گشوده می شود و به سبب این خلایق در روز قیامت به امر خدا محشور می شوند.

و کسی که از امّت تو این دعا را بخواند، خدای تعالی عذاب قبر را از او برطرف می کند و او را از ترس بزرگ و از آفتهای دنیا و آخرت نگاه می دارد، و کسی که آن را بخواند خدای تعالی او را از عذاب آتش نجات می دهد.

پس بعد از آن پیغمبر صلّی اللّٰه علیه و آله جبرئیل را از ثواب این دعا سؤال نمودند. پس جبرئیل علیه السّلام عرض کرد: ای محمّد مرا از چیزی سؤال نمودی که بر وصف آن قادر نیستم و اندازه او را به غیر از خدا نمی داند؛ ای محمّد اگر درختهای دنیا قلم و دریاها مرکّب و همه خلایق نویسنده بگردند بر نوشتن ثواب خواننده این دعا قدرت ندارند و بنده ای این دعا را نمی خواند و حال آن که اراده نموده باشد آزادی را مگر آن که خدای تعالی او را آزاد می گرداند و او را از قید بندگی خلاص می کند و این را مغمومی نمی خواند مگر آن که خدای تعالی غم و اندوه او را برطرف نماید.

و طلب کننده حاجتی خدای را به این دعا نمی خواند مگر آن که خدای عزّ و جلّ حاجت او را در دنیا و آخرت ان شاء اللّٰه برآورد و او را از مرگ ناگهانی و هول قبر و فقر در دنیا نگاه می دارد و خدای تبارک و تعالی به او اذن در شفاعت را در قیامت عطا می نماید در حالی که روی او خندان باشد و خدای تعالی او را به برکت این دعا در دار السّلام داخل می کند و او را در غرفه های بهشت ساکن می گرداند و او را از حلّه های بهشت می پوشاند که کهنه نمی شوند.

و کسی که روزه گیرد و این دعا را بخواند خدای عزّ و جلّ می نویسد از برای او مثل ثواب جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و ابراهیم خلیل و موسی کلیم و عیسی و محمّد صلوات اللّٰه علیهم اجمعین.

پیغمبر صلّی اللّٰه علیه و آله فرمودند: از ثواب بسیاری که جبرئیل برای خواننده این دعا ذکر نمود واقعا تعجّب کردم.

بعد از آن جبرئیل عرض کرد: ای محمّد احدی از امّت تو نیست که این دعا را در مدّت عمر خود یک مرتبه بخواند مگر آن که خدای تعالی او را روز قیامت محشور می کند و حال آن که روی او چون ماه شب چهارده می درخشد. پس مردمان پرسند این کیست؟ آیا این شخص پیغمبر است؟ پس ملائکه گویند: او نه پیغمبر است و نه فرشته بلکه بنده ای از بندگان خدا است از فرزندان آدم که در مدّت عمر خود یک

مرتبه این دعا را خوانده است و خدای عزّ و جلّ به او این کرامت را بخشید.

جبرئیل به پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله عرض کرد: ای محمّد کسی که پنج مرتبه این دعا را بخواند در روز قیامت محشور خواهد شد و حال آن که من بر قبر او ایستاده باشم و براقی از بهشت با من خواهد بود و ایستاده خواهم بود تا وقتی که آن شخص بر براق سوار شود و از آن پایین نمی آید مگر در دار النعیم همیشگی و از برای او حسابی نخواهد بود و در بهشت همسایه ابراهیم علیه السّلام و در جوار محمّد صلّی اللّه علیه و آله خواهد بود و من از برای خواننده این دعا از مرد و زن ضامنم که خدای تعالی او را عذاب ننماید و هر چند گناهان او بیشتر از کف دریاها و قطره های باران و برگ درختان و عدد مردمان از اهل بهشت و دوزخ باشد و آن که خدای عزّ و جلّ امر نماید از برای آن شخص ثواب یک حجّ و یک عمره مقبول بنویسند.

ای محمّد کسی که را در وقت خواب پنج مرتبه این دعا را با وضو قرائت نماید پس به درستی که تو را در خواب می بیند و تو او را به بهشت بشارت خواهی داد و کسی که گرسنه یا تشنه باشد و چیزی را نیابد که بخورد و نه آنچه را که بیاشامد یا آن که بیمار باشد و این دعا را بخواند پس به درستی که خدای به برکت این دعا از او برطرف می نماید آنچه را که در اوست و او را چیزی می دهد که بخورد و بیاشامد و از برای او مطالب دنیا و آخرت او را برمی آورد.

و کسی که از او چیزی دزدیده شود یا از او غلامی بگریزد پس برخیزد و وضو سازد و دو رکعت یا چهار رکعت نماز گزارد و در هر رکعت سوره حمد یک بار و سوره اخلاص دو مرتبه بخواند، پس بعد از سلام این دعا را بخواند و آن صحیفه را که این دعا در آن نوشته شده باشد پیش روی خود یا در زیر سر خود بگذارد، پس به درستی که خدای تعالی مشرق و مغرب را جمع می کند و آن غلام گریخته را به برکت این دعا بر می گرداند ان شاء اللّه تعالی.

و اگر از دشمنی بترسد پس این دعا را بر خود بخواند خدای تعالی او را در پناهی محکم می گرداند و دشمن بر او قدرت نمی یابد و بنده ای نیست که این را بخواند و بر او قرضی باشد مگر آن که خدای تعالی قرض او را ادا نماید و از برای او شخصی را میسّر گرداند که قرض او را ادا نماید ان شاء اللّه و کسی که این دعا را بر بیماری بخواند خدای تعالی آن بیمار را به برکت این دعا شفا می دهد. پس اگر بنده مؤمنی که به خدای عزّ و جلّ اخلاص داشته باشد، این را بر کوهی بخواند هر آینه آن کوه به اذن خدا حرکت می کند و کسی که به نیّتی خالص این را بر آب بخواند هر آینه آن آب یخ می زند.

و تعجّب مکن از این فضیلت‌هایی که در شأن این دعا ذکر شد، همانا در این دعا اسم اعظم خدای تعالی است و هر گاه این دعا را خواننده بخواند و آن را ملائکه و جنّ و انس بشنوند پس از برای خواننده آن دعا می کنند و خدای تعالی دعای ایشان را مستجاب می گرداند و همه اینها که مذکور شد به برکت خدای تعالی و به برکت این دعاست. همانا شخصی که به خدا و رسول او و به این دعا ایمان آورده باشد، باید که چیزی را به خاطر نگذراند و در دل خود به سبب آنچه در شأن این دعا ذکر شد، شکی نیندازد، به درستی که خدای تعالی کسی را که می خواهد بدون اندازه ای روزی می گرداند و کسی که این دعا را بخواند و یاد گیرد و بنویسد پس باید که به این بر احدی از مسلمانان بخل نورزد.

و حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله فرمودند: من این دعا را در جنگی نخواندم مگر آن که من در آن جنگ به برکت این دعا بر دشمنان خود ظفر یافتم و آن حضرت صلّی اللّه علیه و آله فرمودند: شخصی که این دعا را بخواند به او نور اولیاء در روی او عطا کرده می شود و از برای او هر امر دشواری آسان می گردند و برای او هر امر آسانی میسّر می شود .

و حسن بصری گفت: در فضل این دعا چیزهایی شنیدهم که قادر نیستم آن ها را وصف نمایم و اگر کسی آن را بخواند و پای خود را به زمین بزند زمین حرکت می کند.

و سفیان ثوری گفت: وای بر کسی که حقّ این دعا را نشناسد. پس به درستی شخصی که حقّ وحرمت این را بشناسد، خدای تعالی او را از هر سختی نگاه می دارد و برای او همه امرها را آسان می گرداند و او را از هر مکروهی نگاه می دارد و از او هر بدی را برطرف می نماید و او را از هر بیماری و مرضی نجات می دهد و همّ و غمّ را از او زایل می گرداند. پس این دعا را یاد بگیرید و یاد بدهید به درستی که در این دعا خیر بسیار است.

این است آن دعای موصوف، که دعای دوم در این کتاب است:

« تسبیح می کنم تسبیح خدایی که بزرگ است و سپاس می گویم او را، خدایی که بسیار تواناست و منزه است خدای قادری که بسیار شکوهمند است و منزه است خدای شکوهمندی که بسیار شریف است و منزه است خدای شریفی که بسیار مهربان است. منزه است خدای مهربانی که شکست ناپذیر است. منزه است خدای شکست ناپذیری که بزرگ است. و منزه است خدای بزرگی که دیرینه است و منزه است خدای دیرینه ای که بلند مرتبه است و منزه است خدای والایی که روشن است.

و منزه است روشنی که چه زیباست و منزه است زیبایی که چه روشن است و منزه است تابانی که چه آشکار است و منزه است آشکاری که چه پنهان است و منزه است پنهانی که چه داناست و منزه است دانایی که چه آگاه است و منزه است آگاهی که چه گرامی است و منزه است گرامی که چه لطیف است و منزه است لطیفی که چه بیناست و منزه است بینایی که چه شنواست.

و منزه است شنونده ای که چه نگهدار است و منزه است نگهدارنده ای که چه طولانی دهنده است و منزه است طولانی دهنده ای که چه هدایت کننده است و منزه است هدایت کننده ای که چه صداقت دارد و منزه است راستگویی که چه ستوده است و منزه است ستوده ای که چه یاد آور است و منزه است یاد کننده ای که چه شکر گزار است و منزه است شکر گزاری که چه با وفاست و منزه است با وفایی که چه بی نیاز است و منزه است بی نیازی که چه بخشنده است.

و منزه است بخشنده ای که چه وسعت دهنده است و منزه است وسعت دهنده ای که چه صاحب بخشش است و منزه است صاحب بخششی که چه صاحب احسان است و منزه است صاحب عطیه ای که چه نعمت دهنده است و منزه است نعمت دهنده ای که چه سرور است و منزه است سروری که چه مهربان است و منزه است مهربانی که چه سخت گردانیده است و منزه است سخت گیری که چه قدرتمند است و منزه است صاحب قوّتی که چه حکیم است و منزه است حکیمی که چه صاحب قهر است.

و منزه است صاحب قهری که چه بر پاست و منزه است برپایی که چه ستوده است و منزه استستوده ای که چه همیشگی است و منزه است همیشه ای که چه پایدار است و منزه است پایداری که چه بی همتاست و منزه است بی همتایی که چه یکتاست و منزه است یکتایی که چه بی نیاز است و منزه است بی نیازی که چه فرمانرواست و منزه است مالکی که چه صاحب اختیار است و منزه است صاحب اختیاری که چه بزرگ است.

و منزه است بزرگی که چه کامل است و منزه است کاملی که چه تمام است و منزه است تمامی که چه نیکوست و منزه است نیکویی که چه صاحب فخر است و منزه است فخرکننده ای که چه دور است و منزه است دوری که چه نزدیک است و تعجب است از نزدیکی که چه غالب است و منزه است غلبه کننده ای که چه مسلّط است و منزه است مسلّطی که چه عفوکننده است و منزه است عفوکننده ای که چه احسان کننده است.

و منزه است احسان کننده ای که چه نیکوکار است و منزه است نیکوکاری که چه قبول توبه کننده است و منزه است قبول توبه کننده ای که چه جزا دهنده است و منزه است جزا دهنده ای که چه صاحب مغفرت است و منزه است آمرزنده ای که چه بزرگ است و منزه است بزرگی که چه صاحب جبروت است و منزه است صاحب جبروتی که چه جزا دهنده است و منزه است جزا دهنده ای که چه حاکم است و منزه است

حکم کننده ای که چه حکم او قاطع است و منزه است حاکمی که چه امر او جاری است.

و منزه است جاری در حکمی که چه صاحب رحم است و منزه است رحم کننـده ای که چه آفریننـده است و منزه است خلق کننـده ای که چه صاحب غلبه استمنزه است غلبه نماینـده ای که چه صاحب مملکت است و منزه است صاحب مملکتی که صاحب قـدرت است و منزه است توانایی که چه بلند مرتبه است و منزه است بلند مرتبه ای که چه شریف است و منزه است صاحب شرفی که چه رزق دهنده است و منزه است روزی دهنده ای که چه نگاه دارنده است و منزه است نگاه دارنده ای که چه آغاز گر است.

و منزه است ظاهری که چه منزّه از عیبها است و منزه است منزّهی که چه پاکیزه است و منزه است پاکیزه ای که چه پاک است و منزه است پاکی که چه باقی است و منزه است باقی ای که چه بازگردانـده است و منزه است باز گرداننـده ای که چه خلق کننـده است و منزه است خلق کننـده ای که چه بخشنده است و منزه است بخشنده ای که چه توبه پـذیر است و منزه است توبه پـذیری که چه صاحب بخشش است و منزه است بخشنده ای که چه بیناست.

و منزه است بینایی که چه سالم است و منزه است سالمی که چه شفا دهنده است و منزه است شفا دهنده ای که چه خلاص کننده است و منزه است نجات دهنـده ای کـه چه نیکوکـار است و منزه است نیکوکـاری که چه طلب کننـده است و منزه است طلب کننـده ای که چه صاحب ادراک است و منزه است ادراک کننـده ای که چه قوی است و منزه است صاحب قوّتی که چه مهربان است و منزه است مهربانی که چه عادل است و منزه است عادلی که چه امر او محکم است.

و منزه است محکم کننـده ای که چه دانـای بـا تـدبیر است و منزه است حکیمی که چه کفیل است و منزه است ضامنی که چه گواه است. منزه است اوست خـدای بزرگ و او را سپاس گویم و همه حمـد برای خـداست و معبودی مگر خـدا نیست و خدا بزرگتر است از آنکه به وصف درآیـد و از برای خـداست حمـد و نیست حرکتی و نه توانایی مگر به خداوند بلند مرتبه بزرگ دفع کننده هر بلایی. و او مرا کفایت می کند و بهترین کارگزار است.

سفیـان ثوری گفت: وای بر کسـی که قـدر و حرمت این دعـا را نشـناسد. به درستی کسـی که حقّ این دعا را بدانـد و حرمت آن را نگاه دارد خـدای تعالی او را از هر سختی و دشواری و بیماری و غم به برکت این دعا نگاه می دارد. این دعا را پس یاد بگیریـد و تعلیم نماییـد، پس در این دعا است برکت و خیر بسیار در دنیا و آخرت ان شاء اللّٰه تعالی. - . مهج الدعوات: ۱۰۶-۹۸ -

**[ترجمه]

«۲۳»

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءٌ عَلَّمَهُ جَبْرَئِیلُ لِلنَّبِیِّ صلی الله علیه و آله وَجَدْتُ فِی کِتَابٍ عَتِیقٍ تَارِیخُ کِتَابَتِهِ أَکْثَرُ مِنْ مِائَتَیْ سَنَهٍ إِلَی تَارِیخِ سَنَهِ خَمْسِینَ وَ سِتِّمِائَهٍ قَالَ: جَاءَ جَبْرَئِیلُ علیه السلام إِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله وَ مَعَهُ مِیکَائِیلُ وَ إِسْرَافِیلُ علیهما السلام وَ قَالُوا یَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی أَکْرَمَکَ وَ أُمَّتَکَ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ فَطُوبَی لَکَ وَ لِأُمَّتِکَ وَ لِمَنْ یُوَفِّقُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ أَنْ یَدْعُوَ بِهَذَا الدُّعَاءِ فَإِنَّهُ عَظِیمٌ جَلِیلٌ وَ هُوَ مِنْ کُنُوزِ الْعَرْشِ دَخَلَ فِیهِ أَسَامِی الرَّبِّ جَلَّ جَلَالُهُ کُلُّهَا الَّتِی خَلَقَ بِهَا الْخَلَائِقَ کُلَّهَا أَجْمَعِینَ وَ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلَ الْأَرَضِینَ وَ الْجَنَّهَ وَ النَّارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ وَ الْجِبَالَ وَ مَنْ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ مِنَ الدَّوَابِّ وَ الْهَوَامِّ وَ الْوُحُوشِ وَ الْأَشْجَارِ وَ مَا فِی الْبُحُورِ مِنَ الْخَلَائِقِ وَ الْعَجَائِبِ الَّتِی لَیْسَ لِأَحَدٍ عِلْمٌ فِیهِ إِلَّا الَّذِی خَلَقَهُمْ فَلَا تُعَلِّمْ هَذَا الدُّعَاءَ إِلَّا الْخِیَارَ مِنْ أُمَّتِکَ لِأَنَّهُ جَرَی فِی حُکْمِ اللَّهِ وَ عِلْمِهِ أَنْ یَسْتَجِیبَ لِمَنْ دَعَا بِهِ مَرَّهً وَاحِدَهً وَ هَذَا الدُّعَاءُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی إِذَا ذُکِرْتَ بِهِ تَزَعْزَعَتْ مِنْهُ السَّمَاوَاتُ وَ انْشَقَّتْ مِنْهُ الْأَرَضُونَ وَ تَقَطَّعَتْ مِنْهُ السَّحَابُ وَ تَصَدَّعَتْ مِنْهُ الْقُلُوبُ وَ تَزَلْزَلَتْ مِنْهُ الْجِبَالُ وَ جَرَتْ مِنْهُ الرِّیَاحُ وَ انْتَقَصَتْ مِنْهُ الْبِحَارُ وَ اضْطَرَبَتْ مِنْهُ الْأَمْوَاجُ

١- ١. من عطوف خ.

٢- ٢. مهج الدعوات ص ٩٨- ١٠٦.

وَ غَارَتْ مِنْهُ النُّفُوسُ وَ وَجِلَتْ مِنْهُ الْقُلُوبُ وَ زَلَّتْ مِنْهُ الْأَقْدَامُ وَ صَمَّتْ مِنْهُ الْآذَانُ وَ شَخَصَتْ مِنْهُ الْأَبْصَارُ وَ خَشَعَتْ مِنْهُ الْأَصْوَاتُ وَ خَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ وَ قَامَتْ لَهُ الْأَرْوَاحُ وَ سَجَدَتْ لَهُ الْمَلَائِكَهُ وَ سَبَّحَتْ لَهُ وَ ارْتَعَدَتْ لَهُ الْفَرَائِضُ وَ اهْتَزَّ لَهُ الْعَرْشُ وَ دَانَتْ لَهُ الْخَلَائِقُ وَ بِالاسْمِ الَّذِی وُضِعَ عَلَى الْجَنَّهِ فَأُزْلِفَتْ وَ عَلَى الْجَحِيمِ فَسُعِّرَتْ وَ عَلَى النَّارِ فَتَوَقَّدَتْ وَ عَلَى السَّمَاءِ فَاسْتَقَلَّتْ وَ قَامَتْ بِلَا عَمَدٍ وَ لَا سَنَدٍ وَ عَلَى النُّجُومِ فَتَزَيَّنَتْ وَ عَلَى الشَّمْسِ فَأَشْرَقَتْ وَ عَلَى الْقَمَرِ فَأَنَارَ وَ أَضَاءَ وَ عَلَى الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَ عَلَى الْجِبَالِ فَأَرْسَتْ وَ عَلَى الرِّيَاحِ فَذَرَتْ وَ عَلَى السَّحَابِ فَأَمْطَرَتْ وَ عَلَى الْمَلَائِكَهِ فَسَبَّحَتْ وَ عَلَى الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ فَأَجَابَتْ وَ عَلَى الطَّيْرِ وَ النَّمْلِ فَتَكَلَّمَتْ وَ عَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ وَ عَلَى النَّهَارِ فَاسْتَنَارَ وَ عَلَى كُلِّ شَیْ ءٍ فَسَبَّحَ وَ بِالاسْمِ الَّذِی اسْتَقَرَّتِ بِهِ الْأَرَضُونَ عَلَى قَرَارِهَا وَ الْجِبَالُ عَلَى أَمَاكِنِهَا [مَنَاكِبِهَا] وَ الْبِحَارُ عَلَى حُدُودِهَا وَ الْأَشْجَارُ عَلَى عُرُوقِهَا وَ النُّجُومُ عَلَى مَجَارِيهَا وَ السَّمَاوَاتُ عَلَى بِنَائِهَا وَ حَمَلَتِ الْمَلَائِكَهُ عَرْشَ الرَّحْمَنِ بِقُدْرَهِ رَبِّهَا وَ بِالاسْمِ الْقُدُّوسِ الْقَدِيمِ الْمُتَقَدِّمِ الْمُخْتَارِ الْجَبَّارِ الْمُتَكَبِّرِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَظِّمِ الْعَزِيزِ الْمُهَيْمِنِ الْمَلِكِ الْمُقْتَدِرِ الْحَمِيدِ الْمَجِيدِ الصَّمَدِ الْمُتَوَحِّدِ الْمُتَفَرِّدِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ وَ بِالاسْمِ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ فِی عِلْمِهِ الْمُحِيطِ بِعَرْشِهِ الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ الْمُبَارَكِ الْقُدُّوسِ السَّلَامِ الْمُؤْمِنِ الْمُهَيْمِنِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ الْمُتَكَبِّرِ الْخَالِقِ الْبَارِئِ الْمُصَوِّرِ الْأَوَّلِ وَ الْآخِرِ وَ الظَّاهِرِ وَ الْبَاطِنِ وَ الْكَائِنِ قَبْلَ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ الْمُكَوِّنِ لِكُلِّ شَیْ ءٍ وَ الْكَائِنِ بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَیْ ءٍ لَمْ يَزَلْ وَ لَا يَزَالُ وَ لَا يَفْنَى وَ لَا يَتَغَيَّرُ نُورٌ فِی نُورٍ وَ نُورٌ عَلَى نُورٍ وَ نُورٌ فَوْقَ كُلِّ نُورٍ وَ نُورٌ يُضِی ءُ بِهِ كُلُّ نُورٍ وَ بِالاسْمِ الَّذِی سَمَّى بِهِ نَفْسَهُ وَ اسْتَوَى بِهِ عَلَى عَرْشِهِ فَاسْتَقَرَّ بِهِ عَلَى كُرْسِيِّهِ وَ خَلَقَ بِهِ مَلَائِكَتَهُ وَ سَمَاوَاتِهِ وَ أَرْضَهُ وَ جَنَّتَهُ وَ نَارَهُ وَ ابْتَدَعَ بِهِ خَلْقَهُ وَاحِداً أَحَداً فَرْداً صَمَداً كَبِيراً مُتَكَبِّراً عَظِيماً مُتَعَظِّماً عَزِيزاً مَلِيكاً مُقْتَدِراً قُدُّوساً مُتَقَدِّساً لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ

وَ بِالاسْمِ الَّذِی لَمْ یَکْتُبْهُ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ صَدَقَ الصَّادِقُونَ وَ کَذَبَ الْکَاذِبُونَ وَ بِالاسْمِ الَّذِی هُوَ مَکْتُوبٌ فِی رَاحَهِ مَلَکِ الْمَوْتِ الَّذِی إِذَا نَظَرَتْ إِلَیْهِ الْأَرْوَاحُ تَطَایَرَتْ وَ بِالاسْمِ الَّذِی هُوَ مَکْتُوبٌ عَلَی سُرَادِقِ عَرْشِهِ مِنْ نُورٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ بِالاسْمِ الْمَکْتُوبِ فِی سُرَادِقِ الْمَجْدِ وَ بِالاسْمِ الْمَکْتُوبِ فِی سُرَادِقِ الْبَهَاءِ وَ بِالاسْمِ الْمَکْتُوبِ فِی سُرَادِقِ الْعَظَمَهِ وَ بِالاسْمِ الْمَکْتُوبِ فِی سُرَادِقِ الْجَلَالِ وَ بِالاسْمِ الْمَکْتُوبِ فِی سُرَادِقِ الْعِزِّ وَ بِالاسْمِ الْمَکْتُوبِ فِی سُرَادِقِ الْخَالِقِ النَّصِیرِ رَبِّ الْمَلَائِکَهِ الثَّمَانِیَهِ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَ بِالاسْمِ الْأَکْبَرِ الْأَکْبَرِ الْأَکْبَرِ وَ بِالاسْمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْمُحِیطِ بِمَلَکُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ بِالاسْمِ الَّذِی أَشْرَقَتْ بِهِ الشَّمْسُ وَ أَضَاءَ بِهِ الْقَمَرُ وَ سُجِّرَتْ بِهِ الْبِحَارُ وَ نُصِبَتْ بِهِ الْجِبَالُ وَ بِالاسْمِ الَّذِی قَامَ بِهِ الْعَرْشُ وَ الْکُرْسِیُّ وَ بِالْأَسْمَاءِ الْمُقَدَّسَاتِ الْمَکْنُونَاتِ الْمَخْزُونَاتِ فِی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَهُ وَ بِالاسْمِ الَّذِی کُتِبَ عَلَی وَرَقِ الزَّیْتُونِ فَأُلْقِیَ فِی النَّارِ فَلَمْ یَحْتَرِقْ وَ بِالاسْمِ الَّذِی مَشَی بِهِ الْخَضِرُ علیه السلام عَلَی الْمَاءِ فَلَمْ یَبْتَلَّ قَدَمَاهُ وَ بِالاسْمِ الَّذِی تُفَتَّحُ بِهِ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ بِهِ یَفْرُقُ کُلُّ أَمْرٍ حَکِیمٍ وَ بِالاسْمِ الَّذِی ضَرَبَ مُوسَی بِعَصَاهُ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَکَانَ کُلُّ فِرْقٍ کَالطَّوْدِ الْعَظِیمِ وَ بِالاسْمِ الَّذِی کَانَ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ یُحْیِی بِهِ الْمَوْتَی وَ یُبْرِئُ بِهِ الْأَکْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِی یَدْعُو بِهَا جَبْرَئِیلُ وَ مِیکَائِیلُ وَ إِسْرَافِیلُ وَ عِزْرَائِیلُ وَ حَمَلَهُ الْعَرْشِ وَ الْکَرُوبِیُّونَ وَ مَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْمَلَائِکَهِ وَ الرُّوحَانِیُّونَ الصَّافُّونَ الْمُسَبِّحُونَ وَ بِأَسْمَائِهِ الَّتِی لَا تُنْسَی وَ بِوَجْهِهِ الَّذِی لَا یَبْلَی وَ بِنُورِهِ الَّذِی لَا یُطْفَی وَ بِعِزَّتِهِ الَّتِی لَا تُرَامُ وَ بِقُدْرَتِهِ الَّتِی لَا تُضَامُ وَ بِمُلْکِهِ الَّذِی لَا یَزُولُ وَ بِسُلْطَانِهِ الَّذِی لَا یَتَغَیَّرُ وَ الْعَرْشِ الَّذِی لَا یَتَحَرَّکُ وَ الْکُرْسِیِّ الَّذِی لَا یَزُولُ وَ بِالْعَیْنِ الَّتِی لَا تَنَامُ وَ بِالْیَقْظَانِ الَّذِی لَا یَسْهُو وَ بِالْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ وَ بِالْقَیُّومِ الَّذِی لا تَأْخُذُهُ سِنَهٌ وَ لا نَوْمٌ.

وَ بِالَّذِی تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرَضُونَ بِأَطْرَافِهَا وَ الْبِحَارُ بِأَمْوَاجِهَا

وَ الْحِيتَانُ فِی بِحَارِهَا وَ الْأَشْجَارُ بِأَغْصَانِهَا وَ النُّجُومُ بِزِينَتِهَا وَ الْوُحُوشُ فِی قِفَارِهَا وَ الطَّيْرُ فِی أَوْكَارِهَا وَ النَّحْلُ فِی أَجْحَارِهَا وَ النَّمْلُ فِی مَسَاكِنِهَا وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ فِی أَفْلَاكِهَا وَ كُلُّ شَیْ ءٍ يُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهِ فَسُبْحَانَهُ يُمِيتُ الْخَلَائِقَ وَ لَا يَمُوتُ مَا أَبْيَنَ نُورَهُ وَ أَكْرَمَ وَجْهَهُ وَ أَجَلَّ ذِكْرَهُ وَ أَقْدَسَ قُدْسَهُ وَ أَحْمَدَ حَمْدَهُ وَ أَنْفَذَ أَمْرَهُ وَ أَقْدَرَ قُدْرَتَهُ عَلَی مَا يَشَاءُ وَ أَنْجَزَ وَعْدَهُ تَعَالَی اللَّهُ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوّاً كَبِيراً لَيْسَ لَهُ شَبِيهٌ وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَیْ ءٌ لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَ بِالاسْمِ الَّذِی قَرَّبَ بِهِ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله حَتَّی جَاوَزَ سِدْرَةَ الْمُنْتَهَی فَكَانَ مِنْهُ كَقَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَی وَ بِالاسْمِ الَّذِی جَعَلَ النَّارَ عَلَی إِبْرَاهِيمَ بَرْداً وَ سَلَاماً وَ وَهَبَ لَهُ مِنْ رَحْمَتِهِ إِسْحَاقَ وَ بِرَحْمَتِهِ الَّتِی أُوتِیَ بِهَا يَعْقُوبُ بِالْقَمِيصِ وَ أَلْقَاهُ عَلَی وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيراً وَ بِالاسْمِ الَّذِی يُنْشِئُ السَّحابَ الثِّقالَ وَ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَ بِالاسْمِ الَّذِی كَشَفَ بِهِ ضُرَّ أَيُّوبَ وَ اسْتَجَابَ بِهِ لِيُونُسَ علیه السلام فِی ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ وَ بِالاسْمِ الَّذِی وَهَبَ لِزَكَرِيَّا يَحْيَی نَبِيّاً صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَنْعَمَ عَلَی عَبْدِهِ عِيسَی ابْنِ مَرْيَمَ علیه السلام إِذْ عَلَّمَهُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ جَعَلَهُ نَبِيّاً مُبَارَكاً مِنَ الصَّالِحِينَ وَ بِالاسْمِ الَّذِی دَعَاكَ بِهِ جَبْرَئِيلُ علیه السلام فِی الْمُقَرَّبِينَ وَ دَعَاكَ بِهِ مِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ علیهما السلام فَاسْتَجَبْتَ لَهُمْ وَ كُنْتَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ قَرِيباً مُجِيباً وَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ فِی اللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ وَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ فِی الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ فِی لِوَاءِ الْحَمْدِ الَّذِی أَعْطَيْتَهُ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله وَ وَعَدْتَهُ الْحَوْضَ وَ الشَّفَاعَةَ وَ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ وَ بِاسْمِكَ الَّذِی فِی الْحِجَابِ عِنْدَكَ لَا يُضَامُ حِجَابُ عَرْشِكَ وَ بِالاسْمِ الَّذِی تُطْوَی بِهِ السَّمَاوَاتُ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكِتَابِ وَ بِاسْمِكَ الَّذِی تَقْبَلُ بِهِ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ وَ تَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَكْرَمِ الْوُجُوهِ وَ بِمَا تَوَارَتْ بِهِ الْحُجُبُ مِنْ نُورِكَ وَ بِمَا اسْتَقَلَّ بِهِ الْعَرْشُ مِنْ بَهَائِكَ.

يَا إِلَهَ مُحَمَّدٍ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ يُوسُفَ وَ الْأَسْبَاطِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ يَا رَبَّ جَبْرَئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ عِزْرَائِيلَ وَ رَبَّ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ مُنْزِلَ التَّوْرَاةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابٍ مِنْ كُتُبِكَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ يَا وَهَّابَ الْعَطَايَا يَا فَكَّاكَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ وَ طَارِدَ الْعُسْرِ مِنَ الْعَسِيرِ كُنْ شَفِيعِي إِلَيْكَ إِذْ كُنْتَ دَلِيلِي عَلَيْكَ وَ بِالاسْمِ الَّذِي يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يُبْطِلُ الْبَاطِلَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ وَ بِالاسْمِ الَّذِي يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَ الْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَ بِأَسْمَائِكَ الْمَكْتُوبَاتِ عَلَى أَجْنِحَةِ الْكَرُوبِيِّينَ وَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي تُحْيِي بِهَا الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عليهما السلام وَ بِأَسْمَائِكَ الْمَكْتُوبَاتِ عَلَى عَصَى مُوسَى وَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَكَلَّمَ بِهِ مُوسَى عليه السلام عَلَى سَحَرَةِ مِصْرَ فَأَوْحَيْتَ إِلَيْهِ لا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلى وَ بِأَسْمَائِكَ الْمَنْقُوشَاتِ عَلَى خَاتَمِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عليه السلام الَّتِي مَلَكَ بِهَا الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ وَ الشَّيَاطِينَ وَ أَذَلَّ بِهِ إِبْلِيسَ وَ جُنُودَهُ وَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي نَجَا بِهَا إِبْرَاهِيمُ مِنْ نَارِ نُمْرُودَ وَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي رُفِعَ بِهَا إِدْرِيسُ عليه السلام مَكَاناً عَلِيّاً وَ بِالْأَسْمَاءِ الْمَكْتُوبَاتِ عَلَى جَبْهَةِ إِسْرَافِيلَ عليه السلام وَ بِالْأَسْمَاءِ الْمَكْتُوبَاتِ عَلَى دَارِ قُدْسِهِ وَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ

لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ دَعَا اللَّهَ بِهِ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ وَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي شَيْ ءٍ مِنْ كُتُبِهِ وَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ مَخْزُونٌ فِي عِلْمِهِ وَ بِأَسْمَائِهِ الْمَكْتُوبَاتِ فِي اللَّوْحِ وَ بِالاسْمِ الَّذِي خَلَقَ بِهِ جِبِلَّاتِ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ وَ بِاسْمِ اللَّهِ الْأَكْبَرِ الْكَبِيرِ الْأَجَلِّ الْجَلِيلِ الْأَعَزِّ الْعَزِيزِ الْأَعْظَمِ الْعَظِيمِ وَ بِأَسْمَائِهِ كُلِّهَا الَّتِي إِذَا ذُكِرَ بِهَا ذَلَّتْ فَرَائِصُ مَلَائِكَتِهِ وَ سَمَائِهِ وَ أَرْضِهِ وَ جَنَّتِهِ وَ نَارِهِ وَ بِاسْمِهِ الْأَعْظَمِ الَّذِي عَلَّمَهُ آدَمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَ صَلَّى اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ اللَّهُمَّ فَبِحُرْمَةِ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ وَ بِحُرْمَةِ تَفْسِيرِهَا فَإِنَّهُ لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا غَيْرُكَ أَنْ تَسْتَجِيبَ لِي دُعَائِي

وَ ارْحَمْ تَضَرُّعِی وَ أَدْخِلْنِی ... فِی عِبادِکَ الصَّالِحِینَ وَ آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النَّارِ وَ تَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرارِ وَ لا تُخْزِنا یَوْمَ الْقِیامَةِ إِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمِیعادَ وَ تَرَی الْمَلائِکَةَ حَافِّینَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ قُضِیَ بَیْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَ قِیلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ.

قال السید ره و هذا الدعاء مما ألهمنا تلاوته عند المهمات و الضرورات و رأیت من الله تعجیل الإجابات و العنایات و رؤیا فی المنام باقی النهار السلامه من البلاء و إجابه الدعاء فکان کما رئی فی المنام (۱).

**[ترجمه]از این جمله: دعایی است که آن را جبرئیل علیه السّلام به پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله تعلیم نمود. این دعا را در کتاب کهنه ای یافتم که تاریخ نوشتن آن بیش از دویست سال بود تا به تاریخ سال ششصد و پنجاه. نقل کرد: جبرئیل علیه السّلام به خدمت پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله آمد و با او بود میکائیل و اسرافیل علیهما السّلام و گفتند: یا رسول الله به درستی که خدای تعالی تو را و امّت تو را در دنیا و آخرت به این نامها کرامت نمود. پس خوشا به حال تو و امّت تو. کسی که خدای عزّ و جلّ او را توفیق دهد آن که این دعا را بخواند، پس به درستی که این دعای بزرگ جلیل القدری است و این گنجی از گنجهای عرش است و در این دعا همه نامهای پروردگار جلّ جلاله داخل است که خدای تعالی به برکت آنها خلق نمود همه خلایق و اهل آسمانها و زمین ها و بهشت و دوزخ و آفتاب و ماه و ستاره ها و کوهها را و آنچه را که در بیابان و در دریا از چهارپایان و حشرات و جانوران وحشی و درختان باشد و آنچه در دریاها باشد از مخلوقات و عجائبی که نمی داند آنها را به غیر از آن که ایشان را خلق نمود. این دعا را به احدی یاد مده مگر به خوبان امّت خود از جهت آن که در حکم خدا و علم او آن جاری شد که او حاجت کسی را مستجاب گرداند که این دعا را یک مرتبه بخواند و و دعا این است:

«خداوندا از تو می خواهم به حقّ نام تو که هر گاه ذکر شوی به آن نام که آسمانها از جهت آن به لرزه می آیند و زمینها از جهت آن شکافته می شود و از ترس آن ابرها پاره پاره می گردد و از خوف آن کوهها شکافته می شود و از جهت آن بادها جاری می شود و از جهت آن دریاها کم می گردد و از جهت آن موج ها حرکت می نماید و از بیم آن نفسها فرو می روند و از آن دلها می ترسند و از جهت آن قدمها می لغزند و از جهت آن گوشها کر می شوند و از جهت آن چشمها و پست می شوند از جهت آن آوازها حیران و باز مانده می گردند و از برای آن نام گردنها فروتنی می نمایند و از برای آن روحها به پای می ایستند و برای آن فرشتگان سجده می نمایند و برای او تسبیح می کنند و برای او پهلوها به لرزه آیند و برای او عرش حرکت می کند و برای او مخلوقات اطاعت می کنند.

و به حقّ آن نام که گذاشته شد بر بهشت، پس نزدیک گردانیده شد و بر جهنم، پس افروخته گشت و بر آتش، پس شعله ور گشت و بر آسمان، پس قرار گرفت و ایستاد بدون ستونی و نه پایه ای و بر ستارگان پس صاحب زینت گشتند و بر آفتاب پس روشن گردید و بر ماه، پس نورانی و صاحب روشنی شد و بر زمین، پس قرار گرفت و بر کوه ها، پس ثابت گشتند و بر بادها، پس پراکنده نمودند اشیاء را و بر ابرها پس باریدند و بر فرشتگان پس تسبیح گفتند و بر انس و جن پس اطاعت نمودند و بر مرغان و مورچه ها پس سخن گفتند و بر شب پس تاریک شد و بر روز پس روشن گشت و بر هر چیزی پس تسبیح گفت.

و به حقّ آن نامی که به برکت آن زمینها بر مکان خود، و کوهها بر جایهای خود، و دریاها بر کنارهای خود، و درختان بر ریشه های خود، و ستاره ها بر مدارهای خود و آسمانها بر بنای خود قرار گرفتند به حقّ نامی که فرشتگان عرش خدا را به قدرت پروردگار خود برداشتند و به حقّ آن نام بسیار پاکیزه دائمی مقدّم بر همه چیز صاحب اختیار صاحب جبروت صاحب کبریاء بزرگ بسیار بزرگ غلبه کننده حفظکننده پادشاه بسیار صاحب قدرت سپاس شده صاحب شرف، مقصود در حاجت ها، یکتای، یگانه، بزرگ، بسیار بلند مرتبه.

به حقّ آن نام که در در علم او به خزانه گذاشته شد پنهان شد و فرا گرفت عرش او را پاک پاکیزه مبارک بسیار پاکیزه سالم از همه عیب ها و نقص ها و امان دهنده حفظ کننده جبرکننده صاحب کبریاءتقدیرکننده آفریننده، صورت بخشنده، پیش از همه چیزها بعد از همه اشیاء، هویدا، پنهان، موجود پیش از هر چیزی و ایجادکننده هر چیزی و موجود بعد از نیست شدن هر چیزی ، همیشه بود و خواهد بود و برطرف نمی شود و تغییر نمی یابد، روشنی است در روشنی و نوری است بر نور و نوری است بالای هر نور و نوری است که روشن می شود به برکت

آن هر نور و به آن نام که به آن نفس خود را نامید و به آن بر عرش خود مسلّط گشت پس به آن بر کرسی خود مستولی شد و به برکت آن فرشتگان خود را و آسمان های خود را و زمین خود را و بهشت خود را و آتش خود را آفرید و بی ماده ای به برکت آن مخلوقات خود را پدید آورد که یکتا و یگانه است، مقصود در حاجت ها و بزرگ صاحب کبریاء بزرگ بسیار بزرگ غلبه کننده پادشاه بسیار صاحب قدرت پاکیزه بسیار پاکیزه است نزایید و زائیده نشد و نیست برای او مانندی.

و به آن نام که آن را از برای احدی از مخلوقات خود ننوشت راست گفتند راستگویان و دروغ گفتند دروغ گویان.

و به حقّ که آن نام او نوشته شددر کف دست ملك موت که هر گاه روحها نگاه می کنند به سوی آن نام پرواز می نمایند و به آن نام که نوشته شد بر سراپرده عرش خدا از نور کلمه نیست خدایی مگر خدا، محمد فرستاده خداست و به حقّ آن نام که نوشته شد در سراپرده شرف و به آن نام که نوشته شد در سراپرده جمال و به حقّ آن نام که نوشته شد در سراپرده بزرگی و به آن نام که نوشته شد در سراپرده عظمت و به آن نام که نوشته شد در سراپرده عزّت و به آن نام که نوشته شد در سراپرده آفریدگار یاری کننده و پروردگار فرشتگان هشتگانه و پروردگار عرش بزرگ.

و به حقّ آن نام که بزرگتر است بزرگتر است و به آن نام که عظیم تر است عظیم تر است فراگیرنده است، به پادشاهی آسمانها و زمین و به آن نام که به برکت آن آفتاب روشن گشت و به برکت آن ماه نورانی شد و به برکت آن دریاها مملوّ شدند و به برکت آن کوهها ایستادند و به آن نام که به پای خاست به برکت آن عرش و کرسی و به حقّ آن نام های پاکیزه پنهان شده در خزانه، سپرده شده در علم پنهان نزد خدا .

و به آن نام که بر برگ درخت زیتون نوشته شد پس در آتش انداخته شد پس نسوخت و به حقّ آن نام که روان شد به برکت آن خضر که بر او باد سلام بر روی آب پس پاهای او خیس نشد و به آن نام که به برکت آن درهای آسمان گشوده می شود و به برکت آن هر تقدیر حکمیانه ای جدا می شود و به آن نام که به برکت آن موسی عصای خود را به دریا زد پس آب شکافته شد پس هر قطعه ای از آن مثل کوه بسیار بزرگ گردید و به آن نام که عیسی پسر مریم به برکت آن را مرده را زنده می نمود و به برکت آن کور مادرزاد و پیس را به اذن خدا شفا می داد و به آن نامها که خدا را می خوانند بدان جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و حاملان عرش و مقربان از فرشتگان و کسی که باشد در اطراف ایشان از فرشتگان و روحانی ها و صف کشندگان و تسبیح کنندگانند.

و به حقّ نام های خدایی که فراموش نمی شود و به حقّ ذات خدا که کهنه نمی شود و به نور خدا که خاموش نمی شود و به غلبه خدا که سست نمی گردد و به توانایی خدا که ستم نمی شود و به پادشاهی او که از بین نرود و به قدرت او که تغییر نمی یابد و به آن عرش که حرکت نمی کند و به آن کرسی که زایل نمی شود و به آن چشم که نمی خوابد و به آن بیداری که فراموش نمی کند و به حقّ آن زنده ای که نمی میرد، به پاینده ای که او را و سستی و نه خوابی فرا نمی گیرد.

و به حقّ آن کسی که برای او آسمان ها تسبیح می کنند و زمین ها به جانب های خود و دریاها به موج های خود و ماهی ها در دریاهای خود و درختان به شاخه های خود و ستاره ها به زینت دادن خود و جانوران وحشی در بیابان های خود و مرغان در آشیانه های خود و زنبور عسل در سوراخ های خود و مورچه ها در خانه های خود و آفتاب و ماه در آسمان های خود و همه چیز تسبیح می کند به سپاس پروردگار خود.

پس منزّه است او می میراند همه مخلوقات را و نمی میرد ، چه ظاهر است نور او و چه کریم است ذات او و چه بزرگ است ذکر او و چه منزّه است پاکی او و چه نیکوست سپاس او و چه جاری است فرمان او و چه تواناست قدرت او بر آنچه خواهد و چه برآورده شده است، وعده او بسیار بلند است از آنچه می گویند ستمکاران، برای او مانندی نیست و مثل او چیزی نیست، آفرینش و فرمان برای اوست، بلند است خدا که پروردگار عالمیان است.

و به حقّ آن نام که نزدیک گردانید به برکت آن محمّد را که رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او تا آن که گذشت از موضع منتهای آسمانها. پس بود آن حضرت از نزدیک آن مثل دو طرف قبضه کمان یا نزدیک تر و به حقّ آن نام که آتش را بر ابراهیم سرد و سالم گردانید و برای او از رحمت خود اسحق را بخشید و به حقّ رحمت خدایی که داده شد به یعقوب پیراهن یوسف پس انداخت آن را بر روی خودپس بینا گشت و به آن نام که ابرهای گران بار را آفریده است و آواز ابر به حمد او تسبیح می کند و به آن اسم که به برکت آن دردهای ایوب بر طرف شد و دعای یونس که بر او باد درود در تاریکی های سه گانه برآورده شد و به آن نام که به برکت آن خدای تعالی یحیی را به زکریای پیغمبر بخشید، رحمت فرستاد خدا بر او و کرامت نمود بر بنده خود عیسی پسر مریم بر او باد درود چون که او را کتاب و حکمت را تعلیم نمود و او را پیغمبر صاحب خیر و برکت و از صالحان گردانید.

و به حقّ آن نام که جبرئیل بر او باد درود تو را بدان نام خواند در ما بین فرشتگان مقرب و خواندند تو را به آن نام میکائیل و اسرافیل بر ایشان باد تحیت و درود پس دعایشان را برآوری و تو نسبت به فرشتگان، نزدیک و اجابت کننده هستی و به حق نام تو که نوشته شد در لوح نگاهداشته شده و به نام تو که نوشته شد در بیت المعمور و به نام تو که نوشته شد در پرچم حمد که آن پرچم را تو به پیغمبر خود محمّد که رحمت فرستد خدای بر او و بر آل او دادی. و تو آن حضرت را حوض کوثر و شفاعت کردن و مکان ستوده وعده دادی.

و به نام تو که در در نزد تو در پرده پنهان است پرده عرش تو زایل نمی شود و به نام تو که به سبب آن در هم می پیچی آسمانها را مثل درهم پیچیدن طومار که برای کتاب است و به نام تو که قبول می کنی به برکت آن توبه را از بندگان خود و در می گذری از گناهان بندگان، و به ذات بخشنده تو که کریم ترین روی هاست و به حقّ آنچه به سبب آن حجابها از نور تو پنهان شدند و به آنچه قرار گرفت به سبب آن عرش از حسن تو .

ای خداوند محمّد و ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و یوسف و اسباطدرود خدا باد بر ایشان، ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و ای پروردگار پیغمبران و فرستاده شدگان و ای فرود آورنده تورات و انجیل و زبور و قرآن بزرگ.

از تو می خواهم به هر نامی که آن نام از برای توست و تو آن را در کتابی از کتاب های خود نازل ساختی یا آن را به احدی از مخلوقات خود تعلیم نمودی یا آن را در علم پنهان در نزد خود، اختیار نمودی ای بخشنده بخشش ها و ای رهاکننده گردن ها از آتش و برطرف کننده دشواری از امر دشوار، شفاعت کننده من باش به سوی خود چون که راهنمای من بر خود هستی و به حقّ آن نام که دین حقّ را به آیات و معجزات خود ثابت می گرداند و دین باطل را نابود می گرداند و اگر چه گناه کاران و کافران ناخوش دارند.

و به حقّ آن نام که آواز ابر به سپاس آن نام تسبیح می کند و فرشتگان از ترس آن تسبیح می گویند و به حقّ نام های تو که بر بال های فرشتگان مقرّب نوشته شدند و به حقّ نام های تو که به برکت آنها استخوانها را زنده می کنی در حالی که پوسیده و از هم پاشیدند و به نام تو که تو را به آن نام خواند عیسی بن مریم بر او باد سلام و به حقّ نام های تو که نوشته شدند بر عصای موسی بر او باد درود و به نام تو که به برکت آن موسی که بر او باد سلام بر ساحران شهر مصر سخن نمود و غلبه نمود. پس وحی فرستادی به سوی او که مترس به درستی که تو بلند و غالبی و به حقّ نامهای تو که نقش شدند بر انگشتر سلیمان بن داوود بر او باد سلام که مالك شد به برکت آن پری زاد و آدمی زاد و شیطان ها را و خفیف و خوار نمود به سبب آنها شیطان و سپاه او را و به حقّ آن نام هایی که خلاصی یافت به برکت آنها ابراهیم از آتش نمرود و آن نام هایی که به سبب آنها ادریس که بر او باد سلام به مکانی بلند بالا برده شد.

و به آن نام های نوشته شده بر پیشانی اسرافیل بر او باد سلام و به آن نام های نوشته شده برخانه پاکیزه و به هر نامی که آن از برای خدای عزّ و جلّ است که خدا را به آن نام خواند، پیغمبر فرستاده شده یا فرشته مقرّبی یا بنده مؤمنی و به هر نامی که برای خدای عزّ و جل است در کتابی از کتابهای او و به هر نامی که آن در علم خدا سپرده شد و به نام های خدای که نوشته شدند در لوح نگاه داشته شده و به آن نام که به برکت آن همه گروه های خلایق را آفرید و به نام خدای بزرگتر بزرگ عظیم تر عظیم عزیزتر عزیز بزرگتر بزرگ و به حقّ نام های خدا همه

آنها که هر گاه خدا به آن نام ها نام برده شود پهلوهای فرشتگان خدا و آسمان خدا و زمین خدا و بهشت خدا و آتش او مضطرب می شود.

و به نام خدا که بزرگتر است آن چنان که آن را به آدم تعلیم نمود که بر او باد سلام در بهشتهای جاوید و رحمت فرستد خدا و فرشتگان او بر محمّد و بر آل او و بر همه پیغمبران خدا و فرستادگان او خداوندا پس به حرمت این نامها و به حرمت معنی آنها پس به درستی که نمی داند معنی آنها را غیر تو که دعای مرا برآوری و بر زاری من رحم نمایی و مرا در بندگان صالح خود داخل سازی و در دنیا و آخرت به ما نیکویی عطا فرما و ما را از عذاب آتش نگهدار و ما را با نیکوکاران بمیران و ما را در روز قیامت رسوا مگردان. به درستی که تو خلف وعده خود نمی کنی و تو فرشتگان را می بینی که در حال طواف به دورعرش اند تسبیح می کنند به ستایش پروردگار خود و حکم شود میان بندگان به راستی و گفته شود سپاس خدا راست که پروردگار عالمیان است.

سید ره گفت: این دعا از جمله دعاهایی است که به ما الهام شد آن را در مسائل مهمّ و ضرورت‌ها بخوانیم و تعجیل اجابت‌ها و عنایت‌ها را از سوی خدا دیدم و سلامتی خود از بلاها و برآورده شدن حاجت در بقیه روز در خواب به او نشان داده شد. پس چنان شد که در خواب دیده بود. - . مهج الدعوات:۱۱۲-۱۰۶ -

**[ترجمه]

«۲۴»

مهج، [مهج الدعوات] دُعَاءٌ عَلَّمَهُ جَبْرَئِیلُ علیه السلام النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله: یَا نُورَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ یَا جَمَالَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ یَا عِمَادَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ یَا بَدِیعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ یَا صَرِیخَ الْمُسْتَصْرِخِینَ یَا غَوْثَ الْمُسْتَغِیثِینَ یَا مُنْتَهَی رَغْبَةِ الرَّاغِبِینَ وَ الْمُفَرِّجُ عَنِ الْمَکْرُوبِینَ وَ الْمُرَوِّحُ عَنِ الْمَهْمُومِینَ وَ مُجِیبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّینَ وَ کَاشِفَ السُّوءِ وَ أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَ إِلَهَ الْعَالَمِینَ مُنْزَلٌ بِهِ کُلُّ حَاجَةٍ یَا أَکْرَمَ الْأَکْرَمِینَ وَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ (۲).

**[ترجمه]مهج الدعوات: و از آن جمله دعایی است که آن را جبرئیل علیه السّلام به پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله تعلیم نمود و آن این است: «ای روشنی آسمانها و زمین ای حسن و نیکویی آسمانها، ای ستون آسمانها و زمین، ای از نو پدید آورنده آسمانها و زمین، ای صاحب بزرگی و بخشش، ای فریادرس فریادرس طلبان، ای فریاد خواه فریاد خواهان، ای منتهای خواهش خواهش کنندگان و ای دفع کننده اندوه از اندوه ناکان، و زائل کننده غم از غمناکان، و ای برآورنده دعای بیچارگان، و ای زائل کننده بدی ها و ای رحم کننده رحم کنندگان و ای خدای عالمیان نازل شد به تو همه حاجت ها، ای بخشنده ترین بخشندگان ای رحم کننده ترین رحم کنندگان. - . مهج الدعوات: ۱۱۳ -

**[ترجمه]

«۲۵»

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءٌ آخَرُ بِرِوَایَةِ أَنَسِ بْنِ مَالِکٍ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله عَنْ جَبْرَئِیلَ علیه السلام وَ قَدْ رَوَی کَثِیراً مِنْ فَضَائِلِهِ أَضْرَبْتُ عَنْ ذِکْرِهَا بِالاخْتِصَارِ إِذِ الْقَصْدُ نَفْسُ الدُّعَاءِ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ بِاسْمِهِ الْمُبْتَدَإِ رَبِّ الْآخِرَةِ وَ الْأُولَی لَا غَایَةَ وَ لَا مُنْتَهَی رَبِّ الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتِ الْعُلَی الرَّحْمَنِ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَوَی اللَّهِ عَظِیمِ الْآلَاءِ دَائِمِ النَّعْمَاءِ قَاهِرِ الْأَعْدَاءِ عَاطِفٍ بِرِزْقِهِ مَعْرُوفٍ بِلُطْفِهِ عَادِلٍ فِی حُکْمِهِ عَالِمٍ فِی مُلْکِهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ رَحِیمِ الرُّحَمَاءِ عَالِمِ الْعُلَمَاءِ صَاحِبِ الْأَنْبِیَاءِ غَفُورِ الْغُفَرَاءِ قَادِرٍ عَلَی مَا یَشَاءُ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِکِ الْوَاحِدِ الْحَمِیدِ ذِی الْعَرْشِ الْمَجِیدِ الْفَعَّالِ لِمَا یُرِیدُ

١- ١. مهج الدعوات ص ٨٨.

٢- ٢. مهج الدعوات ص ١١٣.

رَبِّ الْأَرْبَابِ وَ مُسَبِّبِ الْأَسْبَابِ وَ سَابِقِ الْأَسْبَاقِ وَ رَازِقِ الْأَرْزَاقِ وَ خَالِقِ الْأَخْلَاقِ قَادِرٍ عَلَى مَا يَشَاءُ مُقَدِّرِ الْمَقْدُورِ وَ قَاهِرِ الْقَاهِرِينَ وَ عَادِلٍ فِي يَوْمِ النُّشُورِ إِلَهِ الْآلِهَهِ يَوْمَ الْوَاقِعَهِ رَحِيمٍ غَفُورٍ حَلِيمٍ شَكُورٍ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الرَّبِّ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَلِكِ الرَّحِيمِ الْأَوَّلِ الْقَدِيمِ خَالِقِ الْعَرْشِ وَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِينَ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ قَابِلِ التَّوْبَهِ شَكُورٍ حَلِيمٍ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ الْأَوَّلِ الْآخِرِ الظَّاهِرِ الْبَاطِنِ الدَّائِمِ الْقَائِمِ رَازِقِ الْوُحُوشِ وَ الْبَهَائِمِ صَاحِبِ الْعَطَايَا وَ مَانِعِ الْبَلَايَا يَشْفِي السَّقِيمَ وَ يَغْفِرُ لِلْخَاطِئِينَ وَ يَعْفُو عَنِ النَّادِمِينَ وَ يُحِبُّ الصَّالِحِينَ وَ يُؤْوِي الْهَارِبِينَ وَ يَسْتُرُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ وَ يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ.

سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَرِيمُ الْمَعْبُودُ فِي كُلِّ مَكَانٍ تَغْفِرُ الْخَطَايَا وَ تَسْتُرُ الْعُيُوبَ شَكُورٌ حَلِيمٌ عَالِمٌ بِالْحُدُودِ مُنْبِتُ الزُّرُوعِ وَ الْأَشْجَارِ فَالِقُ الْحُبُوبِ صَاحِبُ الْجَبَرُوتِ غَنِيٌّ عَنِ الْخَلْقِ قَاسِمُ الْأَرْزَاقِ عَلَّامُ الْغُيُوبِ أَنْتَ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْ ءٌ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ شَهِيدٌ أَنْتَ الَّذِي تَعْفُو عَنِ الْعَاصِي بَعْدَ أَنْ يُغْرَقَ فِي الذُّنُوبِ أَنْتَ الَّذِي كُلُّ شَيْ ءٍ خَلَقْتَهُ يَنْصَرِفُ إِلَيْكَ بِالْمَنْسُوبِ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي كَمَا قُلْتَ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ وَ أَنْتَ بِوَعْدِكَ صَدُوقٌ نَجِّنِي مِنَ الْهُمُومِ وَ الْغُمُومِ وَ الْكُرُوبِ أَنْتَ غِيَاثُ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَ أَنْتَ الَّذِي قُلْتَ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَتِي وَ أَنْتَ بِقَوْلِكَ صَادِقٌ لَيْسَ بِمَكْذُوبِ احْفَظْنِي مِنْ آفَاتِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ هَوْلِ يَوْمِ اللُّحُودِ وَ لَا تَفْضَحْنِي سَيِّدِي عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ فِي الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا ضِدَّ لَهُ وَ لَا نِدَّ لَهُ وَ لَا صَاحِبَهَ لَهُ وَ لَا وَالِدَ لَهُ وَ لَا وَلَدَ لَهُ وَ لَا حُدُودَ لَهُ وَ لَا مِثَالَ لَهُ وَ لَا كُفْوَ لَهُ وَ لَا وَزِيرَ لَهُ وَ لَا شَرِيكَ لَهُ فِي مُلْكِهِ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ أَنْ تُرِيَنِي فِي مَنَامِي مَا رَجَوْتُ مِنْكَ وَ أَنْ تُكْرِمَنِي بِمَغْفِرَهِ خَطِيئَتِي إِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ لَا حَوْلَ

وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا سُبْحَانُ يَا غُفْرَانُ يَا بُرْهَانُ يَا سُلْطَانُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ أَشْهَدُ أَنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ دُونِ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ بَاطِلٌ غَيْرَ وَجْهِكَ الْقَدِيمِ الْكَرِيمِ الْمَعْبُودِ آمَنْتُ بِكَ وَ اسْتَغَثْتُ بِكَ بِحَقٍّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَغِثْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱).

**[ترجمه]از این جمله: دعایی است که او را انس بن مالک از حضرت پیغمبر صلی اللّه علیه و آله از جبرئیل علیه السّلام روایت نمود. بسیاری از فضیلت های این دعا روایت شد که برای اختصار از نقل آنها خودداری کردم از آن جهت که مقصود ذکر اصل دعا است و آن این است:

به نام خدای بخشنده مهربان به نام خدا و با استعانت از خدا و ابتدا به نام او که ابتدا شده است، پروردگار آخرت و دنیاست نیست منتهایی برای او و نه آخری، پروردگار زمین و آسمانهای بلند است بسیار بخشنده است بر عرش مستولی و قادر است برای اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و آنچه میان آن هر دو است و آنچه در زیر زمین است خدا بزرگ است نعمت های او همیشگی است بخشش های او غلبه کننده بر دشمنان است [مهربان است به روزی دادن و به لطف خود شناخته شد به احسان خود عادل است در حکم نمودن خود داناست، در پادشاهی خود بسیار بخشنده مهربان است، رحم کننده رحم کنندگان است دانای دانایان است، صاحب پیغمبران است، آمرزنده آمرزندگان است، تواناست بر آنچه می خواهد.

منزّه است خدای پادشاه یگانه ستایش شده صاحب عرش شریف و بلندکننده است آنچه را که خواهد پروردگار پرندگان است و سبب سبب هاست و پیش پیشینیان است و روزی دهنده روزیهاست و آفریننده آفریده شدگان است، تواناست بر آنچه می خواهد، مهیّا سازنده مقدورات است و غلبه کننده غلبه کنندگان است و حکم کننده به عدل است در روز حشر، خدای خدایان است در روزی که البته واقع می شود رحم کننده آمرزنده مداراکننده جزا دهنده است .

همه سپاس از برای خدای که پروردگار بزرگ است و همه ستایش از برای خدای پادشاه رحم کننده است، اوّل همه چیز و دائمی است، آفریننده عرش و آسمان ها و زمین هاست و اوست شنوای دانا، قبول کننده توبه است، جزا دهنده کردار است، حلم کننده غلبه کننده مهربان است، اوّل اشیاء و آخر همه چیز است، هویدا و پنهان است، همیشگی پایدار است، روزی دهنده حیوانات وحشی و جانوران است، صاحب بخشش‌ها و منع کننده بلیّه هاست، بیماران را شفا می دهد و گناه کاران را می آمرزد و از گناه پشیمانان در می گذرد و صالحان را دوست می دارد و گریختگان را جای می دهد و عیب گناه کاران رو می پوشاند و بیمناکان را امان می دهد.

منزّهی تو، نیست خدایی مگر تو که بخشنده عبادت شده ای در هر جایی، گناهان را می آمرزی و عیب های بندگان را می پوشانی، شکر را جزا دهی، حلم کننده ای، دانایی به نهایت و منتهای هر چیز، رویاننده زراعتها و درختانی، شکافنده دانه هایی، صاحب قهر و غلبه ای، بی نیاز از مخلوقاتی، قسمت کننده روزی‌هایی، دانای امور پنهانی، تویی آن که نیست مثل و مانند تو چیزی و تو بر همه چیز حاضر و گواهی.

تویی آن که در می گذری از گناه کار بعد از آن که در گناهان، غرق شود تویی آن که هرآنچه آفریدی، به سوی تو بر می گردند به سبب نسبت داشتن به تو، گناه مرا بیامرز چنان که فرمودی «بخوانید مرا تا آن که برآورم حاجت شما را» تو به وعده خود بسیار راستگویی، مرا از همّ ها و غمّ هاو اندوه ها خلاصی ده، تو فریادرس هر اندوهناکی و تویی آن که گفتی «نااميد مگردید از رحمت من» و حال آن که تو به گفتار خود دروغگو نیستی، مرا از بلیّه های دنیا و آخرت و از ترس روز دفن شدن در قبر نگاهدار و مرا ای مولای من بر پیش روی مخلوقات در روز موعود رسوا مگردان.

خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، نیست نظیری برای او و نه مانندی برای او و نه همصحبتی برای او و نه زاینده ای برای او و نه فرزندی برای او و نیست نهایتی برای او و نه منتهایی برای او و نه شبیهی برای او و نیست همسری برای او و نه مددکاری برای او و نیست شریکی برای او در پادشاهی او .

از تو می خواهم ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای غلبه کننده، ای غالب، ای صاحب غلبه، که بنمایی به من در خواب من آنچه را که از تو امید

دارم و آن که مرا به آمرزش گناه من ببخشایی به درستی که تو بر آنچه خواهی توانایی، ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و نیست بیرون آمدن از گناهی و نه توانایی اطاعتی مگر به خدای بلند مرتبه بزرگ، ای رحمت کننده، ای منّت گذارنده، به بخشش ای منزّه از عیوب، ای آمرزنده گناهان، ای غالب و قویّ، ای پادشاه، ای صاحب بزرگی و انعام شهادت می دهم آن که هر عبادت شده ای از عرش تو تا به روی زمین تو باطل است غیر از ذات تو که همیشگی و بخشنده و عبادت شده است، به تو ایمان آوردم و از تو طلب فریادرس می نمایم ، به حق این که نیست خدایی مگر تو به فریاد من برس ، ای رحم کننده ترین رحم کنندگان. - . مهج الدعوات: ۱۱۵- ۱۱۳ -

**[ترجمه]

«۲۶»

مهج، [مهج الدعوات] سُلَيْمَانُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُوسَى بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَنَسِ بْنِ أُوَيْسٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: مَنْ دَعَا بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيّاً لَوْ دُعِيَ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ عَلَى صَفَائِحِ الْحَدِيدِ لَذَابَتْ وَ لَوْ دُعِيَ بِهَا عَلَى مَاءٍ جَارٍ لَجَمَدَ حَتَّى يُمْشَى عَلَيْهِ وَ لَوْ دُعِيَ عَلَى مَجْنُونٍ لَأَفَاقَ وَ لَوْ دُعِيَ عَلَى امْرَأَةٍ قَدْ عَسُرَ وَلَدُهَا عَلَيْهَا لَسَهَّلَ اللَّهُ عَلَيْهَا وَ لَوْ دَعَا بِهَا رَجُلٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةَ جُمُعَةٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْآدَمِيِّينَ وَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ رَبِّهِ فَقَالَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ رَحْمَهُ اللَّهِ عَلَيْهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ أَ يُعْطَى الرَّجُلُ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ هَذَا كُلَّهُ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَا تُحَدِّثُوا النَّاسَ عَلَيْهَا فَإِنِّي أَخْشَى أَنْ يَتْرُكُوا الْعَمَلَ وَ يَتَّكِلُوا عَلَيْهَا ثُمَّ قَالَ صلی الله علیه و آله يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (۲) يَغْفِرُ اللَّهُ لِقَائِلِهَا وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِ وَ لِمُؤَدِّبِ بَلَدِهِ وَ لِأَهْلِ مَدِينَتِهِ كُلِّهِمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ هَذِهِ الْأَسْمَاءُ وَ الدُّعَاءُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ وَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَ أَنْتَ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْأَوَّلُ الْآخِرُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ الْمُبْدِئُ الْمُعِيدُ الْوَدُودُ الشَّهِيدُ الْقَدِيمُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْعَلِيمُ الصَّادِقُ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ الشَّكُورُ الْغَفُورُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ الرَّقِيبُ الْحَفِيظُ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ الْعَظِيمُ الْعَلِيمُ الْغَنِيُّ الْوَلِيُّ الْفَتَّاحُ الْمُرْتَاحُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الْعَدْلُ الْوَفِيُّ الْوَلِيُّ الْحَقُّ الْمُبِينُ الْخَلَّاقُ الرَّزَّاقُ الْوَهَّابُ التَّوَّابُ الرَّبُّ الْوَكِيلُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الدَّيَّانُ الْمُتَعَالِي

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۱۳- ۱۱۵.

۲- ۲. ما بين العلامتين ساقط عن الكمباني.

الْقَرِيبُ الْمُجِيبُ الْبَاعِثُ الْوَارِثُ الْوَاسِعُ الْبَاقِي الْحَيُّ الدَّائِمُ الَّذِي لَا يَمُوتُ الْقَيُّومُ النُّورُ الْغَفَّارُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ ذُو الطَّوْلِ الْمُقْتَدِرُ عَلَّامُ الْغُيُوبِ الْبَدِيءُ الْبَدِيعُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الدَّاعِي الظَّاهِرُ الْمُقِيتُ الْمُغِيثُ الدَّافِعُ الرَّافِعُ الضَّارُّ النَّافِعُ الْمُعِزُّ الْمُذِلُّ الْمُطْعِمُ الْمُنْعِمُ الْمُهَيْمِنُ الْمُكْرِمُ الْمُحْسِنُ الْمُجْمِلُ الْحَنَّانُ الْمُفْضِلُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ الْفَعَّالُ لِمَا يُرِيدُ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهارِ وَ تُولِجُ النَّهارَ فِي اللَّيْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ فالِقُ الْإِصْباحِ وَ فالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوى يُسَبِّحُ لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اللَّهُمَّ مَا قُلْتُ مِنْ قَوْلٍ أَوْ حَلَفْتُ مِنْ حَلْفٍ أَوْ نَذَرْتُ مِنْ نَذْرٍ فِي يَوْمِي هَذَا وَ لَيْلَتِي هَذِهِ فَمَشِيَّتُكَ بَيْنَ يَدَيْ ذَلِكَ مَا شِئْتَ مِنْهُ كَانَ وَ مَا لَمْ تَشَأْ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ فَادْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ عِنْدَكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ تُبْ عَلَيَّ وَ تَقَبَّلْ مِنِّي وَ أَصْلِحْ لِي شَأْنِي وَ يَسِّرْ أُمُورِي وَ وَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَ أَغْنِنِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ صُنْ وَجْهِي وَ يَدِي وَ لِسَانِي عَنْ مَسْأَلَةِ غَيْرِكَ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجاً وَ مَخْرَجاً فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَ لَا أَعْلَمُ وَ تَقْدِرُ وَ لَا أَقْدِرُ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمودند: حضرت رسالت صلی اللّه علیه و آله فرمودند: کسی که خدای تعالی را به این نامها بخواند خدای تعالی دعای او را مستجاب می کند و قسم به حق کسی که مرا به راستی به پیغمبری فرستاد که اگر این نامها بر صفحه های آهن خوانده شود گداخته می شود و اگر بر آب روان خوانده شود بسته می شود تا آن که تواند رفتن بر روی آن و اگر بر دیوانه خوانده شود عاقل گردد و اگر بر زنی خوانند که دشوار زاید خدای تعالی بر آن زاییدن را آسان گرداند و اگر این نامها را شخصی چهل شب جمعه بخواند خدای تعالی می آمرزد گناهانی را که میان او و میان خلایق باشد و گناهانی را که میان او و میان پروردگار خود باشد.

پس سلمان فارسی رحمه اللّه علیه گفت: پدر و مادرم فدای تو باد ای رسول الله آیا به کسی که این نامها را بخواند همه این ثوابها بخشیده می شود؟ پس حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله فرمودند: ای ابا عبدالله تشویق مکنید و چندان مطّلع مگردانید مردم را برای این نامها و بر ثواب آنها، پس همانا می ترسم از آن که مردمان همه عبادات را ترک نمایند و برخواندن این نامها تکیه نمایند. پس حضرت رسالت صلّی الله علیه و آله فرمودند: ای اباعبدالله، خدای تعالی می آمرزد خواننده این دعا را و اهل بیت او و حکّام و علماء شهر او را و سایر اهل بلد او را همه ایشان را ان شاء اللّه تعالی و آن نام ها و دعا این است:

« به نام خدای بخشنده مهربان خداوندا تویی خدا و تویی بخشنده و تویی مهربان پادشاه بسیار پاکیزه سالم امان دهنده نگاهبان غلبه کننده صاحب جبروت و کبریاء، موجود پیش از همه چیز و ثابت بعد از همه اشیاء، هویدا و پنهان، تویی که سپاس شدی صاحب کرم و آفریننده بی ماده، تویی میراننده دوست دارنده و حاضر نزد اشیاء و تویی مقدّم همیشه بلند مرتبه بزرگ و راستگوی در وعده صاحب شفقت تویی مهربان و جزا دهنده کردارها و آمرزنده گناهان و تویی غلبه غلبه کننده دانای درست کردار.

صاحب توانایی محکم و سخت، تویی دیده بان نگهدارنده، صاحب بزرگی و بخشش بزرگ و تویی دانای بی نیاز یاری دهنده گشاینده درهای رزق و رحمت کننده و نگاهدارنده زیادتی رزق و وسعت دهنده رزق و عادل در حکم و وفاکننده به وعده ثابت و ظاهر سازنده حکمت و قدرت و و روزی دهنده بسیار بخشنده و تویی قبول توبه کننده و پروردگار معتمد صاحب اختیار و دانای به خرد و باریک و مطّلع بر حقیقت چیزها و شنوای و بینا و قهرکننده بسیار بلند مرتبه، نزدیک و برآورنده حاجت و برانگیزاننده و میراث برنده، تویی غنی باقی بعد از همه چیز و زنده همیشگی که نمی میرد، و پاینده و صاحب روشنی و آفریننده و تویی یکتای و قهرکننده و یگانه و مقصود در حاجتها کسی که نزایید و زاییده نشد و برای او مانندی نیست.

تویی صاحب نعمت و بسیار توانای بسیار دانای امور پنهان و پدید آورنده در ابتدا و از نو آفریننده و اخذکننده ارواح و بخشنده زندگانی و خواننده به عبادت و اطاعت و پاکیزه بسیار قادر رزق دهنده فریاد رسنده دفعکننده بلندکننده ضرر رساننده نفع رساننده و عزیز گرداننده و خوار گرداننده و تویی بخشنده و نعمت دهنده و نگاهبان کرم کننده و نیکوکننده احسان کننده رحمت کننده بخشش نماینده و زنده کننده

میراننده و تویی آن کسی که انجام می دهد آنچه را که خواهد .

و تویی صاحب پادشاهی، می دهی تو پادشاهی را به هر کس که می خواهی و می ستانی پادشاهی را از هر شخص که خواهی و عزیز می کنی کسی را که می خواهی و خوار میگردانی کسی را که خواهی به دست قدرت توست خوبی به درستی که تو بر همه چیز بسیار توانایی، شب را در روز داخل می کنی و روز را در شب داخل می نمایی و زنده را از مرده بیرون می آوری و مرده را از زنده بیرون می آوری و روزی می دهی هر که را می خواهی بی حساب خداست شکافنده شب برای بیرون آوردن صبح و شکافنده دانه و هسته است، تنزیه می کنند برای او آنچه در آسمانها و زمین است و اوست غلبه کننده با عزّت و حکم کننده دانا.

خداوندا آنچه را که در این روز و این شب گفتم یا قسم یاد نمودم یا نذر نمودم پس اراده تو در نزد همه آنهاست آنچه را که خواستی شد و آنچه را که نخواستی نشد. پس دفع کن از من بلاها و موانع خیر را به قدرت و توانایی خود پس به درستی که نیرو و قدرتی نیست مگر به خدای بلند مرتبه بزرگ.

خداوندا به حقّ این نام ها که ثابت اند در نزد تو رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و مرا بیامرز و بر من رحم نما و بر من باز گرد و از من قبول نمای و حال مرا نیکو گردان و برای من کارهای مرا آسان گردان و بر من روزی مرا فراخ گردان و مرا به سبب بخشش ذات خود از همه خلایق خود بی نیاز گردان و روی و دست و زبان مرا از در خواست از غیر تو نگاهدار و برای من از امر من گشایشی قرار ده و محلّ بیرون رفتنی پس به درستی که تو می دانی و من نمی دانم و قادر و توانایی و نیستم قادر و تو بر همه چیز توانایی به حقّ شفقت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و درود فرستد خدای بر محمّد که پیشوای فرستادگان است و بر آل او که پاک و مطهرند. - . مهج الدعوات: ۱۱۹-۱۱۷ -

**[ترجمه]

«۲۷»

مهج، [مهج الدعوات] حَدَّثَنِی صَدِیقِی وَ الْمُوَاخِی لِی مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاضِی الْآوِیُّ ضَاعَفَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ سَعَادَتَهُ وَ شَرَّفَ خَاتِمَتَهُ وَ ذَکَرَ حَدِیثاً عَجِیباً وَ سَبَباً غَرِیباً وَ هُوَ أَنَّهُ کَانَ قَدْ حَدَثَتْ لَهُ حَادِثَةٌ فَوَجَدَ هَذَا الدُّعَاءَ فِی أَوْرَاقٍ لَمْ یَجْعَلْهُ فِیهَا بَیْنَ

ص: ۳۷۷

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۱۷- ۱۱۹.

کُتُبِهِ فَنَسَخَ مِنْهُ نُسْخَهً فَلَمَّا أَنْسَخَهُ فَقَدَ الْأَصْلَ الَّذِی کَانَ قَدْ وَجَدَ وَ رَأَیْتُ هَذَا الدُّعَاءَ فِی نُسْخَهٍ عَتِیقَهٍ قَدْ أَصَابَ بَعْضَهَا بَلَلٌ وَ فِیهِ زِیَادَهٌ وَ نُقْصَانٌ أَحْضَرَهَا ابْنُ الْوَزِیرِ الْوَرَّاقُ وَ ذَکَرَ أَنَّهُ اشْتَرَاهَا لِوَلَدِ مُحَمَّدٍ الْمُقْرِی الْأَعْرَجِ بِدِرْهَمٍ وَ نِصْفٍ وَ یُمْکِنُ أَنْ یَکُونَ هَذَا الدُّعَاءُ کَانَ مَوْجُوداً فِی الْکُتُبِ وَ مَا کَانَ أَخِی الرِّضَا الْآوِیُّ یَعْرِفُ مَوْضِعَهُ فَأَنْعَمَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ عَلَیْهِ بِتَعْرِیفِهِ کَمَا ذَکَرْنَاهُ عَنْهُ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ وَ یُسَمَّی دُعَاءَ الْعَبَرَاتِ وَ سَیَأْتِی ذِکْرُهُ وَ هُوَ:

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ یَا رَاحِمَ الْعَبَرَاتِ وَ یَا کَاشِفَ الْکُرُبَاتِ أَنْتَ الَّذِی تَقْشَعُ سَحَابَ الْمِحَنِ (۱)

وَ قَدْ أَمْسَتْ ثِقَالًا وَ تَجْلُو ضَبَابَ الْإِحَنِ وَ قَدْ سَحَبَتْ أَذْیَالًا وَ تَجْعَلُ زَرْعَهَا هَشِیماً وَ بُنْیَانَهَا هَدِیماً وَ عِظَامَهَا رَمِیماً وَ تَرُدُّ الْمَغْلُوبَ غَالِباً وَ الْمَطْلُوبَ طَالِباً وَ الْمَقْهُورَ قَاهِراً وَ الْمَقْدُورَ عَلَیْهِ قَادِراً إِلَهِی فَکَمْ مِنْ عَبْدٍ نَادَاکَ رَبِّ إِنِّی مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ فَفَتَحْتَ لَهُ مِنْ نَصْرِکَ أَبْوابَ السَّماءِ بِماءٍ مُنْهَمِرٍ وَ فَجَّرْتَ لَهُ مِنْ عَوْنِکَ عُیُوناً فَالْتَقَی مَاءُ فَرَجِهِ علی أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ وَ حَمَلْتَهُ مِنْ کِفَایَتِکَ علی ذاتِ أَلْواحٍ وَ دُسُرٍ یَا رَبِّ إِنِّی مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ یَا رَبِّ إِنِّی مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ یَا رَبِّ إِنِّی مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْتَحْ لِی مِنْ نَصْرِکَ أَبْوابَ السَّماءِ بِماءٍ مُنْهَمِرٍ وَ فَجِّرْ لِی مِنْ عَوْنِکَ عُیُوناً لِیَلْتَقِیَ مَاءَ فَرَجِی عَلَی أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ وَ احْمِلْنِی یَا رَبِّ مِنْ کِفَایَتِکَ علی ذاتِ أَلْواحٍ وَ دُسُرٍ یَا مَنْ إِذَا وَلَجَ الْعَبْدُ فِی لَیْلٍ مِنْ حَیْرَتِهِ بَهِیمٍ (۲)

وَ لَمْ یَجِدْ صَرِیخاً یُصْرِخُه مِنْ وَلِیٍّ حَمِیمٍ وَ جُدْ یَا رَبِّ مِنْ مَعُونَتِکَ صَرِیخاً مُغِیثاً وَ وَلِیّاً یَطْلُبُهُ حَثِیثاً یُنَجِّیهِ مِنْ ضِیقِ أَمْرِهِ وَ حَرَجِهِ وَ یُظْهِرُ لَهُ مِنَ الْمُهِمِّ مِنْ أَعْلَامِ فَرَجِهِ اللَّهُمَّ فَیَا مَنْ قُدْرَتُهُ قَاهِرَهٌ وَ آیَاتُهُ بَاهِرَهٌ وَ نَقِمَاتُهُ قَاصِمَهٌ لِکُلِّ جَبَّارٍ دَامِغَهٌ لِکُلِّ کَفُورٍ خَتَّارٍ صَلِّ یَا رَبِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ انْظُرْ إِلَیَّ یَا رَبِّ نَظْرَهً مِنْ

ص: ۳۷۸

۱- ۱. اقشع السحاب: أزاله و کشفه، و الضباب: ندی کالغبار او هو سحاب رقیق یغشی الأرض کالدخان، و الاحن جمع احنه: الحقد و العداوه.

۲- ۲. لیل بهیم: شدید الظلمه لا ضوء فیها الی الصباح.

نَظَرَاتِکَ رَحِیمَهً تُجِلَّ بِهَا عَنِّی ظُلْمَهً وَاقِفَهً مُقِیمَهً مِنْ عَاهِهٍ جَفَّتْ مِنْهَا الضُّرُوعُ وَ تَلِفَتْ مِنْهُ الزُّرُوعُ وَ انْهَلَّتْ مِنْ أَجْلِهَا الدُّمُوعُ وَ اشْتَمَلَ بِهَا عَلَی الْقُلُوبِ الْیَأْسُ وَ جَرَتْ وَ سَکَنَتْ بِسَبَبِهَا الْأَنْفَاسُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْأَلُکَ حِفْظاً حِفْظاً لِغَرَائِسَ غَرَسَتْهَا یَدُ الرَّحْمَنِ وَ شُرْبُهَا مِنْ مَاءِ الْحَیَوَانِ أَنْ تَکُونَ بِیَدِ الشَّیْطَانِ تُحَزُّ وَ بِفَأْسِهِ تُقْطَعُ وَ تُجَزُّ إِلَهِی مَنْ أَوْلَی مِنْکَ أَنْ یَکُونَ عَنْ حَرِیمِکَ دَافِعاً وَ مَنْ أَجْدَرُ مِنْکَ أَنْ یَکُونَ عَنْ حِمَاکَ حَارِساً وَ مَانِعاً إِلَهِی إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ هَالَ فَهَوِّنْهُ وَ خَشُنَ فَأَلِنْهُ وَ إِنَّ الْقُلُوبَ قَدْ کَاعَتْ فَهَمِّنْهَا(۱)

وَ النُّفُوسَ ارْتَاعَتْ فَسَکِّنْهَا إِلَهِی تَدَارَکْ أَقْدَاماً زَلَّتْ وَ أَفْهَاماً فِی مَهَامِهِ (۲) الْحَیْرَهِ ضَلَّتْ أَنْ رَأَتْ جَبْرَکَ عَلَی کَسِیرِهَا وَ إِطْلَاقَکَ لِأَسِیرِهَا وَ إِجَارَتَکَ لِمُسْتَجِیرِهَا أَجْحَفَ الضُّرُّ بِالْمَضْرُورِ مَعَ دَاعِیهِ الْوَیْلَ وَ الثُّبُورَ فَهَلْ یَحْسُنُ مِنْ فَضْلِکَ أَنْ تَجْعَلَهُ فَرِیسَهَ الْبَلَاءِ وَ هُوَ لَکَ رَاجٍ أَمْ هَلْ یَجْمُلُ مِنْ عَدْلِکَ أَنْ یَخُوضَ فِی لُجَّهِ النَّقِمَاتِ وَ هُوَ إِلَیْکَ لَاجٍ مَوْلَایَ لَئِنْ کُنْتُ لَا أَشُقُّ عَلَی نَفْسِی فِی التُّقَی وَ لَا أَبْلُغُ فِی حَمْلِ أَعْبَاءِ الطَّاعَهِ مَبْلَغَ الرِّضَا وَ لَا أَنْتَظِمُ فِی سِلْکِ قَوْمٍ رَفَضُوا الدُّنْیَا فَهُمْ خُمْصُ الْبُطُونِ مِنَ الطَّوَی عُمْشُ الْعُیُونِ مِنَ الْبُکَاءِ بَلْ أَتَیْتُکَ یَا رَبِّ بِضَعْفٍ مِنَ الْعَمَلِ وَ ظَهْرٍ ثَقِیلٍ بِالْخَطَاءِ وَ الزَّلَلِ وَ نَفْسٍ لِلرَّاحَهِ مُعْتَادَهٍ وَ لِدَوَاعِی التَّسْوِیفِ مُنْقَادَهٍ أَ مَا یَکْفِیکَ یَا رَبِّ وَسِیلَهً إِلَیْکَ وَ ذَرِیعَهً لَدَیْکَ أَنَّنِی لِأَوْلِیَائِکَ مُوَالٍ وَ فِی مَحَبَّتِهِمْ مُغَالٍ وَ لِجِلْبَابِ الْبَلَاءِ فِیهِمْ لَابِسٌ وَ لِکِتَابِ تَحَمُّلِ الْعَنَاءِ بِهِمْ دَارِسٌ أَ مَا یَکْفِینِی أَنْ أَرُوحَ فِیهِمْ مَظْلُوماً أَوْ أَغْدُوَ مَکْظُوماً وَ أَقْضِیَ بَعْدَ هُمُومٍ هُمُوماً وَ بَعْدَ وُجُومٍ وُجُوماً.

أَ مَا عِنْدَکَ یَا رَبِّ بِهَذَا حُرْمَهٌ لَا تَضِیعُ وَ ذِمَّهٌ بِأَدْنَاهَا یَقْتَنِعُ فَلِمَ تَمْنَعُنِی نَصْرَکَ؟

ص: ۳۷۹

۱- ۱. کذا، و الصحیح فطمنها کما فی المصدر و کما سیأتی فی النسخه الثانیه، و کیعوعه القلب: جبنها و روعتها.

۲- ۲. المهامه جمع مهمه: البلد المقفر و المفازه البعیده.

يَا رَبِّ وَ هَا أَنَا ذَا غَرِيقٌ وَ تَدَعُنِی وَ أَنَا بِنَارِ عَدُوِّکَ حَرِيقٌ أَ تَجْعَلُ أَوْلِيَاءَکَ لِأَعْدَائِکَ طَرَائِدَ وَ لِمَکْرِهِمْ مَصَائِدَ وَ تُقَلِّدُهُمْ مِنْ خَسْفِهِمْ قَلَائِدَ وَ أَنْتَ مَالِکُ نُفُوسِهِمْ أَنْ لَوْ قَبَضْتَهَا جَمَدُوا وَ فِی قَبْضَتِکَ مَوَادُّ أَنْفَاسِهِمْ لَوْ قَطَعْتَهَا خَمَدُوا فَمَا يَمْنَعُکَ يَا رَبِّ أَنْ تَکُفَّ بَأْسَهُمْ وَ تَنْزِعَ عَنْهُمْ مِنْ حِفْظِکَ لِبَاسَهُمْ وَ تُعْرِيَهُمْ مِنْ سَلَامَةٍ بِهَا فِی أَرْضِکَ يَفْرَحُونَ وَ فِی مَيْدَانِ الْبَغْيِ يَمْرَحُونَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَدْرِکْنِی وَ لَمَّا يُدْرِکْنِی الْغَرَقُ وَ تَدَارَکْنِی وَ لَمَّا غَيَّبَ شَمْسِیَ الشَّفَقُ إِلَهِی کَمْ مِنْ عَبْدٍ خَائِفٍ الْتَجَأَ إِلَى سُلْطَانٍ فَآبَ عَنْهُ مَحْفُوفاً بِأَمْنٍ وَ أَمَانٍ أَ فَأَقْصِدُ يَا رَبِّ أَعْظَمَ مِنْ سُلْطَانِکَ سُلْطَاناً أَمْ أَوْسَعَ مِنْ إِحْسَانِکَ إِحْسَاناً أَمْ أَکْثَرَ مِنِ اقْتِدَارِکَ اقْتِدَاراً أَمْ أَکْرَمَ مِنِ انْتِصَارِکَ انْتِصَاراً مَا عُذْرِی يَا إِلَهِی إِذَا حُرِمْتُ فِی حُسْنِ الْکِفَايَةِ نَائِلَکَ وَ أَنْتَ الَّذِی لَا يُخَيِّبُ آمِلُکَ وَ لَا يُرَدُّ سَائِلُکَ إِلَهِی إِلَهِی أَيْنَ رَحْمَتُکَ الَّتِی هِیَ نُصْرَةُ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْأَنَامِ اللَّهُمَّ أَيْنَ أَيْنَ کِفَايَتُکَ الَّتِی هِیَ نُصْرَةُ الْمُسْتَغِيثِينَ مِنَ الْأَنَامِ وَ أَيْنَ أَيْنَ عِنَايَتُکَ الَّتِی هِیَ جُنَّةُ الْمُسْتَهْدَفِينَ لِجَوْرِ الْأَيَّامِ إِلَيَّ إِلَيَّ بِهَا يَا رَبِ نَجِّنِی مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ إِنِّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ مَوْلَایَ تَرَى تَحَيُّرِی فِی أَمْرِی وَ تَقَلُّبِی فِی ضُرِّی وَ انْطِوَایَ عَلَى حُرْقَةِ قَلْبِی وَ حَرَارَةِ صَدْرِی فَصَلِّ يَا رَبِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ جُدْ لِی يَا رَبِّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ يَسِّرْ لِی يَا رَبِّ نَحْوَ الْيُسْرَى مَنْهَجاً وَ اجْعَلْ يَا رَبِّ مَنْ نَصَبَ لِی حِبَالًا لِيَصْرَعَنِی بِهَا صَرِيعَ مَا مَکَرَ وَ مَنْ حَفَرَ لِی بِئْراً لِيُوقِعَنِی فِيهَا أَنْ يَقَعَ فِيمَا حَفَرَ وَ اصْرِفِ اللَّهُمَّ عَنِّی مِنْ شَرِّهِ وَ مَکْرِهِ وَ فَسَادِهِ وَ ضَرِّهِ مَا تَصْرِفُهُ عَمَّنْ قَادَ نَفْسَهُ لِدِينِ الدَّيَّانِ وَ مُنَادٍ يُنَادِی لِلْإِيمَانِ إِلَهِی عَبْدُکَ عَبْدُکَ أَجِبْ دَعْوَتَهُ وَ ضَعِيفُکَ ضَعِيفُکَ فَرِّجْ غُمَّتَهُ فَقَدِ انْقَطَعَ کُلُّ حَبْلٍ إِلَّا حَبْلَکَ وَ تَقَلَّصَ کُلُّ ظِلٍّ إِلَّا ظِلَّکَ وَ تَسْجُدُ وَ تَقُولُ إِلَهِی إِنَّ وَجْهاً إِلَيْکَ بِرَغْبَتِهِ تَوَجَّهَ خَلِيقٌ بِأَنْ تُجِيبَهُ وَ إِنَ

جَبِيناً لَکَ بِابْتِهَالِهِ سَاجِدَ حَقِيقٌ أَنْ يَبْلُغَ مَا قَصَدَ وَ إِنَّ خَدّاً لَدَيْکَ بِمَسْأَلَتِهِ تَعَفَّرَ جَدِيرٌ بِأَنْ يَفُوزَ بِمُرَادِهِ وَ يَظْفَرَ وَ هَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِی قَدْ تَرَی تَعَفُّرَ خَدِّی وَ ابْتِهَالِی وَ اجْتِهَادِی فِی مَسْأَلَتِکَ وَ جِدِّی فَتَلَقَّ يَا رَبِّ رَغَبَاتِی بِرَأْفَتِکَ قَبُولًا وَ سَهِّلْ إِلَیَّ طَلِبَاتِی بِعِزَّتِکَ وُصُولًا وَ ذَلِّلْ لِی قُطُوفَ ثَمَرَهِ إِجَابَتِکَ تَذْلِيلًا إِلَهِی لَا رُکْنَ أَشَدُّ مِنْکَ فَآوِیَ إِلَی رُکْنٍ شَدِيدٍ وَ قَدْ أَوَيْتُ إِلَيْکَ وَ عَوَّلْتُ فِی قَضَاءِ حَوَائِجِی عَلَيْکَ وَ لَا قُوَّهَ لِی أَشَدُّ مِنْ دُعَائِکَ فَأَسْتَظْهِرَ بِقَوْلٍ شَدِيدٍ وَ قَدْ دَعَوْتُکَ کَمَا أَمَرْتَ فَاسْتَجِبْ لِی بِفَضْلِکَ کَمَا وَعَدْتَ فَهَلْ بَقِیَ يَا رَبِّ إِلَّا أَنْ تُجِيبَ وَ تَرْحَمَ مِنِّی الْبُکَاءَ وَ النَّحِيبَ يَا مَنْ لَا إِلَهَ سِوَاهُ يَا مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ رَبِّ انْصُرْنِی عَلَی الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ افْتَحْ لِی وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ وَ الْطُفْ بِی يَا رَبِّ وَ بِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِرَحْمَتِکَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱).

يَقُولُ سَيِّدُنَا وَ مَوْلَانَا الْإِمَامُ الْعَالِمُ الْعَامِلُ الْکَامِلُ الْفَقِيهُ الْعَلَّامَهُ الْفَاضِلُ الزَّاهِدُ الْعَابِدُ الْوَرِعُ الْمُجَاهِدُ الْمَوْلَی الْأَعْظَمُ وَ الصَّدْرُ الْمُعَظَّمُ رُکْنُ الْإِسْلَامِ وَ الْمُسْلِمِينَ مَلِکُ الْعُلَمَاءِ وَ السَّادَاتِ فِی الْعَالَمِينَ ذُو الْحَسَبَيْنِ أَبُو الْقَاسِمِ عَلِیُّ بْنُ مُوسَی بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ الطَّاوُسِ الْعَلَوِیُّ الْفَاطِمِیُّ أَسْعَدَهُ اللَّهُ فِی الدَّارَيْنِ وَ حَبَاهُ بِکُلِّ مَا تَقَرُّ بِهِ الْعَيْنُ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَمَّا وَجَدْتُ هَذَا الدُّعَاءَ بَعْدَ وَفَاهِ أَخِی الرَّضِیِّ الْقَاضِی الْآوِیِّ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ وَ نَوَّرَ ضَرِيحَهُ وَ فِيهِ زِيَادَاتٌ حِسَانٌ وَ نُقْصَانٌ عَنِ الَّذِی أَحْضَرَهُ إِلَیَّ الْأَخُ عَلِیٌّ الْمُسَمَّی ابْنَ وَزِيرِ الْوَرَّاقَ فِی جُمْلَهِ مُجَلَّدٍ أَوَّلُهُ دُعَاءُ الطَّلْحِیِّ وَ هُوَ عَتِيقٌ کَمَا کُنَّا ذَکَرْنَاهُ وَ هَا أَنَا أَذْکُرُ الدُّعَاءَ بِمَا وَجَدْتُهُ اسْتِظْهَاراً فِی حِفْظِ أَسْرَارِهِ وَ احْتِيَاطاً لِفَوَائِدِ أَنْوَارِهِ وَ هُوَ:

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ يَا رَاحِمَ الْعَبَرَاتِ وَ يَا کَاشِفَ الزَّفَرَاتِ أَنْتَ الَّذِی تَقْشَعُ سَحَائِبَ الْمِحَنِ وَ قَدْ أَمْسَتْ ثِقَالًا وَ تَجْلُو ضَبَابَ الْفِتَنِ وَ قَدْ سَحَبَتْ أَذْيَالًا وَ تَجْعَلُ ذرعها [زَرْعَهَا] هَشِيماً وَ بُنْيَانَهَا هَدِيماً وَ عِظَامَهَا رَمِيماً وَ تَرُدُّ الْمَغْلُوبَ غَالِباً وَ الْمَطْلُوبَ طَالِباً وَ الْمَقْهُورَ قَاهِراً وَ الْمَقْدُورَ عَلَيْهِ قَادِراً

ص: ۳۸۱

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۴۲۳- ۴۲۷.

فَكَمْ يَا إِلَهِى مِنْ عَبْدٍ نَادَاکَ رَبِّ إِنِّی مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ فَفَتَحْتَ مِنْ نَصْرِکَ لَهُ أَبْوابَ السَّماءِ بِماءٍ مُنْهَمِرٍ وَ فَجَّرْتَ لَهُ مِنْ عَوْنِکَ عُيُوناً فَالْتَقَى الْماءُ عَلى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ وَ حَمَلْتَهُ مِنْ كِفَايَتِكَ عَلى ذاتِ أَلْواحٍ وَ دُسُرٍ يَا مَنْ إِذَا وَلَجَ الْعَبْدُ فِى لَيْلٍ مِنْ حَيْرَتِهِ بَهِيمٍ وَ لَمْ يَجِدْ لَهُ صَرِيخاً يُصْرِخُهُ مِنْ وَلِيٍّ حَمِيمٍ وَ جُدْ مِنْ مَعُونَتِکَ صَرِيخاً مُغِيثاً وَ وَلِيّاً يَطْلُبُهُ حَثِيثاً يُنَجِّيهِ مِنْ ضِيقِ أَمْرِهِ وَ حَرَجِهِ وَ يُظْهِرُ لَهُ أَعْلَامَ فَرَجِهِ اللَّهُمَّ فَيَا مَنْ قُدْرَتُهُ قَاهِرَةٌ وَ نَقِمَاتُهُ قَاصِمَةٌ لِكُلِّ جَبَّارٍ دَامِغَةٌ لِكُلِّ كَفُورٍ خَتَّارٍ أَسْأَلُکَ نَظْرَةً مِنْ نَظَرَاتِکَ رَحِيمَةً تُجْلِى بِهَا ظُلْمَةً عَاكِفَةً مُقِيمَةً فِى عَاهَةٍ جَفَّتْ مِنْهَا الضُّرُوعُ وَ تَلِفَتْ مِنْهَا الزُّرُوعُ وَ انْهَلَّتْ مِنْ أَجْلِهَا الدُّمُوعُ وَ اشْتَمَلَ لَهَا عَلَى الْقُلُوبِ الْيَأْسُ وَ جَرَتْ بِسَبَبِهَا الْأَنْفَاسُ إِلَهِى فَحِفْظاً حِفْظاً لِغَرَائِزَ غَرْسُهَا وَ شُرْبُهَا بِيَدِ الرَّحْمَنِ وَ نَجَاتُهَا بِدُخُولِ الْجِنَانِ أَنْ تَكُونَ بِيَدِ الشَّيْطَانِ تُحَزُّ وَ بِفَأْسِهِ تُقْطَعُ وَ تُجَزُّ إِلَهِى فَمَنْ أَوْلَى مِنْکَ بِأَنْ يَكُونَ عَنْ حَرِيمِکَ دَافِعاً وَ مَنْ أَجْدَرُ مِنْکَ بِأَنْ يَكُونَ عَنْ حِمَاکَ مَانِعاً إِلَهِى إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ هَالَ فَهَوِّنْهُ وَ خَشُنَ فَأَلِنْهُ وَ إِنَّ الْقُلُوبَ كَاعَتْ فَطَمِّنْهَا وَ النُّفُوسَ ارْتَاعَتْ فَسَكِّنْهَا إِلَهِى إِلَهِى تَدَارَکْ أَقْدَاماً زَلَّتْ وَ أَفْهَاماً فِى مَهَامِهِ الْحَيْرَةِ ضَلَّتْ أَنْ رَأَتْ جَبْرَکَ عَلَى كَسِيرِهَا وَ إِطْلَاقَکَ لِأَسِيرِهَا وَ إِجَارَتَکَ لِمُسْتَجِيرِهَا أَجْحَفَ الضُّرُّ بِالْمَضْرُورِ وَ لَبَّى دَاعِيهِ بِالْوَيْلِ وَ الثُّبُورِ فَهَلْ تَدَعُهُ يَا مَوْلَاىَ فَرِيسَةً لِلْبَلَاءِ وَ هُوَ لَکَ رَاجٍ أَمْ هَلْ يَخُوضُ لُجَّةَ الْغَمَّاءِ وَ هُوَ إِلَيْکَ لَاجٍ مَوْلَاىَ إِنْ كُنْتُ لَا أَشُقُّ عَلَى نَفْسِى فِى التُّقَى وَ لَا أَبْلُغُ فِى حَمْلِ أَعْبَاءِ الطَّاعَةِ مَبْلَغَ الرِّضَا وَ لَا أَنْتَظِمُ فِى سِلْکِ قَوْمٍ رَفَضُوا الدُّنْيَا فَهُمْ خُمْصُ الْبُطُونِ مِنَ الطَّوَى ذُبُلُ الشِّفَاهِ مِنَ الظَّمَإِ عُمْشُ الْعُيُونِ مِنَ الْبُكَاءِ بَلْ أَتَيْتُکَ بِضَعْفٍ مِنَ الْعَمَلِ وَ ظَهْرٍ ثَقِيلٍ بِالْخَطَايَا وَ الزَّلَلِ وَ نَفْسٍ لِلرَّاحَةِ مُعْتَادَةٍ وَ لِدَوَاعِى الشَّرِّ مُنْقَادَةٍ أَ فَمَا يَكْفِينِى يَا رَبِّ وَسِيلَةً إِلَيْکَ وَ ذَرِيعَةً لَدَيْکَ إِنَّنِى لِأَوْلِيَاءِ دِينِکَ مُوَالٍ وَ فِى مَحَبَّتِهِمْ مُغَالٍ وَ لِجِلْبَابِ الْبَلَاءِ فِيهِمْ لَابِسٌ وَ لِكِتَابِ تَحَمُّلِ الْعَنَاءِ

بِهِمْ دَارِسٌ.

أَ مَا يَكْفِينِى أَنْ أَرُوحَ فِيهِمْ مَظْلُوماً وَ أَغْدُوَ مَكْظُوماً وَ أَقْضِىَ بَعْدَ هُمُوم هُمُوماً وَ بَعْدَ وُجُوم وُجُوماً أَ مَا عِنْدَكَ يَا مَوْلَاىَ بِهَذِهِ حُرْمَةٌ لَا تَضِيعُ وَ ذِمَّةٌ بِأَدْنَاهَا يَقْتَنِعُ فَلِمَ لَا تَمْنَعُنِى يَا رَبِّ وَ هَا أَنَا ذَا غَرِيقٌ وَ تَدَعُنِى هَكَذَا وَ أَنَا بِنَارِ عَدُوِّكَ حَرِيقٌ؟

مَوْلَاىَ أَ تَجْعَلُ أَوْلِيَاءَكَ لِأَعْدَائِكَ طَرَائِدَ وَ لِمَكْرِهِمْ مَصَائِدَ وَ تُقَلِّدُهُمْ مِنْ خَسْفِهِمْ قَلَائِدَ وَ أَنْتَ مَالِكُ نُفُوسِهِمْ لَوْ قَبَضْتَهَا جَمَدُوا وَ فِى قَبْضَتِكَ مَوَادُّ أَنْفَاسِهِمْ لَوْ قَطَعْتَهَا خَمَدُوا فَمَا يَمْنَعُكَ يَا رَبِّ أَنْ تَكْشِفَ بَأْسَهُمْ وَ تَنْزِعَ عَنْهُمْ فِى حِفْظِكَ لِبَاسَهُمْ وَ تُعْرِيَهُمْ مِنْ سَلَامَةٍ بِهَا فِى أَرْضِكَ يَسْرَحُونَ وَ فِى مَيْدَانِ الْبَغْيِ عَلَى عِبَادِكَ يَمْرَحُونَ إِلَهِى أَدْرِكْنِى وَ لَمَّا يُدْرِكْنِى الْغَرَقُ وَ تَدَارَكْنِى وَ لَمَّا غَيَّبَ شَمْسِى الشَّفَقُ إِلَهِى كَمْ مِنْ خَائِفٍ الْتَجَأَ إِلَى سُلْطَانٍ فَآبَ عَنْهُ مَحْفُوفاً بِأَمْنٍ وَ أَمَانٍ أَ فَأَقْصِدُ أَعْظَمَ مِنْ سُلْطَانِكَ سُلْطَاناً أَمْ أَوْسَعَ مِنْ إِحْسَانِكَ إِحْسَاناً أَمْ أَكْثَرَ مِنِ اقْتِدَارِكَ اقْتِدَاراً أَمْ أَكْرَمَ مِنِ انْتِصَارِكَ انْتِصَاراً مَا عُذْرِى يَا إِلَهِى إِذَا حُرِمْتُ فِى حُسْنِ الْكِفَايَةِ نَائِلَكَ وَ أَنْتَ أَنْتَ الَّذِى لَا يُخَيِّبُ آمِلُكَ وَ لَا يُرَدُّ سَائِلُكَ إِلَهِى إِلَهِى أَيْنَ رَحْمَتُكَ الَّتِى هِىَ نُصْرَةُ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْأَنَامِ وَ أَيْنَ أَيْنَ كِفَايَتُكَ الَّتِى هِىَ جُنَّةُ الْمُسْتَهْدَفِينَ لِجَوْرِ الْأَيَّامِ إِلَيَّ إِلَيَّ بِهَا يَا رَبِّ نَجِّنِى مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ إِنِّى مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ مَوْلَاىَ تَرَى تَحَيُّرِى فِى أَمْرِى وَ انْطِوَاىَ عَلَى حُرْقَةِ قَلْبِى وَ حَرَارَةِ صَدْرِى فَجُدْ لِى يَا رَبِّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ يَسِّرْ لِى نَحْوَ الْيُسْرِ مَنْهَجاً وَ اجْعَلْ مَنْ يَنْصِبُ الْحِبَالَةَ لِى لِيَصْرَعَنِى بِهَا صَرِيعاً فِيمَا مَكَرَ وَ مَنْ يَحْفِرُ لِىَ الْبِئْرَ لِيُوقِعَنِى فِيهَا وَاقِعاً فِيمَا حَفَرَ وَ اصْرِفْ عَنِّى شَرَّهُ وَ مَكْرَهُ وَ فَسَادَهُ وَ ضَرَّهُ مَا تَصْرِفُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُتَّقِينَ إِلَهِى عَبْدُكَ عَبْدُكَ أَجِبْ دَعْوَتَهُ وَ ضَعِيفُكَ ضَعِيفُكَ فَرِّجْ غُمَّتَهُ فَقَدِ انْقَطَعَ بِهِ كُلُّ حَبْلٍ إِلَّا حَبْلَكَ وَ تَقَلَّصَ عَنْهُ كُلُّ ظِلٍّ إِلَّا ظِلَّكَ.

مَوْلَاىَ دَعْوَتِى هَذِهِ إِنْ رَدَدْتَهَا أَيْنَ تُصَادِفُ مَوْضِعَ الْإِجَابَهِ وَ مَخِيلَتِى هَذِهِ إِنْ كَذَّبْتَهَا أَيْنَ تُلَاقِى مَوْضِعَ الْإِصَابَهِ فَلَا تُرَدِّدْ عَنْ بَابِكَ مَنْ لَا يَعْرِفُ غَيْرَهُ بَاباً وَ لَا تَمْنَعْ دُونَ جَنَابِكَ مَنْ لَا يَعْرِفُ سِوَاهُ جَنَاباً إِلَهِى إِنَّ وَجْهاً إِلَيْكَ بِرَغْبَتِهِ تَوَجَّهَ فَالرَّاغِبُ خَلِيقٌ بِأَنْ لَا يُخَيِّبَهُ وَ إِنَّ جَبِيناً لَدَيْكَ بِابْتِهَالِهِ سَجَدَ حَقِيقٌ أَنْ يَبْلُغَ الْمُبْتَهِلُ مَا قَصَدَ وَ إِنَّ خَدّاً عِنْدَكَ (١) بِمَسْأَلَتِهِ تَعَفَّرَ جَدِيرٌ أَنْ يَفُوزَ السَّائِلُ بِمُرَادِهِ وَ يَظْفَرَ هَذَا يَا إِلَهِى تَعْفِيرُ خَدِّى وَ ابْتِهَالِى فِى مَسْأَلَتِكَ وَ جِدِّى فَلَقِّ رَغَبَاتِى بِرَحْمَتِكَ قَبُولًا وَ سَهِّلْ إِلَيَّ طَلِبَاتِى بِرَأْفَتِكَ وُصُولًا وَ ذَلِّلْ لِى قُطُوفَ ثَمَرَهِ إِجَابَتِكَ تَذْلِيلًا إِلَهِى وَ إِذْ أَقَامَ ذُو حَاجَهٍ فِى حَاجَتِهِ شَفِيعاً فَوَجَدْتُهُ مُمْتَنِعَ النَّجَاحِ مُضَيَّعاً فَإِنِّى أَسْتَشْفِعُ إِلَيْكَ بِكَرَامَتِكَ وَ الصَّفْوَهِ مِنْ أَنْبِيَائِكَ الَّذِينَ بِهِمْ أَنْشَأْتَ مَا يُقِلُّ وَ يُظِلُّ وَ نَزَّلْتَ مَا يَدِقُّ وَ يَجِلُّ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِأَوَّلِ مَنْ تَوَّجْتَهُ تَاجَ الْجَلَالَهِ وَ أَحْلَلْتَهُ مِنَ الْفِطْرَهِ مَحَلَّ السُّلَالَهِ حُجَّتِكَ فِى خَلْقِكَ وَ أَمِينِكَ عَلَى عِبَادِكَ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ صلى الله عليه و آله وَ بِمَنْ جَعَلْتَهُ لِنُورِهِ مَغْرَماً وَ عَنْ مَكْنُونِ سِرِّهِ مُعْرِباً سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ وَ إِمَامِ الْأَتْقِيَاءِ يَعْسُوبِ الدِّينِ وَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ أَبِى الْأَئِمَّهِ الرَّاشِدِينَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِخِيَرَهِ الْأَخْيَارِ وَ أُمِّ الْأَنْوَارِ وَ الْإِنْسِيَّهِ الْحَوْرَاءِ الْبَتُولِ الْعَذْرَاءِ فَاطِمَهَ الزَّهْرَاءِ وَ بِقُرَّتَىْ عَيْنِ الرَّسُولِ وَ ثَمَرَتَىْ فُؤَادِ الْبَتُولِ السَّيِّدَيْنِ الْإِمَامَيْنِ أَبِى مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ وَ بِالسَّجَّادِ زَيْنِ الْعِبَادِ ذِى الثَّفِنَاتِ رَاهِبِ الْعَرَبِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ بِالْإِمَامِ الْعَالِمِ وَ السَّيِّدِ الْحَاكِمِ النَّجْمِ الزَّاهِرِ وَ الْقَمَرِ الْبَاهِرِ مَوْلَاىَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ وَ بِالْإِمَامِ الصَّادِقِ مُبَيِّنِ الْمُشْكِلَاتِ مُظْهِرِ الْحَقَائِقِ الْمُفْحِمِ بِحُجَّتِهِ كُلَّ نَاطِقٍ مُخْرِسِ أَلْسِنَهِ أَهْلِ الْجِدَالِ مُسَكِّنِ الشَّقَاشِقِ مَوْلَاىَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ

۱- ۱. لديک خ ل.

وَ بِالْإِمَامِ التَّقِيِّ وَ الْمُخْلَصِ الصَّفِيِّ وَ النُّورِ الْأَحْمَدِيِّ وَ النُّورِ الْأَنْوَرِ وَ الضِّيَاءِ الْأَزْهَرِ مَوْلَایَ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ وَ بِالْإِمَامِ الْمُرْتَضَی وَ السَّيْفِ الْمُنْتَضَی مَوْلَایَ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا وَ بِالْإِمَامِ الْأَمْجَدِ وَ الْبَابِ الْأَقْصَدِ وَ الطَّرِيقِ الْأَرْشَدِ وَ الْعَالِمِ الْمُؤَيَّدِ يَنْبُوعِ الْحِكَمِ وَ مِصْبَاحِ الظُّلَمِ سَيِّدِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ الْهَادِی إِلَی الرَّشَادِ وَ الْمُوَفَّقِ بِالتَّأْيِيدِ وَ السَّدَادِ مَوْلَانَا مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْجَوَادِ وَ بِالْإِمَامِ مِنْحَهِ الْجَبَّارِ وَ وَالِدِ الْأَئِمَّهِ الْأَطْهَارِ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمَوْلُودِ بِالْعَسْكَرِ الَّذِی حَذَّرَ بِمَوَاعِظِهِ وَ أَنْذَرَ وَ بِالْإِمَامِ الْمُنَزَّهِ عَنِ الْمَآثِمِ الْمُطَهَّرِ مِنَ الْمَظَالِمِ الْحَبْرِ الْعَالِمِ بَدْرِ الظَّلَامِ وَ رَبِيعِ الْأَنَامِ التَّقِیِّ النَّقِیِّ الطَّاهِرِ الزَّكِیِّ مَوْلَایَ أَبِی مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْعَسْكَرِیِّ وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْحَفِيظِ الْعَلِيمِ الَّذِی جَعَلْتَهُ عَلَی خَزَائِنِ الْأَرْضِ وَ الْأَبِ الرَّحِيمِ الَّذِی مَلَّكْتَهُ أَزِمَّهَ الْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ صَاحِبِ النَّقِيبَهِ الْمَيْمُونَهِ وَ قَاصِفِ الشَّجَرَهِ الْمَلْعُونَهِ مُكَلِّمِ النَّاسِ فِی الْمَهْدِ وَ الدَّالِّ عَلَی مِنْهَاجِ الرُّشْدِ الْغَائِبِ عَنِ الْأَبْصَارِ الْحَاضِرِ فِی الْأَمْصَارِ الْغَائِبِ عَنِ الْعُيُونِ الْحَاضِرِ فِی الْأَفْكَارِ بَقِيَّهِ الْأَخْيَارِ الْوَارِثِ لِذِی الْفَقَارِ الَّذِی يَظْهَرُ فِی بَيْتِ اللَّهِ ذِی الْأَسْتَارِ الْعَالِمِ الْمُطَهَّرِ الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ التَّحِيَّاتِ وَ أَعْظَمُ الْبَرَكَاتِ وَ أَتَمُّ الصَّلَوَاتِ اللَّهُمَّ فَهَؤُلَاءِ مَعَاقِلِی إِلَيْكَ فِی طَلِبَاتِی وَ وَسَائِلِی فَصَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَاهً لَا يَعْرِفُ سِوَاكَ مَقَادِيرَهَا وَ لَا يَبْلُغُ كَثِيرُ الْخَلَائِقِ صَغِيرَهَا وَ كُنْ لِی بِهِمْ عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّی وَ حَقِّقْ لِی بِمَقَادِيرِكَ بَهِيَّهَ التَّمَنِّی إِلَهِی لَا رُكْنَ لِی أَشَدُّ مِنْكَ فَآوِیَ إِلَی رُكْنٍ شَدِيدٍ وَ لَا قَوْلَ لِی أَسَدُّ مِنْ دُعَائِكَ فَأَسْتَظْهِرَكَ بِقَوْلٍ سَدِيدٍ وَ لَا شَفِيعَ لِی إِلَيْكَ أَوْجَهُ مِنْ هَؤُلَاءِ فَآتِيَكَ بِشَفِيعٍ وَدِيدٍ فَهَلْ بَقِیَ يَا رَبِّ غَيْرُ أَنْ تُجِيبَ وَ تَرْحَمَ مِنِّی الْبُكَاءَ وَ النَّحِيبَ يَا مَنْ لَا إِلَهَ سِوَاهُ يَا مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ يَا رَاحِمَ عَبْرَهِ يَعْقُوبَ يَا كَاشِفَ ضُرِّ أَيُّوبَ اغْفِرْ لِی وَ ارْحَمْنِی وَ انْصُرْنِی عَلَی الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ وَ افْتَحْ لِی فَتْحاً وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ يَا

ذَا الْقُوَّهِ الْمَتِینَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: دوست من و برادر من محمّد بن محمّد بن قاضی آوی روایت نمود، که خدای تعالی نیکبختی او را زیاد گرداند و خاتمه او را نیکو گرداند. و او حکایت عجیبی و سبب غریبی را ذکر نمود و آن حکایت این است که: بر آوی حادثه ای و بلایی وارد شد. پس این دعا را در میان اوراقی چند یافت که او این دعا را در میان آن اوراق بین کتابهایش نگذارده بود. پس چون این دعا را در کتابی نوشت، نسخه اصل مفقود گشت و من این دعا را در نسخه کهنه ای دیدم که به آن آب رسیده بود و در این دعا زیادتی ها و نقصان ها بود با آنچه محمّد بن آوی روایت نموده بود و این نسخه را ابن وزیر ورّاق به من داد و گفت که من این را برای ولد احمد مقری أعرج به یک درهم و نیم خریدم ممکن است این دعا در کتاب ها موجود باشد و برادرم رضا آوی جای آن را نمی دانست خدا جلّ جلاله او را به آشنایی با آن نعمت داد و آن را از او رضی الله عنه ذکر کردیم و این دعا به دعای عبرات نامیده می شود و ذکر آن خواهد آمد:

«خداوندا از تو می خواهم ای رحم کننده بر اشکهای چشم و ای زداینده اندوه ها، تویی آنکه پراکنده می کنی ابرهای محنت‌ها را که گران گردیدند و ابر سختی ها را می زدایی که دامن ها به دنبال خود کشانید و زراعت آن کینه ها را گیاه خشک شده می گردانی و بنیان آن را پوسیده می کنی و مغلوب را غلبه کننده و طلب کرده شده را طلب کننده و خشم کرده شده را خشم کننده و قدرت داشته شده بر او را قدرت دارنده قرار می دهی.

ای خدای من چه بسا از بنده ای که تو را خواند به آنکه «من مغلوبم پس یاری فرما» پس از یاری خود برای او درهای آسمان را گشودی به آبی به غایت ریزان و روان ساختی برای او از یاری خود چشمه ها پس رسید آب خلاصی او بر امری که مقدر شد و او را برای محافظتش بر کشتی صاحب تخته ها و میخ ها سوار کردی ای پروردگار من به درستی که من مغلوب شدم پس یاری فرما ای پروردگار من به درستی که مغلوب گشتم پس یاری فرما ای پروردگار من به درستی که من مغلوب شدم پس یاری فرما پس رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و بگشای برای من از یاری خود درهای آسمان را به آبی بسیار ریزان و روان کن برای من از مدد خود چشمه ها را تا آنکه برسد آب خلاصی من بر امری که تقدیر شد و مرا ای پروردگار من از نگاهداشتن خود بر کشتی نجات صاحب تخته ها و میخ ها سوار کن .

ای کسی که هر گاه بنده تو در شبی تاریک از حیرانی خود داخل شود و دوستی نزدیک را نیابد که به فریاد او برسد، ای پروردگار من یاری تو را می یابد که فریادرس و کمک کننده به اوست و تو را دوستی می یابد که او را به سرعت طلب می کند و از سختی و دشواری‌اش نجات می دهد و از نشانه های نجات از آن امر مهم را برای او آشکار می کند.

خداوندا پس ای کسی که قدرت و توانایی او قهرکننده است و عقوبتهای او هر صاحب جبروتی را شکننده است و هر کافر پلیدی را هلاک کننده است، رحمت فرست ای پروردگار من بر محمّد و بر آل محمّد و نظر کن به سوی من ای پروردگار من نظری از نظرهای خود را در حالی که آن نظر، رحم کننده باشد و به سبب آن نظر تاریکی ثابت پاینده را از من برطرف کنی که آن عبارت است از آفتی که به سبب آن پستان های حیوانات خشک شد و به خاطر آن زراعت‌ها تلف شد و به سبب آن اشک‌ها جاری شد و به سبب آن، ناامیدی دلها را فراگرفت و به سبب آن نفس ها جاری شد و آرام گرفت.

خداوندا رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و طلب می کنم از تو نگاهداشتن و حفظ کردنِ درختانی که دست قدرت خدا آنها را کاشت و آنها از آب حیات آب داد، از اینکه به دست شیطان قطع شوند و به تبر او بریده و از بیخ شکسته شوند.

ای خدای من کیست بهتر از تو که منع کننده از حرام تو باشد و کیست سزاوارتر از تو به اینکه پاسبان و منع کننده حریم تو باشد و ای خدای من به درستی که امر بر من سخت گشت پس آن را آسان کن و درشت و سخت گشت پس آن را نرم گردان و به درستی که دلها ترسیدند پس آنها را تسلّی ده و نفس ها خوف و اضطراب نمودند پس آنها را ساکن گردان.

ای خـدای من جبران کن قـدم هـایی را که لغزیدنـد و عقل هایی را که در بیابان های حیرت گمراه شدنـد؛ که اگر ببینـد شکسـته آن را ترمیم نمودی و اسـیر آن را آزاد کردی و پناه جوی آن را پناه دادی، ضرر و بلا به شخص ضرر رسیده زیان می‌رساند خواننده او به عذاب و هلاکت را، اجابت می کنـد؛ پس آیا نیکوست از زیادتی احسان تو که آن مضـرور را طعمه بلا قرار دهی و حال آنکه او از تو امیدوار است یا آنکه آیا نیکوست از عدالت تو که فرو رود به دریای بزرگ عقوبت ها و حال آنکه به سوی تو پناه آورنده است؟

ای مولاـی من اگر خود را در پرهیزکاری خسـته نمی کنم و در حمل بارهای فرمانبرداری به مرتبه خشـنودی تو نمی رسم و داخل در جماعتی که دنیا را ترک کردند نیسـتم، که ایشان خشکیده شکم هایند از گرسنگی و ضعیف شد چشمانشان از جهت گریه کردن بسیار، بلکه به نزد تو آمدم ای پروردگار من! با عملی ضـعیف و پشتی سـنگین از گناهان و لغزش ها و نفسـی که به راحتی عادت کرده و تسلیم امروز و فردا کردن شده است.

پس آیـا ای پروردگـار من، این وسـیله و بهـانه برای تو کافی نیست که من برای دوسـتان تو دوسـتدارم و در دوستی ایشان تجاوزکننـده از حد هستم؟ و ردای بلای ایشان را بر تن کرده‌ام و کتابی که رنج ایشان را دربردارد می‌خوانم؟ آیا کافی نیست مرا آنکه روز را به شب می کنم در میان ایشان در حالی که ستم رسیده ام و شب را به صباح می آورم در حالی که خشم فرو برده ام و بعد از اندوه ها اندوه های دیگر را و بعد از دلگیری‌ها دلگیری‌های دیگر را سپری می کنم؟

ای پروردگار من آیا نزد تو احترامی برای آنها وجود ندارد که ضایع نگردد و کفالتی که به کمترین آن راضـی شود پس چرا از من یاری خود را منع می کنی؟ ای پروردگار من و من غرق شدم و مرا رها می کنی در حالی که در آتش دشـمن تو می سوزم آیا تو دوسـتان خود را شـکار دشـمنان خود و صـیدی برای حیله ایشـان قرار می دهی و از هلاـک کردن دشـمنان قلاـده هایی بر گردن آنان آویزان می کنی و در حالی که تویی صاحب جان های ایشان اگر آنها را بسـتانی از حرکت باز ایسـتند و در دست قـدرت تو است بن مایه جان های ایشان که اگر آن را قطع کنی هلاک می شوند و چه چیز تو را منع می کند ای پروردگار من از آنکه باز داری قدرت ایشان را و لباس حفاظت خود را از آنان برکنی و آنان را دور کنی از سلامتی که به سبب آن در زمین تو خوشحالی می کنند و در میدان ستم تکبر می ورزند .

خداوندا رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و مرا دریاب تا وقتی که غرق نشدم و مرا دریاب قبل از آنکه آفتاب عمرم غروب کند.

ای خـدای من چه بسـا ترسـنده ای که به سوی پادشـاهی پنـاه برد پس با امنیّت و امان از نزد او بازگشت پس ای پروردگار من آیا به پادشاهی بزرگتر از پادشـاهی تو روی کنم؟ یـا نیکویی فراخ تر از نیکویی تو؟ یـا توانایی بیشتر از توانایی تو؟ یا پیروزی گرامی تراز پیروزی تو؟ عـذری ندارم اگر از بخشش تو در کفایت نیکت محروم شوم و تو کسی هستی که امیدوار به تو ناامید نگردد و در خواست کننده از تو رانده نشود.

خداونـدا خداونـدا کجاست رحمت تو که یاری مردم مستضعف است؟ خداونـدا کجاست کجاست کارگزاری تو که یاری خلائق فریاد طلب است؟ و کجـاست کجـاست عنـایت تو که سپری است برای کسـانی که هـدف ظلم روزگار قرار گرفتنـد؟ به من روی کن به من روی کن ای پروردگار من خلاص کن مرا از گروه ستمکاران به درستی که من مبتلا به سختی ام و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی.

ای مولای من حیرت مرا در کارم و چرخیدن در سـختی ها و پیچیدگی ام بر سوختگی دل و گرمی سـینه ام را می بینی پس رحمت فرست ای پروردگـار مـن بر محمّـد و بر آل محمّـد و ای پروردگـار من به حقّ آنچه سـزاوار آنی گشـادگی و بیرون آمـدن از بلاـ را بر من ببخش و ای پروردگـار من به جانب خیر و خوبی راهی برای من آسان گردان و خداونـدا کسـی که برای من دامی پهن کرد تا مرا در آن بیانـدازد او را در نیرنگ خود گرفتار کن و کسـی که برای من چاهی کند تا مرا در آن بیاندازد خودش را در آن بیانداز و خداوندا بدی آن شخص و حیله او و فساد او و آزار او را از من دور کن و هر آنچه که بر می گردانی از کسی که خود را تسلیم دین آن چیره قرار داد و فرا خواننده ای که به سوی ایمان می خواند.

ای خدای من این بنده توست این بنده توست برآور خواسته او را و این بنده ضعیف توست و این بنده ضعیف توست غم او را بزدای پس هر ریسمانی جز ریسمان تو از او قطع شد و هر سایه ای مگر سایه رحمت تو از ا و کوتاه گردید .

پس به سجده می روی و می گویی:ای خدای من رویی که به رغبت خود به سوی تو روی آورد، سزاوار است که او را اجابت کنی و پیشانی که برای زاری به درگاه تو سجده کرده باشد لایق است که برسد به آنچه اراده نمود و گونه ای که به سبب درخواست خود در نزد تو به خاک مالیده شد سزاوارست که برسد به مقصود خود و رستگار شود و این منم ای خدای من می بینی به خاک مالیدن گونه مرا و زاری کردن و سعی من در درخواست از تو و زیاده روی ام را پس ای پروردگار مرا به خواستم برسان و به شفقت خود آرزوهای مرا دریاب و به حقّ عزّت خود راه رسیدن به خواستهایم را آسان گردان و چیدن میوه اجابت کردن را برایم میسر گردان.

ای خدای من هیچ ستونی محکم تر از تو نیست تا به سوی رکنی محکم روی آورم و به سوی تو آمدم و در برآوردن حاجت هایم بر تو تکیه کردم و گفتاری محکمتر و درست تر از خواندن تو نیست تا به گفتاری محکم و درست یاری بجویم و تو را خواندم همچنان که فرمودی پس مرا اجابت کن به احسان خود همچنان که وعده نمودی، ای پروردگار من آیا باقی ماند چیزی جز اینکه مرا اجابت کنی و بر گریه و ناله من رحم کنی ای کسی که نیست خدایی به غیر از او و ای کسی که اجابت می کند بیچاره را هر گاه او را بخواند ای پروردگار من مرا بر گروه ستمکاران یاری ده و در بسته را بر من بگشای و تو بهترین گشایندگانی و مهربانی کن به من ای پروردگار من و به همه مردان و زنان مؤمن به رحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان. - . مهج الدعوات: ۴۲۷-۴۲۳ -

می گوید: سیّد ما و مولای ما امام عالم عمل کننده فقیه علامه فاضل صالح زاهد ابو القاسم علیّ بن موسی بن جعفر محمّد بن طاوس علوی فاطمی می گوید که خدای تعالی او را در دنیا و آخرت نیکبخت گرداند و به او هر آن چیزی را عطا نماید که او را خوشحال سازد به حقّ محمّد و آل او که پاکان و پاکیزگان هستند: و هنگامی که این دعا را بعد از وفات برادرم قاضی رضی الدّین آوی که خدا او را بیامرزد و خدای تعالی قبر او را پر نور گرداند در یک مجلد کتاب کهنه ای یافتم که در آن زیادی ها و نقصان هایی بود نسبت به آن چیزی که حاضر کرد آن را نزد من برادر علیّ مشهور به ابن وزیر ورّاق که در اوّل آن کتاب دعای طلحی بود و همانطور که ذکر کرده بودیم قدیمی است و اکنون آن دعا را برای روشن کردن اسرار آن و فوائد نورانی آن، ذکر می‌کنم همانطور که آن را یافتم. و دعا این است:

خداوندا از تو می خواهم ای رحم کننده بر اشک های چشم و ای زداینده اندوه ها تویی آنکه پراکنده می کنی ابرهای محنت ها را که سنگین گردیدند و ابرهای فتنه ها را می شکافی که دامن کشاندند و زراعت آن را خشک می گردانی و بنیان آن را پوسیده می کنی و مغلوب را غلبه کننده و طلب کرده شده را طلب کننده و خشم کرده شده را خشم کننده و چیره را چیره کننده و قدرت داشته شده بر او را قدرت دارنده قرار می دهی.

ای خدای من چه بسا بنده ای که تو را خواند که من مغلوبم پس یاری فرما پس از یاری خود درهای آسمان را به آبی به غایت ریزان به روی او گشودی و برای او از یاری کردن خود چشمه ها روان ساختی پس رسید آب خلاصی او بر امری که مقدر شد و برای محافظت از او بر کشتی صاحب تخته ها و میخ ها سوار کردی ای کسی که هر گاه بنده تو در شبی تاریک از حیرانی خود داخل شود و دوستی نزدیک نیابد که به فریاد او برسد، ای پروردگار من به یاری تو فریادرس فریاد خواهی می یابد و دوستی که او را به سرعت طلب نماید و او را از تنگی امر و سختی او نجات دهد و نشانه های نجات او را ظاهر سازد.

خداوندا پس ای کسی که قدرت و توانایی او چیره کننده است و عقوبت های او هر صاحب جبروتی را در هم می شکند و هر کافر پلیدی را هلاک می کند، نگاهی از نگاه های مهربان تو را می خواهم که به سبب آن نظر از من تاریکی ثابت همیشگی را برطرف کنی که آن آفتی است که از جهت آن پستان های حیوانات خشک شد و از آن جهت زراعت ها نابود شد و اشک ها جاری گشت و به سبب آن آفت، ناامیدی بر دل ها شامل گشت و به سبب آن نفس ها جاری شد .

خداونـدا از تو نگاهـداری و محافظت را طلب می کنم برای غرائزی که دست قـدرت خدا آنها را کاشت و آنها از آب حیات آب داد از اینکه به دست شیطان قطع شوند و به تبر او بریده و از بیخ شکسته شوند.

ای خدای من چه کسـی بهتر از توست که از حرام تو منع کند و کیست سـزاوارتر از تو که پاسبان حریم تو باشد و ای خدای من به درستی که امر من مرا به هول انـداخت پس آن را آسان کن و سـخت است پس آن را نرم گردان و به درستی که دل ها ترسـیدند پس آنها را تسلّی ده و نفس ها خوف و اضطراب نمودند پس آنها را آرام کن.

ای خـدای من ای خدای من قدم هایی که لغزیدند و عقل هایی را که در بیابان های حیرت گمراه شدند دریاب اگر ببیند که شکسـته را ترمیم نمودی و اسیر را آزاد کردی و پناه جو را پناه دادی، آسیب ها زیان دیده را ضرر رساندند و خواننده او را به عذاب و هلاکت اجابت کرد پس آیا نیکوست از زیادتی احسان تو که آن مضرور را طعمه بلا قرار دهی و در حالی که به تو امیدوار است؟ یا آنکه نیکوست با عدالت تو که به دریای بزرگ عقوبت ها فرو رود در حالی که به سوی تو پناه آورده است؟

ای مولاـی من اگر خود را در پرهیزکاری خسته نمی کنم و در حمل بار اطاعت به مرتبه خشـنودی تو نمی رسم و در میان جماعتی نیسـتم که دنیا را ترک کردند و از گرسنگی خشکیده شکم هایند و چشمانشان از جهت گریه کردن ضعیف شد ولی به نزد تو آمدم ای پروردگار من با عملی اندک و باری سنگین به گناهان و لغزش ها و نفسی که به راحتی عادت کرد و تسلیم انگیزه های ناپسند است.

پس ای پروردگار من، آیا این وسـیله و بهانه برای من کافی نیست که من دوسـتدار دوسـتان توام و در دوستی ایشان از حدّ فراتر می روم و به خاطر آنان لباس بلا را به تن دارم و و کتاب تحمل سختی ها را از آنها می آموزم.

آیا برای من کافی نیست که روز را به شب می کنم در میان ایشان در حالی که به من سـتم شد و شب را به صباح می آورم در حالی که خشم خود را فرو برده ام و بعـد از انـدوه ها انـدوه های دیگر را و بعد از دلگیری دلگیری دیگر را می گذرانم. ای پروردگار من آیا نزد تو نیست به سبب اینهـا احترامی که ضایع نگردد و حقّی که به کمترین آن قناعت شود پس چرا از من یاری خود را منع می کنی؟ ای پروردگار من و حال آنکه من غرق شدم؟ و مرا رها می کنی در آتش دشمن تو در حالی که می سوزم؟

آیا دوسـتان خود را شـکار دشـمنان خود و صیدی برای حیله ایشان قرار می‌دهی و آیا از هلاک کردن دشمنان آنها قلاده ها بر گردن دوستان خود می انـدازی و حال آنکه تویی صاحب جان های ایشان که اگر آنها را بسـتانی بی حرکت شوند و بن مایه جان های آنان در دست قدرت تو است که اگر آنهـا را قطع کنی هلاـک می شونـد و چه چیز تو را منع می کنـد ای پروردگـار من از آنکه قـدرتشان را بـاز داری و از ایشان لباس حفاظت خود را بیرون آوری و آنان را دور کنی از سـلامتی که به سـبب آن در زمین تو خوشـحالی می کننـد و در میدان سـتم تکبر می ورزند. خداوندا رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و مرا دریاب تا غرق نشدم و مرا دریاب تا آفتاب عمر من غروب نکرد.

ای خـدای من چه بسـا ترسـنده ای که به پادشـاهی پناه برد و در امان و امنیت از نزد او بازگشت ای پروردگار من آیا به پادشاهی بزرگتر از تو روی کنم؟ یا نیکویی فراخ تر از نیکویی تو؟ یا توانایی بیشتر از توانایی تو؟ یا پیروزی گرامی تراز پیروزی تو؟ خدای من اگر در کفایت نیکت از بهره تو محروم شدم عذری ندارم و تو کسی هستی که امیدوار به تو ناامید نگردد و در خواست کننده از تو رانده نشود.

خداونـدا خداونـدا کجاست رحمت تو که یاری مردم مستضـعف است؟ خداونـدا کجاست کجاست کارگزاری تو که یاری خلایق فریاد طلب است ؟ و کجـاست کجـاست عنـایت تـو که سپر شود برای کسـانی که هـدف ظلم روزگـار قرار گرفتنـد؟ به من روی کن به من روی کن ای پروردگار من و مرا از گروه ستمکاران خلاص کن به درستی که من در سختی ام و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی.

ای مولای من حیرت مرا در کارم و چرخیدن در سـختی ها و پیچیدگی ام بر سوختگی دل و گرمی سـینه ام را می بینی پس رحمت فرست ای

پروردگـار مـن بر محمّـد و بر آل محمّـد و ای پروردگـار من به حقّ آنچه سـزاوار آنی گشـادگی و بیرون آمـدن از بلاـ را بر من ببخش و ای پروردگار من به جانب خیر و خوبی راهی را برای من آسان گردان و خداوندا کسـی که برای من دامی پهن کرد تا مرا در آن بیاندازد او را در نیرنگ خود گرفتار کن و کسـی که برای من چاهی کند تا مرا در آن بیاندازد خودش را در آن بیانداز و خداوندا بدی آن شخص و حیله او و فساد او و آزار او را و هر آنچه که بر می گردانی آن را از تقوا پیشگان از من دور کن.

ای خدای من این بنده توست این بنده توست برآور خواسـته او را و این بنده ضـعیف توست و این بنده ضـعیف توست غم او را بزدای پس هر ریسمانی جز ریسمان تو از او قطع شد و هر سایه ای مگر سایه رحمت تو از او کوتاه گردید.

ای مولای من دعای مرا اگر رد کنی کجا به اجابت رسد؟ و چنین می پندارم که اگر آن را تکذیب کنی کجا تصدیق شود؟ پس از در رحمت خود کسی را دور مگردان که دری غیر از آن نمی شناسد و از پناه خود مران کسی که سوای تو پناهی را نشناسد.

ای خـدای من رویی که به رغبت خود به سوی تو روی آورد، سـزاوار است که او را اجـابت کنی و پیشـانی که برای زاری به درگاه تو سـجده کرده باشد لایق است که برسد به آنچه اراده نمود و گونه ای که به سـبب درخواست خود در نزد تو به خاک مالیده شد سـزاوارست که برسد به مقصود خود و رستگار شود.

و این است ای خـدای من به خاک مالیدن گونه ام و زاری کردن و سـعی من در درخواست از تو پس ای پروردگار به شـفقت خود آرزوهای مرا دریاب و به حقّ عزّت خود راه رسیدن به خواستهایم را آسان گردان و چیدن میوه اجابت کردن را برایم میسر گردان.

ای خـدای من هرگاه صاحب حاجتی در روا شـدن حاجت خود شـفاعت کننده ای را به پا دارد او را یافتم در حالی که تباه شده بود و کامیاب نبود. پس من به نزد تو بخشـش هـای تو را و برگزیـدگان از خلایق تو را شـفیع می گردانم کسانی که آفریـدی برای ایشان آنچه منتقل شود و آنچه سایه افکند و خلق کردی آنچه که کوچک و بزرگ است .

نزدیکی می جویم به سوی تو به وسـیله اوّل کسـی که تاج بزرگی را به او دادی و از اوّل خلقت او را در محلّ نطفه قرار دادی و او راهنمای تو در آفریدگان توست و معتمد تو بر بندگان توست او محمّد فرسـتاده توست رحمت های تو باد بر او و بر آل او و به کسـی که او را ظاهرکننده روشـنی او و بیان کننده راز پنهان او و گردانیدی برگزیده وصـی هاست و پیشوای پرهیزکاران است پادشاه و سـیّد در دین است و رهبر جماعتی است که دستها و پاهای ایشان سفید است و پدر امامان راه نما است، علی امیر مؤمنان است.

و نزدیکی می جویم به سوی تو به وسیله بهترین خوبان و مادر نورها و حوری انسان صورت، بتول مطهر فاطمه زهرا و به دو نور چشم رسول و به دو میوه دل بتول سیّدان پیشوایان حضرت ابی محمّد امام حسن و حضرت ابی عبد اللّٰه امام حسین و به سجاد زینت عبادت کنندگان صاحب پینه ها از دنیا بریـده در میان عرب ها که علی بن الحسـین است و به پیشوای دانا و سـیّد حکم کننـده و سـتاره پر نور و ماه تابان مولای من امام محمّد پسر امام علی که جامع همه علوم است.

و به آن پیشوای راسـتگوی حل کننـده مشـکل ها و ظاهرکننـده حقیقت ها که به دلیل خود هر سـخنگویی را خاموش گرداند و زبان های اهل جـدل را لالـ می کنـد، فرو نشاننـده نزاع و جـدال مولاـی من امام جعفر پسـر امام محمّـد که راسـتگوست و به آن پیشوای پرهیزکار و مخلص برگزیده و نور منسوب به احمد، آن نوری که از همه نورها نورانی تر است و روشـنی که از همه روشنی ها روشنتر است مولای من امام موسی پسـر امام جعفر و به آن پیشوای راضی شده از او و شمشیر برهنه، مولای من امام علی پسر امام موسی که خشنود است و به آن پیشوای صاحب مجـد و بزرگی و دری کـه به آن قصـد شـود و راه راست و دانـای تاییـد شـده، چشـمه حکمت هـا و چراغ تـاریکی هـا، سـتوده عرب و عجم، راهنمای مردمان به سوی حقّ و راه راست و توفیق یافته به قوّت و راستی مولای ما امام محمّد پسر امام علی که بخشـنده است و به آن پیشوایی که عطیه خدای صاحب جبروت است و فرزند امامان پاک امام علی پسـر محمد به دنیا آمده در پادگان آن امامی که مردمان را به موعظه های

خود ترسانیدند و بیم دادند و به آن امام پاکیزه از گناهان که پاک شده از مظلمه هاست و فاضل و داناست ماه شب چهارده برای تاریکی است و نهر جاری برای خلایق پرهیزکار پاکیزه پاک خالص است که مولای من ابی محمّد امام حسن پسر علی عسکری است.

و نزدیکی می جویم به سوی تو به نگاهدارنده بسیار دانا که او را مسلّط بر خزانه های پنهان در زمین گردانیدی و به پدر مهربانی که زمام های قبض و بسط را در اختیار او قرار دادی او که صاحب معجزه با برکت و شکننده درخت نفرین شده، سخن کننده با مردمان در گهواره و راهنمای راه راست، پنهان از نظرهاست، در همه شهرها حاضر است، از چشمها پنهان است، حاضر در فکرهاست و باقی مانده نیکان، وارث شمشیر ذو الفقار، آن امامی که ظهور می کند در خانه خدا که دارای پرده هاست و آن امام دانای پاک او که امام محمد مهدی پسر امام حسن است بر همه ایشان باد زیادترین تحیّت ها و ثناها و بزرگترین برکتها و تمامترین رحمت ها.

خداوندا آنها پناهان من در آرزوهایم و واسطه های من به سوی تو در حاجتهایم هستند پس رحمت فرست بر ایشان رحمتی که کسی غیر از تو مقدار آن را ندانند و بسیاری از مردمان به ذره ای از آن دست نیابند و به سبب آنان در حق من به گونه ای باش که به بهترین وجه گمان می کنم و به تقدیرهای خود آرزوی مرا محقق ساز.

ای خدای من معتمدی برای من محکم تر از تو نیست که به سوی جانبی محکم رو کنم و گفتاری برای من درست تر از خواندن تو نیست که گفتاری محکم برای تو آشکار سازم و شفاعت کننده ای برای من به نزد تو نیست که باآبروتر باشد از این جماعت پس به نزد تو شفاعت کننده ای دوستدار آوردم پس ای پروردگار من آیا باقی ماند چیزی غیر از آنکه حاجت مرا برآوری و بر گریه و زاری من رحم نمایی، ای کسی که نیست خدایی جز او، ای کسی که اجابت می کند بیچاره را هر گاه که او را بخواند ای رحم کننده بر اشک چشم یعقوب ای زداینده آزار ایّوب، مرا بیامرز و بر من رحم کن و مرا بر گروه کافران یاری ده و در رحمتت را بر من بگشای و تو بهترین گشایندگانی ای صاحب قوّت استوار ای رحم کننده ترین رحم کنندگان. -. مهج الدعوات: ۴۳۳-۴۲۷ -

**[ترجمه]

«۲۸»

مهج، [مهج الدعوات] بِإِسْنَادِنَا إِلَى سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ مِنْ كِتَابِهِ كِتَابِ فَضْلِ الدُّعَاءِ قَالَ حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَهِ الْكُوفِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَهَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِی يَحْيَى عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ وَ عَنْ رَجُلٍ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَاطِمَهَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ شِهَابٍ عَنْ سَلْمَانَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ عَنْ عَطَاءٍ عَنْ أَبِی ذَرٍّ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ عَنْ عَاصِمٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ السُّلَمِيِّ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ عَنْ مُجَاهِدٍ نَحْوٍ مِنْ ثَلَاثِينَ رَجُلًا كُلُّهُمْ وَ كُلُّ هَؤُلَاءِ يَقُولُونَ سَمِعْنَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ عليه السلام وَ هُوَ مُسْتَقْبِلُ الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ وَ هُوَ يَقُولُ: هَا وَ رَبِّ الْكَعْبَهِ ثُمَّ جَازَ إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ فَقَالَ هَا وَ رَبِّ الْكَعْبَهِ حَتَّى مَرَّ بِأَرْكَانِ الْكَعْبَهِ وَ هُوَ يَقُولُ هَا وَ رَبِّ الْكَعْبَهِ(۲) ثُمَّ قَالَ هَا وَ رَبِّ الْكَعْبَهِ هَا وَ رَبِّ الْأَرْكَانِ هَا وَ رَبِّ الْمَشَاعِرِ هَا وَ رَبِّ هَذِهِ الْحُرُمَاتِ لَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله يَقُولُ هَذَا الْحَدِيثَ الَّذِی أُحَدِّثُكُمْ بِهِ إِنَّهُ مَكْتُوبٌ فِی زَبُورِ دَاوُدَ وَ فِی تَوْرَاهِ مُوسَى وَ إِنْجِيلِ عِيسَى وَ قُرْآنِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله وَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ فِی أَلْفِ كِتَابٍ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى أَلْفِ نَبِيٍّ عليهم السلام أَنَّهُ قَالَ مَنْ قَالَ:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِی عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَاهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَعْدَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَاهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مَعَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَاهُ اللَّهُ أَكْبَرُ فِی عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَاهُ اللَّهُ أَكْبَرُ بَعْدَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَاهُ اللَّهُ أَكْبَرُ مَعَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَاهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ فِی عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَاهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَعْدَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَاهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ مَعَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَاهُ سُبْحَانَ اللَّهِ فِی عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَاهُ سُبْحَانَ اللَّهِ بَعْدَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَاهُ سُبْحَانَ اللَّهِ مَعَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَاهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ عَلَى جَمِيعِ نَعْمَائِهِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ مُنْتَهَى رِضَاهُ فِی عِلْمِهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ حَقٌّ لَهُ ذَلِكَ.

١- ١. مهج الدعوات: ٤٢٧- ٤٣٣.

٢- ٢. الزياده من المصدر.

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ نُورُ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ نُورُ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَهْلِيلًا لَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ وَ مَعَ كُلِّ أَحَدٍ وَ بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ اللَّهُ أَكْبَرُ تَكْبِيراً لَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ وَ مَعَ كُلِّ أَحَدٍ وَ بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ تَسْبِيحاً لَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ وَ مَعَ كُلِّ أَحَدٍ وَ بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ.

اللَّهُمَّ إِنِّی أُشْهِدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيداً فَاشْهَدْ لِی بِأَنَّ قَوْلَكَ حَقٌّ وَ أَنَّ قَضَاءَكَ حَقٌّ وَ أَنَّ قَدَرَكَ حَقٌّ وَ أَنَّ رُسُلَكَ حَقٌّ وَ أَنَّ أَوْصِيَاءَكَ حَقٌّ وَ أَنَّ رَحْمَتَكَ حَقٌّ وَ أَنَّ جَنَّتَكَ حَقٌّ وَ أَنَّ نَارَكَ حَقٌّ وَ أَنَّ قِيَامَتَكَ حَقٌّ وَ أَنَّكَ مُمِيتُ الْأَحْيَاءِ وَ أَنَّكَ مُحْيِی الْمَوْتَى وَ أَنَّكَ بَاعِثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ وَ أَنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لا رَيْبَ فِيهِ وَ أَنَّكَ لا تُخْلِفُ الْمِيعادَ اللَّهُمَّ إِنِّی أُشْهِدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيداً فَاشْهَدْ لِی أَنَّكَ رَبِّی وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولَكَ نَبِيِّی وَ الْأَوْصِيَاءَ مِنْ بَعْدِهِ أَئِمَّتِی وَ أَنَّ الدِّينَ الَّذِی شَرَعْتَ دِينِی وَ أَنَّ الْكِتَابَ الَّذِی أَنْزَلْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله نُورِی اللَّهُمَّ إِنِّی أُشْهِدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيداً فَاشْهَدْ لِی أَنَّكَ أَنْتَ الْمُنْعِمُ عَلَیَّ لَا غَيْرُكَ لَكَ الْحَمْدُ وَ بِنِعْمَتِكَ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ وَ تَبَارَكَ اللَّهُ تَعَالَى وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِيمِ لَا مَنْجَى وَ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ عَدَدَ الشَّفْعِ وَ الْوَتْرِ وَ عَدَدَ كَلِمَاتِ رَبِّی الطَّيِّبَاتِ التَّامَّاتِ الْمُبَارَكَاتِ صَدَقَ اللَّهُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ثُمَّ قَالَ مَنْ قَالَ هَذَا فِی عُمُرِهِ مِائَةَ مَرَّةٍ حُشِرَ أُمَّةً وَاحِدَةً ثُمَّ أُرْسِلَ إِلَيْهِ أَلْفُ أَلْفِ مَلَكٍ رَأْسُهُمْ مَلَكٌ يُقَالُ لَهُ مجديال مَعَ كُلِّ مَلَكٍ أَلْفُ دَابَّةٍ لَيْسَ مِنْهُ دَابَّةٌ تُشْبِهُ الْأُخْرَى وَ أَلْفُ ثَوْبٍ لَيْسَ فِيهَا ثَوْبٌ يُشْبِهُ الْآخَرَ حَتَّى إِذَا انْتَهَوْا إِلَيْهِ وَقَفُوا فَيَقُولُ لَهُمْ مجديال دُونَكُمْ وَلِیَّ اللَّهِ وَ يَنْهَضُونَ نَهْضَةَ مَلَكٍ وَاحِدٍ وَ يُسَخَّرُ لَهُ الدَّوَابُّ كَدَابَّةٍ وَاحِدَةٍ وَ الثِّيَابُ كَذَلِكَ وَ تَحُفُّهُ الْمَلَائِكَةُ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ يَسَارِهِ يَسِيرُونَ وَ يَسِيرُ مَعَهُمْ وَ هُمْ يَقُولُونَ هَذَا وَلِیُّ اللَّهِ فَطُوبَى لَهُ

وَ لَا يَمُرُّ بِزُمْرَهٍ مِنَ الْمَلَائِكَهِ وَ لَا مِنَ الْآدَمِيِّينَ إِلَّا سَلَّمُوا عَلَيْهِ سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَ عَظَّمُوا شَأْنَهُ حَتَّى يَقِفَ تَحْتَ لِوَاءِ الْحَمْدِ وَ قَدْ ضُرِبَ لَهُ سَرِيرٌ مِنْ يَاقُوتَهٍ حَمْرَاءَ عَلَيْهِ قُبَّهٌ مِنْ زَبَرْجَدَهٍ خَضْرَاءَ فِيهَا حُورٌ عِينٌ فَيَتَّكِئُ فِيهَا مَرَّهً عَنْ يَمِينِهِ وَ مَرَّهً عَنْ يَسَارِهِ حَتَّى يَقْضِيَ بَيْنَ النَّاسِ وَ يَنْزِلُونَ مَنَازِلَهُمْ ثُمَّ يَؤُمُّ أَلْفُ مَلَكٍ فَيَحُفُّونَهُ حَتَّى يَضَعُوا ذَلِكَ السَّرِيرَ عَلَى نَجِيبَهٍ مِنْ نَجَائِبِ الْجَنَّهِ مُبْتَهِرَهٍ مِنَ النُّورِ فَيَسِيرُ حَتَّى إِذَا أَتَى أَوَّلَ مَنَازِلِهِ وَ إِذَا هُوَ بِقَهْرَمَانٍ مِنْ قَهَارِمَتِهِ يُرِيدُ أَنْ يَأْخُذَ بِيَدِهِ فَلَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ يَعْصِمُهُ لَهَوَى إِعْظَاماً لِذَلِكَ الْقَهْرَمَانِ ثُمَّ يَقُولُ لَهُ الْقَهْرَمَانُ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَنَا قَهْرَمَانٌ [(۱)] مِنْ قَهَارِمَتِكَ مِنْ أَصْحَابِ هَذَا الْقَصْرِ وَ لَكَ مِائَهُ قَصْرٍ مِثْلُ هَذَا الْقَصْرِ فِي كُلِّ قَصْرٍ قَهْرَمَانٌ مِثْلِي لِكُلِّ قَهْرَمَانٍ زَوْجَهٌ عَلَى صُورَهِ خَدَمٍ لِأَزْوَاجِكَ وَ لَكَ بِعَدَدِ كُلِّ جَارِيَهٍ زَوْجَهٌ وَ لَكَ فِي كُلِّ بَيْتٍ مَا لَا أُحْصِي عِلْمَهُ فَيَقُولُ عِنْدَ ذَلِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا أَحْصَى عِلْمُهُ وَ مِثْلَ مَا أَحْصَى عِلْمُهُ وَ مِلْ ءَ مَا أَحْصَى عِلْمُهُ وَ أَضْعَافَ مَا أَحْصَى عِلْمُهُ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ مَا أَحْصَى عِلْمُهُ وَ مِثْلَ مَا أَحْصَى عِلْمُهُ وَ مِلْ ءَ مَا أَحْصَى عِلْمُهُ وَ أَضْعَافَ مَا أَحْصَى عِلْمُهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ عَدَدَ مَا أَحْصَى عِلْمُهُ وَ مِثْلَ مَا أَحْصَى عِلْمُهُ وَ مِلْ ءَ مَا أَحْصَى عِلْمُهُ وَ أَضْعَافَ مَا أَحْصَى عِلْمُهُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا أَحْصَى عِلْمُهُ وَ مِثْلَ مَا أَحْصَى عِلْمُهُ وَ مِلْ ءَ مَا أَحْصَى عِلْمُهُ وَ أَضْعَافَ مَا أَحْصَى عِلْمُهُ فَإِذَا قَالَ هَذَا زِيدَ فِي بُيُوتِهِ وَ مَا فِيهَا مِثْلُهَا وَ اللَّهُ وَاسِعٌ كَرِيمٌ [(۲)].

**[ترجمه]مهج الدعوات: به سندهای خود تا به سعد بن عبد الله از کتابش فضل الدّعاء نقل کرد: حدیث نمود به ما حسن بن علیّ بن عبد اللّه بن مغیره کوفی از پدر خود و او از سیف بن عمیره، از ابراهیم بن ابی یحیی، از حضرت امام جعفر صادق، از پدر خود، از جدّ خود، از حضرت امیر المؤمنین علی علیهم السّلام، و همچنین روایت نموده از مردی، از پدر خود از حضرت فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیهما و آلهما، و از محمد بن شهاب، از سلمان فارسی، از امیر المؤمنین علیه السّلام، و از عطاء، از ابی ذر، از امیر المؤمنین، و از عاصم، از ابو الرّحمن شامی، از امیر المؤمنین علیه السّلام، و سی نفر از مجاهد نیز نقل نموده اند و همگی گفتند که آن را از حضرت امیر المؤمنین علیّ بن ابی طالب علیه السّلام شنیدیم و حال آنکه در مسجد الحرام بودند پس روی خود را به رکن یمانی نموده و فرمودند: قسم به پروردگار کعبه! پس از آنجا به نزد حجر الاسود آمده گفتند: سوگند به پروردگار کعبه، و از آنجا به نزد دیگر ارکان رفتند و فرمودند: سوگند به پروردگار کعبه، و فرمودند: «سوگند به پروردگار کعبه و پروردگار چهار رکن و پروردگار مشاعر و حرم قسم، که شنیدم از پیغمبر خدا صلّی اللّه علیه و آله که فرمودند: این حدیثی را که به شما نقل می کنم در زبور داود و در تورات موسی و انجیل عیسی و قرآن محمّد صلّی اللّه علیه و آله و علی جمیع الأنبياء و المرسلین و در هزار کتاب که از آسمان بر هزار پیغمبر علیهم السّلام نازل شد، نوشته شده است و فرمود: هر که این کلمات را بخواند:

خدایی جز خدای یگانه نیست، در دانش او منتهای خشنودی اوست، خدایی جز خدای یگانه نیست بعد از دانش او نهایت خشنودی اوست، خدایی جز خدای یگانه نیست با دانش او منتهای خشنودی اوست، خدا بزرگ تر است از آنکه به وصف آید، در علم او نهایت رضامندی اوست، خدا بزرگ تر است، پس از علم او نهایت خوشنودی اوست، خدا بزرگ تر است با دانش او منتهای خشنودی اوست، همه ستایش از برای خداست در علم او نهایت رضامندی اوست، همه ستایش سزاوار خداست بعد از علم او منتهای خوشنودی اوست، همه سپاس برای خداست با دانش او نهایت خوشنودی اوست، منزّه است خدا در علم او منتهای رضامندی اوست، منزّه است خدا بعد از دانش او منتهای خشنودی اوست، منزّه است خدا با علم او نهایت رضامندی اوست، و همه ستایش برای خداست به همه انواع ستایش او در مقابل همه نعمتهای او و پاک است خدا و او را حمد می کنم، نهایت خشنودی او در دانش اوست و خدا بزرگ تر است از آنکه به وصف آید و سزاوار اوست.

نیست خدایی مگر خدایی که بردبار و بخشنده است، نیست خدایی مگر خدا که بلند مرتبه بزرگ است، نیست خدایی مگر خدا که روشنی بخش آسمانهای هفت طبقه است و روشن کننده زمین های هفت طبقه است و روشنی بخش عرش بزرگ است، نیست خدایی مگر خدا، خدا را به یگانگی یاد می کنم که کسی غیر او آن را شماره نکند پیش از هر کسی و با هر کسی و بعد از هر کسی و خدا بزرگتر است تکبیری که آن را در شمار نتواند آورد غیر او، پیش از هر کسی و با هر کسی و بعد از هر کسی، تسبیح می کنم خدا را تسبیحی که شماره نتواند نمود آن را غیر او، پیش از هر کسی و با هر کسی و بعد از هر کسی.

خداوندا به درستی که من تو را گواه می گیرم و تو کافی هستی برای گواهی پس گواهی ده برای من به آنکه گفتار تو راست است و کردار

تو درست است و حکم تو ثابت است و تقدیر تو موجود است و پیغمبران تو راست گویانند و وصیّ های پیغمبر تو به راه راستند و رحمت تو موجود است و بهشت تو راست است و آتش جهنم تو درست است و روز قیامت تو صدق است و تو می میرانی زنده ها را و تویی زنده کننده مردگان و برمی انگیزی کسانی که در قبرها باشند و تو مردمان را جمع می کنی در روزی که شکی در آمدن آن نیست و تو خلف وعده نمی کنی.

خداوندا به درستی که گواه می گیرم تو را و تو کافی هستی برای گواهی پس گواهی ده برای من به آنکه تو پروردگاری برای من و محمّد که رحمت فرستد خدا بر او بر آل او فرستاده تو پیغمبر است برای من و وصیّ های او که بعد از اویند امامان و پیشوایان منند و دین اسلامی که قرار دادی آن را دین من است و قرآنی که فرستادی بر محمّد رسول تو که رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او روشنایی من است.

خداوندا به درستی که من گواه می گیرم تو را و تو کافی هستی برای گواهی پس گواهی ده برای من به آنکه تویی نعمت دهنده بر من نه غیر تو، برای توست ستایش و به سبب نعمت تو تمام می شود عمل های نیکو، نیست خدایی مگر خدا و خدا بزرگتر است و ستایش از برای خداست و تسبیح می کنم خدا را و او را حمد می کنم و منزّه است خدا و بلند است و نیست حرکتی و نه توانایی مگر به خدا و نیست پناهی و نه محل خلاصی از عقوبت خدا مگر به سوی او به عدد جفت و طاق و به عدد نامهای پروردگار من که نیکو و تمام و با برکت اند راست گفت خدا و راست گفتند پیغمبران.

سپس فرمودند: هر کس در مدّت عمر خود صد مرتبه این دعا را بخواند، خدای تعالی او را در روز قیامت، گروهی جداگانه محشور گرداند و به نزد او صد هزار هزار فرشته بفرستد که سر کرده آنها فرشته ای باشد که نام او مجدیال است و با هر فرشته ای هزار اسب باشند که هیچ یک از آنها شبیه به آن دیگری نباشند و با ایشان هزار جامه باشد که در آنها جامه ای نباشد که شبیه به جامه دیگر باشد. پس هر گاه که به نزد آن شخص برسند مجدیال به ایشان گوید که نزدیک شوید به دوست خدا؛ و ایشان مثل شخص واحد در نزد پادشاهی می ایستند و از برای او اسبها مسخر می شوند به منزله یک اسب واحد و همچنین جامه ها. و فرشتگان دور او را از جانب راست و چپ فرا گیرند و آن شخص به راه افتد و فرشتگان نیز همراه او روان شوند و گویند این است دوستدار خدا، پس خوشا به حال او و آن شخص بر هیچ گروهی از ملائکه و آدمیان نمی گذرد مگر آنکه بر او سلام کنند به این نحو که گویند السّلام علیك یا ولیّ الله و تعظیم او نمایند تا آنکه در زیر لواء حمد بایستد و برای او تختی از یاقوت سرخ مهیا می شود که بر او قبه ای از زبرجد سبز باشد که در او حوران بهشت باشد. پس بر آن سریر تکیه نماید گاهی به راست و گاهی به چپ، تا آنکه خدای تعالی در میان مردمان حکم نماید و هر یک به منزل خود روند .

پس ملائکه دور تخت را فرو گیرند و او را بر پشت شتر قوی از شترهای بهشت بگذارند که نور آن شتر تابنده باشد و برود تا آنکه به اول منزلی از منزلهای خود فرود آید. پس او را پیشکاری از پیشکاری های آن منزلها پیشواز نماید و خواهد که دست آن شخص را بگیرد و آن را از تخت فرود آورد. پس اگر محافظت خدای تعالی نباشد هر آینه آن شخص خود را به پایین می‌اندازد از جهت تعظیم آن پیشکاری. پس پیشکار گوید که ای دوست خدا منم پیشکاری از پیشکاران خانه های تو و از برای توست صد مثل این قصر که در هر قصر یک سرایداری مثل من است از برای هر یک از ایشان زنی است که آنها خدمتکارانند از برای زنان تو و از برای توست به عدد هر خدمتکاری یک زنی و از برای توست در هر خانه ای از نعمتها آنچه دانستن شماره آنها ممکن نیست. آنگاه آن شخص این کلمات را می گوید:

«همه ستایش از برای خداست به عدد آنچه علم خدا آن را شماره نمود و مساوی آنچه شمرد آن را علم او و به قدر آنچه دانش او آن را در شماره آورد و چندین برابر آنچه علم او تعداد نمود و نیست خدایی مگر خدا، به عدد آنچه شماره نمودآن را دانش خدا و به قدر آنچه شمرد علم خدا و به اندازه آنچه در شمار آورد آن را علم او و چندین برابر آنچه تعداد نمود آن را علم او و خدا بزرگتر است به عدد آنچه شماره نمود آن را علم خدا و مساوی آنچه شمرد علم او و به اندازه آنچه شماره کرد علم او و چندین برابر آنچه تعداد نمود آن را علم او و منزّه است خدا به عدد آنچه شماره نمودآن را علم او و مساوی آنچه شمرد دانش او و اندازه آنچه در شماره آوردعلم او و چندین برابر آنچه شماره کرد علم او».

و زمانی این کلمات را بگوید خانه ها و آنچه در آنهاست زیاده گردد. و به درستی که خدای تعالی بسیار بخشنده است. - . مهج الدعوات: ۱۶۸-۱۷۱ -

**[ترجمه]

«۲۹»

مهج، [مهج الدعوات] وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءٌ جَامِعٌ لِمَوْلَانَا وَ مُقْتَدَانَا أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام رَوَیْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا إِلَی سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ فِی کِتَابِهِ کِتَابِ فَضْلِ الدُّعَاءِ قَالَ حَدَّثَنَا یَعْقُوبُ بْنُ یَزِیدَ یَرْفَعُهُ قَالَ قَالَ سَلْمَانُ الْفَارِسِیُّ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ:

ص: ۳۸۸

۱- ۱. القهرمان: الوکیل او امین الدخل و الخرج، و الکلمه دخیل معناه بالفارسیه« پیشکار».

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۱۶۸- ۱۷۱.

سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: قَالَ لِی رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَا عَلِيُّ لَوْ دَعَا دَاعٍ بِهَذَا الدُّعَاءِ عَلَى صَفَائِحِ الْحَدِيدِ لَذَابَتْ وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ نَبِيّاً لَوْ دَعَا دَاعٍ بِهَذَا الدُّعَاءِ عَلَى مَاءٍ جَارٍ لَسَكَنَ حَتَّى يَمُرَّ عَلَيْهِ وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ نَبِيّاً إِنَّهُ مَنْ بَلَغَ بِهِ الْجُوعُ وَ الْعَطَشُ ثُمَّ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ أَطْعَمَهُ اللَّهُ وَ أَسْقَاهُ وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ نَبِيّاً لَوْ أَنَّ رَجُلًا دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ عَلَى جَبَلٍ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَوْضِعٍ يُرِيدُهُ لَانْشَعَبَ الْجَبَلُ حَتَّى يَسْلُكَ فِيهِ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِی يُرِيدُهُ وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ نَبِيّاً لَوْ يُدْعَى بِهِ عَلَى مَجْنُونٍ لَأَفَاقَ مِنْ جُنُونِهِ وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ نَبِيّاً لَوْ يُدْعَى بِهِ عَلَى امْرَأَةٍ قَدْ عَسُرَ عَلَيْهَا وِلَادَتُهَا لَسَهَّلَ اللَّهُ عَلَيْهَا الْوِلَادَةَ وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ نَبِيّاً لَوْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ رَجُلٌ عَلَى مَدِينَةٍ وَ الْمَدِينَةُ تَحْتَرِقُ وَ مَنْزِلُهُ فِی وَسَطِهَا لَنَجَا مَنْزِلُهُ وَ لَمْ يَحْتَرِقْ وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ نَبِيّاً إِنَّهُ لَوْ دَعَا بِهِ دَاعٍ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً مِنْ لَيَالِی الْجُمَعِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ كُلَّ ذَنْبٍ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْآدَمِيِّينَ وَ لَوْ كَانَ فَجَرَ بِأُمِّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ نَبِيّاً إِنَّهُ مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ عَلَى سُلْطَانٍ جَائِرٍ جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ السُّلْطَانَ طَوْعَ يَدَيْهِ وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ نَبِيّاً إِنَّهُ مَنْ نَامَ وَ هُوَ يَدْعُو بِهِ بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِكُلِّ حَرْفٍ مِنْهُ أَلْفَ أَلْفِ مَلَكٍ مِنَ الرُّوحَانِيِّينَ وُجُوهُهُمْ أَحْسَنُ مِنَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ بِسَبْعِينَ ضِعْفاً يَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ يَكْتُبُونَ لَهُ الْحَسَنَاتِ وَ يَرْفَعُونَ لَهُ الدَّرَجَاتِ قَالَ سَلْمَانُ فَقُلْتُ لَهُ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَ يُعْطَى بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ كُلَّ هَذَا فَقَالَ قُلْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی يَا رَسُولَ اللَّهِ أَ يُعْطَى الدَّاعِی بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ كُلَّ هَذَا فَقَالَ يَا عَلِيُّ أُخْبِرُكَ بِأَعْظَمَ مِنْ ذَلِكَ مَنْ نَامَ وَ قَدِ ارْتَكَبَ الْكَبَائِرَ كُلَّهَا وَ قَدْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ فَإِنْ مَاتَ فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ شَهِيدٌ وَ إِنْ مَاتَ عَلَى غَيْرِ تَوْبَةٍ يَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِ وَ لِوَالِدَيْهِ وَ لِوُلْدِهِ وَ لِمُؤَذِّنِ مَسْجِدِهِ وَ لِإِمَامِهِ بِعَفْوِهِ وَ رَحْمَتِهِ يَقُولُ:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَ صَادِقٌ لَا يَكْذِبُ وَ قَاهِرٌ لَا يُقْهَرُ وَ بَدِی ءٌ لَا يَنْفَدُ

وَ قَرِيبٌ لَا يَبْعُدُ وَ قَادِرٌ لَا يُضَادُّ وَ غَافِرٌ لَا يَظْلِمُ وَ صَمَدٌ لَا يَطْعُمُ وَ قَيُّومٌ لَا يَنَامُ وَ مُجِيبٌ لَا يَسْأَمُ وَ جَبَّارٌ لَا يُعَانُ وَ عَظِيمٌ لَا يُرَامُ وَ عَالِمٌ لَا يُعَلَّمُ وَ قَوِيٌّ لَا يَضْعُفُ وَ حَلِيمٌ لَا يَجْهَلُ وَ جَلِيلٌ لَا يُوصَفُ وَ وَفِيٌّ لَا يُخْلِفُ وَ غَالِبٌ لَا يُغْلَبُ وَ عَادِلٌ لَا يَحِيفُ وَ غَنِيٌّ لَا يَفْتَقِرُ وَ كَبِيرٌ لَا يُغَادِرُ وَ حَكِيمٌ لَا يَجُورُ وَ وَكِيلٌ لَا يَحِيفُ وَ فَرْدٌ لَا يَسْتَشِيرُ وَ وَهَّابٌ لَا يَمَلُّ وَ عَزِيزٌ لَا يُسْتَذَلُّ وَ سَمِيعٌ لَا يَذْهَلُ وَ جَوَادٌ لَا يَبْخَلُ وَ حَافِظٌ لَا يَغْفُلُ وَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو وَ دَائِمٌ لَا يَفْنَى وَ مُحْتَجِبٌ لَا يُرَى وَ بَاقٍ لَا يَبْلَى وَ وَاحِدٌ لَا يُشْبِهُ وَ مُقْتَدِرٌ لَا يُنَازَعُ (۱)

يَا كَرِيمُ الْجَوَادُ الْمُتَكَرِّمُ يَا ظَاهِرُ يَا قَاهِرُ أَنْتَ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ يَا عَزِيزُ الْمُتَعَزِّزُ يَا مَنْ يُنَادَى مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ بِأَلْسِنَةٍ شَتَّى وَ لُغَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ وَ حَوَائِجَ مُتَتَابِعَةٍ وَ لَا يَشْغَلُكَ شَيْ ءٌ عَنْ شَيْ ءٍ أَنْتَ الَّذِي لَا يُفْنِيكَ الدُّهُورُ وَ لَا تُحِيطُ بِكَ الْأَمْكِنَةُ وَ لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ يَسِّرْ لِي مَا أَخَافُ عُسْرَهُ وَ فَرِّجْ عَنِّي مَا أَخَافُ كَرْبَهُ وَ سَهِّلْ لِي مَا أَخَافُ حُزُونَتَهُ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۲).

**[ترجمه]مهج الدعوات: از این جمله دعای جامع از مولایمان امیر المؤمنین علی علیه السلام است. روایت کردیم به سندها تا به سعد بن عبد الله از کتابش فضل الدّعاء گفت: حدیث نمود یعقوب بن یزید و همچنین بالا برده تا به سلمان فارسی رضی الله عنه گفت شنیدم از حضرت امیر المؤمنین علیّ بن ابی طالب علیه السّلام که فرمودند: به درستی که پیغمبر خدا صلّی اللّه علیه و آله گفتند به من: یا علی اگر کسی این دعا را بر صفحه های از آهن بخواند هر آینه آنها گداخته می شوند و قسم به کسی که مرا به راستی پیامبری فرستاد اگر این دعا بر آب روانی خوانده شود هر آینه ساکن گردد تا آنکه آن شخص بر او بگذرد و سوگند به کسی که مرا به حق به پیغمبری فرستاد اگر کسی گرسنه و تشنه باشد، پس این دعا را بخواند هر آینه خدای تعالی او را اطعام می کند و او را سیراب می گرداند و قسم به کسی که مرا به راستی به پیغمبری فرستاد اگر شخصی این دعا را بر کوهی بخواند که حایل باشد میان او و میان موضعی که اراده دارد آن را هر آینه آن کوه شکافته شود تا آنکه برود به آن موضعی که اراده دارد و به حقّ کسی که مرا به راستی به پیامبری فرستاد اگر این دعا بر دیوانه ای خوانده شود هر آینه عاقل شود و به حقّ کسی که مرا به راستی به پیامبری فرستاد اگر این دعا بر زنی که دشوار زاید خوانده شود هر آینه بر او زائیدن آسان شود و به حقّ کسی که مرا به راستی به پیامبری فرستاد اگر کسی این دعا را بر شهری بخواند و حال آنکه آن شهر آتش گرفته باشد و خانه آن شخص در میان آن شهر باشد هر آینه خانه او نجات یابد و نسوزد.

و قسم به کسی که مرا به راستی به پیامبری فرستاداگر این دعا را شخصی چهل شب جمعه بخواند خدای تعالی می آمرزد برای او همه گناهانی را که میان او و میان آدمیان باشد و اگر چه با مادر خود زنا کرده باشد که خدای تعالی آن را می آمرزد و قسم به حقّ کسی که مرا به راستی به پیامبری فرستاداگر کسی این دعا را بر پادشاه ظالمی بخواند هر آینه خدای تعالی آن پادشاه را برای او مطیع می گرداند مثل اطاعت نمودن دست های او و به حقّ کسی که مرا به راستی به پیامبری فرستاد هر کسی که در وقت خواب این دعا را بخواند خدای تعالی به سوی او به سبب هر حرفی از آن هزار هزار فرشته از روحانیان برمی انگیزد که روی های ایشان نیکوتر از آفتاب و ماه باشد به هفتاد برابر که از خدای تعالی از برای او طلب آمرزش نمایند و از برای او حسنه بسیار می نویسند و درجات او را بلند می کنند .

سلمان گفت: من گفتم: فدای تو باد پدر و مادرم یا امیر المؤمنین همه این ثواب ها به کسی داده می شود که این دعا را بخواند؟ پس آن حضرت فرمودند که: من نیز این را به پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله گفتم. پس فرمودند که: یا علی خبر دهم تو را بر ثوابی بزرگتر از این. هر کس که این دعا را بخواند و بخوابد و حال آنکه همه گناهان کبیره را مرتکب شده باشد پس بمیرد آن شخص شهید در راه خدا خواهد بود و اگرچه بی توبه بمیرد که خدای تعالی او را و اهل بیت او را و پدر و مادر و فرزندان او را و مؤذن مسجد و پیش نمازی را که در آن مسجد با آن شخص نماز به جا می آورد، به عفو و رحمت خود می آمرزد و دعا این است:

خداوندا به درستی که تو زنده ای که نمی میری و راست گویی که دروغ نمی گویی و غلبه کننده ای که مغلوب نمی شوی و ایجادکننده ای که برطرف نمی گردی و نزدیکی که دور نمی شود و توانایی که کسی خلاف تو نمی کند و آمرزنده ای که ستم نمی کنی و مقصود در حاجت هایی که کسی چیزی به تو نداد و پاینده ای که نمی خوابی و برآورنده حاجتهایی که دلگیر نمی شوی و صاحب جبروتی که یاری

نمی شوی و بزرگی که خواسته نمی شود بزرگی تو و دانائی که یاد گرفته نمی شوی از غیری و توانائی که ناتوان نمی شوی و بردباری که نادان نیستی و بزرگی که به تعریف درنمی آیی و وفاکننده به وعده هایی که خلف نمی کنی آنها را و غلبه کننده ای که مغلوب نمی شوی و عدالت کننده ای که ظلم نمی کنی و توانگری که درویش نمی شوی و بزرگی که کوچک نمی شوی و حکم کننده ای که ستم نمی کنی و معتمدی که خیانت نمی کنی و یکتایی که مشورت نمی کنی از کسی و بخشنده ای که مکدّر نمی شوی و عزیزی که خوار نمی شوی و شنوایی که غافل نمی شوی و بخشنده ای که بخل نمی ورزی و نگاهدارنده ای که غافل نمی گردی و ایستاده ای به امور خلایق که فراموش نمی کنی و همیشه ای که از بین نمی روی و پنهانی که دیده نمی شوی و باقی که کهنه نمی شوی و یکتایی که مانند نداری و بسیار توانایی که نزاع نمی شوی.

ای کرم کننده بخشنده بسیار کرم کننده، ای آشکار ای غلبه کننده، تویی توانای بسیار با قدرت ای عزیز بسیار عزیز ای کسی که خوانده می شوی از هر درّه و بیابان بی پایان به زبانهای مختلف و لهجه های متفاوت و برای حاجت های پیاپی باز نمی دارد تو را مشغول شدن به چیزی از متوجّه شدن به چیزی دیگر. تویی آنکه زمان ها تو را از بین نبرد و تو را جای ها فرو نمی گیرد و تو را چرت و خواب فرا نمی گیرد. رحمت فرست بر محمّد و بر آل او و آسان گردان برای من آنچه که از دشواری آن می ترسم دور کن از من آنچه که از اندوه آن می ترسم، آسان گردان برای من آنچه را که می ترسم از ناهمواری آن، منزّهی، نیست خدایی مگر تو، همانا من از جمله ستمکارانم، ای رحم کننده ترین رحم کنندگان. - . مهج الدعوات: ۱۷۳-۱۷۱ -

**[ترجمه]

«۳۰»

مهج، [مهج الدعوات] دُعَاءٌ عَلَّمَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ لِأُوَيْسٍ الْقَرَنِيِّ وَ هُوَ غَيْرُ الَّذِي ذَكَرْنَاهُ فِي كِتَابِ السَّعَادَاتِ وَ غَيْرُ الَّذِي ذَكَرْنَاهُ فِي كِتَابِ إِغَاثَةِ الدَّاعِي حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ زَيْدٍ عَنْ أُوَيْسٍ الْقَرَنِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام قَالَ: مَنْ دَعَا بِهَذِهِ الدَّعَوَاتِ اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ وَ قَضَى جَمِيعَ حَوَائِجِهِ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيّاً إِنَّ مَنْ بَلَغَ إِلَيْهِ الْجُوعُ وَ الْعَطَشُ ثُمَّ قَامَ وَ دَعَا بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ أَطْعَمَهُ اللَّهُ وَ أَسْقَاهُ وَ لَوْ أَنَّهُ دَعَا بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ عَلَى جَبَلٍ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْمَوْضِعِ الَّذِي يُرِيدُهُ لَاتَّسَعَ الْجَبَلُ حَتَّى يَسْلُكَ فِيهِ إِلَى أَيْنَ يُرِيدُ وَ إِنْ دَعَا بِهَا عَلَى مَجْنُونٍ أَفَاقَ مِنْ جُنُونِهِ وَ إِنْ دَعَا بِهَا عَلَى امْرَأَةٍ قَدْ عَسُرَ عَلَيْهَا وَلَدُهَا هَوَّنَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهَا وِلَادَتَهَا.

قَالَ: وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيّاً إِنَّ مَنْ دَعَا بِهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً مِنْ لَيَالِي الْجُمُعَةِ

۱- ۱. فی المصدر:« لا تنازع» بصیغه الخطاب و هکذا فی کل ما سبق.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۱۷۱- ۱۷۳.

غَفَرَ اللَّهُ لَهُ كُلَّ ذَنْبٍ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا دَخَلَ عَلَى السُّلْطَانِ لَخَلَّصَهُ اللَّهُ مِنْ شَرِّهِ وَ مَنْ دَعَا بِهَا عِنْدَ مَنَامِهِ فَيَذْهَبَ بِهِ النَّوْمُ وَ هُوَ يَدْعُو بِهَا بَعَثَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ بِكُلِّ حَرْفٍ بَيْنَهُ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الرُّوحَانِيِّينَ وُجُوهُهُمْ أَحْسَنُ مِنَ الشَّمْسِ بِسَبْعِينَ أَلْفَ مَرَّةٍ وَ يَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ وَ يَدْعُونَ لَهُ وَ يَكْتُبُونَ لَهُ الْحَسَنَاتِ وَ مَنْ دَعَا بِهَا وَ قَدِ ارْتَكَبَ الْكَبَائِرَ غُفِرَتْ لَهُ الذُّنُوبُ كُلُّهَا وَ إِنْ مَاتَ لَيْلَتَهُ مَاتَ شَهِيداً ثُمَّ قَالَ لِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِ وَ لِمُؤَذِّنِ مَسْجِدِهِ وَ لِإِمَامِهِ الْمُسْتَجِيرِ الدُّعَاءُ يَا سَلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الطَّاهِرُ الْمُطَهَّرُ الْقَاهِرُ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ يَا مَنْ يُنَادَى مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ بِأَلْسِنَةٍ شَتَّى وَ لُغَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ وَ حَوَائِجَ أُخْرَى يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ أَنْتَ الَّذِي لَا تُغَيِّرُكَ الْأَزْمِنَةُ وَ لَا تُحِيطُ بِكَ الْأَمْكِنَةُ وَ لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ يَسِّرْ لِي مِنْ أَمْرِي مَا أَخَافُ عُسْرَهُ وَ فَرِّجْ لِي مِنْ أَمْرِي مَا أَخَافُ كَرْبَهُ وَ سَهِّلْ لِي مِنْ أَمْرِي مَا أَخَافُ حُزْنَهُ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً(۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: دعایی مولای ما امیر المؤمنین علیه السّلام که آن را به اویس قرنی تعلیم نمودند.و این دعا غیر آن دعایی است که آن را در کتاب السعادات ذکر کردیم و غیر آن دعایی است که آن را در کتاب اغاثه الدّاعی ذکر نمودیم. حدیث نمود ما را موسی بن زید از اویس قرنی از امیر المؤمنین علیّ بن ابی طالب علیه السّلام که فرمودند: هر کس این دعا را بخواند، خدای تعالی همه حاجت های او را بر می آورد و رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمودند که: قسم به کسی که مرا به راستی به پیغمبری فرستاد ، کسی که به او گرسنگی و تشنگی رسیده باشد، پس این دعا را بخواند، خدای تعالی او را سیر می گرداند و سیراب می سازد و اگر شخصی این نام ها را بر کوهی بخواند که حایل باشد میان او و میان جایی که اراده آن را داشته باشد هر آینه آن کوه راه خواهد داد تا آن که برود به آنجایی که می خواهد و اگر این دعا را بر دیوانه ای بخواند عاقل می شود و اگر این دعا را بر زنی بخواند که بر او زاییدن دشوار باشد، خدای تعالی بر او وضع حمل را آسان می گرداند.

فرمودند: قسم به کسی که مرا به راستی به پیغمبری فرستاد هر کس این دعا را چهل شب جمعه بخواند خدای تعالی می آمرزد از برای او هر گناهی را که میان او و میان خدای تعالی باشد و اگر شخصی بر پادشاه ظالمی داخل شود و این دعا را بر آن پادشاه بخواند، خدای تعالی او را از شرّ آن خلاص می گرداند و هر کس که این دعا را در وقت خواب بخواند پس در آن اثنا به خواب رود خدای عزّ و جلّ به عدد هر حرفی از این دعا هفتاد هزار فرشته از روحانیان خلق می نماید که روی های ایشان نیکوتر باشد از آفتاب به هفتاد هزار مرتبه که از خدای تبارک و تعالی از برای او طلب آمرزش نمایند و برای او دعا کنند و از برای او حسنات بنویسد و هر کس که این دعا را بخواند و - حال آنکه از او گناهان کبیره سر زده باشد- همه گناهان او آمرزیده می شود و اگر در آن شب بمیرد، شهید مرده خواهد بود.

پس به من فرمودند: ای ابا عبد الله به درستی که خدای تعالی می آمرزد او را و اهل بیت او را و مؤذن مسجد او را که در آن نماز گزارد و پیشنمازی که به او اقتداء نمود و دعا این است:

ای سلامتی دهنده امان دهنده نگاهدارنده غلبه کننده با عزّت صاحب جبروت و کبریا، ای پاک و پاکیزه، ای قهرکننده با توانایی بسیار توانا، ای کسی که خوانده شد از هر راه و بیابان دور و دراز به زبانهای مختلف و لهجه های متفاوت و حاجت های متعدّد، ای کسی که مشغول نمی گرداند او را کاری از کاری دیگر، تویی آنکه تو را زمانها تغییر نمی دهد و تو را مکان ها فرا نمی گیرد و تو را خواب و چرتی نگیرد، آسان گردان از کار من آنچه را که از دشواری آن می ترسم و نجات ده مرا از آنچه که از اندوه آن می ترسم و آسان و هموار گردان برای من از امر من آنچه که از ناهمواری آن می ترسم. تسبیح می کنم تو را که نیست خدایی مگر تو به درستی که من هستم از جمله ستم کنندگان بر خود، و بدی و بر نفس خود ستم نمودم پس مرا بیامرز، به درستی که نمی آمرزد گناهان را کسی مگر تو و همه ستایش خدا را سزاوار است که پروردگار عالمیان است و نیست حرکتی و نه توانایی مگر به خدای بلند مرتبه بزرگ و رحمت فرستد خدا بر پیغمبر او محمّد و بر آل او و درود فرستد خدا بر ایشان درودی بسیار. - . مهج الدعوات: ۱۳۰-۱۲۹ -

**[ترجمه]

«۳۱»

وَ مِنْ ذَلِکَ، دُعَاءٌ آخَرُ لِمَوْلَانَا أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ عَلَّمَهُ أَیْضاً لِأُوَیْسٍ الْقَرَنِیِّ حَدَّثَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الدُّبَیْلِیُّ یَرْفَعُ الْحَدِیثَ إِلَی أُوَیْسٍ الْقَرَنِیِّ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ: مَا مِنْ عَبْدٍ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ.

وَ حَلَفَ النَّبِیُّ دَفَعَاتٍ کَثِیرَةً أَنَّهُ لَوْ دُعِیَ بِهِ عَلَی مَاءٍ جَارٍ لَسَکَنَ وَ لَوْ دَعَا بِهِ رَجُلٌ قَدْ بَلَغَ بِهِ الْجُوعُ وَ الْعَطَشُ لَأَطْعَمَهُ اللَّهُ وَ سَقَاهُ وَ لَوْ دَعَا بِهِ عَلَی جَبَلٍ أَنْ یَزُولَ مِنْ مَوْضِعِهِ لَزَالَ وَ لَوْ دَعَا بِهِ لِامْرَأَةٍ قَدْ عَسُرَ عَلَیْهَا وِلَادَتُهَا لَسَهَّلَ اللَّهُ عَلَیْهَا وِلَادَتَهَا

ص: ۳۹۱

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۲۹- ۱۳۰.

وَ لَوْ دَعَا بِهِ رَجُلٌ فِی مَدِینَهٍ وَ الْمَدِینَهُ تَحْتَرِقُ وَ مَنْزِلُهُ فِی وَسَطِهَا لَنَجَا وَ لَمْ یَحْتَرِقْ مَنْزِلُهُ وَ لَوْ دَعَا بِهِ رَجُلٌ أَرْبَعِینَ لَیْلَهً مِنْ لَیَالِی الْجُمَعِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ کُلَّ ذَنْبٍ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ الْآدَمِیِّینَ وَ مَا دَعَا بِهِ مَغْمُومٌ أَوْ مَهْمُومٌ إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ وَ مَا دَعَا بِهِ رَجُلٌ عَلَی سُلْطَانٍ جَائِرٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ تَعَالَی لَهُ فِیهِ وَ لَهُ شَرْحٌ طَوِیلٌ اقْتَصَرْنَا مِنْهُ الدُّعَاءَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ وَ لَا أَسْأَلُ غَیْرَکَ وَ أَرْغَبُ إِلَیْکَ وَ لَا أَرْغَبُ إِلَی غَیْرِکَ یَا أَمَانَ الْخَائِفِینَ وَ جَارَ الْمُسْتَجِیرِینَ أَنْتَ الْفَتَّاحُ ذُو الْخَیْرَاتِ مُقِیلُ الْعَثَرَاتِ مَاحِی السَّیِّئَاتِ وَ

کَاتِبُ الْحَسَنَاتِ وَ رَافِعُ الدَّرَجَاتِ أَسْأَلُکَ بِأَفْضَلِ الْمَسَائِلِ کُلِّهَا وَ أَنْجَحِهَا الَّتِی لَا یَنْبَغِی لِلْعِبَادِ أَنْ یَسْأَلُوکَ إِلَّا بِهَا یَا اللَّهُ یَا رَحْمَانُ وَ بِأَسْمَائِکَ الْحُسْنَی وَ بِأَمْثَالِکَ الْعُلْیَا وَ نِعَمِکَ الَّتِی لَا تُحْصَی وَ بِأَکْرَمِ أَسْمَائِکَ عَلَیْکَ وَ أَحَبِّهَا إِلَیْکَ وَ أَشْرَفِهَا عِنْدَکَ مَنْزِلَهً وَ أَقْرَبِهَا مِنْکَ وَسِیلَهً وَ أَجْزَلِهَا مَبْلَغاً وَ أَسْرَعِهَا مِنْکَ إِجَابَهً وَ بِاسْمِکَ الْمَخْزُونِ الْجَلِیلِ الْأَجَلِّ الْعَظِیمِ الَّذِی تُحِبُّهُ وَ تَرْضَاهُ وَ تَرْضَی عَمَّنْ دَعَاکَ بِهِ فَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَ حَقٌّ عَلَیْکَ أَلَّا تَحْرِمَ سَائِلَکَ وَ بِکُلِّ اسْمٍ هُوَ لَکَ فِی التَّوْرَاهِ وَ الْإِنْجِیلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ وَ بِکُلِّ اسْمٍ هُوَ لَکَ عَلَّمْتَهُ أَحَداً مِنْ خَلْقِکَ أَوْ لَمْ تُعَلِّمْهُ أَحَداً وَ بِکُلِّ اسْمٍ دَعَاکَ بِهِ حَمَلَهُ عَرْشِکَ وَ مَلَائِکَتُکَ وَ أَصْفِیَاؤُکَ مِنْ خَلْقِکَ وَ بِحَقِّ السَّائِلِینَ لَکَ وَ الرَّاغِبِینَ إِلَیْکَ وَ الْمُتَعَوِّذِینَ بِکَ وَ الْمُتَضَرِّعِینَ لَدَیْکَ وَ بِحَقِّ کُلِّ عَبْدٍ مُتَعَبِّدٍ لَکَ فِی بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ أَوْ سَهْلٍ أَوْ جَبَلٍ أَدْعُوکَ دُعَاءَ مَنْ قَدِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَ عَظُمَ جُرْمُهُ وَ أَشْرَفَ عَلَی الْهَلَکَهِ وَ ضَعُفَتْ قُوَّتُهُ وَ مَنْ لَا یَثِقُ بِشَیْ ءٍ مِنْ عَمَلِهِ وَ لَا یَجِدُ لِذَنْبِهِ غَافِراً غَیْرَکَ وَ لَا لِسَعْیِهِ شَاکِراً سِوَاکَ هَرَبْتُ مِنْکَ إِلَیْکَ مُعْتَرِفاً غَیْرَ مُسْتَنْکِفٍ وَ لَا مُسْتَکْبِرٍ عَنْ عِبَادَتِکَ یَا أُنْسَ کُلِّ فَقِیرٍ مُسْتَجِیرٍ أَسْأَلُکَ بِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ بَدِیعُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ ذُو الْجَلالِ وَ الْإِکْرامِ عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ الرَّحْمنُ الرَّحِیمُ أَنْتَ الرَّبُّ وَ أَنَا الْعَبْدُ وَ أَنْتَ الْمَالِکُ وَ أَنَا الْمَمْلُوکُ وَ أَنْتَ الْعَزِیزُ وَ أَنَا الذَّلِیلُ وَ أَنْتَ الْغَنِیُّ وَ أَنَا الْفَقِیرُ وَ أَنْتَ الْحَیُّ وَ أَنَا الْمَیِّتُ وَ أَنْتَ الْبَاقِی وَ أَنَا الْفَانِی وَ أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَ أَنَا الْمُسِی ءُ وَ أَنْتَ الْغَفُورُ وَ أَنَا الْمُذْنِبُ وَ أَنْتَ الرَّحِیمُ

وَ أَنَا الْخَاطِئُ وَ أَنْتَ الْخَالِقُ وَ أَنَا الْمَخْلُوقُ وَ أَنْتَ الْقَوِيُّ وَ أَنَا الضَّعِيفُ وَ أَنْتَ الْمُعْطِي وَ أَنَا السَّائِلُ وَ أَنْتَ الْأَمِينُ وَ أَنَا الْخَائِفُ وَ أَنْتَ الرَّازِقُ وَ أَنَا الْمَرْزُوقُ وَ أَنْتَ أَحَقُّ مَنْ شَكَوْتُ إِلَيْهِ وَ اسْتَغَثْتُ بِهِ وَ رَجَوْتُهُ لِأَنَّكَ كَمْ مِنْ مُذْنِبٍ قَدْ غَفَرْتَ لَهُ وَ كَمْ مِنْ مُسِي ءٍ قَدْ تَجَاوَزْتَ عَنْهُ فَاغْفِرْ لِي وَ تَجَاوَزْ عَنِّي وَ ارْحَمْنِي وَ عَافِنِي مِمَّا نَزَلَ بِي وَ لَا تَفْضَحْنِي بِمَا جَنَيْتُهُ عَلَى نَفْسِي وَ خُذْ بِيَدِي وَ بِيَدِ وَالِدَيَّ وَ وُلْدِي وَ ارْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ (۱).

**[ترجمه]و از آن جمله: دعای دیگر است از برای مولای ما حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام که این را نیز به اویس قرنی تعلیم نمود، ابو عبد الله دبیلی روایت نمود و سند آن را بالا برد تا اویس قرنی از حضرت امیر المؤمنین علیّ بن ابی طالب صلوات الله علیه که حضرت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمودند : بنده ای نیست که این دعا را بخواند مگر آن که خدای تعالی دعای او را مستجاب گرداند.

و پیغمبر چندین مرتبه سوگند یاد نمودند که اگر این دعا بر آب روان خوانده شود هر آینه می ایستد و اگر این دعا را شخصی بخواند که گرسنه یا تشنه باشد او را اطعام می نماید و سیراب می گرداند و اگر این دعا بر کوهی خوانده شود از جهت آن که از جای خود زایل شود، آن کوه از موضع خود زایل می شود و بر زنی اگر خوانده شود که دشوار زاید خدای تعالی زاییدن او را آسان می گرداندو اگر این دعا را شخصی در شهری بخواند و آن شهر بسوزد و خانه او در وسط آن شهر باشد، خانه آن شخص نجات یابد و منزل او را نخواهد سوخت، اگر این دعا را شخصی چهل شب جمعه بخواند خدای تعالی می آمرزد از برای او همه گناهانی که میان او و میان آدمیان باشد و این دعا را غمناکی و اندوهناکی نمی خواند مگر آنکه خدای تعالی او را از آن غم و اندوه نجات دهد و این دعا را شخصی بر پادشاه ظالمی نمی خواند مگر آن که خدای حاجت او را بر می آورد.برای این دعا شرح بسیار است که من به ذکر همین قدر اقتصار نمودم و دعا این است:

« به نام خدای بخشنده مهربان خداوندا من از تو می خواهم و از کسی غیر از تو درخواست نمی کنم و به سوی تو میگرایم و به غیر تو نمی گرایم، از تو می‌خواهم ای امان دهنده ترسندگان و پناه دهنده پناه آورندگان، تویی گشاینده امرهای مشکل، تویی صاحب احسان و خیرات، تویی تجاوزکننده از لغزش ها، تویی برطرف کننده گناهان، تویی ثواب دهنده نیکویی ها، تویی بلندکننده مرتبه ها، از تو برترین و کامیاب ترین درخواست ها را می خواهم که سزاوار نیست برای بندگان که تو را مسألت نمایند مگر به آنها، ای خدا، ای بخشنده و به حق نام های تو که نیکویند و به صفت های تو که بلندند و به حق نعمت های تو که شمرده نمی شوند و به گرامی ترین نام های تو و محبوب ترین آنها در نزد تو و شریفترین آنها نزد تو از روی مرتبه و نزدیکترین آنها از جانب تو از جهت وسیله و واسطه و به حق عظیم ترین آنها از جهت رسیدن به مقصود و زودترین آنها از جانب تو به بر آوردن مطلوب و به حق نام سپرده شدعظیم بزرگ تر بسیار بزرگ تو که آن را دوست می داری و به آن خشنودی و راضی می گردی از کسی که بخواند تو را به آن نام پس دعای او را برآوردی و واجب است بر تو که درخواست کننده خود را محروم نسازی.

و به حق هر نامی که آن از برای توست در تورات و انجیل و زبور و قرآن و به هر نامی که برای توست که آن را به احدی از آفریدگان خود تعلیم نمودی یا آن را به کسی نیاموختی و به حق هر نامی که بردارندگان عرش و فرشتگان تو و برگزیده های آفریدگانت تو را بدان خوانند و به حق سؤال کنندگان تو و گرایندگان به سوی تو و پناه برندگان به تو و زاری کنندگان نزد تو.

و به حق هر بنده عبادت کننده تو در صحرا و بیابان یا در دریا یا در زمین هموار یا در کوهستان تو را می خوانم همچون کسی که حاجت او سخت و بسیار است و تقصیر و گناه او بزرگ است و به هلاکت نزدیک است و توانایی او سست گشت و همچون کسی که به چیزی از کردار خود اعتماد ندارد و برای گناه خود آمرزنده ای غیر تو نمی یابد و برای سعی خود سپاسگزاری جز تو پیدا نمی کند از خوف عذاب تو به سوی تو گریختم در حالی که امتناع کننده و سرپیچنده از بندگی تو نیستم ای همراز هر درویش پناه آورنده از تو می خواهم به حق آنکه تو خدایی نیست خدایی مگر تو که رحم کننده و بخشنده و آفریننده آسمان ها و زمینی، تو صاحب عظمت و بخشنده، تو دانای غایب و حاضری بخشنده مهربانی.

تـویی پروردگـار و منم بنـده تـو و تـویی صـاحب و منم در اختیـار تو و تویی قوی و غـالب و منم خوار و ذلیـل و تویی توانگر و بی نیـاز و منم درویش و محتـاج و تویی زنـده و منم مرده و تویی بـاقی و منم از بین رونـده و تویی نیکوکار و منم بـدکار و تویی آمرزنـده و منم گناهکار و تویی رحم کننده و منم خطاکار و تویی آفریدگار و منم آفریده شده و تویی توانا و منم ناتوان و تویی بخشـنده و منم سؤال کننده و تویی امان دهنـده و منم ترسـنده و تویی روزی دهنـده و منم روزی داده شـده و تویی سـزاوارترین کسـی که شـکوه نمودم به سوی او و طلب فریادرسـی نمودم از او و امیدوارم از او از جهت آنکه چه بسا گناهکاری که او را آمرزیدی و چه بسا بدکاری که درگذشتی از تقصـیر او، پس بیامرز مرا و درگذر از تقصـیر من و رحـم نمای بر من و مرا از آنچه نازل شد به من سـلامتی ده و مرا به سبب آنچه ظلم نمودم بر نفس خود رسوا مکن و دست مرا و دست پـدر و مادر مرا و فرزند مرا بگیر و بر ما به شـفقت خود رحم کن ای صاحب بزرگی و بخشـش و ای رحم کننده ترین رحم کنندگان. - . مهج الدعوات: ۱۳۲-۱۳۰ -

**[ترجمه]

«۳۲»

ق، [الکتاب العتیق الغرویّ] مهج، [مهج الدعوات]: وَ مِنْ ذَلِکَ اعْتِصَامٌ وَ تَهْلِیلٌ وَ سُؤَالٌ لِمَوْلَانَا أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْبَاعِثُ الْوَارِثُ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْقَائِمُ عَلی کُلِّ نَفْسٍ بِما کَسَبَتْ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الَّذِی قَالَ لِلسَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ائْتِیا طَوْعاً أَوْ کَرْهاً قالَتا أَتَیْنا طائِعِینَ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمنُ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَوی یَعْلَمُ خائِنَةَ الْأَعْیُنِ وَ ما تُخْفِی الصُّدُورُ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ وَ ما بَیْنَهُما وَ ما تَحْتَ الثَّری اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ مَا یُرَی وَ مَا لَا یُرَی وَ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَی رَبِّ الْآخِرَهِ وَ الْأُولَی اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الَّذِی ذَلَّ کُلُّ شَیْ ءٍ لِمُلْکِهِ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الَّذِی خَضَعَ کُلُّ شَیْ ءٍ لِعِزَّتِهِ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الَّذِی هُوَ فِی عُلُوِّهِ دَانٍ وَ فِی دُنُوِّهِ عَالٍ وَ فِی سُلْطَانِهِ قَوِیٌّ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْبَدِیعُ الرَّفِیعُ الْحَیُّ الدَّائِمُ الْبَاقِی الَّذِی لَا یَزُولُ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الَّذِی لَا تَصِفُ الْأَلْسُنُ قُدْرَتَهُ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ الْقَدِیمُ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِی لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۳۰- ۱۳۲.

يَكَنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ الَّذِى لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ الْكَبِيرُ الْأَكْبَرُ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ الَّذِى لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ بِيَدِهِ الْخَيْرُ كُلُّهُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ الَّذِى لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُسَبِّحُ لَهُ ما فِى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قانِتُونَ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ الَّذِى لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْحَكِيمُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ الَّذِى لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِمَسْأَلَتِى وَ أَطْلُبُ إِلَيْكَ وَ أَنْتَ الْعَالِمُ بِحَاجَتِى وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَ أَنْتَ مُنْتَهَى رَغْبَتِى فَيَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ وَ سَامِكَ السَّمَاوَاتِ وَ رَافِعَ الْبَنِيَّاتِ وَ مَطْلَبَ الْحَاجَاتِ وَ مُعْطِيَ السُّؤُلَاتِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِى خَطِيئَتِى وَ إِسْرَافِى فِى أَمْرِى كُلِّهِ وَ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّى اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِى خَطَايَايَ وَ عَمْدِى وَ جَهْلِى وَ هَزْلِى وَ جِدِّى وَ كُلُّ ذَلِكَ عِنْدِى اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِى مَا قَدَّمْتُ وَ مَا أَخَّرْتُ وَ مَا أَسْرَرْتُ وَ مَا أَعْلَنْتُ أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَ أَنْتَ الْمُؤَخِّرُ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ.

إِنْ تَغْفِرِ اللَّهُمَّ تَغْفِرْ جَمّاً***وَ أَيُّ عَبْدٍ لَكَ إِلَّا لَمَّا

هَكَذَا وُجِدَ فِي الْأَصْلِ (۱).

**[ترجمه]العتیق الغروی، مهج الدعوات: و از آن جمله، دعای اعتصام و تهلیل و سؤال است از مولای ما امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه و دعا این است: چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او، زنده کننده و ارث برنده است همه خلایق را، چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او، پاینده است بر جزا دادن هر کسی به آنچه کسب نمود. چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او، که فرمود به آسمان ها و زمین که بیایید فرمان ما رادر حالی که باشید اطاعت کننده یا اکراه داشته شده گفتند که آمدیم در حالی که فرمان برداریم، چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او فرا نمی گیرد او را چرت و خوابی چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او و بخشنده و بر عرش مستولی و می داند راز بد نهانی و آنچه که پنهان کنند آن را سینه ها.

چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او از برای اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین و آنچه در ما بین هر دو و آنچه در زیر خاک است. چنگ زدم من به خدایی که نیست خدایی مگر او می بیند همه چیز را و دیده نمی شود و خدا در جایگاه دیدن بلند است پروردگار آخرت و دنیاست. چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او خوار است هر چیز نزد پادشاهی او.چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او پست است هر چیزی برای بزرگی او. چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او که در بلندی مرتبه خود نزدیک است و در نزدیکی خود بلند مرتبه است و در پادشاهی خود تواناست.

چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او آفریننده بلند مرتبه زنده همیشگی است باقی است که از بین نمی رود. چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او که تعریف نمی تواند کرد زبانها توانایی او را. چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او زنده پاینده است، فرا نمی گیرد او را سستی و نه خوابی.

چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او رحم کننده بخشنده دیرینه، صاحب بزرگی و کرم است. چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او یگانه یکتای بی همتای همیشگی است که نزایید و زاییده نشد و همتایی ندارد. چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او بخشنده ترین بخشندگان است بزرگ بزرگ تر است از آنکه به وصف آید، بلند مرتبه تر است.

چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او به دست قدرت اوست خوبی ها همه و او بر هر چیز تواناست. چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او تسبیح می کند برای او آنچه در آسمانها و زمین است همه فرمانبردار اویند. چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او زنده حکم کننده شنوای دانای بخشنده مهربان است. چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او بر او اعتماد نمودم و خدا پروردگار عرش بزرگ است.

به نام خدای بخشنده مهربان خداوندا همانا من از تو می‌خواهم و تو داناتری به حاجت من و طلب می کنم از تو و تو دانایی به مطلب من و

خواهش دارم به سوی تو و تو نهایت خواهش منی پس ای دانای پنهان ها و بلند گرداننده آسـمان ها و برطرف کننده بلاهاو محل طلب کردن حاجتها و بخشنده سؤال ها رحمت فرست بر محمّد که آخر پیغمبران است و بر آل او که پاکان و پاکیزگانند.

خداوندا بیامرز برای من گناهان مرا و اسراف مرا در همه امر من و آنچه که تو داناتری به آن از من، خداوندا بیامرز برای من گناهان ندانسته و دانسـته مرا و نادانی مرا و لهو مرا و سـعی نمودن مرا در کارهای بـد پس به درستی که این همه گناهان نزد من هست، خداوندا بیامرز برای من آنچه را که به جا آوردم پیش از این از گناهان و آنچه را که انجام می دهم بعـد از این و آنچه که پنهان کردم آن را و آنچه را آشـکار نمودم آن را. تویی پیش از همه چیز و تویی بعد از همه چیز و تو بر همه چیز توانایی.

إن تغفر اللّهمّ تغفر جمّا و ایُّ عَبد لکَ إلا لمّا - اگر می آمرزی خداوندا می آمرزی همه گناهان را و کدام بنده توست که گناهی نکرده باشد.

و در اصل، اینچنین بود. - . مهج الدعوات: ۱۶۸-۱۶۶ -

**[ترجمه]

«۳۳»

مهـج، [مهج الدعوات] رُوِیَ عَنْ جَمَاعَهٍ یُسْـنِدُونَ الْحَدِیثَ إِلَی الْحُسَـیْنِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السـلام قَالَ: کُنْتُ مَعَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السـلام فِی الطَّوَافِ فِی لَیْلَهٍ دَیْجُوجِیَّهٍ(۲)

قَلِیلَهِ النُّورِ وَ قَدْ خَلَا الطُّوَّافُ وَ نَامَ الزُّوَّارُ وَ هَدَأَتِ الْعُیُونُ إِذْ سَمِعَ مُسْتَغِیثاً مُسْتَجِیراً مُسْتَرْحِماً بِصَوْتٍ حَزِینٍ مَحْزُونٍ مِنْ قَلْبٍ مُوجَعٍ وَ هُوَ یَقُولُ:

یَا مَنْ یُجِیبُ دُعَا الْمُضْطَرِّ فِی الظُّلَمِ**یَا کَاشِفَ الضُّرِّ وَ الْبَلْوَی مَعَ السَّقَمِ

قَدْ نَامَ وَفْدُکَ حَوْلَ الْبَیْتِ وَ انْتَبَهُوا**یَدْعُو وَ عَیْنُکَ یَا قَیُّومُ لَمْ تَنَمْ

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۶۶- ۱۶۸، و لفظ الشعر« لا ألما» و ألم: ای قارف الذنب.

۲- ۲. أی مظلمه مع غیم لا تری نجما و لا قمرا.

هَبْ لِی بِجُودِکَ فَضْلَ الْعَفْوِ عَنْ جُرْمِی***یَا مَنْ أَشَارَ إِلَیْهِ الْخَلْقُ فِی الْحَرَمِ

إِنْ کَانَ عَفْوُکَ لَا یَلْقَاهُ ذُو سَرَفٍ***فَمَنْ یَجُودُ عَلَی الْعَاصِینَ بِالنِّعَمِ

قَالَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمَا فَقَالَ لِی یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَ سَمِعْتَ الْمُنَادِیَ ذَنْبَهُ الْمُسْتَغِیثَ رَبَّهُ فَقُلْتُ نَعَمْ قَدْ سَمِعْتُهُ فَقَالَ اعْتَبِرْهُ عَسَی تَرَاهُ فَمَا زِلْتُ أَخْتَبِطُ فِی طَخْیَاءِ الظَّلَام (۱) وَ أَتَخَلَّلُ بَیْنَ النِّیَامِ فَلَمَّا صِرْتُ بَیْنَ الرُّکْنِ وَ الْمَقَامِ بَدَا لِی شَخْصٌ مُنْتَصِبٌ فَتَأَمَّلْتُهُ فَإِذَا هُوَ قَائِمٌ فَقُلْتُ السَّلَامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْعَبْدُ الْمُقِرُّ الْمُسْتَقِیلُ الْمُسْتَغْفِرُ الْمُسْتَجِیرُ أَجِبْ بِاللَّهِ ابْنَ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله.

فَأَسْرَعَ فِی سُجُودِهِ وَ قُعُودِهِ وَ سَلَّمَ فَلَمْ یَتَکَلَّمْ حَتَّی أَشَارَ بِیَدِهِ بِأَنْ تَقَدَّمْنِی فَتَقَدَّمْتُهُ فَأَتَیْتُ بِهِ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فَقُلْتُ دُونَکَ هَا هُوَ فَنَظَرَ إِلَیْهِ فَإِذَا هُوَ شَابٌّ حَسَنُ الْوَجْهِ نَقِیُّ الثِّیَابِ فَقَالَ لَهُ مَنِ الرَّجُلُ فَقَالَ لَهُ مِنْ بَعْضِ الْعَرَبِ فَقَالَ لَهُ مَا حَالُکَ وَ مِمَّ بُکَاؤُکَ وَ اسْتِغَاثَتُکَ فَقَالَ مَا حَالُ مَنْ أُوخِذَ بِالْعُقُوقِ فَهُوَ فِی ضِیقٍ ارْتَهَنَهُ الْمُصَابُ وَ غَمَرَهُ الِاکْتِئَابُ فَارْتَابَ (۲)

فَدُعَاؤُهُ لَا یُسْتَجَابُ فَقَالَ لَهُ عَلِیٌّ وَ لِمَ ذَلِکَ فَقَالَ لِأَنِّی کُنْتُ مُلْتَهِیاً فِی الْعَرَبِ بِاللَّعْبِ وَ الطَّرَبِ أُدِیمُ الْعِصْیَانَ فِی رَجَبٍ وَ شَعْبَانَ وَ مَا أُرَاقِبُ الرَّحْمَنَ وَ کَانَ لِی وَالِدٌ شَفِیقٌ رَفِیقٌ یُحَذِّرُنِی مَصَارِعَ الْحَدَثَانِ وَ یُخَوِّفُنِی الْعِقَابَ بِالنِّیرَانِ وَ یَقُولُ کَمْ ضَجَّ مِنْکَ النَّهَارُ وَ الظَّلَامُ وَ اللَّیَالِی وَ الْأَیَّامُ وَ الشُّهُورُ وَ الْأَعْوَامُ وَ الْمَلَائِکَةُ الْکِرَامُ وَ کَانَ إِذَا أَلَحَّ عَلَیَّ بِالْوَعْظِ زَجَرْتُهُ وَ انْتَهَرْتُهُ وَ وَثَبْتُ عَلَیْهِ وَ ضَرَبْتُهُ فَعَمَدْتُ یَوْماً إِلَی شَیْ ءٍ مِنَ الْوَرِقِ فَکَانَتْ فِی الْخِبَاءِ(۳)

فَذَهَبْتُ لِآخُذَهَا وَ أَصْرِفَهَا فِیمَا کُنْتُ عَلَیْهِ فَمَانَعَنِی عَنْ أَخْذِهَا فَأَوْجَعْتُهُ ضَرْباً وَ لَوَیْتُ یَدَهُ وَ أَخَذْتُهَا وَ مَضَیْتُ فَأَوْمَأَ بِیَدِهِ إِلَی رُکْبَتَیْهِ یَرُومُ النُّهُوضَ مِنْ مَکَانِهِ ذَلِکَ فَلَمْ یُطِقْ یُحَرِّکُهَا مِنْ شِدَّهِ الْوَجَعِ وَ الْأَلَمِ فَأَنْشَأَ یَقُولُ:

۱- ۱. یعنی سواد اللیل الشدید الظلمه.

۲- ۲. فان تاب خ.

۳- ۳. الورق: الدراهم المضروبه، و الخباء: کن یعمل من وبر أو صوف أو شعر للسکنی فی البادیه.

جَرَتْ رَحِمٌ بَيْنِي وَ بَيْنَ مُنَازِلٍ***سَوَاءً كَمَا يَسْتَنْزِلُ الْقَطْرَ طَالِبُهُ (۱)

وَ رَبَّيْتُ حَتَّى صَارَ جَلْداً شَمَرْدَلًا***إِذَا قَامَ سَاوَى غَارِبَ الْعِجْلِ غَارِبُهُ (۲)

وَ قَدْ كُنْتُ أُوتِيهِ مِنَ الزَّادِ فِي الصِّبَا***إِذَا جَاعَ مِنْهُ صَفْوُهُ وَ أَطَايِبُهُ (۳)

فَلَمَّا اسْتَوَى فِي عُنْفُوَانِ شَبَابِهِ***وَ أَصْبَحَ كَالرُّمْحِ الرُّدَيْنِيِّ خَاطِبُهُ (۴)

تَهَضَّمَنِي مَالِي كَذَا وَ لَوَى يَدِي***لَوَى يَدَهُ اللَّهُ الَّذِي هُوَ غَالِبُهُ (۵)

ثُمَّ حَلَفَ بِاللَّهِ لَيَقْدَمَنَّ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ فَيَسْتَعْدِيَ اللَّهَ (۶)

عَلَيَّ فَصَامَ أَسَابِيعَ وَ صَلَّى رَكَعَاتٍ وَ دَعَا وَ خَرَجَ مُتَوَجِّهاً عَلَى عَيْرَانِهِ(۷) يَقْطَعُ بِالسَّيْرِ

۱- ۱. منازل: اسم ولده هذا المستغيث، ذكر القصه فی هامش مصباح الكفعمیّ ص ۲۶۰ و فيه: فقال عليه السلام: ما اسمك؟ قال: منازل بن لاحق الشيبانی، و أنا ممن ابتلی بالعقوق و أضاع الحقوق».

۲- ۲. الجلد:- بفتح و سكون- الشديد القوی، و الشمردل: الطويل، الحسن الخلق و الغارب: الكاهل، و العجل معروف، و فی المصدر المطبوع: الفحل، و هو الذكر من كل حيوان، يعنی أنّه صار طويلا بحيث ساوی كاهله كاهل الفحل أو العجل.

۳- ۳. الاطايب جمع أطيب و هو أحسن الاطعمه و أفضلها و الصفو: الخالص و الخيار من كل شی ء.

۴- ۴. الردينی: الرمح المنسوب الی ردينه، اسم امرأه كانت تقوم الرماح، و زعموا أنها امرأه السمهری كانا يقومان القنا بخط هجر، و الخاطب: الذی يخطب و لعلّ المراد منه- بقرينه الإضافه- اللسان، يعنی أن لسانه كالرمح فی الطول و الحده و الذرابه، و إذا خصصنا الخاطب بالذی يخطب النساء للتزويج، كان له معنی آخر.

۵- ۵. تهضمه: أی كسره و حطمه و ظلمه، و لوی يده: أی فتله و ثناه بحيث أعجزه عن الدفاع.

۶- ۶. استعدی عليه: استغاثه و استنصره، يقال: استعديت علی فلان الامير فأعدانی أی استعنت به عليه فأعاننی علی عدوی.

۷- ۷. العيرانه من الإبل: التی تشبه العير فی سرعتها و نشاطها.

عَرْضَ الْفَلَاهِ وَ يَطْوِی الْأَوْدِیَهَ وَ یَعْلُو الْجِبَالَ حَتَّی قَدِمَ مَکَّهَ یَوْمَ الْحَجِّ الْأَکْبَرِ فَنَزَلَ عَنْ رَاحِلَتِهِ وَ أَقْبَلَ إِلَی بَیْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ فَسَعَی وَ طَافَ بِهِ وَ تَعَلَّقَ بِأَسْتَارِهِ وَ ابْتَهَلَ بِدُعَائِهِ وَ أَنْشَأَ یَقُولُ:

یَا مَنْ إِلَیْهِ أَتَی الْحُجَّاجُ بِالْجُهْدِ***فَوْقَ الْمِهَادِ مِنْ أَقْصَی غَایَهِ الْبُعْدِ(۱)

إِنِّی أَتَیْتُکَ یَا مَنْ لَا یُخَیِّبُ مَنْ***یَدْعُوهُ مُبْتَهِلًا بِالْوَاحِدِ الصَّمَدِ

هَذَا مُنَازِلٌ مَنْ یَرْتَاعُ مِنْ عُقَقِی***فَخُذْ بِحَقِّی یَا جَبَّارُ مِنْ وَلَدِی (۲)

حَتَّی تُشِلَّ بِعَوْنٍ مِنْکَ جَانِبَهُ***یَا مَنْ تَقَدَّسَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَلِدْ

قَالَ فَوَ الَّذِی سَمَکَ السَّمَاءَ وَ أَنْبَعَ الْمَاءَ مَا اسْتَتَمَّ دُعَاءَهُ حَتَّی نَزَلَ بِی مَا تَرَی ثُمَّ کَشَفَ عَنْ یَمِینِهِ فَإِذَا بِجَانِبِهِ قَدْ شَلَّ فَأَنَا مُنْذُ ثَلَاثِ سِنِینَ أَطْلُبُ إِلَیْهِ أَنْ یَدْعُوَ لِی فِی الْمَوْضِعِ الَّذِی دَعَا بِهِ عَلَیَّ فَلَمْ یُجِبْنِی حَتَّی إِذَا کَانَ الْعَامُ أَنْعَمَ عَلَیَّ فَخَرَجْتُ بِهِ عَلَی نَاقَهٍ عُشَرَاءَ(۳) أُجِدُّ السَّیْرَ حَثِیثاً رَجَاءَ الْعَافِیَهِ حَتَّی إِذَا کُنَّا عَلَی الْأَرَاکِ وَ حَطْمَهِ وَادِی السِّیَاکِ (۴) نَفَرَ طَائِرٌ فِی اللَّیْلِ فَنَفَرَتْ مِنْهُ النَّاقَهُ الَّتِی کَانَ عَلَیْهَا فَأَلْقَتْهُ

---

۱ - ۱. المهاد: الفراش، و الوطاء یمهد علی البعیر، و فی المصدر: المهار، و هو جمع مهر بالضم ولد الفرس، و فی کل النسخ بزیاده الیاء« المهادی» و« المهاری»، و لیس بصحیح.

۲- ۲. منازل اسم هذا الرجل الراوی کما تقدم و لذا یقول:« هذا منازل» و فی طبعه المصدر التی عندنا« من یرتاع» کما فی المتن، و هو تصحیف نشأ من سوء فهم الکتاب فانهم ظنوا أن« منازل» جمع منزل فبدلوا قوله« هذا منازل لا یرتاع من عققی» کما فی طبعه أخری من المصدر بقولهم« هذا منازل من یرتاع من عققی». فعمی علیهم المعنی.

۳- ۳. العشراء- کالنفساء- من النوق: التی مضت لحملها عشره أشهر.

۴ - ۴. الاراک: واد قرب مکّه قاله فی المراصد، و فی القاموس:« موضع بعرفات قرب نمره» و الاراک شجر من الحمض،- یستاک به، و لعلّ الموضع لکثره شجر الاراک فیه سمی بالاراک. و المراد بوادی السیاک، هو ذلک الوادی نفسه، سماه وادی السیاک لاتخاذهم السواک و السیاک من ذلک الموضع، و حطمه الوادی: مواضعه المتکسره، أو هو خطمه الوادی: یعنی أنفه و أعلاه.

إِلَى قَرَارِ الْوَادِي فَارْفَضَّ بَيْنَ الْحَجَرَيْنِ (۱) فَقَبَرْتُهُ هُنَاكَ وَ أَعْظَمُ مِنْ ذَلِكَ أَنِّي لَا أَعْرِفُ إِلَّا الْمَأْخُوذَ بِدَعْوَةِ أَبِيهِ.

فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَتَاكَ الْغَوْثُ أَتَاكَ الْغَوْثُ أَ لَا أُعَلِّمُكَ دُعَاءً عَلَّمَنِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ فِيهِ اسْمُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ الْأَعْظَمُ الْعَزِيزُ الْأَكْرَمُ الَّذِي يُجِيبُ بِهِ مَنْ دَعَاهُ وَ يُعْطِي بِهِ مَنْ سَأَلَهُ وَ يُفَرِّجُ بِهِ الْهَمَّ وَ يَكْشِفُ بِهِ الْكَرْبَ وَ يُذْهِبُ بِهِ الْغَمَّ وَ يُبْرِئُ بِهِ السُّقْمَ وَ يَجْبُرُ بِهِ الْكَسِيرَ وَ يُغْنِي بِهِ الْفَقِيرَ وَ يَقْضِي بِهِ الدَّيْنَ وَ يَرُدُّ بِهِ الْعَيْنَ وَ يَغْفِرُ بِهِ الذُّنُوبَ وَ يَسْتُرُ بِهِ الْعُيُوبَ وَ يُؤْمِنُ بِهِ كُلَّ خَائِفٍ مِنْ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ لَوْ دَعَا بِهِ طَائِعٌ لِلَّهِ عَلَى جَبَلٍ لَزَالَ مِنْ مَكَانِهِ أَوْ عَلَى مَيِّتٍ لَأَحْيَاهُ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهِ وَ لَوْ دَعَا بِهِ عَلَى الْمَاءِ لَمَشَى عَلَيْهِ بَعْدَ أَنْ لَا يَدْخُلَهُ الْعُجْبُ فَاتَّقِ اللَّهَ أَيُّهَا الرَّجُلُ فَقَدْ أَدْرَكَتْنِي الرَّحْمَةُ لَكَ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مِنْكَ صِدْقَ النِّيَّةِ أَنَّكَ لَا تَدْعُو بِهِ فِي مَعْصِيَةٍ وَ لَا تُفِيدُهُ إِلَّا لِثِقَةٍ فِي دِينِكَ فَإِنْ أَخْلَصْتَ فِيهِ النِّيَّةَ اسْتَجَابَ اللَّهُ لَكَ وَ رَأَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً صلى الله عليه و آله فِي مَنَامِكَ يُبَشِّرُكَ بِالْجَنَّةِ وَ الْإِجَابَةِ.

قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليهما السلام فَكَانَ سُرُورِي بِفَائِدَةِ الدُّعَاءِ أَشَدَّ مِنْ سُرُورِ الرَّجُلِ بِعَافِيَتِهِ وَ مَا نَزَلَ بِهِ لِأَنَّنِي لَمْ أَكُنْ سَمِعْتُهُ مِنْهُ وَ لَا عَرَفْتُ هَذَا الدُّعَاءَ قَبْلَ ذَلِكَ ثُمَّ قَالَ آتِنِي بِدَوَاةٍ وَ بَيَاضٍ وَ اكْتُبْ مَا أُمْلِيهِ عَلَيْكَ فَفَعَلْتُ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ وَ لَا كَيْفَ هُوَ وَ لَا أَيْنَ هُوَ وَ لَا حَيْثُ هُوَ إِلَّا هُوَ يَا ذَا الْمُلْكِ وَ الْمَلَكُوتِ يَا ذَا الْعِزَّةِ وَ الْجَبَرُوتِ يَا مَلِكُ يَا قُدُّوسُ يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيْمِنُ يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا خَالِقُ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ يَا مُفِيدُ يَا وَدُودُ يَا بَعِيدُ يَا قَرِيبُ يَا مُجِيبُ يَا رَقِيبُ يَا حَسِيبُ يَا بَدِيعُ يَا رَفِيعُ يَا مَنِيعُ

۱- ۱. ارفض: أی تبدد و تفرق اجزاؤه المتلاشیه و قوله« بین الحجرین» مفهومه واضح غیر أنّه لا وجه لتعریف« الحجرین» و لعله کان« الحجزین» یعنی طرفی الوادی، فیکون تأکیدا لقوله: قرار الوادی.

يَا سَمِيعُ يَا عَلِيمُ يَا حَكِيمُ يَا كَرِيمُ يَا حَلِيمُ يَا قَدِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَلِيُّ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا دَيَّانُ يَا مُسْتَعَانُ يَا جَلِيلُ يَا جَمِيلُ يَا وَكِيلُ يَا كَفِيلُ يَا مُقِيلُ يَا مُنِيلُ يَا نَبِيلُ يَا دَلِيلُ يَا هَادِي يَا بَادِي يَا أَوَّلُ يَا آخِرُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا حَاكِمُ يَا قَاضِي يَا عَادِلُ يَا فَاضِلُ يَا وَاصِلُ يَا طَاهِرُ يَا مُطَهِّرُ يَا قَادِرُ يَا مُقْتَدِرُ يَا كَبِيرُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَ لَا كَانَ مَعَهُ وَزِيرٌ وَ لَا اتَّخَذَ مَعَهُ مُشِيراً وَ لَا احْتَاجَ إِلَى ظَهِيرٍ وَ لَا كَانَ مَعَهُ إِلَهٌ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الْجَاحِدُونَ الْجَاهِلُونَ عُلُوّاً كَبِيراً يَا عَالِمُ يَا شَامِخُ يَا بَاذِخُ يَا فَتَّاحُ يَا مُفَرِّجُ يَا نَاصِرُ يَا مُنْتَصِرُ يَا مُهْلِكُ يَا مُنْتَقِمُ يَا بَاعِثُ يَا وَارِثُ يَا أَوَّلُ يَا آخِرُ يَا طَالِبُ يَا غَالِبُ يَا مَنْ لَا يَفُوتُهُ هَارِبٌ يَا تَوَّابُ يَا أَوَّابُ يَا وَهَّابُ يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ يَا مُفَتِّحَ الْأَبْوَابِ يَا مَنْ حَيْثُ مَا دُعِيَ أَجَابَ يَا طَهُورُ يَا شَكُورُ يَا عَفُوُّ يَا غَفُورُ يَا نُورَ النُّورِ يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ يَا لَطِيفُ يَا خَبِيرُ يَا مُتَجَبِّرُ يَا مُنِيرُ يَا بَصِيرُ يَا ظَهِيرُ يَا كَبِيرُ يَا وَتْرُ يَا فَرْدُ يَا صَمَدُ يَا سَنَدُ يَا كَافِي يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُعَافِي يَا مُنْعِمُ يَا مُتَفَضِّلُ يَا مُتَكَرِّمُ يَا مُتَفَرِّدُ يَا مَنْ عَلَا فَقَهَرَ وَ يَا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ وَ يَا مَنْ بَطَنَ فَخَبَرَ وَ يَا مَنْ عُبِدَ فَشَكَرَ وَ يَا مَنْ عُصِيَ فَغَفَرَ وَ سَتَرَ يَا مَنْ لَا تَحْوِيهِ الْفِكَرُ وَ لَا يُدْرِكُهُ بَصَرٌ وَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَثَرٌ يَا رَازِقَ الْبَشَرِ وَ يَا مُقَدِّرَ كُلِّ قَدَرٍ يَا عَالِيَ الْمَكَانِ يَا شَدِيدَ الْأَرْكَانِ وَ يَا مُبَدِّلَ الزَّمَانِ يَا قَابِلَ الْقُرْبَانِ يَا ذَا الْمَنِّ وَ الْإِحْسَانِ يَا ذَا الْعِزَّةِ وَ السُّلْطَانِ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَانُ يَا عَظِيمَ الشَّأْنِ يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ يَا مُنْجِحَ الطَّلِبَاتِ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ يَا مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ يَا رَاحِمَ الْعَبَرَاتِ يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ يَا كَاشِفَ الْكُرُبَاتِ يَا وَلِيَّ الْحَسَنَاتِ يَا رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ يَا مُعْطِيَ السُّؤُلَاتِ يَا مُحْيِيَ الْأَمْوَاتِ يَا مُطَّلِعُ

عَلَى النِّيَّاتِ يَا رَادَّ مَا قَدْ فَاتَ يَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ يَا مَنْ لَا تُضْجِرُهُ الْمَسْأَلَاتُ وَ لَا تَغْشَاهُ الظُّلُمَاتُ يَا نُورَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتِ يَا سَابِغَ النِّعَمِ يَا دَافِعَ النِّقَمِ يَا بَارِئَ النَّسَمِ يَا جَامِعَ الْأُمَمِ يَا شَافِيَ السَّقَمِ يَا خَالِقَ النُّورِ وَ الظُّلَمِ يَا ذَا الْجُودِ وَ الْكَرَمِ يَا مَنْ لَا يَطَأُ عَرْشَهُ قَدَمٌ يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ يَا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ يَا ظَهِيرَ اللَّاجِينَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ يَا صَاحِبَ كُلِّ قَرِيبٍ يَا مُونِسَ كُلِّ وَحِيدٍ يَا مَلْجَأَ كُلِّ طَرِيدٍ يَا مَأْوَى كُلِّ شَرِيدٍ يَا حَافِظَ كُلِّ ضَالَّةٍ يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ يَا فَاكَّ كُلِّ أَسِيرٍ يَا مُغْنِيَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ يَا مَنْ لَهُ التَّدْبِيرُ وَ التَّقْدِيرُ يَا مَنِ الْعَسِيرُ عَلَيْهِ يَسِيرٌ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى تَفْسِيرٍ يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْ ءٍ خَبِيرٌ يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْ ءٍ بَصِيرٌ يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ يَا مُرْسِلَ الرِّيَاحِ يَا فَالِقَ الْإِصْبَاحِ يَا بَاعِثَ الْأَرْوَاحِ يَا ذَا الْجُودِ وَ السَّمَاحِ يَا مَنْ بِيَدِهِ كُلُّ مِفْتَاحٍ يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ يَا سَابِقَ كُلِّ فَوْتٍ يَا مُحْيِيَ كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي يَا حَافِظِي فِي غُرْبَتِي يَا مُونِسِي فِي وَحْدَتِي يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي يَا كَنَفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ وَ تُسَلِّمُنِي الْأَقَارِبُ وَ يَخْذُلُنِي كُلُّ صَاحِبٍ يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ يَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ يَا كَهْفَ مَنْ لَا كَهْفَ لَهُ يَا رُكْنَ مَنْ لَا رُكْنَ لَهُ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ يَا جَارَ مَنْ لَا جَارَ لَهُ يَا جَارِيَ اللَّصِيقَ يَا رُكْنِيَ الْوَثِيقَ يَا إِلَهِي بِالتَّحْقِيقِ يَا رَبَّ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ يَا شَفِيقُ يَا رَفِيقُ فُكَّنِي مِنْ حَلَقِ الْمَضِيقِ وَ اصْرِفْ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَ غَمٍّ وَ ضِيقٍ وَ اكْفِنِي شَرَّ مَا لَا أُطِيقُ يَا رَادَّ يُوسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ يَا كَاشِفَ ضُرِّ أَيُّوبَ يَا غَافِرَ ذَنْبِ دَاوُدَ يَا

رَافِعَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مِنْ أَيْدِي الْيَهُودِ يَا مُجِيبَ نِدَاءِ يُونُسَ فِي الظُّلُمَاتِ يَا مُصْطَفِيَ مُوسَى بِالْكَلِمَاتِ يَا مَنْ غَفَرَ لِآدَمَ خَطِيئَتَهُ وَ رَفَعَ إِدْرِيسَ بِرَحْمَتِهِ يَا مَنْ نَجَّى نُوحاً مِنَ الْغَرَقِ يَا مَنْ أَهْلَكَ عاداً الْأُولى وَ ثَمُودَ فَما أَبْقى وَ قَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَ أَطْغى وَ الْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوى يَا مَنْ دَمَّرَ عَلَى قَوْمِ لُوطٍ وَ دَمْدَمَ عَلَى قَوْمِ شُعَيْبٍ يَا مَنِ اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا يَا مَنِ اتَّخَذَ مُوسَى كَلِيماً وَ اتَّخَذَ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ خَلِيلًا وَ حَبِيباً يَا مُؤْتِيَ لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ وَ الْوَاهِبَ سُلَيْمَانَ مُلْكاً لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ يَا مَنْ نَصَرَ ذَا الْقَرْنَيْنِ عَلَى الْمُلُوكِ الْجَبَابِرَةِ يَا مَنْ أَعْطَى الْخَضِرَ الْحَيَاةَ وَ رَدَّ لِيُوشَعَ نُورَ الشَّمْسِ بَعْدَ غُرُوبِهَا يَا مَنْ رَبَطَ عَلَى قَلْبِ أُمِّ مُوسَى وَ أَحْصَنَ فَرْجَ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ يَا مَنْ حَصَّنَ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا مِنَ الذَّنْبِ وَ سَكَّتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبَ يَا مَنْ بَشَّرَ زَكَرِيَّا بِيَحْيَى يَا مَنْ فَدَّى إِسْمَاعِيلَ مِنَ الذَّبْحِ يَا مَنْ قَبِلَ قُرْبَانَ هَابِيلَ وَ جَعَلَ اللَّعْنَةَ عَلَى قَابِيلَ يَا هَازِمَ الْأَحْزَابِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ وَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ مَسْأَلَةٍ سَأَلَكَ بِهَا أَحَدٌ مِمَّنْ رَضِيتَ عَنْهُ فَحَتَمْتَ لَهُ عَلَى الْإِجَابَةِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ بِهِ بِهِ بِهِ بِهِ بِهِ بِهِ بِهِ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي شَيْ ءٍ مِنْ كُتُبِكَ أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَ بِمَا لَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَ الْبَحْرَ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ وَ أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى الَّتِي بَيَّنْتَهَا فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ وَ لِلَّهِ الْأَسْماءُ الْحُسْنى فَادْعُوهُ بِها وَ قُلْتَ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ وَ قُلْتَ وَ إِذا سَأَلَكَ عِبادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ

أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذا دَعانِ وَ قُلْتَ يا عِبادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلى أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ أَنَا أَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَ أَطْمَعُ فِي إِجَابَتِي يَا مَوْلَايَ كَمَا وَعَدْتَنِي وَ قَدْ دَعَوْتُكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَافْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا وَ تَسْأَلُ اللَّهَ تَعَالَى

مَا أَحْبَبْتَ وَ تُسَمِّي حَاجَتَكَ وَ لَا تَدْعُ بِهِ إِلَّا وَ أَنْتَ طَاهِرٌ ثُمَّ قَالَ لِلْفَتَى إِذَا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الْعَاشِرَةُ فَادْعُ بِهِ وَ أْتِنِي مِنْ غَدٍ بِالْخَبَرِ قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليهم السلام وَ أَخَذَ الْفَتَى الْكِتَابَ وَ مَضَى فَلَمَّا كَانَ مِنْ غَدٍ مَا أَصْبَحْنَا حِيناً حَتَّى أَتَى الْفَتَى إِلَيْنَا سَلِيماً مُعَافًى وَ الْكِتَابُ بِيَدِهِ وَ هُوَ يَقُولُ هَذَا وَ اللَّهِ الِاسْمُ الْأَعْظَمُ اسْتُجِيبَ لِي وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ قَالَ لَهُ عَلِيٌّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ حَدِّثْنِي قَالَ لَمَّا هَدَأَتِ الْعُيُونُ بِالرُّقَادِ وَ اسْتَحْلَكَ جِلْبَابُ اللَّيْلِ (۱)

رَفَعْتُ يَدِي بِالْكِتَابِ وَ دَعَوْتُ اللَّهَ بِحَقِّهِ مِرَاراً فَأُجِبْتُ فِي الثَّانِيَةِ حَسْبُكَ فَقَدْ دَعَوْتَ اللَّهَ بِاسْمِهِ الْأَعْظَمِ ثُمَّ اضْطَجَعْتُ فَرَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِي مَنَامِي وَ قَدْ مَسَحَ يَدَهُ الشَّرِيفَةَ عَلَيَّ وَ هُوَ يَقُولُ احْتَفِظْ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ فَإِنَّكَ عَلَى خَيْرٍ فَانْتَبَهْتُ مُعَافًى كَمَا تَرَى فَجَزَاكَ اللَّهُ خَيْراً(۲).

**[ترجمه]مهج الدعوات: از جماعتی مروی است که سند آن را به حضرت امام حسین علیه السّلام رساندند که فرمودند: من با پدر خود علیّ بن ابی طالب علیه السّلام در شبی تاریک مشغول به طواف کعبه معظّمه بودم و هیچ کس در طواف نبود و جماعت زوّار خوابیده بودند و همه چشم ها در خواب بود که ناگاه آواز ناله شخصی را شنیدیم که به خانه کعبه پناه آورده طلب فریادرسی می نمود و به آواز بسیار حزینی از دل پر درد می نالید و زاری می نمود و این شعر را می خواند:

- ای کسی که بر می آورد دعای بیچارگان را در شب تاریک. ای برطرف کننده آزار و بلاها با بیماریها

- به خواب رفتند فرود آمده های به سوی تو در دور خانه تو و بیدار شدند می خواند تو را و حال آنکه چشم تو ای پاینده به خواب نرفت.

خدایا ببخش به من به کرم خود زیادتی در گذشتن از گناه من. ای کسی که اشاره نمودند به سوی او آفریدگان در حرم.

- اگر گذشت تو نرسد به آن صاحب تقصیر، پس کیست که با نعمتها بر گناهکاران بخشش نماید.

حضرت امام حسین علیه السّلام فرمودند که پدرم به من فرمودند: ای ابا عبد الله آیا آواز ناله این شخص را شنیدی که از گناه خود می نالد و از پروردگار خود طلب فریادرسی می نماید؟ گفتم: بلی شنیدم، پس فرمودند که: ملاحظه کن و آن شخص را بجوی شاید او را ببینی. امام حسین علیه السّلام فرمودند: من در آن شب تاریک گشتم و در میان خوابیده ها او را می جستم پس چون به میان رکن عراقی و مقام ابراهیم علیه السّلام رسیدم، شخصی را دیدم که به نماز ایستاد. پس گفتم که سلام بر تو ای بنده خدا که اقرار به گناه خود داری و پناه به خدای خود آوردی و آمرزش گناهان خود از خدای تعالی طلب می کنی، بیا به نزد پسر عموی پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله که او ترا می طلبد.

پس در سجود شتاب نمود و تشهّد و سلام داد و سخن نگفت و اشاره نمود که تو در پیش باش. پس من پیش افتادم و آن شخص در عقب من آمد تا آنکه به خدمت حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام آمدیم. پس من گفتم: این است آن شخص که ناله می کرد. پس امیر المؤمنین علیه السّلام نگاه کردند، دیدند که آن شخص جوانی است بسیار خوش روی که جامه های بسیار پاکیزه پوشیده بود. پس فرمودند که: ای جوان تو از کدام قبیله ای؟ گفت: از بعضی از اعراب. پس فرمودند که: حال تو چیست و از چه جهت گریه می نمودی و زاری تو از بهر چیست؟ آن جوان گفت که: چه نحو خواهد بود حال کسی که عاق پدر خود گشته باشد و با او بی ادبی نموده باشد و گرفتار به تنگی و انواع بلاها و اقسام مصیبتها شده باشد، او را حسرت و ناامیدی فرو گرفته باشد و دعای او مستجاب نگردد. پس حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام فرمودند: از چه جهت حال تو چنین شد؟ آن جوان گفت: به درستی که من در میان قبیله خود پیوسته به لهو و لعب مشهور بودم و دائما به نافرمانی و طرب مشغول بودم و همیشه در ماه رجب و شعبان مرتکب نامشروع و عصیان می شدم و هیچ ملاحظه نمی نمودم و پروایی از ترس خدا نداشتم و مرا پدری بسیار مهربان بود که مرا از افتادن در مصیبت های دنیوی منع می نمود و مرا از عقوبت و عذاب آتش اخروی می ترسانید و می گفت: چه بسا که از تو روزها و شبها شکوه نماید و از دست تو ماهها و سالها فریاد برآورد و از گناهان تو فرشتگان گرامی به تنگ آیند. چند چنین کارها کنی و چرا مرتکب این قدر گناهان شوی و هر گاه پدرم در نصیحت الحاح می نمود و در موعظه من مبالغه می کرد او را منع و آزار می نمودم و بر او حمله می کردم و او را می زدم. پس روزی از او زری را طلبیدم که آن را از من پنهان نموده بود، پس چون آن را مضائقه نمود، من خود رفتم که بردارم و آن را در مصارفی صرف کنم که همیشه مشغول به آن بودم. پس چون خواست که مرا ممانعات

نمایـد و نگـذارد کـه من آن را بردارم پس من پـدر خـود را زدم و دست او را پیچیـدم و آن زر را از دست او بیرون آوردم و رفتم. پس چـون پـدرم خواست که از عقب من آیـد، دست های خود را بر زانوی گـذارد که از جای برخیزد از بسـیاری آزار و شـدّت دردی که به او رسانیده بودم نتوانست که از جای خود حرکت نماید، پس این شعرها را خواند:

– جاری شد خویشی میان من و میان هم خانه من، مساوی است همچنان که طلب کننده باران طلب فرود آمدن باران می کند.

– و پروریدم او را تا آنکه قوی هیکل گردید مثل شتر بزرگ، به نحوی که هر گاه می ایستاد دوش او مساوی با کوهان شتر بود.

– و من بودم که در زمان کودکی‌اش به او خوردنی می دادم هر گاه گرسنه می شد، پاکیزه ترین و نیکوترین خوردنی‌ها را.

– پس چون به کمال رسید در اوّل جوانی خود/ و قامت او مثل نیزه ردینی گردید.

– بر من ستم نمود و دست مراپیچید، دست او را خدا بپیچاند که خداوند غالب بر اوست .

پس پـدرم به خـدا سوگنـد یاد نمود که به سوی خانه خـدا رود و شـکوه من نمایـد و بر من نفرین کنـد. پس چنـد روز روزه گرفت و چنـدین رکعت نماز گزارد و نفرین نمود و بر شتر خود سوار شد و بیرون رفت و بیابانها پیمود و طی رودخانه ها کرد و بر کوهها بالا رفت و پایین آمد تا آنکه در روز حج اکبر به مکه معظّمه رسـید پس از شتر خود پایین آمد متوجّه خانه خدا گردید و طواف خانه نمود و سعی صفا و مروه کرد و بعـد از آن به مسـجد الحرام آمـده به پرده هـای خانه کعبه چسبیـد و خود را به آن آویخت و به خـدای تعالی زاری نمود و نفرین کرد و این اشعار را خواند:

– ای کسی که حاجیان با مشقّت به سوی او آمدند، سوار بر بالای شتران از بلاد دور در نهایت دوری.

– من نزد تو آمده‌ام، ای کسی که ناامید نمی کند کسی را که او را با زاری به – درگاه – خدای یکتا بخواند.

– این منازل کسی است که می ترسد از عاق شدن از من/ پس ای جبار! حقّ مرا از فرزندم بستان .

– تا آنکه به یاری‌ات، شَل سازی یک طرف بدن او را، ای کسی که که منزّه است نزایید و زاییده نشد.

پس آن جوان گفت: به حقّ آن کسـی که آسـمان را بلنـد کرد و او آب روان را جاری نمود که هنوز دعای پدرم تمام نشده بود که این بلا بر من نازل شـد که آن را می بینی. پس جامه خود را برداشت و پهلوی خود را ظاهر ساخت. پس آن حضـرت دیـد که یک طرف بدن آن جوان شَـل شـده است. آن جوان گفت سه سـال بود که از پـدرم التماس می نمودم که برای من دعا کنـد در همان موضـعی که مرا نفرین کرد و آن قبول نمی کرد تـا آنکه در این سـال بر من ترّحم کرد و التمـاس مرا قبول نمود. برای او شتری جوان خوش رفتار نرم روی را مهیّا نمودم و او را بر آن سوار کردم و از شهر بیرون آمدیم به امید آنکه از این بلا نجات یابم، تا آنکه در اثنا شب به موضع اراک و حطمه رسیدیم. پس ناگاه از آن موضع مرغی پرید و آن شتری رم برداشت که پدرم بر آن سوار بود و او را در درّه سـنگلاخی در میان دو سـنگ انداخت. پس چون من به او رسـیدم او را یافتم که فوت شده بود. پس او را در همان موضع دفن نمودم. از همه بدتر این که به کسی معروف هستم که « به نفرین پدرش گرفتار آمد».

پس حضـرت امیر المؤمنین علیه السّـلام فرمودند: تو را فریادرسـی رسید. به تو فریادرسی رسید. من تو را دعایی بیاموزم که آن را به من پیغمبر خدا صلّی اللَّه علیه و آله تعلیم نمود و در آن اسم خدای بزرگ و بزرگ تر غالب بخشـنده ای است که خدای تعالی به برکت این دعا حاجت کسـی را برمی آورد که این دعا را بخواند و به او می بخشد آنچه را که از خدا خواهد و به برکت این دعا از آن شخص غمّ و همّ برطرف می

شود و از او اندوه رفع می گردد و از او بیماری برطرف می شود و به برکت این دعا شکستگی او درست می شود و درویش، توانگر می گردد و قرض او داده می شود و از او چشم زخم بر می گردد و گناهـان او آمرزیـده می شود و عیب های او پوشیده می شود و از ترس هر شیطانی سرکش و هر جبرکننده ظالم ایمن می گردد.

و اگر این دعا را هر آن بنـده فرمان برداری بر کوه بخوانـد هر آینه آن کوه از جای خود زایل می شود و اگر این را بر مرده ای بخوانـد خدای تعالی آن را زنده می گرداند پس از آنکه مرده است و اگر کسـی این دعا را بر آب بخواند بر روی آن راه می رود به شـرط آنکه به آن تکبّر راه نیابـد. ای جوان بایـد که از گناهان پرهیزگاری نمایی و توبه نمایی از آنچه آن را کردی. پس به درستی که مرا بر تو رحم آمـد و بایـد که خـدای تعـالی نیّت خـالص تو را و اعتقاد درست تو را بدانـد و این دعا را در طلب معصیت نخوانی و این دعا را تعلیم نکنی مگر به کسـی که دانی و به دین او اعتماد داشـته باشـی. پس به درستی که اگر نیّت خود را خالص نمایی، خـدای تعالی حاجت تو را بر آورد و در خواب پیغمبر خدا صلّی اللَّه علیه و آله را خواهی دید که تو را به بهشت و به برآمدن حاجت تو بشارت دهد.

پس آنگاه حضـرت امام حسین علیه السّلام فرمودند: خوشحالی من به مطّلع شدن به فایده این دعا بیشتر از خوشحال شدن این جوان به برطرف شدن آزار او بود، از جهت آنکه من هرگز این دعا را از پدر خود نشـنیده بودم. بعد از آن حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام به من فرمودند که دواتی و کاغذی را بیاور. پس چون آن را حاضـر نمودم فرمودند که: بنویس آنچه را که بر تو می خوانم. پس آن حضـرت خواندند و من این دعا را نوشتم و دعا این است:

خداونـدا همانـا از تو می‌خواهم به حرمت نـام تو به نام خـدای بخشـنده مهربان ای صاحب بزرگواری و احسان، ای زنـده پاینـده، زنـده ای که نیست خـدایی مگر تو، ای کسـی که اوست و بس، ای کسـی که احـدی نمی دانـد که او چیست و چگونه است و کجـاست و چه جاست مگر خود او. ای صـاحب پادشاهی و مملکت ای خداونـد عزّت و غلبه و بزرگواری ای پادشاه ای بسـیار پاکیزه از نقص ها ای سالم از همه عیبها ای امان دهنـده، ای حفظ کننـده و نگاهبان، ای غلبه کننـده، ای درست کننده شکسـتگی ها، ای بزرگوار، ای تقدیرکننده، ای آفریننده ی صورت دهنـده، ای نفع بخشـنده ای بسـیار دوست ای دور ای نزدیـک به همه چیز ای برآورنـده حاجتهـا ای نگهبـان ای کفایت نماینـده ای تازه پـدید آورنده ای بلند مرتبه ای باز دارنده بلاها ای شنوا ای دانا ای درست کردار ای بخشنده ای بردبار ای همیشه.

ای بلنـد مرتبه ای بزرگ ای مهربـان ای بخشـنده ای جزا دهنـده ای یاری طلب کرده شـده ای بزرگ مرتبه ای نیکوکار ای کارگزار ای ضامن روزی خلایق ای قبول کننـده پشـیمانی ای رساننـده خیر ای صاحب شـرف ای راهنمای ای رساننـده به راه راست ای ابتداکننده به خلق ای اوّل همه چیز ای آخر همه اشـیا ای آنکه آشکار است آثار او ای آنکه پنهان است ذات او ای حکم کننده ای فیصل دهنده کارها ای عدالت کننده ای جدا سازنده حق از باطل ای رساننده نعمت ها ای پاک ای پاک کننده ای توانا ای بسیار با قدرت ای بزرگ ای بسیار بزرگوار.

ای بی همتا ای بی نیاز ای کسـی که نزاییـد و زاییـده نشـد و همتایی نـدارد و همسـری ندارد و وزیری با او نبود و با خود مشاوری نگرفت و به پشتوانه ای نیاز ندارد و با او نیست خدایی مگر تو از آنچه که کافران نادان می گویند برتری، برتری بزرگ.

ای دانا ای بلنـد مرتبه ای بسـیار بلنـد مرتبه ای گشانیـده ای نجات دهنده ای یاری کننده ای انتقام کشـنده ای هلاک کننده ای داد سـتاننده ای برانگیزاننده ای میراث برنده ای پیش از همه چیز ای پایان ای جوینده ای غلبه کننده.

ای کسـی که هیچ گریزنده ای از دست او نرود، ای توبه پذیر، ای بازگشت کننده، ای بخشـنده عطاها، ای سـبب سازنده سبب ها، ای گشانیده درهـا، ای کسـی که در هر جـایی که خوانـده شـد اجـابت کرد، ای بسیار پاک، ای جزا دهنـده شـکرگزاری، ای گذرنـده از معصیت ها، ای آمرزنـده گناه هـا، ای روشـنی بخش روشـنی، ای چـاره سـاز کارها، ای دانا، ای آگاه، ای چیره، ای روشن کننـده عالم، ای بینا، ای پشت، ای بزرگ، ای بی همتا، ای یگانه، ای بی نیاز، ای معتمد، ای کارگزار، ای احسان کننده، ای نیکویی کننده، ای سـلامت دارنده، ای نعمت دهنده،

ای زیاده بخشنده، ای بسیار کرم کننده، ای یکتا.

ای کسـی که بلنـد مرتبه است پس غلبه نمود، ای کسـی که مالك شـد پس توانا گشت، ای کسـی که مطّلع بر امور پنهانی است پس آزمایش نمود، ای کسـی که پرستیده شده پس جزا دادی، کسی که نافرمانی کردند او را بندگان پس آمرزید و گناهان ایشان را پوشانید، ای کسی که او را انـدیشه ها فرا نمی گیرد و چشم او را نمی بینـد و بر او کاری پوشـیده نیست، ای روزی دهنـده آدمیان، ای اندازه کننده هر اندازه ای، ای بلند مکان ای آنکه سـخت است صـفات او، ای تغییر دهنده وقتها، ای قبول کننده قربانی ها، ای خداوند بخشش و نیکویی، ای صاحب عزّت و پادشـاهی، ای مهربان ای بخشاینـده، ای آنکه بزرگ است رتبه او، ای کسـی که او هر روزی در کاری است، ای کسـی که باز نمی دارد او را کاری از مشغول شدن به کارهای دیگر.

ای شـنونده صـداها، ای قبول کننـده دعاها، ای دهنـده مطلب ها، ای برآورنده حاجتها، ای فرود آورنده برکتها، ای رحم کننده گریه کننده ها، ای درگذرنـده از لغزش هـا، ای برطرف کننـده انـدوه ها، ای صاحب نیکویی ها، ای بلندکننـده مرتبه ها، ای دهنـده سؤال ها، ای زنـده کننـده مردگان، ای آگاه بر قصـدها، ای برگرداننـده آنچه را که نایاب شـد، ای کسـی که بر او صـداها مشـتبه نمی شود، ای کسـی که او را سؤال ها دلگیر نمی کند و او را تاریکی ها نمی پوشاند، ای روشنی بخش زمین و آسمان ها.

ای آنکه کامل است نعمت های او، ای دفع کننده عقوبت ها، ای آفریننده بندگان، ای فراهم آورنده امّتها، ای شـفا دهنده بیماران، ای آفریننده روشنی و تاریکی ها، ای صاحب بخشش و کرم، ای کسی که نرسید بر عرش او هیچ پایی.

ای نیکوکننـده تریـن نیکوکننـدگان، ای بخشـنده ترین بخشـندگان، ای شـنواترین شـنوندگان و ای بینـاترین بینایـان، ای پنـاه دهنـده پنـاه طلب کننـدگان، ای امـان دهنـده ترسـناکان، ای پشت پنـاه آورنـدگان، ای دوست مؤمنـان، ای فریـادرس فریـادرس طلبـان، ای نهایت آرزوی طلب کنندگان.

ای هم صحبت هر نزدیکی، ای هم راز هر تنهایی، ای پناه هر رانده شده ای، ای آرامگاه هر رمیده ای، ای نگاه‌دارنده هر کم شده ای، ای رحم کننـده پیر بزرگ، ای روزی دهنده طفل کوچك، ای درست کننده اسـتخوان شکسـته، ای آزادکننده هر در بندی، ای توانگرکننده هر بیچاره، ای نگاهدارنده ترسان پناه خواهی، ای کسـی که برای اوست چاره کردن و اندازه نمودن، ای کسـی که دشوار بر او آسان است، ای کسـی که احتیاج ندارد در دانسـتن چیزها به بیانی، ای کسـی که او بر همه چیز تواناست، ای کسـی که او به هر چیز داناست، ای کسی که او به همه چیز بیناست،ای کسی که بر هر چیز تواناست.

ای فرسـتنده بادها، ای شـکافنده شب جهت بیرون آوردن صـبح،ای برانگیزنده روحها، ای صاحب عطا و بخشش، ای کسی که به دست قدرت اوست هر کلیدی، ای شنونده هر صدایی، ای پیشی گیرنده هر نایابی، ای زنده کننده هر شخصی پس از مرگ.

ای ذخیره من در روز سـختی، ای نگاهدارنـده من در بی کسـی ام، ای هم راز من در تنهـایی ام، ای کارگـذار من در نعمت‌ام، ای پنـاه من در هنگامی که مرا راه ها عاجز کند و خویشان مرا به زیر خاك بسپارند و هر مصاحبی یاری مرا ترك نماید، ای معتمد کسی که معتمدی برای او نباشد، ای تکیه گاه کسـی که تکیه گاهی برای او نباشد، ای ذخیره کسـی که ذخیره برای او نباشد، ای پناه کسـی که پناهی برای او نباشد، ای محل اعتماد کسـی که محل اعتمادی برای او نباشد، ای فریادرس کسـی که فریادرسـی برای او نباشد، ای همسایه کسی که همسایه ای برای او نباشد.

ای همسـایه متصل به من، ای معتمـد من که محکم است، ای خـدای من به درستی، ای پروردگار خانه آزاد شـده، ای مهربان ای یار مصاحب، مرا از حلقه های تنگ بلاها رهایی ده و از من هر اندوه و غم و تنگی را بگردان و کفایت نمای مرا از شرّ آنچه قدرت بر آن ندارم.

ای باز گرداننـده یوسف به یعقوب، ای برطرف کننـده آزار ایّوب، ای آمرزنـده گناه داود، ای بالا برنده عیسـی پسـر مریم و نجات دهنده او از دستهای جماعت یهود، ای برآورنده دعای یونس در تاریکی ها، ای برگزیننده موسی به سخنان، ای کسی که گناه آدم را آمرزید و ادریس را به رحمت خود بالا برد، ای کسـی که نوح را از غرق شدن رها نمود، ای کسـی که هلاك ساخت قوم عاد را که اوّل بودند و قوم ثمود را پس از ایشان و قوم نوح را پیش از ایشان به درستی که ایشان سـتم کننده تر و سـرکش تر بودند و شـهرهای سرنگون را هلاك نمود، ای کسی که هلاك ساخت گروه لوط و هلاك نمود قوم شعیب.

ای کسـی که ابراهیم را دوست خود گرفت، ای کسـی که موسی را سخنگوی با خود گرفت و فرا گرفت محمد را که رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او و بر پیغمبران همه، دوست خود.

ای عطا کنده حکمت به لقمان و ای بخشـنده پادشاهی به سلیمان که سزاوار نیست برای کسی پس از او، ای کسی که اسکندر ذو القرنین را بر پادشاهان گردنکش یاری کرد، ای کسـی که به خضر زندگانی را بخشید و برای یوشع نور آفتاب را پس از فرو رفتن آن برگردانید، ای کسی که دل مـادر موسـی را قوی گردانیـد و دامن مریم دختر عمران را نگاهـداشت، ای کسـی که یحیی پسـر زکریـا را از گنـاه محافظت نمود و از موسـی خشم او را فرو نشانید، ای کسـی که زکریا را به وجود یحیی مژده داد، ای کسـی که اسـماعیل از کشـته شدن آزاد نمود، ای کسـی که قربانی هابیل را قبول کرد و دوری از رحمت خود را بر قابیل، قرار داد ای شـکست دهنده گروه ها رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و بر همه فرستادگان و فرشتگان تو که نزدیکان و جماعت فرمانبرداران تو هستند.

و از تو می خواهم به هر حاجتی که از تو درخواست کسـی که از او خشـنودی پس بر خود برآوردن حاجت او را لازم ساختی ای خدا ای خدا، ای بخشـنده ای مهربان، ای بخشنده ای مهربان، ای بخشنده ای مهربان، ای صاحب شکوه و بزرگی، به او به او به او به او به او به او به او، از تومی خواهم به حقّ هر نـامی که به آن ذات خود را نامیـدی یا آن را در یکی از کتابهای خود فرو فرسـتادی یا آن را در دانش نهانی در نزد خود اختیار نمودی و به آنچه که اگر آنچه در زمین است از درختان قلمها و دریا شود مداد آنهااز پس آن باشد هفت دریای دیگر کلمات خدا تمام نمی شود.

از تو می خواهم به نام های نیکوی تو که آنها را در کتاب خود ذکر نمودی پس گفتی « از برای خداست نام های نیکو پس بخوانید خدا را به آن نـام هـا» و گفتی « بخوانیـد مرا تا برآورم حاجت شـما را» و گفتی « و هر گاه بنـدگان من از من پرسیدند پس به درستی که من نزدیکم به آنها برمی آورم دعای خواننده را هر گاه بخواند مرا» و گفتی: «ای بندگان من که سـتم نمودید بر نفسهای خود ناامید مگردید از رحمت خدا» و من از تو می خواهم ای خـدای من و توقّع دارم در برآوردن حاجتم ای مولای من همچنان که مرا وعده دادی و تو را خواندم همانطور که به من امر فرمودی پس در حق من چنین و چنین کن.....و بخواه از خـدای تعـالی آنچه را که خواهی و حاجت خود را نام ببر و این را مخوان مگر در حالی که با طهارت باشی .

پس به آن جوان فرمودنـد: هر گـاه شب دهم شـود پس این دعـا را بخوان و صـبح خـبر آن را برایم بیـاور. حضـرت امـام حسـین علیه السـلام فرمودنـد: که آن جـوان آن دعـا را گرفت و رفت پس چـون صـبح شـد هنوز به کـاری شـروع نکرده بودیم که دیـدیم آن جوان صـحیح و تن درست آمـد و این دعا در دست او بود و می گفت قسم به خـدا که در این دعا اسم اعظم است به درستی که حاجت من به ربّ کعبه برآورده شد. پس حضـرت علیّ بن ابی طالب علیه السّـلام فرمودند: نقل کن که چون شد. جوان گفت که: چون شب دهم شد و همه مردمان به خواب رفتنـد و تـاریکی شب همه را فرو گرفت، من این دعـا را بر کـف دست خـود گـذاردم و آن را به سوی آسـمان بلنـد کردم و خـدای تعـالی را خواندم و او را به حقّ این دعا چند مرتبه قسم دادم پس در مرتبه دوم آوازی شـنیدم که: دعای تو مستجاب شد بس است تو را به تحقیق که تو خدا را به اسم اعظم خواندی. پس خوابیدم چون به خواب رفتم در خواب حضـرت رسالت صلّی الله علیه و آله را دیدم که دست مبارك خود را بر بـدن من مالیدنـد و فرمودنـد که این اسم اعظم را محافظت کن. پس به درستی که تو بر خیر و خوبی هستی. پس چون بیدار شدم خود را صحیح و سالم یافتم چنان که می بینی پس خدای تعالی تو را جزای خیر دهد. - . مهج الدعوات: ۱۹۵-۱۸۸ -

**[ترجمه]

«۳۴»

مهج، [مهج الدعوات] كَانَ يَدْعُو بِهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ الْبَاقِرُ وَ الصَّادِقُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَ عُرِضَ هَذَا الدُّعَاءُ عَلَى أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ قَدَّسَ اللَّهُ نَفْسَهُ فَقَالَ مَنْ مِثْلُ هَذَا الدُّعَاءِ وَ قَالَ الدُّعَاءُ كَفَضْلِ الْعِبَادَهِ وَ هُوَ هَذَا: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّی وَ أَنَا عَبْدُكَ آمَنْتُ بِكَ مُخْلِصاً لَكَ عَلَى عَهْدِكَ وَ وَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ سُوءِ عَمَلِی وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِذُنُوبِی الَّتِی لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ أَصْبَحَ ذُلِّی مُسْتَجِيراً بِعِزَّتِكَ وَ أَصْبَحَ فَقْرِی مُسْتَجِيراً بِغِنَاكَ وَ أَصْبَحَ جَهْلِی مُسْتَجِيراً بِحِلْمِكَ وَ أَصْبَحَتْ قِلَّهُ حِيلَتِی مُسْتَجِيرَهً بِقُدْرَتِكَ وَ أَصْبَحَ خَوْفِی مُسْتَجِيراً بِأَمَانِكَ وَ أَصْبَحَ دَائِی مُسْتَجِيراً بِدَوَائِكَ وَ أَصْبَحَ سُقْمِی مُسْتَجِيراً بِشِفَائِكَ وَ أَصْبَحَ حَيْنِی مُسْتَجِيراً بِقَضَائِكَ وَ أَصْبَحَ ضَعْفِی مُسْتَجِيراً بِقُوَّتِكَ وَ أَصْبَحَ ذَنْبِی مُسْتَجِيراً بِمَغْفِرَتِكَ وَ أَصْبَحَ وَجْهِیَ الْفَانِی الْبَالِی مُسْتَجِيراً بِوَجْهِكَ الْبَاقِی الدَّائِمِ الَّذِی لَا يَبْلَى وَ لَا يَفْنَى يَا مَنْ لَا يُوَارِيهِ لَيْلٌ دَاجٍ وَ لَا سَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ وَ لَا حُجُبٌ ذَاتُ ارْتِجَاجٍ

ص: ۴۰۲

۱- ۱. هدأت العيون: أی سكنت و نامت، و جلباب الليل أستاره المظلمه، و استحلاكه: اشتداد سواده بالظلمه.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۱۸۸- ۱۹۵.

وَ لَا مَاءٌ ثَجَّاجٌ فِی قَعْرِ بَحْرٍ عَجَّاجٍ یَا دَافِعَ السَّطَوَاتِ یَا کَاشِفَ الْکُرُبَاتِ یَا مُنْزِلَ الْبَرَکَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ أَسْأَلُکَ یَا فَتَّاحُ یَا نَفَّاحُ یَا مُرْتَاحُ یَا مَنْ بِیَدِهِ خَزَائِنُ کُلِّ مِفْتَاحٍ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِینَ الطَّیِّبِینَ وَ أَنْ تُفَتِّحَ لِی مِنْ خَیْرِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ أَنْ تَحْجُبَ عَنِّی فِتْنَهَ الْمُوَکَّلِ بِی وَ لَا تُسَلِّطَهُ عَلَیَّ فَیُهْلِکَنِی وَ لَا تَکِلَنِی إِلَی أَحَدٍ طَرْفَهَ عَیْنٍ فَیَعْجِزَ عَنِّی وَ لَا تَحْرِمَنِی الْجَنَّهَ وَ ارْحَمْنِی وَ تَوَفَّنِی مُسْلِماً وَ أَلْحِقْنِی بِالصَّالِحِینَ وَ اکْفُفْنِی بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ وَ بِالطَّیِّبِ عَنِ الْخَبِیثِ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ اللَّهُمَّ خَلَقْتَ الْقُلُوبَ عَلَی إِرَادَتِکَ وَ فَطَرْتَ الْعُقُولَ عَلَی مَعْرِفَتِکَ فَتَمَلْمَلَتِ الْأَفْئِدَهُ مِنْ مَخَافَتِکَ وَ صَرَخَتِ الْقُلُوبُ بِالْوَلَهِ وَ تَقَاصَرَ وُسْعُ قَدْرِ الْعُقُولِ عَنِ الثَّنَاءِ عَلَیْکَ وَ انْقَطَعَتِ الْأَلْفَاظُ عَنْ مِقْدَارِ مَحَاسِنِکَ وَ کَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ إِحْصَاءِ نِعَمِکَ وَ إِذَا وَلَجَتْ بِطُرُقِ الْبَحْثِ عَنْ نَعْتِکَ بَهَرَتْهَا حَیْرَهُ الْعَجْزِ عَنْ إِدْرَاکِ وَصْفِکَ فَهِیَ تَتَرَدَّدُ فِی التَّقْصِیرِ عَنْ مُجَاوَزَهِ مَا حَدَدْتَ لَهَا إِذْ لَیْسَ لَهَا أَنْ تَتَجَاوَزَ مَا أَمَرْتَهَا فَهِیَ بِالاقْتِدَارِ عَلَی مَا مَکَّنْتَهَا تَحْمَدُکَ بِمَا أَنْهَیْتَ إِلَیْهَا وَ الْأَلْسُنُ مُنْبَسِطَهٌ بِمَا تُمْلِی عَلَیْهَا وَ لَکَ عَلَی کُلِّ مَنِ اسْتَعْبَدْتَ مِنْ

خَلْقِکَ أَلَّا یَمَلُّوا مِنْ حَمْدِکَ وَ إِنْ قَصُرَتِ الْمَحَامِدُ عَنْ شُکْرِکَ عَلَی مَا أَسْدَیْتَ إِلَیْهَا مِنْ نِعَمِکَ فَحَمِدَکَ بِمَبْلَغِ طَاقَهِ حَمْدِهِمُ الْحَامِدُونَ وَ اعْتَصَمَ بِرَجَاءِ عَفْوِکَ الْمُقَصِّرُونَ وَ أَوْجَسَ بِالرُّبُوبِیَّهِ لَکَ الْخَائِفُونَ وَ قَصَدَ بِالرَّغْبَهِ إِلَیْکَ الطَّالِبُونَ وَ انْتَسَبَ إِلَی فَضْلِکَ الْمُحْسِنُونَ وَ کُلٌّ یَتَفَیَّأُ فِی ظِلَالِ تَأْمِیلِ عَفْوِکَ وَ یَتَضَاءَلُ بِالذُّلِّ لِخَوْفِکَ وَ یَعْتَرِفُ بِالتَّقْصِیرِ فِی شُکْرِکَ فَلَمْ یَمْنَعْکَ صُدُوفُ مَنْ صَدَفَ عَنْ طَاعَتِکَ وَ لَا عُکُوفُ مَنْ عَکَفَ عَلَی مَعْصِیَتِکَ أَنْ أَسْبَغْتَ عَلَیْهِمُ النِّعَمَ وَ أَجْزَلْتَ لَهُمُ الْقِسَمَ وَ صَرَفْتَ عَنْهُمُ النِّقَمَ وَ خَوَّفْتَهُمْ عَوَاقِبَ النَّدَمِ وَ ضَاعَفْتَ لِمَنْ أَحْسَنَ وَ أَوْجَبْتَ عَلَی الْمُحْسِنِینَ شُکْرَ تَوْفِیقِکَ لِلْإِحْسَانِ وَ عَلَی الْمُسِیءِ شُکْرَ تَعَطُّفِکَ بِالامْتِنَانِ وَ وَعَدْتَ مُحْسِنَهُمْ بِالزِّیَادَهِ فِی الْإِحْسَانِ مِنْکَ.

فَسُبْحَانَکَ تُثِیبُ عَلَی مَا بَدْؤُهُ مِنْکَ وَ انْتِسَابُهُ إِلَیْکَ وَ الْقُوَّهُ عَلَیْهِ بِکَ وَ

الْإِحْسَانُ فِيهِ مِنْکَ وَ التَّوَکُّلُ فِی التَّوْفِیقِ لَهُ عَلَیْکَ.

فَلَکَ الْحَمْدُ حَمْدَ مَنْ عَلِمَ أَنَّ الْحَمْدَ لَکَ وَ أَنَّ بَدْأَهُ مِنْکَ وَ مَعَادَهُ إِلَیْکَ حَمْداً لَا یَقْصُرُ عَنْ بُلُوغِ الرِّضَا مِنْکَ حَمْدَ مَنْ قَصَدَکَ بِحَمْدِهِ وَ اسْتَحَقَّ الْمَزِیدَ لَهُ مِنْکَ فِی نِعَمِهِ وَ لَکَ مُؤَیِّدَاتٌ مِنْ عَوْنِکَ وَ رَحْمَهٌ تَخُصُّ بِهَا مَنْ أَحْبَبْتَ مِنْ خَلْقِکَ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اخْصُصْنَا مِنْ رَحْمَتِکَ وَ مُؤَیِّدَاتِ لُطْفِکَ بِأَوْجَبِهَا لِلْإِقَالاتِ وَ أَعْصَمِهَا مِنَ الْإِضَاعَاتِ (۱)

وَ أَنْجَاهَا مِنَ الْهَلَکَاتِ وَ أَرْشَدِهَا إِلَی الْهِدَایَاتِ وَ أَوْقَاهَا مِنَ الْآفَاتِ وَ أَعْصَمِهَا مِنَ الْإِضَاعَاتِ وَ أَوْفَرِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ وَ أَنْزَلِهَا بِالْبَرَکَاتِ وَ أَزْیَدِهَا فِی الْقِسَمِ وَ أَسْبَغِهَا لِلنِّعَمِ وَ أَسْتَرِهَا لِلْعُیُوبِ وَ أَغْفَرِهَا لِلذُّنُوبِ إِنَّکَ قَرِیبٌ مُجِیبٌ فَصَلِّ عَلَی خِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ وَ صَفْوَتِکَ مِنْ بَرِیَّتِکَ وَ أَمِینِکَ عَلَی وَحْیِکَ بِأَفْضَلِ الصَّلَوَاتِ وَ بَارِکْ عَلَیْهِمْ بِأَفْضَلِ الْبَرَکَاتِ بِمَا بَلَّغَ عَنْکَ مِنَ الرِّسَالاتِ وَ صَدَعَ بِأَمْرِکَ وَ دَعَا إِلَیْکَ وَ أَفْصَحَ بِالدَّلَائِلِ عَلَیْکَ بِالْحَقِّ الْمُبِینِ حَتَّی أَتَاهُ الْیَقِینُ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ فِی الْأَوَّلِینَ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ فِی الْآخِرِینَ وَ عَلَی آلِهِ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ الطَّاهِرِینَ وَ اخْلُفْهُ فِیهِمْ بِأَحْسَنِ مَا خَلَّفْتَ بِهِ أَحَداً مِنَ الْمُرْسَلِینَ بِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ اللَّهُمَّ لَکَ إِرَادَاتٌ لَا تُعَارِضُ دُونَ بُلُوغِهَا الْغَایَاتِ قَدْ انْقَطَعَ مُعَارَضَتُهَا بِعَجْزِ الِاسْتِطَاعَاتِ عَنِ الرَّدِّ لَهَا دُونَ النِّهَایَاتِ فَأَیَّهُ إِرَادَهٍ جَعَلْتَهَا إِرَادَهَ لِعَفْوِکَ وَ سَبَباً لِنَیْلِ فَضْلِکَ وَ اسْتِنْزَالًا بِخَیْرِکَ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ وَ صِلْهَا اللَّهُمَّ بِدَوَامٍ وَ ابْدَأْهَا بِتَمَامٍ إِنَّکَ وَاسِعُ الْحِبَاءِ کَرِیمُ الْعَطَاءِ مُجِیبُ النِّدَاءِ سَمِیعُ الدُّعَاءِ(۲).

**[ترجمه]مهج الدعوات: دعایی که حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام و حضرت امام محمّد باقر و امام جعفر صادق صلوات اللّه علیهم می خواندند و این دعا بر ابو جعفر محمّد بن عثمان رحمه الله خوانده شد و آن مردی جلیل القدر و از اصحاب ائمّه علیهم السّلام بود، پس گفت:مثل این دعا در فضل دعایی نیست و گفت که فضل این دعا مثل فضل عبادت است و دعا این است:

خداوندا تویی پروردگار من و من بنده توام، ایمان دارم به تو در حالی که آن را برای تو خالص کردم، ثابتم بر پیمان تو و قائلم به وعده تو به قدر آنچه استطاعت و قدرت دارم، به سوی تو از بدی کردار خودم توبه می کنم و از تو برای گناهانم طلب آمرزش می نمایم که آنها را غیر از تو نمی آمرزد، خواری من پناه آورنده به عزّت تو و فقر من پناه آورنده به توانگری تو شد و نادانی من پناه آورنده به بردباری تو گردید و کمی چاره من پناه آورنده به توانایی تو گردید و ترس من پناه آورنده به امان دادن تو گردید و درد من پناه آورنده به دوای تو گردید و بیماری من پناه آورنده به شفا دادن تو گردید و هلاک من پناه آورنده به حکم تو گردید و ناتوانی من پناه آورنده به توانایی تو گردید و گناه من پناه آورنده به آمرزش تو گردید و روی کهنه از بین رونده من پناه آورنده شد بر چهره و ذات باقی همیشگی تو که کهنه نمی شود و برطرف نمی گردد.

ای کسی که نمی پوشاند او را شب تاریک و نه آسمان صاحب برجها و نه پرده های صاحب پوشانندگی و نه آب روان شده در اندرون دریای صدادار، ای دفع کننده بلاهای حمله کننده، ای برطرف کننده اندوه ها، ای فرو آورنده برکت ها و خیرها از بالای هفت آسمان ها، از تو می خواهم ای گشانیده درهای رحمت، ای راحت دهنده، ای انعام کننده نفع رساننده، ای کسی که به دست اوست خزینه های هر کلیدی، تو را می خوانم که رحمت فرستی بر محمد و بر آل او که پاکان و پاکیزگانند و برای من از نیکویی دنیا و آخرت دری را بگشایی و از من بلایی را که موکّل است به من برطرف نمایی و آن را بر من مسلّط مگردان تا آنکه مرا هلاک کند و مرا وامگذار به سوی کسی از خلایق به قدر یک چشم برهمزدن تا آنکه عاجز شود از امر من و مرا از بهشت محروم مساز و بر من رحم نمای و بمیران مرا در حالی که اطاعت کننده باشم و مرا ملحق گردان به جماعت صالحان و باز دار مرا به سبب روزی حلال از مال حرام و به سبب روزی نیکو و پاک از چیز بد و نجس ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

خداوندا دل ها را بر اراده خود آفریدی و خلق کردی عقل ها را بر آنکه تو را بشناسند پس دل ها از ترس تو مضطرب گشتند و دلها به سرگردانی و حیرانی فریاد برآوردند پس گنجایش قدر عقل ها از ستایش کردن تو کوتاه است و سخنان از وصف نمودن مقدار نیکویی های تو بریده و نارساست و زبان ها از شمردن نعمت های تو عاجز است پس هر گاه که آن ها به راههای گفتگو و تفحّص نمودن از وصف تو

درآینـد، بر آنهـا حیرانی ناتوانی از رسـیدن به تعریف تو غالب می شود، پس این دل ها تردّد می نماینـد در کوتاهی از گـذشت از آنچه تعیین نمودی برای آنها چون که جایز نیست برای آنها که تجاوز نمایند از آنچه که به آن ها فرمودی، و آن ها در کمال قدرتند بر آنچه آنها را قادر ساختی، سـتایش می کنند تو را به آنچه خبر رسانیدی به آنها و زبانها گویایند به آنچه بر آنها القا نمودی و از برای توست بر هر کسی که بنده خود گردانیدی از آفریدگان خود که از سـتایش تو خسته نگردند و هر چند کوتاه است ستایشها از شکر گزاردن آنچه عطا نمودی به ایشان از نعمتهای خود.

پس سـتایش کنندگان تو را به قدر طاقت سـعی خود ستایش می کنند و تقصیرکاران به امید گذشت تو چنگ زدند و بیمناکان از پروردگاری تو به لرزه در آمدند و طلب کنندگان خواهش به سوی تو را اراده نمودند و نیکوکاران به سوی زیادتی بخشـش تو متوسّل گشـتند و هر کسی به سایه گذشت تو امی دارد و به سـبب خواری از ترس تو ضـعیف می شود و به کوتاهی در شکرگزاری تو اقرار می نماید پس روی گرداندن از اطاعت تو و روی آوردن به معصـیتت تو را بازنداشت از آن که نعمت های خود را بر بندگان تمام نمایی و برای ایشان بخشش های خود را کامـل سـازی و از ایشـان عقوبت های خود را برگردانی و ایشان را از بـدی عاقبت های پشـیمانی ها ترسانیـدی و برای کسـی که نیکویی نمود زیاده گردانیدی و بر نیکوکاران شکرگزاری نیکویی را لازم ساختی و بر بدکردار شکر نمودن بر مهربانی خود به بخشش کردن لازم کردی و نیکوکاران آنها را به زیادی در احسان خود وعده دادی.

پس تو را تسبیح می کنم که ثواب می دهی بر آنچه ابتدای آن از جانب توست و بازگشت آن به سوی توست و قوّت بر آن به سـبب توست و نیکویی نمودن در آن از جانب توست و اعتماد کردن در تهیه اسباب آن بر توست.

پس برای توست سـتایش، سـتایش کسـی که دانـد جمیع حمـد برای توست و ابتـداء حمد و منشأ آن از توست و بازگشت آن به سوی توست، ستایشـی که از رسـیدن به خشـنودی تو کوتاهی نکند، سـپاس کسـی که تو را به حمد خود اراده نموده باشد و به سبب آن مستحق نعمت های فراوان است و کمک های تاییـد کننده برای توست و رحمتی که آفریدگان محبوب خود را بدان مخصوص ساختی و رحمت فرست بر محمّد و بر آل او و مخصـوص گردان مـا را به رحمت خود و لطف تاییـد کنـده خود که شایسـته ترین آنهـا برای درگذشـتن و محفوظ ترین آنهـا از تباهی و رها یافته ترین آنها از هلاکت ها و راه یابنده ترین آنها به هدایت و در امان ترین آنها از آفت ها و نگاه داشته ترین آنها از تباهی ها و بسیار ترین آنها از نیکی ها و فرو ریزاننده ترین آنها از برکات و بیشترین آنها در بهره و فراوان ترین آنها در نعمت ها و پوشاننده ترین آنها در عیب ها و آمرزنده ترین آنها در گناهان است به راستی که تو نزدیک اجابت کننده ای.

پس درود فرست بر آفریـدگان پسـندیده و برگزیـده خود از مخلوقات خود و امین تو بر وحی تو به زیاده ترین رحمت ها و برکت فرست بر او به بهترین برکت ها به سبب پیغام هایی که از جانب تو رسانید و فرمان تو را بیان کرد و بندگان را به سوی تو خواند و ظاهر نمود دلیل هایی بر تو به آن حق آشـکار تا آنکه مرگ او فرارسید و رحمت فرستد خدا بر او در جمله پیشینیان و رحمت فرستد خدا بر او در پسینیان و بر آل او و اهل خانه او که پاکانند و جانشین او قرار ده در میان بندگان به نیکوتر آنچه به دنبال آوردی به آن کسی را از پیغمبران تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

خداونـدا برای توست اراده هایی که برای رسانـدن آنها به هـدفشان مخالفت نمی شوی، مخالفت نشـد از آن رو که توانایی برگرداندن آنها از هـدف هاشان را نداشـتند. پس هر اراده ای که آن را برای عفو خود و سببی برای رسانیدن احسان خود و نازل ساختن نیکویی خود قرار دادی پس رحمت فرست بر محمّد و بر اهل خانه محمّد و خداوندا آن اراده را به همیشه بودن پیوسـته دار و آن را به تمام بودن ابتدا نمای به درستی که تو گشاده بخششی و تو بخشنده انعامی و اجابت کننده ندایی و شنونده دعایی. - . مهج الدعوات: ۱۵۲-۱۴۹ -

**[ترجمه]

مهج، [مهج الدعوات] بِإِسْنَادِنَا إِلَى أَبِی الْمُفَضَّلِ الشَّيْبَانِيِّ مِنَ الْجُزْءِ الثَّالِثِ مِنْ أَمَالِيهِ بِإِسْنَادِهِ نَصُّهُ إِلَى مَوْلَانَا الْحَسَنِ بْنِ مَوْلَانَا عَلِيِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام عَنْ أُمِّهِ فَاطِمَهَ

ص: ۴۰۴

۱- ۱. فی المصدر: و أعظمها من الاضاعات، و فی نسخه الکمبانیّ و اعصمنا من الاضاعات و علی أی حال قد سبقت هذه الجمله آنفا.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۱۴۹- ۱۵۲.

بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَجَدْنَاهُ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله قَالَ لِلزَّهْرَاءِ فَاطِمَةَ عليها السلام يَا بُنَيَّةِ أَ لَا أُعَلِّمُكِ دُعَاءً لَا يَدْعُو بِهِ أَحَدٌ إِلَّا اسْتُجِيبَ لَهُ وَ لَا يَجُوزُ عَلَيْكِ سِحْرٌ وَ لَا سَمٌّ وَ لَا يَشْمَتُ بِكِ عَدُوٌّ وَ لَا يُعْرِضُ عَنْكِ الرَّحْمَنُ وَ لَا يزغ [يَزِيغُ] قَلْبُكِ وَ لَا تُرَدُّ لَكِ دَعْوَةٌ وَ تُقْضَى حَوَائِجُكِ كُلُّهَا قَالَتْ يَا أَبَتِ لَهَذَا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا قَالَ تَقُولِينَ:

يَا أَعَزَّ مَذْكُورٍ وَ أَقْدَمَهُ قِدَماً فِي الْعِزِّ وَ الْجَبَرُوتِ يَا رَحِيمَ كُلِّ مُسْتَرْحِمٍ وَ مَفْزَعَ كُلِّ مَلْهُوفٍ إِلَيْهِ يَا رَاحِمَ كُلِّ حَزِينٍ يَشْكُو بَثَّهُ وَ حُزْنَهُ إِلَيْهِ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ الْمَعْرُوفُ مِنْهُ وَ أَسْرَعَهُ إِعْطَاءً يَا مَنْ يَخَافُ الْمَلَائِكَةُ الْمُتَوَقِّدَةُ بِالنُّورِ مِنْهُ أَسْأَلُكَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي يَدْعُوكَ بِهَا حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَ مَنْ حَوْلَ عَرْشِكَ بِنُورِكَ يُسَبِّحُونَ شَفَقَةً مِنْ خَوْفِ عِقَابِكَ وَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي يَدْعُوكَ بِهَا جَبْرَئِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ إِلَّا أَجَبْتَنِي وَ كَشَفْتَ يَا إِلَهِي كُرْبَتِي وَ سَتَرْتَ ذُنُوبِي يَا مَنْ أَمَرَ بِالصَّيْحَهِ فِي خَلْقِهِ فَإِذا هُمْ بِالسَّاهِرَهِ مَحْشُورُونَ وَ بِذَلِكَ الِاسْمِ الَّذِي أَحْيَيْتَ بِهِ الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ أَحْيِ قَلْبِي وَ اشْرَحْ صَدْرِي وَ أَصْلِحْ شَأْنِي يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالْبَقَاءِ وَ خَلَقَ لِبَرِيَّتِهِ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاهَ وَ الْفَنَاءَ يَا مَنْ فِعْلُهُ قَوْلٌ وَ قَوْلُهُ أَمْرٌ وَ أَمْرُهُ مَاضٍ عَلَى مَا يَشَاءُ أَسْأَلُكَ بِالاسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ خَلِيلُكَ حِينَ أُلْقِيَ فِي النَّارِ فَدَعَاكَ بِهِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ قُلْتَ يا نارُ كُونِي بَرْداً وَ سَلاماً عَلى إِبْراهِيمَ وَ بِالاسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ بِالاسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ عِيسَى مِنْ رُوحِ الْقُدُسِ وَ بِالاسْمِ الَّذِي تُبْتَ بِهِ عَلَى دَاوُدَ وَ بِالاسْمِ الَّذِي وَهَبْتَ بِهِ لِزَكَرِيَّا يَحْيَى وَ بِالاسْمِ الَّذِي كَشَفْتَ بِهِ عَنْ أَيُّوبَ الضُّرَّ وَ تُبْتَ بِهِ عَلَى دَاوُدَ وَ سَخَّرْتَ بِهِ لِسُلَيْمانَ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ وَ الشَّيَاطِينَ وَ عَلَّمْتَهُ مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَ بِالاسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الْعَرْشَ وَ بِالاسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الْكُرْسِيَّ وَ بِالاسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الرُّوحَانِيِّينَ وَ بِالاسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ وَ بِالاسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ جَمِيعَ الْخَلْقِ وَ بِالاسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ جَمِيعَ مَا أَرَدْتَ مِنْ شَيْ ءٍ وَ بِالاسْمِ الَّذِي قَدَرْتَ بِهِ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ أَسْأَلُكَ

بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَنِی سُؤْلِی وَ قَضَیْتَ حَوَائِجِی یَا کَرِیمُ فَإِنَّهُ یُقَالُ لَکِ یَا فَاطِمَهُ نَعَمْ نَعَمْ (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: به سندهای خود روایت کردیم تا ابی الفضل شیبانی از جلد سوم کتاب امالی او، به سندهای او که رساندآن را به مولای ما حضرت امام حسن بن علیّ بن ابی طالب علیهم السلام که از مادر خود حضرت فاطمه دختر رسول خدا صلّی اللّه علیهما و آلهما روایت نمودند و همچنین ما این دعا را به سندهای صحیح یافتیم که حضرت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله به حضرت فاطمه زهرا علیها السّلام فرمودند: ای دختر من آیا می خواهی که بیاموزم تو را دعایی که آن را احدی نمی خواند مگر آنکه حاجت او برآورده شود و به برکت این دعا هیچ سحری و نه زهری در تو تاثیر نکند و بر تو هیچ دشمنی شماتت ننماید و شیطان متعرّض تو نگردد و خدای تعالی روی توجّه خود را از تو باز ندارد و از تو رحمت خود را برطرف نکند و دعای ترا برنگرداند و همه حاجت های تو را برآورد. پس حضرت فاطمه علیها السّلام فرمودند: ای پدر از این روآ این دعا در نزد من دوست تر است از دنیا و آنچه در اوست. پس فرمودند: می گویی:

ای عزیزترین کسی که یاد آورده شد و ای قدیمی ترین در عزّت و بزرگواری، ای رحم کننده هر طلب رحم کننده ای و ای پناه هر ستم رسیده به سوی او، ای رحم کننده هر اندوهناکی که شکوه نماید غم و اندوه خود را به سوی او، ای بهترین کسی که احسان او طلب شد و در بخشش کردن سریع ترین است ای کسی که فرشتگان برافروخته به نور او می ترسند، از تو می خواهم به حقّ آن نام هایی که حاملان عرشت تو را به آن نام ها خواندند و کسی که دور عرش توست به برکت نور تو که تسبیح می کنند از روی ترس از ترس عذاب تو و به حقّ آن نام هایی که می خوانند تو را به آن نام ها جبرئیل و میکائیل و اسرافیل که کاری نکنی مگر آنکه حاجت مرا برآوری و ای خداوند من اندوه مرا بزدای و گناهان مرا بپوشانی و آنها را بیامرزی.

ای کسی که امر نمودی به فریاد زدن در میان آفریدگان خود پس ناگاه ایشان در صحرای قیامت محشور می شوند و به حقّ آن نامی که زنده می کنی به سبب آن استخوان ها را و حال آنکه آنها پوسیدند، دل مرا زنده گردان و سینه مرا بگشای برای فهمیدن چیزها و حال مرا نیکو گردان، ای کسی که نفس خود را به باقی بودن مخصوص ساخت و برای مخلوقات خود مرگ و زندگی و نیستی، تعیین نمود، ای کسی که کردار او گفتار اوست و گفتار او فرمان اوست و فرمان او جاری است بر آنچه می خواهد .

از تو می خواهم به آن نامی که تو را خواند به آن نام دوست تو ابراهیم هنگامی که انداخته شد در آتش پس تو را خواند به آن نام پس دعای او را برآوردی و فرمودی «ای آتش باش تو سرد و سلامت بر ابراهیم» و به حقّ آن نامی که تو را خواند به آن نام موسی از جانب کوه طور مبارک پس دعای او را برآوردی و به نامی که آفریدی به برکت آن عیسی را از روح پاکیزه و به آن اسم که قبول توبه نمودی به برکت آن برای داود و به این نام که به برکت آن به زکریا یحیی را بخشیدی و به این نام که به برکت آن از ایوب آزار را و بلاها را زدودی و به برکت آن برای سلیمان باد را مسخر گردانیدی که جاری شود به فرمان او و جنّیان و به او زبان مرغان را فهمانیدی و به حقّ آن نام که به برکت آن عرش را آفریدی، و به حقّ آن نام که به آن کرسی را آفریدی و به آن نام که به آن فرشتگان لطیف را آفریدی و به آن نام که به برکت آن جنّیان و آدمیان را آفریدی و به آن نام که به برکت آن همه آفریدگان را آفریدی و به آن نام که به برکت این نام همه آنچه خواستی از هر چیزی آفریدی و به آن نام که توانا هستی به آن بر هر چیز از تو می خواهم به حقّ این نام ها که خواسته ام را به من عطا کنی و حاجاتم را بر آوری ای کریم.

پس همانا ای فاطمه به تو گفته می شود، بلی بلی. - . مهج الدعوات: ۱۷۵- ۱۷۳ -

**[ترجمه]

«۳۶»

مهج، [مهج الدعوات] دُعَاءٌ آخَرُ عَنْ مَوْلَاتِنَا فَاطِمَهَ الزَّهْرَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهَا: اللَّهُمَّ قَنِّعْنِی بِمَا رَزَقْتَنِی وَ اسْتُرْنِی وَ عَافِنِی أَبَداً مَا أَبْقَیْتَنِی وَ اغْفِرْ لِی

وَ ارْحَمْنِی إِذَا تَوَفَّیْتَنِی اللَّهُمَّ لَا تُعْیِنِی فِی طَلَبِ مَا لَمْ تُقَدِّرْ لِی وَ مَا قَدَّرْتَهُ عَلَیَّ فَاجْعَلْهُ مُیَسَّراً سَهْلًا اللَّهُمَّ کَافِ عَنِّی وَالِدَیَّ وَ کُلَّ مَنْ لَهُ نِعْمَهٌ عَلَیَّ خَیْرَ مُکَافَاهٍ اللَّهُمَّ فَرِّغْنِی لِمَا خَلَقْتَنِی لَهُ وَ لَا تَشْغَلْنِی بِمَا تَکَفَّلْتَ لِی بِهِ وَ لَا تُعَذِّبْنِی وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُکَ وَ لَا تَحْرِمْنِی وَ أَنَا أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ ذَلِّلْ نَفْسِی وَ عَظِّمْ شَأْنَکَ فِی نَفْسِی وَ أَلْهِمْنِی طَاعَتَکَ وَ الْعَمَلَ بِمَا یُرْضِیکَ وَ التَّجَنُّبَ لِمَا یُسْخِطُکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ (۲).

**[ترجمه]مهج الدعوات: دعای دیگر است از مولایمان فاطمه زهرا صلوات الله علیها:

«خداونـدا مرا به آنچه به من روزی کردی راضـی گردان و گناهـان مرا بپوشان و مرا به سـلامت بـدار همیشه مادام که مرا باقی می داری و مرا بیـامرز و رحم کن بر من هر گـاه مرا بمیرانی خداونـدا مرا عـاجز مگردان در خواسـتن آنچه آن را برای من تقـدیر نکردی و آنچه را که بر من تقـدیر نمودی برای من آسان بگردان. خداونـدا پـدر و مادر مرا و هر کسـی را که نعمت های او بر من باشد بهترین جزای خیر ده. خداوندا مرا برای آنچه آفریـدی خالص گردان و مرا به تحصـیل آنچه برای من ضامن گشتی مشـغول مگردان، مرا عـذاب مکن و حال آنکه من از تو طلب آمرزش می کنم و مرا ناامیـد مگردان در حالی که از تو می‌خواهم خداوندا خوار گردان نفس مرا و بزرگ گردان شأن مرا و بینداز در دل من رغبت به سوی فرمانبرداری تو و به جا آوردن آنچه تو را خشنود گرداند و دوری نمودن از آنچه تو را به خشم آورد ای رحم کننده ترین رحم کنند گان». – . مهج الدعوات: ۱۷۵ –

**[ترجمه]

«۳۷»

مهـج، [مهـج الـدعوات] رُوِیَ: أَنَّ فَاطِمَهَ علیها السـلام زَارَتِ النَّبِیَّ صـلی الله علیه و آله فَقَالَ لَهَا أَ لَا أُزَوِّدُکِ قَالَتْ نَعَمْ قَالَ قُولِی اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَ رَبَّ کُلِّ شَیْ ءٍ مُنْزِلَ التَّوْرَاهِ وَ الْإِنْجِیلِ وَ الْفُرْقَانِ فَالِقَ الْحَبِّ وَ النَّوَی أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّهٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَیْسَ قَبْلَکَ شَیْ ءٌ وَ أَنْتَ الْآخِرُ فَلَیْسَ بَعْدَکَ شَیْ ءٌ وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَیْسَ فَوْقَکَ شَیْ ءٌ وَ أَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَیْسَ دُونَکَ شَیْ ءٌ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ وَ اقْضِ عَنِّی الدَّیْنَ وَ أَغْنِنِی مِنَ الْفَقْرِ وَ یَسِّرْ لِی کُلَّ الْأَمْرِ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ (۳).

**[ترجمه]مهج الدعوات: مروی است حضرت زهرا علیها السلام روزی به دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله رفتند. پس آن حضرت فرمودند: آیا می خواهی توشه ای به تو دهم؟ حضرت فاطمه علیها السّلام فرمودند: بلی. فرمودند: بخوان:

خداونـدا پروردگـار مـا و پروردگار هر چیزی، ای فرود آورنـده تورات و انجیل و قرآن ای شـکافنده دانه و هسـته، پناه می برم به تو از شرّ هر حرکت کننـده ای که تو گرفتی اختیار او را، تویی پیش از همه چیز پس نیست پیش از تو چیزی و تویی بعـد از همه چیز پس نیست پس از تو چیزی و تویی آشکار پس نیست بالای تو چیزی و تویی دانا به امور پنهان پس نیست غیر از تو چیزی رحمت فرست بر محمّد و بر اهل خانه او که بر او و بر ایشـان بـاد سـلام و قرض مرا ادا کن و مرا از درویشـی بی نیـاز گردان و برای من هر کاری را آسان گردان ای رحم کننـده ترین رحم کنند گان. – . مهج الدعوات: ۱۷۶ –

**[ترجمه]

«۳۸»

ق، [الکتـاب العتیق الغرویّ] دُعَاءٌ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ یَسِّرْ لِیَ الْأَعْمَالَ الَّتِی تُحِبُّهَا وَ تُحِبُّ الْعَامِلِینَ لَهَا وَ أَعِنِّی عَلَیْهَا وَ اصْرِفْ عَنِّی الْأَعْمَالَ الَّتِی تَکْرَهُهَا وَ تَکْرَهُ الْعَامِلِینَ لَهَا وَ أَعِنِّی عَلَی تَرْکِهَا.

اللَّهُمَّ أَوْصِلْنِی إِلَیْکَ مِنْ أَقْرَبِ الطُّرُقِ إِلَیْکَ وَ أَسْهَلِهَا عَلَیَّ اللَّهُمَّ أَعِزَّنِی بِالانْقِطَاعِ إِلَیْکَ بِلَا ضَرُورَهٍ وَ أَحْسِنْ لِیَ الْأَدَبَ بِلَا عُقُوبَهٍ وَ أَجْزِلْ لِیَ

الثَّوَابَ

ص: ۴۰۶

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۷۳- ۱۷۵.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۱۷۵.

۳- ۳. مهج الدعوات ص ۱۷۶.

بِلَا مُصِيبَةٍ وَ أَحْسِنْ لِيَ الِاخْتِيَارَ بِلَا كَرَاهِيَةٍ اللَّهُمَّ خِرْ لِي بِمَيْسُورِ الْأُمُورِ لَا بِمَعْسُورِهَا وَ اجْعَلْ لِي فِي ذَلِكَ مَا تُحِبُّ اللَّهُمَّ وَجِّهْنِي لِلْخَيْرِ وَ يَسِّرْنِي لَهُ وَ أَعِنِّي عَلَيْهِ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِهِ وَ ارْزُقْنِي حُسْنَ الْأَدَبِ فِيمَا تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ فِيهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي لَكَ شَاكِراً وَ لَكَ ذَاكِراً وَ لَكَ حَامِداً وَ إِلَى طَاعَتِكَ عَامِداً وَ بِقَضَائِكَ رَاضِياً وَ عَنْ سَخَطِكَ نَائِياً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِإِقْبَالِ لَيْلِكَ وَ إِدْبَارِ نَهَارِكَ وَ حُضُورِ صَلَاتِكَ وَ أَصْوَاتِ دُعَائِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَ احْشُرْنَا فِي شَفَاعَةِ مُحَمَّدٍ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ عَلَى وُلْدِهِ الْحَسَنِ التَّقِيِّ وَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْأَمِينِ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْكَاظِمِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ وَ الْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْخَلَفِ الْمَهْدِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

**[ترجمه]العتیق الغروی: دعا: خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و کارهایی که دوست داری را بر من آسان گردان و کارهایی که انجان دهنده آن ها را دوست داری و مرا بر آن یاری کن و کارهایی که ناپسند داری و انجام دهنده آنان را دوست نداری از من دوری کن و مرا بر ترک آن یاری کن.

خدایا مرا از نزدیک ترین و آسان ترین دعاها به خودت برسان خدایا مرا بدون انقطاع و ضرورت به خودت برسان و مرا به نیکی ادب کن بدون عذاب و ثواب فراوان بدون مصیبت به من عطا کن و گزینش مرا نیک گردان بدون ناگواری، خدایا کارهای آسان را برای من انتخاب کن نه سخت آن را، آنچه را دوست داری به من عطا کن و خدایا مرا به خیر روی ده و مرا بدان آسان گردان و مرا بر آن یاری فرما و و مرا از اهل آن قرار ده و و در آنچه به تو روی کردم حسن ادب را به من عطا کن.

خدایا مرا سپاسگزار و یاد آور و ستایشگر خود قرار ده و و مرا به اطاعت خویش وادار و به قضای خود راضی گردان و از خشم خود دور بدار ای مهربان ترین مهربانان.

به نام خداوند بخشنده مهربان خدایا از تو می خواهم به آمدن شب و پشت کردن روز و و حضور در نماز تو و صداهای دعای تو که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و ما را در شفاعت محمد درود و سلام فراوان خدا بر او و خاندانش او محشور گردان.

به نام خداوند بخشنده مهربان خدایا درود فرست بر علی امیر مونان و بر فرزندش حسن با تقوا و حسین شهید و علی بن حسین زینت عابدان و محمد بن علی شکافنده علم پیامبران و جعفر بن محمد راستگوی امانت دار و موسی بن جعفر فرو برنده خشم و علی بن موسی خشنود و محمد بن علی پاک و علی بن محمد عسکری و حسن بن علی عسکری و حجت قائم جانشین هدایت شده درود خدا بر همگی آنان.

**[ترجمه]

«۳۹»

مهج، [مهج الدعوات] بِإِسْنَادِنَا إِلَى أَبِي الْمُفَضَّلِ الشَّيْبَانِيِّ عَنْ رَجَاءِ بْنِ يَحْيَى أَبِي الْحَسَنِ الْعَبَرْتَائِيِّ قَالَ: كَتَبْتُ هَذَا الدُّعَاءَ فِي دَارِ سَيِّدِنَا أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ صَاحِبِ الْعَسْكَرِ عليهما السلام وَ هُوَ دُعَاءُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليهما السلام لَمَّا أَتَى مُعَاوِيَةَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ الْأَكْبَرِ اللَّهُمَّ سُبْحَانَكَ يَا قَيُّومُ سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ أَسْأَلُكَ كَمَا أَمْسَكْتَ عَنْ دَانِيَالَ أَفْوَاهَ الْأَسَدِ وَ هُوَ فِي الْجُبِّ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ إِلَيْهِ سَبِيلًا إِلَّا بِإِذْنِكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُمْسِكَ عَنِّي أَمْرَ هَذَا الرَّجُلِ وَ كُلَّ عَدُوٍّ لِي فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا مِنَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ خُذْ بِآذَانِهِمْ وَ أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ وَ قُلُوبِهِمْ وَ جَوَارِحِهِمْ وَ اكْفِنِي كَيْدَهُمْ بِحَوْلٍ مِنْكَ وَ قُوَّةٍ فَكُنْ لِي جَاراً مِنْهُمْ وَ مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ.

إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ

حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

و هذا قد ذكرناه فی کتاب إغاثه الداعی و إعانه الساعی و إنما کان هذا الکتاب أحق به المعارف الواعی (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: رجاء بن یحیی ابو الحسین عبرتائی خبر داد: من این دعا را در خانه سیّد ما حضرت ابی محمّد امام حسن عسکری بن امام علیّ نقی علیهما السلام نوشتم و این دعای حضرت امام حسن بن علی علیهما السّلام است در وقتی که به نزد معاویه آمدند:

«به نام خدای بخشنده مهربان ابتدا می کنم به نام خدای بزرگ که بزرگ تر است، خداوندا تو را تسبیح می کنم ای پاینده تسبیح کردنی برای کسی که نمی میرد، از تو می خواهم همچنان که از دانیال دهان های شیران را نگاهداشتی و در حالی که در چاه بودند پس راهی به سوی او نیافتند مگر به اذن تو، از تو می خواهم که امر این مرد را از من نگاهداری و هر دشمنی از من در مشرق های زمین و مغرب های زمین از جنّیان و آدمیان بگیر گوش های ایشان را و شنوایی آنها را و چشم های ایشان را و دل های ایشان را و اعضای ایشان را و مرا از مکر ایشان به قدرتی و توانایی از جانب تو نگاه دار و مرا از شرّ ایشان و از شرّ هر جبر و ستم کننده یاغی و از شرّ هر شیطان سرکشی که ایمان نداشته باشد به روز جزا پناه ده.

به درستی که صاحب من خدایی است که قرآن را فرو فرستاد و او جماعت صالحان را دوست می دارد پس اگر کافران اعراض کنند، بگو ای محمد که مرا خدا کافی است خدایی مگر او نیست بر او اعتماد نمودم و اوست پروردگار عرش بزرگ.

به تحقیق که من این دعا را در کتاب اغاثه الدّاعی و اعانه الساعی ذکر نمودم و چون این کتاب سزاوارتر به ذکر این دعا است لهذا آن را ایراد نمودم از برای کسی که دانا و شنوا باشد. - . مهج الدعوات: ۱۷۷ -

**[ترجمه]

«۴۰»

مهج، [مهج الدعوات] دُعَاءٌ لِمَوْلَانَا الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ علیهما السلام: يَا مَنْ إِلَيْهِ يَفِرُّ الْهَارِبُونَ وَ بِهِ يَسْتَأْنِسُ الْمُسْتَوْحِشُونَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْ أُنْسِي بِكَ فَقَدْ ضَاقَتْ عَنِّي بِلَادُكَ وَ اجْعَلْ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ فَقَدْ مَالَ عَلَيَّ أَعْدَاؤُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي بِكَ أَصُولُ وَ بِكَ أَحُولُ وَ عَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ وَ إِلَيْكَ أُنِيبُ اللَّهُمَّ وَ مَا وَصَفْتُكَ مِنْ صِفَةٍ أَوْ دَعَوْتُكَ مِنْ دُعَاءٍ يُوَافِقُ ذَلِكَ مَحَبَّتَكَ وَ رِضْوَانَكَ وَ مَرْضَاتَكَ فَأَحْيِنِي عَلَى ذَلِكَ وَ أَمِتْنِي عَلَيْهِ وَ مَا كَرِهْتَ مِنْ ذَلِكَ فَخُذْ بِنَاصِيَتِي إِلَى مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى أَتُوبُ إِلَيْكَ رَبِّي مِنْ ذُنُوبِي وَ أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ جُرْمِي وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اكْفِنَا مُهِمَّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فِي عَافِيَةٍ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ (۲).

**[ترجمه]مهج الدعوات: دعایی است از مولای ما حضرت امام حسن بن علی بن ابی طالب علیهما السلام:ای کسی که گریختگان به سوی او می گریزند و وحشت کنندگان به او انس می یابند رحمت فرست به محمّد و آل محمّد و انس مرا به خودت قرار ده پس به تحقیق که بر من سرزمین تو تنگ شد و اعتماد مرا به خود قرار ده پس به تحقیق که بر ضرر من دشمنان تو میل کردند، خداوندا رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و چنان کن که به قوّت تو بر دشمنان حمله آور شوم و به سبب تو حرکت کنم و بر تو اعتماد نمایم و به سوی تو بازگشت کنم، خداوندا و آنچه تعریف کردم تو رابه آن یا آنکه تو را به آن خواندم از دعایی که با خواهش تو و با خوشنودی تو و با رضامندی تو موافق باشد، پس مرا بر آن زنده دار و بر آن بمیران و آنچه تو را ناخوش آید پس موی پیشانی مرا بگیر و به سوی آنچه دوست داری و از آن خوشنودی بگردان. ای پروردگار من از گناهان خود توبه می کنم و از تو برای تقصیر خود طلب آمرزش می نمایم و نیست حرکتی و نه توانایی مگر به خدا، نیست خدایی مگر او که بردبار و بخشنده است و رحمت فرستد خدا بر محمّد و آل او و ما را کارگزاری نمای به آنچه آن را در دنیا و در آخرت خواستیم در حالی که از بلاها و ضررها سلامت باشیم ای پروردگار عالمیان. - . مهج الدعوات: ۱۷۸ -

**[ترجمه]

«۴۱»

مهج، [مهج الدعوات] اعْلَمْ أَنَّ هَذَا دُعَاءٌ عَظِيمٌ مِنْ أَسْرَارِ الدَّعَوَاتِ وَ وَجَدْتُ بِهِ سِتَّ رِوَايَاتٍ مُخْتَلِفَاتٍ ذَكَرْنَا مِنْهَا رِوَايَتَيْنِ وَاحِدَةً فِی أَدْعِيَهِ الْغُرُوبِ وَ وَاحِدَةً فِی تَعْقِيبِ الصُّبْحِ مِنْ كِتَابِ عَمَلِ الْيَوْمِ وَ اللَّيْلَهِ مِنَ الْمُهِمَّاتِ وَ رِوَايَةً فِی تَعْقِيبِ الْعَصْرِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَهِ فِی الْجُزْءِ الرَّابِعِ مِنَ الْمُهِمَّاتِ وَ رِوَايَةً فِی آخِرِ كِتَابِ إِغَاثَهِ الدَّاعِی وَ إِعَانَهِ السَّاعِی وَ نَذْكُرُ فِی هَذَا الْكِتَابِ الْخَامِسَهَ وَ السَّادِسَهَ اسْتِظْهَاراً لِهَذَا الدُّعَاءِ الْعَظِيمِ عِنْدَ الْعَارِفِينَ بِهِ مِنْ ذَوِی الْأَلْبَابِ.

الرِّوَايَهُ الْمُتَقَدِّمَهُ مِنْ دُعَاءِ الْعَشَرَاتِ:

رَوَيْنَا بِإِسْنَادِنَا إِلَی سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ مُعَاوِيَهَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ عِنْدَنَا مَا نَكْتُمُهُ وَ لَا نُعَلِّمُهُ

ص: ۴۰۸

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۷۷.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۱۷۸.

غَيْرَنَا أَشْهَدُ عَلَى أَبِی أَنَّهُ حَدَّثَنِی عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ عليه السلام يَا بُنَیَّ إِنَّهُ لَا بُدَّ مِنْ أَنْ تَمْضِیَ مَقَادِيرُ اللَّهِ وَ أَحْكَامُهُ عَلَى مَا أَحَبَّ وَ قَضَى وَ سَيُنْفِذُ اللَّهُ قَضَاءَهُ وَ قَدَرَهُ وَ حُكْمَهُ فِيكَ فَعَاهِدْنِی أَنْ لَا تَلْفِظَ بِكَلَامٍ أُسِرُّهُ إِلَيْكَ حَتَّى أَمُوتَ وَ بَعْدَ مَوْتِی بِاثْنَیْ عَشَرَ شَهْراً وَ أُخْبِرُكَ بِخَبَرٍ أَصْلُهُ عَنِ اللَّهِ تَقُولُ غُدْوَةً وَ عَشِيَّةً فَتَشْغَلُ بِهِ أَلْفَ أَلْفِ مَلَكٍ يُعْطَى كُلُّ مَلَكٍ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَلْفِ أَلْفِ كَاتِبٍ فِی سُرْعَةِ الْكِتَابَةِ وَ يُوَكِّلُ اللَّهُ بِالاسْتِغْفَارِ لَكَ أَلْفَ أَلْفِ مَلَكٍ يُعْطَى كُلُّ مُسْتَغْفِرٍ قُوَّةَ أَلْفِ أَلْفِ مُتَكَلِّمٍ فِی سُرْعَةِ الْكَلَامِ وَ يُبْنَى لَكَ فِی دَارِ السَّلَامِ أَلْفُ بَيْتٍ فِی مِائَةِ قَصْرٍ يَكُونُ فِيهِ مِنْ جِيرَانِ أَهْلِهِ وَ يُبْنَى لَكَ فِی الْفِرْدَوْسِ أَلْفُ بَيْتٍ فِی مِائَةِ قَصْرٍ يَكُونُ لَكَ جَارُ جَدِّكَ وَ يُبْنَى لَكَ فِی جَنَّاتِ عَدْنٍ أَلْفُ أَلْفِ مَدِينَةٍ وَ يُحْشَرُ مَعَكَ فِی قَبْرِكَ كِتَابٌ يَقُولُ هَائِداً لَا سَبِيلَ عَلَيْكَ لِلْفَزَعِ وَ لَا لِلْخَوْفِ وَ لَا الزَّلَازِلِ وَ لَا زَلَّاتِ الصِّرَاطِ وَ لَا لِعَذَابِ النَّارِ وَ لَا تَدْعُو بِدَعْوَةٍ فَتُحِبُّ أَنْ يُجَابَ فِی يَوْمِكَ فَيُمْسِی عَلَيْكَ يَوْمُكَ إِلَّا أَتَتْكَ كَائِنَةً مَا كَانَتْ بَالِغَةً مَا بَلَغَتْ فِی أَیِّ نَحْوٍ كَانَتْ وَ لَا تَمُوتُ إِلَّا شَهِيداً وَ تَحْيَا مَا حَيِيتَ وَ أَنْتَ سَعِيدٌ لَا يُصِيبُكَ فَقْرٌ أَبَداً وَ لَا جُنُونٌ وَ لَا بَلْوَى وَ يُكْتَبُ لَكَ فِی كُلِّ يَوْمٍ بِعَدَدِ الثَّقَلَيْنِ كُلِّ نَفْسٍ أَلْفُ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ يُمْحَى عَنْكَ أَلْفُ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَ يُرْفَعُ لَكَ أَلْفُ أَلْفِ دَرَجَةٍ وَ يَسْتَغْفِرُ لَكَ الْعَرْشُ وَ الْكُرْسِیُّ حَتَّى تَقِفَ بَيْنَ يَدَیِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا تَطْلُبُ لِأَحَدٍ حَاجَةً إِلَّا قَضَاهَا وَ لَا تَطْلُبُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةً لَكَ وَ لَا لِغَيْرِكَ إِلَى آخِرِ الدَّهْرِ فِی دُنْيَاكَ وَ آخِرَتِكَ إِلَّا قَضَاهَا فَعَاهِدْنِی كَمَا أَذْكُرُ لَكَ فَقَالَ لَهُ الْحُسَيْنُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَاهِدْنِی يَا أَبَهْ عَلَى مَا أَحْبَبْتَ قَالَ أُعَاهِدُكَ عَلَى أَنْ تَكْتُمَ عَلَیَّ فَإِذَا بَلَغَ مَنِيَّتُكَ فَلَا تُعَلِّمْهُ أَحَداً سِوَانَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَوْ شِيعَتِنَا وَ أَوْلِيَاءِنَا وَ مَوَالِينَا فَإِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ طَلَبَ النَّاسُ إِلَى رَبِّهِمُ الْحَوَائِجَ فِی كُلِّ نَحْوٍ فَقَضَاهَا فَأَنَا أُحِبُّ أَنْ يُتِمَّ اللَّهُ بِكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ بِمَا عَلَّمَنِی مِمَّا أُعَلِّمُكَ مَا أَنْتُمْ فِيهِ فَتُحْشَرُونَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَ لَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ فَعَاهَدَ الْحُسَيْنُ عَلِيّاً صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا عَلَى ذَلِكَ ثُمَّ قَالَ إِذَا أَرَدْتَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ذَلِكَ فَقُلْ:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ فِی آنَاءِ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافِ النَّهَارِ سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكَارِ فَسُبْحانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ يُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَ كَذلِكَ تُخْرَجُونَ سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِی الْمُلْكِ وَ الْمَلَكُوتِ سُبْحَانَ ذِی الْعِزَّهِ وَ الْعَظَمَهِ وَ الْجَبَرُوتِ سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْقُدُّوسِ سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْحَيِّ الَّذِی لَا يَمُوتُ سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَهِ وَ الرُّوحِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَصْبَحْتُ مِنْكَ فِی نِعْمَهٍ وَ عَافِيَهٍ فَأَتْمِمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَ عَافِيَتَكَ لِی بِالنَّجَاهِ مِنَ النَّارِ وَ ارْزُقْنِی شُكْرَكَ وَ عَافِيَتَكَ أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِی اللَّهُمَّ بِنُورِكَ اهْتَدَيْتُ وَ بِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ أَصْبَحْتُ أُشْهِدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيداً وَ أُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ وَ حَمَلَهَ عَرْشِكَ وَ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ جَمِيعَ خَلْقِكَ وَ سَمَاوَاتِكَ وَ أَرْضِكَ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ أَنَّ مُحَمَّداً صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ أَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ تُحْيِی وَ تُمِيتُ وَ تُمِيتُ وَ تُحْيِی وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْجَنَّهَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَهَ آتِيَهٌ لا رَيْبَ فِيها وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ عليه السلام وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ الْإِمَامَ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْأَئِمَّهُ الْهُدَاهُ الْمَهْدِيُّونَ غَيْرُ الضَّالِّينَ وَ الْمُضِلِّينَ وَ أَنَّهُمْ أَوْلِيَاؤُكَ الْمُصْطَفَوْنَ وَ حِزْبُكَ الْغَالِبُونَ وَ صَفْوَتُكَ وَ خِيَرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ نُجَبَاؤُكَ الَّذِينَ انْتَجَبْتَهُمْ لِوَلَايَتِكَ وَ

اخْتَصَصْتَهُمْ مِنْ خَلْقِکَ وَ اصْطَفَیْتَهُمْ عَلَی عِبَادِکَ وَ جَعَلْتَهُمْ حُجَّهً عَلَی خَلْقِکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِمْ وَ السَّلَامُ.

اللَّهُمَّ اکْتُبْ لِی هَذِهِ الشَّهَادَهَ عِنْدَکَ حَتَّی تُلَقِّیَنِیهَا وَ أَنْتَ عَنِّی رَاضٍ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ قَدْ رَضِیتَ عَنِّی إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً تَضَعُ لَکَ السَّمَاءُ أَکْنَافَهَا وَ تُسَبِّحُ لَکَ الْأَرَضُونَ وَ مَنْ عَلَیْهَا وَ لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً یَصْعَدُ وَ لَا یَنْفَدُ وَ حَمْداً یَزِیدُ وَ لَا یَبِیدُ سَرْمَداً مَدَداً لَا انْقِطَاعَ لَهُ وَ لَا نَفَادَ أَبَداً حَمْداً یَصْعَدُ أَوَّلُهُ وَ لَا یَنْفَدُ آخِرُهُ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَیَّ وَ مَعِی وَ فِیَّ وَ قَبْلِی وَ بَعْدِی وَ أَمَامِی وَ لَدَیَّ فَإِذَا مِتُّ وَ فَنِیتُ وَ بَقِیتَ یَا مَوْلَایَ فَلَکَ الْحَمْدُ إِذَا نُشِرْتُ وَ بُعِثْتُ وَ لَکَ الْحَمْدُ وَ الشُّکْرُ بِجَمِیعِ مَحَامِدِکَ کُلِّهَا عَلَی جَمِیعِ نَعْمَائِکَ کُلِّهَا وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی کُلِّ عِرْقٍ سَاکِنٍ وَ عَلَی کُلِّ أَکْلَهٍ وَ شَرْبَهٍ وَ بَطْشَهٍ وَ حَرَکَهٍ وَ نَوْمَهٍ وَ یَقَظَهٍ وَ لَحْظَهٍ وَ طَرْفَهٍ وَ نَفَسٍ وَ عَلَی کُلِّ مَوْضِعِ شَعْرَهٍ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ کُلُّهُ وَ لَکَ الْمُلْکُ کُلُّهُ وَ بِیَدِکَ الْخَیْرُ کُلُّهُ وَ إِلَیْکَ یَرْجِعُ الْأَمْرُ کُلُّهُ عَلَانِیَتُهُ وَ سِرُّهُ وَ أَنْتَ مُنْتَهَی الشَّأْنِ کُلِّهِ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی حِلْمِکَ بَعْدَ عِلْمِکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی عَفْوِکَ بَعْدَ قُدْرَتِکَ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ بَاعِثَ الْحَمْدِ وَ وَارِثَ الْحَمْدِ وَ بَدِیعَ الْحَمْدِ وَ مُبْتَدِعَ الْحَمْدِ وَ وَافِیَ الْعَهْدِ وَ صَادِقَ الْوَعْدِ عَزِیزَ الْجُنْدِ قَدِیمَ الْمَجْدِ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ مُجِیبَ الدَّعَوَاتِ رَفِیعَ الدَّرَجَاتِ مُنْزِلَ الْآیَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ مُخْرِجَ النُّورِ مِنَ الظُّلُمَاتِ مُبَدِّلَ السَّیِّئَاتِ حَسَنَاتٍ وَ جَاعِلَ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ غَافِرَ الذَّنْبِ وَ قَابِلَ التَّوْبِ شَدِیدَ الْعِقَابِ ذی [ذَا] الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَیْکَ الْمَصِیرُ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ فِی اللَّیْلِ إِذا یَغْشی وَ لَکَ الْحَمْدُ فِی النَّهارِ إِذا تَجَلَّی وَ لَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ کُلِّ نَجْمٍ وَ مَلَکٍ فِی السَّمَاءِ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ کُلِّ قَطْرَهٍ نَزَلَتْ مِنَ السَّمَاءِ إِلَی الْأَرْضِ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ کُلِّ قَطْرَهٍ فِی الْبِحَارِ وَ الْعُیُونِ وَ الْأَوْدِیَهِ وَ الْأَنْهَارِ

وَ لَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ الشَّجَرِ وَ الْوَرَقِ وَ الْحَصَی وَ الثَّرَی وَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الْبَهَائِمِ وَ الطَّیْرِ وَ الْوُحُوشِ وَ الْأَنْعَامِ وَ السِّبَاعِ وَ الْهَوَامِّ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحْصَی کِتَابُکَ وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُکَ حَمْداً کَثِیراً دَائِماً مُبَارَکاً فِیهِ أَبَداً لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ یُمِیتُ وَ یُحْیِی وَ هُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ عَشْرَ مَرَّاتٍ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ عَشْرَ مَرَّاتٍ یَا رَحْمَانُ یَا رَحْمَانُ عَشْرَ مَرَّاتٍ یَا رَحِیمُ یَا رَحِیمُ عَشْراً یَا بَدِیعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ عَشْراً یَا حَنَّانُ یَا مَنَّانُ عَشْراً یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ عَشْراً یَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَشْراً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَشْراً بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ عَشْراً آمِینَ آمِینَ افْعَلْ بِی کَذَا وَ کَذَا وَ تَقُولُ هَذَا بَعْدَ الصُّبْحِ مَرَّةً وَ بَعْدَ الْعَصْرِ أُخْرَی ثُمَّ تَدْعُو بِمَا شِئْتَ (۱).

وَ مِنْ ذَلِکَ الرِّوَایَهُ الْمُتَأَخِّرَهُ مِنْ دُعَاءِ الْعَشَرَاتِ وَجَدْنَا إِسْنَادَهَا بِمَا دُونَ مَا قَدَّمْنَاهُ مِنَ الْفَضْلِ وَ کَانَ الْقَصْدُ لَفْظَ الدُّعَاءِ مِنْهَا لِمَا فِیهِ مِنَ الِاخْتِلَافِ فِی النَّقْلِ وَ هُوَ أَیْضاً مَرْوِیٌّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام وَ عَرَفْنَا [أَنَّهُ] مِنْ جَانِبِ اللَّهِ أَنَّهُ أَرْجَحُ مِنَ الَّذِی قَبْلَهُ (۲): بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ سُبْحَانَ اللَّهِ فِی آناءِ اللَّیْلِ وَ أَطْرَافِ النَّهَارِ فَسُبْحانَ اللَّهِ حِینَ تُمْسُونَ وَ حِینَ تُصْبِحُونَ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِیًّا وَ حِینَ تُظْهِرُونَ یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَ یُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ وَ یُحْیِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَ کَذلِکَ تُخْرَجُونَ

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۸۰- ۱۸۴.

۲- ۲. و ذکره المحدث القمّیّ فی مفاتیح الجنان ص ۶۷ نقلا من مصباح الشیخ قدّس سرّه راجعه ان شئت.

سُبْحانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا یَصِفُونَ وَ سَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ سُبْحَانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ سُبْحَانَ ذِی الْمُلْکِ وَ الْمَلَکُوتِ سُبْحَانَ ذِی الْعِزَّهِ وَ الْعَظَمَهِ وَ الْجَبَرُوتِ سُبْحَانَ الْمَلِکِ الْحَیِّ الْقُدُّوسِ سُبْحَانَ الدَّائِمِ الْقَائِمِ سُبْحَانَ الْحَیِّ الْقَیُّومِ سُبْحَانَ رَبِّیَ الْأَعْلَی سُبْحَانَ الْعَلِیِّ الْأَعْلَی سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَی وَ سُبْحَانَ اللَّهِ السُّبُّوحِ الْقُدُّوسِ رَبِّ الْمَلَائِکَهِ وَ الرُّوحِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَصْبَحْتُ مِنْکَ فِی نِعْمَهٍ وَ عافِیَهٍ فَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَمِّمْ عَلَیَّ نِعْمَتَکَ وَ عَافِیَتَکَ وَ ارْزُقْنِی شُکْرَکَ اللَّهُمَّ بِنُورِکَ اهْتَدَیْتُ وَ بِفَضْلِکَ اسْتَغْنَیْتُ وَ بِنِعْمَتِکَ أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَیْتُ ذُنُوبِی بَیْنَ یَدَیْکَ أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتُوبُ إِلَیْکَ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَیْتَ وَ لَا مُعْطِیَ لِمَا مَنَعْتَ أَنْتَ الْجَدُّ لَا یَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْکَ الْجَدُّ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ اللَّهُمَّ إِنِّی أُشْهِدُکَ وَ أُشْهِدُ مَلَائِکَتَکَ وَ حَمَلَهَ عَرْشِکَ وَ جَمِیعَ خَلْقِکَ فِی سَمَاوَاتِکَ وَ أَرْضِکَ أَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ صلی الله علیه و آله اللَّهُمَّ اکْتُبْ لِی هَذِهِ الشَّهَادَهَ عِنْدَکَ حَتَّی تُلَقِّنِیهَا یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ قَدْ رَضِیتَ بِهَا عَنِّی إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً تَضَعُ لَکَ السَّمَاوَاتُ کَنَفَیْهَا وَ تُسَبِّحُ لَکَ الْأَرْضُ وَ مَنْ عَلَیْهَا اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ حَمْداً یَصْعَدُ أَوَّلُهُ وَ لَا یَنْفَدُ آخِرُهُ حَمْداً یَزِیدُ وَ لَا یَبِیدُ سَرْمَداً أَبَداً لَا انْقِطَاعَ لَهُ وَ لَا نَفَادَ حَمْداً یَصْعَدُ وَ لَا یَنْفَدُ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ فِیَّ وَ عَلَیَّ وَ مَعِی وَ قَبْلِی وَ بَعْدِی وَ أَمَامِی وَ وَرَائِی وَ خَلْفِی وَ إِذَا مِتُّ وَ فَنِیتُ یَا مَوْلَایَ وَ لَکَ الْحَمْدُ بِجَمِیعِ مَحَامِدِکَ کُلِّهَا عَلَی جَمِیعِ نِعَمِکَ کُلِّهَا وَ لَکَ الْحَمْدُ فِی کُلِّ عِرْقٍ سَاکِنٍ وَ عَلَی کُلِّ عِرْقٍ ضَارِبٍ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی کُلِّ أُکْلَهٍ وَ شُرْبَهٍ وَ بَطْشَهٍ وَ نَشْطَهٍ وَ عَلَی کُلِّ مَوْضِعِ شَعْرَهٍ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ کُلُّهُ وَ لَکَ الْمَنُّ کُلُّهُ وَ لَکَ الْخَلْقُ کُلُّهُ وَ لَکَ الْمُلْکُ کُلُّهُ وَ لَکَ الْأَمْرُ کُلُّهُ وَ بِیَدِکَ الْخَیْرُ کُلُّهُ وَ إِلَیْکَ یَرْجِعُ الْأَمْرُ کُلُّهُ عَلَانِیَتُهُ وَ سِرُّهُ وَ أَنْتَ مُنْتَهَی الشَّأْنِ کُلِّهِ.

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی حِلْمِکَ بَعْدَ عِلْمِکَ فِیَّ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی عَفْوِکَ عَنِّی بَعْدَ قُدْرَتِکَ عَلَیَّ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ صَاحِبَ الْحَمْدِ وَ وَارِثَ الْحَمْدِ وَ مَالِکَ الْحَمْدِ وَ وَارِثَ الْمُلْکِ بَدِیعَ الْحَمْدِ وَ مُبْتَدِعَ الْحَمْدِ وَفِیَّ الْعَهْدِ صَادِقَ الْوَعْدِ عَزِیزَ الْجُنْدِ قَدِیمَ الْمَجْدِ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ رَفِیعَ الدَّرَجَاتِ مُجِیبَ الدَّعَوَاتِ مُنْزِلَ الْآیَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ مُخْرِجَ النُّورِ مِنَ الظُّلُمَاتِ مُبَدِّلَ السَّیِّئَاتِ حَسَنَاتٍ وَ جَاعِلَ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ غَافِرِ الذَّنْبِ وَ قَابِلِ التَّوْبِ شَدِیدِ الْعِقَابِ ذِی الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَیْکَ الْمَصِیرُ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ فِی اللَّیْلِ إِذَا یَغْشَی وَ فِی النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّی وَ لَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ کُلِّ نُجُومٍ فِی السَّمَاءِ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ کُلِّ قَطْرَةٍ فِی السَّمَاءِ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ کُلِّ قَطْرَةٍ نَزَلَتْ مِنَ السَّمَاءِ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ کُلِّ قَطْرَةٍ فِی الْبِحَارِ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ الشَّجَرِ وَ الْوَرَقِ وَ الثَّرَی وَ الْمَدَرِ وَ الْحَصَی وَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الطَّیْرِ وَ الْبَهَائِمِ وَ السِّبَاعِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْهَوَامِّ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا عَلَی وَجْهِ الْأَرْضِ وَ تَحْتَ الْأَرْضِ وَ مَا فِی الْهَوَاءِ وَ السَّمَاءِ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحْصَی کِتَابُکَ وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُکَ حَمْداً کَثِیراً طَیِّباً مُبَارَکاً فِیهِ أَبَداً ثُمَّ تَقُولُ أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ هُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ عَشْرَ مَرَّاتٍ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا رَحْمَانُ یَا رَحْمَانُ یَا رَحْمَانُ یَا رَحِیمُ یَا رَحِیمُ یَا رَحِیمُ یَا حَنَّانُ یَا حَنَّانُ یَا مَنَّانُ یَا مَنَّانُ یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ کُلُّ وَاحِدٍ عَشْرَ مَرَّاتٍ یَا بَدِیعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ عَشْرَ مَرَّاتٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ عَشْرَ مَرَّاتٍ یَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَشْرَ مَرَّاتٍ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَشْرَ مَرَّاتٍ آمِینَ آمِینَ عَشْرَ مَرَّاتٍ ثُمَّ تَسْأَلُ حَوَائِجَکَ کُلَّهَا بَعْدَهُ لِدُنْیَاکَ وَ آخِرَتِکَ

تُجَابُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

ق، [الكتاب العتيق الغرويّ] رَوَى أَبُو الْجَارُودِ عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ قَالَ قَالَ مَوْلَانَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: يَا بُنَيَّ إِنَّهُ لَا بُدَّ أَنْ تَمْضِيَ مَقَادِيرُ اللَّهِ وَ أَحْكَامُهُ عَلَى مَنْ أَحَبَّ وَ سَاقَ الْحَدِيثَ مِثْلَ مَا مَرَّ إِلَى قَوْلِهِ فَعَاهِدْنِي يَا بُنَيَّ أَنْ لَا تُعَلِّمَ هَذَا الدُّعَاءَ أَحَداً سِوَى أَهْلِ بَيْتِكَ وَ شِيعَتِكَ وَ مَوَالِيكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ ذَلِكَ وَ عَلَّمْتَهُ كُلَّ أَحَدٍ طَلَبُوا الْحَوَائِجَ إِلَى رَبِّهِمْ فِي كُلِّ نَحْوٍ وَ قَضَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُمْ فَإِنِّي أُحِبُّ أَنْ يُتِمَّ اللَّهُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ فَتُحْشَرُونَ وَ لا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَ لا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ وَ لَا تَدْعُو بِهِ إِلَّا وَ أَنْتَ طَاهِرٌ وَ وَجْهُكَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ ثُمَّ ذَكَرَ الدُّعَاءَ مِثْلَ الثَّانِي.

**[ترجمه]مهج الدعوات: این را بدان، دعایی که مذکور می شود دعای بزرگی از اسرار دعاهاست و برای این دعا شش روایت مختلف یافتم که از آنها در این کتاب دو روایت را ذکر کردم یکی از آن شش روایت در تعقیب صبح وارد شده و یکی در دعاهای غروب وارد شد و این هر دو روایت در کتاب عمل شبانه روز از کتاب المهمات ذکر شد و یکی در تعقیب نماز عصر در روز جمعه وارد شد که در جلد چهارم کتاب المهمّات ذکر شد و یکی در آخر کتاب اغاثه الدّاعی و اعانه السّاعی مذکور شد و من در این کتاب روایت پنجم و ششم را ذکر می کنم تا آنکه بزرگی قدر و مرتبه این دعا بر خداشناسان و صاحبان عقل ظاهر شود.

روایت عرضه شده از دعای عشرات:

ما به سندهای خود از سعد بن عبد الله روایت کردیم که گفت: به ما احمد بن محمّد از حسن بن علی بن فضّال از حسین بن جهم از شخصی حدیث نمود که به او از حسن بن محبوب یا غیر او از معاویه ابن وهب از حضرت صادق علیه السّلام روایت نمود که فرمودند: همانا نزد ما امامان چیزی هست که آن را پنهان می کنیم و آن را به غیر تعلیم نمی کنیم. گواهی می دهم به آنکه پدر من از پدر خود حدیث نمود و او از جدّ خود روایت نمود که حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهم السّلام به من فرمودند: ای فرزند من به درستی که ناچار است از آنکه تقدیرات خدای تعالی و حکم های او بر وفق آنچه خواست، جاری شود و حکم نمود و زود باشد که خدای تعالی قضا و قدر و حکم خود را در باره تو جاری نماید، پس با من عهد کن که پنهان نمایی و اظهار نکنی کلامی را که آن را به تو می گویم تا آنکه من بمیرم و بعد از فوت من نیز تا دوازده ماه.

و تو را به چیزی خبر می دهم که اصل آن از جانب خدای تعالی است. هر گاه که تو این کلام را در هر صبح و شام بگویی پس به نوشتن ثواب آن هزار هزار فرشته نویسنده زودنویس مشغول می شوند و خدای تعالی هزار هزار فرشته را موکّل می کند که برای تو استغفار کنند که به هر فرشته ای قوّت هزار هزار سخنگوی سریع الکلام داده می شود و برای تو در دار السّلام هزار خانه در صد کوشک بنا می شود [که تو در آنها همسایه اهل آنها باشی و برای تو در بهشت فردوس هزار خانه در صد قصر بنا کرده می شود] که برای تو در همسایگی جدّ تو باشد و از برای تو در جنّات عدن هزار هزار شهر بنا می شود و با تو در قبر نوشته ای محشور می شود که در آن این نوشته باشد که اینک در این هنگام بر تو برای بیم و ترس راهی نیست. برای تو تشویشی و اضطرابی در وقت گذشتن از پل صراط نخواهد بود و برای تو عذاب جهنم نخواهد بود.

و تو این دعا را بر حاجتی نمی خوانی که دوست داشته باشی که آن حاجت در آن روز برآورده شود، پس شام نگردد مگر آنکه آن حاجت برآورده شود و آن حاجت هر چیز باشد و هر قدر که باشد و آن حاجت در هر جایی که باشد و تو نمی میری مگر شهید در راه خدا و در زمان حیات خود در کمال نیکبختی زندگانی خواهی نمود که به تو هرگز درویشی و نه دیوانگی و نه گرفتاری نرسد.

و برای تو در هر روزی به عدد هر نفس از جنّ و انس هزار هزار حسنه نوشته می شود و از تو هزار هزار سیّئه محو می شود و برای تو در بهشت هزار هزار مرتبه بالا برده می شود و برای تو عرش و کرسی طلب آمرزش می نمایند تا آنکه در نزد خدای تعالی بایستی و از خدا برای کسی حاجتی را طلب نمی کنی مگر آنکه آن حاجت برآورده شود و از خدای تعالی حاجتی را برای خود و از برای غیر خود تا به آخر زمانه

در دنیا و در آخرت طلب نمی کنی مگر آنکه آن حاجت برآورده شود. پس با من عهد کن همچنان که برای تو ذکر نمودم.

پس حضرت امام حسین علیه السّلام فرمودند: ای پدر بزرگوار با من به هر چیز که خواهید، شرط و عهد کن. حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام فرمودند: از تو بر این عهد می گیرم که این سرّ مرا پنهان کنی. پس هر گاه که تو را وفات برسد، پس این دعا را به کسی تعلیم مکن مگر به اهل بیت خود یا شیعیان یا بزرگان و دوستان ما. پس به درستی که اگر چنانچه به غیر این جماعت تعلیم نمایی هر آینه از خدای تعالی حاجت های خود را در هر باب می طلبند و خدای تعالی مراد ایشان را روا می کند. پس من می خواهم که خدای تعالی بر شماها اهل بیت نعمت خود را تمام کند به سبب آنچه به من تعلیم نمودو من آن را به شماها تعلیم کردم تا آنکه شما ها در روز قیامت محشور شوید در حالی که بر شما ترسی نباشد و اندوهناک نباشید. پس حضرت امام حسین علیه السّلام شرط و عهد نمودند بر آنچه مذکور شد. پس فرمودند: هر گاه امری را اراده داشته باشی پس این دعا را بخوان که آن ان شاء الله تعالی برآورده می شود و بگو:

خدا را تنزیه می کنم و همه ستایش برای خداست و نیست خدایی مگر خدا و خدا بزرگتر است و نیست نیرو و توانی مگر به خدا، تسبیح می کنم خدا را در ساعت های شب و در طرف های روز تسبیح می کنم خدا را در بامداد و در وقت عصر تسبیح می کنم خدا را در آخر روز و در اوّل روز تسبیح کنید خدا را وقتی که داخل شوید در شام و هنگامی که داخل شوید در صبح و برای خداست ستایش در آسمان ها و زمین و در آخر روز و در وقتی که برسید به میان روز، خدای تعالی زنده را از مرده بیرون می آورد و مرده را از زنده بیرون می آورد و زمین را پس از مردن زنده می کند و همچنین بیرون آورده می شوید منزّه است پروردگار عزّت از آنچه مشرکان تعریف می کنند و تحیّت و درود باد بر فرستادگان خدا و همه ستایش برای خداست که پروردگار عالمیان است و حرکت و قدرتی مگر به خدای بلند مرتبه بزرگ نیست.

منزّه است خدای صاحب سلطنت و پادشاهی، منزّه است صاحب عزت و عظمت و جبروت، منزّه است پادشاه حق پاکیزه، منزّه است پادشاه زنده ای که نمی میرد، منزّه است پاینده همیشگی، منزّه است زنده پاینده، منزّه است بلند مرتبه بالاتر از همه چیز، منزّه است او و بلند است، بسیار منزّه و پاکیزه است پروردگار فرشتگان و روح.

خداوندا به درستی که از جانب تو در نعمت و سلامتی کامل قرار گرفتم پس با رهایی از آتش، نعمت و سلامتی از جانب خود را برای من کامل کن و به من شکرگزاری خود و سلامتی از جانب تو همیشه هر قدر که مرا زنده گذاری روزی گردان ، خداوندا به سبب روشنی راهنمایی تو راه یافته ام و به نعمت تو داخل در صباح و شام گردیدم به صبح آوردم در حالی که تو را گواه می گیرم و کافی هستی برای گواهی و گواه می گیرم فرشتگان تو را و حاملان عرش تو را و پیغمبران تو را و فرستادگان تو را و همه آفریدگان تو را و آسمانهای تو را و زمین تو را به آنکه تویی خدا که نیست خدایی مگر تو یکتا و تنهایی، نیست شریکی برای تو و آنکه محمّد که رحمت های تو باد بر او و بر آل او بنده توست و فرستاده توست و تو برهر چیز توانایی زنده می کنی و می میرانی و می میرانی و زنده می کنی.

و گواهی می دهم وعده بهشت راست است و آتش جهنّم حقّ است و آنکه قیامت می آید شکی در آن نیست و اینکه خدا کسانی را که باشند در قبرها برمی انگیزاند و زنده می کند.

و گواهی می دهم به آنکه علی پسر ابو طالب علیه السلام و حسن و حسین و علی پسر حسین و محمّد پسر علی و جعفر پسر محمّد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی و محمّد پسر علی و علی پسر محمّد و حسن پسر علی و آن پیشوای قائم که فرزند حسن پسر علی است همه امامان راهنما هستند و راه یافته شدگانند نه گمراهند و نه گمراه کنندگان و ایشان دوستان تو و برگزیدگان و گروه غلبه کننده تو هستند و منتخب تو و برگزیده تو هستند از آفریدگان تو و منتخبان تو هستند که ایشان را برای دوستی خود انتخاب کردی و ایشان را از میان آفریدگان خود مخصوص ساختی و ایشان را بر بندگان خود برگزیدی و ایشان را دلیل بر آفریدگان خود گردانیدی رحمتهای تو باد بر ایشان و تحیّت تو باد بر ایشان.

خداوندا برای من این گواهی را نزد خود بنویس تا آنکه بفهمانی به من آن گواهی را در روز قیامت و از من خشنود باشی روز قیامت و از من خشنود باشی به درستی که تو بر همه چیز توانایی.

خداوندا برای توست ستایش ستایشی که از بسیاری آن آسمان دو جانب خود را برای تو بگذارد و برای تو زمین و کسی که باشد بر روی آن تسبیح گوید و از برای توست ستایشی که بالا رود و تمام نشود و ستایشی که زیاده گردد و زائل نشود و همیشگی باشد انتهایی برای آن نباشد و هرگز برطرف نشود ستایشی که بالا رود اوّل آن و برطرف نگردد آخر آن و از برای توست ستایش بر نعمت من و با وجود من و در شأن من و پیش از من و بعد از من و پیش روی من و نزد من و هر گاه بمیرم و نابود شوم و باقی باشی ای مولای من پس حمد برای توست هر گاه که از هم پاشیده شوم و برانگیخته گردم و از برای توست ستایش و شکرگزاری به همه ستایش های تو، بر همه نعمت های تو، و از برای توست ستایش بر هر رگی که حرکت نکند و بر هر خوردنی و آشامیدنی و حمله کردنی و هر حرکتی و خوابی و بیداری و نگاه کردنی و چشم بر هم گذاشتنی و نفس کشیدنی و بر هر جای مویی.

خداوندا از برای توست ستایش همه آن و برای توست پادشاهی همه آن و به دست قدرت توست نیکویی همه آن و به سوی تو برمی گردد امر همه آن، ظاهر آن و پنهان آن و تویی آنکه به نهایت خوبی رسید حال همه آن.

خداوندا برای توست ستایش بر بردباری تو بعد از دانستن آنچه که در من است از گناهان و برای توست ستایش بر گذشت تو از گناهان من بعد از توانایی تو بر عقوبت کردن، خداوندا برای توست ستایش ای برانگیزنده ستایش و برای توست ستایش ای ارث برنده ستایش و خلق کننده ستایش و ایجادکننده حمد و ای وفاکننده به شرط خود و راست آورنده وعده خود، ای آنکه غلبه کننده است سپاه او و همیشه است شرف او.

خداوندا برای تو است ستایش ای برآورنده دعاها، ای بلندکننده مرتبه ها، ای فرود آورنده آیت ها از بالای هفت آسمان، ای بیرون آورنده روشنی از تاریکی ها، ای تغییر دهنده بدی ها به نیکویی ها و گرداننده نیکویی ها به مرتبه ها.

خداوندا برای توست ستایش ای آمرزنده گناه و قبول کننده توبه ای آنکه سخت است عقوبت او ای صاحب بخشش، نیست خدایی مگر تو به سوی توست بازگشت همه چیز.

خداوندا برای توست ستایش در شب هر گاه تاریک شود و از برای توست ستایش در روز هر گاه روشن گردد و از برای توست ستایش در آخرت و دنیا و از برای توست ستایش به شماره هر ستاره ای و فرشته ای که باشند در آسمان ها و از برای توست ستایش به شماره هر بارانی که فرود آمد از آسمان به سوی زمینی و از برای توست ستایش به شماره هر بارانی که در دریاها و در چشمه ها و در رودخانه ها و نهرها وارد شود و از برای توست ستایش به شماره درختان و برگها و سنگریزه ها و ریزه های خاک و جنّیان و آدمیان و چهارپایان و مرغان و جانوران صحرایی و چهارپایان چرنده و درندگان و جانوران گزنده و از برای تو است ستایش به شماره آنچه آن را کتاب تو در شماره آورد و آن رادانش تو فرا گرفت ستایش بسیار و همیشه با برکت در آن همیشه.

پس ده مرتبه می گویی: نیست خدایی مگر خدا که یکی است او، نیست شریکی برای او از برای اوست پادشاهی و برای اوست ستایش، زنده می کند و می میراند و می میراند و زنده می کند و او زنده ای است که نمی میرد به دست قدرت اوست نیکویی و او بر همه چیز تواناست.و – ده مرتبه– طلب آمرزش می کنم از خدا که نیست خدایی مگر او زنده برپاست و بازگشت می نمایم به سوی او.و – ده مرتبه– ای خدا، ای خدا و – ده مرتبه– ای بخشنده، ای بخشنده و – ده مرتبه– ای مهربان، ای مهربان و – ده مرتبه– ای آفریننده آسمان ها و زمین، ای صاحب بزرگی و بخشش، و – ده مرتبه– ای مهربان، ای بخشنده و – ده مرتبه– ای زنده، ای پاینده و – ده مرتبه– ای کسی که نیست خدایی مگر تو و – ده مرتبه– خداوندا رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و – ده مرتبه– به نام خدای بخشنده مهربان و – ده مرتبه– مستجاب کن، مستجاب

گردان دعـای مرا، پس بگویـد: در حق من چنین و چنان کن.... و این دعا را تو هر روز بعـد از صـبح یک مرتبه و بعـد از عصـر یک مرتبه می خوانی و از خدای تعالی طلب کن و دعا کن آنچه را که خواهی. - . مهج الدعوات: ۱۸۴- ۱۸۰ -

و از این جمله روایت دیگر است که آن را بعـد از دعای عشـرات ذکر می کنم که سـندهای آن را یافتم غیر از آنچه سابقا در فضـیلت مـذکور شـد، و مطلب ذکر دعـا به روایتی دیگر است از جهت آنکه بـا سـابق در پاره ای از فقرات مخالفت داشت.و این نیز از حضـرت امام حسـین بن علیّ بن علیهما السّلام مروی است و دانستیم که این دعا از جانب خـدای تعالی است و ترجیـح دارد این روایت بر آنچه سابقا مـذکور شد. - . محدث قمی آن را در مفاتیح الجنان صفحه ۶۷ ذکر کردند و از مصباح شیخ قدس سره نقل کردند. اگر خواستی مراجعه کن. -

«به نام خدای بخشـنده مهربان منزه است خدا و ستایش برای خداست و نیست خدایی مگر خدا و خدا بزرگ تر است و نیست قدرت و توانایی مگر به خـدا بلنـد مرتبه بزرگ، منزه است خـدا در بامداد و وقت عصـر،منزه است خدا را ساعت های شب و لحظات روز، منزه است خدا وقتی که داخل شوید در شام و هنگامی که داخل شوید در صـبح و برای خداست ستایش در آسمانها و زمین و در آخر روز و در وقتی که برسید به میان روز خـدا زنـده را از مرده بیرون می آورد و مرده را از زنده بیرون می آورد و زمین را پس از مردن زنده می کند و همچنین بیرون آورده می شویـد، منزّه است پروردگـار تـو پروردگـار عزّت از آنچه مشرکان او را تعریف می کننـد و تحیّت و درود بـاد بر فرسـتادگان خـدا و همه ستایش برای خدای پروردگار عالمیان است منزّه است پروردگار تو پروردگار عرش بزرگ.

منزّه است صاحب سـلطنت و پادشاهی، منزّه است صاحب غلبه و بزرگی و جبروت منزّه است پادشاه زنده پاکیزه، منزّه است همیشه پاینده، منزّه است ثابت همیشه، منزّه است زنده پایدار، منزّه است پروردگار من که بالاتر است از همه چیز منزّه است بلند مرتبه بالاتر از همه چیز، منزّه است و بلند است، منزّه است خدای بسیار پاک و پاکیزه که پرورنده فرشتگان و روح است.

خداوندا به درستی که من از جانب تو در نعمت و سلامتی قرار گرفتم، پس رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و بر من نعمت و سلامتی از جانب خود را تمام کن و به من شکرگزاری خود را روزی گردان.

خداوندا به سـبب روشنی راهنمایی تو راه یافتم و به زیادی بخشش تو توانگر شدم و به نعمت تو داخل در صبح و شام گردیدم، گناهان من در نزد توست طلب آمرزش می کنم و به سوی تو بـازگشت می کنم، منع کننـده ای برای آنچه بخشـش نمـایی نیست و نیست بخشـش کننـده ای برای آنچه عطا نکنی ، تویی توانگر، توانگری تو صاحب بهره را سود نبخشد ، نیست قدرت و توانایی مگر به خدای بلند مرتبه بزرگ.

خداونـدا به درستی که من تو و فرشـتگان تو و بردارنده های عرش تو را و همه آفریدگان تو را که در آسـمان های تو و زمین تو هسـتند گواه می گیرم به آنکه تویی خدا که نیست خدائی مگر تو در حالی که تنهایی نیست شـریکی برای تو و آنکه محمد بنده توست و فرسـتاده توسـت رحمت فرسـتد خدا بر او و بر آل او، خداوندا بنویس برای من این گواهی را در نزد خود تا آن گواهی را در روز قیامت به من بفهمانی و حال آنکه به سبب آن گواهی از من خشنود باشی، به درستی که تو بر همه چیز توانایی.

خداوندا برای توست سـتایش، ستایشـی که آسـمان ها دو جانب خود را برای آن بگذارند و برای تو زمین و کسـی که باشد بر روی آن تسبیح گویـد، خداونـدا برای توست ستایشـی که ابتـدای آن بالاـ رود و آخر آن منتهی نشود، ستایشـی که زیاد گردد و از بین نرود، دائمی و همیشـه باشـد، نباشـد انتهـایی و بریـدنی برای آن و نه از بین رفتنی، ستایشـی که بالاـ رود و تمام نشود، خداونـدا برای توست سـتایش در شأن من و بر نعمت من و بـا وجود من و پیش از من و پیش روی من و عقب سـر من و پی سـر من، و هر گـاه بمیرم و نـابود شوم ای صـاحب من و از برای توست سـتایش به همه اقسام ستایشـها ، بر همه نعمتهای تو ، و از برای توست سـتایش در هر رگی که نجنبد و بر هر رگی که حرکت نماید، و از برای توست ستایش بر هر خوردنی و آشامیدنی و حمله و گشودنی و بر هر جای مویی.

خداوندا برای توست همه ستایش آن، و برای توست همه بخشش آن و برای توست همه آفرینش آن، و برای توست همه پادشاهی آن، و برای

توست همه فرمـان آن، و به دست قـدرت توست همه نیکویی آن، و به سوی تو بر می گردد همه امر آن، ظـاهر آن و بـاطن آن و تویی انتهای تمامی آن.

خداونـدا برای توست سـتایش بر بردبـاری تو بعـد از دانسـتن گناهـان و بـدی هایی که در من است و از برای توست سـتایش بر گـذشت تو از گناهان من بعد از توانایی بر عقوبت کردن من، خداوندا برای توست سـتایش، ای صاحب ستایش و ارث برنده ستایش و ای صاحب ستایش و ارث برنده پادشاهی، ای آفریننده سـتایش و خلق کننده سـتایش ای وفا کننده به عهد خود و راست گوی در وعده خود، ای آنکه غالب اسـت سپاه او و همیشه است شرف او.

خداونـدا برای توست سـتایش، ای بلندکننـده مرتبه ها، ای برآورنـده حاجتها، ای فرود آورنـده آیتها از بالای هفت آسـمان، ای بیرون آورنـده روشنی از تاریکی ها، ای تغییر دهنده بدیها به نیکویی ها و گرداننده نیکویی ها به مرتبه ها .

خداوندا برای توست سـتایش ای آمرزنده گناه و قبول کننده توبه، ای آنکه سخت است عقوبت او، ای صاحب احسان نیست خدایی مگر تو به سوی توست بازگشت همه چیز، خداوندا برای توست سـتایش در شب هر گاه که تاریک شود و در روز هر گاه روشن گردد و از برای توست ستایش در آخرت و دنیا و برای توست سـتایش به شـماره هر سـتاره ای که در آسمان است و برای توست ستایش به شماره هر قطره بارانی که در آسـمان است و برای توست سـتایش به شـماره هر قطره بارانی که فرود آمد از آسـمان و برای توست سـتایش به شـماره هر قطره بارانی که بارید در دریا و برای توست ستایش به شماره درختان و برگان و خاک و کلوخ و سنگریزه و جنّیان و آدمیان و مرغان و چهارپایان و درندگان و چراکنندگان و جانوران گزنده و برای توست ستایش به شماره آنچه بر روی زمین است و آنچه در زیر زمین است و آنچه در میان هواست و آنچه در آسـمان است و از برای توست سـتایش به شـماره آنچه آن را کتاب تو شـمرد و آن را دانش تو فراگرفت، سـتایش بسـیار نیکویی که برکت در آن همیشه باشد.

سپس ده بار می گویی:گواهی می دهم که نیست خـدایی مگر خدا یکی است شـریکی برای او نیست، برای اوست پادشاهی و از برای اوسـت ستایش زنـده می کنـد و می میراند و می میراند و زنده می کند و اوست زنده ای که نمی میرد به دست قدرت اوست نیکویی و او بر همه چیز توانـاست. - ده مرتبه- طلب آمرزش می کنم از خـدا که نیست خـدائی مگر او زنـده به خـود برپـاست و بـازگشت می نمـایم به سوی او. - ده مرتبه- ای خدا، ای خدا - ده مرتبه- ای بخشنده، ای بخشـنده - ده مرتبه- ای رحم کننده ای رحم کننده - ده مرتبه- ای مهربان، ای مهربان - ده مرتبه- ای بخشـنده، ای بخشـنده - ده مرتبه- ای زنده، ای پاینده- ده مرتبه- ای خلق کننده آسمانها و زمین ای صاحب بزرگی و احسان، - ده مرتبه- به نام خـدای بخشـنده مهربان - ده مرتبه- ای آنکه نیست خدایی مگر تو، - ده مرتبه- رحمت فرست خدایا بر محمّد و بر آل محمّد - ده مرتبه- مستجاب کن دعای مرا، مستجاب کن دعای مرا، بعد از آن حاجت های دنیوی و اخروی خود را از خداوند متعال می طلبی ان شاء الله تعالی مستجاب خواهد شد .

العتیق الغروی: حضـرت حسین بن علی صلوات الله علیهم اجمعین فرمودند: مولای ما امیر مؤمنان صلوات الله علیه فرمودند: ای فرزندم! چاره ای نیست که تقـدیر های خداونـد و احکام او بر طبق آن چیزی است که دوست دارد و حـدیث را مثل آنچه که گـذشت فرمودند تا اینجا که «ای فرزندم به من قول بده که آن را جز به اهل بیت و شیعیان و دوسـتان خود نگویی و اگر چنین نکنی و آن را به هر کسـی بیاموزی در هر کاری حاجات خود را از پروردگارشان طلب می کننـد و خداونـد عز و جل آن را برای آنها حکم می کند به راستی که من دوست دارم که خداوند کامل گرداند آنچه را شـما بر آن محشور می شوید و هیچ نگرانی بر شما نیست و اندوهگین نشوید و آن دعا را نخوانی مگر وقتی که طهارت داشته باشی و رو به قبله قرار گیری سپس دعا را مثل روایت دوم ذکر کردند.

**[ترجمه]

«۴۲»

ق، [الكتاب العتيق الغرويّ] دُعَاءٌ وَ اسْتِغْفَارٌ: اللَّهُمَّ إِنِّی أَرْجُو فَضْلَکَ وَ لَا أَرْجُو عَمَلِی وَ لَا أَخْشَی ظُلْمَکَ وَ أَخْشَی جَرِيرَتِی عَلَی نَفْسِی اللَّهُمَّ فَالرَّجَاءُ لِمَا قِبَلَکَ وَ الْخَشْيَهُ لِمَا قِبَلِی اللَّهُمَّ فَلَا يَغْلِبْ إِحْسَانَکَ صِغَرُ قُدْرَتِی اللَّهُمَّ إِنَّکَ تَفَضَّلْتَ عَلَیَّ بِعِلْمٍ أُوتِيتُ بِهِ کَثِيراً مِنْ مَصَالِحِی وَ حَوَائِجِی فَکَمِّلْ بِالْعَوْنِ وَ التَّوْفِيقِ مَا قَصُرَ عَنْهُ عَمَلِی وَ طَاقَتِی اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ حُسْنَ بَصِيرَهٍ وَ نَفَاذَ عَزِيمَهٍ وَ أَسْتَوْهِبُکَ سُلْطَاناً عَلَی نَفْسِی وَ بَصِيرَهً فِی أَمْرِی وَ الشِّفَاءَ مِنْ أَمْرَاضِ جِسْمِی وَ قَلْبِی اللَّهُمَّ لَا تَتْرُکْنِی وَ نَفْسِی فَإِنِّی أَضْعُفُ عَنْهَا وَ أَعِنِّی عَلَيْهَا بِعِصْمَهٍ مِنْکَ وَ تَوْفِيقٍ اللَّهُمَّ إِنَّنِی أَضْعُفُ عَنْ مُلْکِ نَفْسِی فَکَيْفَ أَصِلُ بِغَيْرِ مَعُونَتِکَ قُدْرَهُ عَلَی عُيُوبِی اللَّهُمَّ فَالْطُفْ لِی فِی جَمِيعِ أَمْرِی وَ لَا تَکِلْنِی إِلَی حَوْلِی وَ أَحْسِنْ إِلَیَّ فِی دُنْيَایَ وَ آخِرَتِی اللَّهُمَّ إِنَّنِی أُرِيدُ الْخَيْرَ وَ يَصْعُبُ عَلَیَّ فِعْلُهُ فَأَعِنِّی عَلَيْهِ وَ وَفِّقْنِی لَهُ وَ أَکْرَهُ النَّشْرَ وَ يَجْذِبُنِی هَوَایَ إِلَيْهِ فَاعْصِمْنِی مِنْهُ اللَّهُمَّ إِنَّکَ تَفَضَّلْتَ عَلَیَّ بِمَا عَلِمْتَ بِهِ صَلَاحِی وَ لَمْ أَسْأَلْکَ وَ لَا اسْتَحْقَقْتُهُ مِنْکَ فَلَا يَمْنَعُکَ عَنْ إِجَابَتِی تَقْصِيرِی عَنِ اسْتِحْقَاقِ مَا أَسْأَلُکَ فِيهِ کَمَا لَمْ يَمْنَعْکَ مِنِ ابْتِدَایَ بِالْإِحْسَانِ أَنِّی

ص: ۴۱۵

مُسْتَحِقٌّ لَهُ.

اللَّهُمَّ إِنَّ الْمَخْلُوقَ يَأْمُلُ الْمَخْلُوقَ فَيُبَلِّغُهُ أَمَلَهُ فِيمَا مَلَكَ وَ قَدْ أَمَّلْتُكَ وَ أَنْتَ الْخَالِقُ فَبَلِّغْنِي أَمَلِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ فَإِنَّكَ مَالِكُهُمَا اللَّهُمَّ إِنَّ الْمَخْلُوقَ يَسْأَلُ الْمَخْلُوقَ فَيَجُودُ عَلَيْهِ بِمَا يَنْقُصُ مِنْ قُدْرَتِهِ وَ قَدْ سَأَلْتُكَ فِيمَا لَا يَنْقُصُ مِنْ قُدْرَتِكَ فَجُدْ عَلَيَّ بِهِ اللَّهُمَّ إِنَّ الْمَخْلُوقَ يَعْفُو عَمَّا يَضُرُّهُ مِنْ مَخْلُوقٍ مِثْلِهِ فَاعْفُ لِي عَمَّا لَا يَضُرُّكَ مِنْ فِعْلِهِ اللَّهُمَّ إِنَّ الْعَبْدَ يُعْتِقُ عَبِيدَهُ وَ أَنْتَ الْمَوْلَى وَ أَنَا عَبْدُكَ فَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ إِنَّ الْكَرِيمَ يُتَوَسَّلُ إِلَيْهِ بِإِحْسَانِهِ وَ يُتَوَجَّهُ بِهِ عِنْدَهُ وَ لَا أَجِدُ أَكْرَمَ مِنْكَ وَ لَا إِحْسَانَ أَعْظَمَ مِنْ إِحْسَانِكَ وَ أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِتَتَابُعِ إِحْسَانِكَ وَ تَوَالِي نِعَمِكَ عَلَيَّ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ وَ يَا مَنْ نَقَصَ عَنْ إِحْسَانِهِ جَمِيعُ الْعَالَمِينَ فَاجْعَلْ نِعْمَتَكَ عِنْدِي شَفِيعاً لِي عِنْدَكَ وَ إِحْسَانَكَ إِلَيَّ وَسِيلَةً لِي إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِيشَةً رَاضِيَةً وَ حِكْمَةً فَائِضَةً وَ عِزّاً فَسِيحاً وَ مُنْقَلَباً كَرِيماً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

**[ترجمه]العتیق الغروی: دعا و استغفار:

خدایا من به فضل تو امید دارم و هیچ امیدی به کردار خویش ندارم و از ظلم تو نمی ترسم بلکه از جرمی که بر خویش مرتکب شده ام بیم دارم، خداوندا امید از جانب توست و هراس از جانب من است، خدایا احسان تو بر کوچکی توان من غلبه نمی کند، خدایا تو به من علم را عطا کردی که به واسطه آن به بسیاری از منافع و نیازهایم دست یافته ام پس با یاری و توفیق خود آن چه از کردار و توانم که اندک است تکمیل فرما.

خدایا من از تو بصیرت نیک و اراده محکم را خواهانم و از تو تسلط بر خویش و بصیرت در کارم و شفا از بیماری های جسمی و قلبی را مسألت دارم. خدایا مرا به خودم وا مگذار؛ زیرا من از آن عاجزم و مرا با نگاهداری و توفیق از جانب خود یاری فرما.خدایا من از کنترل خویش ناتوانم پس چگونه بدون یاری تو بر عیب هایم توانا گردم؟ خدایا در تمامی کارم بر من لطف فرما و مرا به توان خویش مسپار و در دنیا و آخرت به من نیکی عطا کن.

خدایا من خیر را خواهانم و انجام آن بر من دشوار است، مرا برآن یاری فرما و توفیق ده، و از پراکندگی کراهت دارم و هوای نفس مرا به سمت آن می کشاند، پس مرا از آن نگاهدار، خدایا تو به من خیری را عطا کردی که صلاح من در آن است در حالی که از تو نخواستم و استحقاق آن را نیز نداشتم، عدم لیاقت من در آن چه از تو می خواهم سبب نشد تا آن را از من بازداری همانطور که شایستگی من تو را از آغاز کردن به نیکی باز نداشت.

خدایا مخلوق به مخلوق امید می بندد و او در حد آن چه در اختیار دارد او را به امیدش می رساند و من به تو امید بستم و تو آفریننده ای پس مرا به آرزویم در دنیا و آخرت برسان به راستی که تو مالک آن دو سرا هستی. خدایا مخلوق از مخلوق درخواست می کند و او با آن که قدرتش اندک است، بخشش می کند و من از تو چیزی را خواستم که از توان تو نمی کاهد، پس آن را بر من ببخشای. خدایا مخلوق از آن چه مخلوقی مثل خود را ضرر رساند، چشم می پوشد، پس بگذر از آن چه تو را ضرر نمی رساند.

خدایا بنده، برده اش را آزاد می کند و تو مولا و من بنده توام. پس مرا از آتش جهنم برهان، خدایا به راستی که کریم با نیکی اش به سوی او متوسل می شود و بدین سبب به سمت او روی کرده می شود و من کریم تر از تو نمی یابم و نیکوتر از تو پیدا نمی کنم و من به نیکی های پی در پی و نعمت های پیوسته‌ات بر تو توسل می جویم. ای گرامی ترین گرامیان، ای که جهانیان از نیکی او عاجزند، نعمتت را شفیع من نزد خودت قرار ده و نیکی ات را وسیله من به سمت خود گردان.خدایا من از تو زندگی پسندیده و حکمت جوشان و عزت بسیار و مرگی بزرگوارانه مسألت میکنم، ای مهربان ترین مهربانان.

**[ترجمه]

«۴۳»

مِنْ أَصْلٍ قَدِيمٍ مِنْ مُؤَلَّفَاتِ قُدَمَاءِ الْأَصْحَابِ دُعَاءُ الْإِخْلَاصِ: بِاللَّهِ أَسْتَفْتِحُ وَ بِاللَّهِ أَسْتَنْجِحُ وَ بِاللَّهِ أَعْتَصِمُ وَ بِاللَّهِ أَثِقُ وَ عَلَيْهِ أَتَوَكَّلُ وَ لَهُ أَعْبُدُ وَ إِيَّاهُ أَسْتَعِينُ وَ بِهِ أَعُوذُ وَ أَلُوذُ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَتَوَجَّهُ وَ بِهِمْ أَتَوَسَّلُ وَ بِهِمْ أَتَقَرَّبُ وَ حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَهِ بِاسْمِ مَنْ لَيْسَ فِي وَحْدَانِيَّتِهِ شَكٌّ وَ لَا رَيْبٌ بِاسْمِ مَنْ لَا فَوْقَ عَلَيْهِ وَ لَا رَغْبَهَ إِلَّا إِلَيْهِ بِاسْمِ الْمَعْلُومِ غَيْرِ الْمَجْحُودِ وَ الْمَعْرُوفِ غَيْرِ الْمَوْصُوفِ بِاسْمِ الْمُتَكَفِّلِ بِرِزْقِ مَنْ أَطَاعَ وَ عَصَى بِاسْمِ مَنْ أَمَاتَ وَ أَحْيَا بِاسْمِ مَنْ لَهُ الْآخِرَهُ وَ الْأُولَى بِاسْمِ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى وَ الْجَلِيلِ الْأَجَلِّ بِاسْمِ الْمَحْمُودِ الْمَعْبُودِ الْمُسْتَحِقِّ لَهُمَا عَلَى السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ بِاسْمِ الْمَذْكُورِ فِي الشِّدَّهِ وَ الرَّخَاءِ بِاسْمِ الْمُهَيْمِنِ الْجَبَّارِ بِاسْمِ الْحَنَّانِ الْمَنَّانِ بِاسْمِ الْعَزِيزِ عَنْ غَيْرِ تَعَزُّزٍ وَ الْقَدِيمِ مِنْ غَيْرِ تَقَادُرٍ بِاسْمِ الَّذِي لَمْ يَزَلْ وَ لَا يَزَالُ بِاسْمِ مَنْ يَزِيلُ

ص: ۴۱۶

وَ لَا يَزُولُ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهاً وَاحِداً وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِیَّاهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِینَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْکُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مَالِکُ یَوْمِ الدِّینِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَمْ یَزَلْ وَ لَا یَزَالُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْخَالِقُ لِلْخَیْرِ وَ الشَّرِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ خَالِقُ الْجَنَّهِ وَ النَّارِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الْفَرْدُ الَّذِی لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً أَحَدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ الرَّحْمنُ الرَّحِیمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِکُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزِیزُ الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا یُشْرِکُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنی یُسَبِّحُ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ.

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ الْکِبْرِیَاءُ رِدَاؤُهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ الْمُبِینُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِینَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْفَرْدُ الْوَتْرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمُتَوَحِّدُ بِالصَّمَدِیَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمُتَفَرِّدُ بِالْوَحْدَانِیَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْأَوَّلُ لَا بِأَوَّلِیَّهٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْآخِرُ بِلَا نِهَایَهٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْقَدِیمُ بِلَا غَایَهٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا ضِدَّ لَهُ وَ لَا نِدَّ وَ لَا مِثْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا کُفْوَ لَهُ وَ لَا شَبِیهَ وَ لَا شَرِیکَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْ ءٌ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ کَمَا هَلَّلَ شَیْ ءٌ وَ کَمَا یُحِبُّ اللَّهُ أَنْ یُهَلَّلَ وَ کَمَا یَنْبَغِی لِکَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلَالِهِ.

لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ هُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ.

سُبْحَانَ مَنْ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ سُبْحَانَ مَنْ لَا تُحْصَى نِعَمُهُ وَ لَا تُعَدُّ أَيَادِيهِ سُبْحَانَ مَنْ فِی مِنَّتِهِ أَتَقَلَّبُ وَ بِعَفْوِهِ أَثِقُ وَ إِلَی حُكْمِهِ أَسْكُنُ سُبْحَانَ الْجَمِيلِ الْعَادَهِ وَ الْبَلَاءِ مُسْتَحِقِّ الشُّكْرِ وَ الثَّنَاءِ سُبْحَانَ مَنْ إِلَيْهِ الرَّغْبَهُ وَ مِنْهُ الْخَوْفُ وَ الرَّهْبَهُ سُبْحَانَ الرَّافِعِ الْوَاضِعِ سُبْحَانَ الْمُعْطِی الْمَانِعِ سُبْحَانَ مَنْ لَا تُدْرِكُهُ الصِّفَاتُ وَ لَا تَبْلُغُهُ الْأَوْقَاتُ سُبْحَانَ ذِی الْمُلْكِ وَ الْمَلَكُوتِ سُبْحَانَ ذِی الْعِزَّهِ وَ الْعَظَمَهِ وَ الْجَبَرُوتِ سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْحَيِّ الَّذِی لَا يَمُوتُ سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَی سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَی سُبْحَانَ الْوَاحِدِ الَّذِی لَا إِلَهَ غَيْرُهُ سُبْحَانَ الْقَدِيمِ الَّذِی لَا بَدْءَ لَهُ سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ سُبْحَانَ مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَیْ ءٍ عِلْماً سُبْحَانَ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ سُبْحَانَ الْبَاعِثِ الْوَارِثِ سُبْحَانَ الْحَقِّ الْمُبِينِ سُبْحَانَ الَّذِی يُحْيِی الْعِظَامَ وَ هِیَ رَمِيمٌ سُبْحَانَ ذِی الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ سُبْحَانَ ذِی الْفَوَاضِلِ وَ النِّعَمِ الْجِسَامِ الْعِظَامِ سُبْحَانَ الَّذِی لَا يَبْلُغُ الْأَعْمَالُ شُكْرَهُ وَ لَا تَصِفُ الْأَلْسُنُ قَدْرَهُ وَ لَا تُحِيطُ بِكُنْهِ صِفَتِهِ وَ لَا تَهْتَدِی الْقُلُوبُ بِجَمِيعِ نَعْتِهِ سُبْحَانَ الْمَلِكِ ذِی الْعِزِّ الشَّامِخِ وَ السُّلْطَانِ الْبَاذِخِ وَ الْمَجْدِ الْكَامِلِ وَ الْعَطَاءِ الْفَاضِلِ وَ الْفَضْلِ السَّابِغِ سُبْحَانَ الْمُجْمِلِ الْمُحْسِنِ سُبْحَانَ الْمُنْعِمِ الْمُفْضِلِ سُبْحَانَ ذِی الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ سُبْحَانَ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافَ النَّهَارِ سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ يُحْيِی الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلَامٌ عَلَی الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ كَمَا يَنْبَغِی لَهُ مِنَ التَّسْبِيحِ وَ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ مُسْتَحِقُّهُ عَلَی مَا أَحَبَّ وَ رَضِیَ وَ بِكُلِّ مَا أَبْلَی وَ أَعْطَی سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِی عَلَا فَدَنَا وَ سَمِعَ وَ رَأَی وَ عَلِمَ وَ أَحْصَی وَ قَدَّرَ وَ قَضَی وَ أَنْفَذَ مَا شَاءَ وَ أَغْنَی وَ أَقْنَی وَ أَمَاتَ وَ أَحْيَا وَ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَی رَبِّ الْآخِرَهِ وَ الْأُولَی.

سُبْحَانَ الَّذِی لَا عِدْلَ لَهُ وَ لَا نِدَّ وَ لَا ضِدَّ وَ لَا وَلَدَ وَ لَا كُفْوَ وَ لَا صَاحِبَهَ وَ لَا شِبْهَ وَ لَا نَظِیرَ وَ لَا شَرِیکَ وَ لَا إِلَهَ غَیْرُهُ تَعَالَی وَ جَلَّ عَمَّا یَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوّاً كَبِیراً اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ أَهْلَ الْجَبَرُوتِ وَ الْعِزَّهِ اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِیُّ الْغَیْثِ وَ الرَّحْمَهِ اللَّهُ أَكْبَرُ مَلِکُ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ اللَّهُ أَكْبَرُ عَظِیمُ الْمَلَكُوتِ اللَّهُ أَكْبَرُ شَدِیدُ الْجَبَرُوتِ اللَّهُ أَكْبَرُ عَزِیزُ الْقُدْرَهِ لَطِیفٌ لِمَا یَشَاءُ اللَّهُ أَكْبَرُ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ اللَّهُ أَكْبَرُ یُحْیِی الْعِظَامَ وَ هِیَ رَمِیمٌ اللَّهُ أَكْبَرُ مُبْدِئُ الْخَفِیَّاتِ اللَّهُ أَكْبَرُ مُعْلِنُ السَّرَائِرِ اللَّهُ أَكْبَرُ أَوَّلُ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ آخِرُهُ اللَّهُ أَكْبَرُ بَدِیعُ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ مُنْتَهَاهُ اللَّهُ أَكْبَرُ مُدْرِکُ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ مَصِیرُهُ إِلَیْهِ اللَّهُ أَكْبَرُ خَالِقُ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ مَوْلَاهُ اللَّهُ أَكْبَرُ أَمَامَ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ خَلْفَ كُلِّ شَیْ ءٍ اللَّهُ أَكْبَرُ مُبْتَدِئُ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ وَارِثُهُ اللَّهُ أَكْبَرُ بَدْءُ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ مُعِیدُهُ اللَّهُ أَكْبَرُ رَازِقُ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ مُغِیثُهُ اللَّهُ أَكْبَرُ رَبُّ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ مُحْصِیهِ اللَّهُ أَكْبَرُ رَبُّ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ مُنْجِیهِ اللَّهُ أَكْبَرُ لَمْ یَکُ قَبْلَهُ شَیْ ءٌ اللَّهُ أَكْبَرُ كُلُّ شَیْ ءٍ بِیَدِهِ اللَّهُ أَكْبَرُ كُلُّ شَیْ ءٍ هَالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ غَیْرُهُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَمْ یَتَّخِذْ صَاحِبَهً وَ لَا وَلَداً وَ لَمْ یَكُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَ لَمْ یَكُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِیراً اللَّهُ أَكْبَرُ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ اللَّهُ أَكْبَرُ مُكَبَّراً مُعَظَّماً مُقَدَّساً كَبِیراً اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لَا شَرِیکَ لَهُ فِی تَكْبِیرِی إِیَّاهُ بَلْ أَقُولُ مُخْلِصاً وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ حَنِیفاً مُسْلِماً وَ ما أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِینَ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا نِدَّ لَهُ وَ لَا ضِدَّ وَ لَا شَبِیهَ وَ لَا شَرِیکَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَام لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیم لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ قُوَّهِ كُلِّ ضَعِیفٍ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ عِزِّ كُلِّ ذَلِیلٍ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ غِنَی كُلِّ فَقِیرٍ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ فَرَجِ كُلِّ مَكْرُوبٍ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلِیِّ كُلِّ نِعْمَهٍ وَ صَاحِبِّ كُلِّ حَسَنَهٍ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ كَاشِفِ كُلِّ كُرْبَهٍ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْمُطَّلِعِ عَلَی كُلِّ خَفِیَّهٍ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْمُحِیطِ بِكُلِّ سَرِیرَهٍ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ

الشَّاهِدِ لِکَلِّ نَجْوَی لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّطِیفِ بِعِبَادِهِ عَلَی فَقْرِهِمْ وَ غِنَاهُ عَنْهُمْ وَ مَلْکَتِهِ إِیَّاهُمْ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ تَفْوِیضاً إِلَی اللَّهِ وَ لَجَأً إِلَیْهِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ اعْتِزَازاً وَ تَوَکُّلًا عَلَیْهِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ اسْتِغَاثَهً بِاللَّهِ وَ غِنَاءً عَنْ کُلِّ أَحَدٍ سِوَاهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ تَمَسُّکاً بِاللَّهِ وَ اعْتِصَاماً بِحَبْلِهِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ الْحَلِیمَ الْکَرِیمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ الَّذِی لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْ ءٌ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ مَا شَاءَ اللَّهُ تَضَرُّعاً إِلَی اللَّهِ وَ إِخْلَاصاً لَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ اسْتِکَانَهً إِلَی اللَّهِ وَ عِبَادَهً لَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ تَوَجُّهاً إِلَی اللَّهِ وَ إِقْرَاراً بِهِ مَا شَاءَ اللَّهُ إِلْحَاحاً عَلَی اللَّهِ وَ فَاقَهً إِلَیْهِ مَا شَاءَ اللَّهُ اسْتِغَاثَهً إِلَی اللَّهِ وَ حُسْنَ ظَنٍّ بِهِ مَا شَاءَ اللَّهُ خُضُوعاً لَهُ وَ ذُلًّا مَا شَاءَ اللَّهُ خُضُوعاً وَ تَلَطُّفاً وَ اعْتِمَاداً عَلَیْهِ وَ أَشْهَدُ وَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحاطَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عِلْماً وَ أَحْصی کُلَّ شَیْ ءٍ عَدَداً اللَّهُمَّ إِنِّی أُثْنِی عَلَیْکَ بِأَحْسَنِ مَا أَقْدِرُ عَلَیْهِ وَ أَشْکُرُکَ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَیَّ أَشْکُرُکَ وَ أَعْتَرِفُ لَکَ بِذُنُوبِی وَ أَذْکُرُ حَاجَتِی وَ أَشْکُو إِلَیْکَ مَسْکَنَتِی وَ فَاقَتِی فَإِنَّکَ قُلْتَ وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ فَمَا اسْتَکانُوا لِرَبِّهِمْ وَ ما یَتَضَرَّعُونَ وَ هَا أَنَا ذَا یَا إِلَهِی قَدِ اسْتَجَرْتُ بِکَ وَ مَثُلْتُ بَیْنَ یَدَیْکَ وَ هَرَبْتُ إِلَیْکَ وَ لَجَأْتُ إِلَیْکَ مُسْتَکِیناً لَکَ مُتَضَرِّعاً إِلَیْکَ رَاجِیاً لِمَا لَدَیْکَ تَرَانِی وَ تَعْلَمُ مَا فِی نَفْسِی وَ تَسْمَعُ کَلَامِی وَ تَعْرِفُ حَاجَتِی وَ مَسْکَنَتِی وَ حَالِی وَ مُنْقَلَبِی وَ مَثْوَایَ وَ مَا أُرِیدُ أَنْ أُبْدِیَ بِهِ مِنْ مَنْطِقِی وَ الَّذِی أَرْجُو مِنْکَ فِی عَاقِبَهِ أُمُورِی وَ أَنْتَ مُحْصٍ لِمَا أُرِیدُ التَّفَوُّهَ بِهِ مِنْ مَقَالِی جَرَتْ مَقَادِیرُکَ یَا سَیِّدِی فِیَّ وَ بِمَا یَکُونُ مِنِّی فِی أَیَّامِی مِنْ سَرِیرَتِی وَ عَلَانِیَتِی وَ بِیَدِکَ لَا بِیَدِ غَیْرِکَ زِیَادَتِی وَ نُقْصَانِی فَأَحَقُّ مَا أُقَدِّمُ إِلَیْکَ یَا سَیِّدِی قَبْلَ ذِکْرِ حَاجَتِی وَ التَّفَوُّهِ بِطَلِبَتِی وَ بُغْیَتِی الشَّهَادَهُ بِوَحْدَانِیَّتِکَ وَ الْإِقْرَارُ مِنِّی بِرُبُوبِیَّتِکَ الَّتِی ضَلَّتْ عَنْهَا الْآرَاءُ وَ تَاهَتْ فِیهَا الْعُقُولُ وَ قَصُرَتْ عَنْهَا الْأَوْهَامُ وَ حَارَتْ عِنْدَهَا الْأَفْهَامُ وَ عَجَزَتْ لَهَا الْأَحْلَامُ وَ انْقَطَعَ مَنْطِقُ الْخَلَائِقِ دُونَ کُنْهِ نَعْتِهَا وَ کَلَّتِ الْأَلْسُنُ عِنْدَ غَایَهِ وَصْفِهَا.

فَلَيْسَ أَحَدٌ يَقْدِرُ أَنْ يَبْلُغَ شَيْئاً مِنْ وَصْفِكَ وَ لَا يَعْرِفُ شَيْئاً مِنْ نَعْتِكَ إِلَّا مَا حَدَّدْتَهُ لَهُ وَ وَفَّقْتَهُ إِلَيْهِ وَ بَلَّغْتَهُ إِيَّاهُ وَ أَنَا مُقِرٌّ يَا سَيِّدِي إِنِّي لَا أَبْلُغُ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنْ تَعْظِيمِ جَلَالِكَ وَ تَقْدِيسِ مَجْدِكَ وَ تَمَجُّدِ كَلَامِكَ وَ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ وَ الْمَدْحِ لَكَ وَ الذِّكْرِ لَكَ لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ الذِّكْرُ لِآلَائِكَ وَ الْحَمْدُ عَلَى تَعَاهُدِكَ بِنَعْمَائِكَ وَ الشُّكْرُ عَلَى بَلَائِكَ لِأَنَّ الْأَلْسُنَ تَكِلُّ عَنْ وَصْفِكَ وَ تَعْجِزُ الْأَبْدَانُ عَنْ أَدَاءِ شُكْرِكَ وَ لِعَظِيمِ جُرْمِي وَ كَبِيرِ خَطَايَايَ وَ مَا احْتَطَبْتُ عَلَى نَفْسِي مِنْ مُوبِقَاتِ ذُنُوبِيَ الَّتِي أَوْبَقَتْنِي وَ أَخْلَقَتْ عِنْدَكَ وَجْهِي هَرَبْتُ إِلَيْكَ رَبِّ وَ مَثُلْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ تَضَرَّعْتُ إِلَيْكَ سَيِّدِي لِأُقِرَّ لَكَ بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَ رُبُوبِيَّتِكَ وَ أُثْنِي عَلَيْكَ بِمَا أَثْنَيْتَ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ وَ أَصِفُكَ بِمَا يَلِيقُ بِكَ مِنْ صِفَاتِكَ وَ أَذْكُرُ لَكَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ مَعْرِفَتِكَ فَأَشْهَدُ يَا رَبِّ أَنَّكَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الْوَتْرُ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَداً وَ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ وَ أَنَّكَ الَّذِي لَمْ تَزَلْ وَ لَا تَزَالُ وَ لَا يُغَيِّرُكَ الدُّهُورُ وَ لَا تُفْنِيكَ الْأَزْمَانُ وَ لَا تُبْلِيكَ الْأَعْصَارُ وَ لَا تُدَاوِلُكَ الْأَيَّامُ وَ لَا تَخْتَلِفُ عَلَيْكَ اللَّيَالِي وَ لَا تُحَارِبُكَ الْأَقْدَارُ وَ لَا تُبْلِغُكَ الْآجَالُ وَ لَا يَخْلُو مِنْكَ مَكَانٌ وَ لَا فَنَاءَ لِمُلْكِكَ وَ لَا زَوَالَ لِسُلْطَانِكَ وَ لَا انْقِطَاعَ لِذِكْرِكَ وَ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِكَ وَ لَا تَحْوِيلَ لِسُنَّتِكَ وَ لَا خُلْفَ لِوَعْدِكَ وَ لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَبُّنَا الَّذِي إِيَّاهُ نَعْبُدُ كُنْتَ قَبْلَ الْأَيَّامِ وَ اللَّيَالِي وَ قَبْلَ الْأَزْمَانِ وَ الدُّهُورِ وَ قَبْلَ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ كَوَّنْتَ كُلَّ شَيْ ءٍ فَأَحْسَنْتَ كَوْنَهُ فَأَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ مَلِكٌ قُدُّوسٌ دَائِمٌ مُتَعَالٍ بِلَا فَنَاءٍ وَ لَا زَوَالٍ وَ لَا غَايَةٍ وَ لَا مُنْتَهًى وَ لَا إِلَهَ فِي السَّمَاءِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ إِلَّا أَنْتَ الْمَعْبُودُ الْمَحْمُودُ الْعَلِيُّ الْمُتَعَالِ غَيْرُ مَوْصُوفٍ وَ لَا مَحْدُودٍ تَعَظَّمْتَ حَمِيداً وَ تَجَبَّرْتَ حَلِيماً وَ تَكَبَّرْتَ رَحِيماً وَ تَعَالَيْتَ عَزِيزاً وَ تَعَزَّزْتَ كَرِيماً وَ تَقَدَّسْتَ مَجِيداً وَ تَمَجَّدْتَ مَلِيكاً وَ تَبَارَكْتَ قَدِيراً وَ تَوَحَّدْتَ

رَبّاً إِلَهاً حَيّاً قَيُّوماً عَظِيماً جَلِيلًا حَمِيداً عَلِيّاً كَبِيراً وَ تَفَرَّدْتَ بِخَلْقِ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ فَمَا مِنْ بَارِئٍ مُصَوِّرٍ صَانِعٍ مُتْقِنٍ غَيْرُكَ وَ تَفَضَّلْتَ قَوِيّاً قَادِراً مَحْمُوداً غَالِباً قَاهِراً مُحْسِناً مَعْبُوداً مَذْكُوراً مُبْدِئاً مُعِيداً مُحْيِياً مُمِيتاً بَاعِثاً وَارِثاً وَ تَطَوَّلْتَ عَفُوّاً غَفُوراً وَهَّاباً تَوَّاباً بَرّاً رَحِيماً رَءُوفاً وَدُوداً قَرِيباً مُجِيباً سَمِيعاً بَصِيراً حَلِيماً حَكِيماً حَنَّاناً مَنَّاناً وَ أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِكَ لا يَمْلِكُونَ مِثْقالَ ذَرَّةٍ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ لا أَصْغَرَ مِنْ ذلِكَ وَ لا أَكْبَرُ وَ مَا لَكَ فِيهِمَا شَرِيكٌ وَ مَا لَكَ فِيهِمَا نَظِيرٌ وَ مَا لَكَ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ كَفَى بِكَ لِخَلْقِكَ وَاحِداً ظَهِيراً وَ أَشْهَدُ أَنَّ لَكَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِينَ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَا تَحْتَ الثَّرَى وَ بِيَدِكَ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَ خَزَائِنُهُ تُعْطِي مِنْ سَعَةٍ وَ تَمْنَعُ مِنْ قُدْرَةٍ وَ مَا مِنْ مَدْعُوٍّ غَيْرُكَ وَ لَا مُجِيبٍ إِلَّا أَنْتَ وَ أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِكَ آلِهَةً أَنَّ آلِهَتَهُمْ لا يَخْلُقُونَ شَيْئاً وَ هُمْ يُخْلَقُونَ وَ لا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَ لا نَفْعاً وَ لا يَمْلِكُونَ مَوْتاً وَ لا حَياةً وَ لا نُشُوراً وَ لَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْهُمْ وَ لا تَحْوِيلًا وَ أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِكَ لَا يُنْزِلُونَ قَطْرَةً مِنَ السَّمَاءِ وَ لَا يُنْبِتُونَ حَبَّةً وَ لَا شَجَرَةً مِنَ الْأَرْضِ وَ لَا خُضْرَةً وَ لَا يَخْلُقُونَ ذُبَاباً وَ لَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ وَ إِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبابُ شَيْئاً لا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَ الْمَطْلُوبُ تَبَارَكْتَ يَا سَيِّدِي وَ تَجَبَّرْتَ وَ تَقَدَّسْتَ وَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوّاً كَبِيراً وَ أَحْمَدُكَ اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ وَ أَشْكُرُكَ وَ أَنْتَ لِلشُّكْرِ أَهْلٌ عَنْ حُسْنِ صَنِيعِكَ إِلَيَّ وَ سَوَابِغِ نِعَمِكَ عَلَيَّ وَ جَزِيلِ عَطَائِكَ لَدَيَّ وَ عَلَى كُلِّ مَا فَضَّلْتَنِي بِهِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ أَسْبَغْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ فَإِنَّكَ قَدِ اصْطَنَعْتَ عِنْدِي مَا يَحِقُّ لَكَ بِهِ شُكْرِي وَ ذِكْرِي مِنْ حُسْنِ وَلَايَتِكَ إِيَّايَ وَ لُطْفِكَ بِالصَّلَاحِ لِي وَ مَا لَا غِنَى بِي عَنْهُ وَ لَا يُوَافِقُنِي غَيْرُهُ وَ لَا بُدَّ لِي مِنْهُ وَ لَا أَصْلُحُ إِلَّا عَلَيْهِ وَ لَوْ لَا حُسْنُ صَنِيعِكَ إِلَيَّ وَ تَعَطُّفُكَ عَلَيَّ مَا بَلَغْتُ إِحْرَازَ حَظِّي وَ لَا صَلَاحَ نَفْسِي وَ لَكِنَّكَ ابْتَدَأْتَنِي مِنْكَ بِالْإِحْسَانِ

وَ وَلَّيْتَنِي فِي أُمُورِي كُلِّهَا بِالْكِفَايَةِ وَ صَرَفْتَ عَنِّي جَهْدَ الْبَلَاءِ وَ مَنَعْتَ عَنِّي الْمَحْذُورَ مِنَ الْقَضَاءِ.

اللَّهُمَّ كَمْ مِنْ بَلَاءٍ جَاهِدٍ صَرَفْتَهُ عَنِّي وَ أَبْلَيْتَ بِهِ غَيْرِي وَ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ أَقْرَرْتَ بِهَا عَيْنِي وَ كَمْ مِنْ صَنِيعَةٍ لَكَ عِنْدِي إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي أَجَبْتَ فِي الِاضْطِرَارِ دَعْوَتِي وَ أَقَلْتَ عِنْدَ الْعِثَارِ زَلَّتِي وَ أَخَذْتَ مِنَ الْأَعْدَاءِ ظُلَامَتِي فَمَا وَجَدْتُكَ بَخِيلًا حِينَ دَعَوْتُكَ وَ لَا مُتَقَبِّضاً حِينَ أَرَدْتُكَ وَ لَكِنِّي وَجَدْتُكَ لِدُعَائِي سَامِعاً وَ عُدْتَ عَلَيَّ بِالنِّعَمِ مُسْبِغاً فِي كُلِّ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِي وَ كُلِّ زَمَانٍ مِنْ زَمَانِي وَ أَنْتَ عِنْدِي مَحْمُودٌ وَ صَنِيعُكَ عِنْدِي مَوْجُودٌ يَحْمَدُكَ سَيِّدِي نَفْسِي وَ عَقْلِي وَ لِسَانِي وَ شَعْرِي وَ بَشَرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ مُخِّي وَ عَصَبِي وَ عِظَامِي وَ مَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي حَمْداً يَكُونُ مُبَلِّغاً رِضَاكَ مُنْجِياً مِنْ سَخَطِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَوْجَبَ عَلَيَّ أَنْ أَحْمَدَهُ بِمَا عَرَّفَنِي مِنْ نَفْسِهِ بِفَضْلِهِ عَلَيَّ وَ إِحْسَانِهِ إِلَيَّ وَ لَمْ أَكُ شَيْئاً الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي غَذَّانِي بِنِعْمَتِهِ وَ أَسْبَغَ عَلَيَّ فَضْلَهُ وَ ابْتَدَأَنِي بِرِزْقِهِ الطَّيِّبِ مِنْ غَيْرِ أَنْ أَسْأَلَهُ وَ لَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ اسْتَوْجَبْتُ مَا ابْتَدَأَنِي بِهِ إِلَهِي وَ أَوْجَبَ عَلَيَّ مِنْ شُكْرِهِ كَمَا لَمَا أَسْتَحِقُّ بِهِ الْمَزِيدَ مِنْ لَدَيْهِ مَعَ مَا عَرَّفَنِي مِنْ دِينِهِ وَ دَلَّنِي عَلَى نَفْسِهِ وَ أَكْرَمَنِي بِرَسُولِهِ وَ وُلَاةِ أَمْرِهِ وَ أَلْقَى فِي قَلْبِي مَحَبَّتَهُ وَ شَاطَ لَحْمِي وَ دَمِي بِحُبِّهِ وَ لِسَانِي بِذِكْرِهِ وَ أَمَرَنِي بِمَسْأَلَتِهِ وَ دَعَانِي إِلَى عِبَادَتِهِ وَ رَغَّبَنِي فِيمَا عِنْدَهُ وَ حَثَّنِي عَلَى طَاعَتِهِ وَ زَهَّدَنِي فِي مَعْصِيَتِهِ وَ شَوَّقَنِي إِلَى جَنَّتِهِ وَ حَذَّرَنِي عِقَابَهُ رَحْمَةً مِنْهُ لِي وَ مِنَّةً وَاجِبٌ شُكْرُهَا عَلَيَّ لَوْ أَنَّ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا أَصْبَحَ وَ أَمْسَى فِي مَلَكَتِي وَ أَنَا مُنْسَلِخٌ مِنَ الدِّينِ الَّذِي أَنَا بِهِ مُتَمَسِّكٌ مَا كَانَ ذَلِكَ عِوَضاً مِنْ بَعْضِهِ فَلِرَبِّيَ الْحَمْدُ عَلَى نِعَمِهِ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَ لَا تُجَازَى بِعَمَلٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِينَ الْعَالِمِ بِمَا كَانَ وَ يَكُونُ الْأَوَّلِ بِلَا ابْتِدَاءٍ وَ الْآخِرِ بِلَا انْتِهَاءٍ أَوَّلِ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ مُصَيِّرِهِ وَ مُبْدِئِ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ مُعِيدِهِ خَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ وَ خَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ وَ ضَلَّتْ فِيهِ الْأَحْلَامُ وَ كَلَّتْ

دُونَهُ الْأَبْصارُ لَا يَقْضِی فِی الْأُمُورِ غَیْرُهُ وَ لَا یُدَبِّرُ مَقَادِیرَهَا سِوَاهُ وَ لَا یَصِیرُ مُنْتَهَی شَیْ ءٍ مِنْهَا إِلَی غَیْرِهِ وَ لَا یَتِمُّ شَیْ ءٌ مِنْهَا دُونَهُ لَهُ الْحَمْدُ وَ الْعَظَمَهُ وَ لَهُ الْمُلْکُ وَ الْقُدْرَهُ وَ لَهُ الْأَیْدُ وَ الْحُجَّهُ وَ لَهُ الْحَوْلُ وَ الْقُوَّهُ وَ لَهُ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهُ أَمْرُهُ قَضَاءٌ وَ رِضَاهُ رَحْمَهٌ وَ سَخَطُهُ عَذَابٌ وَ کَلَامُهُ نُورٌ یَقْضِی بِعِلْمٍ وَ یَعْفُو بِحِلْمٍ وَاسِعُ الْمَغْفِرَهِ شَدِیدُ النَّقِمَهِ قَرِیبُ الرَّحْمَهِ أَحَاطَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عِلْمُهُ وَ وَسِعَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ حِفْظُهُ کَانَ عِلْمُهُ قَبْلَ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ یَکُونُ بَعْدَ هَلَاکِ کُلِّ شَیْ ءٍ لَا یُعْجِزُهُ شَیْ ءٌ وَ لَا یَتَوَارَی عَنْهُ شَیْ ءٌ وَ لَا یَقْدِرُ أَحَدٌ قَدْرَهُ وَ لَا یَشْکُرُهُ أَحَدٌ حَقَّ شُکْرِهِ وَ لَا تَهْتَدِی الْقُلُوبُ لِصِفَتِهِ وَ لَا تَبْلُغُ الْعُقُولُ نَعْتَهُ حَارَتِ الْأَبْصَارُ دُونَهُ وَ کَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْهُ لَمْ تَرَهُ عَیْنٌ وَ لَمْ یَنْتَهِ إِلَیْهِ نَظَرٌ وَ لَا یُدْرِکُهُ بَصَرٌ حَیٌّ قَیُّومٌ لَا تَأْخُذُهُ سِنَهٌ وَ لَا نَوْمٌ وَسِعَ کُلَّ شَیْ ءٍ رَحْمَهً وَ عِلْماً وَ مَلَأَ کُلَّ شَیْ ءٍ عَظَمَهً وَ عَدْلًا وَ أَخَذَ کُلَّ شَیْ ءٍ بِسُلْطَانٍ وَ قُدْرَهٍ لَا یُعْجِزُهُ مَا طَلَبَ وَ لَا یُرَدُّ مَا أَمَرَ وَ لَا یَنْقُصُ سُلْطَانَهُ مَنْ عَصَاهُ وَ لَا یَسْتَغْنِی عَنْهُ مَنْ تَوَلَّی غَیْرُهُ کُلُّ سِرٍّ عِنْدَهُ عَلَانِیَهٌ وَ کُلُّ غَیْبٍ عِنْدَهُ شَهَادَهٌ فَلَیْسَ یُسْتَرُ عَنْهُ شَیْ ءٌ وَ لَا یَشْغَلُهُ شَیْ ءٌ عَنْ شَیْ ءٍ قُلُوبُ الْعِبَادِ بِیَدِهِ وَ آجَالُهُمْ بِعِلْمِهِ وَ مَصِیرُهُمْ إِلَیْهِ لَا یَخْفَی عَلَیْهِ شَیْ ءٌ مِمَّا هُمْ فِیهِ أَحْصَی عَدَدَهُمْ مِنْ قَبْلِ خَلْقِهِمْ وَ عَلِمَ أَعْمَالَهُمْ مِنْ قَبْلِ عَمَلِهِمْ وَ کَتَبَ آثَارَهُمْ وَ سَمَّی آجَالَهُمْ وَ عَلَا کُلَّ شَیْ ءٍ قُدْرَتُهُ لَا یَقَعُ وَهْمٌ کَیْفَ هُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ صَمَدٌ لَا یَطْعَمُ قَیُّومٌ لَا یَنَامُ مَلِکٌ لَا یُرَامُ عَزِیزٌ لَا یُضَامُ جَبَّارٌ لَا یُرَی سَمِیعٌ لَا یَشُکُّ بَصِیرٌ لَا یَرْتَابُ عَظِیمُ الشَّأْنِ شَدِیدُ السُّلْطَانِ خَبِیرٌ بِکُلِّ مَکَانٍ یَعْلَمُ وَهْمَ الْأَنْفُسِ وَ هَمْسَ الْأَلْسُنِ وَ رَجْعَ الشِّفَاهِ وَ خَائِنَهَ الْأَعْیُنِ وَ مَا تُخْفِی الصُّدُورُ لَا تَفْنَی عَجَائِبُهُ وَ لَا یَنْقَضِی مَدْحُهُ وَ لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ وَ لَا تُحْصَی نِعَمُهُ وَ لَوْ کَانَ الْبَحْرُ مِدَاداً لِکَلِمَاتِ رَبِّی لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ کَلِمَاتُ رَبِّی وَ لَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَداً

ص: ۴۲۴

وَ لَوْ أَنَّ ما فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَهٍ أَقْلامٌ وَ الْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَهُ أَبْحُرٍ ما نَفِدَتْ كَلِماتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

وَ لَکَ الْحَمْدُ يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَایَ عَلَى نَعْمَائِکَ وَ آلَائِکَ کَثِيراً وَ حُسْنِ بَلَائِکَ مَا عَرَفْتُ مِنْهُ وَ مَا لَمْ أَعْرِفْ وَ مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَ مَا لَمْ أَذْكُرْ وَ عَلَى مَا أَوْلَيْتَنِي وَ أَبْلَيْتَنِي وَ أَعْطَيْتَنِي وَ شَرَّفْتَنِي وَ فَضَّلْتَنِي وَ كَرَّمْتَنِي وَ هَدَيْتَنِي لَدَيْکَ وَ سَلَكْتَ بِي نَهْجَ الْحَقِّ وَ سَبِيلَ الصِّدْقِ وَ طَرِيقَکَ الْوَاضِحَ الْمَحَجَّهِ وَ سَوَاءَ الصِّرَاطِ وَ عَرَّفْتَنِي مِنْ إِحْسَانِکَ إِلَيَّ وَ إِنْعَامِکَ عَلَيَّ وَ حِفْظِکَ لِي فِي جَمِيعِ مَا خَوَّلْتَنِي وَ ابْتِدَائِکَ إِيَّايَ بِمَا بِهِ ابْتَدَأْتَنِي مِمَّا يَعْجِزُ عَنْهُ صِفَتِي وَ تَكِلُّ عَنْهُ لِسَانِي وَ يَعْيَا عَنْهُ فَهْمِي وَ يَقْصُرُ دُونَهُ فَهْمِي وَ عِلْمِي وَ يَنْقَطِعُ قَبْلَ كُنْهِهِ عَدَدِي وَ لَا يُحِيطُ بِهِ إِحْصَايَ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَى مَا سَوَّيْتَ مِنْ خَلْقِي وَ أَلْزَمْتَ مِنَ الْغِنَى نَفْسِي وَ أَدْخَلْتَ مِنَ الْيَقِينِ قَلْبِي وَ أَمَلْتَ إِلَى طَاعَتِکَ هَوَايَ وَ لَمْ تَحُلْ بَيْنِي وَ بَيْنَ شَهَوَاتِي وَ لَمْ أَتَّبِعْ هَوَايَ بِغَيْرِ هُدًى (۱) مِنْکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَى مَا بَصَّرْتَنِي مِمَّا أَعْمَيْتَ مِنْهُ غَيْرِي وَ أَسْمَعْتَنِي مِمَّا أَصْمَمْتَ مِنْهُ غَيْرِي وَ أَفْهَمْتَنِي مِمَّا أَذْهَلْتَ عَنْهُ غَيْرِي وَ أَطْلَعْتَنِي عَلَى مَا حَجَبْتَهُ عَنْ غَيْرِي وَ أَدَّبْتَنِي فَأَحْسَنْتَ أَدَبِي وَ عَلَّمْتَنِي فَلَطُفْتَ لِتَعْلِيمِي فَأَيُّ النِّعَمِ يَا سَيِّدِي لَمْ تُنْعِمْ بِهَا عَلَيَّ وَ أَيُّ الْأَيَادِي يَا إِلَهِي لَمْ تَسْتَوْجِبْهَا عَلَيَّ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَى مَا عَصَمْتَنِي مِنْ مَهَاوِي الْهَلْكَهِ وَ التَّمَسُّكِ بِحَبْلِ الظَّلَمَهِ وَ الْجُحُودِ لِطَاعَتِکَ وَ التَّوَجُّهِ إِلَى غَيْرِکَ وَ الزُّهْدِ فِيمَا عِنْدَکَ وَ الرَّغْبَهِ فِيمَا عِنْدَ سِوَاکَ مَنّاً مِنْکَ وَ فَضْلًا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَ رَحْمَهً رَحِمْتَنِي بِهَا مِنْ غَيْرِ عَمَلٍ سَالِفٍ مِنِّي وَ لَا اسْتِحْقَاقٍ لِمَا صَنَعْتَ بِي ثُمَّ اسْتَوْجَبْتَ عَلَيَّ الْحَمْدَ بِاتِّبَاعِ أَهْلِ الْفَضْلِ وَ الْمَعْرِفَهِ لِلْحَقِّ وَ الْبَصَرِ بِأَبْوَابِ الْهُدَى وَ لَوْ لَا أَنْتَ رَبِّي مَا اهْتَدَيْنَا إِلَى طَاعَتِکَ وَ لَا عَرَفْنَا أَمْرَکَ وَ لَا سَلَكْنَا سَبِيلَکَ.

وَ لَکَ الْحَمْدُ يَا سَيِّدِي عَلَى آلَائِکَ الَّتِي اسْتَوْجَبْتَ بِهَا أَنْ تُعْبَدَ وَ عَلَى حُسْنِ

۱- ۱. رضى خ ل.

بَلَائِکَ الَّذِی اسْتَحْقَقْتَ بِهِ أَنْ تُحْمَدَ وَ عَلَی نِعَمِکَ الْقَدِیمَهِ وَ أَیَادِیکَ الْکَثِیرَهِ الَّتِی لَا تُحْصَی بِعَدَدٍ وَ لَا تُکَافَی بِعَمَلٍ إِلَّا فِی سَعَهِ رَحْمَتِکَ وَ تَتَابُعِ نِعَمِکَ وَ عَظِیمِ شَأْنِکَ وَ کَرِیمِ صَنَائِعِکَ وَ حُسْنِ أَیَادِیکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ یَا سَیِّدِی عَلَی نِعَمِکَ السَّابِغَهِ وَ حُجَجِکَ الْبَالِغَهِ وَ مِنَنِکَ الْمُتَوَاتِرَهِ الَّتِی بِهَا دَافَعْتَ عَنِّی مَکَارِهَ الْأُمُورِ وَ آتَیْتَنِی بِهَا مَوَاهِبَ السُّرُورِ مَعَ تَمَادِیَّ فِی الْغَفْلَهِ وَ تَنَاهِیَّ فِی الْقَسْوَهِ فَلَمْ یَمْنَعْکَ ذَلِکَ مِنْ فِعْلِی إِنْ عَفَوْتَ عَنِّی وَ سَتَرْتَ عَلَیَّ قَبِیحَ عَمَلِی وَ سَوَّغْتَنِی مَا فِی یَدِی مِنْ نِعْمَتِکَ عَلَیَّ وَ إِحْسَانِکَ إِلَیَّ وَ صَفَحْتَ لِی عَنْ قَبِیحِ مَا أَفْضَیْتُ بِهِ إِلَیْکَ وَ انْتَهَکْتُهُ مِنْ مَعَاصِیکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ یَا سَیِّدِی عَلَی النِّعَمِ الْکَثِیرَهِ الَّتِی أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَیْتُ أَتَعَرَّفُهَا مِنْکَ وَ أَعْلَمُ أَنَّکَ وَلِیُّهَا وَ مُجْرِیهَا بِغَیْرِ حَوْلٍ مِنِّی وَ لَا قُوَّهٍ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ فَیَا رَبِّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی عَافِیَتِکَ إِیَّایَ مِنْ أَلْوَانِ الْبَلَایَا الَّتِی أَصْبَحَ وَ أَمْسَی فِیهَا کَثِیرٌ مِنْ عِبَادِکَ فَکَمْ مِنْ عَبْدٍ یَا إِلَهِی أَمْسَی وَ أَصْبَحَ سَقِیماً مُوجَعاً مُدْنِفاً فِی أَنِینٍ وَ عَوِیلٍ یَنْقَلِبُ فِی غَمِّهِ لَا یَجِدُ مَحِیصاً وَ لَا یُسِیغُ طَعَاماً وَ لَا شَرَاباً وَ أَنَا فِی صِحَّهٍ مِنَ الْبَدَنِ وَ سَلَامَهٍ مِنَ الْعَیْشِ کُلُّ ذَلِکَ مِنْکَ یَا رَبِّ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ کَمْ مِنْ عَبْدٍ أَصْبَحَ وَ أَمْسَی فِی کَرْبِ الْمَوْتِ وَ غُصَّهٍ وَ حَشْرَجَهٍ وَ نَظَرَ إِلَی مَا تَقْشَعِرُّ مِنْهُ الْجُلُودُ وَ تَفْزَعُ لَهُ وَ أَنَا فِی عَافِیَهٍ مِنْ ذَلِکَ یَا رَبِّ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ کَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَی وَ أَصْبَحَ خَائِفاً مَرْعُوباً مُشْفِقاً وَجِلًا هَارِباً طَرِیداً مُتَحَیِّراً فِی مَضِیقِ الْمَخَابِی قَدْ ضَاقَتْ عَلَیْهِ الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا لَا یَجِدُ حِیلَهً وَ لَا مَلْجَأً وَ لَا مَأْوًی وَ أَنَا فِی أَمْنٍ وَ طُمَأْنِینَهٍ وَ عَافِیَهٍ مِنْ ذَلِکَ یَا رَبِّ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ کَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَی وَ أَصْبَحَ فِی ضَنْکٍ مِنَ الْعَیْشِ وَ ضَیْقِ الْمَکَانِ قَدْ أُثْقِلَ حَدِیداً مِنْ قَیْدٍ أَوْ غُلٍّ أَوْ مُزِّقَ جِلْدُهُ وَ بُضِّعَ لَحْمُهُ أَوْ لُوِّنَ عَلَیْهِ الْعَذَابُ أَوْ یَتَوَقَّعُ الْقَتْلَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً وَ أَنَا فِی رَاحَهٍ وَ رُحْبٍ وَ سَعَهٍ وَ عَافِیَهٍ مِنْ ذَلِکَ یَا رَبِّ فَلَکَ الْحَمْدُ.

وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ أَسِيراً مَغْلُولًا مُكَبَّلًا بِالْحَدِيدِ بِأَيْدِى الْعُدَاهِ الَّذِينَ لَا يَرْحَمُونَهُ مُفْرَداً عَنْ أَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ مُنْقَطِعاً عَنْ بِلَادِهِ وَ إِخْوَانِهِ يَتَوَقَّعُ فِى كُلِّ سَاعَهٍ بِأَيَّهِ قِتْلَهٍ يُقْتَلُ وَ أَيَّهِ مُثْلَهٍ يُمَثَّلُ وَ أَنَا فِى عَافِيَهٍ وَ سَلَامَهٍ مِنْ ذَلِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ.

وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ يُبَاشِرُ الْقِتَالَ وَ يُقَاسِى الْحُرُوبَ قَدْ غَشِيَتْهُ الْأَعْدَاءُ بِالسُّيُوفِ وَ الرِّمَاحِ وَ النَّبْلِ وَ آلَهِ الْحَرْبِ مُتَقَنِّعٌ بِالْحَدِيدِ قَدْ بَلَغَ مَجْهُودَهُ لَا يَعْرِفُ حِيلَهً وَ لَا يَجِدُ مَهْرَباً قَدْ أُدْنِفَ بِالْجِرَاحَاتِ أَوْ مُتَشَحِّطٌ بِدَمِهِ تَحْتَ السَّنَابِكِ وَ الْأَرْجُلِ يَتَمَنَّى شَرْبَهَ مَاءٍ يَشْرَبُهَا أَوْ نَظْرَهً إِلَى أَهْلٍ وَ وَلَدٍ وَ أَنَا فِى عَافِيَهٍ مِنْ ذَلِكَ يَا رَبِّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ غَرِيباً مُسَافِراً شَاخِصاً عَنْ أَهْلِهِ وَ وَلَدِهِ مُتَحَيِّراً فِى الْمَفَاوِزِ تَائِهاً فِيهَا مَعَ الْوُحُوشِ وَ الْبَهَائِمِ وَ الْهَوَامِّ جَائِعاً ظَمْآنَ وَحِيداً فَرِيداً لَا يَعْرِفُ حِيلَهً وَ لَا يَهْتَدِى سَبِيلًا أَوْ فِى جَزَعٍ أَوْ جُوعٍ أَوْ عُرْيٍ أَوْ غَيْرِهِ مِنَ الشَّدَائِدِ وَ أَنَا مِمَّا هُوَ فِيهِ خِلْوٌ فِى عَافِيَهٍ مِنْ ذَلِكَ يَا رَبِّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ فِى ظُلُمَاتِ الْبِحَارِ وَ عَوَاصِفِ الرِّيَاحِ وَ أَهْوَالِ الْأَمْوَاجِ يَتَوَقَّعُ الْغَرَقَ وَ الْهَلَاكَ لَا يَقْدِرُ عَلَى حِيلَهٍ أَوْ مُبْتَلًى بِصَاعِقَهٍ أَوْ هَدْمٍ أَوْ حَرَقٍ أَوْ شَرَقٍ أَوْ غَرَقٍ أَوْ خَسْفٍ أَوْ مَسْخٍ أَوْ قَذْفٍ وَ أَنَا مِنْ ذَلِكَ فِى عَافِيَهٍ يَا رَبِّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ فَقِيراً عَائِلًا مَحْزُوناً عَارِياً جَائِعاً ظَمْآنَ يَنْتَظِرُ مَنْ يَعُودُ عَلَيْهِ بِفَضْلٍ أَوْ عَبْدٍ لَكَ هُوَ أَوْجَهُ مِنِّى عِنْدَكَ وَ أَشَدُّ عِبَادَهً مَمْلُوكٍ مَقْهُورٍ قَدْ حُمِّلَ ثِقْلًا مِنْ تَعَبِ الْعَنَاءِ وَ شِدَّهِ الْعُبُودِيَّهِ وَ ثِقْلِ الضَّرِيبَهِ أَوْ مُبْتَلًى بِبَلَاءٍ شَدِيدٍ وَ أَنَا الْمَخْدُومُ الْمُنْعَمُ عَلَيْهِ فِى عَافِيَهٍ مِمَّا هُوَ فِيهِ يَا رَبِّ فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِى وَ كَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضَى عَلَيَّ سَيْفَ عَدَاوَتِهِ وَ شَحَذَ لِى ظُبَاهَ مُدْيَتِهِ وَ أَرْهَفَ لِى شَبَاهَ حَدِّهِ وَ دَافَ لِى قَوَاتِلَ سُمُومِهِ وَ سَدَّدَ إِلَيَّ صَوَائِبَ سِهَامِهِ وَ لَمْ تَنَمْ عَنِّى عَيْنُ حِرَاسَتِهِ وَ أَضْمَرَ عَلَيَّ أَنْ يَسُومَنِى الْمَكْرُوهَ وَ يُجَرِّعَنِى ذُعَافَ مَرَارَتِهِ فَنَظَرْتَ

إِلَى ضَعْفِی عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَادِحِ وَ عَجْزِی عَنِ الِانْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَ لِی بِمُحَارَبَتِهِ وَ وَحْدَتِی فِی کَثِیرٍ مِمَّنْ نَاوَانِی وَ إِرْصَادِهِ لِی فِیمَا لَمْ أَعْمِلْ فِکْرِی فِی الْإِرْصَادِ لَهُ بِمِثْلِهِ فَأَیَّدْتَنِی بِقُوَّتِکَ وَ شَدَدْتَ أَزْرِی بِنَصْرِکَ وَ صَیَّرْتَهُ بَعْدَ جَمْعِ عَدِیدٍ وَحْدَهُ وَ أَعْلَیْتَ کَعْبِی عَلَیْهِ وَ وَجَّهْتَ مَا سَدَّدَ إِلَیَّ مِنْ مَکَایِدِهِ إِلَیْهِ فَرَدَدْتَهُ وَ لَمْ یَشْفِ غَلِیلَهُ وَ لَمْ یَبْرُدْ حَرَارَاتُ غُیُوظِهِ قَدْ عَضَّ عَلَی شَوَاهُ وَ أَدْبَرَ مُوَلِّیاً قَدْ أَخْلَفَتْ سَرَایَاهُ فَلَکَ الْحَمْدُ یَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ وَ ذِی أَنَاهٍ لَا یَعْجَلُ (۱) وَ کَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِی بِمَکَایِدِهِ وَ نَصَبَ لِی أَشْرَاکَ مَصَایِدِهِ وَ أَضْبَأَ إِضْبَاءَ السَّبُعِ لِطَرِیدَتِهِ انْتِظَاراً لِانْتِهَازِ فُرْصَتِهِ وَ هُوَ یُظْهِرُ بَشَاشَةَ الْمَلَقِ وَ یَکْشِرُ لِی سِنَّهُ وَ یَبْسُطُ لِی وَجْهَهُ مِنْ غَیْرِ طَلْقٍ فَلَمَّا رَأَیْتَ دَغَلَ سَرِیرَتِهِ وَ قُبْحَ مَا انْطَوَی عَلَیْهِ بِشَرِکِهِ أَبْطَلْتَ مَا أَصْبَحَ مُجْلِباً بِهِ لِی فِی بُغْیَتِهِ وَ أَرْکَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِی زُبْیَتِهِ وَ رَدَّیْتَهُ فِی مَهْوَی حُفْرَتِهِ وَ رَمَیْتَهُ بِحَجَرِهِ وَ رَمَیْتَهُ بِمَشَاقِصِهِ وَ کَبَبْتَهُ لِمَنْخِرِهِ وَ خَنَقْتَهُ بِوَتَرِهِ وَ رَتَقْتَهُ بِنَدَامَتِهِ وَ رَدَدْتَ کَیْدَهُ فِی نَحْرِهِ فَاسْتَحْلَی (۲) وَ تَضَاءَلَ بَعْدَ نَخْوَتِهِ وَ انْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِیلًا مَأْسُوراً فِی رِبْقِ حِبَالَتِهِ الَّتِی کَانَ یُؤَمِّلُ أَنْ یَرَانِی فِیهَا فِی یَوْمِ سَطْوَتِهِ وَ قَدْ کِدْتُ یَا رَبِّ لَوْ لَا رَحْمَتُکَ أَنْ یَحُلَّ بِی مَا حَلَّ بِسَاحَتِهِ فَلَکَ الْحَمْدُ یَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ وَ ذِی أَنَاهٍ لَا یَعْجَلُ وَ کَمْ مِنْ حَاسِدٍ أَشْرَقَ بِحَسَدِهِ وَ شَجِیَ مِنِّی بِغَیْظِهِ وَ سَلَقَنِی بِحَدِّ لِسَانِهِ وَ وَخَزَنِی وَ جَعَلَ عِرْضِی غَرَضاً لِمَرَامِیهِ وَ قَلَّدَنِی خِلَالًا لَمْ تَزَلْ فِیهِ فَأَتَیْتُکَ یَا رَبِّ مُسْتَجِیراً بِکَ وَاثِقاً بِسُرْعَهِ إِجَابَتِکَ مُتَوَکِّلًا عَلَی مَا لَمْ أَزَلْ أَتَعَرَّفُهُ مِنْ حُسْنِ دِفَاعِکَ عَالِماً أَنَّهُ لَمْ یُضْطَهَدْ مَنْ أَوَی إِلَی ظِلِّ کِفَایَتِکَ وَ لَمْ تَقْرَعِ الْقَوَارِعُ مَنْ لَجَأَ إِلَی مَعْقِلِ الِانْتِصَارِ بِکَ فَحَصَّنْتَنِی مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِکَ فَلَکَ الْحَمْدُ یَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ وَ ذِی أَنَاهٍ لَا یَعْجَلُ.

وَ کَمْ مِنْ سَحَائِبِ مَکْرُوهٍ أَجْلَیْتَهَا وَ سَمَاءِ نِعْمَهٍ أَمْطَرْتَهَا وَ جَدَاوِلِ کَرَامَهٍ أَجْرَیْتَهَا وَ أَعْیُنِ أَجْدَاثٍ طَمَسْتَهَا وَ نَاشِئَهِ رَحْمَهٍ نَشَرْتَهَا وَ جُنَّهِ عَافِیَهٍ أَلْبَسْتَهَا وَ

۱- ۱. راجع ج ۹۴ ص ۳۲۰ ففیه مثل هذا الدعاء مشروحا.

۲- ۲. فاستخذی خ ل.

غَوَاشِی کُرُبَاتٍ کَشَفْتَهَا وَ أُمُورٍ حَادِثَهٍ قَدَّرْتَهَا لَمْ تُعْجِزْکَ إِذْ طَلَبْتَهَا وَ لَمْ تَمْنَعْ مِنْکَ إِذْ أَرَدْتَهَا فَلَکَ الْحَمْدُ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ وَ ذِی أَنَاهٍ لَا یَعْجَلُ.

وَ کَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقْتَ وَ مِنْ عُدْمِ إِمْلَاقٍ جَبَرْتَ وَ مِنْ صَرْعَهٍ نَعَشْتَ وَ مِنْ مَسْکَنَهٍ حَوَّلْتَ لَا تُسْأَلُ عَمَّا یفعل [تَفْعَلُ] وَ لَا یَنْقُصُکَ مَا أَنْفَقْتَ وَ لَقَدْ سُئِلْتَ فَأَعْطَیْتَ وَ لَمْ تُسْأَلْ فَابْتَدَیْتَ وَ اسْتُمِیحَ فَضْلُکَ فَمَا أَکْدَیْتَ أَبَیْتَ إِلَّا إِنْعَاماً وَ امْتِنَاعاً وَ تَطَوُّلًا وَ أَبَیْتُ إِلَّا تَقَحُّمَ حُرُمَاتِکَ وَ انْتِهَاکَ مَعَاصِیکَ وَ تَعَدِّیَ حُدُودِکَ وَ غَفْلَهً عَنْ وَعْدِکَ وَ وَعِیدِکَ وَ طَاعَهً لِعَدُوِّی وَ عَدُوِّکَ وَ لَمْ یَمْنَعْکَ إِخْلَالِی بِالشُّکْرِ مِنْ إِتْمَامِ إِحْسَانِکَ وَ لَا حَجَزَنِی ذَلِکَ عَنِ ارْتِکَابِ مَسَاخِطِکَ فَلَکَ الْحَمْدُ یَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ وَ ذِی أَنَاهٍ لَا یَعْجَلُ وَ سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِکَ تَبَارَکْتَ وَ تَجَبَّرْتَ وَ تَعَالَیْتَ وَ تَقَدَّسْتَ وَ تَکَبَّرْتَ وَ تَعَظَّمْتَ عَمَّا یَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوّاً کَبِیراً اللَّهُمَّ وَ أَنَا الدَّاعِی الَّذِی أَجَبْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ أَنَا السَّائِلُ الَّذِی أَعْطَیْتَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الضَّالُّ الَّذِی هَدَیْتَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الضَّعِیفُ الَّذِی قَوَّیْتَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْفَقِیرُ الَّذِی أَغْنَیْتَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْعَارِی الَّذِی کَسَوْتَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ أَنَا السَّقِیمُ الَّذِی شَفَیْتَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ أَجَلْ وَ عِزَّتِکَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی آلِهِ وَ اجْعَلْنِی لَکَ مِنَ الشَّاکِرِینَ اللَّهُمَّ وَ أَنَا الطَّرِیدُ الَّذِی رَدَدْتَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمُسَافِرُ الَّذِی صَحِبْتَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمُسِی ءُ الَّذِی أَحْسَنْتَ إِلَیْهِ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمَهْمُومُ الَّذِی فَرَّجْتَ هَمَّهُ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمَکْرُوبُ الَّذِی نَفَّسْتَ کَرْبَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ أَجَلْ وَ عِزَّتِکَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِی لَکَ مِنَ الشَّاکِرِینَ اللَّهُمَّ وَ أَنَا الذَّلِیلُ الَّذِی أَعْزَزْتَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمَخْذُولُ الَّذِی کَفَیْتَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمَبْغِیُّ عَلَیْهِ الَّذِی نَصَرْتَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْوَضِیعُ الَّذِی رَفَعْتَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْهَالِکُ الَّذِی خَلَّصْتَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْغَرِیقُ الَّذِی نَجَّیْتَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمُهَانُ الَّذِی أَکْرَمْتَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الرَّاجِلُ الَّذِی حَمَلْتَهُ فَلَکَ

الْحَمْدُ أَجَلْ وَ عِزَّتِکَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِی لَکَ مِنَ الشَّاكِرِينَ اللَّهُمَّ وَ أَنَا الْمَرِيضُ الَّذِی نَعَشْتَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمُبْتَلَى الَّذِی عَافَيْتَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمَسْجُونُ الَّذِی أَخْرَجْتَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْأَسِيرُ الَّذِی فَكَكْتَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْأَعْزَبُ الَّذِی زَوَّجْتَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الَّذِی لَمْ أَکُ شَيْئاً حَتَّى جَعَلْتَهُ فَلَکَ الْحَمْدُ أَجَلْ وَ عِزَّتِکَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِی لَکَ مِنَ الشَّاكِرِينَ رَبِّ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَسْدَيْتَ وَ أَولَيْتَ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَعْطَيْتَ وَ أَبْلَيْتَ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَى مَشِيَّتِکَ فِينَا مَا أَمَرَّ مِنْهَا وَ مَا حَلَا وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَى الْإِمْهَالِ وَ الِابْتِلَاءِ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَطَلْتَ مِنْ عُمُرِی وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَنْسَأْتَهُ مِنْ أَجْلِی وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ قَسْمِکَ لِی مَا لَمْ أَهْتَدِ إِلَى مَسْأَلَتِکَ إِيَّاهُ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أُحِطْ بِمَعْرِفَتِهِ فِيَّ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَى إِسْبَالِ سَتْرِکَ عَلَيَّ وَ لَمْ أَکُ أَهْلَهُ مِنْکَ وَ عَلَى آثَارِ نِعَمِکَ عَلَيَّ وَ لَمْ أَبْلُغْ شُكْرَهَا إِلَّا بِکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَى تَجَدُّدِهَا عَلَيَّ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَى تَطَوُّلِکَ بِهَا عَلَى الْحَالَتَيْنِ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَةِ الْإِسْلَامِ الَّذِی رَضِيتَهُ لَنَا دِيناً وَ النَّبِیِّ الْأُمِّیِّ الَّذِی ارْتَضَيْتَهُ لَنَا أَمِيناً وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَى مَا نَدَبْتَنَا إِلَيْهِ وَ أَنْقَذْتَنَا مِنْهُ بِهِ وَ جَعَلْتَهُ خَيْرَ نَبِیٍّ ابْتَعَثَ وَ جَعَلَنَا خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَى لُطْفِکَ بِنَا فِی تَمْيِيزِکَ إِيَّانَا مِنْ أَصْلَابِ الْمُشْرِكِينَ وَ أَرْحَامِ الْمُشْرِكَاتِ سُلَالَةً مِنْ سُلَالَةٍ حَتَّى أَلْحَقْتَنَا بِعَصْرِهِ وَ أَنْقَذْتَنَا مِنَ الْهَلَكَةِ بِهِ فَلَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ الْحَصَى وَ الثَّرَى وَ لَکَ الْحَمْدُ مِلْ ءَ الْآخِرَةِ وَ الدُّنْيَا وَ لَکَ الْحَمْدُ حَسَبَ مَا تَسْتَحِقُّ وَ تَرْضَى اللَّهُمَّ يَا سَيِّدِی أَنْتَ الَّذِی مَنَنْتَ عَلَيَّ بِتَحْمِيدِکَ وَ تَمْجِيدِکَ وَ الثَّنَاءِ عَلَيْکَ وَ الشُّكْرِ لَکَ وَ كُلُّ هَذَا يَا مَوْلَایَ مَعَ سَائِرِ إِنْعَامِکَ وَ مِنَنِکَ وَ أَيَادِيکَ الَّتِی لَا أُحْصِيهَا وَ لَا أُطِيقُ تَعْدَادَهَا أَوَّلُ ذَلِکَ يَا سَيِّدِی وَ أَشْرَفُهُ وَ أَفْضَلُهُ وَ أَعْظَمُهُ وَ أَكْثَرُهُ وَ أَجَلُّهُ الِامْتِنَانُ عَلَيَّ بِمَعْرِفَةِ رُبُوبِيَّتِکَ وَ قُدْرَتِکَ وَ عَظَمَتِکَ وَ مَعْرِفَةِ رَسُولِکَ وَ الْإِقْرَارِ بِهِ صلى الله عليه و آله وَ مَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِکَ وَ حُجَجِکَ وَ أَصْفِيَائِکَ وَ الِايتِمَامِ بِهِمْ وَ التَّصْدِيقِ

لَهُمْ وَ التَّسْلِيمِ لِقَوْلِهِمْ وَ الْإِيمَانِ بِكُتُبِكَ وَ رُسُلِكَ ثُمَّ عَافِيَتِكَ وَ سَعَةِ رِزْقِكَ وَ فَضْلِكَ وَ جَمِيعِ صَنِيعِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي وَ مَوْلَايَ وَ لَكَ التَّسْبِيحُ وَ التَّقْدِيسُ وَ التَّهْلِيلُ وَ الشُّكْرُ وَ الْمِنَّهُ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِكَ وَ عِزِّ جَلَالِكَ وَ عَظَمَتِكَ وَ كَمَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ وَ لَكَ الْحَمْدُ بِكُلِّ نِعْمَهٍ أَنْعَمْتَهَا عَلَيَّ وَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ كَانَ أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ وَ سَمَّيْتَ وَ قَدَّرْتَ وَ كَتَبْتَ أَوْ أَنْتَ فَاعِلُهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ وَ يَا جَامِعَ كُلِّ فَوْتٍ يَا بَارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ وَ يَا مَنْ لَا تَشَابَهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ وَ لَا تَغْشَاهُ الظُّلُمَاتُ يَا مَنْ لَا يَنْسَى شَيْئاً لِشَيْ ءٍ يَا مَنْ لَا يُدْعَى مِنْ لَدُنْ عَرْشِهِ إِلَى قَرَارِ سَمَاوَاتِهِ وَ أَرْضِهِ إِلَهٌ غَيْرُهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ حَبِيبِكَ وَ خَلِيلِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ نَجِيِّكَ وَ أَمِينِكَ وَ صِفْوَتِكَ وَ خاصيتك [خَاصَّتِكَ] وَ خَالِصَتِكَ وَ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ الَّذِي هَدَيْتَنَا بِهِ مِنَ الضَّلَالَهِ وَ الْعَمَى وَ بَصَّرْتَنَا بِهِ مِنَ الْغَشْيِ وَ عَلَّمْتَنَا بِهِ مِنَ الْجَهَالَهِ وَ أَقَمْتَنَا بِهِ عَلَى الْمَحَجَّهِ الْعُظْمَى وَ سَبِيلِ التَّقْوَى وَ أَخْرَجْتَنَا بِهِ مِنَ الْغَمَرَاتِ وَ أَنْقَذْتَنَا بِهِ مِنْ شَفَا جُرُفِ الْهَلَكَاتِ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ وَ مَوْضِعِ سِرِّكَ وَ رَسُولِكَ إِلَى خَلْقِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَ مُبَلِّغِ أَمْرِكَ وَ مُؤَدِّي عَهْدِكَ جَعَلْتَهُ رَحْمَهً لِلْعَالَمِينَ وَ نُوراً يَسْتَضِي ءُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ بَشِيراً بِالْجَزِيلِ مِنْ ثَوَابِكَ وَ يُنْذِرُ بِالْأَلِيمِ مِنْ عِقَابِكَ انْتَجَبْتَهُ لِرِسَالاتِكَ وَ اسْتَخْلَصْتَهُ لِدِينِكَ وَ اسْتَرْعَيْتَهُ عِبَادَكَ وَ ائْتَمَنْتَهُ عَلَى وَحْيِكَ وَ جَعَلْتَهُ الشَّاهِدَ لَكَ وَ الدَّلِيلَ عَلَيْكَ وَ الدَّاعِيَ إِلَيْكَ وَ الْحُجَّهَ عَلَى بَرِيَّتِكَ وَ السَّبَبَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ عِبَادِكَ وَ الشَّاهِدَ لَهُمْ وَ الْمُهَيْمِنَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً أُولَئِكَ الطَّيِّبُونَ الْمُبَارَكُونَ الطَّاهِرُونَ الْمُطَهَّرُونَ الْهُدَاهُ الْمُهْتَدُونَ غَيْرُ الضَّالِّينَ وَ لَا الْمُضِلِّينَ أُمَنَاؤُكَ فِي أَرْضِكَ وَ عُمُدُكَ فِي خَلْقِكَ الَّذِينَ اسْتَنْقَذْتَ بِهِمْ مِنَ

الْهَلْكَهِ وَ نَوَّرْتَ بِهِمْ مِنَ الظُّلْمَهِ شَجَرَهُ النُّبُوَّهِ وَ مَوْضِعُ الرِّسَالَهِ وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَهِ وَ مَعْدِنُ الْعِلْمِ ارْتَضَيْتَهُمْ أَنْصَاراً لِدِينِکَ وَ شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِکَ وَ قَوَّامِينَ بِأَمْرِکَ وَ أُمَنَاءَ حَفَظَهً لِسِرِّکَ وَ مَوْضِعَ رَحْمَتِکَ وَ مُسْتَوْدَعَ حِكْمَتِکَ وَ تَرَاجِمَهَ وَحْيِکَ وَ أَعْلَاماً لِعِبَادِکَ وَ مَنَاراً فِي بِلَادِکَ صَلِّ عَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ أَشْرَفَ وَ أَفْضَلَ وَ أَكْثَرَ وَ أَعْظَمَ وَ أَحْسَنَ وَ أَجْمَلَ وَ أَنْفَعَ وَ أَكْمَلَ وَ أَزْكَى وَ أَطْهَرَ وَ أَبْهَى وَ أَطْيَبَ وَ أَرْضَى مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِکَ وَ رُسُلِکَ وَ أَصْفِيَائِکَ وَ أَوْلِيَائِکَ وَ أَهْلِ الْمَنْزِلَهِ لَدَيْکَ وَ الْكَرَامَهِ عَلَيْکَ وَ صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيْهِمْ بِالصَّلَاهِ الَّتِي تُحِبُّ أَنْ تُصَلِّيَ بِهَا عَلَيْهِمْ أَنْتَ وَ مَلَائِكَتُکَ وَ رُسُلُکَ وَ خَلْقُکَ وَ كَمَا مُحَمَّدٌ وَ آلُهُ أَهْلُهُ مِنْکَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ يَا سَيِّدِي مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ سَبَبِي إِلَيْکَ وَ طَرِيقِي إِلَى طَاعَتِکَ وَ الْبَابَ الَّذِي آتِيکَ مِنْهُ وَ الدَّرَجَهَ الَّتِي أَرْتَفِعُ مِنْهَا وَ الْوَجْهَ الَّذِي أَتَوَجَّهُ إِلَيْکَ بِهِ وَ اللِّسَانَ الَّذِي أَنْطِقُ بِهِ وَ الْمَفْزَعَ وَ الرُّكْنَ وَ الذُّخْرَ وَ الْمَلْجَأَ وَ الْمَأْوَى مِنْ ذُنُوبِي أَقْرَرْتُ لَهُمْ بِذَلِکَ وَ بِمَا أَمَرْتَنِي بِهِ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ وَ أَشْهَدُ وَ أَعْلَمُ أَنَّ ذَلِکَ مِنْ عِنْدِکَ فَبِرِضَاءِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَرْجُو رِضَاکَ وَ بِسَخَطِهِمْ أَخَافُ عِقَابَکَ وَ اجْعَلْنِي يَا مَوْلَايَ مِمَّنْ تَخَلَّصَ مَعَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ يَوْمَ الدَّوَائِرِ مِنْ عِظَمِ الْبَلَاءِ وَ هَتْکِ السَّتَائِرِ وَ نَجِّنِي مِنْ هَوْلِ الشَّدَائِدِ اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ يَا سَيِّدِي الْمَلِکُ الْحَقُّ الَّذِي لَا جَوْرَ فِي حُكْمِکَ وَ لَا حَيْفَ فِي عَدْلِکَ وَ لَا تُسْأَلُ عَمَّا تَفْعَلُ خَلَقْتَ الْخَلْقَ عَلَى مَا سَبَقَ فِي عِلْمِکَ مِنْ مَشِيَّتِکَ لِتَصْيِيرِکَ إِيَّاهُمْ إِلَى مَصَايِرِهِمْ وَ إِنْزَالِهِمْ مَنَازِلَهُمْ مِنْ ثَوَابِکَ وَ عِقَابِکَ وَ قَدْ خَصَصْتَنِي يَا إِلَهِي بِالرَّحْمَهِ الَّتِي أَرْجُو أَنْ يَكُونَ قَدْ سَبَقَتْ لِي بِهَا السَّعَادَهُ بِمَا أَلْهَمْتَنِي مِنَ الْإِيمَانِ بِکَ وَ بِرَسُولِکَ وَ بِأَهْلِ بَيْتِ رَسُولِکَ صَلَوَاتُکَ عَلَيْهِمْ وَ التَّصْدِيقِ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِکَ فَإِنَّهُ لَيْسَ فِي مَعْرِفَتِي بِهِ شَکٌّ وَ لَا فِيمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ عِلْمِي جَهْلٌ وَ لَا فِي بَصِيرَتِي بِهِ وَهْنٌ وَ لَا ضَعْفٌ مَلَأْتَ مِنْهُ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ أَشْرَبْتَ حُبَّهُ قَلْبِي وَ أَوْلَجْتَهُ جَمِيعَ جَوَارِحِي فَلَا أَعْرِفُ غَيْرَهُ وَ لَا أَلْتَمِسُ سِوَاهُ رِضًى بِهِ وَ اقْتِصَاراً عَلَيْهِ

مِنْ کُلِّ أَمْرٍ سِوَاهُ.

ثُمَّ مَنَنْتَ عَلَیَّ بِالذِّکْرِ الْحَکِیمِ کِتَابِکَ فَاسْتَوْدَعْتَهُ صَدْرِی وَ أَنْطَقْتَ بِهِ لِسَانِی وَ جَعَلْتَهُ قُرَّهَ عَیْنٍ لِی ثُمَّ دَلَلْتَنِی عَلَی مَعْرِفَهِ رُبُوبِیَّتِکَ وَ عَظَمَتِکَ وَ اقْتِدَارِکَ فِی مُلْکِکَ وَ سُلْطَانِکَ وَ کَرَمِکَ فِی فِعَالِکَ وَ مَنَحْتَنِی مِنْ ذَلِکَ کَثِیراً فَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ یَا مَانِحَ النِّعَمِ قَبْلَ أَنْ نَسْتَحِقَّ وَ یَا مُبْتَدِئاً بِالرَّحْمَهِ قَبْلَ أَنْ نَسْأَلَ لَمَّا جَعَلْتَ مَا أَکْرَمْتَنِی بِهِ مِنْ ذَلِکَ وَ مَنَنْتَ بِهِ عَلَیَّ مُسْتَتِمّاً مِنْکَ مَوْصُولًا وَ حَتْماً عَلَی نَفْسِکَ وَاجِباً وَ أَنْ لَا یَشُوبَ إِخْلَاصِی وَ صِدْقَ نِیَّتِی وَ صِحَّهَ الضَّمِیرِ مِنِّی شَکٌّ وَ لَا وَهْنٌ وَ لَا تَقْصِیرٌ وَ لَا تَفْرِیطٌ حَتَّی تُمِیتَنِی عَلَی الْإِخْلَاصِ بِهِ وَ تَبْعَثُنِی عَلَی اسْتِیجَابِ رِضَاکَ وَ لَمَّا جَعَلْتَهُ نُوراً وَ حُجَّهً وَ حِجَاباً وَ لَمَّا لَمْ تَجْعَلْهُ وَبَالًا عَلَیَّ بِتَقْصِیرٍ کَانَ مِنِّی وَ ضَعْفاً مِنْ شُکْرِی فَأَکُونَ وَ مَنْ عَصَاکَ وَ خَالَفَ أَمْرَکَ وَ جَحَدَکَ بِمَنْزِلَهٍ سَوَاءٍ فِی غَضَبِکَ.

اللَّهُمَّ وَ أَنَا یَا سَیِّدِی وَ مَوْلَایَ الْمُذْنِبُ عَبْدُکَ الْمُسِیءُ الْمُعْتَرِفُ بِخَطَایَایَ الْمُقِرُّ بِذُنُوبِی أَقْبَلْتُ إِلَیْکَ تَائِباً مِنْ جَمِیعِ مَا ارْتَکَبْتُ وَ أَنَخْتُ بِفِنَائِکَ نَادِماً عَلَی مَا أَذْنَبْتُ وَ أَتَیْتُکَ مُقِرّاً بِجَمِیعِ مَا أَجْنَتْ جَوَارِحِی مُسْتَغْفِراً لَکَ مِنْهَا مُسْتَعْصِماً بِکَ مِنَ الْعَوْدِ فِی مِثْلِهَا رَاجِیاً لِرَحْمَتِکَ سَاکِناً إِلَی حُسْنِ عِبَادَتِکَ مُعَوِّلًا عَلَی جُودِکَ وَ کَرَمِکَ وَاثِقاً لِحُسْنِ الظَّنِّ بِکَ وَ بِرَحْمَتِکَ الَّتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْءٍ لَاجِیاً مُسْتَغِیثاً مُسْتَعِیناً بِکَ عَلَی طَاعَتِکَ مُنْقَطِعاً رَجَایَ إِلَّا مِنْکَ بَرِیئاً إِلَیْکَ مِنَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّهِ وَ الْقُدْرَهِ مُقِرّاً بِأَنَّ مَا بِی مِنْ نِعْمَهٍ فَمِنْکَ خَاضِعاً لَکَ ذَلِیلًا بَیْنَ یَدَیْکَ لَا أَعْرِفُ مِنْ نَفْسِی إِلَّا کُلَّ الَّذِی یَسُوؤُنِی وَ لَا أَعْرِفُ مِنْکَ إِلَّا کُلَّ الَّذِی یَسُرُّنِی لِأَنَّکَ أَحْسَنْتَ إِلَیَّ وَ أَجْمَلْتَ وَ أَنْعَمْتَ فَأَسْبَغْتَ وَ رَزَقْتَ فَوَفَّرْتَ وَ أَعْطَیْتَ فَأَجْزَلْتَ بِلَا اسْتِحْقَاقٍ لِذَلِکَ بِعَمَلٍ مِنِّی وَ لَا لِشَیْءٍ مِمَّا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیَّ بَلْ تَفَضُّلًا مِنْکَ وَ کَرَماً فَأَنْفَقْتُ نِعَمَکَ فِی مَعَاصِیکَ وَ تَقَوَّیْتُ بِرِزْقِکَ عَلَی سَخَطِکَ وَ أَفْنَیْتُ عُمُرِی فِیمَا لَا تُحِبُّ فَلَمْ یَمْنَعْکَ ذَلِکَ مِنِّی أَنْ سَتَرْتَ عَلَیَّ قَبَائِحَ عَمَلِی وَ أَظْهَرْتَ مِنِّی الْحَسَنَ الْجَمِیلَ الَّذِی أَنْتَ أَهْلُهُ لَا مَا أَنَا أَهْلُهُ وَ سَوَّغْتَنِی مَا فِی یَدَیَ

ص: ۴۳۳

مِنْ نِعَمِکَ وَ لَمْ یَمْنَعْنِی ذَلِکَ مِنْ فِعْلِکَ أَنِ ازْدَدْتُ فِی مَعَاصِیکَ تَمَادِیاً وَ لَمْ یَمْنَعْکَ تَمَادِیَّ فِی مَعَاصِیکَ عَنْ إِدَامَهِ سِتْرِکَ وَ مُدَافَعَتِکَ عَنِّی الْبَلَاءَ وَ إِحْسَانِکَ وَ إِجْمَالِکَ وَ إِنْعَامِکَ وَ إِفْضَالِکَ مَرَّهً مِنْ بَعْدِ مَرَّهٍ وَ مِرَاراً لَا تُحْصَی کَثِیرَهً وَ فِی کُلِّ طَرْفِهٍ وَ لَحْظَهٍ وَ نَوْمِهٍ وَ یَقْظَهٍ أَنَا مُتَقَلِّبٌ فِی مَعَاصِیکَ وَ سِتْرُکَ دَائِمٌ عَلَیَّ وَ نِعَمُکَ شَامِلَهٌ لِی سَابِغَهٌ لَدَیَّ فِی جَمِیعِ حَالاتِی فَأَنْتَ یَا سَیِّدِی الْعَوَّادُ بِالنِّعَمِ وَ أَنَا الْعَوَّادُ بِالْمَعَاصِی وَ أَنْتَ یَا سَیِّدِی خَیْرُ الْمَوَالِی وَ أَنَا شَرُّ الْعَبِیدِ أَدْعُوکَ فَتُجِیبُنِی وَ أَسْأَلُکَ فَتُعْطِینِی وَ أَسْتَزِیدُکَ فَتَزِیدُنِی وَ أَسْکُتُ عَنْکَ فَتَبْتَدِئُنِی فَلَسْتُ أَجِدُ شَافِعاً أَوْکَدَ وَ لَا أَعْظَمَ وَ لَا أَکْرَمَ وَ لَا أَجْوَدَ مِنْکَ آمُلُکَ اللَّهُمَّ بِطَلِبَتِی وَ أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ سَیِّدِی بِمَسْأَلَتِی وَ أُحْضِرُکَ یَا مَوْلَایَ رَغْبَتِی وَ أُبِثُّکَ إِلَهِی مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْ شَأْنِی وَ بِکَ رَبِّ اسْتِغَاثَتِی وَ إِلَیْکَ لَهْفِی وَ اسْتِکَانَتِی وَ أَنْتَ ثِقَتِی وَ رَجَائِی وَ بِدُعَائِکَ تَحَرُّمِی وَ بِحُرْمَتِکَ تَوَسُّلِی وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ تَقَرُّبِی مِنْ غَیْرِ ما اسْتِیجَابٍ مِنِّی وَ لَا اسْتِحْقَاقٍ لِإِجَابَتِکَ بِبَسْطِ یَدٍ إِلَی طَاعَتِکَ أَوْ قَبْضِ قَدَمٍ مِنْ مَعْصِیَتِکَ أَوِ اتِّعَاظٍ بِزَجْرِکَ أَوْ إِحْجَامٍ عَنْ نَهْیِکَ إِلَّا لَجَئِی إِلَی تَوْحِیدِکَ وَ تَوَجُّهِی إِلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ وَ تَمَسُّکِی بِهِمْ وَ مَعْرِفَتُکَ بِمَعْرِفَتِی أَنَ لَا رَبَّ لِی سِوَاکَ وَ لَا غَوْثَ إِلَّا عِنْدَکَ وَ رُکُونِی إِلَی أَمْرِکَ فِی کِتَابِکَ وَ رَجَائِی لِمَا سَبَقَ فِیهِ مِنْ لَطِیفِ عِدَتِکَ وَ کَرِیمِ عَفْوِکَ إِذْ تَقُولُ یَا سَیِّدِی لِمُسْرِفِی عِبَادِکَ یا عِبادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ وَ تَقُولُ إِفْهَاماً وَ عِدَهً وَ تَکْرِیراً وَ مَنْ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَ تُعَرِّفُهُمْ جُودَکَ وَ سَعَهَ فَضْلِکَ حِینَ تَقُولُ وَ سْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ وَ تُخْبِرُهُمْ بِکَرَمِکَ وَ فَیْضِ عَطَائِکَ بِقَوْلِکَ وَ ما کانَ عَطاءُ رَبِّکَ مَحْظُوراً وَ تَأْمُرُهُمْ بِدُعَائِکَ وَ تَعِدُهُمْ إِجَابَتَکَ فَتَقُولُ ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ وَ تُخْبِرُهُمْ بِقُرْبِکَ مِنْ دُعَاءِ دَاعِیکَ وَ إِجَابَتِکَ إِیَّاهُ فَقُلْتَ وَ إِذا سَأَلَکَ عِبادِی عَنِّی فَإِنِّی قَرِیبٌ أُجِیبُ دَعْوَهَ الدَّاعِ إِذا دَعانِ فَلْیَسْتَجِیبُوا لِی وَ لْیُؤْمِنُوا بِی لَعَلَّهُمْ یَرْشُدُونَ وَ دَلَلْتَهُمْ عَلَی حُسْنِ مُنَاجَاتِکَ

وَ مَا بِهِ يَدْعُونَكَ فَقُلْتَ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمنَ أَيًّا ما تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنى وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ يَا ذَا الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى وَ الْأَمْثَالِ الْعُلْيَا وَ الْآلَاءِ وَ الْكِبْرِيَاءِ نَاجَيْتُكَ مُسْرِفاً عَلَى نَفْسِي مُفْتَقِراً مُحْتَاجاً إِلَى فَضْلِكَ فَقِيراً إِلَى سَعَتِكَ وَاثِقاً بِمَغْفِرَتِكَ وَ عَفْوِكَ رَاجِياً لِرَحْمَتِكَ وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِكُلِّ دَعْوَةٍ اسْتَجَبْتَ بِهَا لِأَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ وَ أَهْلِ الزُّلْفَةِ عِنْدَكَ وَ بِمَا فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله مِنْ فَاتِحَتِهِ إِلَى خَاتِمَتِهِ فَفِيهِ اسْمُكَ الْأَعْظَمُ وَ كَلِمَاتُكَ التَّامَّةُ وَ مَا يُخَافُ وَ يُرْجَى وَ أَسْأَلُكَ يَا سَيِّدِي بِمَا آلَيْتَ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ وَ دَعَوْتَ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ اسْتِجَابَتِكَ وَ وَعَدْتَ مِنْ قُرْبِكَ وَ نَدَبْتَ إِلَيْهِ مِنْ عَفْوِكَ وَ أَمَرْتَ بِهِ مِنْ دُعَائِكَ وَ قَبِلْتَ مِنْ تَوْبَةِ مَنْ تَابَ إِلَيْكَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِكُلِّ دَعْوَةٍ تَوَسَّلَ بِهَا إِلَيْكَ رَاجٍ بَلَّغْتَهُ أَمَلَهُ وَ صَارِخٍ أَغَثْتَ صَرْخَتَهُ وَ مَلْهُوفٍ رَحِمْتَ لَهْفَتَهُ وَ مَكْرُوبٍ رَوَّحْتَ عَنْ قَلْبِهِ وَ وَجِلٍ مُرْتَاعٍ آمَنْتَ رَوْعَتَهُ وَ مُحْتَاجٍ سَدَدْتَ بِفَضْلِكَ خَلَّتَهُ وَ فَقِيرٍ نَفَيْتَ بِغِنَاكَ وَ سَعَتِكَ فَقْرَهُ وَ مُبْتَلًى أَهْدَيْتَ عَافِيَتَكَ إِلَيْهِ وَ مُعَافًى أَتْمَمْتَ نِعْمَتَكَ عَلَيْهِ وَ مُذْنِبٍ خَاطِئٍ غَفَرْتَ ذَنْبَهُ وَ زَلَّتَهُ وَ أَقَلْتَ عَثْرَتَهُ وَ مَفْتُونٍ عَصَمْتَهُ وَ مَحْبُوسٍ مَأْسُورٍ أَطْلَقْتَ أَسْرَهُ وَ مُرَهَّقٍ مَطْلُوبٍ حَفِظْتَهُ وَ أَجَرْتَهُ وَ وَقَيْتَهُ وَ داعي [دَاعٍ] مُبْتَهِلٍ اسْتَجَبْتَ دَعْوَتَهُ وَ مُسْتَغِيثٍ مَكْرُوبٍ أَعَنْتَهُ وَ فَرَّجْتَ عَنْهُ وَ مُضْطَهَدٍ مَقْهُورٍ نَصَرْتَهُ وَ مُكْتَنَفٍ مَغْلُوبٍ غَلَبْتَ لَهُ وَ مُسْتَهَانٍ ذَلِيلٍ أَعْزَزْتَهُ وَ غَرِيبٍ نَازِحٍ أَدْنَيْتَهُ وَ خَائِفٍ مُتَرَقِّبٍ أَغَثْتَهُ وَ آمَنْتَ رَوْعَتَهُ وَ خَوْفَهُ وَ صَرِيعٍ ضَعِيفٍ رَفَعْتَ صَرْعَتَهُ وَ قَوَّيْتَهُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ وَ تَغْفِرَ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُحْدِثُ النِّقَمَ وَ تَغْفِرَ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الْقِسَمَ وَ تَغْفِرَ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ وَ تَغْفِرَ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَمْنَعُ الْعَطَاءَ وَ تَغْفِرَ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ وَ تَغْفِرَ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْجُبُ الدُّعَاءَ وَ تَغْفِرَ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَ تَغْفِرَ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ وَ تَغْفِرَ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ

الشَّقَاءَ وَ تَغْفِرَ لِی الذُّنُوبَ الَّتِی تُظْلِمُ الْهَوَاءَ وَ تَغْفِرَ لِی الذُّنُوبَ الَّتِی تَکْشِفُ الْغِطَاءَ وَ تَغْفِرَ لِی الذُّنُوبَ الَّتِی تَحْبِسُ قَطْرَ السَّمَاءِ یَا مَلْجَأَ کُلِّ لَاجٍ وَ رَجَاءَ کُلِّ رَاجٍ عَافِنِی مِنْ شَرِّ مَا یَجْرِی بِهِ الْقَدَرُ وَ آمِنْ خَوْفِی وَ قَرِّبْنِی مِنْکَ وَ وَفِّقْنِی لِدُعَائِکَ وَ افْعَلْ مِثْلَ ذَلِکَ بِوَالِدَیَّ وَ أَهْلِی وَ وُلْدِی وَ إِخْوَانِی فِی دِینِی وَ إِخْوَتِی وَ أَخَوَاتِیَ الْمُؤْمِنِینَ وَ أَهْلِ وَلَایَتِی وَ افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِی لِذِکْرِکَ وَ ارْزُقْنِی خَیْرَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ یَا خَیْرَ مَنْ خَلَوْتُ بِهِ فِی وَحْدَتِی وَ یَا خَیْرَ مَنْ نَاجَیْتُهُ فِی سَرِیرَتِی وَ یَا خَیْرَ مَنْ شَخَصْتُ إِلَیْهِ بِبَصَرِی وَ یَا خَیْرَ مَنْ أَشَرْتُ إِلَیْهِ بِکَفِّی وَ یَا خَیْرَ مَنْ مَدَدْتُ إِلَیْهِ یَدِی یَا خَیْراً [لِی] مِنْ أَبِی وَ أُمِّی وَ مِنَ النَّاسِ کُلِّهِمْ أَجْمَعِینَ یَا سَیِّدِی وَ رَجَائِی قَدْ مَدَّ الْخَاطِئُ الْمُذْنِبُ إِلَیْکَ یَدَهُ بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِکَ قَدْ جَلَسَ الْمُسْرِفُ عَلَی نَفْسِهِ بَیْنَ یَدَیْکَ مُقِرّاً لَکَ بِسُوءِ عَمَلِهِ قَدْ رَفَعَ الظَّالِمُ لِنَفْسِهِ الْکَفَّیْنِ إِلَیْکَ وَ قَدْ جَثَا الْعَوَّادُ بِالْمَعَاصِی بَیْنَ یَدَیْکَ خَوْفاً مِنْ یَوْمٍ تَجْثُو الْخَلَائِقُ بَیْنَ یَدَیْکَ فَزِعاً مُشْفِقاً حَذِراً مِنْ أَنْ تُجَازِیَهُ بِعَمَلِهِ أَوْ تَبْعَثَ شَاهِداً عَلَیْهِ مِنْ نَفْسِهِ قَدْ قَلَّبَ الْمُشْفِقُ یَدَیْهِ الْمُبْتَلَی بِجِنَایَتِهِ الْمُسْتَخْفِی مِنْ عِبَادِکَ وَ إِمَائِکَ بِجُرْمِهِ الْمُبَارِزُ لَکَ بِعَظِیمِ ذُنُوبِهِ قَدْ رَفَعَ الْمُجْتَرِحُ السَّیِّئَاتِ رَأْسَهُ قَدْ أَشَارَ إِلَیْکَ الْعَاصِی وَ تَضَرَّعَ بِإِصْبَعِهِ قَدْ مَدَّ إِلَیْکَ طَرْفَهُ وَ فَاضَتْ عَبْرَتُهُ قَدْ نَطَقَ لِسَانُهُ مُسْتَغْفِراً نَادِماً تَائِباً مِمَّا أَحْصَیْتَ عَلَیْهِ یَا سَیِّدِی أَعُوذُ بِکَ وَ بِکَ أَلُوذُ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اغْفِرْ لِی ذُنُوبِی یَا رَبِّ وَ اغْفِرْ لِی مَا نَظَرَتْ إِلَیْهِ عَیْنَایَ وَ مَا مَشَتْ إِلَیْهِ قَدَمِی وَ أَصْغَی إِلَیْهِ سَمْعِی وَ بَاشَرَهُ جِلْدِی اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَغْفِرُکَ مِمَّا أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَکَ فَخَالَطَهُ مَا لَیْسَ لَکَ وَ أَسْتَغْفِرُکَ مِمَّا نَهَیْتَنِی عَنْهُ فَأَتَیْتُهُ اتِّبَاعَ مَرْضَاةِ عَبْدٍ مِنْ عَبِیدِکَ أَوْ أَمَةٍ مِنْ إِمَائِکَ وَ تَعَرَّضْتُ فِیهِ لِسَخَطِکَ وَ أَسْتَغْفِرُکَ مِمَّا أَعْطَیْتُکَ مِنْ نَفْسِی ثُمَّ لَمْ أَفِ بِهِ لَکَ وَ أَسْتَغْفِرُکَ مِمَّا اطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنِّی مِنَ الْقَبِیحِ الَّذِی بَارَزْتُکَ بِهِ وَ خَفِیَ عَلَی خَلْقِکَ وَ أَسْتَغْفِرُکَ اللَّهُمَّ مِمَّا اطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنِّی مِنْ سُوءِ السَّرِیرَةِ وَ خُبْثِ الطَّوِیَّةِ فِی التَّقْصِیرِ فِی

عِبَادَتِکَ وَ تَسْبِیحِکَ وَ تَقْدِیسِکَ وَ أَسْتَغْفِرُکَ اللَّهُمَّ مِنْ مَظَالِمَ کَثِیرَهٍ بَیْنِی وَ بَیْنَ عِبَادِکَ.

اللَّهُمَّ فَأَیُّمَا عَبْدٍ مِنْ عَبِیدِکَ أَوْ أَمَهٍ مِنْ إِمَائِکَ کَانَتْ لَهُ عِنْدِی وَ قِبَلِی مَظْلِمَهٌ أَوْ تَبِعَهٌ ظَلَمْتُهُ بِهَا بِعَمْدٍ مِنِّی أَوْ خَطَاءٍ أَخْطَأْتُهُ حَتَّی وَصَلَ ذَلِکَ إِلَیْهِ فِی مَالِهِ أَوْ بَدَنِهِ أَوْ عِرْضِهِ لَمْ أَخْرُجْ إِلَیْهِ مِنْ مَظْلِمَتِهِ وَ لَا مِنْ تَبِعَتِهِ مَاتَ أَوْ غَابَ أَوْ حَضَرَ وَ تَرَکْتُ تَحْلِیلَ ذَلِکَ مِنْهُ وَ لَمْ أُرْضِهِ مِنْ حَقِّهِ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَرْضِهِ عَنِّی مِمَّا عِنْدَکَ فَإِنَّ عِنْدَکَ یَا سَیِّدِی مَا تُرْضِیَهُ وَ لَیْسَ عِنْدِی مَا أُرْضِیهِ بِهِ فَهَبْ لِی یَا سَیِّدِی حَقَّکَ وَ أَرْضِ عَنِّی خَلْقَکَ رَبِّ أَسْرَفْتُ عَلَی نَفْسِی وَ فَرَّطْتُ فِی جَنْبِکَ وَ خَلَتْ أَیَّامِی بِتَقْصِیرِی فِی حَقِّکَ وَ لَیْسَ عِنْدِی مَا أَدْرَأُ بِهِ عَنْ نَفْسِی حُجَّتَکَ وَ لَا عِنْدِی مَا أَتَلَافَی بِهِ مَا فَرَطَ مِنِّی إِلَّا الرَّجَاءُ لِعَفْوِکَ الَّذِی أَکَّدْتَهُ فِی کِتَابِکَ حَیْثُ تَقُولُ یا عِبادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ لِی فِیمَا بَقِیَ مِنْ عُمُرِی سَیِّداً مِنْ عَمَلِی أَنَالُ بِهِ رِضَاکَ وَ أَسْتَحِقُّ بِهِ صَفْحَکَ یَا أَهْلَ التَّقْوَی وَ أَهْلَ الْمَغْفِرَهِ وَ یَا أَهْلَ الْعَفْوِ وَ الصَّفْحِ إِنَّ الَّذِینَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنی أُولئِکَ عَنْها مُبْعَدُونَ تَطَوُّلًا مِنْکَ عَلَیْهِمْ لَا بِعَمَلِهِمْ وَفَّقْتَهُمْ لِطَاعَتِکَ وَ جَنَّبْتَهُمْ مَعْصِیَتَکَ وَ سَهَّلْتَ لَهُمْ سَبِیلَ مَا یُزْلِفُهُمْ عِنْدَکَ فَإِنْ أَکُنْ لَسْتُ مِنْهُمْ فَأَدْخِلْنِی بِتَطَوُّلِکَ فِیهِمْ فَإِنَّکَ وَاجِدٌ مَنْ تُشْقِیهِ وَ لَا أَجِدُ مَنْ یُسْعِدُنِی یَا أَهْلَ التَّقْوَی وَ یَا أَهْلَ الْمَغْفِرَهِ وَ یَا أَهْلَ الْعَفْوِ وَ الصَّفْحِ لَمْ أَعْصِکَ اسْتِخْفَافاً بِنَهْیِکَ وَ لَکِنْ ثِقَتِی بِعَفْوِکَ وَ لَمْ أُطِعْکَ إِلَّا خَوْفاً مِنْکَ وَ لَمْ یَذْهَبْ بِی عَنْکَ إِلَّا رَجَاءُ نَیْلِکَ وَ لَوْ کُنْتَ تُعَجِّلُ وَ لَا تُمْهِلُ إِذاً مَا نَدَّ عَنْکَ نَادٌّ وَ لَا کَثُرَ نَزْعُ ذِی عِنَادٍ یَا نِعْمَ الْمَوْلَی وَ الْمَوْئِلُ وَ الْمَلْجَأُ وَ الْمَعْقِلُ لَا وَزَرَ مِنْکَ إِلَّا بِطَاعَتِکَ وَ لَا سَبِیلَ إِلَیْکَ إِلَّا بِتَرْکِ مَعْصِیَتِکَ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَلْهِمْنِی طَاعَتَکَ وَ اعْصِمْنِی عَنْ مَعْصِیَتِکَ فَإِنَّکَ إِنْ تَخْذُلْنِی أُحْفَ عَنِ الرُّشْدِ وَ إِنْ تُرْشِدْنِی لَمْ یُحْفِنِی أَحَدٌ.

یَا نِعْمَ الْمَوْلَی وَ مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنی لَیْسَ وَرَاکَ مَذْهَبٌ وَ لَا عَنْکَ مُرَغَّبٌ

أَعْطِنِی مَا سَأَلْتُ وَ مَا لَمْ أَسْأَلْکَ وَ لَا یَمْنَعُنِی مَا أَبْتَهِلُ إِلَیْکَ فِیهِ وَ أَوْلِنِی مَا لَا أَعْقِلُهُ وَ لَا یَحْجُبُ عَنِّی مَا أَسَرُّهُ فِیهِ إِلَیْکَ تَقَادَمَتْ سِنِّی وَ وَهَنَ عَظْمِی وَ ذَلَّ مِنِّی مَا کَانَ مُسْتَحْصَداً وَ عَدِمْتُ مَا کَانَ عِنْدِی مَوْجُوداً مِنْ یَنَاعَهِ الْقَنَاهِ وَ شَرْخِ الْحَدَاثَهِ وَ حُسْنِهَا فَبَوِّئْنِی رُشْدَکَ بَعْدَ غَوَایَتِی وَ جَنِّبْنِی مَعْصِیَتَکَ فِیمَا بَقِیَ مِنْ عُمُرِی وَ ارْضَ مِنْ عَمَلِی بِیَسِیرِهِ وَ مِنِ اجْتِهَادِی بِقَلِیلِهِ وَ کَثِّرِ الَّذِی لَوْ لَا کَرَمُکَ لَقَلَّ وَ تَغَمَّدِ الَّذِی لَوْ لَا عَفْوُکَ لَحَلَّ وَ تَرَقَّ بِالَّتِی مَنْ تَرَقَّاهَا سَعِدَ فَإِنِّی أَعْشَی عَنْهَا إِنْ لَمْ تَکُنْ دَلِیلِی إِلَیْهَا وَ مُخْبِرِی عَلَیْهَا وَ أَوْزِعْنِی الْخَلْوَهَ وَ اشْغَلْنِی بِالْعِبَادَهِ وَ اسْتَقْبِلْ بِی مَا اسْتَدْبَرْتُ مِنْ أَیَّامِ مُهْلَتِی فَإِنْ کَانَ الْبَاقِی مِنْ عُمُرِی قَلِیلًا فَإِنَّ الْیَوْمَ مِنْ أَیَّامِ طَاعَتِکَ یُنْتَفَعُ بِهِ لِلْحَوْلِ مِنْ أَحْوَالِ مَعْصِیَتِکَ وَ کَفِّرْ حَوْبِی بِمَا أَسْتَعْجِمُ عَنْ مَسْأَلَتِکَ إِیَّاهُ وَ أُغْنَی عَنْ مَعْرِفَتِهِ وَ هُوَ لَا یَکُونُ مِنْکَ إِلَّا تَطَوُّلًا وَ أَنْتَ لَا تُکَدِّرُهُ إِذَا تَطَوَّلْتَ بِهِ یَا نِعْمَ مَنْ فُزِعَ إِلَیْهِ وَ تُوُکِّلَ عَلَیْهِ أَعُوذُ بِکَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّیَاطِینِ وَ لَمَزَاتِهِمُ الَّتِی تَضِلُّ بَعْدَ الْهُدَی وَ تَبَدَّلُ بَعْدَ النُّهَی وَ تَحْجُبُ عَنْ سَبِیلِ الرُّشْدِ وَ التَّقْوَی آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ اللَّهُمَّ إِنَّکَ اسْتَغْنَیْتَ عَنِّی وَ افْتَقَرْتُ إِلَیْکَ فَأَنَا الْبَائِسُ الْفَقِیرُ الْمِسْکِینُ الْمُسْتَکِینُ إِلَیْکَ الْمُحْتَاجُ إِلَی رَحْمَتِکَ وَ أَنْتَ الْغَنِیُّ عَنِّی وَ عَنْ عَذَابِی وَ عِقَابِی وَ قَدْ تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِکَ وَ رِضَاکَ وَ طَمِعْتُ فِیمَا عِنْدَکَ وَ أَحْسَنْتُ یَا إِلَهِی وَ مَوْلَایَ الظَّنَّ بِکَ فَلَا تُخَیِّبْ یَا سَیِّدِی طَمَعِی وَ لَا تُحَقِّقْ حَذَرِی فَقَدْ لُذْتُ بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ وَ مَغْفِرَتِکَ فَلَا تَرُدَّنِی خَائِباً خَاسِراً وَ اسْتَجِبْ دُعَائِی وَ أَعْطِنِی مُنَایَ وَ اجْعَلْ جَمِیعَ أَهْوَایَ لِی سَخَطاً إِلَّا مَا رَضِیتَ وَ جَمِیعَ طَاعَتِکَ لِی رِضًی وَ إِنْ خَالَفَ مَا هَوِیتُ عَلَی مَا أَحْبَبْتَ وَ کَرِهْتَ حَتَّی أَکُونَ لَکَ فِی جَمِیعِ مَا أَمَرْتَنِی بِهِ تَابِعاً وَ لَکَ سَامِعاً مُطِیعاً وَ عَنْ کُلِّ مَا نَهَیْتَنِی عَنْهُ مُنْتَهِیاً وَ بِکُلِّ مَا قَضَیْتَ عَلَیَّ رَاضِیاً وَ عَلَی کُلِّ نِعْمَهٍ لَکَ شَاکِراً وَ لَکَ فِی جَمِیعِ حَالاتِی ذَاکِراً وَ احْفَظْنِی یَا سَیِّدِی مِنْ حَیْثُ أَحْتَفِظُ وَ مِنْ حَیْثُ لَا أَحْتَفِظُ وَ احْرُسْنِی مِنْ

حَيْثُ أَحْتَرِسُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَرِسُ وَ ارْزُقْنِی مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ وَ ارْزُقْنِی مِنْ حَيْثُ أَرْجُو وَ مِنْ حَيْثُ لَا أَرْجُو وَ اسْتُرْنِی وَ وُلْدِی وَ وَالِدَیَّ وَ إِخْوَانِی مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِی دُنْيَایَ وَ آخِرَتِی بِالْغِنَی وَ الْعَافِيَهِ وَ الشُّکْرِ عَلَيْهَا حَتَّی تَرْضَی وَ بَعْدَ الرِّضَی وَ لَا تَجْعَلْ بِی فَاقَهً إِلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ فَإِنَّکَ يَا سَيِّدِی ثِقَتِی وَ رَجَائِی وَ مُعْتَمَدِی وَ مَوْلَایَ وَ هَذَا مَقَامُ مَنِ اعْتَرَفَ لَکَ بِالتَّقْصِيرِ فِی أَدَاءِ حَقِّکَ وَ شَهِدَ لَکَ عَلَی نَفْسِهِ بِسُبُوغِ نِعْمَتِکَ فَهَبْ لِی يَا سَيِّدِی مِنْ فَضْلِکَ مَا أَتَّکِلُ بِهِ عَلَی رَحْمَتِکَ وَ أَتَّخِذُهُ سُلَّماً أَعْرُجُ فِيهِ إِلَی مَرْضَاتِکَ وَ آمَنُ بِهِ مِنْ عِقَابِکَ إِنَّکَ تَحْکُمُ مَا تَشَاءُ وَ تَفْعَلُ مَا تُرِيدُ اللَّهُمَّ إِنِّی مُسْتَبْطِئٌ لِنَفْسِی مُسْتَقِلٌّ لِعَمَلِی مُعْتَرِفٌ بِذَنْبِی مُقِرٌّ بِخَطَائِی أَهْلَکَنِی عَمَلِی وَ أَرْدَانِی هَوَایَ وَ حَرَمَتْنِی شَهَوَاتِی فَأَسْأَلُکَ يَا سَيِّدِی سُؤَالَ مَنْ آمَنَ بِکَ وَ وَحَّدَکَ وَ أَيْقَنَ بِقُدْرَتِکَ وَ صَدَّقَ رُسُلَکَ وَ خَافَ عَذَابَکَ وَ طَمِعَ فِی رَحْمَتِکَ سُؤَالَ مَنْ نَفْسُهُ لَاهِيَهٌ لِطُولِ أَمَلِهِ وَ بَدَنُهُ غَافِلٌ بِسُکُونِ عُرُوقِهِ وَ ذِکْرُهُ قَلِيلٌ لِمَا هُوَ صَائِرٌ إِلَيْهِ سُؤَالَ مَنْ قَدْ غَلَبَ عَلَيْهِ الْأَمَلُ وَ فَتَنَهُ الْهَوَی وَ اسْتَمْکَنَتْ مِنْهُ الدُّنْيَا وَ أَظَلَّهُ الْأَجَلُ سُؤَالَ مَنِ اسْتَکْثَرَ ذُنُوبَهُ وَ اعْتَرَفَ بِخَطِيئَتِهِ سُؤَالَ مَنْ لَا رَبَّ لَهُ غَيْرُکَ وَ لَا وَلِیَّ لَهُ دُونَکَ وَ لَا مُنْقِذَ لَهُ مِنْکَ وَ لَا مَلْجَأَ لَهُ مِنْکَ إِلَّا إِلَيْکَ وَ لَا مَوْلَی لَهُ سِوَاکَ أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ أَنْ تَأْخُذَ بِقَلْبِی وَ نَاصِيَتِی وَ مَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّی إِلَی مَحَبَّتِکَ وَ لَا تَجْعَلْ لِشَیْ ءٍ مِنْ ذَلِکَ مَذْهَباً عَنْکَ وَ لَا مُنْتَهًی دُونَکَ وَ أَسْأَلُکَ يَا رَبِّ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی آلِهِ وَ أَنْ تَرْزُقَنِی هَيْبَهً لَکَ وَ خَشْيَهً مِنْکَ تَشْغَلُنِی بِهِمَا عَنْ کُلِّ شَیْ ءٍ غَيْرِکَ خَشْيَهً أَنَالُ بِهَا جَنَّتَکَ وَ کَرَامَتَکَ وَ جُودَکَ خَشْيَهً تُجْهِدُ بِهَا نَفْسِی وَ تَشْغَلُ بِهَا قَلْبِی وَ تُبْلِی جِسْمِی وَ تَصَفِّرُ بِهَا لَوْنِی وَ تُطِيلُ بِهَا فِی رِضَاکَ لَيْلِی وَ تُقِرُّ بِهَا بَعْدُ عَيْنِی اللَّهُمَّ أَغْنِنِی عَنْ کُلِّ شَیْ ءٍ بِعِبَادَتِکَ وَ سَلِّ نَفْسِی عَنْ کُلِّ شَیْ ءٍ مِنَ الدُّنْيَا بِمَخَافَتِکَ وَ آتِنِی الْخَيْرَ مِنْ کَرَامَتِکَ بِرَحْمَتِکَ فَإِلَيْکَ أَفِرُّ وَ مِنْکَ إِلَيْکَ أَهْرُبُ

وَ بِكَ أَسْتَغِيثُ وَ بِكَ أُومِنُ وَ عَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ وَ عَلَى رَحْمَتِكَ وَ جُودِكَ أَتَّكِلُ وَ أَنْتَظِرُ يَا سَيِّدِي عَفْوَكَ كَمَا يَنْتَظِرُ الْمُذْنِبُونَ وَ لَسْتُ بِآيِسٍ مِنْ رَحْمَتِكَ الَّتِي يَتَوَقَّعُهَا الْمُحْسِنُونَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ رَجَائِي وَ مُنْتَهَى رَغْبَتِي وَ مُعْتَمَدِي دَعَوْتُكَ بِالدُّعَاءِ الَّذِي عَلَّمْتَنِيهِ فَلَا تَحْرِمْنِي مِنْ جَزَائِكَ الَّذِي عَرَّفْتَنِيهِ فَمِنَ النِّعْمَهِ يَا سَيِّدِي أَنْ هَدَيْتَنِي لِحُسْنِ دُعَائِكَ وَ مِنْ تَمَامِهَا يَا مَوْلَايَ أَنْ تُوجِبَ لِي مَحْمُودَ جَزَائِكَ يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَ أَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ بِذِمَّهِ الْإِسْلَامِ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ وَ بِقَدْرِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ عَلَيْكَ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فَاعْرِفْ لِي يَا سَيِّدِي ذِمَّتِيَ الَّتِي رَجَوْتُ بِهَا قَضَاءَ حَاجَتِي إِلَهِي أَدْعُوكَ دُعَاءَ مُلِحٍّ لَا يَمَلُّ دُعَاءَ مَوْلَاهُ وَ أَضْرَعُ إِلَيْكَ ضَرَاعَهَ مَنْ أَقَرَّ عَلَى نَفْسِهِ بِالْحُجَّهِ فِي دَعْوَاهُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ هَبْ لِي ذَنْبِي بِالاعْتِرَافِ وَ لَا تُسَوِّدْ وَجْهَ طَلِبَتِي عِنْدَ الِانْصِرَافِ إِلَهِي سَعَتْ نَفْسِي إِلَيْكَ لِنَفْسِي تَسْتَوْهِبُهَا وَ انْفَتَحَتْ أَفْوَاهُ آمَالِهَا نَحْوَ نَظْرَهٍ مِنْكَ لَا تَسْتَوْجِبُهَا فَهَبْ لَهَا يَا سَيِّدِي مَا سَأَلَتْ فَإِنَّ أَمَلَهَا مِنْكَ الْبَذْلُ لِمَا طَلَبَتْ إِلَهِي إِنْ كُنْتَ لَا تَرْحَمُ إِلَّا أَهْلَ طَاعَتِكَ فَإِلَى مَنْ يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ وَ إِنْ كُنْتَ لَا تُكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ وَفَائِكَ فَبِمَنْ يَسْتَغِيثُ الْمُسِيئُونَ إِلَهِي قَدْ أَصَبْتُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا تَعْرِفُهُ يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ فَوَفِّقْنِي لِطَاعَتِكَ وَ نَجِّنِي مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَ اجْعَلْنِي إِمَّا عَبْداً مُطِيعاً فَأَكْرَمْتَنِي وَ إِمَّا عَاصِياً فَرَحِمْتَنِي اللَّهُمَّ إِنْ عَرَّضْتَنِي لِعِقَابِكَ فَقَدْ أَدْنَانِي رَجَائِي لِحُسْنِ ثَوَابِكَ فَإِنْ عَفَوْتَ يَا سَيِّدِي فَبِفَضْلِكَ وَ إِنْ عَذَّبْتَ فَبِعَدْلِكَ يَا مَنْ لَا يُرْجَى إِلَّا فَضْلُهُ وَ لَا يُخَافُ إِلَّا عَدْلُهُ امْنُنْ عَلَيْنَا بِفَضْلِكَ وَ لَا تَسْتَقْصِ عَلَيْنَا فِي عَدْلِكَ إِلَهِي أَثْنَيْتُ عَلَيْكَ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِمَّا بِمَعُونَتِكَ نِلْتُ الثَّنَاءَ بِهِ عَلَيْكَ وَ أَقْرَرْتُ عَلَى نَفْسِي بِمَا أَنَا أَهْلُهُ وَ الْمُسْتَوْجِبُ لَهُ فِي قَدْرِ فَسَادِ نِيَّتِي وَ ضَعْفِ يَقِينِي إِلَهِي نِعْمَ الْإِلَهُ أَنْتَ وَ بِئْسَ الْمَأْلُوهُ

أَنَا وَ نِعْمَ الرَّبُّ أَنْتَ وَ بِئْسَ الْمَرْبُوبُ أَنَا وَ نِعْمَ الْمَوْلَى أَنْتَ وَ بِئْسَ الْمَمْلُوكُ أَنَا قَدْ أَذْنَبْتُ فَعَفَوْتَ عَنْ ذُنُوبِي وَ اجْتَرَمْتُ فَصَفَحْتَ عَنْ جُرْمِي وَ أَخْطَأْتُ فَلَمْ تُؤَاخِذْنِي وَ تَعَمَّدْتُ فَتَجَاوَزْتَ عَنِّي وَ عَثَرْتُ فَأَقَلْتَنِي وَ أَسَأْتُ فَتَأَنَّيْتَنِي فَأَنَا الظَّالِمُ الْخَاطِئُ الْمُسِيءُ الْمُعْتَرِفُ بِذَنْبِي الْمُقِرُّ بِخَطِيئَتِي يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ أَسْتَغْفِرُكَ الْيَوْمَ لِذَنْبِي وَ أَسْتَقِيلُكَ عَثْرَتِي لِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنَ الزَّهْوِ وَ الِاسْتِطَالَهِ فَرَضِيتُ بِمَا إِلَيْهِ صَيَّرْتَنِي وَ إِنْ كَانَ الضُّرُّ قَدْ مَسَّنِي وَ الْفَقْرُ قَدْ أَذَلَّنِي وَ الْبَلَاءُ قَدْ جَاءَنِي وَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ سَخَطٍ مِنْكَ عَلَيَّ فَأَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ يَا سَيِّدِي وَ إِنْ كُنْتَ أَرَدْتَ أَنْ تَبْلُوَنِي فَقَدْ عَرَفْتَ ضَعْفِي وَ قِلَّهَ حِيلَتِي إِذْ قُلْتَ إِنَّ الْإِنْسانَ خُلِقَ هَلُوعاً إِذا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً وَ إِذا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً وَ قُلْتَ فَأَمَّا الْإِنْسانُ إِذا مَا ابْتَلاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ وَ أَمَّا إِذا مَا ابْتَلاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهانَنِ وَ قُلْتَ إِنَّ الْإِنْسانَ لَيَطْغى أَنْ رَآهُ اسْتَغْنى وَ قُلْتَ وَ إِذا مَسَّ الْإِنْسانَ الضُّرُّ دَعانا لِجَنْبِهِ أَوْ قاعِداً أَوْ قائِماً فَلَمَّا كَشَفْنا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَمْ يَدْعُنا إِلى ضُرٍّ مَسَّهُ وَ قُلْتَ وَ إِذا مَسَّ الْإِنْسانَ ضُرٌّ دَعا رَبَّهُ مُنِيباً إِلَيْهِ ثُمَّ إِذا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ ما كانَ يَدْعُوا إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَ قُلْتَ وَ يَدْعُ الْإِنْسانُ بِالشَّرِّ دُعاءَهُ بِالْخَيْرِ وَ كانَ الْإِنْسانُ عَجُولًا صَدَقْتَ وَ بَرَرْتَ يَا سَيِّدِي فَهَذِهِ صِفَاتِيَ الَّتِي أَعْرِفُهَا مِنْ نَفْسِي فَقَدْ مَضَى تَقْدِيرُكَ فِيَّ يَا مَوْلَايَ وَ وَعَدْتَنِي مِنْ نَفْسِكَ وَعْداً حَسَناً أَنْ أَدْعُوَكَ فَتَسْتَجِيبَ لِي وَ أَنَا أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي وَ ارْدُدْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَ انْقُلْنِي مِمَّا أَنَا فِيهِ إِلَى مَا هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ حَتَّى أَبْلُغَ فِيمَا أَنَا فِيهِ رِضَاكَ وَ أَنَالَ بِهِ مَا عِنْدَكَ مِمَّا أَعْدَدْتَهُ لِأَوْلِيَائِكَ إِنَّكَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.

**[ترجمه]از نسخه ای کهن از تالیفات یاران گذشته: دعای اخلاص:

به مدد خدا شروع می کنم و با استعانت از خدا کامیاب می گردم. به خدا چنگ می زنم و به خدا اعتماد می کنم و بر او توکل می کنم و او را بندگی می نمایم، تنها از او یاری می جویم و به او پناه می برم با محمد و خاندان او صلی الله علیهم روی می کنم و به واسطه آنان توسل می نمایم و به آنان نزدیکی می جویم، خداوند مرا کافی است، خدایی جز او نیست بر او توکل کردم و اوست پروردگار عرش با عظمت .

به نام خدا ، دانای نهان و آشکار، به نام کسی که در یگانگی اش شکی نیست، به نام کسی که بالاتر از او نیست و تمامی گرایش ها به سمت اوست، به نام آن معلوم غیر مجهول، آشنای بدون توصیف، به نام کسی که رزق اطاعت کنندگان گناهکاران را بر عهده دارد، به نام آن کس که می میراند و زنده می کند، به نام کسی که دنیا و آخرت از آن اوست، به نام آن بلند مرتبه والا و شکوهمند بزرگ، به نام آن ستوده مورد پرستش که زیبنده آن دو هست در سختی و راحتی، به نام آن یاد شده در دشواری و آسانی، به نام چیره جبار، به نام مهربان بخشنده، به نام آن شکست ناپذیر بدون آنکه ضعیف گردد و دیرینه بدون طلب یاری از دیگران، به نام آن که بود و هست به نام آن که نابود می کند و فنا نمی شود.

به نام خدایی که خدایی جز او نیست، زنده و پایدار است خدایی جز خدای یکتا نیست،خدای یگانه و ما تسلیم اوییم خدایی جز خدای یگانه نیست و تنها او را می پرستیم و دین را برای او خالص می گردانیم هرچند مشرکان ناپسند دارند، خدایی جز خدای یگانه نیست، پروردگار ما و پروردگار نخستین ماست. خدایی جز خدای یگانه نیست، یکتاست یکتاست یکتاست، وعده خود را تحقق بخشید و بنده اش را یاری کرد و گروه ها را به تنهایی شکست داد، فرمانروایی از آن اوست و او بر هر چیزی تواناست.

خدایی جز خدای یگانه نیست پروردگار جهانیان است. خدایی جز خدای والا و بزرگ نیست خدایی جز خدای شکست ناپذیر حکیم نیست. خدایی جز خدای آمرزنده مهربان نیست. خدایی جز خدای مالك روز قیامت نیست. خدایی جز خدای ازلی و ابدی وجو ندارد. خدایی جز خدای آفریننده خیر و شر وجود ندارد. خدایی جز خدای آفرینشگر بهشت و جهنم نیست. خدایی جز خدای یکتای بی نیاز تنها نیست کسی که نزایید و زاییده نشده و هیچ همتایی ندارد.

خدایی جز خدای دانای نهان و آشکار بخشنده مهربان وجود ندارد، خدایی جز خدای فرمانروای پاک سلامتی بخش مؤمن چیره شکست ناپذیر جبار و بزرگ منش وجود ندارد، خداوند از آن چه شرک می ورزند پاک است، خدایی جز خدای آفرینشگر صورت ده وجود ندارد دارای نام های نیکوست و آن چه در آسمان ها و زمین است او را تسبیح می گویند و اوست شکست ناپذیر حکیم.

خـدایی جز خـدای یگانه وجود ندارد و بزرگمنشـی پوشـش اوست، خدایی جز خدای بردبار کریم وجود ندارد، خدایی جز خدای والا بزرگ نیست، خـدایی جز خـدای فرمانروای حق و آشـکار نیست، خـدایی جز خدایی که نور آسـمان ها و زمین است وجود ندارد، خدایی جز خدای یگانه یکتا نیست، خـدایی جز خـدای تنهای فرد وجود نـدارد، خـدایی جز خدای یگانه در بی نیازی نیست، خدایی جز خدای یکتا در یگانگی وجود ندارد.

خـدایی جز خـدای اول نیست که ابتـدایی نـدارد، خـدایی جز خـدای آخر نیست که انتهایی نـدارد، خـدایی جز خدای دیرینه نیست که نهایتی نـدارد، خـدایی جز خـدای یگانه نیست مخالفی نـدارد، شبیهی برای او نیست وماننـدی ندارد خدایی جز خدای یگانه نیست و همتایی ندارد و مشابه و شـریکی برای او نیست خـدایی جز خـدای یگانه نیست چیزی مثل او وجود ندارد و اوست شـنوای بینا. خدایی جز خدای یگانه نیسـت همان گونه که چیزی تهلیل می کند و همان طور که خداوند دوست دارد تهلیل شود و همان گونه که شایسـته روی اوست و شـکوه او بزرگ شد.

خدایی جز خدای یکتا نیست و شریکی ندارد فرمانروایی از آن اوست و سپاس او راست زنده می کند و می میراند و او زنده ای است که نمی میرد خیر به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.

پاک است کسـی که هر چیزی در گذشـته و آینـده از آن اوست، پاک است آن که نعمت هایش به شـمار نمی آید، پاک است کسـی که در نعمتش غوطه ورم و به گذشته اش اطمینان دارم، به حکمتش آرام میگیرم، پاک است او که عادت و بلایش زیباست و زیبنده سپاس و ستایش است، پاک است او که آرزوها به سوی اوست و ترس و بیم از اوست پاک است آن بالا برنده فروآورنده، پاک است او که عطا می کند و باز می دارد.

پـاک است آن که صـفات او را در نمی یابنـد و زمـان ها او را درک نمی کننـد، پاک است صاحب فرمانروای ظاهر و باطن، پاک است او که صـاحب عزت و عظمت و جبروت است، پـاک است آن فرمـانروای زنـده که نمی میرد، پـاک است آن بلنـد مرتبه والاـ پاک است که او بلند مرتبه گشت، پاک است آن یگانه ای که خدایی جز او نیست، پاک است آن دیرینه ای که آغازی ندارد، پاک است آن دانای بدون آموزش، پـاک است آن که علمش بر همه چیز احـاطه دارد، پـاک است آن یگانه یکتا، پاک است آن برانگیزاننـده وارث، پاک است آن حق آشـکار، پاک است او که اسـتخوان ها را زنده می کند در حالی که پوسـیده اند، پاک است صاحب شکوه و بزرگی، پاک است صاحب فضل و نعمت های فراوان.

پـاک است آن که سـپاس او به کردارهـا میسر نگردد و زبـان هـا از وصف منزلت او عاجزنـد و عمق وصف او را در نیابنـد و دل هـا به تمامی اوصـافش راه نیابنـد، پـاک است آن فرمـانروای عزتمنـد والاـ و پادشـاه بزرگ و شـرف کامـل و عطای فراوان و فضل بسیار، پاک است او که نیکوکار و نیکوکردار است، پاک است آن نعمت دهنده فزاینده پاک است صاحب شکوه و بزرگی.

پاک است خدا در لحظات روز و شب، پاک است خدا در صبحگاه و شامگاه، پاک است خدا آن هنگام که شب می کنید و صبح می کنید و سپاس او راست در آسـمان ها و زمین و به هنگام شب و آن هنگام که ظهر می کنیـد زنـده را از مرده و مرده را از زنده خارج می کند و زمین را بعـد از مرگش زنـده می کنـد و اینچنین خـارج می شویـد، پـاک است پروردگار تو پروردگار عزت از آن چه وصف می کننـد و سـلام بر رسولان و سپاس خدایی راست که پروردگار جهانیان است.

پـاک است خـدا همان طور که تسبیح او را شایسـته است و همان گونه که سزاوار آن است و شایسـتگی آن را دارد بر آن چه دوست دارد و پسـندید و به تمامی آن چه آزمود و بخشـید، پاک است خدایی که اوج گرفت پس نزدیک شد وشـنید ودید و دانست و به شـماره در آورد و مقـدر کرد و حکم نمود و آن چه را خواست انجـام داد و بی نیـاز کرد و عطا نمود و میرانـد و زنـده نمود و اوست در تماشاگه برتر پروردگار

آخرت و دنیا .

پاک است او که همتا و شبیه و مخالف و فرزند و نظیر و همدم و مشابه و مانند و شریکی ندارد و خدایی جز او نیست و از آن چه ظالمان می گویند بسیار برتری یافت و عظیم گشت.

خدا بزرگ است، خدا بزرگ است، خدایی جز اونیست و خدا بزرگ است، شایسته جبروت و عزت است، خدا بزرگ است سرپرست باران و رحمت است، خدا بزرگ است فرمانروای دنیا و آخرت است، خدا بزرگ است فرمانروایی او بر باطن محکم است، خدا بزرگ است و غلبه اش بسیار است، خدا بزرگ است و قدرتش شکست ناپذیر است، به آن چه می خواهد آگاه است، خدا بزرگ است و کارها را تدبیر می کند خدا بزرگ است و استخوان ها را زنده می کند در حالی که پوسیده اند، خدا بزرگ است نهان ها را هویدا می سازد، خدا بزرگ است پنهان ها را برملا می سازد.

خدا بزرگ است اول هرچیز و آخر آن، خدا بزرگ است آفریننده هرچیز و نهایت آن، خدا بزرگ است درک کننده هرچیز که بازگشتش به سوی اوست، خدا بزرگ است آفریننده هرچیز و سرپرست آن، خدا بزرگ است در برابر هرچیز و در پشت هر چیز، خدا بزرگ است آغازگر هرچیز و وارث آن، خدا بزرگ است ابتدای هرچیز و بازگرداننده آن، خدا بزرگ است روزی رسان هرچیز و فریاد رس آن، خدا بزرگ است پروردگار هرچیز و شمارنده آن، خدا بزرگ است پروردگار هرچیز و نجات بخش آن، خدا بزرگ است چیزی قبل از او نبود، خدا بزرگ است، همه چیز به دست اوست، خدا بزرگ است همه چیز از بین می رود، غیر از روی او خدا، بزرگ است آن چه را که دیگری بخواهد انجام نمی دهد.

خدا بزرگ است همدم و فرزندی برنگرفت و شریکی در فرمانروایی ندارد و نه سرپرستی،شریکی ندارد و او را به بزرگی یاد کن، خدا بزرگ است نزاییده و زاییده نشد و همتایی ندارد، خدا بزرگ است، بزرگ با عظمت مقدس بزرگمنش، خدا بزرگ است و در این که او را به بزرگی یاد می کنم شریکی ندارد و من خالصانه می گویم، رویم را به سمت کسی چرخاندم که آفریننده آسمان ها و زمین است یکتا پرستم و از مشرکان نیستم، خدا بزرگ است، هیچ مانند و مخالف و مشابه و شریکی ندارد صاحب شکوه و بزرگی است هیچ نیرو وقدرتی جز خداوند والا و با عظمت وجود ندارد.

هیچ نیرو و قدرتی جز به خدایی که توان هر ناتوانی است وجود ندارد، هیچ نیرو و قدرتی جز خدا که عزت هر ذلیلی است وجود ندارد، هیچ نیرو و قدرتی جز خدا که ثروت هر نیازمندی است وجود ندارد، هیچ نیرو و قدرتی جز به خدا که گشایش هر گرفتاری است وجود ندارد، هیچ نیرو و قدرتی جز به خدا که سرپرست هر نعمتی و همراه هر نیکی است وجود ندارد، هیچ نیرو و قدرتی جز به خدا که گشاینده هر گرفتاری است وجود ندارد، هیچ نیرو وقدرتی جز خدا که بر هر نهانی آگاه است وجود ندارد، هیچ نیرو وقدرتی جز خدا که به هر رازی احاطه دارد وجود ندارد، هیچ نیرو وقدرتی جز خدا که شاهد هر مناجاتی است وجود ندارد، هیچ نیرو وقدرتی جز خدا که بر فقر بندگانش آگاه است وجود ندارد در حالی که از آنها بی نیاز است و اختیار آن را دارد، هیچ نیرو وقدرتی جز خدا وجود ندارد، همه چیز را به خدا می سپارم و به او پناه می برم، هیچ نیرو و قدرتی جز به عزت یافتن با خدا و توکل کردن بر او وجود ندارد، هیچ نیرو و قدرتی جز خدا وجود ندارد و فریاد خواهی از خداست، از غیر او بی نیازیم، هیچ نیرو و قدرتی جز خدا وجود ندارد، به او تمسک می جوییم و به ریسمان او چنگ می زنیم، هیچ نیرو و قدرتی جز خداوند والای عظیم بردبار کریم بخشنده مهربان وجود ندارد او که شبیهی برای او نیست و شنونده بیناست.

هرچه خدا خواست ناله به درگاه اوست و اخلاص بر اوست، هر آن چه خدا خواست از روی خاکساری به درگاه او و بندگی او، هرچه خدا خواست از روی توجه نمودن به درگاه او و اعتراف به او، هرآن چه خدا خواست با اصرار به خدا و نیازمندی به او، هر آن چه خدا خواست فریاد خواهی به درگاه خداست و پندار به او نیکوست، هر آن چه خدا خواست از روی فروتنی و خواری، هرآن چه خدا خواست با خضوع و با تمایل و توکل بر او و گواهی می دهم و می دانم که خداوند بر هرچیزی تواناست و علم بر هر چیز احاطه دارد و هر چیز را به شماره در

آورد .

خدایا تـو را سپاس می گـویم به بهـترین آن چه می توانم و تو را شکـر می کنم به آن چه مرا بـدان منت نهـادی، تو را سپاس می گویم و به گناهـانم اعتراف می کنم و حـاجتم را نـام می برم و از بیچـارگی و نیـازم به درگـاه تو شکـایت می کنم به راستی که تو گفتی و گفتار تو حق است «به درگاه خـدا فروتنی نکردنـد و ناله ننمودنـد» و من ای خدا به تو پناه آوردم و در برابر تو ایسـتادم و به سوی تو گریختم و به درگاه تو پنـاه آوردم، اظهار خواری می کنم، ناله سـر می دهم و بـدان چه نزد توست امیـد دارم، تو مرا می بینی و از آن چه در من است آگاهی داری، سخنم را می شـنوی و حاجت و بی نوایی و حال و دنیا و آخرتم را می دانی و بر آن چه می خواهم زبان بگشایم در عاقبت کارهایم بـدان امید دارم آگاهی داری و تو آن چه را که می خواهم بر زبان آوردم بر می شماری.

ای سـرور من تقـدیرهای تو کـاری گشت در من و در آن چه از روزهـایم که پیش می آینـد از پنهـان و پیـدایم و کاهش و افزایش من تنها به دست تـوست، شایسـته ترین آنچه به درگـاه تـو عرضه می دارم قبـل از ذکر حـاجتم و بیـان خواسـته و مطلبم گـواهی به یگـانگی تو و اقرار به پروردگـاری توست که افکـار وعقـل هـا در برابر آن حیران شدنـد و پنـدارها و فهم ها چه سـرگردان گشـتند و رویاها از آن درماندنـد و فکر مخلوقات در برابر عمق وصف آن عاجز شد و زبان ها از نهایت توصیف آن بند آمدند.

هیچ کس نمی تواند به چیزی از توصـیف تو دست یابد و یا چیزی از ویژگی تو را در یابد مگر آنچه برای آن مشـخص کردی و او را به سوی آن موفق گردانیدی و بدان رساندی ای سـرور من، من اعتراف می کنم که به شـکوه و بزرگی که تو سـزاوار آنی تقدیس شـرف تو و ستایش گفتار تو و سپاس و ثنای تو و یاد تو دست نمی یابم؛ زیرا تو خدایی که جز تو خدایی نیست، یکتایی وشریکی نداری و یاد از نعمت های تو و سپاس بر پیمان تو بر نعمت هایت هست و شکر برای توست؛ زیرا زبان ها از وصف تو عاجزند و بدن ها از سپاسگزاری تو ناتوانند.

به سـبب گناهـان بزرگ و خطاهای بسـیار و بزه های فراوان که بر دوش می کشم و آنچه مرا هلاک کرد و آبروی مرا برد به سوی تو گریختم ای پروردگار من و در برابر تو ایستادم و به درگاه تو ای مولای من ناله کردم تا به یگانگی و پروردگاری تو اقرار ورزم و بدانچه خود را بر آن ستودی ثنا گویم و به صفاتی که سزاوار توست، تو را وصف کنم و با معرفتی که بر من عطا کردی تو را یاد کنم .

پروردگارا گواهی می دهم به راستی تو یگانه یکتای بی نیاز تنهایی که همـدم و فرزنـدی برنگرفت و نزایید و زاییده نشد و همتایی ندارد و تو ازلی و ابدی هستی و روزگاران تو را تغییر نمی دهی و دوره ها تو را نابود نمی کند و اندازه ها تو را حیران نمی گرداند و مرگ ها به تو نمی رسـد و هیـچ مکانی از تو خالی نیست فرمانروایی تو نیستی نمی پـذیرد و قـدرتت پایانی نـدارد یادت همیشـگی است کلماتت تغییر نپذیرنـد و سنتت تبدیل نمی گردد و وعده هایت محقق است و خواب سبک تو را نگیرد.

گواهی می دهم تو پروردگـار مـایی که او را می پرستیم و قبـل از شب هـا و روزهـا و زمـان ها و روزگاران و قبل از هر چیزی وجود داشتی و همه چیز را به وجود آوردی و آفرینش آن را نیکو گردانـدی و تو زنـده پاینـده ای فرمـانروای قـدوس همیشـگی وبـدون فنا و نابودی و انتها و نهایت و خدایی در آسمان و زمین جز تو وجود ندارد که معبود ستوده والا بلند مرتبه ای وصف نمی شوی و مرزی نداری .

بزرگ گشتی در حـالی که سـتوده ای و بـا بردباری جبروت یافتی و با مهربانی عظمت پیـدا کردی و با اسـتواری والا گشتی و با کرم شکسـت ناپـذیر شـدی و بـا بزرگی پـاک شـدی و با فرمانروایی شـریف گشتی و با توانایی فرخنـده گشتی و پروردگاری خـدای زنـده ای پاینـده ای با عظمتی با شـکوهی سـتوده ای والایی کبیری یگانه گشتی و هیچ آفریننده ای صورت بخش نیکو سازنده غیر تو وجود ندارد فضل بخشیدی در حالی که توانا نیرومند سـتوده چیره غالب نیکو پرستیده یاد شده آغازگر برگرداننده زنده کننده میرانده برانگیزاننده وارث بودی و بخشیدی در حالی که بخشـنده آمرزنده بخشاینده توبه پذیر نیکوکار مهربان عطوف رحم آور نزدیک اجابت کننده شـنوا بین بردبار حکیم بخشنده مهربان گشتی.

گواهی می دهم کسانی که غیر تو فراخوانده می شوند به اندازه ذره ای در آسمان ها و زمین اختیاری ندارند و نه کوچک‌تر و بزرگ‌تر از آن را و برای تو درآن دو شریکی نیست و در آن دو همتایی نوایی و در آن دو پشتوانه ای نداری و به تنهایی پشتوانه آفرینش خود هستی.

گواهی می دهم آسمان ها و زمین ها و آنچه در آن ها ومیان آن ها و آن چه در زیر خاک است از آن توست ملکوت هرچیزی و خزانه ای آن در دست توست، از گشایش می بخشی و از روی قدرت باز می داری و هیچ فراخواننده ای غیر تو نیست و جز تو کسی اجابت نمی کند.

گواهی می دهم کسانی که غیر تو خدایانی برگزیدند خدایانشان چیزی خلق نمی کنند و خود آفریده می شوند و هیچ ضرر و منفعتی در اختیار آن ها نیست و مرگ و زندگانی و برانگیخته شدن نیز در قدرتشان نیست و نمی توانند از خود گره گشایی کنند و یا تغییری دهند.

گواهی می دهم کسانی که غیراز تو خوانده می شوند قطره ای از آسمان نازل نمی کنند و نه دانه ای و نه درخت و سبزه ای می رویانند و چنان چه همگی جمع شوند مگسی هم نمی آفرینند و چنان چه آن مگس چیزی از آن ها برگیرد نمی توانند آن را از او بگیرند خواستار و خواهنده چه ضعیفند.

فرخنده گشتی ای سرور من وغلبه کردی و پاک شدی و بسیار فراتر رفتی از آنچه ظالمان می گویند و تو را سپاس می گویم خدایا و تو شایسته سپاس و تو را شکر می گویم و تو سزاوار شکری به خاطر رفتار نیکویت با من و نعمت های فراوانت و بخشش های بسیارت بر من و بر تمامی آن چه از رحمت خویش بر من تفضل نمودی و نعمت هایی که بر من فراوان نمودی و تو چنان در حق من کردی که شایسته سپاس و یاد منی از سرپرستی نیکویت بر من و لطف تو در صلاح من و آنچه از آن بی نیاز نبودم و غیر تو مرا بر آن موفق نمی گرداند و من چاره ای جز آن نداشتم و جز به آن اصلاح نمی پذیرفتم و اگر رفتار نیک تو و عطوفت تو در حق من نبود به بهره خویش و اصلاح خود دست نمی یافتم ولی تو نیکی را در حق من آغاز کردی و در تمامی امور مرا کفایت نمدی و بلای سخت را ازمن برگداندی و قضای ناگوار را از من باز داشتی .

خدایا چه بسا مصیبت های جانکاه که از من بازگرداندی و دیگران را به آن مبتلا ساختی و چه بسا نعمت هایی که چشم را بدان روشن گرداندی و چه بسیار نیکی هایی از جانب تو در نزد من خدایا تو کسی هستی که در مواقع درماندگی مرا اجابت کردی و هنگام لغزش از من چشم پوشیدی و آنچه مورد ظلم قرار گرفتم، از دشمنان گرفتی و تو را به هنگام خواندن بخیل نیافتم و زمانی که تو را ارده کردم خودداری ننمودی و من تو را یافتم که دعایم را می شنوی و وعده نعمت هایت فراوان دادی در تمام شووناتم و تمامی زمان ها.

تو در نزد من ستوده ای و نیکی تو در نزد من موجود است، ای سرور من جان وعقل و زبان و مو وپوست و گوشت و خون و مغز و اعصاب و استخوانم تو را سپاس می گویند و آن چه زمین از من در بر دارد سپاسی که مورد رضایت تو باشد و از خشم تو رهایی بخشد.

سپاس خدایی که بر من واجب گردانید تا او را سپاس گویم بدانچه خود را بر من شناساند با فضل و نیکی اش بر من در حالی که چیزی بودم، سپاس خدایی که مرا به نعمت خویش تغذیه نمود و فضلش را بر من فراوان کرد و روزی پاکش را بر من آغاز کرد بدون این که از او بخواهم و عمل نیکی کنم که مستحق چیزی گردم که خدای من آن را به من ابتدا نمود و شکرش را بر من واجب گردانید همان طور که مستحق بیشتر از آن چه در نزد اوست نیستم.

مرا بر دین خود آشنا کرد و بر خویش رهنمون ساخت و به رسولش و والیان امرش گرامی داشت و محبتش را در قلبم انداخت و گوشت و خونم را به محبت خویش و زبانم را به ذکر خود آمیخت و مرا به درخواست از خود امر کرد و به عبادت خویش فراخواند و درآنچه نزد خود دارد، مرا ترغیب نمود و بر طاعت خود تشویق کرد و از گناهش بازداشت و به سوی بهشت تشویق کرد و از روی رحمت خود و نعمت وجوب شکرش مرا از عذاب خویش برحذر داشت با این که اگر دنیا و آن چه در آن است صبح و شام در اختیار من قرار بگیرد و من از دینی که بدان چنگ زدم فرار کنم هیچ گاه جایگزین پاره ای از آن نشود، سپاس خدایی راست بر نعمت هایش که به شماره نیاید وبا عمل پاداش

داده نشود .

سپاس خدایی راست که پروردگار جهانیان است پروردگار آسمان و زمین و دانای به گذشته و حال، اول بدون آغاز و آخر بدون پایان آغاز هرچیز و سرانجام آن و شروع کننده هرچیز و برگرداننده آن، گردن ها برای او خاضع شدند و صداها به لرزه در آمدند و رویاها سرگردان شدند و چشم ها در برابر او در ماندند غیر از او در کارها حکم نکند و جز او تقدیرها را تدبیر نکند و انتهای چیزی به سوی غیر او بر نمی گردد و چیزی غیر او کامل نمی گردد.

سپاس و بزرگی از آن اوست و فرمانروایی وقدرت ازآن اوست، دلیل و حجت از اوست، نیرو وقدرت از اوست، دنیا و آخرت از اوست، امر او محکم و رضایت او گسترده و خشمش عذاب و گفتارش نور است به علم حکم می کند و با بردباری در می گذرد، آمرزشش فراوان و عذابش شدید و رحمتش نزدیک است، علم او به همه چیز احاطه دارد و نگاهداری او همه چیز را فرا گرفته است، علم او قبل از اشیا بود و بعد از فنای هر چیز می باشد، چیزی او را ناتوان نمی کند و چیزی از او پنهان نمی ماند و کسی به توانایی او نمی رسد و حق شکر او را به جای نمی آورد وقلب ها به چگونگی او راه نمی یابند و عقل ها به وصف او نمی رسند.

چشم ها در برابر او حیران شوند و زبان ها بند آمدند، چشمی او را نبیند و نگاهی به او ختم نشود و دیده ای او را در نیافت، زنده پاینده که خواب و خواب سبک او را در نیابد، رحمت و علم او همه چیز را فراگرفت و عظمت و عدل او همه چیز را آکنده کرد، با قدرت و سلطه اش همه چیز را گرفت، آنچه خواست او را عاجز نگرداند و آنچه امر کرد باز نمی گردد و کسی که از او سرپیچی کرد از او نمی کاهد و هرکس غیر او را به سرپرستی گرفت از او بی نیاز نمی گردد.

هر پنهانی نزد او آشکار است و هر نهانی نزد او هویداست، چیزی از او پنهان نماند و چیزی او را از چیز دیگر مشغول نسازد، دل های بندگان به دست اوست و مرگ های آنان به علم اوست و بازگشتشان به سوی اوست، چیزی از آنچه در آن هستند از او پنهان نماند، آن ها را قبل از آفرینش به شماره آورد و قبل از کردارشان از عمل آن ها آگاهی یافت و آثار آنان را نوشت و مرگ شان را مشخص کرد و قدرت او از هر چیز فراتر رفت و هیچ پنداری ندارد او چگونه است؟ زنده ای که نمی میرد، بی نیازی که خوراک ندارد، پایداری که نمی خوابد و فرمانروایی دست نایافتنی است، شکست ناپذیری که ستم نبیند، غلبه کننده ای که نمی بیند، شنونده ای که شک نکند، بیننده ای که تردید ندارد، شان او والاست، سلطه اش قوی است و از هر مکان آگاه است از پندار جان ها و زمزمه زبان ها و تکرار لب ها و خیانت چشمان و آنچه در سینه پنهان است آگاه است.

شگفتی های او پایان نپذیرد، سپاس او تمام نشود و خزانه هایش خالی نشود و نعمت هایش به شماره نیاید واگر دریا مدادی برای کلمات پروردگارم گردد، دریا تمام شود قبل از آن که کلمات پروردگارم به پایان رسدو چنان چه از مثل آن کمک گیرم و تمام درختان زمین قلم گردد، هر دریا هفت دریا به دنبال داشته باشد، کلمات خداوند پایان نپذیرد، به راستی که خداوند شکست ناپذیر حکیم است.

ای سرور من سپاس فراوان تو راست بر نعمت ها و بخشش هایت و کردار نیکت هر آنچه شناختم یا آگاهی نیافتم و هر آنچه ذکر کردم یا به یاد نیاوردم و بر آنچه مرا اولویت دادی و مبتلا کردی و بخشیدی و شرافت دادی و تفضل کردی و کرامت دادی و هدایت نمودی و مرا رهرو راه حق و صداقت و راه روشن میانه و صراط مستقیم ساختی و مرا آگاه ساختی از نیکی ها و نعمت هایت بر من و نگاهداری خویش از تمامی آنچه به من بخشیدی و مرا بدان آغاز کردی از آنچه در حق من شروع کردی که وصف من از آن در ماند و زبانم از آن به بند آمد و فهم من از آن عاجز می ماند و فهم و علم من در برابر آن کوتاه می شود و شماره ام قبل از رسیدن به عمق آن تمام می شود و شمردنم او را احاطه نکند.

تو را سپاس بر آنچه از آفرینشم که نیکو گرداندی و جانم را بی نیاز گرداندی و یقین را به قلبم وارد کردی و میان من و خواسته هایم حائل

نشدی و بدون هدایت تو به دنبال علاقه خود نرفتم.

تو را سپاس که مرا از آنچه چشم دیگران کور کردی بینا گرداندی، گوش مرا از آنچه دیگران را کر کردی شنوا ساختی و مرا آگاه ساختی بدانچه دیگران را از آن فراموشاندی و مرا بدانچه از دیگران پوشاندی مطلع کردی، مرا ادب نمودی و نیک ادب کردی و تعلیم نمودی و آموزشت لطیف گشت، ای سرور من کدامین نعمت بر من نبخشیدی و کدامین بخشش ای خدای من که آن را بر من واجب نگرداندی.

تو را سپاس از این که مرا باز داشتی از پرتگاه های هلاکت و چنگ زدن به ریسمان تاریکی و انکار اطاعت تو و روی نمودن به غیر تو و دوری از آنچه نزد توست و آرزو به آنچه نزد غیر توست از روی فضل و بخشش تو بر من و رحمتی که بر من نمودی بدون آن که عملی از من سر زند و یا لیاقت آنچه در حق من کردی پیدا کنم و مرا مستوجب سپاس گرداندی با پیروی از اهل فضل ومعرفت از حق و دیدن درهای هدایت و اگر تو پروردگار من نبودی به اطاعت خود رهنمون نمی شدیم و بر امر تو آگاه نمی شدیم و راه تو را نمی پیمودیم.

ای سرور من، تورا سپاس بر نعمت هایی که به واسطه آن مستحق عبادت گشتی وبر کردار نیکت که به واسطه آن مستحق سپاس شدی و بر نعمت های دیرینه ات و بخشش های فراوانت که به شماره نیاید و با عملی برابری نشود، مگر در گشایش رحمت و فراوانی نعمت و شان عظیم تو و اعمال کریمانه ات و بخشش های نیکت.

تو را سپاس بر نعمت های فراوان و حجت های رسا و بخشش های پی در پی تو که به واسطه آن امور ناگوار را از من دور کردی و موهبت های شادی را به من عطا کردی با لجاجتم در غفلت و زیاده روی در سختی و آن تو را باز نداشت که از من گذشت کنی و عمل زشتم را بپوشانی و نعمت هایت را در دستانم فراوان گردانی و بر من نیکی کنی و از کردار زشتی که در درگاه تو نمودم و معصیت هایی که مرتکب شدم گذشت کنی.

تو را سپاس ای سرور من بر نعمت های بسیاری که در آن ها صبح وشام نمودم و آن ها را از جانب تو می دانم و می دانم که تو سرپرست و اجرا کننده آنی بدون این که توان و قدرتی از من در آن دخالت داشته باشد ای مهربان ترین مهربانان.

ای پروردگار من، تو را سپاس بر این که مرا از انواع بلاهایی که بندگان تو در آن صبح و شام می کنند عافیت دادی خدای من چه بسیار بندگانی که در بیماری و درد و مرض و با آه و ناله صبح و شام می کنند و در غم خود غوطه می خورد و فراری نمی یابد و طعام و آشامیدنی را گوارا نمی داند و من در سلامتی بدن و صحت زندگانی هستم تمامی این ها از جانب توست. ای پروردگار من، سپاس از آن توست.

چه بسیار بنده ای که در سختی های مرگ و غصه و به شمار ه افتادن نفس ها صبح و شب می کند و نگاه کرد به چیزی که موی بر بدن راست شود و از آن می هراسد و من از آن در عافیت هستم ای پروردگار من. تو را سپاس.

چه بسیار بنده ای که ترسان و هراسان خوفناک بیمناک گریخته فراری سرگردان در پناه گاه های تنگ صبح و شام می کند و زمین با گستردگی اش بر او تنگ گردید و چاره و پناهگاهی نمی یابد و من در آرامش و اطمینان و عافیت از آن هستم ای پروردگار من سپاس تو راست.

چه بسیار بنده ای که در سختی زندگی و تنگی مکان صبح و شام کرد از غل و زنجیری سنگین شد یا پوستش پاره گشت و گوشتش چند تکه شد عذاب های گوناگون بر او وارد شد یا صبح و شب در انتظار کشته شدن است ومن در راحتی و آسایش و گشایش و عافیت از آن هستم، ای پروردگار من سپاس تو راست.

چه بسیار بنده ای که در اسارت و بسته به غل و زنجیر صبح و شام کرد و در دست متجاوزانی است که بر او رحم نمی کنند از خانواده و فرزندانش دور است و از سرزمین و برادرانش جدا گشت و هر لحظه در انتظار است که به دست کدامین قاتل کشته می شود و چگونه مثله

می گردد و من در عافیت و سلامت از آن هستم سپاس تو راست.

چه بسیار بنده ای که صبح و شب کرد در حالی که مستقیما در حال مبارزه و سختی های جنگ هاست و دشمنان او را با شمشیر ها و نیزه ها و تیرها و ابزارهای جنگی پوشاندند، پوششی از آهن دارد، تمام توان خود را به کار گرفت و چاره ای نمی داند و راه فراری نمی یابد با زخم ها مریض گشت یا در خون خود زیر سم ستوران و پاها غلتیده است در آرزوی جرعه ای آب است که بنوشد یا نگاهی که به همسر و فرزندانش اندازد و من در عافیت از آن هستم ای پروردگار من تو را سپاس.

چه بسیار بنده ای که صبح و شب کرد در حالی که غریب و مسافر است و از همسر و فرزندانش دور است و در بیابان ها حیران است و در آن سرگردان است به همراه وحش ها و چارپایان و خزندگان و با گرسنگی و تشنگی تنها و بی کس راه چاره ای نمی داند و به راهی رهنمون نمی شود یا در ناله یا گرسنگی یا عریانی یا دیگر سختی هاست و من از آنچه او گرفتار آن است رهایم و از آن در عافیتم ای پروردگار من تو را سپاس.

چه بسیار بنده ای که صبح وشام کرد در تاریکی های دریا و بادهای طوفانی و موج های ترسناک و در انتظار مرگ و هلاکت است و راه چاره ای ندارد یا به صاعقه ای مبتلاست یا ویرانی یا سوختن یا گلوگیر شدن یا غرق شدن یا فرو رفتن یا مسخ شدن یا پرتاب شدن در حالی که من از آن در عافیتم ای پروردگار من تو را سپاس.

چه بسیار بنده ای که صبح وشب کرد در حالی که فقیر نیازمند اندوهگین عریان گرسنه تشنه است و منتظر است تا کسی بر او فضلی کند یا بنده ای از تو که نزد تو آبرومندتر است و عبادتش بیشتر است به بردگی کشیده شد و بر او غلبه شد بار سنگینی از خستگی رنج و سختی بندگی و زخم ها بر دوش داشت یا مبتلا به بلای سختی است و من مورد خدمت و نعمت و در عافیت هستم از انچه او بدان گرفتار است. ای پروردگار من، تو را سپاس ای خدای من .

چه بسا دشمنی که شمشیر دشمنی‌اش را بر من کشید و لبه تیغش را بر من تیز کرد و برّنده ساخت و سم‌های کشنده‌اش را برای من درآمیخت و تیرهایش که به خطا نمی‌روند به سمت من روانه ساخت و چشم پاینده او هیچگاه از من خواب نگشت و آشکارا سختی‌ها را بر من وارد نمود و تلخی سم کشنده آن را بر من نوشاند، خدای من، به ضعف خود از به دوش کشیدن مصیبت‌های بزرگ نگاه کردم و به ناتوانی‌ام از غلبه بر کسی که قصد جنگ با من را دارد، و به تنهایی‌ام در برابر انبوه کسانی که مرا قصد کردند، نگاه کردم و بلاها در آنچه فکر خود را به کار نگرفتم، در کمین من نشستند و تو یاری‌ات را به من آغاز نمودی، و با نیروی خود، پشت مرا محکم نمودی شکستی و بعد از آنکه در جمع بود، تنها ساختی و مرا بالاـ بردی و هرچه که مرا هدف گرفت، به خودش بازگرداندی و او را برگرداندی در حالی که تشنگی‌اش را سیراب نساخت و حرارت خشمش را خنک نگردانید، و دست خود را به دندان گرفت و پشت کرد و فرار نمود و سپاهیانش را به جای گذاشت. تو را سپاس ای توانایی که مغلوب نمی گردد و بردباری که شتاب نمی ورزد. - . مراجعه کن جلد ۹۴:۳۲۰، شرح این دعا آمده است. -

و چه بسا ستمکاری که با نیرنگ‌های خود به من ظلم نمود و دام صید خود را برای من پهن کرد و توجه جستجو گرانه اش را بر من گماشت و همچون درنده‌ای که بر شکار خود، مخفی می‌شود و منتظر فرصتی است، در حالی که ظاهرش نرم خوست و دندانش را نشان می دهد و چهره ای گشاده را بر من می نماید و هنگامی که پلیدی باطن او را دیدی و زشتی آنچه به شرک خود در میان گرفته است، آنچه را که به سوی من و به هدف خویش آورد باطل گرداندی و او را به سر در حفره خویش سرنگون کردی و در پرتگاه گودالش هلاـک کردی و با سنگ و تیر خودش به او انداختی و او را به بینی واژگون کردی و با ظلمش به زیر انداختی و با پشیمانی اش او را به هم آوردی و نیرنگش را به خودش باز گرداندی پس تنها شد و بعد از غرورش تحقیر شد و پس از دراز دستی اش ذلیل گشت، خوار اسیر در ریسمانش که امید داشت در روز قدرتش مرا در آن ببیند. پروردگارا اگر رحمت تو نبود، نزدیک بود که هر آنچه بر او رفت بر آستان من نیز فرود آید، تو را سپاس ای

توانمندی که مغلوب نمی شود و بردباری که شتاب نمی ورزد.

چه بسیار حسودی که با حسد خویش آغاز نمود و با خشم خود از من اندوهگین شد و با تیزی زبانش مرا آزرد و طعنه زد و آبروی مرا هدف تیرهای خود قرارداد و مرا به صفاتی درآویخت که خود گرفتار آن است، پروردگارا نزد تو آمدم و به تو پناه آوردم، به سرعت اجابت تو اطمینان دارم، توکل می کنم بر آنچه پیوسته می شناسم از دفاع نیک تو، می دانم هر کس به سایه کفایت تو پناه آورد درمانده نگردد و مصیبت ها بر کسی که به قلعه پیروزی تو پناه آورد وارد نمی شود و تو به قدرت خود مرا از سختی او نگاه داشتی تو را سپاس ای پروردگار من قدرتمندی که مغلوب نگردد و برباری که شتاب نورزد.

چه بسا ابرهای ناگواری که آن را کنار زدی و آسمان نعمتی که آن را فرو باریدی و نهرهای کرامتی که جاری ساختی و چشم های نابودی را کور کردی و رحمت آغازینی که آن را پراکندی و سپر عافیتی که آن را پوشاندی و گرفتاری های پوشانندی که آن را برطرف کردی و پیشامدهایی که آن را مقدر کردی، آنگاه که از تو خواستم تو را عاجز نکرد و آنگاه که آن را اراده کردی از تو باز داشته نشد تو را سپاس توانمندی که مغلوب نگردد و بردباری که شتاب نورزد.

چه بسیار پندارهای نیکی که تحقق بخشیدی و نداشتن هزینه ها که جبران کردی و افتاده ای که جان دادی و بیچارگی که تغییر دادی نمی پرسی از آنچه انجام می دهد و آنچه هزینه کردی از او نمی کاهد و از تو درخواست شد پس عطا کردی و درخواست نشدی پس آغاز نمودی و از فضل خود درخواست شد پس بخل نورزیدی. خودداری کردی به جز از بخشیدن و نعمت دادن و احسان و خودداری کردم جز از انجام محرمات و ارتکاب معاصی و تجاوز از حدود تو و غفلت از وعده های خوب و بد تو و اطاعت از دشمن من و دشمن تو شکرگزاری ناقص من تو را از نیکی کامل باز نداشت و این امر، مرا از ارتکاب آنچه تو را به خشم آورد منع نکرد. تو را سپاس ای پروردگار من توانمندی که غلبه نپذیرد و بردباری که شتاب نورزد .

خدایا پاک و منزهی و تو را سپاس می گویم فرخنده گشتی و چیره شدی والاـ گشتی و پاک و بزرگ شدی و با عظمت گشتی از آنچه ظالمان می گویند .

خدایا من دعا کننده ای هستم که اجابت نمودی، تو را سپاس می گویم و من در خواست کننده ای هستم که او را عطا کردی، تو را سپاس ومن گمراهی هستم که هدایت کردی تو را سپاس و من ضعیفی هستم که او را توانا کردی، تو را سپاس و من فقیری هستم که او را بی نیاز ساختی، تو را سپاس و من عریانی هستم که او را پوشاندی، تو را سپاس ومن بیماری هستم که او را شفا دادی، تو را سپاس .

آری سوگند به عزت تو انجام دادی، تو را سپاس. بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا از شاکران قرار ده.

خدایا من رانده شده ای هستم که او را برگرداندی تو را سپاس و من مسافری هستم که او را همراهی کردی تو را سپاس، ومن بد کاری هستم که به او نیکی کردی تو را سپاس و من اندوهگینی هستم که در کار او گشایش نمودی تو را سپاس، من گرفتاری هستم که از او گره گشایی نمودی تو را سپاس، آری سوگند به عزتت که انجام دادی تو را سپاس، بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا از سپاسگزاران قرار ده.

خدایا من ذلیلی هستم که او را عزت بخشیدی تو را سپاس، من تنها مانده ای هستم که او را کفایت کردی تو را سپاس، من مظلومی هستم که او را یاری کردی تو را سپاس، من فرو مایه ای هستم که او را رفعت بخشیدی تو را سپاس، از بین رونده ای هستم که او را رهانیدی تو را سپاس و من غرق شده ای هستم که او را گرامی داشتی تو را سپاس و من آن پیاده ای هستم که او را حمل کردی تو را سپاس، آری سوگند به عزتت تو انجام دادی تو را سپاس، بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا از شکرگزاران قرارده.

خدایا من آن بیماری هستم که او را جان دادی تو را سپاس و من مبتلایی هستم که او را عافیت بخشیدی تو را سپاس و من زندانی هستم که او

را خارج کردی تو را سپاس و من اسیری هستم که او را رهانیدی تو را سپاس و من مجردی هستم که او را متاهل قراردادی تو را سپاس، من کسی هستم که چیزی نبودم تا او را قرار دهی تو را سپاس، آری سوگند به عزت تو آن را انجام دادی تو را سپاس، بر محمد وخاندان او درود فرست و مرا از سپاسگزاران قرار ده.

پروردگارا فرخنده گشتی و والا شدی تو را سپاس بر آنچه عطا کردی و مبتلا ساختی، تو را سپاس بر خواسته ات در ما آنچه تلخ بود و شیرین بود، تو را سپاس بر مهلت دادن و مبتلا کردن، تو را سپاس بر اینکه بر عمرم افزودی و تو را سپاس بر آنچه به خاطر من به فراموشی سپردی و تو را سپاس بر قسمت نیکوی تو مادامی که به مسألت از تو راه نیافتم، تو را سپاس به معرفت آنچه در من است و به آن احاطه نداشتم، تو را سپاس برانداختن پوشـشت بر من در حالی که سزاوار آن نبودم و بر آثار نعمت هایت بر من در حالی که به شکرگزاری آن جز به تو نرسم، تو را سپاس بر تجدید آن ها بر من و تو را سپاس بر بخشش هایت در هر دو حالت.

و تو را سپاس بر نعمت اسلام که آن را به عنوان دین بر ما پسندیدی و پیامبر امی که او را امین ما راضی گشتی تو را سپاس بر آنچه که ما را به سوی آن فرا خواندی و ما را بدان نجات بخشیدی و او را بهترین پیامبری قرار دادی که بر انگیخته شد و بهترین امتی که که خارج شد و تو را سپاس بر لطف تو که ما را از صلب های مردان مشرک و رحم های زنان مشرک جدا کردی نسلی در نسلی تا این که ما را به زمان خود ملحق کردی و مارا از هلاکت بدان نجات دادی تو را سپاس آنطور که می پسندی و راضی می شوی.

خدایا ای سرور من تو کسی هستی که با حمد وستایش و ثنا و شکر بر من منت نهادی و تمامی این ها ای مولای من به همراه دیگر نعمت ها و منت ها و بخشش های توست که آن ها را نمی شمارم و توان شمردن آن ها را ندارم ای سرور من اولین وشریف ترین با فضیلت ترین و بزرگترین و بیشترین و شکوهمند ترین آنان منت نهادن بر من با شناخت پروردگارت و قدرت و عظمت و شناخت رسول و اقرار به او و معرفت اولیای تو و حجت های تو و برگزیدگان تو و اقتدا به آنان و تصدیق آنان و تسلیم گفتارشان و ایمان آوردن به کتاب ها و رسولان توست سپس عافیت و گشایش رزق و فضل و تمامی کردار نیک زیبای توست.

تو را سپاس ای خدا و مولای من و تسبیح و تقدیسی و تهلیل و شکر و بخشش از آن توست همانطور که شایسته روی گرامی تو و عزت شکوه و عظمت توست و همانطور که تو شایسته آنی ای زنده ای پاینده و تو را سپاس به تمامی نعمتی که بر من و هر کدام از مخلوقاتت در گذشته و حال و تا روز قیامت بخشیدی.

خدا بزرگ است، سپاس مخصوص خداست، خدا پاک است و خدایی جز خدای یگانه نیست به تعداد آنچه آفریدی و نامیدی و مقدر کردی و نوشتی یا تو انجام دهنده آن در دنیا و آخرت هستی .

ای شنونده هر صدا، ای جمع کننده هر آنچه از دست رود ای آفریننده جان ها بعد از مرگ، ای کسی که چیزی او را از چیز دیگر مشغول نسازد و ای کسی که صدا ها براو مشتبه نگردد و تاریکی ها او را نپوشاند، ای کسی که چیزی را به خاطر چیز دیگر فراموش نکند، ای کسی که از عرش خود تا دل آسمان ها و زمین خدایی جز او خوانده نشود، بر محمد و خاندان او بنده تو و فرستاده تو و حبیب تو و خلیل تو و پیامبر تو و نجات یافته تو و امانت داری تو و برگزیده تو و ویژه تو و برگزیده تو و بهترین خلق خود درود فرست، او که بدان ما را از گمراهی و کوری هدایت کردی و به واسطه او ما را از تاریکی بینا کردی به او مارا از نادانی دانا کردی و بر راه میانه بزرگ و راه تقوا اقدام کردی و از سختی ها خارج ساختی و از لبه پرتگاه هلاکت ما را نجات دادی، به او که امین تو بر وحی و جایگاه راز تو و فرستاده تو بر مخلوقات و حجت تو بر بندگان و مبلغ امر تو و انجام دهنده پیمان توست او را رحمت جهانیان و نوری که مؤمنان بدان روشنایی طلبند و بشارت دهنده به ثواب فراوان خود قرار دادی که به عذاب دردناک تو انذار می دهد، او را برای رسالت های خود برگزیدی و برای دین خود خالص گردانیدی و او را مراقب بندگان خود قرار دادی و بر وحی خود ایمن گردانیدی و او را گواه و راهنمای خود و فراخواننده به سمت خود و حجت بر مردمان و واسطه میان خویش و بندگانت و گواه آنان و مسلط بر آن ها و اهل بیتش گردانیدی کسانی که پلیدی را از آن ها زدودی و پاک گردانیدی.

آن ها پاکـان فرخنـده، مطهران طـاهر، هـدایتگران راه یافته انـد که گمراه نشدنـد و گمراه نمی کننـد امین های تو بر زمین و سـتون های تو بر مخلوقات هسـتند، کسانی که به واسـطه آنان از هلاکت نجات دادی و به آن ها از تاریکی روشنایی بخشیدی درخت نبوت و جایگاه رسالت و محل رفت و آمـد فرشـتگان و معـدن علم هسـتند که آن هـا را یـاوران دین خود پسـندیدی، گواهـان بر مخلوقاتت و به پاداران امرت و امینان حافظان سر خود و جایگاه رحمت و ودیعه گاه حکمت و ترجمان وحی و هدایت بندگان و مایه روشنی سرزمین خود می باشند .

بر آنـان درود فرست شـریف ترین بـا فضـیلت ترین بیشترین و بزرگترین و نیکو ترین و زیبـا ترین و سودمنـدترین و کامل ترین و پاک ترین و پاکیزه ترین و خوشبو ترین و پسندیده ترین آنچه درود فرستادی بر پیامبران و رسولان و برگزیدگان و دوستان و کسانی که در نزد تو جایگاه و کرامـتی دارنـد، خـدایا و درود فرست بر آنـان درودی که که دوست داری تو و فرشـتگانت و رسولاـنت و مخلوقـاتت بـدان بر آن هـا درود فرستی و همان طور که محمد و خاندان او شایسته آنند.

خدایا ای سـرور من محمد و خاندان محمد را سـبب من به سوی خود و راه من به اطاعت خویش و دروازه ای که از آن وارد شدم و درجه ای که به واسـطه آن رفعت گرفتم و رویی که بدان به سوی تو رو کردم و زبانی که بدان سخن گویم و پناهگاه و رکن و ذخیره و ماوا و پناهی از گناهـان قرار ده کـه به آن هـا اعـتراف کنم و به آنچه مرا کردی بر زبـان آن هـا و می دانم که آن از جـانب تـوست پس به رضـایت محمـد و خانـدان او رضایت تو را امیـد دارم و به خشم آنان از عـذاب تو می هراسم ای مولای من مرا از کسانی قرار ده که در روز قیامت - روزسـختی ها- از بلاهای عظیم و دریده شدن پرده ها نجات یافتند و مرا از سختی های هولناک نجات بخش.

خدایا و تو ای سـرورمن آن فرمانروای حقی هستی که ظلمی در حکم او نیست و ستمی در عدل تو راه ندارد و از آنچه انجام دهی بازخواست نشوی، مخلوقات را بر اساس آنچه از علم سابق تو در خواسـته ات گذشت آفریدی تا آن ها را به سرنوشـتشان بازگردانی و بر جایگاه خودشان منزلت بخشـیدی از پاداش و عذاب خود و خدایا مرا به رحمتی اختصاص دادی که امید دارم به واسـطه آن سعادت بر من پیشی گرفت با آنچه به من الهام کردی از ایمان به تو و رسول تو و به اهل بیت رسول تو صـلواتک علیهم و تصدیق به آنچه از نزد تو آمد به راستی که در شـناخت من از تو هیچ شـکی وجود ندارد و در علمی که بر من منت نهادی جهلی نیست و در بصـیرت به آن سـستی و ضـعفی راه ندارد، گوش وچشم مرا از آن پر کردی و قلبـم را از محبـت آن نوشانـدی و بر تمـامی اعضـایم وارد کردی پس غیر آن را نمی شـناسم و غیر آن را نمی خـواهم از روی رضایت به آن و اکتفای به آن از هر چیزی که غیر آن است .

سپس بـا کتـابت که ذکر حکیم است بر من منت نهـادی و زبـانم را بـدان گویـا نمـودی و آن را نـور چشم من قراردادی، سـپس مرا بر معرفت پروردگـاری و عظمـت خـود و توانـایی ات در فرمـانروایی و پادشـاهی ات و کرم خـود در کارهـایت رهنمـون سـاختی و از آن بسـیار بـه من بخشـیدی، خدایا از تو می خواهم ای بخشـنده نعمت ها قبل از شایسته آن شویم، ای آغازگر به رحمت قبل از آن که درخواست کنیم هنگامی که قراردادی آنچه را که مرا بـدان کرامت بخشـیدی و آن را بر من منت نهادی در حالی که از سوی تو کامل و پیوسـته گشت و آن را بر خود واجب نمودی و اینکه هیـچ شک و سـستی و کوتاهی و تقصـیری اخلاص و صـداقت نیت و سـلامت باطن مرا آلوده نگرداند تا مرا به اخلاص برآن بمیرانی و مرا بر اجـابت رضـایت خود برانگیزانی و برای آن که آن را نور و حجت و حجابی قرار دادی و برای این که آن را مایه عـذاب من قرار ندادی با کوتاهی که از من بودی و سـستی در شـکرگزاری ام تا من و هرکس که از تو سرکشی کند و با امر تو مخالفت ورزد و تو را انکار نماید در جایگاهی مساوی در خشم تو قرارگیریم.

خـدایا ای سـرور من و مولـای من من بنـده گناهکار توام که به خطاهای خود اعتراف می کنم و به گناهان خویش اقرار دارم به سوی تو روی کردم و در درگاه تو اقامت کردم و برآنچه گناه کردم پشیمانم به نزد تو آمدم و اقرار می کنم به تمامی جنایت هایی که اعضایم کرده اند و از تـو مغفرت می جـویم و از تـو می خـواهم مرا نگاهـداری تـا به مثـل آن برنگردم به رحمتت امیـد دارم و به حسن عبـادت تو آرامش دارم و بر بخشش و کرم تو تکیه دارم و به حسن ظن تو اطمینان دارم و به رحمت تو که همه چیز را دربرگرفت پناه می جویم و فریاد می خواهم از تو بر طـاعتت یاری می جویم و امیـدم را از غیر تو می برم و از نیرو و قـدرت و توانایی به سـمت تو بیزاری می جویم و اقرار می کنم که نعمت های

من از آن توست در برابر تو خاضع ام و خاکسارم.

از خودم چیزی نمی شناسم جز آنچه به من بدی رساند و از تو جز آنچه مرا شاد کند نمی دانم ؛ زیرا تو به من نیکی کردی و زیبایی نمودی و نعمت دادی و بسیار عطاکردی و روزی دادی و فراوان کردی و بخشیدی و افزودی بدون آنکه با کرداری مستحق آن شوم و نه به دلیل چیزی از نعمت هایی که به من دادی بلکه از روی فضل و کرم تو بود من نعمت های تو را در معصیت تو به کار گرفتم و به رزق تو بر خشم تو قوت گرفتم و عمرم را در آنچه دوست نداری تباه کردم و این امر مانع آن نشد تا زشتی های کار مرا بپوشانی و نیکو و زیبا را از من آشکار کردی که تو سزاوار آن هستی و من شایسته آن نیستم و نعمت های در دستانم را فراوان کردی و این کار تو مانع از آن نشد تا در معصیت تو بیفزایم و افزودن بر معاصی سبب نشد تا پوشیدگی خود را ادامه دهی و دور کردن بلا از من و نیکی و کردار زیبا و نعمت دادن و افزودن تو پی در پی و چندین بار بود که به شماره در نمی آید و در هر چشم به هم زدن و لحظه و خواب وبیداری است من در معصیت های تو غوطه ورم، پوشیدگی تو بر من همیشگی است و نعمت هایت مرا فرا می گیرد و در تمامی حالات برمن فراوان است .

تو ای سرور من تو عادت به نعمت دادن داری و من عادت به گناهان و تو ای سرور من بهترین سرپرستان و من بدترین بندگان هستم، تو را می خوانم پس مرا اجابت می کنی، از تو درخواست می کنم پس مرا عطا می کنی و از تو طلب فزونی نمودم پس برمن افزودی و از تو خاموشی گزیدم و تو آغاز کردی و من شفیعی بزرگ تر کریم تر و بخشنده تر از تو نمی یابم.

خداوندا به خواسته ام به تو امید دارم و ای سرور من به درخواستم به تو روی می کنم و ای مولای من آرزویم را نزد تو می آورم، خدایا به تو می گویم از آنچه بدان آگاه تر از منی. پروردگارا فریاد خواهی من از توست و تو اطمینان و امید منی، به خواندن تو پناه می جویم و توسل من به حریم توست وبه محمد و خاندان او نزدیکی من است بدون آن که اجابت کنم یا استحقاقی برای اجابت تو دارم به گونه ای که دستم را به اطاعت تو دراز کنم یا گامم را از معصیت تو باز دارم یا از راندن تو پند گیرم یا از نهی تو دست بردارم، مگر پناه آوردن به توحید تو و روی آوردن به تو با محمد و خاندانش و چنگ زدن به آنان و معرفت تو به این است که بفهمم پروردگاری برای من جز تو نیست و فریاد رسی جز تو ندارم و روی آوردن به او در کتاب توست و امید من به وعده های لطیف تو و عفو کریمانه توست آن هنگام که ای سرور من به بندگان اسراف کار خود می گویی «ای بندگان من که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت، خدا همه گناهان را می آمرزد، که او خود آمرزنده مهربان است. و به جهت تفهیم و تکرار می گویی «و کسی جز خداوند گناهان را نمی بخشد» و بخشش وگستره فضل خود را به آنان می شناسانی، هنگامی که می گویی « از فضل خداوند مسألت کنید» و آن ها را از کرم وعطای خود خبر می سازی با این گفتار خود «و عطای پروردگارت منع نشده است» و آن ها را به دعای خود امر نمودی و اجابت خود را به آنان وعده می دهی و می گویی «مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را» و آن ها را به نزدیکی خود به دعای دعاکننده و اجابت خود خبر می دهی و گفتی «و هرگاه بندگان من، از تو درباره من بپرسند، من نزدیکم، و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می کنم، پس باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند.» و آن ها را بر مناجات نیک خود رهنمون شدی و آنچه بدان تو را می خوانند و گفتی «خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید، برای او نام های نیکوتر است».

از تو می خواهم ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان، ای صاحب شکوه و بزرگی، ای صاحب اسم های نیکو و مثل های والا ـ و نعمت ها و بزرگمنشی، با تو مناجات کردم در حالی که بر خودم ظلم نمودم و من به فضل تو نیازمندم و به گشایش تو حاجتمندم به آمرزش و عفو تو اطمینان دارم و به رحمت تو امید دارم از تو می خواهم خداوندا به تمای دعاهایی که برای یکی از پیامبران و رسولان و برگزیدگان و نزدیکان خود اجابت کردی و به آنچه در کتاب نازل شده خود بر پیامبرت محمد از آغاز تا پایان آن و در آن اسم اعظم و کلمات کل کامل توست و آنچه ترسیده می شود و امید می رود.

از تو می خواهم ای سرورمن بدان چه برخود سوگند خوردی و به رحمت و استجابت خود فراخواندی و نزدیکی خود را وعده دادی و عفو خود که به سوی آن فراخواندی و دعای خود که به آن امر نمودی و پذیرفتن توبه کسانی که به سوی تو بازگشتند، خداوندا از تو می خواهم

به تمامی دعایی که امیـدواری بـدان ها توسل جست و تو او را بدان چه امید داشت رساندی و فریاد زننده ای که به فریاد او رسـیدی و غم زده ای که بر آه او رحم کردی و گرفتـاری که از قلب او گشـایش ایجـاد کردی و بیمنـاک هراسـانی که ترس او را آرام کردی و نیازمنـدی که به فضـل خود نیـاز او را از بین بردی و فقیر ی که با بی نیازی و فراخی خود نیاز او را برطرف کردی و مبتلایی که عافیتت را به سـمت او هـدایت کردی، عافیتمنـدی که نعمتت را بر او کامل کردی و گناهکار خطاکاری که گناه و لغزش او را آمرزیـدی و لغزش او را چشم پوشـیدی و فتنه زده ای که نگـاه داشتی و زنـدانی در اسـارتی که رهـا کردی و گرفتـار خواسـته ای که حفظ کردی و اجر دادی و نگاه داشتی و دعا کننـده با گریه و زاری که دعـای او را مستجاب کردی و فریـاد خواه گرفتاری که او را یاری کردی و از او گره گشودی و چیره مغلوبی که او را پیروز گردانـدی و پناهنـده شـکست خورده ای که او را غـالب کردی و فرو مـایه ذلیلی که عزت بخشـیدی و غریب دوری که او را نزدیک کردی و ترسـان در انتظـاری که به فریـاد او رسـیدی و ترس و خـوف او را آرام گردانیـدی و ضـعیف زمین خورده ای که او را رفعت بخشـیدی و قوی کردی.

از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان او درود فرستی و بیامرزی و گناهانی که نعمت ها را تغییر می دهند و بیامرزی گناهانی که سبب عذاب می شونـد و بیـامرزی گناهـانی را که قسـمت هـا را حبس می کننـد و بیـامرزی گناهـانی که عصـمت را پاره می کنـد و بیامرزی گناهانی که مانع بخشـش می شوند و بیامرزی گناهانی که بلا را فرو می‌آورند و بیامرزی گناهانی که مانع دعا می شوندو بیامرزی گناهانی که نیستی را سرعت می بخشـد و بیـامرزی گناهانی که امیـد را قطع می کنـد و بیامرزی گناهانی را که سـختی را به جای می گـذارد و بیامرزی گناهانی که هوا را تاریک می کند و بیامرزی گناهانی که پرده را کنار می زند و بیامرزی برای من گناهانی که قطرات آسمان را حبس می کنند.

ای پناه هر پناه جو و ای امید هر امیدوار، مرا از شر آنچه قدر بر آن جاری می شود عافیت دار و ترسم را ایمن بدار و مرا به خودت نزدیک کن و مرا به دعـای خود موفق بـدار و اینچنین در حق پـدر و مـادر و همسـر و فرزنـدان و برادران دینی و خواهران و برادران مؤمن من و کسانی که تحت سرپرستی من هستند انجام ده گوش های قلبم را به یاد خود باز کن و خیر دنیا وآخرت را روزی ام گردان.

ای بهـترین آنکه در تنهـایی ام بـا او خلوت کردم، ای بهـترین کسـی که در درونـم بـا او مناجـات کردم، ای بهـترین کسـی که دیـده ام را به او دوختم و ای بهترین کسـی که با دسـتم به او اشاره کردم، ای بهترین کسی که دستم را به سوی او دراز کردم، ای بهتر از پدر و مادرم و تمامی مردم ای سـرور و امید من، این گناهکار خطاکار با حسن ظنی که به تو دارد دستش را به سوی تو دراز کرده است و کسی که بر خود ظلم می نمایـد در مقابـل تو نشسـته است در حـالی که به کردار ناشایسـتش اقرار دارد این ظالم در حق خویش دو دسـتش را به سوی تو دراز کرد این کسی که گناهان را تکرار می کند در برابر تو زانو زد از ترس روزی که مخلوقات در برابر تو زانو می زنند، هراسان نالان بیمناک از این که او را به عملش پاداش دهی یا شاهدی از خودش بر او برانگیزانی آن کسـی که می ترسد دست مبتلا به جنایت خویش را گردانده است در حالی که جرم خـود را از بنـدگان و کنیزان تـو پنهـان می دارد و گناهـان بزرگش را بر تـو عرضه می دارد آن مرتکب خطاهـا سـرش را بالاـ گرفت گناهکار به سوی تو اشاره کرد و با انگشـتش ناله کرد چشـمش را به سوی تو دوخت و اشـکش جاری گشت و زبانش به سخن آمد در حالی که طلب مفرت می کند پشیمان است توبه می کند از آنچه بر او شمردی .

ای سـرور من به تو پنـاه می آورم و از تو پنـاه می جویم پس بر محمـد و خانـدان محمـد درود فرست و پروردگـارا گناهـان مرا بیـامرز و آنچه چشمانم به آن نگریست و پایم به سمت آن گام برداشت و گوشم آن را نپوشید و پوستم در تماس با آن قرار گرفت بیامرز.

خـدایا طلب مغفرت می کنم از هر آنچه به دنبـال رضـای تو بودم و چیزی غیر آن بـا آن در آمیخت و طلب مغفرت می کنم از آنچه مرا از آن نهی کردی و من به آن روی آوردم به سـبب پیروی از خشـنودی بنـده ای از بندگانت یا کنیزی از کنیزانت و در معرض خشم تو قرار گرفتم و طلب مغفرت می کنم از آنچه به تو دادم و سـپس به آن وفـا نکردم و طلب مغفرت می کنم از آنچه بر آن اطلاع یافتی از قبیحی که در برابر تو انجام دادم و از خلق تو پنهان کردم طلب آمرزش می کنم، خداوندا از هر آنچه بر آن اطلاع یافتی از روی باطن و پلیدی درون در کوتاهی در بندگی تو و تسبیح و تقدیس تو خداوندا از تو طلب آمرزش می کنم از ظلم های فراوان میان من و بندگانت .

خدایا هر بنده ای از بندگانت یا کنیزی از کنیزانت که از جانب من ظلم و حقی باشد که به عهد ستم کرده باشد یا اشتباهی باشد که از من سرزده است تا اینکه به مال و بدن یا آبروی او رسید از ظلم و اثر سوء آن خارج نشدم مرد یا حضور نداشت یا حضور داشت و حلالیت نگرفتم و او را راضی نکردم پس بر محمد و خاندان او درود فرست او را از من به آنچه در نزد خودت است راضی کن به راستی که در نزد توست ای سرور من آنچه او را راضی می کنم و من ندارم چیزی که او را راضی گردانم ای سرور من حق خود را بر من ببخش و خلقت را از من راضی کن.

پروردگارا بر خود اسراف نمودم و در حق خویش کوتاهی کردم، روزگارم به کوتاهی در حق تو گذشت و چیزی ندارم تا برهانت را از خود دور کنم و نه چیزی که تلافی کنم آنچه از من کوتاهی شد، جز امید به عفو تو که در کتاب خود تاکید کردی آن جا که می گویی «ای بندگان من که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید از رحمت خدا نومید مشوید» بر محمد و خاندان محمد درور فرست و در باقی مانده عمرم سروری از عملم قرار ده که به واسطه آن به رضایت تو دست یابم و مستحق گذشت تو شوم.

ای شایسته تقوا و آمرزش، ای زیبنده عفو و گذشت، کسانی که نیکی بر آن ها پیشی گرفت آن ها از آن دور هستند به خاطر بخششی که بر آن ها داری نه به خاطر کردار آنان آن ها را به اطاعت خویش توفیق دادی و از معصیت خود دور کردی و راه نزدیک شان به خود را برای آنان آسان گرداندی و اگر یکی از آن ها نیستم پس به فضل خود مرا به آن ها وارد کن به راستی که تو پیدا می کنی کسی که او را بدبخت کنی و من نمی یابم کسی که مرا سعادتمند گرداند ای شایسته تقوا و آمرزش و ای زیبنده عفو و گذشت تو را معصیت نکردم به خاطر کوچک پنداشتن نهی تو، ولی به گذشت تو اطمینان دارم و از روی ترس تو را اطاعت کردم و مرا از تو نبرد مگر امید رسیدن به تو و اگر شتاب می کردی و مهلت نمی دادی رمنده ای از تو نمی رمید و نزاع ستیزه جو بیشتر نمی شد، ای بهترین مولا و پناهگاه و محل امن من، هیچ پناهی نیست مگر به اطاعت از تو و هیچ راهی به سوی تو وجود ندارد مگر به ترک معصیت تو پس بر محمد و خاندان او درود فرست و اطاعتت را بر من الهام کن و مرا از معصیت خود باز دار به راستی اگر مرا خوار کنی از هدایت باز می مانم و اگر مرا هدایت کنی کسی بر من ظلم نمی کند.

ای بهترین مولا و کسی که دارای اسم های نیکوست، غیر از تو راهی نیست و بی میلی به تو وجود ندارد، آنچه از تو خواستم یا مسالت نکردم به من عطا کن و مرا از آنچه به درگاه تو زاری می کنم باز نمی دارد و آنچه را که نمی فهمم تدبیر کن و پنهان نمی دارد از من آنچه را که مخفیانه با او در میان گذاشتم، سن من زیاد گشت و استخوانم سست شد و هر آنچه که محکم بود خوار گشت و هر آنچه داشتم از راست اندامی و عنفوان جوانی و زیبایی آن از دست دادم، پس بعد از گمراهی ام هدایتت را برمن فرود آر و در باقی مانده عمرم مرا از گناهان باز دار و از عمل اندک من و تلاش کم من راضی شو و بیافزا بر چیزی که اگر کرم تو نبود اندک بود و بپوشان بر چیزی که اگر عفو تو نبود از بین می رفت، و بالا بر به چیزی که هر کس از آن بالا رفت سعادتمند گشت، به راستی که من آن را نمی بینم اگر راهنمای من به سوی آن و خبر ده من بر آن نباشی.

خلوتت را نصیب من کن و مرا به عبادت مشغول ساز و آنچه که از روزهای مهلت من که گذشت برایم فراهم آر، اگر باقی مانده عمرم اندک باشد پس یک روز از روزهای اطاعت تو برای یک سال از سال های معصیت سود می رساند و گناهم را بپوشان به آنچه از تو درخواست نمی کنم و از معرفت آن بی نیازم و او نیست از جانب شما مگر از روی بخشش و تو آن را تیره نمی سازی وقتی که آن را می بخشی.

ای بهترین آنکه به سوی او ناله شد و توکل شد از عیب جویی شیاطین و بد گویی آن ها به تو پناه می برم که بعد از هدایت گمراه می کند و بعد از فهمیدن، تبدیل می سازد و مانع راه هدایت و تقوا می شود اجابت کن ای پروردگار جهانیان .

خدایا به راستی تو از من بی نیازی جستی و من به سوی تو نیازمند گشتم و من فقیر بی نوا درمانده توام که به رحمت تو نیاز دارم و تو بی نیاز از من و عذاب و شکنجه منی و من در معرض رحمت و رضایت تو قرار گرفتم و به آنچه نزد توست طمع ورزیدم ای خدا و مولای من پندارم

را به تو نیک کردم، ای سرورم طمع مرا نا امید مکن و ترسم را محقق مساز و من به بخشش و کرم و آمرزش تو پناه آوردم پس مرا نا امید و خسران زده بر مگردان و دعایم را مستجاب کن و به آرزویم برسان وتمام علایقم را سبب خشم من قرار ده، مگر آنچه پسندیدی و طاعت خود را رضایت من قرار ده هر چند مخالف باشد با آنچه دوست دارم بر اساس آنچه دوست داشتی و نا پسند شمردی تا اینکه در تمامی آنچه بدان امر نمودی مطیع و شنونده و فرمانبر تو گردم و از تمامی آنچه نهی کردی دوری کنم و به تمامی آنچه برایم حکم کردی راضی شوم و بر نعمت های تو سپاس گزار باشم و در تمامی حالات ذاکر تو باشم.

ای سرور من، مرا از آن جهت که حفاظت می کنم یا نمی کنم نگاه دار و از آنجا که مراقبت می کنم یا نمی کنم پاس دار و از آنجا که می پندارم یا نمی پندارم روزی ده و از آن جا که امید دارم یا ندارم روزی بخش و من و فرزندان و پدر و مادرم و برادرانم از مردان و زنان مؤمن در دنیا و آخرت با بی نیازی و عافیت و شکر بر آن بپوشان تا راضی شوی و بعد از رضایت، مرا نیازمند هیچ از یک مخلوقاتت قرار نده. به راستی ای سرورمن، تو اطمینان و امید و اعتماد و مولای من هستی و این جایگاه کسی است که در ادای حق تو اعتراف به تقصیر دارد و از فراوانی نعمت ها بر خودش برای تو گواهی دارد ای سرور من از فضل خود بر من ببخشای تا بر رحمت تو تکیه کنم و آن را نردبانی برگیرم و به سمت رضایت تو بالا روم و از عذاب تو ایمن گردم به راستی که تو هر آنچه خواهی حکم کنی و هر آنچه خواهی انجام دهی.

خدایا به راستی که من در حق خویش کوتاهی کردم و کردارم مختص خودم است و به گناهم اعتراف دارم، به خطایم اقرار دارم، کردارم مرا هلاک ساخت و علاقه ام مرا به نابودی کشاند و شهوت ها مرا به گناه وا داشت، ای سرور من از تو می خواهم همچون کسی که به تو ایمان می آورد و تو را یگانه دانست و به قدرت تو یقین کرد و رسولانت را تصدیق نمود و از عذابت ترسید و در رحمتت طمع ورزید درخواست کسی که نفسش سرگرم است به خاطر آرزوی طولانی اش و جسمش در غفلت است به خاطر آرامش رگ هایش و ذکرش اندک است از آنچه به سوی او می رود درخواست کسی که آرزو بر او غلبه کرده است و هوای نفس او را به فتنه کشاند و دنیا بر او چیره شد و اجل بر او سایه افکند درخواست کسی که گناهش بسیار گشت و به اشتباهش اعتراف کرد درخواست کسی که پروردگاری جز تو ندارد و سرپرستی برای او غیر تو نیست و نجات دهنده ای برای او وجود ندارد و پناهگاهی برای او نیست جز به سوی تو و جز تو سرپرستی ندارد.

خداوندا از تو می خواهم که قلب و پیشانی مرا بگیری و هر آنچه زمین از من در بر دارد به سوی محبت خود برگیری و هیچ کدام از آن را سبب دوری از خود و فاصله گرفتن قرار مده و از تو می خواهم ای پروردگار من که به محمد و خاندان او درود فرستی و ترس و بیم از خود را روزی ام گردانی و به آن دو مرا از غیر خود مشغول گردانی ترسی که بدان به بهشت و کرامت و بخشش تو دست یابم ترسی که به واسطه آن مرا خسته کنی و قلبم را مشغول گردانی جسمم را فرسوده کنی و رنگم را زرد گردانی و شبم را در راه رضای خود طولانی و چشم را بدان روشن کنی.

خدایا مرا از هر چیز به عبادت خود بی نیاز کن و با ترس خود مرا از دنیا بازدار و به رحمت خود خیر از کرامتت را به من عطا کن به سوی تو می گریزم و از تو به سوی تو فرار می کنم و بر رحمت و بخشش تو تکیه می کنم ای سرور من عفو تو را انتظار می کشم همانطور که گناهکاران در انتظارند و از رحمتت که نیکوکاران آن را توقع دارند نا امید نیستم.

خدایا ای سرور من و مولا و امید و انتهای آرزو و تکیه گاه من تو را به دعایی خواندم که آن را به من آموختی، پس مرا از پاداشی که آگاه کردی از نعمتت محروم مکن ای سرور من که مرا به فراخواندن نیک خود هدایت کنی و نعمت کامل این است که چرا ای ستوده خود را بر من واجب گردانی ای بهترین کسی که دعا کننده او را خواند و برترین کسی که امیدوار به او امید بست به ضمانت اسلام به تو توسل می جویم و به منزلت قرآن بر تو توکل می کنم و به محمد و خاندان او به تو نزدیکی می جویم ای سرور من پس بشناسان به من پیمانم را که بدان برآورده شدن حاجتم را امید داشتم.

خدایا تو را می خوانم خواندن اصرار کننده ای که از خواندن مولایش خسته نشود و به درگاه تو ناله می کنم همچون نالیدن کسی که بر

نفس خویش اقرار بـه حجت می کنـد پس بر محمـد و خانـدان او درود فرسـت و گنـاهم را بـا اعـتراف ببخش و چهره درخواستم را هنگـام بازگشت سیاه مگردان.

خدایا نفسم به سوی تو شتافت تا آن را مورد بخشش قرار دهی و دهان آرزوهایش را به سوی نگاهی از تو باز کرد که استحقاق آن را ندارد پس ای سرور من ببخش به تو هر آنچه را درخواست؛ زیرا آرزوی او از تو بخشش به چیزی است که درخواست کرد .

خدایا اگر تنها بر مطیعان امرت رحم کنی پس گناهکاران به سوی چه کسـی ناله کنند و اگر تنها وفاداران خود را گرامی بداری پس بدکاران از چه کسـی فریاد خواهی کنند خدای من به گناهانی دچار شدم که تو آن را می دانی، ای دانای نهان ها پس مرا به اطاعت خویش موفق بدار و از معصیت خود رها کن و مرا یا بنده مطیع خود قرار ده و ارام کن یا سرکش پس به من رحم کن.

خـدایا اگر مرا عـذاب کنی امیـد من مرا به پـاداش نیک تو نزدیک می گردانـد و اگر گـذشت کنی ای مولای من پس از روی فضل توست و چنان چه عذاب کنی از روی عدل توست ای کسـی که تنها فضل او امید می رود و تنها از عدل او هراسیده می شود به فضل خود بر ما منت نه و نهایت تلاش خود را در جاری ساختن عـدلت بر ما قرار مـده. خـدایا تو را سـپاس گفتم بدانچه تو سـزاوار آن هستی و به یاری تو بر ثنای تو قادر گشـتم و بر نفسم اقرار نمودم به آنچه سـزاوار آن هسـتم و شایسـتگی آن را دارم به اندازه فساد نست و ضعف یقینم. خدایا بهترین خدا تو هستی و بـدترین بنـده من هسـتم، بهترین پروردگار تو هستی و بـدترین پرورده شـده من هسـتم، بهترین مولا تویی و بـدترین مملوک منم گناه کردم و تو از گناهم گذشتی و جرم نمودم و تو جرمم را بخشیدی و اشتباه کردم و تو مرا مواخذه نکردی و از روی عمد گناه کردم و تو از من گـذشتی و لغزیـدم و آن را پوشانـدی و بـدی کردم وتو درنـگ کردی من ظـالم خطاکـار معترف به گنـاه و اقرار کننـده به اشـتباهم هسـتم ای آمرزنده گناهان.

امروز از تـو برای گنـاهم طلب آمرزش می کنـم و می خـواهم که از لغزشم چشم بپوشـی برای آنچه از تکـبر و گردنکشـی که در آن بـودم و راضـی گشـتم به آنچه مرا به سـمت آن گرداندی و هرچند ضـرر مرا آسیب رساند و فقر مرا خوار کرد و بلا به من رسید و به راستی که آن از خشم تو بر من است پس پناه می برم از خشم تو به رضایت تو ای سـرور من اگر خواستی مرا امتحان کنی پس ضعفم و چاره اندکم را شناختی زیرا گفتی«به راستی که انسان سـخت آزمند خلق شده است چون صدمه ای به او رسد عجز و لابه کند و چون خیری به او رسد بخل ورزد». و گفتی: «امّـا انسـان، هنگـامی که پروردگارش وی را می آزمایـد، و عزیزش می دارد و نعمت فراوان به او می دهـد، می گویـد: پروردگارم مرا گرامی داشـته است». و گفـتی «و امّـا چـون وی را می آزمایـد و روزی اش را بر او تنـگ می گردانـد، می گویـد: پروردگـارم مرا خوار کرده است.» و گفتی « حقّاً که انسان سرکشـی می کند همین که خود را بی نیاز پندارد» و گفتی «و چون انسان را آسیبی رسد، ما را به پهلو خوابیده یا نشسـته یا ایستاده می خواند، و چون گرفتاریش را برطرف کنیم چنان می رود که گویی ما را برای گرفتاریی که به او رسیده، نخوانده است» و گفتی« و چون به انسان آسیبی رسد، پروردگارش را در حالی که به سوی او بازگشت کننده است می خواند سپس چون او را از جانب خود نعمتی عطـا کنـد، آن را که در رفعِ آن پیشتر به درگـاه او دعـا می کرد، فراموش می نمایـد» و گفتی «و انسـان خیر را فرامی خوانـد، بـد را می خواند و انسان همواره شتابزده است».

راست گفتی و نیکی کردی ای سـرور من این ها صـفاتی از من هسـتند که از آن ها آگاهم ای مولای من تقـدیر تو در من جاری گشت و مرا وعـده نیـک دادی که تو را بخوانم و تو مرا اجابت نمـایی و من تو را می خوانم همـانطور که مرا امر کردی پس مرا اجـابت کن همانگونه که وعـده دادی و نعمتت را بر من بـازگردان و مرا از آنچه در آن هسـتم به بهتر از آن تغییر ده تـا اینکه برسم به آنچه رضایت تو در آن است و به آنچه نزد توست دست یابم که برای دوستانت آماده کردی به راستی که تو شنوای دانایی.

**[ترجمه]

«۴۴»

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءٌ عَظِيمُ الشَّأْنِ وَجَدْتُهُ مَرْوِيّاً عَنْ مَوْلَانَا الصَّادِقِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَا تُطْلِعُوا هَذَا الدُّعَاءَ وَ التَّسْبِيحَ إِلَّا مَنِ اجْتَمَعَتْ فِيهِ خَمْسَهُ خِصَالٍ الْهُدَى وَ التُّقَى وَ الْوَرَعُ وَ الصِّيَانَهُ وَ الزُّهْدُ وَ لَا تُعَلِّمُوهَا سُفَهَاءَكُمْ إِنَّهُ مَنْ قَالَ فِي عُمُرِهِ هَذَا الدُّعَاءَ مَرَّهً وَاحِدَهً كَانَ لَهُ ثَوَابُ

ص: ۴۴۱

مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْمَلَائِكَهِ وَ بَنِی آدَمَ وَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ سُكَّانِ الْبِحَارِ وَ الْجَنَّهِ وَ النَّارِ وَ الْعَرْشِ وَ الْكُرْسِيِّ وَ مَا فِيهِنَّ وَ الْأَرْضِ وَ مَا فِيهَا وَ مَا عَلَيْهَا وَ كَانَ فِی أَمَانِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَی أَنْ يَلْقَاهُ اللَّهُ فَإِنْ زَادَ عَلَی مَرَّهٍ فَقَدِ انْقَطَعَ عِلْمُ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ عَلَی وَصْفِ ثَوَابِ ذَلِكَ فَإِنْ قَالَهَا كُلَّ جُمُعَهٍ مَرَّهً كُتِبَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْآمِنِينَ الَّذِينَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ فَإِنْ قَالَ ذَلِكَ فِی كُلِّ يَوْمٍ مَرَّهً مَشَی عَلَی الْأَرْضِ مَغْفُوراً لَهُ وَ هُوَ هَذَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِمَا هَلَّلَ اللَّهُ بِهِ نَفْسَهُ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِمَا هَلَّلَهُ بِهِ خَلْقُهُ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ بِمَا كَبَّرَهُ بِهِ خَلْقُهُ وَ سُبْحَانَ اللَّهُ بِمَا سَبَّحَهُ بِهِ خَلْقُهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَا حَمَّدَهُ بِهِ عَرْشُهُ وَ مَنْ تَحْتَهُ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِمَا هَلَّلَهُ بِهِ عَرْشُهُ وَ مَنْ تَحْتَهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ بِمَا كَبَّرَهُ بِهِ عَرْشُهُ وَ مَنْ تَحْتَهُ وَ سُبْحَانَ اللَّهُ بِمَا سَبَّحَهُ بِهِ عَرْشُهُ وَ مَنْ تَحْتَهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَا حَمَّدَهُ سَمَاوَاتُهُ وَ أَرْضُهُ وَ مَنْ فِيهِنَّ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ بِمَا كَبَّرَهُ بِهِ سَمَاوَاتُهُ وَ أَرْضُهُ وَ مَنْ فِيهِنَّ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بِمَا سَبَّحَهُ بِهِ مَلَائِكَتُهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ بِمَا كَبَّرَهُ بِهِ مَلَائِكَتُهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَا حَمَّدَهُ بِهِ عَرْشُهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ بِمَا كَبَّرَهُ بِهِ كُرْسِيُّهُ وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَا حَمَّدَهُ بِهِ بِحَارُهُ وَ مَا فِيهِنَّ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِمَا هَلَّلَهُ بِهِ بِحَارُهُ وَ مَا فِيهَا وَ اللَّهُ أَكْبَرُ بِمَا كَبَّرَهُ بِهِ بِحَارُهُ وَ مَا فِيهَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَا حَمَّدَهُ بِهِ الْآخِرَهُ وَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِمَا هَلَّلَهُ بِهِ الْآخِرَهُ وَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا وَ اللَّهُ أَكْبَرُ بِمَا كَبَّرَهُ بِهِ الْآخِرَهُ وَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بِمَا سَبَّحَهُ بِهِ أَهْلُ الْآخِرَهِ وَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ مَبْلَغَ رِضَاهُ وَ زِنَهَ عَرْشِهِ وَ مُنْتَهَی رِضَاهُ وَ مَا لَا يَعْدِلُهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ قَبْلَ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ مَعَ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ عَدَدَ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ قَبْلَ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ مَعَ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ عَدَدَ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ آيَاتِهِ وَ أَسْمَائِهِ وَ مِلْ ءَ جَنَّتِهِ وَ نَارِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ آيَاتِهِ وَ أَسْمَائِهِ وَ مِلْ ءَ جَنَّتِهِ وَ نَارِهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ عَدَدَ آيَاتِهِ وَ أَسْمَائِهِ وَ مِلْ ءَ جَنَّتِهِ وَ نَارِهِ

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ جُمْلَةً لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَ لَا بِقُوَّةٍ وَ لَا بِحِسَابٍ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ جُمْلَةً لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَ لَا بِقُوَّةٍ وَ لَا بِحِسَابٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ النُّجُومِ وَ الْمِيَاهِ وَ الْأَشْجَارِ وَ الشَّعْرِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ النُّجُومِ وَ الْمِيَاهِ وَ الشَّعْرِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ الْحَصَى وَ النَّوَى وَ التُّرَابِ وَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ عَدَدَ الْحَصَى وَ النَّوَى وَ التُّرَابِ وَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ الْحَصَى وَ النَّوَى وَ التُّرَابِ وَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْداً لَا يَكُونُ بَعْدَهُ فِي عِلْمِهِ حَمْدٌ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَهْلِيلًا لَا يَكُونُ بَعْدَهُ فِي عِلْمِهِ تَهْلِيلٌ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ تَكْبِيراً لَا يَكُونُ بَعْدَهُ فِي عِلْمِهِ تَكْبِيرٌ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ تَسْبِيحاً لَا يَكُونُ بَعْدَهُ فِي عِلْمِهِ تَسْبِيحٌ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ أَبَدَ الْأَبَدِ وَ بَعْدَ الْأَبَدِ وَ قَبْلَ الْأَبَدِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ أَبَدَ الْأَبَدِ وَ بَعْدَ الْأَبَدِ وَ قَبْلَ الْأَبَدِ سُبْحَانَ اللَّهِ أَبَدَ الْأَبَدِ وَ بَعْدَ الْأَبَدِ وَ قَبْلَ الْأَبَدِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ هَذَا وَ أَضْعَافِهِ وَ أَمْثَالِهِ وَ ذَلِكَ لِلَّهِ قَلِيلٌ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ عَدَدَ هَذَا وَ أَضْعَافِهِ وَ أَمْثَالِهِ وَ ذَلِكَ لِلَّهِ قَلِيلٌ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ عَدَدَ هَذَا كُلِّهِ وَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ عَدَدَ هَذَا كُلِّهِ وَ أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مِنْ كُلِّ خَطِيئَةٍ ارْتَكَبْتُهَا وَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ عَمِلْتُهُ وَ لِكُلِّ فَاحِشَةٍ سَبَقَتْ مِنِّي عَدَدَ هَذَا كُلِّهِ وَ مُنْتَهَا عِلْمِهِ وَ رِضَاهُ يَا اللَّهُ الْمُعِينُ الْخَالِقُ الْعَلِيمُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ يَا اللَّهُ الْجَمِيلُ الْجَلِيلُ يَا اللَّهُ الرَّبُّ الْكَرِيمُ يَا اللَّهُ الْمُبْدِئُ الْمُعِيدُ يَا اللَّهُ الْوَاسِعُ الْعَلِيمُ يَا اللَّهُ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ يَا اللَّهُ الْعَلِيمُ الْقَدِيمُ يَا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْكَرِيمُ يَا اللَّهُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ يَا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْجَلِيلُ يَا اللَّهُ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ يَا اللَّهُ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ يَا اللَّهُ الْقَرِيبُ الْمُجِيبُ يَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ يَا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ يَا اللَّهُ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ يَا اللَّهُ الْغَفُورُ الشَّكُورُ يَا اللَّهُ الرَّاضِي بِالْيَسِيرِ يَا اللَّهُ السَّاتِرُ بِالْقَبِيحِ يَا اللَّهُ الْمُعْطِي الْجَزِيلَ يَا اللَّهُ الْغَافِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ يَا اللَّهُ الْفَعَّالُ لِمَا يُرِيدُ يَا اللَّهُ الْجَبَّارُ الْمُتَجَبِّرُ يَا اللَّهُ الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ يَا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْمُتَعَظِّمُ يَا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْمُتَعَالِي يَا اللَّهُ الرَّفِيعُ الْمَنِيعُ يَا اللَّهُ الْقَائِمُ الدَّائِمُ يَا اللَّهُ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ يَا اللَّهُ الْقَاهِرُ يَا اللَّهُ الْمُعَافِي يَا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْمَاجِدُ يَا اللَّهُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ يَا اللَّهُ الْخَالِقُ الرَّازِقُ يَا اللَّهُ الْبَاعِثُ الْوَارِثُ

يَا اللَّهُ الْمُنْعِمُ الْمُفْضِلُ يَا اللَّهُ الْمُحْسِنُ الْمُجْمِلُ يَا اللَّهُ الطَّالِبُ الْمُدْرِكُ يَا اللَّهُ الْمُنْتَهَى الرَّغْبَهِ مِنَ الرَّاغِبِينَ يَا اللَّهُ جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ يَا اللَّهُ يَا أَقْرَبَ الْمُحْسِنِينَ يَا اللَّهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا اللَّهُ غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا اللَّهُ مُعْطِيَ السَّائِلِينَ يَا اللَّهُ الْمُنَفِّسَ عَنِ الْمَهْمُومِينَ يَا اللَّهُ الْمُفَرِّجَ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ يَا اللَّهُ الْمُفَرِّجَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ يَا اللَّهُ النُّورُ مِنْكَ النُّورُ يَا اللَّهُ الْخَيْرُ مِنْ عِنْدِكَ الْخَيْرُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الْبَالِغَهُ الْمُبَلَّغَهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الْعَزِيزَهِ الْحَكِيمَهِ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الرَّضِيَّهِ الرَّفِيعَهِ الشَّرِيفَهِ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الْمَخْزُونَهِ الْمَكْنُونَهِ التَّامَّهِ الْجَزِيلَهِ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ أَسْأَلُكَ بِمَا هُوَ رِضًى لَكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ قَبْلَ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ عَدَدَ كُلِّ شَيْ ءٍ صَلَاهً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ وَ بِعَدَدِ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُكَ وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ لَا مَا أَنَا أَهْلُهُ وَ أَسْأَلُكَ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

**[ترجمه]و از این جمله: دعای عظیم الشان از امام صادق علیه السلام به نام خداوند بخشنده مهربان امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی را بر این دعا و تسبیح آگاه نکنید مگر این که پنج خصلت را داشته باشد هدایت، تقوا ، ورع ، امانت داری و زهد و آن را به کم خردان نیاموزید. هر کس در عمر خود یک بار این دعا را بخواند ثواب آفریدگان خدا از ملایکه و فرزندان آدم و جنیان و انسان ها و ساکنان دریاها و بهشت و دوزخ و عرش و کرسی و آنچه در آن هاست و زمین و آنچه در آن است و آنچه بر آن قرار دارد برای اوست و در پناه خداوند عزوجل است تا اینکه خدا را ملاقات کند اگر بیشتر از یک بار بخواند اهل آسمان ها و زمین از جنیان و انسان ها از وصف ثواب آن عاجزند و اگر هر جمعه بخواند خداوند او را از ایمنی یافتگان قرار دهد که هیچ ترسی ندارند و اندوهگین نمی شوند و اگر هر روز بخواند همین که بر زمین گام بر دارد آمرزیده شود و دعا این است:

به نام خداوند بخشنده مهربان خدایی جز خدای یکتا نیست سپس خدایی جز خدای یکتا نیست به آنچه خداوند خود را بدان به یگانگی یاد کرد و خدایی جز خدای یگانه نیست به آنچه مخلوقاتش او را به یگانگی یاد کردند و خدایی جز خدای یگانه نیست و خدا بزرگ است به آنچه خلقش او را بزرگ دارند و پاک است خدا به آنچه مخلوقش او را بدان تسبیح گویند و سپاس از خداست به آنچه عرش او و هر آنچه زیر آن است او را سپاس گوید و خدایی جز خدای یگانه نیست به آنچه عرش او و زیر آن او را به یگانگی یاد کنند و خدا بزرگ است به آنچه عرش او و زیر آن او را به بزرگی دارند و پاک است خدا به آنچه عرش و زیر ان او را تسبیح گویند.

و سپاس از آن خداست به آنچه آسمان ها و زمین و هر آنکه در آن هاست او را سپاس گوید و خدا بزرگ است به آنچه آسمان ها و زمین و هر آن که میان آن هاست او را بزرگ دارد و پاک است خدا به آنچه فرشتگانش او را تسبیح گویند و خدا بزرگ است به آنچه فرشتگان او را بزرگ نمایند .

سپاس خدا راست به آنچه عرش او را بدان سپاس گوید و خدا بزرگ است به آنچه کرسی اش او را بزرگ دارد و علمش او را احاطه کرد و سپاس مخصوص خداست به آنچه دریاها و آنچه در آن هاست او را سپاس گویند و خدایی جز خدای یگانه نیست آنچه در دریاها و آنچه در آن هاست او را به یگانگی یاد کردند و خدا بزرگ است به آنچه دریاها و آنچه در آن است او را بزرگ داشتند.

سپاس مخصوص خداست به آنچه آخرت و دنیا و هر آنچه در آن دوست او را سپاس گفتند و خدایی جز خدای یگانه نیست به آنچه آخرت و دنیا و آنچه در آن دوست او را به یگانگی یاد کردند و خدا بزرگ است به آنچه دنیا و آخرت و آنچه در آن دوست او را بزرگ داشتند و پاک است خدا به آنچه اهل آخرت و دنیا و آنچه در آن هاست او را تسبیح گفت.

سپاس خدا راست به میزان رضایت او و سنگینی عرش و نهایت رضایتش و آنچه برابری نداشته باشد و سپاس خدا قبل از هر چیز و همراه هر چیز و به تعداد هر چیز و پاک است خدا قبل از هر چیز و همراه هر چیز و به تعداد هر چیز و سپاس خدا راست به تعداد نشاه ها و نام ها و آکندگی بهشت و جهنم او خدایی جز خدا یگانه نیست به تعداد آیات و نام ها و آکندگی بهشت و جهنم او. خدا بزرگ است به تعداد آیات و نام ها و آکندگی بهشت و جهنم او.

و سپاس خدا راست که به ارقام و نیرو و حساب به شماره نیاید و پاک است خدا و بزرگ است خدا که به رقم و توان و حساب به شماره نیاید و سپاس خدا راست به تعداد ستارگان و آب ها و درختان و مو و خدایی جز خدای یگانه نیست به تعداد ستارگان و آب ها و مو وسپاس از آن خداست به تعداد سنگریزه و هسته و خاک و جن و انسان و خدا بزرگ است به تعداد سنگریزه و هسته و خاک و جن و انسان خدا پاک است به تعداد سنگریزه و هسته و خاک و جن و انسان.

و سپاس خدا را سپاسی که بعد از آن در علم او حمدی وجود نداشته باشد و خدایی جز خدای یگانه نیست تهلیلی که بعد از آن در علم او تهلیلی نباشد و خدا بزرگ است تکبیری که پس از آن در علم او تکبیری وجود نداشته باشد و پاک است خدا که بعد از آن در علم او تسبیحی وجود نداشته باشد .

سپاس خدا راست همیشه برای ابد و بعد از ابد و قبل از ابد و خدا بزرگ است همیشه برای ابد و بعد از ابد و قبل از ابد خدا منزه است همیشه برای ابد و بعد از ابد و قبل از ابد و سپاس خدا راست به تعداد این و چند برابر آن و مانند آن و آن برای خدا اندک است [و خدا بزرگ است به تعداد این و چند برابر آن و مثل آن و آن برای خدا اندک است] و هیچ نیرو وقدرتی جز خدا وجود ندارد به تعداد تمامی این و طلب آمرزش میکنم از خدایی که زنده و پاینده است و جز او خدایی وجود ندارد به تعداد این.به سوی خدا توبه می کنم از هر اشتباهی که مرتکب شدم و هر گناهی که کردم و هر عمل زشتی که از من سر زد به تعداد این و نهایت علم و رضایت او.

ای خدای کمک کننده آفریننده دانا شکست ناپذیر چیره متکبر، پاک است خدا از آنچه شرک می ورزند ای خدای زیبای شکوهمند، ای خدا ای پروردگار کریم، ای خدا ای آغازگر بازگرداننده، ای خدا گسترده دانا، ای خدا ای مهربان بخشنده، ای خدا ای دانای دیرینه، ای خدا ای با عظمت کریم، ای خدا ای آگاه، ای خدا ای با عظمت شکوهمند، ای خدا ای قدرتمند امانت دار، ای خدا ای بی نیاز ستوده، ای خدا ای نزدیک اجابت کننده، ای خدا ای شکست ناپذیر حکیم، ای خدا ای بردبار کریم، ای خدا ای مهربان رحم کننده، ای خدا ای آمرزشگر سپاس گزار، ای خدا ای راضی به اندک، ای خدا ای پوشاننده زشتی ها، ای خدا ای بخشنده فراوان، ای خدا ای آمرزنده گناه بزرگ، ای خدا ای انجام دهنده به آنچه خواهد، ای خدا ای چیره غلبه کننده، ای خدا ای بزرگ بزرگمنش، ای خدا ای عظیم با عظمت، ای خدا ای والای بلند مرتبه، ای خدا ای بلند استوار، ای خدا ای به پا دارنده همیشگی، ای خدا ای توانای مقتدر، ای خدا ای چیره، ای خدای عافیت بخش، ای خدای یگانه ستوده، ای خدای قبض کننده بسط دهنده، ای خدا آفریننده روزی رسان، ای خدای برانگیزاننده وارث، ای خدای نعمت دهنده فزونی بخش، ای خدای نیکوکار زیبا کردار، ای خدای خواهنده درک کننده.

ای خدا ای نهایت آرزو از گرایندگان، ای خدا ای پناه پناه جویان، ای خدا ای نزدیک ترین نیکوکاران، ای خدا ای مهربان ترین مهربانان، ای خدا فریاد خواهان، ای خدا ای عطا کننده درخواست کنندگان، ای خدا ای راحتی بخش از اندوهناکان، ای خدا ای گشاینده گرفتاران، ای خدا ای زداینده اندوه بزرگ، ای خدا ای نور پادشاه نور، ای خدا خیر در نزد تو خیر است، ای خدا ای بخشنده از تو می خواهم به نام های رسا و رساننده، ای خدا ای بخشنده از تو می خواهم به نام های شکست ناپذیر حکیم، ای خدا ای بخشاینده از تو می خواهم به نام های پسندیده والای شریف، ای خدا ای بخشنده از تو می خواهم به نام های پنهان در امان کامل فراوان، ای خدا ای بخشاینده از تو می خواهم به آنچه مورد رضایت توست ای خدا ای بخشاینده.

از تو می خواهم بر محمد و خاندان او درود فرستی قبل از هر چیز و به تعداد هر چیز درودی که جز تو بر شمارش آن توان نباشد و به تعداد آنچه کتابت به شماره در آورد و علمت به آن احاطه کند و در حق ما آنچه کنی سزاوار آنی نه آنچه که من شایسته آن هستم و از حاجات دنیا و آخرت خویش را می خواهم انشاء الله و درود و سلام بر محمد و خاندان او .

**[ترجمه]

باب ۱۳۰ فی ذکر بعض الأدعیه المستجابات و الدعاء بعد ما استجاب الدعاء و ما یناسب ذلک

الأخبار

أقول

أخبار هذا الباب و أدعيته كثيره و بعضها مذكور فی الأبواب السابقه و لنذكر هنا طرفا منها أيضا.

**[ترجمه]روايت‌ها و دعاهای اين باب بسيار است و پاره‌ای از آن در باب‌های پيشين ذكر شد و در اينجا گوشه‌ای از آن را ذكر می‌كنيم.

**[ترجمه]

«۱»

ق، [الكتاب العتيق الغروی] دُعَاءٌ مُسْتَجَابٌ يُرْوَى أَنَّهُ لِمَوْلَانَا أَبِی إِبْرَاهِيمَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الصَّادِقِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: مَا دَعَا بِهِ مَغْمُومٌ إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ وَ لَا مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفَّسَ اللَّهُ عَنْهُ كَرْبَهُ وَ وُقِیَ عَذَابَ الْقَبْرِ وَ وُسِّعَ فِی رِزْقِهِ وَ حُشِرَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ فِی زُمْرَهِ الصِّدِّيقِينَ

ص: ۴۴۴

وَ الشُّهَدَاءِ وَ كَانَ لَهُ مِنَ الثَّوَابِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَدَدَ مَنْ يَدْعُو اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ لَا يَسْأَلُهُ شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ وَ غَفَرَ لَهُ كُلَّ ذَنْبٍ وَ لَوْ كَانَتْ ذُنُوبُهُ مِثْلَ رَمْلِ عَالِجٍ بِهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ أُثْنِي عَلَيْكَ وَ مَا عَسَى أَنْ يَبْلُغَ مِنْ ثَنَائِي عَلَيْكَ وَ مَجْدِكَ مَعَ قِلَّهِ عَمَلِي وَ قِصَرِ ثَنَائِي وَ أَنْتَ الْخَالِقُ وَ أَنَا الْمَخْلُوقُ وَ أَنْتَ الرَّازِقُ وَ أَنَا الْمَرْزُوقُ وَ أَنْتَ الرَّبُّ وَ أَنَا الْمَرْبُوبُ وَ أَنَا الضَّعِيفُ إِلَيْكَ وَ أَنْتَ الْقَوِيُّ وَ أَنَا السَّائِلُ وَ أَنْتَ الْغَنِيُّ لَا يَزُولُ مُلْكُكَ وَ لَا يَبِيدُ عِزُّكَ وَ لَا تَمُوتُ وَ أَنَا خَلْقٌ أَمُوتُ وَ أَزُولُ وَ أَفْنَى وَ أَنْتَ الصَّمَدُ الَّذِي لَا يُطْعَمُ وَ الْفَرْدُ الْوَاحِدُ بِغَيْرِ شَبِيهٍ وَ الدَّائِمُ بِلَا مُدَّهٍ وَ الْبَاقِي إِلَى غَيْرِ غَايَهٍ وَ الْمُتَوَحِّدُ بِالْقُدْرَهِ وَ الْغَالِبُ عَلَى الْأُمُورِ بِلَا زَوَالٍ وَ لَا فَنَاءٍ تُعْطِي مَنْ تَشَاءُ كَمَا تَشَاءُ الْمَعْبُودُ بِالْعُبُودِيَّهِ وَ الْمَحْمُودُ بِالنِّعَمِ الْمَرْهُوبُ بِالنِّقَمِ حَيٌّ لَا يَمُوتُ صَمَدٌ لَا يَطْعُمُ وَ قَيُّومٌ لَا يَنَامُ وَ جَبَّارٌ لَا يَظْلِمُ وَ مُحْتَجِبٌ لَا يُرَى سَمِيعٌ لَا يَشُكُّ بَصِيرٌ لَا يَرْتَابُ غَنِيٌّ لَا يَحْتَاجُ عَالِمٌ لَا يَجْهَلُ خَبِيرٌ لَا يَذْهَلُ ابْتَدَأْتَ الْمَجْدَ بِالْعِزِّ وَ تَعَطَّفْتَ الْفَخْرَ بِالْكِبْرِيَاءِ وَ تَجَلَّلْتَ الْبَهَاءَ بِالْمَهَابَهِ وَ الْجَمَالِ وَ النُّورِ وَ اسْتَشْعَرْتَ الْعَظَمَهَ بِالسُّلْطَانِ الشَّامِخِ وَ الْعِزِّ الْبَاذِخِ وَ الْمُلْكِ الظَّاهِرِ وَ الشَّرَفِ الْقَاهِرِ وَ الْكَرَمِ الْفَاخِرِ وَ النُّورِ السَّاطِعِ وَ الْآلَاءِ الْمُتَظَاهِرَهِ وَ الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى وَ النِّعَمِ السَّابِغَهِ وَ الْمِنَنِ الْمُتَقَدِّمَهِ وَ الرَّحْمَهِ الْوَاسِعَهِ كُنْتَ إِذْ لَمْ يَكُنْ شَيْ ءٌ فَكَانَ عَرْشُكَ عَلَى الْمَاءِ إِذْ لَا أَرْضٌ مَدْحِيَّهٌ وَ لَا سَمَاءٌ مَبْنِيَّهٌ وَ لَا شَمْسٌ يُضِي ءُ وَ لَا قَمَرٌ يَجْرِي وَ لَا نَجْمٌ يَسْرِي وَ لَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ وَ لَا سَحَابَهٌ مُنْشَأَهٌ وَ لَا دُنْيَا مَعْلُومَهٌ وَ لَا آخِرَهٌ مَفْهُومَهٌ وَ تَبْقَى وَحْدَكَ وَحْدَكَ كَمَا كُنْتَ وَحْدَكَ عَلِمْتَ مَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ وَ حَفِظْتَ مَا كَانَ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ لَا مُنْتَهَى لِنِعْمَتِكَ نَفَذَ عِلْمُكَ فِيمَا تُرِيدُ وَ مَا تَشَاءُ مِنْ تَبْدِيلِ الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتِ وَ مَا ذَرَأْتَ فِيهِنَّ وَ خَلَقْتَ وَ بَرَأْتَ مِنْ شَيْ ءٍ وَ أَنْتَ تَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ أَنْتَ اللَّهُ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ

اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ الْفَرْدُ الصَّمَدُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ بَدِيعُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ عِزُّكَ عَزِيزٌ وَ جارُكَ مَنِيعٌ وَ أَمْرُكَ غالِبٌ وَ أَنْتَ مَلِكٌ قاهِرٌ عَزِيزٌ فاخِرٌ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَوْتَ فِي الْمَلَكُوتِ وَ اسْتَتَرْتَ بِالْجَبَرُوتِ وَ حارَتْ أَبْصارُ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ ذَهَلَتْ عُقُولُهُمْ فِي فِكْرِ عَظَمَتِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تَرَى مِنْ بُعْدِ ارْتِفَاعِكَ وَ عُلُوِ مَكَانِكَ مَا تَحْتَ الثَّرَى وَ مُنْتَهَى الْأَرَضِينَ السُّفْلَى مِنْ عِلْمِ الْآخِرَهِ وَ الْأُولَى وَ الظُّلُمَاتِ وَ الْهَوَى وَ تَرَى بَثَّ الذَّرِّ فِي الثَّرَى وَ تَرَى قِوَامَ النَّمْلِ عَلَى الصَّفَا وَ تَسْمَعُ خَفَقَانَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ وَ تَعْلَمُ تَقَلُّبَ التَّيَّارِ فِي الْمَاءِ تُعْطِي السَّائِلَ وَ تَنْصُرُ الْمَظْلُومَ وَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَ تُؤْمِنُ الْخَائِفَ وَ تَهْدِي السَّبِيلَ وَ تَجْبُرُ الْكَسِيرَ وَ تُغْنِي الْفَقِيرَ قَضَاؤُكَ فَصْلٌ وَ حُكْمُكَ عَدْلٌ وَ أَمْرُكَ حَزْمٌ وَ وَعْدُكَ صِدْقٌ وَ مَشِيَّتُكَ عَزِيزَهٌ وَ قَوْلُكَ حَقٌّ وَ كَلَامُكَ نُورٌ وَ طَاعَتُكَ نَجَاهٌ لَيْسَ لَكَ فِي الْخَلْقِ شَرِيكٌ وَ لَوْ كَانَ لَكَ شَرِيكٌ لَتَشَابَهَ عَلَيْنَا وَ لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَ لَعَلَا عُلُوّاً كَبِيراً جَلَّ قَدْرُكَ عَنْ مُجَاوَرَهِ الشُّرَكَاءِ وَ تَعَالَيْتَ عَنْ مُخَالَطَهِ الْخُلَطَاءِ وَ تَقَدَّسْتَ مِنْ مُلَامَسَهِ النِّسَاءِ فَلَا وَلَدٌ لَكَ وَ لَا وَالِدٌ كَذَلِكَ وَصَفْتَ نَفْسَكَ فِي كِتَابِكَ الْمَكْنُونِ الْمُطَهَّرِ الْمُنْزَلِ الْبُرْهَانِ الْمُضِي ءِ الَّذِي أُنْزِلَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله نَبِيِّ الْهُدَى نَبِيِّ الرَّحْمَهِ الْقُرَشِيِّ الزَّكِيِّ التَّقِيِّ النَّقِيِّ الْأَبْطَحِيِّ الْمُضَرِيِّ الْهَاشِمِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ رَحَّمَ وَ كَرَّمَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ذَلَّ كُلُّ عَزِيزٍ لِعِزَّتِكَ وَ صَغُرَتْ كُلُّ عَظَمَهٍ لِعَظَمَتِكَ لَا يُفْزِعُكَ لَيْلٌ دَامِسٌ وَ لَا قَلْبٌ هَاجِسٌ وَ لَا جَبَلٌ بَاذِخٌ وَ لَا عُلُوٌّ شَامِخٌ وَ لَا سَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ وَ لَا بِحَارٌ ذَاتُ أَمْوَاجٍ وَ لَا حُجُبٌ ذَاتُ إِرْتَاجٍ وَ لَا أَرْضٌ ذَاتُ فِجَاجٍ وَ لَا لَيْلٌ دَاجٍ وَ لَا ظُلَمٌ ذَاتُ أَدْعَاجٍ وَ لَا سَهْلٌ وَ لَا جَبَلٌ وَ لَا بَرٌّ وَ لَا بَحْرٌ وَ لَا شَجَرٌ وَ لَا مَدَرٌ وَ لَا يُسْتَتَرُ مِنْكَ شَيْ ءٌ وَ لَا يَحُولُ دُونَكَ سِتْرٌ وَ لَا يَفُوتُكَ شَيْ ءٌ.

السِّرُّ عِنْدَکَ عَلَانِیَهٌ وَ الْغَیْبُ عِنْدَکَ شَهَادَهٌ تَعْلَمُ وَهْمَ الْقُلُوبِ وَ رَجْمَ الْغُیُوبِ وَ رَجْعَ الْأَلْسُنِ وَ خائِنَهَ الْأَعْیُنِ وَ ما تُخْفِی الصُّدُورُ وَ أَنْتَ رَجَاؤُنَا عِنْدَ کُلِّ شِدَّهٍ وَ غِیَاثُنَا عِنْدَ کُلِّ مَحلٍّ وَ سَیِّدُنَا فِی کُلِّ کَرِیهَهٍ وَ نَاصِرُنَا عِنْدَ کُلِّ ظُلْمٍ وَ قُوَّتُنَا عِنْدَ کُلِّ ضَعِیفٍ وَ بَلَاغُنَا فِی کُلِّ عَجْزٍ کَمْ مِنْ کَرِیهَهٍ وَ شِدَّهٍ ضَعُفَتْ فِیهَا الْقُوَّهُ وَ قَلَّتْ فِیهَا الْحِیلَهُ أَسْلَمَنَا فِیهَا الرَّفِیقُ وَ خَذَلَنَا فِیهَا الشَّفِیقُ أَنْزَلْتُهَا بِکَ یَا رَبِّ وَ لَمْ نَرْجُ غَیْرَکَ فَفَرَّجْتَهَا وَ خَفَّفْتَ ثِقْلَهَا وَ کَشَفْتَ غَمْرَتَهَا وَ کَفَیْتَنَا إِیَّاهَا عَمَّنْ سِوَاکَ.

فَلَکَ الْحَمْدُ أَفْلَحَ سَائِلُکَ وَ أَنْجَحَ طَالِبُکَ وَ عَزَّ جَارُکَ وَ رَبِحَ مُتَاجِرُکَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُکَ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُکَ وَ عَلَا مُلْکُکَ وَ غَلَبَ أَمْرُکَ وَ لَا إِلَهَ غَیْرُکَ أَسْأَلُکَ یَا رَبِّ بِأَسْمَائِکَ الْمُتَعَالِیَاتِ الْمُکَرَّمَهِ الْمُطَهَّرَهِ الْمُقَدَّسَهِ الْعَزِیزَهِ وَ بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ الَّذِی بَعَثْتَ بِهِ مُوسَی علیه السلام حِینَ قُلْتَ إِنِّی أَنَا اللَّهُ فِی الدَّهْرِ الْبَاقِی وَ بِعِلْمِکَ الْغَیْبَ وَ قُدْرَتِکَ عَلَی الْخَلْقِ وَ بِاسْمِکَ الَّذِی هُوَ مَکْتُوبٌ حَوْلَ کُرْسِیِّکَ وَ بِکَلِمَاتِکَ التَّامَّاتِ یَا أَعَزَّ مَذْکُورٍ وَ أَقْدَمَهُ فِی الْعِزِّ وَ أَدْوَمَهُ فِی الْمُلْکِ وَ الْجَبَرُوتِ یَا رَحِیماً بِکُلِّ مُسْتَرْحِمٍ وَ یَا رَءُوفاً بِکُلِّ مِسْکِینٍ وَ یَا أَقْرَبَ مَنْ دُعِیَ وَ أَسْرَعَهُ إِجَابَهً وَ یَا مُفَرِّجاً عَنْ کُلِّ مَلْهُوفٍ وَ یَا خَیْرَ مَنْ طُلِبَ مِنْهُ الْخَیْرُ وَ أَسْرَعَهُ عَطَاءً وَ نَجَاحاً وَ أَحْسَنَهُ عَطْفاً وَ تَفَضُّلًا یَا مَنْ خَافَتِ الْمَلَائِکَهُ مِنْ نُورِهِ الْمُتَوَقِّدِ حَوْلَ کُرْسِیِّهِ وَ عَرْشِهِ صَافُّونَ مُسَبِّحُونَ طَائِفُونَ خَاضِعُونَ مُذْعِنُونَ یَا مَنْ یُشْتَکَی إِلَیْهِ مِنْهُ وَ یُرْغَبُ مِنْهُ إِلَیْهِ مَخَافَهَ عَذَابِهِ فِی سَهَرِ اللَّیَالِی یَا فَعَّالَ الْخَیْرِ وَ لَا یَزَالُ الْخَیْرُ فَعَالَهُ یَا صَالِحَ خَلْقِهِ یَوْمَ یَبْعَثُ خَلْقَهُ وَ عِبَادَهُ بِالسَّاهِرَهِ فَإِذا هُمْ قِیامٌ یَنْظُرُونَ یَا مَنْ إِذَا هُمْ بِشَیْ ءٍ أَمْضَاهُ یَا مَنْ قَوْلُهُ فَعَالُهُ یَا مَنْ یَفْعَلُ ما یَشاءُ کَیْفَ یَشَاءُ وَ لَا یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ غَیْرُهُ یَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالْخُلْدِ وَ الْبَقَاءِ وَ کَتَبَ عَلَی جَمِیعِ خَلْقِهِ الْمَوْتَ وَ الْفَنَاءَ یَا مَنْ یُصَوِّرُ فِی الْأَرْحَامِ مَا یَشَاءُ کَیْفَ یَشَاءُ یَا مَنْ أَحاطَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عِلْماً وَ أَحْصی کُلَّ شَیْ ءٍ عَدَداً لَا شَرِیکَ لَکَ فِی الْمُلْکِ وَ لَا وَلِیَّ لَکَ مِنَ الذُّلِّ تَعَزَّزْتَ بِالْجَبَرُوتِ

وَ تَقَدَّسْتَ بِالْمَلَكُوتِ وَ أَنْتَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَ أَنْتَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ قَيُّومٌ لَا تَنَامُ قَاهِرٌ لَا تُغْلَبُ وَ لَا تُرَامُ ذُو الْبَأْسِ الَّذِی لَا يُسْتَضَامُ أَنْتَ مَالِكَ الْمُلْكِ وَ مُجْرِی الْفُلْكِ تُعْطِی مِنْ سَعَةٍ وَ تَمْنَعُ بِقُدْرَةٍ وَ تُؤْتِی الْمُلْكَ مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِی النَّهارِ وَ تُولِجُ النَّهارَ فِی اللَّيْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مَوْلَانَا وَ سَيِّدِنَا وَ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ الْخَالِصِ وَ صَفِيِّكَ الْمُسْتَخَصِّ الَّذِی اسْتَخْصَصْتَهُ بِالْحِبَاءِ وَ التَّفْوِيضِ وَ ائْتَمَنْتَهُ عَلَى وَحْيِكَ وَ مَكْنُونِ سِرِّكَ وَ خَفِيِّ عِلْمِكَ وَ فَضَّلْتَهُ عَلَى مَنْ خَلَقْتَ وَ قَرَّبْتَهُ إِلَيْكَ وَ اخْتَرْتَهُ مِنْ بَرِيَّتِكَ النَّذِيرِ الْبَشِيرِ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ الَّذِی أَيَّدْتَهُ بِسُلْطَانِكَ وَ اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ عَلَى أَخِيهِ وَ وَصِيِّهِ وَ صِهْرِهِ وَ وَارِثِهِ وَ الْخَلِيفَهِ لَكَ مِنْ بَعْدِهِ فِی أَرْضِكَ وَ خَلْقِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ وَ عَلَى ابْنَتِهِ الْكَرِيمَهِ الطَّاهِرَهِ الْفَاضِلَهِ الزَّهْرَاءِ الْغَرَّاءِ فَاطِمَهَ وَ عَلَى وَلَدَيْهِمَا الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّهِ الْفَاضِلَيْنِ الرَّاجِحَيْنِ الزَّكِيَّيْنِ التَّقِيَّيْنِ الشَّهِيدَيْنِ الْخَيِّرَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَ سَيِّدِهِمْ ذِی الثَّفِنَاتِ وَ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْكَاظِمِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيَّيْنِ وَ الْمُنْتَظِرِ لِأَمْرِكَ الْقَائِمِ فِی أَرْضِكَ بِمَا يُرْضِيكَ وَ الْحُجَّهِ عَلَى خَلْقِكَ وَ الْخَلِيفَهِ لَكَ عَلَى عِبَادِكَ الْمَهْدِيِّ ابْنِ الْمَهْدِيِّينَ الرَّشِيدِ ابْنِ الْمُرْشِدِينَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ صَلَاةً تَامَّةً عَامَّةً دَائِمَةً نَامِيَةً بَاقِيَةً شَامِلَةً مُتَوَاصِلَةً وَ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا وَ تَرْحَمَنَا وَ تُفَرِّجَ عَنَّا كَرْبَنَا وَ هَمَّنَا وَ غَمَّنَا اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ وَ لَا أَسْأَلُ غَيْرَكَ وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَ لَا أَرْغَبُ إِلَى سِوَاكَ أَسْأَلُكَ بِجَمِيعِ مَسَائِلِكَ وَ أَحَبِّهَا إِلَيْكَ وَ أَدْعُوكَ وَ أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ وَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِأَحَبِّ أَسْمَائِكَ إِلَيْكَ وَ أَحْظَاهَا عِنْدَكَ وَ كُلُّهَا حَظِيٌّ عِنْدَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْ تَرْزُقَنِی الشُّكْرَ عِنْدَ النَّعْمَاءِ وَ الصَّبْرَ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَ النَّصْرَ عَلَى الْأَعْدَاءِ

ص: ۴۴۸

وَ أَنْ تُعْطِيَنِی خَیْرَ السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ وَ الْقَضَاءِ وَ الْقَدَرِ وَ خَیْرَ مَا سَبَقَ فِی أُمِّ الْکِتَابِ وَ خَیْرَ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِی حُسْنَ ذِکْرِ الذَّاکِرِینَ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ وَ ارْزُقْنِی خُشُوعَ الْخَاشِعِینَ وَ عَمَلَ الصَّالِحِینَ وَ صَبْرَ الصَّابِرِینَ وَ أَجْرَ الْمُحْسِنِینَ وَ سَعَادَهَ الْمُتَّقِینَ وَ قَبُولَ الْفَائِزِینَ وَ حُسْنَ عِبَادَهِ الْعَابِدِینَ وَ تَوْبَهَ التَّائِبِینَ وَ إِجَابَهَ الْمُخْلِصِینَ وَ یَقِینَ الصِّدِّیقِینَ وَ أَلْبِسْنِی مَحَبَّتَکَ وَ أَلْهِمْنِی الْخَشْیَهَ لَکَ وَ اتِّبَاعَ أَمْرِکَ وَ طَاعَتَکَ وَ نَجِّنِی مِنْ سَخَطِکَ وَ اجْعَلْ لِی إِلَی کُلِّ خَیْرٍ سَبِیلًا وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّیْطَانِ عَلَیَّ سَبِیلًا وَ لَا لِلسُّلْطَانِ وَ اکْفِنِی شَرَّهُمَا وَ سِرَّ ذَلِکَ کُلِّهِ وَ عَلَانِیَتَهُ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِی الِاسْتِعْدَادَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ اکْتِسَابَ الْخَیْرِ قَبْلَ الْفَوْتِ حَتَّی تَجْعَلَ ذَلِکَ عُدَّهً لِی فِی آخِرَتِی وَ أُنْساً لِی فِی وَحْشَتِی یَا وَلِیَّ نِعْمَتِی اغْفِرْ لِی خَطِیئَتِی وَ تَجَاوَزْ عَنْ زَلَّتِی وَ أَقِلْنِی عَثْرَتِی وَ فَرِّجْ عَنِّی کُرْبَتِی وَ أَبْرِدْ بِإِجَابَتِکَ حَرَّ غَلَّتِی [(۱)](#) وَ اقْضِ لِی حَاجَتِی وَ سُدَّ بِغِنَاکَ فَاقَتِی وَ أَعِنِّی فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ أَحْسِنْ مَعُونَتِی وَ ارْحَمْ فِی الدُّنْیَا غُرْبَتِی وَ عِنْدَ الْمَوْتِ صَرْعَتِی وَ فِی الْقُبُورِ وَحْشَتِی وَ بَیْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَی وَحْدَتِی وَ لَقِّنِّی عِنْدَ الْمُسَاءَلَهِ حُجَّتِی وَ اسْتُرْ عَوْرَتِی وَ لَا تُؤَاخِذْنِی عَلَی زَلَّتِی وَ طَیِّبْ لِی مَضْجَعِی وَ هَنِّئْنِی مَعِیشَتِی یَا صَاحِبِیَ الشَّفِیقَ وَ یَا سَیِّدِیَ الرَّفِیقَ وَ یَا مُونِسِی فِی کُلِّ طَرِیقٍ وَ یَا مَخْرَجِی مِنْ حَلَقِ الْمَضِیقِ وَ یَا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیثِینَ وَ یَا مُفَرِّجَ کُرَبِ الْمَکْرُوبِینَ وَ یَا حَبِیبَ التَّائِبِینَ وَ یَا قُرَّهَ عَیْنِ الْعَابِدِینَ یَا نَاصِرَ أَوْلِیَائِهِ الْمُتَّقِینَ یَا مُونِسَ أَحِبَّائِهِ الْمُسْتَوْحِشِینَ [(۲)](#) وَ یَا مَالِکَ یَوْمِ الدِّینِ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ وَ یَا إِلَهَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ بِکَ اعْتَصَمْتُ وَ بِکَ وَثِقْتُ وَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ وَ إِلَیْکَ أَنَبْتُ وَ بِکَ انْتَصَرْتُ وَ بِکَ احْتَجَزْتُ وَ إِلَیْکَ هَرَبْتُ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَعْطِنِی الْخَیْرَ فِیمَنْ أَعْطَیْتَ وَ اهْدِنِی فِیمَنْ هَدَیْتَ وَ عَافِنِی فِیمَنْ عَافَیْتَ وَ اکْفِنِی فِیمَنْ کَفَیْتَ وَ قِنِی شَرَّ مَا قَضَیْتَ فَإِنَّکَ تَقْضِی وَ لَا یُقْضَی عَلَیْکَ.

۱- ۱. قلبی خ.

۲- ۲. أحبابه خ.

لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَ لَا مُضِلَّ لِمَنْ هَدَيْتَ وَ لَا مُذِلَّ لِمَنْ وَالَيْتَ وَ لَا نَاصِرَ لِمَنْ عَادَيْتَ وَ لَا مَلْجَأَ وَ لَا مُلْتَجَى مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ فَوَّضْتُ أُمُورِی إِلَيْكَ ارْزُقْنِی الْقِسْمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ وِزْرٍ يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ يَا مُحْيِيَ كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ يَا مَنْ لَا يَخَافُ الْفَوْتَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْلِبْ لِيَ الرِّزْقَ جَلْباً فَإِنِّی لَا أَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَباً وَ لَا تَضْرِبْ بِالطَّلَبِ وَجْهِی وَ لَا تَحْرِمْنِی رِزْقِی وَ لَا تَحْبِسْ عَنِّی إِجَابَتِی وَ لَا تُوقِفْ مَسْأَلَتِی وَ لَا تُطِلْ حَيْرَتِی وَ شَفِّعْ وَلَايَتِی وَ وَسِيلَتِی بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ صَفِيِّكَ وَ خَاصَّتِكَ وَ خَالِصَتِكَ وَ رَسُولِكَ النَّذِيرِ الْمُنْذِرِ الطَّيِّبِ الطَّاهِرِ وَ أَخِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَائِدِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى جَنَّاتِ النَّعِيمِ وَ بِفَاطِمَةَ الْكَرِيمَةِ الزَّهْرَاءِ الْغَرَّاءِ الطَّاهِرَةِ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمْ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ ارْزُقْنِی رِزْقاً وَاسِعاً وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ فَقَدْ قَدَّمْتُ وَسِيلَتِی بِهِمْ إِلَيْكَ وَ تَوَجَّهْتُ بِكَ إِلَيْكَ يَا بَرُّ يَا رَءُوفُ يَا رَحِيمُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا ذَا الْمَعَارِجِ يَا ذَا الْمَعَارِجِ فَإِنَّكَ تَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ارْحَمْنَا وَ أَعْتِقْنَا مِنَ النَّارِ وَ اخْتِمْ لَنَا بِخَيْرٍ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

**[ترجمه]العتیق الغروی: دعایی مستجاب که بنابر روایتی از مولایمان ابی ابراهیم موسی بن جعفر صادق صلوات الله علیه است، هیچ اندوهگینی آن را نخواند مگر اینکه خداوند از او گره‌گشایی کند و هیچ گرفتاری آن را نخواند مگر اینکه خداوند گرفتاری او را برطرف نماید و از عذاب قبر حفظ کند و روزی‌اش را وسعت بخش و در روز قیامت او را در زمره صدیقان و شهیدان محشور نماید، و پاداش آن در نزد خداوند به تعداد کسانی است که خداوند سبحان را می‌خوانند، هرچه از او درخواست کند، عطا فرماید و تمامی گناهان او را بیامرزد هرچند اگر گناهان او به اندازه ریگ های بیابان باشند.

به نام خداوند بخشایشگر مهربان، خداوندا تو پاک و ستایش مخصوص توست تو را ثنا گویم و امیدی نیست که ثنایی من با عمل اندک و کوتاهی ستایش به تو و بزرگی تو برسد. تو آفریننده و من آفریده‌ام تو روزی‌رسان و من روزی داده شده‌ام، تو پروردگار و من پرورده‌ام، من به سوی تو ضعیفم و تو قدرتمندی، من درخواست‌کننده و تو بی‌نیازی، فرمانروایی‌ات از بین نمی‌رود و عزتت نابود نمی‌شود و مرگ به تو راهی ندارد، و من مخلوقی هستم که می‌میرم و نابود می‌شوم و از بین می‌روم و تو آن بی‌نیازی هستی که غذا نمی خورد و یکتا و یگانه‌ای که شبیهی ندارد و دائم بدون هیچ زمانی و پایدار تا هیچ نهایتی و در قدرت یگانه‌ای و بر امور چیره‌ای بدون اینکه فنا و نیستی به تو راه یابد، هر طور که خواهی، به هر کس که خواهی، عطا کنی.

با بندگی کردن، پرستیده و با نعمت‌ها ستایش می‌شوی و به واسطه عذاب‌هایت از تو بیم می‌رود، زنده‌ای که نمی‌میرد، بی‌نیازی که غذا ندارد، و پایداری که خواب بدو راه ندارد، جباری که ستم نکند و پنهانی که به چشم نیاید، شنونده‌ای که شک نکند، به صبری که تردید ندارد، بی‌... نیازی که محتاج نشود، دانایی که جهل ندارد، آگاهی که فراموش نمی کند، بزرگی را با عزت آغاز کردی و فخرها را با بزرگمنشی در برگرفتی و زیبایی را با هیبت و جمال و نور شکوهمند ساختی، عظمت را با سلطه والا و عزت رفیع و فرمانروایی آشکار و شرف چیره و کرم فاخر و نور تابان و نعمت‌های هویدا و اسم‌های زیبا و بخشش‌های فراوان و منت‌های پیشاپیش و رحمت گسترده متمایز گردانیدی.

وجود داشتی آن هنگام که چیزی نبود، و عرش تو بر آب بود چون نه زمین گسترانیده شده بود و نه آسمان برافراشته شده بود، خورشیدی نورافشانی نمی‌کرد و ماهی روان نبود، و ستاره‌ای حرکت نمی‌کرد و نه هیچ ستاره ای درخشان و ابری پدیدار و نه دنیایی معلوم بود و نه آخرتی فهمیده می‌شد و تو می‌مانی تنهای تنها همانطور که تنها بودی و به هر آن چیز که بود قبل از آنکه وجود پیدا کند، علم داشتی و هر آنچه که بود بعد از آنکه وجود پیدا کند، حفظ کردی، انتهایی برای نعمت‌های تو نیست، علم تو به هر آنچه اراده کنی، و بخواهی، راه یافت، از تبدیل زمین و آسمان‌ها و آنچه در آن‌ها پدید آوردی و خلق کردی و به وجود آوردی، و تو می گویی موجود باش پس وجود پیدامی‌کند، خدایی جز تو نیست، یکتایی و شریکی نداری.

تو خدا خدای بلند مرتبه عظیمی، زنده پایدار، خدا خدا خدای بردبار و بزرگوار و خدا خدا خدای یگانه بی‌نیاز، خدا خدا خدا آفریننده... آسمان‌ها و زمین، عزت تو عزیز و پناه تو بلند و امر تو چیره است، تو فرمانروای چیره شکست‌ناپذیر فاخری، خدایی جز تو نیست، در ملکوت خلوت گزیدی و در جبروت نهان گشتی و چشمان فرشتگان مقرب تو، حیران شد و افکارشان در عظمت تو پریشان گردید.

خدایی جز تو نیست، از اوج رفعت و بلندی جایگاهت، آنچه در زیر خاک است، و انتهای زمین‌های فرودست، از علم آخر و نخستین و تاریکی‌ها و سیاهی شب را می‌بینی، پراکنده شدن در خاک و حرکت مورچه بر سنگ سخت را می‌بینی و پر زدن پرنده در هوا را می‌شنوی و از چرخش موج‌ها در آب، آگاهی، درخواست کننده را عطا می‌کنی، و مظلوم را یاری می‌نمایی و درمانده را اجابت می‌کنی، بیمناک را امنیت می‌بخشی و راه می‌نمایی و شکسته را ترمیم می‌کنی و فقیر را بی‌نیاز می‌کنی قضای تو محکم و حکم تو عدل است و امر تو دوراندیش و وعده‌ات راست است، خواست تو عزیز و گفتارت حق و کلامت نور و اطاعت از تو نجات است.

در آفرینش شریکی نداری، و اگر برای تو شریکی بود، امر بر ما مشتبه می‌گشت، و هر خدایی آنچه را آفریده بود، می‌برد و بسیار بلندی می‌... یافت، شأن تو از هم‌جواری با شریکان منزه است و بلندتر از آنی که با شریکان در آمیزی و از تماس با زنان، پاک گشتی پس نه فرزندی داری و نه پدری، و اینچنین وصف کردی در کتاب پنهان پاک فرو فرستاده شد، برهان درخشان که بر محمد صلی الله علیه و آله پیامبر هدایت و پیغام آور رحمت، قرشیّ، پاک، با تقوا، بی‌آلایش، ابطحی، مضدی، هاشمی فرستادی درود و سلام و رحمت و بزرگواری تو بر او و خاندانش.

به نام خداوند بخشنده مهربان بگو خدا یکتاست، خدای بی‌نیاز نزایید و زاییده نشد و هیچ همتایی ندارد، خدایی جز تو نیست، هر عزتمندی در برابر عزت تو خوار گشت و هر بزرگی در برابر عظمت تو کوچک شد، تو را به هراس نیاندازد شب تاریک و قلب تپنده و کوه مرتفع و بلند سر به فلک کشیده و آسمان دارای برج‌ها و دریای مواج و حجاب هایی که ممکن نیست گشودن آنها و زمین دارای دره‌ها و شب تاریک و تاریکی‌های سخت سیاه و نه دشت و کوه و خشکی و دریا و درخت و گل و هیچ چیز از تو پنهان نیست و هیچ پرده‌ای مانع تو نشود و چیزی از دست تو نرود .

راز در نزد تو آشکار است، نهان در نزد تو هویدا، پندار دل‌ها و انداختن غیب‌ها و تکرار زبان‌ها و خیانت چشمان و آنچه در سینه‌ها مخفی است را می‌دانی، و تو امید ما در تمام سختی‌ها هستی، و فریادرسان در هر مکان و سرورمان در هر ناگواری و یاورمان در تمام ظلم‌ها و قدرتمان در نزد تمامی ضعیفان و رسای ما در هر ناتوانی هستی، چه بسیار ناگواری‌ها و سختی‌هایی که قدرت در آنها ضعیف شد و تدبیر اندک گشت و رفیق خود را تسلیم کردیم و دلسوزمان را تنها گذاشتیم و آن را به نزد تو آوردم. ای پروردگار من و غیر تو را امید ندارم، پس آن را گشودی و از سنگینی‌اش کاستی، و آن را از بین بردی و آن را برای ما از غیر خود کفایت نمودی.

سپاس مخصوص توست، مسألت کننده از تو رستگار گشت و درخواست کننده از تو کامیاب شد، آنکه در جوار توست عزیز گشت و داد و ستد با تو سودآور بود، ستایش تو شکوهمند گشت و نام‌هایت پاک مقدس گشت و فرمانروایی‌ات برتری یافت و امر تو چیره شد و خدایی جز تو نیست.

از تو می‌خواهم ای پروردگار من، به نام‌های بلند گرامی پاک مقدس عزیز و به نام بزرگت که به واسطه آن موسی علیه السلام را برانگیختی آن هنگام که گفتی به راستی که من خدا هستم در روزگار پاینده و به آگاهی‌ات از غیب و قدرتت بر مخلوقات، و به نامت که در اطراف کرسی تو نوشته شد و به کلمات کامل تو، ای عزیزترین یاد شده و دیرینه‌ترین در عزت و پایدارترین در فرمانروایی و جبروت، ای رحم‌کننده بر هر آنکس که رحم طلب کند، ای مهربان به هر بیچاره و ای نزدیک‌ترین کسی که خوانده شود، و ای سریع‌ترین فردی که اجابت کند، ای گشاینده از هر ماتم‌زده و ای بهترین کسی که خیر از او درخواست شود و ای سریع‌ترین در بخشش و کامیابی و ای که مهربانی و فضل تو بهتر است.

ای کسی که فرشتگان از نور فروزان تو به دور کرسی و عرش بیم دارند، در حالی که به صف کشیده ایستاده‌اند تو را تسبیح گویند طواف می‌کنند، خاضع‌اند و اعتراف می‌کنند، ای کسی که از او به خودش شکایت می‌کند و از ترس عذاب او، از او به خودش در بیداری شب‌ها گراییده می‌شود. ای انجام دهنده خیر، که پیوسته خیر از کارهای اوست، ای که مخلوقاتش را در آن روز که آفریدگان و بندگان را روی

زمین برمی‌انگیزانـد اصـلاح کنـد، پس می‌ایستند و می‌نگرنـد، ای کسـی که هرگاه قصـد چیزی را کند آن را قطعی می‌گرداند، ای کسـی که گفتار او کردار اوست، ای آنکه هر چه بخواهد و هر گونه بخواهد، انجام دهد و آنچه را دیگری خواهد، انجام ندهد.

ای کسـی که خویش را به جاودانگی و ماندگاری اختصاص داد و مرگ و نیستی را بر دیگر مخلوقاتش واجب گردانید، ای کسی که آنچه را خواهـد و هر گونه که بخواهـد در رحم‌ها به تصویر می‌کشد، ای کسـی که علمش همه چیز را فرا گرفت و هر چیز را به شـماره درآورد، هیچ شریکی در فرمانروایی نـداری و هیـچ سـرپرستی از خواری برای تو نیست، به جبروت عزت یافتی و به ملکوت مقـدس گشتی و تو زنـده‌ای که نمی‌میرد و تو شـکست‌ناپـذیری هستی که انتقـام می‌گیرد، پاینـده‌ای که خواب نـدارد، چیره‌ای که مغلوب نشود و دست یافتنی نیست، صاحب قدرتی که مقهور نگردد.

تو مالک این فرمانروایی و گرداننـده آسـمان هستی، از روی گشادگی، عطا می‌کنی و به قـدرت خود باز می‌داری، و فرمانروایی را به هر کس خواهی، می‌دهی و از هر کس بخواهی، می‌گیری، هر کس را خواهی عزت بخشـی و هر کس را خواهی ذلیـل کنی، خیر تنها به دست توست، به راستی که بر هر چیز توانـایی. شب را به روز وارد می‌کنی و روز را به شب، زنـده را از مرده و مرده را از زنـده خـارج می‌کنی و هر کس را خواهی، بی‌حساب روزی بخشی.

از تو می‌خواهم بر مولا و سـرورمان و فرسـتاده‌ات محمـد محبوب خالص و برگزیـده خاص خود درود فرستی او کسـی که او را به زندگانی و واگـذار کردن، ویژه گردانیـدی و او را امین وحیت و جایگـاه پنهـان سـاختن رازت و علم نهانت گردانیـدی و او را بر مخلوقات خویش برتری دادی و به خود نزدیـک سـاختی و او را از مردمـان خود برگزیـدی، انذاردهنـده بشـارت بخش، چراغ فروزانی که او را با قـدرت خویش تأیید نمودی و برای خود خالص گردانیـدی و درود تو بر برادر و جانشـین و داماد و وارث او و خلیفه تو بعد از او، بر زمین و مخلوقاتت، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب و بر دختر گرامی پاک فاضل درخشان و روشن فاطمه و بر فرزندانشان حسن و حسـین دو سـرور جوانان اهل بهشت فاضلان برتران پاکان تقواپیشـگان شـهیدان نیکوکاران و بر علی بن حسین زینت بندگان و سرور آنان صاحب پینه ها و به محمد بن علی باقر، جعفر بن محمد صادق و موسـی بن جعفر کاظم و علی بن موسـی رضا و محمد بن علی جواد و علی بن محمد و حسن بن علی عسکری، و منتظر امر تو، به پادارنـده آنچه رضایت توست در زمین و حجت تو بر مخلوقات، خلیفه تو بر بنـدگان هـدایت شـده، فرزند راه‌یافتگان و رهنمون شده فرزند ارشادکنندگان به راه راست، درودی کامل، عمومی، همیشگی، فزاینده، ماندگار، فراگیر، پیوسته و ما را بیامرزی و رحم کنی و گرفتاری و غم و اندوهمان را بزدایی.

خدایا از تو می‌خواهم و از غیر تو مسألت نمی‌کنم، به سوی تو می‌گرایم و به غیر تو تمایلی ندارم از تو می‌خواهم به تمامی درخواست‌هایت، و محبوب‌ترین آنها در نزد تو، تو را می‌خوانم و به درگاهت ناله می‌کنم، و به محبوب‌ترین نام‌هایت و پربهره‌ترین آنان در نزد تو توسل می‌جویم و تمامی آنها در نزد تو دارای مرتبه انـد، بر محمـد و خاندان او درود فرستی و شـکر نعمت‌ها و صبر در بلاها و پیروزی بر دشـمنان را روزی‌ام گردانی و خیر سفر و حضور و قضا و قدر و خیر آنچه در ام الکتاب گذشت و خیر روز و شب را عطا کنی.

خداونـدا نیکـویی ذکر ذاکران را روزی‌ام گردان، ای پروردگـار جهانیـان و خشـوع خاشـعان و کردار صالحـان و شـکیبایی صـابران و پـاداش نیکوکاران و سـعادت تقواپیشـگان و پـذیرش رسـتگاران و عبادت نیک عبادتکاران و توبه توبه‌کننـدگان و اجابت مخلصان و یقین صدیقان را روزی‌ام گردان، محبتت را بر من بپوشـان و ترس از خود و پیروی امر و اطـاعت خود را به من الهـام کن، مرا از خشم خود رهـا سـاز و راهی به سوی تمام خوبی‌ها برایم قرار ده و هیچ راهی برای تسلط شیطان و حاکم بر من قرار مده، مرا از شر آن دو و نهان و هویدای آن کفایت کن.

خـدایا آمـادگی به هنگـام مرگ و به دست آوردن خیر قبـل از مرگ را روزی‌ام کن، تا اینکه آن را توشه‌ای برای آخرتم و انسی در تنهایی‌ام قرار دهی، ای سـرپرست نعمت من، اشـتباه مرا بیـامرز و از لغزش من درگـذر و لغزش مرا چشم بپوش، گره‌ام را بگشـای و بـا اجـابت خـویش گرمای تشنگی ام را خنک گردان، حاجتم را برآور، و با بی‌نیاز خود فقر مرا بر بند و در دنیا و آخرت مرا یاری کن و یاری‌ام را نیک گردان و

بر غربت من در دنیـا و نالهام به هنگام مرگ و وحشـتم در قبرها و تنهاییام میان لایههای خاک رحم کن و هنگام سوال، حجتم را بر من تلقین فرما و زشتی ام را بپوشان، و بر لغزشم مواخذه مکن، خوابگاهم را نیکو و زندگیام را گوارا گردان.

ای همراه دلسوز و ای سرور همراه من، ای مونس من در هر راهی، ای خارجکننده من از تنگنا و ای فریادرس فریادخواهان و ای گشاینده گره از گرفتاران و ای دوست توبهکننـدگان و ای نور چشم عبادتکننـدگان، ای یاور اولیای تقوا پیشهاش، ای مونس دوسـتان به وحشت افتادهاش. ای مالک روز جزا، ای پروردگار جهانیان و ای خـدای اولین و آخرین به تو چنگ زدم و به تو اطمینان کردم، بر تو توکل نمودم و به سوی تو باز گشـتم و به سـبب تو یاری جستم و به تو بازداشتم، به سوی تو گریختم، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و خیری که به دیگران عطا کردی، بر من ببخشـای و مرا بـا آنـان که هـدایت کردی، هـدایت کن و بـا آنـان که عافیت بخشـیدی، عافیت ده، و با آنان که کفایت کردی، کفایت کن و مرا از شر آنچه معیّن کردی محفوظ بدار، به راستی که حکم میکنی و بر تو حکم نمیشود.

هیچ بازدارندهای برای آنچه بخشیدی نیست و نه گمراهکننده ای برای کسی که هدایت کردی و نه خوارکننده کسی که به دوستی گرفتی و نه یاریکنندهای برای کسی که دشمن داشتی و هیچ پناه و پناهگاهی جز به سوی تو نیست، کارهایم را به تو واگذار کردم، بهرهای از هر نیکی و سلامتی از هر گناه روزیام کن. ای شـنونده هر صدایی، ای زندهکننده جانها بعد از مرگ، ای کسـی که از تمام شدن بیمی نداری، بر محمد و خانـدان وی درود فرست و روزیام را فراهم کن، به راستی که من از درخواست آن ناتوانم و درخواسـتم را بر صورتم مزن و مرا از روزیام محروم مگردان، و اجابت را از من باز مدار، و درخواسـتم را متوقف مکن، حیرتم را افزون مکن، ولایت و وسیلهام را شفیع گردان، به محمد و پیـامبرت و برگزیـدهات و ویژهات و خـالص تو و فرسـتاده بیمدهنـده پـاک طاهر و برادرش امیر مؤمنان و فرمانـده مؤمنان به سـمت بهشت و به فاطمه آن بزرگوار نورانی پاک و امامان مطهر و برگزیده از فرزندانش، درود خدا بر تمامی آنان .

روزی گسترده را روزیام کن و تو بهترینی روزیرسانانی، و به آنان وسیلهام را به تو عرضه داشتم و به واسطهی تو به سوی تو روی کردم، ای نیکوکار ای مهربان ای رحمکننـده ای خـدا ای صاحب بلندیها ای صاحب بلندیها به راستی که هر کس را خواهی بیحساب روزی رسانی، خـدایا بر محمـد و خاندان وی درود فرست و بر ما رحم کن و ما را از آتش رها کن و ما را ختم به خیر گردان به راستی که به هر چیز توانایی اجابت فرما اجابت فرما ای پروردگار جهانیان.

**[ترجمه]

«۲»

مهج، [مهج الدعوات] وَجَدْتُ فِی مَجْمُوعِ أدعیه [الْأَدْعِیَهِ] الْمُسْتَجَابَاتِ عَنِ النَّبِیِّ وَ الْأَئِمَّهِ علیهم السلام قَالَبُهُ أَقَلُّ مِنَ الثُّمُنِ نَحْوَ السُّدُسِ أَوَّلُهُ دُعَاءٌ مُسْـتَجَابٌ: اللَّهُمَّ اقْذِفْ فِی قَلْبِی رَجَاءَکَ وَ فِی آخِرِهِ مَا هَذَا لَفْظُهُ دُعَاءُ الْإِمَامِ الْحُجَّهِ علیه السلام إِلَهِی بِحَقِّ مَنْ نَاجَاکَ وَ بِحَقِّ مَنْ دَعَاکَ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ تَفَضَّلْ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِـالْغِنَى وَ الـثَّرْوَهِ وَ عَلَى مَرْضَـى الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَ الصِّحَّهِ وَ عَلَى أَحْیَاءِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِـاللُّطْفِ وَ الْکَرَمِ وَ عَلَى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِـالْمَغْفِرَهِ وَ الرَّحْمَهِ وَ عَلَى غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِینَ غَانِمِینَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِینَ (۱).

**[ترجمه]مهـج الدعوات: در مجموعه دعاهای مسـتجاب از پیامبر و امامان علیهم السـلام یافتم که قطع آن کمتر از یک هشـتم و نزدیک یک ششم بود، اول آن دعـایی مسـتجاب است که:« خـدایا امیـدت را در قلب من بیانـداز» و در آخر آن چنین بود: دعـای امـام حجت علیه السـلام: «خدایا به حق کسـی که تو را مناجات کرد و کسـی که در دریا و خشکی تو را فراخواند، عطا کن بر مردان و زنان مؤمن بی نیازی و توانمندی و بر مردان و زنـان مـؤمن شـفا و سـلامتی را و بر مردان و زنـان مـؤمن لطف و کرم خود را و بر اموات مرد و زن مؤمن آمرزش و رحمت را. و مردان و زنان مؤمن غریب را به سالم و بهره مند به وطن هاشان باز گردان به حق محمد و خاندان او تمامی آنها». - . مهج الدعوات: ۳۶۸ –

**[ترجمه]

«۳»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ، وَ كَانَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلِيٌّ عليه السلام يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ عِنْدَ اسْتِجَابَةِ دُعَائِهِ: اللَّهُمَّ قَدْ أَكْدَى الطَّلَبُ وَ أَعْيَتِ الْحِيَلُ إِلَّا عِنْدَكَ وَ ضَاقَتِ

ص: ۴۵۰

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۳۶۸.

الْمَذَاهِبُ وَ امْتَنَعَتِ الْمَطَالِبُ وَ عَسُرَتْ الرَّغَائِبُ وَ انْقَطَعَتِ الطُّرُقُ إِلَّا إِلَيْكَ وَ تَصَرَّمَتِ الْآمَالُ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ وَ خَابَتِ الثِّقَةُ وَ أَخْلَفَ الظَّنُّ إِلَّا بِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُنْهَجَةً وَ مَنَاهِلَ الرَّجَاءِ إِلَيْكَ مُفَتَّحَةً وَ أَعْلَمُ إِنَّكَ لِمَنْ دَعَاكَ لَمَوْضِعُ إِجَابَةٍ وَ لِلصَّارِخِ إِلَيْكَ لَمَرْصَدُ إِغَاثَةٍ وَ إِنَّ الْقَاصِدَ لَكَ لَقَرِيبُ الْمَسَافَةِ مِنْكَ وَ مُنَاجَاةَ الْعَبْدِ إِيَّاكَ غَيْرُ مَحْجُوبَةٍ عَنِ اسْتِمَاعِكَ وَ إِنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَ الرِّضَا بِعِدَتِكَ وَ الِاسْتِرَاحَةِ إِلَى ضَمَانِكَ عِوَضاً عَنْ مَنْعِ الْبَاخِلِينَ وَ مَنْدُوحَةً عَمَّا قِبَلَ الْمُسْتَأْثِرِينَ وَ دَرَكاً مِنْ خَيْرِ الْوَارِثِينَ فَاغْفِرْ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِي وَ اعْصِمْنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِي وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ جُودِكَ الَّتِي لَا تُغْلِقُهَا عَنْ أَحِبَّائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

وَ رُوِيَ عَنْهُمْ عليهم السلام: أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ أَنْ يُصَلِّيَ صَلَاةَ الشُّكْرِ عِنْدَ اسْتِجَابَةِ الدُّعَاءِ.

وَ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله: إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكَ نِعْمَةً فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ يقرأ [تَقْرَأُ] فِي الْأُولَى فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ فِي الثَّانِيَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَ تَقُولُ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى فِي رُكُوعِكَ وَ سُجُودِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْراً شُكْراً وَ حَمْداً حَمْداً سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ تَقُولُ فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ فِي رُكُوعِكَ وَ سُجُودِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَجَابَ دُعَائِي وَ أَعْطَانِي مَسْأَلَتِي وَ قَضَى حَاجَتِي.

**[ترجمه]دعوات الراوندی: زین العابدین علی علیه السلام هنگام استجابت دعای خویش چنین دعا می‌فرمودند: خدایا درخواست تباه گشت و تدبیرها جز در نزد تو ناتوان شدند و راه‌ها تنگ شد و خواسته‌ها بازداشته شد و آرزوها دشوار گشت و راه‌ها جز به سوی تو به بن‌بست رسید، آرزوها گسست و امید جز از تو بریده شد، اطمینان ناامید شد. و تنها به تو سوء ظن ندارم، خدایا من راه‌های خواسته‌ها را تنها به سوی تو هموار می‌بینم و آبشخورهای امید تنها به سوی تو گشوده شد، می‌دانم که تو در برابر کسی که تو را خواند، در جایگاه اجابتی و کسی که تو را فریاد کند به فریادش می رسی و کسی که قصد تو را کند، فاصله‌اش به تو نزدیک می‌شود، و مناجات بنده با تو از شنیدن تو پنهان نیست، و به راستی در حسرت به بخشش تو و خشنودی به وعده‌ات و آرام گرفتن به تضمین تو جایگزین ممانعت فرومایگان و گشایش از آنچه در اختیار سودجویان است و دریافت خیر وارثان می باشد، پس بر خدایی که جز تو نیست، گناهان گذشته مرا بیامرز و مرا در باقیمانده عمرم محفوظ بدار و درهای رحمتت و بخششت را بر من بگشا که آنها را بر دوستان و برگزیدگان خود نمی‌بندی ای مهربان‌ترین مهربانان.

از امامان علیهم السلام روایت است که به هنگام استجابت دعا مستحب است نماز شکر خوانده شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هرگاه خداوند بر تو نعمتی بخشید دو رکعت نماز بگزار، در رکعت اول فاتحه الکتاب و قل هو الله احد و در رکعت دوم فاتحه الکتاب و قل یا أیها الکافرون خوانده شود، و در رکوع و سجده رکعت اول هفت مرتبه بگوید: «الحمد لله شکراً شکراً و حمداً حمداً» و در رکوع و سجده رکعت دوم بگوید: «الحمد لله الذین استجاب دعایی و أعطانی مسألتی و قضی حاجتی: سپاس خدایی که دعایم را مستجاب نمود و خواستم را به من بخشید و حاجتم را روا کرد» .

**[ترجمه]

باب ۱۳۱ نوادر الأدعیه

الأخبار

«۱»

مکا، [مکارم الأخلاق]: نُسْخَةُ رُقْعَةٍ تُكْتَبُ بِقَلَمٍ لَا شَيْ ءَ فِيهِ بَيْنَ سُطُورِ الْكِتَابِ أَوِ الرُّقْعَةِ الْمُشْتَمِلَةِ عَلَى الْحَاجَةِ حَتَّى لَا يَخْلُوَ سَطْرٌ مِنْهَا مِنْ حَرْفٍ مِنْ هَذِهِ الْحُرُوفِ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ الْخَضِرُ عليهم السلام أَبُو تُرَابٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبِينِ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَ الصَّابِرِينَ مَخْرَجاً مِمَّا يَكْرَهُونَ وَ رِزْقاً مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُونَ وَ اللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ جَعَلَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الَّذِينَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ اللَّهُمَ

إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ عَلِیٍّ إِلَی أَنْ تَقُولَ وَ الْخَلَفِ الْحُجَّهِ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُیَسِّرَ أَمْرِی وَ تُسَهِّلَهُ وَ تَغْلِبَهُ لِی وَ تَرْزُقَنِی خَیْرَهُ وَ تَصْرِفَ عَنِّی شَرَّهُ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ (۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: نسخه‌ای از یک رقعه، با قلم کارنکرده میان سطرهای نوشته یا رقعه دربردارنده حاجت این دعا نوشته می‌شود، به گونه‌ای که هیچ سطر آن از این حروف خالی نماند. «محمد و علی و خضر علیهم السلام، ابوتراب، به نام خداوند بخشایشگر مهربان، فرمانروای حق آشکارکننده به راستی که خداوند به صابران وعده داد تا از آنچه ناپسند دارند، خارج شوند و از آنجا که نمی‌دانند، روزی داده شوند، و خداوند شنوای داناست، خداوند ما و شما را از کسانی که هیچ ترسی بر آنان نیست و اندوهگین نمی‌شوند، قرار دهد، خدایا از تو می‌خواهم به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی – تا اینکه می‌گویی – و جانشین حجت قائم منتظر صلوات الله علیه و سلم تسلیما، بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و کار مرا آسان، ممکن گردانی و مرا بر آن چیره سازی و خیر آن را روزی‌ام گردانی و از شر آن دور کنی، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان». - . مکارم الاخلاق: ۳۹۳ -

**[ترجمه]

خاتمه

اعلم أن أدعیه الصحیفه الکامله السجادیه أیضا من أجل الأدعیه و هی مشتمله علی أدعیه کثیره معروفه فی أکثر المطالب و قد رأیت منها عده نسخ و روایات مختلفات و طرق متباینات بعضها مشهوره و بعضها غیر مشهوره و لکنا أعرضنا عن إیرادها فی هذا الکتاب إلا ما شذ منها تعویلا علی شهره بعض نسخها و اعتمادا علی تعرضنا لسائرها فی شرحنا علی الصحیفه الکامله الموسوم بالکلمات الطریفه فی شرح الصحیفه.

ثم أقول قد وجدت نسخه من صحیفه إدریس النبی علیه السلام مما أنزله الله تعالی علیه و قد نقله ابن متویه من اللغه السریانیه إلی اللغه العربیه و لما لم یکن خالیه من لطافه و طرافه أحببت إیرادها فی هذا المقام

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۳۹۳.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ الحمد لله على نعمته و صلاته على محمد و عترته قال أحمد بن حسين بن محمد المعروف بابن متويه وجدت هذه الصحف بالسوريه مما أنزلت على إدريس النبى أَخْنُوخَ صلى الله على محمد و عليه و كانت ممزقه و مندرسه فتحريت الأجر فى نقلها إلى العربيه بعد أن استقصيت فى وضع كل لفظه من العربيه موضع معناها من السوريه و تجنبت الزياده و النقصان و لم أغير معنى لتحسين لفظ أو تقدير سجع بل توخيت إيراده كهيئته من غير نقص و لا زياده و على الله التوكل و به الاستعانه و له الحول و القوه و حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ: الصحيفه الأولى و هى صحيفه الحمد الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى ابْتَدَأَ خَلْقَهُ بِنِعْمَتِهِ وَ أَسْبَغَ عَلَيْهِمْ ظِلَالَ رَحْمَتِهِ ثُمَّ فَرَضَ عَلَيْهِمْ شُكْرَ مَا أَدَّى إِلَيْهِمْ وَ وَفَّقَهُمْ بِمَنِّهِ لِأَدَاءِ مَا فَرَضَ عَلَيْهِمْ وَ نَهَجَ لَهُمْ مِنْ سَبِيلِ هِدَايَتِهِ مَا يَسْتَوْجِبُونَ بِهِ وَاسِعَ مَغْفِرَتِهِ فَبِتَوْفِيقِهِ قَامَ الْقَائِمُونَ بِطَاعَتِهِ وَ بِعِصْمَتِهِ امْتَنَعَ الْمُؤْمِنُونَ مِنْ مَعْصِيَتِهِ وَ بِنِعْمَتِهِ أَدَّى الشَّاكِرُونَ حَقَّ نِعْمَتِهِ وَ بِرَحْمَتِهِ وَصَلَ الْمُسْلِمُونَ إِلَى رَحْمَتِهِ فَسُبْحَانَ مَنْ لَا يُسْتَجَارُ مِنْهُ إِلَّا بِهِ وَ لَا يُهْرَبُ مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ وَ تَبَارَكَ الَّذِى خَلَقَ الْحَيَوَانَ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ وَ جَعَلَهُمْ فِى قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ صَيَّرَهُمْ مُتَبَائِنِينَ فِى الْخَلْقِ وَ الْأَخْلَاقِ وَ قَدَّرَ لَهُمْ مَا لَا مُغَيِّرَ لَهُ مِنَ الْآجَالِ وَ الْأَرْزَاقِ لَهُ سَبَّحَتِ السَّمَاوَاتُ الْعُلَى وَ الْأَرَضُونَ السُّفْلَى وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ مَا تَحْتَ الثَّرَى بِأَلْسُنٍ فُصُحٍ وَ عُجْمٍ (۱) وَ آثَارٍ نَاطِقَةٍ وَ بُكْمٍ تَلُوحُ لِلْعَارِفِينَ مَوَاقِعُ تَسْبِيحِهَا وَ لَا يَخْفَى عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَوَاطِعُ تَقْدِيسِهَا فَلَهُ فِى كُلِّ نَظْرَةٍ نِعَمٌ لَا تُحَدُّ وَ فِى كُلِّ طَرْفَةٍ آلَاءٌ لَا تُعَدُّ

۱- ۱. الفصح- بضمتين- جمع فصيح، و العجم- بضم و سكون- جمع الاعجم: من لا يفصح و لا يبين كلامه و ان كان من العرب. و البكم أيضا جمع الابكم: الاخرس ينغلق لسانه عند التكلم.

ضَلَّتِ الْأَفْهَامُ فِی جَبَرُوتِهِ وَ تَحَیَّرَتِ الْأَوْهَامُ فِی مَلَکُوتِهِ فَلَا وُصُولَ إِلَیْهِ إِلَّا بِهِ وَ لَا مَلْجَأَ مِنْهُ إِلَّا إِلَیْهِ ذَلِکُمُ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ الصحیفه الثانیه صحیفه الخلق فَازَ یَا أَخْنُوخُ مَنْ عَرَفَنِی وَ هَلَکَ مَنْ أَنْکَرَنِی عَجَباً لِمَنْ ضَلَّ عَنِّی وَ لَیْسَ یَخْلُو فِی شَیْ ءٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ مِنِّی کَیْفَ یَخْلُو وَ أَنَا أَقْرَبُ إِلَیْهِ مِنْ کُلِّ قَرِیبٍ وَ أَدْنَی إِلَیْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِیدِ أَ لَسْتَ أَیُّهَا الْإِنْسَانُ الْعَظِیمُ عِنْدَ نَفْسِهِ فِی بُنْیَانِهِ الْقَوِیُّ لَدَی هِمَّتِهِ فِی أَرْکَانِهِ مَخْلُوقاً مِنَ النُّطْفَهِ الْمَذِرَهِ وَ مُخْرَجاً مِنَ الْأَمَاکِنِ الْقَذِرَهِ تَنْحَطُّ مِنْ أَصْلَابِ الْآبَاءِ کَالنُّخَاعَهِ إِلَی أَرْحَامِ النِّسَاءِ ثُمَّ یَأْتِیکَ أَمْرِی فَتَصِیرُ عَلَقَهً لَوْ رَأَتْکَ الْعُیُونُ لَاسْتَقْذَرَتْکَ وَ لَوْ تَأَمَّلَتْکَ النُّفُوسُ لَعَافَتْکَ ثُمَّ تَصِیرُ بِقُدْرَتِی مُضْغَهً لَا حَسَنَهً فِی الْمَنْظَرِ وَ لَا نَافِعَهً فِی الْمَخْبَرِ ثُمَّ أَبْعَثُ إِلَیْکَ أَمْراً مِنْ أَمْرِی فَتُخْلَقُ عُضْواً عُضْواً وَ تُقَدَّرُ مَفْصَلًا مَفْصَلًا مِنْ عِظَامٍ مَغْشِیَّهٍ وَ عُرُوقٍ مُلْتَوِیَهٍ وَ أَعْصَابٍ مُتَنَاسِبَهٍ وَ رِبَاطَاتٍ مَاسِکَهٍ ثُمَّ یَکْسُوکَ لَحْماً وَ یُلْبِسُکَ جِلْداً تُجَامِعُ مِنْ أَشْیَاءَ مُتَبَایِنَهٍ وَ تُخْلَقُ مِنْ أَصْنَافٍ مُخْتَلِفَهٍ فَتَصِیرُ بِقُدْرَتِی خَلْقاً سَوِیّاً لَا رُوحَ فِیکَ تُحَرِّکُکَ وَ لَا قُوَّهَ لَکَ تُقِلُّکَ أَعْضَاؤُکَ صَوٌّ بِلَا مِرْیَهٍ(۱) وَ جُثَثٌ بِلَا مِرْزَبَهٍ(۲)

فَأَنْفُخُ فِیکَ الرُّوحَ وَ أَهَبُ لَکَ الْحَیَاهَ فَتَصِیرُ بِإِذْنِی إِنْسَاناً لَا تَمْلِکُ نَفْعاً وَ لَا ضَرّاً وَ لَا تَفْعَلُ خَیْراً وَ لَا شَرّاً مَکَانُکَ مِنْ أُمِّکَ تَحْتَ السُّرَّهِ کَأَنَّکَ مَصْرُورٌ فِی صُرَّهٍ إِلَی أَنْ یَلْحَقَکَ مَا سَبَقَ مِنِّی مِنَ الْقَضَاءِ فَتَصِیرَ مِنْ هُنَاکَ إِلَی وُسْعِ الْفَضَاءِ فَتَلْقَی مَا قَدَّرَکَ مِنَ السَّعَادَهِ أَوِ الشَّقَاءِ إِلَی أَجَلٍ مِنَ الْبَقَاءِ

۱- ۱. کذا فی نسخه الکمبانیّ، و فی نسخه اخری مخطوطه:« صور»- و ضبطه بضم الصاد و فتح الواو- جمع الصوره. و لا تناسب قوله بعد« و جثث بلا مرزبه» کانه یرید أن أعضاءک رخو، أو صبو، أو صوب یمیل إلی حیث تشاء و سیأتی فی البیان، فتحرر.

۲- ۲. الجثث جمع جثه، و هو کل ما له شخص و شخص الإنسان قائما أو قاعدا و المجثه حدیده یقلع بها الفسیل، و المرزبه: العصیه من الحدید، فالمراد أن الأعضاء لها قوام معتدل کعصا الحدید من دون أن یرکب فیها حدید.

مُتَعَقِّبٌ لَا شَکَّ بِالْفَنَاءِ أَ أَنْتَ خَلَقْتَ نَفْسَکَ وَ سَوَّیْتَ جِسْمَکَ وَ نَفَخْتَ رُوحَکَ إِنْ کُنْتَ فَعَلْتَ ذَلِکَ وَ أَنْتَ النُّطْفَهُ الْمَهِینَهُ وَ الْعَلَقَهُ الْمُسْتَضْعَفَهُ وَ الْجَنِینُ الْمَصْرُورُ فِی صُرَّهٍ فَأَنْتَ الْآنَ فِی کَمَالِ أَعْضَائِکَ وَ طَرَاءَهِ مَائِکَ وَ تَمَام مَفَاصِلِکَ وَ رَیَعَانِ شَبَابِکَ أَقْوَی وَ أَقْدَرُ فَاخْلُقْ لِنَفْسِکَ عُضْواً آخَرَ وَ اسْتَجْلِبْ قُوَّهً إِلَی قُوَّتِکَ وَ إِنْ کُنْتَ أَنْتَ دَفَعْتَ عَنْ نَفْسِکَ فِی تِلْکَ الْأَحْوَالِ طَارِقَاتِ الْأَوْجَاعِ وَ الْأَعْلَالِ فَادْفَعْ عَنْ نَفْسِکَ الْآنَ أَسْقَامَکَ وَ نَزِّهْ عَنْ بَدَنِکَ آلَامَکَ وَ إِنْ کُنْتَ أَنْتَ نَفَخْتَ الرُّوحَ فِی بَدَنِکَ وَ جَلَبْتَ الْحَیَاهَ الَّتِی تُمْسِکُکَ فَادْفَعِ الْمَوْتَ إِذَا حَلَّ بِکَ وَ ابْقَ یَوْماً وَاحِداً عِنْدَ حُضُورِ أَجَلِکَ فَإِنْ لَمْ تَقْدِرْ أَیُّهَا الْإِنْسَانُ عَلَی شَیْ ءٍ مِنْ ذَلِکَ وَ عَجَزْتَ عَنْهُ کُلِّهِ فَاعْلَمْ أَنَّکَ حَقّاً مَخْلُوقٌ وَ أَنِّی أَنَا الْخَالِقُ وَ أَنَّکَ أَنْتَ الْعَاجِزُ وَ أَنِّی أَنَا الْقَوِیُّ الْقَادِرُ فَاعْرِفْنِی حِینَئِذٍ وَ اعْبُدْنِی حَقَّ عِبَادَتِی وَ اشْکُرْ لِی نِعْمَتِی أَزِدْکَ مِنْهَا وَ اسْتَعِذْ بِی مِنْ سَخْطَتِی أُعِذْکَ مِنْهَا فَإِنِّی أَنَا اللَّهُ الَّذِی لَا أَعْبَأُ بِمَا أَخْلُقُ وَ لَا أَتْعَبُ وَ لَا أَنْصَبُ فِیمَا أَرْزُقُ وَ لَا أَلْغُبُ إِنَّمَا أَمْرِی إِذَا أَرَدْتُ شَیْئاً أَنْ أَقُولَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ الصحیفه الثالثه صحیفه الرزق یَا أَیُّهَا الْإِنْسَانُ انْظُرْ وَ تَدَبَّرْ وَ اعْقِلْ وَ تَفَکَّرْ هَلْ لَکَ رَازِقٌ سِوَایَ یَرْزُقُکَ أَوْ مُنْعِمٌ غَیْرِی یُنْعِمُ عَلَیْکَ أَ لَمْ أُخْرِجْکَ مِنْ ضِیقِ مَکَانِکَ فِی الرَّحِمِ إِلَی أَنْوَاعٍ مِنَ النِّعَمِ أَخْرَجْتُکَ مِنَ الضِّیقِ إِلَی السَّعَهِ وَ مِنَ التَّعَبِ إِلَی الدَّعَهِ وَ مِنَ الظُّلْمَهِ إِلَی النُّورِ ثُمَّ عَرَفْتُ ضَعْفَکَ عَمَّا یُقِیمُکَ وَ عَجْزَکَ عَمَّا یَفُوتُکَ فَأَدْرَرْتُ لَکَ مِنْ صَدْرِ أُمِّکَ عَیْنَیْنِ مِنْهُمَا طَعَامُکَ وَ شَرَابُکَ وَ فِیهِمَا غِذَاؤُکَ وَ نَمَاؤُکَ ثُمَّ عَطَفْتُ بِقَلْبِهَا عَلَیْکَ وَ صَرَفْتُ بِوُدِّهَا إِلَیْکَ کَیْ لَا تَتَبَرَّمَ بِکَ مَعَ إِیذَائِکَ لَهَا وَ لَا تَطْرَحَکَ مَعَ إِضْجَارِکَ إِیَّاهَا وَ لَا تُقَزِّزُکَ مَعَ کَثْرَهِ عَاهَاتِکَ وَ لَا تَسْتَقْذِرَکَ مَعَ تَوَالِی آفَاتِکَ وَ قَاذُورَاتِکَ تَجُوعُ لِتُشْبِعَکَ وَ تَظْمَأُ لِتَرْوِیَکَ وَ تَسْهَرُ لِتَرْقُدَکَ وَ تَنْصَبُ

لِتُرِيحَکَ وَ تَتْعَبُ لِتُرْفِدَکَ وَ تَتَقَذَّرُ لِتُنَظِّفَکَ لَوْ لَا مَا أَلْقَيْتُ عَلَيْهَا مِنَ الْمَحَبَّهِ لَکَ لَأَلْقَتْکَ فِی أَوَّلِ أَذًى يَلْحَقُهَا مِنْکَ فَضْلًا عَنْ أَنْ تُؤْثِرَکَ فِی کُلِّ حَالٍ وَ لَا تُخَلِّيَکَ لَهَا مِنْ بَالٍ وَ لَوْ وَکَلْتُکَ إِلَی وَکْدِکَ وَ جَعَلْتُ قُوَّتَکَ وَ قِوَامَکَ مِنْ جُهْدِکَ لَمِتَّ سَرِيعاً وَ فُتَّ ضَائِعاً هَذِهِ عَادَتِی فِی الْإِحْسَانِ إِلَيْکَ وَ الرَّحْمَهِ لَکَ إِلَی أَنْ تَبْلُغَ أَشُدَّکَ وَ بَعْدَ ذَلِکَ إِلَی مُنْتَهَی أَجَلِکَ أُهَيِّئُ لَکَ فِی کُلِّ وَقْتٍ مِنْ عُمُرِکَ مَا فِيهِ صَلَاحُ أَمْرِکَ مِنْ زِيَادَهٍ فِی خَلْقِکَ وَ تَيْسِيرٍ لِرِزْقِکَ أُقَدِّرُ مُدَّهَ حَيَاتِکَ قَدْرَ کِفَايَتِکَ مَا لَا تَتَجَاوَزُهُ وَ إِنْ أَکْثَرْتَ مِنَ

التَّعَبِ وَ لَا يَفُوتُکَ وَ إِنْ قَصَّرْتَ فِی الطَّلَبِ فَإِنْ ظَنَنْتَ أَنَّکَ الْجَالِبُ لِرِزْقِکَ فَمَا لَکَ تَرُومُ أَنْ تَزِيدَ فِيهِ وَ لَا تَقْدِرُ أَمْ مَا لَکَ تَتْعَبُ فِی طَلَبِ الشَّیْ ءِ فَلَسْتَ تَنَالُهُ وَ يَأْتِيکَ غَيْرُهُ عَفْواً مِمَّا لَا تَتَفَکَّرُ فِيهِ وَ لَا تَتَعَنَّی لَهُ أَمْ مَا لَکَ تَرَی مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْکَ عَقْلًا وَ أَکْثَرُ طَلَباً مَحْرُوماً مَجْذُوذاً وَ مَنْ هُوَ أَضْعَفُ مِنْکَ عَقْلًا وَ أَقَلُّ طَلَباً مَحْرُوزاً مَجْدُوداً أَ تَرَاکَ أَنْتَ الَّذِی هَيَّأْتَ لِمَشْرَبِکَ وَ مَطْعَمِکَ سِقَاءَيْنِ (۱)

فِی صَدْرِ أُمِّکَ أَمْ تَرَاکَ سَلَّطْتَ عَلَی نَفْسِکَ وَقْتَ السَّلَامَهِ الدَّاءَ أَوْ جَلَبْتَ لَهَا وَقْتَ السُّقْمِ الشِّفَاءَ أَ لَا تَنْظُرُ إِلَی الطَّيْرِ الَّتِی تَغْدُو خِمَاصاً وَ تَرُوحُ بِطَاناً(۲)

أَ لَهَا زَرْعٌ تَزْرَعُهُ أَوْ مَالٌ تَجْمَعُهُ أَوْ کَسْبٌ تَسْعَی فِيهِ أَوِ احْتِيَالٌ تَتَوَسَّمُ (۳) بِتَعَاطِيهِ اعْلَمْ أَيُّهَا الْغَافِلُ أَنَّ ذَلِکَ کُلَّهُ بِتَقْدِيرِی لَا أُنَادُّ وَ لَا أُضَادُّ فِی تَدْبِيرِی وَ لَا يُنْقَصُ وَ لَا يُزَادُ مِنْ تَقْدِيرِی ذَلِکَ أَنِّی أَنَا اللَّهُ الرَّحِيمُ الْحَکِيمُ.

الصحيفه الرابعه صحيفه المعرفه

مَنْ عَرَفَ الْخَلْقَ عَرَفَ الْخَالِقَ وَ مَنْ عَرَفَ الرِّزْقَ عَرَفَ الرَّازِقَ وَ مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ عَرَفَ رَبَّهُ وَ مَنْ خَلُصَ إِيمَانُهُ أَمِنَ دِينُهُ کَيْفَ تَخْفَی مَعْرِفَهُ اللَّهِ وَ الدَّلَائِلُ وَاضِحَهٌ وَ الْبَرَاهِينُ عَلَی وَحْدَانِيَّتِهِ لَائِحَهٌ عَجَباً لِمَنْ غَنِیَ عَنِ اللَّهِ وَ فِی مَوْضِعِ

۱- ۱. السقاء: جلد السخله، اذا اجذع يکون للماء و اللبن.

۲- ۲. الخماص جمع الخميص يعنی خميص البطن من الجوع، و البطان جمع البطين يعنی من کثره الاکل: و سيأتی.

۳- ۳. توصم: تطلب و تفرس.

كُلِّ قَدَمٍ وَ مَطْرَفِ عَيْنٍ وَ مَلْمَسِ يَدٍ دَلَالَةٌ سَاطِعَةٌ وَ حُجَّةٌ صَادِعَةٌ عَلَى أَنَّهُ تَبَارَكَ وَاحِدٌ لَا يُشَارَكُ وَ جَبَّارٌ لَا يُقَاوَمُ وَ عَالِمٌ لَا يَجْهَلُ وَ عَزِيزٌ لَا يَذِلُّ وَ قَادِرٌ لَطِيفٌ وَ صَانِعٌ حَكِيمٌ فِي صَنْعَتِهِ كَانَ أَبَداً وَحْدَهُ وَ يَبْقَى مِنْ بَعْدُ وَحْدَهُ هُوَ الْبَاقِي عَلَى الْحَقِيقَهِ وَ بَقَاؤُهُ غَيْرُ مَجَازٍ وَ هُوَ الْغَنِيُّ وَ غِنَى غَيْرِهِ صَائِرٌ إِلَى فَقْرٍ وَ إِعْوَازٍ وَ هُوَ الَّذِي جَرَتِ الْأَفْلَاكُ الدَّائِرَهُ وَ النُّجُومُ السَّائِرَهُ بِأَمْرِهِ وَ اسْتَقَلَّتِ السَّمَاوَاتُ وَ اسْتَقَرَّتِ الْأَرَضُونَ بِعَظَمَتِهِ وَ خَضَعَتِ الْأَصْوَاتُ وَ الْأَعْنَاقُ لِمَلَكُوتِهِ وَ سَجَدَتِ الْأَظْلَالُ وَ الْأَشْبَاحُ لِجَبَرُوتِهِ بِإِذْنِهِ أَنَارَتِ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ نَزَلَ الْغَيْثُ وَ الْمَطَرُ وَ أَنْبَتَتِ الْأَرْضُ الْمَيْتَهُ نَبَاتاً حَيّاً وَ أَخْرَجَتِ الْعِيدَانُ الْيَابِسَهُ وَرَقاً رَطْباً وَ نَبَعَتِ الصُّخُورُ الصِّلَادُ(١) مَاءً نَمِيراً وَ أَوْرَقَتِ الْأَشْجَارُ الْخَضِرَهُ نَاراً ضَوْءاً مُنِيراً طُوبَى لِمَنْ آمَنَ بِهِ وَ صَدَّقَ بِرُسُلِهِ وَ كُتُبِهِ وَ وَقَفَ عِنْدَ طَاعَتِهِ وَ انْتَهَى عَنْ مَعْصِيَتِهِ وَ بُؤْسَى لِمَنْ جَحَدَ آلَاءَهُ وَ كَفَرَ نَعْمَاءَهُ وَ حَادَّ أَوْلِيَاءَهُ وَ عَاضَدَ أَعْدَاءَهُ إِنَّ أُولَئِكَ الْأَقَلُّونَ الْأَذَلُّونَ (٢) عَلَيْهِمْ فِي الدُّنْيَا سِيمَاءٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَهِ مِهَادُ النَّارِ دَوْلَتُهُمْ إِمْلَاءٌ وَ اسْتِدْرَاجٌ وَ عَاقِبَهُ غِنَائِهِمْ احْتِيَاجٌ وَ مَوْئِلُ سُرُورِهِمْ غَمٌّ وَ انْزِعَاجٌ وَ مَصِيرُهُمْ فِي الْآخِرَهِ إِلَى جَهَنَّمَ خَالِدِينَ بِلَا إِخْرَاجٍ فَأَمَّا الْمُؤْمِنُونَ الصِّدِّيقُونَ فَلَهُمُ الْعِزَّهُ بِاللَّهِ وَ الِاعْتِزَاءُ إِلَيْهِ وَ الْقُوَّهُ بِنَصْرِهِ وَ التَّوَكُّلُ عَلَيْهِ وَ لَهُمُ الْعَاقِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْفَلْجُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ بِإِظْفَارٍ فَوَ عِزَّتِي لَأُصَيِّرَنَّ الْأَرْضَ وَ لَا يُعْبَدُ عَلَيْهَا سِوَايَ وَ لَا يُدَانُ لِإِلَهٍ غَيْرِي وَ لَأَجْعَلَنَّ مَنْ نَصَرَنِي مَنْصُوراً وَ مَنْ كَفَرَنِي ذَلِيلًا مَقْهُوراً وَ لَيَلْحَقَنَّ الْجَاحِدِينَ لِي أَعْظَمُ النَّدَامَهِ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا وَ فِي يَوْمِ الْقِيَامَهِ وَ لَأُخْرِجَنَّ مِنْ ذُرِّيَّهِ آدَمَ مَنْ يَنْسَخُ الْأَدْيَانَ وَ يَكْسِرُ الْأَوْثَانَ فَأُنِيرُ بُرْهَانَهُ وَ أُؤَيِّدُ سُلْطَانَهُ وَ أُوطِيهِ الْأَعْقَابَ وَ أُمَلِّكُهُ الرِّقَابَ فَيَدِينُ النَّاسُ لَهُ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ تَصْدِيقاً وَ قَسْراً هَذِهِ

۱- ۱. يعنى الصلب الاملس.

۲- ۲. الارذلون خ ل.

عِبَادَتِی فِیمَنْ عَرَفَنِی وَ عَبَدَنِی وَ لَهُمْ فِی الْآخِرَهِ دَارُ الْخُلُودِ فِی نَعِیمٍ لَا یَبِیدُ وَ سُرُورٍ لَا یَشُوبُهُ غَمٌّ وَ حُبُورٍ لَا یَخْتَلِطُ بِهِ هَمٌّ وَ حَیَاهٍ لَا تَتَعَقَّبُهَا وَفَاهٌ وَ نِعْمَهٍ لَا یَعْتَوِرُهَا نَقِمَهٌ فَسُبْحَانِی سُبْحَانِی وَ طُوبَی لِمَنْ سَبَّحَنِی وَ قُدُّوسٌ أَنَا وَ طُوبَی لِمَنْ قَدَّسَنِی جَلَّتْ عَظَمَتِی فَلَا تُحَدُّ وَ كَثُرَتْ نِعْمَتِی فَلَا تُعَدُّ وَ أَنَا الْقَوِیُّ الْعَزِیزُ.

الصحیفه الخامسه صحیفه العظمه

یَا أَخْنُوخُ أَ عَجِبْتَ لِمَنْ رَأَیْتَ مِنَ الْمَلَائِكَهِ وَ اسْتَبْدَعْتَ الصُّوَرَ وَ اسْتَهَلْتَ الْخَلْقَ وَ اسْتَكْثَرْتَ الْعَدَدَ وَ مَا رَأَیْتَ مِنْهُمْ كَالْقَطْرَهِ الْوَاحِدَهِ مِنْ مَاءِ الْبِحَارِ وَ الْوَرَقَهِ الْوَاحِدَهِ مِنْ وَرَقِ الْأَشْجَارِ أَ تَتَعَجَّبُ مِمَّا رَأَیْتَ مِنْ عَظَمَهِ اللَّهِ فَلَمَا غَابَ عَنْكَ أَكْبَرُ وَ تَسْتَبْدِعُ صَنْعَهَ اللَّهِ فَلَمَا لَمْ تُبْصِرْهُ عَنْكَ أَهْوَلُ وَ أَكْبَرُ مَا یُحِیطُ خَطُّ كُلِّ بَنَانٍ وَ لَا یَحْوِی نُطْقُ كُلِّ لِسَانٍ مُذِ ابْتَدَأَ اللَّهُ خَلْقَهُ إِلَی انْتِهَاءِ الْعَالَمِ أَقَلَّ جُزْءٍ مِنْ بَدَائِعِ فِطْرَتِهِ وَ أَدْنَی شَیْ ءٍ مِنْ عَجَائِبِ صَنْعَتِهِ إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَهً لَوْ نَشَرَ الْوَاحِدُ جَنَاحَهُ لَمَلَأَ الْآفَاقَ وَ سَدَّ الْآمَاقَ (۱) وَ إِنَّ لَهُ لَمَلَكاً نِصْفُهُ مِنْ ثَلْجٍ جَمْدٍ وَ نِصْفُهُ مِنْ لَهَبٍ مُتَّقِدٍ لَا حَاجِزَ بَیْنَهُمَا فَلَا النَّارُ تُذِیبُ الْجَمَدَ وَ لَا الثَّلْجُ تُطْفِئُ اللَّهَبَ الْمُتَّقِدَ لِهَذَا الْمَلَكِ ثَلَاثُونَ أَلْفَ رَأْسٍ فِی كُلِّ رَأْسٍ ثَلَاثُونَ أَلْفَ وَجْهٍ فِی كُلِّ وَجْهٍ ثَلَاثُونَ أَلْفَ فَمٍ فِی كُلِّ فَمٍ ثَلَاثُونَ أَلْفَ لِسَانٍ یَخْرُجُ مِنْ كُلِّ لِسَانٍ ثَلَاثُونَ أَلْفَ لُغَهٍ تُقَدِّسُ اللَّهَ بِتَقْدِیسَاتِهِ وَ تُسَبِّحُهُ بِتَسْبِیحَاتِهِ وَ تُعَظِّمُهُ بِعَظَمَاتِهِ وَ تَذْكُرُ لَطَائِفَ فِطَرَاتِهِ وَ كَمْ فِی مُلْكِهِ تَعَالَی جَدُّهُ مِنْ أَمْثَالِهِ وَ مَنْ أَعْظَمُ مِنْهُ یَجْتَهِدُونَ فِی التَّسْبِیحِ فَیَقْصُرُونَ وَ یَدْأَبُونَ فِی التَّقْدِیسِ فَیَحْسُرُونَ وَ هَذَا مَا خَلَا شَیْ ءٌ مِنْ آیَاتِی وَ جَلَالِی إِنَّ فِی الْبَعُوضَهِ الَّتِی تَسْتَحْقِرُهَا وَ الذَّرَّهِ الَّتِی تَسْتَصْغِرُهَا مِنَ الْعَظَمَهِ لِمَنْ تَدَبَّرَهَا مَا فِی أَعْظَمِ الْعَالَمِینَ وَ مِنَ اللَّطَائِفِ لِمَنْ تَفَكَّرَ فِیهَا مَا فِی الْخَلَائِقِ أَجْمَعِینَ مَا یَخْلُو صَغِیرٌ وَ لَا كَبِیرٌ مِنْ بُرْهَانٍ عَلَیَّ وَ آیَهٍ فِیَّ عَظُمْتُ عَنْ أَنْ أُوصَفَ وَ كَبُرْتُ عَنْ أَنْ أُكَیَّفَ حَارَتِ الْأَلْبَابُ فِی عَظَمَتِی وَ كَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ تَقْدِیرِ صِفَتِی ذَلِكَ أَنِّی أَنَا اللَّهُ الَّذِی لَیْسَ كَمِثْلِی شَیْ ءٌ وَ أَنَا الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ.

۱- ۱. المؤق من الأرض: النواحی الغامضه من أطرافها و الجمع آماق.

الصحیفه السادسه صحیفه القربه

سَأَلْتَ یَا أَخْنُوخُ عَمَّا یُقَرِّبُکَ مِنَ اللَّهِ ذَلِکَ أَنْ تُؤْمِنَ بِرَبِّکَ مِنْ کُلِّ قَلْبِکَ وَ تَبُوءَ بِذَنْبِکَ وَ بَعْدَ ذَلِکَ تَلْزَمَ رَحْمَهَ الْخَلْقِ وَ حُسْنَ الْخُلُقِ وَ إِیْثَارَ الصِّدْقِ وَ أَدَاءَ الْحَقِّ وَ الْجُودَ مَعَ الرِّضَا بِمَا یَأْتِیکَ مِنَ الرِّزْقِ وَ إِکْثَارِ التَّسْبِیحِ بِالْعَشَایَا وَ الْأَسْحَارِ وَ أَطْرَافِ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ وَ مُجَانَبَهِ الْأَوْزَارِ وَ التَّوْبَهِ مِنْ جَمِیعِ الْآصَارِ وَ إِقَامَهِ الصَّلَوَاتِ وَ إِیتَاءِ الزَّکَوَاتِ وَ الرِّفْقِ بِالْأَیَامَی وَ الْأَیْتَامِ وَ الْإِحْسَانِ إِلَی جَمِیعِ الْخَلَائِقِ وَ الْأَنَامِ وَ أَنْ تَجْأَرَ إِلَی اللَّهِ بِتَذَلُّلٍ وَ خُشُوعٍ وَ تَضَرُّعٍ وَ تَقُولُ بِاللِّسَانِ النَّاطِقِ عَنِ الْإِیمَانِ الصَّادِقِ اللَّهُمَّ أَنْتَ الرَّبُّ الْقَوِیُّ الْکَرِیمُ الْجَلِیلُ الْعَظِیمُ عَلَوْتَ وَ دَنَوْتَ وَ نَأَیْتَ وَ قَرُبْتَ لَمْ یَخْلُ مِنْکَ مَکَانٌ وَ لَمْ یُقَاوِمْکَ سُلْطَانٌ جَلَّلْتَ عَنِ التَّحْدِیدِ وَ کَبُرْتَ عَنِ الْمِثْلِ وَ النَّدِیدِ بِکَ النَّجَاهُ مِنْکَ وَ إِلَیْکَ الْمَهْرَبُ عَنْکَ إِیَّاکَ نَسْأَلُ إِلَهَنَا أَنْ تُکَنِّفَنَا بِرَحْمَتِکَ وَ تُشْمِلَنَا بِرَأْفَتِکَ وَ تَجْعَلَ أَمْوَالَنَا فِی ذَوِی السَّمَاحَهِ وَ الْفَضْلِ وَ سُلْطَانَنَا فِی ذَوِی الرَّشَادِ وَ الْعَدْلِ وَ لَا تُحْوِجَنَا إِلَّا إِلَیْکَ فَقَدِ اتَّکَلْنَا اللَّهُمَّ عَلَیْکَ إِلَیْکَ نَبْرَأُ مِنَ الْحَوْلِ وَ الِاحْتِیَالِ وَ نُوَجِّهُ عَنَانَ الرَّغْبَهِ وَ السُّؤَالِ فَأَجِبْنَا اللَّهُمَّ إِلَی مَا نَدْعُو وَ حَقِّقْ فِی فَضْلِکَ وَ کَرَمِکَ مَا نَأْمُلُ وَ نَرْجُو وَ آمِنَّا مِنْ مُوبِقَاتِ أَعْمَالِنَا وَ مُحْبِطَاتِ أَفْعَالِنَا بِرَحْمَتِکَ یَا إِلَهَ الْعَالَمِینَ یَا أَخْنُوخُ مَا أَعْظَمَ مَا یَدَّخِرُ فَاعِلُ ذَلِکَ مِنَ الثَّوَابِ وَ مَا أَثْقَلَ هَذِهِ الْکَلِمَاتِ فِی الْمِیزَانِ یَوْمَ الْحِسَابِ فَأَنْبِئِ النَّاسَ بِمَأْمُولِ رَحْمَتِیَ الْوَاسِعَهِ وَ مَخْشِیِّ سَخْطَتِیَ الصَّاقِعَهِ(۱) وَ ذَکِّرْهُمْ آلَائِی وَ احْضُضْهُمْ عَلَی دُعَائِی فَحَقٌّ عَلَیَّ إِجَابَهُ الدَّاعِینَ وَ نَصْرُ الْمُؤْمِنِینَ وَ أَنَا ذُو الطَّوْلِ الْعَظِیمِ.

الصحیفه السابعه صحیفه الجبابره

یَا أَخْنُوخُ کَمْ مِنْ جَبَرُوتِ جَبَّارٍ قَصَمْتُهَا وَ کَمْ مِنْ قَوِیٍّ ظَنَّ أَلَّا مُغَالِبَ لَهُ فَتَجَبَّرَ وَ عَتَا وَ تَمَرَّدَ وَ طَغَا أَرَیْتُهُ قُدْرَتِی وَ أَذَقْتُهُ وَبَالَ سَطْوَتِی وَ أَوْرَدْتُهُ حِیَاضَ

۱- ۱. الصاعقه خ ل، و کلاهما بمعنی.

الْمَنِيَّهِ فَشَرِبَ كَأْسَهَا وَ ذَاقَ بَأْسَهَا وَ حَطَطْتُهُ مِنْ عَالِی حُصُونِهِ وَ وَثِیقِ قِلَاعِهِ وَ أَخْرَجْتُهُ مِنْ عَامِرِ دُورِهِ وَ مُونِقِ رِبَاعِهِ إِلَی الْقُبُورِ الْمَلْحُودَهِ وَ الْحُفْرَهِ الْمَخْدُودَهِ فَاضْطَجَعَ فِیهَا وَحِیداً وَ سَالَ مِنْهُ فِیهَا صَدِیداً وَ أُطْعِمَ حَرِیشَاتٍ (۱)

وَ دُوداً وَ صَارَ مِنْ مَالِهِ وَ جُمُوعِهِ بَعِیداً وَ فِی مُلَاقَاهِ الْمُحَاسَبَهِ فَرِیداً لَمْ یَنْفَعْهُ مَا عَدَّدَ وَ لَمْ یُخَلِّدْهُ مَا خَلَّدَ وَ لَمْ یَتْبَعْهُ إِلَّا تَبِعَاتُ الْحِسَابِ وَ لَمْ یَصْحَبْهُ مِنْ أَحْوَالِ دُنْیَاهُ إِلَّا مُوجِبَاتُ الثَّوَابِ أَوِ الْعِذَابِ ثُمَّ أَوْرَثْتُ مَا حَازَ مِنَ الْبَاطِلِ وَ جَمَعَ وَ صَدَّ عَنِ الْحَقِّ مَنْ لَمْ یَشْكُرْهُ عَلَی مَا صَنَعَ وَ لَا دَعَا لَهُ وَ لَا نَفَعَ شَقِیٌّ ذَاكَ بِجَمْعِهِ وَ فَازَ هَذَا الْوَارِثُ بِنَفْعِهِ قَدْ رَأَی الْغَابِرُ عَاقِبَهَ مَنْ مَضَی فَلَا یَرْتَدِعُ وَ أَبْصَرَ الْبَاقِی مَصِیرَ مَنِ انْقَضَی فَلَا یَنْزَجِرُ وَ لَا یَنْقَمِعُ أَ مَا لَهُمْ أَعْیُنٌ فَتُبْصِرَ أَوْ قُلُوبٌ فَتَتَفَكَّرَ أَوْ عُقُولٌ فَتَدَبَّرَ كَذَّبُوا بِی فَصَدَقَتْهُمْ سَخْطَتِی وَ نَامُوا عَنْ حَقِّی فَنَبَّهَتْهُمْ عُقُوبَتِی أَدِّ إِلَیْهِمْ رِسَالَتِی وَ عَرِّفْهُمْ نَصِیحَتِی وَ أَكِّدْ عَلَیْهِمْ حُجَّتِی وَ أَنْهِجْ لَهُمْ حَدَّ مَحَجَّتِی ثُمَّ كِلْهُمْ إِلَی مُحَاسَبَتِی فَوَ عِزَّتِی لَا یَتَعَدَّانِی ظَالِمٌ وَ لَا یَخْفِقُ عِنْدِی مَظْلُومٌ وَ سَأَقْتَصُّ لِلْكُلِّ مِنَ الْكُلِّ وَ أَنَا الْحَكِیمُ الْعَدْلُ.

الصحیفه الثامنه صحیفه الحول

ذَلَّ مَنِ ادَّعَی الْحَوْلَ وَ الْقُوَّهَ مِنْ دُونِی وَ زَعَمَ أَنَّهُ یَقْدِرُ عَلَی مَا یَزِیدُ لَوْ كَانَ دَعْوَاهُ حَقّاً وَ قَوْلُهُ صِدْقاً لَتَسَاوَتِ الْأَقْدَامُ وَ تَعَادَلَ فِی جَمِیعِ الْأُمُورِ الْأَنَامُ فَإِنَّ الْكُلَّ یَطْلُبُ مِنَ الْخَیْرِ الْغَایَهَ وَ یَرُومُ مِنَ السَّعَادَهِ النِّهَایَهَ فَلَوْ كَانَتْ تَصَارِیفُ الْأُمُورِ وَ مَوَاقِعُ الْمَقْدُورِ عَلَی مَا یَرُومُونَ وَ مُوَكَّلًا مِنْ قُوَاهُمْ وَ اسْتِطَاعَاتِهِمْ إِلَی مَا یَقْدِرُونَ وَ الْجَمَاعَهُ تَطْلُبُ نِهَایَهَ الْخَیْرِ وَ تَتَجَنَّبُ أَدْنَی مَوَاقِعِ الضَّیْرِ لَمَا رُئِیَ فَقِیرٌ وَ لَا مِسْكِینٌ ضَرِیرٌ وَ لَمَا احْتَاجَ أَحَدٌ إِلَی أَحَدٍ وَ لَا افْتَقَرَتْ یَدٌ إِلَی یَدٍ وَ أَنْتَ الْآنَ تَرَی السَّیِّدَ وَ الْمُسَوَّدَ وَ الْمَجْذُوذَ وَ الْمَجْدُودَ وَ الْغَنِیَّ الْخَجِلَ وَ الْفَقِیرَ الْمُدْقِعَ.

ص: ۴۶۰

۱- ۱. الحریش: دویبه قدر الاصبع بأرجل كثیره و هی المسماه: دخاله الاذن، المعروفه عند العوام بام أربع و أربعین.

ذَلِکَ أَیُّهَا الْإِنْسَانُ دَلِیلٌ عَلَی أَنَّ الْأَمْرَ لِغَیْرِکَ وَ مَوْکُولٌ إِلَی سِوَاکَ وَ أَنَّکَ مَقْهُورٌ مُدَبَّرٌ وَ لِمَا یُرَادُ مِنْکَ مُقَدَّرٌ وَ مُیَسَّرٌ لِأَنَّکَ تُرِیدُ الْأَمْرَ الْیَسِیرَ بِالتَّعَبِ الْکَثِیرِ فَیَمْنَعُ عَلَیْکَ وَ یَتَأَبَّی وَ تَغْفُلُ عَنِ الْأَمْرِ الْکَبِیرِ وَ یُسَهَّلُ لَکَ مِنْ غَیْرِ تَعَبٍ اعْتَرِفْ أَیُّهَا الْعَبْدُ بِالْعَجْزِ یُصْنَعْ لَکَ وَ لَا تَدَعِ الْحَوْلَ وَ الْقُوَّهَ فَتَهْلِکَ وَ اعْلَمْ أَنَّکَ الضَّعِیفُ وَ أَنِّی الْقَوِیُّ.

الصحیفه التاسعه صحیفه الانتقال

إِلَهِی أَنْتَ تَعْرِفُ حَاجَتِی وَ تَعْلَمُ فَاقَتِی وَ أَنْتَ عَالِمُ الْغُیُوبِ وَ کَاشِفُ الْکُرُوبِ تَعْلَمُ الْکَائِنَاتِ قَبْلَ وُقُوعِهَا وَ تُحِیطُ بِالْأَشْیَاءِ قَبْلَ وُقُوعِهَا وَ أَنْتَ غَنِیٌّ عَنِ الْعَالَمِینَ وَ هُمْ فُقَرَاءُ إِلَیْکَ أَمَرْتَنِی فَعَصَیْتُ وَ نَهَیْتَنِی فَأَتَیْتُ وَ بَصَّرْتَنِی فَعَمِیتُ وَ أَسْعَدْتَنِی فَشَقِیتُ تَعْرِفُ ذُنُوبِی فَلَا سِتْرَ دُونَکَ فَلَا تَفْضَحْنِی بِهَا فِی الدُّنْیَا وَ لَا فِی الْآخِرَهِ وَ لَا فِی الْمَحْشَرِ وَ فِی عَرْصَهِ السَّاهِرَهِ اللَّهُمَّ فَکَمَا سَتَرْتَهَا عَلَیَّ فَاغْفِرْ لِی وَ کَمَا لَمْ تُظْهِرْهَا عَلَیَّ فَحُطَّهَا عَنِّی وَ قِنِی مُنَاقَشَهَ الْحِسَابِ وَ مُکَابَدَهَ الْعَذَابِ وَ یَسِّرِ الْخَیْرَ لِی فِی عَاجِلِی وَ آجِلِی وَ مَحْیَایَ وَ مَمَاتِی وَ اقْضِ حَاجَاتِیَ الَّتِی أَنْتَ عَالِمٌ بِهَا مِنِّی وَ اصْرِفْ شَرَّ جَمِیعِ مَا خَلَقْتَ عَنِّی وَ وَفِّقْنِی مِنْ مَنَافِعِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ لِمَا تَعْلَمُ فِیهِ صَلَاحِی وَ تَعْرِفُ فِیهِ فَلَاحِی وَ أَنَا عَنْهُ غَنِیٌّ غَافِلٌ وَ بِوُجُوهِ اسْتِجْلَابِهِ جَاهِلٌ فَقَدْ بَسَطْتُ یَدِی بِالابْتِهَالِ إِلَیْکَ وَ وَقَفْتُ بِذُلِّ الْمُذْنِبِینَ وَ خُشُوعِ الرَّاغِبِینَ وَ تَضَرُّعِ الْمُحْتَاجِینَ بَیْنَ یَدَیْکَ وَ أَنْتَ أَنْتَ أَهْلُ الْإِجَابَهِ وَ إِنْ کُنْتُ أَنَا أَهْلًا لِلْخَیْبَهِ فَأَنْتَ وَلِیُّ الْإِسْعَافِ وَ الْإِطْلَابِ وَ إِنْ کُنْتُ أَنَا الْمُسْتَحِقَّ لِعَظِیمِ الْعَذَابِ فَأَنْتَ مَوْضِعُ الرَّغْبَهِ وَ مُنْتَهَی السُّؤْلِ وَ الطَّلِبَهِ وَ أَنَا لَا أَهْتَدِی إِلَّا إِلَیْکَ وَ لَا أُعَوِّلُ إِلَّا عَلَیْکَ وَ لَا أَقْرَعُ إِلَّا بَابَکَ وَ لَا أَرْجُو إِلَّا ثَوَابَکَ وَ لَا أَخَافُ إِلَّا عَذَابَکَ وَ لَا أَخْشَی إِلَّا عِقَابَکَ فَزِدْنِی اللَّهُمَّ هِدَایَهً إِلَیْکَ وَ یَسِّرْ لِی مَا عَوَّلْتُ فِیهِ وَ افْتَحْ لِی بَابَکَ وَ أَجْزِلْ لِی مِنْ رَحْمَتِکَ ثَوَابَکَ وَ آمِنِّی مِمَّا أَسْتَحِقُّهُ بِذُنُوبِی مِنْ عَذَابِکَ وَ أَلِیمِ عِقَابِکَ إِنَّکَ أَنْتَ الرَّءُوفُ الرَّحِیمُ.

الصحيفه العاشره و هی صحیفه التوکل

مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ كَفَاهُ وَ مَنِ اسْتَرْعَاهُ رَعَاهُ وَ مَنْ قَرَعَ بَابَهُ افْتَتَحَ وَ مَنْ سَأَلَهُ أَنْجَحَ وَ مَنْ كَانَ اللَّهُ مَعَهُ لَمْ يَقْدِرِ النَّاسُ لَهُ عَلَى ضَرٍّ وَ مَنْ أَتَى الْأَمْرَ مُتَبَرِّئاً مِنْ حَوْلِهِ وَ قُوَّتِهِ اسْتَكْثَرَ الْخَيْرَ وَ أَمِنَ مِنْ تَوَابِعِ الشَّرِّ وَ مَنْ تَابَ تِيبَ عَلَيْهِ وَ مَنْ أَنَابَ غُفِرَ لَهُ وَ الْأَعْمَالُ بِالْمُوَافَاةِ وَ الِاسْتِدْرَاكُ قَبْلَ الْفَوْتِ وَ الْوَفَاةِ وَ لَنْ يَضِيعَ فِعْلُ أَحَدٍ مِنْ صَحِيفَتِهِ وَ لَا يُتَوَفَّى بَلْ يُحَاسَبُ عَلَى الْقِطْمِيرِ وَ يُجَازَى فَوَ رَبِّ السَّمَاءِ لَيُقْتَصَّنَّ مِنَ الْقَرْنَاءِ لِلْجَمَّاءِ(۱)

وَ لَتَسْتَوِيَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي الْمُدَايَنَةِ الْأَقْدَامُ وَ لَيُجَازَيَنَّ كُلُّ امْرِئٍ عَلَى مَا اعْتَرَفَ مِنْ حَسَنَاتٍ وَ آثَامٍ عِنْدَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ الضَّمَائِرُ وَ لَا يَغِيبُ عَنْهُ السَّرَائِرُ وَ لَا يَتَعَاظَمُهُ شَيْ ءٌ لِكِبَرِهِ وَ لَا يَنْكَتِمُ شَيْ ءٌ لِحَقَارَتِهِ وَ صِغَرِهِ وَ لَا يَتَكَاءَدُهُ الْإِحْصَاءُ وَ لَا يَذْهَبُ عَلَيْهِ الْجَزَاءُ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ قَدَّرَ كُلَّ شَيْ ءٍ وَ قَضَاهُ وَ عَدَّهُ وَ أَحْصَاهُ فَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ إِلَّا رَحْمَتُهُ ثُمَّ الْعَمَلَ الصَّالِحَ.

الصحيفه الحاديه عشر

لَا غِنَى لِمَنْ اسْتَغْنَى عَنِّي وَ لَا فَقْرَ بِمَنِ افْتَقَرَ إِلَيَّ وَ لَا يَضِيعُ عَمَلُ أَحَدٍ عِنْدِي مِنْ خَيْرٍ وَ شَرٍّ فَأَمَّا الْخَيْرُ فَأَنَا أَجْزِي وَعْداً غَيْرَ مَكْذُوبٍ وَ أَمَّا الشَّرُّ فَإِلَيَّ إِنْ شِئْتُ عَفَوْتُ وَ إِنْ شِئْتُ عَاقَبْتُ وَ أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.

الصحيفه الثانيه عشر صحيفه البعث

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي مِرْيَةٍ مِنَ الْبَعْثِ فَتَفَكَّرُوا أَنَّ الَّذِي أَوْجَدَكُمْ عَنْ عَدَمٍ وَ خَلَقَكُمْ مِنْ غَيْرِ قِدَمٍ وَ خَلَقَكُمْ فِي الْأَرْحَامِ نُطَفاً وَ مُضَغاً ثُمَّ صَوَّرَكُمْ وَ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ ضُعَفَاءَ فَقَوَّاكُمْ وَ أَقْدَرَكُمْ وَ غَيَّرَكُمْ مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ وَ صَيَّرَكُمْ فِي كُلِّ الْأُمُورِ ذَوِي زَوَالٍ وَ انْتِقَالٍ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُعِيدَكُمْ كَمَا بَدَأَكُمْ وَ يَبْعَثَكُمْ كَمَا خَلَقَكُمْ وَ ذَلِكَ فِي عُقُولِ النَّاسِ أَهْوَنُ وَ أَقْرَبُ فَأَمَّا اللَّهُ فَلَا يَتَعَاظَمُهُ كَبِيرٌ لِكِبَرِهِ وَ لَا يَتَعَذَّرُ عَلَيْهِ صَغِيرٌ لِصِغَرِهِ وَ كُلُّ الْأُمُورِ بِيَدِهِ هَيِّنٌ لَا يَنْصَبُ فِيهَا وَ لَا يَتْعَبُ وَ لَا يَعْيَا وَ لَا يَلْغَبُ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئاً أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ذَلِكُمُ اللَّهُ خَالِقُ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ

۱- ۱. القرناء ما له قرن، و الجماء خلافه.

الصحيفه الثالثه عشر صحيفه سهم الجبابره

يَا أَخْنُوخُ قَدْ أَهْمَلَ النَّاسُ عِبَادَتِی فَأَضْرَبُوا عَنْ طَاعَتِی وَ أَصَرُّوا عَلَی الْعِصْيَانِ وَ انْهَمَكُوا فِی الطُّغْيَانِ وَ آثَرُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ وَ تَهَالَكُوا فِی الْبَغْیِ وَ الْعُدْوَانِ كَأَنَّهُمْ لَمْ يَرَوْا مَصَارِعَ الطُّغَاةِ قَبْلَهُمْ وَ لَمْ يَنْظُرُوا إِلَی دِيَارِهِمُ الْخَاوِيَهِ وَ خُدُورِهِمْ وَ خُلُوِّ قُصُورِهِمُ الْمُشَيَّدَهِ وَ اتِّضَاعِ أَسْمَائِهِمُ الْعَالِيَهِ لَمْ تَدْفَعْ عَنْهُمْ سَخْطَتِی لَمَّا حَلَّتْ مُوثِقُ الْقِلَاعِ وَ مُونِقُ الرِّبَاعِ وَ لَمْ تُجِرْهُمُ الْجُنُودُ الْمُجَنَّدَهُ وَ الْعِدَدُ الْمُعَدَّدَهُ وَ الْأَمْوَالُ الْجَمَّهُ وَ الْمَمَالِكُ الْعَظِيمَهُ بَلْ تَضَعْضَعُوا لِوَاقِعِ النَّقِمَهِ إِذْ لَمْ يَشْكُرُوا سَابِغَ النِّعْمَهِ وَ تَزَعْزَعُوا لِحُلُولِ السَّخْطَهِ لَمَّا تَنَاسَوْا حَقِّی عَلَيْهِمْ عِنْدَ الْمُهْلَهِ فَبَادُوا وَ هَلَكُوا وَ طَرِيقَ الْخِزْیِ فِی الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ سَلَكُوا حَتَّی كَأَنَّهُمْ لَمْ يَرَوْا قَرِيباً مَصَارِعَ سَهْمِ الْجَبَّارِ وَ أَصْحَابِهِ الْجَبَابِرَهِ لَمَّا أَصَرُّوا عَلَی الْكُفْرِ وَ الْجُحُودِ وَ اسْتَمَرُّوا عَلَی الْبَغْیِ وَ الْعُنُودِ وَ اسْتَعْبَدُوا عِبَادِی وَ خَرَّبُوا بِلَادِی وَ اسْتَحْقَرُوا الْخَلْقَ وَ غَمَطُوا الْحَقَّ وَ أَحْيَوْا سُنَنَ الْأَشْرَارِ وَ عَطَّلُوا سُنَنَ الْأَخْيَارِ وَ وَضَعُوا الْمُكُوسَ وَ أَزْهَقُوا النُّفُوسَ وَ تَرَكُوا مَا كَانَ عَلَيْهِمْ فَرْضاً وَ رَكَضُوا فِی الْبَاطِلِ رَكْضاً وَ سَفَكُوا الدِّمَاءَ حَتَّی أَبْكَوْا بِأَفْعَالِهِمُ الْأَرْضَ وَ السَّمَاءَ مُفْتَخِرِينَ مُغْتَرِّينَ بِأَجْسَامِهِمُ الْعِظَامِ وَ جُثَثِهِمُ الْكِبَارِ وَ قُوَّتِهِمُ الشَّدِيدَهِ وَ أَمْوَالِهِمُ الْعَتِيدَهِ وَ لَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُمْ وَ تَمَّتْ آثَامُهُمْ أَجْهَشَتِ الْبِقَاعُ وَ بَكَتِ الرَّوَابِی وَ التِّلَاعُ بِمَنْ فِيهَا مِنْ أَصْنَافِ الْحَيَوَانِ إِلَی الْحَنَّانِ الْمَنَّانِ فَرَحِمْنَا تَضَرُّعَهُمْ وَ اسْتَجَبْنَا دَعْوَتَهُمْ وَ انْتَصَرْنَا لِلْمُؤْمِنِينَ مِمَّنِ اسْتَضْعَفَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَرْبَاباً لِمَنْ كَانَ اسْتَعْبَدَهُمْ وَ أُمَرَاءَ عَلَی مَنِ اسْتَرْذَلَهُمْ وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَ الْجَبَابِرَهِ الْبَأْسَ وَ أَرِحْنَا مِنْهُمْ جَمَاعَهَ النَّاسِ فَتَحَارَبَ الْجَبَابِرَهُ وَ تَحَازَبُوا وَ تَكَاوَحُوا وَ تَجَاذَبُوا حَتَّی أَهْلَكُوا بَعْضُهُمْ بَعْضاً وَ قَتَلُوا نُفُوسَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَ قَطَعُوا أَبْدَانَهُمْ بِسُيُوفِهِمْ وَ إِنْ كَانَ أَقْوَاهُمْ وَ أَعْتَاهُمْ وَ أَتَمُّهُمْ قَامَهً وَ أَشَدُّهُمْ بَسْطَهً سَهْمَ قَيْصَرَ عَلَيْهِمْ وَ بَقِیَ بَعْدَهُمْ قَرِيحاً جَرِيحاً لَا يَسُوغُ شَرَاباً وَ لَا طَعَاماً وَ لَا يَجِدُ قَرَاراً وَ لَا يَلْتَذُّ مَنَاماً مِنَ الَّذِی أَصَابَهُ فِی حُرُوبِ سَائِرِ الْجَبَابِرَهِ مِنْ ضَرْبِ السُّيُوفِ وَ طَعْنِ الرِّمَاحِ وَ شَدْخِ الْجَنَادِلِ وَ وَقْعِ السِّهَامِ

فَبَعَلَ بِنَفْسِهِ وَ مَهَّدَ بِيَدِهِ مَوْضِعَ رَمْسِهِ وَ انْحَنَى عَلَى سَيْفِهِ وَ لَقِيَ حَتْفَهُ بِكَفِّهِ وَ كَانَ آخِرَهُمْ مَوْتاً وَ عَقِيبَهُمْ فَوْتاً وَ وَرِثَ الْمُسْتَضْعَفُونَ أَمْوَالَهُمْ وَ دِيَارَهُمْ وَ وَطِئُوا أَعْقَابَهُمْ فَإِنْ شَكَرْتُمْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ زِدْتُكُمْ وَ إِنْ أَطَعْتُمُونِي أَمْدَدْتُكُمْ وَ إِنِ اقْتَدَيْتُمْ بِالْعُصَاةِ وَ فَعَلْتُمْ فِعْلَ الْبُغَاةِ لَمْ تَكُونُوا أَعَزَّ عَلَيَّ وَ أَجَلَّ لَدَيَّ مِمَّنْ تَقَدَّمَكُمْ وَ كُلُّكُمْ خَلْقِي وَ آكِلُ رِزْقِي لَا نَسَبَ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ لَا حَاجَةَ بِي إِلَى أَحَدٍ مِنْكُمْ كَمَا لَمْ يَكُنْ بِي حَاجَةٌ إِلَى مَنْ قَبْلَكُمْ فَوَ عِزَّتِي لَأُهْلِكَنَّ الطَّاغِينَ وَ لَأَنْتَصِرَنَّ لِلْمَظْلُومِينَ مِنَ الظَّالِمِينَ وَ أَنَا الْغَلَّابُ الْمَتِينُ.

الصحیفه الرابعه عشر صوره صحیفه المن

يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَا غَرَّكُمْ بِرَبِّكُمُ الَّذِي سَوَّى خَلْقَكُمْ وَ قَدَّرَ رِزْقَكُمْ وَ أَوْرَى لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَاراً وَ الصَّخْرِ الْجَلْمَدِ نَاراً تَجْلِبُونَ بِهِ الْمَنَافِعَ وَ النُّورَ وَ الضِّيَاءَ وَ تَسْتَدْفِعُونَ بِهِ الظُّلْمَةَ وَ الْبَرْدَ وَ الْأَذَى وَ هُوَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ وَ أَوْبَارِهَا رِيشاً يُوَارِي السَّوْءَاتِ وَ يَدْفَعُ الْآفَاتِ وَ هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ عُيُوناً يَنَابِيعَ تُنْبِتُ الزَّرْعَ وَ تَنْفَعُ الظَّمَاءَ وَ أَجْرَى فِي السَّمَاءِ مَصَابِيحَ يُهْتَدَى بِهَا فِي مَهَامِهِ الْبَرِّ وَ لُجَجِ الْبَحْرِ وَ عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ مِنْ كَتْبِ الْكِتَابِ وَ نَسْجِ الثِّيَابِ وَ تَذْلِيلِ الدَّوَابِّ وَ هُوَ الَّذِي أَدَرَّ لَكُمُ الضُّرُوعَ وَ أَنْبَتَ الْأَشْجَارَ وَ الزُّرُوعَ وَ أَجْرَى الْفُلْكَ فِي الْبِحَارِ وَ هَدَاكُمْ فِي سَبَاسِبِ الْقِفَارِ أَ إِلَهٌ غَيْرُهُ يَقْدِرُ عَلَى شَيْ ءٍ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَنْتُمْ إِلَى مِثْلِهِ تَهْتَدُونَ فَسُبْحَانَ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْ ءٌ وَ هُوَ الْمَنَّانُ الْكَرِيمُ.

الصحیفه الخامسه عشر صحیفه النجاه

لَيْسَ النَّجَاةُ بِالْقُوَّةِ وَ لَا الْخَلَاصُ بِالْجَبَرُوتِ وَ لَا تُسْتَحَقُّ اسْمَ الصِّدِّيقِيَّةِ بِالْمُلْكِ الْعَظِيمِ وَ لَا يُوصَلُ إِلَى مَلَكُوتِ السَّمَاءِ بِالْعِزِّ الْجَسِيمِ وَ لَا يَنْفَعُ فِي الْآخِرَةِ كَثْرَةُ الرِّجَالِ وَ ثَرْوَةُ الْآمَالِ وَ لَا يُنْجِي يَوْمَ الْحِسَابِ الْحِذْقُ فِي الصَّنَائِعِ وَ الْكَيْسُ فِي الْمَكَاسِبِ لَكِنَّ الْبِرَّ الَّذِي يُنْجِي وَ الطَّهَارَةَ الَّتِي تُنْقِذُ وَ بِالنَّزَاهَةِ مِنَ الذُّنُوبِ

تُسْتَحَقُّ الصِّدِّيقِيَّهُ وَ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ يُنَالُ مَلَكُوتُ السَّمَاءِ مَا يَثْقُلُ فِي الْمِيزَانِ إِلَّا النِّيَّهُ الصَّادِقَهُ وَ الْأَعْمَالُ الطَّاهِرَهُ وَ كَفُّ الْأَذَى وَ النَّصِيحَهُ لِجَمِيعِ الْوَرَى وَ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَ الْهَرَبُ مِنَ الْمَآثِمِ فَاعْبُدُوا اللَّهَ الَّذِي فَطَرَكُمْ وَ سَوَّى صُوَرَكُمْ وَ أَنِيبُوا إِلَيْهِ وَ تَوَكَّلُوا عَلَيْهِ يُسَهِّلْ لَكُمْ فِي دُنْيَاكُمُ الْمَطَالِبَ وَ يُجِرْكُمْ فِي مَعَادِكُمْ مِنَ الْمَعَاطِبِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ الْخَيْرَ بِيَدَيْهِ وَ الْأُمُورَ كُلَّهَا إِلَيْهِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْغَلَّابُ.

الصحيفه السادسه عشر صحيفه الأفلاک

يَا أَخْنُوخُ أَ مَا تَفَكَّرْتَ فِي بَدَائِعِ فِطْرَهِ اللَّهِ الَّذِي بَصَّرَکَ عَجَائِبَهَا وَ أَرَاکَ مَرَاتِبَهَا مِنْ هَذِهِ الْأَفْلَاكِ الدَّوَّارَهِ وَ النُّجُومِ السَّيَّارَهِ الَّتِي تَطْلُعُ وَ تَأْفُلُ وَ تَسْتَقِرُّ أَحْيَاناً وَ تَرْحَلُ وَ تُضِيءُ فِي الظُّلَمِ وَ الدَّآدِي وَ تُهْتَدَى بِهَا فِي اللُّجَجِ وَ الْفَيَافِي تَنْجُمُ وَ تَغُورُ وَ تُدَبِّرُ عَجَائِبَ الْأُمُورِ لَازِمَهً مَجَارِيَ مَنَاطِقِهَا عَانِيَهً خَاضِعَهً لِأَمْرِ خَالِقِهَا أَ مَا نَظَرْتَ إِلَى هَذِهِ الشَّمْسِ الْمُنِيرَهِ الْمُفَرِّقَهِ بَيْنَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ الْمُعَاقِبَهِ بَيْنَ الْأَظْلَامِ وَ الْأَسْفَارِ الْمُغَيِّرَهِ فُصُولَ السَّنَهِ إِسْخَاناً وَ تَبْرِيداً وَ إِفْرَاطاً وَ تَعْدِيلًا الْمُرَبِّيَهِ لِثِمَارِ الْأَشْجَارِ وَ جَوَاهِرِ الْمَعَادِنِ فِي الْآبَارِ الَّتِي إِنْ دَامَتْ عَلَى حَالٍ وَاحِدَهٍ لَمْ يَنْبُتْ زَرْعٌ وَ لَمْ يَدِرَّ ضَرْعٌ وَ لَا حَيِيَ حَيَوَانٌ وَ لَا اسْتَقَرَّ زَمَانٌ وَ مَكَانٌ أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ ذَلِکَ بِفِطْرَهِ حَكِيمٍ وَسِعَ عِلْمُهُ الْأَشْيَاءَ وَ خَلْقٍ قَوِيٍّ لَا يَسْتَثْقِلُ الْأَعْبَاءَ وَ أَمْرِ عَلِيمٍ لَا يَتَكَأَّدُهُ الْإِحْصَاءُ وَ حُكْمِ قَادِرٍ لَا يَلْحَقُهُ نَصَبٌ وَ لَا إِعْيَاءٌ وَ تَدْبِيرِ عَالٍ لَا مُغَالِبَ لِحُكْمِهِ وَ أَنَّ ذَلِکَ لِعِنَايَتِهِ بِضِعَافِ الْخَلْقِ وَ كَرَمِهِ فِي إِدْرَارِ الرِّزْقِ وَ أَنَّهُ تَعَالَى الْعَالِمُ الْحَقُّ الَّذِي لَا يَغِيبُ عَنْهُ مَا كَانَ وَ لَا مَا يَكُونُ.

الصحيفه السابعه عشر صحيفه المعاصی

يَا أَخْنُوخُ قَدْ كَثُرَتِ الْمَعَاصِي وَ نُبِذَتِ الطَّاعَاتُ وَ نَسِيَنِي خَلْقِي كَأَنَّهُمْ لَيسَ يَأْكُلُونَ رِزْقِي وَ لَا يَسْتَوْطِنُونَ أَرْضِي وَ لَا تُكِنُّهُمْ سَمَائِي مَا الَّذِي يُؤْمِنُهُمْ أَنْ أُشَوِّهَ خَلْقَهُمْ أَوْ أَطْمِسَ وُجُوهَهُمْ أَوْ أَحْبِسَ الْأَمْطَارَ عَنْهُمْ أَوْ أُصَلِّدَ الْأَرَضِينَ

فَلَا تُنْبِتُ لَهُمْ أَوْ أَسْقِطَ السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ وَ أَرْسِلَ شُوَاظاً مِنَ الْعَذَابِ إِلَيْهِمْ غَرَّهُمْ حِلْمِی فَشَكُّوا فِی عِلْمِی وَ رَأَوْا إِمْهَالِی وَ أَمَّلُوا إِهْمَالِی لَا وَ عِزَّتِی لَيْسَ الْأَمْرُ كَمَا يَظُنُّونَ إِنِّی لَأَعْلَمُ النَّقِيرَ وَ الْقِطْمِيرَ وَ لَيْسَ يَخْفَی عَلَيَّ شَیْ ءٌ مِنَ الْأُمُورِ لَكِنِّی لِكَرَمِی أَنْتَظِرُ بِعَبْدِیَ الْإِنَابَهَ وَ أُؤَخِّرُ مُعَاقَبَتَهُ تَرَفُّقاً رَجَاءً لِلتَّوْبَهِ إِذْ كَانَ لَا حَاجَهَ بِی إِلَی عَذَابِ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ وَ رَحْمَتِی تَسَعُ الْخَلَائِقَ أَجْمَعِينَ فَمَنْ تَابَ تُبْتُ عَلَيْهِ وَ مَنْ أَنَابَ غَفَرْتُ لَهُ وَ مَنْ عَمِیَ عَنْ رُشْدِهِ وَ لَمْ يُبْصِرْ سَبِيلَ قَصْدِهِ لَمْ يَفُتْنِی وَ لَا يَعْتَاصُ عَلَيَّ كَبِيرٌ لِكِبَرِهِ وَ لَا يَخْفَی لَدَيَّ صَغِيرٌ لِصِغَرِهِ فَأَنَا الْخَبِيرُ الْعَلِيمُ.

الصحیفه الثامنه عشر صحیفه الإنذار

يَا أَخْنُوخُ أَنْذِرِ النَّاسَ عَذَاباً قَدْ أَظَلَّهُمْ وَ طُوفَاناً قَدْ آنَ أَنْ يَشْمَلَهُمْ يُسَوِّی بَيْنَ الْوِهَادِ وَ النِّجَادِ وَ يَعُمُّ النَّجَوَاتِ وَ الْعَقَوَاتِ وَ تُغْرَقُ الْأَرْضُ بِآفَاقِهَا وَ تَبْلُغُ مُنْتَهَی أَقْطَارِهَا وَ أَعْمَاقِهَا وَ تَسْخَطُ لِسَخَطِی وَ تَنْتَقِمُ لِی مِمَّنْ نَبَذَ طَاعَتِی وَ لَا أَفْعَلُ ذَلِكَ إِلَّا بَعْدَ أَنْ أَسْتَظْهِرَ عَلَيْهِمْ بِالْحُجَجِ اللَّوَامِعِ وَ أُنْذِرَهُمْ بِالْآيَاتِ السَّوَاطِعِ وَ أَنْتَظِرُ بِهِمْ قَرْناً بَعْدَ قَرْنٍ كَعَادَتِی فِی الْإِمْهَالِ وَ الْحِلْمِ فَإِذَا أَصَرُّوا عَلَی طُغْيَانِهِمْ وَ اسْتَمَرُّوا عَلَی عُدْوَانِهِمْ وَ عَمَّ الْكُفْرُ وَ قَلَّ الْإِيمَانُ فَتَحَتْ يَنَابِيعَ الْأَرْضِ عَزَالِی السَّمَاءِ وَ مَلَأَتِ الضَّوَاحِیَ وَ الْأَكْنَافَ مِنَ الْمَاءِ وَ نَجَّيْتُ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَلِيلٌ عَدَدُهُمْ وَ أَهْلَكْتُ الطَّاغِينَ وَ كَثِيرٌ مَا هُمْ وَ ذَلِكَ دَأْبِی فِيمَنْ عَبَدَ سِوَایَ أَوْ جَعَلَ لِی شُرَكَاءَ وَ أَنَا مَعَ ذَلِكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ.

الصحیفه التاسعه عشر صحیفه الحق

لَا قَبِيحَ إِلَّا الْمَعْصِيَهُ وَ لَا حَسَنَ إِلَّا الطَّاعَهُ وَ لَا وُصُولَ إِلَّا بِالْعَقْلِ إِلَی الْمَعْرِفَهِ بِالْحَقِّ عُرِفَ الْحَقُّ وَ بِالنُّورِ أُهْتُدِیَ إِلَی النُّورِ وَ بِالشَّمْسِ أُبْصِرَتِ الشَّمْسُ وَ بِضَوْءِ النَّارِ رُئِيَتِ النَّارُ وَ لَنْ يَسَعَ صَغِيرٌ مَا هُوَ أَكْبَرُ مِنْهُ وَ لَا يَقِلُّ ضَعِيفٌ مَا هُوَ أَقْوَی مِنْهُ وَ لَا يُحْتَاجُ فِی الدَّلَالَهِ عَلَی الشَّیْ ءِ الْمُنِيرِ بِمَا هُوَ دُونَهُ وَ لَا يَضِلُّ عَنِ الطَّرِيقِ إِلَّا الْمَأْخُوذُ بِهِ عَنِ التَّوْفِيقِ وَ اللَّهُ عَلی كُلِّ شَیْ ءٍ شَهِيدٌ

الصحيفه العشرون صحيفه المحبه

طُوبَى لِقَوْمٍ عَبَدُونِي حُبّاً وَ اتَّخَذُونِي إِلَهاً وَ رَبّاً سَهِرُوا اللَّيْلَ وَ دَأَبُوا النَّهَارَ طَلَباً لِوَجْهِي مِنْ غَيْرِ رَهْبَةٍ وَ لَا رَغْبَةٍ وَ لَا جَنَّةٍ وَ لَا لِنَارٍ بَلْ لِلْمَحَبَّةِ الصَّحِيحَهِ وَ الْإِرَادَهِ الصَّرِيحَهِ وَ الِانْقِطَاعِ عَنِ الْكُلِّ إِلَيَّ وَ الِاتِّكَالِ مِنْ بَيْنِ الْجَمِيعِ عَلَيَّ فَحَقٌّ عَلَيَّ أَنْ أَسْبُرَهُمْ طَوِيلًا وَ أُحَمِّلَهُمْ مِنْ حُبِّي عِبْءاً ثَقِيلًا وَ أَسْبُكَهُمْ سَبْكَ الذَّهَبِ فِي النَّارِ فَإِذَا اسْتَوَى مِنْهُمُ الْإِعْلَانُ وَ الْإِسْرَارُ وَ انْقَطَعَتْ مِنْ إِخْوَانِهِمْ وَصَائِلُهُمْ وَ تَصَرَّمَتْ مِنَ الدُّنْيَا عَلَائِقُهُمْ وَ وَصَائِلُهُمْ هُنَالِكَ أَرْفَعُ مِنَ الثَّرَى خُدُودَهُمْ وَ أُعْلِي فِي السَّمَاءِ جُدُودَهُمْ أُنَضِّرُ مَعَادَهُمْ وَ أُبَلِّغُهُمْ مُرَادَهُمْ وَ أَجْعَلُ جَزَاءَهُمْ أَنْ أُحَقِّقَ رَجَاءَهُمْ وَ أُعْطِيَهُمْ مَا كَانَتْ عِبَادَتُهُمْ مِنْ أَجْلِهِ وَ أَنَا صَادِقُ الْوَعْدِ لَا أُخْلِفُ.

الصحيفه الحاديه و العشرون صحيفه المعاد

سُبْحَانَ مَنْ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ ماءٍ مَهِينٍ ثُمَّ جَعَلَ حَيَاتَهُ فِي مَاءٍ مَعِينٍ وَ تَبَارَكَ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاءَ بِغَيْرِ عَمَدٍ تُقِلُّهَا وَ لَا مَعَالِيقَ تَرْفَعُهَا إِنَّ لَكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ فِي الشَّجَرِ الَّذِي يَكْتَسِي بَعْدَ تَحَاتِّ الْوَرَقِ وَرَقاً نَاضِراً وَ يَلْبَسُ بَعْدَ الْقُحُولِ زَهْراً زَاهِراً وَ يَعُودُ بَعْدَ الْهَرَمِ شَابّاً وَ بَعْدَ الْمَوْتِ حَيّاً وَ يَسْتَبْدِلُ بِالْقَحْلِ نَضَارَةً وَ بِالذُّبُولِ غَضَارَةً لَأَعْظَمُ دَلِيلٍ عَلَى مَعَادِكُمْ فَمَا لَكُمْ تَمْتَرُونَ أَ لَمْ تَوَاثَقُوا فِي الْأَظْلَالِ وَ الْأَشْبَاحِ وَ أَخْذِ الْعَهْدِ عَلَيْكُمْ فِي الذَّرِّ وَ النُّشُورِ وَ تَرَدَّدْتُمْ فِي الصُّورِ وَ تَغَيَّرْتُمْ فِي الْخَلْقِ وَ انْحَطَطْتُمْ مِنَ الْأَصْلَابِ وَ حَلَلْتُمْ فِي الْأَرْحَامِ فَمَا تُنْكِرُونَ مِنْ بَعْثَرَهِ الْأَجْدَاثِ وَ قِيَامِ الْأَرْوَاحِ وَ كَوْنِ الْمَعَادِ وَ كَيْفَ تَشُكُّونَ فِي رُبُوبِيَّهِ خَالِقِكُمُ الَّذِي بَدَأَكُمْ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ وَ أَخَذَ الْمَوَاثِيقَ وَ الْعُهُودَ عَلَيْكُمْ وَ أَبْدَأَ آيَاتِهِ لَكُمْ وَ أَسْبَغَ نِعَمَهُ عَلَيْكُمْ فَلَهُ فِي كُلِّ طَرْفَهٍ نِعْمَهٌ وَ فِي كُلِّ حَالٍ آيَهٌ يُؤَكِّدُهَا حُجَّهً عَلَيْكُمْ وَ يُوثِقُ مَعَهَا إِنْذَاراً إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ فِي غَفْلَهٍ سَامِدُونَ وَ عَمَّا خُلِقْتُمْ لَهُ وَ نُدِبْتُمْ إِلَيْهِ لَاهُونَ كَأَنَّ الْمُخَاطَبَ سِوَاكُمْ وَ كَأَنَّ الْإِنْذَارَ بِمَنْ عَدَاكُمْ أَ تَظُنُّونَ أَنِّي هَازِلٌ أَوْ عَنْكُمْ غَافِلٌ أَوْ أَنَّ عِلْمِي بِأَفْعَالِكُمْ غَيْرُ مُحِيطٍ أَوْ مَا تَأْتُونَ بِهِ مِنْ خَيْرٍ وَ شَرٍّ يَضِيعُ كَلَّا خَابَ مَنْ ظَنَّ ذَلِكَ وَ خَسِرَ وَ اللَّهُ هُوَ الْعَلِيُّ الْأَكْبَرُ.

الصحیفه الثانیه و العشرون صحیفه الدنیا

فَكِّرُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الَّتِي تَفْتِنُ بِزِبْرِجِ زَخَارِيفِهَا وَ تَخْدَعُ بِحَلَاوَهِ تَصَارِيفِهَا وَ لَذَّاتُهَا شَبِيهَهٌ بِنَوْرِ الْوَرْدِ الْمَحْفُوفِ بِالشَّوْكِ الْكَثِيرِ فَهُوَ مَا دَامَ زَاهِراً يَرُوقُ الْعُيُونَ وَ يَسُرُّ النُّفُوسَ وَ هُوَ مَعَ ذَلِكَ مُمْتَنِعٌ بِالشَّوْكِ الْمُقْرِحِ يَدَ مُتَنَاوِلِهِ فَإِذَا مَضَتْ سَاعَاتٌ قَلِيلَهٌ انْتَثَرَ الزَّهْرُ وَ بَقِيَ الشَّوْكُ كَذَلِكَ الدُّنْيَا الْخَائِنَهُ الْفَانِيَهُ فَإِنَّ حَيَاتَهَا مُتَعَقَّبٌ بِالْمَوْتِ وَ شَبَابَهَا صَائِرٌ إِلَى الْهَرَمِ وَ صِحَّتَهَا مَحْفُوفَهٌ بِالْمَرَضِ وَ غِنَاهَا مَتْبُوعٌ بِالْفَقْرِ وَ مُلْكَهَا مَعْرَضٌ لِلزَّوَالِ وَ عِزَّهَا مَقْرُونٌ بِالذُّلِّ وَ لَذَّاتِهَا مُكَدَّرَهٌ بِالشَّوَائِبِ وَ شَهَوَاتِهَا مُمْتَزِجَهٌ بِمَضَضِ النَّوَائِبِ شَرُّهَا مَحْضٌ وَ خَيْرُهَا مُمْتَزِجٌ مِنْ حُبِّى مِنْهَا بِشَيْ ءٍ مِنْ شَهَوَاتِهَا لَمْ يَخْلُ مِنْ غُصَصِ مَرَارَاتِهَا وَ خَوْفِ عُقُوبَاتِهَا وَ خَشْيَهِ تَبِعَاتِهَا وَ مَا يَعْرِضُ فِي الْحَالِ مِنْ آفَاتِهَا هَذِهِ حَالٌ فَازَ مَنْ سَعِدَ بِهَا فَمَا تَقُولُ فِيمَنْ لَمْ يَحْظُ بِطَائِلٍ مِنْهَا الصَّحِيحُ فِيهَا يَخَافُ السُّقْمَ وَ الْغَنِيُّ يَخْشَى الْفَقْرَ وَ الشَّابُّ يَتَوَقَّعُ الْهَرَمَ وَ الْحَيُّ يَنْتَظِرُ الْمَوْتَ مَنِ اعْتَمَدَ عَلَيْهَا وَ اسْتَنَامَ إِلَيْهَا كَانَ مِثْلَ الْمُسْتَنِدِ إِلَى جَبَلٍ شَاهِقٍ مِنَ الثَّلْجِ يَعْظُمُ فِي الْعُيُونِ عَرْضُهُ وَ طُولُهُ وَ سَمْكُهُ فَإِذَا أَشْرَقَتْ شَمْسُ الصَّيْفِ عَلَيْهِ ذَابَ غَفْلَهً وَ سَالَ وَ بَقِيَ الْمُسْتَنِدُ إِلَيْهِ وَ الْمُسْتَذْرِي لَهُ بِالْعَرَاءِ فَكَذَلِكَ مَصِيرُ هَذِهِ الدُّنْيَا إِلَى زَوَالٍ وَ اضْمِحْلَالٍ وَ انْتِقَالٍ إِلَى دَارٍ غَيْرِهَا لَا يُقْبَلُ فِيهَا إِلَّا الْإِيمَانُ وَ لَا يَنْفَعُ فِيهَا إِلَّا الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَ لَا يُتَخَلَّصُ فِيهَا إِلَّا بِرَحْمَهِ اللَّهِ مَنْ هَلَكَ فِيهَا هَوَى وَ مَنْ فَازَ فِيهَا عَلَا وَ هِيَ مُخْتَلِفَهٌ دَائِمَهً.

الصحیفه الثالثه و العشرون صحیفه البقاء

سَيَعُودُ كُلُّ شَيْ ءٍ إِلَى عُنْصُرِهِ وَ يَضْمَحِلُّ كُلُّ مَا تَرَوْنَ بِأَسْرِهِ وَ يَشْمَلُ الْفَنَاءَ وَ يَزُولُ الْبَقَاءُ فَلَا يَبْقَى بَاقٍ إِلَّا مَنْ كَانَ بَقَاؤُهُ بِلَا ابْتِدَاءٍ فَإِنَّ مَا كَانَ بِلَا ابْتِدَاءٍ فَهُوَ بِلَا انْتِهَاءٍ وَ يَخْلُصُ الْأَمْرُ لِوَلِيِّ الْأَمْرِ وَ يَرْجِعُ الْخَلْقُ إِلَى بَارِئِ الْخَلْقِ وَ تَقُومُ الْقِيَامَهُ وَ طُوبَى لِلنَّاجِينَ وَ وَيْلٌ لِلْهَالِكِينَ.

الصحيفه الرابعه و العشرون صحيفه الطريق

يَا أَخْنُوخُ الطَّرِيقُ طَرِيقَانِ إِمَّا الْهُدَى وَ الْإِيمَانُ وَ إِمَّا الضَّلَالَهُ وَ الطُّغْيَانُ فَأَمَّا الْهُدَى فَظَاهِرَهٌ مَنَارُهَا لَائِحَهٌ آثَارُهَا مُسْتَقِيمٌ سَنَنُهَا وَاضِحٌ نَهْجُهَا وَ هُوَ طَرِيقٌ وَاحِدٌ لَاحِبٌ لَا شِعْبٌ فِيهَا وَ لَا مَضَلَّاتٌ تَعْتَوِرُهَا فَلَا يَعْمَى عَنْهَا إِلَّا مَنْ عَمِيَتْ عَيْنُ قَلْبِهِ وَ طُمِسَ نَاظِرُ لُبِّهِ مَنْ لَزِمَهَا فَعُصِمَ لَمْ يَضِلَّ عَنْهَا وَ لَمْ يَرْتَبْ بِمَنَارِهَا وَ لَمْ يَمْتَرِ فِي وَاضِحِ آثَارِهَا وَ هِيَ تَهْدِي إِلَى السِّلْمِ وَ النَّجَاهِ وَ دَائِمِ الرَّاحَهِ وَ الْحَيَاهِ وَ أَمَّا طَرِيقُ الضَّلَالَهِ فَأَعْلَامُهَا مُشْتَبِهَهٌ وَ آثَارُهَا مُسْتَعْجَمَهٌ وَ شُعَبُهَا كَثِيرَهٌ تَكْتَنِفُ طَرِيقَ الْهُدَى مِنْ يَمِينِهَا وَ شِمَالِهَا مَنْ رَكِبَهَا تَاهَ وَ مَنْ سَلَكَهَا حَارَ وَ جَارَ وَ هِيَ تُقْطَعُ بِرَاكِبِهَا وَ تُبْدَعُ بِسَالِكِهَا وَ تُؤَدِّي السَّائِرَ فِيهَا إِلَى الْمَوْتِ الْأَبَدِيِّ الَّذِي لَا سُكُونَ مَعَهُ وَ لَا رَاحَهَ فِيهِ فَادْعُ يَا أَخْنُوخُ عِبَادِي إِلَيَّ وَ قِفْ بِهِمْ عَلَى طَرِيقِي ثُمَّ كِلْهُمْ إِلَيَّ فَوَ جَلَالِي لَا أُضِيعُ عَمَلَ مُحْسِنٍ وَ إِنْ خَفَّفَ وَ لَا يَذْهَبُ عَلَيَّ عَمَلُ مُسِيءٍ وَ إِنْ قَلَّ وَ أَنَا الْحَاسِبُ الْعَلِيمُ.

الصحيفه الخامسه و العشرون صحيفه الظلمه

مَنْ رَأَى ظُلْمَ ظَالِمٍ فَأَمْكَنَهُ النَّكِيرُ فَلَمْ يَفْعَلْ فَهُوَ ظَالِمٌ وَ مَنْ أَتَى الظُّلْمَ أَوْ رَضِيَ بِهِ فَهُوَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ لَا شَكَّ نَادِمٌ وَ عِزَّتِي إِنَّ الِانْتِقَامَ عَلَى الظَّلُومِ أَمَرُّ مِنَ الظُّلْمِ عَلَى الْمَظْلُومِ وَ لَيْسَ يَظْلِمُ الظَّالِمُ إِلَّا نَفْسَهُ وَ لَا يَبْخَسُ الْبَاخِسُ إِلَّا حَظَّهُ وَ سَأَنْتَقِمُ لِلْكُلِّ مِنَ الْكُلِّ وَ حَسْبُكَ بِمَنْ أَنْتَقِمُ مِنْهُ مَقْهُوراً وَ بِمَنْ أَنَا أَنْتَقِمُ لَهُ مَنْصُوراً فَلَأُظْهِرَنَّ عَلَى الظَّالِمِينَ سِيَّمَا الْخِزْيَ وَ الصَّغَارَ(١).

وَ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَ هَلْ تَبُورُ تِجَارَهٌ مَعَ أَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ وَ أَرْحَمِ الرَّاحِمِينَ وَ طُوبَى لِمَنْ طَعِمَ الضَّرِيكَ وَ كَسَا الصُّعْلُوكَ وَ اكْتَنَفَ الْأَرْمَلَهَ وَ الْيَتِيمَ وَ جَادَ عَلَى ابْنِ السَّبِيلِ وَ أَعَانَ أَخَاهُ فِي النَّوَائِبِ وَ وَاسَاهُ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عِنْدَهُ وَ مَوَاهِبِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُضَاعِفَ لَهُ مَا فَعَلَ وَ يُمَيِّزَهُ فِي الْمَعَادِ مِمَّنْ بَخِلَ وَ يُجَازِيَهُ عَلَى إِحْسَانِهِ الْجَزَاءَ الْأَفْضَلَ وَ يُنَوِّلَهُ مِنْ رِضْوَانِهِ الْعَطَاءَ الْأَكْمَلَ الْأَجْزَلَ وَ اللَّهُ لا يُخْلِفُ الْمِيعادَ

۱- ۱. بياض فى جميع النسخ و الساقط تتمه الخامسه و العشرين و صدر السادسه و العشرين.

بِالْبِرِّ وَ عَمَلِ الْخَيْرِ اطْلُبُوا النَّجَاهَ وَ انْظُرُوا وَ تَدَبَّرُوا فَإِنَّ سَبِيلَ الصِّدِّيقِيَّهِ قَاصِدَهٌ لَاحِبَهٌ وَ هِيَ مَمْلُوَّهٌ سُرُوراً وَ مُؤَدِّيَهٌ إِلَى الْفَوْزِ وَ النَّجَاهِ وَ سَبِيلَ الضَّلَالَهِ زَائِفَهٌ مَائِلَهٌ مَحْفُوفَهٌ بِالْمَلَاذِّ وَ هِيَ مُؤَدِّيَهٌ إِلَى الْبَوَارِ وَ الْهَلَاكِ فَانْصَرِفُوا عَنْ سَبِيلِ الضَّلَالَهِ الْمَمْلُوَّهِ مَوْتاً وَ لَا تَسْلُكُوهَا لِئَلَّا تَتِيهُوا بَلْ آثِرُوا الْبِرَّ وَ عَمَلَ الْخَيْرِ تَنَالُوا الرَّاحَهَ الْأَبَدِيَّهَ فِي دَارِ السَّلَامِ الْوَيْلُ لِمَنْ يَبِيتُ وَ نِيَّتُهُ مَوْقُوفَهٌ عَلَى عَمَلِ الْخَطَايَا يَتَفَكَّرُ كَيْفَ يَقْتُلُ وَ كَيْفَ يَسْلُبُ وَ كَيْفَ يَزْنِي وَ كَيْفَ يَعْصِي فَإِنَّ ذَلِكَ مَهْدُومُ الْقَوَاعِدِ عَاجِلُ الْهَلَاكِ الْوَيْلُ لِمَنْ يَقْتَنِي الذَّهَبَ وَ الْفِضَّهَ بِالْمَكْرِ وَ الْفَسَادِ وَ الظُّلْمِ فَإِنَّهُ يَهْلِكُ عَنْ ذَلِكَ وَشِيكاً وَ تَبْقَى عَلَيْهِ التَّبِعَاتُ الْوَيْلُ لِلْغَنِيِّ الَّذِي يَذْكُرُ بِغِنَاهُ الْإِلَهَ الْعَلِيَّ وَ لَكِنَّهُ يَطْلُبُ بِغِنَاهُ الْخَطَايَا وَ يُبْقِي الذُّنُوبَ فَإِنَّهُ مُعَدٌّ لَهُ فِي الْعَاقِبَهِ مُقَاسَاهُ الضَّبَابِ وَ الظُّلْمَهِ فِي يَوْمِ الدِّينِ وَ لَا يُصَابُ بِالرَّحْمَهِ مِنَ الدَّيَّانِ الْعَظِيمِ وَ لَا يُرْحَمُ مِنْ جَهَنَّمَ الْهَاوِيَهِ إِلَّا مَنْ طَابَ وَ ارْعَوَى وَ عَاوَدَ الرُّشْدَ الْوَيْلُ لِمَنْ يُعَسِّرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ يُؤْذِيهِمْ وَ يَبْغِي الْغَوَائِلَ لَهُمْ وَ يَصُدُّهُمْ عَنْ إِقَامَهِ فَرَائِضِهِمْ وَ إِحْيَاءِ شَرَائِعِهِمْ فَإِنَّ مَصِيرَهُمْ وَ مَصِيرَ مَنْ عَاوَنَهُمْ إِلَى النَّارِ الْمُلْتَهِبَهِ الَّتِي لَا تُطْفَأُ وَ الْعَذَابِ الشَّدِيدِ الَّذِي لَا يَهْدَأُ الْوَيْلُ لِشَاهِدٍ كَاتِمِ الشَّهَادَهِ فَإِنَّهُ مُعَدٌّ لَهُ الْحُزْنُ الدَّائِمُ وَ الْوَيْلُ الشَّدِيدُ فِي الْآخِرَهِ الْوَيْلُ لِمَنْ أَكَلَ طَيِّبَ الطَّعَامِ وَ شَرِبَ لَذِيذَ الشَّرَابِ وَ لَمْ يُؤَدِّ شُكْرَ الْوَهَّابِ وَ إِنَّهُ مُحَاسَبٌ عَلَى الْخَرْدَلَهِ وَ مَدِينٌ بِمَا صَنَعَ الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِلْمُفْتَخِرِ بِمُرَادَّتِهِ الطَّاغِي فِي جَبَرُوتِهِ الْمُسْتَذِلِّ لِلْخَيِّرِينَ اللَّيِّنِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُهِينِ لِلصُّلَحَاءِ السَّاكِنِينَ فَإِنَّهُ صَائِرٌ إِلَى هَلَاكِ الْأَبَدِ وَ بَوَارِ الْخُلْدِ حُكْماً مِنْ دَيَّانٍ عَادِلٍ وَ حَكِيمٍ قَادِرٍ عَجَباً لِمَنْ يَقُولُ لِمَنْ مَاتَ مِنَ الْأَئِمَّهِ الْخُطَاهِ طُوبَى لَهُ فَقَدْ عَاشَ عُمُراً طَوِيلًا وَ نَالَ خَيْراً جَزِيلًا وَ سُرُوراً عَظِيماً وَ مُلْكاً جَسِيماً وَ تَمَتَّعَ بِالْأَهْلِ وَ الْوَلَدِ وَ السَّعَهِ وَ الْغِنَى ثُمَّ مَاتَ كَرِيماً وَادِعاً وَ لَمْ يُلَاقِ هَوَاناً أَ مَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ تَمَتَّعَ قَلِيلًا وَ خَلَّفَ وَرَاءَهُ حِسَاباً طَوِيلًا وَ احْتَمَلَ مِنْ أَوْزَارِهِ عِبْئاً ثَقِيلًا وَ كَانَتْ أَيَّامُهُ فِي سُرُورِهِ وَ غِنَاهُ وَ مُلْكِهِ وَ دُنْيَاهُ

كَحُلُم النَّائِم وَ مَجْرَى السَّرَاب لَمْ يَحْصُلْ مِنْهُ عِنْدَ انْقِضَائِهِ إِلَّا عَلَى تَبِعَةٍ حِسَابٍ وَ مُكَابَدَةِ خُلُودِ الْعَذَابِ أَ مَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ انْتَقَلَ مِنَ الْفَانِي إِلَى الْبَاقِي الَّذِي لَا يَبِيدُ وَ أَنَّهُ مُحَاسَبٌ عَلَى النَّقِيرِ وَ الْقِطْمِيرِ وَ مُلَاقٍ حُزْناً عَظِيماً وَ خَوْفاً شَدِيداً وَ صَائِرٌ إِلَى إِعْوَارِ جَهَنَّمَ الْمَمْلُوَّهِ ظُلْمَهً وَ حَرِيقاً وَ مُكَابَدٌ هُنَاكَ عُسْراً وَ ضِيقاً فَمَا تَغْبِطُونَ الْمشْرِكِينَ عَلَى قَلِيلٍ مَا نَالَ مِنْ دُنْيَاهُ فِي جَنْبِ عَظِيمِ مَا نَالَ مِنْ تَبِعَتِهِ وَ أَذَاهُ فِي دَارٍ دَائِمَهٍ خَالِدَهٍ غَيْرِ فَانِيَهٍ وَ لَا بَائِدَهٍ أَيُّهَا الْأَئِمَّهُ الْخُطَاهُ الظَّلَمَهُ لَا تَظُنُّنَّ أَنَّكُمْ غَيْرُ مَطْلُوبِينَ أَوْ غَيْرُ مُحَاسَبِينَ وَ مُعَاقَبِينَ عَلَى مَا ارْتَكَبْتُمْ مِنَ الْمَآثِمِ وَ آتَيْتُمْ مِنَ الْعَظَائِمِ وَ فَعَلْتُمْ مِنَ الظُّلْمِ وَ سَنَنْتُمْ مِنَ الْفَسَادِ فَإِنَّ جَمِيعَ آثَامِكُمْ وَ سَيِّئَاتِكُمْ مَكْتُوبٌ بَيْنَ يَدَيِ الدَّيَّانِ وَ مَحْفُوظٌ عَلَيْكُمْ وَ غَيْرُ مَنْسِيٍّ وَ لَا مَتْرُوكٍ وَ أَنْتُمْ مَدِينُونَ وَ عَلَى مَا آتَيْتُمْ مُعَاقَبُونَ وَ دَيَّانُكُمْ عَالِمٌ بِالسَّرَائِرِ عَارِفٌ بِالضَّمَائِرِ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَهٌ وَ لَا تَقِي مِنْ سَخْطَتِهِ وَاقِيَهٌ وَ هُوَ الْفَتَّاحُ الْفَعَّالُ الْعَلِيمُ.

الصحيفه الثامنه و العشرون صحيفه القرون

يَا أَخْنُوخُ قُلْ لِلنَّاسِ أَ تُقَدِّرُونَ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْ سِوَاكُمْ أَوْ لَيْسَ لَهُ عَالَمٌ مَا عَدَاكُمْ لَقَدْ خَلَتْ قَبْلَكُمْ قُرُونٌ وَ بَادَتْ قَبَائِلُ وَ بُطُونٌ فَمَا نَقَصُوا اللَّهَ سُلْطَانَهُ.

الصحيفه التاسعه و العشرون صحيفه العياذ

عُذْ بِاللَّهِ مِنَ الْأَسْقَامِ وَ الْعِلَلِ مِنَ الدَّقَعِ وَ الْخَجَلِ مِنَ الزَّيْغِ فِي الدِّينِ وَ مِنَ التَّهَالُكِ فِي الْهَوَى وَ مِنَ الشَّيْطَانِ الطَّاغِي وَ السُّلْطَانِ الْبَاغِي وَ الدِّينِ الْمُجْحِفِ وَ الْغَرِيمِ الْمُلْحِفِ وَ اغْسِلْ قَلْبَكَ بِالتَّقْوَى كَمَا تَغْسِلُ ثِيَابَكَ بِالْمَاءِ وَ إِنْ أَحْبَبْتَ رُوحَكَ فَاجْتَهِدْ فِي الْعَمَلِ لَهَا وَ نَقِّ مِنَ الدَّغَلِ طَرِيقَهَا وَ شُكَّ (۱) بِهَا مِنَ السُّفْلِ إِلَى الْعُلْوِ وَ مِنَ الْمَوْتِ إِلَى الْحَيَاهِ وَ أَتْعِبْ تَسْتَرِحْ وَ اتَّجِرْ مَعَ الْغَنِيِّ الْوَفِيِّ تَرْبَحْ وَ اسْتَهِنْ تَمَلكِ الدُّنْيَا زُخْرُفَهَا الَّتِي تُسْرِعُ إِلَى الزَّوَالِ وَ هِيَ بِعَرْضِ الِانْتِقَالِ وَ لَا تَفُهْ بِغِنَاهَا الْمُؤَدِّي إِلَى الْفَقْرِ وَ عِمَارَاتِهَا الصَّائِرَهِ إِلَى الْقَفْرِ وَ اسْتَخِفَّ بِالْأَنْسَابِ الْوِلَادِيَّهِ وَ الْأَسْبَابِ الدُّنْيَوِيَّهِ الَّتِي تَنْقَطِعُ فِي الْآخِرَهِ وَ لَا تَثْبُتُ وَ لَا تَتَصَرَّمُ فِي الْمَعَادِ وَ لَا

۱- ۱. شك بها: أی اخرقها.

تَنْفَعُ وَ لْيَكُنْ عَمَلُكَ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْمَالِكِ مَلَكُوتَ السَّمَاءِ وَ تُحَلِّلُ دَرَجَاتِ الْعُلَى تَأْمَنُ بَوَائِقَ الدَّمَارِ وَ تَنْحَلَّ مِنْ حَبَائِلِ الْإِسَارِ وَ اسْتَعِنْ بِاللَّهِ يُعِنْكَ وَ اسْتَهْدِهِ يَهْدِكَ وَ اعْلَمْ أَنَّكَ بِهِ تَنْجُو وَ بِتَقْوَاهُ تَرْتَفِعُ وَ تَعْلُو وَ لَا تَكُنْ كَمَنْ يَنْظُرُ وَ لَا يَتَفَكَّرُ.

هذا آخر ما بلغ إلينا من هذه الصحيفه الشريفه المباركه الإدريسيه التى أنزل الله عليه سلام الله على نبينا و عليه و على جميع الأنبياء و المرسلين و آل سيدنا محمد و أئمه المعصومين وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ بيان التحرى القصد و طلب الأحرى و التعرض أيضا القصد و الإسباغ الإكمال و الاستجاره طلب الأمان و لاح النجم تلألأ و سطع الصبح ارتفع.

و يقال مذرت معدته أى فسدت و عاف الطعام و الشراب كرهه و مريت الفرس استخرجت ما عنده من الجرى بسوط أو غيره و الاسم المريه و الجريه الحوصله و الجثه شخص الإنسان قاعدا و قائما و المرزبه العصيه و الطرى الغض بين الطراوه و أغضت السماء دام مطرها و برم به و تبرم سئمه و التقزز التباعد من الدنس و وكد وكده أى قصد قصده و الروم الطلب و الخمصه الجوعه المخمصه المجاعه و بطن الرجل اشتكى بطنه و بطن عظم بطنه من الشبع البطن النهم الذى لا يهمه إلا بطنه المبطان الذى لا يزال عظيم البطن من كثره الأكل.

و صدع بالحق تكلم به جهارا و أعوزه الشى ء احتاج إليه فلم يقدر المعوز الفقير و ماء نمير أى ناجع عذب و أزعجه أقلعه و قلعه من مكانه و انزعج بنفسه و الفلج الظفر و قسره على الأمر قهره و الحبر السرور و باد يبيد أى هلك و اعتوروه و تعوروه تداولوه و نقمته إذا كرهته.

و الإصر الذنب و قال فى مصباح اللغه وبق يبق من باب وعد وبوقا هلك و الموبق مثل مسجد و يتعدى بالهمزه فيقال أوبقته و يرتكب الموبقات أى المعاصى و هى اسم فاعل من الرباعى لأنهن مهلكات و قال فى الصحاح حضه على القتل

أی حثه.

و الربع الـدار و المحله و الحریش نوع من الحیات و الـدقعاء التراب دقع لصق بالتراب ذلا و الـدقع سوء احتمال الفقر فقر مـدقع ملصق بالـدقعاء و العالمون الـدنیا و ما فیها قال الزجاج هو کل ما خلقه الله فی الـدنیا و الآخره و قال ابن عباس العالم هو ما یعقل من الملائکه و الثقلین و قیل الجن و الإنس لقوله تعالی لِیَکُونَ لِلْعالَمِینَ نَذِیراً لأنه لم یکن نذیرا للبهائم و القطمیر الفوفه التی فی النواه و هی القشـر الرقیق و یقال هی النکته البیضاء فی ظهر النواه تنبت منها النخله.

المریه الشـک و انهمـک فی الأمر انهماکا جـد فیه و لـج فهو منهمک و خوت الـدار أی خلت من أهلها و الخـدر هو الستر و مال جم أی کثیر و ضعضـعه الدهر فتضـعضع أی خضع و ذل و الزعزعه التحریک غمطه یغمطه غمطا بالتسـکین بطره و حقره و غمط الناس الاحتقار لهم و المکاس العشـار و زهقت نفسه خرجت و الجهش أن یفزع الإنسـان إلی غیره و هو مع ذلـک یریـد البکاء و الربو هو ما ارتفع من الأرض و التلعه ما ارتفع من الأرض و ما انهبط أیضا من الأضداد و قیل مجاری أعلی الأرض إلی بطون الأودیه.

و تکاوح الرجلان تمارسا و ساغ الشـراب سوغا سهل مدخله و الشدخ کسر الشی ء الأجوف و الجندل حجاره بعل دهش و الرمس موضع القبر و الحتف الموت و السبسب المفازه و العطب الهلاک و الدآدی ثلاث لیال من آخر الشـهر قبل المحاق و أسـفر الصـبح أضاء و أسفر وجهه أشرق حسـنا و الکن الستر و الشوه القبـح و الطمس المحو و الشواظ اللهب الـذی لاـ دخـان فیه و النقره السبیکه و حفیره صـغیره فی الأـرض و منه نقره الصفا و النقره التی فی ظهر النواه و النقیره مثله و عوص الشی ء عوصا من باب تعب و

اعتاص أی صعب و العقوه الساحه و ما حول الدار یقال ما یطور بعقوته أحد و العزلاء وزان حمراء فم المزاده الأسفل (۱)

و التصرم التقطع و قحل الشی ء قحلا من باب نفع یبس

۱- ۱. و الجمع عزالی.

و ذبل الشـی ء ذبولا ذهب ندوته و امتری فی أمره شک و بعثرت أی قلبت و الجدث القبر و سمد سمودا رفع رأسه تکبرا و الزبرج الزینه و الحباء العطاء و شـهق شـهوقا ارتفع و اضـمحل الشـی ء ذهب و فنی و العنصـر الأصل و خذه بأسره أی بجمیعه و اللحب و اللاحب الطریق الواضح فاعل بمعنی مفعول أی ملحوب و اللحب الوطء و اللب العقـل و المنـار علم الطریق و مـار البحر اضـطرب و تـاه فی الأرض ذهب متحیرا و بار کسـد و الصـعلوک کعصـفور الفقیر و تصـعلک افتقر و الضـریک البائس الفقیر لا یصرف له فعل و قنی المال کرمی قینا و قیانا بالکسر و الضم اکتسبه و الوشـیک السـریع و الغوائل الـدواهی و المکبده الشده المکابده المقاساه و باد الشـی ء بیدا و بیودا هلک و الدقعاء التراب و الزیغ الملال و کلال البصر و الدغل الفساد و البوق الباطل البائقه الداهیه باقتهم الداهیه و انباقت علیهم بائقه شر و بوائق الرجل غوائله و الدمار الهلاک.

**[ترجمه]بـدان که دعاهای صـحیفه سـجادیه نیز از بزرگ‌ترین دعاهاست و دربردارنـده دعاهای معروف و فراوانی در بسـیاری از موضوعات است، و چندین نسـخه و روایت‌های مختلف و به طرق متفاوت، برای آن دیدم که برخی از آنها مشـهور و برخی غیرمشـهور است، و ما از ذکر آن در این کتاب خودداری کردیم، مگر چند مورد اسـتثنایی که آن را به خاطر شـهرت برخی از نسخه‌ها و به این دلیل که باقی آن را در شرح خود بر صحیفه کامله به اسم الکلمات الطریفه فی شرح الصحیفه آوردیم.

سپس می‌گویم: نسخه‌ای از صحیفه ادریس پیامبر علیه السلام یافتم که خداوند متعال بر او نازل کرد، و ابن مَتُّوَیه آن را از زبان سریانی به زبان عربی ترجمه کرد و از آنجایی که خالی از ظرافت و تازگی نیست، خواستم که آن را در اینجا ذکر کنم.

به نام خداوند بخشنده مهربان

سپاس خـدا را بر نعمتش و درود او بر محمـد و خانـدانش، احمـد بن حسـین بن محمد معروف به ابن متّویه نقل کرد: این صـحیفه‌ها را به زبان سریانی از آنچه بر ادریس پیامبر أخنوخ صـلی الله علی محمـد و علیه نازل شد یافتم، در حالی که پاره و فرسوده گشـته بود، پس آن را به زبان عربی برگردانـدم پس از اینکه بسـیار تلاش نمودم تـا هر لفظ عربی را در جایگاه معنای آن در زبان سـریانی قرار دهم و از هر گونه افزودن و کـاستی، دوری کردم و هیـچ معنایی را به هـدف زیبا نمودن لفظ و انـدازه‌گیری سـجع تغییر نـدادم. بلکه نیت من، آوردن آن به همان صورت خود بـدون هیـچ کـاستی و افزایشـی بود، توکل بر خـداست و اسـتعانت به واسـطه اوست، نیرو و قـدرت از اوست، خداونـد ما را کافی است و بهترین کارگزار است.

صحیفه اول، صحیفه حمد

سپـاس خـدایی که آغازگر نعمت‌ها بر مخلوقاتش بود و سایه‌های رحمت خویش را بر آنان گسترانـد، و شـکر آنچه بر آنان روا کرد را واجب نمود و با منت خویش آنان را بر آنچه واجب کرده بود، توفیق داد، و راه هدایت خویش را بر آنان هموار ساخت تا مستحق آمرزش گسترده او گردنـد، و بـه توفیـق اوست که به طـاعتش برخاسـتند و به نگاهـداری اوست که مؤمنـان از معصـیت او امتنـاع ورزیدنـد، و به نعمت اوست که سپاسگزاران حق نعمتش را به جای آوردند و به دست اوست که مسلمانان به رحمتش دست یافتند .

پاک است، کسی که تنها به واسطه خودش به او پناه برده می‌شود و از او تنها به سوی او گریخته می‌شود، خجسته باد کسی که موجود زنده را از آبی پست آفریـد و آنـان را در جایگـاهی اسـتوار قرار داد، و سـپس آنـان را در آفرینش و خلق و خوی به گونه‌هـای متفـاوتی ایجاد کرد، و عمرهـا و روزهـایی برای آنـان مقـدر سـاخت که تغییر نپذیرنـد، آسـمان‌های برافراشـته و زمین‌های پست و آنچه میان آنها و زیر خاک است با زبان‌های فصیح و غیرفصیح و آثاری رسا و غیررسا او را تسبیـح گفتنـد، تسبیح آنان بر عارفان پیداست و پرتوهای تقدیس او بر مؤمنان پنهان نیست، در هر نگـاهی برای او نعمت‌هـای بی حـد و مرزی است و در هر لحظه‌ای بخشـش‌هـایی است که به شـمار نیایـد، فهم‌هـا در جبروت او گمراه شدنـد و وهم‌ها در ملکوت او حیران گشـتند، هیچ رسـیدنی جز به او تحقق نپذیرد و هیچ پناهگاهی جز به سوی او نیست، آن است خدا پروردگار جهانیان.

صحیفه دوم، صحیفه آفرینش

ای اخنوخ هر کس مرا شناخت، رستگار گشت و هر کس مرا انکار کرد هلاک شد، در شگفتم از کسی که از من گمراه شد و در پاره‌ای از اوقات به دنبال خلوت کردن با من نیست، چگونه خلوت کند در حالی که من از هر نزدیکی به او نزدیک‌ترم، و فاصله ام از رگ گردن به او کمتر است، ای انسانی که در ساختارش نزد خود، بزرگ است و به هنگام همتش در ارکان خویش قدرتمند است، آیا از نطفه‌ای ریخته شده و آفریده نشدی و از مکان‌هایی آلوده خارج نگشتی، همچون آب لزجی از صلب پدران به رحم زنان فرو آمدی، سپس امر من تو را فرا گرفت و گشتی و اگر چشم‌ها تو را می‌دیدند، تو را پلید می‌یافتند و چنانچه جان‌ها در تو تامل می‌کردند سپس به قدرت من غضروفی گشتی که در نگاه‌ها زیبا نمی‌نمودی و هیچ فایده‌ای نداشتی، سپس امری از امر خویش را بر تو فرستادم، پس اندام‌های تو یکی یکی آفریده شد و مفصل‌های تو در اندازه قرار گرفت، از استخوان‌هایی پوشیده و رگ‌هایی پیچیده و عصب‌هایی متناسب و رباط‌هایی گیرنده سپس تو را با گوشت پوشاند و لباس پوست بر تو قرار داد و از چیزهای متضاد، جمع گشتی و از گونه‌های متفاوت، آفریده شدی.

پس به قدرت من، آفرینشی زیبا می‌گردی که روحی در تو نیست تا تو را به حرکت اندازد و نه قدرتی که تو را بر پای دارد و اندام تو نرم بی هیچ نا راستی و اعضای بی‌هیچ قوامی بود، پس روح را در تو می‌دمم و به تو زندگی می‌بخشم و تو به اذن من انسانی می‌گردی که اختیار سود و زیان خود را ندارد و مرتکب هیچ خیر و شری نمی‌شود، جایگاه تو نزد مادرت در زیر ناف است گویی تو در کیسه ای قرار گرفتی تا اینکه حکم من تو را فرا گیرد و از آنجا به گستره فضا منتقل شوی. پس دریافت کنی آنچه از سعادت و شقاوت که برای تو مقدر گشت تا سرحدی از ماندن که پیش می‌آید، هیچ شکی در نابودی وجود ندارد، آیا تو خود را آفریدی و جسم خویش را متناسب گردانیدی و روحت را دمیدی.

اگر تو چنین کردی، در حالی که نطفه‌ای پست و خون بسته ناچیز و جنینی بسته شده در کیسه بودی، پس اکنون که در کمال اندام و تر و تازگی و مفاصل شکل گرفته و عنفوان جوانی هستی، قدرت و توان بیشتری داری، پس عضوی دیگر برای خود بیافرین و نیرویی در کنار قدرت خویش بیاور، و اگر تو در آن حالات، دردها و بیماری‌ها را از خود دور کردی، پس اکنون بیماری‌هایت را برطرف کن، و دردهایت را از خود دور بدار، و اگر روح را بدن خویش دمیدی و زندگانی که به تو دست یازید، آوردی، پس مرگ را هر آنگاه که بر تو وارد شد، دور ساز بعد از فرا رسیدن مرگت، یک روز بیشتر بمان.

و اگر به چیزی از آن توانا نیستی و از تمامی آن ناتوانی، بدان به راستی که تو مخلوقی و قطعاً من آفریدگار توام، و تو ناتوان و قادر توانایم، در این هنگام مرا بشناس و حق بندگی‌ام را به جای آور، و نعمتم را شکر کن تا بر آن بیافزایم، و از خشم من پناه جوی تا تو را پناه دهم، به راستی من خدایی هستم که از آنچه می‌آفرینم خسته نمی‌شوم و از آنچه روزی می‌دهم، در نمی مانم. کار من اینگونه است که هرگاه چیزی را اراده کنم به او می گویم باش پس موجود می‌شود .

صحیفه سوم، صحیفه رزق

ای انسان، بنگر و اندیشه کن و تدبر و تفکر کن، آیا غیر از من کسی هست که تو را روزی رساند، آیا تو را از جایگاه تنگ خود در رحم به سوی نعمت‌های گونه‌گون خارج نساختم؟ تو را از تنگی به گشایش و از خستگی به راحتی و از تاریکی به نور خارج کردم سپس سستی‌ات از آنچه تو را به پا دارد و ناتوانی‌ات از آنچه که از دست تو برود، دانستم پس از سینه مادرت، دو چشمه برای تو جاری ساختم که غذا و آشامیدنی تو از آنها و غذا و رشد تو در آن دو بود، سپس قلب او را بر تو مهربان گردانیدم و محبتش را به سوی تو برگردانیدم، تا با آزاری که به او می‌رسانی خسته نشود و با سختی‌هایی که به او می‌رسانی تو را نیاندازد و با فراوانی ناپاکی هایت تو را نیالاید، و با اینکه آلودگی‌ها و ناپاکی‌ها تو پی‌درپی است، تو را آلوده نگذارد، گرسنه می‌شود تا سیر گردی و تشنه می‌شود تا سیراب گردی و بیدار می‌ماند تا به خواب روی و خسته می‌شود تا راحت باشی و رنجور می شود تا تو را بخشاید و آلوده می گردد تا پاک باشی، اگر محبت او را بر تو نیافکنده بودم،

در اولین آزاری که به او می‌رساندی، تو را می‌انداخت علاوه بر اینکه در هر حال تو را ترجیح دهد و تو به او توجه نکنی، و اگر تو را به توان خودت سپرده بودم و قدرت و قوام تو را از تلاش خودت قرار داده بودم، به سرعت مرده بودی و تباه می‌گشتی.

این عادت من در نیکی کردن و رحمت به توست تا اینکه بزرگ شوی و بعد از آن تا فرا رسیدن أجل تو، در تمامی اوقات زندگی‌ات، آنچه صلاح کار تو در آن است از قبیل افزودن بر آفرینش تو و آسان کردن روزی‌ات فراهم می‌کنم، و در طول زندگی‌ات، به میزان کفایت تو، برایت مقدر کرده‌ام که از آن فراتر نمی‌روی، هرچند که خود را خسته کنی، و از دست تو نمی‌رود هرچند که در آن کوتاهی نمایی، اگر می‌پنداری تو آورنده روزی هستی، پس چرا می‌خواهی بر آن بیافزایی و نمی‌توانی؟ یا اینکه خود را در طلب چیزی خسته می‌کنی و به آن نمی‌رسی؟ و غیر آن، ناگهان به تو می‌رسد و به آن فکر نمی‌کردی و برای آن رنجی نکشیدی یا اینکه چرا کسانی که از تو عاقل‌ترند و بسیار در طلب رزق‌اند را می‌بینی که محروم مانده‌اند و از همه جا بریده شده‌اند، و کسی هم که عقلش از تو پایین‌تر و طلبش از تو کمتر است، را خوشبخت و در امان می‌بینی، آیا تو خود را می‌بینی که برای آشامیدن و خوراک خویش دو مشک شیر در سینه مادرت قرار دادی، یا خود را چنین می‌بینی که بیماری را در وقت سلامتی بر خود مسلط گردانی و یا شفا را به وقت بیماری برای خود آوری، آیا نمی‌نگری به پرنده‌ای که با شکم خالی صبح می‌کند و شب می‌کند در حالی که سیر است؟ آیا او کشته‌ای دارد که آن را بکارد یا مالی که آن را جمع کند یا پیشه‌ای که در آن تلاش نماید یا چاره اندیشی که با به کار بستن آن متمایز گردد.

ای غافل، بدان که تمامی این‌ها در تقدیر من است، و در تدبیر خویش همتا و مخالفی ندارم و از آن کاسته و افزوده نمی‌شود، زیرا من خداوند مهربان حکیم هستم.

صحیفه چهارم، صحیفه معرفت

هر کس که مخلوق را بشناسد به آفرینشگر معرفت پیدا می‌کند و هر کس روزی را بشناسد روزی‌دهنده را می‌شناسد، و هر کس خودش را بشناسد پروردگارش را می‌شناسد، هر کس ایمانش خالص گردد دینش در امان است چگونه معرفت خدا را پنهان می‌داری؟ در حالی که دلیل‌ها روشن و برهان‌های یگانگی او، آشکار است، در شگفتم از کسی که از خداوند بی‌نیاز است؟ و در جای هر گام و پلک زدن چشم و تماس دست نشانه‌ای روشن و حجتی قاطع بر این است که خداوند تبارک، یگانه‌ای است که شریکی نمی‌پذیرد و جباری که مقاومت نمی‌کند و دانایی که جهل به او راه ندارد، و شکست‌ناپذیری که خوار نمی‌گردد و توانایی آگاه و سازنده‌ای حکیم در ساخته‌اش است، همیشه تنها بود و بعد از این نیز تنها خواهد ماند. اوست ماندگار بر حقیقت و پایندگی‌اش بدون اجازه گرفتن است، اوست بی‌نیاز و بی‌نیازی غیر او رو به فقر و حاجتمندی است.

او کسی است که آسمان‌ها، گردان و ستارگان، روان به امر او هستند، و به عظمت او آسمان‌ها بر پا گشتند و زمین استقرار یافت، و صداها و گردن‌ها در برابر ملکوت او تسلیم گشتند و سایه‌ها و شبح‌ها در مقابل جبروت او به سجده افتادند، به اذن او خورشید و ماه نورافشانی کردند و باران و ابر فرو بارید و زمین مرده گیاه زنده رویاند و چوب‌های خشک برگ‌هایی تازه خارج کرد و از سنگ‌های سرسخت، آبی زلال جوشید و درختان سبز آتش و نوری روشن ثمر داد.

خوشا به سعادت کسی که به او ایمان آورد و رسولان و کتاب‌های او را تصدیق کرد و به طاعت او ایستاد و از معصیت او دست کشید و بدا به حال کسی که نعمت‌های او را انکار کرد و نعمت‌هایش را ناسپاسی نمود و با دوستانش دشمنی و با دشمنانش همیاری کرد، به راستی که آنان کمترین و خوارانند، و برای آنها در دنیا نشانه ای است و در آخرت جایگاه آتش، دولت آنان مهلت دادن و استدراج است و فرجام بی‌نیازی... شان حاجتمندی است و پایان شادی‌شان غم و افسردگی است و در آخرت بازگشتشان به جهنم است، در حالی که در آن جاودان‌اند و خارج نمی‌شوند و مؤمنان صدیق به واسطه خداوند صاحب عزت‌اند و به او محتاج‌اند و به یاری او قدرتمندند و بر او توکل می‌کنند و در دنیا عاقبت از آنان است، و بر دشمنانشان پیروزاند.

سوگنـد به عزت خویش زمین را به گونه‌ای قرار دهم که جز من بر آن عبـادت نکنـد و بر خـدایی غیر من دینـداری نشود و هر کس مرا یـاری کنـد، یاری کنم و کسانی که به من کفر ورزند را خوار و شکست‌خورده قرار دهم، و منکران خود را در این دنیا و در روز قیامت بزرگ‌ترین پیشیمانی رسـد، و از نسل آدم کسـی را بیرون آورم که دین‌ها را باطل کند و بت‌ها را بشکند پس برهان او را روشن گردانم و چیرگی‌اش را تأییـد کنم و آینـدگان را خاضع او گردانم و گردن‌هـا را در اختیار او قرار دهم و مردم با رغبت و اجبار و با تصـدیق و سختی به دین او روی می‌آورند، این عادت من درباره کسانی است که مرا بشناسـند و عبادت کنند و برای آنان در آخرت، سرای جاودانگی در نعمت‌هایی فناناپذیر است و شادی‌هایی که به غم نیامیزد و خوشحالی که با انـدوه قرین نشود و زنـدگانی که مرگی در پی نـدارد و نعمتی که عـذابی آن را از بین نبرد، پـاکم و منزهم و خوشا به حـال کسـی که مرا تسبیـح گویـد و من پـاکم و خوشـا به حـال کسـی که مرا به پـاکی یـاد کنـد و عظمت من شکوهمند گشت و حد و مرز ندارد و نعمت‌هایم بسیار شد و به شماره نیاید، و من قدرتمند شکست‌ناپذیرم .

صحیفه پنجم، صحیفه عظمت

ای اخنوخ، آیـا تعجب کردی از فرشـتگانی که به چشم دیـدی و آنهـا که تصـاویر را بـدیع شـمردند و آغاز آفرینش بودنـد و شـماره را افزون نمودنـد، و من آنها را تنها قطره‌ای از آب دریا و برگی از برگ درختان دیدم، آیا تعجب می‌کنی از آنچه از عظمت خدا دیدی پس زمانی که از تو پنهان گشت، بزرگ شـد و هراس انـداخت؟ از هنگامی که خـدا مخلوق خود را آفریـد تا پایان جهان، هیـچ خط انگشتی، کمترین جز از نوآفرینی‌های فطرت او را درنیابد و گفتار هیچ زبانی آن را از عهده کوچک‌ترین چیز از شگفتی‌های ساخته او را برنیاید، به راستی که خداوند فرشـتگانی دارد که اگر یکی از آنها بال خود را بگشایـد، آفاق را پر گردانـد و تمامی جوانب آن را در بر گیرد و برای او فرمانروایی است که نیم آن از یخی جامد و نیم دیگر از آتشـی شـعله‌ور است، مانعی میان آن دو نیست، نه آتش یخ را آب می‌کند و نه یخ آتش شـعله‌ور را ذوب می‌کند، برای این فرمانروایی سـی هزار سـر وجود ندارد که هر سـر سـی هزار چهره دارد و هر چهره سـی هزار دهان و هر دهان سی هزار زبان دارد و از هر زبان سی هزار لغت خارج می‌شود که خدا را به پاکی‌اش منزه دارند و او را تسبیح گویند و بزرگ شمارند و ظرافت‌های آفرینش او را یاد کنند، و چه بسیار در فرمانروایی خداوند متعادل، امثال این و بالاتر از آن وجود دارد.

در تسبیح می‌کوشند و پس در می‌مانند، در تقدیس خسته می‌شوند پس افسوس می خورند و این چیزی است که از نشانه‌های شکوه من خالی نیست، باعظمت‌تر از آنم که وصف شوم و بزرگ‌تر از آنکه ویژگی‌هایم گفته شود، فکرها در عظمت آن سـرگردان شدنـد و زبان‌ها از اندازه وصف من ناتوان گشتند و این بدان سبب است که من خدایی هستم که مانندی ندارم و من بلندمرتبه باعظمت هستم.

صحیفه ششم، صحیفه نزدیکی

ای اخنوخ و تو از آن چیزی پرسـیدی که تو را به خـدا نزدیک گردانـد و آن ایمان آوردن به پروردگارت با تمامی وجود و پـذیرش گناهانت است، و پس از آن ملزم شـدی به مهربـانی بر مخلوقات و اخلاق نیک و برگزیـدن صـداقت و ادای حق و بخشـش همراه با رضایت بر آنچه از روزی که به تو فرا رسـد و تسبیح فراوان در صبح و شام و روز و شب و دوری از معصـیت ها و بازگشت از تمامی گناهان و به پا داری نماز و پرداخت زکات و مهربانی در حق زنان بیوه و یتیمان و نیکی به تمامی مخلوقات و مردمان و اینکه با خواری و خشوع و خضوع به خداونـد پناه بری و با زبانی گویا از ایمان راستین خود بگویی:

خداونـدا تو پروردگار قدرتمنـد بزرگوار شـکوهمند عظیم هستی، والا گشتی و پایین آمـدی و دور گشتی و نزدیک شـدی، هیـچ مکانی از تو خالی نگشت و هیـچ پادشاهی در برابر تو نایسـتاد، از حـد و حـدود باشکوه گشتی، و از مثل و مانند بزرگ شدی، نجات از تو به واسـطه خود توست و فرار از تو به سوی توست از تو مسألت می‌کنیم، ای خـدای مـا که به رحمتت مـا را در میـان گیری و به مهربانی‌ات ما را فرا گیری، و دارایی‌مان را در میان اهل فضل و بخشـش و قدرتمان را در میان اهل هدایت و عدل قرار دهی و ما را تنها به سوی خود محتاج گردانی، خدایا ما بر تو توکل نمودیم و از چاره‌اندیشی به سوی تو بیزاری می‌جوییم، و کلام آرزو و مسألت را به سمت تو می‌چرخانیم، خداوندا پس به آنچه

تو را می‌خوانیم اجابت فرما و آنچه را امید و آرزو داریم، در فضل و کرم خویش محقق گردان و ما را از اعمال هلاک کننده‌مان و کردار تباه کننده مان ایمن بدار به رحمتت ای خدای جهانیان.

ای اخنوخ انجام‌دهنده این کار پاداش بسیاری ذخیره می کند و این کلمات در ترازوی روز قیامت، بسیار سنگین‌اند، پس مردم را به رحمت گسترده‌ای که مورد امید است و خشم خروشان بیم‌دهنده من خبر ده و بر نعمت‌هایم یادآوری کن و بر خواندن من تشویق کن اجابت خوانندگان و یاری مؤمنان بر من شایسته است و من صاحب بخشش بزرگم.

صحیفه هفتم، سرکشان

ای اخنوخ، چه بسیار جبروت سرکشانی که در هم شکستم و چه بسیار قدرتمندی که پنداشت کسی بر او چیره نخواهد گشت پس عصیان و سرپیچی کرد و سرکشی و طغیان نمود، قدرتم را به او نمایاندم و عذاب چیرگی‌ام را به او چشاندم و او را به حوض‌های مرگ وارد ساختم پس از جام آن نوشید و از سختی آن چشید و او را از قلعه‌های فرازنده‌اش و دژهای محکم به زیر آوردم و او را از خانه‌های آباد و منزلگاه... های دل انگیز به سوی قبرهایی با سنگ های لحد و گودالی شکافته شده خارج کردم، پس به تنهایی در آن بستر گزید و خونابه ای از او جاری شد و خوراک هزارپا و کرم‌ها شد و از دارایی و آنچه جمع کرده بود، دور گشت و در دیدار روز حساب تنها ماند، هر آنچه فراهم کرد به او سودی نبخشید و آنچه جاویدان ساخت او را ماندگار نکرد، و تنها تبعات محاسبه او را دنبال می کند، و از احوال دنیا تنها آنچه سبب پاداش یا عذاب او باشد، او را همراه کرد. سپس آنچه از باطل به دست آورد و جمع نمود و از راه حق جلوگیری کرد، برای کسی به ارث گذاشتم که او را در حق آنچه کرد، سپاس نگفت و نه دعایی کرد و نه سودی رساند، و او با جمع کردن بدبخت گشت و وارث با سودی که برد، رستگار گشت، آنکه ماند سرانجام کسی را که رفت، دید و خودداری نکرد و فرو ننشست، آیا چشمانی ندارند تا ببینند یا دل‌هایی که فکر کنند یا عقل‌هایی که تدبر ورزند؟ مرا تکذیب کردند و من در خشمم به آنها صداقت ورزیدم، از حق من غافل گشتند و من با عذابم آنها را آگاه ساختم، پیام مرا به آنها برسان و خیرخواهی‌ام را به آنان بشناسان و حجتم را بر آنها محکم کن و راه حجتم را بر آنان ترسیم کن، سپس آنان را به حساب من واگذار. سوگند به عزتم، هیچ ظالمی بر من تجاوز نکند و هیچ مظلومی در نزد من شکست نخورد و برای همه از همگی پیگیری خواهم کرد و من حکیم عادل هستم.

صحیفه هشتم، صحیفه قدرت

هر کس غیر من ادعای نیرو و قدرت داشت، و پنداشت بر آنچه می‌خواهد تواناست، خوار گشت، اگر ادعای او حق و گفتار او راست بود، گام‌ها مساوی می‌شد و مردم در تمامی کارها برابر بودند، زیرا همگی از خیر به دنبال عاقبت آن و از سعادت در پی پایان آن هستند و چنانچه پیشامدها و موقعیت های مقدّر، بر طبق آنچه می‌خواهند می گذشت و از توانایی‌ها و قدرت‌هاشان به کار می گرفتند تا آنجا که می توانستند و مردم به دنبال پایان خیر هستند و از کوچک‌ترین مواقع ظلم پرهیز می کنند، هیچ فقیر و مسکین بیچاره‌ای دیده نمی‌شد و کسی به کسی نیاز پیدا نمی کرد و دستی به دستی نیازمند نمی گشت و تو اکنون سرور و کسی که بر او سروری می‌شود و آنکه از او بریده شده و آنکه خوشبخت است و بی‌نیاز شرمگین و فقیر خاکسار را می‌بینی.

ای انسان و این بدان دلیل است که کارها به غیر تو و جز تو سپرده شده است و تو سرسپرده تدبیرگری هستی و تحت فرمان و چیزهای هستی که برای تو خواسته شود، زیرا تو امر آسانی را با خستگی فراوان خواهی پس از تو بازداشته شود و درنگ کند و از کار بزرگ غفلت جویی در حالی که بدون خستگی برای تو فراهم گردد. ای بنده به ناتوانی اعتراف کن تا برای تو کار کند و ادعای نیرو و قدرت مکن که هلاک می‌شوی و بدان تو ضعیف هستی و این منم که قدرتمندم.

صحیفه نهم، صحیفه انتقال

خـدایا تو حاجتم را می‌شناسـی و نیازم را می‌دانی و تو دانای نهان و زداینـده غم‌هایی، از موجودات قبل از پدید آمدنشان آگاهی و پیش از به وجود آمـدن چیزها به آنها احاطه داری و تو از جهانیان بی‌نیاز و آنها نیازمنـد تواند، مرا امر نمودی پس سـرپیچی کردم و بازداشتی پس انجام دادم و بینا کردی من ندیـدم و مرا سـعادتمند گرداندی پس بدبخت شدم گناهانم را می‌شناسـی و هیچ پرده‌ای حائل تو نیست پس مرا بدان در دنیـا و آخرت و محشـر و عرصه قیـامت رسوا مگردان، خـدایا همـانگونه که آن را بر من پوشانـدی، پس مرا بیامرز و همانطور که آن را بر من آشـکار نگرداندی، پس آن را از من فرو آور و از سؤال و جواب و حساب و سـختی عذاب حفظ فرما و خیر دنیا و آخرت و زندگانی و مرگ را بر من آسان گردان، و حاجاتی که از من بدان آگاه‌تری روا ساز و شـر آنچه خلق کردی را از من بازگردان و از مصـلحت‌های دنیا و آخرت مرا بدانچه صـلاحم را در آن می‌بینی و رستگاری‌ام را در آن می‌شناسی، موفق بدار و من از آن غافل و بی‌نیازم و به راه‌های جلب آن، ناآگاه. دسـتانم به تضـرع به سوی تو گشوده شده‌اند و به خواری گناهکاران و خشوع آرزومندان و ناله نیازمندان پیشگاهت ایسـتادم و تو تو شایسته... اجابتی و هرچنـد که من سـزاوار ناامیـدی‌ام، تو سـرپرست کمک‌رسانی و یاری دادن بر خواسـته کسـی هستی و هرچنـد که من مسـتحق عذاب بسـیار هسـتم تو جایگاه آرزو و نهایت درخواست و مسألتی و من جز به سوی تو راه نمی‌یابم و تنها بر تو توکل می‌کنم و فقط بر در پیشگاه تو می‌کوبم و جز به پاداش تو امید ندارم و جز از عذاب تو بیم ندارم و تنها از عقاب تو می‌هراسم، خداوندا هدایت به سوی خود را بر من بیافزای و آنچـه را بر آن تکیه کردم، برایم میسّـر گردان و در خـود را بر من بگشـای و از رحمت خـود، پـاداش فراوان بر من قرار ده و مرا از عـذاب و عقاب دردناک خود که به واسطه گناهانم مستحق آن گردیدم، ایمن گردان، به راستی که تو رؤوف مهربانی.

صحیفه دهم، صحیفه توکل

هر کس بر خـدا توکل کند، او را کفایت می‌نماید و هر کس از او سـرپرستی خواهد او را مراقبت کند و هر کس در او را بکوبد باز کند و هر کس از او مسألت کنـد، کامیاب گردد و هر کس خدا با او باشد، مردم قادر به رساندن ضـرر بر او نیسـتند و هر کس به کاری روی آورد و از قـدرت و نیروی خـویش بیزار باشـد، خیر فراوان بینـد، و از عـواقب شـر در امـان است، هر کس توبه کنـد به سوی او بازگشـته شود و هر کس بازگردد، آمرزیده شود و حق کارها داده می شود و درک کردن قبل از مرگ و وفات است و کردار هیچ کس از صـحیفه او محو نشود و حق او از بین نرود، بلکه بر پوست نـازک میان خرما و هسـته آن محاسـبه شود و پاداش بینـد. پس سوگنـد به پروردگار آسـمان از آنکه شاخ دارد برای آنکه شاخ نـدارد پرسیده شود، و در محاکمه، گام‌ها مساوی گردد و هر کس بـدانچه از نیکی‌ها و گناهان که اعتراف دارد، پاداش بیند، در نزد کسـی که ضمیرها از او پنهان نیست و رازها از او مخفی نمی‌ماند و هیچ چیز بزرگی بر او بزرگ نیاید و هیچ چیزی به دلیل کوچکی و پستی اش از او پنهان نمانـد و شـمردن بر او دشوار نیست و پاداش دادن از دست او نرود، این است خـدا پروردگار جهانیان هر چیزی را مقـدر ساخت و محکم کرد و شمرد و به شماره درآورد و هیچ چیز پنهانی بر او پنهان نیست مگر رحمت او و سپس عمل نیک .

صحیفه یازدهم، ....

کسـی که از من بی‌نیازی جست، بی‌نیاز نیست و آنکه به من محتاج گشت فقیر نیست و هیچ عمل خیر و شـری از کسـی نزد من نابود نگردد و پاداش خیر را طبق وعـده صادقانه‌ای که دادم، می‌دهم و سـزای شـر نیز در پیش من است اگر خواهم، عفو کنم و اگر بخواهم عذاب کنم و من آمرزنده مهربانم.

صحیفه دوازدهم، صحیفه رستاخیز

ای مردم! اگر از برانگیخته شدن، در شک به سر می‌برید، پس بیاندیشید کسی که شما را از نیستی آفرید و بدون آنکه قدمتی داشته باشید شما را خلق کرد، شـما را از نطفه و ماده ای جویده شده در رحم‌ها آفرید سپس صورت بخشید و ناتوان از شکم مادرانتان خارج ساخت سپس نیرو بخشـید و توانـا گردانیـد و از حـالتی به حـالت دیگر تغییر داد و شـما را در تمـامی کارهـا صاحبان نیستی و دگرگونی قرار داد، او قادر است تا همانطور که شـما را آفریـد بازگردانـد و همانگونه که خلق کرد، برانگیزاند و این در افکار مردم سـست و نزدیک است و خداوند که هیچ امر

بزرگی بر او بزرگ نیاید و هیچ امر کوچکی به سبب پستی‌اش بر او دشوار نیست، و تمامی کارها در دست او آسان است، نه رنجی در آن بیند و نه خسته شود و نه ناتوان گردد و نه درماند و کار او اینگونه است که هرگاه چیزی را اراده کند به او می‌گوید، باش پس موجود می‌شود، اوست خدا آفرینشگر تمامی آفریده‌ها.

صحیفه سیزدهم، صحیفه‌دولت سرکشان

ای اخنوخ، مردم در عبادت من سستی ورزیدند و از طاعت من روی گرداندند و بر سرکشی اصرار ورزیدند و در طغیان فرو رفتند و طاعت شیطان را برگزیدند و در ظلم و تجاوز هلاک شدند، گویی به خاک افتادن طاغیان پیش از خود را ندیدند و به خانه‌های ویران شده و پرده سراها و خالی شدن کاخ‌های بنا شده و پست گردیدن نام‌های [بلندشان] ننگریستند و زمانی که خشم من بر قلعه‌های مستحکم و خانه های دل انگیزشان وارد شد، از آنها دفع نشد و سربازان گردآمده و توشه‌های فراهم و دارایی‌های فراوان و سلطنت‌های باعظمت آنها را پناه نداد، بلکه در برابر آن عذاب در هم شکستند؛ زیرا شکر نعمت‌های فراوان را به جای نیاوردند و آن هنگام که حق مرا بر خود به هنگام مهلت، فراموش کردند، به سبب وارد شدن خشم من، به لرزه افتادند، و از بین رفتند و هلاک شدند و در دنیا و آخرت راه خواری را پیمودند گویی به خاک افتادن بخت سرکشان و یاران عصیانگرشان را در این نزدیکی ندیدند، هنگامی که بر کفر و انکار اصرار ورزیدند و بر ظلم و ستیز مداومت داشتند و بندگانم را به بردگی کشیدند و سرزمینم را ویران ساختند و خلق را به خواری گرفتند و حق را پوشاندند و سنت‌های بدذاتان را به پا داشتند و سنت نیکان را به کناری نهادند و از کالاها مالیات گرفتند و جان‌ها را نابود کردند و هر آنچه بر آنها واجب بود رها کردند و در باطل تاختند و خون‌ها ریختند تا اینکه با کرداشان زمین و آسمان را به گریه انداختند در حالی که افتخار می‌کردند و به تن‌های قوی هیکل و پیکرهای نیرومند و قدرت بسیار و دارایی فراوان خویش فریفته شدند.

و زمانی که روزگارشان به سر رسید و گناهانشان کامل گشت و صحن و سراها - بقعه‌ها - ناله سر دادند و تپه‌ها و تل‌ها و انواع حیوانات موجود در آنها به درگاه آن مهربان بخشنده گریستند و ما بر ناله‌هاشان رحم نمودیم و دعایشان را اجابت کردیم و مؤمنانی که از جانب آنها به خواری کشیده شده بودند را یاری کردیم و آنها را سرور کسانی قرار دادیم که آنها را به بردگی کشیدند و بر آنها که خوارشان کردند، فرمانروا ساختیم و میان سرکشان خوفی انداختیم و مردم را از آنها راحت کردیم، پس این عصیانگران با یکدیگر به جنگ برخاستند و چند گروه شدند و به نزاع و جنگ برخاستند و تا اینکه برخی، عده‌ای دیگر را به هلاکت افکندند و با دست خود یکدیگر را کشتند و بدن‌هاشان را با شمشیرها قطع قطعه کردند، هرچند که قدرتمندترین، سرکش‌ترین و کامل‌ترین آنها و کسی که گسترده‌ترین فرمانروایی را داشت، قیصر بود که پس از آنان زخم خورده و مجروح باقی ماند نه آبی یافت و نه غذایی و نه جایی که آرامشی یابد و نه از خوابی لذت برد از آنچه در جنگ با طاغوتیان به سمت آنان روانه کرد از ضربه شمشیر و نیزه و سر شکستن سنگ ها و تیر انداختن. پس به دست خویش قبر خویش را آماده کرد و بر شمشیر خم گشت و مرگش را با دست خویش ایجاد کرد و مرگ و وفات او از پس آنان بود و بیچارگان وارث اموال و خانه‌هاشان شدند و پس ماندگان آنان را لگدمال کردند.

ای مردم، اگر شکر نعمت مرا به جای آورید بر شما می‌افزایم و اگر مرا اطاعت کنید شما را یاری رسانم و چنانچه به عصیان‌گران اقتدا کنید و همچون سرکشان عمل کنید در نزد من عزیزتر و بزرگتر از پیشینیان خود نیستید و تمامی شما آفریدگان من هستید که از روزی من می‌خورید و هیچ رابطه‌ای میان من و شما نیست و من به هیچ یک از شما نیاز ندارم همانطور که نیازی به گذشتگان شما نداشتم سوگند به عزت خویش که سرکشان را هلاک خواهم ساخت و مظلومان را در مقابل ستمکاران یاری رسانم و من چیره استوارم.

صحیفه چهاردهم، تصویر صحیفه‌نعمت بخشیدن

ای مردم چه چیز شما را به پروردگارتان مغرور ساخت؟، او که خلقت شما را متناسب قرار داد و روزی‌تان را مقدر کرد و از درخت سبز و سنگ سخت برای شما آتش قرار داد، که بدان سود و روشنایی و نور را برای خود آوردید، و تاریکی، سرما و اذیت‌ها را از خویش دور

ساختیـد و اوست که از پوست چارپایان و موی آنها برای شـما پوششـی قرار داد تا بدی‌ها را می‌پوشاند و آسـیب‌ها را دور می‌کند و اوست که چشـمه‌هـایی خـارج سـاخت که گیاهان را می‌رویانـد و تشـنگی را برطرف می‌کنـد و در آسـمان چراغ‌هایی روان ساخت که به واسـطه آن در بیابـان‌هـای خشـکی و موج‌هـای دریـا می‌توان راه یـافت و به شـما آموخت آنچه را نمی‌دانستیـد، از نوشـتن کتـاب و بـافتن لباس و رام ساختن حیوانـات و اوست که پستان‌ها را برای شـما پر از شـیر ساخت و درختان و گیاهان را رویانـد و کشتی را در دریاها روان گردانـد و شـما را در صحراها راه نمایانـد آیا خـدایی غیر او بر چنین چیزی قادر است یا اینکه شـما به مانند آن راه خواهید یافت، پاک است کسـی که هیچ مانندی ندارد و اوست بخشنده بزرگوار .

صیحفه پانزدهم، صحیفه نجات

نجات به قدرت نیست و رهایی با جبروت تحقق نپذیرد و نام صدّیق برای فرمانروایی عظیم شایسته نیست و با عزت بسیار به ملکوت آسمان راه یافته نشود و بسـیاری مردان و آرزوها برای آخرت سودمند نیست، در روز قیامت، مهارت در صـنایع و زیرکی در حرفه‌ها رهایی بخش نیسـت بلکه این نیکی است که نجات می‌دهـد و طهارت است که مایه رهایی است و با پاکی از گناهان می‌توان اسـتحقاق پیدا کرد و با عمل نیک به ملکوت آسـمان‌ها راه یافت و تنها نیت صادقانه و اعمال پاک و خودداری از آزار رسانـدن و خیرخواهی مردم دوری از حرام و فرار از گناهان است که ترازو را سـنگین می‌کنـد، پس خـدایی را بپرستیـد که شـما را آفریـد و صورت شـما را متناسب گردانـد به سوی او باز گردید و بر او توکل کنید تا خواسـته‌های دنیوی شـما را آسان گرداند و به هنگام بازگشـتتان شـما را از دست‌اندازها در امان دارد، و بدانید که خیر به دست اوست و تمامی امور به او واگذار شد و اوست شکست‌ناپذیر چیره.

صحیفه شانزدهم، صحیفه آسمان‌ها

ای أخنـوخ! آیـا نیاندیشیدی در نوآفرینی‌هـای خلقت خداونـد که چشم تو را بر شـگفتی‌هـای آن گشود و مراتب آن را به تو نمایانـد از قـبیل فلک‌های گردان و سـتاره‌های روان که طلوع و غروب می‌کننـد، و گاهی اسـتقرار می‌یابند و کوچ می‌کنند و در تاریکی‌ها و ظلمت بسـیار نور می‌پراکننـد و بدان‌ها در وسط دریا و بیابان راه یافته شود، سـر بر آرند و فرو روند و در شـگفتی‌های امور تدبیر کنی. در حالی که بر مجراهای مناطق خویش پایبندند و در برابر امر آفریدگارش تسلیم و خاضع‌اند.

آیـا نگـاه نکردی بر این آفتـاب تابانی که میان شب و روز در رفت و آمـد است و تاریکی و روشـنی را از پی هم می‌آورد و فصل‌های سـرد و گرم و تنـد و متعـادل سال را تغییر می‌دهـد، میوه‌های درختان و گوهرهای معـدنها در چاه‌ها را پرورش می‌دهـد، آنکه اگر به یک حال باشـد، گیاهی نروید و شیری جاری نشود و موجود زنده‌ای زنده نماند و زمان و مکانی برقرار نباشد، آیا ندانستی که آن به آفرینش حکیمی است که علمش همه چیز را فرا گرفت و خلقت قدرتمنـدی است که باری بر دوشـش سـنگینی نکنـد و امر دانایی است که شـمارش بر او دشوار نیاید و حکم توانایی است که خسـتگی و ناتوانی به او نرسـد و چاره‌اندیشـی والایی است که چیره‌گری بر حکمش وجود ندارد و به راستی که آن به سبب عنایتش به مخلوقات ضـعیف و کرمش در جاری ساختن روزی است و او خداوند متعال دانای حقی است که چیزی از گذشته و آینده از او پنهان نیست.

صحیفه هفدهم، صحیفه گناهان

ای اخنوخ! گناهـان بسـیار شـد و طـاعت‌هـا به کنـاری نهاده شـد، و مخلوقات مرا فراموش کردنـد، گویا روزی‌ام را نمی‌خورنـد و بر زمین من سکنی نمی‌گزینند و آسمان من آنها را در میان نگرفت، چه چیز آنها را ایمن می‌دارد که خلقتشان را زشت نگردانم یا چهره‌شان را ناپدید کنم یـا بـاران را بر آنهـا حبس کنم؟ یـا زمین را سـخت گردانم که برای آنان نرویانـد یا آسـمان را بر آنها فرو انـدازم و اخگرهایی از عـذاب را به سویشان فرسـتم؟ شـکیبایی‌ام آنها را فریفت و در علم من شک کردند و مهلت دادنم را دیدند و چنین پنداشتند که بر آنها سست گرفته‌ام، نه و

سوگند به عزتم که، آنطور که می‌پندارند، نیست به راستی که من به شکاف هسته خرما و پوست میان خرما و هسته آن نیز علم دارم و چیزی از این امور بر من پنهان نیست؛ ولی من به سبب بزرگواری خویش منتظر بازگشت بنده‌ام هستم و عذاب او را به تأخیر می‌اندازم به سبب مهربانی و امید در بازگشت او؛ زیرا نیازی به عذاب کسی از جهانیان ندارم و رحمتم تمامی مخلوقات را فرا می‌گیرد هر کس توبه کند به سوی او بازمی‌گردم و هر کس باز گردد او را می‌آمرزم و کسی که هدایت خویش را نبیند و از راه صلاح خود کور گردد، مرا شیفته خود نگرداند. هیچ چیز بزرگی به سبب بزرگی‌اش بر من دشوار نیست و هیچ کوچکی به سبب پستی‌اش بر من پوشیده نیست و من آگاه و دانایم.

صحیفه هجدهم، صحیفه بیم دادن

ای اخنوخ! مردمان را از عذابی بترسان که بر آنان سایه افکنده است و طوفانی که هر لحظه آنان را فرا گیرد و زمین های پست و بلند را یکسان گرداند و مکان های بلند و منازل را در بر بگیرد و کرانه‌های زمین را فرو برد و به نهایت سرزمین‌ها و اعماق آن دست یابد و با خشم من به خشم آید و از هر آنکس که اطاعت مرا اهمال کند، انتقام گیرد و چنین نکنم مگر بعد از آنکه حجت‌های درخشان خود را بر آنان آشکار سازم و به نشانه‌های فروزان آنها را بیم دهم، و قرن‌ها در انتظارشان بنشینم همچون عادتی که در مهلت دادن و شکیبایی‌ام دارم پس آن هنگام که بر سرکشی خود اصرار ورزیدند و بر تجاوزشان مداومت کردند و کفر فراگیر شد و ایمان کاست، چشمه‌های زمین، در های آسمان را می‌گشایند و سراسر اطراف و نواحی از آب پر می‌شود و مؤمنان را که تعدادشان اندک است، نجات می‌دهم و سرکشان را که بسیارند هلاک می‌کنم و این عادت من در مورد کسانی است که غیر مرا بپرستند یا برای من شریکانی قرار دهند و با وجود این من مهربان و مهرورزم.

صحیفه نوزدهم صحیفه حق

زشتی تنها مختص معصیت و زیبایی متعلق به اطاعت است تنها با عقل می‌توان به معرفت دست یافت حق به وسیله حق شناخته می‌شود و با نور است که به سمت نور هدایت می‌شود. خورشید به واسطه خورشید دمیده می‌شود و به نور آتش است که آتش به چشم می‌آید و چیز کوچک توانایی درک بزرگ‌تر از خود را ندارد و آنکه ناتوان است، قوی‌تر از خود را نمی‌تواند بردارد و برای نشان دادن به چیزی نورانی، نیازی به غیر آن نیست و کسی از راه گمراه نمی‌شود مگر کسی که توفیق از او گرفته شد و خداوند بر هر چیز گواه است.

صحیفه بیستم، صحیفه محبت

خوشا به سعادت کسانی که از روی محبت مرا پرستیدند و مرا خدا و پروردگار خویش برگزیدند، شب را بیدار بودند و روزها را سختی کشیدند، تا رضایت مرا به دست آرند نه از روی ترس و دوست داشتن و نه برای دوزخ و بهشت بلکه از روی محبتی صادقانه و خواسته‌ای روشن، و بریدن از همه چیز به سوی من، و از میان همه چیز بر من تکیه کردند، پس بر من سزاوار است تا دیر زمانی آنها را بیازمایم و بار سنگین از محبت خویش بر دوش آنها نهم و در آنان ذوب شوم همچون ذوب شدن در آتش. پس زمانی که ظاهر و باطن آنها یکی شد و ارتباطشان با برادرانشان قطع شد و علاقه‌ها و ریسمانشان از دنیا گسسته شد، در اینجاست که چهره‌های آنها را از خاک برگیرم و بخت او را در آسمان رفعت بخشم، بازگشتشان را زیبا گردانم، آنان را به خواسته‌هاشان برسانم و پاداش آنان را بر تحقق بخشیدن به امیدشان قرار دهم و به آنها چیزی دهم که عبادتشان را به سبب آن انجام دادند و وعده من راست است و خلافی در آن راه ندارد.

صحیفه بیست و یکم صحیفه معاد

پاک و منزه است خدایی که انسان را از آبی پست آفرید و زندگانی او را در آبی زلال قرار داد، خجسته باد کسی که آسمان را برافراشت بدون ستونی که آن را بردارد و نه آویزهایی که آن بلند گرداند، ای مردم در درختی که بعد از ریزش برگ‌هایش، برگی تازه بر تن می... پوشاند و پس از خشک شدن شکوفه می‌پوشد و پس از پیری جوان می‌گردد و بعد از مرگ زنده می‌شود و تازگی را جایگزین خشکی می کند و لطافت را جانشین پژمردگی قرار دهد، بزرگ‌ترین دلیل بر بازگشت شماست. شما را چه شد که شک کردید؟ آیا در سایه‌ها و شبح‌ها

پیمان نبستید و در عالم ذر و نشور از شما پیمان گرفت و در صورت‌ها روان گشتید و در آفرینش گونه‌گونه گشتید و از صلب‌ها فرو افتادید و در رحم‌ها قرار گرفتید، پس چه انکار می‌کنید از برانگیخته شدن جنازه‌ها و برپایی جان‌ها و وجود معاد و چگونه شک می‌کنید در پروردگاری آفریدگارتان که شما را آفرید و سپس شما را باز می‌گرداند و عهد و پیمان‌ها را از شما گرفت و نشانه‌هایش را بر شما آشکار گردانید و نعمت‌هایش را بر شما فراوان کرد، برای او در هر لحظه‌ای نعمتی و در هر حالتی نشانه‌ای است، آن را برای حجتی بر شما تأکید می‌کند و همراه آن، هشداری برای شما قرار می‌دهد، و شما در غفلتی سرگرم هستید و از آنچه برای آن آفریده شدید و به سوی آن خوانده شدید، در غفلت به سر می برید، گویی مخاطب غیر شما و هشدارها برای کسی جز شماست، آیا می‌پندارید من مزاح می‌کنم و یا از شما غافلم؟ یا اینکه به کارهای شما احاطه ندارم؟ آیا آنچه از خیر و شر مرتکب می‌شوید از بین می‌رود؟ هرگز، هر کس چنین پنداشت، ناامید شد و زیان دید و خداوند بلندمرتبه و بزرگ است.

صحیفه بیست و دوم، صحیفه دنیا

در این دنیا اندیشه کنید که به زینت زیبایی‌هایش می‌فریبد و به شیرینی حوادث و لذاتش نیرنگ می‌کند، همچون شکوفه گل سرخی است که با خارها پیچیده شد و پیوسته شکوفا است و چشم‌ها را خیره می‌کند و جان‌ها را شادی بخشد و با این حال، دور از دسترس است و آن به دلیل خاری است که دست خواهنده آن را مجروح می‌کند و بعد از لحظاتی اندک، گل پرپر می‌شود و خار می‌ماند. دنیای خیانتکار از بین رفتنی، چنین است، زندگی‌اش مرگ را به دنبال دارد و جوانی‌اش رو به پیری است و سلامتی‌اش در لفافه بیماری‌هاست و بی‌نیازش‌اش فقر را به دنبال دارد و فرمانروایش در معرض نابودی است، و عزتش به همراه ذلت است و لذت‌هایش با آلودگی ها تیره می‌شود و دوست‌داشتنی‌هایش با سوزش مصیبت‌ها آمیخته است، شر آن خالص و خیر آن آمیخته است، هر کس به چیزی از شهوات آن بهره‌مند گردد از تلخی غصه‌های آن و ترس شکنجه‌ها و عواقب و آسیب‌هایی که بر آن وارد شود، در امان نیست.

این حالتی است که هر کس در آن سعادتمند گردید، رستگار شد پس چه می‌گویی در حق کسی که از آن فایده‌ای نبرد، در آن سالم از بیماری می‌ترسد، بی‌نیاز از فقر بیم دارد و جوان در انتظار پیری است و زنده منتظر مرگ است هر کس بر آن تکیه کند و از آن آرامش بجوید همچون کسی است که بر کوهی بلند از یخ تکیه زده است که پهناور و ارتفاع و بلندی آن در چشمش بسیار است، ولی هنگامی که خورشید تابستان بتابد ناگهان آب می‌شود و روان می‌گردد و کسی که بر آن تکیه کرد و پناه جست در صحرا ماند. و اینچنین سرنوشت دنیا رو به نیستی و نابودی و انتقال به خانه دیگری است، که تنها ایمان در آن پذیرفته شود و عمل نیک فایده رساند و فقط با رحمت خداست که رهایی یابد، هر کس در آن هلاک شود، سقوط کرد و هر کس از آن رستگار شد، رفعت یافت و دائماً در تفاوت است .

صحیفه بیست و سوم، صحیفه ماندگاری

هر چیز به عنصر خویش باز خواهد گشت و تمامی آنچه می‌بینند از بین می‌رود و نیستی فراگیر می‌شود و ماندن از بین می‌رود و تنها کسی می‌ماند که آغازی نداشت و هر کس که آغازی ندارد پایانی نیز ندارد و امر در اختیار سرپرست امر قرار گیرد و مخلوقات به سوی آفریدگار خلائق باز می‌گردند و قیامت برپا می‌شود و خوشا به حال نجات یافتگان و وای بر کسانی که هلاک شدند.

صحیفه بیست و چهارم، صحیفه راه

ای اخنوخ! دو راه وجود دارد: هدایت و ایمان یا گمراهی و سرکشی. هدایت که روشنی‌اش پیدا و نشانه‌هایش آشکار و سنت‌هایش مستقیم، راهش روشن است و آن یک راه آشکاری است که نه دره‌ای در آن است و نه گمراهی‌ها به آن راه دارند، و تنها کسی آن را نبیند که چشم قلبش کور شود و دیده مغزش از بین رود. هر کس بدان پایبند شود، در امان است و از آن گمراه نگردد و به نور آن تردید نکند و در آثار روشن آن شک نکند و به صلح و نجات راه نماید و آسایش و زندگانی در آن همیشگی است و اما گمراهی، پرچم‌های آن مبهم و نشانه...

هـایش غیر واضـح است و شـاخه های بسـیاری دارد که راه هـدایت را از سـمت راست و چپ در میان می‌گیرد، هر کس بـدان وارد شود، گم می‌شود و هر کس بر آن گام نهد حیران و سرگردان است و این راهی است که و این راه رونده اش را می برد و رهرو خود را به بدعت وا می دارد و سیر کننده در آن را به سوی مرگ همیشگی می برد که نه آرامشی با آن است و نه راحتی ای اخنوخ بندگانم را به سوی من فراخوان و آن ها را به راه من قرار ده سپس آن ها را به من واگذار، به شکوهم سوگند عمل هیچ نیکوکاری را تباه نگردانم هر چند سبک باشد و عمل هیچ بدکاری از من مخفی نماند هر چند کم باشد و من حسابرس دانایم .

صحیفه بیست و پنجم صحیفه تاریکی

هر کس ستم ظالمی را ببیند و بتواند انکار کند و چنین نکند پس او ستمکار است و هر کس ظلم کند یا بدان راضی باشد بدون تردید در روز قیامت پشـیمان خواهد بود. سوگند به عزتم انتقام از ستمدیده از ظلم بر مظلوم تاریخ تلخ تر است و ظالم تنها بر خود ستم می کند و کم فروش از بهره خـود می کاهـد و برای همه از همه انتقـام می گیرد و برای تو کـافی است که هر آن کس از او انتقـام گیرم مغلوب است و هرکس که انتقـام او را گیرم یـاری شـده است قطعـا بر ظالمـان آشکار خواهم گردانـد مخصوصـا خواری و پستی را .... پروردگار جهانیان آیا تجارتی با حـاکم حاکمـان و مهربـان ترین مهربانـان از بین می رود خوشـا به حـال کسـی که فقیر را غـذا داد و درمانـده را پوشانـد و زنان بیوه را در پناه خویش آورد و بر در راه مانده بخشـش داشت و برادرش را در مصیبت ها یاری گر بود و از نعمت های الهی و بخشش هایی در نزد خود بهره منـد ساخت به راستی بر خـدا پایسـته است که اعمال او را چنـد برابر گردانـد و در معاد او را از آنان که بخل ورزیدنـد جـدا گرداند و بهترین پاداش را نیکی او قرار دهد و بخششی کامل فراوان از خشنودی خویش به او عطا فرماید و خداوند خلف وعده نمی کند.

صحیفه بیست و هفتم صحیفه عذاب

به نیکی و عمل خیر نجات را طلب کنیـد بنگریـد و بیندیشـید که راه صـداقت روشن و واضـح است و سـرشار از شادی است و به رستگاری و رهایی منجر می شود و راه گمراهی دروغین و ناراست و پیچیده شده در دشـمنی ها و به نابودی و هلاکت می انجامد. پس از راه گمراهی که سرشـار از مرگ است بازگردیـد و به آن گام ننهیـد تا سـرگردان نشویـد، بلکه خیر و نیکی را برگزینیـد تا به آرامش همیشـگی در دارالسـلام دست یابیـد. وای به حال کسـی که شب کند و قصدش در بند انجام گناهان است می اندیشد. چگونه به قتل رساند چگونه دزدی کند چگونه زنـا کنـد و چگونه سرکشـی نمایـد به راستی که پـایه های آن ویران شـده و هلاک آن نزدیک است. وای بر کسـی که طلا و نقره با نیرنگ و فساد و ظلم به دست آرد که به زودی بـدین سـبب هلاک می شود و عواقب آن بر او می مانـد. وای بر ثروتمندی که به بی نیازی خود خدا را یاد می کند ولی با ثروت خویش به دنبال معصیت می باشد و گناهان بر او باقی می مانند. به راستی که سـرانجام اسباب تاریکی و ظلمت روز قیامت را برای او فراهم کننـد و از جانب خداونـد عظیم مورد رحمت واقع نشود و کسـی از جهنم فرو برنـده مورد رحمت قرار نمی گیرد، مگر آن که پاک شد و بازگشت و به هدایت بازگردد. وای بر کسی که به مؤمنان سختی رساند و آنان را مورد آزار قرار دهد و به آنان ظلم کند و آن هـا را از انجـام واجبـات و زنـده کردن شـریعتشان بـازداشت. بـه راستی که سـرنوشت او و کسـانی که یـاری اش کرده انـد به سـوی آتش برافروخته ای است که خـاموش نشود و عـذاب سـختی که آرام نگیرد. وای بر شاهـدی که شـهادت خود را کتمـان کنـد؛ زیرا انـدوه پیوسـته و عـذاب سـخت در آخرت را برای او فراهم آورد. وای بر کسـی که غذای نیکو بخورد و آشامیدنی لذیذ بنوشد و شـکر آن بخشـنده را به جای نیاورد و به راستی که بر کاری به اندازه دانه خردل حسابرسی شود و در بند اعمال خویش است.

وای بر کسـی که به سرکشـی خود افتخار کند و بر جبروت خویش طغیان ورزد و نیکان و نرم خوی های مؤمنان را به خواری کشد و صالحان آرام را به ذلت نشانـد. به راستی که او رو به سوی هلاـکت همیشـگی و نـابودی جـاودان دارد. و این حکمی است از جـانب خداونـد عـادل و حکیم توانـا. در شـگفتم از کسـی که به رهبران معصیت کـاری که از دنیـا می رونـد. می گویـد خوشـا به حالش عمر طولانی داشت و بر خیر فراوان و شادی بسیار و فرمانروایی بزرگ دست یافت و از خانواده و فرزندان و گشایش و بی نیازی بهره مند شد سپس کریمانه وداع کرد و از دنیـا رفت و به خواری نیفتاد آیا ندانسـتیـد که او بهره کمی برد و از پس خویش حسابی طولانی به جای گـذاشت و باری سـنگین از گناهان بر

دوش کشید و روزگار شادی و بی نیازی و فرمانروایی و دنیایی او همچون رویای کسی است که به خواب رفته است و سرابی بیش نبود و به هنگام پایان رسیدن آن تنها بر عواقب حساب و رنج عذاب همیشگی دست یافت .

آیا ندانستید که از نیستی به هستی همیشگی منتقل شد و بر شکاف میا هسته خرما و پوست آن محاسبه می شود و اندوهی بسیار و ترسی عظیم خواهد دید و به سوی تاریکی جهنم که سرشار از ظلمت و آتش است می رود و در آن جا از سختی و تنگی آن رنجور خواهد بود. غبطه نمی خورید بر حال آن بیچاره ای که اندکی از دنیا برگرفت و در کنار آن عواقب و آزار سخت آن را به دست آورد در خانه ای همیشگی جاودان از بین نرفتنی و فناپذیر. ای رهبران خطاکار ظالم مپندارید که بازخواست نمی شوید و محاسبه نمی گردید و مورد عذاب قرار نمی گیرد در قبال معصیت هایی که مرتکب شدید و گناهانی که انجام دادید و ستمی که نمودید و فسادی که سنت کردید. به راستی که تمامی گناهان و معصیت های شما در پیشگاه آن چیره به ثبت رسید و برای شما حفظ می شود و فراموش نمی گردد و به کناری گذاشته نمی شود و شما در بند آن هستید و برآنچه آوردید عذاب می شوید و قاهر دانای رازها و آگاه به ضمیرهاست چیزی از اوپنهان نمی ماند و هیچ بازدارنده ای نمی تواند از خشم او جلوگیری کند و اوست گشاینده انجام دهنده دانا.

صحیفه بیست و هشتم صحیفه قرن ها

ای اخنوخ به مردم بگو آیا می پندارید که خداوند غیر شما را خلق نکرد یا جهانی دیگر غیر شما برای او وجود ندارد قرن ها پیش از شما گذشت و قبیله ها و بطون از بین رفتند و از چیرگی خداوند نکاستند.

صحیفه بیست و نهم صحیفه پناه آوردن

پناه بر خداوند از بیماری ها و مریضی ها از خواری و شرم و از ناراستی در دین و هلاکت در هوس و از شر شیطان سرکش و پادشاه ظالم و قرض ضرر رساننده. قلبت را با تقوا شستشو ده همانطور که لباس هایت را با آب می شویی و اگر جانت را دوست داری برای آن تلاش کن و راه آن را از دروغ پاکیزه دار و راه آن را ازپایین به بالا۔ و از مرگ به زندگانی بشکاف و خسته شو تا به راحتی برسی و با بی نیاز و وفادار تجارت کن تا بهره مند شوی و خوار بشمار تا مالک زیبایی های دنیا شوی که به سوی نابودی می شتابند و در حال جا به جایی است و بی نیازی آن را که رو به فقر است و خانه های آن را که رو به بیابان شدن است ارج منه. نسب های فرزندی و سبب های دنیوی را کوچک بشمار که در آخرت قطع شود و ثابت نماند و در معاد بریده نگردد و سودی نبخشد و باید کردار تو برای خدایی باشد که فرمانروای ملکوت آسمان است و بر مراتب بلندی دست یابی تا از مصیبت های هلاکت در امان باشی و از ریسمان اسارت رها گردی و از خدا کمک بخواه تا تو را یاری کند و از او هدایت خواه تا تو را راه نماید و بدان که تو به او نجات یابی و به تقوای او رفعت یابی و اوج گیری و همچون کسی مباش که نگاه می کند و فکر نمی کند.

این آخرین چیزی است که از صحیفه شریف مبارک ادریس که خداوند بر او نازل کرد به دست ما رسید. سلام خدا بر پیامبر ما و بر او و بر تمامی پیامبران و رسولان و خاندان سرور ما محمد و امامان معصوم و سپاس خدایی که پروردگار جهانیان است.

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

**[ترجمه]

[کلمه المصحّح الأولی]

ههنا تمّ کتاب الذکر و الدعاء و بتمامه تمّ المجلّد التاسع عشر من بحار الأنوار و یلیه فی الجزء الثالث و التسعین کتاب الزکاه أوّل أجزاء المجلّد العشرین بحول اللّه و قوّته.

و لقـد بـذلنا جهـدنا فی تصـحیحه و مقابلته فخرج بعون اللّه و مشـیئته نقیّا من الأغلاط إلّا نزراً زهیـداً زاغ عنه البصـر و من اللّه نسأل العصـمه عن الخطأ و الزلل.

السیّد إبراهیم المیانجی محمّد الباقر البهبودی

ص: ۴۷۴

وفصل الخطاب وأعين الحي الذي لا تنام وأنتم حكماء الله وبكم حكم الله وبكم عرف حق الله
لا إله إلا الله محمد رسول الله أنتم نور الله من بين أيدينا ومن خلفنا أنتم سنة الله التي
بها سبق القضاء يا أمير المؤمنين أنا لكم مسلّم تسليما لا أشرك بالله شيئا ولا أتخذ — وبكم وجب القضاء ن
من دونه وليا الحمد لله الذي هداني بكم وما كنت لأهتدي لولا أن هداني الله الله
أكبر الله أكبر الحمد لله على ما هدانا ذكر الصلاة والدعاء على دكة القضاء ثم امض إلى دكة
القضاء فصل عليها ركعتين تقرأ فيهما بعد الحمد ما أردت فإذا فرغت منهما وسلمت وسبحت تسبيح الزهراء
عليها السلام وقل يا مالكي ومملكي ومتغمدي بالنعم الجسام من غير استحقاق وجهي خاضع لما تعلوه الأقدام
لجلال وجهك الكريم لا تجعل هذه الشدة ولا هذه المحنة متصلة باستيصال الشأفة
وامنحني من فضلك ما لم تمنح به أحدا من غير مسألة أنت القديم الذي لم تزل ولا تزال صل — الأول خ
على محمد وآل محمد واغفر لي وارحمني وزك عملي وبارك لي في أجلي واجعلني من عتقائك
وطلقائك من النار برحمتك يا أرحم الراحمين ذكر الصلاة والدعاء في بيت الطشت المتصل
بدكة القضاء تصلي هناك ركعتين فإذا سلمت وسبحت فقل اللهم إني ذخرت توحيدي إياك
ومعرفتي بك وإخلاصي لك وإقراري بربوبيتك وذخرت ولاية من أنعمت علي بمعرفتهم
من بريتك محمد وعترته صلى الله عليهم ليوم فزعي إليك عاجلا وآجلا وقد فزعت إليك وإليهم
يا مولاي في هذا اليوم وفي موقفي هذا وسألتك ما زكى من نعمتك وإزاحة ما أخشاه من — ما ذكى خ ل
نقمتك والبركة فيما رزقتنيه وتحصين صدري من كل هم وجائحة ومعصية في ديني و
دنياي وآخرتي يا أرحم الراحمين ذكر الصلاة والدعاء في وسط المسجد تصلي هناك ركعتين تقرأ
في الأولى الحمد والصمد والثانية الحمد والكافرون فإذا سلمت وسبحت فقل اللهم أنت السلام ومنك
السلام وإليك يعود السلام ودارك دار السلام حينا ربنا منك بالسلام اللهم إني صليت
هذه الصلاة ابتغاء رحمتك ورضوانك ومغفرتك وتعظيما لمسجدك اللهم فصل على محمد
وآل محمد وارفعها في عليين وتقبلها مني يا أرحم الراحمين ثم امض إلى الأسطوانة السابعة
وقف عندها مستقبل القبلة وقل بسم الله وبالله وعلى ملة رسول الله ص ولا إله إلا الله محمد
رسول الله السلام على أبينا آدم وأمنا حواء السلام على هابيل المقتول ظلما وعدوانا

أقول وجدت في بعض مؤلفات قدماء
أصحابنا ويستحب أن تصلي في بيت الطشت
بزيج خ ل وهو متصل بدكة
القضاء ركعتين فقد
روي عن أبي عبد الله ع ذلك فإذا
سلمت فصل وذكر الدعاء ثم قال
السيد رحمه الله

صوره فتوغرافيه من نسخه الأصل بخطّ المؤلّف العلّامه المجلسيّ و هى أوّل صفحه من كتاب القرآن (الجزء ۹۲) من هذه الطبعه النفيسه



لان في تخيل القبر و الاظهر هو الوجه الاول كما فهمه الشيخ رحمه الله وغيره وحكموا باستقبال القبر مطلقا
وهو الموافق للاخبار الاخر الواردة في زيارة البعيد فالله يعلم يب احمد بن محمد بن عيسى عن ابن ابي
عمير عمن رواه قال قال ابو عبد الله عم اذا بعدت باحدكم الشقة ونأت به الدار فليعل على منزله وليصل
ركعتين وليوم بالسلام الى قبورنا فان ذلك يصل الينا ويسلم على الائمة عليهم السلم من بعيد كما يسلم
عليهم من قريب غير انك لا يصح ان تقول اتيتك زائرا بل تقول في موضعه قصدتك بقلبي زائرا اذ
عجزت عن حضور مشهدك ووجهت اليك سلامي لعلمي انه يبلغك صلى الله عليك فاشفع
لي عند ربك جل وعز وتدعو بما احببت اقول قوله ويسلم على الائمة عليهم السلم الى آخر الكلام من كلام
الشيخ وليس من تتمة الخبر كما يظهر من الكافي ومما اوردنا في اول الباب يب كا العدة عن احمد بن محمد
عن القاسم عن جده عن الحسين بن ثوير بن ابي فاختة قال كنت انا ويونس بن ظبيان والمفضل بن عمر
وابو سلمة السراج جلوسا عند ابي عبد الله عم وكان المتكلم يونس وكان اكبرنا سنا فقال له جعلت فداك
اني كثيرا ما اذكر الحسين صلوات الله عليه فاي شيء اقول فقال قل صلى الله عليك يا ابا عبد الله تعيد ذلك
ثلثا فان السلام عليه يصل اليه من قريب ومن بعيد اقول قال الشهيد رحمه الله في الذكرى قال ابن زهرة
رحمه الله من زار وهو مقيم في بلده قدم الصلوة ثم زار عقيبها وقال رحمه الله في الدروس يستحب
زيارة النبي والائمة صلى الله عليهم كل يوم جمعة ولو من البعيد واذا كان على مكان عال كان افضل اقول
لا يبعد القول بالتخيير للبعيد بين تقديم الصلوة وتاخيرها لورود الروايات بهما كما عرفت وما ذكره رحمه الله
من جواز الزيارة في اي مكان تيسر وان لم يكن موضعا عاليا لا يخلو من قوة لعمومات بعض ما مر من الاخبار
وان كان الافضل والاحوط ايقاعها في سطح عال او صحراء ق زيارة للحسين صلوات الله عليه
من بعيد البلاد السلام عليك يا ولي الله السلام عليك يا حجة الله السلام عليك يا نور الله في
ظلمات الارض السلام عليك يا امام المؤمنين وسلالة النبيين والوصيين وشاهد يوم الدين
السلام على جدك رسول الله سيد المرسلين وخاتم النبيين السلام على ابيك امير المؤمنين ووارث
علم النبيين السلام على امك فاطمة بنت رسول الله رب العالمين السلام على اخيك وشقيقك الحسن
امام المؤمنين وحجة رب العالمين اشهد انك واباءك الذين كانوا من قبلك وابناءك
الذين من بعدك موالي واوليائي واشهد انكم اصفياء الله وحجته البالغة على خلقه انتجبكم

ثم اعلم انا قد اوردنا زيارة جامعة للبعيد في باب زيارة النبي صلعم من البعيد فلا نعيدها

وخيرتكم

صوره فتوغرافيه من نسخه الأصل بخطّ المؤلّف العلّامه المجلسىّ -ره- و هى أوّل الجزء الثانى من المجلّد التاسع عشر (ابواب الأذكار و فضلها) تراها فى الجزء ۹۳ ص ۱۴۸ و ۱۴۹

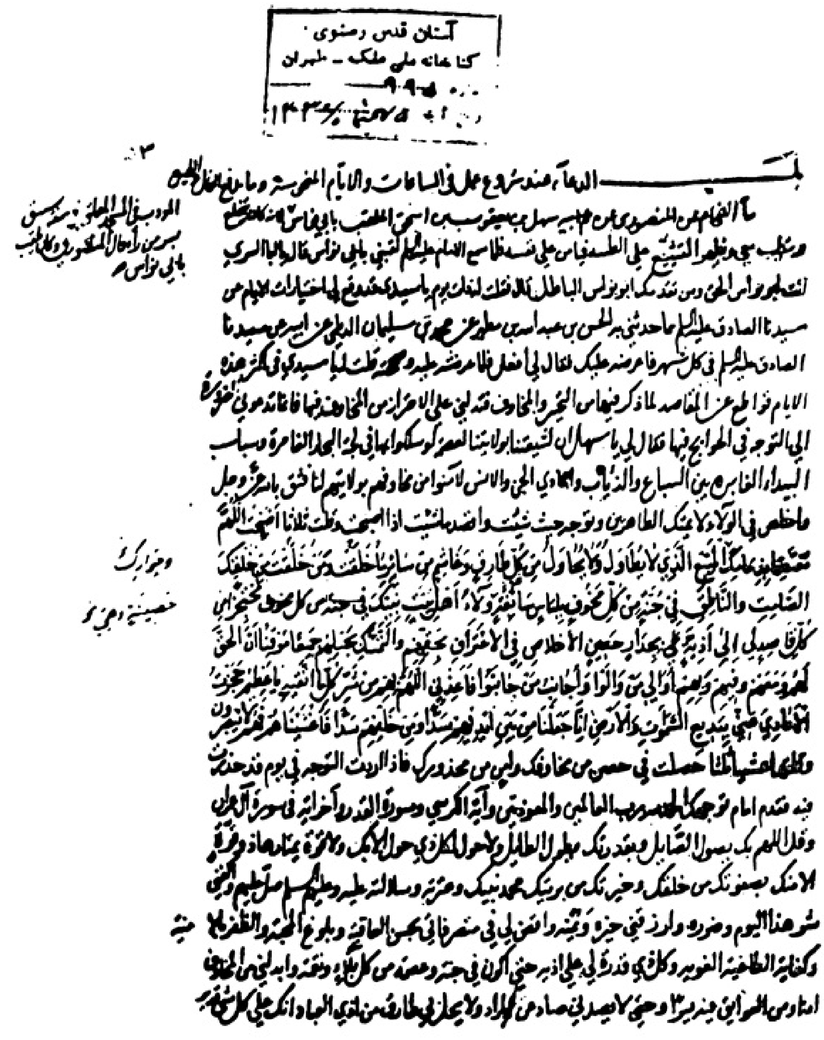


دائمة كثيرة متصلة لا انقطاع لها ولا زوال وأسأله بكم وأقدمكم أمام حوائجي فكونوا
لي شفعاء يا سادتي في فكاك رقبتي من النار وأن يقضي لي بكم حوائجي كلها للآخرة والدنيا
وأن يكفيني وأهلي وولدي والمؤمنين والمؤمنات شر كل ذي شر من الجن والإنس
من صغير أو كبير فقد رجوت أن لا انصرف من مشهدكم يا موالي صلوات الله عليكم إلا
بقضاء حوائجي وما فزعت إليك فيه ورجوته من حسن معونته وبركته ببركة زيارتك
صلوات الله عليك وعلى الأئمة من آبائك والأئمة من ولدك ورحمة الله وبركاته
ثم قبل الضريح وقل السلام عليكم يا آل محمد يا آل الله وأنصاره وظلال الله وأولاده لا يدركن
لكم مودتي ومحبتي ومواساتي ومالي فإنها مذخورة ونصرتي لكم معدة حتى يأذن الله
لكم فإن أمرتموني يا موالي أطعت وإن نهيتموني يا سادتي كففت وإن استنصرتموني
يا قادتي نصرت وإن استعنتموني يا سادتي أعنت وإن استنجدتموني يا هداتي أنجدت
وإن استعبدتموني يا موالي تعبدت فلكم يا أئمتي عبوديتي بعد الله تعالى طوعا
سرمدا وعليكم سلامي وتحياتي سلاما مجددا وصلوات الله عليكم ورحمة الله وبركاته
فإذا أردت الوداع فقل قد قضيت يا موالي بعض الإرب من زيارتك ولو فعلت
يا موالي ما يجب علي لجعلت عرصتك دار إقامة ولكنني من أبناء الدنيا الذي منها
كما جرت عادة من مضى فأسأل الله البار الرحيم أن يصلي على محمد وآله وأن لا يجعله
آخر العهد من زيارتكم وجميع المؤمنين إنه أرحم الراحمين وهو على كل شيء قدير
ثم ادع الله كثيرا بما أردت إن شاء الله تعالى أقول أوردت في هذا الكتاب من الجوامع بعدد المعصومين
صلوات الله عليهم أجمعين لكن أفضلها وأوثقها الثانية ثم الأولى والرابعة والخامسة والسادسة
والسابعة ثم العاشرة والثالثة ثم رأيت في بعض الكتب زيارات جامعة أخرى تركتها
أما لعدم الوثوق بها أو لتكرر مضامينها مع ما نقلناه وقد ذكر الكفعمي أيضا جامعة كبيرة
في البلد الأمين أوردتها في أعمال يوم الجمعة وفيما ذكرناه كفاية إن شاء الله تعالى
باب آخر في زيارتهم عليهم السلام في أيام الأسبوع والصلاة والسلام عليهم مفصلا ثم بالإسناد
إلى الصدوق عن ابن المتوكل عن علي بن إبراهيم عن عبد الرحمن بن أحمد الموصلي عن الصقر بن أبي دلف

(في الهامش: ببركة زيارتك ... / ومرت جامعة في باب زيارة النبي صلى ... مع البعد ص)

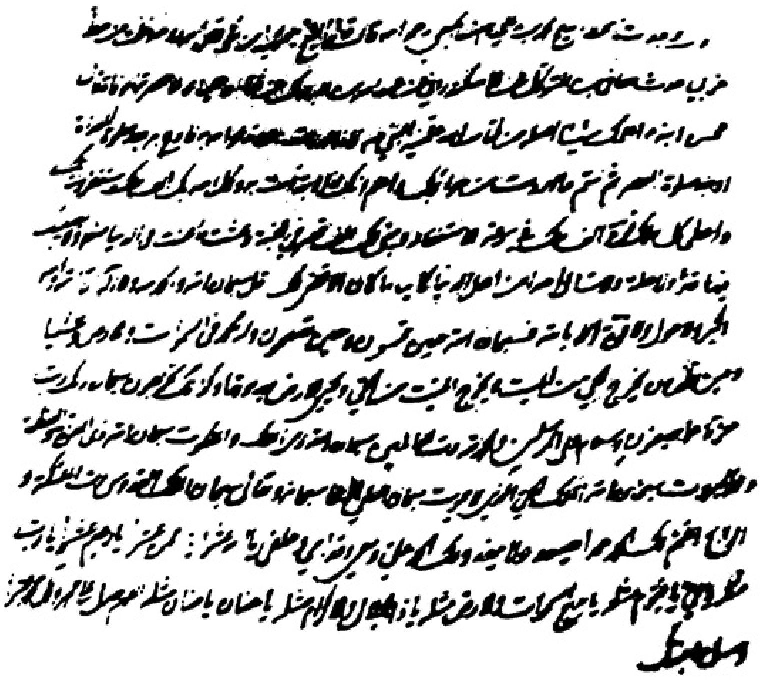
صوره فتوغرافيه فيها صفحتان من نسخه الأصل بخطّ يد المؤلّف العلامه المجلسیّ -ره- تراهما فی الجزء ۹۴ ص ۸۳-۸۵

تصویر



صوره فتوغرافیه من نسخه الأصل بخطّ المؤلّف العلّامه المجلسیّ -ره- و هی أوّل صفحه من الجزء ۹۵ هذا الّذی بین أیدیکم

تصویر



صوره فتوغرافيه من نسخه الأصل بخطّ المؤلّف العلّامه المجلسيّ -ره- ترى الصفحه فى الجزء ۹۵ هذا الّذى بين أيديكم ص ۱۷۹ و ۱۸۰

ص: ۴۷۸

**[ترجمه]ص: ۴۷۴

ص: ۴۷۵

ص: ۴۷۶

ص: ۴۷۷

ص: ۴۷۸

**[ترجمه]

كلمه المصحّح [الثانيه]

بسم اللّه الرّحمن الرّحيم

الحمد للّه و الصلاه و السلام على رسول اللّه و على آله أمناء اللّه.

و بعد: فقد تفضّل اللّه علينا و له الفضل و المنّ حيث اختارنا لخدمه الدين و أهله و قيّضنا لتصحيح هذه الموسوعه الكبرى و هى الباحثه عن المعارف الإسلاميّه الدائره بين المسلمين: أعنى بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمّه الأطهار عليهم السلام.

و هذا الجزء الذى نخرجه إلى القرّاء الكرام، هو آخر أجزاء المجلّد التاسع عشر (كتاب الذكر و الدعاء) و قد قابلناه على نسخه الكمبانىّ ثمّ على نسخه الأصل التى هى بخطّ يد المؤلّف العلّامه رضوان اللّه عليه و هى محفوظه فى خزانه مكتبه ملك بطهران تحت الرقم ۹۹۵ لكنّها ناقصه ينتهى عند الباب ۱۰۸ من كتاب الذكر و الدعاء فقابلناه على نسخه مخطوطه أخرى مصحّحه بعنايه العالم الفاضل عبد الباقى بن محمّد حسين الحسنىّ فى سنه ۱۱۸۷ و معذلك قابلناه على نصّ المصادر أو على الأخبار الأخر المشابهه للنصّ فى سائر الكتب، فسددنا ما كان فى النسخه من خلل و بياض و سقط و تصحيف فإنّ المجلّد التاسع عشر أيضا من مسوّدات قلمه الشريف رحمه اللّه عليه و لم يخرج فى حياته إلى البياض.

لفت نظر: قد أوعزنا فى مقدّمه الأجزاء السالفه من المجلّد التاسع عشر أنّ أجزاء نسخه الأصل و هى مسوده كالمبيّضه محفوظه فى خزانه مكتبه ملك بطهران تحت أرقام ۱۰۰۳ و ۹۹۷ و ۱۰۰۱ و ۹۹۵ على الترتيب و إليكم فى الصفحات الآتيه صور فتوغرافيّه منها و من اللّه التوفيق.

محمد الباقر البهبودىّ

ص: ۴۷۹

**[ترجمه]ص: ۴۷۹

**[ترجمه]

فهرس ما فی هذا الجزء من الأبواب

عناوین الأبواب/ رقم الصفحه

ص: ۴۸۰

ص: ۴۸۴

**[ترجمه]ص: ۴۸۰

ص: ۴۸۱

ص: ۴۸۲

ص: ۴۸۳

ص: ۴۸۴

**[ترجمه]

تعريف مركز

بسم الله الرحمن الرحيم

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

الزمر: ۹

المقدمة:

تأسّس مركز القائمية للدراسات الكمبيوترية فی أصفهان بإشراف آية الله الحاج السيد حسن فقيه الإمامی عام ۱۴۲۶ الهجری فی المجالات الدينية والثقافية والعلمية معتمداً على النشاطات الخالصة والدؤوبة لجمع من الإخصائيين والمثقفين فی الجامعات والحوزات العلمية.

إجراءات المؤسسة:

نظراً لقلة المراكز القائمة بتوفير المصادر فی العلوم الإسلامية وتبعثرها فی أنحاء البلاد وصعوبة الحصول على مصادرها أحياناً، تهدف مؤسسة القائمية للدراسات الكمبيوترية فی أصفهان إلى التوفير الأسهل والأسرع للمعلومات ووصولها إلى الباحثين فی العلوم الإسلامية وتقدم المؤسسة مجاناً مجموعة الكترونية من الكتب والمقالات العلمية والدراسات المفيدة وهی منظمة فی برامج إلكترونية وجاهزة فی مختلف اللغات عرضاً للباحثين والمثقفين والراغبين فيها.

وتحاول المؤسسة تقديم الخدمة معتمدة على النظرة العلمية البحتة البعيدة من التعصبات الشخصية والاجتماعية والسياسية والقومية وعلى أساس خطة تنوی تنظيم الأعمال والمنشورات الصادرة من جميع مراكز الشيعة.

الأهداف:

نشر الثقافة الإسلامية وتعاليم القرآن وآل بيت النبیّ عليهم السلام

تحفيز الناس خصوصا الشباب على دراسة أدقّ فی المسائل الدينية

تنزيل البرامج المفيدة فی الهواتف والحاسوبات واللابتوب

الخدمة للباحثين والمحققين فی الحوازت العلمية والجامعات

توسيع عام لفكرة المطالعة

تهميد الأرضية لتحريض المنشورات والكتّاب على تقديم آثارهم لتنظيمها فی ملفات الكترونية

السياسات:

مراعاة القوانين والعمل حسب المعايير القانونية

إنشاء العلاقات المترابطة مع المراكز المرتبطة

الاجتنباب عن الروتينية وتكرار المحاولات السابقة

العرض العلمی البحت للمصادر والمعلومات

الالتزام بذكر المصادر والمآخذ فی نشر المعلومات

من الواضح أن يتحمل المؤلف مسؤولية العمل.

نشاطات المؤسسة:

طبع الكتب والملزمات والدوريات

إقامة المسابقات فی مطالعة الکتب

إقامة المعارض الالکترونیة: المعارض الثلاثیة الأبعاد، أفلام بانوراما فی الأمکنة الدینیة والسیاحیة

إنتاج الأفلام الکرتونیة والألعاب الکمبیوتریة

افتتاح موقع القائمیة الانترنتی بعنوان : www.ghaemiyeh.com

إنتاج الأفلام الثقافیة وأقراص المحاضرات و...

الإطلاق والدعم العلمی لنظام استلام الأسئلة والاستفسارات الدینیة والأخلاقیة والاعتقادیة والردّ علیها

تصمیم الأجهزة الخاصة بالمحاسبة، الجوال، بلوتوث Bluetooth، ویب کیوسک kiosk، الرسالة القصیرة ((sms

إقامة الدورات التعلیمیة الالکترونیة لعموم الناس

إقامة الدورات الالکترونیة لتدریب المعلمین

إنتاج آلاف برامج فی البحث والدراسة وتطبیقها فی أنواع من اللابتوب والحاسوب والهاتف ویمکن تحمیلها علی ٨ أنظمة؛

١.JAVA

٢.ANDROID

٣.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

٧.CHM

٨.GHB

إعداد ۴ الأسواق الإلکترونیة للکتاب علی موقع القائمیة ویمکن تحمیلها علی الأنظمة التالیة

١.ANDROID

٢.IOS

٣.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

وتقدّم مجاناً فی الموقع بثلاث اللغات منها العربیة والانجلیزیة والفارسیة

الکلمة الأخیرة

نتقدم بکلمة الشکر والتقدیر إلی مکاتب مراجع التقلید منظمات والمراکز، المنشورات، المؤسسات، الکتّاب وکل من قدّم لنا المساعدة فی تحقیق أهدافنا وعرض المعلومات علینا.

عنوان المکتب المرکزی

أصفهان، شارع عبد الرزاق، سوق حاج محمد جعفر آباده ای، زقاق الشهید محمد حسن التوکلی، الرقم ١٢٩، الطبقة الأولی.

عنوان الموقع : : www.ghbook.ir

البرید الالکترونی : Info@ghbook.ir

هاتف المکتب المرکزی ٠٣١٣۴۴٩٠١٢۵

هاتف المکتب فی طهران ٨٨٣١٨٧٢٢ ـ ٠٢١

قسم البيع ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹شؤون المستخدمين ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹.


مركز القائمية اصبهان للبحوث والتحريات الكمبيوترية
للحصول على المكتبات الخاصه الاخرى
ارجعوا الى عنوان المـركز من فضلـكم
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
و للايصاءِ من فضلكم
٠٩١٣ ٢٠٠٠ ١٠٩